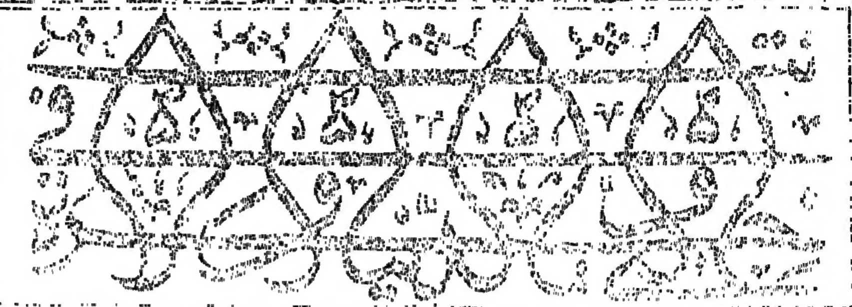

ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل العبادة وسيلة لنيل السعادة في الآخرة
شکر و سپاس خدا را که گردانید عبادت را وسیله برای تحصیل سعادت در آن جهان
والاولى والصلوة والسلام على سيد الورى محمد وعترته ائمة الهدى
و اینجهان و درود و سلام بر سرور انام محمد و اولاد او که پیشوایان هدایت
اما بعد بنده خاطی محمد باقر بن محمد تقی عفا الله عن جرائمهما بر الواح ضمایر ارباب
ایمان و اخلاص مرتسم می‌گرداند که چون جناب مقدس ایزد تعالی شانه برای هدایت گمگشتگان
بوادی ضلالت و جهالت طریق عبادت از صوم و صلوة و دعا و عبادات که شرف قرب و ثواب نصیب سعادتمندان
است مقرر گردانیده و از حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیه و علیهم اجمعین ادعیه
و اعمال بسیار منقول گردیده که کتب علما مشحون است از آنها و این حقیر در اخبار ائمه اطهار
صلوات الله الملک الغفار اکثر آنها را در کتاب بحار الانوار ایراد نموده و چون اکثر خلق
باشتغال بانواع اشتغال دنیویه از تحصیل آنها و عمل بجمیع آنها معذورند

[illegible] عن بیان فضائل ایام و بیان شریفه و اعمال آنها که باسانید صحیحه و معتبره وارد شده است
در این رساله ایراد نماید که عامه خلق از برکات آنها محروم نباشند و مسایله که این بنده عاصی را بدعا مغفرت
یاد نمایند و مسمی گردانیدم بزاد المعاد عسی الله ان یهدینا وایاهم الی سبیل الرشاد و چون
اتمام این رساله و آغاز و انجام این عجاله در زمان دولت عدالت اثر و اوان سلطنت سعادت اثر اعلیحضرت
سلاطین پناه سرور خواقین دوران شیرازه اوراق ملت و دین نقاوه احفاد سید المرسلین آب و رنگ
گلستان مصطفوی چشم و چراغ دودمان مرتضوی سلطان جم خدم و خاقان فریدون حشم شجاعت آثاری
که تیغ [illegible] های کفار زهر [illegible] دار البوار و حسام آتش بارش برای خرمن حیات
مخالفان معاندان [illegible] یرسل علیکما شواظ من نار دستهای اعیان فرق رفعت
شان [illegible] رفیع بنیانش با کف الخضیب بوستان [illegible] صوفیان صفوت نشان بفرزندی عالی
خلود دولت ابد توامان [illegible] سدرة المنتهی [illegible] که تیغ خلاف از نیام کین کشیده
چون [illegible] بر خود [illegible] آفتاب [illegible] صورت مرگ خود را در آن معاینه دیده
جبین [illegible] عقده [illegible] کار بستگان گشاد [illegible] سحاب ربیع الهامی [illegible] کام
موسس قواعد ملت و دین مروج شریعت آبای طاهرین [illegible] درگاه خلایق پناهش [illegible] التقبیل
شفاه سلاطین زمان [illegible] و خواقین دوران [illegible] وجلالش [illegible] اقل من سنا
القصر [illegible] السلطان الاعظم والخاقان الاعدل الاکرم ملجا الاکاسرة وملاذ
القیاصرة محیی مراسم الشریعة الغرا و مشید قواعد الملة البیضا السلطان بن السلطان والخاقان
بن الخاقان الشاه سلطان حسین الموسوی الحسینی الصفوی بهادرخان لازالت رایات دولته
مرفوعه و [illegible] اعدائه مقموعه [illegible] تحفه آن بارگاه خلایق امیدگاه گردانیده امید که مقبول
طبع اشرف گردیده و آن اعلیحضرت از فوائد آن منتفع گردد بمحمد و آله الطاهرین والله الموفق
والمعین و آن مشتمل است بر چهارده باب و خاتمه باب اول در فضائل و اعمال ماه
مبارک رجب است و آن مشتمل است بر پنج فصل فصل اول در بیان فضائل
این ماه و عبادات است بدانکه این ماه و ماه شعبان و ماه رمضان بهترین ماههای سال اند

واز حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که حرمت ماه رجب و شعبان بدارد و وصل نماید روزه آنها
بروزه ماه مبارک رمضان این ماههای مبارک در روز قیامت گواهان او باشند نزد خدای تعالی و در آن
روز منادی از افق اعلی ندا کند که ای رجب و شعبان و ماه رمضان چگونه بود عمل این بنده در شما
و طاعت او از برای خدا آن ماهها همه گویند که این بنده توشه گرفت در ما برای طاعت تو و استمداد کرد از فضل
و رحمت از تو نمود و سعی بسیار در طلب خشنودی تو کرد و تا توانست اهتمام در تحصیل محبت تو نمود پس
گواهی میدهند ملائکه که موکل اند برین ماهها که ما نیز یافتیم این بنده را طلب کننده طاعات و خشنودی تو
و امیدوار رحمت و آمرزش تو بود و آنچه را نهی کرده بودی ترک کرد و آنچه از او طلبیده بودی بسوی
آنها مسارعت نمود و روزه کامل از برای تو داشت و شکم و فرج و گوش و چشم و سایر جوارح او از آنچه
بر او حرام کرده بودی اجتناب کرد و روزها را با تشنگی بشب رسانید و در شبها خود را بتعب
انداخت برای بندگی تو و تصدق بفقرا و مساکین بسیار داد و احسان بسیار نسبت به بندگان
تو نمود و با این ماهها مصاحبت نیکو کرد و چون از اینها جدا شد وداع نیکو کرد و بعد از رفتن آنها هم
پیرامون محرمات تو نگردید و نیکو بنده بود این بنده پس حق تعالی فرماید که ببرید این بنده را به بهشت
و استقبال کنند او را ملائکه من با تحفه ها و کرامتها و او را بر شتران و اسپان بهشت سوار کنند و ببرند بسوی قصری
که هرگز زوال ندارد و خانه که فانی نمیشود و سرائی که جوانانش پیر نمیشوند و شادی و خوشحالی آن زوال
ندارد و هرگز ایشان را تعب نمیباشد و از عذاب ایمن میگردند و مشقت حساب برای ایشان نیست
و ایضا از آنحضرت منقولست که ماه رجب ماه بزرگ خداست و ماهی در حرمت و فضیلت
بآن نمیرسد و قتال با کافران درین ماه حرام است و رجب ماه خداست و شعبان ماه منست
و ماه رمضان ماه امت منست کسیکه یک روز از ماه رجب روزه دارد مستوجب خشنودی
بزرگ خدا گردد و غضب الهی از او دور گردد و دری از درهای جهنم بر روی او بسته گردد
و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر منقولست که یکروز از ماه رجب روزه داشتن آتش جهنم را
یکساله راه از او دور گرداند و هرکه سه روز از آن روزه دارد بهشت از برای او واجب گردد
و ایضا فرمود که رجب نام نهریست در بهشت از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر که هر که یک روز

باب چهاردهم در آداب سفر … خاتمه در بیان بعضی از فوائد متفرقه و هر یک ازین ابواب بر دوازده فصل مشتمل است … و بمجالس المتقین مسمی گردانیده …

از رجب روزه دارد البته از [illegible] بیاشامد و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است

که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که ماه رجب ماه استغفار امت منست پس بسیار در این ماه طلب آمرزش

کنید که خدا آمرزنده و مهربانست و رجب را اصب میگویند زیرا که رحمت خدا در این ماه بر امت من بسیار ریخته میشود پس بسیار بگوئید

أستغفر الله وأسأله التوبة

طلب آمرزش میکنم از خدا و سؤال میکنم از او پذیرفتن توبه را

و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هرکه سه روز از ماه رجب روزه بدارد بهر روزی ثواب روزه
یکساله برای او نوشته شود و هرکه هفت روز از آن روزه بدارد درهای جهنم بر روی او بسته گردد و هرکه هشت روز
از آن روزه بدارد درهای بهشت بر روی او گشوده شود و هرکه پانزده روز از آن روزه بدارد خدا او را حساب
آسان کند و هرکه جمیع ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی خوشنودی خود را برای او بنویسد و هرکه خدا خوشنودی
خود را برای او بنویسد هرگز او را عذاب نکند و ابن بابویه رحمه الله بسند معتبر از سالم روایت کرده است که گفت
رفتم بخدمت حضرت صادق علیه السلام در اواخر ماه رجب چند روز از آن ماه مانده بود چون نظر
مبارک آنحضرت بر من افتاد پرسید که آیا روزه گرفته در این ماه گفتم نه والله یا ابن رسول الله فرمود که
آنقدر ثواب از تو فوت شده است که قدر آنرا بغیر از خدا کسی نمیداند بدرستیکه این ماهیست که خدا آنرا بر
ماههای دیگر فضیلت داده است و حرمت آنرا عظیم گردانیده است و برای روزه داران آن گرامی داشتن
را بر خود واجب گردانیده است پس گفتم یا ابن رسول الله اگر در باقی مانده این ماه روزه بدارم آیا بعضی از
ثواب روزه داران آن را دریابم فرمود که ای سالم هرکه یک روز از آخر این ماه روزه بدارد خدا او را ایمن
گرداند از شدت سکرات مرگ و از هول بعد از مرگ و از عذاب قبر و هرکه دو روز از آخر این ماه روزه
بدارد بر صراط بآسانی بگذرد و هرکه سه روز از آخر این ماه روزه بدارد ایمن گردد از ترس بزرگ روز قیامت
و از شدتها و هولهای آن روز و برات بیزاری از آتش جهنم را باو عطا کنند و ایضا از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه روایت است که هرکه یک روز [illegible] از آن روزه بدارد گناهان
گذشته او [illegible] روز از اول یا میان یا آخر ماه رجب روزه بدارد گناهان گذشته او آمرزیده
گردد و هرکه [illegible] حق تعالی او را از آتش جهنم آزاد گرداند و قبول کند شفاعت او را در [illegible]

[illegible]

گناهکار و هرکه درین ماه تصدق از برای خدا بکند خداوند غفار در بهشت نعمتی چند باو عطا فرماید که چشمی ندیده باشد و گوشی نشنیده باشد و بر خاطر کسی خطور نکرده باشد و ایضا بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که چون روز قیامت شود منادی از میان عرش ندا کند که کجایند جمعی که روزه میگرفتند پس گروهی بیرون آیند که نور رویهای ایشان جمیع اهل محشر را روشن گرداند و تاج پادشاهی بر سر ایشان باشد که بجواهر مکلل باشد و با هر یک از ایشان هزار ملک بوده باشد از جانب راست و هزار ملک از جانب چپ و همه ایشان را ندا کنند که گوارا باد ترا کرامتهای حق تعالی ای بنده خدا پس خداوند رحمان ندا کند ایشان را که ای بندگان و کنیزان من بعزت و جلال خود سوگند یاد میکنم که شما را در ماه رجب نیکو سالکن کردانم و عطاهای شما را بزرگ گردانم و عطا کنم بشما از بهشت غرفه‌ها که نهرها در زیر آنها جاری باشند و همیشه در آن غرفه‌ها باشید و نیکو مزدیست مزد کارکنان از برای من اینکه بر شما واجب کردانم روزه داشتید از برای من در ماهی که حرمت آنرا عظیم گردانیده بودم و حق او را واجب ساخته بودم ای ملائکه من بندگان و کنیزان مرا داخل بهشت گردانید پس حضرت فرمود که این همه ثوابها برای کسیست که چیزی از ماه مبارک رجب را روزه بدارد اگرچه یک روز باشد از اولش یا میانش یا آخرش و بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که هرکه روز اول ماه رجب را روزه دارد حق تعالی در قیامت از و خوشنود باشد و هرکه دو روز روزه دارد خدا بغایت از و خوشنود و راضی گردد و او را خوشنود گرداند و هرکه سه روز از آن روزه دارد خداوند کریم از و راضی گردد و خصمان او را از و راضی گرداند در قیامت و هرکه هفت روز از آن روزه دارد چون بمیرد درهای هفت آسمان برای روح او گشوده شود تا بملکوت اعلی برسد و هرکه هشت روز از آن روزه بدارد هشت در بهشت بر روی او گشوده شود و هرکه پانزده روز از آن روزه بدارد هر حاجت که از حق تعالی بطلبد برآورده شود مگر آنکه سؤال او برای گناهی باشد یا متضمن قطع رحم باشد و هرکه تمام ماه را روزه بدارد از گناهان بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده باشد و از آتش جهنم آزاد گردد و داخل بهشت گردد و باید گزیدگان و نیکوکاران احادیث درین باب بسیار است این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد

فصل دوم

در بیان اعمالی است که کسی که از روزه عاجز باشد یا بر او دشوار باشد بعوض آن بعمل آورد بعضی از روایات معتبره وارد شده است که بدل روزه مستحب یک درم تصدق کند که موافق ...

تقریبا هفتاد دینار بوده باشد و بروایت دیگر عوض روزه یکمد گندم یا جو وارد شده است و احوط

آنست که صد درم شاهی است و ظاهر آنست که صد درم کهنه کافی باشد و در روایتی در خصوص روزه ماه رجب

یکمد گندم یا نان نیز وارد شده است اگر قادر بر روزه نباشد و حمل کرده اند بر کسیکه پریشان

باشد و قادر بر درم و مد نباشد و ایضا در خصوص ماه رجب از حضرت رسول وارد شده است

که بعوض روزه اگر قادر بران نباشد هر روز صد مرتبه این تسبیحات را بخواند تا ثواب روزه را بیابد

سُبْحَانَ الْاِلٰهِ الْجَلِيْلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيْحُ اِلَّا لَهُ سُبْحَانَ

پاک است معبودی بزرگوار پاک است کسی که سزاوار نیست بپاکی یاد کردن مگر برای او پاک است آنکه

الْاَعَزِّ الْاَكْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَهُوَ لَهُ اَهْلٌ

غالبتر و گرامی تر است پاکست آنکه پوشید بزرگی را و حال آنکه او برای پوشیدن آن سزاوار است

و در روایت معتبره وارد شده است که هر که بمنزل برادر مؤمن خود وارد شود و قصد روزه سنت کرده

باشد و او طعامی حاضر سازد و او را تکلیف کند ثواب افطار کردن زیاده از ثواب روزه داشتن است

هفتاد برابر و اگر اظهار نکند که روزه ام ثواب آن بیشتر است برابر یکساله روزه است و زن اگر روزه سنت

داشتن بی رخصت شوهر و غلام و کنیز را بی رخصت مالک و فرزند را بی رخصت پدر و مادر و مهمان را بی رخصت مهماندار

و مهماندار را بی رخصت مهمان از احادیث ظاهر میشود که خوب نیست و مشهور میان علما آنست که روزه سنت مملوک

بدون اذن مالک باطل است و همچنین روزه سنت زن بی رخصت شوهر صحیح نیست و در پدر و مادر مشهور آنست

که روزه سنت فرزند بدون اذن ایشان مکروه است و باطل نیست و بعضی گفته اند که بی رخصت پدر باطل است

و احوط آنست که بدون اذن پدر و مادر روزه سنت ندارد و در روزه سنت مهمان بدون رخصت مهماندار

نیز خلاف است و احوط آنست که مهمان و مهماندار هیچیک بی رخصت دیگری روزه مستحب ندارد و اگر چه اظهر

آنست که مکروه است **فصل سوم** در بیان اعمال هر شب و هر روز است بسند معتبر منقول است که حضرت امام

زین العابدین علیه السلام در روز اول ماه رجب این دعا را خواندند و علما ذکر کرده اند که در هر روز سنت است خواندن

يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِيْنَ وَيَعْلَمُ ضَمِيْرَ الصَّامِتِيْنَ لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ مِنْكَ

ای آنکه مالک است حاجتهای درخواهندگان را و میداند درون دل خاموشان را از برای هر سؤال از تو

سَمْعٌ حَاضِرٌ وَجَوَابٌ عَتِيدٌ اللّٰهُمَّ وَمَوَاعِيدُكَ الصَّادِقَةُ وَاَيَادِيكَ الْفَاضِلَةُ

گوشی است بینا و جوابی مهیا خداوندا وعده‌های تو راست است و نعمتهای تو افزون است

وَرَحْمَتُكَ الْوَاسِعَةُ فَاَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَقْضِيَ حَوَائِجِي

و رحمت تو فراخ است پس میخواهم از تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و آنکه برآوری حاجتهای مرا

لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و بسند معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام

که بجهت دنیا و آخرت است بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی — در هر روز ماه رجب این دعا را میخوانده‌اند

خَابَ الْوَافِدُونَ عَلٰى غَيْرِكَ وَخَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ اِلَّا لَكَ وَضَاعَ الْمُلِمُّونَ اِلَّا بِكَ

ناامید شدند واردشدگان بر غیر تو و زیان کردند فراپیش آیندگان مگر تو و تباه شدند فرود آیندگان مگر بتو

وَاَجْدَبَ الْمُنْتَجِعُونَ اِلَّا مَنِ انْتَجَعَ فَضْلَكَ بَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاغِبِينَ وَخَيْرُكَ

و قحط زده شدند طالبان معروف مگر آنکه طلب نمود فضل ترا در تو گشوده است برای خواهش مندان و خیر تو

مَبْذُولٌ لِلطَّالِبِينَ وَفَضْلُكَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِينَ وَنَيْلُكَ مُتَاحٌ لِلْآمِلِينَ

بخشیده شده است برای طلب کنندگان احسان تو حلال است برای خواهندگان و عطای تو مقدر است برای امیدواران

وَرِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ وَحِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نَاوَاكَ عَادَتُكَ

و روزی تو پهن کرده شده برای آنکه نافرمانی ورزد ترا و بردباری تو در پیش آینده است مر کسی که دشمنی کند با تو خوی تو

الْاِحْسَانُ اِلَى الْمُسِيئِينَ وَسَبِيلُكَ الْاِبْقَاءُ عَلَى الْمُعْتَدِينَ اللّٰهُمَّ

نیکوئی کردن است بسوی بدکاران و طریقه تو مدارا و رحم کردن است بر تجاوز نمایندگان خداوندا

فَاهْدِنِي هُدَى الْمُهْتَدِينَ وَارْزُقْنِي اجْتِهَادَ الْمُجْتَهِدِينَ وَلَا تَجْعَلْنِي

پس هدایت کن مرا مانند هدایت راه یافتگان و روزی کن مرا کوشش کوشش نمایندگان و مگردان مرا

مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ وَاغْفِرْ لِي يَوْمَ الدِّينِ

از بی خبران و دور شدگان و بیامرز مرا در روز جزا

و ایضا بسند معتبر منقولست که محمد بن ذکوان بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که فدای تو شوم این ماه رجب است مرا دعائی تعلیم نما که حق تعالی مرا بآن نفع بخشد حضرت فرمود که در هر روز ماه رجب صبح و شام بعد از نمازهای روز و شب بخوان

يا من ارجوه لكل خير وامن سخطه عند كل شر يا من يعطى

ای آنکه امید دارم از و برای هر نیکی و ایمنم از غضب او نزد هر بدی ای آنکه می بخشد

الكثير بالقليل يا من يعطى من سأله يا من يعطى من لم يسأله

بسیاری را بعوض اندک ای آنکه عطا میکند آنرا که سوال کند از و ای آنکه عطا میکند آنرا که سوال نکند از و

ومن لم يعرفه تحننا منه ورحمة اعطنى بمسألتى اياك جميع خير

و آنرا که نشناسد او را بجهت عطوفت و مهربانی خود عطا کن مرا بسوال من از تو همه نیکیهای

الدنيا وجميع خير الاخرة واصرف عنى بمسألتى اياك جميع شر الدنيا

دنیا و همه نیکیهای عقبی را و بگردان از من بسوال من از تو همه بدیهای دنیا

وشر الاخرة فانه غير منقوص ما اعطيت وزدنى من فضلك يا كريم

و بدیهای آخرت را زیرا که بتحقیق کم نمی گردد آنچه بخشیدی و زیاده کن برای من از احسان خود ای کریم

پس حضرت ریش مبارک خود را بدست چپ گرفتند و انگشت سبابه دست راست

خود را بجانب راست و چپ حرکت میدادند و این دعا را خواندند

يا ذا الجلال والاكرام يا ذا النعماء والجود يا ذا المن والطول

ای خداوند بزرگواری و کرم ای خداوند نعمت و بخشش ای خداوند عطا و احسان

حرم شيبتى على النار

حرام گردان موی سفید مرا بر آتش

و دست برنداشتند تا از آب دیده اثر ریش مبارکش تر شد و شیخ طوسی بسند معتبر روایت

کرده که حضرت صادق علیه السلام بمعلی بن خنیس گفت که در ماه رجب این دعا را بخوان

اللهم انى اسألك صبر الشاكرين لك وعمل الخائفين منك ويقين

خداوندا سوال میکنم از تو شکیبائی شکر کنندگان ترا و کردار ترسندگان از تو و یقین

العابدين لك اللهم انت العلى العظيم وانا عبدك البائس الفقير

پرستندگان ترا خداوندا تو بلند مرتبه بزرگ مقداری و من بنده تو بدحال محتاج

فصل سوم

وَاَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَاَنَا الْعَبْدُ الذَّلِيلُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْنُنْ

و تو بی نیازی و ستوده و من بنده خوارم بارخدایا رحمت فرست بر محمد و آل او و منت گذار

بِغِنَاكَ عَلٰى فَقْرِي وَبِحِلْمِكَ عَلٰى جَهْلِي وَبِقُوَّتِكَ عَلٰى ضَعْفِي يَا قَوِيُّ

به بی نیازی خود بر تنگدستی من و به بردباری خود بر نادانی من و بتوانائی خود بر ناتوانی من ای توانا

يَا عَزِيزُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَاكْفِنِي

ای غالب خداوندا رحمت بفرست بر محمد و فرزندان او که جانشینان پیغمبراند پسندیده کان ~~...~~ کفایت کن

مَا اَهَمَّنِي مِنْ اَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

انچه را که غمگین سازد مرا از دنیا و عقبی ای مهربانی کننده ترین مهربانی کنندگان

و از روایت سید بن طاوس علیه الرحمه ظاهر می شود که این دعا جامع ترین دعاهاست و در همه اوقات می تواند خواند و شیخ طوسی و سید و دیگران بسندهای معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السلام روایت کرده اند که سنت است که در هر روز از روزهای ماه مبارک رجب این دعا را بخواند

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي وَابْنِهِ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحق دو فرزند متولد شده در ماه رجب محمد بن علی دوم و پسر او

عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ وَاَتَقَرَّبُ بِهِمَا اِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرَبِ يَا مَنْ اِلَيْهِ

علی بن محمد برگزیده و نزدیکی میجویم بوسیله آن دو بسوی تو بهترین نزدیکیها ای آنکه بسوی او

الْمَعْرُوفُ طُلِبَ وَفِيمَا لَدَيْهِ رُغِبَ اَسْاَلُكَ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ

احسانی طلب کرده میشود و در انچه نزد اوست رغبت کرده میشود سوال میکنم ترا مانند سوال گناهکار

قَدْ اَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ وَاَوْثَقَتْهُ عُيُوبُهُ فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا دُؤُوبُهُ

بتحقیق هلاک کرده باشد او را گناهان او و استوار بسته باشد او را عیبهای او و بسیار طول کشیده باشد بر گناهان

وَمِنَ الرَّزَايَا خُطُوبُهُ يَسْاَلُكَ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْاَوْبَةِ وَالنُّزُوعَ

و از مصیبتها امور عظیمه او خواهد از تو توبه را و خوبی بازگشت را و بازایستادن

عَنِ الْحَوْبَةِ وَمِنَ النَّارِ فَكَاكَ رَقَبَتِهِ وَالْعَفْوَ عَمَّا فِي رِبْقَتِهِ

از گناه‌ها و از آتش آزادی کردن خود را و درگذشتن از آنچه در گردن بند اوست

فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَثِقَتِهِ اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ

پس توئی ای آقای من بزرگترین آرزوی او و اعتماد او خداوندا و سوال میکنم ترا بسوالهای

الشَّرِيفَةِ وَوَسَائِلِكَ الْمُنِيفَةِ أَنْ تَتَغَمَّدَنِي فِي هَذَا الشَّهْرِ

بلند پایه و وسیلهای با رفعت تو آنکه بپوشانی مرا در این ماه

بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَاسِعَةٍ وَنِعْمَةٍ وَازِعَةٍ وَنَفْسٍ بِمَا رَزَقْتَهَا

برحمتی از خود فراگیرنده و نعمتی بازدارنده و نفسی که بوده باشد بانچه روزی کرده ای او را

قَانِعَةٍ إِلَى نُزُولِ الْحَافِرَةِ وَمَحَلِّ الْآخِرَةِ وَمَا هِيَ إِلَيْهِ صَائِرَةٌ

خشنود تا فرود آمدن در قبر و مکان آن سرا و آنچه آن نفس بسوی آن چیز بازگشت کننده است

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که در جمیع ماه رجب هر بامداد و پسین هفتاد مرتبه بگوید

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

طلب آمرزش میکنم از خدا و رجوع میکنم بسوی او

پس دستها را بسوی آسمان بردارد و بگوید

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ

بارخدایا بیامرز مرا و بپذیر توبه مرا

و این استغفار در جمیع ایام سال سنت است هزار مرتبه سوره قل هو الله احد در جمیع ماه خواندن ثواب بسیار در آن وارد شده است اگر خواهد در یکروز بخواند و اگر خواهد هر روز قدری بخواند که در تمام ماه هزار مرتبه خوانده باشد و ایضا منقول است که هر که هزار مرتبه لا اله الا الله در جمیع ماه بگوید صد هزار حسنه برای او نوشته شود و حق تعالی شهری در بهشت برای او بنا کند و در هر شب از شبهای این ماه هزار مرتبه لا اله الا الله وارد شده است و صد مرتبه این استغفار نیز منقول است و در جمیع این ماه اگر چهارصد مرتبه بخواند فضیلت بسیار دارد

أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

طلب آمرزش میکنم از خدائیکه نیست سزاوار پرستش مگر او در حالیکه یگانه است نیست انباز برای او و رجوع میکنم بسوی او

و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که در شب بیست و دوم ماه شعبان

[illegible] مرتبه سوره حمد و آیة الکرسی و سوره قل یا ایها الکافرون و سوره قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق [illegible] مرتبه

سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

پاکست خدا و جمیع سپاس خدا راست و نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگترست و نیست بازگشتی [illegible]

إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و سه مرتبه بگوید اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و سه مرتبه بگوید

مگر بیاری خدای بلند قدر بزرگ مرتبه — خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ و چهارصد مرتبه أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

خداوندا بیامرز مردان مؤمن و زنان مؤمنه را — طلب آمرزش میکنم خدا را و رجوع میکنم بسوی او

بگوید گناهانش را بیامرزد اگرچه بعدد قطره های باران و برگ درختان و کف دریاها باشد و در سوره [illegible]

حق تعالی او را ندا کند که براستی تو دوست منی و بهر حرفی ترا شفاعتی میدهیم در برادران و خواهران مؤمن تو

و حضرت فرمود که اگر در عمری یکبار این العمل آورد حق تعالی بهر حرفی هفتاد هزار حسنه با و عطا کند

هر حسنه از جمیع کوههای دنیا سنگین تر باشد و هفتصد حاجت او را در وقت مردن و هفتصد حاجت او را در قبر و هفتصد

حاجت او را در وقت بیرون آوردن از قبر و مثل آنرا در وقت پرواز کردن نامه های اعمال و در نزد سنجیدن

اعمال در میزان و نزد صراط برآورده و او را در سایه عرش خود جا دهد و حساب کند او را [illegible]

آسان و هفتاد هزار ملک او را مشایعت کنند تا داخل بهشت شود و باو عطا کند آنچه [illegible]

و هیچ گوشی نشنیده باشد **فصل چهارم** در بیان فضائل و اعمال شب روز اول [illegible]

پانزدهم در شب اول ماه غسل سنت است و منقولست که هر که در شب اول ماه رجب و شب [illegible]

و شب آخر آن غسل کند از گناهان بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده [illegible]

و در وقت دیدن ماه دعای صحیفه کامله را بخواند که بهترین دعاها در وقت [illegible]

تا از در چشم [illegible] کرد و در [illegible] این سنت منقول است [illegible] ماه رجب [illegible]

اللّهمّ اهلّه علینا بالامن والایمان والسلامة والاسلام ربّی وربّک الله عزّ وجلّ

خداوندا طالع گردان این ماه را بر ما با ایمنی از بلاها و ایمان و سلامتی و اسلام پروردگار من و پروردگار تو خداست غالب و بزرگوار

و در شب اول و روز اول زیارت حضرت امام حسین علیه السلام فضیلت بسیار دارد و در حدیث وارد شده است که هر که در اول رجب آنحضرت را زیارت کند بهشت او را واجب شود البته و احیای شب اول رجب سنت است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که تا توانی [illegible] یا شب ماه رمضان و شب عید قربان و شب اول محرم و شب عاشورا و شب اول رجب و شب نیمه شعبان و در این شبها دعا و نماز و تلاوت قرآن بسیار بکن و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در شب اول رجب بعد از نماز عشا این دعا بخوان

اللّهمّ انّی اسئلک بانّک ملیکٌ وانّک علی کلّ شیءٍ مقتدرٌ وانّک

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بآنکه تو پادشاهی و بآنکه بتحقیق تو بر همه چیز توانائی و آنکه بتحقیق تو

ما تشاء من امرٍ یکون اللّهمّ انّی اتوجّه الیک بنبیّک محمّدٍ نبیّ الرحمة

آنچه خواهی از امری میشود خداوندا بدرستیکه من رو آوردم بسوی تو بوسیله پیغمبر تو محمد پیغمبر رحمت

صلواتک علیه وآله یا محمّد یا رسول الله انّی اتوجّه بک الی الله ربّی وربّک

رحمتهای تو بر او و آل او باد ای محمد ای فرستاده خدا بدرستیکه من رو آوردم بسوی خدا پروردگار من و پروردگار تو

لینجح بک طلبتی اللّهمّ بنبیّک محمّدٍ والائمّة من اهل بیته انجح طلبتی

تا برآورده شود بسبب تو حاجت مرا بار خدایا بحق پیغمبر خود محمد و بحرمت پیشوایان از خانواده او برآور حاجت مرا

پس حاجت خود را طلب نماید و سی رکعت نماز نیز وارد شده است هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت حمد و یک مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند تا از بلاهای دنیا و عذاب آخرت ایمن گردد و شیخ و دیگران بسند معتبر روایت کرده اند که حضرت امام موسی علیه السلام در شب اول ماه رجب بعد از آنکه از نماز شب فارغ می شدند این دعا را در سجده میخواندند

لک المحمدة ان اطعتک ولک الحجّة ان عصیتک لا صنع لی ولا لغیری فی احسان

مر تراست ستودن اگر فرمان برداری کنم ترا و مر تراست حجت اگر نافرمانی کنم ترا نیست کاری مرا و نه غیر مرا در نیکوئی

إلا بك يا كائنا قبل كل شيء ويا مكون كل شيء إنك على كل شيء

مگر بتوفیق تو ای موجود پیش از هر چیز و ای پدید آورنده هر چیز بدرستیکه تو بر هر چیز

قدیر اللهم إني أعوذ بك من العديلة عند الموت ومن شر المرجع في

توانائی خداوندا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو از عدیله نزد مردن و از بدی بازگشت در

القبور ومن الندامة يوم الآزفة فأسألك أن تصلي على محمد وآله

قبرها و از پشیمانی در روز رستخیز پس میخواهم از تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل او

وأن تجعل عيشتي عيشة نقية وميتتي ميتة سوية ومنقلبي منقلبا

و آنکه بگردانی زندگانی مرا زندگانی پاکیزه و مردن مرا مردن درست هموار و بازگشت مرا بازگشت

كريما غير مخز ولا فاضح اللهم صل على محمد وآله الأئمة ينابيع الحكمة

گرامی که نباشد خوار سازنده و نه رسوا نماینده خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او پیشوایان چشمه های دانش

وأولي النعمة ومعادن العصمة واعصمني بهم من كل سوء ولا تأخذني

و صاحبان نعمت و کانهای عصمت و نگاهدار مرا بسبب ایشان از هر بدی و مگیر مرا

على غرة ولا على غفلة ولا تجعل عواقب أعمالي حسرة وارض عني فإن

بر فریفتگی و نه بر غفلت و مگردان آخرهای کردارهای مرا افسوس خوشنود باش از من پس بدرستیکه

مغفرتك للظالمين وأنا من الظالمين اللهم اغفر لي ما لا يضرك و

آمرزش تو برای ستمکاران است و من از ستمکارانم خداوندا بیامرز برای من گناهی را که ضرر نمی رساند

أعطني ما لا ينقصك فإنك الوسيع رحمته البديع حكمته وأعطني

بده چیزیکه کم نمیگرداند ترا زیرا که تو آنکسی که فراخ شونده است رحمت او بی نظیر است حکمت او و ببخش مرا

السعة والدعة والأمن والصحة والبخوع والقنوع والشكر والمعافاة

فراخی در رفاهیت و ایمنی و صحت و فروتنی و قناعت و سپاس گذاری و عافیت

والتقوى والصبر والصدق عليك وعلى أوليائك واليسر والشكر واعمم

و پرهیزکاری و شکیبائی و راستی بر تو و بر دوستان تو و توانگری و شکرگزاری و فرو گیر

بذلک یا رب اهلی و ولدی واخوانی فینا ومن احببت و احبنی

از این عطا ای پروردگار من اهل من و فرزندان من و برادران من را و آنکه دوست دارم و آنکه دوست دارد مرا

و ولدت و ولدنی من المسلمین والمسلمات والمؤمنین والمؤمنات یا رب العالمین

و آنرا که زائیدم من و آنکه زائیده مرا از مردان مسلم و زنان مسلمه و مردان گرونده و زنان گرونده ای پروردگار جهانیان

وایضا باسند معتبر منقولست که مستحب است بعد از سلام تعقیب از نماز شب این دعا را بخواند

الحمد لله الذی لا ینفد خزائنه ولا یخاف آمنه رب ان ارتکبت المعاصی

سپاس مر خدایرا که بپایان نمیرسد خزانه او و نمی ترسد امان یافته او پروردگار من اگر مرتکب شوم گناهانرا

فذلک ثقة بکرمک انک تقبل التوبة عن عبادک وتعفو عن

پس آن بسبب اعتماد بکرم تست بدرستیکه تو می پذیری توبه را از بندگان خود و در میگذری از

سیئاتهم وتغفر الزلل فانک مجیب لداعیک ومنه قریب فانا

بدیهای ایشان و می آمرزی لغزشها پس بدرستیکه تو اجابت کننده مر خواننده خود را و از وی نزدیکی پس

تائب الیک من الخطایا وراغب الیک فی توفیر حظی من العطایا

رجوع کننده ام بسوی تو از گناهان و رغبت نماینده ام بسوی تو در وافر گردانیدن بهره من از بخششها

یا خالق البرایا یا منقذی من کل شدیدة یا مجیری من کل محذور

ای پدید آورنده خلائق ای رهاننده من از هر سختی ای پناه دهنده من از هر مخوف

وفر علی السرور واکفنی شر عواقب الامور فانت الله علی نعمائک

تمام گردان بر من شادی را و دفع کن از من بد انجام کارها را زیرا که بتحقیق توئی خدا بر نعمتهای خود

وجزیل عطائک مشکور ولکل خیر مذخور

و عطای بزرگ خود شکر کرده شده و برای هر نیکی ذخیره کرده شده

وایضا از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه منقولست که بعد از نماز وتر این دعا را نیز بخواند

یا نور النور یا مدبر الامور یا مجری البحور یا باعث من فی القبور یا کهفی

ای نور همه نورها ای تدبیر کننده کارها ای روان سازنده دریاها ای برانگیزنده مردگان در قبرها ای پناه من

فصل ... حرام است مردان را پوشیدن لباسی که مخصوص زنان باشد ... و همچنین حرام است زنان را پوشیدن لباسی که مخصوص مردان باشد مانند کلاه و قبا و عمامه و همچنین جایز نیست پوشیدن لباسی که مخصوص کافران باشد مانند کلاه های فرنگی و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست ...

فصل ... در آداب ...

حين تعييني المذاهب وكنزي حين تعجزني المكاسب وموئلي حين

هنگامی که مانده سازد مرا راهها و ذخیره من هنگامی که عاجز نماید مرا کسبها و پناه من هنگامی که

تحقق بي الاباعد وتملني الاقارب ومنزهي بمجالسة اوليائه ومرافقة

ستم کنند مرا بیگانگان و ملول سازند مرا یگانگان و آنکه نزهت بخشنده من به همنشینی دوستان خود و رفاقت

احبائه في رياضه وساقي بهوا نسيمه من نمير حياضه وشافعي

دوستان خود در بوستانهای خود و آب دهنده من به نسیم خود از آب گوارای حوضهای خود و شفاعت

بمجاورته من ورطة الذنوب الى ربوة التقريب ومبدلي بولايته

به همسایگی خود از پستی گناهان بسوی بلندی نزدیکی خود و ای بدل دهنده مرا به دوستی خود

عزة العطايا من ذلة الخطايا اسالك يا مولاي بالفجر والليالي العشر

ارجمندی بخششها از خواری گناهان سؤال میکنم از تو ای آقای من بحرمت صبح و شبهای ده گانه

والشفع والوتر والليل اذا يسر وبما جرى به قلم الاقلام بغير

و بحرمت شفع و وتر و شب هرگاه بپایان رسد و بحرمت آنچه روان شده بآن قلم قلمها بی

كف ولا ابهام وباسمائك العظام وبحججك على جميع الانام عليهم

کف دستی و نه انگشت ابهامی و بحرمت نامهای بزرگ تو و بحرمت حجتهای تو بر همه خلق بر ایشان

منك افضل السلام وبما استحفظتهم من اسمائك الكرام

از تو بهترین درودها و بحرمت آنچه امر بحفظ آن نموده ایشان را از آن نامهای گرامی تو

ان تصلي عليهم وترحمنا في شهرنا هذا وما بعده من الشهور والايام

اینکه رحمت بفرستی بر ایشان و رحم کنی بر ما در ماه ما این ماه و آنچه پس از آن است از ماهها و روزها

وان تبلغنا شهر الصيام في عامنا هذا وفي كل عام يا ذا الجلال

و اینکه برسانی ما را بماه روزه‌ها در سال ما این سال و در هر سالی ای خداوند بزرگواری

والاكرام والمنن الجسام وعلى محمد وآله منا افضل السلام

و گرامی داشتن و نعمتهای بزرگ و بر محمد و آل او از ما بهترین درودها

واعمال وادعیه این شب بسیارست و روزه روز اول فضیلت بسیار دارد و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در روز اول ماه رجب حضرت نوح ع بکشتی سوار شد و امر
کرد جمیع جن و انس را که با او در کشتی بودند روزه بدارند و هرکه آن روز را روزه بدارد
آتش جهنم یکساله راه از او دور گردد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هرکه روزه
بدارد روز اول ماه رجب از برای رغبت در ثواب خدا بهشت او را واجب شود و هرکه یکروز
از وسط این ماه روزه بدارد حق تعالی شفاعت او را قبول نماید در مانند ربیعه و مضر که دو قبیله
عظیم اند از قبائل عرب و هرکه یکروز از آخر این ماه روزه بدارد حق تعالی او را از پادشاهان بهشت
گرداند و قبول کند شفاعت او را در حق پدر و مادر و دختر و پسر و برادر و خواهر و عمو و عمه و خالو و خاله
او و جمیع همسایگان او و آشنایان او هرچند همه مستوجب جهنم بوده باشند و شیخ طوسی و دیگران
از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت کرده اند که گفت در آخر روز جمادی الثانی رفتم بخدمت حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله حضرت فرمود که ای سلمان تو از ما اهل بیتی پس فرمود که هر مرد و زن مؤمن
مومنه که در ماه رجب سی رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و سه مرتبه سوره قل هو
الله احد و سه مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون بخواند البته حق تعالی محو کند از نامه عمل او هر گناهی که در خردی
و بزرگی کرده باشد و خدا عطا کند باو ثواب کسی که تمام آن ماه را روزه گرفته باشد و تا سال آینده
حق تعالی او را از نمازگزارندگان بنویسد و بهر روز آن ماه ثواب شهیدی از شهیدان جنگ بدر برای
آن باسمان برند و بهر روزی که آن ماه روزه بدارد عبادت یکساله در نامه عمل او بنویسند و هزار
درجه در بهشت از برای او بلند کنند و اگر تمام ماه را روزه بدارد خدا او را از آتش جهنم نجات
بدهد و بهشت را از برای او واجب گرداند ای سلمان جبرئیل این نماز را از برای من آورد
و گفت یا محمد این علامتست میان شما و منافقان زیرا که منافقان این نماز را نمیکنند گفتم
یا رسول الله چگونه این نماز را بکنم و در چه وقت بجا آورم فرمود که در روز اول ماه رجب ده
رکعت بجا می آوری یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و سه مرتبه سوره
قل هو الله احد و سه مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون میخوانی و بعد از هر سلام دست بسوی آسمان بلند کن و بگو

لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت و

نیست معبودی بحق مگر خدا در حالیکه یگانه است نیست شریکی برای او مر او راست پادشاهی و مر او راست سپاس زنده میسازد و میمیراند

هو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير اللهم لا مانع لما

او زنده است که نمی میرد بدست اوست نیکی او بر همه چیز توانا است بار خدایا نیست باز دارنده آنچه

اعطيت ولا معطي لما منعت ولا ينفع ذا الجد منك الجد

بخشش کنی و نه بخشنده آنچه که باز داری تو و سود نمی بخشد خداوند بخت را از تو بخت

پس دستها را بر روی خود میکشی و در روز وسط ماه یعنی روز پانزدهم ده رکعت بهمان نحو بجا میآوری

و بعد از سلام دستها بسوی آسمان بر میداری و میگوئی

لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت و

نیست معبودی بحق مگر خدا حال آنکه یگانه است نیست شریکی برای او مر او راست پادشاهی و مر او راست سپاس زنده میسازد و میمیراند

هو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير الها

او زنده ایست که نمی میرد بدست اوست نیکی و او بر همه چیز توانا است ستایش میکنم خدا را

واحدا احدا فردا صمدا لم يتخذ صاحبة ولا ولدا

که بی مانند یگانه یکتا پناه محتاجان است فرا نگرفته هیچ زنی و نه فرزندی

پس دستها را بر روی خود میکشی و در روز آخر ماه ده رکعت بهمان نحو میکنی و بعد از سلام

دست بر میداری و میگوئی

لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت و

نیست معبودی بحق مگر خدا حال آنکه یگانه است نیست شریکی برای او و مر او راست پادشاهی و مر او راست سپاس زنده میسازد و میمیراند

هو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير وصلى الله على

او زنده ایست که نمی میرد بدست اوست نیکی و او بر همه چیز توانا است و رحمت فرستد خدا بر

محمد واله الطاهرين ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

محمد و آل پاکان او و نیست بازگردیدن از گناه و نه توانائی بر طاعت مگر بتوفیق خداوند بلند قدر بزرگ

پس دستها را بر روی خود بمال و حاجت خود را بطلب که البته بر آورده است و حق تعالی میان تو و جهنم هفت خندق قرار میدهد که عرض هر خندقی بقدر ما بین آسمان و زمین بوده باشد و بعدد هر رکعت ثواب هزار هزار رکعت در نامهٔ عمل تو می نویسد و برات بیزاری از جهنم و گذشتن بر صراط برای تو می نویسد و منقولست که هر که در روز جمعهٔ اول ماه رجب صد مرتبه قل هو الله احد بخواند حق تعالی در روز قیامت باو نوری عطا کند که بآن نور داخل بهشت گردد و در حدیث معتبر وارد شده است که حضرت امام محمد باقر در روز جمعهٔ اول ماه رجب متولد شده و موجب زیادتی شرف این روز گردیده و در روایتی وارد شده است که ولادت حضرت امام علی نقی علیه السلام در روز دوم ماه رجب واقع شده و بروایت دیگر روز سوم ماه رجب واقع شده و بروایت ابراهیم بن هاشم وفات آنحضرت در روز سوم واقع شده است و ابن عیاش گفته است که ولادت آنحضرت در روز پنجم این ماه واقع شده است و ولادت حضرت امام محمد تقی ع در دهم این ماه واقع شده است و بعضی از روایات در فضیلت خصوص دهم وارد شده است و در فضیلت ایام البیض ماه رجب احادیث معتبره وارد شده است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی فضیلت سه ماه را باین امت داده است که باحدی از امتهای گذشته نداده است ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان و سه شب باین امت داده است که بامتهای دیگر نداده است شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم و سه سوره باین امت داده است که مثل آنها بامتهای پیش نداده است سورهٔ یس و سورهٔ تبارک الذی بیده الملک و سورهٔ قل هو الله احد پس هر که جمع کند میان این سه فضیلت جمیع فضائل این امت را جمع کرده خواهد بود پرسیدند که چگونه جمع کند فرمود که در شب سیزدهم هر یک از این سه ماه دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند و در شب چهاردهم چهار رکعت نماز بگذارد بدو سلام و در هر رکعت بخواند بعد از حمد این سه سوره را و در شب پانزدهم شش رکعت بجا آورد بسه سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند تا جمیع فضیلت این سه ماه را بیابد و جمیع گناهانش آمرزیده شود

بغیر از شرک بخدا و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه ایام البیض ماه رجب را روزه
دارد حق تعالی بهر روز ثواب عبادت یکساله روزه یکساله برای او بنویسد و در قیامت او را
در محل الیمان باز دارد که هیچ بیم و خوف نداشته باشد و مشهور آنست که ولادت باسعادت حضرت
امیر المومنین ع در میان کعبهٔ معظمه در روز سیزدهم ماه رجب بود و دوازده سال قبل از مبعوث
شدن حضرت رسول ص و علی بن ابراهیم گفته است که ولادت حضرت امام علی نقی نیز در روز سیزدهم
ماه رجب بود در سال دویست و چهارده از هجرت و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل آن
سنت است و احیای آن بعبادت فضیلت بسیار دارد و از حضرت رسول ص منقولست که در
شب نیمهٔ رجب حق تعالی امر میکند ملائکه را که هر گناهی که در دیوان عمل مومنان باشد محو کنند و ایضا
از آنحضرت منقولست که هرکه روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم رجب روزه بدارد و در شبهای
آنها مشغول عبادت باشد از دنیا نرود مگر با توبهٔ نصوح بهر روزی که روزه داشته باشد هفتاد
گناه کبیرهٔ او آمرزیده شود و هفتاد حاجت او برآورده شود و در وقتیکه از قبر بیرون میاید و نزد میزان
و نزد صراط و جنان باشد که هفتاد بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کرده باشد و شفاعت او را قبول
کنند در هفتاد نفر از اهلبیت و خویشان او که مستحق جهنم شده باشند و حق تعالی بنا کند برای او
در جنات فردوس هفتاد هزار شهر و در هر شهری هفتاد هزار قصر بوده باشد و در هر قصری هزار حوریه
باشد و هر حوریه هفتاد هزار خادم داشته باشد و شیخ طوسی علیه الرحمه بسند صحیح از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده است که در شب نصف رجب دوازده رکعت نماز بجا می آوری که
بشش سلام با حمد و هر سوره که خواهی چون فارغ شوی هر یک از سورهٔ حمد و قل اعوذ برب
الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی را چهار مرتبه میخوانی پس چهار مرتبه
میگوئی سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ پس میگوئی
پاک است خدا و سپاس خدا راست و نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگتر است
اَللهُ اَللهُ رَبِّي لَا اُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَمَا شَاءَ اللهُ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ
خدا خدا پروردگار من است شریک نمیکنم با او هیچ چیز را و آنچه میخواهد خدا و نیست توانائی مگر بتوفیق خدا

و در شب و روز زیارت حضرت امام حسین علیه السلام سنت موکده است و بسند صحیح از ابن ابی نصر روایت است

که از حضرت امام رضا علیه السلام سوال کرد که زیارت امام حسین علیه السلام در کدام وقت بهتر است فرمود

که در نیمه رجب و نیمه شعبان و در روز پانزدهم نماز سلمان را باید کرد بکیفیتی که گذشت و بسند معتبر از حضرت

صادق علیه السلام منقولست که حضرت امیر المؤمنین ع در این روز چهار رکعت نماز کرد و دستهای خود را گشود

و این دعا را خواند پس فرمود که هر که بشدتی و غمی مبتلا گردد و این دعا بخواند البته کرب و شدت او زایل

میگردد و این چهار رکعت را بدو سلام کند و هر سوره که میخواهد بخواند

اَللّٰهُمَّ يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ وَ مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ اَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ

ای خدایا ای خوار سازنده هر گردنکشی و عزیز دارنده گروندگان تو پناه منی هنگامی که عاجز کنند مرا راهها

وَ اَنْتَ بَارِئُ خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَ قَدْ كُنْتَ عَنْ خَلْقِي غَنِيّاً وَ لَوْ لَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ

و تو پدید آورنده خلقت مرا از راه مهربانی بمن و حال آنکه بتحقیق بودی از آفرینش من بی نیاز و اگر نبودی رحمت تو هر آینه بودمی

مِنَ الْهَالِكِينَ وَ اَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى اَعْدَائِي وَ لَوْ لَا نَصْرُكَ اِيَّايَ

از نابودگان و تو قوت دهنده مرا بیاری دادن بر دشمنان من اگر نمی بود یاری دادن تو مرا

لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ يَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَ مُنْشِئَ الْبَرَكَةِ

هر آینه می بودم از رسوا شدگان ای فرستنده رحمت از معدنهای آن و آفریننده برکت

مِنْ مَوَاضِعِهَا يَا مَنْ خَصَّ بِالشُّمُوخِ وَ الرِّفْعَةِ فَاَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ يَا

از جاهای آن ای آنکه مخصوص است به بلندی و رفعت پس دوستان او بعزت او عزیز اند ای

مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى اَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ

آنکه گذاشته اند برای او پادشاهان لباد خواری بر گردنهای خود پس ایشان از حملهای او ترسانند

اَسْاَلُكَ بِكَيْنُونِيَّتِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ كِبْرِيَائِكَ وَ اَسْاَلُكَ بِكِبْرِيَائِكَ

میخواهم از تو بکینونیت تو که بیرون آورده آنرا از بزرگواری خود و میخواهم از تو ببزرگواری تو

الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ عِزَّتِكَ وَ اَسْاَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي اسْتَوَيْتَ بِهَا عَلَى عَرْشِكَ

که بیرون آورده آنرا از عزت خود و میخواهم از تو بعزت تو که استیلا دارد بآن بر عرش خود

فخلقت بها جميع خلقك فهم لك مذعنون أن تصلي على محمد و أهل بيته

پس آفریدی بآن همه خلق را پس ایشان برای تو منقادند آنکه رحمت بفرستی بر محمد و اهل بیت او
پس حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید بدانکه عمده اعمال نصف رجب دعای ام داود است
که ابن بابویه و شیخ طوسی و سید ابن طاوس رضی الله عنهم بسندهای معتبر روایت کرده اند و برای
برآمدن حاجات و کشف کربات و رفع ظلم ظالمان مجربست و مجمل روایتش آنست که فاطمه مادر داود
بن الحسن پسرزاده حسن مجتبی علیه السلام دایه حضرت امام جعفر صادق بود و شیر داود آنحضرت را
شیر داده بود و چون محمد بن عبدالله بن الحسن در مدینه خروج کرد و منصور دوانقی لشکر فرستاد و او را
کشتند و ابراهیم برادر محمد را نیز شهید کردند و عبدالله بن الحسن و جمعی از سادات حسنی را با غل
و زنجیر از مدینه بعراق بردند داود نیز در میان آنها بود و ام داود گفت چون مدتی از حبس فرزند من
گذشت و از و خبری بمن نرسید پیوسته دعا و تضرع میکردم و از صلحا و بزرگان و برادران مؤمن
استدعای دعا مینمودم و ایشان تقصیر نمیکردند و مطلقا اثر استجابت نمی یافتم و گاهی خبر بمن میرسید
که داود را کشتند و گاهی میگفتند که او را با پسران عم او زنده در زیر عمارت گذاشتند و روز بروز
مصیبت من عظیم تر و اندوه من بیشتر میشد تا آنکه از غم گداختم و پیر شدم و از ملاقات او نا امید شدم
تا آنکه روزی شنیدم که حضرت صادق را علتی عارض شده است بعیادت آنحضرت رفتم چون احوال
گرفتم و دعا کردم خواستم که برگردم حضرت فرمود که از داود چه خبر داری و من شیر داود را بپستان آن
حضرت داده بودم چون نام داود را شنیدم گریستم و گفتم فدای تو شوم داود کجاست و در عراق محبوس
است و من از ملاقات او قطع امید کرده ام و از شما التماس میکنم که او را دعا کنید او برادر رضاعی شما است
حضرت فرمود چرا غافلی از دعای استفتاح که دعای اجابت و نجاح آن دعائیست که درهای آسمان
برای آن گشوده میشود و ملائکه استقبال میکنند خواننده آنرا و بشارت میدهند او را باجابت و آن
دعائیست که از حق سبحانه و تعالی محجوب نمیگردد و خواننده آنرا ثوابی نیست بغیر از بهشت ام داود
گفت ای فرزند رسول الله چه چیز است آن دعا و چگونه است آن دعا حضرت فرمود که ای ام داود ماه
محترم رجب نزدیک شده است و آن ماهیست مبارک و حرمت آن عظیم است و دعاها

در این مستجاب است چون آن ماه درآید سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم آنرا که ایام البیض اند روزه بدار
پس حضرت کیفیت آن عمل را تعلیم او نمود و فرمود که این دعا را حفظ کن و بهر کس تعلیم مکن که می ترسم
بدست کسی افتد که از برای امر باطل و نامشروعی این دعا را بخواند بدرستیکه این دعا بسیار شریف
است و مشتمل است بر اسم اعظم خدا که هر که بخواند البته حاجت او برآورده میشود و اگر درهای آسمان
و زمین بسته شود یا دریا حائل باشد میان تو و حاجت تو چون این دعا را بخوانی البته
حق تعالی آسان میگرداند رسیدن ترا بمطلب تو و حاجت ترا برمی آورد هر که این دعا را بخواند
خدا مستجاب میگرداند خواه مرد باشد خواه زن و اگر جن و انس همه دشمن پسر تو باشد خداوند کفایت
شر ایشان میکند و زبان ایشانرا می بندد و ایشانرا منقاد فرزند تو میگرداند ام داود گفت
که حضرت این دعا را برای من نوشت و بخانه برگشتم و چون ماه رجب شد آنچه حضرت فرموده
بود بعمل آوردم و در شب شانزدهم نماز شام و خفتن را ادا کردم و از روزه افطار کردم
و قدری عبادت کردم و بخواب رفتم در خواب دیدم جمیع ملائکه و پیغمبران و شهدا و عبّاد را که بر من
بر ایشان صلوات فرستاده بودم و حضرت رسول مرا خطاب فرمود که ای مادر داود
بشارت باد ترا که این جماعت که می بینی همه برادران و یاوران و شفیعان تو اند و از برای تو
طلب آمرزش میکنند و بشارت میدهند ترا بآنکه حاجت تو برآورده است پس بشارت باد ترا بآمرزش
خدا و خوشنودی خدا و خدا ترا جزای خیر دهد شاد باش که حق تعالی فرزند ترا حفظ میکند و بتو
برمیگرداند انشاء الله تعالی ام داود گفت که از خواب بیدار شدم و بعد از آن بآن قدر زمان
که سوار تند رو از عراق بمدینه آید داود به نزد من آمد و گفت ای مادر من در عراق در زندان
بسیار تنگی و سنگینی بند و زنجیر بودم و نا امید بودم از خلاص شدن چون شب نصف رجب شد
در خواب دیدم که بلندیهای زمین پست شد و ترا دیدم که بر روی حصیر نماز خود نشسته
بودی و بر دور تو مردانی چند بودند که سرهای ایشان در آسمان بود و پاهای
ایشان در زمین و تسبیح و تنزیه خدا میکردند پس یکی از ایشان که از همه خوشروتر و خوشبوتر
بود و جامه های بسیار پاکیزه در بر داشت و گمان کردم که حضرت رسالت پناه جد من است

خطاب کرد با من که بشارت باد ترا ای فرزند عجوزهٔ صالحه که حق تعالی دعای ترا در حق تو
مستجاب گردانید چون بیدار شدم رسولان منصور دوانقی به زندان رسیده آمدند
در میان شب مرا نزد او بردند پس امر کرد که زنجیرها را از من برداشتند و ده هزار درهم که زیاده
از هزار تومان بود بحساب آن زمان بمن عطا کرد و فرمود که مرا بر شتر سواری سوار کنند و بنهایت
سرعت بمدینه بیاورند ام داود گفت که من داود را نزد حضرت صادق ع بردم حضرت فرمود
که سبب خلاصی تو آن بود که منصور حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را در خواب دید که باو فرمود
که رها کن فرزند مرا و اگر نکنی ترا در این آتش می اندازم چون نظر کرد دریایی از آتش در زیر پای
خود دید از دهشت بیدار شد و از کردهٔ خود پشیمان گردید و ترا رها کرد و اما کیفیت این عمل شریف
ام داود گفت که حضرت صادق علیه السلام فرمود که در ماه مبارک رجب روز سیزدهم و چهاردهم و
پانزدهم را روزه بدار و در روز پانزدهم در وقت زوال غسل بکن و به روایت دیگر نزدیک بزوال
غسل بکن و چون زوال معلوم شود پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بخانهٔ خلوتی برو و سعی
کن که کسی نزد تو نیاید که ترا مشغول گرداند و با تو سخن بگوید و هشت رکعت نافلهٔ زوال را بعمل
آور و رکوع و سجود آنها را خوب بعمل آور پس نماز ظهر را با آداب و شرایط بعمل آور و بعد از نماز
فریضهٔ ظهر دو رکعت نماز بکن بهر سوره که خواهی و بعد از آن صد مرتبه بگو

یَا قَاضِیَ حَوَائِجِ الطَّالِبِینَ

ای رواکنندهٔ حاجتهای درخواست کنندگان

پس هشت رکعت نافلهٔ عصر را با آداب و شرایط بجا می آوری و در بعضی از روایات وارد
شده است که در هر رکعت از نافله بعد از حمد هفت مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و یک مرتبه سوره
انا اعطیناک الکوثر بخوان پس نماز عصر را با خشوع و آداب بجا آورد و در روایتی وارد شده است
که بر روی حصیر پاکیزه بنشین پس صد مرتبه سورهٔ حمد و صد مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و ده مرتبه آیة
الکرسی بخوان پس بعد از هر یک از این سوره ها یک مرتبه بخوان سورهٔ انعام و بنی اسرائیل و کهف
و ... و یس و الصافات و حم سجده و حم عسق و حم دخان و انا فتحنا و اذا وقعت

و تبارک الذی بیده الملک و نون والقلم و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن اگر نتوانی این سوره‌ها

را بخوانی مصحف درست بخوانی بعوض هم هزار مرتبه قل هو الله احد بخوان و شیخ مفید علیه الرحمه گفته

است که اگر ندانی یا نتوانی این سوره‌های مخصوص بخوانی صد مرتبه سوره حمد و ده مرتبه آیة الکرسی هزار

مرتبه سوره قل هو الله احد را بخوان و این احوط است و در روایت دیگر وارد شده است که پیش از حمد صد مرتبه بگوید

سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ و بعد از آیة الکرسی صد مرتبه بگوید

پاک است خدا و سپاس مر خدا را و نیست سزاوار پرستشی مگر خدا و خدا بزرگتر است

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و خاندان محمد

و آیة الکرسی ... خواند صد مرتبه سوره حمد و هزار مرتبه سوره قل هو الله احد

... است که تا هم فیها خالدون بخواند و دعا اینست

... صَدَقَ اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ

... مهربان راست گفت خدای بزرگ که نیست سزاوار پرستشی مگر او زنده

... ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الَّذِي

... بزرگواری و گرامی داشتن بخشاینده مهربان بردبار بزرگوار که

... لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ

... نیست ... او چیزی و اوست شنوا بینا دانا آگاه گواهی داد خدا اینکه نیست معبودی

إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

غیر او و گواهی داده اند فرشتگان و صاحبان دانش در حالتی که خدا برپا است بعدل نیست سزاوار پرستشی مگر او غالب درستکردار

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللهِ الْإِسْلَامُ وَبَلَّغَتْ رُسُلُهُ الْكِرَامُ وَأَنَا عَلٰى ذٰلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ

بدرستیکه دین پسندیده نزد خدا اسلام است و رسانیدند فرستادگان بزرگوار او و من بر آن از جمله گواهانم

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الْمَجْدُ وَلَكَ الْعِزُّ وَلَكَ الْفَخْرُ وَلَكَ الْقَهْرُ وَلَكَ النِّعْمَةُ

بار خدایا مر تراست ... مر تراست بزرگواری و مر تراست غلبه و مر تراست نازش و مر تراست غلبه و مر تراست نعمت

خطاب کرد بامن که بشارت باد ترا ای فرزند عجوزهٔ صالحه که حق تعالی دعای ترا در حق تو مستجاب گردانید چون بیدار شدم رسولان منصور رسیدند و آنها بدر زندان رسیده مرا طلب نمودند در میان شب مرا نزد او بردند پس امر کرد که زنجیرها را از من برداشتند و ده هزار درهم که زیاده از هزار تومان بود بحساب آنزمان بمن عطا کرد و فرمود که مرا بر شتر سواری سوار کنند و بنهایت سرعت بمدینه بیاورند ام داود گفت که من داود را بخدمت حضرت صادق ع بردم حضرت فرمود که سبب خلاصی تو آن بود که منصور حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه را در خواب دید که باو فرمود که رها کن فرزند مرا و اگر نکنی ترا درین آتش می اندازم چون نظر کرد دریای آتشی در زیر پای خود دید از وحشت بیدار شد و از کردهٔ خود پشیمان گردید و ترا رها کرد و اما کیفیت این عمل شریف ام داود گفت که حضرت صادق علیه السلام فرمود که در ماه مبارک رجب روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه بدار و در روز پانزدهم در وقت زوال غسل بکن و بروایت دیگر نزدیک بزوال غسل بکن و چون زوال معلوم شود پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بخانهٔ خلوتی برو و سعی کن که کسی نزد تو نیاید که ترا مشغول گرداند و با تو سخن بگوید و هشت رکعت نافلهٔ زوال را بعمل آور و رکوع و سجود آنها را خوب بعمل آور پس نماز ظهر را با آداب و شرائط بعمل آور و بعد از نماز فریضهٔ ظهر دو رکعت نماز بکن بهر سوره که خواهی و بعد از آن صد مرتبه بگو

یَا قَاضِیَ حَوَائِجِ الطَّالِبِیْنَ

ای بر آورندهٔ حاجتهای درخواهندگان

پس هشت رکعت نافلهٔ عصر را با آداب و شرائط بجا می آوری و در بعضی از روایات وارد شده است که در هر رکعت از نافلهٔ عصر بعد از حمد سه مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و یک مرتبه سورهٔ انا اعطیناک الکوثر بخوان پس نماز عصر را با خشوع و آداب بجا آور و در روایتی وارد شده است که بر روی حصیر پاکیزه بنشین پس صد مرتبه سورهٔ حمد و صد مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخوان پس هر یک از این سوره ها را یک مرتبه بخوان سورهٔ انعام و بنی اسرائیل و کهف و لقمان و یس و الصافات و حم سجده و حم عسق و حم دخان و انا فتحنا و اذا وقعت

و تبارک الذی بیده الملک و نون والقلم و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن اگر نتوانی این سوره ها

را از رو مصحف درست بخوانی بعوض هر یک هزار مرتبه قل هو الله احد بخوان و شیخ مفید علیه الرحمه گفته

است که اگر ندانی یا نتوانی این سوره های مخصوص را بخوانی صد مرتبه سوره حمد و ده مرتبه آیة الکرسی و هزار

مرتبه سوره قل هو الله احد را بخوان و این احوط است و در روایت دیگر وارد شده است که پیش از حمد صد مرتبه بگوید

سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ و بعد از آیة الکرسی صد مرتبه بگوید

پاک است خدا و سپاس مر خدا را و نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگتر است

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و خاندان محمد

و آیة الکرسی ... [illegible] ... خواند صد مرتبه سوره حمد و هزار مرتبه سوره قل هو الله احد

[illegible] ... است که اهم فیها خالدون بخواند و دعا اینست

[illegible] صَدَقَ اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ

[illegible] بخشاینده مهربان راست گفت خدای بزرگ که نیست سزاوار پرستش مگر او زنده

[illegible] ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الَّذِي

[illegible] بزرگواری و گرامی داشتن بخشاینده مهربان بردبار بزرگوار که

[illegible] شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ شَهِدَ اللهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ

[illegible] ... چیزی او است شنوا بینا دانا آگاه گواهی داد خدا اینکه نیست معبود حقی

[illegible] الْمَلَائِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

مگر او و گواهی داده اند فرشتگان و صاحبان دانش در حالتی که خدا برپا است بعدالت نیست سزاوار پرستش مگر او غالب است درست کردار

اِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللهِ الْاِسْلَامُ وَبَلَّغَتْ رُسُلُهُ الْكِرَامُ وَاَنَا عَلٰى ذٰلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ

بدرستی که دین پسندیده نزد خدا اسلام است رسانیده اند فرستادگان بزرگواران او و من این از جمله گواهانم

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الْمَجْدُ وَلَكَ الْعِزُّ وَلَكَ الْفَخْرُ وَلَكَ الْقَهْرُ وَلَكَ النِّعْمَةُ

بار خدایا مر تراست ... [illegible] ... بزرگواری و مر تراست غلبه ... [illegible] ... مر تراست غلبه و مر تراست نعمت

وَلَكَ الْعَظَمَةُ وَلَكَ الرَّحْمَةُ وَلَكَ الْمَهَابَةُ وَلَكَ السُّلْطَانُ وَلَكَ الْبَهَاءُ

و مر تراست بزرگی و مر تراست مهربانی و مر تراست ترسانیدن و مر تراست پادشاهی و مر تراست نیکوئی

وَلَكَ الْاِمْتِنَانُ وَلَكَ التَّسْبِيحُ وَلَكَ التَّقْدِيسُ وَلَكَ التَّهْلِيلُ وَلَكَ

و مر تراست منت نهادن و مر تراست تسبیح و مر تراست تنزیه و مر تراست تهلیل و مر تراست

التَّكْبِيرُ وَلَكَ مَا يُرٰى وَلَكَ مَا لَا يُرٰى وَلَكَ مَا فَوْقَ السَّمٰوَاتِ الْعُلٰى

تکبیر و مر تراست انچه دیده میشود و مر تراست انچه دیده نمیشود و مر تراست انچه بر آسمانهای بلند است

وَلَكَ مَا تَحْتَ الثَّرٰى وَلَكَ الْاَرَضُونَ السُّفْلٰى وَلَكَ الْاٰخِرَةُ وَالْاُولٰى وَلَكَ

و مر تراست انچه زیر خاک است و مر تراست همه زمینهای پست و مر تراست آنجهان و این جهان و مر تراست

مَا تُحِبُّ وَتَرْضٰى بِهِ مِنَ الثَّنَاءِ وَالْحَمْدِ وَالشُّكْرِ وَالنَّعْمَاءِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

انچه دوست داری و بپسندی آنرا از ستودن و ستایش و سپاس گزاری و نعمت خداوندا رحمت بفرست بر محمد

عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَاَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى جَبْرَئِيلَ

بنده تو و فرستاده تو و امانت دار تو و دوست تو و بر آل محمد خداوندا رحمت بفرست بر جبرئیل

اَمِينِكَ عَلٰى وَحْيِكَ وَالْقَوِيِّ عَلٰى اَمْرِكَ وَالْمُطَاعِ فِي سَمٰوَاتِكَ وَمَحَالِّ

که امانت دار است بر پیغام تو و توانا است بر فرمان تو و اطاعت کرده شده بر آسمانهای تو و جاهای

كَرَامَاتِكَ الْمُتَحَمِّلِ لِكَلِمَاتِكَ النَّاصِرِ لِاَنْبِيَائِكَ الْمُدَمِّرِ لِاَعْدَائِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

نوازشهای تو بردارنده کلمات تو یاری دهنده پیغمبران ترا هلاک سازنده دشمنان تو خداوندا رحمت بفرست

عَلٰى مِيكَائِيلَ مَلَكِ رَحْمَتِكَ وَالْمَخْلُوقِ لِرَاْفَتِكَ وَالْمُسْتَغْفِرِ الْمُعِينِ لِاَهْلِ

بر میکائیل فرشته رحمت تو و آفریده شده برای مهربانی تو و آمرزش خواهنده و یاری دهنده مر اهل

طَاعَتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى اِسْرَافِيلَ حَامِلِ عَرْشِكَ وَصَاحِبِ الصُّورِ الْمُنْتَظِرِ لِاَمْرِكَ وَالْوَجِلِ

طاعت ترا خداوندا رحمت بفرست بر اسرافیل بردارنده عرش تو و خداوند صور انتظار دارنده فرمان ترا و ترسنده

الْمُشْفِقِ مِنْ خِيفَتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى عِزْرَائِيلَ قَابِضِ اَرْوَاحِ جَمِيعِ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ

بیمناک از ترس تو خداوندا رحمت بفرست بر عزرائیل گیرنده جانهای همه خلق تو خداوندا

صل على حملة العرش الطاهرين وعلى ملائكة الذكر اهل التامين على دعاء

بر حاملان عرش که پاکانند و بر فرشتگان ذکر که گویندگان آمین اند بر دعاهای

المؤمنات وعلى السفرة الكرام البررة الطيبين وعلى ملائكتك الكرام

گروندگان و بر نویسندگان بزرگواران نیکوکاران پاکان و بر فرشتگان تو که بزرگواران

الكاتبين وعلى ملائكة الجنان وخزنة النيران وملك الموت والاعوان

نویسندگان اند و بر فرشتگان بهشتها و خازنان دوزخ و ملک الموت و مددکاران او

يا ذا الجلال والاكرام اللهم صل على ابينا آدم بديع فطرتك الذي

ای صاحب بزرگی و گرامی داشتن خداوندا رحمت بفرست بر پدر ما آدم نو پدید آمده آفرینش تو که

اكرمته بسجود ملائكتك وابحته جنتك اللهم صل على امنا حواء

گرامی داشتی او را بسجده فرشتگان خود و حلال کردی برای او بهشت خود را خداوندا رحمت بفرست بر مادر ما حوا

المطهرة من الرجس المصفاة من الدنس المفضلة من الانس المترددة

پاک کرده شده از هر پلیدی پاکیزه شده از هر چرک برگزیده شده از آدمیان آمد و شد کننده

بين محال القدس اللهم صل على هابيل وشيث وادريس ونوح وهود

میان جاهای پاک خداوندا رحمت بفرست بر هابیل پیغمبر و شیث پیغمبر و ادریس پیغمبر و نوح پیغمبر و هود پیغمبر

وصالح وابراهيم واسماعيل واسحق ويعقوب ويوسف والاسباط

و صالح پیغمبر و ابراهیم پیغمبر و اسماعیل پیغمبر و اسحق پیغمبر و یعقوب پیغمبر و یوسف پیغمبر و فرزندان یعقوب پیغمبر

ولوط وشعيب وايوب وموسى وهرون ويوشع وميشا والخضر وذي القرنين

و لوط پیغمبر و شعیب پیغمبر و ایوب پیغمبر و موسی پیغمبر و هرون پیغمبر و یوشع پیغمبر و میشا و خضر پیغمبر و ذی القرنین پیغمبر

ويونس والياس واليسع وذي الكفل وطالوت وداود وسليمان وزكريا

و یونس پیغمبر و الیاس پیغمبر و الیسع پیغمبر و ذی الکفل پیغمبر و طالوت پادشاه و داود پیغمبر و سلیمان پیغمبر و زکریا پیغمبر

وشعيا ويحيى وتورخ ومتى وارميا وحيقوق ودانيال وعزير وعيسى

و شعیا پیغمبر و یحیی پیغمبر و تورخ پدر ابراهیم که اسمش ... و متی پدر یونس ... و ارمیا پیغمبر و حیقوق پیغمبر و دانیال پیغمبر و عزیر پیغمبر و عیسی پیغمبر

وشمعون وجرجيس والحواريين والاتباع وخالد وحنظلة ولقمان

وشمعون پیغمبر وجرجیس پیغمبر واصحاب حضرت عیسی واتباع او وخالد پیغمبر وحنظله پیغمبر ولقمان

اللهم صل على محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد وبارك على محمد

خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد ومهربانی کن محمد وآل محمد را وبرکت ده بر محمد

وآل محمد كما صليت ورحمت وباركت على ابراهيم وآل ابراهيم انك

وآل محمد چنانچه رحمت فرستادی ومهربانی نمودی وبرکت دادی بر ابراهیم وآل ابراهیم بدرستیکه تو

حميد مجيد اللهم صل على الاوصياء والسعداء والشهداء وائمة

ستوده بزرگواری بارخدایا رحمت بفرست بر وصیهای پیغمبران ونیکبختان وشهیدان وپیشوایان

الهدى اللهم صل على الابدال والاوتاد والسياح والعباد والمخلصين

هدایت خداوندا رحمت بفرست بر ابدال واوتاد وروزه داران وعبادت کنندگان ودوستان

والزهاد واهل الجد والاجتهاد واخصص محمدا واهل بيته بافضل

وزاهدان واهل سعی وکوشش وخاص گردان محمد وخاندان او را به بهترین

صلواتك واجزل كراماتك وبلغ روحه وجسده مني تحية وسلاما

رحمتهای خود وافزونترین نوازشهای خود وبرسان روح او وتن او را از من درود وسلامی

وزده فضلا وشرفا وكرما حتى تبلغه اعلى درجات اهل الشرف

وافزون کن او را بزرگی وبلندی وبخشش تا آنکه برسانی او را به بلندترین درجه‌های اهل شرف

من النبيين والمرسلين والافاضل المقربين اللهم صل على من سميت

از پیغمبران وفرستادگان وصاحبان فضل که مقربند بارخدایا رحمت بفرست بر آنکه نام بردم

ومن لم اسم من ملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك

وآنکه نام نبردم از فرشتگان وپیغمبران تو وفرستادگان تو وفرمانبرداران تو

واوصل صلواتي اليهم والى ارواحهم واجعلهم اخواني فيك واعواني على

[illegible]

اللهم انی استشفع بك الیك وبكرمك الی كرمك وبجودك الی جودك

بار خدایا بدرستیکه من شفاعت میخواهم بتو بسوی تو و به بزرگواری تو بسوی بزرگواری تو و بخشش تو بسوی بخشش تو

وبرحمتك الی رحمتك وباهل طاعتك الیك واسألك اللهم بكل

وبرحمت تو بسوی رحمت تو و باهل طاعت تو بسوی تو ومیخواهم از تو خداوندا بهر چه

ما سألك به احد منهم من مسألة شریفة غیر مردودة وبما دعوك

درخواسته از تو بآن یکی از ایشان از سوال بزرگ که نباشد برگردانیده شده و بآنچه خواندند ترا

به من دعوة مجابة غیر مخیبة یا الله یا رحمن یا رحیم یا حلیم یا کریم

بآن از دعای پذیرفته که نگردیده بی بهره از قبول ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای بردبار ای بزرگوار

یا عظیم یا جلیل یا منیل یا جمیل یا کفیل یا وکیل یا مقیل یا مجیر

ای بزرگ ای بزرگوار ای رساننده ای نیکو ای ضامن ای نیکو ای ضامن ای نگاه دارنده ای در گذرنده ای پناه دهنده

یا خبیر یا منیر یا مبیر یا منیع یا مدیل یا محیل یا کبیر یا قدیر

ای آگاه ای روشن سازنده ای هلاک کننده ای ارجمند ای دولت دهنده ای قوت بخش ای بزرگوار ای توانا

یا بصیر یا شکور یا غفور یا بر یا طهر یا طاهر یا قاهر یا ظاهر یا باطن

ای بینا ای بغایت جزا دهنده ای آمرزگار ای بسیار خیر ای بسیار پاک ای پاک ای غالب ای هویدا ای پنهان

یا ساتر یا محیط یا مقتدر یا حفیظ یا متجبر یا قریب یا ودود یا حمید

ای پوشنده ای فرا گیرنده ای توانا ای نگاه دارنده ای بغایت بزرگوار ای نزدیک ای دوست ای ستوده

یا مجید یا مبدئ یا معید یا شهید یا محسن یا مجمل یا منعم یا مفضل

ای بزرگوار ای پدید آورنده ای برگرداننده ای حاضر ای نیکوکار ای احسان کننده ای نعمت دهنده ای فضل کننده

یا قابض یا باسط یا هادی یا مرسل یا مرشد یا مسدد یا معطی یا مانع

ای گیرنده ای گشاینده ای راه نماینده ای فرستنده ای راه نماینده ای راست گرداننده ای عطا دهنده ای منع کننده

یا دافع یا رافع یا باقی یا واقی یا خلاق یا وهاب یا تواب یا فتاح یا نفاح یا مرتاح

ای دفع کننده ای بلند کننده ای پاینده ای نگاه دارنده ای بسیار آفریننده ای بسیار بخشنده ای توبه پذیر ای گشاینده ای بسیار بخشنده

فصل سوم در فضیلت جوشن

یا من بیده کل مفتاح یا نفاع یا رؤوف یا عطوف یا کافی یا شافی یا معافی

ای آنکه بدست اوست هر کلیدی ای سودبخش ای مهربان ای بسیار مهربان ای بسنده ای شفا دهنده ای عافیت دهنده

یا مکافی یا وفی یا مهیمن یا عزیز یا جبار یا متکبر یا سلام یا مؤمن یا

ای جزا دهنده ای وفا کننده ای پناه دهنده ای ارجمند ای کار فرما ای بزرگوار ای سالم ای ایمن کننده

احد یا صمد یا نور یا مدبر یا فرد یا وتر یا قدوس یا ناصر یا مونس

یگانه ای بی نیاز ای روشن کننده ای تدبیر کننده ای یکتا ای بی همتا ای بسیار منزه ای یاور ای غمگسار

یا باعث یا وارث یا عالم یا حاکم یا بادی یا متعالی یا مصور یا مسلم

ای برانگیزنده ای میراث برنده ای دانا ای حکم کننده ای پدید آورنده ای بلند مرتبه ای نگارنده ای سلامتی بخش

یا متحبب یا قائم یا دائم یا علیم یا حکیم یا جواد یا باری یا بار یا سار

ای دوستی کننده ای پاینده ای موجود ای دانا ای استوار ای بخشنده ای آفریدگار ای نیکوکار ای شادی بخش

یا عدل یا فاصل یا دیان یا حنان یا منان یا سمیع یا بصیر

ای دادخواه ای خداوند فضل ای بسیار غالب ای بسیار مهربان ای بیشمار بخشنده ای شنوا ای بینا

یا بدیع یا خفیر یا معین یا ناشر یا غافر یا قدیم یا کریم یا مسهل

ای نو پدید آورنده ای پناه دهنده ای مدد کننده ای انگیزنده ای بخشنده ای دیرینه ای بزرگوار ای سهل سازنده

یا میسر یا ممیت یا محیی یا نافع یا رازق یا مقتدر یا مسبب یا مغیث

ای آسان کننده ای میراننده ای زنده نماینده ای سود بخش ای روزی دهنده ای اندازه کننده ای سبب سازنده ای فریادرس

یا مغنی یا مقنی یا خالق یا راصد یا واحد یا حاضر یا جابر یا حافظ یا شدید

ای بی نیاز کننده ای ذخیره بخش ای آفریدگار ای نگهبان ای یکتا ای دانا ای شکسته پیوند ای نگاه دارنده ای توانا

یا غیاث یا عائد یا قابض یا منیب یا مبین یا طاهر یا مجیب یا متفضل

ای فریادرس ای نفع بخش ای گیرنده ای پذیرنده توبه ای جدا کننده حق از باطل ای پاک ای اجابت کننده ای بخشنده

یا مستجیب یا عادل یا بصیر یا مؤمل یا مسدی یا اواب یا وفی

ای پذیرنده ای دادخواه ای بینا ای امید دهنده ای نیکی کننده ای بخشنده ای پذیرنده توبه

یا راشِدُ یا مالِکُ یا رَبُّ یا مُذِلُّ یا مُعِزُّ یا ماجِدُ یا رازِقُ یا وَلیُّ یا فاضِلُ

ای خداوند رشد ای پادشاه ای پروردگار ای خوار سازنده ای عزیز دارنده ای بزرگوار روزی دهنده ای دوست ای خداوند افزونی

یا سُبحانُ یا باسِطُ یا مَن عَلا فَاستَعلی فَکانَ بِالمَنظَرِ الاَعلی یا مَن قَرُبَ

ای پاک ای گستراننده ای آنکه بلند گردید پس بلندی رسید پس شد در دیدگاه برتر ای آنکه نزدیک شد

فَدَنی وَبَعُدَ فَنَأی وَعَلِمَ السِّرَّ وَاَخفی یا مَن اِلَیهِ التَّدبیرُ وَلَهُ المَقادیرُ

پس نزدیک گشت و دور گشت پس دور گشت و دانست پنهان و پنهان تر را ای آنکه بسوی اوست تدبیر و اندازه

یا مَنِ العَسیرُ عَلَیهِ سَهلٌ یَسیرٌ یا مَن هُوَ عَلی ما یَشاءُ قَدیرٌ یا مُرسِلَ

ای آنکه دشوار بر او سهل و آسان است ای آنکه او بر آنچه خواهد تواناست ای فرستنده

الرِّیاحِ یا فالِقَ الاِصباحِ یا باعِثَ الاَرواحِ یا ذَا الجُودِ وَالسَّماحِ

بادها ای شکافنده صبح ای برانگیزنده روحها ای خداوند بخشش و نوازش

یا رادَّ ما قَد فاتَ یا ناشِرَ الاَمواتِ یا جامِعَ الشَّتاتِ یا رازِقَ مَن یَشاءُ

ای برگرداننده آنچه بتحقیق فوت شده ای زنده سازنده مردگان ای فراهم آورنده پراکنده ها ای روزی دهنده کسی که خواهد

بِغَیرِ حِسابٍ یا فاعِلَ ما یَشاءُ کَیفَ یَشاءُ یا ذَا الجَلالِ وَالاِکرامِ

بیشمار ای کننده آنچه خواهد بهر قسم که خواهد ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن

یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا حَیُّ حینَ لا حَیَّ یا حَیُّ یا مُحیِیَ المَوتی یا حَیُّ لا اِلهَ اِلّا

ای زنده ای پاینده ای زنده هنگامیکه نیست زنده ای زنده ای زنده کننده مردگان ای زنده نیست سزاوار پرستش

اَنتَ بَدیعُ السَّماواتِ وَالاَرضِ یا اِلهی وَسَیِّدی صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

تو ای پدید آورنده آسمانها و زمین ای معبود من و سردار من رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

وَارحَم مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ وَبارِک عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ کَما صَلَّیتَ وَبارَکتَ

و رحم کن محمد و آل محمد را و برکت ده بر محمد و آل محمد چنانچه رحمت فرستادی و افزونی دادی

وَرَحِمتَ وَتَرَحَّمتَ عَلی اِبراهیمَ وَآلِ اِبراهیمَ اِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ

و رحم کردی و ترحم نمودی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده بزرگواری

[illegible marginal notes]

وارحم ذلّي وفقري وفاقتي وانفرادي ووحدتي وخضوعي بين

و رحم کن خواری مرا و تنگدستی مرا و احتیاج مرا و تنهائی مرا و بیکسی مرا و فروتنی مرا پیش

يديك واعتمادي عليك وتضرّعي اليك ادعوك دعاء الخاضع

تو و تکیه مرا بر تو و زاری مرا بسوی تو میخوانم ترا مانند خواندن فروتنی کننده

الذليل الخاشع الخائف المشفق البائس المهين الحقير الجائع الفقير

خوار زاری نماینده ترسان بیمناک سخت محتاج ذلیل خوار گرسنه محتاج

العائذ المستجير المقرّ بذنبه المستغفر منه المستكين لربّه دعاء

پناه گیرنده زنهار جوینده اعتراف کننده بگناه خود طلب آمرزش نماینده از گناه فروتنی کننده پروردگار

من اسلمته ثقته ورفضته احبّته وعظمت فجيعته دعاء حرق

کسی که [illegible] اورا اعتماد او و ترک نموده باشد اورا دوستان او و بزرگ باشد مصیبت او و همچو دعای سوخته

حزين ضعيف مهين بائس مستكين بك مستجير اللّهمّ واسألك

غمگین ناتوان خوار بسیار حاجتمند فروتنی کننده بتو پناه جوینده بار خدایا و میخواهم از تو

بانّك مليك وانّك ما تشاء من امر يكون وانّك على ما تشاء قدير

بسبب آنکه تو مالکی و بدرستیکه تو آنچه میخواهی از امری میشود و بدرستیکه تو بر آنچه میخواهی توانائی

واسألك بحرمة هذا الشهر الحرام والبيت الحرام والبلد الحرام

و میخواهم از تو بحرمت این ماه محترم و خانه محترم و بلده محترم

والركن والمقام والمشاعر العظام وبحقّ نبيّك محمّد عليه وآله

و بحرمت رکن کعبه و مقام ابراهیم و عبادتگاههای بزرگ و بحق پیغمبر تو محمد بر او و آل او

السلام يا من وهب لآدم شيثا ولابراهيم اسماعيل واسحاق ويا

سلام ای آنکه بخشید مر آدم را شیث و ابراهیم را اسمعیل و اسحاق و ای

من ردّ يوسف على يعقوب ويا من كشف بعد البلاء ضرّ ايّوب يا رادّ

آنکه برگردانید یوسف را بر یعقوب و ای آنکه زائل کرد پس از امتحان سختی ایوب را ای باز گرداننده

[illegible marginal notes]

موسی علی امه ویا زائد الخضر فی علمه ویا من وهب لداود سلیمان

موسی بر مادر او وای یاری دهنده خضر در علم او وای آنکه بخشید مر داود را سلیمان

ولزکریا یحیی ولمریم عیسی یا حافظ بنت شعیب یا کافل ولد ام

و مر زکریا را یحیی و مر مریم را عیسی ای نگاهدارنده دختر شعیب ای کفیل پسر مادر

موسی اسألک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تغفر لی ذنوبی کلها

موسی میخواهم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی برای من گناه مرا همه آن

وتعطینی سؤلی کله وتجیرنی من عذابک وتوجب لی

و بدهی مرا حاجت مرا و پناه دهی مرا از عذاب خود و لازم گردانی برای من

رضوانک وامانک واحسانک وغفرانک وجنانک واسألک

خشنودی خود را و امان خود را و احسان خود را و آمرزش خود را و بهشت های خود را و میخواهم از تو

ان تفک عنی کل حلقة بینی وبین من یؤذینی وتفتح لی کل

اینکه بگشائی از من هر دایره تنگی که میان من و کسی است که ایذا میدهد مرا و بگشائی برای من هر

باب وتلین لی کل صعب وتسهل لی کل عسیر وتخرس عنی

دری را و نرم کنی برای من هر سختی را و آسان گردانی برای من هر دشواری را و گنگ سازی از ذکر من

کل ناطق بشر وتکف عنی کل باغ وتکبت لی کل عدو لی

هر گوینده بدی را و باز داری از من هر تجاوز کننده را و خوار سازی برای من هر دشمنی را مرا

وحاسد وتمنع منی کل ظالم وتکفینی کل عائق یحول بینی وبین

و حاسدی را و باز داری از من هر ستمکار را و دفع کنی از من هر مانعی که حائل شود میان من و میان

ولدی ویحاول ان یفرق بینی وبین طاعتک ویثبطنی عن عبادتک

فرزند من و قصد کند به اینکه جدائی بیندازد میان من و میان طاعت تو و اینکه باز دارد مرا از عبادت تو

یا من الجم الجن المتمردین وقهر عتاة الشیاطین واذل رقاب

ای آنکه لجام کرد دیوان سرکشان و مغلوب کرد سرکشان شیاطین را و خوار کرد گردنهای

فصل چهارم در فضیلت یاقوت

المتجبرین ورد کیدا المتسلطین عن المستضعفین اسألك بقدرتك

متکبران را و بازگردانید مکر دست یافتگان را از ناتوانان سئوال میکنم از تو بتوانائی تو

علی ما تشاء وتسهیلك لما تشاء كیف تشاء ان تجعل قضاء حاجتی فیما تشاء

بر آنچه میخواهی و آسان کردن تو مر آنچه را اراده نمائی بهر روشی اراده کنی اینکه بگردانی بر آوردن حاجت مرا در آنچه میخواهی

پس بسجده برو و پهلوهای روی خود را بر خاک بگذار و بگو

اللهم لك سجدت وبك امنت فارحم ذلی وفاقتی واجتهادی

خداوندا مر ترا سجده کرده ام و بتو تصدیق نموده ام پس رحم کن خواری مرا و تنگدستی مرا و کوشش مرا

وتضرعی ومسکنتی وفقری الیك یا رب

و زاری مرا و بیچیزی مرا و احتیاج مرا بسوی تو ای پروردگار من

پس حضرت فرمود که سعی کن که آب از دیده ات بیرون آید اگر چه بقدر سر مگسی بوده باشد که آن علامت استجابت دعاست و در روایت دیگر وارد شده است که در سجده

این دعا را بخوان

اللهم لك سجدت وبك امنت فارحم ذلی وخضوعی بین یدیك

خداوندا برای تو سجده کرده ام و بتو تصدیق نموده ام پس رحم کن خواری مرا و فروتنی مرا در پیش تو

وفقری وفاقتی الیك وارحم انفرادی وخشوعی واجتهادی

و درویشی مرا و احتیاج مرا بسوی تو و رحم کن تنهائی مرا و فروتنی مرا و کوشش مرا

بین یدیك وتوكلی علیك اللهم بك استفتح وبك

پیش تو و اعتماد مرا بر تو خداوندا بتو طلب فتح و گشایش میکنم

استنجح وبمحمد عبدك ورسولك واله اتوجه الیك اللهم

و بتو رستگاری بجویم و بوسیله محمد بنده تو و فرستاده تو و بوسیله آل او روی می آورم بسوی تو خداوندا

سهل لی كل حزونة وذلل لی كل صعوبة واعطنی من الخیر

هموار کن برای من هر ناهمواری را و آسان کن برای من هر دشواری را ببخش از نیکی

اَکْثَرَ مِمَّا اَرْجُو وَعَافِنِی مِنَ الشَّرِّ وَاصْرِفْ عَنِّی السُّوءَ

بیشتر از آنچه امیدوارم وسالم دار مرا از هر گزندی و بگردان از من هر بدی را

و بروایت دیگر صد مرتبه در سجده بگو

یَا قَاضِیَ حَوَائِجِ الطَّالِبِینَ اقْضِ حَاجَتِی بِلُطْفِکَ یَا خَفِیَّ الْاَلْطَافِ

ای بر آورنده حاجتهای سؤال کنندگان بر آور حاجت مرا بمهربانی خود ای آنکه پنهانست الطاف او و در روایت معتبره وارد شده است که مادر داود بخدمت حضرت عرض کرد که ای سید و آقای من آیا این دعا را در غیر ماه رجب میتوان خواند حضرت فرمود بلی در روز عرفه میتوان خواند و اگر موافق افتد که روز جمعه باشد حاجتش فارغ نمیشود مگر آنکه خدا او را می آمرزد و در هر ماه که باشد اگر ایام البیض آنرا روزه بدارد و در روز پانزدهم این دعا بخواند بنحویکه ذکر کردم حاجتش بر آورده میشود و در روایت دیگر وارد شده که حضرت فرمود که در روز عرفه و هر روز که این دعا بخواند حاجتش برآورده میشود مولف گوید که ازین احادیث ظاهر میشود که در هر ماه که ایام البیض آنرا یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه بدارد و در روز پانزدهم این عمل را بجا آورد بمطلوب فائز میگردد و دور نیست که اگر در روز عرفه و جمعه و سائر ایام متبرکه نیز این عمل را بدون روزه بعمل آورد خوب باشد و اگر در غیر اشهر حرام که ذی القعده و ذی الحجه و محرم و ماه رجب است این دعا را بخواند بجای بحرمة هذا الشهر الحرام بگوید بحرمة الشهر الحرام و هذا را بیندازد و بهتر باشد فصل پنجم در بیان فضائل و اعمال نصف آخر ماه رجب است شیخ طوسی و دیگران گفته اند که در روز بیست و هفتم این ماه ابراهیم پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت پس حزن و اندوه و لعن بر آنها که درین مصیبت شماتت کردند نیز مناسب است خصوصا عائشه علیها اللعنة و ابن عباس که یکی از محدثان شیعه است گفته است که حضرت فاطمه صلوات الله علیها در روز بیست و یکم ماه رجب بعالم قدس ارتحال نموده اگر چه خلاف مشهور است اما لعن بر قاتلان و ظالمان آن جگر گوشه رسالت پناه که عمده آنها عمر بن الخطاب علیه اللعنة و العذاب است و زیارت آنحضرت احتیاطا مناسب است

بنحویکه مذکور خواهد شد و شیخ مفید رحمه الله گفته است که در روز بیست و دوم این ماه معویه علیه اللعنه
بجهنم واصل شده است مستحب است که این روز را روزه دارند بشکر این نعمت و در روز بیست و سوم
این ماه خارجیان خنجر زهرآلود بر ران مبارک حضرت امام حسن مجتبی صلوات الله علیه زدند زیارت
آنحضرت و لعن بر ظالمان و قاتلان آنحضرت مناسب است و در روز بیست و چهارم این ماه فتح
خیبر بر دست معجز نمای اسد الله الغالب علی ابن ابی طالب علیه الصلوة و السلام جاری شد و مرحب
یهودی بدست آنحضرت کشته شد گفته اند روزه آن روز بشکرانه این نعمت و زیارت آنحضرت
مستحب است و شیخ علیه الرحمه ذکر کرده است که شهادت حضرت امام موسی کاظم صلوات الله
علیه در روز بیست و پنجم این ماه واقع شد اما احادیث بسیار در فضیلت این روز و ثواب
روزه اش وارد شده است و روایتی نقل کرده اند ابن بابویه و غیر او که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله در روز بیست و پنجم رجب مبعوث برسالت شد و این مخالف مشهور و احادیث بسیار
است که بعد از این مذکور خواهد شد اما در فضیلت روزه اش شکی نیست چنانچه از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که روزه اش کفاره دویست سال گناه است و بسند بسیار معتبر از حضرت
امام رضا مرویست که هر که روز بیست و پنجم ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی روزه او را کفاره
هفتاد سال گناه گرداند و ایضا از آنحضرت علیه السلام مرویست که هر که روز بیست و ششم ماه
رجب را روزه بدارد حق تعالی روزه او را کفاره هشتاد سال گناه گرداند و روز بیست و هفتم
این ماه از جمله اعیاد عظیمه است و روزیست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله دران روز برسالت
مبعوث گردید و جبرئیل به پیغمبری بر آنحضرت نازل شد و شبش نیز شب بسیار مبارکیست
بسندهای معتبر از حضرت امام محمد تقی منقولست که در ماه رجب شبی هست که بهتر است از برای
مردم از آنچه آفتاب بر آن می تابد و آن شب بیست و هفتم این ماه است و در صبح این شب حضرت
رسول الله صلی الله علیه و آله برسالت مبعوث شد کسی که عبادت کند این شب را مثل اجر
شصت سال عبادت خدا او را عطا میفرماید پرسیدند که عمل آن شب چیست فرمود که چون
نماز خفتن کردی بخواب هر وقت از شب که بیدار شوی خواه پیش از نصف شب خواه بعد از آن

برخیزد و دوازده رکعت نماز بکن و بعد از هر دو رکعت سلام بگو و در هر رکعت بعد از حمد یک سوره
از سوره های کوچک بعد از آن یس را بخوان چون از همه فارغ شوی چنانچه نشسته سوره
حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون
و انا انزلناه فی لیلة القدر و آیة الکرسی هر یک را هفت مرتبه بخوان پس این دعا را بخوان

الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة ولا ولدا ولم یکن له شریک فی
سپاس خدای را که فرا نگرفته زنی و نه فرزندی و نیست برای او شریکی در

الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا اللهم انی اسألک
پادشاهی و نیست از برای او یاوری از مذلت و بعظمت یاد کن خدا را یاد کردنی خداوندا به تحقیق من سؤال میکنم

بمعاقد عزک علی ارکان عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک
بجاهای انعقاد عزت تو بر اطراف عرش تو و بحق نهایت رحمتی که استفاده میشود از کتاب تو

وباسمک الاعظم الاعظم الاعظم وذکرک الاعلی الاعلی الاعلی
و بحرمت نام تو آن نامیکه بزرگ است بزرگتر بزرگتر و بحرمت ذکر تو که بلند است بلندتر بلندتر

وبکلماتک التامات کلها ان تصلی علی محمد وآل محمد
و بحرمت کلمهای تو که تمام و کامل اند همه آن کلمها آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد

وان تفعل بی ما انت اهله
و آنکه بکنی با من آنچه تو سزاوار آنی

پس هر حاجت که خواهی بطلب که البته هر چه بطلبی مستجاب میشود مگر آنکه حرامی بطلبی یا قطع رحمی
یا هلاک جمعی از مومنان را طلب کنی و روزش را روزه بدار که از برای تو حساب میشود روزه
یکساله و بسند معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که در شب بیست و هفتم
رجب هر وقت که باشد دوازده رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد چهار مرتبه
قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد بخواند چون از دوازده رکعت
فارغ شوی در همان مکان چهار مرتبه بگو

لا اله الا الله والله اکبر والحمد لله وسبحان الله ولا حول ولا

نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگ تر است و سپاس خدا را و پاک است خدا و نیست بازگردیدن از گناهان

قوة الا بالله العلی العظیم

توانائی بر طاعت مگر بتوفیق خدای برتر بزرگ

پس هر حاجت که خواهی بطلب مؤلف گوید که هر یک ازین دو روایت که عمل کند خوبست و اگر هر دو را بکند بهتر است و اگر نماز شب نصف رجب که بسند صحیح مذکور شد درین شب بجا آورد خوبست و دران روایت وارد شده است که درین شب نیز بجا آورند و شیخ طوسی علیه الرحمه گفته است که غسل درین شب مستحب است و زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین علیهما السلام علی آلهما الطاهرین درین شب مناسب است و این دعا نیز وارد شده که درین شب بخواند

اللهم انی اسألك بالتجلی الاعظم فی هذه اللیلة من الشهر المعظم

بارخدایا بدرستیکه من میخواهم از تو بحق آن عطیه بزرگتر که عطا شده درین شب ازین ماه بزرگ کرده شده

والمرسل المکرم ان تصلی علی محمد وآله وان تغفر لنا ما انت به

و بحرمت آن فرستاده گرامی نموده شده اینکه رحمت بفرستی محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی برای ما گناهی که تو بآن

منا اعلم یا من یعلم ولا یعلم اللهم بارك لنا فی لیلتنا هذه التی

داناتری از ما ای آنکه میداند هر چیز را و آموخته نمیشود بارخدایا برکت ده ما را در شب ما این شب که

بشرف الرسالة فضلتها وبکرامتك اجللتها وبالمحل الشریف احللتها

بشرافت فرستادن پیغمبر دران زیادتی دادهٔ آنرا و بکرامت خود بزرگ گردانیدی آنرا و بجایگاه بلندی فرود آوردی آنرا

اللهم فانا نسألك بالمبعث الشریف والسید اللطیف والعنصر

بارخدایا پس بتحقیق که ما میخواهیم از تو بحرمت آن بعثت شریف و بوسیلهٔ سید با لطف و بوسیلهٔ اصل

العفیف ان تصلی علی محمد وآله وان تجعل اعمالنا فی هذه اللیلة

پرهیزکار اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی کردارهای ما را درین شب

رمضان

وفي سائر الليالي مقبولة وذنوبنا مغفورة وحسناتنا مشكورة

و در باقی شبها پذیرفته و گناهان ما را آمرزیده و نیکیهای ما را جزا داده شده

وسيئاتنا مستورة وقلوبنا بحسن القول مسرورة وارزاقنا من

و بدیهای ما را پوشیده و دلهای ما را به نیکو گفتار شادمان و روزیهای ما را از

لدنك باليسر مدرورة اللهم انك ترى ولا ترى وانت بالمنظر

نزد خود باسانی روان گردیده خداوندا بدرستیکه تو می بینی و دیده نشوی و تو در دیدگاه

الاعلى وان اليك الرجعى والمنتهى وان لك الممات والمحيا وان لك

بلند تری و بتحقیق که بسوی تست بازگشت و منتهی و بدرستیکه برای تست مردن و زنده شدن و بتحقیق برای تست

الآخرة والاولى اللهم انا نعوذ بك ان نذل ونخزى وان نأتي ما عنه

آنجهان و اینجهان خداوندا بدرستیکه ما پناه میبریم بتو از اینکه ذلیل گردیم و خوار شویم و اینکه بکنیم آنچه از آن

تنهى اللهم انا نسألك الجنة برحمتك ونستعيذ بك من النار فاعذنا

منع نموده بارخدایا بدرستیکه ما سوال میکنیم از تو بهشت را بوسیله رحمت تو و پناه میجوییم بتو از دوزخ پس پناه ده ما را

منها بقدرتك ونسألك من الحور العين فارزقنا بعزتك واجعل

ما را از آن بتوانائی خود و سوال میکنیم از سیاه دیدگان فراخ چشم پس روزی کن ما را بعزت خود و بگردان

اوسع ارزاقنا عند كبر سننا واحسن اعمالنا عند اقتراب

فراگیرنده ترین روزیهای ما را از زیادتی عمر ما و نیکوترین کردارهای ما را هنگام نزدیک شدن

آجالنا واطل في طاعتك وما يقرب اليك ويحظى عندك

اجلهای ما و دراز کن در طاعت خود و آنچه نزدیک گرداند بسوی تو و بهره مند سازد نزد تو

ويزلف لديك اعمارنا واحسن في جميع احوالنا وامورنا

و نزدیک گرداند نزد تو عمرهای ما را و نیکو گردان در همه حالات و کارهای ما

معرفتنا ولا تكلنا الى احد من خلقك فيمن علينا وتفضل علينا

شناخت ما را و وامگذار ما را بسوی هیچیک از آفریدگان خود پس منت نهد بر ما و احسان کن بما

بجميع حوائجنا للدنيا والآخرة وابدأ بآبائنا وابنائنا وجميع اخواننا

بهمه حاجتهای ما که بجهت دنیا و عقبی است و ابتدا کن بپدران ما و پسران ما و همه برادران

المؤمنين في جميع ما سألناك لانفسنا يا ارحم الراحمين اللهم انا

که گرویدگان اند در تمام آنچه خواستیم ما از تو بجهت نفسهای خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان بار خدایا بدرستیکه ما

نسألك باسمك العظيم وملكك القديم ان تصلي على محمد وآل

سوال میکنیم از تو بحرمت نام بزرگ تو و پادشاهی دیرینه تو آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل

محمد وان تغفر لنا الذنب العظيم انه لا يغفر الذنب العظيم

محمد و آنکه بیامرزی برای ما گناه بزرگ را بدرستیکه نمی آمرزد گناه بزرگ را

الا العظيم اللهم وهذا رجب المكرم الذي اكرمتنا به اول اشهر

مگر بزرگ خداوندا و این ماه رجب گرامی داشته شده که گرامی داشتی ما را بآن اول ماههای

الحرم اكرمتنا به من بين الامم فلك الحمد يا ذا الجود والكرم

حرام است که گرامی داشتی ما را بآن از میان امتها پس مر ترا است سپاس ای خداوند بخشش و بزرگواری

فاسألك به وباسمك الاعظم الاعظم الاعظم الاجل الاكرم

پس سوال میکنیم ترا بحرمت نام تو که بزرگ است بزرگتر بزرگوارتر گرامی تر

الذي خلقته فاستقر في ظلك فلا يخرج منك الى غيرك ان تصلي

که آفریدی آنرا پس قرار گرفت در سایه تو پس بیرون نرود از نزد تو بسوی غیر تو آنکه رحمت فرستی

على محمد واهل بيته الطاهرين وان تجعلنا من العاملين

بر محمد و خاندان محمد که پاکانند و آنکه بگردانی ما را از عمل کنندگان

فيه بطاعتك والآملين فيه لشفاعتك اللهم اهدنا الى سواء

در این ماه بطاعت تو و آرزومندان در این ماه بشفاعت تو بار خدایا هدایت کن ما را به راست

السبيل واجعل مقيلنا عندك خير مقيل في ظل ظليل وملك

راه و بگردان خوابگاه ما را نزد خود بهترین خوابگاهی در سایه عظیم و عزت

جبرئيل فانّك حسبنا ونعم الوكيل اللّهمّ اقلبنا مفلحين منجحين

بسيار بس هر آينه تو كافى مارا و نيكو كار گذارى خداوندا بگردان مارا رستگاران فيروزى يافتگان

غير مغضوب علينا ولا الضالّين برحمتك يا ارحم الراحمين اللّهمّ

نه غضب كرده شده برما و نه گمراهان برحمت خود اى بخشنده ترين بخشايندگان خدايا

انّى اسألك بعزائم مغفرتك وبواجب رحمتك السلامة من

بدرستيكه من سؤال ميكنم ترا بوسيله مغفرت ثابت تو و برحمت واجب تو سلامتى از

كلّ اثم والغنيمة من كلّ برّ والفوز بالجنّة والنجاة من

هر گناهى و غنيمت از هر نيكى و رستگارى ببهشت و خلاصى از

النار اللّهمّ دعاك الداعون ودعوتك وسألك السائلون

دوزخ خداوندا خواندند ترا خوانندگان و خواندم من ترا و درخواستند از تو درخواهندگان

وسألتك وطلب اليك الطالبون وطلبت اليك اللّهمّ انت

و درخواستم از تو و رغبت نمودند بسوى تو رغبت كنندگان و رغبت نمودم بسوى تو خداوندا توئى

الثقة والرجاء واليك منتهى الرغبة والدعاء اللّهمّ فصلّ على

اعتماد و اميد و بسوى تست منتهاى رغبت و دعا بارخدايا پس رحمت بفرست

محمّد وآله واجعل اليقين فى قلبى والنور فى بصرى والنصيحة فى

محمد و آل او و بگردان يقين را در دل من و روشنائى را در ديده من و پند را در

صدرى وذكرك فى الليل والنهار على لسانى ورزقا واسعا غير

سينه من و ذكر خود را در شب و روز بر زبان من و روزى فراخى كه نباشد

ممنون ولا محظور فارزقنى وبارك لى فيما رزقتنى واجعل

منت نهاده و نه حرام پس روزى كن مرا و بركت ده براى من در آنچه روزى كرده مرا و بگردان

غناى فى نفسى ورغبتى فيما عندك برحمتك يا ارحم الراحمين

بى نيازى مرا در نفس من و رغبت مرا در آنچه نزد تست برحمت تو اى بخشنده ترين بخشايندگان

پس بسجده برو و بگو الحمد لله الذی هدانا لمعرفته وخصّنا بولایته و
سپاس مر خدا را که رسانیده ما را بشناخت خود و مخصوص کرد ما را به ولایت خود

وفّقنا لطاعته پس بگو شکراً شکراً صد مرتبه پس سر از سجده بردار و بگو اللهم
خداوندا
توفیق داد ما را برای طاعت خود ستایش میکنم ستایش

انّی قصدتک بحاجتی واعتمدت علیک بمسألتی وتوجّهت الیک
بدرستیکه من قصد نموده ام ترا بحاجت خود و تکیه کرده ام بلطف تو در سوال خود و رو آورده ام بسوی

بائمّتی وسادتی اللهم انفعنا بحبّهم واوردنا موردهم وارزقنا
تو بوسیله پیشوایان خود و بزرگان خود بار خدایا سود مند گردان ما را بمحبت ایشان و فرود آور ما را در جایگاه ورود ایشان

مرافقتهم وادخلنا الجنّة فی زمرتهم برحمتک یا ارحم الراحمین
رفاقت ایشان و داخل گردان ما را ببهشت در گروه ایشان برحمت خود ای بخشاینده ترین بخشندگان

و در روز بیست و هفتم غسل سنت است و روزه اش ثواب بسیار دارد و بسندهای معتبر از
حضرت صادق منقولست که روزه اش برابر است با روزه هفتاد سال و بروایت دیگر شصت سال
و ایضاً منقولست که حسن بن راشد از حضرت صادق سوال کرد که آیا غیر عیدهای مشهور عیدی
هست حضرت فرمود بلی شریفتر و فاضلتر روزیست که حضرت رسول صلعم مبعوث گردید
است و آن بیست و هفتم ماه رجب است باید که روزه بداری و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار
بفرستی و زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیهما درین روز منقولست
این روز بطرق مختلفه وارد شده است و اکثر گفته اند که پیش از زوال باید کرد و از اکثر احادیث
ظاهر میشود که در هر وقت روز که کنند خوبست و بسند معتبر از ریان بن الصلت منقولست که
چون حضرت امام محمد تقی ببغداد تشریف آوردند در روز نصف رجب و روز بیست و هفتم روزه
داشتند و جمیع ملازمان و اصحاب خود را امر فرمودند که این دو روز را روزه بدارند
و در هر یک از این دو روز دوازده رکعت نماز بکنند یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت
را بحمد و هر سوره که خواهند بکنند و چون از نماز فارغ شوند سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ

برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک را چهار مرتبه بخوانند پس چهار مرتبه گویند

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَکْبَرُ وَ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ

نیست معبودی بحق مگر خدا و خدا بزرگتر است و پاکست خدا و سپاس خدا را و نیست گردیدن از گناه و نه توانائی بطاعت مگر بیاری خدای

الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ پس چهار مرتبه گویند اللّٰهُ اللّٰهُ رَبِّیْ لَا اُشْرِکُ بِهٖ شَیْئًا پس چهار مرتبه گویند لَا اُشْرِکُ بِرَبِّیْ اَحَدًا

بلند قدر بزرگ مرتبه — خدا خدا پروردگار من است شریک نمیگردانم با او چیزی — شریک نمیگردانم بپروردگار خود کسی را

و بسند معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السلام منقولست که در روز جمعه دوازده رکعت نماز بجا آوری

و در هر رکعت بعد از حمد سوره که میسر شود بخوانی و بعد از هر دو رکعت سلام میگوئی این دعا را بخوانی

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ یَکُنْ لَهٗ شَرِیْکٌ فِی الْمُلْکِ وَ لَمْ یَکُنْ لَهٗ وَلِیٌّ

سپاس مر خدای را که فرا نگرفته هیچ فرزندی و نیست برای او انبازی در پادشاهی و نیست او را یاری

مِنَ الذُّلِّ وَ کَبِّرْهُ تَکْبِیْرًا یَا عُدَّتِیْ فِیْ مُدَّتِیْ یَا صَاحِبِیْ

از مذلت و به بزرگی یاد کن خدا را به بزرگی یاد کردنی ای ذخیره من در مدت عمر من ای یار من

فِیْ شِدَّتِیْ یَا وَلِیِّیْ فِیْ نِعْمَتِیْ یَا غِیَاثِیْ فِیْ رَغْبَتِیْ یَا نَجَاحِیْ فِیْ حَاجَتِیْ

در سختی من ای یار در نعمت من ای فریادرس من در خواهش من ای برآورنده من در حاجت من

یَا حَافِظِیْ فِیْ غَیْبَتِیْ یَا کَالِئِیْ فِیْ وَحْدَتِیْ یَا اُنْسِیْ فِیْ وَحْشَتِیْ اَنْتَ

ای نگاه دارنده من در پنهانی من ای پاسدارنده من در تنهائی من ای انیس من در حال رمیدن من توئی

السَّاتِرُ عَوْرَتِیْ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ اَنْتَ الْمُقِیْلُ عَثْرَتِیْ فَلَکَ الْحَمْدُ

پوشاننده عورت مرا پس مر تراست سپاس و توئی درگذرنده از لغزش من پس مر تراست سپاس

وَ اَنْتَ الْمُنْعِشُ صَرْعَتِیْ فَلَکَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْتُرْ

و توئی برانگیزنده افتادگی مرا پس مر تراست سپاس درود بفرست بر محمد و آل محمد و بپوشان

عَوْرَتِیْ وَ اٰمِنْ رَوْعَتِیْ وَ اَقِلْنِیْ عَثْرَتِیْ وَ اصْفَحْ عَنْ جُرْمِیْ وَ تَجَاوَزْ

عورت مرا و ایمنی بخش خوف مرا و درگذر از لغزش من و درگذر از گناه من و تجاوز کن

پس بسجده برو و بگو الحمد لله الذی هدانا لمعرفته وخصّنا بولایته و

سپاس مر خدا را که رسانیده ما را بشناخت خود و مخصوص کرد ما را بدوستی خود

وفّقنا لطاعته پس بگو شکراً شکراً صد مرتبه پس سر از سجده بردار و بگو اللهمّ

توفیق داد ما را برای طاعت خود ستایش میکنیم صد بار خداوندا

انّی قصدتک بحاجتی واعتمدت علیک بمسألتی وتوجّهت الیک

بدرستیکه من قصد نموده ام ترا بحاجت خود و تکیه کرده ام بر لطف تو در سوال خود و رو آورده ام بسوی

بائمّتی وسادتی اللهمّ انفعنا بحبّهم واوردنا موردهم وارزقنا

تو بوسیله پیشوایان خود و بزرگان خود بار خدایا سود مند گردان ما را بمحبت ایشان و فرود آور ما را در جایگاه ورود ایشان و روزی کن ما را

مرافقتهم وادخلنا الجنّة فی زمرتهم برحمتک یا ارحم الرّاحمین

رفاقت ایشان و داخل گردان ما را به بهشت در گروه ایشان برحمت خود ای بخشاینده ترین بخشندگان

و در روز بیست و ششم غسل سنت است و روزه اش ثواب بسیار دارد و بسندهای معتبر از حضرت صادق منقولست که روزه اش برابر است با روزه هفتاد سال و بروایت دیگر شصت سال

و ایضاً منقولست که حسن بن راشد از حضرت صادق سوال کرد که آیا غیر عیدهای مشهور عیدی هست حضرت فرمود بلی شریفتر و فاضلتر روزیست که حضرت رسول صلعم مبعوث گردیده است و آن بیست و هفتم ماه رجب است باید که روزه بداری و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار بفرستی و زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیهما درین روز منقولست که

این روز بطرق مختلفه وارد شده است و اکثر گفته اند که پیش از زوال باید کرد و از اکثر احادیث ظاهر میشود که در هر وقت روز که بکنند خوبست و بسند معتبر از ریان بن الصلت منقولست که

چون حضرت امام محمد تقی ببغداد تشریف آوردند در روز نصف رجب و روز بیست و هفتم روزه داشتند و جمیع ملازمان و اصحاب خود را امر فرمودند که این دو روز را روزه بدارند و در هر یک از این دو روز دوازده رکعت نماز بکنند یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت الحمد و هر سوره که خواهند بخوانند چون از نماز فارغ شوند سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ

برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک را چهار مرتبه بخوانند پس چهار مرتبه بگویند

لا اله الا الله والله اکبر وسبحان الله والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله

نیست معبودی بحق بجز خدا و خدا بزرگتر است و پاک است خدا و سپاس خدا را و نیست گردیدن از گناه و نیرو بر طاعت مگر بیاری خدای

العلی العظیم پس چهار مرتبه بگویند الله الله ربی لا اشرک به شیئا پس چهار مرتبه بگویند لا اشرک بربی احدا

بلند قدر بزرگ مرتبه خدا خدا پروردگار من است انباز نمیگردانم با او چیزی شریک نمیگردانم با پروردگار خود احدی

و بسند معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السلام منقولست که در بین روز دوازده رکعت نماز بجای آورند

و در هر رکعت بعد از حمد هر سوره که میسر شود بخوانی و بعد از هر دو رکعت سلام میگوئی این دعا بخوانی

الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی

سپاس مر خدایرا که فرا نگرفته هیچ فرزندی و نیست مر او را انبازی در پادشاهی و نیست او را یاوری

من الذل وکبره تکبیرا یا عدتی فی مدتی یا صاحبی

از مذلت و به بزرگی یاد کن خدا را به بزرگی یاد کردنی ای ذخیره من در مدت عمر من ای یار من

فی شدتی یا ولیی فی نعمتی یا غیاثی فی رغبتی یا نجاحی فی حاجتی

در سختی من ای یار در من و نعمت من ای فریادرس من در خواهش من ای فیروزی بخشش من در حاجت من

یا حافظی فی غیبتی یا کالئی فی وحدتی یا انسی فی وحشتی انت

ای نگاهدارنده من در پنهانی من ای نگاهدارنده من در تنهائی من ای انیس من در حال رمیدن من تو

الساتر عورتی فلک الحمد وانت المقیل عثرتی فلک الحمد

پوشاننده عورت مرا پس مر تراست سپاس تو فروگذارنده از لغزش من پس مر تراست سپاس

وانت المنعش صرعتی فلک الحمد صل علی محمد وآل محمد واستر

و تو بر پا کننده افتادگی مرا پس مر تراست سپاس درود بفرست بر محمد و آل محمد و بپوشان

عورتی وآمن روعتی واقلنی عثرتی واصفح عن جرمی وتجاوز

عورت مرا و ایمنی بخش خوف مرا و درگذر از لغزش من و درگذر از گناه من و تجاوز کن

عن سیئاتی فی اصحاب الجنة وعد الصدق الذی کانوا یوعدون

از بدیهای من در حالتی که بوده باشم در زمرهٔ یاران بهشت وعده کن راست آنکه در اصحاب وعده داده میشوند

و چون از دعا و نماز فارغ شوی سوره حمد و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس

و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و آیة الکرسی هر یک را هفت مرتبه بخوانی پس هفت مرتبه بگوی

لا اله الا الله والله اکبر و سبحان الله والحمد لله ولا حول

نیست معبودی بحق که خدا و خدا بزرگتر است و پاک است خدا و سپاس مر خدا را و نیست حرکتی

ولا قوة الا بالله پس هفت مرتبه بگوی الله الله ربی لا اشرک به شیئا

و نه توانائی مگر بخواست خدا خدا خدا پروردگار منست و انباز نمیکردانم با او هیچ چیزی را

پس آنچه خواهی از خدا طلب و بسند معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست

که سنت است این دعا را در روز بعث بخواند

یا من امر بالعفو والتجاوز وضمن نفسه العفو والتجاوز یا من

ای آنکه فرمان داده بعفو و درگذشتن و ضامن کرده خود را برای عفو و درگذشتن ای آنکه

عفا و تجاوز اعف عنی و تجاوز یا کریم اللهم وقد اکدی

عفو نموده و درگذشته عفو کن از من و درگذر ای بزرگوار بار خدایا بتحقیق مشکل گردیده

الطلب واعیت الحیلة والمذهب و درست الآمال وانقطع الرجاء

طلب و عاجز گردیده چاره و راه کسب معاش و کهنه شده آرزوها و بریده شده امید

الا منک وحدک لا شریک لک اللهم انی اجد سبل المطالب

مگر از تو در حالتیکه یکانه نیست شریکی برای تو خداوندا بدرستیکه من مییابم راههای مطلبها را

الیک مشرعة ومناهل الرجاء لدیک مترعة وابواب الدعاء لمن

بسوی تو گشاده و آبخورهای امید نزد تو لبریز و درهای دعا برای کسی که خواند

دعاک مفتحة والاستعانة لمن استعان بک مباحة واعلم انک لعبدک

خواند ترا گشوده و یاری جستن برای آنکه یاری جست بتو حلال شده و میدانم آنکه بتحقیق تو برای خواننده خود

بموضع إجابةٍ وللصارخ إليك مرصد إغاثةٍ وأنّ في اللهف إلى

در جایگاه اجابتی و برای استغاثه نماینده بسوی خود در انتظارگاه فریادرسی و اینکه بتحقیق در استغاثه بسوی

جودك والضمان بعِدَتك عوضاً من منع الباخلين ومندوحةً عمّا

بخشش تو و در ضمانت شدن بوعده تو بسته عوض بزرگ از منع سفله کان و وسعت و بی نیازی از آنچه است

في أيدي المستأثرين وأنّك لا تحتجب عن خلقك إلّا أن تحجبهم

در دستهای آنانکه منفرد و اند بتوانگری و اینکه بتحقیق که تو پنهان نمیشوی از خلق خود مگر آنکه باز دارد ایشان را

الأعمال دونك وقد علمت أنّ أفضل زاد الراحل إليك عزم إرادةٍ

کردارهای ایشان از رسیدن بتو و بدرستیکه دانستم اینکه بهترین توشه کوچ کننده بسوی تو اراده ثابت است

وقد ناجاك بعزم الإرادة قلبي فأسألك بكلّ دعوةٍ دعاك بها

وتحقیق که راز گفته ترا با اراده ثابت دل من پس سوال میکنم ترا بهر دعائیکه خوانده باشد ترا بآن

راجٍ بلّغته أمله أو صارخ إليك أغثت صرخته أو ملهوفٍ

امیدواری که رسانیده باشی به آرزوی او او را یا استغاثه نماینده بسوی تو که رسیده باشی بفریاد او یا درمانده

مكروبٍ فرّجت عن قلبه أو مذنبٍ خاطئٍ غفرت له أو معافيً

غمکینی که کشف نموده باشی از دل او یا گنه کار خطا کاری که آمرزیده باشی مر او را یا عافیت رسیده

أتممت نعمتك عليه أو فقيرٍ أهديت غناك إليه ولتلك

که تمام گردانیده باشی نعمت خود را بر او یا محتاجی که تحفه فرستاده باشی بی نیازی خود را بسوی او و مر آن

الدعوة عليك حقٌّ وعندك منزلةٌ إلّا صلّيت على محمّدٍ وآله وقضيت

دعوت را بر تو حقی و نزد تو مرتبه ایست مگر آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل او و روا کنی

حوائج الدنيا والآخرة وهذا رجب المرجّب المكرّم الذي أكرمتنا

حاجتهای این جهان و آن جهان را و این ماه رجب بزرگ گردانیده گرامی است که گرامی داشتی ما را

به أوّل أشهر الحرم وأكرمتنا به من بين الأمم يا ذا الجود والكرم

بآن اول ماههای حرام است و گرامی داشتی ما را بآن از میان امتها ای خداوند بخشش و بزرگوار

اشهد

اعوذ بجلال الله
اعوذ بکلمات الله
اعوذ برسول الله

فَاَسْأَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ

پس میخواهم از تو بحرمت آن و بحرمت نام تو که بزرگترست بزرگترست بزرگوارتر گرامی تر

الَّذِیْ خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِیْ ظِلِّکَ فَلَا یَخْرُجُ مِنْکَ اِلٰی غَیْرِکَ

آن نامی که آفریدی آنرا پس قرار گرفت در سایه تو پس بیرون نرود از تو بسوی غیر تو

اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ الطَّاهِرِیْنَ وَتَجْعَلَنَا مِنَ الْعَامِلِیْنَ

اینکه رحمت بفرستی بر محمد و خاندان او که پاکانند و بگردانی ما را از آنانکه عمل کنند

فِیْهِ بِطَاعَتِکَ وَالْاٰمِلِیْنَ فِیْهِ لِشَفَاعَتِکَ اَللّٰهُمَّ وَاهْدِنَا اِلٰی

در این ماه بطاعت تو و امیدوارانند در این ماه مر شفاعت ترا بار خدایا و برسان ما را بسوی

سَوَآءِ السَّبِیْلِ وَاجْعَلْ مَقِیْلَنَا عِنْدَکَ خَیْرَ مَقِیْلٍ فِیْ ظِلٍّ ظَلِیْلٍ

راه راست و بگردان آرامگاه ما را نزد خود بهترین آرامگاهی در سایه عظیم

فَاِنَّکَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَکِیْلُ وَالسَّلَامُ عَلٰی عِبَادِهِ الْمُصْطَفَیْنَ

پس بدرستیکه تو کافی ما را و نیکو کارگذاری و درود بر بندگان او که برگزیدگان اند

وَصَلَوَاتُهُ عَلَیْهِمْ اَجْمَعِیْنَ اَللّٰهُمَّ وَبَارِکْ لَنَا فِیْ یَوْمِنَا هٰذَا الَّذِیْ فَضَّلْتَهُ

و رحمتهای او بر ایشان همه خداوندا و برکت ده ما را در روز ما این روز که زیادتی دادی آنرا

وَبِکَرَامَتِکَ جَلَّلْتَهُ وَبِالْمَنْزِلِ الْعَظِیْمِ مِنْکَ اَنْزَلْتَهُ وَصَلِّ عَلٰی مَنْ فِیْهِ

و بکرامت خود بزرگ گردانیده آنرا و بمرتبه بزرگی از خود فرود آورده آنرا و رحمت بر آنکه در این روز

اِلٰی عِبَادِکَ اَرْسَلْتَهُ وَبِالْمَحَلِّ الْکَرِیْمِ اَحْلَلْتَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِ صَلٰوةً

بسوی بندگان خود فرستاده آنرا و بجایگاه گرامی فرود آورده آنرا بار خدایا رحمت بفرست بر او رحمتی

دَائِمَةً تَکُوْنُ لَکَ شُکْرًا وَلَنَا ذُخْرًا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ اَمْرِنَا یُسْرًا وَاخْتِمْ

همیشه که بوده باشد برای تو شکر و بجهت ما ذخیره و بگردان برای ما از جمله امر ما توانگری و ختم کن

لَنَا بِالسَّعَادَةِ اِلٰی مُنْتَهٰی اٰجَالِنَا وَقَدْ قَبِلْتَ الْیَسِیْرَ مِنْ اَعْمَالِنَا وَبَلِّغْنَا

برای ما بنیکبختی تا آخر اجلهای ما در حالتی که تحقیق پذیرفته باشی اندک از کردارهای ما و برسان ما را

بِرَحْمَتِكَ اَفْضَلَ آمالِنا اِنَّكَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ وَصَلَّی اللهُ عَلی

به مهربانی خود بهتر ... بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی و رحمت کند خدا بر

سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

سردار ما محمد و آل او و سلام فرستاد

و بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که روز بیست و هشتم ماه رجب روزه بدارد کفاره نود سال گناه او گردد و هر که روز بیست و نهم را روزه بدارد کفاره صد سال گناه او باشد و هر که روز سی ام این ماه را روزه بدارد حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و آخر روز نماز سلمان سنتست بنحویکه در اول مذکور شد و اگر احتمال نقصان ماه باشد در روز بیست و نهم نیز احتیاط بکند و در کتب دعوات از برای هر شب اینماه نماز مخصوصی ذکر کرده اند چون بسند معتبر بنظر نرسیده نخواستم ایراد نمایم و چون بسیار مشهورست ایراد مینمایم بسبیل اجمال و اگر کسی بقصد آنکه مطلق صلوة خوبست بکند بد نیست نماز شب اول سی رکعت در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه سوره جحد یعنی قل یا ایها الکافرون و سه مرتبه توحید یعنی قل هو الله احد نماز شب دوم ده رکعت با حمد و جحد نماز شب سوم ده رکعت با حمد و پنج مرتبه سوره اذا جاء نصر الله در هر رکعت نماز شب چهارم صد رکعت در هر دو رکعت در اول بعد از حمد قل اعوذ برب الفلق و در دوم بعد از حمد قل اعوذ برب الناس نماز شب پنجم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه توحید نماز شب ششم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه آیة الکرسی نماز شب هفتم چهار رکعت در هر رکعت ... توحید و معوذتین هر یک سه مرتبه و بعد از نماز ده مرتبه صلوات و ده مرتبه تسبیحات اربع نماز شب هشتم بیست رکعت در هر رکعت یک حمد و هر یک از چهار قل سه مرتبه نماز شب نهم دو رکعت بحمد و پنج مرتبه الهیکم التکاثر نماز شب دهم دوازده رکعت بعد از مغرب با حمد و سه مرتبه توحید نماز شب یازدهم دوازده رکعت با حمد و دوازده مرتبه آیة الکرسی نماز شب دوازدهم دو رکعت با حمد و آیه آمن الرسول ده مرتبه نماز شب سیزدهم ده رکعت دو دو رکعت در رکعت اول بعد از حمد سوره والعادیات و در دوم الهیکم التکاثر نماز شب چهاردهم سی رکعت در هر رکعت بعد از

حمد سورهٔ توحید و آیهٔ قل انما انا بشر مثلکم تا آخر سوره نماز شب پانزدهم و شب شانزدهم و هفدهم
سی رکعت با حمد و ده مرتبه سورهٔ توحید در هر رکعت نماز شب هجدهم ده رکعت در هر رکعت بعد
از حمد توحید و معوذتین هر یک یک مرتبه نماز شب نوزدهم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد
پانزده مرتبه توحید و آیة الکرسی نماز شب بیستم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه
انا انزلناه نماز شب بیست و یکم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه انا اعطیناک الکوثر
و ده مرتبه توحید نماز شب بیست و دوم هشت رکعت در هر رکعت یک مرتبه سورهٔ حمد و هفت مرتبه
قل یا ایها الکافرون و بعد از فارغ شدن ده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و ده مرتبه استغفار
نماز شب بیست و سوم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سورهٔ والضحی نماز شب بیست و چهارم
چهل رکعت در هر رکعت بعد از حمد آیهٔ امن الرسول و سورهٔ توحید یک مرتبه نماز شب بیست و
پنجم بیست رکعت در میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و آیهٔ آمن الرسول و سورهٔ توحید
یک مرتبه نماز شب بیست و ششم دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد چهل مرتبه توحید نماز شب
بیست و هفتم و بیست و هشتم و بیست و نهم دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ
اعلی و ده مرتبه سورهٔ انا انزلناه و بعد از تمام کردن رکعات صد مرتبه صلوات بر محمد و
آل محمد و صد مرتبه استغفار نماز شب سی ام دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه توحید
و در هر یک ازین نمازها ثوابهای بسیار مذکور است و بنا بر عدم اعتماد بر سند ذکر نکردم و
جمیع نوافل که مذکور میشود هر دو رکعت بیک سلام است و بعضی که طولی دارد و میان شام
و خفتن واقع شده است و باید که بعد از داخل شدن وقت خفتن واقع شود و کردن خالی
از اشکال نیست لهذا نماز شب غایب را درین رساله ایراد ننمودم با آنکه بطریق سنی نقل
شده است و معتبر نیست باب دوم در فضائل و اعمال ماه مبارک شعبان است ایام
و لیالی آن و دران نیز پنج فصل است فصل اول در بیان فضیلت این ماه است و
ثواب روزه آن بدانکه فضل ماه شعبان [illegible] ماه رجب است و منسوب است بحضرت
سید انبیا صلی الله علیه و آله چنانچه منقول است [illegible] که چون حضرت رسول صلعم

ماه شعبان را مشاهده نمود امر فرمود که منادی ندا کند در میان مردم که ای اهل مدینه من
رسولم از جانب رسول خدا بسوی شما و میفرماید که شعبان ماه من است خدا رحمت کند کسی را که یاری
کند مرا بر ماه من پس حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که از روزی که ندای منادی آنحضرت
را شنیدم روزه شعبان را ترک نکردم و تا زنده ام ترک نخواهم کرد انشاء الله تعالی و فرمود
که روزه ماه شعبان و ماه مبارک رمضان توبه ایست از جانب خدا از برای جمیع گناهان و ایضا
منقولست از ام سلمه که حضرت رسول هیچ ماه را تمام روزه نمیداشت مگر ماه شعبان که از اول
میکرد و بماه مبارک رمضان ایضا منقولست که از آنحضرت سوال کردند که کدام روزه از روزهای
سنت افضل است فرمود که روزه ماه شعبان برای تعظیم ماه رمضان از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که حضرت رسول شعبان را روزه میداشت و وصل میکرد بماه رمضان و میفرمود که هر دو
ماه خداست و روزه هر دو کفاره گناهان گذشته و آینده است و ایضا از حضرت باقر علیه السلام
منقولست که هر که ماه شعبان را روزه دارد او را پاک گرداند از هر لغزشی و از قسمهای معصیت و قسمهای
در وقت غضب و از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منقولست که ماه شعبان ماه شریف است
و آن ماه منست و حاملان عرش الهی آنرا تعظیم مینمایند و حق حرمت آنرا میشناسند و آن ماهی است
که زیاده میشود در آن روزیهای بندگان از برای ماه رمضان زینت میکنند در آن بهشتها را و آن
را شعبان نام کرده اند برای آنکه تشعب بسیار میکرد و در آن روزیهای مومنان و حسنه در آن ماه
مضاعف میگردد هفتاد برابر و گناه در آن پست میگردد و آمرزیده میشود و اعمال خیر در آن
مقبول میگردد و خداوند جبار نظر میکند بسوی روزه داران و عبادت کنندگان آن ماه پس مباهات
میکند با ایشان با حاملان عرش پس در فضیلت روزه بهر روز این ماه آنقدر فرمود که ذکرش موجب
تطویل کلام است و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که روزه شعبان ذخیره بنده است
از برای روز قیامت و هر بنده که از شعبان روزه بسیار بگیرد البته حق تعالی امر معیشت او را اصلاح
آورد و کفایت کند شر دشمنان او را و کمتر ثوابی که بروزه دار روزی از شعبان میدهند آنست که
بهشت از برای او واجب گردد و بسندهای معتبر از آنحضرت منقول است که حضرت رسول فرمود

که ماه شعبان ماه منست و رمضان ماه خداست پس هر که یکروز از ماه من روزه بدارد من شفیع او باشم در قیامت و هر که دو روز از ماه من روزه بگیرد گناهان گذشته‌اش آمرزیده شود و هر که سه روز از ماه من روزه بگیرد او را اندک عذابی ... یعنی هیچ گناه ندارد ... و از حضرت امام رضا منقولست که هر که یکروز شعبان را از برای خدا روزه بدارد داخل بهشت گردد و در یکروز شعبان هفتاد مرتبه استغفار کند در قیامت در زمرهٔ حضرت رسول محشور گردد و گرامی دوستی خدا او را واجب گردد و هر که در شعبان تصدق کند اگرچه نصف دانه خرما باشد خدا بدن او را بر آتش جهنم حرام گرداند و هر که سه روز از آخر شعبان روزه دارد و وصل کند بماه رمضان خدا ثواب روزهٔ دو ماه متصل برای او بنویسد و ابن بابویه روایت کرده است که از اسامه پرسیدند که کدام ماه را حضرت رسول خدا زیاده از ماههای دیگر روزه میگرفت گفت شعبان را و میفرمود که مردم از آن غافل‌اند و آن ماهیست که در آن ماه عملها بسوی خدا بالا میرود و دوست میدارم که عمل من بالا رود در وقتیکه روزه باشم و ابوالصّباح روایت کرده است که از آنحضرت پرسیدند از روزهٔ رجب فرمود که چرا غافل‌اند از روزهٔ شعبان یعنی افضل است از آن و ابو الصّباح روایت کرده است از حضرت خیر البشر که فرمود شعبان ماه منست هر که از ماه من یکروز روزه دارد بهشت او را واجب شود و هر که دو روز روزه دارد در قیامت از رفیقان پیغمبران و صدیقان باشد و هر که تمام ماه را روزه دارد و پیوند کند بماه رمضان کفارهٔ او باشد از گناه کوچک و بزرگ هرچند داخل جهنم حرام شده باشد که او را نفع میدهد و بسند صحیح از حضرت صادق روایت کرده است که هر که سه روز از ماه شعبان را روزه دارد بهشت او را واجب گردد و رسول خدا شفیع او باشد در قیامت و بسند بسیار معتبر از حضرت صادق روایت کرده است که چون ماه شعبان داخل میشد حضرت امام زین العابدین اصحاب خود را جمع می‌نمود و میفرمود که ای گروه اصحاب من میدانید این چه ماهیست این ماه شعبان است و حضرت رسول میفرمود شعبان ماه منست پس روزه بدارید درین ماه برای محبت پیغمبر خود و از برای تقرب بسوی پروردگار خود بحق آن خداوندی که جان علی بن الحسین بدست اوست سوگند یاد میکنم که شنیدم از حسین بن علی علیهما السلام که گفت شنیدم از امیر المؤمنین

که هر که روزه دارد شعبان را از برای محبت پیغمبر خدا و از برای تقرب بخدا خدا او را دوست دارد و نزدیک گرداند بکرامت خود در روز قیامت و بهشت از برای او واجب گرداند و ایضاً از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده است که حضرت رسول فرمود که شعبان ماه من است و ماه رمضان ماه خدا است پس هر که ماه مرا روزه بدارد من شفاعت کنم او را در روز قیامت و هر که روزه بدارد ماه خدا را حق تعالی مونس او گرداند در وحشت قبر او را تنها نگذارد و از قبر بیرون آید در قیامت با روی سفید نورانی و نامه عمل او بدست راستش دهند و نامه مخلد بودن در بهشت ابد بدست چپ او دهند تا آنکه او را بپای عرش الهی حاضر سازند پس حق تعالی ندا کند که ای بندهٔ من او گوید لبیک ای خداوند من پس خدا گوید روزه داشتی برای من گوید بلی ای آقای من پس خداوند جلیل ندا کند ملائکه را که بگیرید دست بندهٔ مرا و به پیغمبر من بسپارید پس بیاورند او را به نزد من پس با او گویم ماه مرا روزه داشتی او گوید بلی پس بگویم با او که من امروز شفاعت تو میکنم پس حق تعالی فرماید که من حقوق خود را به بندهٔ خود بخشیدم اما حقوق خلق من هر که از او عفو کند من آنقدر عوض باو بدهم که او راضی شود پس من بگیرم دست او را و بیاورم نزد صراط پس ببینم که صراط لغزنده است میلرزد و با گناهکاران بر آن بند نمی شود پس دست او را بگیرم ملکی که موکل است بر صراط گوید کیست این مرد من گویم این فلان کس است از امت من که ماه مرا در دنیا روزه گرفته است بامید شفاعت من و ماه خدا را روزه داشته از برای طلب وعدهٔ خدا پس او را بگذرانم از صراط بعفو خدا تا آنکه او را بدر بهشت برسانم پس رضوان گوید که امروز روز است که در را برای امت تو می گشاییم و او را داخل بهشت میکنیم پس حضرت امیر المؤمنین فرمود که روزه بدارید ماه حضرت رسالت را تا او شفیع شما گردد در قیامت و روزه بدارید ماه خدا را تا بیاشامید از شراب سر بمهر بهشت

فصل دوم در بیان اعمال هر روز ماه شعبان است بسند معتبر از حضرت امام رضا منقول است که هر که هفتاد مرتبه در ماه شعبان استغفار کند گناهانش آمرزیده شود اگر چه بعدد ستاره های آسمان باشد و در کتاب حسین بن سعید از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که

فصل یازدهم

ماه من است پس درین ماه بسیار بفرستید صلوات بر من و بر آل من و شعبان را ماه شفاعت گویند زیرا که پیغمبر شما شفاعت میکند کسی را که در این ماه صلوات بر او و بر آل او فرستد و از حضرت صادق ع منقول است که بهترین دعاها در ماه شعبان استغفار است و هر که در هر روز ماه شعبان استغفار کند هفتاد مرتبه چنان باشد که در ماه های دیگر هفتاد هزار مرتبه استغفار کرده باشد مروی پرسید که چگونه بگویم فرمود که بگو

أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ

طلب مغفرت میکنم خدا را و سوال میکنم از و توفیق توبه

و بسند معتبر از حضرت امام رضا ع منقول است

که هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید

أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ

طلب مغفرت میکنم خدا را و سوال میکنم از و توفیق توبه

بنویسد حق تعالی برای او برات بیزاری از آتش جهنم و بگذراند او را از صراط و داخل بهشت گرداند و بسندهای معتبر منقول است که هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه

أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

طلب مغفرت میکنم خدائی را که نیست معبودی بجز او بخشاینده مهربان زنده توانا و رجوع میکنم بسوی او

بگوید حق تعالی روح او را در افق مبین جای دهد و آن فضای وسیعی است در پیش عرش و در آن فضا نهرها جاریست و قدحها در کنار آن نهرهاست بعدد ستاره های آسمان و در بعضی از روایات الحی القیوم پیش از الرحمن الرحیم است و هر دو خوبست و بسند معتبر منقول است که حضرت امام زین العابدین ع در هر روز ماه شعبان در وقت زوال و در شب نیمه آن این صلوات را میخواندند

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ

خداوندا رحمت و دلجوئی بفرست بر محمد و آل محمد درخت پیغمبری و جای رسالت

وَمُختلَفِ الملائکةِ ومعدِنِ العلمِ واهلِ بیتِ الوحیِ اللّهمَّ صلِّ علی محمّدٍ

ومحل آمد شد فرشتگان وکان علم وخانوادهٔ وحی خداوندا درود بفرست بر محمد

وآلِ محمّدٍ الفلکِ الجاریةِ فی اللُّججِ الغامرةِ یأمنُ من رکبها ویغرقُ

وآل محمد کشتیهائی روان در دریاهای فراپوشنده در امان است کسی که سوار آن شود و غرق

من ترکها المتقدّمُ لهم مارقٌ والمتأخّرُ عنهم زاهقٌ واللازمُ لهم

کسیکه ترک کند آنرا پیشی گیرنده ایشانرا مرتد است و پس مانده از ایشان مضمحل و باطل و ملازمت نماینده مر ایشانرا

لاحقٌ اللّهمَّ صلِّ علی محمّدٍ وآلِ محمّدٍ الکهفِ الحصینِ وغیاثِ

پیوسته است خداوندا درود بفرست بر محمد واولاد محمد پناه محکم وفریادرس

المضطرِّ المستکینِ وملجأِ الهاربینَ ومنجا الخائفینَ وعصمةِ

مضطر عاجز وپناه گریزندگان ورستگاه ترسندگان وپناه

المعتصمینَ اللّهمَّ صلِّ علی محمّدٍ وآلِ محمّدٍ صلوةً کثیرةً طیّبةً

چنگ زنندگان خداوندا درود بفرست بر محمد وآل محمد درودی بسیار پاکیزه

تکونُ لهم رضیً ولحقِّ محمّدٍ وآلِ محمّدٍ اداءً وقضاءً بحولٍ منک

که باشد مر ایشانرا موجب خوشنودی و مر حق محمد واولاد محمد را ادا وقضا بقدرتی از تو

وقوّةٍ یا ربَّ العالمینَ اللّهمَّ صلِّ علی محمّدٍ وآلِ محمّدٍ الطیّبینَ

وتوانائی ای پروردگار عالمیان خداوندا درود بفرست بر محمد وآل محمد پاکیزگان

الابرارِ الاخیارِ الّذینَ اوجبتَ حقوقَهم وفرضتَ طاعتَهم وولایتَهم

نیکوکاران برگزیدگان که واجب کردی برای ایشان حقهای ایشانرا و واجب کردی طاعت ایشانرا و دوستی ایشانرا

اللّهمَّ صلِّ علی محمّدٍ وآلِ محمّدٍ واعمُرْ قلبی بطاعتِکَ ولا تُخزِنی

خداوندا درود بفرست بر محمد واولاد محمد وآباد کن دل مرا به بندگی خود ورسوا مگردان مرا

بمعصیتِکَ وارزقنی مواساةَ مَن قتّرتَ علیهِ مِن رزقِکَ بما وسّعتَ

بنافرمانی خود وروزی کن مرا همراهی کسیکه تنگ کرده باشی براو از روزی خود بچیزی که فراخ کردی

عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَنَشَرْتَ عَلَيَّ مِنْ عَدْلِكَ وَاَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ وَهٰذَا

بر من از فضل خود و پهن کردی بر من از عدل خود و زنده داشتی مرا در سایه خود و این

شَهْرُ نَبِيِّكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَعْبانُ الَّذي حَفَفْتَهُ

ماه شعبان ماه پیغمبر تو سرور پیغمبران تست درود خدا بر او و اولاد او شعبانی که فرا گرفتی آنرا

مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوانِ الَّذي كانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

از جانب خود به بخشش و خوشنودی آنکه بود رسول خدا درود فرستد خدا بر او و اولادش

يَدْأَبُ في صِيامِهِ وَقِيامِهِ في لَيالِيهِ وَاَيّامِهِ بُخُوعاً لَكَ في اِكْرامِهِ

که کوشش مینمود در روزه آن و قیام آن در شبهای آن و روزهای آن جهت فروتنی برای تو در گرامی داشتن آن

وَاِعْظامِهِ اِلى مَحَلِّ حِمامِهِ اَللّٰهُمَّ فَاَعِنّا عَلَى الْاِسْتِنانِ بِسُنَّتِهِ فيهِ

و تعظیم کردن آن تا فرود آمدن موت او خداوندا پس یاری کن ما را بر جاری شدن بطریقه او در آن

وَنَيْلِ الشَّفاعَةِ لَدَيْهِ اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْهُ لي شَفيعاً مُشَفَّعاً وَطَريقاً اِلَيْكَ مَهْيَعاً

و رسیدن به شفاعت نزد او خداوندا پس گردان او را شفاعت کننده پذیرفته شفاعت و راهی بسوی تو واضح

وَاجْعَلْني لَهُ مُتَّبِعاً حَتّى اَلْقاكَ يَوْمَ الْقِيامَةِ عَنّي راضِياً وَعَنْ ذُنُوبي

و بگردان مرا برای او تابع تا آنکه ملاقات کنم ترا در روز قیامت در حالیکه از من بوده باشی خوشنود و از گناهانم

غاضِياً قَدْ اَوْجَبْتَ لي مِنْكَ الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوانَ وَاَنْزَلْتَني دارَ الْقَرارِ

در گذرنده بتحقیق واجب ساخته باشی برای من از لطف خود رحمت و خوشنودی را و فرود آورده باشی مرا در سرای بقا

وَمَحَلَّ الْاَخْيارِ

و در جایگاه نیکوکاران

و سید بن طاوس علیه الرحمه بسند معتبر از ابن خالویه روایت کرده است که این مناجات حضرت امیرالمؤمنین و امامان از فرزندان اوست علیهم السلام که در ماه شعبان میخواندند

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ دُعائي اِذا دَعَوْتُكَ وَاسْمَعْ

بارخدایا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بشنو دعای مرا هرگاه بخوانم ترا و بشنو

بدائی اذا نادیتك واقبل علیّ اذا ناجیتك فقد هربت الیك ووقفت

صدای مرا هرگاه ندا کنم ترا و رو کن بر من هرگاه راز گویم ترا پس تحقیق که گریخته ام بسوی تو و ایستاده ام

بین یدیك مستکینا لك متضرعا الیك راجیا لما لدیك

پیش تو عاجز ... کننده مر ترا زاری نماینده بسوی تو امیدوار بجهت آنچه نزد تست

ثوابی وتعلم ما فی نفسی وتخبر حاجتی وتعرف ضمیری ولا یخفی

ثواب ... و میدانی آنچه در نفس منست و می پویندی حاجت مرا و میدانی راز مرا و پوشیده نیست

علیك امر منقلبی ومثوای وما ارید ان ابدئ به من منطقی

بر تو حال بازگشت من و آرام گاه من و آنچه خواهم که ابتدا کنم من بآن از سخن خود

واتفوه به من طلبتی وارجوه لعاقبتی وقد جرت مقادیرك

و تلفظ نمایم بآن از حاجت خود و امیدوارم آنرا بجهت آخرت خود و بتحقیق روان شده تقدیرهای تو

علیّ یا سیدی فیما یکون منی الی آخر عمری من سریرتی وعلانیتی

بر من ای آقای من در آنچه خواهد شد از من تا آخر زندگانی من از نهانی من و آشکار من

وبیدك لا بید غیرك زیادتی ونقصی ونفعی وضری الهی ان حرمتنی

و بدست تست و نه بدست غیر تو بیشی من و کمی من و سود من و زیان من خدای من اگر ناامید کنی مرا

فمن ذا الذی یرزقنی وان خذلتنی فمن ذا الذی ینصرنی الهی اعوذ بك

پس کیست آنکه روزی دهد مرا و اگر خوار گذاری مرا پس کیست آنکه یاری کند مرا خدای من پناه میبرم

من غضبك وحلول سخطك الهی ان کنت غیر مستاهل لرحمتك

از خشم تو و فرود آمدن غضب تو خدای من اگر باشم غیر سزاوار رحمت تو

فانت اهل ان تجود علیّ بفضل سعتك الهی کانی بنفسی واقفة

پس تو سزاواری بآنکه بخشش نمائی بر من بزیادتی گشایش خود خدای من گویا می بینم نفس خود را ایستاده

بین یدیك وقد اظلها حسن توکلی علیك فقلت ما انت اهله

پیش تو و حال آنکه سایه افکنده بر آن نیکوئی اعتمادم بر لطف تو پس گفتی آنچه که تو سزاواری

وتعمدتني بعفوك الهي ان عفوت فمن اولى منك بذلك وان كان

و تو شاد نیدی مرا بعفو خود خدای من اگر در گذری از گناهان من پس کیست سزاوارتر از تو بآن اگر بوده

قد دنا اجلي ولم يدنني منك عملي فقد جعلت الاقرار بالذنب

که هر آینه نزدیک شده باشد اجل من و نزدیک نگردانیده باشد مرا بتو کردار من بتحقیق گردانیدیم اقرار را بگناه خود

اليك وسيلتي الهي قد جرت على نفسي في النظر لها فلها الويل

بسوی تو وسیله خود خدای من بتحقیق که ستم کرده ام بر ذات خود در نظر کردن بر آن پس مر او راست عذاب

ان لم تغفر لها الهي لم يزل برك علي ايام حيوتي فلا تقطع برك عني في

اگر نیامرزی او را خدای من همیشه است نیکوئی تو بر من در ایام زندگانی من پس نیکوئی خود را از من در

مماتي الهي كيف ايس من حسن نظرك لي بعد مماتي

وقت مردن من خدای من چگونه نا امید شوم از حسن نظر تو مرا بعد از مردنم

وانت لم تولني الا الجميل في حيوتي الهي تول من امري ما انت

و حال آنکه تو ندادی تو مگر جمیل را در زندگانی من خدای من متولی شو از امر من آنچه تو

اهله وعد بفضلك على مذنب قد غمره جهله الهي قد سترت

سزاوار آنی و عود کن بفضل خود بر گناهکاری که بتحقیق فرو پوشیده او را نادانی او خدای من بتحقیق پوشانیدی

على ذنوبا في الدنيا وانا احوج الى سترها على منك في الاخرى

بر من گناهان را در دنیا و من محتاج ترم بسوی پوشیدن آنها بر خود از تو در عقبی

الهي قد احسنت الي اذ لم تظهرها لاحد من عبادك الصالحين

خدای من بتحقیق که نیکوئی کردی بسوی من هنگامی که ظاهر نساختی آنها را برای هیچ یکی از بندگان نیکوکاران

فلا تفضحني يوم القيمة على رؤس الاشهاد الهي جودك بسط املي

پس رسوا مکن مرا در روز رستخیز بر سر حاضران خدای من بخشش تو فراخ کرده امید مرا

وعفوك افضل من عملي الهي فسرني بلقائك يوم تقضي فيه بين عبادك

و در گذشتن تو بهتر است از کردار من خدای من پس شاد گردان مرا بلقا خود در روزی که حکم کنی در آن میان بندگان خود

إلهي اعتذاري إليك اعتذار من لم يستغن عن قبول عذره فاقبل

خدای من عذر خواهی من بسوی تو عذر خواهی کسی است که بی نیاز نشد از پذیرفتن عذر خود پس بپذیر

عذري يا أكرم من اعتذر إليه المسيئون إلهي

عذر مرا ای پروردگار ای گرامی ترین کسیکه عذر خواهی نمودند بسوی او بدکاران خدای من

لا ترد حاجتي ولا تخيب طمعي ولا تقطع منك رجائي وأملي إلهي

رد مکن حاجت مرا و محروم مکن طمع مرا و مبر از خود امید مرا و آرزوی مرا خدای من

لو أردت هواني لم تهدني ولو أردت فضيحتي لم تعافني إلهي

اگر میخواستی خواری مرا هدایت نمیکردی مرا و اگر میخواستی رسوائی مرا عافیت نمی بخشیدی مرا خدای من

ما أظنك تردني في حاجة قد أفنيت عمري في طلبها منك إلهي

گمان نمیبرم ترا که رد کنی مرا در حاجتی که بتحقیق بپایان رسانیدم عمر خود را در طلب آن از تو خدای من

فلك الحمد أبدا أبدا دائما سرمدا يزيد ولا يبيد كما تحب وترضى

پس مر تراست سپاس همیشه همیشه مدام پیوسته که زیاده شود و نیست نشود چنانچه دوست داری و بپسندی

إلهي إن أخذتني بجرمي أخذتك بعفوك وإن أخذتني بذنوبي

خدای من اگر بگیری مرا بگناه من بگیرم ترا بعفو تو و اگر بگیری مرا بگناهان من

أخذتك بمغفرتك وإن أدخلتني النار أعلمت أهلها أني

بگیرم ترا بآمرزش تو و اگر داخل کنی مرا در آتش آگاه کنم اهل آتش را اینکه هر آینه

أحبك إلهي إن كان صغر في جنب طاعتك عملي فقد كبر في

من دوست میدارم ترا خدای من اگر حقیر شد در پهلوی طاعت تو کردار من پس بتحقیق بزرگ شد در

جنب رجائك أملي إلهي كيف أنقلب من عندك بالخيبة محروما و

جنب امید من از تو امید من خدای من چگونه برگردم از نزد تو با زیان کاری محروم و حال آنکه

قد كان حسن ظني بجودك أن تقلبني بالنجاة مرحوما إلهي وقد أفنيت

بتحقیق بود نیکوئی گمان من بجود تو اینکه برگردانی مرا با رستگاری رحم کرده شده خدای من و بتحقیق بپایان رسانیدم

عُمْرِي فِي شِرَّةِ السَّهْوِ عَنْكَ وَأَبْلَيْتُ شَبَابِي فِي سَكْرَةِ

عمر خود را در نشاط بی‌خبری از تو و کهنه ساختم جوانی خود را در مستی

التَّبَاعُدِ مِنْكَ إِلٰهِي فَلَمْ أَسْتَيْقِظْ أَيَّامَ اغْتِرَارِي بِكَ وَرُكُونِي

دوری از تو خدای من پس بیدار نشدم در روزهای فریفتگی من بتو و مایل بودنم

إِلَىٰ سَبِيلِ سَخَطِكَ إِلٰهِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ قَائِمٌ بَيْنَ

بسوی راه خشم تو خدای من و من بنده تو و پسر بنده توام ایستاده‌ام پیش

يَدَيْكَ مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ إِلَيْكَ إِلٰهِي أَنَا عَبْدٌ أَتَنَصَّلُ إِلَيْكَ

تو توسل جوینده‌ام بکرم تو بسوی تو خدائی من من بنده‌ام عذرخواهی مینمایم بسوی تو

مِمَّا كُنْتُ أُوَاجِهُكَ بِهِ مِنْ قِلَّةِ اسْتِحْيَائِي مِنْ نَظَرِكَ

از آنچه بودم که مواجهه میکردم ترا بآن از راه کمی شرم از اطلاع تو

وَأَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ إِذِ الْعَفْوُ نَعْتٌ لِكَرَمِكَ إِلٰهِي لَمْ يَكُنْ لِي

و میخواهم از تو درگذشتن را از تو زیرا که درگذشتن وصفی است برای بزرگواری تو خدای من نبود مرا

حَوْلٌ فَأَنْتَقِلَ بِهِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ إِلَّا فِي وَقْتٍ أَيْقَظْتَنِي لِمَحَبَّتِكَ وَكَمَا

توانائی پس بگردم بسبب آن از نافرمانی تو مگر در وقتی که بیدار کنی مرا بجهت دوستی خود و چنانچه

أَرَدْتَ أَنْ أَكُونَ كُنْتُ فَشَكَرْتُكَ بِإِدْخَالِي فِي كَرَمِكَ وَلِتَطْهِيرِ

خواستی که شوم شدم پس شکر کردم ترا بسبب داخل گردانیدن تو مرا در کرم خود و برای پاک کردن

قَلْبِي مِنْ أَوْسَاخِ الْغَفْلَةِ عَنْكَ إِلٰهِي انْظُرْ إِلَيَّ نَظَرَ مَنْ نَادَيْتَهُ

دل مرا از چرکهای بی‌خبری از تو خدای من نگر بسوی من مانند نگریستن بکسی که خوانده باشی او را

فَأَجَابَكَ وَاسْتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِكَ فَأَطَاعَكَ يَا قَرِيبًا لَا يَبْعُدُ

پس اجابت کرده باشد ترا و بکار داشته باشی او را بیاری خود پس فرمان برده باشد ترا ای نزدیکی که دور نمیباشد

عَنِ الْمُغْتَرِّ بِهِ وَيَا جَوَادًا لَا يَبْخَلُ عَمَّنْ رَجَا ثَوَابَهُ إِلٰهِي هَبْ لِي قَلْبًا يُدْنِيهِ

از فریفته بخود و ای بخشنده که بخل نمی‌ورزد از کسیکه امید داشته باشد ثواب او را خدای من ببخش مرا دلی که نزدیک گرداند

منك شوقه ولسانا يرفع اليك صدقه ونظرا يقربه منك حقه الهي

آرزو مندی او و زبانی که آن برداشته شود بسوی تو راستی او و نظری که نزدیک گرداند مرا او را بتو درستی او خدایا

ان من تعرف بك غير مجهول ومن لاذ بك غير مخذول ومن

بدرستیکه کسی که معروف شد بتو غیر مجهول است و کسیکه پناه گرفت بتو غیر زیانکار است و آنکه

اقبلت عليه غير مملوك الهي ان من انتهج بك لمستنير وان

رو کردی تو براو نیست مغلوب خدای من بتحقیق آنکه راه یافت بتو سرانیده روشنی یافته است و بتحقیق

من اعتصم بك لمستجير وقد لذت بك يا الهي فلا تخيب ظني

کسیکه چنگ زد بتو هر آینه امان جوینده است بتحقیق که پناه گرفتم بتو ای خدای من پس محروم مکن گمان مرا

من رحمتك ولا تحجبني عن رافتك الهي اقمني في اهل ولايتك

از رحمت خود و منع مکن مرا از مهربانی خود خدای من برپا دار مرا در میان اصحاب ولایت خود

مقام من رجا الزيادة من محبتك الهي والهمني ولها بذكرك

در جای کسیکه امید داشته باشد زیادتی از دوستی تو خدای من و بدل انداز مرا حرصی بذکر خود

الى ذكرك واجعل همتي في روح نجاح اسمائك ومحل قدسك

بسوی ذکر خود و بگردان آهنگ مرا بسوی راحت فیروزی نامهای خود و جایگاه قدس خود

الهي بك عليك الا الحقتني بمحل اهل طاعتك والمثوى

خدای من بذات تو قسم بر تو مگر آنکه برسانی مرا بجایگاه فرمان برداران خود و جایگاه

الصالح من مرضاتك فاني لا اقدر لنفسي دفعا ولا املك لها

شایسته از خوشنودیهای خود زیرا که بتحقیق من توانا نیستم برای نفس خود دفع کردنی را و مالک نیستم برای آن

نفعا الهي انا عبدك الضعيف المذنب ومملوكك المنيب المعيب

نفعی را خدای من منم بنده تو ناتوان گنه کار و منم بنده تو رجوع نماینده عیب دار

فلا تجعلني ممن صرفت عنه وجهك وحجبه سهوه عن عفوك الهي

پس مگردان مرا از آنان که گردانیده از ایشان روی خود را و باز داشته ایشان غفلت ایشان از عفو تو خدای من

شعبان

منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام ... طعام ... مکروه ... و در حدیث ...

طعام بسیار خوردن ... حرص ... کراهت ... از اهل بیت علیهم السلام ... و مردم خوردن ... و بیاری ... لذیذ ... نیست ... حرام کردن ... و انقدر بخورد که از ضعف باز ...

که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ... بنده ... معنوی ... باشد که خدا ... نسبت بحال ... عبادت باشد ... از خوردن ... باشد بلکه ... منظور و مقصود ... همت مصروف خوردن ... الهی ...

هَبْ لِي كَمَالَ الْانْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَأَنِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ

ببخش مرا کمال بریدگی بسوی خود و روشن کن و آن دیده های دلهای ما را به روشنائی نگریستن آنها بسوی تو

حَتَّى تَخْرِقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ

تا آنکه بدرد دیده های دلها حجابهای نور را پس برسد بسوی قرارگاه بزرگواری

وَتَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ إِلٰهِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتَهُ

و بگردد نفوس ما درآویخته بعزت پاکی تو خدای من و بگردان مرا از آنانکه خواندی ایشان را

فَأَجَابَكَ وَلَاحَظْتَهُ فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ فَنَاجَيْتَهُ سِرًّا وَعَمِلَ لَكَ

پس اجابت نمودند ترا و نگریستی بآنها پس بیهوش شدند بهیبت بزرگواری تو پس گفتی با آنها راز را و کار کردند

جَهْرًا إِلٰهِي لَمْ أُسَلِّطْ عَلَى حُسْنِ ظَنِّي قُنُوطَ الْإِيَاسِ وَلَا انْقَطَعَ

آشکارا خدای من مسلط نساختم بر نیکوئی اعتقاد خود شدت نومیدی را و بریده نشد

رَجَائِي مِنْ جَمِيلِ كَرَمِكَ إِلٰهِي إِنْ كَانَتِ الْخَطَايَا قَدْ أَسْقَطَتْنِي

امید من از کرم نیک تو خدای من اگر بوده باشند گناهان که تحقیق انداختند مرا

لَدَيْكَ فَاصْفَحْ عَنِّي بِحُسْنِ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ إِلٰهِي إِنْ حَطَّتْنِي

نزد تو پس درگذر از من بسبب نیکوئی توکل من بر تو خدای من اگر فرود آورد مرا

الذُّنُوبُ مِنْ مَكَارِمِ لُطْفِكَ فَقَدْ نَبَّهَنِي الْيَقِينُ إِلَى كَرَمِ

گناهان از نوازشهای مهربانی تو پس تحقیق بلند گردانیده مرا جزم داشتن بسوی بزرگی

عَطْفِكَ إِلٰهِي إِنْ أَنَامَتْنِي الْغَفْلَةُ عَنِ الْاسْتِعْدَادِ لِلِقَائِكَ فَقَدْ

لطف تو خدای من اگر خوابانیده مرا بیخبری از آماده شدن برای ملاقات تو پس تحقیق

نَبَّهَتْنِي الْمَعْرِفَةُ بِكَرَمِ آلَائِكَ إِلٰهِي إِنْ دَعَانِي إِلَى النَّارِ عَظِيمُ عِقَابِكَ

بیدار کرد مرا شناختن بزرگی نعمتهای تو خدای من اگر بخواند مرا بسوی آتش عقاب بزرگ تو

فَقَدْ دَعَانِي إِلَى الْجَنَّةِ جَزِيلُ ثَوَابِكَ إِلٰهِي فَلَكَ أَسْأَلُ وَإِلَيْكَ

پس تحقیق بخواند مرا بسوی بهشت ثواب وافر تو خدای من پس تو سوال میکنم و بسوی تو

اَبْتَهِلُ وَاَرْغَبُ وَاَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّاَنْ

تضرع میایم و رغبت میکنم و سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تَجْعَلَنِيْ مِمَّنْ يُدِيْمُ ذِكْرَكَ وَلَا يَنْقُضُ عَهْدَكَ وَلَا يَغْفُلُ عَنْ

بگردانی مرا از آنانکه همیشه دارند ذکر ترا و نشکنند پیمان ترا و غافل نمیشوند از

شُكْرِكَ وَلَا يَسْتَخِفُّ بِاَمْرِكَ اِلٰهِيْ وَاَلْحِقْنِيْ بِنُوْرِ عِزِّكَ الْاَبْهَجِ

سپاس گزاری تو و سبک نشمارند فرمان ترا خدایا برسان مرا بروشنی عزت خود که نیکوتر است

فَاَكُوْنَ لَكَ عَارِفًا وَعَنْ سِوَاكَ مُنْحَرِفًا وَمِنْكَ خَائِفًا مُرَاقِبًا

پس بوده باشم مر ترا شناسا و از غیر تو میل کننده و از تو ترسان بیمناک

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ رَّسُوْلِهٖ

ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن و رحمت فرستد خدا بر محمد فرستاده خود

وَاٰلِهِ الطَّاهِرِيْنَ وَسَلَّمَ تَسْلِيْمًا كَثِيْرًا

و خاندان او که پاکانند و درود فرستد درود بسیار

و این از مناجاتهای جلیل القدر ائمه علیهم السلام است و بر مضامین عالیه مشتمل است و در همه

اوقات که حضور قلبی باشد خواندن مناسب است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله

منقول است که هر که در مجموع ماه شعبان هزار مرتبه بگوید

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَلَا نَعْبُدُ اِلَّا اِيَّاهُ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُوْنَ

نیست خدایی سزاوار پرستش بحق مگر خداوند و نمی پرستیم مگر او را در حالتیکه خالص کرده ایم برای او دین را هر چند ناخوش دارند آنرا کافران

حق تعالی عبادت هزار ساله در نامه عمل او بنویسد و گناهان هزار ساله از او محو کند و از قبر بیرون آید

با رویی نورانی مانند ماه شب چهارده و او را صدیق بنویسند و بسند معتبر منقول است که از حضرت صادق

علیه السلام سوال کردند از فضیلت روزه رجب حضرت فرمود چرا غافل گردیده اید از روزه شعبان

راوی گفت یا ابن رسول الله چه ثواب دارد کسیکه یک روز از شعبان را روزه دارد گفت والله بهشت

ثواب اوست گفت یا ابن رسول الله بهترین عملها در این ماه چیست فرمود تصدق کردن و طلب آمرزش

نمودن هرکه در این ماه تصدق کند حق تعالی آنرا تربیت میکند چنانچه یکی از شما شتر بچه خود را تربیت کند تا آنکه روز قیامت مانند کوه احد بصاحبش برسد فصل سوم در بیان اعمال و فضائل ایام مخصوصه اول ماه است تا ایام بیض بسندهای معتبر منقول است از حضرت صادق علیه السلام که هرکه روز اول ماه شعبان را روزه دارد بهشت او را واجب گردد البته و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است استحباب روزه سه روز اول و سه روز میان و سه روز آخر ماه و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که در هر پنجشنبه ماه شعبان زینت میکنند آسمانها را پس ملائکه میگویند خداوندا بیامرز روزه داران این روز را و دعای ایشان را مستجاب گردان و روز سوم ماه شعبان روز بسیار مبارک است و موافق مشهور روز ولادت حضرت امام حسین صلوات الله علیه است و از حضرت صاحب الامر فرمانی بیرون آمد که روز سوم ماه شعبان روز ولادت حضرت امام حسین است پس روزه بدارید و این دعا را بخوانید

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فی هٰذَا الْیَوْمِ الْمَوْعُودِ بِشَهادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلالِهِ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بحق آنکه متولد شده درین روز وعده داده شده بشهادت او پیش از استهلال او

وَوِلادَتِهِ بَکَتْهُ السَّماءُ وَمَنْ فیها وَالْاَرْضُ وَمَنْ عَلَیْها وَلَمّا یَطَأْ لابَتَیْها

و ولادت او گریست بر او آسمان و آنکه در آنست و زمین و هرچه بر آنست و حال آنکه قدم ننهاده بود دو سنگستان

قَتیلِ الْعَبْرَةِ وَسَیِّدِ الْاُسْرَةِ الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ یَوْمَ الْکَرَّةِ

آن شهید سرشک و بزرگ قوم و مدد کرده شده بیاری در روز رجعت

الْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ وَالشِّفاءَ فی تُرْبَتِهِ

عوض داده شده از کشتن خود اینکه پیشوایان از فرزندان اویند و شفا در خاک مدفن او است

وَالْفَوْزَ مَعَهُ فی اَوْبَتِهِ وَالْاَوْصِیاءَ مِنْ عِتْرَتِهِ بَعْدَ قائِمِهِمْ

و رستگاری با او در وقت بازگشت او و اوصیا که از فرزندان او است بعد از ظهور قائم ایشان

وَغَیْبَتِهِ حَتّٰی یُدْرِکُوا الْاَوْتارَ وَیَثْأَرُوا الثّارَ وَیُرْضُوا الْجَبّارَ

و غیبت او تا آنکه دریابند عوض خونها را و مطالبه کنند خون را و خشنود سازند خدای غالب

شعبان

ويكونوا خير انصار صلى الله عليهم مع اختلاف الليل والنهار
و بوده باشند بهترین یاران رحمت فرستد خدا بر ایشان با آمد و شد شب و روز
اللهم فبحقهم اليك اتوسل واسئل سؤال مقترف معترف
بارخدایا پس بحق ایشان بسوی تو توسل میجویم و سؤال میکنم مانند سؤال گنهکار اعتراف کننده
مسيء الى نفسه مما فرط في يومه وامسه يسألك العصمة الى
بدی کننده بسوی خود از آنچه تقصیر کرده در روز حاضر خود و روز گذشته خود میخواهد از تو عصمت را بسوی
محل رمسه اللهم صل على محمد وعترته واحشرنا في زمرته
جایگاه دفن خود بارخدایا رحمت فرست بر محمد و آل او و برانگیز ما را در گروه ایشان
وبوئنا معه دار الكرامة ومحل الاقامة اللهم وكما
و ساکن گردان ما را با او در سرای نوازش و جایگاه اقامت بارخدایا و چنانکه
اكرمتنا بمعرفته فاكرمنا بزلفته وارزقنا مرافقته وسابقته
گرامی داشتی ما را بشناخت او پس گرامی دار ما را به نزدیکی او و روزی کن ما را رفاقت او و پیشی گرفتن او
واجعلنا ممن يسلم لامره ويكثر الصلوة عليه عند ذكره وعلى
و بگردان ما را از آنکه گردن می نهند برای فرمان او و بسیار می فرستند رحمت بر او نزد ذکر او و بر
جميع اوصيائه واهل اصطفائه الممدودين منك بالعدد
همه اوصیای او و برگزیدگان او که کشیده شده اند از لطف تو بعدد
الاثني عشر النجوم الزهر والحجج على جميع البشر اللهم وهب لنا
دوازده ستارگان روشن و حجت ها بر همه مردمان خداوندا ببخش ما را
في هذا اليوم خير موهبة وانجح لنا فيه كل طلبة كما وهبت الحسين
در این روز بهترین بخشش و برآور برای ما در این روز هر حاجتی را چنانچه بخشیدی حسین را
لمحمد جده وعاذ فطرس بمهده فنحن عائذون بقبره من بعده
برای محمد جد او و پناه گرفت فطرس بمهد او پس ما پناه گیرنده ایم بقبر او از پس او

فصل سوم در بیان بعضی از آداب و اوقات طعام خوردن سنت است

نشهد تربته و ننتظر اوبته آمین رب العالمین

حاضر می‌شویم قبر او را و انتظار میکشیم بازگشت او را پس بپذیر ای پروردگار جهانیان

و زیارت آنحضرت و غسل زیارت درین روز مستحب است و کیفیت زیارت بعد ازین مذکور خواهد شد

ان شاء الله تعالی و شیخ طوسی رحمه الله روایتی نقل کرده است که حضرت امام حسین صلوات الله علیه در روز

پنجم این ماه متولد شده اگر احتیاطا هر دو روز را حرمت بدارند و اعمال را درین دو روز بعمل آورند خصوصا

زیارت بهتر است و ایضا شیخ بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت

امیر المومنین صلوات الله علیه در روز هفتم ماه شعبان متولد شده است اگرچه خلاف مشهور است چنانچه در

ماه رجب مذکور شد اما بر وفق این روایت اگر روزه و زیارت آنحضرت و سایر اعمال خیر را درین روز

بعمل آورند مناسب است **فصل چهارم** در اعمال ایام البیض ماه شعبانست اعنی سیزدهم

چهاردهم و پانزدهم چنانچه در اعمال ماه رجب مذکور شد سنت است که شب سیزدهم دو رکعت

و در شب چهاردهم چهار رکعت و در شب پانزدهم شش رکعت بجا آورند و در هر رکعت بعد

از حمد سوره یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد بخوانند و در نماز سلت سورها که از حفظ

نتواند خواند از روی قرآن میتوان خواند در روزه هر سه روز سنت است و فضائل و اعمال شب پانزدهم

زیاده از آنست که درین رساله احصا توان نمود و اکتفا مینمائیم بانچه صحیح است از حضرت

امیر المومنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که چون نصف شعبان شود

شب را بعبادت بایستید و در روزش را روزه بدارید بدرستی که از اول تا آخر این شب ندا میرسد از جانب

حق تعالی که آیا استغفار کننده هست که طلب آمرزش از گناهان خود کند که گناهان او را بیامرزیم

آیا کسی هست که از ما طلب روزی کند و ما روزی او را فراخ گردانیم و غسل درین شب سنت است

و از حضرت صادق منقول است که روزه بدارید ماه شعبان را و در شب نیمه آن غسل کنید که

باعث تخفیف گناهان شما باشد و رحمت الهی شما را دریابد و از جمله اعمال این شب زیارت

حضرت امام حسین علیه السلام است و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که هر که

خواهد با او مصافحه کند روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام

را در شب نصف ماه شعبان پس ملائکه و پیغمبران درین شب از خدا رخصت میطلبند که بزیارت
آنحضرت بیایند و رخصت می یابند پس خوشا حال کسیکه این بزرگواران با او مصافحه کنند و از
جمله ایشانند پنج پیغمبر اولوا العزم نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلوات الله علیهم اجمعین
که مبعوث گردیده اند بمشرق و مغرب زمین و جنیان و آدمیان و از حضرت صادق علیه
السلام منقولست که در شب نیمه شعبان می آمرزند جمیع گناهان کسی را که زیارت آنحضرت
کند در آن شب و اقل زیارت آنحضرت آنست که بر بامی یا بصحن گشاده در آید و بجانب راست
آسمان و بجانب چپ و بالای سر نظر کند پس بانگشت اشاره کند بجانب آنحضرت و بگوید

السَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ
درود باد بر تو ای ابا عبدالله درود باد بر تو ای فرزند
رَسُولِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ
رسول خدا درود بر تو باد و رحمت خدا و برکتهای او

و اگر یکی از زیارات مبسوطه را بعمل آورد بهتر است و از جمله آنها این است

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ
درود بر تو باد ای میراث برنده آدم برگزیده خدا سلام بر تو باد
يا وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ اِبْراهيمَ
ای میراث برنده نوح پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای میراث برنده ابراهیم
خَليلِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسى كَليمِ اللهِ السَّلامُ
دوست خدا سلام بر تو باد ای وارث موسی هم سخن خدا سلام
عَلَيْكَ يا وارِثَ عيسى رُوحِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ
بر تو باد ای وارث عیسی روح الله سلام بر تو باد ای وارث محمد
حَبيبِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَلِيِّ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ
حبیب خدا سلام بر تو باد ای وارث پادشاه گروندگان دوست خدا سلام بر تو باد

يا ابن محمد المصطفى السلام عليك يا ابن علي المرتضى السلام

ای پسر محمد مصطفی سلام بر تو باد ای پسر علی مرتضی سلام

عليك يا ابن فاطمة الزهراء السلام عليك يا ابن خديجة الكبرى

بر تو باد ای پسر فاطمه زهرا سلام بر تو باد ای فرزند خدیجه کبری

السلام عليك يا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور اشهد انك

سلام بر تو باد ای خون طلب خدا و فرزند خون طلب خدا و ای کشته که گرفته نشده عوض خون او

قد اقمت الصلوة واتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت

بتحقیق تو برپا داشتی نماز را و دادی زکوة را و امر فرمودی بهر نیکی و منع نمودی

عن المنكر واطعت الله ورسوله حتى اتاك اليقين فلعن الله

از هر بدیی و فرمان برداری نمودی خدا و رسول او را تا آنکه آمد ترا موت پس دور کند خدا از رحمت خود

امة قتلتك ولعن الله امة ظلمتك ولعن الله امة سمعت بذلك

گروهی که کشتند ترا و دور کند خدا از رحمت خود گروهی که ستم کردند بر تو و دور کند خدا گروهی که شنیدند این را

فرضيت به يا مولاي يا ابا عبد الله اشهد انك كنت نورا في الاصلاب

پس خوشنود شدند بآن ای آقای من ای اباعبدالله گواهی میدهم اینکه بتحقیق تو بودی نوری در صلبهای

الشامخة والارحام المطهرة لم تنجسك الجاهلية بانجاسها و

بلند و رحمهای پاک نجس نگردانید ترا جاهلیت بنجاستهای خود و

لم تلبسك من مدلهمات ثيابها واشهد انك من دعائم الدين

نپوشانید ترا از جامه‌های تیره خود و گواهی میدهم باینکه بتحقیق تو از ستونهای دینی

واركان المؤمنين واشهد انك الامام البر التقي الرضي الزكي

و رکنهای گروه گروندگانی و گواهی میدهم اینکه بتحقیق تو پیشوای نیکوکار پرهیزکار پسندیده پاک

الهادي المهدي واشهد ان الائمة من ولدك كلمة التقوى واعلام

رهنما راه یافته و گواهی میدهم باینکه پیشوایان از فرزندان تو کلمه پرهیزکاری و نشانهای

الهدی و العروة الوثقی و الحجة علی اهل الدنیا و اشهد الله و
هدایت و دست آویز محکم و حجت بر اهل دنیا اند و گواه میگیرم خدارا و
ملائکته و انبیاءه و رسله انی بکم مؤمن و بایابکم موقن لشرایع دینی
و فرشتگان او را و پیغمبران او را و رسولان او را بآنکه من بشما ایمان آورنده ام و برجعت شما یقین کننده ام بطریقهای دینم
و خواتیم عملی و قلبی لقلبکم سلم و امری لامرکم متبع صلوات
و خاتمه های کردار خود و دل من دل شمارا گردن نهنده است امر من امر شمارا پیروی کننده رحمتهای
الله علیکم و علی ارواحکم و علی اجسادکم و علی اجسامکم و علی
خدا بر شما و بر نفوس شما و بر بدنهای شما و بر تنهای شما و بر
شاهدکم و علی غائبکم و علی ظاهرکم و علی باطنکم
حاضر شما و بر غایب شما و بر ظاهر شما و بر باطن شما

پس دو رکعت نماز زیارت میکند و اگر نماز را پیش از زیارت بکند نیز خوبست و اگر
از دور زیارت کند پس قصد زیارت حضرت علی بن الحسین شهید علیه السلام بکند و بگوید

السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن نبی الله السلام
سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند پیغمبر خدا سلام
علیک یا ابن امیر المؤمنین السلام علیک یا ابن الحسین الشهید السلام
بر تو ای فرزند پادشاه مومنان سلام بر تو ای فرزند حسین شهید سلام
علیک ایها الشهید السلام علیک ایها المظلوم و ابن المظلوم
بر تو ای شهید سلام بر تو ای ستم رسیده و ای پسر ستم رسیده
لعن الله امة قتلتک و لعن الله امة ظلمتک و لعن الله امة
لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا و لعنت کند خدا گروهی که ستم کردند بر تو و لعنت کند خدا گروهی
سمعت بذلک فرضیت به
که شنیدند آنرا پس خشنود شدند بآن

پس قصد زیارت سایر شهدا رضی الله عنهم بکند بگوید

السلام علیکم یا اولیاء الله واحباءه السلام علیکم یا اصفیاء

سلام برشما ای محبان خدا و دوستان او سلام برشما ای برگزیدگان

الله واوداءه السلام علیکم یا انصار دین الله السلام علیکم

خدا و دوستداران او سلام برشما ای یاوران دین خدا سلام برشما

یا انصار رسول الله السلام علیکم یا انصار امیر المؤمنین السلام

ای یاوران رسول الله سلام برشما ای یاوران امیر المؤمنین سلام

علیکم یا انصار فاطمة الزهراء سیدة نساء العالمین السلام علیکم

برشما ای یاوران فاطمه زهرا سرور زنان جهانیان سلام برشما

یا انصار ابی محمد الحسن بن علی الزکی الناصح السلام علیکم

ای یاوران ابی محمد حسن بن علی پاک نصیحت نماینده سلام برشما

یا انصار ابی عبد الله بابی انتم وامی طبتم وطابت الارض التی فیها

ای یاوران ابی عبد الله فدا باد پدر من شما را و مادرم خوشا حال شما و خوشا حال زمینی که در آن

دفنتم وفزتم فوزا عظیما فیا لیتنی کنت معکم فافوز معکم

مدفون شدید و فیروزی یافتید فیروزی بزرگ پس ای کاش من بودمی با شما پس فیروزی یابمی با شما

و در شب اول و پانزدهم شهر رجب و در سوم و پنجم ماه شعبان و شبهای ماه مبارک رمضان و شبهای عید و سایر ایامی که زیارت آنحضرت مستحب است بهمین طریق زیارت آنحضرت میتوان کرد و زیارات مسنونه مخصوصه در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام هر که خواهد بآن کتاب رجوع نماید و از جمله شبهای مبارکه اینست شب نیمه شعبان که ولادت ابو السعادات حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه در این شب واقع شد و سنت است در این شب این دعا را بخوانند که بمنزله زیارت آنحضرت است

اللهم بحق لیلتنا هذه ومولودها وحجتك وموعودها التی قرنت

خداوندا بحق این شب و بحق زاییده شده در آن و بحق حجت تو و وعده داده شده که نزدیک

شعبان

إلى فضلها فصلاً فتمّت كلماتك صدقاً وعدلاً لا مبدّل لكلماتك

بسوی تفضل آن فضلی بزرگ را پس تمام شد کلمهٔ تو از روی راستی و انصاف نیست بدل کننده مر کلمهای ترا

ولا معقّب لآياتك نورك المتألّق وضياؤك المشرق والعلم النور

و نه بازپس دارنده مر نشانهای ترا نور تو درخشنده و روشنی تو روشن شونده و نشان روشن

في طخياء الديجور الغائب المستور جلّ مولده وكرم محتده والملائكة

در شب تیره و تار پنهان پوشیده بزرگست ولادت او و گرامی است اصل او و فرشتگان

شهّده والله ناصره ومؤيّده إذا آن ميعاده والملائكة

شاهدان اویند و خدا یاری دهنده او و توانائی دهنده او هرگاه نزدیک شود زمان وعده ظهور و فرشتگان

أمداده سيف الله الذي لا ينبو ونوره الذي لا يخبو وذو الحلم

مددکنندگان اویند شمشیر خدا که برسینه جهد و روشنائی او که فرو ننشیند و خداوند بردباری

الذي لا يصبو مدار الدهر ونواميس العصر وولاة الأمر والمنزّل

که میل نمیکند مدار زمانه و رازدار روزگار و صاحبان فرمان و آنانکه فرو فرستاده شده

عليهم الذكر وما ينزّل في ليلة القدر وأصحاب الحشر والنشر

برایشان ذکر و آنچه فرود می آید در شب قدر و خداوندان روز قیامت بیان کنندگان

وحيه وولاة أمره ونهيه اللهمّ فصلّ على خاتمهم وقائمهم المستور

وحی و والیان امر او و نهی او بار خدایا پس رحمت بفرست بر آخر ایشان و قائم ایشان پنهان

عن عوالمهم وأدرك بنا أيّامه وظهوره وقيامه واجعلنا من

از عالمهای ایشان و برسان ما را بروزگار دولت او و ظاهر شدن او و برپا شدن او و بگردان ما را از

أنصاره واقرن ثارنا بثاره واكتبنا في أعوانه وخلصائه وأحينا

از یاوران او و نزدیک گردان خون ما را با خون او و بنویس ما را در مددکاران او و خالصان او و زنده گردان ما را

في دولته ناعمين وبصحبته غانمين وبحقّه قائمين ومن السوء

در زمان دولت خوش عیش شوندگان و بصحبت او غنیمت گیرندگان و بحق او برپا شوندگان و از بدی

سائلین یا ارحم الراحمین والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد

رای یابندگان ای بخشاینده ترین بخشایندگان و ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است و رحمت فرستد خدا بر محمد

خاتم النبیین والمرسلین و علی اهل بیته الصادقین و عترته الناطقین

آخر پیغمبران و فرستادگان و بر خاندان او که راستگویانند و خویشان او که سخن گویانند

والعن جمیع الظالمین و احکم بیننا و بینهم یا احکم الحاکمین

و لعنت کن همه ستمکاران را و حکم کن میانه ما و میانه ایشان ای حکم کننده ترین حکم کنندگان

و زید شهید روایت کرده است که پدرم امام زین العابدین علیه السلام ما را در شب نیمه شعبان نزد خود جمع میکرد و شب را سه حصه میکرد در ثلث اول نماز میکرد و در ثلث دوم دعا میکرد ما آمین میگفتیم بر دعای او و ثلث آخر را استغفار و طلب آمرزش میکرد و ما نیز استغفار میکردیم تا صبح طالع میشد یعنی بعد از نماز شب و نمازهای این شب بسیار است و از جمله آنها چهار رکعت است هر دو رکعت بیک سلام و سی نفر از اصحاب حضرت صادق علیه السلام این نماز را از آنحضرت روایت کرده اند و در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه سوره قل هو الله احد بخوانند و بعد از نماز این دعا را بخوانند

اللهم انی الیک فقیر و من عذابک خائف و بک مستجیر رب لا تبدل

خداوندا بدرستیکه من بسوی تو محتاجم و از عذاب تو ترسانم و بتو پناه جوینده پروردگارا تبدیل مکن

اسمی و لا تغیر جسمی رب لا تجهد بلائی رب لا تشمت بی اعدائی

نام مرا و تغییر مده بدن مرا پروردگارا سخت مگردان بلای مرا پروردگارا شاد مکن بمن دشمنان مرا

اعوذ بعفوک من عقابک و اعوذ برحمتک من عذابک و اعوذ

پناه میبرم بعفو تو از عذاب تو و پناه میبرم برحمت تو از عذاب تو و پناه میبرم

برضاک من سخطک و اعوذ بک منک جل ثناؤک

بخشنودی تو از خشم تو و پناه میبرم بتو از تو بزرگ است ستایش تو

انت کما اثنیت علی نفسک و فوق ما یقول القائلون فیک

تو چنانی که ستایش نموده تو بر خود را و بالاتری از آنچه گویند گویندگان در باره تو

حضرت منقول است که چون ... در طعام ... طعام از حضرت امام رضا علیه السلام ... [illegible]

شعبان ... و از طعامهای که لذیذ تر بود ... جعفر صادق علیه السلام منقول است که حضرت یعقوب علیه السلام بمفارقت فرزند ... [illegible]

[illegible]

و بروایت دیگر با ز چهار رکعت است بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد و لیست و
پنجاه مرتبه قل هو الله احد یا صد مرتبه یا پنجاه مرتبه بخوانند و بعد از نماز این دعا را بخوانند
اَللّٰهُمَّ اِنّی اِلَیْکَ فَقیرٌ وَاِنّی مِنْ عَذابِکَ خائِفٌ وَبِکَ مُسْتَجیرٌ رَبِّ
خداوندا بدرستیکه من بسوی تو محتاجم و بدرستیکه من از عذاب تو ترسانم و بتو زنهار جوینده ام پروردگار من
لا تُبَدِّلِ اسْمی وَلا تُغَیِّرْ جِسْمی رَبِّ لا تُجْهِدْ بَلائی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعُوذُ
بدل مکن نام مرا و تغییر مده جسم مرا پروردگار من بنهایت مرسان بلای مرا خداوندا بتحقیق که من پناه میگیرم
بِعَفْوِکَ مِنْ عُقُوبَتِکَ وَاَعُوذُ بِرِضاکَ مِنْ سَخَطِکَ وَاَعُوذُ بِرَحْمَتِکَ مِنْ
بعفو تو از عقوبت تو و پناه میگیرم بخشنودی تو از خشم تو و پناه میگیرم برحمت تو از
عَذابِکَ وَاَعُوذُ بِکَ مِنْکَ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ جَلَّ ثَناؤُکَ وَلا اُحْصی
عذاب تو و پناه میگیرم بتو از تو نیست سزاوار پرستش بجز تو بزرگست ثنای تو و نمی توانم شمرد
مِدْحَتَکَ وَلَا الثَّناءَ عَلَیْکَ اَنْتَ کَما اَثْنَیْتَ عَلیٰ نَفْسِکَ وَفَوْقَ
ستایش ترا و ستودن ترا تو چنانی که ستوده بر ذات خود و بالای
ما یَقُولُ الْقائِلُونَ رَبِّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بی کَذا وَکَذا
آنچه گویند گویندگان پروردگار من رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بکن با من چنان و چنان
و بجای کذا و کذا حاجات خود را یاد کند و اگر این نماز را با پنجاه مرتبه قل هو الله احد بجا آورد
موافق میشود با نماز حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة و السلام و در فضیلت آن احادیث بسیار
است و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شب نیمه شعبان بهترین شبها
است بعد از شب قدر و حق تعالی فضل خود را درین شب بر بندگان عطا می نماید و باحسان
خود کناهان ایشانرا می آمرزد پس سعی کنید در عبادت درین شب که این شبی است که حق تعالی
بذات مقدس خود سوگند یاد کرده است که سائل را از درگاه خود رد نکند مگر آنکه
معصیتی از خدا طلب نماید و این شب را خدای تعالی برای ما اهلبیت قرار داده است
بازای شب قدر که از برای پیغمبر ما قرار داده است پس اهتمام نمائید درین شب در دعا

و ثنا کردن بر خدا تعالی بدرستیکه هرکه در این شب صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید حق تعالی گناهان گذشته او را بیامرزد و حاجتهای دنیا و آخرت او را برآورد هر چه خواه طلب نماید و خواه ننماید. آنگاه پرسید که بهترین دعاها درین شب کدام است فرمود که بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز بکن در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم سوره قل هو الله احد بخوان و بعد از سلام سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله و چهار مرتبه الله اکبر بگو اگرچه ترتیب تسبیح حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها بخوان ظاهرا خوب باشد پس این دعا بخوان

یَا مَنْ إِلَیْهِ مَلْجَأُ الْعِبَادِ فِی الْمُهِمَّاتِ وَ إِلَیْهِ یَفْزَعُ الْخَلْقُ فِی الْمُلِمَّاتِ یَا عَالِمَ

ای آنکه بسوی اوست پناه بردن بندگان در کارهای سخت و بسوی او پناه می‌گیرند آفریدگان در بلاها ای دانای

الْجَهْرِ وَ الْخَفِیَّاتِ یَا مَنْ لَا یَخْفَی عَلَیْهِ خَوَاطِرُ الْأَوْهَامِ وَ تَصَرُّفُ الْخَطَرَاتِ

آشکارا و نهانیها ای آنکه پنهان نیست براو اندیشه‌های وهمها و گردش خیالات

یَا رَبَّ الْخَلَائِقِ وَ الْبَرِیَّاتِ یَا مَنْ بِیَدِهِ مَلَکُوتُ الْأَرَضِینَ وَ السَّمَاوَاتِ

ای پروردگار خلایق و آفریدگان ای آنکه بدست اوست پادشاهی زمینها و آسمانها

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَمُتُّ إِلَیْکَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَیَا لَا إِلَهَ

تویی خدا نیست خدایی مگر تو توسل میجویم بسوی تو به کلمه لا اله الا انت پس ای آنکه نیست خدایی

إِلَّا أَنْتَ اجْعَلْنِی فِی هَذِهِ اللَّیْلَةِ مِمَّنْ نَظَرْتَ إِلَیْهِ فَرَحِمْتَهُ وَ سَمِعْتَ

مگر تو بگردان مرا درین شب از آنانکه نظر افکندی بسوی او پس رحم کردی او را و شنیدی

دُعَاءَهُ فَأَجَبْتَهُ وَ عَلِمْتَ اسْتِقَالَتَهُ فَأَقَلْتَهُ وَ تَجَاوَزْتَ عَنْ سَالِفِ

دعای او را پس اجابت کردی او را و دانستی طلب گذشتن او را پس گذشتی از او و تجاوز نمودی از گذشته

خَطِیئَتِهِ وَ عَظِیمِ جَرِیرَتِهِ فَقَدِ اسْتَجَرْتُ بِکَ مِنْ ذُنُوبِی وَ لَجَأْتُ

گناه او و بزرگ خطای او پس بتحقیق امان خواسته‌ام بتو از گناهان خود و پناه آورده‌ام

إِلَیْکَ فِی سَتْرِ عُیُوبِی اللَّهُمَّ فَجُدْ عَلَیَّ بِکَرَمِکَ وَ فَضْلِکَ وَ احْطُطْ

بسوی تو در پوشانیدن عیبهای خود خداوندا پس بخشش کن بمن بزرگواری و بخشش خود و فرو ریز

خطایای بحلمك وعفوك وتغمدنی فی هذه اللیلة بسابغ كرامتك

گناهان مرا به بردباری خود و درگذشتن خود و بپوشان مرا در این شب بنوازش کامل خود

واجعلنی فیها من اولیائك الذین اجتبیتهم لطاعتك واخترتهم

و بگردان مرا درین شب از دوستان خود که برگزیدی ایشان را برای طاعت خود و اختیار کردی ایشان را

لعبادتك وجعلتهم خالصتك وصفوتك اللهم اجعلنی ممن سعد

از برای عبادت خود و گردانیدی ایشان را دوست خالص خود و برگزیده خود بار خدایا بگردان مرا از آنانکه نیکو شد

جده وتوفر من الخیرات حظه واجعلنی ممن سلم فنعم وفاز فغنم

بخت ایشان و وافر گشته از نیکیها بهره ایشان و بگردان مرا از آنانکه سلامتی یافتند پس مرفه شدند و فیروزی یافتند پس غنیمت بردند

واكفنی شر ما اسلفت واعصمنی من الازدیاد فی معصیتك وحبب

و دفع کن از من گزند آنچه پیش فرستاده ام و نگاه دار مرا از زیادتی در نافرمانی خود و دوست گردان

الی طاعتك وما یقربنی منك ویزلفنی عندك سیدی الیك

بسوی من فرمان برداری خود و آنچه را که نزدیک گرداند مرا بتو و نزدیک نماید مرا نزد تو ای آقای من بسوی تست

ملجأ الهارب ومنك ملتمس الطالب وعلی كرمك یعول المستقیل

پناه آوردن گریزنده و از تست درخواستن طلب کننده و بر بزرگواری تو اعتماد میکند طلب عفو نماینده

التائب ادبت عبادك بالتكرم وانت اكرم الاكرمین وامرت

رجوع کننده ادب آموختی بندگان خود را به بزرگواری و تو بزرگوارترین بزرگوارانی و فرمان دادی

بالعفو عبادك وانت الغفور الرحیم اللهم فلا تحرمنی

بدرگذشتن بندگان خود را و توئی بغایت آمرزنده مهربان بار خدایا پس محروم مکن مرا

ما رجوت من كرمك ولا تؤیسنی من سابغ نعمك ولا تخیبنی من

از آنچه امید داشته ام از بزرگواری تو و نا امید مکن مرا از نعمتهای کامل خود و بی بهره مکن مرا از

جزیل قسمك فی هذه اللیلة لاهل طاعتك واجعلنی فی جنة

قسمتهای وافر خود که تقدیر کرده درین شب برای اهل طاعت خود و بگردان مرا در حفظ

مِنْ شَرِّ بَرِيَّتِكَ رَبِّ اِنْ لَمْ اَكُنْ مِنْ اَهْلِ ذٰلِكَ فَاَنْتَ اَهْلُ الْكَرَمِ
از بدی آنان خلق خود پروردگار من اگر نبوده باشم از اهل آن پس تو سزاوار بخشش
وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ وَجُدْ عَلَيَّ بِمَا اَنْتَ اَهْلُهُ لَا بِمَا اَسْتَحِقُّهُ فَقَدْ
و درگذشتن و آمرزشی و بخشش کن بر من بانچه تو سزاوار آنی نه بانچه من سزاوار آنم پس تحقیق
حَسُنَ ظَنِّي بِكَ وَتَحَقَّقَ رَجَائِي لَكَ وَعَلِقَتْ نَفْسِي بِكَرَمِكَ وَاَنْتَ
نیکوست گمان من و ثابت است امید من مر ترا و درآویخته است نفس من به بزرگواری تو و تو
اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَاَكْرَمُ الْاَكْرَمِينَ اَللّٰهُمَّ وَاخْصُصْنِي مِنْ كَرَمِكَ
بخشنده‌ترین بخشندگانی و بزرگوارترین بزرگوارانی بار خدایا و مخصوص گردان مرا از کرم خود
بِجَزِيلِ قِسَمِكَ وَاَعِذْنِي بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَاغْفِرْ لِيَ الذَّنْبَ الَّذِي
بفراوان قسمتهای خود و پناه ده مرا بعفو خود از عقوبت خود و بیامرز برای من گناهی را که
يَحْبِسُ عَلَيَّ الْخُلُقَ وَيُضَيِّقُ عَلَيَّ الرِّزْقَ حَتّٰى اَقُومَ بِصَالِحِ رِضَاكَ وَاَنْعَمَ
باز میدارد از من خلق را و تنگ میکند بر من روزی را تا آنکه برپا شوم بشایسته خشنودی تو و تنعم کنم
بِجَزِيلِ عَطَائِكَ وَاَسْعَدَ بِسَابِغِ نَعْمَائِكَ فَقَدْ لُذْتُ بِحَرَمِكَ وَتَعَرَّضْتُ
به بسیاری عطای تو و نیکبخت شوم به نعمتهای کامل تو پس تحقیق پناه آورده‌ام بحرم تو و در پیش آمده‌ام
لِكَرَمِكَ وَاسْتَعَذْتُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَبِحِلْمِكَ مِنْ غَضَبِكَ
به بزرگواری تو و پناه می‌جویم بعفو تو از عقوبت تو و به بردباری تو از غضب تو
فَجُدْ لِي بِمَا سَاَلْتُكَ وَاَنِلْ مَا الْتَمَسْتُ مِنْكَ اَسْاَلُكَ بِكَ لَا بِشَيْءٍ
پس ببخش آنچه سوال کردم ترا و عطا کن آنچه درخواستم از تو میخواهم از تو نه بچیزی
اَعْظَمَ مِنْكَ پس سجده میروی و میگوئی يَا رَبِّ بیست مرتبه يَا اَللّٰهُ هفت مرتبه لَا حَوْلَ وَلَا
بزرگتر از تو ای پروردگار من ای خدا نیست گردیدنی و نه
قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ هفت مرتبه مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ ده مرتبه لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ
توانائی مگر بتوفیق خدا هرچه خدا میخواهد میشود نیست توانائی مگر بتوفیق خدا نیست توانائی مگر بتوفیق خدا

شعبان

[illegible] ده مرتبه بفرستد صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بجهة حاجت خود را از خدا طلب کند [illegible]

یا الله [illegible] محمد [illegible] الهی تعرض لک فی

ای خدا [illegible] ای پروردگار محمد [illegible] خدا ای من فرا پیش آمدند مر ترا درین

هٰذَا اللَّيْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ وَقَصَدَكَ الْقَاصِدُونَ وَاَمَّلَ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ

شب فرا پیش آیندگان و قصد کردند ترا قصد کنندگان و آرزو نمودند فضل ترا و احسان ترا

الطَّالِبُونَ وَلَكَ فِي هٰذَا اللَّيْلِ نَفَحَاتٌ وَجَوَائِزُ وَعَطَايَا وَمَوَاهِبُ تَمُنُّ

جویندگان و مر تراست درین شب عطیه‌ها و صله‌ها و عطاها و بخششها که بخشش میکنی

بِهَا عَلٰى مَنْ تَشَاءُ مِنْ عِبَادِكَ وَتَمْنَعُهَا مَنْ لَمْ تَسْبِقْ لَهُ الْعِنَايَةُ مِنْكَ

بآنها بر هر که میخواهی از بندگان خود و باز میداری آنها را از آنکه پیشی نگرفته او را عنایت از تو

وَهَا اَنَا ذَا عُبَيْدُكَ الْفَقِيرُ اِلَيْكَ الْمُؤَمِّلُ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ

و آگاه باش که من بنده حقیر تو محتاج بسوی تو امیدوار فضل تو و احسان توام

فَاِنْ كُنْتَ يَا مَوْلَايَ تَفَضَّلْتَ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ

پس اگر بوده باشی ای آقای من که بخشش نموده باشی درین شب بر یکی از خلق خود

وَعُدْتَ عَلَيْهِ بِعَائِدَةٍ مِنْ عَطْفِكَ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ

و نفع رسانیده باشی باو نفعی از مهربانی خود پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد پاکان

الطَّاهِرِينَ الْخَيِّرِينَ الْفَاضِلِينَ وَجُدْ عَلَيَّ بِطَوْلِكَ وَمَعْرُوفِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

پاکیزگان نیکان زیادتی یافتگان و بخشش کن بر من بانعام خود و احسان خود ای پروردگار جهانیان

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الَّذِينَ اَذْهَبَ اللّٰهُ عَنْهُمُ

و درود فرستد خدا بر محمد آخر پیغمبران و آل او که پاکانند آنانکه دور داشته خدا از ایشان

الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا اِنَّ اللّٰهَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

پلیدی و پاک کرده ایشان را پاک گردانیدنی و درود فرستد درود فرستادنی بدرستیکه خدا ستوده و بزرگوار است

[illegible] و بعد از طعام [illegible] بگوید هذا نانی و اطعمنا و سقانا [illegible] خورده باشد و در روایت دیگر [illegible] از انواع بلا از جمله آنها درد [illegible] و درد دندان و [illegible] محمد باقر علیه السلام منقول است [illegible]

شعبان

اللهم انی ادعوک کما امرت فاستجب لی کما وعدت انک لا تخلف المیعاد

بار خدایا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه امر کرده تو پس مستجاب کن مرا چنانچه وعده فرموده بدرستیکه تو خلف نمیکنی وعده را

مولف گوید این دعا بسیار خوبیست و از دعاهای مستجب است تا اینجا تمام شد خبر و آن عمل سابق نیست و ابن بابویه از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام روایت کرده است که جبرئیل بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد و گفت یا محمد امت خود را امر کن که در شب نیمه شعبان ده رکعت نماز بکنند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخوانند پس بسجده روند و در سجده بگویند

اللهم لک سجد سوادی و خیالی و بیاضی یا عظیم کل عظیم اغفر لی

بار خدایا مر ترا سجده کرده سیاهی من و خیال من و سفیدی من ای بزرگ هر بزرگ بیامرز برای من

ذنبی العظیم فانه لا یغفره غیرک یا عظیم

گناه مرا که بزرگست زیرا که بتحقیق نیامرزد آن را غیر تو ای بزرگ مرتبه

پس هر که این عمل را بجا آورد محو کند حق تعالی از و هفتاد و دو هزار گناه او مثل آن حسنه در نامه عمل او بنویسید و محو کند از پدر و مادرش هفتاد هزار گناه را و نماز دیگر نمازیست که عامه و خاصه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که حضرت فرمود که در شب نیمه شعبان در خواب بودم جبرئیل علیه السلام بر من نازل شد و گفت ای محمد آیا بخواب میروی در این شب گفتم این چه شب است گفت شب نیمه شعبان است پس برخیز امید مرا و برد بسوی قبرستان بقیع و گفت سر بلند کن بسوی آسمان بدرستیکه این شبی است که درهای آسمان درین شب گشوده میشود یعنی درهای رحمت و درهای خشنودی خدا و درهای آمرزش گناهان و درهای فضل و احسان و درگاه توبه و درگاه نعمت و درگاه جود و بخشش و می آمرزد حق تعالی از بندگان درین شب بعدد موهای چهارپایان و شبهای ایشان ای محمد هر که احیا کند این شب را بگفتن

الله اکبر و سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله

و نماز کردن و قرآن خواندن و طلب آمرزش و استغفار نمودن بهشت در آخرت جای او باشد و گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود ای محمد هر که درین شب صد رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند

و چون از [illegible] شود ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه سوره [illegible] بخواند و صد مرتبه سبحان الله بگوید حق تعالی

[illegible] هلاک کند [illegible] او را بعد [illegible] سوره و تسبیح قصری بهشت با و عطا کند و شفاعت

او را قبول کند [illegible] از اهل [illegible] خویشان او و شریک گرداند او را در ثواب شهیدان و ثواب

روزه داران این ماه و عبادت کنندگان این ماه را با و عطا کند بی آنکه از ثواب آنها چیزی کم شود پس

احیا کن این شب را ای محمد و امر کن امت خود را که احیا کنند او را و تقرب جویند بسوی خدا بعبادت

آن بدرستیکه این شبی است بسیار شریف یا محمد من چون نظر نمودم بسوی آدم جمیع ملائکه آسمانها یا می خود در صف

کرده بودند و نزد خدا بعبادت مشغول بودند و بعضی ایستاده بودند و بعضی در رکوع بودند و بعضی در

[illegible] بعضی مشغول بودند بدعا و بعضی بتکبیر و بعضی بتسبیح و بعضی باستغفار یا محمد بدرستیکه حق تعالی

درین شب نظر رحمت بسوی بندگان می افکند و می آمرزد هر مومنی را که بنماز ایستاده باشد یا نشسته

مشغول بتسبیح شده یا در رکوع و سجود باشد یا مشغول بیاد خدا باشد و این شبی است که هر که دعا کند البته

دعایش مستجاب میشود و هر که سوال کند با و عطا کرده میشود و هر که استغفار کند آمرزیده شود و هر که توبه

کند توبه اش مقبول میشود و محروم کسی است که از خیر این شب محروم گردد و از حضرت امیر المومنین علیه السلام

منقولست که هر که در شب نیمه شعبان صد رکعت نماز بکند یا هزار مرتبه سوره قل هو الله احد یعنی

در هر رکعت ده مرتبه بخواند نمیرد دل او در روزیکه دلها از ترس مرده باشند و نمیرد تا آنکه صد ملک را

ببیند که او را ایمن گردانند از عذاب الهی سی نفر ایشان بشارت دهند او را به بهشت و سی نفر آنها با شند

که در دنیا او را از شر شیطان نگاه میداشتند و سی نفر آنها باشند که در شب و روز برای او استغفار

میکردند در ساعات شب و روز و ده نفر که حفظ میکردند او را از شر دشمنان و منقولست که حضرت

رسول صلی الله علیه و آله درین شب این دعا میخواندند

اللّٰهُمَّ اقْسِمْ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعْصِيَتِكَ وَمِنْ

بار خدایا قسمت کن ما را از ترس خود آنچه حائل شود میان ما و میان نافرمانی تو و از

طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ رِضْوَانَكَ وَمِنَ الْيَقِينِ مَا يَهُونُ عَلَيْنَا بِهِ مُصِيبَاتُ

فرمان برداری خود آنچه برسانی ما را بسبب آن بخشنودی خود و از یقین آنچه آسان شود بر ما بسبب آن مصیبتها

فصل پنجم در بیان دعا با وقت طعام خوردن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است

الدنیا اللهم امتعنا باسماعنا وابصارنا وقوتنا ما احییتنا واجعلها

دنیا بار خدایا بهره ورکن ما را بگوشهای ما و دیدهای ما و قوتهای ما تا وقتیکه زنده داری ما را و بگردان آنها

الوارث منا واجعل ثارنا علی من ظلمنا وانصرنا علی من عادانا

میراث برنده از ما و بگردان خون ما را بر کسیکه ستم کرده ما را و یاری ده ما را بر آنکه دشمنی کرده ما را

ولا تجعل مصیبتنا فی دیننا ولا تجعل الدنیا اکبر همنا ولا مبلغ

و مگردان مصیبت ما را در دین ما و مگردان دنیا را بزرگترین قصد ما و نه منتهای

علمنا ولا تسلط علینا من لا یرحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

دانش ما و دست مده بر ما آنرا که رحم نکند ما را برحمت خود ای بخشنده ترین بخشایندگان

واین دعا جامع کاملست و متضمن جمیع مطالب دنیا و آخرتست و چون دعای کمیل بن زیاد که از خواص اصحاب حضرت امیر المومنین علیه السلام است بهترین دعاهاست از دعاهای این شب است و در اوقات دیگر نیز میتوان خواندن با ترجمه در اینجا ایراد مینمایم که در وقت خواندن متذکر معانی آن باشند تا فائده اش تمامتر و ثوابش عظیم تر باشد بدانکه سید جلیل ابن طاوس در کتاب اقبال روایت کرده است که کمیل ابن زیاد گفت روزی با مولای خود حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه در مسجد بصره نشسته بودم شب نیمه شعبان مذکور شد حضرت فرمود که هر بنده که آن شب احیا کند و دعای خضر علیه السلام را بخواند البته دعای او مستجاب گردد و چون حضرت بمنزل برگشت بخدمت رفتم چون مرا دید پرسید که بچه کار آمده ای کمیل گفتم یا امیر المومنین بطلب دعای خضر علی نبینا و علیه السلام آمده ام فرمود که بنشین ای کمیل چون این دعا را حفظ نمائی در هر شب جمعه یا در هر ماه یک مرتبه یا در سالی یکمرتبه یا در عمری یک مرتبه بخوان تا کفایت شر دشمنان از تو بشود و یاری کرده شوی و روزی داده شوی و البته آمرزیده شوی ای کمیل طول صحبت و خدمت تو موجب آن شد که ترا چنین نعمتی و کرامتی ممتاز و سرافراز گردانم پس گفت بنویس دعا اللهم انی

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدای بخشاینده مهربان

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتی وَسِعَتْ كُلَّ شَیْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتی قَهَرْتَ

خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا بحق رحمت تو که فرا گرفته است هر چیز را و بتوانائی تو که غلبه کردی

بِها كُلَّ شَیْءٍ وَخَضَعَ لَها كُلُّ شَیْءٍ وَذَلَّ لَها كُلُّ شَیْءٍ وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتی

بآن هر چیز را و فروتنی کرده برای آن هر چیز و خوار شده برای آن هر چیز و بجبروت و بزرگواری تو که

غَلَبْتَ بِها كُلَّ شَیْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتی لا یَقُومُ لَها شَیْءٌ وَبِعَظَمَتِكَ الَّتی

غالب کردیدی بآن هر چیزی را و بعزت تو که نمی ایستد در برابر آن چیزی و ببزرگواری تو که

مَلَأَتْ كُلَّ شَیْءٍ وَبِسُلْطانِكَ الَّذی عَلا كُلَّ شَیْءٍ وَبِوَجْهِكَ الْباقی

پر کرده هر چیزی را و به پادشاهی تو که برتر شد هر چیز را و بذات مقدس او که باقی است

بَعْدَ فَناءِ كُلِّ شَیْءٍ وَبِاَسْمائِكَ الَّتی مَلَأَتْ اَرْكانَ كُلِّ شَیْءٍ وَبِعِلْمِكَ

بعد از فانی شدن هر چیز و بنامهای تو که پر کرده اند اجزاو ارکان هر چیز را و بدانش تو

الَّذی اَحاطَ بِكُلِّ شَیْءٍ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذی اَضاءَ لَهُ كُلُّ شَیْءٍ یا نُورُ

که فرا گرفته است هر چیز را و بروشنی ذات تو که روشن شده برای آن هر چیز ای هویدا

یا قُدُّوسُ یا اَوَّلَ الْاَوَّلینَ وَیا آخِرَ الْآخِرینَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ

ای بسیار منزه ای اول پیشینیان و ای آخر پسینیان خداوندا بیامرز برای من گناهانی را

الَّتی تَهْتِكُ الْعِصَمَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُنْزِلُ النِّقَمَ اَللّٰهُمَّ

که می درد عصمتها را خداوندا بیامرز برای من گناهانی که فرو میآرد عذابها را خداوندا

اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُغَیِّرُ النِّعَمَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَحْبِسُ

بیامرز برای من گناهانی که تغییر میدهند نعمتها را بارخدایا بیامرز برای من گناهانی که حبس میکنند

الدُّعاءَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَقْطَعُ الرَّجاءَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ

دعا را بارخدایا بیامرز برای من گناهانی که قطع میکنند امید را بارخدایا بیامرز برای من

الذُّنُوبَ الَّتی تُنْزِلُ الْبَلاءَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لی كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ

گناهانی را که نازل میگرداند بلا را بارخدایا بیامرز برای من هر گناهی که کرده ام آن را و هر

خطیئة اخطأتها اللهم انی تقربت الیک بذکرک واستشفعت بک

خطائیکه بجا آوردم آنرا بار خدایا بدرستیکه من نزدیکی جستم بسوی تو بیاد تو و شفیع آوردم ترا

الی نفسک واسألک بجودک ان تدنینی من قربک وان توزعنی

بسوی تو   و سوال میکنم بسبب بخشش تو اینکه نزدیک گردانی مرا بقرب خود و توفیق دهی مرا

شکرک وان تلهمنی ذکرک اللهم انی اسألک سؤال خاضع

شکر خود و اینکه الهام نمائی مرا ذکر خود خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو مانند سوال فروتنی کننده

متذلل خاشع ان تسامحنی وترحمنی وتجعلنی بقسمک راضیا قانعا

خوار لرزان اینکه مسامحه نمائی با من و رحم کنی و بگردانی مرا بقسمت خود خشنود و قناعت کننده

وفی جمیع الاحوال متواضعا اللهم واسألک سؤال من اشتدت

و در تمام احوال تواضع کننده   خداوندا و سوال میکنم از تو سوال کسیکه سخت شده است

فاقته وانزل بک عند الشدائد حاجته وعظم فیما عندک رغبته

فقر او و فرود آورده است بتو در سختی ها حاجت خود را و بزرگ شده است در آنچه نزد تست خواهش او

اللهم عظم سلطانک وعلا مکانک وخفی مکرک وظهر امرک

خداوندا بزرگ شد پادشاهی تو و بلند شد مکان تو و منزلت تو   و پنهان شد مکر تو و هویدا شد امر تو

وغلب قهرک وجرت قدرتک ولا یمکن الفرار من حکومتک

و غالب شد قهر تو   و جاری شد قدرت تو   و ممکن نمیشود گریختن از حکومت تو

اللهم لا اجد لذنوبی غافرا ولا لقبائحی ساترا ولا لشیء من عملی

بار خدایا نمی یابم برای گناهان خود آمرزنده و نه برای قبایح خود پوشنده و نه برای چیزی از اعمال خود

القبیح بالحسن مبدلا غیرک لا اله الا انت سبحانک وبحمدک ظلمت نفسی

که زشت است بعمل نیک بدل کننده غیر تو نیست خدائی بجز تو بپاکی یاد میکنم ترا و بحمد تو مشغولم ستم کردم بنفس خود

وتجرأت بجهلی وسکنت الی قدیم ذکرک لی ومنک علیّ اللهم مولای

و جرات کردم بنادانی خود و اعتماد کردم بسوی قدیمی یاد کردن تو مرا و انعام تو بر من خداوندا ای آقای من

وكم من قبيح سترته وكم من فادح من البلاء اقلته وكم من عثار وقيته

چه بسیار قبیحی که پوشیدی آنرا و چه گران از بلاها که زایل کردی آنرا و چه بسیار لغزشها که نگاه داشتی از آن

وكم من مكروه دفعته وكم من ثناء جميل لست اهلا له نشرته اللهم عظم

و چه بسیار ناخوشی که دفع کردی آنرا و چه بسیار ثنای نیکو که نبودم سزاوار آن پهن کردی آنرا خداوندا بزرگ شده است

بلائي وافرط بي سوء حالي وقصرت بي اعمالي وقعدت بي اغلالي و

بلای من و از حد گذشته است بدی حال من و نارسا ساخت از جانب من کردارهای من و عاجز کرده است مرا غلهای من

حبسني عن نفعي بعد امالي وخدعتني الدنيا بغرورها ونفسي

منع کرده است مرا از نفع خود دوری آرزوهای من و بازی داده است مرا دنیا بفریب خود و فریب داده مرا نفس من

بجنايتها ومطالي يا سيدي فاسالك بعزتك ان لا يحجب عنك

بجنایات خود و پس انداختن من ای آقای من پس سوال میکنم از تو بعزت تو که منع نکند از تو

دعائي سوء عملي وفعالي ولا تفضحني بخفي ما اطلعت عليه من سري

دعای مرا بدی عمل من و کردار من و رسوا مکن مرا به پنهان آنچه مطلع شده بر آن از راز من

ولا تعاجلني بالعقوبة على ما عملته في خلواتي من سوء فعلي واسائتي

و زود مگیر مرا بعقوبت بر آنچه کرده ام آنرا در خلوتهای خود از بدی کردار خود و بدکردن خود

ودوام تفريطي وجهالتي وكثرة شهواتي وغفلتي وكن اللهم

و همیشگی تقصیر خود و نادانی خود و بسیاری شهوتهای خود و غفلت خود و باش خداوندا

بعزتك لي في الاحوال كلها رؤفا وعلي في جميع الامور عطوفا الهي وربي

بعزت خود برای من در احوال همه آن رحم کننده و بر من در همه امور مهربان ای خداوند من و پروردگار

من لي غيرك اسأله كشف ضري والنظر في امري الهي ومولاي

کیست مرا غیر تو که سوال کنم از او گشودن بدحالی خود را و نظر کردن در کار خود ای خداوند من و آقای من

اجريت علي حكما اتبعت فيه هوى نفسي ولم احترس فيه من تزيين

جاری ساختی بر من حکمی را که پیروی کردم در آن خواهش نفس خود را و نگاه داری نکردم خود را در آن از آراستن

عدوّی یغرّنی بما اهوی واسعده علی ذلک القضاء فتجاوزت بما جری

دشمن من و پس فریب داد مرا بانچه خواهش داشتم و یاری او کرد بر آن امر قضاء خدا پس تجاوز کردم بانچه جاری شد

علیّ من ذلک بعض حدودک وخالفت بعض اوامرک فلک الحمد علیّ

بر من از قضا پاره از حدهای تو و مخالفت کردم پاره از امرهای تو پس تراست حمد لازم است بر من

فی جمیع ذلک ولا حجّة لی فیما جری علیّ فیه قضاؤک والزمنی حکمک

در جمیع این احوال و نیست حجتی برای من در آنچه جاری شد بر من در آن قضای تو و لازم گردید بر من حکم تو

وبلاؤک وقد اتیتک یا الهی بعد تقصیری واسرافی علی نفسی

و امتحان تو و بتحقیق آمده ام بنزد تو ای خدای من بعد از تقصیر خود و بسیار ضرر رسانیدن بنفس خود

معتذرا نادما منکسرا مستقیلا مستغفرا منیبا مقرا مذعنا

عذر خواهنده پشیمان شکسته خواهان عفو طلب کننده آمرزش توبه کننده اقرار کننده تصدیق کننده

معترفا لا اجد مفرا مما کان منی ولا مفزعا اتوجه الیه فی امری غیر

اعتراف کننده نمی یابم گریزگاهی از آنچه صادر شده از من و نه پناهی که رو کنم بسوی آن در کار خود غیر

قبولک عذری وادخالک ایای فی سعة من رحمتک اللهم فاقبل

قبول کردن تو عذر مرا و داخل کردن تو مرا در گشادگی از رحمت خود خداوندا پس قبول کن

عذری وارحم شدة ضری وفکنی من شد وثاقی یا رب ارحم

عذر مرا و رحم کن شدت بدحالی مرا و رها کن مرا از بستن بند گناهان ای پروردگار رحم کن

ضعف بدنی ورقة جلدی ودقة عظمی یا من بدا خلقی وذکری

ضعف بدن مرا و تنکی پوست مرا و باریکی استخوان مرا ای آنکه ابتدا کردی آفریدن مرا و یاد کرد

وتربیتی وبری وتغذیتی هبنی لابتداء کرمک وسالف برک بی

و تربیت کردن مرا و نیکی مرا و غذا دادن مرا ببخش مرا برای ابتدا کردن کرم خود و برای نیکی های پیش

یا الهی وسیدی وربی اتراک معذبی بنارک بعد توحیدک وبعد

ای خدای من و آقای من و پروردگار آیا دیده میشوی عذاب کننده من با آتش خود بعد از

ما انطوى عليه قلبي من معرفتك ولهج به لساني من ذكرك واعتقده

آنچه پیچیده شده است بر آن دل من از شناخت تو و گویا شده است به آن زبان من از یاد تو و محکم کرده است

ضميري من حبّك وبعد صدق اعترافي ودعائي خاضعا

دل من از محبت تو و بعد از راستی اعتراف من بگناه خود و دعا کردن من از روی خضوع

لربوبيّتك هيهات انت اكرم من ان تضيّع من ربّيته او تبعّد

برای پروردگاری تو دور است این سخن تو کریم تری از آنکه ضایع گردانی کسی را که خود تربیت کرده یا دور کنی

من ادنيته او تشرّد من آويته او تسلّم الى البلاء من كفيته ورحمته

کسی را نزدیک کرده ای یا آواره سازی کسی را که جا داده ای او را یا بگذاری بسوی بلا کسی را که کفایت کرده و رحم کرده ای او را

وليت شعري يا سيّدي والهي ومولاي أتسلّط النار على وجوه خرّت

و کاش میدانستم ای بزرگ من و خدای من و آقای من آیا مسلط خواهی کرد آتش را بر رویها که افتاده اند

لعظمتك ساجدة وعلى ألسن نطقت بتوحيدك صادقة و

از عظمت تو سجده کنندگان و بر زبانها که گویا شده اند بیگانگی تو راست گویان و

بشكرك مادحة وعلى قلوب اعترفت بالهيّتك محقّقة وعلى

بشکر تو مدح گویان و بر دلها که اعتراف کرده اند بخدائی تو از روی یقین و بر

ضمائر حوت من العلم بك حتّى صارت خاشعة وعلى جوارح

خاطرها که احاطه کرده اند از دانائی تو تا آنکه گردیده اند با خشوع و بر عضوها که

سعت الى اوطان تعبّدك طائعة واشارت باستغفارك مذعنة

سعی کرده اند بسوی محلهای عبادت تو بطوع و رغبت و آواز برداشته اند بطلب آمرزش تو از روی اذعان

ما هكذا الظنّ بك ولا اخبرنا بفضلك عنك يا كريم يا ربّ و

نیست چنین گمان با تو و چنین خبر داده شده ایم بفضل تو از تو ای صاحب کرم ای پروردگار من

انت تعلم ضعفي عن قليل من بلاء الدنيا وعقوباتها وما يجري فيها

تو میدانی ناتوانی مرا از اندکی از بلاهای دنیا و عقوبتهای آن و آنچه جاری میشود در آن

من المكاره على اهلها على ان ذلك بلاء ومكروه قليل مكثه

از مکروهات بر اهل آن با آنکه این بلا و ناخوشی سبب کرده که اندک است ماندن آن

يسير بقاؤه قصير مدته فكيف احتمالي لبلاء الآخرة وجليل

و کمست بقای آن و کوتاه است مدت آن پس چگونه باشد تاب آوردن من بلای آخرت را و بزرگ

وقوع المكاره فيها وهو بلاء تطول مدته ويدوم مقامه ولا يخفف عن

واقع شدن ناخوشیهایی که در آن میباشد و حال آنکه آن بلائیست که طول است مدت آن و دائم است اقامت آن و سبک کرده نشود

اهله لانه لا يكون الا عن غضبك وانتقامك وسخطك وهذا

اهل آن زیرا که آن نمیباشد مگر از غضب تو و انتقام کشیدن تو و خشم تو و چنین

ما لا تقوم له السموات والارض يا سيدي فكيف بي وانا عبدك

امری که نتواند در برابر آن ایستادن تاب آوردن آسمانها و زمین ای آقای من پس چگونه من تاب آورم و حال آنکه من بنده توام

الضعيف الذليل الحقير المسكين المستكين يا الهي وربي وسيدي ومولاي

ناتوان و خوار و بیمقدار و تنگدست و شکسته کننده ای خدای من و پروردگار من و ای آقای من

لاي الامور اليك اشكو ولما منها اضج وابكي لاليم العذاب وشدته

برای کدام یک امور بسوی تو شکایت کنم و برای کدام یک فریاد کنم و بگریم آیا برای عذاب دردناک و سختی آن

او لطول البلاء ومدته فلئن صيرتني في العقوبات مع اعدائك

یا برای درازی بلا و مدت آن پس اگر بگردانی مرا در عقوبتها با دشمنان خود

وجمعت بيني وبين اهل بلائك وفرقت بيني وبين احبائك واوليائك

و جمع کنی میان من و میان اهل بلای خود و جدائی افکنی میان من و میان دوستان خود و اولیای خود

فهبني يا الهي وسيدي ومولاي وربي صبرت على عذابك فكيف

پس گرفتم ای خدای من و سید من و آقای من و پروردگار من که صبر کردم بر عذاب تو پس چگونه

اصبر على فراقك وهبني صبرت على حر نارك فكيف اصبر عن النظر

صبر کنم بر مفارقت تو و گرفتم که صبر کردم بر آتش تو پس چگونه صبر کنم بر محرومی از نظر

إلى كرامتك أم كيف تسكن في النار ورجاؤه عفوك فبعزتك يا سيدي

بسوی کرامت ای آشنتن تو آیا چگونه ساکن شود در آتش و حال آنکه امیدش آن در گذشتن تو است پس بعزت تو ای آقای من

ومولاي أقسم صادقاً لئن تركتني ناطقاً لأضجن إليك بين أهلها

و صاحب اختیار من قسم میخورم براستی که اگر وا گذاری مرا گویا هر آینه فریاد کنم بسوی تو میان اهل جهنم

ضجيج الآملين ولأصرخن إليك صراخ المستصرخين ولأبكين

خروش امیدواران و هر آینه فریاد کنم بسوی تو ناله استغاثه کنندگان و هر آینه بگریم

عليك بكاء الفاقدين ولأناديك أين كنت يا ولي المؤمنين

بر تو گریه مصیبت زدگان و هر آینه آواز دهم ترا کجائی ای دوست مؤمنان

يا غاية آمال العارفين يا غياث المستغيثين يا حبيب قلوب الصادقين

ای نهایت آرزوهای عارفان ای فریادرس یاری جویان ای دوست دلهای راستگویان

ويا إله العالمين أفتراك سبحانك يا إلهي وبحمدك تسمع فيها صوت

و ای خداوند عالمیان آیا پس میشود منزه میکنیم ترا ای خدای من و بحمد تو مشغولم که بشنوی در جهنم صدای

عبد مسلم سجن فيها بمخالفته وذاق طعم عذابها بمعصيته وحبس

بنده مسلمانی را که انداخته شده باشد در آن بسبب مخالفت او و چشیده مزه عذاب آنرا بنافرمانی خود و بند کرده شود

بين أطباقها بجرمه وجريرته وهو يضج إليك ضجيج مؤمل لرحمتك

در میان طبقات جهنم بجرم او و جنایات او و او خروش کند بسوی تو خروش کسیکه امیدوار رحمت تو باشد

ويناديك بلسان أهل توحيدك ويتوسل إليك بربوبيتك يا مولاي

و ندا کند ترا بزبان یگانه پرستان تو و توسل جوید بسوی تو به پروردگاری تو ای آقای من

فكيف يبقى في العذاب وهو يرجو ما سلف من حلمك ورأفتك

پس چگونه باقی ماند در عذاب و حال آنکه امیدوار است آنچه پیش دیده است از بردباری تو و مهربانی تو

ورحمتك أم كيف تؤلمه النار وهو يأمل فضلك ورحمتك أم كيف

رحم کردن تو آیا چگونه درد آورد او را آتش و او امیدوار فضل ترا و رحمت ترا آیا چگونه

يُحْرِقُهُ لَهيبُها وَاَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرى مَكانَهُ اَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ

بسوزد او را زبانه اش و تو می شنوی صدای او را و می بینی جای او را آیا چگونه مشتمل شود برو

زَفيرُها وَاَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ اَمْ كَيْفَ يَتَقَلْقَلُ بَيْنَ اَطْباقِها وَاَنْتَ

زبانه های صاحب صدای آن تو دانای ناتوانی او را آیا چگونه مضطرب شود در میان طبقات جهنم و تو

تَعْلَمُ صِدْقَهُ اَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبانِيَتُها وَهُوَ يُناديكَ يا رَبَّهُ اَمْ كَيْفَ

دانی راست گوئی او را آیا چگونه زجر نمایند او را زبانیه جهنم و او ندا کند ترا ای پروردگار من آیا چگونه

يَرْجُو فَضْلَكَ فى عِتْقِهِ مِنْها فَتَتْرُكُهُ فيها هَيْهاتَ ما ذلِكَ الظَّنُّ بِكَ

امیدوار فضل ترا در آزاد کردن خود از جهنم پس خواهی گذاشت او را در آن دور است این خیال و چنین نیست گمان بتو

وَلاَ الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَلا مُشْبِهٌ لِما عامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدينَ مِنْ

و نه شناخته شده است از فضل تو و نه شبیه است بآنچه معامله کرده با آن یگانه پرستان از

بِرِّكَ وَاِحْسانِكَ فَبِالْيَقينِ اَقْطَعُ لَوْلا ما حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذيبِ

نیکی تو و احسان تو پس به یقین قطع دارم که اگر نه آن بودی که حکم کرده بآن که عذاب کنی

جاحِديكَ وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ اِخْلادِ مُعانِديكَ لَجَعَلْتَ النّارَ كُلَّها

منکران خداوندی خود را و مقرر کرده ایدی که همیشه در جهنم بدارد معاندان خود را هر آینه میگردانیدی آتش را همه

بَرْداً وَسَلاماً وَما كانَتْ لاِحَدٍ فيها مَقَرّاً وَلا مُقاماً لكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ

سرد و سلامت و نه بودی از برای احدی در آن محل قرار و نه جای اقامت ولیکن تو که مقدس است

اَسْماؤُكَ اَقْسَمْتَ اَنْ تَمْلاَها مِنَ الْكافِرينَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنّاسِ اَجْمَعينَ

نامهای تو قسم یاد کرده که پر کنی جهنم را از کافران از جنیان و آدمیان همه

وَاَنْ تُخَلِّدَ فيهَا الْمُعانِدينَ وَاَنْتَ جَلَّ ثَناؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدِئاً وَتَطَوَّلْتَ

و آنکه همیشه بدارد در جهنم معاندان را و تو که بزرگ است ستایش تو گفته ابتدا کننده و بخشش کردی

بِالاِنْعامِ مُتَكَرِّماً اَفَمَنْ كانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كانَ فاسِقاً لا يَسْتَوُونَ

بنعمت دادن کرم کننده آیا کسی که بود مومن مانند کسی است که بود فاسق مساوی نیستند

إلهي وسيدي فأسألك بالقدرة التي قدرتها وبالقضية التي حتمتها

ای الهی و آقای من پس سؤال میکنم از تو بقدرتی که مقدر کرده آنرا و بحکمی که واجب کردی آنرا

وحكمتها وغلبت من عليه أجريتها أن تهب لي في هذه الليلة و

و حکم کردی بآن و غالب شدی و آنکسیکه آنرا جاری کرده آنکه ببخشی بمن در این شب و

في هذه الساعة كل جرم أجرمته وكل ذنب أذنبته وكل

در این ساعت هر جرمی که کسب کرده ام آنرا و هر گناهی که مرتکب آن شده ام و هر کار

قبيح أسررته وكل جهل عملته كتمته أو أعلنته أخفيته أو أظهرته

زشتی که پنهان کرده ام و هر نادانی که بعمل آورده ام خواه پنهان کرده باشم آنرا خواه آشکار خواه مخفی کرده ام

وكل سيئة أمرت بإثباتها الكرام الكاتبين الذين وكلتهم

و هر بدی که امر کرده بنوشتن آنها بزرگواران نویسندگان آنرا که موکل گردانیده

بحفظ ما يكون مني وجعلتهم شهوداً علي مع جوارحي وكنت

آنها را که حفظ کنند آنچه صادر میشود از من و گردانیده ایشانرا گواهان بر من با اعضای من که بودی

أنت الرقيب علي من ورائهم والشاهد لما خفي عنهم وبرحمتك

تو نگهبان بر من بغیر ایشان و گواه بر آنچه پنهانست از ایشان و برحمت خود

أخفيته وبفضلك سترته وأن توفر حظي من كل خير

پنهان کردی آنرا و بفضل خود پوشانیدی آنرا و آنکه وافر کردانی بهره مرا از هر نیکی

تنزله أو إحسان تفضله أو بر تنشره أو رزق تبسطه أو ذنب

که فرو فرستی یا احسانی که تفضل نمائی یا خوبی که پهن کنی آنرا یا روزی که گشایش دهی آنرا یا گناهی

تغفره أو خطأ تستره يا رب يا رب يا رب يا إلهي وسيدي ومولاي

که بیامرزی آنرا یا خطائی که بپوشانی آنرا ای پروردگار من [illegible] ای خدای من و آقای من و صاحب اختیار

ومالك رقي يا من بيده ناصيتي يا عليماً بضري ومسكنتي

و مالک بندگی من ای آنکسی که بدست اوست موی پیش سر من ای دانا به بدحالی من و بیچارگی من

يا سيدي بنفسي وفاقتي يا رب يا رب يا رب اسألك بحقك وقدسك

ای مطلع بر فقر من و احتیاج من ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من سؤال میکنم از تو بحق تو و پاکی تو

واعظم صفاتك واسمائك ان تجعل اوقاتي في الليل والنهار

و بزرگترین صفات تو و نامهای تو اینکه بگردانی اوقات مرا در شب و روز

بذكرك معمورة وبخدمتك موصولة واعمالي عندك مقبولة

بیاد خود آبادان و بخدمت تو پیوند شده و اعمال مرا نزد خود پسندیده

حتى تكون اعمالي واورادي كلها وردا واحدا وحالي في خدمتك

تا آنکه بوده باشد کارهای من و اورادهای من همه یک ورد و حال من در خدمت تو

سرمدا يا سيدي يا من عليه معولي يا من اليه شكوت

پیوسته بی نهایت ای آقای من ای آنکه بر اوست اعتماد من ای آنکه بسوی او شکایت کردم

احوالي يا رب يا رب يا رب قو على خدمتك جوارحي واشدد

احوال خود را ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من توانا گردان بخدمت خود اعضای مرا و محکم کن

على العزيمة جوانحي وهب لي الجد في خشيتك والدوام في

بر عزم بندگی خود دل مرا و ببخش مرا جد در ترس خود و مداومت در

الاتصال بخدمتك حتى اسرح اليك في ميادين السابقين

متصل بودن در خدمت تو تا آنکه روانه شوم بسوی تو در میدانهای پیش روان

واسرع اليك في المبادرين واشتاق الى قربك في المشتاقين

و تند روم بسوی تو در پیشی گیرندگان و مشتاق گردم بسوی قرب تو در میان مشتاقان

وادنو منك دنو المخلصين واخافك مخافة الموقنين واجتمع في

و نزدیک شوم از تو نزدیک شدن مخلصان و بترسم از تو ترسیدن صاحب یقین و گرد آیم در

جوارك مع المؤمنين اللهم ومن ارادني بسوء فارده ومن كادني

همسایگی قرب تو با مؤمنان بار خدایا و هر که اراده کند مرا به بدی پس تو اراده کن او را به بدی و هر که مکر کند

فِكْرِهِ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عَبِيدِكَ نَصِيباً عِنْدَكَ وَأَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً

پس تو بگردان بگرداورا و بگردان مرا از نیکوترین بندگان خود در بهره نزد خود و نزدیکترین ایشان در منزلت

مِنْكَ وَأَخَصِّهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ فَإِنَّهُ لا يُنالُ ذلِكَ إِلاّ بِفَضْلِكَ

نسبت بخود و مخصوص ترین ایشان در قرب نزد خود زیرا که نمی توان رسید باین مرتبه مگر بفضل تو

وَجُدْ لِي بِجُودِكَ وَاعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ وَاجْعَلْ

و بخشش کن برای من بجود خود و مهربانی کن بر من به بزرگواری خود و نگاهدار مرا برحمت خود و بگردان

لِسانِي بِذِكْرِكَ لَهِجاً وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتَيَّماً وَمُنَّ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجابَتِكَ

زبان مرا بیاد خود گویا و دل مرا بدوستی خود بیتاب و منت نه بر من به نیکی اجابت خود

وَأَقِلْنِي عَثْرَتِي وَاغْفِرْ لِي زَلَّتِي فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلى عِبادِكَ بِعِبادَتِكَ

و درگذر از لغزش من و بیامرز لغزش مرا بدرستیکه تو حکم کرده بر بندگان خود به بندگی خود

وَأَمَرْتَهُمْ بِدُعائِكَ وَضَمِنْتَ لَهُمُ الإِجابَةَ فَإِلَيْكَ يا رَبِّ

و امر کرده ایشان را بدعای خود و ضامن شده برای ایشان مستجاب کردن را پس بسوی تو پروردگارا

نَصَبْتُ وَجْهِي وَإِلَيْكَ يا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي فَبِعِزَّتِكَ

پیش کرده ام روی خود را و بسوی تو پروردگارا کشیده ام دست خود را پس بعزت تو سوگند میدهم

اسْتَجِبْ لِي دُعائِي وَبَلِّغْنِي مُنايَ وَلا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجائِي وَاكْفِنِي

مستجاب کن برای من دعای مرا و برسان آرزوی من و قطع مکن از فضل خود امید مرا و دفع کن از من

شَرَّ الْجِنِّ وَالإِنْسِ مِنْ أَعْدائِي يا سَرِيعَ الرِّضا اغْفِرْ لِمَنْ لا يَمْلِكُ إِلاّ الدُّعاءَ

بدی جنیان و آدمیان از دشمنان من ای زود خشنود شونده بیامرز کسی را که از دستش نمی آید کاری بجز دعا

فَإِنَّكَ فَعّالٌ لِما تَشاءُ يا مَنِ اسْمُهُ دَواءٌ وَذِكْرُهُ شِفاءٌ وَطاعَتُهُ غِنىً

پس بدرستیکه تو کننده آنچه که خواهی ای آنکه نام تو دوای دردهاست و یادت شفای بیماریهاست و فرمانبرداریت توانگری است

ارْحَمْ مَنْ رَأْسُ مالِهِ الرَّجاءُ وَسِلاحُهُ الْبُكاءُ يا سابِغَ النِّعَمِ يا دافِعَ النِّقَمِ

رحم کن کسی را که سرمایه اش امید است و حربه اش گریستن ای تمام کننده نعمتها ای دفع کننده عذابها

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که بنی اسرائیل بحضرت موسی علیه السلام شکایت کردند از پیسی که در میان ایشان شده بود وحی نمود بحضرت موسی علیه السلام که امر کن ایشان را که گوشت گاو را ...

يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ يَا عَالِماً لَا يُعَلَّمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

ای روشنائی وحشت یافتگان در تاریکیها ای دانائی که نیاموخته از کسی درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَصَلَّى اللهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأَئِمَّةِ

محمد و بکن بمن آنچه تو ئی سزاوار آن درود فرستد خدا بر رسول خود و پیشوایان

الْمَيَامِينِ مِنْ آلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً

صاحب میمنت که آل اویند و سلام فرستد سلام فراوان

فصل پنجم در اعمال بقیه ماه است از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که سه روز آخر ماه شعبان روزه بدارد و بماه مبارک رمضان وصل کند حق تعالی ثواب روزه دو ماه متوالی برای او بنویسد و ابو الصلت هروی روایت کرده است که در جمعه آخر ماه شعبان بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام رفتم حضرت فرمود که ای ابو الصلت اکثر ماه شعبان رفت و این جمعه آخر آنست پس تدارک و تلافی کن در آنچه ازین ماه مانده است از تقصیرها که در ایام گذشته این ماه کرده و بر تو باد که رو آوری بر آنچه نافعست برای تو در آخرت و دعا و استغفار بسیار بکن و تلاوت قرآن مجید بسیار بکن و توبه کن بسوی حق تعالی از گناهان خود تا آنکه چون ماه مبارک درآید خالص گردانیده باشی خود را از برای خدا و مگذار در گردن خود امانت و حق کسی را مگر آنکه ادا کنی و مگذار در دل خود کینه کسی را مگر آنکه بیرون کنی و مگذار گناهی را که میکردی مگر آنکه ترک کنی و از خدا بترس و توکل کن بر خدا در پنهان و آشکارا امور خود و هر که بر خدا توکل کند بس است او را و بسیار بخوان در بقیه این ماه این دعا را

اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضَى مِنْ شَعْبَانَ فَاغْفِرْ لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ

بار خدایا اگر نبوده باشی که آمرزیده باشی ما را در آنچه گذشته است از شعبان پس بیامرز ما را در آنچه باقی مانده است از آن بدرستیکه حق تعالی در این ماه آزاد میکرداند بندهای بسیار را از آتش جهنم برای حرمت ماه مبارک رمضان بسند بسیار معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام در شب آخر ماه شعبان و شب اول ماه مبارک رمضان

اللّٰهمّ انّ هذا الشهر المبارك الّذی انزلتَ فیه القرآن هدًی للنّاس

بار خدایا بدرستیکه این ماه بابرکت که فرو فرستادی دران قرآن را در حالتیکه راهنمائی است مر مردمان را

وبیّناتٍ من الهدی والفرقان قد حضر فسلّمنا فیه وسلّمه لنا و

و آیتهای روشن از راه نمائی و جدا کننده حق و باطل بتحقیق حاضر شد پس سالم دار ما را در آن و سالم دار آنرا برای ما

تسلّمه منّا فی یسرٍ منك وعافیةٍ یا من اخذ القلیل وشكر الكثیر

سالم دار آنرا از ما حال آنکه بوده باشیم در آسانی از جانب تو و عافیت ای آنکه فرا گرفته عمل اندک را و جزا داده بسیار

اقبل منّی الیسیر اللّٰهمّ انّی اسئلك ان تجعل لی الی كلّ خیرٍ سبیلًا

بپذیر از من عمل اندک بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو اینکه بگردانی برای من بسوی هر نیکی راهی

ومن كلّ ما لا تحبّ مانعًا یا ارحم الرّاحمین یا من عفا عنّی وعمّا

و از هر چه دوست نداری باز دارنده ای بخشاینده ترین بخشایندگان ای آنکه درگذشت از من و از آنچه

خلوتُ به من السّیّئات یا من لم یؤاخذنی بارتكاب المعاصی عفوك

پوشیده داشتم آنرا از گناهان ای آنکه مواخذه نکرد مرا بسبب مرتکب شدن نافرمانیها طلب میکنم عفو ترا

عفوك عفوك یا كریم یا الٰهی وعظتنی فلم اتّعظ وزجرتنی عن محارمك

عفو ترا عفو ترا ای بزرگوار ای خدای من پند دادی مرا پس پند نگرفتم و منع کردی مرا از محرمات خود

فلم انزجر فما عذری فاعف عنّی یا كریم عفوك عفوك اللّٰهمّ

پس ممنوع نگشتم پس چیست عذر من پس درگذر از من ای بزرگوار میخواهم عفو ترا عفو ترا بار خدایا

انّی اسئلك الرّاحة عند الموت والعفو عند الحساب عظم

بدرستیکه من سوال میکنم از تو آسایش را نزد مردن و درگذشتن را نزد حساب بزرگ است

الذّنب من عبدك فلیحسن العفو من عندك یا اهل التّقوی ویا اهل

گناه از بنده تو پس باید که نیکو باشد درگذشتن از نزد تو ای سزاوار پرهیزکاری و ای سزاوار

المغفرة عفوك عفوك اللّٰهمّ انّی عبدك ابن عبدك ابن امتك ضعیف

آمرزش امید دارم عفو ترا عفو ترا بار خدایا بدرستیکه من بنده تو پسر بنده تو پسر کنیز توام ناتوانم

فقيرٌ الى رحمتك وانت منزل الغنى والبركة على العباد قاهرٌ مقتدر

محتاجم بسوی رحمت تو وتو فرود آورنده بی نیازی وبرکتی بر بندگان غالبی توانائی

احصيت اعمالهم وقسمت ارزاقهم وجعلتهم مختلفةً السنتهم

شمردی کردارهای ایشانرا قسمت کردی روزیهای ایشانرا وگردانیدی ایشانرا مختلف زبانهای ایشان

والوانهم خلقاً من بعد خلق لا يعلم العباد علمك ولا يقدر العباد

ورنگهای ایشان گروهی پس از گروهی ندانند بندگان دانش ترا واندازه نتوانند کرد بندگان

قدرتك وكلّنا فقراء الى رحمتك فلا تصرف عنّي وجهك واجعلني

قدرت ترا وهمه ما محتاجیم بسوی رحمت تو پس مگردان از من روی خود را وبگردان مرا

من صالحي خلقك في العمل والامل والقضاء والقدر الهي ابقني خير البقاء

از شایسته خلق خود در کردار وامید وقضا وقدر خدا من زنده دار مرا زندگی نیکو

وافنني خير الفناء على موالاة اوليائك ومعاداة اعدائك والرغبة

وبمیران مرا بمردن نیکو بر دوستی دوستان خود ودشمنی دشمنان خود وخواهش

اليك والرهبة منك والخشوع والوفاء والتسليم لك والتصديق

بسوی خود وترس داشتن از خود وفروتنی کردن ووفا نمودن وفرمان بردار گردیدن برای تو وباور داشتن

بكتابك واتّباع سنّة رسولك صلواتك عليه وآله اللّهمّ

بکتاب تو وپیروی نمودن طریقه رسول تو رحمت تو باد برو وبر اولاد او بار خدایا

ما كان في قلبي من شكٍّ او ريبةٍ او جحودٍ او قنوطٍ او فرحٍ

آنچه باشد در دل من از شک یا تهمت یا انکار یا نومیدی یا شادی

او بذخٍ او بطرٍ او خيلاء او رياءٍ او سمعةٍ او شقاقٍ او نفاقٍ او كفرٍ

یا سرکشی یا طغیان یا کبر یا نمودن یا شنوانیدن یا بدبختی یا دورویی یا ناسپاسی

او فسوقٍ او عصيانٍ او عظمةٍ او شيءٍ لا تحبّ فاسألك يا ربّ

یا گناه یا نافرمانی یا نخوت یا چیزی که دوست نداری پس سؤال میکنم از تو ای پروردگار من

أَنْ تُبَدِّلَنِي مَكَانَهُ إِيمَاناً بِوَعْدِكَ وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَرِضاً بِقَضَائِكَ

انکه بدل نمائی برای ما بجای آن تصدیق بوعده تو و وفا کردن به پیمان تو و خوشنودی بحکم تو

وَزُهْداً فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَأَثَرَةً وَطُمَأْنِينَةً وَتَوْبَةً نَصُوحاً

و بی رغبتی در دنیا و خواهش ... آنچه نزد تست ... منفرد باشم با آن و آرام و توبه خالص

أَسْأَلُكَ ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ إِلَهِي أَنْتَ مِنْ حِلْمِكَ تُعْصَى فَكَأَنَّكَ

سوال میکنم از تو این ای پروردگار جهانیان خدایا تو از بردباری خود عصیان کرده میشوی پس گویا

لَمْ تُرَ وَمِنْ كَرَمِكَ وَجُودِكَ تُطَاعُ فَكَأَنَّكَ لَمْ تُعْصَ وَأَنَا وَمَنْ

ندیده آنرا و از بزرگواری خود و بخشش خود اطاعت کرده میشوی پس گویا تو عصیان کرده نشده و من و آنکه

لَمْ يَعْصِكَ سُكَّانُ أَرْضِكَ فَكُنْ عَلَيْنَا بِالْفَضْلِ جَوَاداً وَبِالْخَيْرِ

نافرمانی نکرده ترا ساکنان زمین توام پس باش بر ما بفضل و عطیه بخشنده و به نیکی

عَوَّاداً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوَةً دَائِمَةً

بسیار بازگردنده ای بخشاینده ترین بخشایندگان و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او رحمتی همیشه

لَا تُحْصَى وَلَا تُعَدُّ وَلَا يَقْدِرُ قَدْرَهَا غَيْرُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

که دریافته نشود و شمرده نشود و اندازه نکند اندازهٔ آنرا غیر تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان

و طلب نمازهای مخصوص شبها که باسانید معتبره وارد نشده است علما ذکر کرده اند شب اول صد
رکعت با حمد و توحید یک مرتبه و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه سوره حمد دوم پنجاه رکعت
با حمد و توحید و معوذتین هر یک سه مرتبه سوم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید
چهارم چهل رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید پنجم دو رکعت در هر رکعت حمد و پانصد
مرتبه توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد ششم چهار رکعت در هر رکعت حمد
و ده مرتبه توحید هفتم دو رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید هشتم دو رکعت در رکعت اول
حمد و آیه امن الرسول تا آخر سوره و پانزده مرتبه توحید و در دوم حمد و آیه قل انما انا بشر
و پانزده مرتبه توحید نهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه اذا جاء نصر الله دهم چهار رکعت در هر

رکعت حمد و آیة الکرسی یک مرتبه و سورهٔ انا اعطیناک الکوثر سه مرتبه پانزدهم هشت رکعت در سر رکعت
حمد و ده مرتبه قل یا ایها الکافرون دوازدهم دوازده رکعت در سر رکعت حمد و ده مرتبه سورهٔ
الهیکم التکاثر سیزدهم دو رکعت در سر رکعت حمد و یک مرتبه سورهٔ والتین چهاردهم چهار رکعت در سر
رکعت حمد و پنج مرتبه سورهٔ والعصر پانزدهم چهار رکعت در میان نماز شام و خفتن در سر رکعت حمد
و ده مرتبه توحید و بعد از نماز ده مرتبه یا رب اغفر لنا و ده مرتبه یا رب ارحمنا و ده مرتبه

ای پروردگار من بیامرز مرا ای پروردگار من رحم کن ما را

یا رب تب علینا و بیست یک مرتبه توحید و ده مرتبه سبحان الله الذی یحیی

ای پروردگار من بپذیر توبه مرا پاک است خدا آنکه زنده میکرداند

الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر

مردگان را و می میراند زندگان را و او بر همه چیز تواناست

شانزدهم دو رکعت در سر رکعت حمد و یک مرتبه آیة الکرسی پانزده مرتبه توحید هفدهم دو رکعت در سر
رکعت حمد و هفتاد و یک مرتبه توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار هیجدهم ده رکعت در سر رکعت
حمد و پنج مرتبه توحید نوزدهم دو رکعت در سر رکعت حمد و پنج مرتبه آیهٔ قل اللهم مالک الملک بیستم چهار رکعت
در سر رکعت حمد و پانزده مرتبه سورهٔ اذا جاء نصر الله بیست و یکم هشت رکعت در سر رکعت حمد و یک مرتبه
توحید و معوذتین بیست و دوم دو رکعت در سر رکعت حمد و یک مرتبه قل یا ایها الکافرون و پانزده مرتبه توحید
بیست و سوم سی رکعت در سر رکعت حمد و یک مرتبه سورهٔ اذا زلزلت بیست و چهارم دو رکعت در سر رکعت
حمد و یک مرتبه سورهٔ اذا جاء نصر الله بیست و پنجم ده رکعت در سر رکعت حمد و یک مرتبه الهیکم التکاثر
بیست و ششم دو رکعت در سر رکعت حمد و ده مرتبه آیهٔ امن الرسول بیست و هفتم دو رکعت در سر
رکعت حمد و ده مرتبه سبح اسم ربک الاعلی بیست و هشتم چهار رکعت در سر رکعت حمد و یک مرتبه توحید و
معوذتین بیست و نهم دو رکعت در سر رکعت حمد یک مرتبه و هر یک از الهیکم التکاثر و توحید و معوذتین ده مرتبه
سی ام دو رکعت در سر رکعت حمد و ده مرتبه سبح اسم ربک الاعلی و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی
محمد و آل محمد باب سیم در بیان مجملی از فضائل و اعمال ماه مبارک رمضان است و در آن

[illegible]

شتم فصل است فصل اول در بیان فضیلت این ماه مبارک است باید دانست که ماه مبارک
رمضان ماه خداوند عالمیان است و شریف‌ترین ماهها است چنانچه بسند معتبر از حضرت امام رضا
علیه السلام روایت کرده‌اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آخر ماه شعبان خطبه خواندند و فرمودند ایها
الناس بتحقیق که رو کرده بسوی شما ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش ماهی است که نزد خدا بهترین ماهها
است و روزهایش بهترین روزها است و شبهایش بهترین شبها است و ساعتهای آن بهترین ساعتها
آن ماهی است که خوانده‌اند شما را در آن بسوی ضیافت خدا و گردیده آید در آن از اهل کرامت خدا نفسهای
شما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب شما در آن ثواب عبادت دارد و عملهای شما در آن مقبول است و دعاهای
شما در آن مستجاب است پس سؤال کنید از پروردگار خود به نیتهای درست و بدلهای پاکیزه از گناهان
و صفات ذمیمه که توفیق دهد شما را برای روزه داشتن آن و تلاوت کردن قرآن در آن بدرستیکه
شقی و بدعاقبت کسی باشد که محروم گردد از آمرزش خدا در این ماه عظیم و یاد کنید بگرسنگی و تشنگی
شما در این ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را و تصدق کنید بر فقیران و مسکینان خود و تعظیم نمائید پیران
خود را و رحم کنید کودکان خود را و نوازش نمائید خویشان خود را و نگاه دارید زبانهای خود را
از آنچه نباید گفت و بپوشید دیده‌های خود را از آنچه حلال نیست شما را نظر کردن بسوی آنها و باز
دارید گوشهای خود را از آنچه حلال نیست شما را شنیدن آن و مهربانی کنید با یتیمان مردم تا مهربانی
کنند بعد از شما با یتیمان شما و بازگشت کنید بسوی خدا از گناهان خود و بلند کنید بسوی خدا دستهای
خود را بدعا در اوقات نمازهای خود زیرا که وقت نمازها بهترین ساعتها است نظر میکند حق تعالی
در این اوقات برحمت بسوی بندگان خود و جواب میگوید ایشان را هرگاه او را مناجات کنند و لبیک
میگوید ایشان را هرگاه او را ندا کنند و مستجاب میگرداند هرگاه او را دعا کنند ای گروه مردمان
بدرستیکه جانهای شما در گرو کردهای شما است پس از گرو بدر آورید بطلب آمرزش از خدا و پشتهای شما
گرانبار است از گناهان شما پس سبک گردانید آنها را بطول دادن سجده‌ها و بدانید که حق تعالی
سوگند یاد کرده است بعزت خود که عذاب نکند نمازگزارندگان و سجده کنندگان را و نترساند ایشان را
باتش جهنم در روز قیامت ایها الناس هر که از شما افطار نماید روزه‌دار مؤمنی را در این ماه از برای

[illegible]

او خواهد بود نزد خدا ثواب بنده آزاد کردن و آمرزش گناهان گذشته پس بعضی از صحابه گفتند
یا رسول الله همه ما قدرت بر این نداریم حضرت فرمود که بپرهیزید از آتش جهنم با فطار فرمودن روزه دار
اگر چه بنصف دانه خرما باشد و اگر چه بیک شربت آب باشد بدرستیکه خدا این ثواب را میدهد بکسیکه چنین کند
اگر قادر بر زیاده ازین نباشد ایها الناس هر که خلق خود را درین ماه نیکو کند بر صراط بگذرد در روزیکه
قدمها بران بلغزد و هر که سبک گرداند درین ماه خدمت غلام و کنیز خود را حق تعالی در قیامت حساب او را
بر و آسان گرداند و هر که درین ماه شر خود را از مردم باز دارد حق تعالی غضب خود را در قیامت از و
باز دارد و هر که درین ماه یتیم بی پدری را گرامی دارد خدا او را در قیامت گرامی دارد و هر که درین ماه
صله و احسان کند با خویشان خود خدا وصل کند او را برحمت خود در قیامت و هر که درین ماه قطع
احسان خود از خویشان خود بکند خدای عز و جل در قیامت قطع رحمت خود از و بکند و هر که نماز سنتی
درین ماه بکند حق تعالی برای او برات بیزاری از آتش جهنم بنویسد و هر که درین ماه نماز واجبی ادا کند خدا عطا کند
باو ثواب هفتاد نماز واجب که در ماههای دیگر کرده باشد و هر که درین ماه بسیار صلوات فرستد بر من
و آل من خدا سنگین گرداند ترازوی عمل او را در روزیکه ترازوهای اعمال سبک باشد و کسیکه یک آیه از قرآن
درین ماه بخواند ثواب کسی داشته باشد که در ماههای دیگر ختم قرآن کرده باشد ایها الناس بدرستیکه
درهای بهشت درین ماه گشاده است پس سوال کنید از پروردگار خود که بر روی شما نه بندد و درهای جهنم درین ماه
بسته است از خدا سوال کنید که بر شما نگشاید و شیاطین را درین ماه غل میکنند پس سوال کنید از خدا که هرگز بر شما
مسلط نگرداند و ایضاً از حضرت امیر المومنین صلوات الله و سلامه علیه منقول است که در ماه رمضان
خطبه خواندند و فرمودند ایها الناس ماهی است که خدا او را بر سایر ماهها فضیلت و زیادتی داده
است مانند فضیلت اهل بیت بر سائر مردم و درین ماه گشوده میشود درهای آسمان و درهای
بهشت و درهای رحمت و بسته میشود درهای جهنم و درین ماه شنیده میشود نداهای مومنان
مستجاب میگردد دعاهای ایشان و رحم میکند گریه های ایشانرا و درین ماه شبی است که در ان
شب ملائکه از آسمان بزمین می آیند و سلام میکنند بر مردان و زنان روزه دار برخصت پروردگار
خود تا طلوع صبح و آن شب قدر است که حق تعالی مقدر کرده است در آن شب ولایت و امامت

رمضان

بیش از آنکه آدم علیه السلام را خلق کند بدو هزار سال عبادت آن شب بهتر است از عبادت هزار
ماه بود و روزه روزش بهتر است از روزه هزار ماه ایها الناس بدرستیکه آفتابهای ماه مبارک
رمضان در ماههای آن طالع میشود بر مردان و زنان روزه دار بدرستیکه این ماه شما مانند ماههای
دیگر نیست روزهایش بهترین روزهاست و شبهایش بهترین شبهاست در ایوان شیاطین در بند
غل کرده در شبها و روزها بلکه داند خداوند در این ماه روزها و عبادتها را می نویسد و میگرداند
در این ماه حاجیان است این ماه و در این ماه حق تعالی نظر میکند بسوی اهل ایمان بدرستی فیروزی و رحمت و مغفرت
و خشنودی خداوند بجز او بنده ای روزه دار پس تدبیر کار خود بکن بدرستیکه در این ماه مهمان پروردگار
خودی نظر کن و تامل نما که چگونه خواهی بود در شب خود و در روز خود و چگونه نگاه میداری اعضا
و جوارح خود را از معصیتهای پروردگار خود پس نظر کن که شبها در خواب نباشی و روزها غافل از یاد
خدا نباشی پس بیرون رود اینماه و گناهان تو بر تو باقی مانده باشد پس در هنگامیکه روزه داران
مزدهای خود را بگیرند تو از جمله زیان کاران باشی و در وقتیکه بکرامت آقای خود فائز گردند تو از
جمله محرومان باشی و در روزی که سعادتمند گردند بمجاورت دوستان پروردگار خود تو رانده
شده باشی ای روزه دار اگر ترا آقای تو از درگاه خود برگرداند بکدام درگاه رو خواهی آورد و اگر
محروم گرداند ترا پروردگار تو که روزی خواهد داد ترا و اگر او ترا خوار کند که ترا گرامی خواهد داشت
و اگر او ترا ذلیل گرداند که ترا عزیز خواهد کرد و اگر او ترا واگذارد که ترا یاری خواهد کرد و اگر
او ترا از بندگان خود قبول نکند بندگی کدام خداوند را اختیار خواهی کرد و اگر او لغزشها و گناهان
ترا نیامرزد امید بکه خواهی داشت برای آمرزش گناهان خود و اگر حق خود را که بر تو واجب گردانیده
از تو طلب نماید چه جواب در برابر او خواهی گفت ای روزه دار تقرب بجوی بسوی خدا بتلاوت
کردن کتاب خدا در شبها و روزهای اینماه زیرا که کتاب خدا شفاعت کننده ایست که
شفاعتش را قبول میکند و در قیامت شفاعت میکند برای آنها که تلاوت آن کرده اند
پس بالا میروند بر درجات بهشت بقدر تلاوت آیات قرآن ای روزه دار بشارت باد
ترا که هر نفسی که درین ماه میکشی ثواب تسبیحی در نامه عمل تو می نویسند و خواب تو درین ماه

عبادتست و طاعت تو درین ماه مقبولست و گناهان تو درین ماه آمرزیده است و آوازهای تو
درین ماه شنیده شده است بمناجات و زاری که با خدا میکوئی و ترحم میکنند و دستگیری شنیدم از
حبیب خود حضرت رسول صلی الله علیه و آله که خداوند عالمیان در هر شب از شبهای ماه مبارک
رمضان آزاد کرده است از آتش جهنم که عدد ایشانرا بغیر از خدا کسی نمیداند و چون شب آخر ماه شود
در آن شب می آمرزد مثل آنچه در جمیع ماه آمرزیده است و ایضا فرمود که هر که ماه مبارک رمضان را روزه
بدارد و نفس خود را از چیزها که خدا حرام کرده است نگاه دارد بهشت را البته او را واجب گرداند و هرکه
درین ماه روزه بدارد و در هیچ شب از شبهای آن افطار نکند بحرام البته داخل بهشت شود و بس حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که شنیدم از سید انبیا صلی الله علیه و آله که فرمود که بهترین اوصیای
پیغمبران در بهترین ماهها شهید خواهند شد گفتم بهترین ماهها کدام است و بهترین اوصیا کیست فرمود
بهترین ماهها ماه رمضانست و بهترین اوصیا توئی یا علی گفتم یا رسول الله این البته خواهد شد فرمود
بحق پروردگارم سوگند که برانگیخته میشود بدبخت ترین امت من جفت پی کننده ناقه صالح و ضربتی
بر سر تو خواهد زد که ریش تو از خون سرت خضاب شود و بس مردم شروع بگریه و زاری و فغان کردند
و حضرت از منبر بزیر آمد و ایضا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست بسندهای معتبر که فرمود
ایها الناس هر که دریابد ماه مبارک رمضان پس روزه دارد روزش را و بایستد بنماز
و عبادت قدر مقرری از شب آنرا و نمازها را در اوقات فضیلت بجا آورد و مبادرت کند بنماز جمعه
آن و بامداد آن بنماز عید آن حاضر شود پس دریافته خواهد بود ثواب شب قدر را و فائز میگردد بجایزه‌ها
و بخششهای بزرگ خدا و بخششهای خدا مانند بخششهای بندگان نیست **فصل دوم** در بیان
حقیقت روزه است و آنچه در آن معتبر است بدانکه روزه باز داشتن خود است از چیزی چند که روزه
را می شکند از طلوع صبح تا برطرف شدن سرخی از جانب مشرق بنا بر مشهور یا پنهان شدن قرص
آفتاب یعنی برطرف شدن شعاع آن از کوهها و عمارات مرتفعه و قول اول احوط است و باید
قربت پس باید که بداند آن چیزها را تا نیت تواند کرد و چون میان علما اختلاف بسیار است در اینها
اگر قصد کند ترک همه را از برای رضای خدا ظاهرا کافی باشد اما بهتر آنست که آنچه متیقن باشد

موجب ترک آنها قصد ترک آنها کند بعنوان وجوب و آنچه خلافی باشد قصد ترک آنها کند احتیاطاً و آنچه سید عذر مکروه باشد قصد ترک آنها کند استحباباً و اگر قصد ترک جمیع محرمات را ضمیمه کند بهتر است و اما آنها که واجب است ترک آنها کردن اول و دوم چیز خوردن و چیز آشامیدن است و چیزی که خوردن و آشامیدن آن متعارف معتاد باشد در آن خلافی نیست که مبطل صوم است و موجب قضا و کفاره هر دو میشود و اگر بعنوان معتاد بخورد و اگر غیر معتاد باشد مانند آنکه در دماغ یا گوش بچکاند چیزی را و بحلق داخل شود محل خلاف است و همچنین خلاف است در خوردن و آشامیدن چیزی چند که معتاد مردم نباشد خوردن و آشامیدن آنها مانند سنگ و چوب و خاک و گیاهها و آب افشرده شده از گیاههای غیر معتاد و اظهر آنست که اگر بعنوان معتاد باشد اجتناب از آن واجب است و احوط آنست که اگر بکند قضا و کفاره بعمل آورد سوم جماع کردن در قبل زنست مطلقا خواه انزال شود و خواه نه و فعل آن موجب قضا و کفاره میشود بخلاف جماع در دبر زن هرگاه انزال شود روزه را باطل میکند و قضا و کفاره لازم میشود و مشهور آنست که جماع در دبر بدون انزال نیز مبطل صوم و موجب قضا و کفاره است و بعضی مبطل نمیدانند و اول اقوی است چهارم باقی ماندن است بر جنابت تا صبح و اشهر و اقوی آنست که مبطل است و موجب قضا و کفاره است و بعضی مبطل ندانسته اند و بعضی قضا تنها واجب دانسته اند و احوط آنست که اگر زن حائض پاک شود پیش از صبح غسل بکند و اگر نکند احوط آنست که غسل کند بعد از صبح و آن روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند و اگر جنب را غسل متعذر باشد احوط آنست که تیمم بکند و تیمم را نشکند تا صبح شود و خواب اول بعد از جنابت در حالی که نیت غسل کردن داشته باشد و احتمال بیدار شدن داشته باشد جایز است و مشهور آنست که اگر تا صبح بیدار نشود قضای آن روزه واجب نیست و بعضی واجب دانسته اند و آن احوط است و مشهور آنست که اگر بخوابد تا صبح و نیت غسل نداشته باشد برا و قضا و کفاره لازم است و این احوط است اگرچه دلیلش ضعیف است و مشهور در خواب دوم وجوب قضاست و این قول قوی است بلکه خلافی در میان علما ظاهر نیست و جمعی از اصحاب را اعتقاد آنست که در خواب سوم جنب هرگاه بصبح رسد قضا و کفاره هر دو واجب است و اقوی عدم وجوب کفاره است و بعضی از متأخرین را اعتقاد آنست که خواب بعد از

بیدار شدن از احتلام حکم خواب دوم دارد چنانچه والد مرحوم اختیار نموده و این احوط است
بلکه خالی از قوت نیست و بدانکه در روزه‌های دیگر غیر ماه مبارک رمضان نیز خلافست که آیا باید که
صبح را پاک دریابد یا نه و حق آنست که در قضای ماه رمضان می‌باید صبح جنب نباشد و در غیر قضا احوط آنست
که اگر صبح طاهر نباشد و واجب معین نباشد آن روز را روزه ندارد و اگر معین باشد آن روز را روزه بدارد
و قضا نیز بکند اما اگر عمدا کرده باشد دور نیست که کفاره در کار نباشد و شک نیست که احوط است روزه
سنت اگر عمدا در جنابت بماند تا صبح و پیش از زوال غسل کند و نیت روزه بکند بگمان فقیر روزه‌اش صحیح است
و در واجب معین اگر شب عمدا نیت را ترک کند و پیش از زوال نیت کند مشهور آنست که روزه‌اش باطل
است و قضا میکند و کفاره واجب نمیشود و اگر از روی فراموشی نیت را ترک کند تا زوال میتواند کرد
و در واجب غیر معین تا زوال نیت میتواند کرد و اگر چه قضای ماه رمضان باشد و در روزه سنت خلافی
نیست که اگر در شب نیت نکرده باشد و مفطری بعمل نیاورده باشد تا اول زوال نیت میتواند کرد و بعد
از زوال خلافست بعضی گفته‌اند تا نزدیک بشام نیت میتوان کرد و جمعی از محققین علما باین قائل اند
و نزد فقیر اقوی است و بعضی گفته‌اند که بعد از زوال نیت نمی‌تواند کرد و بعضی گفته‌اند که پیش از زوال
نیت کند ثواب روزه تمام روز را می‌یابد و اگر بعد از زوال نیت کند ثواب روزه بعد از نیت تا شام
را می‌یابد و رسانیدن غبار غلیظ است بحلق و بعضی از موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی قضا
تنها و بگمان فقیر مبطل نیست و احوط رعایت مشهور است و بعضی از متاخرین ملحق ساخته‌اند بغبار غلیظ دود
غلیظ و بخار غلیظ را اگر از آن جزء منفصل شود چون دود تنور و بخار و یک اظهر عدم بطلانست بدود
افغان است [illegible] از دو دنیا [illegible] ششم استمنا است یعنی طلب نزول منی کردن و حصول آن موجب قضا
و کفاره است و مشهور آنست که هرگاه ملامسه و ملاعبه کند و انزال شود روزه‌اش باطل میشود و قضا و کفاره
لازم است و بعضی برین قائل شده‌اند خصوصا وقتی که نسبت بحلال خود باشد و عادتا و انزال
نباشد و احوط بلکه اقوی وجوب قضا و کفاره است مطلقا و در نظر کردن بزن حلال یا حرام یا صدای
از او شنیدن یا بخیال خود در آوردن هرگاه باعث آمدن منی شود و قصد انزال نداشته باشد
و بآن معتاد نباشد خلافست و اظهر عدم وجوب قضا و کفاره است [illegible] کردن عمدا و اکثر

مولّبت قضا تنها میدانند و بعضی قضا و کفاره هردو را واجب میدانند و بعضی هیچیک را واجب نمیدانند
و مسئله مشکل است و وجوب قضا تنها خالی از قوتی نیست و مشهور آنست که هرگاه قی بی اختیار آید بر او
قضا نیست و بعضی قضا را واجب دانسته اند و این قول ضعیف است هشتم حقنه است و بعضی موجب
قضا و کفاره هردو دانسته اند و بعضی موجب قضا تنها و بعضی حرام دانسته اند و موجب هیچیک
ندانسته اند و بعضی حقنهٔ مایع را موجب قضا دانسته اند و حقنهٔ جامد را مانند شیاف مکروه دانسته
اند و بعضی مطلقا مکروه دانسته اند و این قول اقوی است و احوط آنست که بدون ضرورت
حقنه بمایع نکند و اگر بکند قضا بکند و اشهر و اقوی آنست که چکانیدن دوا در گوش موجب فساد
صوم نمی شود و سعوط در بینی هرگاه تعدی بحلق نکند ایضا اقوی آنست که جایز است و بعضی موجب
قضا و کفاره دانسته اند و اگر بحلق رسد احوط اجتناب است نهم دروغ گفتن بر خدا و رسول خدا و ائمه
هدی صلوات الله علیهم است با آنکه حدیث دروغی نقل کند یا مسئله خلاف واقعی بگوید بلکه کسیکه اهلیت
مسئله گفتن نداشته باشد مسئله بگوید و در حرمت آن شکی نیست و بعضی در روزه موجب قضا و
کفاره میدانند و بعضی میگویند موجب فساد صوم نمی شود و خالی از قوتی نیست و احوط آنست که
اگر بکند قضا بکند و کفاره بدهد دهم سر فرو بردن در آبست و جمعی آنرا موجب قضا و کفاره میدانند
و بعضی موجب قضا تنها میدانند و بعضی حرام میدانند و موجب هیچیک نمیدانند و بعضی مکروه میدانند
و اظهر حرمت است و عدم وجوب قضا و کفاره و بعضی گفته اند که اگر سر را بآب فرو برد تا گردن
و بدن بیرون آب باشد باز حکم ارتماس دارد و این احوط است و بعضی گفته اند که اگر فرو برد منافذ
سر را دفعةً هر چند منابت مو بیرون باشد باز حکم ارتماس دارد و این احوط است و احوط آنست که
در روزهٔ سنت نیز سر را بآب فرو نبرد و بعضی تجویز کرده اند و احوط ترک است یازدهم بلغمی که
از سینه برآید یا از دماغ فرود آید در فرو بردن آن علما را سه قول است اول جواز
ابتلاع آنچه بیرون می آید از سینه مادام که از دهن منفصل نشود و عدم جواز آن قسم دیگر دوم جواز
ابتلاع هردو قسم مادام که بدهن نرسد و تحریم ابتلاع هردو هرگاه بدهن برسد سوم جواز کشیدن
از سینه و سر و جواز فرو بردن مادام که از دهن جدا نشود و جمعی حکم بفساد کرده اند و بعضی بقضا

تنها قائل شده اند و بعضی کفاره را نیز واجب دانسته اند و بعضی بکفاره جمع قائل شده اند و گمان فقیر آنست
که هیچ یک لازم نمی شود اما احتیاط آنست که بعد از آنکه بعضای دهن باید فرو نبرد و از مشهور
میان علما آنست که مکروه است که زن روزه دار در میان آب بنشیند و بعضی گفته اند که اگر در
آب نشیند قضا بر او لازم است و بعضی کفاره را نیز لازم دانسته اند و اول اظهر است و خاییدن قند و
و مصطکی که آبش را فرو برد بعضی حرام دانسته اند و بعضی موجب قضا دانسته اند و اظهر جواز است
و مشهور میان علما آنست که اگر کسی گمان داشته باشد که شب باقیست بلکه اگر شک هم داشته باشد
جائز است خوردن و آشامیدن تا صبح مشخص شود و اگر معلوم شود که صبح بوده است آن وقت که خورده
یا آشامیده اگر ملاحظه کرده باشد و خورده باشد قضا واجب نیست و اگر ملاحظه نکرده و خورده باشد
قضا واجب است و کفاره واجب نیست و اگر کسی مضمضه کند جهت وضوی نماز واجب و آب بی اختیار
بحلق او رود قضا بر او واجب نیست و اگر جهت نماز نافله باشد بعضی گفته اند قضا بر او واجب است و اگر
عبث مضمضه کند و آب بحلقش رود جمعی قضا را واجب دانسته اند و این احوط است و اظهر عدم وجوب است
مطلقا و در روایتی وارد شده است که بعد از مضمضه سه مرتبه آب دهان بیندازد و این احوط است

فصل سوم در سنتها و آداب روزه است مکروه است روزه دار را بوسیدن زنان و دست
به بدن ایشان مالیدن و دست بازی کردن با ایشان و اقرب آنست که کراهیت مخصوص
بصورتیست که اینها محرک شهوت او باشند و خوف وقوع در جماع داشته باشد و مکروه است [illegible]
کشیدن چیزی که آن را طعمی باشد که بحلق رسد یا در آن شکی باشد و مشهور کراهیت بیرون آوردن
خونست از بدن که باعث ضعف شود و در حجامت احتیاط بیشتر باید کرد و همچنین داخل شدن حمام که
مضعف باشد و مکروه است بوئیدن گلها خصوصا نرگس و بهتر آنست که مشک [illegible] و سایر بوهای
خوش مکروه نیست بلکه سنت است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که طیب تحفه صائم است
و فرمود که هر روزه دار که در اول روز خود را خوشبو کند عقلش زائل نگردد و اشهر و اقوی آنست که
بوئیدن رائحه غلیظه مفطر نیست و بعضی گفته اند که بوئیدن رائحه غلیظه که بجوف رسد موجب قضا و کفاره
میشود و احوط آنست که بوی خوش سائیده که بدماغ بالا رود نبوید چنانچه در روایتی وارد شده است

انگوری از نزدیک آنحضرت گذشت پس سائلی رسید حضرت آن انگور را بسائل داد و سائل رفت و آن انگور را از سائل خریده بنزد حضرت آوردند دیگر سائلی رسید باز حضرت آن را بسائل داد ... تا سه یا چهار مرتبه ... و منقول است

... منقول است که حضرت علی بن الحسین علیهما السلام انگور را بسیار دوست میداشتند ...

ومکروه است که صائم جامه که ملاصق بدنست ترکند و مکروه است زن صائمه را که در آب نشیند چنانچه گذشت و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه روزه دار میباید روزه باشد گوش تو و چشم تو و موی تو و پوست تو و جمیع اعضای تو یعنی از محرمات بلکه از مکروهات و فرمود که باید که روز روزه تو مانند روز افطار تو نباشد و ایضاً از آن حضرت منقول است که فرمود روزه همین از خوردن و آشامیدن نیست تنها بلکه باید که در روز روزه نگاه دارید زبان خود را از دروغ بپوشانید دیده های خود را از حرام و با یکدیگر نزاع مکنید و حسد مبرید و غیبت مکنید و مجادله مکنید و سوگند دروغ مخورید بلکه سوگند راست نیز و دشنام مدهید و فحش مگوئید و ستم مکنید و بیخردی مکنید و دل تنگ مشوید و غافل مشوید از یاد خدا و از نماز و خاموش باشید از آنچه نباید گفت و صبر کنید و راست گو باشید و دوری کنید از اهل شر و اجتناب کنید از گفتار بد و دروغ و افترا و خصومت کردن با مردم و گمان بد بردن و غیبت کردن و سخن چینی کردن و خود را مشرف بر آخرت دانید و منتظر فرج و ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله باشید و آرزومند ثوابهای آخرت باشید و توشه اعمال صالحه برای سفر آخرت بردارید و بر شما باد و آرام دل و آرام تن و خضوع و خشوع و شکستگی و مذلت بنده که از آقای خود ترسد و ترسان باشید از عذاب خدا و امیدوار باشید رحمت او را و باید پاک باشد ای روزه دار دل تو از عیبها و باطن تو از حیله ها و مکرها و پاکیزه باشد بدن تو از کثافتها و بیزاری بجوئی بسوی خدا از آنچه غیر اوست در روزه ولایت خود را خالص کردانی از برای او و خاموش باشی از آنچه حق تعالی نهی کرده است ترا از آن در آشکار و پنهان و بترسی از خداوند قهار آنچه سزاوار ترسیدن اوست در پنهان و آشکار و ببخشی روح و بدن خود را بخداوند عزوجل در ایام روزه خود و فارغ کردانی دل خود را از برای محبت او و یاد او و بدن خود را بکار فرمائی در آنچه خدا ترا امر کرده است با آن و خوانده است بسوی آن اگر همه اینها را بعمل آوری آنچه سزاوار روزه داشتن است بعمل آورده و فرموده خدا را اطاعت کرده و آنچه کم کنی از آنها که بیان کردم از برای تو بقدر آن از روزه تو کم شود از فضل آن و ثواب آن و بدرستیکه پدرم گفت که حضرت رسول صلی الله علیه و آله شنید که زنی

در روزه جاریهٔ خود را دشنام داد حضرت طعامی طلبید و آن زن گفت بخور زن گفت من روزه‌ام
حضرت گفت چگونه روزه‌ای و جاریهٔ خود را دشنام دادی روزه از خوردن و آشامیدن تنها نیست بلکه
حق تعالی روزه را حجابی گردانیده است از سائر امور قبیحه از کردار بد و گفتار بد چه بسیار کم‌اند روزه‌داران
و بسیارند گرسنگی کشندگان و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که چه بسیار روزه‌دار که بهره
نیست او را از روزه بغیر تشنگی و گرسنگی و چه بسیار عبادت کننده که نیست او را بهره از عبادت بغیر
تعب ای خوشا خواب زیرکان که بهتر از بیداری و عبادت احمقانست و خوشا افطار کردن زیرکان
که بهتر از روزه داشتن بیخبرد است زیرا که خواب مقربان چون بنیت صحیح و قلب طاهر واقع میشود از
جملهٔ عبادات ایشانست بلکه ارواح ایشان در عالم قدس با ارواح انبیا و اوصیا و خلص مؤمنان
محشور میگردند و بر اسرار غیب و بر رؤیای صادقه مطلع میگردند و راههای قرب ایشانست و
افطار خردمندان چون از روی دانائیست و بوجهی که حق تعالی خواسته افطار مینمایند بهتر است
از روزه‌های احمقان که روزه را دستگاه خود فروشی خود کرده‌اند و بریا و عجب ضایع میکنند و
و بشرائط صوم عمل نمیکنند فصل چهارم در بیان آداب و شرائط دخول ماه مبارک رمضانست سنت
است طلب هلال ماه رمضان و بعضی واجب دانسته‌اند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون هلال ماه
رمضان را دیدی اشاره بسوی هلال مکن و رو بقبله بکن و دستها را بسوی خدا بلند کن و خطاب بماه کن و بگو

رَبِّي وَرَبُّكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالْاَمْنِ وَ

پروردگار من و پروردگار تو خداست پروردگار جهانیان ای خدا طالع گردان هلال را بر ما با ایمنی و

الْاِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ وَالْمُسَارَعَةِ اِلَى مَا تُحِبُّ

ایمان و سلامتی و اسلام و شتافتن بسوی آنچه دوست داری

وَتَرْضَى اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هٰذَا وَارْزُقْنَا خَيْرَهُ وَعَوْنَهُ

و میپسندی خداوندا برکت ده برای ما در ماه ما این ماه و روزی کن مرا نیکوئی آن و مدد آن

وَاصْرِفْ عَنَّا ضُرَّهُ وَشَرَّهُ وَبَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ

و بگردان از ما بد حاصلی آنرا و شر آنرا و بلای آنرا و آشوب آنرا

رمضان

بالبهترین دعاهای هلال دعای صحیفه کامله است و ابن ابی عقیل رحمه الله این دعا را در وقت روئیت هلال ماه مبارک رمضان واجب دانسته اند

الحمد لله الذي خلقني و خلقك و قدّر منازلك و جعلك مواقيت

سپاس مر خدای را که آفریده مرا و آفریده ترا و تقدیر کرد منزلهای ترا و گردانید ترا نشانهای اوقات

للناس اللهم اهله علينا اهلالا مباركا اللهم ادخله علينا

برای آدمیان خداوندا داخل کن آنرا بر ما داخل کردنی با برکت خداوندا داخل کن آنرا بر ما

بالسلامة و الاسلام و اليقين و الايمان و البر و التقوى و التوفيق لما تحب و ترضى

با سلامتی و اسلام و یقین و ایمان و نیکوئی و پرهیزکاری و توفیق برای آنچه دوست داری و پسندی آنرا

و در شب اول ماه جماع سنت است و غسل در شب اول سنت است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که غسل کند در شب اول ماه رمضان در نهر جاری و سی کف آب بر سر ریزد با طهارت معنوی باشد تا ماه رمضان آینده و در حدیث دیگر فرمود که هر که در شب اول ماه رمضان غسل کند خارش بدن در آن سال با و نرسد و ایضا منقول است که چون ماه رمضان داخل شد حضرت صادق علیه السلام فرزندان خود را وصیت میفرمود که اهتمام کنید و سعی نمائید در این ماه در عبادت که در این ماه روزیها قسمت میشود و اجلها و عمرها نوشته میشود و حاجیان در این ماه مقدر میشوند و در این ماه شبی هست که بهتر است از هزار ماه و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که بر شما باد در ماه رمضان باستغفار و دعا بدرستیکه دعا دفع میکند بلا را از شما و استغفار محو میکند گناهان شما را و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در شب اول ماه سنت است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در شب اول ماه رمضان یا شب میان یا شب آخر زیارت آنحضرت بکند گناهان از و بریزد مانند برگ از درختان و از گناه بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده است و ثواب حج و عمره خدا او را عطا کند و ایضا از آنحضرت منقول است که هر که در شب اول ماه سوره انا فتحنا در نماز نافله بخواند در آن سال از بلاها محفوظ گردد و بروایت دیگر از آنحضرت منقولست که هر که در شب اول ماه مبارک دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد

سورهٔ انعام بخواند و سوال کند که حق تعالی او را کفایت شر و رکند خدا او را کفایت کند از انچه می ترسد در ان ماه و حفظ کند او را از انچه می ترسد و از بیماریها و دردها و ترسها و این نماز را باید ترک نکرد و سوره را از دو جزو قرآن بتوان خواند و اگر در شب اول ماه نیت روزهٔ تمام ماه را بکند و باز هر شب نیت کند بهتر است و نیت چنین میکند که فردا روزهٔ ماه رمضان میدارم واجب قربةً الی الله و در روز اول ماه سنت است که غسل کند در آب جاری و سی کف آب بسر بریزد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون در اول سال چنین کند از جمیع دردها و بیماریها در تمام سال ایمن باشد و ایضا از انحضرت منقولست که هرکه در روز اول این ماه کفی از گلاب برو بریزد از خواری و پریشانی نجات یابد و اگر هر روز بکند در ان روز از این بلاها ایمن گردد و هرکه یک کف از گلاب در روز اول ماه بر سر بریزد در ان سال از مرض برسام ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که هرکه در اول هر ماه دو رکعت نماز بکند در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخواند و بعد از نماز تصدقی بکند بانچه میسر شود سلامتی آن ماه را خریده است و در روز اول ماه این دعا سنت است

اَللّٰهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدِ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَاَنْزَلْتَ

خداوندا بتحقیق حاضر شده ماه رمضان و بتحقیق واجب ساختی بر ما روزه داشتن آنرا و فرو اوردی

فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ اَللّٰهُمَّ اَعِنَّا

در ان قرآن را در حالیکه رهنمای آدمیان است و آیتهای روشن است از راهنمائی و جدا کننده حق از باطل خداوندا یاری کن ما را

عَلٰى صِيَامِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا وَسَلِّمْهُ لَنَا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ

بر روزه داشتن ان و بپذیر آنرا از ما و قبول کن آنرا از ما و سالم دار آنرا برای ما در آسانی از خود و عافیت

اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی

و ایضا از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون ماه مبارک داخل میشد حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله این دعا میخواندند

اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِی

بارخدایا بتحقیق داخل شده ماه رمضان بارخدایا ای پروردگار ماه رمضان که

اَنْزَلْتَ فِیهِ الْقُرْآنَ وَجَعَلْتَهُ بَیِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰی وَالْفُرْقَانِ اَللّٰهُمَّ فَبَارِکْ

فرو فرستادی در آن قرآن را و گردانیدی آن را معجزه های روشن از رهنمائی و جدا کردن حق از باطل پس برکت ده

لَنَا فِی شَهْرِ رَمَضَانَ وَاَعِنَّا عَلٰی صِیَامِهِ وَصَلٰوتِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا

بجهت ما در ماه رمضان و مدد کن ما را بر روزه داشتن آن و نماز آن و بپذیر آن را از ما

وایضا بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که نزد داخل شدن ماه رمضان یعنی روز اول یا شب اول دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول بعد از حمد سوره انا فتحنا بخواند و در رکعت دوم هر سوره که خواهد بخواند حق تعالی جمیع بدیها را در آن سال از او دور گرداند و در حفظ خدا باشد تا سال آینده و در شب اول یا روز اول دعای صحیفه کامله را بخواند که بهترین دعاهاست و کلینی و شیخ طوسی و دیگران رحمهم الله بسند صحیح روایت کرده اند که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که در ماه مبارک رمضان در اول سال یعنی در روز اول ماه چنانچه علما فهمیده اند این دعا را بخوانند و فرمود که هر که این دعا را از برای رضای خدای تعالی بی شائبه اغراض فاسده و ریا بخواند در آن سال رسند فتنه و گمراهی و نه آفتی ضرر رساند بدین او و یا بدن او و حق تعالی او را حفظ کند از شر آنچه در آن سال واقع میشود از بلاها و دعا اینست

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی دَانَ لَهُ کُلُّ شَیْءٍ وَبِرَحْمَتِکَ الَّتِی وَسِعَتْ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بحرمت نام تو آنکه ذلیل نموده برای او هر چیز و رحمت تو که فرا گرفته است

کُلَّ شَیْءٍ وَبِعَظَمَتِکَ الَّتِی تَوَاضَعَ لَهَا کُلُّ شَیْءٍ وَبِعِزَّتِکَ الَّتِی قَهَرَتْ

هر چیز را و بعظمت تو که فروتنی نموده برای آن هر چیزی و بعزت تو که قهر و غلبه نموده

کُلَّ شَیْءٍ وَبِقُوَّتِکَ الَّتِی خَضَعَ لَهَا کُلُّ شَیْءٍ وَبِجَبَرُوتِکَ الَّتِی غَلَبَتْ کُلَّ

هر چیز را و بتوانائی تو که پستی نموده برای آن هر چیز و بجبروت بزرگواری تو که غلبه نموده بر

شَیْءٍ وَبِعِلْمِکَ الَّذِی اَحَاطَ بِکُلِّ شَیْءٍ یَا نُورُ یَا قُدُّوسُ یَا اَوَّلَ

هر چیزی را و بدانش تو که فرا گرفته هر چیزی را ای هویدا ای بغایت پاک ای اول

قبل كل شيء ويا باقي بعد كل شيء يا الله يا رحمن صل على محمد وآل

پیش از هر چیز و ای باقی بعد از هر چیز ای خدا ای بخشاینده رحمت بفرست بر محمد و آل

محمد واغفر لي الذنوب التي تغير النعم واغفر لي الذنوب التي

محمد و بیامرز برای من گناهانی را که تغییر میدهند نعمتها را و بیامرز برای من گناهانی را که

تنزل النقم واغفر لي الذنوب التي تقطع الرجاء واغفر لي الذنوب التي

فرود می آورند عذابها را و بیامرز برای ما گناهانی را که می برند امید را و بیامرز برای ما گناهانی را که

تديل الاعداء واغفر لي الذنوب التي ترد الدعاء واغفر لي

غالب میگردانند دشمنان را و بیامرز برای من گناهانی را که بر می گردانند دعا را و بیامرز برای ما

الذنوب التي يستحق بها نزول البلاء واغفر لي الذنوب التي تحبس

گناهانی را که سزاوار گردیده میشود بسبب آن فرود آمدن بلا را و بیامرز برای من گناهانی را که باز میدارد

غيث السماء واغفر لي الذنوب التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب التي تعجل

باران آسمان را و بیامرز برای من گناهانی را که زایل میکند پرده را و بیامرز برای من گناهانی را که

الفناء واغفر لي الذنوب التي تظلم الهواء واغفر لي الذنوب التي

نیستی را و بیامرز برای من گناهانی را که تیره میسازد جهان را و بیامرز برای من گناهانی را که

تورث الندم واغفر لي الذنوب التي تهتك العصم واغفر لي

در عقب دارد پشیمانی را و بیامرز برای من گناهانی را که می درد پرده های عصمت و بیامرز برای

الذنوب التي ترفع القسم والبسني درعك الحصينة التي لا ترام و

گناهانی را که زایل میکند روزی را و بپوشان مرا زره محکم خود که قصد کرده نشود و

عافني من شر ما احاذر بالليل والنهار في مستقبل سنتي هذه اللهم رب السموات

عافیت بخش مرا از شر آنچه میترسم در شب و روز در وقت رو آوردن سال من این سال خدایا ای پروردگار

السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم

آسمانهای هفت گانه و ای پروردگار زمینهای هفت گانه و آنچه در آنهاست و آنچه در میان آنهاست پروردگار عرش بزرگ

ورب السبع المثانی والقرآن العظیم ورب اسرافیل ومیکائیل وجبرئیل
ای پروردگار سبع مثانی و قرآن بزرگ وای پروردگار اسرافیل و میکائیل و جبرئیل

ورب محمد صلی الله علیه وآله سید المرسلین وخاتم النبیین اسألك
وای پروردگار محمد رحمت فرستاد خدا بر او و بر آل او بزرگ فرستادگان و آخر پیغمبران درخواهم از تو

بك وبما سمیت به یا عظیم انت الذی تمن بالعظیم وتدفع کل محذور
بحرمت تو و بحرمت آنچه نامیده شده بآن ای بزرگ مرتبه توئی آنکه بخشش میکنی بخشش بزرگ و دفع مینمائی هر محذوری

وتعطی کل جزیل وتضاعف من الحسنات بالقلیل وبالکثیر
و عطا میفرمائی هر عطای وافری را و دو چند میکنی نیکیها را در مقابل عمل کم و مقابل عمل بسیار

وتفعل ما تشاء یا قدیر یا الله یا رحمن صل علی محمد واهل بیته
و میکنی آنچه خواهی ای توانا ای خدا ای بخشاینده رحمت بفرست بمحمد و خاندان او

والبسنی فی مستقبل سنتی هذه سترك ونضر وجهی بنورك واحبنی
و بپوشان مرا در آینده سال من این سال پرده خود و درخشان کن روی مرا بنور خود و دوست دار مرا

بمحبتك وبلغنی رضوانك وشریف کرامتك وجسیم عطیتك
بدوستی خود و برسان مرا بخشنودی خود و نوازش بلند پایه خود و عطیه بزرگ مرتبه خود

واعطنی من خیر ما عندك ومن خیر ما انت معطیه احدا من
و عطا کن مرا از بهترین آنچه نزد تست و از بهترین آنچه تو عطا فرمائی آنرا بیکی از

خلقك والبسنی مع ذلك عافیتك یا موضع کل شکوی ویا شاهد
آفریدگان خود و بپوشان مرا با وجود آن عافیت خود ای قرارگاه هر شکایت وای دانای

کل نجوی ویا عالم کل خفیة ویا دافع ما تشاء من بلیة یا کریم العفو
هر راز و ای دانای هر پنهان وای زائل نماینده آنچه خواهی از بلا ای کریم عفو

یا حسن التجاوز توفنی علی ملة ابراهیم وفطرته وعلی دین محمد
ای نیکو تجاوز بمیران مرا بر ملت ابراهیم و دین او و بر دین محمد

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسُنَّتِهِ وَعَلَى خَيْرِ الْوَفَاةِ فَتَوَفَّنِي

رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او و طریقه او و بر بهترین مردنی

مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ اللّٰهُمَّ وَجَنِّبْنِي فِي هٰذِهِ السَّنَةِ كُلَّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ

دشمن باشم مر دشمنان ترا خداوندا دور گردان مرا در این سال از هر کرداری یا گفتاری یا فعلی

يُبَاعِدُنِي مِنْكَ وَاجْلِبْنِي إِلَى كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُقَرِّبُنِي

که دور سازد مرا از تو و بکشان مرا بسوی هر عملی یا قولی یا فعلی که نزدیک گرداند مرا

مِنْكَ فِي هٰذِهِ السَّنَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَامْنَعْنِي مِنْ كُلِّ عَمَلٍ

بتو در این سال ای بخشنده ترین بخشایندگان و باز دار مرا از هر عملی

أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يَكُونُ مِنِّي أَخَافُ ضَرَرَ عَاقِبَتِهِ وَأَخَافُ مَقْتَكَ

یا قولی یا فعلی که باشد از من که می‌ترسم ضرر عاقبت آنرا و می‌ترسم دشمن داشتن تو

إِيَّايَ عَلَيْهِ حَذَرًا أَنْ تَصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي فَأَسْتَوْجِبَ بِهِ

مرا بران بجهت خوف از آنکه بگردانی روی لطف گرامی خود را از من پس مستحق گردم بسبب آن

نَقْصًا مِنْ حَظٍّ لِي عِنْدَكَ يَا رَؤُوفُ يَا رَحِيمُ اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِي

کم شدن از بهره که مراست نزد تو ای مهربان ای مهربان بار خدایا بگردان مرا در

مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هٰذِهِ فِي حِفْظِكَ وَفِي جِوَارِكَ وَفِي كَنَفِكَ وَجَلِّلْنِي

آینده سال من این سال در حفظ خود و در سایه خود و در پناه خود و بپوشان مرا

سِتْرَ عَافِيَتِكَ وَهَبْ لِي كَرَامَتَكَ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا إِلٰهَ

پوشش عافیت خود و ببخش مرا نوازش خود ارجمند است همسایه تو و بزرگ است ثنای تو و نیست خدایی

غَيْرُكَ اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي تَابِعًا لِصَالِحِي مَنْ مَضَى مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَأَلْحِقْنِي

غیر تو خداوندا بگردان مرا پیروی کننده مر نیکوکاری که گذشت از دوستان تو و در رسانید مرا

بِهِمْ وَاجْعَلْنِي مُسَلِّمًا لِمَنْ قَالَ بِالصِّدْقِ عَلَيْكَ مِنْهُمْ وَأَعُوذُ بِكَ

بایشان و بگردان مرا انقیاد برای آنکه گویا شده براستی بر تو از ایشان و پناه میگیرم بتو

رمضان

... بيني وبين ما كان يحيط بي خطيئتي وظلمي واسرافي على نفسي واتباعي لهواي

انگه کرده مرا گناه من و ستم من و تعدی من بر نفس خود و پیروی من خواهش خود را

واستعمالي لشهوتي دون خير لذلك بيني وبين رحمتك ورضوانك فاكون

مشغول شدن من بخواهشهای خود پس حائل شود آن میان من و میان رحمت تو و خوشنودی تو پس بوده باشم

منسياً عندك متعرضاً لسخطك ونقمتك اللهم وفقني لكل عمل

فراموش شده نزد تو و پیش آینده مر غضب ترا و عذاب ترا خداوندا توفیق ده مرا برای هر کردار

صالح ترضى به عني وقربني اليك زلفى اللهم كما كفيت نبيك

شایسته که خوشنود شوی بسبب آن از من و نزدیک گردان بسوی خود مرتبه نزدیکی خداوندا چنانچه دفع کردی از پیغمبر خود

محمداً صلى الله عليه وآله هول عدوه وفرجت همه وكشفت غمه

محمد رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او شدت دشمن او را و گشودی اندوه او را و زائل کردی غم او را

وصدقته وعدك وانجزت له عهدك اللهم فبذلك فاكفني

و راست نمودی برای او وعده خود را و روا کردی برای او عهد خود را خداوندا پس بآن وسیله دفع کن از من

هول هذه السنة وآفاتها واسقامها وفتنتها وشرورها واحزانها

خوف این سال را و بلاهای آن را و بیماریهای آن را و آشوب آن را و گزندهای آن را و اندوههای آن را

وضيق المعاش فيها وبلغني برحمتك كمال العافية بتمام دوام النعمة

و تنگی معاش را در آن و برسان مرا بسبب رحمت خود بکمال عافیت بتمامی همیشه بودن نعمت

عندي الى منتهى اجلي اسالك سؤال من اساء وظلم واستكان واعترف

نزد من تا آخر مدت عمر من سؤال میکنم ترا مانند سؤال کسیکه بد کرده و ستم کرده و فروتنی کرده و اعتراف کرده

وأسألك ان تغفر لي ما مضى من الذنوب التي حصرتها حفظتك و

و میخواهم از تو آنکه بیامرزی برای من آنچه گذشته از گناهانی که فرا گرفته آنها را فرشتگان نویسندگان تو

احصتها كرام ملائكتك علي وان تعصمني اللهم من الذنوب فيما بقي

و شمرده آنها را بزرگواران فرشتگان تو بر من و آنکه نگاه داری مرا خداوندا از گناهان در آنچه باقی ماند

من عمری الی منتهی اجلی یا الله یا رحمن یا رحیم صل علی

از عمر من تا آخر اجل من ای خدا ای بخشاینده ای مهربان رحمت فرست بر

محمد و آتنی کل ما سألتک و رغبت الیک فیه فانک امرتنی

محمد و عطا کن مرا هر آنچه سوال کردم از تو و رغبت نمودم بسوی تو در آن پس بدرستیکه تو امر کردی مرا

بالدعاء و تکفلت لی بالاجابة یا ارحم الراحمین

بدعا و ضامن شدی باجابت کردن ای مهربانترین مهربانان

فصل پنجم در اعمال هر شب و هر روز ماه مبارک رمضان است از حضرت صادق و حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیهما منقول است که بعد از هر نماز در ماه مبارک رمضان این دعا بخوانند

یا علی یا عظیم یا غفور یا رحیم انت الرب العظیم الذی لیس کمثله

ای بلند مرتبه ای بزرگ ای آمرزنده ای مهربان توئی پروردگار بزرگ مرتبه که نیست مانند او

شیء و هو السمیع البصیر و هذا شهر عظمته و کرمته و شرفته

چیزی و اوست شنوا بینا و این ماه ماهی است که بزرگ گردانیدی آنرا و گرامی داشتی آنرا و بلند گردانیدی

و فضلته علی الشهور و هو الشهر الذی فرضت صیامه علی

و فضیلت دادی آنرا بر همه ماهها و همان ماهی است که واجب کردی روزه داشتن آنرا بر من

و هو شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن هدی للناس و

و آن ماه رمضان است که فرو آوردی در آن قرآن را در حالتیکه راهنمای آدمیان است و

بینات من الهدی و الفرقان و جعلت فیه لیلة القدر و جعلتها

معجزها است و جدا کننده حق از باطل و گردانیدی در آن شب قدر را و گردانیدی

خیرا من الف شهر فیا ذا المن و لا یمن علیک من علی بفکاک

بهتر از هزار ماه پس ای خداوند احسان و احسان کرده نمیشود بر تو احسان کن بر من بخلاص

رقبتی من النار فیمن تمن علیه و ادخلنی الجنة برحمتک یا ارحم الراحمین

گردن من از آتش در زمره آنانکه بخشش نمائی بر ایشان و داخل کن مرا در بهشت برحمت خود ای بخشنده‌ترین بخشایندگان

رمضان

و دعای ... خوبست اعلا آنست که یکمرتبه خوبست که خوانده شود و بسند صحیح منقول است که هر که
در هر شب این ماه مبارک این دعا بخواند گناه چهل ساله او آمرزیده شود

اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذَا الشَّهْرِ رَمَضَانَ الَّذِیْ اَنْزَلْتَ فِیْهِ الْقُرْاٰنَ وَافْتَرَضْتَ

خداوندا پروردگار این ماه رمضان که فرو آوردی در ان قرآن را و واجب ساختی

عَلٰی عِبَادِكَ فِیْهِ الصِّیَامَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِیْ

بر بندگان خود در ان روزه داشتن رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا

حَجَّ بَیْتِكَ الْحَرَامِ فِیْ عَامِیْ هٰذَا وَفِیْ كُلِّ عَامٍ وَاغْفِرْ لِیْ تِلْكَ

حج خانهٔ محترم خود در سال من این سال و در هر سالی و بیامرز برای من آن

الذُّنُوْبَ الْعِظَامَ فَاِنَّهٗ لَا یَغْفِرُهَا غَیْرُكَ یَا رَحْمٰنُ یَا عَلَّامُ

گناهان بزرگ را زیرا که بتحقیق نمی آمرزد آن گناهان را غیر تو ای بخشاینده ای بغایت دانا
و ایضاً هر شب هزار مرتبه سوره انا انزلناه سنت است خواندن و صد مرتبه سوره حم دخان اگر
میسر شود و سحور خوردن در سحر هر شب ماه مبارک مستحب است و از حضرت رسول صلعم منقول است که ترک
نکنداست من سحور خوردن را اگرچه بیک دانه خرمائی بوده باشد و ایضاً از آنحضرت منقول است که
حق تعالی و ملائکه صلوات میفرستند بر آنها که استغفار میکنند در سحرها و سحور میخورند پس سحور بخورید
اگرچه بیک شربت آب باشد و بهترین سحورها قاووت است و خرما و ایضاً فرمود که سحور بخورید اگرچه
بجرعه آبی باشد و خدا صلوات و رحمت میفرستد بر سحور خورندگان و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که سوره انا انزلناه در وقت سحور و در وقت افطار بخواند در ما بین این دو حالت
ثواب کسی داشته باشد که در راه خدا شهید شده باشد و در خون خود غلطیده باشد و گفته اند که اگر نیت
روزه را بعد از سحور بکنند بهتر است و از اول شب تا آخر شب نیت میتوان کرد و همین که میداند و قصد
دارد که فردا روزه میدارد و از برای خدا میگیرد بس است و اما اعراب افطار سنت است که
اول نماز شام را بکند و بعد از ان افطار کند مگر آنکه جمعی انتظار او برند یا آنکه گرسنگی و تشنگی بر او غالب
باشد که مانع حضور قلب او باشد در نماز که درین دو صورت افطار را مقدم داشتن بهتر است

و در وقت افطار سوره انا انزلناه خواندن سنت است چنانچه در ...

رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که در وقت افطار ...

یا عظیم یا عظیم انت الهی لا اله لی غیرک اغفرلی الذنب

ای بزرگوار ای بزرگوار تو خدای منی نیست خدائی غیر تو بیامرز برای من گناه

العظیم انه لا یغفر الذنب العظیم الا العظیم

بزرگ را بدرستیکه نمی آمرزد گناه بزرگ را مگر بزرگ

از گناهان بیرون رود مانند روزیکه از مادر متولد شده و از حضرت امام حسن علیه السلام
منقول است که هر روزه داری در وقت افطار دعا مستجاب است پس باید در لقمه اول بگوید

بسم الله الرحمن الرحیم یا واسع المغفرة اغفرلی

بنام خدای بخشنده مهربان ای فراگیرنده آمرزش بیامرز مرا

و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که در وقت افطار بگو

اللهم لک صمت و علی رزقک افطرت و علیک توکلت

بارخدایا برای تو روزه داشتم و بر روزی تو روزه گشودم و بر تو گذاشتم کار خود را
تا خدای تعالی عطا کند با و ثواب هر کس را که در این روز روزه داشته است و در روایت
دیگر منقول است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در وقت افطار بدو زانو می نشستند و
چون خوان را می گذاشتند می گفتند

اللهم لک صمنا و علی رزقک افطرنا فتقبله منا انک

بار خدایا برای تو روزه داشتیم و بر روزی تو روزه گشودیم پس بپذیر آنرا از ما بدرستیکه

انت السمیع العلیم

توئی شنوا و دانا

و در احادیث معتبره وارد شده است که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله افطار میکردند
بر خرما و آب یا رطب و آب و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت در وقت افطار ابتدا

رمضان

واگر نیافتند به نبات یا قند یا خرما افطار میکردند واگر حاضر نمی بود به آب
و میسر نبودند که آب جگر و معده را پاک میکند معده را قوت میدهد و بینایی را زیاده
می شود و عروق را ساکن میگرداند و صفرای غالب را فرو می نشاند و قطع می کند
بلغم را و اطفای حرارت میکند و صداع را برطرف میکند و ایضا از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله منقولست که هرکه بر خرمای حلال افطار کند ثواب نمازش چهارصد برابر مضاعف گردد و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که افطار کردن به آب گناهان دل را میشوید و در حدیث دیگر فرمود
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دوست میداشت که افطار فرماید به شیر و از حضرت امام رضا علیه
السلام منقولست که هرکه در وقت افطار یک گرده نان تصدق کند بر مسکینی خدا گناهان او را بیامرزد و
ثواب یک بنده آزاد کردن از فرزندان اسمعیل در نامه عمل او نوشته شود و بهترین اعمال در
روزها و شبهای ماه مبارک رمضان تلاوت قرآن است بسیار باید خواند چون در این
ماه نازل شده است و در حدیث است که هر چیزی را بهاری است و بهار قرآن ماه مبارک رمضان
است و در ماههای دیگر در ماهی یک ختم سنت است و اقلش شش روز است و در ماه مبارک
هر سه روز یک ختم سنت است و اگر هر روز یک ختم تواند کرد خوب است و در حدیث است
که بعضی از ائمه علیهم السلام در این ماه چهل ختم و زیاده میکرده اند و اگر هر ختمی را ثوابش
را به روح مقدس یکی از ائمه علیهم السلام و رسول خدا و فاطمه زهرا صلوات الله علیهما هدیه میکنند ثوابش
مضاعف میگردد و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار باید فرستاد و استغفار بسیار
باید کرد و لا اله الا الله بسیار باید گفت و نافله های شب و روز را ترک نباید کرد و
در شبهای طاق ماه مبارک رمضان غسل سنت است خصوصا شب اول و پانزدهم و هفدهم
و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم و در دهه آخر در شبهای جفت نیز غسل سنت است
خصوصا شب آخر و در روایتی وارد شده است که در جمیع ماه هر شب غسل مستحب است و سند معتبر
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شیعیان نوشته اند که در هر شب ماه مبارک رمضان این
دعا را بخوانند که دعای این ماه را ملائکه می شنوند و برای صاحبش استغفار میکنند و دعا این است

رمضان

اللهم انی افتتح الثناء بحمدك وانت مسدد للصواب بمنك

خداوندا ابتدا میکنم ستایش ثنای خود را بسپاس تو و تو توفیق دهنده‌ای بصواب

انت ارحم الراحمين في موضع العفو والرحمة واشد المعاقبين في

تو بخشنده‌ترین بخشایندگانی در جایگاه عفو و رحمت و سخت گیرنده‌ترین عقوبت کنندگانی در جای

النكال والنقمة واعظم المتجبرين في موضع الكبرياء والعظمة اللهم

عقوبت و عذاب و بزرگترین بزرگوارانی در جایگاه بزرگواری و عظمت خدایا

اذنت لي في دعائك ومسألتك فاسمع يا سميع مدحتي واجب

دستوری دادی مرا در دعای خود و خواستن از خود پس بشنو ای شنوا ثنای مرا و بپذیر

يا رحيم دعوتي واقل يا غفور عثرتي فكم يا الهي من كربة قد فرجتها

ای مهربان دعای مرا و درگذر ای آمرزنده از لغزش من پس بسا ای خدای من اندوه که گشودی آن را

وهموم قد كشفتها وعثرة قد اقلتها ورحمة قد نشرتها وحلقة بلاء

و غمها که بتحقیق زایل نمودی آنها را و لغزش که بتحقیق درگذشتی از آنها و رحمت که بتحقیق پهن کردی و حلقه بلا که

قد فككتها الحمد لله الذي لم يتخذ صاحبة ولا ولدا ولم يكن له شريك

بتحقیق گشودی آن را سپاس خدای را که نگرفت زنی را و نه فرزندی و نیست برای او انبازی

في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا الحمد لله بجميع محامده

در پادشاهی و نیست او را یاری بجهت مذلت و بزرگ یاد کن او را بزرگ یاد کردنی سپاس خدا را بستایشهای

كلها على جميع نعمه كلها الحمد لله الذي لا مضاد له في ملكه

تمام آنها بر همه نعمتهای او همه آنها سپاس مر خدایی را که نیست مخالفت کننده مر او را در پادشاهی

ولا منازع له في امره الحمد لله الذي لا شريك له في خلقه ولا شبيه له

و خصومت نماینده برای او در امر او سپاس مر خدایی را که نیست انباز برای او در آفرینش و نه مانندی

في عظمته الحمد لله الفاشي في الخلق امره وحمده الظاهر بالكرم

در بزرگی او سپاس مر خدایی را که منتشر است در خلق فرمان او و سپاس او هویداست به بخشش

[الحمد لله] الباسط بالجود يده الذي لا تنقص خزائنه ولا تزيده كثرة

دو دستهای او گشاده است به بخشش دست او آنچنان که کم نمیکرد خزانه های او و زیاده نمیکند او را بسیاری

العطاء الا جوداً وكرماً انه هو العزيز الوهاب اللهم اني اسألك قليلاً

عطا مگر بخشش و احسان بدرستیکه او ست ارجمند بسیار بخشنده خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو اندکی

من كثير مع حاجة بي اليه عظيمة وغناك عنه قديم وهو عندي كثير

از بسیار با احتیاج من بسوی آن بسیار و بی نیازی تو از آن دیرینه است و از نزد من بسیار است

وهو عليك سهل يسير اللهم ان عفوك عن ذنبي وتجاوزك عن خطيئتي

و آن بر تو سهل و اندک است خداوندا بدرستیکه عفو تو از گناه من و تجاوز تو از خطای من

وصفحك عن ظلمي وسترك على قبيح عملي وحلمك عن كثير جرمي عندما كان

و درگذشتن تو از ظلم من و پوشیدن تو بر کردار زشت من و بردباری تو از گناه بسیار من در آنچه یافت شده

من خطائي وعمدي اطمعني في ان اسألك ما لا استوجبه منك الذي

از خطای من و عمد من بطمع انداخته مرا در آنکه سؤال کنم ترا آنچه که مستحق نیستم او را از تو آن چیزی که

رزقتني من رحمتك واريتني من قدرتك وعرفتني من اجابتك

روزی کردی مرا از رحمت خود و نمودی مرا از توانائی خود و شناسانیدی مرا از اجابت خود

فصرت ادعوك آمناً واسألك مستأنساً لا خائفاً ولا وجلاً مدلاً

پس گردیدم که میخوانم ترا با ایمنی و در میخواهم ترا انس دارنده نه ترسان و نه بیمناک ناز کننده

عليك فيما قصدت فيه اليك فان ابطأ عني عتبت بجهلي عليك

بر تو در آنچه آهنگ کردم در آن بسوی تو پس اگر درنگ نمود از من عتاب نمودم بنادانی خود بر تو

ولعل الذي ابطأ عني هو خير لي لعلمك بعاقبة الامور فلم ار مولى

و بسا که آنچه درنگ رسیده از من آن بهتر باشد برای من بسبب علم تو بآخر کارها پس ندیدم سیدی

كريماً اصبر على عبد لئيم منك علي يا رب انك تدعوني فاولي عنك

بزرگواری بردبار کننده تر بر بنده سفله از تو بر من ای پروردگار بتحقیق تو میخوانی مرا پس میگردانم از تو

فصل دوم در فضیلت افطار

وتتحبب إليّ فأتبغض إليك وتتودد إليّ فلا أقبل منك كأن

دوستی میکنی بسوی من پس دشمنی میکنم بسوی تو ومهربانی میکنی بسوی من پس نمی پذیرم از تو گویا

لي التطول عليك فلم يمنعك ذلك من الرحمة لي والإحسان إليّ

مرا احسان است بر تو پس باز نداشت ترا آن از مهربانی بمن و احسان بسوی من

والتفضل عليّ بجودك وكرمك فارحم عبدك الجاهل وجد عليه

وبخشش بر من ببخشش خود و بزرگواری خود پس رحم کن بنده خود را و بخشش کن او را

بفضل إحسانك إنك جواد كريم الحمد لله مالك الملك مجري

بزیادتی بخشش خود بدرستیکه تو بخشنده بزرگواری سپاس خدای را پادشاه پادشاهان روان کننده

الفلك مسخر الرياح فالق الإصباح ديان الدين رب العالمين الحمد

کشتیها رام سازنده بادها شکافنده سپیده دم جزا دهنده روز جزا پروردگار جهانیان سپاس

لله على حلمه بعد علمه والحمد لله على عفوه بعد قدرته والحمد

مر خدا را بر بردباری او بعد از علم او و سپاس خدا را بر عفو او پس از توانائی او و سپاس

لله على طول أناته في غضبه وهو قادر على ما يريد الحمد لله خالق الخلق

مر خدا را بر درازی آهستگی او در غضب او و او تواناست بر آنچه اراده نماید سپاس مر خدای را آفریننده

باسط الرزق فالق الإصباح ذي الجلال والإكرام والفضل والإنعام

و فراخ سازنده روزی شکافنده صبح خداوند بزرگواری و گرامی داشتن و بخشش و نعمت دادن

الذي بعد فلا يرى وقرب فشهد النجوى تبارك وتعالى الحمد لله الذي

آنچنانکه دور است پس دیده نمیشود و نزدیکست پس آگاه است بر رازها سپاس مر خدای را

ليس له منازع يعادله ولا شبيه يشاكله ولا ظهير يعاضده

نیست برای او نزاع کننده که برابری کند او را و نه مانندی که مانند او باشد و نه یاوری که مدد کند او را

قهر بعزته الأعزاء وتواضع لعظمته العظماء فبلغ بقدرته ما يشاء

قهر و غلبه کرده بعزت خود بر غلبه دارندگان و فروتنی نموده برای بزرگی او بزرگان پس رسید بتوانائی او بآنچه خواهد

الحمد لله الذي يجيبني حين اناديه ويستر علي كل عورة وانا

سپاس خدایرا که اجابت میکند مرا هنگامیکه بخوانم او را و می پوشد بر من هر زشتی را حال آنکه من

اعصيه ويعظم النعمة علي فلا اجازيه فكم من موهبة هنيئة قد اعطاني

نافرمانی میکنم و بزرگ میکند نعمت را بر من پس شکر نمیکنم او را پس چه بسیار از بخشش گوارا که بتحقیق بخشید مرا

وعظيمة مخوفة قد كفاني وبهجة مونقة قد اراني وبلية موبقة

و بلائی بزرگ بیم نموده شده که بتحقیق دفع نمود از من و نکوئی خوش آینده که بتحقیق نمود مرا و بلای هلاک کننده

قد صرف عني فانا اثني عليه حامدا واذكره مسبحا الحمد لله الذي

که بتحقیق دفع کرد از من پس ستایش میکنم او را ثنا گویان و یاد میکنم او را بپاکیزگی یاد کنان سپاس خدایرا که

لا يهتك حجابه ولا يغلق بابه ولا يرد سائله ولا يخيب امله

دریده نمی شود پرده او و بسته نمی شود درگاه او و برگردانیده نمی شود خواهنده از او نا امید کردانیده نمی شود

الحمد لله الذي يؤمن الخائفين وينجي الصالحين ويرفع المستضعفين

سپاس خدایرا که ایمنی بخشد ترسندگان را و برهاند شایستگان را و بر میدارد ناتوانان را

ويضع المستكبرين ويهلك ملوكا ويستخلف آخرين والحمد لله قاصم

و پست میسازد گردنکشان را و نیست میکند پادشاهان را و جانشین میکند دیگران را و سپاس مر خدایرا شکننده

الجبارين مبير الظالمين مدرك الهاربين نكال الظالمين صريخ

ستمکاران هلاک سازنده ستمکاران دریابنده گریزندگان عذاب کننده ستمکاران دادرس

المستصرخين موضع حاجات الطالبين معتمد المؤمنين الحمد لله الذي

دادخواهان قرارگاه حاجتهای سوال کنندگان اعتماد کرده شده گرویدگان سپاس مر خدایرا که

من خشيته ترعد السماء وسكانها وترجف الارض وعمارها

از بیم او مضطرب است آسمان و قرار گرفتگان او و می لرزد زمین و ساکنان او

وتموج البحار ومن يسبح في غمراتها الحمد لله الذي هدانا لهذا

و موج میزند دریاها و آنکه شنا میکند در گردابهای آن سپاس مر خدایرا که راه نمود ما را باین

فصل

وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله الحمد لله الذي يخلق ولم يخلق

و نبودیم ما که راه یابیم اگر نمی بود آنکه راه نمود ما را خدا سپاس خدا را که می آفریند و آفریده نشده

ويرزق ولا يرزق ويطعم ولا يطعم ويميت الأحياء ويحيي الموتى

و روزی میدهد و روزی داده نشده و میخوراند و خورانیده نشده می میراند زندگان را و زنده میسازد مردگان را

وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير اللهم صل على

او زنده ایست که نمی میرد بدست اوست هر نیکی و او بر همه چیز توانا است خداوندا رحمت فرست بر

محمد عبدك ورسولك وأمينك وصفيك وحبيبك وخيرتك

محمد بنده تو و رسول تو و امانت دار تو و برگزیده تو و دوست تو و اختیار کرده شده

من خلقك وحافظ سرك ومبلغ رسالاتك أفضل وأحسن وأجمل

از خلق تو و نگاه دارنده راز تو و رساننده پیغام تو زیاده تر و نیکوتر و بهتر

وأكمل وأزكى وأنمى وأطيب وأطهر وأسنى وأكثر ما صليت

و تمام تر و طاهرتر و فزایش کننده تر و پاکیزه تر و بلند پایه تر و بیشتر آنچه رحمت فرستادی

وباركت وترحمت وتحننت وسلمت على أحد من عبادك وأنبيائك

و برکت دادی و ترحم نمودی و مهربانی کردی و درود فرستادی بر یکی از بندگان خود و پیغمبران خود

ورسلك وصفوتك وأهل الكرامة عليك من خلقك اللهم صل

و فرستادگان خود و برگزیدگان خود و آنانکه گرامی اند بر تو از خلق خود خداوندا رحمت فرست

على علي أمير المؤمنين ووصي رسول رب العالمين عبدك ووليك

بر علی پادشاه گروندگان و وصی رسول پروردگار جهانیان بنده تو و دوست تو

وأخي رسولك وحجتك على خلقك وآيتك الكبرى والنبإ العظيم

و برادر رسول تو و حجت تو بر آفریدگان خود و نشان بزرگ تو و خبر بزرگ

وصل على الصديقة الطاهرة فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين

و رحمت فرست بر راستگوی پاک فاطمه زهرا بزرگ زنان عالمیان

وصلّ على سبطي الرّحمة وامامي الهدى الحسن والحسين سيّدي شباب
و رحمت بفرست بر دو فرزند زادهٔ رحمت و دو پیشوای راه نما حسن و حسین دو بزرگ جوانان
اهل الجنّة وصلّ على ائمّة المسلمين علي بن الحسين ومحمّد بن عليّ وجعفر
اهل بهشت و رحمت بفرست بر پیشوایان مسلمانان زین العابدین علیه السلام و امام محمد باقر و امام جعفر صادق
بن محمّد وموسى بن جعفر وعليّ بن موسى ومحمّد بن عليّ وعليّ بن محمّد
فرزند محمد باقر و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد
والحسن بن عليّ والخلف الهادي المهديّ حججك على عبادك
و حسن بن علی و جانشین راه نما راه یافته حجت های تو بر بندگان تو
وامنائك في بلادك صلوة كثيرة دائمة اللّهمّ وصلّ على وليّ امرك
و امانت داران تو در شهرهای تو رحمت بسیار پیوسته خداوندا رحمت بفرست بر خداوند امر خود
القائم المؤمّل والعدل المنتظر وحفّه بملائكتك المقرّبين وايّده بروح
برپا ایستاده امید داشته شده و دادخواه انتظار کرده شده فرو گیر او را به فرشتگان نزدیکان خود و قوت ده او را بروح
القدس يا ربّ العالمين اللّهمّ اجعله الدّاعي الى كتابك والقائم
قدس ای پروردگار جهانیان خداوندا بگردان او را خواننده بسوی کتاب خود و برپا دارنده
بدينك استخلفه في الارض كما استخلفت الّذين من قبله مكّن له
دین خود خلیفه گردان او را در زمین چنانچه خلیفه گردانیدی آنان را که بودند پیش از او جای ده او را
دينه الّذي ارتضيته له ابدله من بعد خوفه امنا يعبدك لا يشرك
دین او را که پسندیدی آن را برای او بدل کن برای او پس از بیم او ایمنی را پرستد ترا شریک نگرداند
بك شيئا اللّهمّ اعزّه واعزز به وانصره وانتصر به وانصره نصرا عزيزا
با تو چیزی را خداوندا غالب گردان او را و غالب گردان بسبب او و یاری ده او را و انتقام کش بسبب او و یاری کن او را یاری کردن غالب
وافتح له فتحا يسيرا واجعل له من لدنك سلطانا نصيرا اللّهمّ اظهر به
و بگشا برای او گشودن آسان و بگردان برای او از نزد خود حجتی یاری نماینده خداوندا ظاهر کن بسبب او

دینك وسنة نبیك حتی لا یستخفی بشیء من الحق مخافة احد من

دین خود را و طریقهٔ پیغمبر خود را تا آنکه پنهان ندارد چیزی از حق بسبب بیم کسی از

الخلق اللهم انا نرغب الیك فی دولة كریمة تعز بها الاسلام واهله

آفریدگان خداوندا بدرستیکه ما خواهشمندیم بسوی تو در دولت گرامی که عزیز گردانی بآن اسلام و اهل اسلام

وتذل بها النفاق واهله وتجعلنا فیها من الدعاة الی طاعتك

و خوار گردانی بآن نفاق و اهل نفاق را و بگردانی ما را در آن از خوانندگان بسوی طاعت خود

والقادة الی سبیلك وترزقنا بها كرامة الدنیا والآخرة اللهم ما

و کشندگان بسوی راه خود و روزی کن ما را بسبب آن کرامت این جهان و آن جهان خداوندا آنچه

عرفتنا من الحق فحملناه وما قصرنا عنه فبلغناه اللهم المم به

شناسانیدی ما را از حکمت پس توفیق عمل آن را عطا فرما و آنچه باز ماندیم از آن پس برسان ما را بآن خداوندا جمع کن

شعثنا واشعب به صدعنا وارتق به فتقنا وكثر به قلتنا واعزز به

پراکندگی ما را و بهم آور بسبب او شکاف ما را و التیام ده بجراحت ما را و بسیار گردان بسبب آن کمی ما را

ذلتنا واغن به عائلنا واقض به عن مغرمنا واجبر به فقرنا وسد به

خواری ما را و بی نیاز کن باو نیازمند ما را و ادا کن بسبب او قرض ما را و تدارک کن باو احتیاج ما را و سد کن

خلتنا ویسر به عسرنا وبیض به وجوهنا وفك به اسرنا وانجح

حاجت ما را و آسان کن بسبب او مشکل ما را و سفید کن بسبب او روهای ما را و رها کن بسبب او گرفتاری ما را و روا کن

به طلبتنا وانجز به مواعیدنا واستجب به دعوتنا واعطنا

باو حاجت ما را و روا کن بسبب او وعده‌های ما را و بپذیر بحرمت او دعای ما را و عطا کن

به سؤلنا وبلغنا به من الدنیا والآخرة آمالنا واعطنا به فوق

باو سؤل ما را و برسان ما را بسبب او از دنیا و آخرت آرزوهای ما و عطا کن ما را بآن زیادت از

رغبتنا یا خیر المسؤلین واوسع المعطین اشف به صدورنا

خواهش ما ای بهترین سؤال شدگان و فراگیرنده ترین بخشندگان شفا ده بسبب او سینه‌های

وَاَذْهِبْ بِهِ غَيْظَ قُلُوبِنا وَاهْدِنا بِهِ لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِكَ

و ببر بسبب او خشم دلهای ما را و راه نما ما را باو بانچه اختلاف کرده شده در آن از حق بحضرت

اِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشاءُ اِلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ وَانْصُرْنا بِهِ عَلى عَدُوِّكَ

بدرستیکه تو راه مینمائی هر که را خواهی بسوی راه راست و یاری ده ما را بسبب او بر دشمن خود

وَعَدُوِّنا اِلهَ الْحَقِّ آمِينَ اللّهُمَّ اِنّا نَشْكُو اِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنا صَلَواتُكَ

و دشمن ما ای خدای حق دعا را مستجاب گردان خداوندا بدرستیکه ما شکایت میکنیم بسوی تو یافتن پیغمبر خود را

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَغَيْبَةَ وَلِيِّنا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنا وَقِلَّةَ عَدَدِنا وَشِدَّةَ

بر او و بر آل او و پنهانی صاحب اختیار ما و بسیاری دشمن ما و کمی شمار ما و سخت شدن

الْفِتَنِ بِنا وَتَظاهُرَ الزَّمانِ عَلَيْنا فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَعِنّا

آشوبهای ما و یاری دادن زمانه بر ما پس رحمت فرست بر محمد و آل او و مدد کن ما را

عَلى ذلِكَ بِفَتْحٍ تُعَجِّلُهُ وَبِضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَسُلْطانِ حَقٍّ تُظْهِرُهُ

بر آن بگشایشی که شتاب کنی آن را و برطرف کردن بدی که رفع نمائی آن را و یاری که عزیز گردانی آن را و پادشاهی حقی که ظاهر گردانی آن را

وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُناها وَعافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُناها بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ

و رحمتی از خود که فرو گیری ما را با آن و عافیتی از خود که بپوشانی ما را بان ببخشش خود ای بخشنده ترین بخشایندگان

وبسند بسیار معتبر بلکه صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در هر شب
این ماه مبارک این دعا بخوانند

اَللّهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ فِيما تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ

خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم از تو اینکه بگردانی در آنچه حکم کرده و تقدیر نموده از امر حتم گردیده

فِي الْاَمْرِ الْحَكِيمِ مِنَ الْقَضاءِ الَّذِي لا يُرَدُّ وَلا يُبَدَّلُ اَنْ تَكْتُبَنِي

در امر موافق حکمت از آن حکمی که گردانیده نشود و بدل کرده نشود آنکه بنویسی مرا

مِنْ حُجّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ

از حج کنندگان خانه محترم خود که پذیرفته باشد حج ایشان جزا داده شود حرکت ایشان آمرزیده شود

ذُنُوبِهِمُ الْمُكَفِّرَ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ وَاَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ اَنْ

گناهان ایشان و درگذشته شود از بدیهای ایشان و آنکه بگردانی در جمله آنچه حکم کنی و اندازه کنی آنکه

تُطِيلَ عُمْرِي فِي خَيْرٍ وَعَافِيَةٍ وَتُوَسِّعَ فِي رِزْقِي وَتَجْعَلَنِي مِمَّنْ

دراز کنی عمر مرا در نیکوئی و عافیت و آنکه گشاده کنی بخشش در روزی من و بگردانی مرا از آنانکه

تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي

انتقام کشی بسبب ایشان از برای دین خود و بدل مکن از غیر مرا

واین دعای عالیة المضامین نیز در

شب وارد شده است

اَللّٰهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَاَدْخِلْنَا وَفِي عِلِّيِّينَ فَارْفَعْنَا وَ

خداوندا برحمت خود در زمرهٔ شایستگان پس داخل کن ما را و در علیین پس بلند کن ما را و

بِكَاْسٍ مِنْ مَعِينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلْسَبِيلٍ فَاسْقِنَا وَمِنَ الْحُورِ الْعِينِ

بجامی از شراب شیرین از چشمهٔ سلسبیل پس آب ده ما را و از دیدگان فراخ چشم

بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا وَمِنَ الْوِلْدَانِ الْمُخَلَّدِينَ كَاَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ

برحمت خود پس زن ده ما را و از کودکان جاوید ماندگان گویا ایشان مروارید پوشیده اند

فَاَخْدِمْنَا وَمِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ وَلُحُومِ الطَّيْرِ فَاَطْعِمْنَا وَمِنْ ثِيَابِ

پس خادم بخش ما را و از میوه‌های بهشت و گوشتهای مرغ پس بخوران ما را و از جامه‌های

السُّنْدُسِ وَالْحَرِيرِ وَالْاِسْتَبْرَقِ فَاَلْبِسْنَا وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ

دیبای نازک و ابریشمی و دیبای ستبر پس بپوشان ما را و دریافت شب قدر و حج

بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَقَتْلًا فِي سَبِيلِكَ فَوَفِّقْ لَنَا وَصَالِحَ الدُّعَاءِ وَالْمَسْئَلَةِ

خانهٔ محترم خود و کشته شدن در راه قرب خود پس توفیق ده ما را و شایسته دعا و سؤال را

فَاسْتَجِبْ لَنَا وَاِذَا جَمَعْتَ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَارْحَمْنَا

پس مستجاب کن برای ما و هرگاه فراهم آوری پیشینیان و پسینیان را در روز رستخیز پس رحم کن ما را

وَبَرَاءَةً مِنَ النَّارِ فَاكْتُبْ لَنَا وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا تَغُلَّنَا وَفِي عَذَابِكَ وَ

و بیزاری از آتش بنویس برای ما و در دوزخ پس غل مکن ما را و در عذاب خود و

هَوَانِكَ فَلَا تَبْتَلِنَا وَمِنَ الزَّقُّومِ وَالضَّرِيعِ فَلَا تُطْعِمْنَا وَمَعَ الشَّيَاطِينِ

خواری خود پس مبتلا مکن ما را و از درخت زقوم و خار خسک زهردار پس مخوران ما را و با دیوان پلید

فَلَا تَجْعَلْنَا وَفِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِنَا فَلَا تَكْبُبْنَا وَمِنْ ثِيَابِ

پس مگردان ما را و در آتش بر روهای ما، پس میفکن ما را و از جامه‌های

النَّارِ وَسَرَابِيلِ الْقَطِرَانِ فَلَا تُلْبِسْنَا وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ يَا لَا إِلٰهَ

آتش و پیراهن‌های قطران مپوشان ما را و از هر بدی ای آنکه نیست خدای

إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ فَنَجِّنَا

مگر تو بحق لا اله الا انت پس برهان ما را

اما دعای سحر بسند بسیار معتبر وارد شده است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که این دعائیست که حضرت

امام محمد باقر علیه السلام در سحر میخواندند و میفرمودند که اگر مردم بدانند عظمت این دعا را نزد خدا و سرعت اجابت

آنرا هر آینه بشمشیر برای طلب این دعا با یکدیگر قتال کنند و اگر سوگند یاد کنم که اسم اعظم خدا در این دعا است

گفته ام پس چون این دعا را بخوانند باهتمام تمام و تضرع بخوانند و از غیر اهلش پنهان دارند و دعا این است

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِاَبْهَاهُ وَكُلُّ بَهَائِكَ بَهِيٌّ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو از نیکوئی تو به نیکوترین آن و هر نیکوئی تو نیکوست خداوندا بدرستیکه من

اَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِاَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمَالِكَ

سؤال میکنم از تو به نیکوئی تو سر نیکوئی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو از نیکوئی تو به نیکوترین آن و هر نیکوئی تو

جَمِيلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ

نیکوست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو به نیکوئی تو سر نیکوئی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو

مِنْ جَلَالِكَ بِاَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلَالِكَ جَلِيلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ

از بزرگواری تو به بزرگوارترین آن و هر بزرگواری تو بزرگوارست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو به بزرگواری تو

كُلِّهِ اللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِاَعْظَمِها وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظیمَةٌ

بزرگواری خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از بزرگی تو به بزرگترین آن و همه بزرگی تو بزرگ است

اللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّها اللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو به بزرگی تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از نور تو

بِاَنْوَرِهِ وَكُلُّ نُورِكَ نَیِّرٌ اللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ اللّهُمَّ اِنّی

به روشن ترین آن و هر نور تو روشن است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بنور تو همه آن خداوندا بدرستیکه

اَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِاَوْسَعِها وَكُلُّ رَحْمَتِكَ واسِعَةٌ اللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ

سؤال میکنم ترا از رحمت تو بفراگیرنده ترین آن و هر رحمتی از تو فراگیرنده است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا

بِرَحْمَتِكَ كُلِّها اللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ مِنْ كَلِماتِكَ بِاَتَمِّها وَكُلُّ كَلِماتِكَ

برحمت تو بهر رحمتی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از کلمهای تو بتمام ترین آنها و هر یک از کلمات تو

تامَّةٌ اللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِكَلِماتِكَ كُلِّها اللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ مِنْ كَمالِكَ

تمام است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بکلمهای تو هریک از آنها خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از صفات کمال تو

بِاَكْمَلِهِ وَكُلُّ كَمالِكَ كامِلٌ اللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِكَمالِكَ كُلِّهِ اللّهُمَّ اِنّی

به کاملترین آن و هر کمال تو کامل است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بکمال تو هر کمالی خداوندا بدرستیکه من

اَسْأَلُكَ مِنْ اَسْمائِكَ بِاَكْبَرِها وَكُلُّ اَسْمائِكَ كَبیرَةٌ اللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ

سؤال میکنم ترا از نامهای تو به بزرگترین آنها و هر یک از نامهای تو بزرگ است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا

بِاَسْمائِكَ كُلِّها اللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِاَعَزِّها وَكُلُّ عِزَّتِكَ

بنامهای تو هر یک از آنها خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از ارجمندی تو بارجمندترین آن و هر ارجمندی تو

عَزیزَةٌ اللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّها اللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ

ارجمند است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بارجمندی تو بهر ارجمندی خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا

مِنْ مَشِیَّتِكَ بِاَمْضاها وَكُلُّ مَشِیَّتِكَ ماضِیَةٌ اللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ

از خواهش تو بگذرنده ترین آن و هر خواهشی از تو گذرنده است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا

باب چهارم در بیان فضیلت ... و آداب جماعت

فصل اول در فضیلت ...

رمضان

بمشيّتك كلّها اللهمّ انّي اسألك من قدرتك بالقدرة التي استطلت

بمشیت تو بهر مشیتی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از توانائی تو بآن توانائی که استیلا

بها على كلّ شيء وكلّ قدرتك مستطيلة اللهمّ انّي اسألك

بسبب آن بر هر چیز و هر توانائی از تو مستولی است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا

بقدرتك كلّها اللهمّ انّي اسألك من علمك بانفذه وكلّ علمك

به توانائی تو بهر توانائی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از دانش تو روان ترین آن و هر دانش تو

نافذ اللهمّ انّي اسألك بعلمك كلّه اللهمّ انّي اسألك من قولك

روانست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بعلم تو بهر علمی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از گفتار تو

بارضاه وكلّ قولك رضيّ اللهمّ انّي اسألك بقولك كلّه

بپسندترین آن و هر گفتاری از تو پسندیده است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بگفتار تو همه آن

اللهمّ انّي اسألك من مسائلك باحبّها اليك وكلّ مسائلك

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از سؤالهای تو بدوست ترین آنها بسوی تو و هر یک از سؤالهای تو

اليك حبيبة اللهمّ انّي اسألك بمسائلك كلّها اللهمّ انّي اسألك

بسوی تو دوست است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بسؤالهای تو هر یک از آنها خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا

من شرفك باشرفه وكلّ شرفك شريف اللهمّ انّي اسألك بشرفك

از رفعت تو برفیع ترین آن و هر رفعتی از تو رفیع است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا برفعت تو

كلّه اللهمّ انّي اسألك من سلطانك بادومه وكلّ سلطانك دائم

همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از سلطنت تو بهمیشه ترین آن و هر سلطنتی از تو همیشه است

اللهمّ انّي اسألك بسلطانك كلّه اللهمّ انّي اسألك من ملكك بافخره وكلّ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بسلطنت تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از غلبه تو ببزرگترین آن و هر

ملكك فاخر اللهمّ انّي اسألك بملكك كلّه اللهمّ انّي اسألك من علوّك باعلاه

غلبه تو بزرگست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بغلبه تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از بلندی تو بلندترین آن و

حضرت عضنائک زوجه عثمان ... تنها نماز می کند و روزه ... عثمان در شبها نماز و روزها روزه می باشد الله علیه و آله و گفت یا رسول الله آن حضرت حضرت رسول صلی منقول است که زن عثمان بن مظعون معتبر از حضرت صادق علیه السلام با خدا از فضل خود و به صحبت باشند بی نیاز می کرد و از ایشان فضله یعنی اگر ایشان فقیران الله من

اللّهمّ انی اسألك من علوك باعلاه وكل علوك عال اللّهمّ انی اسألك بعلوك كله

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از بلندی تو ببلندترین آن و هر بلندی تو بلند است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا ببلندی تو بهمه آن

اللّهمّ انی اسألك من منك باقدمه وكل منك قديم اللّهمّ انی اسألك بمنك كله

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از انعام تو بدیرینه‌ترین آن و هر انعامی از تو دیرینه است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم بانعام تو بهمه انعامی

اللّهمّ انی اسألك من آياتك باكرمها وكل آياتك كريمة

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از نشانهای تو بگرامی‌ترین آن و هر یک از نشانهای تو گرامی است

اللّهمّ انی اسألك بآياتك كلها اللّهمّ انی اسألك بما انت

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بنشانهای تو بهمه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بآنچه تو

فيه من الشأن والجبروت واسألك بكل شأن وحده وجبروت

در آنی از بزرگواری و بزرگواری و سؤال میکنم ترا بهر بزرگی که یگانه است آن و بزرگواری

وحدها اللّهمّ انی اسألك بما تجيبنی حين اسألك فاجبنی يا الله

که یگانه است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بآنچه اجابت کنی مرا هنگامیکه سؤال میکنم ترا پس اجابت کن مرا ای خدا

پس هر حاجت که خواهد از حق تعالی بخواهد که البته بر آورده می شود و از جمله دعاهای مشهوره سحر دعائی است که شیخ طوسی و دیگران از ابو حمزه ثمالی روایت کرده اند که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در شبهای ماه مبارک رمضان اکثر شب را نماز میکردند و چون سحر می شد این دعا میخواندند

الهی لا تؤدبنی بعقوبتك ولا تمكر بی فی حیلتك من این لی الخیر

خدای من ادب مکن مرا بعقوبت خود و مکر مکن با من در مکر خود از کجا است مرا نیکی

یا رب ولا یوجد الا من عندك ومن این لی النجاة ولا تستطاع

ای پروردگار من حال آنکه یافت نمی شود مگر از نزد تو و از کجاست مرا رستگاری و حال آنکه قدرت

الا بك لا الذی احسن استغنی عن عونك ورحمتك ولا الذی اساء

مگر بلطف تو نه آنکه نیکوئی کرده بی نیاز است از یاری تو و رحمت تو و نه آنکه گناه کرد

وَاجْتَرَأْ عَلَيْكَ وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

و دلیری نمود بر تو و خشنود نساخته ترا بیرون است از قدرت تو ای پروردگار من ای پروردگار من

آنقدر بگوید که نفس منقطع شود

و بعد از آن بگوید

بِكَ عَرَفْتُكَ وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ وَلَوْلَا أَنْتَ

بتو شناختم ترا و تو راه نمودی مرا بر خود و خواندی مرا بسوی خود و اگر نمی بود راهنمائی تو

لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيُجِيبُنِي وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئاً

نمیدانستم که چیستی تو سپاس مر خدائرا که میخوانم او را پس اجابت میکند مرا و اگرچه بوده باشم در بندگی کاهل

حِينَ يَدْعُونِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي وَإِنْ كُنْتُ بَخِيلاً

هنگامیکه میخواند مرا و سپاس خدائرا که در میخواهم از و پس بخشش میکند مرا و اگرچه بوده باشم بخل نماینده

حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أُنَادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَتِي

هنگامیکه وام خواهد از من و سپاس مر خدایرا که میخوانم او را هرگاه خواهم برای حاجت خود

وَأَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّي بِغَيْرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي

و خلوت میکنم با و آنجا که خواهم بجهت راز خود بی شفاعت کننده پس روا میکند برای من حاجت من

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَدْعُوهُ وَلَا أَدْعُو غَيْرَهُ وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي

و سپاس مر خدائرا که میخوانم او را و نمیخوانم غیر او را و اگر میخواندم غیر او را نمی پذیرفت برای من

دُعَائِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَرْجُوهُ وَلَا أَرْجُو غَيْرَهُ وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ

دعای مرا و سپاس مر خدائرا که امیدوارم او را و امید ندارم از سوای او و اگر امید داشتم غیر او را هر آینه

رَجَائِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي وَكَلَنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي وَلَمْ يَكِلْنِي إِلَى النَّاسِ

امید مرا و سپاس مر خدائرا که واگذاشته مرا بسوی خود پس گرامی داشت مرا و وانگذاشت مرا بسوی مردمان

فَيُهِينُونِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

پس خوار نمایند مرا و سپاس مر خدائرا که دوستی نمود بسوی من و حال آنکه او بی نیاز است از من سپاس مر خدائرا که

يحلم عني حتى كأني لا ذنب لي فربي احمد شيء عندي واحق

بردباری مینماید از من تا بحدیکه گویا نیست گناهی پس پروردگار ستوده‌ترین چیز است نزد من و سزاوارتر

بحمدي اللهم اني اجد سبل المطالب اليك مشرعة ومناهل

بستایش من خداوندا بدرستیکه من مییابم راههای مطلبها را بسوی تو گشوده و آبخورهای

الرجاء لديك مترعة والاستعانة بفضلك لمن املك مباحة

امید را نزد تو پر آب و یاری جستن را بخشش تو برای آنکه امید دارد ترا حلال کرده شده

وابواب الدعاء اليك للصارخين مفتوحة واعلم انك للراجين

و درهای دعا بسوی تو برای استغاثه نمایندگان گشوده و میدانم که بتحقیق تو برای امیدواران

بموضع اجابة وللملهوفين بمرصد اغاثة وان في اللهف الى

در جایگاه اجابتی و برای ستم رسیدگان در جایگاه فریادرسی و آنکه بتحقیق در استغاثه بسوی

جودك والرضا بقضائك عوضا عن منع الباخلين ومندوحة

بخشش تو و خوشنودی بحکم تو عوضی است از منع بخیلان و وسعت و بی‌نیازی است

عما في ايدي المستأثرين وان الراحل اليك قريب المسافة

از آنچه در دستهای غصب کنندگان است و آنکه بتحقیق کوچ نماینده بسوی تو نزدیک راه است

وانك لا تحتجب عن خلقك الا ان تحجبهم الآمال دونك وقد

و بتحقیق تو پنهان نباشی از خلق خود مگر آنکه حائل شود ایشان را آرزوها بغیر تو و بتحقیق

قصدت اليك بطلبتي وتوجهت اليك بحاجتي وجعلت بك

قصد کردم بسوی تو بمطلب خود و رو آوردم بسوی تو بحاجت خود و گردانیدم

استغاثتي وبدعائك توسلي من غير استحقاق لاستماعك مني

داد جوئی خود را و بخواندن تو وسیله جوئی خود را بی آنکه سزاوار باشم شنیدن ترا از من

ولا استيجاب لعفوك عني بل لثقتي بكرمك وسكوني الى صدق

و نه آنکه مستوجب باشم درگذشتن ترا از من بلکه بجهت اعتماد من بکرم تو و آرام گرفتن من بسوی

وعدك وألجأني إلى الإيمان بتوحيدك ويقيني بمعرفتك مني

وعده تو و پناه آوردن من بسوی تصدیق بیکتائی تو و جزم داشتن من بشناخت تو از من

أن لا رب لي غيرك ولا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك اللهم

آنکه نیست پروردگاری برای من غیر تو و نیست سزاوار پرستش مگر تو در حالیکه یگانه نیست شریکی برای تو خداوندا

أنت القائل وقولك حق ووعدك صدق واسألوا الله من فضله

توئی گوینده و گفتار تو درست است و وعده تو راست است و سوال کنید خدا را از بخشش او

إن الله كان بكم رحيما وليس من صفاتك يا سيدي أن تأمر

بدرستیکه خدا است بشما مهربان و نیست از خصلتهای تو ای بزرگ من اینکه امر کنی

بالسؤال وتمنع العطية وأنت المنان بالعطيات على أهل مملكتك

بسوال و باز داری بخشش را و توئی بسیار بخشنده بخششها بر اهل مملکت خود

والعائد عليهم بتحنن رأفتك إلهي ربيتني في نعمك وإحسانك

و منفعت رساننده برایشان بزیادی مهربانی خود خداوندا پروردی مرا در نعمتهای خود و احسان خود

صغيرا ونوهت باسمي كبيرا فيا من رباني في الدنيا بإحسانه وتفضله

حال آنکه خورد بودم و بلند کردی نام مرا در حال بزرگی من پس ای آنکه پرورد مرا در دنیا به نیکوئی خود و بخشش او

ونعمه وأشار لي في الآخرة إلى عفوه وكرمه معرفتي يا مولاي دليلي عليك

نعمتهای خود و اشاره کرد مرا در آخرت بسوی درگذشتن خود و بزرگی خود شناسائی من ای آقای من دلیل من است بر تو

وحبي لك شفيعي إليك وأنا واثق من دليلي بدلالتك وساكن

و دوستی من شفاعت کننده است بسوی تو و من اعتماد دارم از دلیل خود بدلالت تو و اطمینان دارم

من شفيعي إلى شفاعتك أدعوك يا سيدي بلسان قد أخرسه

از شفیع خود به پذیرفتن تو میخوانم ترا ای بزرگ من بزبانی که بتحقیق گنگ نموده او را

ذنبه رب أناجيك بقلب قد أوبقه جرمه أدعوك يا رب راهبا راغبا

گناه او پروردگار من راز میگویم ترا بدلی که بتحقیق هلاک کرده او را گناه او میخوانم ترا ای پروردگار من ترسناک

رَاجِياً خَائِفاً إِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَزِعْتُ وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ

امیدوار ترسان هرگاه می‌بینم ای آقای من گناهان خود را می‌ترسم و هرگاه می‌بینم بزرگواری ترا

طَمِعْتُ فَإِنْ عَفَوْتَ فَخَيْرُ رَاحِمٍ وَإِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ حُجَّتِي يَا اللهُ فِي

امیدوار میگردم پس اگر درگذری پس تو بهترین بخشندگانی و اگر عذاب کنی پس نیستی ستمکار حجت من ای خداوند در

جُرْأَتِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ مَعَ إِتْيَانِي مَا تَكْرَهُ جُودُكَ وَكَرَمُكَ وَعُدَّتِي

دلیری من بر سوال کردن از تو با بجا آوردن من چیزی که ناخوش داری آنرا بخشش تو و بزرگواری تست و ذخیرهٔ من

فِي شِدَّتِي مَعَ قِلَّةِ حَيَائِي رَأْفَتُكَ وَرَحْمَتُكَ قَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا تُخَيِّبَ

در حال سختی من با کمی شرم من مهربانی تو و بخشش تست بتحقیق امیدوارم که نا امید نگردانی

بَيْنَ ذَيْنِ وَذَيْنِ مُنْيَتِي فَحَقِّقْ رَجَائِي وَاسْمَعْ دُعَائِي يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ

میانه آن و آن آرزوی مرا پس ثابت دار امید مرا و بپذیر دعای مرا ای نیکوترین کسیکه خوانده است او را خواننده

وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ عَظُمَ يَا سَيِّدِي أَمَلِي وَسَاءَ عَمَلِي فَأَعْطِنِي مِنْ

و بهترین کسیکه امید داشته او را امیدواری بزرگست ای آقای من آرزوی من و بد است کردار من پس عطا کن مرا از

عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ أَمَلِي وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِأَسْوَءِ عَمَلِي فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ

درگذشتن خود باندازهٔ آرزوی من و فرا مگیر مرا به بدترین کردار من پس براستی بتحقیق بزرگواری تو بزرگوار است از

مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ وَحِلْمُكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقَصِّرِينَ وَأَنَا يَا سَيِّدِي

سزا دادن گنهکاران و بردباری تو بزرگتر است از پاداش دادن تقصیر کنندگان و من ای آقای من

عَائِذٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ

پناه گیرنده‌ام به بخشش تو گریزانم از تو بسوی تو خواهانم روا کردن آنچه را که وعده فرموده از گذشتن از کسی که

أَحْسَنَ بِكَ ظَنّاً وَمَا أَنَا يَا رَبِّ وَمَا خَطَرِي هَبْنِي بِفَضْلِكَ وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ

نیک داشته بتو گمان را و چیستم من ای پروردگار من و چیست خطر من ببخش مرا به بخشش خود و نوازش کن

بِعَفْوِكَ أَيْ رَبِّ جَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ وَاعْفُ عَنْ تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ

بدرگذشتن خود ای پروردگار من بپوشان مرا به پوشش خود و درگذر از سرزنش کردن من به بزرگواری ذات خود

رمضان

فلو اطّلع اليوم على ذنبي غيرك ما فعلته ولو خفت تعجيل العقوبة

پس اگر آگاه میشد امروز بر گناه من غیر تو نمیکردم آنرا واگر می ترسیدم شتابی نمودن بعقوبت

لاجتنبته لا لانك اهون الناظرين الىّ واخفّ المطّلعين علىّ بل

هر آینه دوری میکردم از گناه نه از جهت آنکه تو خوارترین نگرندگانی بسوی من سبکترین اطلاع دارندگانی بر من بلکه

لانك يا ربّ خير الساترين واحكم الحاكمين واكرم الاكرمين

بجهت آنکه بتحقیق توای پروردگار من بهترین پوشندگانی و حکم کننده ترین حکم کنندگانی و بزرگترین بزرگوارانی

ستّار العيوب غفّار الذنوب علّام الغيوب تستر الذنب بكرمك

بسیار پوشنده ناپسندیهائی و بغایت آمرزنده گناهانی بسیار دانا بنهانهائی می پوشانی گناهان را به بزرگواری خود

وتؤخّر العقوبة بحلمك فلك الحمد على حلمك بعد علمك وعلى عفوك

و پس میداری عقوبت را به بردباری خود پس مر تراست سپاس بر بردباری تو بعد از علم تو و بر درگذشتن تو

بعد قدرتك ويحملني ويجرّئني على معصيتك حلمك عنّي ويدعوني

پس از توانائی تو و میدارد مرا و دلیر میکند مرا بر نافرمانی تو بردباری تو از من و میخواند مرا

الى قلّة الحياء سترك علىّ ويسرعني الى التوثّب على محارمك معرفتي

بسوی کم شرمی پوشیدن تو بر من و شتاب می آورد بسوی دست یافتن چیزهائیکه حرام کرده تو شناختن من

بسعة رحمتك وعظيم عفوك يا حليم يا كريم يا حىّ يا قيّوم يا غافر

فراخی بخشش ترا و درگذشتن بزرگ ترا ای بردبار ای بزرگوار ای زنده ای پاینده ای آمرزنده

الذنب يا قابل التوب يا عظيم المنّ يا قديم الاحسان اين سترك

گناه ای پذیرنده توبه ای بزرگ بخشش ای دیرینه احسان کجاست پوشیدن

الجميل اين عفوك الجليل اين فرجك القريب اين غياثك السريع

نیکوی تو کجاست درگذشتن بزرگ تو کجاست گشایش نزدیک تو کجاست فریادرسی شتابان تو

اين رحمتك الواسعة اين عطاياك الفاضلة اين مواهبك الهنيئة

کجاست رحمت فراگیرنده تو کجاست بخششهای نیکوی تو کجاست بخششهای گوارای تو

فصل سوم در آداب نکاح و اراده آن

در صورت حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر گاه کسی اراده تزویج نماید دو رکعت نماز بگذارد و حمد الهی

أَيْنَ صَنَائِعُكَ السَّنِيَّةُ أَيْنَ فَضْلُكَ الْعَظِيمُ أَيْنَ مَنُّكَ الْجَسِيمُ أَيْنَ إِحْسَانُكَ

کجاست کارهای بلندپایه تو کجاست بخشش بزرگ تو کجاست عطای بزرگ تو کجاست احسان

الْقَدِيمُ أَيْنَ كَرَمُكَ يَا كَرِيمُ بِهِ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَاسْتَنْقِذْنِي

دیرینه تو کجاست بزرگواری تو ای بزرگوار بآن و بمحمد و آل محمد پس برهان مرا

وَبِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنِي يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ لَسْتُ أَتَّكِلُ فِي النَّجَاةِ

و برحمت خود پس خلاص کن مرا ای احسان نماینده ای نیکوکردار ای نعمت دهنده ای بخشنده نیستم من که اعتماد کنم در رستگاری

مِنْ عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ

از عقاب تو بر کردارهای خود بلکه بخشش تو بر ما زیرا که بتحقیق تو اهل پرهیزکاری و اهل

الْمَغْفِرَةِ تُبْدِئُ بِالْإِحْسَانِ نِعَماً وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَماً فَمَا نَدْرِي مَا نَشْكُرُ

آمرزشی پیشی میگیری بخشیدن از راه توانگری و در میگذری از گناه از راه بزرگواری پس نمیدانیم که چه چیز را شکر کنیم

أَجَمِيلَ مَا تَنْشُرُ أَمْ قَبِيحَ مَا تَسْتُرُ أَمْ عَظِيمَ مَا أَبْلَيْتَ وَأَوْلَيْتَ أَمْ كَثِيرَ

آیا امر خوبی را که پهن میکنی یا کردار زشتی را که میپوشی یا عطیه بزرگی را که عطا فرمودی و بخشش نمودی یا بلای بسیاری

مَا مِنْهُ نَجَّيْتَ وَعَافَيْتَ يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ وَيَا قُرَّةَ عَيْنِ مَنْ لَاذَ بِكَ

که از آن نجات دادی و عافیت بخشیدی ای دوست کسیکه دوستی کند بسوی تو و روشنی دیده کسیکه پناه گیرد بتو

وَانْقَطَعَ إِلَيْكَ أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ الْمُسِيئُونَ فَتَجَاوَزْ يَا رَبِّ عَنْ قَبِيحِ مَا عِنْدَنَا

و بریده شود بسوی تو تو نیکوکرداری و مائیم بدکرداران پس درگذر ای پروردگار من از زشت آنچه نزد ما است

بِجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ وَأَيُّ جَهْلٍ يَا رَبِّ لَا يَسَعُهُ جُودُكَ أَوْ أَيُّ زَمَانٍ أَطْوَلُ

به نیکوئی آنچه نزد تست و کدام نادانی ای پروردگار من فرا نگرفته است آنرا بخشش تو یا کدام زمان درازتر است

مِنْ أَنَاتِكَ وَمَا قَدْرُ أَعْمَالِنَا فِي جَنْبِ نِعَمِكَ وَكَيْفَ نَسْتَكْثِرُ أَعْمَالاً نُقَابِلُ

از زمان آرامی تو و چیست قدر کردارهای ما در مقابل نعمتهای تو و چگونه بسیار شماریم کردارها را که مقابل کنیم

بِهَا كَرَمَكَ بَلْ كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ يَا وَاسِعَ

بآن بزرگواری ترا بلکه چگونه تنگ میگردد بر گناهکاران آنچه فرا گرفته آنها را از بخشش تو ای فراخ

[illegible]

المغفرة یا باسط الیدین بالرحمة فوعزتك یا سیدی لو انتهرتنی ما برحت
آمرزش ای گشاده دستها ببخشش پس قسم بعزت تو ای آقای من اگر منع کنی مرا دور نگردم
من بابك ولا كففت عن تملقك لما انتهى الی من المعرفة بجودك
از درگاه تو و نه باز ایستم از چاپلوسی تو بجهت چیزی که رسید بسوی من از شناخت بخشش تو
وكرمك وانت الفاعل لما تشاء تعذب من تشاء بما تشاء كيف
و بزرگواری تو و توئی کننده آنچه را که خواهی عذاب میکنی آنرا که خواهی بآنچه خواهی هر گونه
تشاء وترحم من تشاء بما تشاء كيف تشاء ولا تسأل عن فعلك
که خواهی و مهربانی مینمائی آنرا که خواهی بآنچه خواهی هرگونه که خواهی و سوال کرده نمیشوی از کردار خود
ولا تنازع فی ملكك ولا تشارك فی امرك ولا تضاد فی حكمك
و خصومت کرده نمیشوی در پادشاهی خود و یاری کرده نمیشوی در کار خود و دشمنی کرده نمیشوی در حکم خود
ولا یعترض علیك احد فی تدبیرك لك الخلق والامر تبارك الله رب
و اعتراض نمیکند بر تو هیچکس در تدبیر تو مر تراست آفرینش و فرمان پاکست خدا پروردگار
العالمین یا رب هذا مقام من لاذ بك واستجار بكرمك وألف احسانك
جهانیان ای پروردگار من این جایگاه کسی است که پناه گرفته بتو و زنهار جسته ببزرگواری تو و خو گرفته باحسان
ونعمك وانت الجواد الذی لا یضیق عفوك ولا ینقص فضلك ولا تقل
و نعمتهای تو و توئی بخشنده که تنگ نمیشود عفو تو و کم نمیگردد فضل تو و اندک نمیگردد
رحمتك وقد توثقنا منك بالصفح القدیم والفضل العظیم
رحمت تو و بتحقیق که اعتماد داریم ما از جانب تو به درگذشتن دیرینه و بخشش بزرگ
والرحمة الواسعة أفتراك یا رب تخلف ظنوننا او تخیب آمالنا
و رحمت فراگیرنده آیا پس گمان کرده میشوی ای پروردگار من که ضایع کنی گمانهای ما یا قطع کنی آرزوهای ما را
كلا یا كریم فلیس هذا ظننا بك ولا هذا طمعنا فیك یا رب ان لنا
حاشا که چنین کنی ای کریم پس نیست این گمان ما بتو و نیست طمع ما از لطف تو ای پروردگار من بدرستیکه ما را

[illegible]

فيك املاً طويلاً كثيراً ان لنا فيك رجاءً عظيماً عصيناك

در لطف تو آرزوی دراز بسیار است بدرستیکه برای ما در بخشش تو امید بزرگ است نافرمانی کردیم

ونحن نرجوا ان تستر علينا ودعوناك ونحن نرجوا ان تستجيب لنا فحقق

و حال آنکه امیدواریم آنکه بپوشی بر ما و میخوانیم ترا و حال آنکه امیدواریم آنکه بپذیری ما را پس درست کن

رجاءنا يا مولانا فقد علمنا ما نستوجب باعمالنا ولكن علمك

امید ما را ای آقای من پس بتحقیق میدانیم آنچه را که سزاواریم بسبب کردارهای خود ولیکن دانش تو

فينا وعلمنا بانك لا تصرفنا عنك حثّنا على الرغبة اليك

در ما و دانش ما بانکه بتحقیق تو برنمیگردانی ما را از خود حرص ما را بر خواهش بسوی تو

وان كنّا غير مستوجبين لرحمتك فانت اهل ان تجود علينا

و اگر بوده باشیم مستحق نباشیم بخشش ترا پس تو سزاواری که بخشش نمائی بر ما

وعلى المذنبين بفضل سعتك فامنن علينا بما انت اهله

و بر گناهکاران بزیادتی گشایش خود پس احسان کن بر ما بآنچه تو سزاوار آنی

وجد علينا فانّا محتاجون الى نيلك يا غفار بنورك اهتدينا

و بخشش نما بر ما زیرا که بتحقیق ما محتاجیم بسوی عطای تو ای بسیار آمرزنده بسبب روشنائی تو راه یافتیم

وبفضلك استغنينا وبنعمتك اصبحنا وامسينا ذنوبنا

و بخشش تو بی نیاز شدیم و نعمت تو صبح کردیم و شام کردیم گناهان ما

بين يديك نستغفرك اللهم منها ونتوب اليك تتحبب الينا بالنعم

در پیش تست طلب آمرزش میکنیم ترا خداوندا از گناهان رجوع مینمائیم بسوی تو دوستی میکنی بسوی ما بنعمتها

ونعارضك بالذنوب خيرك الينا نازل وشرنا اليك صاعد

و برابری میکنیم نعمتهای ترا بگناهان نیکوئی تو بسوی ما فرود آینده است و بدی ما بسوی تو بالا رونده است

لم يزل ولا يزال ملك كريم يأتيك عنا في كل يوم بعمل قبيح

همیشه بوده است و همیشه خواهد بود که فرشته بزرگواری می آید ترا از ما در هر روز بکردار زشت

فَلا يَمْنَعُكَ ذلِكَ مِنْ اَنْ تَحُوطَنا بِنِعَمِكَ وَتَتَفَضَّلَ عَلَيْنا بِآلائِكَ فَسُبْحانَكَ

پس باز نمیدارد ترا آن از آنکه فرو گیری ما را بنعمتهای خود و بخشش نمائی بر ما بعطاهای خود پس پاکی تو

ما اَحْلَمَكَ وَاَعْظَمَكَ وَاَكْرَمَكَ مُبْدِئاً وَمُعيداً تَقَدَّسَتْ اَسْماؤُكَ

چه بردباری تو و چه بزرگی تو و چه بزرگواری تو در حالیکه پدید آورنده و بازگرداننده پاک است نامهای تو

وَجَلَّ ثَناؤُكَ وَكَرُمَ صَنائِعُكَ وَفِعالُكَ اَنْتَ اِلهي اَوْسَعُ فَضْلاً وَاَعْظَمُ

و بزرگست ستایش تو و گرامی است عطیه‌های تو و کارهای تو تو ای خدای من فراخ‌تر و بزرگتری از روی بخشش و بردباری

حِلْماً مِنْ اَنْ تُقايِسَني بِفِعْلي وَخَطيئَتي فَالْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ

از روی بردباری از آنکه مقایسه کنی مرا بکردار من و خطای من پس درگذر درگذر درگذر

سَيِّدي سَيِّدي سَيِّدي اَللّهُمَّ اشْغَلْنا بِذِكْرِكَ وَاَعِذْنا مِنْ

ای آقای من ای آقای من ای آقای من بارخدایا مشغول گردان ما را بیاد خود و پناه ده ما را از

سَخَطِكَ وَاَجِرْنا مِنْ عَذابِكَ وَارْزُقْنا مِنْ مَواهِبِكَ وَاَنْعِمْ عَلَيْنا مِنْ

غضب خود و امان ده ما را از عذاب خود و روزی ده ما را از بخشش خود و بخشش کن بر ما از

فَضْلِكَ وَارْزُقْنا حَجَّ بَيْتِكَ وَزِيارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ وَرَحْمَتُكَ

فضل خود و روزی کن ما را حج خانه خود و زیارت قبر پیغمبر خود درودهای تو و رحمت تو

وَمَغْفِرَتُكَ وَرِضْوانُكَ عَلَيْهِ وَعَلى اَهْلِ بَيْتِهِ اِنَّكَ قَريبٌ مُجيبٌ وَارْزُقْنا

و آمرزش تو و خوشنودی تو بر او باد و بر خاندان او بدرستیکه تو نزدیکی پذیرنده و روزی کن ما را

عَمَلاً بِطاعَتِكَ وَتَوَفَّنا عَلى مِلَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

عمل کردن بطاعت خود و بمیران ما را بر دین خود و طریقه پیغمبر خود رحمت فرستد خدا بر او و آل او

اَللّهُمَّ اغْفِرْ لي وَلِوالِدَيَّ وَارْحَمْهُما كَما رَبَّياني صَغيراً

خداوندا بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و رحمت کن ایشان را چنانچه تربیت نمودند مرا در حالیکه خورد بودم

وَاجْزِهِما بِالاِحْسانِ اِحْساناً وَبِالسَّيِّئاتِ غُفْراناً اَللّهُمَّ اغْفِرْ

و جزا ده ایشان را در مقابل نیکوئی نیکوئی و در مقابل بدیها آمرزش خداوندا بیامرز

المؤمنين والمؤمنات الأحياء منهم والأموات وتابع بيننا وبينهم

مردان گرونده وزنان گرونده زندگان ایشان را و مردگان ایشان را ... و میان ایشان

بالخيرات اللهم اغفر لحيّنا وميّتنا وشاهدنا وغائبنا ذكرنا

بنیکیها خداوندا بیامرز زنده مارا و مرده مارا و حاضر مارا و غائب مارا و مرد مارا

وأنثانا صغيرنا وكبيرنا حرّنا ومملوكنا كذب العادلون

و زن مارا خورد مارا و بزرگ مارا آزاد مارا و بنده مارا کاذب اند شریک گردانندگان

بالله وضلّوا ضلالاً بعيداً وخسروا خسراناً مبيناً اللهم صلّ

از برای خدا و گمراه شدند گمراهی دوری و زیان کردند زیانی روشنی بار خدایا رحمت بفرست

على محمد وآل محمد واختم لي بخير واكفني ما أهمّني من أمر دنياي

بر محمد و آل محمد و ختم کن برای من به نیکی و کفایت کن برای من آنچه مهم است مرا از امر دنیای من

وآخرتي ولا تسلّط عليّ من لا يرحمني واجعل عليّ منك جنّة واقية

و آخرت من و دست مده بر من آن را که رحم نکند مرا و بگردان بر من از جانب خود سپری نگاه دارنده

باقية ولا تسلبني صالح ما أنعمت به عليّ وارزقني من فضلك رزقاً

باقی ماننده و دور مکن از من شایسته آنچه بخشش فرمودی به آن بر من و روزی کن مرا از فضل خود روزی

واسعاً حلالاً طيّباً اللهم واحرسني بحراستك واحفظني

فراخ حلال پاکیزه خداوندا و نگهبانی کن مرا به نگهبانی خود و حفظ کن مرا

بحفظك واكلأني بكلاءتك وارزقني حجّ بيتك الحرام في عامنا

بحفظ خود و نگهدار مرا به نگاهداری خود و روزی کن مرا حج خانه محترم خود در سال

هذا وفي كل عام وزيارة قبر نبيك والأئمة عليهم السلام

همین سال و در هر سالی و زیارت قبر پیغمبر خود و پیشوایان دین بر ایشان باد درود

ولا تخلني يا ربّ من تلك المشاهد الشريفة والمواقف الكريمة

خالی مگردان مرا ای پروردگار من از آن مشاهد شریفه و موقفهای ...

[illegible]

رمضان

اللهم تب علي حتى لا أعصيك وألهمني الخير والعمل به وخشيتك

خدایا توفیق توبه ده مرا تا آنکه نافرمانی نکنم ترا و بدل انداز مرا خیر و عمل کردن بآن و ترس از خود

بالليل والنهار أبدا ما أبقيتني يا رب العالمين اللهم إني كلما

در شب و روز همیشه تا وقتیکه باقی داری مرا ای پروردگار جهانیان خداوندا بدرستیکه من هر گاه

قلت قد تهيأت وتعبأت وقمت للصلوة بين يديك وناجيتك

گفتم که بتحقیق مهیا شدم و آماده گشتم و استعداد بهم رسانیدم و ایستادم بجهت نماز در پیش تو و راز گفتم ترا

ألقيت علي نعاسا إذا أنا صليت وسلبتني مناجاتك إذا أنا

افکندی بر من پینکی را هنگامیکه من نماز میکردم و رفع کردی از من راز گوئی خود را هنگامیکه من

ناجيتك ما لي كلما قلت قد صلحت سريرتي وقرب من مجالس التوابين

راز گفتم ترا چیست مرا که هر گاه گفتم که بتحقیق نیک شده امر پنهانی من و نزدیک شده از مجالس توبه کنندگان

مجلسي عرضت لي بلية أزالت قدمي وحالت بيني وبين خدمتك

مجلس من عارض شد بلائیکه زائل کرد قدم مرا و حائل شد میان من و میان خدمت تو

سيدي لعلك عن بابك طردتني وعن خدمتك نحيتني أو لعلك

آقای من شاید که تو از درگاه خود رانده باشی مرا و از خدمت خود دور کرده باشی مرا یا شاید که تو

رأيتني مستخفا بحقك فأقصيتني أو لعلك رأيتني معرضا عنك

دیده باشی مرا سبک شمارنده حق ترا پس دور کرده باشی مرا یا شاید که تو دیده باشی مرا روگردان از خود

فقليتني أو لعلك وجدتني في مقام الكاذبين فرفضتني أو لعلك

پس دشمن داشته باشی مرا یا شاید که تو یافته باشی مرا در جایگاه دروغگویان پس انداخته باشی مرا

رأيتني غير شاكر لنعمائك فحرمتني أو لعلك فقدتني من مجالس

دیده باشی مرا ناسپاس گذار نعمتهای ترا پس ناامید کرده باشی مرا یا شاید که تو نیافته باشی مرا در مجالس

العلماء فخذلتني أو لعلك رأيتني في الغافلين فمن رحمتك

علما پس خوار گذاشته باشی مرا یا شاید که تو دیده باشی مرا در زمره بیخبران پس از رحمت خود

أيستني أو لعلك رأيتني آلف مجالس البطالين فبيني وبينهم
ناامید کرده باشی مرا یا شاید که تو دیده باشی مرا که الفت گیرم مجلس بیکاران پس میان من و میان ایشان
خليتني أو لعلك لم تحب أن تسمع دعائي فباعدتني أو لعلك بجرمي
واگذاشته باشی مرا یا شاید که تو دوست نداشته باشی که بشنوی دعای مرا پس دور کرده باشی مرا یا شاید که تو بگناه
وجريرتي كافيتني أو لعلك بقلة حيائي منك جازيتني فإن
و جنایات من پاداش داده باشی مرا یا شاید که تو بکمی شرم من از تو سزا داده باشی مرا پس اگر
عفوت يا رب فطالما عفوت عن المذنبين قبلي لأن كرمك
درگذری ای پروردگار من بسیار وقتها عفو نمودی از گناهکاران پیش از من زیرا که بتحقیق بزرگواری
أي رب يجل عن مجازاة المذنبين وحلمك يكبر عن
ای پروردگار من بزرگوار است از سزا دادن گناهکاران و بردباری تو بزرگ است از
مكافاة المقصرين وأنا عائذ بفضلك هارب منك إليك
سزا دادن تقصیر نمایندگان و من پناه گیرنده‌ام بخشش تو گریزانم از تو بسوی تو
متنجز ما وعدت من الصفح عمن أحسن بك ظنا إلهي أنت أوسع
خواهانم انجام آنچه را که وعده دادی از درگذشتن خود از آنکه نیکو کرده بتو گمان ای خدای من تو فراخ‌تری
فضلا وأعظم حلما من أن تقايسني بعملي أو أن تستزلني
از روی فضل و بزرگتری از روی بردباری از آنکه مقایسه کنی مرا بکردار من و آنکه بجوئی لغزش مرا
بخطيئتي وما أنا يا سيدي وما خطري هبني بفضلك يا سيدي
بگناه من و چیستم من ای آقای من و چیست قدر من بخشش کن مرا بفضل خود ای آقای من
وتصدق علي بعفوك وجللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم
و تصدق کن بر من بعفو خود و بپوشان مرا بپوشش خود و درگذر از سرزنش کردن من به بزرگواری
وجهك سيدي أنا الصغير الذي ربيته وأنا الجاهل الذي
ذات خود بزرگ من منم آن خوردی که پروردی او را و منم آن نادانی که

علمته وانا الضال الذی هدیته وانا الوضیع الذی رفعته وانا

دانا کردی اورا و منم آن گمراهی که رهنمودی اورا و منم آن پستی که بلند کردی اورا و منم

الخائف الذی امنته وانا الجائع الذی اشبعته وانا العطشان

آن ترسانی که ایمن کردی اورا و منم آن گرسنه که سیر کردی اورا و منم آن تشنه

الذی ارویته وانا العاری الذی کسوته والفقیر الذی اغنیته

که سیراب نمودی اورا و منم برهنه که پوشیدی اورا و نیازمندی که بی نیاز کردی اورا

والضعیف الذی قویته والذلیل الذی اعززته والسقیم الذی

و ناتوانی که توانا کردی اورا و ذلیل خواری که ارجمند کردی اورا و بیماری که

شفیته والسائل الذی اعطیته والمذنب الذی سترته والخاطئ

شفا بخشیدی اورا و درخواهنده که عطا فرمودی اورا و گناهکاری که پوشانیدی اورا و خطاکاری

الذی اقلته وانا القلیل الذی کثرته والمستضعف الذی نصرته

که درگذشتی ازو و منم آن کم یاوری که بسیار یاوری کردی اورا و ضعیف شمرده که یاری دادی اورا

وانا الطرید الذی اویته انا یا رب الذی لم استحیک فی الخلاء

و منم آن رانده شده که جا دادی اورا منم ای پروردگار من که شرم نکردم ترا در خلوت

ولم اراقبک فی الملاء انا صاحب الدواهی العظمی انا الذی علی سیده

و نترسیدم ترا در حضور مردمان منم صاحب شدائد بزرگ منم آنکه بر آقای خود

اجتری انا الذی عصیت جبار السماء انا الذی اعطیت علی المعاصی

دلیری نمود منم آنکه نافرمانی ورزیده بزرگوار آسمان را منم آنکه بخشش نمودم بر گناهان

الجلیل الرشی انا الذی حین بشرت بها خرجت الیها اسعی

بزرگ رشوه‌ها را منم آنکه هنگامیکه مژده داده شدم بآنها بیرون رفتم بسوی آنها

انا الذی امهلتنی فما ارعویت وسترت علی فما استحییت

منم آنکه مهلت دادی مرا پس پشیمان نگشتم و پوشیدی بر من پس شرم نکردم

وَعَمِلْتُ بِالْمَعَاصِي فَتَعَدَّيْتُ وَاَسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ فَمَا بَالَيْتُ

و عمل نمودم بگناهان پس در گذشتم از حد و افکندی مرا از دیده خود پس باک نکردم

فَبِحِلْمِكَ اَمْهَلْتَنِي وَبِسِتْرِكَ سَتَرْتَنِي حَتَّى كَاَنَّكَ اَغْفَلْتَنِي وَمِنْ

پس ببردباری خود مهلت دادی مرا و بپوشش خود پوشیدی مرا تا آنکه گویا واگذاشتی مرا و از

عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَنَّبْتَنِي حَتَّى كَاَنَّكَ اسْتَحْيَيْتَنِي اِلٰهِي لَمْ اَعْصِكَ

بادشاهی گناهان دور کردی مرا تا بجدیکه گویا شرم کردی از من خداوندا نافرمانی نکردم ترا

حِينَ عَصَيْتُكَ وَاَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَاحِدٌ وَلَا بِاَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ

هنگامیکه نافرمانی کردم ترا در حالیکه بوده باشم بپروردگاری تو انکار نماینده و نه فرمان ترا سبک شمارنده

وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَلَا لِوَعِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ وَلٰكِنْ خَطِيئَةٌ

و نه عقوبت ترا فرا پیش آینده و نه وعید ترا خوار دارنده و لیکن خطائی

عَرَضَتْ وَسَوَّلَتْ لِي نَفْسِي وَغَلَبَنِي هَوَايَ وَاَعَانَنِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي

عارض شد و فریفت مرا نفس من و غالب شد مرا خواهش من و مدد کرد مرا بر آن بدبختی من

وَغَرَّنِي سِتْرُكَ الْمُرْخَى عَلَيَّ فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَخَالَفْتُكَ بِجُهْدِي

و فریفت مرا پرده تو که فرو گذاشته شده است بر من پس بتحقیق نافرمانی تو نمودم و مخالفت کردم ترا بکوشش خود

فَالْآنَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي وَمِنْ اَيْدِي الْخُصَمَاءِ غَداً مَنْ

پس حالا از عذاب تو کی رهاند مرا و از دستهای دشمنان فردا کی

يُخَلِّصُنِي وَبِحَبْلِ مَنْ اَتَّصِلُ اِنْ اَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي فَوَاسَوْأَتَاهُ

نجات میدهد مرا و بریسمان که در میپوندد مرا اگر تو ببری ریسمان خود را از من پس وای رسوائی

عَلَى مَا اَحْصَى كِتَابُكَ مِنْ عَمَلِيَ الَّذِي لَوْلَا مَا اَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ

بر آنچه شمرده کتاب تو از کردار من آن کردار که اگر نمیبود آنچه امید دارم از بزرگواری تو و وسعت

رَحْمَتِكَ وَنَهْيِكَ اِيَّايَ عَنِ الْقُنُوطِ لَقَنَطْتُ عِنْدَمَا اَتَذَكَّرُهَا

بخشش تو و منع تو مرا از نومیدی هر آینه نومید میشدم وقتیکه یاد کنم

يا خير من دعاه داع وافضل من رجاه راج اللهم بذمة الاسلام

اى نيكوترين كسى كه خوانده او را خواننده و بهترين كسيكه اميد داشته او را اميدوار خداوندا بامان اسلام

اتوسل اليك وبحرمة القرآن اعتمد عليك وبحبي للنبي الامي

وسيله مى جويم بسوى تو وبحرمت قرآن اعتماد مينمايم بر تو وبدوست داشتن من مر پيغمبر را كه امى

القرشي الهاشمي العربي التهامي المكي المدني ارجو الزلفة لديك

قرشى هاشمى عربى تهامى مكى مدنى است اميد دارم نزديكى را نزد تو

فلا توحش استيناس ايماني ولا تجعل ثوابي ثواب من عبد سواك

پس شريان خو گرفتن ايمان مرا ومگردان پاداش مرا مانند پاداش آنكه پرستيد غير ترا

فان قوما امنوا بالسنتهم ليحقنوا به دمائهم فادركوا ما املوا

زيرا كه بتحقيق گروهى گرويدند بزبانهاى خود تا آنكه باز دارند خونهاى خود را از ريخته شدن پس رسيدند

وانا امنا بك بالسنتنا وقلوبنا لتعفو عنا فادرك بنا ما

وبتحقيق ما گرويديم بتو بزبانهاى خود و دلهاى خود تا آنكه در گذرى از ما پس برسان ما را آنچه

املنا وثبت رجائك في صدورنا ولا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا

اميد داريم وثابت دار اميد خود را در دلهاى ما وميل مده دلهاى ما را پس از آنكه راه نمودى ما را

وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب فوعزتك لو انتهرتني

وببخش ما را از نزد خود بخشش بزرگى بدرستيكه تويى بسيار بخشنده پس قسم بعزت تو اگر منع كنى مرا

ما برحت من بابك ولا كففت عن تملقك لما الهم قلبي من المعرفة

دور نميگردم از درگاه تو و باز نمى ايستم از دوستى كردن تو بجهت آنچه افكنده شده در دلم از شناختن

بكرمك وسعة رحمتك الى من يذهب العبد الا الى مولاه والى

بكرم تو و فراخى بخشش تو بسوى كه ميرود بنده مگر بسوى آقاى خود و بسوى

من يلتجئ المخلوق الا الى خالقه الهي لو قرنتني بالاصفاد ومنعتني

پناه ميبرد مخلوق مگر بسوى آفريدگار خود خدايا اگر بربندى مرا بغلها و بازدارى

سيئاتك من بين الاشهاد وذللت على فضائحي عيون العباد وامرت

از من عطاهای خود را از میان حاضران و راه نمائی برسوائیهای من دیده های بندگان و فرمان دادی

بي الى النار وحلت بيني وبين الابرار ما قطعت رجائي منك فصرفت

مرا بسوی آتش و حائل شوی میان من و میان نیکوکاران نمی برم امید خود را از تو و نمیگردانم

وجه تاميلي للعفو عنك ولا اخرج حبك عن قلبي انا لا انسى

روی آرزو داشتنم عفو را از تو و بیرون نرود دوستی تو از دل من من فراموش نمیکنم

ايا ديك عندي وسترك علي في دار الدنيا يا سيدي صل على

نعمتهای ترا که نزد منست و پوشانیدن ترا بر من در سرای دنیا ای بزرگ من رحمت فرست

محمد وآل محمد واخرج حب الدنيا من قلبي واجمع بيني وبين

محمد و آل محمد و بیرون کن دوستی دنیا را از دل من و جمع کن میان من و میان

المصطفى وآله خيرتك من خلقك وخاتم النبيين محمد صلى الله عليه

مصطفی و آل او برگزیده تو از خلق تو و آخر پیغمبران محمد رحمت فرستد خدا برو

وآله وانقلني الى درجة التوبة اليك واعني بالبكاء على نفسي فقد

و آل او و نقل فرما مرا بسوی مرتبه بازگشت بسوی تو و یاری کن مرا بگریستن بر نفس خود پس بتحقیق

افنيت بالتسويف والآمال عمري وقد نزلت منزلة الآيسين

بپایان رسانیدم بدرنگی و تاخیر و آرزوها عمر خود را و بتحقیق فرود آمدم درجه ناامیدان

من خيري فمن يكون اسوأ حالا مني ان انا نقلت على مثل حالي

از خیر من پس کی میباشد بدحالتر از من اگر منتقل کرده شوم بهمین حالم

الى قبر لم امهده لرقدتي ولم افرشه بالعمل الصالح لضجعتي

بسوی قبری که نیاراستم آنرا از برای خفتن خود و فرش نکردم آنرا بعمل شایسته بجهت خوابیدن خود

ومالي لا ابكي ولا ادري الى ما يكون مصيري وارى نفسي

و چیست مرا که نمی گریم و حال آنکه نمیدانم بسوی چه خواهد بازگشت من و می بینم نفس را

رمضان

تجاوز عنّي و[illegible] تجاوزك لي وقد خفقت عند رأسي أجنحة الموت فما لي

کرمی فرسید مرا و روزگار خود را [illegible] میسکیند و تحقیق لرزان شده نزد سر من بالهای مرگ پس چیست مرا که

لا أبكي أبكي لخروج نفسي أبكي لظلمة قبري أبكي لضيق لحدي أبكي لسؤال

نگریم میگریم بجهت بیرون شدن نفس من میگریم بجهت تاریکی قبر خود میگریم بجهت تنگی قبر خود میگریم بجهت سؤال کردن

منكر ونكير إيّاي أبكي لخروجي من قبري عرياناً ذليلاً حاملاً ثقلي

منکر و نکیر مرا میگریم بجهت بیرون آمدنم از قبر خود برهنه خوار بردارنده بار گران

على ظهري أنظر مرّة عن يميني وأخرى عن شمالي إذ الخلائق في

بر پشت خود حال آنکه نظر کنم یکبار از جانب راست خود و بار دیگر از جانب چپ خود هنگامیکه آفریدگان باشند در

شأن غير شأني لكلّ امرئ منهم يومئذ شأن يغنيه وجوه يومئذ

حالت غیر حالت من برای هر مردی از ایشان در آنروز حالتیست که کافیست او را روهائی در آنروز

مسفرة ضاحكة مستبشرة ووجوه يومئذ عليها غبرة ترهقها

نورانی خندان شادمانند و روهای گروهی در آن روز بر آنهاست گرد غم و اندوه فرا گیرد آنها را

قترة وذلّة سيّدي عليك معوّلي ومعتمدي ورجائي وتوكّلي و

غبار و خواری آقای من بر تست شوق من و اعتماد من و واگذاشتن من کار خود را و

برحمتك تعلّقي تصيب برحمتك من تشاء وتهدي بكرامتك

برحمت تست در آویختن من میرسانی برحمت خود آنرا که خواهی و راه مینمائی ببزرگواری خود

من تحبّ فلك الحمد على ما نقّيت من الشرك قلبي ولك الحمد على بسط

آنرا که دوست داری پس مر تراست سپاس پاک کردن تو از شرک دل مرا و مر تراست سپاس گشادن

لساني أفبلساني هذا الكالّ أشكرك أم بغاية جهدي في عملي

زبان مرا پس آیا بزبان خود این زبان کند سپاسگذاری کنیم ترا یا بنهایت مشقتم در کردار خود

أرضيك وما قدر لساني يا ربّ في جنب شكرك وما قدر عملي في جنب

خشنود میسازم ترا و چیست مرتبه زبان من ای پروردگار من در جنب سپاسگذاری تو و چیست قدر کردار من در پهلوی

نعمك واحسانك الى الا ان جودك بسط املي وشكرك قبل عملي

نعمتهای تو ونیکوئی نمودن تو بسوی من مگر آنکه بخشش تو گسترانید امید مرا و جزا دادن تو پذیرفت عمل مرا

سيدي اليك رغبتي ومنك رهبتي واليك تاميلي وقد ساقني اليك

ای آقای من بسوی تست رغبت من و از تست بیم من و بسوی تست امید داشتن من و بتحقیق کشید مرا بسوی تو

املي وعليك يا واحدي عكفت همتي وفيما عندك انبسطت رغبتي

امید من و بر تست ای یگانه من رو کرده پیوسته همت من و در آنچه نزد تست پهن گردیده رغبت من

ولك خالص رجائي وخوفي وبك انست محبتي واليك القيت

و مر تراست خالص امید من و ترس من و بتو خو گرفته دوستی من و بسوی تو افکندم

بيدي وبحبل طاعتك مددت رهبتي يا مولاي بذكرك عاش

دست خود را و بریسمان طاعت تو کشیدم ترس خود را ای آقای من بیاد کردن تو زنده گردید

قلبي وبمناجاتك بردت الم الخوف عني فيا مولاي ويا مؤملي ويا منتهى

دل من و براز گفتن تو سرد کردم درد ترس از خود پس ای آقای من و ای امیدگاه من و ای منتهای

سؤلي صل على محمد وال محمد وفرق بيني وبين ذنبي المانع من لزوم

خواسته من رحمت فرست بر محمد و آل محمد و جدائی افکن میان من و میان گناه من که بازدارنده است از لزوم

طاعتك فانما اسألك لقديم الرجاء فيك وعظيم

بطاعت تو پس اینست که سوال میکنم از تو بجهت امید دیرینه در تو و ترسیدنم بسوی تو و برای

الطمع منك الذي اوجبته على نفسك من الرأفة والرحمة

طمع بزرگ از تو آنچه را که واجب کردی آنرا بر نفس خود از مهربانی و بخشش است

فالامر لك وحدك لا شريك لك والخلق كلهم عيالك وفي قبضتك

فرمان مر تراست در حالیکه یگانه تو نیست شریکی مر ترا و خلق همه ایشان عیال تو و در دست تو اند

وكل شيء خاضع لك تباركت يا رب العالمين الهي ارحمني اذا انقطعت

و هر چیز فروتنی کننده است برای تو با برکتی تو ای پروردگار عالمیان

بحجتی وكل عن جوابك لسانی وطاش عند سؤالك ایای لبی فیا عظیم
حجت من و کند شود از جواب تو زبان من و بشود نزد سوال کردن تو مرا عقل من پس ای امید بزرگ
رجائی لا تخیبنی اذا اشتدت فاقتی الیك ولا تردنی بجهلی ولا تمنعنی
من نا امید مکن مرا هرگاه سخت شود احتیاج من بسوی تو و برمگردان مرا بجهت نادانی و منع مکن مرا
لقلة صبری اعطنی لفقری وارحمنی لضعفی سیدی علیك معتمدی
بجهت کم بودن شکیبائی من بخشش کن مرا بجهت تنگدستی من رحم کن مرا بجهت ناتوانی من بزرگ من اعتماد من
ومعولی ورجائی وتوكلی وبرحمتك تعلقی وبفنائك
و شوق من و امید من و توکل من و برحمت تست چسبیدن و در پیش درگاه تو
احط رحلی وبجودك اقصد طلبتی وبكرمك ای رب استفتح
فرو می آورم بار خود را و بجهت بخشش تو طلب میکنم حاجت خود را و به بزرگواری تو ای پروردگار طلب گشایش میکنم
دعائی ولدیك ارجو سد فاقتی وبغناك اجبر عیلتی وتحت ظل عفوك
دعای خود را و نزد تو امیدوارم حاجت خود را و به بی نیازی تو تدارک میکنم بسیار شدن خود را و در زیر سایه عفو تو است
قیامی والی جودك وكرمك ارفع بصری والی معروفك ادیم نظری
ایستادن من و بسوی بخشش تو و بزرگواری تو بلند میکنم دیده خود را و بسوی احسان تو همیشه میدارم نظر خود را
فلا تحرقنی بالنار وانت موضع املی ولا تسكنی الهاویة فانك
پس مسوزان مرا به آتش و تو قرارگاه امید منی و ساکن مگردان مرا در دوزخ زیرا که بتحقیق تو
قرة عینی یا سیدی لا تكذب ظنی باحسانك ومعروفك فانك
روشنی دیده منی ای آقای من غلط مساز گمان مرا باحسان و عطای خود زیرا که بتحقیق تو معتمد
ثقتی ورجائی ولا تحرمنی ثوابك فانك العارف بفقری الهی ان كان
و امیدگاه منی و نا امید مکن مرا از پاداش نیک خود زیرا که بتحقیق تو شناسائی باحتیاج من خدای من اگر بوده باشد
قد دنا اجلی ولم یقربنی منك عملی فقد جعلت الاعتراف الیك
که بتحقیق نزدیک شده باشد اجل من و نزدیک نکرده باشد مرا بتو کردار من پس بتحقیق گردانیدم اقرار کردن را بسوی تو

فصل ششم

بِذَنْبِي وَوَسَائِلِي عَلَى الهي اِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ اَوْلَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ وَاِنْ عَذَّبْتَ

فَمَنْ اَعْدَلُ مِنْكَ فِي الْحُكْمِ اِرْحَمْ فِي هٰذِهِ الدُّنْيَا غُرْبَتِي وَعِنْدَ الْمَوْتِ

كُرْبَتِي وَفِي الْقَبْرِ وَحْدَتِي وَفِي اللَّحْدِ وَحْشَتِي وَاِذَا نُشِرْتُ لِلْحِسَابِ بَيْنَ

يَدَيْكَ ذُلَّ مَوْقِفِي وَاغْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَلَى الْآدَمِيِّينَ مِنْ عَمَلِي وَاَدِمْ

لِي مَا بِهِ سَتَرْتَنِي وَارْحَمْنِي صَرِيعاً عَلَى الْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِي اَيْدِي اَحِبَّتِي

وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ مَمْدُوداً عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُغَسِّلُنِي صَالِحُ جِيرَتِي وَتَحَنَّنْ

عَلَيَّ مَحْمُولاً قَدْ تَنَاوَلَ الْاَقْرِبَاءُ اَطْرَافَ جِنَازَتِي وَجُدْ عَلَيَّ مَنْقُولاً

قَدْ نَزَلْتُ بِكَ وَحِيداً فِي حُفْرَتِي وَارْحَمْ فِي ذٰلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ

غُرْبَتِي حَتّٰى لَا اَسْتَاْنِسَ بِغَيْرِكَ يَا سَيِّدِي فَاِنَّكَ اِنْ وَكَلْتَنِي اِلٰى

نَفْسِي هَلَكْتُ سَيِّدِي فَبِمَنْ اَسْتَغِيثُ اِنْ لَمْ تُقِلْنِي عَثْرَتِي وَاِلٰى مَنْ اَفْزَعُ

اِنْ فَقَدْتُ عِنَايَتَكَ فِي ضَجْعَتِي وَاِلٰى مَنْ اَلْتَجِئُ اِنْ لَمْ تُنَفِّسْ كُرْبَتِي

سَيِّدي فَمَنْ لي وَمَنْ يَرْحَمُني اِنْ لَمْ تَرْحَمْني وَفَضْلَ مَنْ اُؤَمِّلُ اِنْ عَدِمْتُ

بزرگ من کیست مرا و که رحم کند مرا اگر رحم نکنی تو مرا و بخشش که را آرزو کنم اگر نیابم

فَضْلَكَ يَوْمَ فاقَتي وَاِلى مَنِ الْفِرارُ مِنَ الذُّنُوبِ اِذَا انْقَضى اَجَلي سَيِّدي

فضل ترا در روز احتیاج خود و بسوی کیست گریز از گناهان هرگاه بپایان رسد اجل من بزرگ من

لا تُعَذِّبْني وَاَنَا اَرْجُوكَ اَللّٰهُمَّ حَقِّقْ رَجائي وَآمِنْ خَوْفي فَاِنَّ كَثْرَةَ

عذاب مکن مرا و من امیدوارم ترا خداوندا درست کن امید مرا و ایمن گردان بیم مرا زیرا که بتحقیق بسیاری

ذُنُوبي لا اَرْجُو فيها اِلّا عَفْوَكَ سَيِّدي اَنَا اَسْاَلُكَ ما لا اَسْتَحِقُّ وَاَنْتَ

گناهان من امید ندارم درباره آنها مگر عفو ترا آقای من من میخواهم آنچه را که سزاوار نیستم و تو

اَهْلُ التَّقْوى وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ فَاغْفِرْ لي وَاَلْبِسْني مِنْ نَظَرِكَ ثَوْباً يُغَطّي

سزاوار پرهیزکاری و سزاوار آمرزشی پس بیامرز مرا و بپوشان مرا از لطف خود جامه که بپوشد

عَلَيَّ التَّبِعاتِ وَتَغْفِرُها لي وَلا اُطالَبُ بِها اِنَّكَ ذُو مَنٍّ قَديمٍ وَصَفْحٍ عَظيمٍ

بر من وبالها را و می آمرزی آنها را برای من و مطالبه کرده نشوم بآنها بدرستیکه صاحب عطای دیرین و درگذشتن بزرگی

وَتَجاوُزٍ كَريمٍ اِلٰهي اَنْتَ الَّذي تُفيضُ سَيْبَكَ عَلى مَنْ لا يَسْاَلُكَ وَعَلَى

و تجاوز گرامی خدایا من تو آنکه روان سازی عطای خود را بر آنکه سوال نکند از تو و بر

الْجاحِدينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ فَكَيْفَ سَيِّدي بِمَنْ سَاَلَكَ وَاَيْقَنَ اَنَّ الْخَلْقَ

آنانکه انکار کنند پروردگاری ترا پس چگونه آقای من نسبت بآنکه سوال کند از تو و یقین دارد که بتحقیق خلق

لَكَ وَالْاَمْرَ اِلَيْكَ تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ يا رَبَّ الْعالَمينَ اِلٰهي وَسَيِّدي

مر تراست و هر کاری بسوی تست پاکی تو و بلندی تو ای پروردگار جهانیان خداوندا من و بزرگ من

عَبْدُكَ بِبابِكَ اَقامَتْهُ الْخَصاصَةُ بَيْنَ يَدَيْكَ يَقْرَعُ بابَ اِحْسانِكَ

بنده ایست بدرگاه تو برپا داشته او را احتیاج در پیش تو میکوبد در احسان ترا

بِدُعائِهِ وَيَسْتَعْطِفُ جَميلَ نَظَرِكَ بِمَكْنُونِ رَجائِهِ فَلا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ

بدعای خود و طلب مهربانی میکند از نیکی نگریستن تو با امید پوشیده خود پس مگردان روی خود را

الكريم عني واقبل مني ما اقول فقد دعوتك بهذا الدعاء وانا ارجو

خود را از من و بپذیر از من آنچه میگویم پس بتحقیق خواندم ترا باین دعا و من امیدوارم

ان لا تردني معرفة مني برافتك ورحمتك الهي انت الذي لا يحفيك سائل

اینکه برنگردانی مرا بجهت شناسائی من بمهربانی تو و بخشش تو خدای من آنکه نمی نجاند ترا سوال کننده

ولا ينقصك نائل انت كما تقول وفوق ما نقول اللهم اني اسألك صبرا

و کم نمی سازد ترا عطای تو چنانکه خود میگوئی و بالای آنچه میگویم خداوندا بدرستیکه من از تو سوال میکنم شکیبائی

جميلا وفرجا قريبا وقولا صادقا واجرا عظيما واسألك يا رب من الخير

نیکو و گشایش نزدیک و گفتار راست و مزد بزرگ و در میخواهم از تو ای پروردگار من از خیر

كله ما علمت منه وما لم اعلم اسألك اللهم من خير ما سألك منه عبادك

همه آنچه دانسته ام از آن و آنچه ندانسته ام از آن سوال میکنم خداوندا بهترین آنچه سوال کرده اند ترا از آن بندگان

الصالحون يا خير من سئل واجود من اعطى اعطني سؤلي في نفسي واهلي

شایسته تو ای بهتر کسیکه سوال کرده شد و بخشنده تر کسیکه بخشش کرد عطا کن بمن خواهش مرا در نفس من و اهل من

ووالدي وولدي واهل حزانتي واخواني فيك وارغد عيشي واظهر مروتي

و مادر و پدر و فرزندان من و عیال من و برادران من در راه تو و خوش کن زندگانی مرا و ظاهر ساز مروت

واصلح جميع احوالي واجعلني ممن اطلت عمره وحسنت عمله واتممت

و باصلاح آور همه حالهای مرا و بگردان مرا از آنکه دراز کرده عمرش را و نیکو کرده عملش را و تمام کرده

عليه نعمتك ورضيت عنه واحييته حيوة طيبة في ادوم السرور

واسبغ الكرامة واتم العيش انك تفعل ما تشاء ولا يفعل ما يشاء غيرك

اللهم وخصني منك بخاصة ذكرك ولا تجعل شيئا مما اتقرب به اليك

في آناء الليل وأطراف النهار بلا رياء ولا سمعة ولا أشر ولا بطر واجعلني

در ساعتهای شب و طرفهای روز بی ریا و بی سمعه و بی زیادتی خوشی و بی طغیان و بگردان مرا

لك من الخاشعين اللهم أعطني السعة في الرزق والأمن في الوطن

از برای خود از جمله فروتنی کنندگان خدایا عطا کن مرا فراخی در روزی و ایمنی در وطن

وقرة العين في الأهل والمال والولد والمقام في نعمك عندي والصحة

و روشنی دیده در اهل و مال و فرزندان و درنگ کردن در نعمتهای تو که نزد من است و صحت

في الجسم والقوة في البدن والسلامة في الدين واستعملني بطاعتك

در جسد و توانائی در بدن و سلامتی در دین و بکار دار مرا بطاعت خود

وطاعة رسولك محمد صلى الله عليه وأهل بيته أبدا ما استعمرتني

و طاعت رسول خود محمد رحمت فرستاد خدا بر او و بر خاندان او همیشه تا دام که زنده داری مرا

واجعلني من أوفر عبادك عندك نصيبا في كل خير أنزلته وتنزله في شهر

و بگردان مرا از وافرترین بندگان خود نزد خود از روی بهره در هر نیکی که فرو فرستادی آنرا و فرو فرستی آنرا

رمضان في ليلة القدر وما أنت منزله في كل سنة من رحمة تنشرها وعافية

رمضان در شب قدر و آنچه تو فرود آورنده آنرا در هر سال از رحمتی که پراکنده کنی آنرا و عافیتی

تلبسها وبلية تدفعها وحسنات تتقبلها وسيئات تتجاوز عنها وارزقني

که بپوشانی آنرا و بلای که دفع کنی آنرا و نیکیهای که بپذیری آنرا و بدیها که درگذری از آنها و روزی کن مرا

حج بيتك الحرام في عامنا هذا وفي كل عام وارزقني رزقا واسعا من

حج خانه محترم خود در سال ما این سال و در هر سالی و روزی کن مرا روزی فراخی از

فضلك الواسع واصرف عني يا سيدي الأسواء واقض عني الدين والظلامات

فضل فراخ خود و بگردان از من ای آقای من بدیها را و قضا کن از من قرض و ستمها را

حتى لا أتأذى بشيء منه وخذ عني بأسماع وأبصار أعدائي

تا آنکه ضرر نیابم به هیچ چیز از آن و فرا گیر از من گوشهای مخالفان مرا و دیدهای دشمنان مرا

وحسّادي والباغين عليّ وانصرني عليهم واقرّ عيني وحقّق ظنّي ووجّه

و بدخواهان مرا و آنانکه ستم کنند بر من و یاری ده مرا بر ایشان و روشن ساز دیده مرا و درست کن گمان مرا

قلبي واجعل لي من همّي وكربي فرجاً ومخرجاً واجعل من ارادني بسوء

دل مرا و بگردان برای من از غم من و اندوه من گشایشی و بیرون شدنی و بگردان هر که آهنگ کند مرا به بدی

من جميع خلقك تحت قدمي واكفني شرّ الشيطان وشرّ السلطان

از همه خلق تو در زیر قدمهای من و دفع کن از من گزند شیطان و گزند پادشاه

وسيّئات عملي وطهّرني من الذنوب كلّها واجرني من النار بعفوك

و بدیهای کردار مرا و پاک گردان مرا از گناهان همه آنها و زنهار ده مرا از آتش بعفو خود

وادخلني الجنّة برحمتك وزوّجني من الحور العين بفضلك والحقني

و درآور مرا در بهشت برحمت خود و زنی ده مرا از سیاه دیدگان فراخ چشم بفضل خود و در پیوند مرا

باوليائك الصالحين محمّد وآله الابرار الطيّبين الطاهرين الاخيار

بدوستان خود شایسته محمد و آل او که نیکانند پاکانند پاکیزگانند نیکوکارانند

صلوات الله عليهم وعلى ارواحهم واجسادهم ورحمة الله وبركاته الهي

رحمتهای خدا بر ایشان باد و بر نفوس ایشان و بدنهای ایشان و رحمت خدا و برکتهای

وسيّدي وعزّتك وجلالك لئن طالبتني بذنوبي لاطالبنّك بعفوك

و مهتر من قسم بعزت و بزرگواری تو که اگر مطالبه کنی مرا بگناهان من البته مطالبه کنم ترا بعفو تو

ولئن طالبتني بلؤمي لاطالبنّك بكرمك ولئن ادخلتني النار

و اگر مطالبه کنی مرا بلئامت من البته مطالبه کنم ترا به بزرگواری تو و اگر درآوری مرا در آتش

لاخبرنّ اهل النار بحبّي لك الهي وسيّدي ان كنت لا تغفر الّا

البته خبر دهم اهل آتش را بدوستی من ترا ای خدای من و مهتر من اگر هستی که نیامرزی مگر

لاوليائك واهل طاعتك فالى من يفزع المذنبون وان كنت

دوستان خود را و اهل طاعت خود را پس بسوی که پناه برند گناهکاران و اگر بوده باشی

لا تُكْرِمُ اِلّا اَهْلَ الْوَفاءِ لَكَ فَبِمَنْ يَسْتَغيثُ الْمُسيئُونَ اِلهى اِنْ اَدْخَلْتَنِى

که گرامی نداری مگر آنان که وفا کردند بعهد تو پس بکه استغاثه نمایند بدکاران خدایا من اگر در آوری مرا

النّارَ فَفى ذلِكَ سُرُورُ عَدُوِّكَ وَاِنْ اَدْخَلْتَنِى الْجَنَّةَ فَفى ذلِكَ سُرُورُ

در آتش پس در ان شادی دشمن تست واگر در آوری مرا در بهشت پس در ان شادی

نَبِيِّكَ وَاَنَا وَاللهِ اَعْلَمُ اَنَّ سُرُورَ نَبِيِّكَ اَحَبُّ اِلَيْكَ مِنْ سُرُورِ عَدُوِّكَ

پیغمبر تست و من قسم بخدا میدانم که تحقیق شادی پیغمبر تو دوست تر است بسوی تو از شادی دشمن تو

اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ اَنْ تَمْلَأَ قَلْبى حُبّاً لَكَ وَخَشْيَةً مِنْكَ وَتَصْديقاً

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو آنکه پر کنی دل مرا از دوستی خود و ترس از خود و باور داشتن

بِكِتابِكَ وَاِيماناً بِكَ وَفَرَقاً مِنْكَ وَشَوْقاً اِلَيْكَ يا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ

کتاب خود و گرویدن بخود و بیم نمودن از خود و آرزومندی بسوی خود ای خداوند بزرگواری و گرامی کردن

حَبِّبْ اِلَىَّ لِقائَكَ وَاَحْبِبْ لِقائى وَاجْعَلْ لى فى لِقائِكَ الرّاحَةَ

دوست گردان بسوی من ملاقات خود را و دوست دار ملاقات مرا و بگردان برای من در ملاقات خود آسایش

وَالْفَرَجَ وَالْكَرامَةَ اَللّهُمَّ اَلْحِقْنى بِصالِحِ مَنْ مَضى وَاجْعَلْنى مِنْ صالِحِ

و گشادگی و نوازش بار خدایا ملحق ساز مرا به نیکوکاران که گذشته و بگردان مرا از جمله نیکوکاران

مَنْ بَقِىَ وَخُذْ بى سَبيلَ الصّالِحينَ وَاَعِنّى عَلى نَفْسى بِما تُعينُ بِهِ

که باقی مانده و بدار مرا براه شایستگان و یاری کن مرا بر نفس من بانچه یاری میکنی بآن

الصّالِحينَ عَلى اَنْفُسِهِمْ وَلا تَرُدَّنى فى سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنى مِنْهُ وَاخْتِمْ

شایستگان را بر نفسهای ایشان و بر مگردان مرا در بدیهای که خلاصی و نجات دادی مرا از ان و ختم کن

عَمَلى بِاَحْسَنِهِ وَاجْعَلْ ثَوابى مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ يا رَبَّ

کردار مرا به نیکوترین آن و بگردان پاداش مرا از ان بهشت را برحمت خود ای پروردگار

الْعالَمينَ وَاَعِنّى عَلى صالِحِ ما اَعْطَيْتَنى وَثَبِّتْنى يا رَبِّ وَلا تَرُدَّنى

عالمیان و مدد کن مرا بر شایسته آنچه عطا کردی مرا و ثابت دار مرا ای پروردگار من بر مگردان مرا

فِي سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ اِيمَاناً لَا اَجَلَ لَهُ دُونَ
در ناخوشی که رهانیدی مرا از آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو ایمانی که نباشد نهایتی از برای آن پیش از
لِقَائِكَ اَحْيِنِي مَا اَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ وَتَوَفَّنِي اِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ وَابْعَثْنِي اِذَا
ملاقات تو زنده دار مرا تا وقتیکه زنده داری مرا بر آن و بمیران مرا هرگاه بمیرانی مرا بر آن و برانگیز مرا هرگاه
بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ وَاَبْرِئْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَالشَّكِّ وَالسُّمْعَةِ فِي دِينِكَ حَتّٰى
برانگیزی مرا بر آن و خالی کن دل مرا از ریا کردن و شک نمودن و سمعه کردن در دین تو تا آنکه
يَكُونَ عَمَلِي خَالِصاً لَكَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ وَفَهْماً فِي حُكْمِكَ
بوده باشد کردار من خالص برای تو خداوندا ببخش مرا بینائی در دین خود و دریافتی در حکم خود
وَفِقْهاً فِي عِلْمِكَ وَكِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَوَرَعاً يَحْجُزُنِي عَنْ مَعَاصِيكَ
و دانشی در علم خود و دو نصیب از رحمت خود و پرهیزکاری که بازدارد مرا از نافرمانی تو
وَبَيِّضْ وَجْهِي بِنُورِكَ وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ وَتَوَفَّنِي فِي
و سفید کن روی مرا بروشنائی خود و بگردان رغبت مرا در آنچه نزد تست و بمیران مرا در
سَبِيلِكَ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي
راه خود و بر دین فرستاده خود رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او خداوندا بدرستیکه
اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَشَلِ وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْغَفْلَةِ وَ
پناه میگیرم بتو از کاهلی و ناتوانی و اندوه و بددلی و بخیلی و بیخبری و
الْقَسْوَةِ وَالذِّلَّةِ وَالْمَسْكَنَةِ وَالْفَقْرِ وَالْفَاقَةِ وَكُلِّ بَلِيَّةٍ وَالْفَوَاحِشِ
سخت دلی و خواری و بیچیزی و حاجتمندی و تنگدستی و هر بلائی و هر زشتی
كُلِّهَا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ وَبَطْنٍ
همه آنها آنچه آشکار باشد از آنها و آنچه پنهان باشد و پناه میبرم بتو از نفسی که قناعت نکند و شکمی که
لَا يَشْبَعُ وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ وَصَلٰوةٍ لَا تُرْفَعُ
سیر نشود و دلی که نترسد و دعائی که شنیده نشود و عملی که نفع ندهد و نمازی که بالا برده نشود

واعوذ بك يا رب على نفسي وولدي وديني ومالي وعلى جميع

وپناه میگیرم بسوی تو ای پروردگار من بر نفس خود و فرزند خود و دین خود و مال خود و بر همه

ما رزقتني من الشيطان الرجيم انك انت السميع العليم اللهم انه

انچه روزی کردی مرا از شیطان رانده شده بدرستیکه تو توئی شنوای دانا خداوندا بتحقیق

لا يجيرني منك احد ولا اجد من دونك ملتحدا فلا تجعل نفسي

امان نمیدهد مرا از تو هیچکس و نمی یابم از غیر تو پناهی پس مگردان نفس مرا

في شيء من عذابك ولا تردني بهلكة ولا تردني بعذاب

در چیزی از عذاب خود و بر مگردان مرا بهلاکت و بر مگردان مرا بعذاب

اليم اللهم تقبل مني واعل ذكري وارفع درجتي وحط وزري

دردناک خداوندا به پذیر از من و بلند کن ذکر مرا و رفیع کن مرتبه مرا و فرو گذار بار گران مرا

ولا تذكرني بخطيئتي واجعل ثواب مجلسي وثواب منطقي و

و نیاد کن مرا بخطای من و بگردان ثواب نشستن مرا و ثواب گفتار مرا و

ثواب دعائي رضاك والجنة واعطني يا رب جميع ما سألتك وزدني

جزای دعای مرا خوشنودی خود و بهشت را ببخش مرا ای پروردگار من همه انچه سوال کردم از تو و زیاده کن مرا

من فضلك اني اليك راغب يا رب العالمين اللهم انك انزلت في

از بخشش خود بدرستیکه من بسوی تو خواهشمندم ای پروردگار جهانیان خداوندا بدرستیکه تو فرو فرستادی در

كتابك العفو وامرتنا ان نعفو عمن ظلمنا وقد ظلمنا انفسنا فاعف

کتاب خود عفو را و امر کردی ما را انکه درگذریم از انکه ستم کرده ما را و بتحقیق ستم کردیم ما بر نفسهای خود پس درگذر

عنا فانك اولى بذلك منا وامرتنا ان لا نرد سائلا عن ابوابنا

از ما پس بتحقیق تو سزاوارتری باین گذشتن از ما و امر کردی ما را انکه برنگردانیم خواهنده را از درهای خود

وقد جئتك سائلا فلا تردني الا بقضاء حاجتي وامرتنا

و بتحقیق امده ام ترا درخواهنده پس مگردان مرا مگر بروا کردن حاجت من و امر کردی ما را

بالاحسان الى ما ملكت ايماننا ونحن ارقاؤك فاعتق رقابنا من

به نیکوئی کردن بسوی آنچه مالک است دست راست ما و مائیم کنیزان تو پس آزاد کن گردنهای ما را از

النار يا مفزعي عند كربتي ويا غوثي عند شدتي اليك

آتش ای پناه من نزد اندوه من وای فریادرس من نزد سختی من بسوی تو

فزعت وبك استغثت ولذت لا الوذ بسواك ولا اطلب الفرج

پناه آورده ام و بتو استغاثه نموده ام و پناه گرفتم پناه نمیگیرم بغیر تو و سوال نمیکنم گشایش را

الا منك فاغثني وفرج عني يا من يقبل اليسير ويعفو عن

مگر از تو پس بفریادرس مرا و زائل کن از من ای آنکه می پذیرد اندک را و در میگذرد از

الكثير اقبل مني اليسير واعف عني الكثير انك انت الرحيم الغفور

گناه بسیار بپذیر از من اندک را و درگذر از گناه بسیار در ستیکه توئی مهربان آمرزنده

اللهم اني اسألك ايمانا تباشر به قلبي ويقينا صادقا حتى

خدایا بدرستیکه من می خواهم از تو ایمانی که مباشرت کنی آن دل مرا و یقین راست درستی تا اینکه

اعلم انه لن يصيبني الا ما كتبت لي ورضني من العيش بما قسمت

بدانم اینکه نمیرسد مرا مگر آنچه تقدیر نموده برای من و خوشنود ساز مرا از زندگی بآنچه قسمت کرده

لي يا ارحم الراحمين ومختصرترین دعاهای سحر این است

برای من ای بخشنده ترین بخشندگان

يا مفزعي عند كربتي ويا غوثي عند شدتي اليك فزعت و

ای پناه من نزد اندوه من و ای فریادرس من نزد سختی من بسوی تو پناه آورده ام و

بك استغثت وبك لذت لا الوذ بسواك ولا اطلب الفرج

استغاثه نموده ام و بتو پناه آورده ام پناه نمیگیرم بغیر تو و طلب نمیکنم گشایش

الا منك فاغثني وفرج عني يا من يقبل اليسير ويعفو عن الكثير

مگر از تو پس بفریادرس مرا و زائل کن از من ای کسی که می پذیرد اندک را و درمیگذرد از گناه بسیار

رمضان

اقبل منّي اليسير واعف عنّي الكثير انّك انت الغفور الرّحيم اللّهمّ انّي

بپذیر از من اندک را و عفو کن از من گناه بسیار بدرستیکه توئی آمرزنده کار مهربان خداوندا بدرستیکه من

اسألك ايماناً تباشر به قلبي ويقيناً صادقاً حتّى اعلم انّه لن يصيبني

درخواهم از تو ایمانی که مباشر آید گنجی دل مرا و یقینی است تا آنکه بدانم اینکه بتحقیق نمیرسد مرا

الّا ما كتبت لي ورضّني من العيش بما قسمت لي يا ارحم الرّاحمين

مگر آنچه تقدیر کرده برای من و خوشنود ساز مرا از زندگانی بآنچه قسمت کرده برای من ای بخشاینده ترین بخشایندگان

يا عدّتي في كربتي ويا صاحبي في شدّتي ويا وليّي في نعمتي ويا

ای ذخیره من در اندوه من و ای یار من در سختی من ای کفایت کننده من در نعمت من ای

غايتي في رغبتي انت السّاتر عورتي والآمن روعتي والمقيل

منتهای مطلب من در خواهش من توئی پوشاننده امر زشت مرا و ایمنی بخشنده خوف مرا و درگذرنده

عثرتي فاغفر لي خطيئتي يا ارحم الرّاحمين

لغزش مرا پس بیامرز گناه مرا ای بخشاینده ترین بخشایندگان

واما دعاهای هر روز ماه مبارک رمضان بسند معتبر منقول است که حضرت امام زین العابدین

و امام محمد باقر صلوات الله علیهما در هر روز ماه مبارک این دعا میخواندند

اللّهمّ هذا شهر رمضان الّذي انزلت فيه القرآن هدىً للنّاس

بار خدایا این ماه رمضان است که فرو فرستادی در آن قرآن را در حالیکه راهنمای مردمان است

وبيّنات من الهدى والفرقان وهذا شهر الصّيام وهذا شهر القيام

و نشانهای روشن است از راه نمائی و جدا کننده حق از باطل و این ماه روزه داشتن است و این ماه بر پا ایستادن

وهذا شهر الانابة وهذا شهر التّوبة وهذا شهر المغفرة والرّحمة

و این ماه بازگشت است و این ماه توبه است و این ماه آمرزش و بخشایش است

وهذا شهر العتق من النّار والفوز بالجنّة وهذا شهر فيه

و این ماه آزادی از آتش و رستگاری به بهشت و این ماهی است که در آن

وذا النّون اذ ذهب مغاضباً فظنّ ان لن نقدر عليه فنادى في الظّلمات ان لا اله الّا انت سبحانك انّي كنت من الظّالمين فاستجبنا له ونجّيناه من الغمّ وكذلك ننجي المؤمنين وزكريّا اذ نادى ربّه ربّ لا تذرني فرداً وانت خير الوارثين

رمضان

ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر گاه ...

ليلة القدر التي هي خير من الف شهر اللهم صل على محمد وال

شب قدری را که آن بهترست از هزار ماه خداوندا بفرست رحمت بر محمد و آل

محمد واعني على صيامه وقيامه وسلمه لي وسلمني فيه واعني عليه

محمد و مدد کن مرا بر روزه داشتن و بر پا ایستادن در آن و سالم دار آن را برای من و سالم دار مرا در آن و مدد کن مرا بر آن

بافضل عونك ووفقني فيه لطاعتك وطاعة رسولك واوليائك

به نیکوترین مدد خود و توفیق ده مرا در آن بر طاعت خود و طاعت رسول خود و دوستان خود

صلوات الله عليه وعليهم وفرغني فيه لعبادتك ودعائك وتلاوة

رحمتهای خدا بر او و بر ایشان و فارغ دار دل مرا در آن بجهت عبادت خود و دعای خود و خواندن

كتابك وعظم لي فيه البركة واحسن لي فيه العافية واجزل لي

کتاب خود و بزرگ گردان برای من در آن برکت را و نیکو گردان برای من در آن عافیت را و نگاهدار برای

فيه التوبة واصح لي فيه بدني واوسع لي فيه رزقي واكفني فيه

در آن توبه او سالم دار برای من در آن بدن مرا و فراخ کن برای من در آن روزی مرا و دفع کن از من

ما اهمني واستجب فيه دعائي وبلغني فيه رجائي اللهم صل على

آنچه غمگین نماید مرا و بپذیر در آن دعای مرا و برسان مرا در آن بامید من خداوندا رحمت بفرست

محمد وال محمد واذهب عني فيه النعاس والكسل والسامة والفترة

محمد و آل محمد و ببر از من در آن خواب سبک و کاهلی و ملال و سستی

والقسوة والغفلة والغرة وجنبني فيه العلل والاسقام والهموم

و سختی دل و بیخبری و فریفتگی را و دور گردان از من در آن علتها و بیماری ها و غم ها

والاحزان والاعراض والامراض والخطايا والذنوب واصرف عني فيه

و اندوه ها و حوادث و مرض ها و خطا ها و گناه ها و بگردان از من در آن

السوء والفحشاء والجهد والبلاء والتعب والعناء انك سميع الدعاء

بدی و زشتی و مشقت و بلا و رنجی و رنجوری بدرستیکه تو شنونده دعائی

اللهم صل علی محمد وآل محمد واعذنی فیه من الشیطان الرجیم و

خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد و پناه ده مرا در آن از دیو رانده شده و

همزه ولمزه ونفثه ونفخه ووسوسته وتثبیطه وبطشه وکیده ومکره

بدگوئی وعیب جوئی او و دمیدن او و وسوسه او و کاهلی گردانیدن او و حمله کردن او و حیله او و مکر او

وحبائله وخدعه وامانیه وغروره وفتنته وشرکه واحزابه

و دامهای او و فریبهای او و آرزوهای او و فریبندگی او و آشوب او و دامهای او و یاران او

واتباعه واشیاعه واولیائه وشرکائه وجمیع مکائده اللهم

و تابعان او و پیروان او و دوستان او و انبازان او و همه مکرهای او بارخدایا

صل علی محمد وآل محمد وارزقنا قیامه وصیامه وبلوغ الامل

رحمت بفرست بر محمد وآل محمد و روزی کن ما را نماز آن و روزه آن و رسیدن بآرزو

فیه وفی قیامه واستکمال ما یرضیک عنی صبرا واحتسابا

در آن و در نماز آن و تمام کردن آنچه خوشنود سازد ترا از من از روی شکیبائی و خالص کردن

وایمانا ویقینا ثم تقبل ذلک منی بالاضعاف الکثیرة والاجر العظیم

و گرویدن و یقین پس پذیر آنرا از من باضعاف بسیار و مزد بزرگ

یا رب العالمین اللهم صل علی محمد وآل محمد وارزقنی الحج والعمرة

ای پروردگار جهانیان خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد و روزی کن مرا حج و عمره

والجد والاجتهاد والقوة والنشاط والانابة والتوبة والتوفیق

و سعی کردن و کوشش نمودن و توانائی و حرص و بازگشت و توبه و نیک مهیا کردن اسباب طاعت

والقربة والخیر المقبول والرهبة والرغبة والتضرع والخشوع

و نزدیکی و نیکی پذیرفته و ترس و خواهشمندی و زاری نمودن و فروتنی

والرقة والنیة الصادقة وصدق اللسان والوجل منک والرجاء لک

و نرم دلی و نیت درست و راستی زبان و بیم داشتن از تو و امید داشتن مر ترا

وَالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ وَالثِّقَةِ بِكَ وَالْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِكَ مَعَ صَالِحِ الْقَوْلِ

و توکل نمودن بر تو و اعتماد داشتن بتو و پرهیزیدن از محرمات تو با کلام شایسته

وَمَقْبُولِ السَّعْيِ وَمَرْفُوعِ الْعَمَلِ وَمُسْتَجَابِ الدَّعْوَةِ وَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ شَيْءٍ

و حرکت پذیرفته و عمل بالا برده شده و دعای اجابت کرده شده و حائل مگردان میان من و میان چیزی

مِنْ ذَلِكَ بِعَرَضٍ وَلَا مَرَضٍ وَلَا هَمٍّ وَلَا غَمٍّ وَلَا غَفْلَةٍ وَلَا نِسْيَانٍ بَلْ

از آنچه درخواستم من حادثه و نه بیماری و نه اندوهی و نه غمی و نه بیخبری و نه فراموشی بلکه

بِالتَّعَاهُدِ وَالتَّحَفُّظِ لَكَ وَفِيكَ وَالرِّعَايَةِ لِحَقِّكَ وَالْوَفَاءِ بِعَهْدِكَ

معامله کن با من بتوفیق ملاحظه کردن خود و نگاه داشتن برای تو و در راه تو و رعایت کردن حق تو و وفا نمودن بعهد تو

وَوَعْدِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و وعده تو برحمت تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

وَاقْسِمْ لِي فِيهِ أَفْضَلَ مَا تَقْسِمُهُ لِعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَعْطِنِي فِيهِ أَفْضَلَ

و قسمت کن مرا در این ماه بهترین آنچه قسمت کنی آن را برای بندگان شایسته خود و ببخش مرا در آن بهترین

مَا تُعْطِي أَوْلِيَاءَكَ الْمُقَرَّبِينَ مِنَ الرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ وَالتَّحَنُّنِ وَالْإِجَابَةِ

آنچه ببخشی مر دوستان نزدیک خود را از بخشش و آمرزش و مهربانی و پذیرفتن

وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ الدَّائِمَةِ وَالْعَافِيَةِ وَالْمُعَافَاةِ وَالْعِتْقِ مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزِ

و درگذشتن و آمرزش همیشه و عافیت و معافات و آزادی از آتش و رستگاری

بِالْجَنَّةِ وَخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ

ببهشت و خیر اینجهان و آن جهان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان

دُعَائِي فِيهِ إِلَيْكَ وَاصِلًا وَرَحْمَتَكَ وَخَيْرَكَ إِلَيَّ فِيهِ نَازِلًا وَعَمَلِي فِيهِ

دعای مرا در آن بسوی خود رسنده و رحمت خود را و خیر خود را بسوی من در آن فرود آینده و کردار مرا در آن

مَقْبُولًا وَسَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا وَذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا حَتَّى يَكُونَ نَصِيبِي

پذیرفته و کوشش مرا در آن جزا داده شده و گناه مرا در آن آمرزیده تا آنکه بوده باشد نصیب من

فيه الاكبر وحظّي فيه الاوفر اللهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد ووفّقني

دران بزرگتر و بهره من دران تمام تر خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و توفيق ده مرا

فيه لليلة القدر على افضل حال تحبّ ان يكون عليها احد من اوليائك

دران از براى شب قدر بر بهترين حالى كه دوست ميدارى كه بوده باشد بران حال يكى از دوستان تو

وارضاها لك ثمّ اجعلها لي خيرا من الف شهر وارزقني فيها افضل

و پسنديده ترين آن براى تو پس گردان آن شب را براى من بهتر از هزار ماه و روزى كن مرا دران شب بهتر

ما رزقت احدا ممّن بلّغته ايّاها واكرمته بها واجعلني فيها من

از انچه روزى كرده كسى را از انكه رسانيدى ايشان را بان شب قدر و گرامى داشتى ايشان را بان شب و گردان مرا دران

عتقائك من جهنّم وطلقائك من النار وسعداء خلقك بمغفرتك

آزاد شدگان خود از دوزخ و رها كردگان خود از آتش و نيكبختان خلق خود بآمرزش خود

ورضوانك يا ارحم الراحمين اللهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد وارزقنا

و خوشنودى خود اى بخشاينده ترين بخشايندگان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و روزى كن ما را

في شهرنا هذا الجدّ والاجتهاد والقوّة والنشاط وما تحبّ وترضى

درين ماه ما اين ماه سعى و كوشش و توانايى و خرمى و انچه دوست دارى و بپسندى

اللهمّ ربّ الفجر وليال عشر والشفع والوتر وربّ شهر رمضان وما

خداوندا اى پروردگار سپيده دم و شبهاى ده گانه و شفع و وتر و صاحب ماه رمضان و انچه

انزلت فيه من القرآن وربّ جبرئيل وميكائيل واسرافيل وعزرائيل

فرو فرستادى دران كه قرآن است و پروردگار جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل و عزرائيل

وجميع الملائكة المقرّبين وربّ ابراهيم واسماعيل واسحاق

و همه فرشتگان نزديكان و پروردگار ابراهيم و اسمعيل و اسحق

ويعقوب وربّ موسى وعيسى وجميع النبيّين والمرسلين وربّ محمّد

و يعقوب و پروردگار موسى و عيسى و همه پيغمبران و فرستادگان و پروردگار محمد

خاتم النبيين صلواتك عليه وآله وعليهم اجمعين واسألك

آخر پیغمبران رحمتهای تو باد بر او و بر آل او و بر ایشان همه ایشان و درخواهم از تو

بحقهم عليك وبحقك العظيم عليهم لما صليت عليه وآله وعليهم

بحق ایشان بر تو و بحق بزرگ تو بر ایشان که رحمت کنی بر او و آل او

اجمعين ونظرت الى نظرة رحيمة

همه ایشان و نظر افکنی بسوی من نظر با شفقت

ابدا واعطيتني جميع سؤلي ورغبتي وامنيتي وارادتي وصرفت عني

هرگز و عطا کنی مرا تمام خواسته مرا و خواهش مرا و آرزوی مرا و مقصود مرا و بگردانی از من

ما اكره واحذر واخاف على نفسي وما لا اخاف وعن اهلي و

آنچه ناخوش دارم و بیم نمایم و بترسم بر نفس خود و آنچه نترسم و از خاندان من و

مالي واخواني وذريتي اللهم اليك فررنا من ذنوبنا فاونا

مال من و برادران من و خواهران من و اولاد من خداوندا بسوی تو گریختیم از گناهان خود پس جای ده ما را

تائبين وتب علينا مستغفرين واغفر لنا متعوذين فاعذنا

در حالیکه بوده باشیم توبه کنندگان و بپذیر توبه ما را در حالیکه بوده باشیم طلب آمرزش نمایندگان و بیامرز ما را در حالیکه بوده باشیم پناه برنده

مستجيرين فاجرنا مستسلمين ولا تخذلنا راهبين فامنا

در حالیکه پناه جوینده باشیم و زنهار ده ما را در حالیکه گردن نهاده باشیم و خوار مکن ما را در حالیکه ترسان باشیم پس امان ده ما را

راغبين وشفعنا سائلين فاعطنا انك سميع الدعاء قريب

در حالیکه رغبت کننده باشیم و قبول کن شفاعت ما را در حالیکه سوال کننده باشیم پس ببخش ما را بدرستیکه تو شنونده دعائی نزدیک

مجيب اللهم انت ربي وانا عبدك واحق من سأل العبد ربه

اجابت کننده خداوندا تو پروردگار منی و من بنده توام و سزاوارتر کسیکه سوال کند او را بنده پروردگار

ولم يسأل العباد مثلك كرما وجودا يا موضع شكوى السائلين

و سوال نکردند بندگان مانند ترا در بزرگواری و بخشش ای محل شکایت درخواهندگان

وَيَا مُنْتَهَى حَاجَةِ الرَّاغِبِينَ وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ

واى منتهى حاجت خواهشمندان واى فريادرس فريادخواهان واى اجابت كننده دعاى

الْمُضْطَرِّينَ وَيَا مَلْجَأَ الْهَارِبِينَ وَيَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَيَا رَبَّ

درماندگان واى پناه گريزندگان واى دادرس دادخواهان واى پروردگار

الْمُسْتَضْعَفِينَ وَيَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ وَيَا فَارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ

ناتوانان واى رفع نماينده اندوه اندوهناكان واى گشاينده غم غمناكان

وَيَا كَاشِفَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا أَرْحَمَ

واى رفع نماينده اندوه بزرگ واى خدا اى بخشاينده اى مهربان اى بخشنده ترين

الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي

بخشندگان خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وبيامرز براى من گناهان مرا

وَعُيُوبِي وَإِسَاءَتِي وَظُلْمِي وَجُرْمِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَارْزُقْنِي

وعيبهاى مرا وبدى مرا وستم نمودن مرا وگناه مرا وزيادتى نمودن مرا بر نفس خود وروزى ده مرا

مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ فَإِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا غَيْرُكَ وَاعْفُ عَنِّي

از فضل خود وبخشش خود زيرا كه تحقيقا مالك نيست آنها را غير تو ودرگذر از من

كُلَّ مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَاعْصِمْنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَاسْتُرْ عَلَيَّ

هرانچه را كه گذشته از گناهان ونگاهدار مرا در انچه باقى مانده از عمرم وبپوشان بر

وَعَلَى وَالِدَيَّ وَوَلَدِي وَقَرَابَتِي وَأَهْلِ حُزَانَتِي وَمَنْ كَانَ مِنِّي

وبر پدر ومادر من وفرزندان من وخويشان من واهل غمخوارى من واگر بوده باشد از من

بِسَبِيلٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِنَّ ذٰلِكَ

در راهى از مردان گرونده وزنان گرونده در اينجهان ودرانجهان زيرا كه تحقيق ان

كُلَّهُ بِيَدِكَ وَأَنْتَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ فَلَا تُخَيِّبْنِي يَا سَيِّدِي وَلَا تَرُدَّ دُعَائِي

همه بدست تو وتو فراگيرنده آمرزشى پس نااميد مكن مرا اى آقاى من وبرمگردان دعاى مرا

قالوا أنطعم من لو يشاء الله أطعمه إن أنتم إلا في ضلال مبين ويقولون متى هذا الوعد إن كنتم صادقين ما ينظرون إلا صيحة واحدة تأخذهم وهم يخصمون فلا يستطيعون توصية ولا إلى أهلهم يرجعون ونفخ في الصور فإذا هم من الأجداث إلى ربهم ينسلون

وَلَا تَرُدَّ يَدَيَّ إِلَى نَحْرِي حَتَّى تَفْعَلَ ذَلِكَ بِي وَتَسْتَجِيبَ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ

و بر مگردان دست مرا بسوی سینه من تا آنکه بکنی آن را که از تو خواستم با من و مستجاب کنی برای من همه آنچه سؤال کردم از تو

وَتَزِيدَنِي مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَنَحْنُ إِلَيْكَ رَاغِبُونَ

و زیاده کنی مرا از بخشش خود زیرا که بتحقیق تو بر همه چیز توانائی و ما بسوی تو خواهشمندیم

اللَّهُمَّ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ

خداوندا مر تراست نامهای نیک و داستانهای بلند و بزرگواری

وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنْ كُنْتَ قَضَيْتَ

و نعمتها سؤال میکنم از تو بنام تو بنام خدای بخشاینده مهربان اگر بوده باشی که حکم کرده باشی

فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ تَنَزُّلَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

در این شب فرود آمدن فرشتگان و روح را در آن آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي

محمد و آنکه بگردانی نام مرا در دیوان نیکبختان و نفس مرا با شهیدان و نیکوئی مرا در

عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي

علیین و بدی مرا آمرزیده و آنکه ببخشی مرا یقینی که مباشرت کند بآن دل من

وَإِيمَاناً لَا يَشُوبُهُ شَكٌّ وَرِضًى بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي

و ایمانی که نیامیزد آنرا هیچ شکی و خوشنودی بآنچه قسمت کرده برای من و بده مرا در این جهان نیکی

الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِي عَذَابَ النَّارِ وَإِنْ لَمْ تَكُنْ قَضَيْتَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ

و در آخرت نیکوئی و نگاه دار مرا از عذاب آتش و اگر نبوده باشی که حکم کرده باشی در این شب

تَنَزُّلَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا فَأَخِّرْنِي إِلَى ذَلِكَ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ

فرود آمدن ملائکه و روح در آن پس تأخیر انداز مرا تا آن شب و روزی کن مرا در آن یاد خود

وَشُكْرَكَ وَطَاعَتَكَ وَحُسْنَ عِبَادَتِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ

و سپاسگذاری خود و فرمانبرداری خود و نیکو پسندیدن عبادت خود و رحمت فرست بر محمد و آل محمد بهترین

صلواتك يا ارحم الراحمين يا احد يا صمد يا رب محمد وال محمد اغضب

رحمتهای خود ای بخشنده ترین بخشایندگان ای یگانه ای پناه نیازمندان ای پروردگار محمد و آل محمد خشم گیر در این

اليوم لمحمد ولابرار عترته واقتل اعداءهم بددا واحصهم عددا

روز بجهت محمد و بجهت نیکوکاران اولاد او و بکش دشمنان ایشان را حالی آنکه متفرق باشند و دریاب ایشان را بشمار

ولا تدع على ظهر الارض منهم احدا ولا تغفر لهم ابدا يا حسن

و وامگذار بر پشت زمین از ایشان کسی را و میامرز ایشان را هرگز ای نیکو

الصحبة يا خليفة النبيين انت ارحم الراحمين البدئ البديع الذي

مصاحبت ای خلیفه پیغمبران تو بخشنده ترین بخشایندگانی آفریدگاری پدید آورنده که

ليس كمثله شئ والدائم غير الغافل والحي الذي لا يموت انت كل يوم

نیست مانند او هیچ چیز و همیشه موجودی که نیست بی خبر و زنده که نمیرد تو هر روز

في شان انت خليفة محمد وناصر محمد ومفضل محمد اسألك ان تنصر

در کاری تو خلیفه محمد و یاور محمد و زیادتی دهنده محمدی سوال میکنم از تو اینکه یاری کنی

وصي محمد وخليفة محمد والقائم بالقسط من اوصياء محمد صلواتك

وصی محمد و جانشین محمد و آنرا که برپاست بعدل از اوصیای محمد رحمتهای تو

عليه وعليهم اعطف عليهم نصرك يا لا اله الا انت بحق لا اله الا

بر او و بر ایشان بگردان بر ایشان یاری خود را ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو بحق لا اله الا

انت صل على محمد وال محمد واجعلني معهم في الدنيا والاخرة

انت رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان مرا با ایشان در دنیا و آخرت

واجعل عاقبة امري الى غفرانك ورحمتك يا ارحم الراحمين

و بگردان آخر کار مرا بسوی آمرزش خود و بخشش خود ای بخشنده ترین بخشایندگان

وكذلك نسبت نفسك يا سيدي باللطف بلى انك لطيف

و همچنین [illegible] ذات خود را ای آقای من بمهربانی بلی براستیکه تو مهربانی کننده

فصل علی محمد وآل محمد والطف بی انک لطیف لما تشاء اللهم

پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و لطف کن با من بدرستیکه تو لطف کننده آنچه بخواهی خداوندا

صل علی محمد وآل محمد وارزقنی الحج والعمرة فی عامنا هذا وفی کل عام

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا حج و عمره در سال ما این سال و در هر سالی

وتطول علی بجمیع حوائج الدنیا والآخرة استغفر الله

و احسان کن بر من بهمه حاجتهای من که بجهت دنیا و آخرت است طلب آمرزش میکنم از خدا

ربی واتوب الیه ان ربی قریب مجیب استغفر الله ربی واتوب

پروردگار من و رجوع میکنم بسوی او بدرستیکه پروردگار من نزدیک است پذیرنده طلب آمرزش میکنم خدا را پروردگار

الیه ان ربی رحیم ودود استغفر الله ربی واتوب الیه انه کان

بسوی او بدرستیکه پروردگار من مهربان دوست است طلب آمرزش میکنم خدا را که پروردگار من است و رجوع میکنم بسوی او بدرستیکه او

غفارا اللهم اغفر لی انک ارحم الراحمین رب انی عملت سوءا وظلمت

آمرزگار خداوندا بیامرز مرا بدرستیکه تو بخشنده ترین بخشایندگانی پروردگار من بدرستیکه من کردم بدی و ستم کردم

نفسی فاغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا انت استغفر الله الذی لا اله الا هو

نفس خود را پس بیامرز مرا بدرستیکه شان این است که نمی آمرزد گناهان کسی سوای تو طلب آمرزش میکنم خدا را که نیست سزاوار

الحی القیوم الحلیم العظیم العلیم الکریم الغفار للذنب العظیم واتوب

زنده پاینده بردبار بزرگ دانا بزرگوار آمرزنده گناه بزرگ و رجوع میکنم

الیه استغفر الله ان الله کان غفورا رحیما مرتبه اللهم انی اسألک

[illegible]

ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل فیما تقضی وتقدر من الامر

[illegible]

العظیم المحتوم فی لیلة القدر من القضاء الذی لا یرد ولا یبدل

[illegible]

رمضان

حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر گروهی که جمع شوند ... در میان ایشان ... محمد یا حامد یا احمد ...

[illegible]

اَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ

آنکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانه محترم خود که پذیرفته میشود حج ایشان یاداش شود سعی ایشان آمرزیده

ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ اَنْ

گناهان ایشان محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان آنکه بگردانی در آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی آنکه

تُطِيلَ عُمْرِي وَتُوَسِّعَ رِزْقِي وَتُؤَدِّيَ عَنِّي اَمَانَتِي وَدَيْنِي اٰمِينَ رَبَّ

دراز کنی عمر مرا و فراخ کنی روزی مرا و ادا کنی از جانب من امانت مرا و قرض مرا بپذیر ای پروردگار

الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِي مِنْ اَمْرِي فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ

جهانیان بار خدایا بگردان برای من از امر من گشادگی و بیرون شدن و روزی ده مرا از آنجا که

اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا اَحْتَسِبُ وَاحْرُسْنِي مِنْ حَيْثُ اَحْتَرِسُ وَ

گمان میبرم و از آنجا که گمان نمی برم و نگهبانی کن مرا از آنجا که خود را نگه دارم و

مِنْ حَيْثُ لَا اَحْتَرِسُ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً

از آنجا که خود را نگه ندارم و رحمت کناد خدا بر محمد و آل محمد و درود فرستاد درود بسیار

و این تسبیحات نیز بسند معتبر از حضرت صادق صلوات الله علیه منقول است که در

هر روز این ماه بخوانند

سُبْحَانَ اللّٰهِ الْبَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ

پاک است خدا پدید آورنده هر ذی روح پاک است خدا نگارنده صورت پاک است خدا آفریننده

الْاَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللّٰهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَالِقِ الْحَبِّ

انواع مخلوقات همه آنها پاک است خدا خلق کننده تاریکیها و روشنیها پاک است خدا شکافنده دانه

وَالنَّوٰى سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ مَا يُرٰى وَمَا لَا يُرٰى

و هسته خرما پاک است خدا آفریننده هر چیز پاک است خدا آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود

سُبْحَانَ اللّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللّٰهِ السَّمِيعِ

تنزیه میکنم باندازه شمار کلمهای او پاک است خدا پروردگار جهانیان پاک است خدای شنوا

الذي ليس شيء اسمع منه يسمع من فوق عرشه ما تحت سبع ارضين

که نیست هیچ چیز شنواتر ازو میداند از بالای عرش خود آنچه که در زیر زمین هفتگانه است

ويسمع ما في ظلمات البر والبحر ويسمع الانين والشكوى ويسمع السر واخفى

و میداند آنچه را در تاریکیهای بیابان ... و شکایت را و میشنود سر را و پنهانتر از آن

ويسمع وساوس الصدور ولا يصم سمعه صوت سبحان الله بارئ النسم

و میداند اندیشه های سینه را و کر نمی سازد گوش او را صدایی پاک است خدا پدید آورنده ...

سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل

پاک است خدا نگارنده صورت پاک است خدا آفریننده انواع مخلوقات همه آنها پاک است خدا ...

الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل

ظلمت را و روشنی پاک است خدا شکافنده دانه و تخمها پاک است خدا آفریننده

شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان

الله رب العالمين سبحان الله البصير الذي ليس شيء ابصر منه يبصر

من فوق عرشه ما تحت سبع ارضين ويبصر ما في ظلمات البر والبحر

لا تدركه الابصار وهو يدرك الابصار وهو اللطيف الخبير

لا تغشى بصره الظلمة ولا يستتر منه بستر ولا يواري منه جدار

ولا يغيب عنه بر ولا بحر ولا يكن منه جبل ما في اصله ولا قلب ما في

رمضان

وَلَا جَنْبُ مَا فِي قَلْبِهِ وَلَا يَسْتَتِرُ مِنْهُ صَغِيرٌ وَلَا كَبِيرٌ وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ

و نه پهلوی آنچه را که در دل اوست و پوشیده نشود از و خوردی و نه بزرگی و پنهان نیست بر او

شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ

چیزی در زمین و نه در آسمان اوست آنکه بصورت درمی آورد شما را در رحمها هر روش که خواهد

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ

نیست سزاوار پرستش مگر او غالب است کردار درست است پاک است خدا آفریننده نفسها پاک است خدا که بخشنده صورت است

سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللّٰهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ

پاک است خدا آفریننده جفتها همه آنها پاک است خدا پدید آورنده ظلمتها و نور پاک است

اللّٰهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ مَا

خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است خدا آفریننده هر چیز پاک است خدا آفریننده آنچه دیده شود

يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ

و آنچه دیده نشود تنزیه میکنم خدا را مثل سواد کلمات او پاک است خدا پروردگار عالمیان پاک است

اللّٰهِ الَّذِي يُنْشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ

خدا که برمی انگیزاند ابرهای گران را و تنزیه میکند رعد بسپاس او و فرشتگان از

خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَيُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا

بیم او و میفرستد صاعقه ها را پس میرساند آنرا بهر که خواهد و میفرستد بادها را در حالتی که مژده دهنده

بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَيُرْسِلُ الْمَاءَ مِنَ السَّمَاءِ بِكَلِمَتِهِ وَيُنْبِتُ النَّبَاتَ بِقُدْرَتِهِ

پیش رحمت او یعنی باران و میفرستد آب را از آسمان بکلمه خود و میرویاند گیاه را به توانائی خود

وَيُسْقِطُ الْوَرَقَ بِعِلْمِهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الَّذِي لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ

و فرو میریزاند برگ درخت را بعلم خود پاک است خدا آن خدائی که پنهان نیست از او قدر سنگینی ذره خورد

فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذٰلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

در زمین و نه در آسمان و نه خوردتر از آن و نه بزرگتر مگر آنکه در کتابی است روشن

سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْاَزْوَاجِ

پاک است خدا پدید آورنده هر ذی روح پاک است خدا صورت بخشنده و پاک است خدا آفریننده انواع آفریدگان

كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللهِ فَالِقِ الْحَبِّ

همه آنها پاک است خدا خالق تاریکیها و روشنائی پاک است خدا شکافنده دانه

وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى

و هسته خرما پاک است خدا آفریننده هر چیز پاک است خدا پیدا کننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود

سُبْحَانَ اللهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللهِ الَّذِي

تنزیه میکنم خدا را بشمار سواد کلمهای او پاک است خدا پروردگار عالمیان پاک است خدائی که

يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَى وَمَا تَغِيضُ الْاَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ

میداند آنچه که بر میدارد در رحم هر زنی و آنچه کم باید آن را رحمها و آنچه میفزاید آن را رحمها و هر چیز نزد او

بِمِقْدَارٍ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ

باندازه ایست داناس هر پنهان و آشکار است بزرگ بلند مرتبه است یکسانست نزد او کسی از شما که

أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ

پنهان دارد سخنی و هر که آشکار کند و کسی که او پوشاننده خود است در شب و آنکه آشکار است در روز

لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللهِ سُبْحَانَ

برای او فرشتگانی از پیش روی او و از پس او نگاه میدارند او را به امر خدا پاک است

اللهِ الَّذِي يُمِيتُ الْاَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى وَيَعْلَمُ مَا تَنْقُصُ الْاَرْضُ

خدا که می میراند زندگان را و زنده میکند مردگان را و میداند آنچه کم میکند زمین

مِنْهُمْ وَيُقِرُّ فِي الْاَرْحَامِ مَا يَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ

از ایشان و ثابت میدارد در رحمها آنچه میخواهد تا مدتی معین پاک است خدا پدید آورنده جانداران

سُبْحَانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْاَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ جَاعِلِ

پاک است خدا صورت بخشنده پاک است خدا آفریننده انواع همه آنها پاک است خدا آفریننده

الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوی سبحان الله خالق کل
تاریکی و نور پاک است خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است خدا آفریننده هر
شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا یری سبحان الله مداد کلماته سبحان
چیز پاک است خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود تنزیه میکنم خدا را بشماره کلمهای او پاک است
الله رب العالمین سبحان الله مالک الملک تؤتی الملک من تشاء وتنزع
خدا پروردگار جهانیان پاک است خدا خداوند پادشاهی میدهی پادشاهی را بانکه خواهی و میگیری
الملک ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء
پادشاهی را از آنکه میخواهی و عزیز میداری آنرا که میخواهی و خوار میسازی آنرا که میخواهی بدست تست نیکی بدرستیکه تو بر همه چیز
قدیر تولج اللیل فی النهار وتولج النهار فی اللیل وتخرج الحی من المیت
توانائی در می آوری شب را در روز و در می آوری روز را در شب و بیرون می آوری زنده را از مرده
وتخرج المیت من الحی وترزق من تشاء بغیر حساب سبحان الله
و بیرون می آوری مرده را از زنده و روزی میدهی آنرا که خواهی بیشمار پاک است خدا
باری النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج کلها
پدید آورنده مردمی و روح پاک است خدا بخشنده صورت پاک است خدا آفریننده انواع مخلوقات همهٔ آنها
سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوی
پاک است خدا آفریننده ظلمتها و نور پاک است خدا شکافنده دانه و هستهای خرما
سبحان الله خالق کل شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا یری سبحان
پاک است خدا آفریننده هر چیز پاک است خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود تنزیه میکنم
الله مداد کلماته سبحان الله رب العالمین سبحان الله الذی عنده مفاتح
خدا را بشماره کلمهای او پاک است خدا که پروردگار جهانیان است پاک است خدا که نزد او است کلیدهای
الغیب لا یعلمها الا هو ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط من ورقة الا یعلمها
خزانه های غیبی نمیداند آنها را مگر او و میداند آنچه در خشکی و دریا است و نمی افتد هیچ برگی مگر که میداند آنرا

حضرت صادق علیه السلام منقول است که ختنه کردن فرزندان در روز هفتم سنت است و پاکیزه تر است برای بدن او و گوشت زود در بدن او میروید و زمین کراهت دارد از بول کسی که ختنه نکرده باشد و بوی آن را تا چهل روز کراهت دارد

سوراخ کردن گوش پسر در روز هفتم ختنه کردن از سنت است و از ...

حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که زمین نجس میشود از بول کسی که ختنه نکرده باشند تا چهل روز و در حدیث صحیح دیگر فرمود که زمین ناله میکند بسوی خدا از بول او و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که پسر را در روز هفتم ختنه کردن سنت است ...

وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ سُبْحَانَ

ونه دانه در تاریکیهای زمین ونه تر و تازه ونه خشکی مگر آنکه در کتابی است روشن پاک است

اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ

خدا پدید آورنده هر ذی روح پاک است خدا بخشنده صورتها پاک است خدا آفریننده انواع مخلوقات همه آنها پاک است

اللهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللهِ

خدا خالق ظلمتها و نور پاک است خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است خدا

خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللهِ مِدَادَ

آفریننده هر چیز پاک است خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود پاک است خدا باندازه

كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللهِ الَّذِي لَا يُحْصِي مِدْحَتَهُ

کلمهای او پاک است خدا پروردگار جهانیان پاک است خدائی که نشمارند ستایش او را

الْقَائِلُونَ وَلَا يَجْزِي بِآلَائِهِ الشَّاكِرُونَ وَالْعَابِدُونَ وَهُوَ كَمَا قَالَ

ستایندگان و شکر کنند در مقابل نعمتهای او سپاس گزاران و عبادت کنندگان و او چنانست که گفته

وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ وَاللهُ سُبْحَانَهُ كَمَا أَثْنَى عَلَى نَفْسِهِ وَلَا يُحِيطُونَ

و بالای آنچه گویند در وصف او گویندگان و خدا پاک است او چنانست که ثنا کرده بر خود و احاطه نمیکنند

بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَؤُدُهُ

بچیزی از دانش او مگر بآنچه خواسته فرا گرفته کرسی او آسمانها و زمین را و گران نیست بر او

حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ

نگهبانی آنها و او رفیع الشان بزرگ مرتبه است پاک است خدا پدید آورنده ذی روح پاک است خدا بخشنده صورت

سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ

پاک است خدا آفریننده اقسام خلائق همه آنها پاک است خدا آفریننده ظلمتها و نور پاک است

اللهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ مَا يُرَى

خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است خدا آفریننده هر چیز پاک است خدا آفریننده آنچه دیده شود

رمضان

وما لا يُرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان

وانچه دیده نشود تنزیه میکنم خدا را بشمار کلمهای او پاک است خدا پروردگار عالمیان پاک است

الله الذي يعلم ما يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما

خدا که میداند انچه را که داخل میشود در زمین و انچه بیرون می آید از ان و انچه فرود می آید از آسمان و انچه

يعرج فيها ولا يشغله ما يلج في الارض وما يخرج منها عما ينزل من

بالا میرود در ان و باز نمیدارد در انچه داخل می شود در زمین و انچه بیرون می آید از ان از انچه فرود می آید از

السماء وما يعرج فيها ولا يشغله ما ينزل من السماء وما يعرج فيها عما

آسمان و انچه بالا میرود در ان و باز نمیدارد در انچه فرود می آید از آسمان و انچه بالا میرود در ان از انچه

يلج في الارض وما يخرج منها ولا يشغله علم شيء عن علم شيء ولا يشغله خلق

داخل شود در زمین و انچه بیرون آید از ان و باز ندارد او را دانش چیزی از دانش چیزی و باز ندارد او را

شيء عن خلق شيء ولا حفظ شيء عن حفظ شيء ولا يساويه شيء ولا يعدله

چیزی از آفرینش چیزی و نه نگاهبانی چیزی از نگاهبانی چیزی مساوی نیست او را چیزی و برابری نمیکند او را

شيء ليس كمثله شيء وهو السميع البصير سبحان الله بارئ النسم

چیزی نیست مانند او هیچ چیز و اوست شنوای دانا پاک است خدا پدید آورنده هر ذی روح

سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل

پاک است خدا نگارنده صورت پاک است خدا آفریننده اقسام مخلوقات همه آنها پاک است خدا آفریننده

الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق

ظلمتها و نور پاک است خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است خدا آفریننده

كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته

هر چیز پاک است خدا آفریننده انچه دیده شود و انچه دیده نمی شود و تنزیه میکنم خدا را بشماره کلمهای او

سبحان الله رب العالمين سبحان الله فاطر السموات والارض جاعل

پاک است خدا پروردگار جهانیان پاک است خدا خلق نماینده آسمانها و زمین گرداننده

الملائكة رسلا اولي اجنحة مثنى وثلاث ورباع يزيد في الخلق ما يشاء

فرشتگان رسولان صاحبان بالهای دو دو و سه سه و چهار چهار می فزاید در آفرینش آنچه خواهد

ان الله على كل شيء قدير ما يفتح الله للناس من رحمة فلا ممسك لها وما

بدرستیکه خدا بر هر چیز تواناست آنچه بگشاید خدا برای آدمیان از بخشش پس نیست بازدارنده مر او را و آنچه

يمسك فلا مرسل له من بعده وهو العزيز الحكيم سبحان الله بارئ النسم

باز دارد پس نیست فرستنده مر او را پس از او و اوست غالب درست کردار پاک است خدا آفریننده

سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل

پاک است خدا نگارنده صورت پاک است خدا آفریننده ازواج همه آنها پاک است خدا آفریننده

الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل

ظلمتها و نور پاک است خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است خدا آفریننده هر

شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان

الله رب العالمين سبحان الله الذي يعلم ما في السموات وما في الارض ما يكون

خدا پروردگار عالمیان است پاک است خدا میداند آنچه در آسمانها

من نجوى ثلاثة الا هو رابعهم ولا خمسة الا هو سادسهم ولا ادنى من

ذلك ولا اكثر الا هو معهم اينما كانوا ثم ينبئهم بما عملوا يوم القيمة

ان الله بكل شيء عليم   وايضا مستحب است که این صلوات را در روز

بدرستیکه خدا بهمه چیز داناست   ماه مبارک ... تمام سال خواند

ان الله وملائكته يصلون على النبي يا ايها الذين امنوا صلوا عليه

بدرستیکه خدا و فرشتگان درود می فرستند بر پیغمبر ای گروهی که ایمان آورده اید درود فرستید بر او

[illegible]

وسلّموا تسليماً لبّيك يا ربّ وسبحانك اللهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد و

و درود فرستید درود فرستادنی استم ای پروردگار من پاکی تو خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و

بارك على محمّد وآل محمّد كما صلّيت وباركت على ابراهيم وآل ابراهيم

برکت ده بر محمد و آل محمد چنانکه رحمت فرستادی و برکت دادی بر ابراهیم و آل ابراهیم

انّك حميد مجيد اللهمّ ارحم محمّداً وآل محمّد كما رحمت ابراهيم وآل ابراهيم

بدرستیکه تو ستوده بزرگواری خداوندا رحم کن بر محمد و آل محمد چنانچه رحم نمودی بر ابراهیم و آل ابراهیم

انّك حميد مجيد اللهمّ سلّم على محمّد وآل محمّد كما سلّمت على نوح في العالمين

بدرستیکه تو ستوده بزرگواری خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد چنانکه درود فرستادی بر نوح در میان عالمیان

اللهمّ امنن على محمّد وآل محمّد كما مننت على موسى وهرون اللهمّ

خداوندا بخشش نما بر محمد و آل محمد چنانکه بخشش نمودی بر موسی و هارون خداوندا

صلّ على محمّد وآل محمّد كما هديتنا به اللهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد كما

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد چنانکه راه نمائی کردی ما را باو خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد چنانکه

شرّفتنا به اللهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد وابعثه مقاماً محموداً

شرافت دادی ما را بسبب او خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و برانگیز او را در جایگاه ستوده

يغبطه به الاوّلون والآخرون على محمّد وآله السّلام كلّما

که رشک برند او را بسبب آن پیشینیان و پسینیان بر محمد و آل او باد درود هرگاه

طلعت شمس او غربت على محمّد وآله السّلام كلّما طرفت عين او برقت

برآید آفتاب یا فرو رود بر محمد و آل او باد درود هرگاه برهم زند پلک را چشم یا خیره شود

على محمّد وآله السّلام كلّما طرفت عين او ذرفت على محمّد وآله السّلام

بر محمد و آل او باد درود هرگاه برهم زند پلکها را دیده یا اشک ریزد بر محمد و آل او باد درود

كلّما ذكر السّلام على محمّد وآله السّلام كلّما سبّح الله ملك او قدّسه

هرگاه ذکر کرده شود سلام بر محمد و آل او باد درود هرگاه تسبیح کند خدا را فرشته یا تنزیه کند او را

[illegible]

السَّلامُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الأَوَّلِينَ السَّلامُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الآخِرِينَ السَّلامُ

درود بر محمد و آل او در زمرهٔ پیشینیان درود بر محمد و آل او در زمرهٔ پسینیان درود

عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ السَّلامُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ

بر محمد و آل او در این جهان و آن جهان. درود بر محمد و آل او و رحمت خدا و برکتهای او

اللّهُمَّ رَبَّ البَلَدِ الحَرامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالمَقامِ وَرَبَّ الحِلِّ وَالحَرامِ أَبْلِغْ

بار خدایا ای پروردگار بلدهٔ محترم و ای پروردگار رکن و مقام ابراهیم و ای پروردگار حل و حرم برسان

نَبِيَّكَ مُحَمَّداً وَآلِهِ عَنّا السَّلامَ اللّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً مِنَ البَهاءِ وَالسُّرُورِ

به پیغمبر خود محمد و آل او از ما درود خداوندا ببخش محمد را از نیکوئی و شادی

وَالنَّضْرَةِ وَالكَرامَةِ وَالغِبْطَةِ وَالوَسِيلَةِ وَالمَنْزِلَةِ وَالمَقامِ وَالشَّرَفِ وَ

و تازگی و بزرگواری و خوشحالی و وسیله و مرتبه و جایگاه و شرافت و

الرِّفْعَةِ وَالشَّفاعَةِ عِنْدَكَ يَوْمَ القِيامَةِ أَفْضَلَ ما تُعْطِي أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ

بلندی و شفاعت کردن نزد تو روز قیامت بهتر آنچه عطا کنی به احدی از خلق خود

وَأَعْطِ مُحَمَّداً فَوْقَ ما تُعْطِي الخَلائِقَ مِنَ الخَيْرِ أَضْعافاً كَثِيرَةً لا يُحْصِيها

و عطا کن محمد را بالاتر [illegible] عطا کنی آفریدگان را [illegible] اضعاف بسیار [illegible] احصا نماید آنها را

غَيْرُكَ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَزْكى وَأَنْمى وَأَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ

غیر تو خداوندا رحمت [illegible] محمد و آل [illegible]

عَلى أَحَدٍ مِنَ الأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ وَعَلى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ

[illegible]

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى عَلِيٍّ أَمِيرِ المُؤْمِنِينَ وَوالِ مَنْ والاهُ وَعادِ مَنْ عاداهُ وَضاعِفِ

[illegible]

العَذابَ عَلى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى فاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

عذاب را بر آنکه شریک شد در خون او خداوندا رحمت فرست بر فاطمه دختر پیغمبر خود محمد

عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ وَالْعَنْ مَنْ آذَى نَبِيَّكَ فِيهِمَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَ

براو و آل او باد درود و دور کن از رحمت خود کسی که آزار دهد پیغمبر ترا در بارهٔ او خداوندا رحمت فرست [بر] حسن و

الْحُسَيْنِ اِمَامَيِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُمَا وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمَا وَضَاعِفِ الْعَذَابَ

حسین دو پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد ایشانرا و دشمن دار آنرا که دشمن دارد ایشانرا

عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِمَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ

بر آنکه شرکت نموده در خون ایشان خداوندا رحمت فرست بر علی بن حسین پیشوای گردن نهندگان

وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ

و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را بر کسیکه ستم کرده او را

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ

خداوندا رحمت فرست بر محمد بن علی پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا

مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را بر کسیکه ستم کرده او را خداوندا رحمت فرست بر جعفر بن محمد

اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ

پیشوای اطاعت کنندگان و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را

عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ

بر کسیکه ستم کرد او را خداوندا رحمت فرست بر موسی بن جعفر پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا

وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را بر آنکه ستم کرد او را خداوندا رحمت فرست

عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ

بر علی بن موسی پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را و مضاعف کن

الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ

عذاب را بر کسیکه ستم کرد او را خداوندا رحمت فرست بر محمد بن علی پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا

رمضان

و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که شوخی طفل در کودکی علامت [illegible] در بزرگی [illegible] و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود [illegible] عقوق فرزند [illegible] فرزندان عاق پدر و مادر [illegible] بجانیکه فرزندان عاق پدر و مادر [illegible]

فرمود که خدا رحم کند پدر و مادری را که یاری کنند فرزندان خود را در نیکی کردن با ایشان و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که خدا رحم کند کسی را که اعانت کند فرزند خود را بر نیکی او راوی عرض کرد که چگونه اعانت کند فرمود که آنچه او تواند قبول کند و کار [illegible] [illegible]

مَنْ وَالاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ

آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را بر کسیکه ستم کرده او را خداوندا

صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ

رحمت فرست بر علی بن محمد پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را

وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ

و مضاعف کن عذاب را بر کسیکه ستم کرده او را خداوندا رحمت فرست بر حسن بن علی پیشوای مسلمانان

وَوَالِ مَنْ وَالاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ

و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار کسی که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را بر کسیکه ستم کرده او را

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْخَلَفِ مِنْ بَعْدِهِ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالاهُ وَعَادِ

خداوندا رحمت فرست بر جانشین پس از وی پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار

مَنْ عَادَاهُ وَعَجِّلْ فَرَجَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْقَاسِمِ وَالطَّاهِرِ ابْنَيْ نَبِيِّكَ

آنرا که دشمن دارد او را و شتاب کن فرج او را خداوندا رحمت فرست بر قاسم و طاهر دو پسر پیغمبر خود

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رُقَيَّةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَالْعَنْ مَنْ آذَى نَبِيَّكَ فِيهَا اللَّهُمَّ

خداوندا رحمت فرست بر رقیه دختر پیغمبر خود و لعنت کن آنرا که بیازرد پیغمبر ترا درباره او خداوندا

صَلِّ عَلَى أُمِّ كُلْثُومٍ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَالْعَنْ مَنْ آذَى نَبِيَّكَ فِيهَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى ذُرِّيَّةِ

رحمت فرست بر ام کلثوم دختر پیغمبر تو و لعنت کن آنرا که بیازرد پیغمبر ترا درباره او خداوندا رحمت فرست بر فرزندان

نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ اخْلُفْ نَبِيَّكَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ اللَّهُمَّ مَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ اللَّهُمَّ

پیغمبر خود خداوندا جانشین پیغمبر خود را در خاندان او خداوندا جای ده ایشان را در زمین خداوندا

اجْعَلْنَا مِنْ عَدَدِهِمْ وَمَدَدِهِمْ وَأَنْصَارِهِمْ عَلَى الْحَقِّ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ

بگردان ما را از شماره ایشان و یاوران ایشان و یاری نمایندگان ایشان بر حق در نهان و آشکارا

اللَّهُمَّ اطْلُبْ بِذَحْلِهِمْ وَوِتْرِهِمْ وَدِمَائِهِمْ وَكُفَّ عَنَّا وَعَنْهُمْ وَعَنْ

خداوندا طلب کن خون ایشان و خون ایشان را و خونهای ایشان را و باز دار از ما و از ایشان و از

[illegible]

رمضان

كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ بَاسَ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَكُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا
هر مرد گرونده و زن گرونده ترس هر ستم کننده و از حد گذرنده و هر جنبنده را که تو فرا گیرنده ای

اِنَّكَ اَنْتَ اَشَدُّ بَاْسًا وَاَشَدُّ تَنْكِيلًا
بدرستیکه تو تو انا تری بعذاب کردن تو انا تری از روی عقوبت

و در اقبال و بعضی از نسخهای دیگر دعا از حضرت علی بن الحسین تا حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیهم بجای علی بن ظلمه چنین است علی بن شرک فی دمه و از جمله دعاهای هر روز ماه مبارک رمضان دعائی است که سید بن طاوس فضیلت بسیار از جهت آن روایت کرده و در استجابت دعوات مجرب است و بر مضامین عالیه مشتمل است و دعا این است

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي ثم اَللّٰهُمَّ
خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس مستجاب کن برای من چنانکه وعده فرمودی مرا خداوندا

اِنِّي اَسْاَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِاَبْهَاهُ وَكُلُّ بَهَائِكَ بَهِيٌّ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ
بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از نیکوئی تو به نیکوترین آن و هر نیکوئی تو نیک است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم

بِبَهَائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِاَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلَالِكَ
به نیکوئی تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از بزرگواری تو به بزرگوارترین آن و هر بزرگواری تو

جَلِيلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ
بزرگوار است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا به بزرگواری تو همه آن بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از نیکوئی تو

بِاَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمَالِكَ جَمِيلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ
به نیکوترین آن و هر نیکوئی تو نیک است بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا به نیکوئی تو همه آن

پس سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي
خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس مستجاب کن برای من چنانکه وعده فرمودی مرا

پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِاَعْظَمِهَا وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةٌ
خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از بزرگی تو به بزرگترین آن و هر بزرگی تو بزرگ است

اللهم انی اسألك بعظمتك كلها اللهم انی اسألك من نورك بانوره

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا به بزرگی تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از نور تو به روشن‌ترین آن

وكل نورك نير اللهم انی اسألك بنورك كله اللهم انی اسألك

و هر نور تو روشن است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بنور تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

من رحمتك باوسعها وكل رحمتك واسعة اللهم انی اسألك

از رحمت تو بفراگیرنده‌ترین آن و هر رحمت تو فراگیرنده است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

برحمتك كلها پس سه مرتبه بگوید اللهم انی ادعوك كما امرتنی فاستجب لی

برحمت تو هر یک از آن خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس مستجاب کن

كما وعدتنی پس بگوید اللهم انی اسألك من كمالك باكمله وكل كمالك

چنانکه وعده فرمودی مرا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از صفات کمال تو بکامل‌ترین آن و جمیع کمالات تو

كامل اللهم انی اسألك بكمالك كله اللهم انی اسألك من

کامل است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از تو بکمال تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از

كلماتك باتمها وكل كلماتك تامة اللهم انی اسألك بكلماتك

کلمهای تو بتمام‌ترین آنها و هر یک از کلمهای تو تام است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بکلمهای تو

كلها اللهم انی اسألك من اسمائك باكبرها وكل اسمائك كبيرة

هر یک از آنها خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از نامهای تو به بزرگترین آن و هر یک از نامهای تو بزرگ است

اللهم انی اسألك باسمائك كلها پس سه مرتبه بگوید اللهم انی ادعوك كما

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بنامهای تو هر یک آنها خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه

امرتنی فاستجب لی كما وعدتنی پس بگوید اللهم انی اسألك من عزتك

فرمان دادی مرا پس اجابت کن دعای مرا چنانکه وعده کردی مرا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از عزت تو

باعزها وكل عزتك عزيزة اللهم انی اسألك بعزتك كلها

بارجمندترین آن و هر عزتی از تو ارجمند است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بعزت تو همه آن

اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ مِنْ مَشِیَّتِکَ بِاَمْضاها وَکُلُّ مَشِیَّتِکَ ماضِیَةٌ
خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از خواستن تو بگذرنده ترین آن و همه خواستن تو گذرنده است
اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ بِمَشِیَّتِکَ کُلِّها اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ بِقُدْرَتِکَ الَّتی
خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بخواستن تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بقدرت تو که
اسْتَطَلْتَ بِها عَلی کُلِّ شَیْءٍ وَکُلُّ قُدْرَتِکَ مُسْتَطیلَةٌ اللّٰهُمَّ اِنّی
استیلا داری بآن بر هر چیز و هر قدرت تو مستولی است خداوندا بدرستیکه من
اَسْأَلُکَ بِقُدْرَتِکَ کُلِّها پس سه مرتبه بگوید اللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوکَ کَما اَمَرْتَنی
سوال میکنم از تو به توانائی تو همه آن خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه فرمان دادی مرا
فَاسْتَجِبْ لی کَما وَعَدْتَنی پس بگوید اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ مِنْ عِلْمِکَ بِاَنْفَذِهِ
پس اجابت کن برای من چنانکه وعده فرمودی مرا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از علم تو بروان ترین آن
وَکُلُّ عِلْمِکَ نافِذٌ اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ بِعِلْمِکَ کُلِّهِ اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ
و هر علمی از تو روان است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بعلم تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو
مِنْ قَوْلِکَ بِاَرْضاهُ وَکُلُّ قَوْلِکَ رَضِیٌّ اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ بِقَوْلِکَ کُلِّهِ
از گفتار تو به پسندیده ترین آن و هر گفتار تو پسندیده است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بگفتار تو همه آن
اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ مِنْ مَسائِلِکَ بِاَحَبِّها اِلَیْکَ وَکُلُّ مَسائِلِکَ حَبیبَةٌ
خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از سوالهای تو بدوست داشته ترین آنها بسوی تو و هر یک از سوالهای تو دوست داشته شده است
اِلَیْکَ اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ بِمَسائِلِکَ کُلِّها پس سه مرتبه بگوید اللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوکَ کَما اَمَرْتَنی
بسوی تو خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بسوالهای تو همه آن خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا
فَاسْتَجِبْ لی کَما وَعَدْتَنی پس بگوید اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ مِنْ شَرَفِکَ بِاَشْرَفِهِ
پس اجابت کن برای من چنانکه وعده فرمودی مرا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از بزرگواری تو ببزرگوارترین آن
وَکُلُّ شَرَفِکَ شَریفٌ اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ بِشَرَفِکَ کُلِّهِ اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ
و هر بزرگواری تو بزرگوار است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو به بزرگواری تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو

اللهم اني اسألك من سلطانك بادومه وكل سلطانك دائم

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از سلطنت تو بهمیشه ترین آن و هر سلطنت تو همیشه است

اللهم اني اسألك بسلطانك كله اللهم اني اسألك من ملكك بافخره وكل ملكك

بسلطنت تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از ملک و غلبه تو بعظیم ترین آن و هر غلبه تو

فاخر اللهم اني اسألك بملكك كله پس بگو اللهم اني ادعوك كما

عظیم است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بغلبه تو همه آن خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه

امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگو اللهم اني اسألك من علائك

امر کردی پس بپذیر برای من چنانچه وعده فرمودی مرا بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از بلندی تو

باعلاه وكل علائك عال اللهم اني اسألك بعلائك كله اللهم

به بلندترین آن و هر بلندی تو بلند است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا به بلندی تو همه آن خداوندا

اني اسألك من منك باقدمه وكل منك قديم اللهم اني اسألك

بدرستیکه من سوال میکنم ترا از انعام تو به دیرینه ترین آن و هر انعام تو دیرینه است بارخدایا بدرستیکه من سوال میکنم

بمنك كله اللهم اني اسألك من آياتك باعجبها وكل آياتك عجيبة

بانعام تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از نشانهای قدرت تو بشگفت آورنده ترین آنها و هر یک از نشانهای

اللهم اني اسألك بآياتك كلها پس مکرر بگو اللهم اني ادعوك كما

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو به نشانهای قدرت تو همه آنها خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه

امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگو اللهم اني اسألك من فضلك

امر کردی پس اجابت کن برای من چنانچه وعده فرمودی خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از فضل تو

بافضله وكل فضلك فاضل اللهم اني اسألك بفضلك كله

بافزون ترین آن و هر فضل تو افزون است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بفضل تو همه آن

اللهم اني اسألك من رزقك باعمه وكل رزقك عام اللهم اني اسألك

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از روزی تو بعام ترین آن و هر روزی تو عام است

بِرِزْقِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْأَلُكَ مِنْ عَطائِكَ بِاَهْنَئِهِ وَكُلُّ عَطائِكَ

بروزی تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از بخشش تو بگواراترین آن و همه بخشش تو

هَنِئٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْأَلُكَ بِعَطائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ

گواراست خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا ببخشش تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از نیکی تو

بِاَعْجَلِهِ وَكُلُّ خَيْرِكَ عاجِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّى

بشتابنده ترین آن و همه نیکی تو شتابانست خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو به نیکی تو همه آن خداوندا بدرستیکه من

اَسْأَلُكَ مِنْ اِحْسانِكَ بِاَحْسَنِهِ وَكُلُّ اِحْسانِكَ حَسَنٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْأَلُكَ

سوال میکنم از احسان تو به نیکوترین آن و همه احسان تو نیکوست خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو

بِاِحْسانِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْأَلُكَ بِما تُجيبُنى بِهِ حينَ اَدْعُوكَ فَاَجِبْنى

باحسان تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بانچه اجابت میکنی مرا بآن هنگامیکه میخوانم ترا اجابت کن مرا

يا اَللّٰهُ نِعْمَ دَعْوَتُكَ يا اَللّٰهُ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْأَلُكَ بِما اَنْتَ فيهِ مِنَ الشُّؤُنِ

ای خدا الی خواندم ترا ای خدا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بانچه تو در آنی از کارها

وَالْجَبَرُوتِ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَجَبَرُوتٍ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْأَلُكَ

و بزرگواری خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بهر کار و بزرگواری خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

بِشَأْنِكَ وَجَبَرُوتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْأَلُكَ بِما تُجيبُنى حينَ اَسْأَلُكَ بِهِ

بکار تو و بزرگواری تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بانچه اجابت میکنی مرا هنگامیکه سوال میکنم ترا بآن

فَاَجِبْنى يا اَللّٰهُ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ پس هر حاجت که داری بطلب پس بگو

پس اجابت کن مرا ای خدا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْنى عَلَى الْاِيمانِ بِكَ وَالتَّصْديقِ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و برانگیز مرا بر گرویدن بتو و باور داشتن

بِرَسُولِكَ وَالْوِلايَةِ لِعَلِىِّ بْنِ اَبى طالِبٍ عَلَيْهِ السَّلامُ وَالْاِئْتِمامِ بِالْاَئِمَّةِ

برسول تو و دوستی علی ابن ابیطالب را و باو درود و اقتدا به پیشوایان

مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَالْبَراءَةِ مِنْ اَعْدائِهِمْ فَاِنّی قَدْ رَضیتُ بِذلِكَ یا رَبِّ

از خاندان محمد و بیزاری از دشمنان ایشان پس بدرستیکه من تحقیق خوشنودم با آن ای پروردگار من

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْئَلُكَ خَیْرَ الْخَیْرِ رِضْوانَكَ وَالْجَنَّةَ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و میخواهم از تو بهتر بهتری خوشنودی ترا و بهشت را

وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ وَالنّارِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ

و پناه میگیرم بتو از بدتر بدتری که غضب تو است و آتش خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنی مِنْ كُلِّ مُصیبَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلِیَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عُقُوبَةٍ وَمِنْ

محمد و نگاهدار مرا از هر مکروهی و از هر رنجی و از هر عقوبتی و از

كُلِّ فِتْنَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلاءٍ وَمِنْ كُلِّ شَرٍّ وَمِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ

هر آشوبی و از هر بلائی و از هر گزندی و از هر ناخوشی و از هر رنجی

نَزَلَتْ اَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ اِلَی الْاَرْضِ فی هذِهِ السّاعَةِ وَفی هذِهِ اللَّیْلَةِ

که فرود آمده یا فرود آید از آسمان بسوی زمین در این ساعت و در این شب

وَفی هذَا الْیَوْمِ وَفی هذَا الشَّهْرِ وَفی هذِهِ السَّنَةِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی

و در این روز و در این ماه و در این سال خداوندا رحمت بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْسِمْ لی مِنْ كُلِّ سُرُورٍ وَمِنْ كُلِّ بَهْجَةٍ وَمِنْ كُلِّ

محمد و آل محمد و بخش کن مرا از هر شادی و از هر نیکوئی و از هر

اِسْتِقامَةٍ وَمِنْ كُلِّ فَرَجٍ وَمِنْ كُلِّ عافِیَةٍ وَمِنْ كُلِّ سَلامَةٍ

اعتدالی و از هر گشادگی و از هر عافیتی و از هر سلامتی

وَمِنْ كُلِّ كَرامَةٍ وَمِنْ كُلِّ رِزْقٍ واسِعٍ حَلالٍ طَیِّبٍ وَمِنْ كُلِّ نِعْمَةٍ

و از هر نوازشی و از هر روزی فراخ حلال پاک و از هر نعمتی

وَمِنْ كُلِّ حَسَنَةٍ نَزَلَتْ اَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ اِلَی الْاَرْضِ فی هذِهِ السّاعَةِ

و از هر نیکی که فرود آمده یا فرود آید از آسمان بسوی زمین در این ساعت

رمضان

[illegible]

وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي هَذَا الشَّهْرِ وَهَذِهِ السَّنَةِ اللَّهُمَّ
ودرین شب ودرین روز ودراین ماه ودراین سال خداوندا
إِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ وَغَيَّرَتْ
اگر بوده باشد گناهان من که تحقیق کهنه کرده باشد روی مرا نزد تو وحایل باشد میان من ومیان تو وتغییر داده
حَالِي عِنْدَكَ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ الَّذِي لَمْ يُطْفَأْ
حال مرا نزد تو پس بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بنور ذات بزرگوار تو که فرو نشانیده نشده
وَبِوَجْهِ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَبِوَجْهِ وَلِيِّكَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَبِحَقِّ
وبجاه دوست تو محمد برگزیده وبجاه دوست تو علی پسندیده وبحق
أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ انْتَجَبْتَهُمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي
دوستان تو که برگزیدی ایشانرا اینکه رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد واینکه بیامرزی برای من
وَلِوَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مَا تَوَالَدُوا ذُنُوبَنَا
وبرای پدر ومادر من وآنکه زائیده اند ایشانرا از مردان گرونده وزنان گرونده وآنکه زائیده اند ایشان گناهان ما را
كُلَّهَا صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا وَأَنْ تَخْتِمَ لَنَا بِالصَّالِحَاتِ وَأَنْ تَقْضِيَ
همه گناهان را خورد آنها وبزرگ آنها واینکه ختم کنی برای ما بکردارهای شایسته واینکه روا کنی
لَنَا الْحَاجَاتِ وَالْمُهِمَّاتِ وَصَالِحَ الدُّعَاءِ وَالْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا
برای ما حاجتها را وکارهای سخت را وشایسته از دعا وسوال را پس بپذیر برای ما
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ آمِينَ آمِينَ آمِينَ
بحق محمد وآل محمد خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد بپذیر بپذیر بپذیر
مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ
آنچه خواسته خدا میشود نیست هیچ طاقتی وقدرتی مگر بخدا پاکست پروردگار تو پروردگار
الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
عزت از آنچه میستانید ودرود بر فرستادگان وسپاس مر خدا را که پروردگار جهانیان است

[illegible]

پس دستها را بسوی آسمان بلند کن و گردنت را بسوی ... و گریه کن

اگر نیاید خود را بگریه بدار پس بگو

یا لا اله الا انت اسألک بحق من حقه علیک عظیم یا لا اله الا انت

ای نیست سزاوار پرستش مگر تو میخواهم از تو بحق آنکه حق او بر تو بزرگ است برکت کلمه طیبه لا اله الا انت

اسألک ببهاء لا اله الا انت یا لا اله الا انت اسألک بجلال لا اله

سوال میکنم ترا به نیکوئی لا اله الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو سوال میکنم از تو به بزرگواری لا اله

الا انت یا لا اله الا انت اسألک بجمال لا اله الا انت یا لا اله الا انت

الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو سوال میکنم از تو به نیکوئی لا اله الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو

اسألک بنور لا اله الا انت یا لا اله الا انت اسألک بکمال لا اله الا انت

سوال میکنم از تو به روشنائی لا اله الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو سوال میکنم از تو بتمامی لا اله الا

یا لا اله الا انت اسألک بعزة لا اله الا انت یا لا اله الا انت اسألک

ای آنکه نیست خدا مگر تو سوال میکنم از تو بعزت لا اله الا انت ای آنکه نیست خدای مگر تو سوال میکنم از تو

بعظمة لا اله الا انت یا لا اله الا انت اسألک بقول لا اله الا انت

به بزرگی لا اله الا انت ای آنکه نیست خدای مگر تو سوال میکنم از تو بوسیله گفتن لا اله الا انت

یا لا اله الا انت اسألک بشرف لا اله الا انت یا لا اله الا انت

ای آنکه نیست خدای مگر تو سوال میکنم از تو بشرافت لا اله الا انت ای آنکه نیست خدای مگر تو

اسألک بعلاء لا اله الا انت یا لا اله الا انت اسألک بلا اله الا

سوال میکنم از تو به بلندی لا اله الا انت ای آنکه نیست خدای مگر تو سوال میکنم از تو بوسیله لا اله الا

انت یا لا اله الا انت یا رباه یا رباه یا رباه

انت ای آنکه نیست خدا مگر تو ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار

آنقدر بگوید که یک نفس وفا کند پس بگوید بزبان حاجت ...

چندان که یک نفس وفا کند

أَسْأَلُكَ يَا سَيِّدِي پس بگوید یا اللهُ يا اللهُ ... پس بگوید يَا سَيِّدَاهُ

سوال میکنم از تو ای بزرگ من ای خداوند پروردگار ای بزرگ

يَا مَوْلَاهُ يَا غِيَاثَاهُ يَا مَلْجَأَهُ يَا مُنْتَهَى غَايَةِ رَغْبَتَاهُ يَا أَرْحَمَ

ای آقا ای فریادرس ای پناه گاه ای منتهای نهایت خواهش ای بخشاینده ترین

الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ بِكَ فَلَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ مُسْتَجَابَةٍ

بخشایندگان سوال میکنم از تو پس نیست مانند تو هیچ چیز و سوال میکنم ترا بهر دعای پذیرفته

دَعَاكَ بِهَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ امْتَحَنْتَ قَلْبَهُ

که خواند ترا بآن پیغمبر مرسلی یا فرشته مقربی یا بنده گروندهٔ که آزمودی دل او را

لِلْإِيمَانِ وَاسْتَجَبْتَ دَعْوَتَهُ مِنْهُ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ

برای ایمان و پذیرفتی دعای او را از وی و روی آورم بسوی تو بوسیله محمد پیغمبر تو پیغمبر رحمت

وَأُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللهِ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي

و پیش میدارم او را در پیش حاجتهای خود ای محمد ای رسول خدا پدرم فدای تو و مادرم

أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى رَبِّكَ وَرَبِّي وَأُقَدِّمُكَ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي

روی آورم بوسیله تو بسوی پروردگار تو و پروردگار من و پیش میدارم ترا پیش حاجتهای خود

يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ أَسْأَلُكَ بِكَ فَلَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَأَتَوَجَّهُ

ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار میخواهم از تو بحق تو پس نیست مانند تو هیچ چیز و روی آورم

إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ وَبِعِتْرَتِهِ الْهَادِيَةِ وَأُقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي

بسوی تو بوسیله محمد دوست تو و بوسیله خویشان نزدیک او که راه نماینده اند و پیش میدارم ایشانرا پیش حاجتهای خود

وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَيَاتِكَ الَّتِي لَا تَمُوتُ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي لَا يُطْفَأُ

وسوال میکنم از تو خداوندا بهستی تو که زایل نمیشود و بروشنائی ذات تو که فرو نشانیده نمیشود

وَبِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَيْكَ عَظِيمٌ

و بدیده تو که نمی خوابد و سوال میکنم از تو خداوندا بحق آنکه حق او بر تو بزرگ است

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَضْعَافَ كُلِّ شَيْءٍ وَبَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَعَدَدَ

اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد چندین برابر هر چیزی و بعد از هر چیزی و بشماره

كُلِّ شَيْءٍ وَزِنَةَ كُلِّ شَيْءٍ وَمِلَاءَ كُلِّ شَيْءٍ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

هر چیزی و بسنجش هر چیزی و پری هر چیزی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُصْطَفَىٰ وَرَسُولِكَ الْمُرْتَضَىٰ وَأَمِينِكَ الْمُصْطَفَىٰ وَنَجِيبِكَ

بر محمد بنده برگزیده تو و رسول پسندیده تو و معتمد برگزیده تو و اختیار کرده شده تو

دُونَ خَلْقِكَ وَحَبِيبِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ النَّذِيرِ الْبَشِيرِ

نزد خلق تو و دوست تو و اختیار کرده شده تو از خلق تو همه بیم نماینده مژده دهنده

السِّرَاجِ الْمُنِيرِ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُطَهَّرِينَ الْأَخْيَارِ

چراغ روشن و بر خاندان او که پاکیزگان پاکان پاک گردیدگان نیکان.

الْأَبْرَارِ وَعَلَىٰ مَلَائِكَتِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَحَجَبْتَهُمْ عَنْ

نیکوکارانند و بر فرشتگان تو که خالص گردانیدی ایشان را برای ذات خود و باز داشتی ایشان را از

خَلْقِكَ وَعَلَىٰ أَنْبِيَائِكَ الَّذِينَ يُنْبِئُونَ بِالصِّدْقِ عَنْكَ وَعَلَىٰ عِبَادِكَ

خلق خود و بر پیغمبران تو که خبر میدهند براستی از تو و بر بندگان تو

الصَّالِحِينَ الَّذِينَ أَدْخَلْتَهُمْ فِي رَحْمَتِكَ الْأَئِمَّةِ الْمُهْتَدِينَ الرَّاشِدِينَ

که شایسته‌اند آنکه درآورده ایشان را در رحمت خود که پیشوایان راه یافتگان

الْمُطَهَّرِينَ وَعَلَىٰ جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَمَلَكِ الْمَوْتِ وَ

پاک گردیدگان و بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و ملک موت و

رِضْوَانَ خَازِنِ الْجَنَّةِ وَمَالِكٍ خَازِنِ النَّارِ وَالرُّوحِ الْقُدُسِ وَحَمَلَةِ

رضوان خزانه دار بهشت و مالک خزانه دار دوزخ و روح القدس و بردارندگان

الْعَرْشِ وَمُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ وَعَلَى الْمَلَكَيْنِ الْحَافِظَيْنِ عَلَيَّ بِالصَّلَاةِ الَّتِي تُحِبُّ

عرش و منکر و نکیر و بر آن دو فرشته که موکل اند بحفظ اعمال من بآن رحمتی که دوست

رمضان

اَنْ تُصَلِّیَ بِهَا عَلَیْهِمْ صَلَوٰةً کَثِیرَةً طَیِّبَةً مُبَارَکَةً زَکِیَّةً نَامِیَةً

اگر رحمت بفرستی بآن بر ایشان رحمت بسیار پاکیزه با برکت پاک فزایش کننده

طَاهِرَةً شَرِیفَةً فَاضِلَةً تُبَیِّنُ بِهَا فَضْلَهُمْ عَلَی الْاَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ

طاهر با رفعت نیکو که ظاهر سازی بآن زیادتی ایشان را بر پیشینیان و پسینیان

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُکَ اَنْ تَسْمَعَ صَوْتِی وَتُجِیبَ دَعْوَتِی وَتَغْفِرَ ذُنُوبِی

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو اینکه بشنوی صدای مرا و اجابت کنی دعای مرا و بیامرزی گناهان مرا

وَتُنْجِحَ طَلِبَتِی وَتَقْضِیَ حَاجَاتِی وَتَقْبَلَ قِصَّتِی وَتُنْجِزَ لِی مَا وَعَدْتَنِی وَ

و بر آوری حاجت مرا و روا کنی حاجتهای مرا و بپذیری کار مرا یا حکایت مرا و روا کنی برای من آنچه را که وعده دادی مرا

تُقِیلَنِی عَثْرَتِی وَتَتَجَاوَزَ عَنْ خَطِیئَتِی وَتَصْفَحَ عَنْ ظُلْمِی وَتَعْفُوَ عَنْ جُرْمِی

در گذری از لغزش من و تجاوز کنی از خطای من و در گذری از ستم من و عفو کنی از گناه من

وَتُقْبِلَ عَلَیَّ وَلَا تُعْرِضَ عَنِّی وَتَرْحَمَنِی وَلَا تُعَذِّبَنِی وَتُعَافِیَنِی وَلَا تَبْتَلِیَنِی

و رو کنی بر من و رو نگردانی از من و رحم کنی مرا و عذاب نکنی مرا و عافیت بخشی مرا و مبتلا نسازی مرا

وَتَرْزُقَنِی مِنْ اَطْیَبِ الرِّزْقِ وَاَوْسَعِهِ وَاَهْنَئِهِ وَاَمْرَئِهِ وَاَسْبَغِهِ وَ

و روزی دهی مرا از پاکیزه ترین روزیها و فراگیرنده ترین آن و گواراترین آن و بهترین آن سودمندترین و تمام ترین آن

اَکْثَرِهِ وَلَا تَحْرِمْنِی یَا رَبِّ النَّظَرَ اِلَی وَجْهِکَ الْکَرِیمِ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ

و بیشترین آن و نا امید نکنی مرا ای پروردگار من از نگریستن بسوی ذات بزرگوار تو و از رسیدن به بهشت

وَالْعِتْقَ مِنَ النَّارِ وَاقْضِ عَنِّی یَا رَبِّ دَیْنِی وَاَمَانَتِی وَضَعْ عَنِّی وِزْرِی

و از آزادی از آتش و قضا کن از من ای پروردگار من قرض مرا و امانت مرا و بگذار از من بار گران مرا

وَلَا تُحَمِّلْنِی مَا لَا طَاقَةَ لِی بِهِ یَا مَوْلَایَ وَاَدْخِلْنِی فِی کُلِّ خَیْرٍ

و بار مکن مرا آنچه نیست توانائی مرا بآن ای صاحب اختیار من و در آور مرا در هر نیکی

اَدْخَلْتَ فِیهِ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ وَاَخْرِجْنِی مِنْ کُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَهُمْ مِنْهُ

که در آوردی در آن محمد و آل محمد را و بیرون کن مرا از هر بدی که بیرون کردی ایشان را از آن

ولا تفرق بيني وبينهم طرفة عين ابدا في الدنيا والاخرة پس سه مرتبه بگويد

وجدائی میفکن میان من و میان ایشان بقدر بر هم زدن چشم هرگز در این جهان و آن جهان

اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگويد اللهم اني

بار خدایا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس مستجاب کن دعای مرا چنانچه وعده کردی مرا بار خدایا بدرستیکه

اسألك قليلا من كثير مع حاجة بي اليه عظيمة وغناك عنه

سوال میکنم از تو اندکی از بسیار با حاجت من بسوی آن بیشمار و بی نیازی تو از آن

قديم وهو عندي كثير وهو عليك سهل يسير فامنن به علي انك على

دیرینه است و آن نزد من بسیار است و آن بر تو سهل و اندک است پس بخشش کن با آن بر من بدرستیکه تو بر

كل شيء قدير اللهم رحمتك في الصالحين فادخلنا وفي عليين

هر چیز توانائی خداوندا رحمت خود در زمره نیکوکاران پس در آور مرا و در علیین

فارفعنا وبكأس من معين من عين سلسبيل فاسقنا ومن الحور العين

پس بلند کن ما را و بجامی از شراب گوارا از چشمه سلسبیل پس آب ده ما را و از حوریان فراخ چشم

برحمتك فزوجنا ومن الولدان المخلدين كأنهم لؤلؤ مكنون

برحمت خود پس زن ده ما را و از کودکان جاوید ماندگان که گویا ایشان مروارید پوشیده اند

فاخدمنا ومن ثمار الجنة ولحوم الطير فاطعمنا ومن ثياب السندس

پس خادم بخش ما را و از میوه های بهشت و گوشتهای مرغ پس بخوران ما را و از جامه های دیبای نازک

والحرير والاستبرق فالبسنا وليلة القدر وحج بيتك الحرام وقتلا

و ابریشم و دیبای سطبر پس بپوشان ما را و برای دریافت شب قدر و حج خانه محترم خود و کشته شدن

في سبيلك مع وليك فوفق لنا وصالح الدعاء والمسألة فاستجب

در راه خود با دوستان خود پس توفیق ده ما را و شایسته دعا و سوال را پس مستجاب کن

لنا يا خالقنا اسمع واستجب لنا واذا جمعت الاولين والاخرين

برای ما ای آفریننده ما بشنو و اجابت کن برای ما و هرگاه جمع کنی پیشینیان و پسینیان را

رمضان

يوم القيمة فارحمنا وبراءة من النيران واماناً من العذاب فاكتب لنا وفي

در روز رستخيز پس رحم كن ما را و بيزاري از آتش و ايمني از عذاب پس بنويس براي ما و در

جهنم فلا تجعلنا ومع الشياطين في النار فلا تقرنا وفي هوان

دوزخ پس مگردان ما را و با ديوان پليد در آتش پس ثابت مدار ما را و در خواري

عذابك فلا تقلبنا ومن الزقوم والضريع فلا تطعمنا وفي

عذاب خود پس مگردان ما را و از ميوه زقوم و خار خسك پر وار بر مخوران ما را و در

النار على وجوهنا فلا تكبنا ومن ثياب النار وسرابيل القطران

آتش بر روهاي ما پس ميفكن ما را و از جامهاي آتش و پيراهنهاي قطران

فلا تلبسنا ومن كل سوء يا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت فنجنا

پس مپوشان ما را و از هر بدي اي آنكه نيست سزاوار پرستش مگر تو بحق كلمه لا اله الا انت پس نجات ده ما را

اللهم اني اسألك ولم يسأل مثلك وارغب اليك ولم يرغب الى

خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم ترا و درخواسته نشده است مانند تو رغبت ميكنم بسوي تو و رغبت كرده نشده است بسوي

مثلك يا رب انت موضع مسألة السائلين ومنتهى رغبة

مثل تو اي پروردگار تو قرارگاه سؤال خواهندگاني و منتهاي رغبت

الراغبين اسألك اللهم بافضل اسمائك كلها وانجحها يا الله يا

خواهشمنداني درخواهم از تو خداوندا به بهترين نامهاي تو همه آنها و فيروزترين آنها اي خدا اي

رحمن وباسمك المخزون المصون الاعز الاجل الاعظم الذي تحبه

بخشاينده و بحق نام تو كه پنهان داشته نگاه داشته ارجمندتر بزرگوارتر بزرگتر آن چنان كه دوست ميداري او را

وتهواه وترضى عمن دعاك به وتستجيب له دعاءه وحق عليك

و ميخواهي آنرا و خشنود ميشوي از آنكه بخواند ترا بآن و مي پذيري براي او دعاي او را و لازم است بر تو

يا رب ان لا تحرم سائلك اللهم اني اسألك بكل اسم هو لك دعاك

اي پروردگار من آنكه نااميد نسازي سؤال كننده خود را خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم ترا بهر نامي كه آن از تو است

به عبدٌ هو لك في برٍّ او بحرٍ او سهلٍ او جبلٍ او عند بيتك الحرام

با آن بنده که او برای تست در بیابان یا دریا یا در همواری یا کوه یا نزد خانهٔ حرم محترم تو

او في شيءٍ من سبلك فادعوك يا ربِّ دعاءَ من قد اشتدّت

یا در چیزی از راههای قرب تو پس میخوانم ترا ای پروردگار من خواندن کسیکه سخت شده باشد

فاقته وعظم جرمه وضعف كدحه واشرفت على الهلكة نفسه

احتیاج او و بزرگ باشد گناه او و سست باشد کوشش او و مشرف گشته باشد بر هلاکت ذات او

ولم يثق بشيءٍ من عمله ولم يجد لما هو فيه سادّاً ولا لذنبه غافراً

و اعتماد نکرده باشد بچیزی از کردار خود و نیافته باشد برای آنچه او در آنست بازدارنده و نه برای گناه خود آمرزنده

ولا لعثرته مقيلاً غيرك هارباً اليك متعوّذاً بك متعبّداً لك

و نه برای لغزش خود درگذرنده غیر تو حال آنکه بوده باشد گریزان بسوی تو پناه گیرنده بتو پرستش کننده مر ترا

غير مستنكفٍ ولا مستكبرٍ ولا مستحسرٍ ولا متجبّرٍ ولا متعظّمٍ بل بائسٌ

نه عار دارنده از عبادت تو و نه گردن کشی کننده مانند صاحب کبر و نخوت نماینده بوده باشد بد حال

فقيرٌ خائفٌ مستجيرٌ اسألك يا الله يا رحمن يا حنّان يا منّان يا بديع

محتاج ترسان امان جوینده درمیخواهم از تو ای خدای بخشنده ای بغایت مهربان ای بسیار بخشنده ای پدید آورنده

السموات والارض يا ذا الجلال والاكرام ان تصلّي على محمدٍ

آسمانها و زمین ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن آنکه رحمت فرستی بر محمد

وآل محمدٍ صلوةً كثيرةً طيّبةً مباركةً ناميةً زاكيةً شريفةً اسألك

و آل محمد رحمت بسیار پاک با برکت فزایش نماینده پاکیزه بلند پایه سوال میکنم ترا

اللهم ان تغفر لي في شهري هذا وترحمني وتعتق رقبتي من النار

خداوندا آنکه بیامرزی مرا در ماه من این ماه و رحم کنی مرا و آزاد کنی گردن مرا از آتش

وتعطيني فيه خير ما اعطيت احداً من خلقك وخير ما انت

و عطا کنی مرا در آن بهتر از آنچه عطا فرمودی بیکی از خلق خود و بهتر از آنچه تو

رمضان

مُعْطِيهِ وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي صُمْتُهُ لَكَ مُنْذُ أَسْكَنْتَنِي

عطا كنندهٔ آن و مگردان آنرا آخر ماه رمضانی که روزه داشتم آنرا بجهت تو از آن وقت که ساکن گردانیدی مرا

أَرْضَكَ إِلَى يَوْمِي هٰذَا بَلِ اجْعَلْهُ عَلَيَّ أَتَمَّهُ نِعْمَةً وَأَعَمَّهُ عَافِيَةً

در زمین خود تا روز من این روز بلکه بگردان آنرا بر من تمام ترین آن از روی نعمت و فروگیرنده ترین آن از روی عافیت

وَأَوْسَعَهُ رِزْقاً وَأَجْزَلَهُ وَأَهْنَأَهُ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ وَبِوَجْهِكَ

و فراگیرنده ترین آن در روزی و وافرترین آن گوارا ترین آن خداوندا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو و بذات

الْكَرِيمِ وَمُلْكِكَ الْعَظِيمِ أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ مِنْ يَوْمِي هٰذَا وَتَنْقَضِيَ بَقِيَّةُ

بزرگوار تو و پادشاهی بزرگ مرتبهٔ تو از اینکه غروب کند آفتاب از روز من این روز یا بپایان رسد باقی ماندهٔ

هٰذَا الْيَوْمِ أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هٰذِهِ أَوْ يَخْرُجَ هٰذَا الشَّهْرُ وَلَكَ

این روز یا برآید صبح از شب من این شب یا بیرون این ماه و حال آنکه باشد مر ترا

قِبَلِي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ أَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ أَنْ تُقَايِسَنِي بِهَا أَوْ تُؤَاخِذَنِي

نزد من وبالی یا گناهی یا خطای که خواهی آنکه در مشقت افکنی با آن یا مواخذه نمائی مرا

بِهَا أَوْ تُوَقِّفَنِي بِهَا مَوْقِفَ خِزْيٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ تُعَذِّبَنِي يَوْمَ

با آن یا برپا داری مرا بسبب آن در جایگاه خواری در دنیا و آخرت و آنکه عذاب کنی مرا در روزیکه

أَلْقَاكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لِهَمٍّ لَا يُفَرِّجُهُ غَيْرُكَ

ملاقات نمایم ترا ای بخشنده ترین بخشایندگان خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا بجهت غمی که نمی گشاید آنرا غیر تو

وَلِرَحْمَةٍ لَا تُنَالُ إِلَّا بِكَ وَلِكَرْبٍ لَا يَكْشِفُهُ إِلَّا أَنْتَ وَلِرَغْبَةٍ

و بجهت بخششی که رسیده نمیشود مگر بتو و بجهت اندوهی که زائل نمیکند آنرا مگر تو و بجهت خواهشی

لَا تُبْلَغُ إِلَّا بِكَ وَلِحَاجَةٍ لَا تُقْضَى دُونَكَ اللّٰهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ

که رسیده نمیشود مگر بخواست تو و بجهت حاجتی که روا کرده نمیشود از غیر تو بارخدایا پس چنانچه بوده از کار تو

مَا أَرَدْتَنِي بِهِ مِنْ مَسْأَلَتِكَ وَرَحِمْتَنِي بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ

آنکه قصد کردی مرا بآن از سوال کردن تو و ترحم نمودی مرا بآن از یاد کردن خود پس باید که بوده باشد از کار تو

الاستجابة لي فيما دعوتك به والنجاة لي فيما فزعت اليك منه

اجابت کردن برای من در آنچه خواندم ترا بآن و رستگاری برای من در آنچه استغاثه نمودم بسوی تو از آن

يا ملين الحديد لداود عليه السلام اي كاشف الضر والكرب

ای نرم سازنده آهن بجهت داود براو باد درود ای رفع نماینده بدحالی و اندوههای

العظام عن ايوب ومفرج غم يعقوب ومنفس كرب يوسف صل

بزرگ از ایوب ای گشاینده غم یعقوب وای زایل کننده اندوه یوسف رحمت بفرست

على محمد وآل محمد وافعل بي ما انت اهله فانك اهل التقوى

بر محمد وآل محمد وبکن با من آنچه تو سزاوار آنی زیرا که بتحقیق تو سزاوار پرهیزکاری

واهل المغفرة اللهم انت ثقتي في كل كرب ورجائي في كل شدة

وسزاوار آمرزشی بار خدایا تو معتمد منی در هر اندوهی و امیدگاه منی در هر سختیی

وانت لي في كل امر نزل بي ثقة وعدة كم من كرب يضعف

وتو برای من در هر امری که فرود می آید بمن معتمدی و ذخیره چه بسیار از اندوه که ناتوان میشود

منه الفؤاد وتقل فيه الحيلة ويخذل فيه الصديق ويشمت

از برداشتن آن دل و کم میشود در آن راه چاره و خوار میگردد در آن دوست و شماتت میکند

فيه العدو وانزلته بك وشكوته اليك رغبة مني فيه اليك

در آن دشمن و فرود آوردم آنرا بدرگاه تو و شکایت نمودم از آن بسوی تو از راه رغبت من

عمن سواك ففرجته وكشفته وكفيتنه فانت ولي كل نعمة

از غیر تو پس گشودی تو آنرا و زایل کردی آنرا و رفع نمودی آنرا پس تو خداوند هر نعمتی

وصاحب كل حسنة ومنتهى كل رغبة اعوذ بكلمات الله

وصاحب هر نیکی ونهایت هر رغبتی پناه میبرم بکلمات خدا

التامات من شر ما خلق من شيء اللهم عافني في يومي هذا

که تمام وکامل اند از شر آنچه آفریده از چیزی خداوندا عافیت بخش مرا در روز این

اُمسی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ بَرَكَةَ یَوْمی هٰذا وَما نَزَلَ فیهِ مِنْ عافِیَةٍ وَمَغْفِرَةٍ

شام کنم خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو برکت روز مرا این و آنچه فرود آمده در این روز از عافیت و آمرزش

وَرَحْمَةٍ وَرِضْوانٍ وَرِزْقٍ واسِعٍ حَلالٍ تَبْسُطُهُ عَلَیَّ وَعَلی والِدَیَّ

و بخشش و خوشنودی و روزی فراخ حلالی که پهن کنی بر من و بر پدر و مادر من

وَوُلْدی وَاَهْلی وَعِیالی وَاَهْلِ حُزانَتی وَمَنْ اَحْبَبْتُ وَاَحَبَّنی وَوَلَدَنی

و فرزندان من و عیال من و خاندان من و آنکه غمخواری و نمایم و آنکه دوست دارم و دوست دارد مرا و آنکه زائیده من

وَوَلَدْتُ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّكِّ وَالشِّرْكِ وَالْحَسَدِ وَالْبَغْیِ

و زائید مرا خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از شک نمودن و شرک آوردن و بدخواهی و ستم کردن

وَالْحَمِیَّةِ وَالْغَضَبِ اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰواتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْاَرَضینَ السَّبْعِ

و غیرت و خشم گرفتن خداوندا ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و ای پروردگار زمینهای هفتگانه

وَما فیهِنَّ وَما بَیْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ

و آنچه در اینهاست و آنچه میان اینهاست و ای پروردگار عرش بزرگ رحمت بفرست بر محمد و آل او و

اَكْفِنِی الْمُهِمَّ مِنْ اَمْری بِما شِئْتَ وَكَیْفَ شِئْتَ پس بخوان سوره

کارگذاری کن برای من مهم از امر مرا بآنچه خواهی و هر روشی که خواهی

حمد و آیة الکرسی را و بگو اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ لِنَبِیِّكَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ

خداوندا بتحقیق که تو گفتی به پیغمبر خود رحمت فرستاد خدا بر او و آل او

وَلَسَوْفَ یُعْطیكَ رَبُّكَ فَتَرْضی اَللّٰهُمَّ اِنَّ نَبِیَّكَ وَرَسُولَكَ وَ

که هر آینه زود باشد که عطا کند ترا پروردگار تو پس خوشنود شوی خداوندا بدرستیکه پیغمبر تو و رسول تو و

حَبیبَكَ وَخِیَرَتَكَ مِنْ خَلْقِكَ لا یَرْضی بِاَنْ تُعَذِّبَ اَحَداً مِنْ اُمَّتِهِ دانَ لَكَ

دوست تو و برگزیده تو از خلق تو خشنود نمیشود بآنکه عذاب کنی یکی از امت او را که نزدیک شده ترا

بِمُوالاتِهِ وَمُوالاةِ الْاَئِمَّةِ مِنْ اَهْلِ بَیْتِهِ وَاِنْ كانَ مُذْنِباً خاطِئاً

بوسیله دوست داشتن او و دوست داشتن پیشوایان از خاندان او اگرچه بوده باشد گناه کار خطاکار

فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَاَجِرْنِي يَا رَبِّ مِنْ جَهَنَّمَ وَعَذَابِهَا وَهَبْنِي لِمُحَمَّدٍ
در آتش دوزخ پس نگاه دار مرا ای پروردگار من از دوزخ و عذاب آن و ببخش مرا بمحمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا جَامِعاً بَيْنَ اَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَى تَأَلُّفٍ
و آل محمد ای بخشنده ترین بخشایندگان ای جمع کننده میان اهل بهشت بنابر استحکام

مِنَ الْقُلُوبِ وَشِدَّةِ الْمَحَبَّةِ وَنَازِعَ الْغِلِّ مِنْ صُدُورِهِمْ وَجَاعِلَهُمْ اِخْوَاناً
از دلها و شدت دوستی و ای برکننده کینه از سینه‌های ایشان و گرداننده ایشان برادران

عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ يَا جَامِعاً بَيْنَ اَهْلِ طَاعَتِهِ وَبَيْنَ مَنْ خَلَقَهَا لَهُ
بر کرسیها روبروی یکدیگر ای جمع کننده میان اهل طاعت خود و میان آنکه خلق نموده آنها را برای او

وَيَا مُفَرِّجَ حُزْنِ كُلِّ مَحْزُونٍ وَيَا مُنْهِلَ كُلِّ غَرِيبٍ يَا رَاحِمِي فِي
و ای زائل کننده اندوه هر اندوهناک و ای مهلت دهنده هر بیکس ای رحم کننده من در

غُرْبَتِي وَفِي كُلِّ اَحْوَالِي بِحُسْنِ الْحِفْظِ وَالْكِلَاءَةِ لِي يَا مُفَرِّجَ مَا بِي مِنَ
بیکسی من و در همه حالات من بخوبی محافظت نمودن و نگهبانی کردن مرا ای گشاینده آنچه باشد مرا از

الضِّيقِ وَالْخَوْفِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ اَحِبَّتِي
تنگی و بیم رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و جمع کن میان من و میان دوستان من

وَقَادَتِي وَسَادَتِي وَهُدَاتِي وَمَوَالِيَّ يَا مُؤَلِّفاً بَيْنَ الْاَحِبَّاءِ صَلِّ عَلَى
و کشندگان من و پیشوایان من و راه نمایان من و صاحب اختیاران من ای الفت دهنده میان دوستان رحمت بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَفْجَعْنِي بِانْقِطَاعِ رُؤْيَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَنِّي وَلَا
محمد و آل محمد و بدرد میاور مرا بسبب بریده شدن دیدن محمد و آل محمد از من و

بِانْقِطَاعِ رُؤْيَتِي عَنْهُمْ فَبِكُلِّ مَسَائِلِكَ يَا رَبِّ اَدْعُوكَ اِلَهِي
بسبب بریدگی دیدن من از ایشان پس بهمه سوالهای تو ای پروردگار من میخوانم ترا خدای من

فَاسْتَجِبْ دُعَائِي اِيَّاكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِانْقِطَاعِ
پس بپذیر خواندن مرا مر ترا ای بخشاینده ترین بخشایندگان خداوندا بدرستیکه من میخواهم از تو بسبب بریدگی

فصل ششم
در بیان فضیلت ... کردن آن از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه ... منقول است

مُجَّتِی وَ وُجُوبُ حُجَّتِکَ اَنْ تَغْفِرَلِی اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ خِزْیِ یَوْمِ

دلیل من و لازم بودن حجت تو انکه بیامرزی مرا بار خدایا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو از خواری روز

اَلْمَحْشَرِ وَ مِنْ شَرِّ مَا بَقِیَ مِنَ الدَّهْرِ وَ مِنْ شَرِّ الْاَعْدَاۤءِ وَ صَغِیرِ الْفَنَاۤءِ

محشر و از شر انچه باقی مانده از زمانه و از گزند دشمنان و نیستی خورد

وَ عُضَالِ الدَّاۤءِ وَ خَیْبَةِ الرَّجَاۤءِ وَ زَوَالِ النِّعْمَةِ وَ فُجَاۤءَةِ النِّقْمَةِ اَللّٰهُمَّ

و درد عاجز گردانیده و بی بهره شدن از امید و زائل شدن نعمت و ناگاه در رسیدن عقوبت خداوندا

اِجْعَلْ لِی قَلْباً یَخْشَاکَ کَاَنَّهُ یَرَاکَ اِلَی یَوْمِ یَلْقَاکَ

بگردان برای من دلی که بترسد ترا آنچنانکه گویا او می بیند ترا تا روزی که ملاقات نمایم ترا

و دور نیست که در اوقات دیگر هرگاه شدتی رو دهد یا حاجتی در پی باشد این دعا را توان خواند

فصل ششم

در اعمال مختصره شبها و روزهای مخصوص این ماه مبارک است و در روایتی وارد شده که انجیل بر حضرت عیسی علی نبینا و علیه السلام در سیزدهم این ماه نازل شد و بروایت دیگر در ششم و بروایت معتبره دیگر در روز دوازدهم و شیخ مفید علیه الرحمة نقل کرده است که در روز ششم این ماه مامون خائن ملعون با حضرت امام رضا علیه السلام بیعت کرد و روایت شده است که هرکه در ان دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه قل هو الله احد بخواند شکر نعمت ظاهر شدن حق آنحضرت را ادا کرده خواهد بود و بروایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در شب سیزدهم این ماه دو رکعت نماز بگذارند و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد و در شب چهاردهم چهار رکعت بدو سلام باین صفت و در شب پانزدهم شش رکعت بسه سلام بهمین کیفیت و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام مستحب است چنانچه مذکور شد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول فرمود که هرکه در شب نیمه ماه رمضان صد رکعت نماز بکند یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند حقتعالی ده ملک فرو فرستد بسوی او که دفع کنند از ضرر

دشمنان او را از جنیان و آدمیان و در هنگام مرگ او سی ملک بفرستند که او را بشارت دهند به بهشت
و سی ملک که او را ایمن گردانند از جهنم و ایضاً از آنحضرت منقولست که هر که در شب نصف ماه رمضان
زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بکند و بعد از نماز عشا ده رکعت نماز نزد قبر آنحضرت بکند و در هر رکعت
سوره حمد و ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند تا در خواب ببیند ملکی چند را که بشارت دهند او را به بهشت
و ملکی چند را که ایمن گردانند او را از جهنم و شب هفدهم شب بسیار بسیار برکت است و در آن شب لشکر حضرت
رسول خدا صلی الله علیه و آله با لشکر کفار قریش ملاقات کردند در بدر و در روزش جنگ بدر شد و
حق تعالی لشکر آنحضرت را بر کفار ظفر داد و آن اعظم فتوحات اسلام بود و غسل و عبادت در آن شب
فضیلت عظیم دارد و شب نوزدهم اول شبهای قدر است و حق تعالی میفرماید انا انزلناه فی لیلة
القدر یعنی ما فرو فرستادیم قرآن را در شب قدر یعنی شبی که نزد حق تعالی قدر و منزلت عظیم دارد یا تقدیر
امور سال در این شب میشود یا زمین تنگ میشود از بسیاری نزول ملائکه و ما ادریک ما لیلة
القدر و چه چیز ترا اعلام کرده است که چه چیز است شب قدر لیلة القدر خیر من الف شهر
شب قدر بهتر است از هزار ماه یعنی عبادت در آن بهتر است از عبادت هزار ماه تنزل الملائکة
والروح فیها فرود می آیند ملائکه و روح که از همه ملائکه اعظم است باذن ربهم من کل امر
رخصت پروردگار ایشان بسبب تقدیر هر امری احادیث بسیار وارد شده است که ملائکه و روح
بر امام زمان نازل میشوند و آنچه از برای هر کس در این شب مقدر شده است بر امام علیه السلام عرض
میکنند سلام هی حتی مطلع الفجر سلامتی است این شب از جمیع بدیها تا طلوع صبح یا سلام
می کنند بر امام و بر دوستان که در این شب عبادت می کنند تا طلوع صبح و میان سنی و شیعه در شب
قدر اختلاف بسیار است بعضی از سنیان گفته اند که شب قدر در زمان حضرت رسول صلی الله علیه
و آله بود و بعد از آنحضرت برطرف شد و اکثر ایشان گفته اند که تا روز قیامت باقی است پس بعضی
گفته اند در تمام سال پنهان است در همه شبها عبادت باید کرد تا فضیلت آن را دریابند و بعضی
گفته اند که در ماه رمضان است و در ماه رمضان پنهان است و بعضی گفته اند شب نیمه شعبان است و بعضی گفته اند
شب [illegible] بعضی گفته اند شب هفدهم و بعضی

رمضان

بیست و یکم و بعضی بیست و سوم و بعضی بیست و نهم و بعضی شب آخر گفته اند و اکثر سنیان در زمان اتفاق کرده اند بر شب بیست و هفتم و علمای شیعهٔ امامیه اجماع کرده اند بر آنکه از شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم بیرون نیست و بعضی مردم میان شب بیست و یکم و بیست و سوم میدانند و بسیاری از احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه از این سه شب بیرون نیست و این سه شب یعنی نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم را احیا باید کرد تا فضیلت شب قدر دریابند و در بعضی احادیث معتبره تعیین بیست و یکم و بیست و سوم وارد شده است و در بعضی تعیین بیست و سوم واقع شده است و منقولست که آن شب جهنی است و آن اعرابی بود که بحضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد که منزل من دور است از مدینه و میخواهم شبی برای من تعیین کنی که بهترین شبها باشد که در آن شب بخدمت تو برسم حضرت شب بیست و سوم برای او تعیین فرمود و او پیوسته در آن شب با خیل و اهل و خدم و حشم خود داخل مدینه می‌شد و چون صبح میشد بر میگشت و از بعضی احادیث ظاهر میشود که [illegible] و در شب اول تقدیر امور میشود و در شب دوم بکثرت دعا و عبادت ممکن است بعضی تغیر بیابد و در شب سوم ختم میشود و تغیر نمی یابد یا بسیار کم تغیر می یابد بلا تشبیه مانند ارقام پادشاهان که اول تعلیقه میشود و تغیرش آسان است بعد از آن ثبت دفاتر میشود و تغیرش دشوارتر است اما تا بمهر مهر آثار مزین نگردیده باز ممکن است تغیر بیابد و چون بمهر اشرف رسید بمنزلهٔ حتم است و تغیرش در غایت صعوبت است و حق تعالی را حکمتها در ابهام بعضی از امور است مانند اسم اعظم [الهی] که بر اکثر مردم مشتبه است و نماز وسطی که بهترین نمازهاست و ساعت استجابت دعا در همهٔ شب و روز جمعه و عمل مقبول در میان اعمال و امثال اینها و یک حکمت در مبهم ساختن اینها آنست که بر همهٔ اسمای مقدسهٔ [الهیه] مواظبت نمایند و اهتمام در همهٔ نمازها کنند و در همهٔ ساعات شب و روز جمعه دعا کنند و سعی در همهٔ اعمال خیر کنند شاید یکی مقبول گردد و همچنین در شب قدر شبهایی که احتمال آن دارد همه را احیا کنند و حکمت دیگر در بعضی از اینها میتواند بود مثل آنکه اگر اسم اعظم را [illegible] میدانند گاه باشد بعضی از نفوس شریره آنرا وسیلهٔ حصول مطالب دنیه کنند چنانچه از بلعم نقل کرده اند و همچنین شب قدر و ساعت مقدر ممکن است اگر بخصوص آنها را بدانند ممکن است که امور غیر مشروعه یا ضررهای عظیم [illegible] از ایشان استدعا کنند اگر بخصوص

دانند باید البته مستجاب کرده دیگر آنکه مغرور باعمال خود نکردند و حکمتهای دیگر بسیار است که این رساله ذکر گنجایش آنها ندارد پس باید که مومن این شب را احیا کند و اهتمام در عبادت و دعا کند تا فضیلت شب قدر را دریابد و در شب آخر اهتمام بیشتر بکند و در شب بیست و سوم که احادیث معتبره بسیار در تخصیص آن وارد شده است که شب قدر است سعی بیشتر کنند و فوائد عبادت شب قدر بسیار است از آنجمله آنکه چون عبادت شب قدر را دریابد بنص قرآن زیاده از ثواب عبادت هزار ماه که زیاده از هشتاد سال است ثواب از برای او منظور می‌باید دیگر آنکه چون تقدیرات جمیع امور از عمر و مال و فرزند و عزت و صحت و توفیق اعمال خیر و سائر امور در این شب می‌شود اصلاح احوال تمام سال خود را درین شب کرده خواهد بود و ممکن است که نام او در دیوان اشقیا نوشته بوده درین شب تغییر یابد و از زمرهٔ سعادتمندان نوشته شود چنانچه این مضمون در اکثر دعاها و احادیث معتبره وارد شده است دیگر آنکه چون امام او حضرت صاحب الامر علیه السلام در تمام این شب با ملائکه مقربین محشور است و فوج فوج بخدمت او می‌آیند و بر او سلام میکنند و تقدیرات که از برای او و سائر خلق شده است بر او عرض میکنند نزد او آنست که درین شب آتشی با امام خود بکند و بغفلت بسر نیاورد و از حضرت رسول منقول است که چون شب قدر میشود فرود می‌آیند ملائکه که در سدرة المنتهی ساکنند و از جملهٔ ایشان جبرئیل علیه السلام است و جبرئیل با خود علمها می‌آورد و یک علم را بر سر قبر منور من نصب میکند و یکی را بر بیت المقدس و یکی را در مسجد الحرام و یکی را در طور سینا و نمیگذارند مرد مومن و زن مومنه را مگر آنکه بر او سلام میکنند و ایضا از حضرت رسول منقول است که بهشت را هر سال از برای داخل شدن ماه مبارک رمضان زینت میکنند چون شب اول ماه میشود نسیمی از زیر عرش بیرون میآید که آنرا مثیره میگویند و صدا می‌آورد درختان و حلقه‌های درهای بهشت پس نغمه از و می‌شنوند که هرگز شنوندگان از آن خوشتر نشنیده‌اند پس حوریان از غرفه‌های بهشت بیرون می‌آیند و ندا میکنند که آیا کسی هست که ما را خواستگاری کند از خدا با اعمال صالحهٔ خود پس از رضوان خازن بهشت می‌پرسند که این چه شب است رضوان میگوید لبیک ای نیکوروپان نیکوکاران این شب اول ماه رمضان است درهای بهشت گشوده شده [illegible] امت محمد پس حقتعالی [illegible] گشاد درهای بهشت [illegible] درهای

(رمضان)

[illegible]

جهنم را از روزه داران امت محمد ای جبرئیل برو و کبسوی زمین در زنجیر کن شیاطین متمرد را و غلها در
گردن ایشان گذار و ایشان را در لجه‌های دریا بینداز تا فاسد نکردانند بر امت حبیب من محمد روزهای ایشان را
و حضرت فرمود که حق تعالی در هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان سه مرتبه ندا میفرماید که آیا سوال کننده
هست که سوال کند او را عطا کنم آیا توبه کننده هست که توبهٔ او را قبول کنم آیا استغفار کننده هست که گناهانش
را بیامرزم کیست که قرض دهد بخداوند مالداری که هرگز پریشان نمیشود و وفا کننده است بوعده‌های خود و ستم
نمی کند و فرمود که در آخر هر روز از روزهای ماه مبارک رمضان در وقت افطار حق تعالی هزار هزار کس را
از آتش جهنم آزاد می کند و چون شب جمعه و روز جمعه میشود در هر ساعتی هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد میکند
که هر یک مستوجب عذاب شده باشند و در شب آخر و روز آخر ماه بعدد آنچه در تمام ماه آزاد کرده است
آزاد میکند و چون شب قدر میشود حق تعالی امر میکند جبرئیل را که بر زمین می آید با لشکر عظیمی از ملیکه و با خود
علم سبزی می آورد و بر بالای کعبهٔ معظمه نصب میکند و او ششصد بال دارد و دو بالش را نمی گشاید مگر در شب
قدر و چون در شب قدر آن دو بال را میگشاید از مشرق و مغرب میگذرند و پهن میکند جبرئیل آن ملائکه
را در این شب در اطراف زمین پس سلام میکنند بر هر ایستاده و نشسته که مشغول نماز و ذکر خدا باشند و با ایشان
مصافحه می کنند و چون ایشان دعا می کنند ملائکه آمین میگویند و پیوسته مشغول
این کارند تا طلوع صبح پس چون صبح طالع میشود ندا میکند جبرئیل که ای گروه ملائکه روانه جانب
آسمان شوید پس ملائکه میگویند ای جبرئیل خدا چه کرد در حوائج مومنان از امت محمد جبرئیل میگوید خدا
گناهان همه را آمرزید مگر کسیکه همیشه شراب خورد یا عاق پدر و مادر باشد یا قطع رحم کند یا با مومنان
عداوت کند و چون شب عید فطر میشود و آنرا شب جوائز گویند خدا مزد میدهد عمل کنندگان ماه مبارک
رمضان را بی حساب و چون بامداد روز عید میشود حق تعالی ملائکه بسیار در جمیع شهرها میفرستد که بر
زمین می آیند و بر سر کوچها و بازارها می ایستند و میگویند ای امت محمد بیرون روید بسوی درگاه
پروردگار کریم که عطاهای بزرگ می بخشد و گناهان عظیم را می آمرزد پس چون بمصلی بیرون میروند
برای نماز عید حق تعالی بملائکه میگوید ای ملائکه چیست جزای مزدوری که عمل خود را بکند ملائکه میگویند
ای خداوند ما و آقای ما جزای او آنست که مزدش تمام داده شود حق تعالی میفرماید ای ملائکه من شما را

[illegible]

رمضان

کرده ام از انجام ... فصل ... و عمل یاران کردن اول است ... دوم در دفن کردن ... جعفر صادق علیه السلام منقول است که در تفسیر این آیه ...

گواه میگیرم که ثواب ایشان از روزه روزهای ماه رمضان و عبادت شبهای آن عطا کردم [illegible]
راضی شدم و گناهان ایشانرا آمرزیدم پس ندا میفرماید مومنانرا که در آن مجمع حاضر بوده اند که ای
بندگان من هرچه خواهید از من سوال کنید و بعزت و جلال خود سوگند یاد میکنم که امروز در این مجمع شما هر
حاجت که برای آخرت و دنیای خود سوال کنید البته عطا میکنم و عیبهای شما را می پوشانم تا از من برگردان
نشوید و مزدهای شما را مضاعف میدهم و شما را در میان گنهکاران رسوا نمیکنم برگردید آمرزیده ایمن بمصلی
بدرستیکه خوشنود گردانیدید مرا و خوشنود شدم از شما پس ملائکه مسرور و شاد میشوند و یکدیگر را مبارکباد
میگویند بانچه حق تعالی بامت محمد عطا کرده و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که
احیا کند شب قدر را گناهان او آمرزیده شود و هرچند بعدد ستارهای آسمان و سنگینی کوهها و کیل
دریاها باشد و اما اعمال این سه شب پس دو نوع است اول آنکه در هر شب باید کرد دوم آنکه مخصوص است
به شبی اما اول از حضرت رسول منقولست که هر که در شب قدر دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت
بعد از سوره حمد هفت مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه استغفر الله
و اتوب الیه بگوید از جای خود برنخیزد تا حق تعالی او را و پدر و مادرش را بیامرزد و ملکی چند بفرستد
که حسنات برای او بنویسند تا سال آینده و ملکی چند بفرستد بسوی بهشت که درختها برای او
غرس نمایند و قصرها برای او بنا کنند و نهرها برای او جاری سازند و از دنیا بیرون نرود تا همه را
ببیند و غسل در این سه شب سنت موکده است و غسل این شبها مقارن غروب آفتاب کردن بهتر
است که نماز عشا را با غسل بکند و مستحب است در این شبها که قرآن مجید را بگیرد و بگشاید و این دعا بخواند

اللهم انی اسئلک بکتابک المنزل و ما فیه و فیه اسمک الاکبر
خداوندا من سوال میکنم از تو بحرمت کتاب فرستاده تو و آنچه در آنست و در آن نام بزرگ تو است
و اسمائک الحسنى و ما یخاف و یرجى ان تجعلنی من عتقائک من
و نامهای نیکوی تو و آنچه ترسیده میشود و امید داشته میشود آنکه بگردانی مرا از آزاد کردگان خود از
النار و تقضی حوائجی للدنیا و الآخرة
آتش و برآوری حاجتهای مرا از برای دنیا و آخرت

پس حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید که انشاء الله تعالی بر آورده است و این دعا از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که مصحف را بگیر و بکذار و

اللّهمّ بحقّ هذا القرآن وبحقّ من ارسلته به وبحقّ كلّ مؤمن مدحته

خداوندا بحق این قرآن و بحق آنکه فرستادۀ قرآنرا باو و بحق هر گروندۀ که ستودۀ او را

فيه وبحقّك عليهم فلا احد اعرف بحقّك منك پس ده مرتبه بگو

در قرآن و بحق تو بر ایشان پس نیست هیچکس شناساتر بحق تو از تو

بك يا الله ده مرتبه بمحمّدٍ ده مرتبه بعليٍّ ده مرتبه بفاطمة ده مرتبه

بالحسن ده مرتبه بالحسين ده مرتبه بعليّ بن الحسين ده مرتبه بمحمّد بن عليّ

ده مرتبه بجعفر بن محمّد ده مرتبه بموسى بن جعفرٍ ده مرتبه بعليّ بن موسى ده مرتبه

بمحمّد بن عليّ ده مرتبه بعليّ بن محمّدٍ ده مرتبه بالحسن بن عليّ ده مرتبه بالحجّة پس حاجت

که داری طلب کن و زیارت حضرت امام حسین ع در یک از این سه شب سنت موکده است و در هر یک خصوصا شب بیست و سوم صد رکعت نماز سنت است دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورۀ قل هو الله احد میخوانند و در بعضی از روایات معتبره وارد شده است که بهفت مرتبه یا پنج مرتبه یا سه یا یک مرتبه قل هو الله احد اکتفا میتوان کرد و احادیث بسیار در فضیلت آن صد رکعت وارد شده و باید که این صد رکعت غیر نافلۀ شب بوده باشد و اگر ضعف داشته باشد نشسته بجا آورد و بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت خود است و از برای پدر و مادر و خویشان و برادران مؤمن زنده و مرده ایشان و اذکار و صلوات بر محمد و آل محمد آنچه مقدور شود و در بعضی از روایات وارد شده است که دعای جوشن کبیر را در هر یک

از این سه شب بخوانند و اما دوم پس اعمال مخصوصه شب نوزدهم آنست که صد مرتبه بگوید

أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ و صد مرتبه اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

طلب آمرزش میکنم از خدا پروردگار من رجوع میکنم بسوی او خداوندا دوری از رحمت بخش کشندگان پیشوا کرده گان را

و این دعا بخوانند اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ وَفِيمَا

خداوندا بگردان در جمله آنچه حکم کنی و تقدیر میکنی از امر واجب که دیده در آنچه

تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَ

جدا کنی از امر موافق حکمت در شب قدر از آن حکمی که برگردانیده نشود و

لَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ

تبدیل کرده نشود آنکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانه محترم خود که پسندیده شود حج ایشان و [illegible]

سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي

حرکت ایشان آمرزیده شود گناهان ایشان محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان و بگردان در آنچه حکم کنی

وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَتُوَسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَتَفْعَلَ بِي فِي جَمِيعِ

و تقدیر می نمائی آنکه دراز کنی عمر مرا و گشاده سازی بر من روزی من و [illegible]

أُمُورِي مَا هُوَ خَيْرٌ لِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

امور من آنچه را که او خیر است برای من در دنیای من و آخرت من ای بخشنده ترین بخشایندگان

[illegible] و از حق تعالی طلب نماید در شب بیست و یکم فضیلت او زیاده از شب اول است و غسل

و اعمال سابقه [illegible] و در این شب آخر اعتکاف در مساجد جامع سنت است و مستحبات

[illegible] از حضرت امام موسی کاظم منقول است که در شب بیست و یکم و بیست و سوم صد رکعت

نماز بکن و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخوانی و در حدیث معتبر دیگر منقول است

که حضرت امام محمد باقر این دو شب را احیا میکرد [illegible]

آخر مشغول نماز [illegible]

ماه رمضان [illegible] رکعت نماز [illegible]

[illegible]

رمضان

باشی و مستحب است که مشغول نماز و دعا و تضرع باشی در شبیکه امید شب قدر در یکی از نهاست و شب قدر
بهتر است از هزار ماه یعنی بهتر است از عمل در هزار ماه و هر امری که در ان سال واقع میشود در شب قدر
مقدر میکردد و دعای این شب در ضمن دعاهائی هر آخر مذکور خواهد شد انشا الله تعالی و اما شب
بیست و سوم اکثر احادیث معتبره دلالت میکند بر انکه آن شب قدر است و در ان دو غسل سنت
است یکی اول شب و دیگری در آخر شب و حضرت صادق علیه السلام فرمود که شب بیست و سوم شب
جهنی است و در ان شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر میکردد و در ان شب مقدر میشود مرکها و بلاها
و اجلها و روزیها و قضاها و انچه در ان سال واقع میشود تا شب قدر آینده پس خوشا حال بنده
که احیا کند آن شب را و بیدار باشد بعبادت و کاه در رکوع باشد و کاه در سجود و کناهان خود
را در برابر دیده های خود ممثل کرداند و بر آنها بکرید چون چنین کند امیدوارم که از فضیلت شب
قدر محروم نکردد انشا الله تعالی و فرمود که حق تعالی امر میکند ملکی را که ندا میکند در هر روز
ماه رمضان در هوا که بشارت باد شما را ای بندکان من که بخشیدم کناهان کذشته شما را و در شب
قدر شفاعت شما را در حق یکدیکر قبول میکنیم و دعاهای شما را در حق یکدیکر مستجاب میکردانم مکر کسی
که روزه را افطار کند بر مست کننده یا کینه مومنی را در دل داشته باشد و بسند معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره عنکبوت را و روم را در شب بیست و سوم بخواند
والله که او از اهل بهشت است و استثنائی نکنم در ان احدی را و نمی ترسم که خدا درین سوکند بر من
کناهی بنویسد و این دو سوره را نزد حق تعالی منزلت عظیم است و ایضا از انحضرت بسند معتبر
منقول است که هر که در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان هزار مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند
بر اینه صبح کند با یقین شدید باعتراف بانچه مخصوص ماست از کرامتها که درین شب انچه در خواب
به بیند و سوره حم دخان انیز سنت است که درین شب بخواند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام
منقول است که هر که زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در شب بیست و سوم که
امید شب قدر در آن است و در ان هر امری مقدر میشود مصافحه کنند با او روح صد و بیست
و چهار هزار پیغمبر که همه درین شب بحضرت مسئلت میکنند که حق تعالی رخصت زیارت انحضرت

از این سه شب بخوانند و اما دوم پس اعمال مخصوصهٔ شب نوزدهم آنست که صد مرتبه بگویند

أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ و صد مرتبه اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

طلب آمرزش میکنم از خداپروردگار من و رجوع میکنم بسوی او خداوندا دور کن از رحمت خود کشندگان پادشاه گروندگان را

و این دعا بخوانند اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ وَفِيمَا

خداوندا بگردان در جمله آنچه حکم کنی و تقدیر میکنی از امر واجب کرده و در آنچه

تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَ

جدا کنی از امر موافق حکمت در شب قدر از آن حکمی که برگردانیده نشود و

لَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ

و بدل کرده نشود آنکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانهٔ محترم خود که پذیرفته شود حج ایشان جزا داده شود

سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي

حرکت ایشان آمرزیده شود گناهان ایشان محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان و بگردان در آنچه حکم کنی

وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَتُوَسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَتَفْعَلَ بِي فِي جَمِيعِ

و تقدیر می نمائی آنکه دراز کنی عمر مرا و گشایش دهی بر من در روزی من و تقدیر کنی برای من در همه

أُمُورِي مَا هُوَ خَيْرٌ لِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

امور من آنچه را که او خیر است برای من در دنیای من و آخرت من ای بخشنده ترین بخشایندگان

... حوائج خود را از حق تعالی طلب نماید و شب بیست و یکم فضیلت او زیاده از شب سابق است و غسل

و اعمال سابقه همه بعمل آورده و در این دهه آخر اعتکاف در مساجد جامعه سنت است و دهه استجابت دعا

و بسند بسیار معتبر از حضرت امام موسی کاظم منقولست که در شب بیست و یکم و بیست و سوم صد رکعت

نماز بکن و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوان و در حدیث معتبر دیگر منقولست

که حضرت امام محمد باقر این دو شب را احیا میکرد و در نصف اول شب مشغول ... بود و در نصف

آخر مشغول نماز و بسند موثق از ابان ... منقولست که اگر توانی در شب بیست و یکم و بیست و سوم

ماه رمضان در هر یک صد رکعت نماز بکن بغیر از سیزده رکعت نماز نافله شب با فلاح صبح و با همه بیدار ...

باش و مستحب است که مشغول نماز و دعا و تضرع باشی در شبی که امید شب قدر در یکی از آنهاست و شب قدر
بهتر است از هزار ماه یعنی بهتر است از عمل در هزار ماه و هر امری که در ان سال واقع میشود در شب قدر
مقدر میگردد و دعای این شب در ضمن دعاهای هر شب مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و اما شب
بیست و سوم اکثر احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه آن شب قدر است و در ان دو غسل سنت
است یکی اول شب و دیگری در آخر شب و حضرت صادق علیه السلام فرمود که شب بیست و سوم شب
جهنی است و در ان شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر میگردد و در ان شب مقدر میشود مرگها و بلاها
و اجلها و روزیها و قضاها و انچه در ان سال واقع میشود تا شب قدر آینده پس خوشا حال بنده
که احیا کند آن شب را و بیدار باشد بعبادت و گاه در رکوع باشد و گاه در سجود و گناهان خود
را در برابر دیدههای خود ممثل گرداند و بر آنها بگرید چون چنین کند امیدوارم که از فضیلت شب
قدر محروم نگردد انشاء الله تعالی و فرمود که حق تعالی امر میکند ملکی را که ندا میکند در هر روز
ماه رمضان در هوا که بشارت باد شما را ای بندگان من که بخشیدم گناهان گذشته شما را و در شب
قدر شفاعت شما را در حق یکدیگر قبول میکنیم و دعاهای شما را در حق یکدیگر مستجاب میگردانم مگر کسی
که روزه را افطار کند بر مست کننده یا کینه مؤمنی را در دل داشته باشد و بسند معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره عنکبوت را و روم را در شب بیست و سوم بخواند
والله که او از اهل بهشت است و استثنا نمیکنم در ان احدی را و نمیترسم که خدا در ین سوگند بر من
گناهی نویسد و این دو سوره را نزد حق تعالی منزلت عظیم است و ایضا از آنحضرت بسند معتبر
منقولست که هر که در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان هزار مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند
هر اینه صبح کند با یقین شدید باعتراف بانچه مخصوص ماست از کرامتها که در ین شب بسیار خیر در آن
ببیند و سوره حم دخان انیز سنت است که در ین شب بخواند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام
منقولست که هر که زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در شب بیست و سوم که
امید شب قدر در آن است و در ان هر امری مقدر میشود مصافحه کنند با او روح صد و بیست
و چهار هزار پیغمبر که همه در ین شب رخصت میطلبند [illegible] زیارت آنحضرت

رمضان

حضرت رسول صلی الله علیه [illegible] ... اللهم [illegible] ... وفي ليلة القدر ... ولا تبتلني بالنفاق [illegible] ... يا ارحم الراحمين من عبادك ...

و از حضرت صادق علیه السلام بسند [illegible] منقولست [illegible] ... که حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible] ... روزی را زیاده میکند و بلغم را قطع میکند [illegible] ... و از حضرت صادق علیه السلام [illegible] ... حضرت امام موسی [illegible]

وبسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده اند که هر که احیا کند شب بیست
وسوم ماه مبارک را و صد رکعت نماز بکند حق تعالی روزی او را فراخ گرداند در دنیا و شر دشمنان
را از و کفایت کند و پناه دهد او را از غرق شدن و خانه بر سر خراب شدن و لقمه در گلو گرفتن و
از شر درندگان و دفع کند از و هول منکر و نکیر را و از قبر بیرون آید و او را نوری باشد که روشنی
بخشد اهل محشر را و نامه اش را بدست راست او دهند و بنویسند برای او برات بیزاری از
آتش جهنم را و گذشتن بر صراط را و ایمنی از عذاب او و داخل بهشت شود بی حساب و در شب
او را از رفیقان پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان گردانند و نیکو رفیقانند
ایشان و دعای این شب را از جمله دعاهای دهه آخر بخواند و ایضا این دعا را بخواند

اللّهُمَّ امْدُدْ لِي فِي عُمْرِي وَاَوْسِعْ لِي فِي رِزْقِي وَاَصِحَّ جِسْمِي وَبَلِّغْنِي اَمَلِي
خداوندا درازی بخش برای من در عمر من گشایش ده برای من در روزی من و سالم دار بدن مرا و برسان امید مرا
وَاِنْ كُنْتُ مِنَ الْاَشْقِيَاءِ فَامْحُنِي مِنَ الْاَشْقِيَاءِ وَاكْتُبْنِي مِنَ السُّعَدَاءِ
واگر بوده باشم از بدبختان پس محو کن مرا از دیوان بدبختان و بنویس مرا از نیکبختان
فَاِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَمْحُو
زیرا که بتحقیق تو گفته در کتاب خود که فرو آورده شده است بر پیغمبر تو رحمتهای تو براو و بر آل او محو میکند
اللّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ اُمُّ الْكِتَابِ وایضا بگوید اللّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ
خدا آنچه را میخواهد و ثابت میدارد آنچه را میخواهد و نزد اوست اصل کتاب بارخدایا بگردان مرا از
اَوْفَرِ عِبَادِكَ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَنْزَلْتَهُ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَاَنْتَ مُنْزِلُهُ
وافرترین بندگان خود از روی بهره از هر نیکی که فرو فرستادی او را در این شب و تو فرو دآورنده آنی
مِنْ نُورٍ تَهْدِي بِهِ اَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا اَوْ رِزْقٍ تَقْسِمُهُ اَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ
از روشنائی که رهنمائی میکنی بآن یا رحمتی که پراکنده سازی آنرا یا روزی که قسمت کنی آنرا یا بلائی که دفع کنی آنرا
اَوْ ضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَاكْتُبْ لِي مَا كَتَبْتَ لِاَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ اسْتَوْجَبُوا
یا گزندی که زائل کنی آنرا و بنویس برای من آنچه نوشته برای دوستان شایسته خود که سزاوار شدند

مِنكَ الثَّوابَ وَ آمَنُوا بِرِضاكَ عَنهُم مِنكَ العِقابَ یا کَریمُ

از تو پاداش نیک و ایمن گشتند بسبب خوشنودی تو از ایشان از تو عقوبت را ای بزرگوار ای بزرگوار

صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افعَل بی ذلِکَ بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بکن با من آنرا ببخشایش تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان

هر مقدار که از قرآن ممکن باشد درین شب بخواند و دعاهای صحیفهٔ کامله را بخواند خصوصا دعای مکارم الاخلاق و دعای توبه و روزهای این شبها را نیز حرمت باید داشت و بعبادت و تلاوت و دعا بسر آورد زیرا که در احادیث معتبره وارد شده است که روز قدر نیز در فضیلت مثل شب قدر است و در شب بیست و چهارم نیز بخصوص غسل سنت است و در شب بیست و پنجم نیز غسل سنت است و احادیث معتبره در استحباب غسل در آن وارد شده است و منقول است که خدای عز و جل درین شب فتح میکند بدیها و گناهان و جمیع انواع بلاها را از روزه داران ماه رمضان پس عطا میکند حق تعالی بایشان نوری در گوشها و دیده های ایشان و در شب بیست و هفتم نیز غسل بخصوص وارد شده است و منقول است که حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهرین درین شب مکرر این دعا میخواندند از اول شب تا آخر شب

اَللّهُمَّ ارزُقنِی التَّجافِیَ عَن دارِ الغُرُورِ وَ الاِنابَةَ اِلی دارِ الخُلُودِ وَ الاِستِعدادَ

بار خدایا روزی کن مرا کناره کردن از سرای فریبندگی و بازگشت بسوی سرای همیشگی و مهیا شدن

لِلمَوتِ قَبلَ حُلُولِ الفَوتِ

برای مردن پیش از فرود آمدن موت

و در شب بیست و نهم نیز غسل بخصوص وارد شده است و همچنین در شب آخر غسل سنت است و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام سنت و وداع ماه رمضان سنت موکده است برای اظهار آنکه روزه و عبادت این ماه بر اهل ایمان گران و دشوار نبود و ما خواهان او بودیم و از مفارقت آن آزرده و محزونیم و هر که لذت عبادت الهی را یافته است و فوائد آنرا در دنیا و عقبی دانسته است عاشق عبادت و بندگی میباشد پس باید که این ماه کثیر البرکات را نحوی وداع کند که عزیزترین اهل خود را در هنگام مفارقت وداع میکند

ومعلوم است که غلامی که از خدمت آقای خود دلشاد و خوشحال باشد و از ترک خدمت دلگیر باشد
مثل غلامی نیست که از ترس خدمت کند و بآن راضی نباشد و دعاهای وداع را در
شب آخر سنت است خواندن و اگر در روز آخر نیز بخواند خوب است و در حدیث است
که اگر آخر ماه شبهه باشد در شب بیست و نهم احتیاطاً سنت است خواندن دعاهای
وداع بسیار است و بهترین دعاها دعای صحیفهٔ کامله است و بسندهای معتبر از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام این دعای وداع منقول است

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلٰى لِسَانِ نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ
بار خدایا بدرستیکه تو گفته در کتاب خود که فرو د آورده شده بر لغت پیغمبر فرستاده تو رحمتهای تو بر او و آل او باد

وَقَوْلُكَ حَقٌّ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي اُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰى وَ
و سخن تو راست است و درست که این ماه رمضان که فرو فرستاده شده است در آن قرآن در حالیکه راه نماینده آدمیان است و نشانهای روشن از راه نمودن

الْفُرْقَانِ وَهٰذَا شَهْرُ رَمَضَانَ قَدْ تَصَرَّمَ وَانْقَضَتْ اَيَّامُهُ وَلَيَالِيهِ فَاَسْاَلُكَ بِوَجْهِكَ
جدا کننده حق از باطل و این ماه رمضان بتحقیق بریده شد و بپایان رسید روزهای آن و شبهای آن پس سؤال میکنم از تو بذات

الْكَرِيمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ اِنْ كَانَ بَقِيَ عَلَيَّ ذَنْبٌ لَمْ تَغْفِرْهُ لِي اَوْ تُرِيدُ اَنْ تُعَذِّبَنِي
بزرگوار تو و کلمهای تو که تمام و کامل اند اگر هست گناهی باقی بوده بر من که نیامرزیده باشی آنرا از برای من و خواسته باشی که عذاب کنی مرا

عَلَيْهِ اَوْ تُقَايِسَنِي بِهِ اَنْ يَطْلُعَ فَجْرُ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ اَوْ يَتَصَرَّمَ هٰذَا الشَّهْرُ اِلَّا
بآن یا عوض کنی مرا بآن تا طلوع کند صبح این شب یا منقطع شود این ماه مگر

وَقَدْ غَفَرْتَهُ لِي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِكَ كُلِّهَا اَوَّلِهَا
اینکه بتحقیق بیامرزی آنرا از برای من ای بخشنده ترین بخشایندگان خداوندا مر تراست سپاس با سپاسهای تو همه آنها اول آنها

وَآخِرِهَا مَا قُلْتَ لِنَفْسِكَ مِنْهَا وَمَا قَالَ لَكَ الْخَلَائِقُ الْحَامِدُونَ
و آخر آنها آنچه خود گفته بر ستایشهای خود از آنها و آنچه گفته اند برای تو آفریدگان سپاس گذاران

المجتهدون المعدّدون المؤثرون في ذكرك والشكر لك الذين اعنتهم

كوشش نمايندگان شمارندگان برگزينندگان در ياد كردن تو و سپاس گذاري براي تو آنانكه مدد كردي ايشان را

على اداء حقّك من اصناف خلقك من الملائكة المقرّبين والنبيّين

بر اداكردن حق خود از اقسام خلق خود از فرشتگان نزديكان و پيغمبران

والمرسلين واصناف الناطقين المسبّحين لك من جميع العالمين

و فرستادگان و انواع ستايندگان تنزيه كنندگان مر ترا از همه عالميان

على انّك بلّغتنا شهر رمضان وعلينا من نعمك وعندنا من جزيل

بر آنكه بتحقيق تو رسانيدي ما را به ماه رمضان و حال آنكه بر ماست از نعمتهاي تو و نزد ماست از بخششهاي

قسمك واحسانك وتظاهر امتنانك بذلك لك منتهى الحمد

وافر تو و احسان تو و پي درپي آمدن انعام تو بانجهت مر تراست نهايت سپاس

الخالد الدائم الراكد المخلّد السرمد الذي لا ينفد طول الامد

جاويد پيوسته ثابت جاويد مانده هميشه كه بپايان نرسد تا دراز مدت

جلّ ثناؤك اعنتنا عليه حتّى قضيت عنّا صيامه وقيامه من صلوة

بزرگست ستايش تو مدد كردي ما را بر ماه رمضان تا آنكه ادا كردي از ما روزه داشتن آنرا و ايستادن آنرا از نماز

وما كان منّا فيه من برّ او شكر او ذكر اللهمّ فتقبّله منّا

وانچه يافت شده از ما در آن از نيكي يا سپاس گذاري يا ذكر خداوندا پس بپذير آنرا از ما

باحسن قبولك وتجاوزك وعفوك وصفحك وغفرانك وحقيقة

به نيكوترين پذيرفتن خود و تجاوز خود و عفو خود و درگذشتن خود و آمرزش خود و خشنودي

رضوانك حتّى تظفرنا فيه بكلّ خير مطلوب وجزيل عطاء موهوب

ثابت خود تا آنكه فيروزي دهي ما را در و بهر نيكي كه طلب كرده شود و عطاي وافري كه بخشيده شود

وتؤمننا فيه من كلّ امر مرهوب او ذنب مكسوب اللهمّ انّي اسألك

و ايمن گردانيدي ما را در آن از هر امري كه ترسيده شود و گناهي كه كسب كرده شود خداوندا بدرستيكه سؤال ميكنم

رمضان

بِعَظِيمِ مَا سَأَلَكَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ كَرِيمِ أَسْمَائِكَ وَجَزِيلِ ثَنَائِكَ

بحرمت بزرگ انچه سوال کرد ترا آن کسی از آفریدگان تو از گرامی نامهای تو و ثنای بسیار تو

وَخَاصَّةِ دُعَائِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ شَهْرَنَا هَذَا

و دعای خاص تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و آنکه بگردانی ماه مارا این ماه

أَعْظَمَ شَهْرِ رَمَضَانَ مَرَّ عَلَيْنَا مُنْذُ أَنْزَلْتَنَا إِلَى الدُّنْيَا بَرَكَةً فِي

بزرگترین ماه رمضانی که گذشته بر ما از آن وقتیکه فرو فرستادی ما را بسوی دنیا از روی زیادتی در

عِصْمَةِ دِينِي وَخَلَاصِ نَفْسِي وَقَضَاءِ حَاجَتِي وَتُشَفِّعَنِي فِي مَسَائِلِي وَتَمَامِ

نگاهداشتن دین من و رهائی نفس من و روا کردن حاجت من و آنکه بپذیری شفاعت مرا در سوالهای من و تمامی

النِّعْمَةِ عَلَيَّ وَصَرْفِ السُّوءِ عَنِّي وَلِبَاسِ الْعَافِيَةِ لِي وَأَنْ تَجْعَلَنِي بِرَحْمَتِكَ

نعمت بر من و گردانیدن هر بدی از من و پوشش عافیت مرا و آنکه بگردانی مرا برحمت خود

مِمَّنْ حُزْتَ لَهُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا لَهُ خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ فِي أَعْظَمِ

از آنانکه گرد آوردی جمع کردی برای ایشان شب قدر را و گردانیدی آنرا برای او بهتر از هزار ماه در بزرگترین

الْأَجْرِ وَكَرَائِمِ الذُّخْرِ وَطُولِ الْعُمُرِ وَحُسْنِ الشُّكْرِ وَدَوَامِ الْيُسْرِ

مزدی و گرامی ذخیره و درازی عمر و نیک سپاس گزاری و همیشگی آسانی

اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَطَوْلِكَ وَعَفْوِكَ وَنَعْمَائِكَ وَجَلَالِكَ

خداوندا و سوال میکنم ترا بوسیله رحمت تو و احسان تو و درگذشتن تو و نعمتهای تو و بزرگواری تو

وَقَدِيمِ إِحْسَانِكَ وَامْتِنَانِكَ أَنْ لَا تَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا لِشَهْرِ

و دیرینه احسان تو و انعام تو آنکه نگردانی آنرا آخر دیدن ما مر ماه

رَمَضَانَ حَتَّى تُبَلِّغَنَاهُ مِنْ قَابِلٍ عَلَى أَحْسَنِ حَالٍ وَتُعَرِّفَنِي هِلَالَهُ مَعَ

رمضان را تا آنکه برسانی ما را بآن از سال آینده به نیکوترین حالی و بشناسانی بمن هلال آنرا با

النَّاظِرِينَ إِلَيْهِ وَالْمُتَعَرِّفِينَ لَهُ فِي أَعْفَى عَافِيَتِكَ وَأَتَمِّ نِعْمَتِكَ وَأَوْسَعِ

نظر کنندگان بسوی او و شناسندگان مر آنرا در بزرگترین عافیت خود و تمام ترین نعمت خود و فراگیرنده ترین

حضرت امیرالمومنین علیه السلام ... فصل چهارم در فضیلت ... حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ...

حضرت امام رضا علیه السلام ...

رحمتك ثم آخر قسمك اللهم يا ربي الذي ليس لي رب غيره لا يكون

رحمت خود وافر ترین قسمهای خود خداوندا ای پروردگاری که نیست مرا پروردگاری غیر او تا باشد

هذا الوداع مني وداع فناء ولا آخر العهد من اللقاء حتى تريني من

این بوداع از من وداع نیستی و نه آخر ملاقاتی از ملاقات من تا آنکه بنمائی بمن آنرا از

قابل في اسبغ النعم وافضل الرخاء وانا لك على احسن الوفاء انك

سال آینده در تمام ترین نعمتها و بهترین فراخی و حال آنکه من بوده باشم بنیکوترین وفای بدرستیکه تو

سميع الدعاء اللهم اسمع دعائي وارحم تضرعي وتذللي لك واستكانتي

پذیرنده دعائی خداوندا بپذیر دعای مرا و رحم کن نزاری مرا و پستی نمودن برای تو و فروتنی مرا

لك وتوكلي عليك وانا لك مسلم لا ارجو نجاحا ولا معافاة ولا تشريفا

بجهت تو و اعتماد مرا بر تو و من برای تو منقادم امید ندارم رستگاری را و نه عافیت را و نه گرامی را

ولا تبليغا الا بك ومنك فامنن علي جل ثناؤك وتقدست اسماؤك

و نه رسانیدن مگر بتو و از تو پس انعام کن بر من بزرگ است ستایش تو و پاک است نامهای تو

بتبليغي شهر رمضان وانا معافا من كل مكروه ومحذور ومن جميع

برسانیدن من ب[illegible] و حال آنکه من عافیت بخشیده شوم از هر ناخوش و ترسیده شده از همه

البوائق الحمد لله الذي اعاننا على صيام هذا الشهر وقيامه حتى بلغنا

سختیها سپاس مر خدا را که مدد کرد ما را بر روزه داشتن این ماه و ایستادن در آن تا آنکه رسانید ما را

آخر ليلة منه اللهم اني اسألك با حب ما دعيت به وارضى

بآخر شبی از آن بار خدایا بدرستیکه من درمیخواهم از تو بدوست ترین چیزی که خوانده شدی بآن و پسندیده تر

ما رضيت عن محمد صلى الله عليه وآله ان تصلي على محمد وآل محمد

چیزی که خوشنود شدی بآن از محمد رحمت فرستاد خدا برا و و آل او و آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

ولا تجعله آخر وداعي شهر رمضان وداع خروجي من الدنيا ولا وداع

و مگردان وداع مرا خدایا از من ماه رمضان را وداع بیرون شدن من از دنیا و نه وداع

آخر عبادتك فيه ولا آخر صومي لك وارزقني العود فيه ثم العود

آخر عبادت تو دران ونه آخر روزه داشتن من براي تو وروزي كن مرا بازگشت دران پس بازگشت

فيه ثم العود فيه برحمتك يا ولي المؤمنين ووفقني فيه لليلة القدر

دران پس بازگشت دران برحمت خود اي دوست گروندگان وتوفيق ده مرا دران براي دريافت شب قدر

واجعلها لي خيرا من الف شهر رب الليل والنهار والجبال والبحار

وبگردان شب قدر را براي من بهتر از هزار ماه اي خداوند شب وروز وكوهها ودرياها

والظلم والانوار والارض والسماء يا بارئ يا مصور يا حنان

وتاريكيها وروشنائيها وزمين وآسمان اي آفريدگار اي صورت بخش اي بخشايش مهربان

يا منان يا الله يا رحمن يا رحيم يا حي يا قيوم يا بديع السموات و

اي بسيار بخشنده اي خدا اي بخشاينده اي مهربان اي زنده اي بذات خود موجود اي نو پديد آورنده آسمانها و

الارض لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء

زمين مر تراست نامهاي نيك ومثالهاي بلند وبزرگواري

والآلاء اسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان تصلي على محمد وآل

ونعمتها درميخواهم از تو بنام تو بنام خداي بخشاينده مهربان كه رحمت فرستي بر محمد وآل

محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء

محمد وانكه بگرداني نام مرا درين شب در ديوان نيك بختان وروح مرا با شهيدان

واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به

ونيكوئي مرا در عليين وبدي مرا آمرزيده وآنكه ببخشي مرا يقيني كه مباشر آن گني

قلبي وايمانا لا يشوبه شك ورضا بما قسمت لي وان تؤتيني في الدنيا

دل مرا وايماني كه نيالايد آنرا شكي وخشنودي بانچه قسمت كردي براي من وآنكه بدهي مرا در اينجهان

حسنة وفي الآخرة حسنة وان تقيني عذاب النار الحريق اللهم

نيكي ودران جهان نيكي وآنكه نگاهداري از عذاب آتش سوزان خداوندا

رمضان

فيما تقضي وتقدّر من الامر المحتوم وفيما تفرق من الامر الحكيم في

در جمله آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی از امر لازم کردیده و در آنچه جدا میکنی از امر محکم در

ليلة القدر من القضاء الذي لا يردّ ولا يبدّل ولا يغيّر ان تكتبني

شب قدر از آن حکمی که برگردانیده نشود و بدل کرده نشود و تغییر داده نشود آنکه بنویسی مرا

من حجّاج بيتك الحرام المبرور حجّهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم

از حج کنندگان خانه محترم خود که مقبول باشد حج ایشان پاداش داده شود حرکت ایشان آمرزیده شود گناه ایشان

المكفّر عنهم سيّئاتهم واجعل فيما تقضي وتقدّر ان تطيل في عمري

محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان و بگردان در آنچه حکم میکنی و تقدیر می نمائی آنکه دراز کنی عمر مرا

وان تعتق رقبتي من النار يا ارحم الراحمين اللهمّ انّي اسألك ولم يسئل

و آنکه آزاد کنی گردن مرا از آتش ای بخشاینده ترین بخشایندگان بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو و سؤال نکرده

العباد مثلك جودا وكرما وارغب اليك ولم يرغب الى مثلك وانت

بندگان مانند ترا از روی بخشش و بزرگواری و رغبت میکنم بسوی تو و رغبت کرده نشد بسوی مانند تو و تو

موضع مسألة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين اسألك باعظم

محل سؤال سؤال کنندگانی و منتهای رغبت رغبت نمایندگانی سؤال میکنم از تو ببزرگترین

المسائل كلّها وافضلها وانجحها التي ينبغي للعباد ان يسألوكها

سؤالها همه آنها و بهترین آنها و روا شده ترین آنها که سزاوار است مر بندگان را که سؤال کنند از تو آنها

يا الله يا رحمن وباسمائك ما علمت منها وما لم اعلم وباسمائك الحسنى

ای خدا ای بخشاینده و بنامهای تو آنچه دانسته‌ام از آنها و آنچه ندانسته‌ام و بنامهای نیک تو

وامثالك العليا ونعمك التي لا تحصى وباكرم اسمائك عليك و

و داستانهای بلند تو و نعمتهای تو که شمرده نشود و بگرامی ترین نامهای تو بر تو و

احبّها اليك واشرفها عندك منزلة واقربها منك وسيلة

بدوست داشته شده ترین آنها بسوی تو و بلندترین آنها نزد تو از روی مرتبه و نزدیکترین آنها از روی وسیله بودن

وَآخِرِها مِنْكَ ثَواباً وَأَسْرَعِها لَدَيْكَ إِجابَةً وَبِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ

و وافرترین آنها بتو از روی پاداش و شتابنده‌ترین آنها نزد تو از روی اجابت بنام تو که پوشیده

الْمَخْزُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الْأَكْبَرِ الْأَجَلِّ الَّذِي تُحِبُّهُ وَتَهْواهُ وَتَرْضىٰ بِهِ عَمَّنْ

پنهان داشته شده زنده پاینده بزرگتر بزرگوارتر آن نامیکه دوست میداری او را و میخواهی او را و خشنود میشوی از کسیکه

دَعاكَ بِهِ وَتَسْتَجِيبُ لَهُ دُعاءَهُ وَحَقٌّ عَلَيْكَ أَنْ لا تُخَيِّبَ سائِلَكَ

خواند ترا بآن و می‌پذیری بجهت او دعای او را و لازمست بتو آنکه نا امید نگردانی سوال کننده سوال خود را

وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّوْراةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقانِ

و میخواهم از تو بحرمت هر نامیکه او برای تست در توریت و انجیل و زبور و فرقان

وَبِكُلِّ اسْمٍ دَعاكَ بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَمَلائِكَةُ سَماواتِكَ وَجَمِيعِ

و بهر نامیکه خوانده اند ترا بآن بردارندگان عرش تو و فرشتگان آسمانهای تو و همه

الْأَصْنافِ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ نَبِيٍّ أَوْ صِدِّيقٍ أَوْ شَهِيدٍ وَبِحَقِّ الرّاغِبِينَ

اقسام از خلق تو از پیغمبری یا راستگوی یا شهیدی و بحق رغبت کنندگان

إِلَيْكَ الْفَرِقِينَ مِنْكَ الْمُتَعَوِّذِينَ بِكَ وَبِحَقِّ مُجاوِرِي بَيْتِكَ الْحَرامِ

بسوی تو ترسناکان از تو پناه گیرندگان بتو و بحق همسایگان خانه محترم تو

حُجّاجاً وَمُعْتَمِرِينَ وَمُقَدِّسِينَ وَالْمُجاهِدِينَ فِي سَبِيلِكَ وَبِحَقِّ كُلِّ

حال آنکه باشند حج کنندگان و عمره گذاران و تنزیه کنندگان و کارزار نمایندگان در راه رضای تو و بحق هر

عَبْدٍ مُتَعَبِّدٍ لَكَ فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ أَوْ سَهْلٍ أَوْ جَبَلٍ أَدْعُوكَ دُعاءَ مَنْ

بنده پرستنده مر ترا در خشکی یا دریا یا زمین هموار یا کوه میخوانم ترا مانند خواندن کسی

قَدِ اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ وَعَظُمَ جُرْمُهُ وَضَعُفَ كَدْحُهُ

بتحقیق سخت باشد احتیاج او و بسیار باشد گناهان او و بزرگ باشد جنایات او و سست باشد کوشش او

دُعاءَ مَنْ لا يَجِدُ لِنَفْسِهِ سادّاً وَلا لِضَعْفِهِ مُقَوِّياً وَلا لِذَنْبِهِ

دعای کسی که نیابد جهت نفس خود بازدارنده و نه بجهت ناتوانی خود قوت دهنده و نه گناه خود آمرزنده

غافر لغیرک هاربا الیک متعوذا بک متعبدا لک غیر مستکبر
آمرزنده غیر تو حال آنکه گریزان باشد بسوی تو پناه گیرنده باشد بتو عبادت کننده باشد مر ترا نه گردن کش
ولا مستنکف مشفقا بائسا فقیرا مستجیرا بک اسألک بعزتک و
و نه ننگ دارنده بلکه باشد ترسان محتاج درویش زنهار جوینده بتو سوال میکنم از تو بارجمندی تو و
سلطانک وجبروتک وسلطانک وبملکک وبهائک وجودک
بزرگی تو وغلبه تو وسلطنت تو وپادشاهی تو ونیکویی تو وبخشش تو
وکرمک وبآلائک وحسنک وجمالک وبقوتک علی ما اردت
وبزرگواری تو وبنعمتهای تو وخوبی تو ونیکویی تو وبتوانایی تو برانچه اراده نمایی
من خلقک ادعوک یا رب خوفا وطمعا ورهبة ورغبة وتخشعا
از مخلوقات خود میخوانم ترا ای پروردگار من از روی بیم وامید وترس وخواهش وفروتنی
وتملقا وتضرعا والحافا والحاحا خاضعا لک لا اله الا انت وحدک
ودوستی وزاری نمودن ومبالغه نمودن والحاح کردن حال آنکه فروتنی کننده ام مر ترا نیست خدایی مگر تو تنها حال آنکه
لا شریک لک یا قدوس یا قدوس یا قدوس یا الله یا الله یا الله
نیست انبازی مر ترا ای بغایت پاک ای بغایت پاک ای بغایت پاک ای خدا ای خدا ای خدا
یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا رب یا رب
ای بخشاینده ای بخشاینده ای بخشاینده ای مهربان ای مهربان ای مهربان ای پروردگار ای پروردگار
یا رب اعوذ بک یا الله الواحد الاحد الصمد الوتر المتکبر المتعال واسألک
ای پروردگار من پناه میگیرم بتو ای خدای یگانه یکتا پاک از همه آلایشها بی مانند بزرگوار بلند مرتبه و درخواست میکنم از تو
بجمیع ما دعوتک به وباسمائک التی تملأ ارکانک کلها ان تصلی
بهمه آنچه خواندم من ترا بآن وبحرمت نامهای تو که پر می کنند اطراف مملکت ترا همه آنها را آنکه رحمت بفرستی
علی محمد واهل بیت محمد واغفر لی ذنبی وارحمنی واوسع علی من فضلک
بر محمد وخانواده محمد بیامرز برای من گناه مرا ورحم کن مرا وگشایش ده بر من از بخشش خود

فصل دوم در فضیلت

العظیم و تقبّل منّی شهر رمضان و صیامه و قیامه و فرضه و نوافله

که بزرگ است و بپذیر از من ماه رمضان را و روزهٔ آنرا و نماز آنرا و واجب آنرا و مستحبات آنرا

واغفر لی وارحمنی واعف عنّی ولا تجعله آخر شهر رمضان صمته لک

و بیامرز مرا و رحم کن مرا و درگذر از من و مگردان آخر ماه رمضان که روزه داشتم آنرا

وعبدتک فیه ولا تجعل وداعی ایّاه وداع خروجی من الدنیا اللّهم

و عبادت کردم ترا در آن و مگردان وداع کردن من آنرا وداع بیرون شدن من از دنیا خداوندا

اوجب لی من رحمتک ومغفرتک ورضوانک وخشیتک افضل

واجب کن برای من از بخشش خود و آمرزش خود و خشنودی خود و ترس از خود بهتر از

ما اعطیت احداً من عبادک فیه اللّهم لا تجعلنی اخسر من سألک

آنچه بخشیدی یکی از آنانرا که پرستیدند ترا در آن خداوندا مگردان مرا زیانکارتر از کسی که سؤال کرده

فیه واجعلنی ممّن اعتقته فی هذا الشهر من النار وغفرت له

در آن و بگردان مرا از آنانکه آزاد کردهٔ او را در این ماه از آتش و آمرزیدی برای او

ما تقدّم من ذنبه وما تأخّر واوجبت له افضل ما رجاک واَمّل منک

آنچه را که پیش گذشته بود از گناه او و آنچه باز پس مانده و واجب ساختی برای او بهتر آنچه امید داشت و امید داشت از تو

یا ارحم الراحمین اللّهم ارزقنی العود فی صیامه لک وعبادتک فیه

ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان خداوندا روزی کن مرا باز گردیدن در روزه داشتن آن برای تو و عبادت تو در آن

واجعلنی ممّن کتبته فی هذا الشهر من حجّاج بیتک الحرام المبرور

و بگردان مرا از آنانکه نوشتی او را در این ماه از حج کنندگان خانهٔ محترم خود که مقبول باشد

حجّهم المغفور لهم ذنبهم المتقبّل عملهم آمین آمین آمین ربّ

حج ایشان آمرزیده شده باشد برای ایشان گناه ایشان پذیرفته شود برای ایشان کردار ایشان بپذیر بپذیر بپذیر ای پروردگار

العالمین اللّهم لا تدع لی فیه ذنباً الّا غفرته ولا خطیئة الّا محوتها

جهانیان خداوندا وامگذار برای من در آن گناهی مگر آنکه بیامرزی آنرا و نه خطائی مگر آنکه محو سازی آنرا

رمضان

ولا عثرة الا اقلتها ولا دينا الا قضيته ولا عيلة الا اغنيتها ولا

و نه لغزشی مگر آنکه درگذری از آن و نه وامی مگر آنکه اداکنی آنرا و نه نیازمندی را مگر آنکه بی نیاز گردانی آنرا

هما الا فرجته ولا فاقة الا سددتها ولا عريا الا كسوته ولا مرضا الا

اندوهی مگر آنکه گشایش دهی آنرا و نه حاجتی را مگر آنکه بر بندی آنرا و نه برهنگی مگر آنکه بپوشانی او را و نه بیماری مگر آنکه

شفيته ولا داء الا اذهبته ولا حاجة من حوائج الدنيا والآخرة الا

شفا بخشی او را و نه دردی را مگر آنکه ببری آنرا و نه حاجتی را از حاجتهای این جهان و آنجهان مگر آنکه

قضيتها على افضل املي ورجائي فيك يا ارحم الراحمين اللهم لا تزغ قلوبنا

روا کنی آنرا بر بهترین آرزوی من و امید من در تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان بار خدایا مپیچان دلهای ما را

بعد اذ هديتنا ولا تذلنا بعد اذ اعززتنا ولا تضعنا بعد اذ

پس از آنکه راه نمودی ما را و خوار مکن ما را پس از آنکه ارجمند کردی ما را و پست مکن ما را پس از آنکه

رفعتنا ولا تهنا بعد اذ اكرمتنا ولا تفقرنا بعد اذ اغنيتنا

بلند کردی ما را و ذلیل مگردان پس از آنکه گرامی داشتی ما را و نیازمند مکن ما را پس از آنکه بی نیاز کردی ما را

ولا تمنعنا بعد اذ اعطيتنا ولا تحرمنا بعد اذ رزقتنا ولا تغير

و منع مکن ما را پس از آنکه بخشش نمودی ما را و نا امید مکن ما را پس از آنکه روزی دادی ما را و تغییر مده

شيئا من نعمك علينا واحسانك الينا لشيء كان من ذنوبنا

هیچ چیز از نعمتهای خود را بر ما و احسان خود را بسوی ما بجهت چیزی که یافت شده از گناهان ما

ولا لما هو كائن منا فان في كرمك وعفوك وفضلك سعة

و نه بجهت آنچه یافت شود از ما زیرا که بتحقیق در بزرگواری تو و در گذشتن تو و فضل تو هست گشایشی

لمغفرة ذنوبنا فاغفر لنا وتجاوز عنا ولا تعاقبنا عليها يا ارحم

بجهت آمرزش گناهان ما پس بیامرز ما را و درگذر از ما و عقوبت مکن ما را بر آنها ای بخشاینده ترین

الراحمين اللهم اكرمني في مجلسي هذا كرامة لا تهينني بعدها

بخشایندگان خداوندا گرامی دار مرا در مجلس من این مجلس گرامی داشتنی که خوار نگردانی مرا پس از آن

رمضان

أَبَدًا وَأَعِزَّنِي عِزًّا لَا تُذِلَّنِي بَعْدَهُ أَبَدًا وَعَافِنِي عَافِيَةً لَا تَبْتَلِيَنِي بَعْدَهَا

هرگز و بزرگی بخش مرا به بزرگی که خوار نگردانی مرا پس از آن هرگز و تندرستی بده مرا تندرستی که مبتلا نکنی مرا بعد از آن

أَبَدًا وَارْفَعْنِي رِفْعَةً لَا تَضَعُنِي بَعْدَهَا أَبَدًا وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ كُلِّ

هرگز و بلند کن مرا به بلندی که پست نسازی مرا پس از آن هرگز و بگردان از من گزند

شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ قَرِيبٍ أَوْ بَعِيدٍ

شیطان سرکشی را و شر هر متکبر ستیزه گری را و شر هر نزدیک یا دور را

وَشَرَّ كُلِّ صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ وَشَرَّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي

و شر هر خردی را یا بزرگی را و شر هر جنبنده را که تو گیرنده موی پیش سر او را بدرستیکه پروردگار من

عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اللَّهُمَّ مَا كَانَ فِي قَلْبِي مِنْ شَكٍّ أَوْ رِيبَةٍ أَوْ

بر راه راست است خداوندا آنچه بود در دل من از شک یا تهمت یا

جُحُودٍ أَوْ قُنُوطٍ أَوْ فَرَحٍ أَوْ مَرَحٍ أَوْ بَطَرٍ أَوْ بَذَخٍ أَوْ خُيَلَاءَ أَوْ رِيَاءٍ

انکار یا نوامیدی یا شادی یا زیادتی یا حیرانی یا گردن کشی یا کبر یا ریا

أَوْ سُمْعَةٍ أَوْ شِقَاقٍ أَوْ نِفَاقٍ أَوْ كُفْرٍ أَوْ فُسُوقٍ أَوْ عِصْيَانٍ أَوْ شَيْءٍ

یا سمعه یا بدبختی یا دورویی یا ناسپاسی یا نافرمانی یا عصیان یا چیزیکه

لَا تُحِبُّ عَلَيْهِ وَلِيًّا لَكَ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

دوست نداری بر آن دوستی از برای خود پس سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و آنکه

تَمْحُوَهُ مِنْ قَلْبِي وَتُبَدِّلَنِي مَكَانَهُ إِيمَانًا بِوَعْدِكَ وَرِضًا بِقَضَائِكَ

محو کنی آنرا از دل من و بدل آوری برای من بجای آن تصدیق نمودن بوعده تو و خشنودی به حکم تو

وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَوَجَلًا مِنْكَ وَزُهْدًا فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ

و وفا نمودن به پیمان تو و ترسیدن از تو و بی رغبتی در دنیا و رغبت در آنچه نزد تست

وَثِقَةً بِكَ وَطُمَأْنِينَةً إِلَيْكَ وَتَوْبَةً نَصُوحًا إِلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ

و اعتماد بتو و آرام گرفتن بسوی تو و بازگشت خالص بسوی تو بار خدایا اگر بوده باشی

بلغتناه ولا فاخر عنا اجالنا الى قابل حتى تبلغناه فى يسر منك و

کو رسانیده باشی ما را بآن و اگر چنین شده است پس باز پس انداز اجلهای ما تا سال آینده تا آنکه برسانی ما را بآن در فراخی از تو باشد

عافية يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد واله كثيرا ورحمة الله وبركاته

و عافیتی ای بخشنده ترین بخشایندگان و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او رحمت بسیار و رحمت خدا و برکتهای او

و در جمعهٔ آخر نیز وداع جمعه باید نمود و از جابر بن عبد الله انصاری منقول است که گفت رفتم بخدمت رسول در جمعهٔ آخر ماه رمضان چون نظر آنحضرت بر من افتاد فرمود که این آخر جمعهٔ است از ماه رمضان پس وداع کن او را و بگو

اللهم لا تجعله اخر العهد من صيامنا اياه فان جعلته فاجعلني

بار خدایا مگردان آنرا آخر عهدی از روزه داشتن ما آنرا پس اگر گردانیده باشی آنرا پس بگردان مرا

مرحوما ولا تجعلني محروما

بخشیده شده و مگردان مرا نا امید

زیرا که هر که این دعا را درین روز بخواند بیکی از دو خصلت نیکو ظفر میباید یا برسیدن ماه رمضان آینده یا بآمرزش خدا و رحمت بی نهایت و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در شب آخر ماه رمضان این دعا بخواند

اللهم لا تجعله اخر العهد من صيامي لشهر رمضان واعوذ بك ان

بار خدایا مگردان آنرا آخر رسیدنی از روزه داشتن من مر ماه رمضان را و پناه میگیرم بتو از آنکه

يطلع فجر هذه الليلة الا وقد غفرت لي

طلوع کند صبح این شب مگر آنکه بتحقیق آمرزیده باشی مرا

حق تعالی پیش از طلوع صبح او را بیامرزد و او را توبه و انابت روزی کند و ایضا سنت است که این دعا را بخواند

اللهم اني اسئلك باحب ما دعيت به وارضى ما رضيت به

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بدوست ترین انچه خوانده شدی بآن و پسندیده ترین انچه خوشنود شدی بآن

عَنْ مُحَمَّدٍ وَعَنْ اَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلَامُ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَیْهِ
از محمد و از خانواده محمد بر او و بر ایشان باد درود اینکه رحمت بفرستی بر او

وَعَلَیْهِمْ وَلَا تَجْعَلْ وَدَاعَ شَهْرِی هٰذَا وَدَاعَ خُرُوجِی مِنَ الدُّنْیَا
و بر ایشان و مگردان وداع ماه مرا این ماه وداع بیرون شدن من از دنیا

وَلَا وَدَاعَ آخِرِ عِبَادَتِکَ وَوَفِّقْنِی فِیهِ لِلَیْلَةِ الْقَدْرِ وَاجْعَلْهَا
و نه وداع آخر عبادت کردن تو و توفیق ده مرا در آن برای دریافت شب قدر و بگردان آن را

لِی خَیْرًا مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ مَعَ تَضَاعُفِ الْاَجْرِ وَالْاِجَابَةِ وَالْعَفْوِ
برای من بهتر از هزار ماه با مضاعف شدن مزد و اجابت کردن و درگذشتن

عَنِ الذَّنْبِ بِرِضَی الرَّبِّ
از گناه بخشنودی پروردگار

و از جمله چیزها که سنت است در شب آخر آزاد کردن بنده‌هاست زیرا که شبی است که حق تعالی بنده‌های بسیار از آتش جهنم آزاد میکند پس اگر بنده ضعیف فرومایه بندگان را از قید رقیت آزاد کند امید هست که خداوند قادر بی‌زوال آن وسعت و کمال او را از آتش جهنم آزاد گرداند و نام او را از جرائد عاصیان محو نماید چنانچه منقول است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام بنده‌هائیکه در عرض سال تحصیل مینمود تا بیست نفر و زیاده و کم در شب آخر ماه رمضان آزاد مینمود و میفرمود که شما‌ها را آزاد کردم بامید آنکه خداوند رحیم از تقصیرات من درگذرد و مرا از عذاب جهنم آزاد گرداند و چون روز عید میشد جایزه‌های عظیم بایشان می‌بخشید که ایشان بی‌نیاز باشند از سؤال کردن از مردم و میگفت که حق تعالی در هر شب ماه مبارک رمضان در هنگام افطار هفتاد هزار کس را آزاد میکند از آنها که مستوجب جهنم شده باشند و در شب آخر مثل آنچه در جمیع ماه آزاد کرده است آزاد میکند و حضرت هیچ غلامی و کنیزی را زیاده از یکسال خدمت نفرمود و در روز عرفه در عرفات نیز بنده‌های خود را آزاد میفرمود و در روایتی وارد شده است که سنت است که در شب آخر سوره انعام و کهف و یس بخواند و صد مرتبه بگوید

استغفر الله واتوب اليه

فصل هفتم در دعاهای

طلب آمرزش سکیم از خدا و رجوع سکیم بسوی او

مخصوص دهه آخر ماه مبارک است بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که آنحضرت در هر شب از شبهای دهه آخر این دعا می خواندند

اللهم انك قلت في كتابك شهر رمضان الذي انزل فيه
بارخدایا بدرستیکه تو گفته در کتاب خود که این ماه رمضانی است که فرو فرستاده شده دران
القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان فعظمت حرمة
قرآن حال آنکه راه نمای مردمانست و روشن است از آنچه راه نما و جدا کننده حق از باطل پس بزرگ کردی حرمت
شهر رمضان بما انزلت فيه القرآن وخصصته بليلة القدر
ماه رمضان بسبب آنکه فرو فرستادی دران قرآن را و مخصوص گردانیدی آنرا به شب قدر
وجعلتها خيرا من الف شهر اللهم وهذه ايام شهر رمضان
و گردانیدی آنرا بهتر از هزار ماه بارخدایا و این روزهای ماه رمضان
قد انقضت ولياليه قد تصرمت وقد صرت يا الهي منه الى ما انت
تحقیق بپایان رسید و شبهای آن تحقیق منقطع شد و تحقیق گردیدم ای خدای من از آن بسوی آنچه
اعلم به مني واحصى لعدده من الخلق اجمعين فاسئلك بما سئلك
داناتری بآن از من و ضبط نماینده تری مر شمار آنرا از همه آفریدگان پس سوال میکنم از تو بآنچه سوال کرده‌اند
به ملائكتك المقربون وانبياؤك المرسلون وعبادك الصالحون
بآن فرشتگان مقرب تو و پیغمبران مرسل تو و بندگان شایسته تو
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تفك رقبتي من النار وتدخلني الجنة
که رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و آنکه رهائی کردن مرا از آتش و در آوری مرا در بهشت
برحمتك وان تتفضل علي بالامن من يوم الخوف من كل هول اعددته
برحمت خود و آنکه بخشش نمائی بر من ایمنی در روز ترس از هر ترسی که آماده کرده آنرا

يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اِلٰهِي وَاَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَجَلَالِكَ الْعَظِيمِ اَنْ يَنْقَضِيَ

برای روز رستخیز خدای من و پناه میبرم بذات بزرگوار تو و به بزرگواری بزرگ تو از آنکه بپایان رسد

اَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ وَلَيَالِيهِ وَلَكَ قِبَلِي تَبِعَةٌ اَوْ ذَنْبٌ تُؤَاخِذُنِي

روزهای ماه رمضان و شبهای آن در حالیکه بوده باشد برای تو نزد من بازی یا گناهی که مؤاخذه کنی مرا

بِهِ اَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ اَنْ تَقْتَصَّهَا مِنِّي لَمْ تَغْفِرْهَا لِي سَيِّدِي سَيِّدِي

بآن یا خطای که اراده کنی که قصاص کنی از من نیامرزیده باشی آنرا برای من ای آقای من ای آقای من

سَيِّدِي اَسْاَلُكَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اِذْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اِنْ كُنْتَ

ای آقای من سوال میکنم از تو ای آنکه نیست خدای مگر تو زیرا که نیست خدای مگر تو اگر بوده باشی

رَضِيتَ عَنِّي فِي هٰذَا الشَّهْرِ فَازْدَدْ عَنِّي رِضًا وَاِنْ لَمْ تَكُنْ رَضِيتَ عَنِّي

که خشنود گشته باشی از من درین ماه پس افزون کن خوشنودی خود را از من و اگر نبوده باشی که خشنود گشته باشی از من

فَمِنَ الْآنَ فَارْضَ عَنِّي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا اَللّٰهُ يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ

پس اینک خشنود شو از من ای بخشاینده ترین بخشایندگان ای خدا ای یکتا ای پناه نیازمندان ای آنکه

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ و بسیار می گفتند

نزاده و زائیده نشده و نیست برای او مانند هیچ کس

يَا مُلَيِّنَ الْحَدِيدِ لِدَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْكُرَبِ

ای نرم سازنده آهن بجهت داود براو باد درود ای دفع نماینده بدحالی و اندوه های

الْعِظَامِ عَنْ اَيُّوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اَيْ مُفَرِّجَ هَمِّ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بزرگ از ایوب براو باد درود ای زائل کننده اندوه یعقوب براو باد سلام

اَيْ مُنَفِّسَ غَمِّ يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا اَنْتَ

ای گشاینده غم یوسف براو باد سلام رحمت بفرست بر محمد و آل محمد چنانچه تو

اَهْلُهُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ وَافْعَلْ بِي مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا اَنَا اَهْلُهُ

سزاواری که رحمت بفرستی بر ایشان همه و بکن با من آنچه تو سزاوار آنی و مکن با من آنچه من سزاوار آنم

و بسند معتبر از آنحضرت علیه السلام منقول است که در هر شب دهه آخر این دعا را بخوانند

أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ يَنْقَضِيَ عَنِّي شَهْرُ رَمَضَانَ أَوْ يَطْلُعَ

پناه می برم به بزرگواری ذات بزرگوار تو از آنکه بسر آید از من ماه رمضان یا طلوع کند

الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هٰذِهِ وَيَبْقَى لَكَ عِنْدِي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ يَوْمَ أَلْقَاكَ

صبح از شب من این شب و باقی ماند برای تو نزد من وبالی یا گناهی که عذاب کنی مرا بآن در روزیکه ملاقات کنم

و بسندهای معتبر در هر شب از دهه آخر دعای مخصوصی از حضرت صادق علیه السلام وارد شده است و بر مطالب دنیا و آخرت مشتمل است در این فصل ایراد نمودیم دعای شب بیست و یکم

يَا مُولِجَ اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ وَمُولِجَ النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ وَمُخْرِجَ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ

ای در آورنده شب در روز و ای در آورنده روز در شب و ای بیرون آورنده زنده از مرده

وَمُخْرِجَ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ يَا اللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اللّٰهُ

و ای بیرون آورنده مرده از زنده ای روزی دهنده هر که خواهی بی شمار ای خدا ای بخشاینده ای خدا

يَا رَحِيمُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

ای مهربان ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک

وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها سوال میکنم از تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد

وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي

و آنکه بگردانی نام مرا درین شب در دیوان نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکوکاری

فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي

مرا در علیین و بدکرداری مرا آمرزیده و آنکه بخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا

وَإِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا

و ایمانی که ببرد شک از من و آنکه خوشنود سازی مرا بآنچه قسمت کرده برای من و بده ما را در دنیا

حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا

نیکی و در آنجهان نیکی و نگاهدار مرا از عذاب آتش سوزان و روزی کن مرا در این شب

ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا

ذکر خود و سپاس گذاری خود و رغبت بسوی خود و بازگشت و توبه و توفیق برای چیزی

وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای شب بیست و دوم يَا سَالِخَ

که توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد را بر او و بر ایشان باد درود ای بازکننده

النَّهَارِ مِنَ اللَّيْلِ فَإِذَا نَحْنُ مُظْلِمُونَ وَمُجْرِيَ الشَّمْسِ لِمُسْتَقَرِّهَا بِتَقْدِيرِكَ

روز از شب پس ناگهان باشیم در تاریکی درآئیم و ای روان سازنده آفتاب تا بجائیکه قرارگاه است باندازه کردن خود

يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ وَمُقَدِّرَ الْقَمَرِ مَنَازِلَ حَتَّى عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ يَا نُورَ

ای غالب ای دانا و تقدیر کننده حرکت ماه در منزلهای معلوم تا آنکه گردد در آخر منازل مانند شاخ خرما ای نور

كُلِّ نُورٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ وَوَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اللهُ يَا قُدُّوسُ

هر نور و منتهای هر خواهش و خداوند هر نعمت ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای پاک

يَا أَحَدُ يَا وَاحِدُ يَا فَرْدُ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ

ای یگانه ای یکتا ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک و داستانهای

الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ

بلند و بزرگواری و نعمتها درمیخواهم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و خاندان او

وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ

و آنکه بگردانی نام مرا در این شب در زمره نیک بختان و روح مرا با شهیدان و

إِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ

نیکوئی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر کنی

بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي

بآن دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و آنکه خشنود سازی مرا بآنچه بهره داده مرا و بده ما را در این

الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي

اینجهان نیکی و در انجهان نیکی و نگاهدار مرا از عذاب آتش سوزان و روزی کن مارا

فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا

درین شب یاد کردن خود و سپاس گذاری خود و خواهش بسوی خود و بازگشت و توبه و توفیق بانچه

وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای شب بیست و سوم

توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد را بر او و بر ایشان باد درود

يَا رَبَّ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَجَاعِلَهَا خَيْراً مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ وَرَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

ای خداوند شب قدر و کردانندهٔ آن بهتر از هزار ماه و پروردگار شب و روز

وَالْجِبَالِ وَالْبِحَارِ وَالظُّلَمِ وَالْأَنْوَارِ وَالْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ

و کوهها و دریاها و تاریکیها و روشنیها و زمین و آسمان ای آفریدگار ای نگارنده

يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اللهُ يَا قَيُّومُ يَا اللهُ يَا بَدِيعُ يَا اللهُ يَا اللهُ

ای مهربان ای بخشاینده ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای پاینده ای خدا ای نوپدید آورنده ای خدا ای خدا

يَا اللهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ

ای خدا مر تراست نامهای نیک و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي

سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا درین شب در

السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً

زمرهٔ نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکوئی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده

وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي

و اینکه بخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و اینکه خوشنود کنی مرا

بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

بانچه قسمت کردهٔ برای من و بده مارا درین جهان نیکی و در آن جهان نیکی

وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك

ونگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده و روزی کن مرا در این شب یاد کردن خود و سپاسگذاری خود و رغبت بسوی جناب خود

والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلواتك عليه

و بازگشت و توبه و توفیق برای آنچه توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد را رحمتهای تو براو

وعليهم دعای شب بیست و چهارم يا فالق الاصباح ويا جاعل الليل سكنا

و بر ایشان باد ای شکافنده سپیده دم و ای گرداننده شب موجب آرام

والشمس والقمر حسبانا يا عزيز يا عليم يا ذا المن والطول والقوة والحول

و آفتاب و ماه وسیله شمار ای غالب ای دانا ای خداوند انعام و احسان و توانائی و قدرت

والفضل والانعام يا ذا الجلال والاكرام يا الله يا رحمن يا الله يا فرد يا وتر

و بخشش و نعمت دادن ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای یکتای بی‌همتا

يا الله يا ظاهر يا باطن يا حي لا اله الا انت يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى

ای خدا ای پیدا ای پنهان ای زنده بذات خود موجودی نیست سزاوار پرستش مگر تو ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک

والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد

و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد

وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني

و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکوئی مرا

في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب

در علیین و بدی مرا آمرزیده و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد

الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة

شک را از من و خشنودی بآنچه بهره داده مرا و بده ما را در جهان نیکوئی و در آخرت

حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة

نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده و روزی کن مرا در این شب ذکر خود و سپاسگذاری خود و رغبت

رمضان

اِلَیکَ وَالاِنَابَةَ وَالتَّوبَةَ وَالتَّوفِیقَ لِمَا وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ
بسوی خود و بازگشت و رجوع و توفیق برای آنچه توفیق داده برای آن محمد و آل محمد را رحمتهای تو
عَلَیهِ وَعَلَیهِمُ السَّلَامُ دعای شب بیست و نهم یَا جَاعِلَ اللَّیلِ لِبَاساً وَالنَّهَارِ
براو و برایشان درود ای گرداننده شب را پوشش و روز را
مَعَاشاً وَالاَرضِ مِهَاداً وَالجِبَالِ اَوتَاداً یَا اللّٰهُ یَا قَاهِرُ یَا اللّٰهُ یَا جَبَّارُ یَا اللّٰهُ
وقت کسب معیشت و زمین را فراشی گسترده و کوهها را میخها ای خدا ای خداوند قهر و غلبه ای خدا ای بزرگوار ای خدا
یَا سَمِیعُ یَا اللّٰهُ یَا قَرِیبُ یَا اللّٰهُ یَا مُجِیبُ یَا اللّٰهُ یَا اللّٰهُ لَكَ الاَسمَاءُ الحُسنیٰ
ای شنوا ای خدا ای نزدیک ای خدا ای اجابت کننده ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک
وَالاَمثَالُ العُلیَا وَالکِبرِیَاءُ وَالآلَاءُ اَسأَلُكَ اَن تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ
و داستانهای بلند پایه و بزرگواری و نعمتها سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل
مُحَمَّدٍ وَاَن تَجعَلَ اسمِی فِی هٰذِهِ اللَّیلَةِ فِی السُّعَدَاءِ وَرُوحِی مَعَ الشُّهَدَاءِ
محمد و اینکه بگردانی نام مرا درین شب در زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان
وَاِحسَانِی فِی عِلِّیِّینَ وَاِسَاءَتِی مَغفُورَةً وَاَن تَهَبَ لِی یَقِیناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلبِی
و احسان مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا
وَاِیمَاناً یُذهِبُ الشَّكَّ عَنِّی وَرِضًا بِمَا قَسَمتَ لِی وَآتِنَا فِی الدُّنیَا حَسَنَةً
و ایمانی که ببرد شک را از من و خوشنودی بآنچه قسمت کرده برای من بده ما را در این جهان نیکی
وَفِی الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الحَرِیقِ وَارزُقنِی فِیهَا ذِکرَكَ
و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده و روزی ده مرا درین شب یاد خود
وَشُکرَكَ وَالرَّغبَةَ اِلَیكَ وَالاِنَابَةَ وَالتَّوبَةَ وَالتَّوفِیقَ لِمَا وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً
و سپاسگذاری خود و خواهش نمودن بسوی خود و بازگشت و توبه و توفیق برای آنچه توفیق دادی برای آن محمد
وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَیهِ وَعَلَیهِمُ السَّلَامُ دعای شب سیم یَا جَاعِلَ اللَّیلِ
و آل محمد را رحمتهای تو براو و برایشان باد سلام ای گرداننده شب

وَالنَّهارَ آيَتَيْنِ يا مَنْ مَحا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلَ آيَةَ النَّهارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْهُ

و روز دو نشان قدرت ای آنکه زایل کرده آن نشان شب را و گردانید نشان روز را روشن تا طلب کنید بخشش را از او

وَرِضْواناً يا مُفَصِّلَ كُلِّ شَيْءٍ تَفْصيلاً يا اَللهُ يا ماجِدُ يا وَهّابُ يا اَللهُ يا جَوادُ

و خشنودی را ای تمیز دهنده هر چیزی تمیز دادنی ای خدای بزرگوار ای بسیار بخشنده ای خدای بخشنده

يا اَللهُ يا اَللهُ لَكَ الْأَسْماءُ الْحُسْنى وَالْأَمْثالُ الْعُلْيا وَالْكِبْرِياءُ وَالْآلاءُ

ای خدای ای خدا مر تراست نامهای نیک و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمي في هذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ

سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا درین شب در زمره نیکبختان

وَرُوحي مَعَ الشُّهَداءِ وَإِحْساني في عِلِّيّينَ وَإِساءَتي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لي

و روح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده و اینکه ببخشی مرا

يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي وَإيماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّي وَتُرْضِيَني بِما قَسَمْتَ لي

یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و خشنود سازی مرا بآنچه قسمت کرده برای من

وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ الْحَريقِ وَارْزُقْني

و بده ما را در اینجهان نیکی و در آنجهان نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده و روزی کن مرا

فيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ

درین شب یاد کردن تو و سپاس گذاری تو و خواهش بسوی تو و بازگشت و توبه و توفیق برای آنچه توفیق دادی

لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ دعای شب بیست و هفتم يا مادَّ الظِّلِّ وَلَوْ شِئْتَ

برای آن محمد و آل محمد را او و بر ایشان باد سلام ای کشنده سایه و اگر میخواستی

جَعَلْتَهُ ساكِناً وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَليلاً ثُمَّ قَبَضْتَهُ إِلَيْكَ قَبْضاً يَسيراً

میگردانیدی آنرا ساکن و گردانیدی آفتاب را بر وجود سایه دلیل پس گرفتی آنرا بسوی خود گرفتنی اندک

يا ذَا الْحَوْلِ وَالطَّوْلِ وَالْكِبْرِياءِ وَالْآلاءِ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ

ای خداوند توانائی و انعام و بزرگواری و نعمتهاست سزاوار پرستشی مگر تو دانای هر نهان و آشکار

الرَّحْمنُ الرَّحيمُ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ يا قُدُّوسُ يا سَلامُ يا مُؤْمِنُ يا مُهَيْمِنُ

بخشاینده مهربان نیست سزاوار پرستش مگر تو ای پاک ای سالم از هر نقص ای امان دهنده و گواه ای نگاهبان

يا عَزيزُ يا جَبّارُ يا مُتَكَبِّرُ يا اَللهُ يا خالِقُ يا بارِئُ يا مُصَوِّرُ يا اَللهُ يا اَللهُ

ای غالب ای کارفرمای بقهر ای بزرگوار ای خدا ای آفریدگار ای پدیدآورنده ای نگارنده ای خدا ای خدا

يا اَللهُ لَكَ الْاَسْماءُ الْحُسْنى وَالْاَمْثالُ الْعُلْيا وَالْكِبْرِياءُ وَالْآلاءُ اَسْأَلُكَ

ای خدا مر تراست نامهای نیکو و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها سوال میکنم از تو

اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمي في هذِهِ اللَّيْلَةِ فِي

انکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و انیکه بگردانی نام مرا درین شب در

السُّعَداءِ وَرُوحي مَعَ الشُّهَداءِ وَاِحْساني في عِلِّيّينَ وَاِساءَتي مَغْفُورَةً

زمره نیک بختان و روح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده

وَاَنْ تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي وَايماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّي وَتُرْضِيَني

وانیکه ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و انکه خشنود سازی مرا

بِما قَسَمْتَ لي وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ

بانچه قسمت کرده برای من و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را از عذاب

النّارِ الْحَريقِ وَارْزُقْني فيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنابَةَ

آتش سوزنده و روزی کن ما را درین شب ذکر خود و شکر خود و خواهش بسوی خود و بازگشت

وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ

و توبه و توفیق برای انچه توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد را رحمت فرستاد خدا برا او و بر ایشان

دعای شب بیست و ششم: يا خازِنَ اللَّيْلِ فِي الْهَواءِ وَخازِنَ النُّورِ فِي السَّماءِ

ای نگاهدارنده ظلمت شب در هوا و نگاهدارنده روشنائی در آسمان

وَمانِعَ السَّماءِ اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ اِلّا بِاِذْنِهِ وَحابِسَهُما اَنْ تَزُولا يا عَليمُ

و منع کننده آسمان از انکه فرود آید بر زمین مگر بدستوری خود و باز دارنده آسمان و زمین از انکه نابود شوند ای دانا

فصل هفتم

يا عظيم يا عفو يا دائم يا الله يا وارث يا باعث من في القبور يا الله

ای بزرگ ای آمرزگار ای همیشه موجود ای خدا ای میراث برنده ای برانگیزندهٔ آنانکه در قبرهایند ای خدا

يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء

ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها

اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في

سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در

السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة

زمرهٔ نیک بختان و روح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده

وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت

واینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و اینکه خشنود سازی مرا بآنچه قسمت کرده

لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق

برای من و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده

وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والرهبة منك والتو

وروزی کن مرا در این شب ذکر خود و شکر خود و رغبت بسوی خود و ترس از خود و توبه

بة والانابة والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلواتك عليه

و بازگشت و توفیق برای آنچه توفیق داده برای آن محمد و آل محمد را رحمتهای تو بر او

وعليهم اجمعين دعاء شب بيست ونهم يا مكور الليل على النهار ومكور

و بر ایشان همه ایشان ای در آورندهٔ شب در روز و در آورندهٔ

النهار على الليل يا عليم يا حكيم يا رب الارباب وسيد السادات

روز در شب ای دانا ای درست کردار ای پروردگار پروردگاران و بزرگ بزرگان

لا اله الا انت يا من هو اقرب الي من حبل الوريد يا الله يا الله يا الله

نیست خدائی سزاوار پرستش مگر تو ای آنکه او نزدیکتر است بسوی من از رگ گردن ای خدا ای خدا ای خدا

لَكَ الْاَسْماءُ الْحُسْنى وَالْاَمْثالُ الْعُلْيا وَالْكِبْرِياءُ وَالْآلاءُ اَسْئَلُكَ اَنْ

مر تراست نامهای نیک و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها سوال میکنم از تو اینکه

تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمي في هذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ وَرُوحي

رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمرهٔ نیک بختان و روح مرا

مَعَ الشُّهَداءِ وَاِحْساني في عِلِّيّينَ وَاِساءَتي مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لي يَقيناً

با شهیدان و نیکی مرا در علیین و بدی من آمرزیده شده و اینکه ببخشی مرا یقینی

تُباشِرُ بِهِ قَلْبي وَايماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّي وَتُرْضِيَني بِما قَسَمْتَ لي وَآتِنا فِي الدُّنْيا

که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و اینکه خوشنود سازی مرا با آنچه قسمت کرده برای من بده ما را در این جهان

حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ الْحَريقِ وَارْزُقْني فيها

نیکی و در آن جهان نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده و روزی کن مرا در این شب

ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ

ذکر خود و سپاسگذاری خود و خواهشمندی بسوی خود و توبه و بازگشت و توفیق برای آنچه توفیق دادی

لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ دعای شب سیم اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

برای آن محمد و آل محمد را رحمتهای تو براو و برایشان سپاس مر خدا را

لا شَريكَ لَهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ كَما يَنْبَغي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلالِهِ وَكَما هُوَ

که نیست انبازی برای او و سپاس مر خدا را چنانچه سزاوار است مر بزرگواری ذات او را و ارجمندی بزرگواری او و چنانچه او

اَهْلُهُ يا قُدُّوسُ يا نُورُ يا نُورَ الْقُدْسِ يا سُبُّوحُ يا مُنْتَهَى التَّسْبيحِ يا رَحْمنُ

سزاوار است ای پاک ای هویدا ای نور پاک ای منزه ای منتهای تنزیه ای بخشاینده

يا فا[illegible] الرَّحْمَةِ يا اَللّٰهُ يا عَليمُ يا كَبيرُ يا اَللّٰهُ يا لَطيفُ يا جَليلُ يا اَللّٰهُ يا سَميعُ

ای کننده بخشش ای خدا ای دانا ای بزرگ ای خدا ای مهربان ای بزرگوار ای خدا ای شنوا

يا بَصيرُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ لَكَ الْاَسْماءُ الْحُسْنى وَالْاَمْثالُ الْعُلْيا وَالْكِبْرِياءُ

ای بینا ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک و داستانهای بزرگ و بزرگواری

وَالْآلاءِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ

ونعمتها سوال میکنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این

اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي

شب در زمرهٔ نیک بختان و روح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین و بدی مرا

مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي

آمرزیده و اینکه بخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من

وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا

و خوشنود سازی مرا بانچه قسمت کرده برای من و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را

عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ

از عذاب آتش سوزنده و روزی کن مرا درین شب ذکر خود و سپاس گذاری خود و خواهشمندی

إِلَيْكَ وَالتَّوْبَةَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ

بسوی خود و توبه و بازگشت و توفیق برای انچه توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد را

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

رحمتهای تو براو و بر ایشان همه

فصل هشتم در بیان نمازهای شبها و دعاهای روزهاست که مشهور است و علما در کتب دعا ذکر کرده اند و نیز در دفتر معتبر است **نماز شب اول** چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید **دوم** چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست مرتبه انا انزلناه **سوم** ده رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید **چهارم** هشت رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه انا انزلناه **پنجم** دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد **ششم** چهار رکعت در هر رکعت حمد و سورهٔ تبارک الذی بیده الملک **هفتم** چهار رکعت در هر رکعت حمد و سیزده مرتبه انا انزلناه **هشتم** دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و بعد از سلام هزار مرتبه سبحان الله **نهم** شش رکعت میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و هفت مرتبه

رمضان

آیة الکرسی و بعد از اتمام پنجاه مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد دهم بیست رکعت در هر رکعت حمد
و سی مرتبه توحید یازدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه انا اعطیناک الکوثر دوازدهم
هشت رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه انا انزلناه سیزدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست
و پنج مرتبه توحید چهاردهم شش رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه اذا زلزلت پانزدهم
چهار رکعت در دو رکعت اول حمد و صد مرتبه توحید و در دو رکعت دیگر پنجاه مرتبه توحید
شانزدهم دوازده رکعت در هر رکعت حمد و دوازده مرتبه الهیکم التکاثر هفدهم دو رکعت
در رکعت اول حمد و هر سوره که خواهد و در رکعت دوم حمد و صد مرتبه توحید و بعد از سلام صد
مرتبه لا اله الا الله هیجدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه انا اعطیناک الکوثر نوزدهم
پنجاه رکعت با حمد و پنجاه مرتبه اذا زلزلت و گویا مراد آن باشد که در هر رکعت یکمرتبه بخوانند زیرا که
مشکل است در یک شب دو هزار و پانصد مرتبه اذا زلزلت الارض خواندن بیستم و بیست و یکم
و بیست و دوم و بیست و سوم و بیست و چهارم در هر یک هشت رکعت بهر سوره
که میسر شود بیست و پنجم هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید بیست و ششم هشت رکعت
در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید بیست و هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و تبارک الذی و
اگر نتوانند بیست و پنج مرتبه توحید بیست و هشتم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه آیة الکرسی
و صد مرتبه توحید و صد مرتبه کوثر و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بیست و نهم
دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید سی ام دوازده رکعت در هر رکعت حمد و بیست
مرتبه توحید و بعد از فارغ شدن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و این نمازها چنانچه مذکور شد
هر دو رکعت به یک سلام است و اما دعاهای روزها از ابن عباس روایت کرده اند که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فضیلت بسیار از برای روزه هر روز ماه مبارک رمضان بیان فرموده و از برای
هر روز دعای مخصوصی با فضیلت و ثواب بسیار برای آن دعا ذکر کرده اند و ما به اصل دعاها اکتفا نمودیم
دعای روز اول اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِیَامِی فِیهِ صِیَامَ الصَّائِمِینَ وَ قِیَامِی فِیهِ
خداوندا بگردان روزه مرا درین ماه مانند روزه داشتن روزه داران ایستادن مرا در آن

قیام القائمین ونبّهنی فیه عن نومة الغافلین وهب لی جرمی فیه یا اله

ایستادن ایستادگان و بیدار کن مرا در ان از خواب بیخبران و ببخش بمن گناه مرا در ان ای خدای

العالمین واعف عنّی یا عافیا عن المجرمین دعای روز دوم اللّهم قرّبنی فیه

جهانیان و درگذر از من ای درگذرنده از گناه کاران خداوندا نزدیک گردان مرا درین ماه

الی مرضاتک وجنّبنی فیه من سخطک ونقماتک ووفّقنی فیه لقراءة

بسوی خوشنودی خود و دور گردان مرا در ان از غضب خود و عقوبتهای خود و توفیق ده مرا در ان برای تلاوت

آیاتک برحمتک یا ارحم الراحمین دعای روز سوم اللّهم ارزقنی فیه الذهن

آیتهای خود برحمتهای خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان خداوندا روزی کن مرا درین ماه زیرکی

والتنبیه وباعدنی فیه من السفاهة والتمویه واجعل لی نصیبا من

و آگاه گردانیدن و دور گردان مرا در ان از کم خردی و پوشانیدن حق بمکر و بگردان برای من بهره از

کل خیر تنزل فیه بجودک یا اجود الاجودین دعای روز چهارم اللّهم قوّنی

هر نیکی که فرو فرستی در ان ببخشش خود ای بخشنده ترین بخشایندگان بار خدایا توانائی بخش مرا

فیه علی اقامة امرک واذقنی فیه حلاوة ذکرک واوزعنی فیه لاداء

درین ماه برای انکه بر پا دارم فرمان ترا و بچشان مرا در ان شیرینی یاد کردن خود و توفیق ده مرا در ان برای بجای آوردن

شکرک بکرمک واحفظنی بحفظک وسترک یا ابصر الناظرین دعای روز پنجم

شکر خود به بزرگواری خود و نگاهدار مرا بنگاهداری خود و پرده خود ای بیناترین نگرندگان

اللّهم اجعلنی فیه من المستغفرین واجعلنی فیه من عبادک الصالحین

خداوندا بگردان مرا درین ماه از جملهٔ آمرزش طلبان و بگردان مرا در ان از بندگان نیکوکاران خود

القانتین واجعلنی فیه من اولیائک المقرّبین برأفتک یا ارحم الراحمین

که فرمان برارند و بگردان مرا در ان از دوستان مقرب خود به مهربانی خود ای بخشنده ترین بخشایندگان

دعای روز ششم اللّهم لا تخذلنی فیه لتعرّض معصیتک ولا تضربنی

خداوندا خوار مگذار مرا درین ماه بجهت فرا پیش آمدن معصیت و نافرمانی ترا و مزن مرا

بِسِیاطِ نَقِمَتِکَ وَزَحْزِحْنی فیهِ مِنْ مُوجِباتِ سَخَطِکَ بِمَنِّکَ وَاَیادیکَ

تازیانهای عقوبت خود و دور کردان مرا دران از اموریکه واجب میکرداند غضب ترا ببخشش و نعمتهای تو

یا مُنْتَهی رَغْبَةِ الرّاغِبینَ دعای روز هفتم اَللّهُمَّ اَعِنّی عَلی صِیامِهِ وَقِیامِهِ

ای منتهای خواهش خواهشمندان بارخدایا مدد کن مرا بر روزه داشتن این ماه و ایستادن دران

وَجَنِّبْنی فیهِ مِنْ هَفَواتِهِ وَآثامِهِ وَارْزُقْنی فیهِ ذِکْرَکَ بِدَوامِهِ بِتَوْفیقِکَ

و دور کردان مرا دران از لغزشهای آن و گناهان او و روزی کن مرا دران یاد کردن خود به همیشگی آن بتوفیق خود

یا هادِیَ الْمُضِلّینَ دعای روز هشتم اَللّهُمَّ ارْزُقْنی فیهِ رَحْمَةَ الْاَیْتامِ وَاِطْعامَ

ای راهنمای گمراهان بارخدایا روزی ده مرا درین ماه مهربانی یتیمان و خورانیدن

الطَّعامِ وَاِفْشاءَ السَّلامِ وَمُجانَبَةَ اللِّئامِ وَصُحْبَةَ الْکِرامِ بِطَوْلِکَ یا مَلْجَاَ

طعام و ظاهر ساختن سلام و پرهیز کردن از لئیمان و صحبت بزرگواران باحسان خود ای پناه

الْآمِلینَ دعای روز نهم اَللّهُمَّ اجْعَلْ لی فیهِ نَصیباً مِنْ رَحْمَتِکَ الْواسِعَةِ

امیدواران خداوندا بگردان برای من دراین ماه بهره از بخشش فراگیرنده خود

وَاهْدِنی فیهِ لِبَراهینِکَ السّاطِعَةِ وَخُذْ بِناصِیَتی اِلی مَرْضاتِکَ الْجامِعَةِ

و راهنما مرا دران بدلائل بلند خود و فراگیر موی پیش سر مرا حال آنکه برسانی بخشنودی همه

بِمَحَبَّتِکَ یا اَمَلَ الْمُشْتاقینَ دعای روز دهم اَللّهُمَّ اجْعَلْنی فیهِ مِنَ الْمُتَوَکِّلینَ

بدوستی خود ای امیدگاه آرزومندان خداوندا بگردان مرا درین ماه از توکل کنندگان

عَلَیْکَ وَاجْعَلْنی فیهِ مِنَ الْفائِزینَ لَدَیْکَ وَاجْعَلْنی فیهِ مِنَ الْمُقَرَّبینَ

بر تو و بگردان مرا دران از رستگاران نزد خود و بگردان مرا درین ماه از نزدیک شدگان

اِلَیْکَ بِاِحْسانِکَ یا غایَةَ الطّالِبینَ دعای روز یازدهم اَللّهُمَّ حَبِّبْ اِلَیَّ فیهِ

بسوی تو به نیکویی خود ای منتهای مطلب طلب کنندگان خداوندا دوست دار بسوی من دراین ماه

الْاِحْسانَ وَکَرِّهْ اِلَیَّ فیهِ الْفُسُوقَ وَالْعِصْیانَ وَحَرِّمْ عَلَیَّ فیهِ السَّخَطَ وَالنّیرانَ

نیکوکاری را و دشمن گردان بسوی من بدکاری و نافرمانی را و حرام کن بر من دران غضب و آتشها

اللهم اجعلني من التوابين و اجعلني من المتطهرين

اللهم اجعله طهورا وشفاء ... اللهم طهر قلبي واشرح لي صدري ... صل على محمد وآل محمد ... ونورا لك على كل حال

بعونك يا غياث المستغيثين دعای روز دوازدهم اللهم زيني فيه بالستر

بیاری خود ای فریادرس دادخواهان — خداوندا آراسته کن مرا در این ماه از پوشش خود

والعفاف واسترني فيه بلباس القنوع والكفاف واحملني فيه على

و پرهیزکاری و بپوشان مرا در آن بجامه قناعت و روزی — و برانگیز مرا در آن بر

العدل والانصاف وآمني فيه من كل ما اخاف بعصمتك يا عصمة

عدالت و انصاف و ایمن گردان مرا در آن از هر چه می ترسم به نگاهداری خود ای نگاهدارنده

الخائفين دعای روز سیزدهم اللهم طهرني فيه من الدنس والاقذار

ترسناکان — بارخدایا پاک گردان مرا در آن ماه از هر چرکی و همه قاذورات

وصبرني فيه على كائنات الاقدار ووفقني فيه للتقى وصحبة الابرار

و شکیبائی ده مرا در آن بر تقدیراتی که ثابت است و توفیق ده مرا در آن برای پرهیزکاری و صحبت نیکوکاران

بعونك يا قرة عين المساكين دعای روز چهاردهم اللهم لا تؤاخذني فيه بالعثرات

بیاری خود ای روشنائی دیده بیچارگان — بارخدایا مؤاخذه مکن مرا در این ماه بلغزشها

واقلني فيه من الخطايا والهفوات ولا تجعلني فيه غرضا للبلايا والآفات

و درگذر مرا در آن از گناهان و لغزشها — و مگردان مرا در آن نشانه برای تیرهای بلاها و آفتها

بعزتك يا عز المسلمين دعای روز پانزدهم اللهم ارزقني فيه طاعة الخاشعين

بعزت خود ای ارجمندی گردن نهندگان — بارخدایا روزی کن مرا در آن ماه فرمانبرداری فروتنی کنندگان

واشرح فيه صدري بانابة المخبتين بامانك يا امان الخائفين

و گشاده کن در آن سینه ی مرا بازگشت فروتنی کنندگان بامان خود ای امن بخش ترسناکان

دعای روز شانزدهم اللهم وفقني فيه لموافقة الابرار وجنبني فيه مرافقة الاشرار

خداوندا توفیق ده مرا در آن ماه برای موافقت نیکوکاران و دور گردان مرا در آن از همراهی بدکرداران

وآوني فيه برحمتك الى دار القرار بالهيتك يا اله العالمين دعای روز هفدهم اللهم

و فرود آور مرا در آن برحمت خود بسوی سرای درنگ بخدائی خود ای خدای جهانیان — بارخدایا

فائده بعضی از علما ذکر کرده اند و در تفسیر حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه مذکور است که هر که بعد از وضو یا غسل بخواند این دعا را ... گناهان ... و بهر قطره از قطرات وضو و غسل ... خلق فرماید که تقدیس و تسبیح و تهلیل و تکبیر الهی کند و صلوات بر محمد و آل محمد فرستد و ثواب آن ...

سبحانك اللهم وبحمدك اشهد ان لا اله الا انت استغفرك واتوب اليك واشهد ان محمدا عبدك ورسولك واشهد ان عليا وليك وخليفتك بعد نبيك على خلقك وان اولياءه خلفاؤك واوصياؤه ...

... غسل جمعه ... سنت ...

[illegible]

اهدني فيه لصالح الاعمال واقض لي فيه الحوائج والآمال يا من لا يحتاج
راهنمائی کن مرا در این ماه بکردارهای شایسته و روا کن بجهت من در آن حاجتها و آرزوها ای آنکه محتاج
الی التفسیر والسؤال یا عالما بما فی صدور العالمین دعای روز هیجدهم اللهم
بسوی اظهار کردن و سوال نمودن ای دانا بآنچه در دلهای جهانیان است خداوندا
نبهني فيه لبركات اسحاره ونور فيه قلبي بضياء انواره وخذ بكل
بیدار کن مرا در این ماه برای برکتهای سحرهای آن و روشن کن در آن دل مرا بروشنائی روشنیهای آن و بدار همه
اعضائي الى اتباع آثاره بنورك يا منور قلوب العارفين دعای روز
اعضای مرا بسوی پیروی نشانهای آن بروشنائی خود ای روشن کننده دلهای شناسندگان
نوزدهم اللهم وفر فيه حظي من بركاته وسهل سبيلي الى خيراته
خداوندا وافر کن در این ماه بهره مرا از برکتهای آن و آسان کن راه مرا بسوی نیکوئیهای آن
ولا تحرمني قبول حسناته يا هاديا الى الحق المبين دعای روز بیستم اللهم
و نا امید مکن مرا از پذیرفتن نیکیهای آن ای راهنمای بسوی دین حق روشن بارخدایا
افتح لي فيه ابواب الجنان واغلق عني فيه ابواب النيران ووفقني
بگشا برای من در این ماه درهای بهشت را و ببند از من در آن درهای دوزخ را و توفیق ده مرا
فيه لتلاوة القرآن يا منزل السكينة في قلوب المؤمنين دعای روز بیست و یکم
در آن برای تلاوت قرآن ای فرو آورنده آرام در دلهای گروندگان
اللهم اجعل لي فيه الى مرضاتك دليلا ولا تجعل للشيطان فيه علي
بارخدایا بگردان برای من در این ماه بسوی خشنودیهای خود راهنمائی و مگردان برای شیطان در آن بر من
سبيلا واجعل الجنة لي منزلا ومقيلا يا قاضي حوائج الطالبين دعای روز بیست و دوم
راهی و بگردان بهشت را برای من فرودگاه و آرامگاه ای بر آورنده حاجتهای سؤال کنندگان
اللهم افتح لي فيه ابواب فضلك وانزل علي فيه بركاتك ووفقني فيه
خداوندا بگشا برای من در این ماه درهای فضل خود را و فرو آور بر من در آن برکتهای خود را و توفیق ده مرا در آن

[illegible]

[illegible]

لِمُوجِبَاتِ مَرْضَاتِكَ وَاَسْكِنِّي فِيهِ بُحْبُوحَةَ جَنَّاتِكَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ

برای امور یکه واجب سازند خوشنودیهای ترا و ساکن کن مارا دران در میان بستانهای خود ای اجابت کننده دعای

الْمُضْطَرِّينَ روز بیست و سوم اَللّٰهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَطَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ

درماندگان خداوندا بشوی مرا درانماه از گناهان و پاک گردان مرا دران از عیب

وَامْتَحِنْ قَلْبِي فِيهِ بِتَقْوَى الْقُلُوبِ يَا مُقِيلَ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِينَ روز بیست چهارم

و آزمایش کن دل مرا دران به پرهیزکاری دلها ای درگذرنده از لغزشهای گنهکاران

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ فِيهِ مَا يُرْضِيكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِمَّا يُؤْذِيكَ وَاَسْاَلُكَ

بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو درانماه آنچه را که خوشنود سازد ترا و پناه میبرم بتو از آنچه آزرده سازد ترا و سوال میکنم از تو

التَّوْفِيقَ فِيهِ لِاَنْ اُطِيعَكَ وَلَا اَعْصِيَكَ يَا جَوَادَ السَّائِلِينَ روز بیست و پنجم

توفیق را دران برای آنکه فرمانبرداری کنم ترا و نافرمانی نورزم ترا ای بخشش کننده سوال کنندگان

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مُحِبًّا لِاَوْلِيَائِكَ وَمُعَادِيًا لِاَعْدَائِكَ مُسْتَنًّا بِسُنَّةِ

خداوندا بگردان مرا درانماه دوستدار مر دوستان ترا و دشمن دارنده مر دشمنان ترا جاری شونده بطریقه

خَاتَمِ اَنْبِيَائِكَ يَا عَاصِمَ قُلُوبِ النَّبِيِّينَ روز بیست و ششم اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ سَعْيِي فِيهِ

آخر پیغمبران تو ای نگاهدارنده دلهای پیغمبران خداوندا بگردان کوشش مرا درینماه

مَشْكُورًا وَذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا وَعَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا وَعَيْبِي فِيهِ مَسْتُورًا

جزا داده شده و گناه مرا دران آمرزیده و کردار مرا دران پذیرفته و عیب مرا دران پوشیده شده

يَا اَسْمَعَ السَّامِعِينَ روز بیست و هفتم اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ

ای شنواترین شنوندگان خداوندا روزی کن مارا درینماه فضیلت شب قدر

وَصَيِّرْ اُمُورِي فِيهِ مِنَ الْعُسْرِ اِلَى الْيُسْرِ وَاقْبَلْ مَعَاذِيرِي وَحُطَّ عَنِّي الْوِزْرَ

و بگردان کارهای مرا دران از دشواری بسوی آسانی و بپذیر عذرهای مرا و فرود آور از من بار گناه را

يَا رَؤُوفًا بِعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ روز بیست و هشتم اَللّٰهُمَّ وَفِّرْ حَظِّي فِيهِ مِنَ النَّوَافِلِ

ای مهربان به بندگان نیکوکار خود خداوندا کامل گردان بهره مرا درینماه از زیادتیها

[illegible]

وَاَكْرِمْنِي فِيهِ بِاِحْضَارِ الْمَسَائِلِ وَقَرِّبْ فِيهِ وَسِيلَتِي اِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ

وگرامی دار مرا در آن بحاضر ساختن سوالها و نزدیک گردان مرا در آن وسیله مرا بسوی خود از میان وسیلها

يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ اِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ روز بیست و نهم اَللّٰهُمَّ غَشِّنِي فِيهِ بِالرَّحْمَةِ

ای آنکه باز نمیدارد او را مبالغه مبالغه کنندگان — خداوندا بپوشان مرا در این ماه برحمت

وَارْزُقْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ وَالْعِصْمَةَ وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنْ غَيَاهِبِ التُّهَمَةِ يَا رَحِيمًا

وروزی کن مرا در آن توفیق و نگهداری و پاک کن دل مرا از تیرگیهای دروغ بربستن ای مهربان

بِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ روز سی ام اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ بِالشُّكْرِ وَالْقَبُولِ عَلَى

به بندگان گروندهٔ خود — خداوندا بگردان روزهٔ مرا درین ماه مقرون بسپاس گذارندگی

مَا تَرْضَاهُ وَيَرْضَاهُ الرَّسُولُ مُحْكَمَةً فُرُوعُهُ بِالْاُصُولِ بِحَقِّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

وجهی که بپسندی آن را و بپسندد آن را رسول حال آنکه محکم باشد فرعهای آن باصلها بحق سرور ما محمد

وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و آل او که پاکانند و سپاس مر خدا را که پروردگار عالمیانست

مولف گوید که در تقدیم و تاخیر دعاها و عبادات هر یک در کتب دعوات مختلف ذکر کرده اند چون روایتش را معتبر نمیدانم متعرض ذکر آنها نشدم و دعای روز بیست و هفتم را کفعمی در روز بیست و نهم ذکر کرده است و موافق مذهب شیعه در روز بیست و سوم خواندن در روز بیست که انسب باشد والله اعلم

باب چهارم

در اعمال لیالی و ایام متبرکهٔ ماه شوال و ماه ذیقعده است و از جملهٔ ایام متبرکهٔ ماه شوال روز عید فطر است و شبش از جملهٔ لیالی شریفه است و در فضیلت و ثواب عبادت و احیای آن احادیث بسیار است و از حضرت رسول منقول است که هر که احیا کند شب عید را نمیرد دل او در روزی که دلها از ترس بمیرد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که گفت پدرم علی بن الحسین علیه السلام شب عید را احیا میکرد بنماز تا صبح و در تمام آن شب در مسجد می ماند و میگفت که ای فرزند این شب کمتر از شب قدر نیست و غسل درین شب سنت است و شخصی بخدمت حضرت صادق

عرض کرد که مردم میگویند آمرزش نازل میشود بر کسیکه روزه دارد ماه رمضان را در شب قدر
حضرت فرمود که کارگر را مزد خویش نمیدهند مگر بعد از فارغ شدن از کار و آن در شب عید است
راوی گفت چه کار سزاوار است که در آن شب بکنیم فرمود که چون آفتاب غروب کند
غسل بکن و چون فریضه مغرب و نافله آنرا بجا آوری دستها بسوی آسمان بلند کن و بگو

یَا ذَا الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ یَا ذَا الْجُودِ یَا مُصْطَفِیَ مُحَمَّدٍ وَ نَاصِرَهُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ

ای خداوند انعام و احسان ای خداوند بخشش ای برگزیننده محمد و یاری دهنده او رحمت بفرست بمحمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِی کُلَّ ذَنْبٍ أَحْصَیْتَهُ وَ هُوَ عِنْدَکَ فِی کِتَابٍ مُبِینٍ

و آل محمد و بیامرزی برای من هر گناهی که شمرده تو آنرا و او نزد تو در کتابی است روشن

پس بسجود برو و صد مرتبه در سجده بگو أَتُوبُ إِلَی اللهِ پس هر حاجت که داری از حق تعالی
بطلب که انشاء الله تعالی بر آورده است و بسند معتبر منقولست که حضرت امیر المومنین علیه السلام
در شب عید فطر دو رکعت نماز میکردند در رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه سوره توحید و در
رکعت دوم یکمرتبه میخواندند پس برکوع و سجود میرفتند و بعد از سلام بسجده میرفتند و صد مرتبه میگفتند

أَتُوبُ إِلَی اللهِ پس میگفتند

یَا ذَا الْمَنِّ وَ الْجُودِ یَا ذَا الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ یَا مُصْطَفِیَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ

ای خداوند انعام و بخشش ای خداوند انعام و احسان ای برگزیننده محمد رحمت و ستایش خدا بر او و

آلِهِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

آل او رحمت بفرست بر محمد و آل او

پس حاجات خود را از خدا می طلبیدند پس سر از سجده بر میداشتند و میفرمودند بحق خداوندی
که جانم بدست قدرت اوست که هر که این نماز را بکند هر حاجت که از خدا بطلبد البته او را عطا کند
و اگر بعدد ریگهای بیابان گناه داشته باشد خدا تعالی او را بیامرزد و بعد از نماز عید فطر این دعا را بخواند

یَا اللهُ یَا اللهُ یَا اللهُ یَا رَحْمٰنُ یَا اللهُ یَا مَلِکُ یَا اللهُ یَا قُدُّوسُ یَا اللهُ یَا سَلَامُ یَا اللهُ

ای خدا ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای پادشاه ای خدا ای پاک ای خدا ای سالم از نقص ای خدا

یا مؤمن یا الله یا مهیمن یا الله یا عزیز یا الله یا جبار یا الله یا متکبر یا الله

ای امان دهنده ای خدا ای دانا بهر چیز ای خدا ای ارجمند ای خدا ای کار ورای بقهر ای خدا ای بزرگوار ای خدا

یا خالق یا الله یا باری یا الله یا مصور یا الله یا عالم یا الله یا عظیم یا الله

ای آفریدگار ای خدا ای پدید آورنده ای خدا ای نگارنده ای خدا ای دانا ای خدا ای بزرگوار ای خدا

یا کریم یا الله یا حلیم یا الله یا حکیم یا الله یا سمیع یا الله یا بصیر یا الله

ای بزرگوار ای خدا ای بردبار ای خدا ای راست گفتار درست کردار ای خدا ای شنوا ای خدا ای بینا ای خدا

یا قریب یا الله یا مجیب یا الله یا جواد یا الله یا واحد یا الله یا ولی یا الله

ای نزدیک ای خدا ای اجابت کننده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای یگانه ای خدا ای دوست ای خدا

یا وفی یا الله یا مولی یا الله یا قاضی یا الله یا سریع یا الله یا شدید یا الله

ای وفا کننده ای خدا ای آقا ای خدا ای حکم کننده ای خدا ای زود اجابت کننده ای خدا ای توانا ای خدا

یا رؤف یا الله یا رقیب یا الله یا مجیب یا الله یا جواد یا الله یا ماجد

ای مهربان ای خدا ای نگهبان ای خدا ای اجابت کننده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای بزرگوار

یا الله یا علی یا الله یا حفیظ یا الله یا محیط یا الله یا سید السادات یا الله

ای خدا ای بلند مرتبه ای خدا ای نگاهدارنده ای خدا ای فراگیرنده ای خدا ای سرور سروران ای خدا

یا اول یا الله یا آخر یا الله یا ظاهر یا الله یا باطن یا الله یا فاخر یا الله یا قاهر

ای اول ای خدا ای آخر ای خدا ای هویدا ای خدا ای نهان ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای صاحب قهر و غلبه

یا الله یا ربّاه یا الله یا ربّاه یا الله یا ربّاه یا الله یا ربّاه یا الله یا ربّاه

ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار

یا الله یا ربّاه یا الله یا ودود یا الله یا نور یا الله یا دافع یا الله یا مانع یا الله

ای خدا ای پروردگار ای خدا ای دوست ای خدا ای هویدا ای خدا ای دفع کننده ای خدا ای بازدارنده ای خدا

یا فاتح یا الله یا نفّاع یا الله یا جلیل یا الله یا جمیل یا الله یا شهید یا الله یا شاهد

ای گشاینده ای خدا ای سودبخش ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای نیکو ای خدا ای حاضر ای خدا ای دانا

روزی بندگان را در این وقت ... دقت در خواب است از روزی محروم میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که زمین شکوه میکند بخدا ... [illegible]

یا الله یا حبیب یا الله یا فاطر یا الله یا مطهر یا الله یا مالک یا الله یا مقتدر

ای خدا ای دوست ای خدا ای آفریننده ای خدا ای پاک سازنده ای خدا ای خداوند ای خدا ای توانا

یا الله یا قابض یا الله یا باسط یا الله یا محیی یا الله یا ممیت یا الله یا مجیب

ای خدا ای گیرنده ای خدا ای گستراننده ای خدا ای زنده سازنده ای خدا ای میراننده ای خدا ای اجابت کننده

یا الله یا باعث یا الله یا معطی یا الله یا مفضل یا الله یا منعم یا الله

ای خدا ای برانگیزنده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای نعمت دهنده ای خدا

یا حق یا الله یا مبین یا الله یا طبیب یا الله یا محسن یا الله یا مبدئ یا الله

ای حق ای خدا ای جدا سازنده ای خدا ای دانا ای خدا ای نیکوکار ای خدا ای ابتدا کننده ای خدا

یا معید یا الله یا باری یا الله یا بدیع یا الله یا هادی یا الله یا کافی

ای بازگرداننده ای خدا ای آفریدگار ای خدا ای نوپدید آورنده ای خدا ای راه نما ای خدا ای کار گذار

یا الله یا شافی یا الله یا علی یا الله یا حنان یا الله یا منان یا الله یا ذا الطول

ای خدا ای شفا بخشنده ای خدا ای بلند مرتبه ای خدا ای مهربان ای خدا ای انعام کننده ای خداوند بخشش

یا الله یا متعالی یا الله یا عدل یا الله یا ذا المعارج یا الله یا صادق یا الله

ای خدای بلند مرتبه ای خدای دادخواه ای خدا ای خداوند بلندیها ای خدا ای راست گو ای خدا

یا دیان یا الله یا باقی یا الله یا ذا الجلال یا الله یا ذا الاکرام یا الله

ای جزا دهنده ای خدا ای بی زوال ای خداوند بزرگوار ای خداوند گرامی داشتن ای خدا

یا معبود یا الله یا محمود یا الله یا صانع یا الله یا معین یا الله یا مکون

ای پرستیده شده ای خدا ای ستوده شده ای خدا ای آفریدگار ای خدا ای مددکننده ای خدا ای ایجاد کننده

یا الله یا فعال یا الله یا لطیف یا الله یا جلیل یا الله یا غفور یا الله یا شکور

ای خدا ای بنهایت توانا ای خدا ای مهربان ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای آمرزگار ای خدا ای جزا دهنده

یا الله یا نور یا الله یا حنان یا الله یا قدیم یا الله یا رب یا الله یا رباه یا الله

ای خدا ای هویدا ای خدا ای بنهایت مهربان ای خدا ای توانا ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا

شوال

يا رَبّاه يا الله يا رَبّاه يا الله يا رَبّاه يا الله يا رَبّاه يا الله يا رَبّاه يا الله يا الله

ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای خدا

يا الله اَسألُكَ اَن تُصَلّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَمُنَّ عَلَيَّ بِرِضاكَ وَتَعفُوَ

ای خدا سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و منت گذاری بر من بخوشنودی خود و درگذری

عَنّي بِحِلمِكَ وَتُوَسِّعَ عَلَيَّ مِن رِزقِكَ الحَلالِ الطَّيِّبِ مِن حَيثُ اَحتَسِبُ

از من ببردباری خود و فراخ بخشی بر من از روزی حلال پاک خود از آنجا که گمان بردم

وَمِن حَيثُ لا اَحتَسِبُ فَاِنّي عَبدُكَ لَيسَ اَحَدٌ سِواكَ وَلا اَحَدٌ اَسألُهُ

و از آنجا که گمان نبرم زیرا که بتحقیق من بندهٔ توام نیست مرا هیچکس غیر تو و نه احدی که درخواهم از

غَيرَكَ يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ ماشاءَ اللهُ لا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ پس سجده

غیر تو ای بخشنده ترین بخشندگان آنچه خواسته خدا میشود نیست توانائی مگر بتوفیق خدای بلند قدر بزرگ مرتبه

میروی میگوئی يا الله يا الله يا رَبِّ يا الله يا رَبِّ يا الله يا رَبِّ يا الله يا مُنزِلَ

ای خدا ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای فرو آورنده

البَرَكاتِ بِكَ تُنزَلُ كُلُّ حاجَةٍ اَسألُكَ بِكُلِّ اسمٍ في مَخزونِ الغَيبِ عِندَكَ

برکتها بتو فرود آورده میشود هر حاجتی سوال میکنم از تو بهر نامی که پنهانست در خزانهٔ غیب نزد تو

وَالاَسماءِ المَشهوراتِ عِندَكَ المَكتوبَةِ عَلى سُرادِقِ عَرشِكَ اَن تُصَلّيَ

و بنامهای فاش گردیده نزد تو که نوشته شده است بر سراپردهٔ عرش تو اینکه رحمت بفرستی

عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تَتَقَبَّلَ مِنّي شَهرَ رَمَضانَ وَتَكتُبَني مِنَ الوافِدينَ

بر محمد و آل محمد و اینکه بپذیری از من ماه رمضان را و بنویسی مرا در زمرهٔ واردشدگان

اِلى بَيتِكَ الحَرامِ وَتَصفَحَ لي عَنِ الذُّنوبِ العِظامِ وَتَستَخرِجَ يا رَبِّ كُنوزَكَ يا رَحمانُ

بسوی خانهٔ محترم و درگذری برای من از گناهان بزرگ و بیرون آوری ای پروردگار من دفینه‌های خود را ای بخشاینده

و در روایت دیگر بجای هزار مرتبه توحید صد مرتبه نیز وارد شده است ایضا سنت موکد است که بعد از نماز شام و خفتن و صبح شب عید و نماز عید این تکبیرات را بخوانند

اللّٰهُ اَكْبَرُ اللّٰهُ اَكْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ
خدا بزرگترست خدا بزرگترست خدا بزرگتر است نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگترست
اللّٰهُ اَكْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ اللّٰهُ اَكْبَرُ عَلٰی مَا هَدٰانَا
خدا بزرگترست و مر خدای راست سپاس خدا بزرگترست بر آنچه براه نمود ما را

و اما اعمال روز عید پس زکوة فطر واجب موکد است و ترکش با تحقق شرائط وجوب گناه کبیره است و شرط قبول روزه ماه مبارک است چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از تمامی روزه دادن زکوة است یعنی فطره چنانچه صلوات بر محمد و آل محمد از تمامی نماز است زیرا که هر که روزه بگیرد و زکوة فطر ندهد روزه او مقبول نیست هرگاه عمداً ترک کند و اگر صلوات بر محمد و آل محمد را ترک کند در تشهد نمازش مقبول نیست و خدا زکوة را پیش از نماز ذکر کرده است در آنجا که فرموده است قَدْ اَفْلَحَ مَنْ تَزَكّٰى وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهٖ فَصَلّٰى یعنی بتحقیق رستگاری یافت هر که زکوة فطره داد و پروردگار خود را یاد کرد باین تکبیرات که مذکور شد پس نماز عید را بجا آورد و چنانچه زکوة مال باعث پاکیزگی مال میشود و مال از تلف شدن محفوظ می ماند چنانچه منقول است که هیچ مالی در دریا و صحرا تلف نمی شود مگر به ندادن زکوة همچنین فطره زکوة بدن است و بدن را پاکیزه میکند از علل و سایر کثافات معنویه و او را تا سال دیگر از بلاها حفظ میکند چنانچه بسند معتبر منقول است که حضرت صادق علیه السلام بمعتب وکیل خرج خود فرمود که برو و فطره جمیع عیال ما و غلامان و کنیزان ما را بده و یکی از ایشان را ترک مکن که زکوة ایشان را ندهی زیرا که اگر یکی را ترک کنی می ترسم که در عرض سال بمیرد و بدانکه زکوة فطر بر طفل نابالغ و دیوانه و بنده واجب نمی شود و اگر نابالغ و دیوانه عیال دیگری باشند بر او واجب است که فطره ایشان را بدهد و زکوة بنده را آقا میدهد بنابر مشهور مگر آنکه در آن شب عیال دیگری باشد و اشهر و اقوی آنست که در وجوب فطره توانگری شرط است و آن موافق مشهور است که قوت سالیانه خود و عیال خود را داشته باشد یا قادر بر کسبی باشد که وفا بمعیشت او

وعیال او کند و بعضی گفته اند که اگر در شب عید زائد بر قوت خود و عیال خود بقدر فطره داشته
باشد بر او واجب است و اظهر آنست که بر او سنت است و اگر فقیر یک سر فطره را با عیال خود دست
بدست بگرداند بعد از آن به فقیر دیگر بدهد همه ثواب فطره می یابند و باید که غنی اخراج فطره کند
از خود و از هر کس که واجب النفقه او باشد بشرط آنکه در شب عید فطر عیال دیگری نباشد
که اگر عیال دیگری شده باشد بر او واجب است و همچنین واجب است که بدهد از هر کس
که در خانه او باشد از مهمان و غیر آن که آخر روز آخر ماه رمضان پیش از شام در آن خانه باشد
و افطار کند و اگر بعد از شام داخل شود و افطار از مال او کند یا نکند واجب نیست بر
صاحب خانه و اگر پیش از شام داخل شود و افطار از مال او نکند احوط آنست که هر دو بدهند
یا یکی از ایشان باذن دیگری بمستحق بدهد قربة الی الله و اگر شخصی عیال او نباشد النفقه
وکسوت او را بدهد و در خانه دیگر باشد زکوة او بر معطی نیست و همچنین اگر در شب عید پیش از
شام از جهت همسایه ها طعامی بفرستد یا فقیر را چیزی بدهد یا شخصی در ماه رمضان مهمان باشد
و در شب عید جای دیگر افطار کند یا بعد از شام عید افطار کرده بخانه او آید یا چیزی نخورده باشد
و بعد از شام بیاید زکوة بر او واجب نیست و احوط آنست که در صورت آخر هر دو بدهند اگر
مطلق مهمان اگر غنی باشد خود نیز بدهد که بهتر است و وقت بیرون کردن فطره موافق مشهور
شام عید است تا ظهر روز عید و بعضی گفته اند تا شام روز عید و احوط آنست که در شب جدا
کنند و پیش از نماز عید بدهند و اگر در صبح جدا کنند نیز خوب است و اگر پیش از نماز جدا کند
و بعد از نماز در آن روز یا روز دیگر برای حاضر نبودن مستحق یا عذر دیگر تاخیر کند قصوری ندارد
و اگر جدا نکند تا ظهر روز عید احوط آنست که تا شام قصد ادا و قضا نکند و اگر روز عید بکند زد
بقصد قربت بدهد و قصد خصوص فطره نکند یا آنکه قصد کند که این را امید هم که اگر قضای فطره بر من واجب
باشد فطره باشد و الا تصدق باشد و پدر و مادر و جد و جده و فرزندان و فرزندزادگان هر گاه فقیر
باشند نفقه ایشان بر او واجب است پس اگر نفقه او را خورند فطره بر او است و اگر عیال
شخص دیگر باشند بر آن شخص دیگر است و اگر عیال دیگری نیز نباشند اشهر و احوط آنست

که او فطرهٔ ایشان را بدهد و اما جنس فطره مشهور آنست که هرچه قوت غالب او باشد می تواند داد و احوط آنست که جو یا گندم یا خرما یا مویز یا کشک بدهد و بهتر آنست که خرما بدهد و بعد از آن مویز و بعد از آن هرچه قوت غالب باشد چنانچه مردم شهر چون قوت غالب ایشان گندم است بهتر آنست که گندم بدهند و مردم دهات که غالباً نان جو می‌خورند جو بدهند و در حدیث است که اگر یک صاع خرما در فطره بدهم دوست تر میدارم از آنکه یک صاع طلا بدهم و اما فطره از هر شخصی یک صاع باید داد و صاع موافق حساب مشهور ظاهرا یک من تبریز و چهار ده مثقال و ربع مثقال است و احوط آنست که یک من و نیم تبریز بدهند و نهایت احتیاط آنست که یک من شاه بدهند و نباید بکسی بدهند که قوت سالیانهٔ خود و عیال خود را نداشته باشد بلکه باید که خود نباشد و احوط آنست که متظاهر بفسوق نباشد و صالح باشد و احوط آنست که در زمان غیبت امام علیه السلام بمجتهد جامع الشرائط عادل بدهند که او بمستحقان رساند چون مصارف را بهتر میداند و بعضی از علما این را واجب دانسته اند و احوط آنست که بفقیر کمتر از یک صاع ندهند و بیک کس چند سیر میتوان داد و فطره را بواجب النفقه نمی توان داد و بخویشان غیر واجب النفقه دادن بهتر است و بعد از آن همسایگان بی چیز ایشان و بعد از آن بکسانیکه فاضل تر و صالح تر باشند و فطرهٔ غیر سید را بسید نمی توان داد و فطرهٔ سید را بسید و غیر سید هر دو می توان داد و سنت است که در روز عید پیش از نماز عید اول روز افطار کند و سنت است که بخرما افطار کند و غسل روز عید سنت موکده است و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت صادق ع منقولست که

غسل را در زیر سقفی بکن و در زیر آسمان مکن پیش از غسل بگو

اللهم ایمانا بك وتصدیقا بکتابك واتباع سنة نبیك صلی الله علیه وآله

بار خدایا تصدیق نموده ام تو و یاد دارم کتاب ترا و پیروی نموده ام طریقهٔ پیغمبر ترا که رحمت و سند خدا بر او و آل او

پس بسم الله بگو و غسل بکن چون از غسل فارغ شوی بگو

اللهم اجعله کفارة لذنوبی وطهر دینی اللهم اذهب عنی الدنس

خداوندا بگردان این غسل را محو نماینده مر گناهان مرا و پاک کن دین مرا خداوندا ببر از من چرک را

الیک توکلت ... منک الا الیک لا ملجأ ولا منجا ... آمنت بکتابک الذی انزلت ونبیک الذی ارسلت

و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام نیز سنت موکده است و ثواب بسیار در آن وارد شده
است و نماز عید در زمان حضور امام علیه السلام واجب است و در زمان غیبت امام اکثر علما
سنت میدانند و بجماعت کردن را سنت میدانند و میگویند تنها نیز میتوان کرد و گمان
فقیر واجب است که بجماعت بکنند و بنماز مجتهد عادل حاضر شوند و اگر نتوانند حاضر شد تنها کردن
سنت است و نماز عید دو رکعت است در رکعت اول بعد از قرائت پنج تکبیر میگوید و بعد از هر تکبیری
یک قنوت میخواند و در رکعت دوم بعد از قرائت چهار تکبیر میگوید و چهار قنوت میخواند و قنوت
مخصوصی وارد شده و اگر کسی او را نداند آنچه در نمازهای واجبی قنوت میخوانند بخواند و هرگاه بجماعت
پیش نماز بود خطبه بعد از نماز می خواند و قنوت مخصوص نماز عید این است

اَللّٰهُمَّ اَهْلَ الْکِبْرِیَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَاَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَاَهْلَ الْعَفْوِ
بار خدایا ای سزاوار بزرگواری و عظمت و ای سزاوار بخشش و جبروت و ای سزاوار درگذشتن
وَالرَّحْمَةِ وَاَهْلَ التَّقْوٰی وَالْمَغْفِرَةِ اَسْاَلُکَ بِحَقِّ هٰذَا الْیَوْمِ الَّذِی جَعَلْتَهُ
و بخشش و ای سزاوار پرهیزکاری و آمرزش سوال میکنم از تو بحق این روزی که گردانیده آنرا
لِلْمُسْلِمِینَ عِیدًا وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ ذُخْرًا وَمَزِیدًا اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی
برای مسلمانان عید و برای محمد رحمت فرستد خدا برا او و آل او ذخیره و زیادتی که رحمت فرستی بر
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُدْخِلَنِی فِی کُلِّ خَیْرٍ اَدْخَلْتَ فِیهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ
محمد و آل محمد و اینکه در آوری مرا در هر نیکی که در آوردی در آن محمد و آل محمد را
وَاَنْ تُخْرِجَنِی مِنْ کُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُکَ
و اینکه بیرون کنی مرا از هر بدی که بیرون کردی از آن محمد و آل محمد را رحمتهای تو
عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُکَ خَیْرَ مَا سَاَلَکَ بِهِ عِبَادُکَ
بر او و بر ایشان بار خدایا بدرستیکه سوال میکنم از تو بهترین چیزی که سوال کردند از آن بندگان
الصَّالِحُونَ وَاَعُوذُ بِکَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُکَ الْمُخْلَصُونَ
شایسته تو و پناه میگیرم بتو از آنچه پناه جستند از آن بندگان مخلص تو

و بعد از نماز عید دعای بسیار وارد شده و بهترین دعاها دعای صحیفهٔ کامله است
و بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در روز جمعه و عید فطر و عید
قربان در هنگامیکه مهیای رفتن بسوی نماز جمعه و عید میشوی این دعا بخوان

اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوِفَادَةٍ إِلٰى
بار خدایا کسی که مهیا گردیده در این روز یا ساخته خود را یا آماده گردیده و مستعد شده برای وارد شدن بسوی
مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ وَعَطَايَاهُ فَإِنَّ إِلَيْكَ يَا سَيِّدِي
آفریده بجهت امید بخشش او و زیادتیهای او و نیکیهای او و عطاهای او پس بدرستیکه بسوی تست ای آقای من
تَهْيِئَتِي وَتَعْبِيَتِي وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَجَوَائِزِكَ
مهیا گشتن من و ساز گشتن من و خود سازی من و آماده شدن من بجهت امید بخشش تو و صلههای تو
وَنَوَافِلِكَ وَفَوَاضِلِكَ وَفَضَائِلِكَ وَعَطَائِكَ وَقَدْ غَدَوْتُ إِلٰى
و زیادتیهای تو و نیکیهای تو و مزایای تو و بخششهای تو و بتحقیق بامداد آمدم بسوی
عِيدٍ مِنْ أَعْيَادِ أُمَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَمْ أَفِدْ
عیدی از عیدهای امت پیغمبر تو محمد رحمتهای تو براو و بر آل او و فرود نیامدهام
إِلَيْكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ أَثِقُ بِهِ قَدَّمْتُهُ وَلَا تَوَجَّهْتُ بِمَخْلُوقٍ
بسوی تو امروز با کرداریکه اعتماد کنم با آن پیش داشته باشم آن را و نه روکردم بمخلوقی
أَمَّلْتُهُ وَلٰكِنْ أَتَيْتُكَ خَاضِعاً مُقِرّاً بِذُنُوبِي وَإِسَاءَتِي إِلٰى نَفْسِي
که امید داشته باشم او را ولکن آمدم ترا فروتنی کننده اقرار نماینده بگناهان خود و به بدکرداری بسوی نفس خود
فَيَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ اغْفِرْ لِيَ الْعَظِيمَ مِنْ ذُنُوبِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ
پس ای بزرگ ای بزرگ بیامرز برای من بزرگ را از گناهان من زیرا که بتحقیق نمی آمرزد
الذُّنُوبَ الْعِظَامَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
گناهان بزرگ را مگر تو ای آنکه نیست خدائی مگر تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان

و در حدیث معتبر از حضرت امام صاحب العصر علیه السلام منقولست که بعد از نماز صبح عید فطر این دعا را بخوانند

اَللّٰهُمَّ اِنّی تَوَجَّهْتُ اِلَیْكَ بِمُحَمَّدٍ اَمَامی وَعَلِیٍّ مِنْ خَلْفی وَعَنْ یَمینی

بار خدایا بدرستیکه من رو کرده ام بسوی تو بوسیلهٔ محمد از پیش روی خود و علی از پس خود و از جانب راست خود

وَاَئِمَّتی عَنْ یَسَاری اَسْتَتِرُ بِهِمْ مِنْ عَذَابِكَ وَاَتَقَرَّبُ اِلَیْكَ زُلْفیٰ

و پیشوایان از جانب چپ خود پنهان میشوم بایشان از عذاب تو و نزدیکی میجویم بسوی تو نزدیکی

لَا اَجِدُ اَحَدًا اَقْرَبَ اِلَیْكَ مِنْهُمْ فَهُمْ اَئِمَّتی فَاٰمِنْ بِهِمْ خَوْفی

نمی یابم هیچکس را نزدیکتر بسوی تو از ایشان پس ایشان پیشوایان من اند پس ایمنی بخش بسبب ایشان ترس مرا

مِنْ عِقَابِكَ وَسَخَطِكَ وَاَدْخِلْنی بِرَحْمَتِكَ فی عِبَادِكَ الصَّالِحینَ

از عقوبت تو و خشم تو و در آور مرا برحمت خود در زمرهٔ بندگان شایستهٔ خود

اَصْبَحْتُ بِاللّٰهِ مُؤْمِنًا مُوقِنًا مُخْلِصًا عَلیٰ دینِ مُحَمَّدٍ وَسُنَّتِهِ وَعَلیٰ

صبح کردم حال آنکه هستم بخدا ایمان آورنده یقین دارنده اخلاص ورزنده بر دین محمد و طریقهٔ او و بر

دینِ عَلِیٍّ وَسُنَّتِهِ وَعَلیٰ دینِ الْاَوْصِیَاءِ وَسُنَّتِهِمْ اٰمَنْتُ بِسِرِّهِمْ

دین علی و طریقهٔ او و بر دین اوصیا و طریقهٔ ایشان تصدیق نمودم بپنهان ایشان

وَعَلَانِیَتِهِمْ وَاَرْغَبُ اِلَی اللّٰهِ فیمَا رَغِبَ فیهِ اِلَیْهِ مُحَمَّدٌ وَعَلِیٌّ وَالْاَوْصِیَاءُ

و آشکار ایشان و رغبت میکنم بسوی خدا در آنچه رغبت نموده در آن بسوی آن محمد و علی و اوصیا

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ وَلَا عِزَّةَ وَلَا مَنَعَةَ وَلَا سُلْطَانَ اِلَّا لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ

و نیست قدرتی و نه توانائی مگر بتوفیق خدا و نیست ارجمندی و نه بزرگی و نه سلطنتی مگر برای خدای یگانه غلبه دارنده

الْعَزیزِ الْجَبَّارِ تَوَكَّلْتُ عَلَی اللّٰهِ وَمَنْ یَتَوَكَّلْ عَلَی اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ اِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ

ارجمند بزرگوار اعتماد کردم بر خدا و آنکه اعتماد کند بر خدا پس او بس است او را بدرستیکه خدا رساننده

اَمْرِهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اُریدُكَ فَاَرِدْنی وَاَطْلُبُ مَا عِنْدَكَ فَیَسِّرْهُ لی وَاقْضِ

امر خود است بار خدایا بدرستیکه من آهنگ میکنم ترا پس آهنگ کن او میجویم آنچه نزد تست پس آسان کن او را برای من و روا کن

لی حَوَائِجی فَاِنَّكَ قُلْتَ فی كِتَابِكَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذی اُنْزِلَ

برای من حاجتهای مرا پس بدرستیکه تو گفتی در کتاب خود و گفتار تو راست است ماه رمضانیست که فرو فرستاده شده

[illegible]

فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان فعظمت حرمة

دران حال آنكه راهنماى آدميانست ونشانهاى روشن است از راه يابى وجدا كردن حق از باطل پس بزرگ كردى حرمت

شهر رمضان بما انزلت فيه من القرآن وخصصته وعظمته

ماه رمضان را بانچه فرو فرستادى دران كه قرآنست ومخصوص كردانيدى آنرا وبزرگ كردى آنرا

بتصييرك فيه ليلة القدر فقلت ليلة القدر خير من الف

بگردانيدن خود دران شب قدر را پس گفتى كه شب قدر بهترست از هزار

شهر تنزل الملائكة والروح فيها باذن ربهم من كل امر

ماه فرود مى آيند فرشتگان وروح دران شب بفرمان پروردگار خود از هر كارى

سلام هي حتى مطلع الفجر اللهم وهذه ايام شهر رمضان قد انقضت

سلامتى آن شب تا وقت طلوع صبح بار خدايا واين روزهاى ماه رمضان بتحقيق بپايان رسيد

ولياليه قد تصرمت وقد صرت منه يا الهي الى ما انت اعلم

وشبهاى آن بتحقيق منقطع گرديد وبتحقيق گرديدم از آن اى خداى من بسوى آنچه تو داناترى

به مني واحصى لعدده من عددي فاسألك يا الهي بما سألك

بان از من وشمارنده ترى شمار آن از شمار من پس سوال ميكنم از تو اى خداى من بانچه سوال كردند

به عبادك الصالحون ان تصلي على محمد وآل محمد واهل بيت

بان بندگان نيكوكار تو آنكه رحمت بفرستى بر محمد وآل محمد وخاندان

محمد وان تتقبل مني ما تقربت به اليك وتتفضل علي بتضعيف

محمد وآنكه بپذيرى از من آنچه را كه نزديكى جستم بان بسوى تو وآنكه بخشش كنى بر من بدوچندان كردن

عملي وقبول تقربي وقرباتي واستجابة دعائي وهب لي منك عتق

كردار من وپذيرفتن نزديكى جستن من وموجبات قرب من واجابت كردن دعاى من وببخش مرا از جانب خود آزاد كردن

رقبتي من النار ومن علي بالفوز بالجنة والامن يوم الخوف من كل فزع

گردنم از آتش ومنت گذار بر من برستگارى بهشت وبايمنى در روز ترس از هر ترسى

وَمِنْ كُلِّ هَوْلٍ اَعْدَدْتَهُ لِيَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَعُوْذُ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيْمِ

واز هر شدتی که آماده کرده آنرا برای روز رستخیز پناه میگیرم بحرمت ذات بزرگوار تو

وَحُرْمَةِ نَبِيِّكَ وَحُرْمَةِ الصّٰلِحِيْنَ اَنْ يَنْصَرِمَ هٰذَا الْيَوْمُ

و بحرمت پیغمبر تو و حرمت نیکوکاران از آنکه بپایان رسد این روز

وَلَكَ قِبَلِيْ تَبِعَةٌ تُرِيْدُ اَنْ تُؤَاخِذَنِيْ بِهَا اَوْ ذَنْبٌ تُرِيْدُ اَنْ

حال آنکه بوده باشد مر ترا نزد من گناهی که اراده کنی آنکه مواخذه کنی مرا بآن یا گناهی که قصد کنی آنکه

تُقَايِسَنِيْ بِهِ وَتُشْقِيَنِيْ وَتَفْضَحَنِيْ بِهِ اَوْ خَطِيْئَةٌ تُرِيْدُ اَنْ تُقَايِسَنِيْ

بسنجی مرا بآن و بدبخت سازی و رسوا نمائی مرا بآن یا خطائی که اراده کنی آنکه مقایسه کنی مرا

بِهَا وَتَقْتَصَّهَا مِنِّيْ لَمْ تَغْفِرْهَا لِيْ وَاَسْاَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيْمِ

بآن و بگیری آنرا از من نیامرزیده باشی آنرا برای من سوال میکنم از تو بحرمت ذات بزرگوار تو

الْفَعَّالِ لِمَا يُرِيْدُ الَّذِيْ تَقُوْلُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُوْنُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

که بنهایت توانا است بر کردن آنچه خواهد که میگوئی برای هر چیزی که شو پس میشود و نیست سزاوار پرستش مگر او

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْاَلُكَ بِلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اِنْ كُنْتَ رَضِيْتَ عَنِّيْ فِيْ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحرمت لا اله الا انت اگر بوده باشی که خشنود باشی از من در

هٰذَا الشَّهْرِ اَنْ تَزِيْدَ فِيْمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِيْ رِضًى فَاِنْ كُنْتَ لَمْ تَرْضَ عَنِّيْ

این ماه زیاده کنی در آنچه باقی مانده از عمر من خشنودی را پس اگر بوده باشی که خشنود نباشی از من

فِيْ هٰذَا الشَّهْرِ فَمِنَ الْاٰنِ فَارْضَ عَنِّي السَّاعَةَ السَّاعَةَ وَاجْعَلْنِيْ فِيْ هٰذِهِ

درین ماه پس از حالا خوشنود شو از من در این ساعت در این ساعت و بگردان مرا در این

السَّاعَةِ وَفِيْ هٰذَا الْمَجْلِسِ مِنْ عُتَقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَطُلَقَائِكَ مِنْ جَهَنَّمَ

ساعت و در این مجلس از آزادکردگان خود از آتش و از رهاکردگان خود از دوزخ

وَسُعَدَاءِ خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرّٰحِمِيْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ

و نیکبختان خلق خود بآمرزش خود و بخشش خود ای بخشنده ترین بخشندگان خداوندا بدرستیکه من

اَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ اَنْ تَجْعَلَ شَهْرِي هٰذَا خَيْرَ شَهْرِ
سؤال ميكنم از تو بحرمت ذات بزرگوار تو اينكه بگردانى ماه مرا اينماه بهترين ماه
رَمَضَانَ عَبَدْتُكَ فِيهِ وَصُمْتُهُ لَكَ وَتَقَرَّبْتُ بِهِ اِلَيْكَ مُنْذُ
رمضانى كه عبادت كردم ترا دران و روزه داشتم آنرا از براى تو و نزديكى جستم بسوى تو از آنوقت
اَسْكَنْتَنِي فِيهِ اَعْظَمَهُ اَجْرًا وَاَتَمَّهُ نِعْمَةً وَاَعَمَّهُ مَغْفِرَةً وَاَكْمَلَهُ
كه ساكن كردى مرا دران بزرگترين آن از روى مزد و تمام ترين آن از روى نعمت و فراگيرنده ترين آن از روى آمرزش و كاملترين آن
رِضْوَانًا وَاَقْرَبَهُ اِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ
از روى خوشنودى و نزديكترين آن بسوى آنچه دوست دارى و پسندى خداوندا مگردان آنرا آخر ماه
رَمَضَانَ صُمْتُهُ لَكَ وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ فِيهِ ثُمَّ الْعَوْدَ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ
رمضانى كه روزه داشتم آنرا بجهت تو و روزى كن مرا بازگشت دران پس بازگشت تا آنكه خشنود شوى و پس از
الرِّضَا وَحَتَّى تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا وَاَنْتَ عَنِّي رَاضٍ وَاَنَا لَكَ
خوشنودى و تا آنكه بيرون برى مرا از دنيا سالم و حال آنكه تو از من خوشنود باشى و من براى تو
مَرْضِيٌّ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ الَّذِي
پسنديده باشم خداوندا بگردان در آنچه حكم ميكنى و تقدير ميكنى از امر لازمى كه
لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ اَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي هٰذَا
رد و نكردد و مبدل كرده نشود آنكه بنويسى مرا از حج كنندگان خانهٔ محترم خود دراين
الْعَامِ وَفِي كُلِّ عَامٍ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ
سال و در هر سالى كه پذيرفته حج ايشان جزا داده سعى ايشان آمرزيده
ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمُ الْمُتَقَبَّلِ مَنَاسِكُهُمُ الْمُعَافِينَ
گناهان ايشان زائل كرده از ايشان بديهاى ايشان قبول كرده عبادتهاى ايشان عافيت بخشيده
عَلَى اَسْفَارِهِمُ الْمُقْبِلِينَ عَلَى نُسُكِهِمُ الْمَحْفُوظِينَ فِي اَنْفُسِهِمْ وَاَمْوَالِهِمْ
برسفرهاى ايشان و آورنده براعمال حج خود نگاهداشته شده در نفسهاى خود و مالهاى خود

شوال

وَذُرِّيَّتِهِمْ وَبِكُلِّ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِمْ اللّٰهُمَّ اقْلِبْنِي مِنْ مَجْلِسِي هٰذَا

و فرزندان شان و هر چه انعام کردی بآن بر ایشان بار خدایا بازگردان مرا از مجلس من این مجلس

فِي شَهْرِي هٰذَا فِي يَوْمِي هٰذَا فِي سَاعَتِي هٰذِهِ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا

در ماه من این ماه در روز من این روز در ساعت من این ساعت فیروز رستگار پذیرفته

لِي دُعَائِي مَغْفُورًا ذَنْبِي مُعَافًا مِنَ النَّارِ وَمُعْتَقًا مِنْهَا عِتْقًا لَا رِقَّ

برای من دعای من آمرزیده شده گناه من عافیت بخشیده شده از آتش و آزاد کرده شده از آن آزادی که نباشد بندگی

بَعْدَهُ أَبَدًا وَلَا رَهْبَةَ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ

پس از آن هرگز و نه ترسی ای پروردگار پروردگاران خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو اینکه بگردانی

فِيمَا شِئْتَ وَأَرَدْتَ وَقَضَيْتَ وَقَدَّرْتَ وَحَتَمْتَ وَأَنْفَذْتَ أَنْ تُطِيلَ

از جمله آنچه خواستی و اراده نمودی و حکم کردی و تقدیر نمودی و واجب ساختی و روان ساختی اینکه دراز کنی

عُمُرِي وَتُنْسِئَ فِي أَجَلِي وَأَنْ تُقَوِّيَ ضَعْفِي وَأَنْ تُغْنِيَ فَقْرِي وَأَنْ تَجْبُرَ

عمر مرا و پس اندازی اجل مرا و اینکه توانا کنی ناتوانی مرا و اینکه بی نیاز کنی نیازمندی مرا و اینکه تدارک کنی

فَاقَتِي وَأَنْ تَرْحَمَ مَسْكَنَتِي وَأَنْ تُعِزَّ ذُلِّي وَأَنْ تَرْفَعَ ضَعَتِي وَأَنْ تُغْنِيَ

احتیاج مرا و اینکه رحم کنی درویشی مرا و اینکه ارجمند سازی خواری مرا و اینکه بلند گردانی پستی مرا و اینکه بی نیاز کنی

عَائِلَتِي وَأَنْ تُؤْنِسَ وَحْشَتِي وَأَنْ تُكْثِرَ قِلَّتِي وَأَنْ تُدِرَّ رِزْقِي فِي عَافِيَةٍ

نیازمندی مرا و اینکه رام کنی رمیدگی مرا و اینکه بسیار کنی کمی مرا و اینکه روان سازی روزی مرا در عافیت

وَيُسْرٍ وَخَفْضٍ وَأَنْ تَكْفِيَنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَلَا تَكِلْنِي

و توانگری و رفاهیت و اینکه رفع کنی از من آنچه غمگین نماید مرا از امر دنیای من و عقبای من و مگذار مرا

إِلَى نَفْسِي فَأَعْجِزَ عَنْهَا وَلَا إِلَى النَّاسِ فَيَرْفُضُونِي وَأَنْ تُعَافِيَنِي

بسوی نفس خودم پس عاجز شوم از وی و نه بسوی آدمیان پس واگذارند مرا و اینکه عافیت بخشی مرا

فِي دِينِي وَبَدَنِي وَجَسَدِي وَرُوحِي وَوُلْدِي وَأَهْلِي وَأَهْلِ مَوَدَّتِي

در دین من و بدن من و جسد من و روح من و فرزندان من و اهل من و دوستان من

وَاِخْوانی وَجیرانی مِنَ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ وَالْمُسْلِمینَ وَالْمُسْلِماتِ الْاَحْیاءِ

و برادران من و همسایگان من از مردان گرونده و زنان گرونده و مردان مسلم و زنان مسلمه زندگان

مِنْهُمْ وَالْاَمْواتِ وَاَنْ تَمُنَّ عَلَیَّ بِالْاَمْنِ وَالْاِیمانِ ما اَبْقَیْتَنی فَاِنَّكَ

از ایشان و مردگان و آنکه منت گذاری بر من با امن و ایمان مادام که باقی داری مرا پس بتحقیق تو

وَلِیّی وَمَوْلایَ وَثِقَتی وَرَجائی وَمَعْدِنُ مَسْئَلَتی وَمَوْضِعُ شَكْوایَ

یاور من و آقای من و معتمد من و امید من و قرارگاه سؤال من و جایگاه شکایت من

وَمُنْتَهی رَغْبَتی فَلا تُخَیِّبْنی فی رَجائی یا سَیِّدی وَمَوْلایَ وَثِقَتی

و منتهای رغبت من پس ناامید مکن مرا در امید من ای بزرگ من و آقای من و معتمد من

وَلا تُبْطِلْ طَمَعی وَرَجائی فَقَدْ تَوَجَّهْتُ اِلَیْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و باطل مکن طمع مرا و امید مرا پس بتحقیق رو آوردم بسوی تو بوسیله محمد و آل محمد

وَقَدَّمْتُهُمْ اِلَیْكَ اَمامی وَاَمامَ حاجَتی وَطَلِبَتی وَتَضَرُّعی وَمَسْئَلَتی

و پیش داشتم ایشان را بسوی تو در پیش خود و پیش حاجت خود و مطلب خود و زاری کردن خود و سؤال کردن خود

فَاجْعَلْنی بِهِمْ وَجیهاً فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبینَ فَاِنَّكَ مَنَنْتَ

پس بگردان مرا بحرمت ایشان صاحب شأن و آبرو در اینجهان و در آنجهان و از نزدیکان پس بتحقیق تو منت گذاردی

عَلَیَّ بِهِمْ فَاخْتِمْ لی بِالسَّعادَةِ وَالسَّلامَةِ وَالْاَمْنِ وَالْاِیمانِ وَالْمَغْفِرَةِ

بر من بسبب ایشان پس ختم کن برای من نیک بختی و سلامتی و ایمنی و ایمان و آمرزش

وَالرِّضْوانِ وَالسَّعادَةِ وَالْحِفْظِ یا اَللهُ اَنْتَ لِكُلِّ حاجَةٍ لَنا فَصَلِّ

و خوشنودی و سعادت و حفاظت ای خدا توئی از برای هر حاجتی که ما راست پس رحمت کن

عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعافِنا وَلا تُسَلِّطْ عَلَیْنا اَحَداً مِنْ خَلْقِكَ لا طاقَةَ

بر محمد و آل او و عافیت بخش مرا و مسلط مکن بر ما هیچکس را از خلق خود که نباشد توانائی

لَنا بِهِ وَاكْفِنا كُلَّ اَمْرٍ مِنْ اَمْرِ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ یا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ

ما را باو و کارگذاری کن برای ما هر امری از امر دنیا و عقبی ای خداوند بزرگواری و کرامت

الملک وله الحمد یحیی و یمیت ... بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر

... من الاحلام ومن سوء الاحلام ... فی الیقظة والمنام

... از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که ...

منقول است که ... ما عاذت به ملائکة الله المقربون و انبیاء الله المرسلون و عباد الله الصالحون ... من شر الشیطان الرجیم ...

سوال

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و برکت بفرست بر محمد و آل محمد و ترحم کن

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ

بر محمد و آل محمد و درود بفرست بر محمد و آل محمد مثل بهترین

مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ

رحمت که فرستادی و برکت دادی و ترحم نمودی و مهربانی کردی بر ابراهیم و آل

إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

ابراهیم بدرستیکه ستوده بزرگواری

واستحباب روزه داشتن شش روز بعد از عید در بعضی از روایات وارد شده است و نهی از آن نیز وارد شده است و ظاهراً روزه داشتن محمول بر تقیه است چنانچه در میان سنیان مشهور است و ترکش بهتر است و همچنین کراهت نکاح کردن در میان عید فطر و عید قربان اصلی ندارد و شاید اصلش از عامه بوده باشد و در ماه شوال چون عقد عائشه در آن واقع شده است و اکثر مفاسد بران مترتب شد و از بعضی روایات کراهت معلوم می شود اگر خصوص شوال را احتراز کنند بهتر است و اما اعمال ماه ذیقعده بدانکه آن اول ماههای حرام است که حق تعالی در قرآن یاد فرموده است و آنها ذیقعده و ذی الحجه و محرم و ماه رجب است و در ین ماهها ابتدای قتال با کافران نباید کرد و شیخ مفید ره وغیر او از حضرت رسول صلعم روایت کرده اند که هرکه در یکی از ماههای حرام پنجشنبه و جمعه و شنبه را متوالی روزه دارد ثواب نهصد سال عبادت برای او نوشته می شود و در روایتی از حضرت رسول صلعم منقولست که در شب پانزدهم ماه ذیقعده حق تعالی بسوی بندگان مومن نظر رحمت میکند کسی که آن شب را بعبادت بسر آورد صواب صد عابد باو عطا کند که در یک چشم بر هم زدن معصیت خدا نکرده باشند و چون

نصف شب بگذرد شروع کن در دعا و عبادت و نماز و حاجات خود را از حق تعالی
طلب کن که هر حاجتی که طلب کنی مستجاب میگردد و بعضی از علما گفته اند که در روز بیست و سوم
ماه ذیقعده زیارت حضرت امام رضا علیه السلام از نزدیک و دور سنت است
و روز بیست و پنجم ذیقعده روز دحو الارض است یعنی پهن شدن زمین از زیر کعبه معظمه بر
روی آب روز بسیار مبارکی است و کلینی از محمد بن عبد الله روایت کرده
که حضرت امام رضا علیه السلام در شهر مرو در روز بیست و پنجم ذیقعده بیرون آمدند
و فرمودند که امروز را روزه بدارید که من نیز روزه ام گفتیم فدای تو شویم امروز چه روز
است فرمود روزی است که رحمت درین روز منتشر گردیده است و زمین درین روز پهن
شده است و کعبه درین روز نصب شده است و حضرت آدم علیه السلام درین روز
بزمین فرود آمده است و ابن بابویه رحمه الله روایت کرده است از حسن وشا که گفت
من با پدرم در خدمت امام رضا علیه السلام شام خوردیم در شب بیست و پنجم ماه
ذی قعده پس فرمود که امشب حضرت ابراهیم و حضرت عیسی علیهما السلام متولد شده اند
و زمین از زیر کعبه پهن شده است پس هر کسی که روزش را روزه بدارد چنانست که شصت
ماه را روزه داشته باشد و حضرت قائم علیه السلام درین روز ظاهر خواهد شد و از حضرت
رسول صلعم منقول است که حق تعالی رحمت خود را درین روز بر بندگان فرستاده است
و روزه اش مثل روزه هفتاد سال است و بروایت دیگر رحمت از آسمان درین شب
نازل شده است و تعظیم کعبه بر آدم درین روز نازل شده است هر که درین روز روزه
دارد و هر چه در میان آسمان و زمین است برای او [illegible] کنند و طلب آمرزش
نمایند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مروی است که اول رحمتی که از آسمان
بسوی زمین نازل شد در بیست و پنجم ماه ذیقعده بود هر که درین روز روزه
دارد و شب آنرا بعبادت بایستد از برای او عبادت صد ساله نوشته شود و هر کس که
روزه داشته باشد و شبها را بعبادت بسر آورده باشد و هر جماعتی که درین روز

سجع شنبه را که بر روز کار خود پیش از انکه متفرق شوند حاجت ایشان بر آورده
شود و درین روز هزار هزار رحمت از جانب حق تعالی بر بندکان نازل میکردد و نود و نه
رحمت از آنها مخصوص جمعی است که مجتمع کردند و بذکر خدا مشغول شوند و روزش را
روزه بدارند و شبش را عبادت کنند و در روایتی وارد شده است که مستحب است
که درین روز در وقت چاشت دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از سوره
حمد پنج مرتبه سوره والشمس بخواند و بعد از سلام این دعا بخواند

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ یَا مُقِیْلَ الْعَثَرَاتِ اَقِلْنِیْ
نیست قدرتی و نه توانائی مکر بتوفیق خدای بلند قدر بزرک مرتبه ای درکذرنده لغزشها درکذر از

عَثْرَتِیْ یَا مُجِیْبَ الدَّعَوَاتِ اَجِبْ دَعْوَتِیْ یَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ
لغزش من ای اجابت کننده دعاها اجابت کن دعای مرا ای شنونده دعاها

اِسْمَعْ صَوْتِیْ وَارْحَمْنِیْ وَتَجَاوَزْ عَنْ سَیِّئَاتِیْ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ
بشنو آواز مرا و رحم کن مرا و درکذر از بدیهای من ای خداوند بزرکواری و کرامی داشتن

و شیخ رحمه الله کفته است که مستحب است
که درین روز این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ دَاحِیَ الْکَعْبَةِ وَفَالِقَ الْحَبَّةِ وَصَارِفَ اللَّزْبَةِ وَکَاشِفَ
خداوندا ای کستراننده کعبه و شکافنده دانه و برکرداننده سختی و زائل کننده

کُلِّ کُرْبَةٍ اَسْئَلُکَ فِیْ هٰذَا الْیَوْمِ مِنْ اَیَّامِکَ الَّتِیْ اَعْظَمْتَ حَقَّهَا
هر اندوه سوال میکنم از تو درین روز از روزهای تو که بزرک کردانیدی حق آنرا

وَاَقْدَمْتَ سَبْقَهَا وَجَعَلْتَهَا عِنْدَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَدِیْعَةً وَاِلَیْکَ ذَرِیْعَةً
و پیش داشتی پیشی آنرا و کردانیدی آنرا نزد ایمان داران امانت و بسوی خود وسیله

وَبِرَحْمَتِکَ الْوَسِیْعَةِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ الْمُنْتَجَبِ فِی الْمِیْثَاقِ
و برحمت فراکیرنده تو انکه رحمت بفرستی بر محمد بندهٔ خود که برکزیده شده است در روز پیمان

الْقَرِيبِ يَوْمَ التَّلَاقِ فَاتِقِ كُلِّ رَتْقٍ وَدَاعٍ إِلَى كُلِّ حَقٍّ عَلَى الطَّيِّبِينَ

نزدیک در روز ملاقات گشاینده هر بسته و خواننده بسوی هر حقی و بر خاندان او

الْأَطْهَارِ الْهُدَاةِ الْمَنَارِ دَعَائِمِ الْجَبَّارِ وَوُلَاةِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ

که پاکا ... ند راه نماینده کان نشانهای هدایت ستونهای خدا و والیان اهل بهشت و دوزخ اند

وَأَعْطِنَا فِي يَوْمِنَا هٰذَا مِنْ عَطَائِكَ الْمَخْزُونِ غَيْرَ مَقْطُوعٍ وَلَا مَمْنُوعٍ

و عطا کن مارا در روز ما این روز از عطای پنهان در خزینه خود حال آنکه نباشد بریده شده و نه منع کرده شده

تَجْمَعُ لَنَا بِهِ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْأَوْبَةِ يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَأَكْرَمَ مَرْجُوٍّ يَا كَفِيُّ

در حالیکه جمع کنی برای ما بسبب آن توبه نیکوئی بازگشت را ای بهترین کسیکه خوانده شود و بزرگوارترین کسیکه امید

يَا وَفِيُّ يَا مَنْ لُطْفُهُ خَفِيٌّ الْطُفْ لِي بِلُطْفِكَ وَأَسْعِدْنِي بِعَفْوِكَ وَأَيِّدْنِي

ای وفا کننده ای آنکه لطف او پنهان است مهربانی کن بمن بلطف خود و نیکبخت کن بعفو خود و قوت ده مرا

بِنَصْرِكَ وَلَا تُنْسِنِي كَرِيمَ ذِكْرِكَ بِوُلَاةِ أَمْرِكَ وَحَفَظَةِ سِرِّكَ

بیاری خود و فراموش گردان از من یاد کردن کرامی خود بحرمت والیان امر خود و نگهدارندگان سر خود

وَاحْفَظْنِي مِنْ شَوَائِبِ الدَّهْرِ إِلَى يَوْمِ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ وَأَشْهِدْنِي أَوْلِيَاءَكَ

نگهدار مرا از آلودگیهای زمانه تا روز برانگیختن و زنده گردانیدن و حاضر گردان برای من دوستان خود را

عِنْدَ خُرُوجِ نَفْسِي وَحُلُولِ رَمْسِي وَانْقِطَاعِ عَمَلِي وَانْقِضَاءِ أَجَلِي

نزد بیرون شدن روح من و فرود آوردن من در قبر خود و بریدگی کردار من و منقضی شدن زندگی من

اللّٰهُمَّ وَاذْكُرْنِي عَلَى طُولِ الْبِلَى إِذَا حَلَلْتُ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى

بار خدایا و یاد کن مرا بر درازی زمان پوسیدگی هرگاه فرود آیم میان طبقه های خاک

وَنَسِيَنِي النَّاسُونَ مِنَ الْوَرَى وَأَحْلِلْنِي دَارَ الْمُقَامَةِ وَبَوِّئْنِي مَنْزِلَ

و فراموش کنند مرا فراموش کنندگان از خلق و فرود آور مرا در سرای اقامت و جای ده مرا در منزل

الْكَرَامَةِ وَاجْعَلْنِي مِنْ مُرَافِقِي أَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ اجْتِبَائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ

نوازش و بگردان مرا از رفقای دوستان خود و برگزیدگان خود و اختیار شدگان خود

[illegible]

حَبِّب إلَيَّ فِي لِقَائِكَ وَارْزُقْنِي حُسْنَ الْعَمَلِ قَبْلَ حُلُولِ الْأَجَلِ مُبَرَّءً مِنَ

و برکت ده مرا در ملاقات خود و روزی کن مرا نیکوئی کردار پیش از رسیدن اجل حال آنکه بیزار شده باشم از

الزَّلَلِ وَسُوءِ الْخَطَلِ اَللّٰهُمَّ وَاَوْرِدْنِي حَوْضَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ

لغزش و زشتی سخن زشت خداوندا وارد ساز مرا در کنار حوض پیغمبر خود محمد رحمت فرستد خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاسْقِنِي مِنْهُ مَشْرَبًا رَوِيًّا سَائِغًا هَنِيئًا لَا اَظْمَأُ بَعْدَهُ وَلَا

بر او و بر آل او و بنوشان مرا از آن حوض نوشانیدنی کامل آسان گوارا که تشنه نگردم پس از آن و نه

اُحَلَّأُ وِرْدَهُ وَلَا عَنْهُ اُذَادُ وَاجْعَلْهُ لِي خَيْرَ زَادٍ وَاَوْفَى مِيعَادٍ يَوْمَ

منع کرده شوم از آبخور آن نه از آن رانده شوم و بگردان آن را برای من بهترین توشه و رواترین وعده در روز

يَقُومُ الْاَشْهَادُ اَللّٰهُمَّ وَالْعَنْ جَبَابِرَةَ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَبِحُقُوقِ

که بر پا شوند حاضران خداوندا لعنت کن سرکشان پیشینیان و پسینیان را و بحقوق

اَوْلِيَائِكَ الْمُسْتَأْثِرِينَ اَللّٰهُمَّ وَاقْصِمْ دَعَائِمَهُمْ وَاَهْلِكْ اَشْيَاعَهُمْ

دوستان تو اختیار کنندگان برای خود بار خدایا در هم شکن ستونهای ایشان را و نیست کن پیروان ایشان را

وَعَامِلَهُمْ وَعَجِّلْ مَهَالِكَهُمْ وَاسْلُبْهُمْ مَمَالِكَهُمْ وَضَيِّقْ عَلَيْهِمْ

و دارندهای ایشان را و زود کن هلاکهای ایشان را و باز گیر از ایشان مملکتهای ایشان را و تنگ کن بر ایشان

مَسَالِكَهُمْ وَالْعَنْ مُسَاهِمَهُمْ وَمُشَارِكَهُمْ اَللّٰهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ اَوْلِيَائِكَ

راههای ایشان را و لعنت کن سهیم ایشان را و شریک ایشان را خداوندا زود کن گشایش دوستان خود را

وَارْدُدْ عَلَيْهِمْ مَظَالِمَهُمْ وَاَظْهِرْ بِالْحَقِّ قَائِمَهُمْ وَاجْعَلْهُ لِدِينِكَ مُنْتَصِرًا

و برگردان بر ایشان حقهای ایشان را و ظاهر ساز براستی و درستی قائم ایشان را و بگردان او را برای دین خود انتقام کشنده

وَبِاَمْرِكَ فِي اَعْدَائِكَ مُؤْتَمِرًا اَللّٰهُمَّ احْفُفْهُ بِمَلَائِكَةِ النَّصْرِ وَبِمَا

و بفرمان خود درباره دشمنان خود فرمان برنده خداوندا فرو گیر او را بفرشتگان یاری و بآنچه

اَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مِنَ الْاَمْرِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مُنْتَقِمًا لَكَ حَتّٰى تَرْضٰى وَيَعُودَ

فرستی بر او از امر در شب قدر حال آنکه بوده باشد انتقام کشنده برای تو تا آنکه خوشنود شوی و برگردد

[illegible]

دِينَكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ جَدِيداً غَضّاً وَيَمْحَضُ الْحَقَّ مَحْضاً وَيَرْفُضُ
دین تو بسبب او و بر دستهای او تو تازه و خالص نماید حق را خالص کردنی و براندازد
الْبَاطِلَ رَفْضاً اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى جَمِيعِ آبَائِهِ وَاجْعَلْنَا
باطل را برانداختنی خداوندا رحمت بفرست بر او و بر آل او و بر همه پدران او و بگردان ما را
مِنْ صَحْبِهِ وَأُسْرَتِهِ وَابْعَثْنَا فِي كَرَّتِهِ حَتَّى نَكُونَ فِي زَمَانِهِ مِنْ
از یاران او و گروه او و برانگیز ما را در رجعت او تا آنکه بوده باشیم در زمان او از
أَعْوَانِهِ اَللّٰهُمَّ أَدْرِكْ بِنَا قِيَامَهُ وَأَشْهِدْنَا أَيَّامَهُ وَصَلِّ عَلَيْهِ
یاوران او خداوندا برسان ما را بزمان برپا شدن او و حاضر گردان ما را در روزهای دولت او و رحمت بفرست بر او
وَارْدُدْ إِلَيْنَا سَلَامَهُ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ
و بگردان بسوی ما سلام او را و درود بر ایشان و رحمت خدا و برکتهای او

باب پنجم در بیان فضائل و اعمال ماه مبارک ذیحجه است و در این پنج فصل است فصل اوّل
در بیان فضائل ماه ذیحجه و دهه اول و اعمال آنست ایام این دهه در نهایت فضیلت و
برکت اند و حق تعالی میفرماید وَاذْكُرُوا اللّٰهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ
یعنی یاد کنید خدا را در روزی چند شمرده شده یعنی کم و باز فرموده است
وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللّٰهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ
یعنی اعلام کن مردم را که بیایند بحج تا آنکه بیابند منفعتهای دنیا و آخرت را و یاد کنند خدا را در
روز چند معلوم برای آنکه روزی کرده است بایشان از گوشت چهارپایان که گاو و گوسفند
و شتر و بز است و در احادیث معتبره بسیار از ائمه اطهار صلوات الله علیهم منقول که
ایام معلومات ده روز اول ماه ذیحجه است و ایام معدودات روز دهم و
یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ماه ذیحجه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقول است که عمل خیر و عبادت در هیچ ایامی محبوب‌تر نیست از ده روز اول ماه
ذیحجه و چون این ماه داخل میشد صلحای صحابه و تابعان اهتمام عظیم در عبادت میکردند

وبسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که پدرم امام محمد باقر علیه السلام با من گفت ای فرزند گرامی البته در هر شب دهه اول ماه ذیحجه دو رکعت نماز بجا آور در میان نماز شام وخفتن و در هر رکعت بعد از سوره حمد وسوره قل هو الله این آیه را بخوان وَوٰعَدْنَا مُوسىٰ ثَلٰثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنٰهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقٰتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسىٰ لِأَخِيهِ هٰرُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ چون چنین کنی با حاجیان در ثواب حج شریک خواهی بود هرچند بحج نروی و روز اول ذیحجه روز مبارکی است و روایتی وارد شده است که حضرت ابرهیم خلیل الله علیه السلام درین روز متولد شده است و درین روز حق تعالی حضرت ابراهیم را خلیل خود گردانید وبسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقول است که هر که روز اول ماه ذیحجه را روزه بدارد حق تعالی برای او ثواب هشتاد ماه روزه بنویسد واز حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که هر که روز اول ماه ذی الحجه را روزه بدارد حق تعالی ثواب روزه تمام عمر او از برای او بنویسد وشیخ طوسی علیه الرحمه گفته است که از روز اول ذی الحجه تا روز نهم روزه مستحب است واگر نتواند روز اول را روزه بدارد و در روز اول حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله حضرت فاطمه صلوات الله علیها را بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام تزویج نمود وبروایت دیگر در روز ششم تزویج نمودند وبدانکه روزه قضای ماه مبارک رمضان را از اول ماه تا روز عرفه می توان گرفت چنانچه علما گفته اند واحادیث صحیحه بران دلالت دارد وبعضی از روایات که بر منع وارد شده است سند آنها معتبر نیست ومحمول است بتقیه چنانچه در کتب مبسوطه دلائل آنرا ایراد کرده ام وشیخ ره گفته است که مستحب است که در روز اول نماز حضرت فاطمه علیها السلام را بجا آورد و روایت شده است که آن چهار رکعت است مثل نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد می خواند

و بعد از سلام تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخواند و تسبیح این است

سُبْحَانَ ذِی الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِیفِ سُبْحَانَ ذِی الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِیمِ

پاک است خداوند عزت بارفعت بلندپایه پاک است خداوند بزرگواری بلندمرتبه بزرگ

سُبْحَانَ ذِی الْمُلْکِ الْفَاخِرِ الْقَدِیمِ سُبْحَانَ مَنْ یَرَی أَثَرَ النَّمْلَةِ

پاک است خداوند پادشاهی عظیم دیرینه پاک است آنکه می بیند نشان پای مورچه را

فِی الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ یَرَی وَقْعَ الطَّیْرِ فِی الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ

در سنگهای هموار پاک است آنکه می بیند فرود آمدن مرغ در هوا پاک است کسیکه

هُوَ هٰکَذَا وَ لَا هٰکَذَا غَیْرُهُ

او چنین است و نیست چنین غیر او

مؤلف گوید که بعد ازین انشاء الله مذکور خواهد شد که نماز حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت است در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه انا انزلناه و در رکعت دوم صد مرتبه توحید و اگر هر دو را بعمل آورد و آن دعا را بعد از هر یک بخواند بهتر است و اگر بعد از سلام اول تسبیح مشهور حضرت فاطمه علیها السلام را بخواند و بعد از آن این دعا را شاید بهتر باشد و در بعضی از روایات وارد شده است که مستحب است که در روز اول نیم ساعت پیش از زوال دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ توحید و ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخواند و در روایت دیگر وارد شده است که هر که از ظالمی ترسد در روز اول ذی الحجه بگوید

حَسْبِی حَسْبِی حَسْبِی مِنْ سُؤَالِی عِلْمُکَ بِحَالِی

بس است مرا بس است مرا بس است مرا از سؤال نمودن دانستن تو بحال من

حق تعالی کفایت شر آن ظالم از و بکند و شیخ و کفعمی و سید ابن طاوس بسندهای معتبر روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در روز اول ذی الحجه تا روز عرفه هر روز بعد از نماز صبح و در وقت غروب آفتاب پیش از نماز شام این دعا می خواندند

اللهم هذه الايام التي فضلتها على غيرها من الايام وشرفتها

بارخدایا این روزهاییست که زیادتی دادی انها را بر غیر آنها از روزها و بلند کردی پایهٔ آنها

قد بلغتنيها بمنك ورحمتك فانزل علينا من بركاتك

رسانیدی مرا بآنها باحسان خود و رحمت خود پس فرو فرست بر ما از زیادتیهای خود

واسبغ علينا فيها من نعمائك اللهم اني اسألك ان تصلي

و تمام کن بر ما از نعمتهای خود بارخدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی

على محمد وآل محمد فيها وان تهدينا فيها سبيل الهدى و

بر محمد و آل محمد در آنها و اینکه راه نمائی ما را در آنها راه هدایت و

ترزقنا فيها التقوى والعفاف والغنى والعمل فيها بما تحب

روزی کنی ما را در آنها پرهیزکاری و عفت و بی نیازی و کار کردن در آنها بآنچه دوست داری

وترضى اللهم اني اسألك يا موضع كل شكوى ويا سامع كل نجوى

و بپسندی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو ای جای هر شکایتی و ای شنونده هر رازی

ويا شاهد كل ملاء ويا عالم كل خفية ان تصلي على محمد وآل محمد

و ای حاضر هر جمعی و ای دانای هر پنهانی اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد

وان تكشف عنا فيها البلاء وتستجيب لنا فيها الدعاء وتقوينا

و اینکه زائل کنی از ما در آنها بلا را و بپذیری برای ما در آنها دعا را و قوت دهی ما را

فيها وتعيننا وتوفقنا فيها لما تحب ربنا وترضى وعلى ما افترضت

در آنها و مدد کنی ما را و توفیق دهی ما را در آنها برای آنچه دوست میداری ای پروردگار ما و بپسندی و بر آنچه واجب کرده

علينا من طاعتك وطاعة رسولك واهل ولايتك اللهم اني

بر ما از فرمان برداری خود و فرمان برداری رسول خود و دوستان خود خداوندا بدرستیکه من

اسألك يا ارحم الراحمين ان تصلي على محمد وآل محمد وان تهب لنا

سؤال میکنم از تو ای بخشنده ترین بخشایندگان اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه ببخشی ما را

فيها الرضا انك سميع الدعاء ولا تحرمنا خير ما نزل فيها من السماء

در آنها خوشنودی بدرستیکه تو پذیرنده دعائی و نا امید مکن ما را از خیر آنچه فرود آمده در آنها از آسمان

وطهرنا من الذنوب يا علام الغيوب واوجب لنا فيها دار الخلود

و پاک کن ما را از گناهان ای دانای پنهان و واجب گردان برای ما در آنها سرای همیشگی را

اللهم صل على محمد وآل محمد ولا تترك لنا فيها ذنبا الا غفرته

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و وامگذار برای ما در آنها گناهی را مگر آنکه بیامرزی آنرا

ولا هما الا فرجته ولا دينا الا قضيته ولا غائبا الا اديته ولا

و نه غمی مگر آنکه بگشائی آنرا و نه قرضی مگر آنکه ادا کنی آنرا و نه گم شده را مگر آنکه برسانی آنرا و نه

حاجة من حوائج الدنيا والآخرة الا سهلتها ويسرتها انك على

حاجتی از حاجتهای اینجهان و آنجهان مگر آنکه سهل کنی آنرا و آسان گردانی آنرا بدرستیکه تو بر

كل شيء قدير اللهم يا عالم الخفيات يا راحم العبرات يا مجيب

هر چیز توانائی بار خدایا ای دانای پنهانها ای رحم کننده اشک دیدها ای پذیرنده

الدعوات يا رب الارضين والسموات يا من لا تتشابه عليه

دعاها ای پروردگار زمینها و آسمانها ای آنکه مشتبه نمیشود بر او

الاصوات صل على محمد وآل محمد واجعلنا فيها من عتقائك و

آوازها رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان ما را درین روزها از آزاد کردگان خود

طلقائك من النار والفائزين بجنتك الناجين برحمتك

رها کردگان خود از آتش و فیروزی یافتگان ببهشت تو رستگاران برحمت تو

يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله اجمعين وسلم تسليما

ای بخشنده ترین بخشندگان و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او همه و درود فرستد درود فراوانی

و شیخ مفید و سید ابن طاوس رحمهما الله بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده اند که جبرئیل علیه السلام از جانب خداوند جلیل برای حضرت عیسی علیه السلام پنج دعا هدیه آورد و گفت یا عیسی این پنج دعا را در دهه اول

ماه ذی الحجه بخوان هر بستیکه هیچ عبادتی نزد حق تعالی محبوبتر نیست از عبادت کردن درین ده اول

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ

گواهی میدهم اینکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا حال آنکه یگانه است انباز نیست او مر اورا پادشاهی و مر اورا ست سپاس

بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ دوم اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

بدست اوست نیکی و او بر همه چیز تواناست گواهی میدهم آنکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا

وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ اَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَّلَا وَلَدًا سوم

حال آنکه یگانه است نیست انبازی برای او یکتاست بناه بی نیاز مندان فرا نگرفته است هیچ زنی و نه فرزندی

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ اَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَلِدْ

گواهی میدهم اینکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا درحالیکه یگانه است نیست شریکی برای او یکتاست مقصود محتاجان نزاده

وَلَمْ يُوْلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَّهٗ كُفُوًا اَحَدٌ چهارم اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ

و زائیده نشده و نیست مر اورا مانند هیچکس گواهی میدهم اینکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا درحالیکه یگانه است

لَا شَرِيْكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِيْ وَيُمِيْتُ وَهُوَ حَيٌّ لَّا يَمُوْتُ بِيَدِهِ

نیست انبازی مر اورا مر اوراست پادشاهی و مر اوراست سپاس زنده میکند و می میراند و او زنده ایست که نمیرد بدست اوست

الْخَيْرُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ پنجم حَسْبِيَ اللّٰهُ وَكَفٰى سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ دَعَا

هر نیکی و او بر همه چیز تواناست بس است مرا خدا و کافی است شنید خدا مر آنرا که خواند اورا

لَيْسَ وَرَآءَ اللّٰهِ مُنْتَهٰى اَشْهَدُ لِلّٰهِ بِمَا دَعَا وَاَنَّهٗ بَرِيْءٌ مِّمَّنْ تَبَرَّاَ وَاَنَّ

نیست بغیر خدا منتهای گواهی میدهم برای خدا بانچه خوانده خدا و بآنکه بتحقیق او بیزار است از آنکه بیزاری جوید و آنکه

لِلّٰهِ الْاٰخِرَةَ وَالْاُوْلٰى

برای خداست آنجهان و این جهان

پس حواریون گفتند یا روح الله چه ثواب دارد کسیکه این کلمات را بگوید حضرت عیسی علیه السلام گفت که هرکه دعای اول صد مرتبه بخواند عمل هیچیک از اهل زمین بهتر از عمل او نباشد دران روز و در روز قیامت حسنات او زیاده تر از همه کس باشد و هرکه دعای دوم

صد مرتبه بخواند چنان باشد که دوازده مرتبه توریت و انجیل خوانده باشد و ثواب آنها را
باو دهند حضرت عیسی گفت ای جبرئیل ثواب خواندن توریت و انجیل چیست جبرئیل گفت
طاقت بر داشتن بحرف توریت و انجیل ندارد هر که در آسمانهای هفت گانه است
از ملائکه تا آنکه مبعوث شدم من و اسرافیل زیرا که اسرافیل اول بنده بود که گفت لا حول و
لا قوة الا بالله و هر که دعای سوم را صد مرتبه بخواند حق تعالی بنویسد از برای او باین دعا
ده هزار حسنه و محو کند از و ده هزار هزار گناه و بلند کند از برای او در بهشت ده هزار
هزار درجه و فرود آیند از آسمان هفتاد هزار ملک که دستها بر داشته باشند و صلوات
فرستند بر کسیکه این کلمات را باین عدد خوانده است پس عیسی گفت که ای جبرئیل آیا
ملائکه صلوات می فرستند بر غیر پیغمبران جبرئیل گفت که هر که ایمان آورد بانچه پیغمبران
از جانب خدا آورده اند و تغییری ندهد شریعت ایشانرا حق تعالی ثواب پیغمبران را
باو عطا میفرماید و هر که دعای چهارم را صد مرتبه بخواند آن دعا را استقبال نماید ملکی
و بالا برد بسوی حق تعالی پس خدا نظر رحمت کند بسوی گوینده آن دعا برحمت و هر که
خدا نظر رحمت بر و کند هرگز شقی و بد عاقبت نشود پس حضرت عیسی گفت یا جبرئیل ثواب
دعای پنجم چیست جبرئیل گفت آن دعای من است و حق تعالی مرا رخصت نداده است
که ثواب آنرا بگویم مؤلف گوید که اگر هر روز هر یک از این دعا را ده مرتبه بخواند و در نیست
که عمل باین روایت کرده باشد و اگر هر روز هر یک را صد مرتبه بخواند بهتر خواهد بود و شیخ
و ابن بابویه و سید ابن طاوس رضی الله عنهم از حضرت امیر المومنین علیه السلام
روایت کرده اند که هر که در هر روز از دهه اول ذی الحجه این تهلیلات را ده مرتبه بخواند
حق تعالی عطا کند او را بهر تهلیلی درجه در بهشت از مروارید و یاقوت و ازمیان هر درجه تا
درجه دیگر صد ساله راه باشد برفتار سواری که تیاز د و در هر درجه شهری بوده باشد
و دران شهر قصری باشد از یک جوهر که دران فصلی نباشد و در هر شهری از ان شهرها از
انواع جواهر و غرفه ها و خانه ها و فرشها و کرسیها و تختها و حوریان و نهالیها و تکیه ها و خانه ها

و خدمتکاران و درختها و نهرها و زیورها و حلها بوده باشد که وصف کننده قادر بر وصف آنها
نباشد و چون از قبر بیرون آید از هر موی بدن او نوری ساطع باشد و مبادرت نمایند بسوی
آن هفتاد هزار ملک و از پیش رو و جانب راست و چپ او راه روند تا او را به بهشت برسانند و
چون داخل بهشت شود او را مقدم دارند و ملیکه از عقب آورند تا آنکه بشهری برسد که بیرونش از
یاقوت سرخ باشد و اندرونش از زبرجد سبز و در آن شهر بوده باشد هر نعمتی که حق تعالی در بهشت
خلق کرده است پس باو گویند ای دوست خدا میدانی که این شهر چیست گوید نه و شما کیستید گویند
ما ملکی چندیم که حاضر بودیم در هنگامیکه تو آن تهلیلات را میخواندی در دنیا و این شهر و آنچه در آن
هست از نعمتهای الهی یک ثواب تست بر خواندن آن تهلیلات و بشارت باد ترا به بهترین
ازین ثوابها و پیوسته در جوار رحمت الهی خواهی بود در دار السلام که بلائی و غمی و مکروهی
در آن نمی باشد و نعمتها و رحمتهای خدا هرگز از و منقطع نمیگردد و تهلیلات اینست

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ اللَّيَالِي وَالدُّهُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ اَمْوَاجِ
نیست سزاوار پرستش بجز خدا بشمار شبها و زمانها نیست سزاوار پرستش بجز خدا بشمار موجهای
الْبُحُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَرَحْمَتُهُ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ
دریاها نیست سزاوار پرستش بجز خدا و رحمت او بهتر است از آنچه جمع کنند مردم نیست سزاوار پرستش بجز خدا بشمار
الشَّوْكِ وَالشَّجَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ
خارها و درختها نیست سزاوار پرستش بجز خدا بشمار مو و پشم شتر نیست سزاوار پرستش بجز خدا بشمار
الْحَجَرِ وَالْمَدَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ لَمْحِ الْعُيُونِ وَالْبَصَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ فِي
سنگ و کلوخ نیست سزاوار پرستش بجز خدا بشمار نگریستن چشمها و بینائی نیست سزاوار پرستش بجز خدا در
اللَّيْلِ اِذَا عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ اِذَا تَنَفَّسَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الرِّيَاحِ فِي
شب چون تاریک گردد و صبح هرگاه بدمد نیست سزاوار پرستش بجز خدا بشمار بادها در
الْبَرَارِي وَالصُّخُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مِنَ الْيَوْمِ اِلٰى يَوْمِ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ
بیابانها و کوهها نیست سزاوار پرستش بجز خدا از این روز تا روزیکه دمیده شود در صور

و از بعضی روایات مستفاد می شود که یکمرتبه نیز اکتفا می توان کرد والله یعلم **فصل دوم** در اعمال روز ترویه و روز عرفه است روز ترویه روز هشتم ذی حجه است و روز مبارکی است و ابن بابویه از حضرت موسی کاظم علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که حق تعالی برگزیده است از روزها چهار روز را جمعه و روز ترویه و روز عرفه و روز عید قربان و ایضاً از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که روزه روز ترویه کفاره شصت ساله گناه است و شب عرفه از لیالی متبرکه است و از حضرت رسول صلعم منقول است که در شب عرفه دعا مستجاب است و کسیکه آن شب را بعبادت بسر آورد اجر صد و هفتاد سال عبادت دارد و آن شب مناجات با قاضی الحاجات است و هر که در ان شب توبه کند توبه اش مقبول است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در شب عرفه یا در شبهای جمعه این دعا را بخواند حق تعالی گناهانش را بیامرزد

اَللّٰهُمَّ یَا شَاهِدَ کُلِّ نَجْوٰی وَ مَوْضِعَ کُلِّ شَکْوٰی وَ عَالِمَ کُلِّ خَفِیَّةٍ وَ مُنْتَهٰی کُلِّ

بار خدایا ای دانای هر راز و قرارگاه هر شکایت و دانای هر پنهان و منتهای هر

حَاجَةٍ یَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ عَلَی الْعِبَادِ یَا کَرِیْمَ الْعَفْوِ یَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ یَا جَوَادُ یَا مَنْ

حاجت ای ابتدا کننده بنعمتها بر بندگان ای گرامی عفو ای نیکو تجاوز ای بخشنده ای آنکه

لَا یُوَارِیْ مِنْهُ لَیْلٌ دَاجٍ وَ لَا بَحْرٌ عَجَّاجٌ وَ لَا سَمَاءٌ ذَاتُ اَبْرَاجٍ وَ لَا ظُلَمٌ ذَاتُ ارْتِتَاجٍ

نمی پوشاند از و شب تار و نه دریای بسیار آب و نه آسمان صاحب برجها و نه تاریکیهای صاحب حجاب

یَا مَنِ الظُّلْمَةُ عِنْدَهٗ ضِیَاءٌ اَسْاَلُکَ بِنُوْرِ وَجْهِکَ الْکَرِیْمِ الَّذِیْ تَجَلَّیْتَ بِهٖ لِلْجَبَلِ

ای آنکه تاریکی نزد او روشنی است سوال میکنم از تو بروشنائی ذات بزرگوار تو که تابان شده ای بر کوه

فَجَعَلْتَهٗ دَکًّا وَ خَرَّ مُوْسٰی صَعِقًا وَ بِاسْمِکَ الَّذِیْ رَفَعْتَ بِهِ السَّمٰوَاتِ

پس گردانیدی آن کوه را خورد خورد و افتاد موسی بیهوش و بحرمت نام تو آن نامیکه بلند کردی بسبب آن آسمانها

بِلَا عَمَدٍ وَ سَطَحْتَ بِهِ الْاَرْضَ عَلٰی وَجْهِ مَاءٍ جَمَدٍ وَ بِاسْمِکَ الْمَخْزُوْنِ الْمَکْنُوْنِ

بی ستونی و گستردی بسبب آن زمین را بر روی آب ایستاده و بحرمت نام تو پنهان داشته شده پوشیده

الْمَكْتُوبُ الطَّاهِرُ الَّذِي إِذَا دُعِيتَ بِهِ أَجَبْتَ وَإِذَا سُئِلْتَ بِهِ

نوشته شده است پاک است آن نامیکه هرگاه خوانده شوی باو اجابت کنی و هرگاه سوال کرده شوی باو

أَعْطَيْتَ وَبِاسْمِكَ السُّبُّوحِ الْقُدُّوسِ الْبُرْهَانِ الَّذِي هُوَ نُورٌ عَلَى كُلِّ

بخشش نمائی و بنام تو که پاک است بغایت منزه است دلیل روشن است نامی که آن نور است بر هر

نُورٍ وَنُورٌ مِنْ نُورٍ يُضِيءُ مِنْهُ كُلُّ نُورٍ إِذَا بَلَغَ الْأَرْضَ انْشَقَّتْ وَإِذَا بَلَغَ

نوری و نوری است از نور روشن میشود از او هر نوری چون برسد بزمین برا شکافته شود و هرگاه برسد

السَّمَاوَاتِ فُتِحَتْ وَإِذَا بَلَغَ الْعَرْشَ اهْتَزَّ وَبِاسْمِكَ الَّذِي تَرْتَعِدُ

آسمانها را گشوده شود و چون برسد عرش را بحرکت درآید بنام تو آن نامیکه بلرزان شود

مِنْهُ فَرَائِصُ مَلَائِكَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ

از آن شانه های فرشتگان تو و سوال میکنیم از تو بحق جبرئیل و میکائیل و اسرافیل

وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَمِيعِ

و بحق محمد برگزیده رحمت فرستد خدا برا و و آل او و بر همه پیغمبران و همه

الْمَلَائِكَةِ وَبِالِاسْمِ الَّذِي مَشَى بِهِ الْخِضْرُ عَلَى قُلَلِ الْمَاءِ كَمَا مَشَى بِهِ عَلَى

فرشتگان و بحق است آن نامی که رفتار نمود بسبب آن خضر بر اعالی آب چنانچه رفتار نمود بسبب او بر

جُدَدِ الْأَرْضِ وَبِاسْمِكَ الَّذِي فَلَقْتَ بِهِ الْبَحْرَ لِمُوسَى وَأَغْرَقْتَ

روی زمین و بحرمت نام تو آن نامیکه شکافتی بسبب آن دریا را بجهت موسی و غرق نمودی

فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ وَأَنْجَيْتَ بِهِ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ وَمَنْ مَعَهُ وَبِاسْمِكَ

فرعون و گروه او را و رهانیدی بسبب آن موسی ابن عمران و آنرا که با او بود و بحرمت نام تو

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ فَاسْتَجَبْتَ

آن نامیکه خواند ترا با آن موسی ابن عمران از طرف راست کوه طور پس اجابت کردی

لَهُ وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي أَحْيَى بِهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ

او را و افکندی بر او محبتی از جانب خود و بحرمت نام تو آن نامی که زنده کرد بسبب او عیسی ابن مریم

الموتى وتكلم في المهد صبياً وابرأ الاكمه والابرص باذنك

مردگان را و سخن گفت در گهواره حال آنکه کودک بود و عافیت بخشید کور را در زاد و مبروص را بدستوری تو

وباسمك الذي دعاك به حملة عرشك وجبرئيل وميكائيل

و بنام تو آن نامی که خواندند ترا آن بردارندگان عرش تو و جبرئیل و میکائیل

واسرافيل وحبيبك محمد صلى الله عليه وآله وملائكتك المقربون

و اسرافیل و دوست تو محمد رحمت فرستد خدا برا او و آل او و فرشتگان مقربان

وانبياؤك المرسلون وعبادك الصالحون من اهل السموات

و پیغمبران فرستادگان و بندگان نیکان تو از اهل آسمانها

والارضين وباسمك الذي دعاك به ذو النون اذ ذهب مغاضباً

و زمینها و بحرمت نام تو آن نامی که خواند ترا با و خداوند ماهی چون رفت از میان قوم خشمگین

فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك

پس گمان کرد که هرگز تنگ نگیریم برا و پس خواند در تاریکیها باآنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو

اني كنت من الظالمين فاستجبت له ونجيته من الغم وكذلك ننجي

بدرستیکه من بودم از ستمکاران پس اجابت کردی دعای او را و رهانیدی او را از اندوه و همچنین رهانیم

المؤمنين وباسمك العظيم الذي دعاك به داود وخر لك ساجداً

مومنان را و بنام بزرگ تو که خواند ترا آن داود و بر زمین افتاد برای تو سجده کنان

فغفرت له ذنبه وباسمك الذي دعتك به آسية امرأة فرعون

پس آمرزیدی برای او گناه او را و بنام تو که خواند ترا آن آسیه زن فرعون

اذ قالت رب ابن لي عندك بيتاً في الجنة ونجني من فرعون وعمله

هنگامیکه گفت ای پروردگار من بنا کن برای من نزد خود خانه در بهشت و برهان مرا از فرعون و کردار او

ونجني من القوم الظالمين فاستجبت لها دعاءها وباسمك الذي

و خلاص ده مرا از گروه ستمکاران پس اجابت کردی برای او دعای او را و بحرمت نام تو که خواند ترا

بِه ایّوبُ اِذْ حَلَّ بِهِ الْبَلاءُ فَعافَیْتَه وَ اٰتَیْتَه اَهْلَه وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ

آن ایوب هنگامیکه فرود آمد بر وی بلا پس عافیت بخشیدی او را و دادی او را خاندان او را و مانند ایشان با ایشان

رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَذِكْرىٰ لِلْعابِدینَ وَبِاسْمِكَ الَّذی دَعاكَ بِه یَعْقُوبُ

بخشایشی از نزد خود و پند برای عبادت کنندگان و بحرمت نام تو که خواند ترا بآن یعقوب

فَرَدَدْتَ عَلَیْهِ بَصَرَه وَقُرَّةَ عَیْنِه یُوسُفَ وَجَمَعْتَ شَمْلَه وَبِاسْمِكَ

پس گردانیدی بر او بینائی او را و خنکی چشم او را یوسف و فراهم آوردی پراکندگی او را و بحرمت نام تو

الَّذی دَعاكَ بِه سُلَیْمانُ فَوَهَبْتَ لَه مُلْكاً لا یَنْبَغی لِاَحَدٍ مِنْ بَعْدِه

که خواند ترا بآن سلیمان پس بخشیدی مر او را پادشاهی که سزاوار نیست بهیچکس از بعد او

اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهّابُ وَبِاسْمِكَ الَّذی سَخَّرْتَ بِهِ الْبُراقَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ

بدرستیکه تو توئی بسیار بخشنده و بحرمت نام تو که رام کردی بسبب آن براق را جهت محمد رحمت خدا

وَاٰلِه وَسَلَّمَ اِذْ قالَ تَعالیٰ سُبْحانَ الَّذی اَسْریٰ بِعَبْدِه لَیْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ

و آل او و درود بر او هنگامیکه گفت خدای برتر پاکست آن خدائی که سیر داد بنده خود را در شب از مسجد الحرام

اِلَى الْمَسْجِدِ الْاَقْصیٰ وَقَوْلُه سُبْحانَ الَّذی سَخَّرَ لَنا هٰذا وَما كُنّا لَه مُقْرِنینَ

تا مسجد اقصی که در شام است و قول رسول خدا که پاکست آنکه رام گردانید برای ما این را و نبودیم مر او را

وَاِنّا اِلیٰ رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ وَبِاسْمِكَ الَّذی تَنَزَّلَ بِه جَبْرَئیلُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ

و بدرستیکه بسوی پروردگار خود هر آینه بازگردندگانیم و بحرمت نام تو که فرود آمد بسبب آن جبرئیل بر محمد

صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِه وَبِاسْمِكَ الَّذی دَعاكَ بِه اٰدَمُ فَغَفَرْتَ

رحمت فرستد خدا بر او و آل او و بحرمت نام تو که خواند ترا بآن آدم پس آمرزیدی

لَه ذَنْبَه وَاَسْكَنْتَه جَنَّتَكَ وَاَسْاَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْاٰنِ الْعَظیمِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ

برای او گناه او را و ساکن کردی او را در بهشت خود و سؤال میکنم از تو بحق قرآن بزرگ و بحق محمد

خاتَمِ النَّبِیّینَ وَبِحَقِّ اِبْراهیمَ وَبِحَقِّ فَصْلِكَ یَوْمَ الْقَضاءِ وَبِحَقِّ الْمَوازینِ

آخر پیغمبران و بحق ابراهیم و بحق جدا کردن تو حق از باطل در روز حکم کردن و بحق ترازوها

إِذَا نُصِبَتْ وَالصُّحُفِ إِذَا نُشِرَتْ وَبِحَقِّ الْقَلَمِ وَمَا جَرَى وَاللَّوْحِ وَمَا
هرگاه برپا کرده شوند نامهای اعمال هرگاه واکرده شوند وبحق قلم وانچه روان شده بآن ولوح وانچه
أَحْصَى وَبِحَقِّ الْاِسْمِ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلَى سُرَادِقِ الْعَرْشِ قَبْلَ خَلْقِكَ
احاطه کرد آنرا وبحق نامی که نوشتی آنرا بر سراپرده عرش پیش از آفریدن تو
الْخَلْقَ وَالدُّنْيَا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ بِأَلْفَيْ عَامٍ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا
خلق و دنیا و آفتاب را و ماه را بدو هزار سال وگواهی میدهم آنکه نیست او را شریک مگر
اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَسْأَلُكَ
خدا حال آنکه یگانه است نیست انباری برای او وانکه بتحقیق محمد بندهٔ او ورسول اوست وسوال میکنم از تو
بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ فِي خَزَائِنِكَ الَّذِي اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ
بحرمت نام تو آن نامیکه پنهان است در خزانه های تو آن نامیکه برگزیدی آنرا در جملهٔ علم نهانی که نزد تست
لَمْ يَظْهَرْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلَا عَبْدٌ
مطلع نشده بر آن هیچکس از خلق تو نه فرشتهٔ مقربی و نه پیغمبر مرسلی و نه بندهٔ
مُصْطَفًى وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي شَقَقْتَ بِهِ الْبِحَارَ وَقَامَتْ بِهِ الْجِبَالُ
برگزیده وسوال میکنم از تو بحرمت نام تو که شکافتی بسبب آن دریاها را وبرپا ایستاد بسبب آن کوهها
وَاخْتَلَفَ بِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَبِحَقِّ السَّبْعِ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ
وآمد ورفت کرد بسبب آن شب وروز وبحق سورهٔ فاتحه وقرآن بزرگ مرتبه
وَبِحَقِّ كِرَامٍ كَاتِبِينَ وَبِحَقِّ طه وَيس وَكهيعص وَحمعسق
وبحق نویسندگان نامهٔ اعمال وبحق طه ویس وکهیعص وحمعسق
وَبِحَقِّ تَوْرَاةِ مُوسَى وَإِنْجِيلِ عِيسَى وَزَبُورِ دَاوُدَ وَفُرْقَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى
وبحق توریت موسی وانجیل عیسی وزبور داود وقرآن محمد رحمت فرستد
اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى جَمِيعِ الرُّسُلِ وَبِاَهِيّاً شَرَاهِيّاً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
خدا براو وآل او وبر همه پیغمبران وبحرمت خداوند ازلی ای خدا بدرستیکه سوال میکنم ترا

بحق تلك المناجاة التي كانت بينك وبين موسى بن عمران فوق

بحق آن رازگوئی که بود میان تو و میان موسی پسر عمران بالای

جبل طور سيناء واسألك باسمك الذي علمته ملك الموت لقبض

کوه طور سینا وسوال میکنم از تو بحرمت نام تو که آموختی آنرا بملک موت برای گرفتن

الارواح واسألك باسمك الذي كتب على ورق الزيتون فخضعت

جانها وسوال میکنم از تو بحرمت نامی که نوشته شده بر برگ درخت زیتون پس فروتنی کرد

النيران لتلك الورقة فقلت يا نار كوني بردا وسلاما

آتشها برای آن برگ پس گفتی ای آتش بشو سرد وسلامت

واسألك باسمك الذي كتبته على سرادق المجد والكرامة يا من

وسوال میکنم از تو بحرمت نام تو که نوشتی آنرا بر سراپرده بزرگواری وکرامت ای آنکه

لا يحفيه سائل ولا ينقصه نائل يا من به يستغاث واليه يلجأ

نیز نجاند اورا سوال کننده وکم نمی سازد خزانه اورا عطای ای آنکه باو دادخواهی کرده میشود وبسوی او پناه برده میشود

اسألك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك و

سوال میکنم ترا بحرمت جاهای بستن عزت از عرش تو ونهایت بخشایش که ظاهرست از کتاب تو و

باسمك الاعظم وجدك الاعلى وكلماتك التامات العلى

بحرمت نام تو که بزرگ است وعظمت تو که بلندتر است وسخنهای کامل بلند پایه تو

اللهم رب الرياح وما ذرت والسماء وما اظلت والارض وما اقلت

خداوندا ای پروردگار بادها وانچه پراکنده نمود آنرا وآسمان وانچه سایه افکنده است آن بر او وزمین وانچه برداشته است

والشياطين وما اضلت والبحار وما جرت وبحق كل حق هو عليك

ودیوان پلید وانچه گمراه نموده اند آنرا ودریاها وانچه روان گردیده اندران وبحق هر حقی که آن بر تو

حق وبحق ملائكة المقربين والروحانيين والكروبيين والمسبحين

ثابت ولازم است وبحق فرشتگان نزدیکان وروحانیان وکروبیان وتنزیه کنندگان

بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَا يَفْتُرُونَ وَبِحَقِّ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَبِحَقِّ كُلِّ وَلِيٍّ يُنَادِيكَ

در شب و روز در حالیکه سست نمی شوند و بحق ابراهیم دوست تو و بحق هر دوستی که میخواند ترا

بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ وَتَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَاءَهُ يَا مُجِيبُ اَسْأَلُكَ بِهٰذِهِ الْاَسْمَاءِ

میان صفا و مروه و می پذیری برای او دعای او را ای پذیرنده سوال میکنم از تو بحق این نامها

وَبِهٰذِهِ الدَّعَوَاتِ اَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا قَدَّمْنَا وَمَا اَخَّرْنَا وَمَا اَسْرَرْنَا وَمَا

و بحرمت این دعاها اینکه بیامرزی برای ما آنچه پیش داشتیم و آنچه از پس داشتیم و آنچه پنهان کردیم و آنچه

اَعْلَنَّا وَمَا اَبْدَيْنَا وَمَا اَخْفَيْنَا وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنَّا اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ

آشکار نمودیم و آنچه ظاهر ساختیم و آنچه پنهان نمودیم و آنچه تو داناتری بآن از ما بدرستیکه تو بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا حَافِظَ كُلِّ غَرِيبٍ يَا مُونِسَ كُلِّ

چیز توانائی بخشایش خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان ای نگاهدارنده هر غریبی ای انس دهنده هر

وَحِيدٍ يَا قُوَّةَ كُلِّ ضَعِيفٍ يَا نَاصِرَ كُلِّ مَظْلُومٍ يَا رَازِقَ كُلِّ مَحْرُومٍ يَا مُونِسَ

تنهائی ای توانائی هر ناتوانی ای یاور هر ستم رسیده ای روزی دهنده هر ناامیدی ای آرام

كُلِّ مُسْتَوْحِشٍ يَا صَاحِبَ كُلِّ مُسَافِرٍ يَا عِمَادَ كُلِّ حَاضِرٍ يَا غَافِرَ كُلِّ ذَنْبٍ

هر وحشت زده ای یار هر سفر کننده ای اعتماد کرده شده هر حاضری ای آمرزنده هر گناه

وَخَطِيئَةٍ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ يَا كَاشِفَ كَرْبِ

و خطائی ای فریادرس فریادجویان ای دادرس دادخواهان ای زائل کننده اندوه

الْمَكْرُوبِينَ يَا فَارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ يَا بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرَضِينَ

اندوهناکان ای گشاینده غم غمناکان ای نو پدید آورنده آسمانها و زمینها

يَا مُنْتَهٰى غَايَةِ الطَّالِبِينَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ای منتهای نهایت خواهندگان ای پذیرنده دعای بیچارگان ای بخشنده ترین بخشایندگان

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ يَا دَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ يَا اَجْوَدَ الْاَجْوَدِينَ يَا اَكْرَمَ الْاَكْرَمِينَ

ای پروردگار جهانیان ای جزا دهنده روز جزا ای بخشنده ترین بخشندگان ای بزرگوارترین بزرگواران

یا اسمع السامعین یا ابصر الناظرین یا اقدر القادرین اغفر لی
ای شنواترین شنوندگان ای بیناترین بینندگان ای تواناترین توانایان بیامرز برای من
الذنوب التی تغیر النعم واغفر لی الذنوب التی تورث الندم
گناهانی را که تغییر میدهند نعمتها را و بیامرز برای من گناهانی را که باعث میشوند پشیمانی را
واغفر لی الذنوب التی تورث السقم واغفر لی الذنوب التی
و بیامرز برای من گناهانی را که باعث میشوند بیماری را و بیامرز برای من گناهانی را که
تهتک العصم واغفر لی الذنوب التی ترد الدعاء واغفر لی
میدرند پرده های عصمت را و بیامرز برای من گناهانی را که بر میگردانند دعا را و بیامرز برای من
الذنوب التی تحبس قطر السماء واغفر لی الذنوب التی
گناهانی را که باز میدارند باران آسمان را و بیامرز برای من گناهانی را که
تعجل الفناء واغفر لی الذنوب التی تجلب الشقاء واغفر لی
شتاب می ورزند نیستی را و بیامرز برای من گناهانی را که میکشند بدبختی را و بیامرز برای من
الذنوب التی تظلم الهواء واغفر لی الذنوب التی تکشف الغطاء
گناهانی را که تاریک می کنند هوا را و بیامرز برای من گناهانی را که بر میدارند پرده را
واغفر لی الذنوب التی لا یغفرها غیرک یا الله واحمل عنی کل
و بیامرز برای من گناهانی را که نمی آمرزد آنها را غیر تو ای خدا و بردار از من هر
تبعة لاحد من خلقک واجعل لی من امری فرجا ومخرجا ویسرا
وبالی را که باشد برای یکی از خلق تو و بگردان برای من از امر خود گشایش و بیرون شدن و آسانی
وانزل یقینک فی صدری ورجاءک فی قلبی حتی لا ارجو غیرک
و فرو فرست یقین خود را در سینه من و امید خود را در دل من تا آنکه امید ندارم غیر ترا
اللهم احفظنی وعافنی فی مقامی هذا واصحبنی فی لیلی ونهاری
خداوندا نگاهدار مرا و عافیت بخش مرا در جایگاه من این جایگاه و یار باش مرا در شب من و روز من

وَمِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ
واز پیش روی من واز عقب من واز جانب راست من واز جانب چپ من واز بالای سر من واز
تَحْتِي وَيَسِّرْ لِيَ السَّبِيلَ وَأَحْسِنْ لِيَ التَّيْسِيرَ وَلَا تَخْذُلْنِي فِي الْعَسِيرِ
زیر پای من وآسان کن برای من راه را ونیکو گردان برای من آسان نمودن را وترک یاری مکن مرا در امر مشکل
وَاهْدِنِي يَا خَيْرَ دَلِيلٍ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي فِي الْأُمُورِ وَلَقِّنِي كُلَّ
وراه بنمای مرا ای بهترین راه نمایان ومگذار مرا بسوی نفس من در کارها وپیش آور مرا هر
سُرُورٍ وَاقْلِبْنِي إِلَى أَهْلِي بِالْفَلَاحِ وَالنَّجَاحِ مَحْبُوراً فِي الْعَاجِلِ وَالْآجِلِ
شادی وباز گردان مرا بسوی اهل من با فیروزی ورستگاری شادان در دنیا وآخرت
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ طَيِّبَاتِ
بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی وروزی کن مرا از بخشش خود وگشایش ده بر من از روزیهای
رِزْقِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَأَجِرْنِي مِنْ عَذَابِكَ وَنَارِكَ
پاکیزه خود وبکار آر مرا در فرمان برداری خود وپناه ده مرا از عذاب خود وآتش خود
وَاقْلِبْنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي إِلَى جَنَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ
وبگردان مرا هرگاه بمیرانی بسوی بهشت خود برحمت خود خداوندا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو از
زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَمِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ وَمِنْ حُلُولِ نَقِمَتِكَ وَمِنْ نُزُولِ
زایل شدن نعمت تو واز برگردانیدن تو عافیت خود را واز فرود آمدن عقوبت تو واز نازل
عَذَابِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَدَرَكِ الشَّقَاءِ وَمِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ
عذاب تو وپناه میگیرم بتو از مشقت بلاها ودریافتن بدبختی واز بدی قضا
وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمِنْ شَرِّ مَا فِي الْكِتَابِ
وشادی کردن دشمنان واز بدی آنچه فرود می آید از آسمان واز بدی آنچه در کتاب
الْمُنْزَلِ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْأَشْرَارِ وَلَا مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَلَا تَحْرِمْنِي
فرستاده شده است خداوندا مگردان مرا از بدان ونه از یاران آتش ومحروم مکن مرا

صُحبَةَ الاَخیارِ وَاَحیِنی حَیوةً طَیِّبَةً وَتَوَفَّنی وَفاةً طَیِّبَةً تُلحِقُنی بِالاَبرارِ

صحبت نیکوکاران و زنده دار مرا زندگی پاکیزه و بمیران مرا مردن پاکیزه که برساند مرا به نیکوکاران

وَارزُقنی مُرافَقَةَ الاَنبیاءِ فی مَقعَدِ صِدقٍ عِندَ مَلیکٍ مُقتَدِرٍ

و روزی کن مرا رفاقت پیغمبران در نشستگاه راستی نزد پادشاه توانا

اَللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ عَلی حُسنِ بَلائِکَ وَصُنعِکَ وَلَکَ الحَمدُ عَلَی الاِسلامِ

خداوندا پس مر تراست همه سپاس نیکوئی انعام تو و آفرینش تو و معروف تو و مر تراست همه سپاس بر اسلام

وَالسُّنَّةِ یا رَبِّ کَما هَدَیتَهُم لِدینِکَ وَعَلَّمتَهُم کِتابَکَ فَاهدِنا وَعَلِّمنا

و بر راه پیغمبری پروردگار من چنانچه راه نمودی ایشان را بدین خود و آموختی ایشان را کتاب خود پس راه بنما ما را و بیاموز ما را

وَلَکَ الحَمدُ عَلی حُسنِ بَلائِکَ وَصُنعِکَ عِندی خاصَّةً کَما

و مر تراست همه سپاس نیکوئی انعام تو و معروف تو نزد من بخصوص چنانچه

خَلَقتَنی فَاَحسَنتَ خَلقی وَعَلَّمتَنی فَاَحسَنتَ تَعلیمی وَهَدَیتَنی فَاَحسَنتَ

آفریدی مرا پس نیکو کردی آفرینش مرا و آموختی مرا پس نیک کردی آموختن مرا و راه نمودی مرا پس نیکو کردی

هِدایَتی فَلَکَ الحَمدُ عَلی اِنعامِکَ عَلَیَّ قَدیماً وَحَدیثاً فَکَم مِن کَربٍ یا سَیِّدی قَد

راه نمائی مرا پس مر تراست همه سپاس انعام تو بر من انعام کهنه و نو پس بسیار از اندوه ای آقای من بتحقیق

فَرَّجتَهُ وَکَم مِن غَمٍّ یا سَیِّدی قَد نَفَّستَهُ وَکَم مِن هَمٍّ یا سَیِّدی قَد کَشَفتَهُ وَکَم مِن بَلاءٍ

گشودی آنرا و چه بسیار از غم ای آقای من بتحقیق زائل کردی آنرا و بسا اندوه که ای آقای من بتحقیق رفع نمودی آنرا و بسا از بلا

یا سَیِّدی قَد صَرَفتَهُ وَکَم مِن عَیبٍ یا سَیِّدی قَد سَتَرتَهُ فَلَکَ الحَمدُ عَلی کُلِّ

ای آقای من بتحقیق بازگردانیدی آنرا و بسا از عیب ای آقای من بتحقیق پوشانیدی آنرا پس مر تراست همه سپاس بر هر

حالٍ فی کُلِّ مَثویً وَزَمانٍ وَمُنقَلَبٍ وَمَقامٍ وَعَلی هذِهِ الحالِ وَکُلِّ

حالتی در هر آرامگاهی و زمانی و بازگشتن گاهی و جای ایستادن و بر این حالت و بر هر

حالٍ اَللّهُمَّ اجعَلنی مِن اَفضَلِ عِبادِکَ نَصیباً فی هذَا الیَومِ مِن خَیرٍ

حال خداوندا بکن مرا از افزون ترین بندگان خود در بهره در این روز از نیکی

تَقْسِمُهُ اَوْ ضُرٍّ تَكْشِفُهُ اَوْ سُوءٍ تَصْرِفُهُ اَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ اَوْ خَيْرٍ تَسُوقُهُ

که قسمت کنی آنرا یا گزندی که زایل نمائی آنرا یا بدیی که بازگردانی آنرا یا بلائی که دفع کنی آنرا یا خیری که برسانی آنرا

اَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا اَوْ عَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا فَاِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِيَدِكَ

یا رحمتی که پراگنده سازی آنرا یا عافیتی که بپوشانی آنرا زیرا که بتحقیق تو بر همه چیز توانائی و بدست تست

خَزَائِنُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ الْوَاحِدُ الْكَرِيمُ الْمُعْطِي الَّذِي

گنجینه های آسمانها و زمین و توئی یگانه بزرگوار بخشنده که

لَا يُرَدُّ سَائِلُهُ وَلَا يَخِيبُ اٰمِلُهُ وَلَا يَنْقُصُ نَائِلُهُ وَلَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ

برگردانیده نمی شود سؤال کننده او و نا امید نمیگردد امیدوار او و کم نمیگردد عطای او و نیست نمیشود آنچه نزد اوست

بَلْ يَزْدَادُ كَثْرَةً وَطِيباً وَعَطَاءً وَجُوداً وَارْزُقْنِي مِنْ خَزَائِنِكَ

بلکه زیاده میشود به بسیاری و پاکیزگی و بخشش و جود و روزی کن مرا از خزانه های خود

الَّتِي لَا تَفْنَى وَمِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ اِنَّ عَطَاءَكَ لَمْ يَكُنْ مَحْظُوراً

که فانی نمیشود و از رحمت خود که فراگیرنده است بدرستیکه عطای تو نیست ممنوع

وَاَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و تو بر همه چیز توانائی برحمت خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان

و احادیث بسیار در فضیلت زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در شب و روز عرفه وارد شده است و زیارت نزدیک را در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام و زیارت دیگر ان شاء الله تعالی بعد از این مذکور خواهد شد و پیشتر نیز زیارت آنحضرت مذکور شد اما روز عرفه از اعیاد عظیمه است و کسیکه توفیق یابد که در عرفات باشد ادعیه و اعمال بسیار وارد شده است و بهترین اعمال در این روز دعا است حتی مستحب است که جمع کنند میان نماز ظهر و عصر در اول وقت و نافله و اذان عصر ساقط می شود و بعد از نماز عصر مشغول دعا باید شد تا شام و دعا از برای برادران مؤمن از زنده و مرده بسیار باید کرد چنانچه در حدیث صحیح منقول است که ابراهیم بن هاشم گفت که من عبدالله بن جندب را دیدم در موقف عرفات

و حال مجلس را از و بهتر ندیدم پیوسته دستها خود را بسوی آسمان بلند کرده بود و آب
دیده اش بر روی زمین جاری بود تا بزمین میرسید چون مردم فارغ شدند گفتم و قوف مجلس را
بهتر از وقوف تو ندیدم گفت بخدا سوگند که دعا نکردم مگر برای برادران مومن خود زیرا که
از حضرت موسی کاظم علیه السّلام شنیدم که هر که دعا کند برای برادران مومن خود
در غیبت او از عرش ندا میرسد که از برای تو صد هزار برابر او باد پس من نخواستم که دست
بر آورم از صد هزار برابر دعای ملک که البته مستجابست برای یک دعای خود که نمیدانم مستجاب
خواهد شد یا نه و اگر کسی توفیق یابد که در روز عرفه در تحت قبه مقدسه حضرت امام حسین
علیه السّلام باشد ثوابش کمتر از کسیکه در عرفات باشد نخواهد بود بلکه زیاده است چنانچه از
حضرت صادق منقولست که هر که در روز عرفه بزیارت آنحضرت برود و حق او را بشناسد
و او را امام و حب الاطاعه داند بنویسد حق تعالی برای او ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره
مقبوله و دو هزار جهاد که با پیغمبر مرسل باشد یا امام عادلی راوی گفت کجاست ثواب و قوف
عرفات حضرت از روی غضب بسوی او نظر کرد و فرمود بدرستیکه بنده مومن چون در روز عرفه
نزد قبر آنحضرت حاضر شود و در نهر فرات غسل کند و متوجه زیارت آنحضرت شود بهر گامی که بر میدارد
ثواب یک حج و یک عمره بجهت او نوشته می شود و در روایت دیگر فرمود که در روز عرفه حق
سبحانه تعالی اول نظر رحمت بسوی زوار حضرت امام حسین علیه السّلام میکند و گناهان ایشان را
می آمرزد و حاجات ایشان را بر می آورد و بعد از آن متوجه اهل عرفات میشود زیرا که در میان اهل عرفات
آنحضرت حرامزاده و فرزند زنا نیست و در میان عرفات هست و کسیکه توفیق هیچیک از اینها نیافته
باشد باید که در سائر بلاد غسل کند و در مجمع مومنان حاضر شود و زیارت آنحضرت بکند و اگر در بام
بلندی یا صحرای گشاده باشد بهتر است پس مشغول دعا شوند و تا شام مشغول ذکر و دعا
باشند تا در ثواب آنها شریک گردند چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول
است و احادیث در باب روزه روز عرفه مختلف است و اکثر علما جمع میان احادیث
باین روش کرده اند که اگر ضعف بهم نرساند که او را از دعا کردن باز دارد و شک در ماه نباشد

والاکره است یعنی ثوابش کمتر است و در روایتی واقع شده است که روزه روز عرفه برابر است با روزه یکسال و اگر اشتباهی در ماه باشد یا با روزه از دعا ضعیف شود روزه نگرفتن بهتر است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در روز عرفه پیش از آنکه متوجه دعا شود دو رکعت نماز بکند در زیر آسمان و اعتراف کند نزد خدا بگناهان خود و اقرار کند بخطاهای خود فائز گردد بثواب اهل عرفات و گناه گذشته و آینده اش آمرزیده شود و شیخ مفید ره این نماز را بعد از نماز عصر ذکر کرده است و گفته که این نماز مخصوص جمعی است که در اطراف باشند و در عرفات نباشند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون خواهد مشغول دعا شود اول صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه قل هو الله احد و صد مرتبه سوره انا انزلناه بخواند و در روایتی دیگر فرمود که صد مرتبه آیة الکرسی بخواند و صد مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله بگوید و صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد بگوید پس مشغول دعا شود و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است آنرا با خضوع و خشوع و تأنی و رقت بخواند که مشتمل است بر جمیع مطالب دنیا و آخرت و شیخ طوسی ره بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلعم بحضرت امیر المؤمنین ع گفت میخواهی ترا تعلیم کنم دعای روز عرفه را و آن دعای پیغمبران پیش از من است میگوئی

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ

نیست سزاوار پرستش مگر خداوند جل جلاله که یگانه است نیست شریکی برای او و مر او راست پادشاهی و مر او راست سپاس زنده میکند و میمیراند

وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ

و او زنده است که نمیرد بدست اوست هر نیکی و او بر هر چیز تواناست خداوندا مر تراست همه سپاس

كَالَّذِي تَقُولُ وَخَيْرًا مِمَّا نَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ اَللّٰهُمَّ لَكَ

مانند آنچه میگوئی و بهتر از آنچه میگوئیم و بالای آنچه میگویند گویندگان خداوندا برای تست

صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَلَكَ بَرَاءَتِي وَبِكَ حَوْلِي وَمِنْكَ قُوَّتِي

نماز من و عبادت من و زندگی من و مردن من و برای تست بیزاری من و بتست قدرت من و از تست توانائی من

اللّهمّ انّی اعوذ بک من الفقر ومن وساوس الصّدر ومن شتات الامر
بارخدایا بدرستیکه من پناه می برم بتو از احتیاج و از اندیشهٔ باطل سینه و از پراکندگی کار
ومن عذاب القبر اللّهمّ انّی اسألک خیر الرّیاح واعوذ بک من شرّ
و از عذاب قبر بارخدایا بدرستیکه من میخواهم از تو بهترین بادها و پناه میبرم بتو از بدی
ما تجیء به الرّیاح واسألک خیر اللّیل وخیر النّهار اللّهمّ اجعل
آنچه می آورد آنرا بادها و میخواهم از تو نیکی شب و نیکی روز را بارخدایا بگردان
فی قلبی نورًا وفی سمعی نورًا وفی بصری نورًا وفی لحمی نورًا وفی دمی
در دل من روشنائی و در گوش من روشنائی و در چشم من روشنائی و در گوشت من روشنائی و در خون من
وعظامی وعروقی ومقامی ومقعدی ومدخلی ومخرجی نورًا واعظم
و استخوان من و رگهای من و ایستادنگاه من و نشستگاه من و جای درآمدن من و محل بیرون آمدن من روشنائی و بزرگ دار
لی النّور یا ربّ یوم القاک انّک علی کلّ شیء قدیر
برای من روشنائی ای پروردگار من در روزیکه ملاقات کنم ترا بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی

و از حضرت امام رضا علیه الصلوة والسلام منقول است که این دعا را در روز
عرفه بخوانند

اللّهمّ کما سترت علیّ ما لم اعلم فاغفر لی ما تعلم وکما وسعنی علمک
خداوندا چنانچه پوشانیدی بر من آنچه را ندانستم از گناهان پس بیامرز برای من گناهی را که تو میدانی و چنانچه فرا گرفت مرا علم تو
فلیسعنی عفوک وکما بدأتنی بالاحسان فاتمم نعمتک بالغفران وکما
پس باید که فرا گیرد مرا در گذشتن تو و چنانچه آغاز کردی مرا به نیکوئی پس تمام کن نعمت خود را بآمرزش و چنانچه
اکرمتنی بمعرفتک فاشفعها بمغفرتک وکما عرّفتنی وحدانیّتک
گرامی داشتی مرا بشناخت خود پس جفت کن آنرا با آمرزش خود و چنانچه شناسانیدی مرا یگانگی خود را
فاکرمنی بطاعتک وکما عصمتنی ممّا لم اکن اعتصم منه الّا بعصمتک
پس گرامی دار مرا بفرمانبرداری خود و چنانچه نگاه داشتی مرا از آنچه نبودم که نگاه دارم خود را از آن مگر به نگاهداری تو

فاغفر لی ما لو شئت عصمتنی منه یا جواد یا کریم یا ذا الجلال والاکرام

پس بیامرز برای من آنچه را که اگر میخواستی نگاه میداشتی مرا از آن ای بخشنده ای بزرگوار ای خداوند بزرگواری

و از حضرت امام موسی علیه السلام این دعا منقول است

اللهم انی عبدک وابن عبدک ان تعذبنی فبامور قد سلفت

خداوندا بدرستیکه من بنده تو و پسر بنده توام اگر عذاب کنی مرا پس باعتبار کارهائیست که بتحقیق پیش گذشته

منی وانا بین یدیک برمتی وان تعف عنی فاهل العفو انت یا اهل

از من و من پیش توام بتمام اعضای خود و اگر درگذری از من پس سزاوار درگذشتن توئی ای سزاوار

العفو یا احق من عفا اغفر لی ولاخوانی

درگذشتن ای سزاوارتر کسیکه درگذشت بیامرز مرا و برادران مرا

و از جمله دعاهای مشهور روز عرفه دعای حضرت سید الشهدا امام حسین علیه السلام است

بشر و بشیر پسران غالب اسدی روایت کرده اند که پسین روز عرفه در عرفات در خدمت

آنحضرت بودیم پس از خیمه خود بیرون آمدند با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان خود

با نهایت تذلل و خشوع پس از جانب چپ کوه ایستادند و روی مبارک را بسوی کعبه گردانیدند

و دستها را برابر رو برداشتند مانند مسکینی که با نهایت مذلت و مسکنت طعام طلبد و این دعا را خواندند

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی لیس لقضائه دافع ولا لعطائه

بنام خدای بخشاینده مهربان همه سپاس خدائی را که نیست مر حکم او را دفع نماینده و نه بخشش او را

مانع ولا کصنعه صنع صانع وهو الجواد الواسع فطر اجناس البدائع

بازدارنده و نه مانند کار او کار کارکننده و اوست بخشنده فراگیرنده آفرید انواع پدیدها کنان را

واتقن بحکمته الصنائع ولا تخفی علیه الطلائع ولا تضیع عنده

و محکم نموده بدانش خود کارها و پنهان نیست بر او جماعتها و تلف نگردد نزد او

الودائع جازی کل صانع ورائش کل قانع وراحم کل ضارع ومنزل

امانتها اوست جزا دهنده هر کارکننده و عطا کننده هر قناعت نماینده و رحم کننده هر زاری نماینده و فرو فرستنده

الْمَنَافِعِ وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ وَلِلْمُطِيعِ

سود نا و کتابی که جامع همه چیز هاست بنور مرتفع درخشان او مر دعاها را شنونده و فرمان دار را

نَافِعٌ وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ وَلِلْكُرُبَاتِ دَافِعٌ وَلِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ وَرَاحِمُ عَبْرَةِ

سود بخشنده و مرتبه ها را بلند کرداننده مرانده و بهارا از ائل نماینده متکبران را خوار سازنده رحم کننده اشک

كُلِّ ضَارِعٍ وَدَافِعُ صَرْعَةِ كُلِّ صَارِعٍ فَلَا إِلٰهَ غَيْرُهُ وَلَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ وَلَيْسَ

هر زاری کننده و زائل سازنده افتاد کی هر افتاده پس نیست سزاوار پرستش غیر او و نه چیزی که برابری کند با او و نیست

كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

مانند او چیزی و او ست شنوا بینا مهربان اگاه و او بر هر چیز توانا است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَأَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ مُقِرّاً بِأَنَّكَ رَبِّي وَأَنَّ

خداوندا بدرستیکه من خواهش دارم بسوی تو و گواهی میدهم به پروردگاری برای تو حال آنکه اقرار کننده ام بآنکه

إِلَيْكَ مَرَدِّي ابْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مَذْكُوراً وَخَلَقْتَنِي

بسوی تست بازگشت من آغاز کردی مرا به نعمت خویش پیش از آنکه بوده باشم چیزی نام برده شده و آفریدی مرا

مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ آمِناً لِرَيْبِ الْمَنُونِ وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ

از خاک پس قرار دادی مرا در پشتهای پدران بر ای امن از شدائد زمانه و آمد و رفت روزگارها

فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِناً مِنْ صُلْبٍ إِلَىٰ رَحِمٍ فِي تَقَادُمِ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ

پس همیشه بودم منتقل از پشت پدری بسوی رحم مادری در پیشین روزهای گذشته و زمانهای

الْخَالِيَةِ لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي وَلُطْفِكَ لِي وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أَئِمَّةِ

رفته بیرون نیاوردی مرا بجهت مهربانی خود بمن و نوازش خود مرا و نیکو کردن بسوی من در دولت پیشوایان

الْكُفْرِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ لٰكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي رَأْفَةً

کافران آنانکه شکستند پیمان ترا و بدروغ نسبت دادند فرستادگان ترا لیکن تو بیرون آوردی مرا بجهت مهربانی

مِنْكَ وَتَحَنُّناً عَلَيَّ لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَىٰ الَّذِي يَسَّرْتَنِي وَفِيهِ

خود و ترحم نمودن بمن برای آنچه که پیشی گرفته است مرا از راه نمائی که مهیا کرده برای من و در آن

انشأتني ومن قبل ذلك رأفت بي بجميل صنعك وسوابغ نعمك

پدید آوردی مرا و پیش از آن مهربانی کردی بمن به کار نیکوی خود و نعمتهای کامل از جمله نعمت خود

فابتدعت خلقي من منيّ يمنى ثم اسكنتني في ظلمات ثلث بين لحم

پس پدید آوردی خلقت مرا از آب منی که ریخته شود در رحم پس قرار دادی در تاریکیهای سه گانه میان گوشت

وجلد ودم ولم تشهدني بخلقي ولم تجعل الي شيئا من امري ثم اخرجتني الى

و پوست و خون و مشهود نساختی مرا بخلقت من و نگردانیدی بسوی من چیزی از کار مرا پس بیرون آوردی مرا بسوی

الدنيا تامّا سويّا وحفظتني في المهد طفلا صبيّا ورزقتني من الغذاء

دنیا کامل درست اعضا و نگاهداشتی مرا در گهواره حال آنکه طفل صغیر بودم و روزی کردی مرا از جمله خوردنی

لبنا طريّا وعطفت عليّ قلوب الحواضن وكفّلتني الامهات

شیر تازه گوارا و مهربان کردی بر من دلهای تربیت کنندگان را و کارگذار نمودی برای من مادرهای

الرحائم وكلأتني من طوارق الجانّ وسلّمتني من الزيادة والنقصان

مهربان را و حراست نمودی مرا از سختیهای که میرسد از جن و سالم داشتی مرا از زیادتی و نقصان

فتعاليت يا رحيم يا رحمن حتى اذا استهللت ناطقا بالكلام اتممت

پس برتری تو ای مهربان ای بخشاینده تا آنکه چون بآواز آمدم در حالیکه گویا بودم بسخن تمام کردی

عليّ سوابغ الانعام وربّيتني زائدا في كل عام حتى اذا اكتملت فطرتي

بر من انعامهای کامل خود را پس پروردی مرا زیاده شونده در هر سالی تا آنکه چون کامل شد خلقت من

واعتدلت سريرتي اوجبت عليّ حجّتك بان الهمتني معرفتك

و درست شد پنهانی امر من لازم کردی بر من حجت خود را بانیکه الهام کردی بمن شناختن خود را

وروّعتني بعجائب فطرتك وانطقتني لما ذرأت في سمائك وارضك من

و بشگفت آوردی مرا بغرائب آفرینش خود و گویا کردی مرا برای آنچه خلق کردی در آسمان خود و زمین خود از

بدائع خلقك ونبّهتني لذكرك وشكرك وواجب طاعتك وعبادتك

غرائب خلق خود و آگاه کردی مرا برای یاد کردن خود و سپاسگذاری خود و فرمانبرداری خود و پرستیدن واجب خود

وفهّمتني ما جاءت به رسلك ويسّرت لي تقبّل مرضاتك ومننت عليّ

وفهمانیدی مرا آنچه آورده اند آنرا فرستادگان تو و آسان کردی برای من پذیرفتن خوشنودیهای ترا و منت گذاردی بر من

بجميع ذلك بعونك ولطفك ثمّ إذ خلقتني من خير الثرى لم ترض لي

در همه آنها بمددکاری خود و مهربانی خود پس چون آفریدی مرا از خالص خاک نپسندیدی برای من

يا إلهي بنعمة دون أخرى ورزقتني من أنواع المعاش وصنوف الرياش بمنّك

ای خدای من نعمتی را بغیر نعمت دیگر و روزی کردی مرا از انواع روزیها و اقسام پوششها بانعام

العظيم عليّ وإحسانك القديم إليّ حتّى إذا أتممت عليّ جميع النعم وصرفت

بزرگ خود بر من و نیکوئی دیرینه خود بسوی من تا آنکه وقتیکه تمام کردی بر من همه نعمتها را و گردانیدی

عنّي كلّ النقم لم يمنعك جهلي وجرأتي عليك أن دللتني على ما يقرّبني إليك

از من تمام ناخوشیها را باز نداشت ترا نادانی من و دلیری من بر تو از آنکه راه نمائی مرا بر آنچه نزدیک گرداند مرا بسوی تو

ووفّقتني لما يزلفني لديك فإن دعوتك أجبتني وإن سألتك أعطيتني

و توفیق دهی مرا برای آنچه نزدیک سازد مرا نزد تو پس اگر خوانم ترا اجابت میکنی مرا و اگر خواهم از تو عطا میکنی مرا

وإن أطعتك شكرتني وإن شكرتك زدتني كلّ ذلك إكمالاً لأنعمك

و اگر فرمان برداری کنم ترا جزا میدهی مرا و اگر سپاس گذاری کنم ترا افزون میکنی مرا همه اینها بجهت تمام کردن نعمتهای توست

عليّ وإحسانك فسبحانك سبحانك من مبدئ معيد حميد مجيد تقدّست

بر من و نیکوئی کردن تو بسوی من پس منزهی تو منزهی تو پدید آورنده باز گرداننده ستوده بزرگوار پاک است

أسماؤك وعظمت آلاؤك فأيّ نعمك يا إلهي أحصي عدداً وذكراً أم أيّ

نامهای تو و بزرگ است نعمتهای تو پس کدام نعمت ای خدای من دریابم بشمار یا بیاد آوردن یا کدام

عطاياك أقوم بها شكراً وهي يا ربّ أكثر من أن يحصيها العادّون أو يبلغ علماً

بخششهای ترا قیام نمایم بآنها از روی سپاس گذاری ای پروردگار من بیشتر است از آنکه بشمارند آنها را شمارکنندگان یا

بها الحافظون ثمّ ما درأت وصرفت عنّي اللّهمّ من الضرّ والضرّاء أكثر ممّا

بآنها ضبط کنندگان پس آنچه دفع کردی و گردانیدی از من خداوندا از بدحالی و ناخوشی بیشتر است از آنچه

ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ وَأَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيمَانِي

ظاهر شد برای من از عافیت و خوشی و من گواهی میدهم ای خدای من بحقیقت خالص ایمان خود

وَعَقْدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي وَخَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي وَبَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي

و بستن تصمیمهای ثابت خود و خالص محض توحید خود و پنهان پوشیده دل خود

وَعَلَائِقِ مَجَارِي نُورِ بَصَرِي وَأَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي وَخُرْقِ مَسَارِبِ

و در آویختهای روان شدن نور دیده من و خطوطهای صفحه پیشانی من و سوراخهای راههای

نَفَسِي وَخَذَارِيفِ مَارِنِ عِرْنِينِي وَمَسَارِبِ صِمَاخِ سَمْعِي وَمَا ضُمَّتْ

نفس من و پارههای نرمه بینی من و راههای سوراخ گوش من و آنچه بهم آورده شد

وَأُطْبِقَتْ عَلَيْهِ شَفَتَايَ وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي وَمَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي

و پوشانیده شده بران لبهای من و جنبش های سخن زبان من و جای فرو بردن کام دهان من

وَفَكِّي وَمَنَابِتِ أَضْرَاسِي وَبُلُوغِ حَبَائِلِ بَارِعِ عُنُقِي وَمَسَاغِ مَأْكَلِي

و طرف بالا و پایان من و جاهای روییدن دندانهای من و کال شدن ریسمانهای کال گردن من و جای فرو بردن خوردن

وَمَطْعَمِي وَمَشْرَبِي وَحِمَالَةِ أُمِّ رَأْسِي وَجُمَلِ حَمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي وَمَا

و طعام من و آشامیدن من و بردارنده دماغ من و همه ریسمانهای رشته رگ دل من و آنچه

اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي وَنِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي وَأَفْلَاذِ حَوَاشِي

مشتمل است بران دلی که در سینه من است و رگ پرده دل من و قطعهای کناره های

كَبِدِي وَمَا حَوَتْهُ شَرَاسِيفُ أَضْلَاعِي وَحِقَاقِ مَفَاصِلِي وَأَطْرَافِ

جگر من و آنچه فرا گرفته است آنرا سرهای استخوانهای پهلوی من و جاهای پیوستن بندهای استخوانهای من و کناره های

أَنَامِلِي وَقَبْضِ عَوَامِلِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَشَعْرِي وَبَشَرِي وَعَصَبِي وَقَصَبِي

انگشتان من و گیرندهای دستها و پاهای من و گوشت من و خون من و موی من و پوست من و پی من و استخوان

وَعِظَامِي وَمُخِّي وَعُرُوقِي وَجَمِيعِ جَوَارِحِي وَمَا انْتَسَجَ عَلَى ذَلِكَ أَيَّامَ

و استخوان من و مغز استخوان من و رگهای من و همه عضوهای من و آنچه بافته شده بر اینها در روزگار

رضاعي وما اقلّت الارض منّي ونومي ويقظتي وسكوني وحركتي و

شیر خوردن من و آنچه برداشت زمین از من و خواب من و بیداری من و آرام من و جنبش من و

حركات ركوعي وسجودي ان لو حاولت واجتهدت مدى الاعصار

حرکتهای رکوع من و سجده من اگر قصد کنم و کوشش نمایم تا درازای زمانها

والاحقاب لو عمّرتها ان اؤدّي شكر واحدة من انعمك ما استطعت ذلك

و روزگارها اگر زنده داشته شوم در آنها آنکه ادا کنم شکر یکی از نعمتهای تو نتوانم آن را

الّا بمنّك الموجب عليّ شكراً آنفاً جديداً وثناءً طارفاً عتيداً اجل ولو

مگر با انعام تو که واجب سازد بر من سپاس تازه و ستایش تازه آماده بلی و اگر

حرصت انا والعادّون من انامك ان نحصي مدى انعامك سالفه وآنفه

حرص کنم من و شمارندگان از خلق تو آنکه بشماریم نهایت انعام ترا گذشته آن را و حاضر آن را

لما حصرناه عدداً ولا احصيناه امداً هيهات انّى ذلك وانت المخبر عن نفسك في

هرآینه احاطه نتوانیم کرد بشماره و نتوانیم شمرد آن را هرگز دور است کجاست آن حال آنکه تو خبر دهنده از خود در

كتابك الناطق والنبأ الصادق وان تعدّوا نعمة الله لا تحصوها صدق

کتاب گویای خود و خبر راست خود و اگر خواهید بشمارید نعمت خدا را نتوانید شمرد آن را راست است

كتابك اللّهمّ ونبأك وبلّغت انبياؤك ورسلك ما انزلت عليهم من

کتاب تو خدایا و خبر تو و رسانیدند پیغمبران تو و رسولان تو آنچه که فرو فرستادی بر ایشان از

وحيك وشرعت لهم من دينك غير انّي يا الهي اشهد بجهدي وجدّي

پیغام خود و [illegible] برای ایشان از دین خود مگر آنکه من ای خدای من گواهی میدهم بسعی خود و کوشش خود

ومبلغ طاقتي ووسعي واقول مؤمناً موقناً الحمد لله الذي لم يتّخذ ولداً فيكون

و مبلغ طاقت خود و توان خود و میگویم باور دارنده تصدیق نماینده سپاس خدای را که فرا نگرفت فرزند پس باشد

موروثاً ولم يكن له شريك في الملك فيضادّه فيما ابتدع ولا وليّ من الذلّ

میراث برده شده و نیست او را انبازی در پادشاهی پس خاصمه کند او را در آنچه پدید آورده و نه یاوری از

فَیَرَ فِدَهُ فِیمَا صَنَعَ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ لَوْ کَانَ فِیهِمَا آلِهَةٌ

پس یاری دهد او را در آنچه کرده است پاک است او پاک است او اگر بودی در آسمان و زمین خدایانی

إِلَّا اللهُ لَفَسَدَتَا وَتَفَطَّرَتَا فَسُبْحَانَ اللهِ الْوَاحِدِ الْحَقِّ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِی

غیر از سزاوار پرستش هر آینه تباه شدندی و شکافته شدندی آسمان و زمین پاک است خدای یگانه ثابت یکتا پناه بیازان خدائی که

لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً أَحَدٌ الْحَمْدُ لِلّٰهِ حَمْداً یَعْدِلُ حَمْدَ مَلَائِکَتِهِ

نزاده و زائیده نشده و نیست مر او را مانند هیچکس سپاس مر خدا راست سپاسی که برابری کند سپاس فرشتگان

الْمُقَرَّبِینَ وَأَنْبِیَائِهِ الْمُرْسَلِینَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى خِیَرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ

نزدیکان و پیغمبران فرستادگان او را و رحمت فرستد خدا بر اختیار کرده خود از خلق خود محمد

خَاتَمِ النَّبِیِّینَ وَآلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ الْمُخْلَصِینَ

آخر پیغمبران و آل او پاکیزگان و پاکان خالص گردانیده شدگان

پس شروع فرمود آنحضرت در سؤال و اهتمام نمود در دعا و آب از

دیده های مبارکش جاری بود پس گفت

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی أَخْشَاکَ کَأَنِّی أَرَاکَ وَأَسْعِدْنِی بِتَقْوَاکَ وَلَا تُشْقِنِی

خداوندا بگردان مرا که بترسم ترا که گویا می بینم ترا و نیکبخت کن مرا به پرهیزکاری خود و بدبخت مساز مرا

بِمَعْصِیَتِکَ وَخِرْ لِی فِی قَضَائِکَ وَبَارِکْ لِی فِی قَدَرِکَ حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِیلَ

به نافرمانی خود و عطا کن مرا خیر در حکم خود و برکت ده در تقدیر خود تا آنکه دوست ندارم شتاب کردن

مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِیرَ مَا عَجَّلْتَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ غِنَایَ فِی نَفْسِی وَالْیَقِینَ

آنچه را که باز پس داری و نه باز پس داشتن آنچه را که بشتاب آوری خداوندا بگردان بی نیازی مرا در نفس من و یقین را

فِی قَلْبِی وَالْإِخْلَاصَ فِی عَمَلِی وَالنُّورَ فِی بَصَرِی وَالْبَصِیرَةَ فِی دِینِی

در دل من و اخلاص را در کردار من و روشنائی را در دیده من و بینائی را در دین من

وَمَتِّعْنِی بِجَوَارِحِی وَاجْعَلْ سَمْعِی وَبَصَرِی الْوَارِثَیْنِ مِنِّی وَانْصُرْنِی عَلَى

و بهره ور کن مرا باعضای من و بگردان گوش مرا و دیده مرا میراث برندگان از من و یاری ده مرا که

ظلمتي وارزقني فيه ماربي وثاري واقر بذلك عيني اللهم اكشف

ستم شود مرا و روزي كن مرا در ين روز حاجتهاي مرا وخون مرا وخنك كن بآن ديده مرا خداوندا زائل

كربتي واستر عورتي واغفر لي خطيئتي واخسأ شيطاني وفك رهاني

اندوه مرا وبپوشان امر زشت مرا وبيامرز براي من گناه مرا و دور كن شيطان مرا

واجعل لي يا الهي الدرجة العليا في الآخرة والاولى اللهم لك

وبگردان براي من اي خداي من مرتبه بلندي در آنجهان و اين جهان خداوندا مر تراست

الحمد كما خلقتني فجعلتني سميعا بصيرا ولك الحمد كما خلقتني فجعلتني

سپاس چنانچه آفريدي مرا پس گردانيدي مرا شنوا وبينا ومر تراست سپاس چنانچه آفريدي مرا پس گردانيدي مرا

حيا سويا رحمة بي وكنت عن خلقي غنيا رب بما برأتني فعدلت

زنده يكسان از راه مهرباني بمن وبودي از آفرينش من بي نياز اي پروردگار من بسبب آنچه پيدا كردي مرا پس راست

فطرتي رب بما انشأتني فأحسنت صورتي يا رب بما أحسنت

خلقت مرا اي پروردگار من بسبب آنچه ايجاد كردي مرا پس نيكو نمودي هيئت مرا اي پروردگار من

بي وفي نفسي عافيتني رب بما كلأتني ووفقتني رب بما انعمت

بمن ودر نفس من عافيت بخشيدي مرا اي پروردگار من بسبب آنچه حفظ كردي مرا وتوفيق دادي مرا اي پروردگار من

علي فهديتني رب بما آويتني ومن كل خير آتيتني واعطيتني

بر من پس راه نمودي مرا اي پروردگار من بسبب آنچه جا دادي مرا واز هر نيكي دادي مرا وبخشيدي مرا

رب بما اطعمتني وسقيتني رب بما اغنيتني واقنيتني رب

اي پروردگار من بسبب آنچه طعام دادي مرا وآب دادي مرا اي پروردگار من بسبب آنچه بي نياز كردي مرا وسرمايه دادي

بما اعنتني واعززتني رب بما البستني من ذكرك الصافي ويسرت

بسبب آنچه مدد كردي مرا وارجمند ساختي مرا اي پروردگار من بسبب آنچه پوشانيدي مرا از ذكر خالص خود ومهيا كردي

لي من صنعك الكافي صل على محمد وآل محمد واعني على بوائق الدهر

براي من از بخشش خود كه بسند است رحمت بفرست بر محمد وآل محمد ومدد كن مرا بر بلاهاي روزگار

وصروف الايام والليالي ونجني من اهوال الدنيا وكربات الاخرة
وحوادث روزها وشبها وبرهان مرا از شدائد جهان واندوهای آنجهان
واكفني شر ما يعمل الظالمون في الارض اللهم ما اخاف فاكفني وما
وبسنده شو مرا از بدی آنچه میکنند ستمکاران در زمین خداوندا آنچه می ترسم پس بسنده شو تو مرا وآنچه
احذر فقني وفي نفسي وديني فاحرسني وفي سفري فاحفظني وفي
می پرهیزم پس نگاهدار مرا از آن ودر نفس من ودین من پس نگاهدار مرا ودر سفر من پس حفظ کن مرا ودر
اهلي ومالي وولدي فاخلفني وفيما رزقتني فبارك لي وفي نفسي
اهل من ومال من وفرزندان من پس خلیفه باش مرا ودر آنچه روزی کردی ایشان برکت ده مرا ودر نفس من
فذللني وفي اعين الناس فعظمني ومن شر الجن والانس فسلمني وبذنوبي
پس خوار کن مرا ودر دیده های آدمیان پس بزرگ گردان او واز بدی دیوان وآدمیان پس سالم دار مرا وبگناهان
فلا تفضحني وبسريرتي فلا تخزني وبعملي فلا تبتلني ونعمك
پس رسوا مساز مرا وبگناهان نهانی من پس رسوا مکن مرا وبکردار من پس مبتلا مکن مرا ونعمتهای خود را
فلا تسلبني والى غيرك فلا تكلني الهي الى من تكلني الى القريب
پس سلب مکن از من وبسوی غیر جناب خود پس مگذار مرا خداوندا من بسوی که میگذاری مرا آیا بسوی نزدیک
يقطعني ام الى البعيد يتجهمني ام الى المستضعفين لي وانت ربي
که ببرد از من یا بسوی دور که بغلظت وترشرویی پیش آید مرا یا بسوی ضعیف شمارندگان من وحال آنکه تو پروردگار منی
ومليك امري اشكو اليك غربتي وبعد داري وهواني على من
ومالک کار منی شکوه میکنم بسوی تو از غربت ودوری سرای خود وخواری خود بر آنکه
ملكته امري اللهم فلا تحلل بي غضبك فان لم تكن غضبت
گردانیدی او را مالک امر من خداوندا پس فرود میار بر من غضب خود را پس اگر نبوده باشی که غضب کرده باشی
علي فلا ابالي سواك غير ان عافيتك اوسع لي فاسالك بنور وجهك
بر من پس باک ندارم از غیر تو مگر آنکه عافیت تو فراخ تر است مرا پس میخواهم از تو بحرمت روشنایی ذات تو

الذي اشرقت له الارض والسموات وانكشفت به الظلمات وصلح

که روشن شد بهیبت او زمین و آسمانها و زائل گشت بسبب آن تاریکیها و صلاح شد

عليه امر الاولين والاخرين ان لا تميتني على غضبك ولا تنزل بي

بر آن کار پیشینیان و پسینیان آنکه نمیرانی مرا بر غضب خود و فرو نیاری بمن

سخطك لك العتبى حتى ترضى قبل ذلك لا اله الا انت رب البلد الحرام

غضب خود را تراست مواخذه تا آنکه خوشنود شوی پیش از آن نیست خدائی مگر تو ای پروردگار شهر حرام

والمشعر الحرام والبيت العتيق الذي احللته البركة وجعلته للناس

و مشعر حرام و خانه کهنه که فرود آوردی در آن برکت در زیادی و گردانیدی برای مردمان

امنة يا من عفا عن العظيم من الذنوب بحلمه يا من اسبغ النعمة بفضله

وسیله ایمنی ای آنکه در گذشت از بزرگ گناهان ببردباری خود ای آنکه تمام کرد نعمت را ببخشش خود

يا من اعطى الجزيل بكرمه يا عدتي في شدتي يا صاحبي في وحدتي يا غياثي

ای آنکه بخشید عطیه بسیار به بزرگواری خود ای ذخیره من در حال سختی من ای یار من در تنهائی من ای فریادرس من

في كربتي يا مونسي في حفرتي يا ولي نعمتي يا الهي واله آبائي ابراهيم

در وقت اندوه من ای انیس من در قبر من ای خداوند نعمت من ای خدای من و خدای پدران من ابراهیم

واسمعيل واسحاق ويعقوب ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل ورب

و اسمعیل و اسحق و یعقوب و ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و پروردگار

محمد خاتم النبيين وآله المنتجبين ومنزل التورية والانجيل والزبور

محمد آخر پیغمبران و خاندان برگزیدگان او و فرستنده توریت و انجیل و زبور

والفرقان ومنزل كهيعص وطه ويس والقرآن الحكيم انت

و فرقان و فرو فرستنده کهیعص و طه و یس و قرآن محکم تو

كهفي حين تعييني المذاهب في سعتها وتضيق علي الارض برحبها

پناه منی هنگامیکه عاجز کنند مرا راهها با فراخی آنها و تنگ شود بر من زمین با گشادگی آن

وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَاَنْتَ مُقِيلِي عَثْرَتِي وَلَوْلَا سَتْرُكَ

واگرنمی بود رحمت تو هر اینه بودم از هلاک شدگان وتو در گذرنده از لغزش منی و اگرنمی بود پوشانیدن تو

اِیَّایَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِینَ وَاَنْتَ مُؤَیِّدِی بِالنَّصْرِ عَلَی الْاَعْدَاءِ وَلَوْلَا نَصْرُكَ

مرا هر اینه بودم از رسوا شدگان و تو قوت دهنده مرا بیاری دادن بر دشمنان واگرنمی بود یاری تو

اِیَّایَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِینَ یَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَالرِّفْعَةِ فَاَوْلِیَاؤُهُ

مرا هر اینه بودم از مغلوبان ای آنکه مخصوص کرد خود را به بلندی و رفعت پس دوستان او

بِعِزِّهِ یَعْتَزُّونَ یَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِیرَ الْمَذَلَّةِ عَلَی اَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ

بارجمندی او ارجمندند ای آنکه گذاشته اند برای او پادشاهان لباد خواری بر گردنهای خود پس ایشان

مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْیُنِ وَمَا تُخْفِی الصُّدُورُ وَغَیْبَ

از غضبهای او ترسانند میدانی خیانت دیده ها را و آنچه را پنهان میدارند سینه ها و پنهانی

مَا تَاْتِی بِهِ الْاَزْمَانُ وَالدُّهُورُ یَا مَنْ لَا یَعْلَمُ كَیْفَ هُوَ اِلَّا هُوَ یَا مَنْ لَا یَعْلَمُ

آنچه می آورد آنرا زمانه ها و روزگارها ای آنکه نمیداند هیچکس که چگونه اوست مگر او ای آنکه نمیداند

مَا یَعْلَمُهُ اِلَّا هُوَ یَا مَنْ كَبَسَ الْاَرْضَ عَلَی الْمَاءِ وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ یَا مَنْ لَهُ

آنچه را که میداند او مگر او ای آنکه گسترد زمین را بر آب و بند کرد هوا را باسمان ای آنکه برای اوست

اَكْرَمُ الْاَسْمَاءِ یَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِی لَا یَنْقَطِعُ اَبَدًا یَا مُقَیِّضَ الرَّكْبِ لِیُوسُفَ

گرامی ترین نامها ای خداوند احسانی که بریده نشود هرگز ای گمارنده سواران کاروان برای یوسف

فِی الْبَلَدِ الْقَفْرِ وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِیَّةِ مَلِكًا یَا رَادَّ یُوسُفَ

در شهر خالی از آب و گیاه و بیرون آورنده او از چاه و گرداننده او پس از بندگی پادشاه ای گرداننده یوسف

عَلَی یَعْقُوبَ بَعْدَ اَنِ ابْیَضَّتْ عَیْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِیمٌ یَا كَاشِفَ الضُّرِّ

بر یعقوب پس از آنکه سفید گشته بود دیده های او از اندوه پس بود او خشم فرو خورنده ای زائل نماینده حالی

وَالْبَلَاءِ عَنْ اَیُّوبَ یَا مُمْسِكَ یَدِ اِبْرَاهِیمَ مِنَ الذَّبْحِ عَنِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ

و بلا از ایوب ای باز دارنده دست ابراهیم از گلو بریدن از پسرش پس از آنکه زیاده گشته بود

فيجاوبك وثبيره يا من استجاب لزكريا فوهب له يحيى ولم يدعه فردا

پس ... ترسیده بود دعا او ای آنکه اجابت کرده مر زکریا را پس بخشید باو یحیی را و بگذاشت او را تنها

وحيدا يا من اخرج يونس من بطن الحوت يا من فلق البحر لبني اسرائيل

یگانه ای آنکه بیرون آورد یونس را از شکم ماهی ای آنکه شکافت دریا را بجهت پسران یعقوب

فانجاهم وجعل فرعون وجنوده من المغرقين يا من ارسل الرياح مبشرات

پس رهانید ایشان را و گردانید فرعون و لشکرهای او را از غرق شدگان ای آنکه فرستاد بادها را مژده دهنده

بين يدي رحمته يا من لم يعجل على من عصاه من خلقه يا من استنقذ

پیش از فرود آمدن رحمت خود ای آنکه شتاب نکرده بر مواخذه آنکه نافرمانی کرده او را از خلق او ای آنکه نجات داد

السحرة من بعد طول الجحود وقد غدوا في نعمته يأكلون رزقه و

جادوگران را پس از درازی انکار و بحقیقت صبح میکردند در نعمت او میخوردند روزی او را

يعبدون غيره وقد حادوه ونادوه وكذبوا رسله يا الله يا بديع لا بدء لك يا دائما

می پرستیدند غیر او را و بحقیقت دشمنی کردند با او و مخالفت ... و دروغ نسبت دادند فرستادگان او را ای خدا ای پدید آورنده ...

لا نفاد لك يا حي حين لا حي يا محيي الموتى يا من هو قائم على كل نفس

... نیستی مر ترا ای زنده هنگامیکه نباشد زنده ای زنده کننده مردگان ای آنکه او نگهبانست بر هر نفس

بما كسبت يا من قل له شكري فلم يحرمني وعظمت عنده خطيئتي

بآنچه کسب نموده ای آنکه اندک بود برای او سپاس گذاری من پس بی نصیب نکرد مرا و بزرگ بود نزد او گناه من

فلم يفضحني ورآني على المعاصي فلم يخذلني يا من حفظني في صغري يا من

پس رسوا نکرد مرا و دید مرا بر نافرمانیها پس دست از نگذاشت مرا ای آنکه نگاهداشت مرا در حال خوردی ای آنکه

رزقني في كبري يا من اياديه عندي لا تحصى يا من نعمه عندي لا تجازى

روزی داد مرا در حال بزرگی من ای آنکه نعمتهای او نزد من شمرده نشود ای آنکه نعمتهای او نزد من شکر کرده نشود

يا من عارضني بالخير والاحسان وعارضته بالاساءة والعصيان

ای آنکه معارضه کرده مرا به نیکوئی و احسان و معارضه کردم من او را به بدی و نافرمانی

يا من هداني بالايمان قبل ان اعرف شكر الامتنان ويا من دعوته

ای آنکه راه نمودی مرا با ایمان پیش از آنکه بشناسم شکر انعام را ای آنکه خواندم او را

مريضا فشفاني وعريانا فكساني وجائعا فاطعمني وعطشانا فارواني

در بیماری پس شفا داد و برهنه بودم پس پوشانید مرا و در گرسنگی پس طعام خورانید مرا و در تشنگی پس سیراب کرد مرا

وذليلا فاعزني وجاهلا فعرفني ووحيدا فكثرني وغائبا فردني

و در خواری پس ارجمند ساخت مرا و در نادانی پس شناسا کرد مرا و در بیکسی پس بسیار کرد مرا و در مسافرت پس برگردانید مرا

ومقلا فاغناني ومنتصرا فنصرني وغنيا فلم يسلبني وامسكت عن

و در نیازمندی پس بی نیاز کرد مرا و در حال یاری خواهی پس یاری کرد مرا و در بی نیازی پس سلب نکرد از من و امسک کردم از

جميع ذلك فابتدأني فلك الحمد يا من اقال عثرتي ونفس كربتي

همه آنها پس آغاز کرد مرا پس مر تراست سپاس ای آنکه در گذشت از لغزش من و زایل کرد اندوه مرا

واجاب دعوتي وستر عورتي وغفر ذنوبي وبلغني طلبتي ونصرني على

و پذیرفت دعای مرا و پوشانید عورت مرا و آمرزید گناهان مرا و رسانید مرا بخواهش من و یاری داد مرا بر

عدوي وان اعد نعمك ومننك وكرائم منحك لا احصيها يا مولاي انت

دشمن من و اگر خواهم بشمارم نعمتهای ترا و انعامهای ترا و بخششهای گرامی ترا نتوانم شمردن آنها را ای آقای من تو

الذي انعمت انت الذي احسنت انت الذي اجملت انت الذي افضلت

آنکه انعام کردی تو آنکه بخشش نمودی تو آنکه نکوئی کردی تو آنکه بخشش نمودی

انت الذي مننت انت الذي اكملت انت الذي رزقت انت الذي

تو آنکه انعام کردی تو آنکه تمام و کامل نمودی تو آنکه روزی دادی تو آنکه

وفقت انت الذي اعطيت انت الذي اغنيت انت الذي اقنيت

توفیق دادی تو آنکه عطا فرمودی تو آنکه بی نیاز کردی تو آنکه سرمایه دادی

انت الذي آويت انت الذي كفيت انت الذي هديت انت الذي عصمت

تو آنکه جا دادی تو آنکه کارگذاری نمودی تو آنکه راه نمودی تو آنکه نگاهداشتی

فبحلمك وفي ... اعترفت انت الذي غفرت انت الذي اقلت انت الذي

پس بردباری تو ... تو ئی آنکه آمرزیدی تو ئی آنکه درگذشتی تو ئی آنکه

مكنت انت الذي اغنيت انت الذي اعنت انت الذي عضدت انت الذي ايدت انت

دست دادی تو ئی آنکه توانگر کردی تو ئی آنکه مدد کردی تو ئی آنکه قوت دادی تو ئی آنکه تأیید کردی

الذي نصرت انت الذي شفيت انت الذي عافيت انت الذي اكرمت

آنکه یاری نمودی تو ئی آنکه شفا بخشیدی تو ئی آنکه عافیت بخشیدی تو ئی آنکه گرامی داشتی

تباركت ربي وتعاليت فلك الحمد دائما ولك الشكر واصبا ابدا ثم انا

مقدسی تو ای پروردگار من و بلندی تو پس مر تراست سپاس همیشه و مر تراست سپاس گذاری همیشه ابد پس من

يا الهي المعترف بذنوبي فاغفرها لي وانا الذي اسأت انا الذي اخطأت

ای خدای من اقرار کننده به گناهان خود ... بیامرز آنها را ... منم آنکه بد کردم منم آنکه خطا کردم

انا الذي غفلت انا الذي جهلت انا الذي هممت انا الذي سهوت انا

منم آنکه غافل شدم منم آنکه نادان شدم ... منم آنکه ... منم آنکه سهو کردم منم

الذي اعتمدت انا الذي تعمدت انا الذي وعدت انا الذي اخلفت انا الذي

آنکه اعتماد کردم منم آنکه گناه کردم از روی عمد منم آنکه وعده کردم منم آنکه خلاف وعده کردم منم آنکه

نكثت انا الذي اقررت انا يا الهي اعترف بنعمك عندي وابوء بذنوبي

شکستم پیمان را منم آنکه اقرار کردم من ای خدای من اعتراف میکنم به نعمتهای تو نزد من و اقرار میکنم به گناهان خود

فاغفرها لي يا من لا تضره ذنوب عباده وهو الغني عن طاعتهم والموفق

پس بیامرز آنها را ای آنکه ضرر نمیرساند او را گناهان بندگانش و او بی نیاز است از فرمانبرداری ایشان

من عمل منهم صالحا بمعونته ورحمته فلك الحمد يا الهي امرتني فعصيتك

کسی که کرد از ایشان کار شایسته به مدد کردن او و بخشش او پس مر تراست سپاس ای خدای من امر کردی مرا پس نافرمانی کردم

ونهيتني فارتكبت نهيك فاصبحت لا ذا براءة فاعتذر ولا ذا قوة

و منع نمودی مرا پس مرتکب شدم نهی ترا پس صبح کردم نه خداوند بیزاری از گناه پس عذر خواهی کنم و نه خداوند قوت

يا من هداني بالايمان قبل ان اعرف شكر الامتنان

اى آنكه راه نمود مرا بايمان پيش از آنكه بشناسم شكر انعام را اى آنكه

مريضا فشفاني وعريانا فكساني وجائعا فاطعمني وعطشانا فارواني

در بيمارى پس شفا داد و برهنه بودم پس پوشانيد مرا و در گرسنگى پس طعام رسانيد مرا و در تشنگى پس سيراب كرد مرا

وذليلا فاعزني وجاهلا فعرفني ووحيدا فكثرني وغائبا فردني

و در خوارى پس ارجمند ساخت مرا و در نادانى پس شناسا كرد مرا و در بيكسى پس بسيار كرد مرا و در غائب بودن پس باز گردانيد مرا

ومقلا فاغناني ومنتصرا فنصرني وغنيا فلم يسلبني وامسكت عن

و در بى نيازمندى پس بى نياز كرد مرا و در حال دادخواهى پس يارى كرد مرا و در بى نيازى پس سلب نكرد و باز ايستادم از خواستن

جميع ذلك فابتدانى فلك الحمد يا من اقال عثرتي ونفس كربتي

همه آنها پس آغاز كرد مرا پس مر تراست سپاس اى آنكه در گذشت از لغزش من و زائل كرد اندوه مرا

واجاب دعوتي وستر عورتي وغفر ذنوبي وبلغني طلبتي ونصرني على

و پذيرفت دعاء مرا و پوشانيد عورت مرا و آمرزيد گناهان مرا و رسانيد مرا بخواهش من و يارى داد مرا بر

عدوي وان اعد نعمك ومننك وكرائم منحك لا احصيها يا مولاي انت

دشمن من و اگر خواهم بشمارم نعمتهاى ترا و انعامهاى ترا و بخششهاى گرامى ترا نتوانم شمرد آنها را اى آقاى من تويى

الذي انعمت انت الذي احسنت انت الذي اجملت انت الذي افضلت

آنكه انعام كردى تويى آنكه بخشش نمودى تويى آنكه نكويى كردى تويى آنكه بخشش نمودى

انت الذي مننت انت الذي اكملت انت الذي رزقت انت الذي

تويى آنكه انعام كردى تويى آنكه تمام و كامل نمودى تويى آنكه روزى دادى تويى آنكه

وفقت انت الذي اعطيت انت الذي اغنيت انت الذي اقنيت

توفيق دادى تويى آنكه عطا فرمودى تويى آنكه بى نياز كردى تويى آنكه سرمايه دادى

انت الذي آويت انت الذي كفيت انت الذي هديت انت الذي عصمت

تويى آنكه جا دادى تويى آنكه كارگزارى نمودى تويى آنكه راه نمودى تويى آنكه نگاه داشتى

فيما بينك وبينهم اعترفت انت الذي غفرت انت الذي اقلت انت الذي

پس برو ... تو بی آنکه ... تو بی آنکه آمرزیدی تو بی آنکه در گذشتی تو بی آنکه

مكنت انت الذي اعززت انت الذي اعنت انت الذي عضدت انت الذي ايدت انت

دست دادی تو بی آنکه عزیز گردانیدی تو بی آنکه مدد کردی تو بی آنکه اعانت کردی تو بی آنکه قوت دادی

الذي نصرت انت الذي شفيت انت الذي عافيت انت الذي اكرمت

آنکه یاری نمودی تو بی آنکه شفا بخشیدی تو بی آنکه عافیت بخشیدی تو بی آنکه گرامی داشتی

تباركت ربي وتعاليت فلك الحمد دائما ولك الشكر واصبا ثم انا

مقدسی تو ای پروردگار من و بلندی تو پس مر تراست سپاس همیشه و مر تراست سپاس گذاری همیشه پس منم

يا الهي المعترف بذنوبي فاغفرها لي وانا الذي اسأت انا الذي اخطأت

ای خدای من اقرار کننده بگناهان خود پس بیامرز آنها را برای من منم آنکه بد کردم منم آنکه خطا کردم

انا الذي غفلت انا الذي جهلت انا الذي هممت انا الذي سهوت انا

منم آنکه غافل شدم منم آنکه ندانستم صلاح کار خود را منم آنکه قصد کردم معصیت را منم آنکه گناه کردم از روی سهو

الذي اعتمدت انا الذي تعمدت انا الذي وعدت انا الذي اخلفت انا الذي

آنکه اعتماد کردم منم آنکه گناه کردم از روی عمد منم آنکه وعده کردم منم آنکه خلاف وعده کردم منم آنکه

نكثت انا الذي اقررت انا يا الهي اعترف بنعمك عندي وابوء بذنوبي

شکستم پیمان را منم آنکه اقرار کردم من ای خدای من اعتراف میکنم نعمتهای ترا نزد من و اقرار میکنم بگناهان خود

فاغفرها لي يا من لا تضره ذنوب عباده وهو الغني عن طاعتهم والموفق

پس بیامرز آنها را برای من ای آنکه ضرر نمیرساند او را گناهان بندگانش و او بی نیاز است از فرمان برداری ایشان

من عمل منهم صالحا بمعونته ورحمته فلك الحمد يا الهي امرتني فعصيتك

که کرده از ایشان کار شایسته بمدد کردن او و بخشش او پس مر تراست سپاس ای خدای من فرمان دادی مرا پس نافرمانی کردم

ونهيتني فارتكبت نهيك فاصبحت لا ذا براءة فاعتذر ولا ذا قوة

و منع نمودی مرا پس مرتکب شدم نهی ترا پس صبح کردم نه خداوند بیزاری از گناه پس عذر خواهی کنم و نه خداوند توانائی

فانتصر فبأي شيء أستقبلك يا مولاي أبسمعي أم ببصري أم بلساني

پس انتقام کشم پس بکدام چیز از پیش آیم ترا ای آقای من آیا بگوش خود یا بچشم خود یا بزبان خود

أم بيدي أم برجلي أليس كلها نعمك عندي وبكلها عصيتك

یا بدست خود یا بپای خود آیا نیست همه نعمتهای تو نزد من و بهمه آنها نافرمانی کردم ترا ای آقای من

فلك الحجة والسبيل علي يا من سترني من الآباء والأمهات أن يزجروني

پس مر تراست حجت و راه بر من ای آنکه پوشانید مرا از پدران و مادران از آن که زجر کنند مرا

ومن العشائر والإخوان أن يعيروني ومن السلاطين أن يعاقبوني

و از خویشان و برادران از آنکه سرزنش کنند مرا و از پادشاهان از آنکه عذاب کنند مرا

ولو اطلعوا يا مولاي على ما اطلعت عليه مني إذاً ما أنظروني ولرفضوني

و اگر مطلع میشدند ای آقای من بر آنچه تو مطلع شدی از من بر آن آنوقت مهلت نمیدادند و هر آینه ترک میکردند مرا

وقطعوني فها أنا ذا بين يديك يا سيدي خاضعاً ذليلاً حصيراً حقيراً

و می بریدند از من پس اینک من پیش توام ای سرور من فروتنی کننده خوار تنگدل بیقدر

لا ذو براءة فأعتذر ولا ذو قوة فأنتصر ولا حجة لي فأحتج بها ولا قائل

نه خداوند بیزاری از گناهان پس عذر خواهی کنم و نه خداوند توانائی پس انتقام کشم و نه حجتی برای من پس حجت آورم

لم أجترح ولم أعمل سوءاً وما عسى الجحود لو جحدت يا مولاي ينفعني فكيف

که کسب نکردم گناهی و نکردم بدی و شاید انکار اگر انکار کنم ای آقای من سود بخشد مرا پس

وأنى ذلك وجوارحي كلها شاهدة علي بما قد عملت يقيناً غير ذي شك

و کجاست آن و عضوهای من همه آنها گواه اند بر من بآنچه تحقیق کرده ام از روی یقین حال آنکه نیستم شک دارنده

سائلي عن عظائم الأمور وإنك الحكم العدل الذي لا يجور وعدلك مهلكي

سوال کننده مرا از کارهای بزرگ و آنکه بتحقیق توئی حکم کننده عادل که ستم نکند و عدالت تو هلاک کننده مرا

ومن كل عدلك مهربي فإن تعذبني فبذنوبي يا إلهي بعد حجتك علي وإن تعف عني

و از همه عدالت تو گریختن من پس اگر عذاب کنی مرا پس بسبب گناهان است ای خدای من پس از حجت گرفتن تو بر من و اگر درگذری

فبحلمك وجودك وكرمك لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين

بکر تو پاکی تو بد رستیکه من هستم از ستمکاران

لا اله الا انت سبحانك اني كنت من المستغفرين لا اله الا انت سبحانك

نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو بدرستیکه من هستم از آمرزش طلبان نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو بدرستیکه من هستم

من الموحدين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الخائفين لا اله الا انت سبحانك

از یگانه یاد کنندگان نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو بدرستیکه من هستم از ترسندگان نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو

اني كنت من الوجلين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من السائلين لا اله الا انت

بدرستیکه من هستم از بیمناکان نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو بدرستیکه من هستم از خواهندگان نیست سزاوار

سبحانك اني كنت من الراجين الراغبين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من المهللين

پاکی تو بدرستیکه من هستم از امیدواران خواهشمندان نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو بدرستیکه من هستم از تهلیل کنندگان

المسبحين لا اله الا انت سبحانك ربي ورب آبائي الاولين اللهم هذا ثنائي

تسبیح کنندگان نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو ای پروردگار من و پروردگار پدران پیشینیان من بار خدایا این ستایش من

عليك ممجدا واخلاصي لذكرك موحدا واقراري بآلائك معددا وان كنت

بر تست در حالیکه تعظیم کننده ام و خالص گردانیدن من بر یاد تست در حالیکه یگانه داننده ام و اقرار نمودن من بنعمتهای تو در حالیکه شمار کننده ام

مقرا اني لا احصيها لكثرتها وسبوغها وتظاهرها وتقادمها الى حادث ما لم

اقرار دارنده که تحقیق من شمرد آنها را بجهت بسیاری آنها و تمامی آنها و پی در پی آمدن آنها و دیرینه بودن آنها

تزل تتعهدني به معها منذ خلقتني وبرأتني من اول العمر من الاغناء بعد الفقر

که همیشه پوشانیدی مرا با آنها از آن وقت که آفریدی مرا و پدید آوردی مرا از آغاز زندگانی از بی نیاز گردانیدن بعد از نیازمندی

وكشف الضر وتسبيب اليسر ودفع العسر وتفريج الكرب والعافية في البدن

و زائل کردن بدحالی و سازگردانیدن آسانی و رفع نمودن دشواری و گشودن اندوه و صحت بخشیدن در بدن

والسلامة في الدين ولو رفدني على قدر ذكر نعمتك جميع العالمين من الاولين والآخرين

و سلامتی در دین و اگر یاری کردندی مرا باندازه یاد نعمتهای تو بر من همه جهانیان از پیشینیان و پسینیان

لِما قدرتَ ولا هو على ذلك تقدّستَ وتعاليتَ من ...

هر آینه قدرت نداشتی من نه ایشان بر آن پاکی تو و برتری که پروردگار بزرگ مرتبه ...

لا نُحصي آلاءك ولا نبلغ ثناءك ولا نكافي نعماءك صلِّ على محمدٍ وآل محمدٍ

شمرده نشود نعمتهای تو و نرسند به ستایش تو و شکر کرده نشود نعمتهای تو رحمت فرست بر محمد و آل محمد و

وأتمم علينا نعمك وأسعدنا بطاعتك سبحانك لا إله إلا أنت اللهمّ إنّك

تمام کن بر ما نعمتهای خود را و نیکبخت کن ما را بفرمانبرداری خود پاکی تو نیست معبودی بجز تو خدایا بدرستیکه تو

تجيبُ دعوة المضطرّ إذا دعاك وتكشف السوء وتغيث المكروب وتشفي

می پذیری دعای درمانده را هر گاه بخواند ترا و زایل میکنی بدحالی را و فریاد رسی غمناک را و شفا بخشی

السقيم وتغني الفقير وتجبر الكسير وترحم الصغير وتعين الكبير وليس

بیمار را و بی نیاز میکنی نیازمند را و درست میکنی شکسته را و رحم میکنی خرد را و مدد میکنی بزرگ را و نیست

دونك ظهيرٌ ولا فوقك قديرٌ وأنت العليّ الكبير يا مطلق المكبّل

غیر تو یاوری و نه بالای تو توانایی و توئی بلند مرتبه بزرگوار ای رها کننده بند برپا

الأسير يا رازق الطفل الصغير يا عصمة الخائف المستجير يا من لا شريك له

گرفتار ای روزی دهنده طفل خردسال ای نگاهدارنده زینهار جوینده ای آنکه نیست انبازی برای او

ولا وزير صلِّ على محمدٍ وآل محمدٍ وأعطني في هذه العشيّة أفضل ما أعطيت

و نه وزیری رحمت فرست بر محمد و آل محمد و ببخش مرا در این شبانگاه بهتر از آنچه بخشیدی

وأنلتَ أحداً من عبادك من نعمةٍ توليها وآلاءٍ تجدّدها وبليّةٍ تصرفها وكربةٍ

و رسانیدی یکی از بندگان خود را از نعمتی که انعام میکنی آنرا و نعمتهایی که تازه میکنی آنها را و بلائی که بگردانی آنرا و اندوهی

تكشفها ودعوةٍ تسمعها وحسنةٍ تتقبّلها وسيّئةٍ تغفرها إنّك لطيفٌ بما تشاء خبيرٌ

که زایل میکنی آنرا و دعایی که میشنوی آنرا و نیکویی که قبول میکنی آنرا و بدی که میآمرزی آنرا بدرستیکه تو مهربان آگاهی

وعلى كلّ شيءٍ قديرٌ اللهمّ إنّك أقرب من دُعي وأسرع من أجاب وأكرم من عفا

و بر همه چیز توانایی بار خدایا بدرستیکه تو نزدیکتری از هر که خوانده شود و شتابنده تری از هر که جواب ...

وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى وَأَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ يَا رَحْمٰنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا

و فراخ کننده تر از هر که بخشش نموده و شنواتر از هر که سوال کرده شده ای مهربان جهان و آن جهان و مهربان هر دو

لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْؤُولٌ وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ دَعَوْتُكَ فَأَجَبْتَنِي وَسَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي

نیست مانند تو هیچ سوال کرده شده و نه غیر تو امید داشته شده خواندم ترا پس قبول کردی دعای مرا و خواستم از تو پس عطا کردی

وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي وَوَثِقْتُ بِكَ فَنَجَّيْتَنِي وَفَزِعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي اللّٰهُمَّ

و رغبت نمودم بسوی تو پس رحم کردی و اعتماد کردم بر تو پس نجات دادی مرا و پناه بردم بسوی تو پس بسنده شدی مرا خداوندا

فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَعَلَىٰ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

پس رحمت فرست بر محمد بنده تو و فرستاده تو و پیغمبر تو و بر آل پاکیزگان پاکان او

أَجْمَعِينَ وَتَمِّمْ لَنَا نَعْمَاءَكَ وَهَنِّئْنَا عَطَاءَكَ وَاجْعَلْنَا لَكَ شَاكِرِينَ

همگی و تمام کن برای ما نعمتهای خود را و گوارا کن برای ما بخشش خود را و بگردان ما را برای خود سپاس گزاران

وَلِآلَائِكَ ذَاكِرِينَ آمِينَ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ

و نعمتهای ترا یاد کنندگان قبول کن قبول کن ای پروردگار جهانیان بار خدایا ای آنکه مالک شد پس توانا شد

وَقَدَرَ فَقَهَرَ وَعُصِيَ فَسَتَرَ وَاسْتُغْفِرَ فَغَفَرَ يَا غَايَةَ رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ

و توانا شد پس غلبه کرد و نافرمانی کرده شد پس پوشید و طلب آمرزش نموده شد پس آمرزید ای نهایت خواهش خواهندگان

وَمُنْتَهَىٰ أَمَلِ الرَّاجِينَ يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَوَسِعَ الْمُسْتَقِيلِينَ رَأْفَةً

و ای منتهای امید امیدواران ای آنکه فرو گرفته هر چیزی را بدانش و فرا گرفته آمرزش طلبان را از روی

وَرَحْمَةً وَحِلْمًا اللّٰهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتِي شَرَّفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا

و بخشایش و بردباری خداوندا بدرستیکه ما روی آوریم بسوی تو در این شبانگاه که مشرف کردی آنرا و بزرگ گردانیدی

بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَمِينِكَ عَلَىٰ وَحْيِكَ الْبَشِيرِ

بوسیله محمد پیغمبر تو و برگزیده تو از خلق تو و معتمد تو بر پیغام تو مژده دهنده

النَّذِيرِ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ

بیم نماینده چراغ روشن آنکه انعام کردی بآن بر مسلمانان و گردانیدی او را بخشایش برای جهانیان

اللهم فصل على محمد واله كما هو اهل ذلك يا عظيم فصل عليه وعلى آل محمد

خداوندا پس رحمت بفرست بر محمد و آل او چنانچه محمد سزاوار آنست ای بزرگ رحمت بفرست بر او و بر آل محمد

المنتجبين الطيبين الطاهرين اجمعين وتغمدنا بعفوك عنا فاليك عجت الاصوات

که برگزیدگان پاکیزگان پاکانند همه و بپوشان گناهان ما را به گذشتن از ما پس بسوی تو بلند شده است آوازها

بصنوف اللغات واجعل لنا في هذه العشية نصيبا في كل خير تقسمه ونور

باقسام زبانها و بگردان برای ما در این شبانگاه بهره در هر خیری که قسمت کنی آنرا و روشنائی

تهدي به ورحمة تنشرها وعافية تجللها وبركة تنزلها ورزق تبسطه يا ارحم الراحمين

اللهم اقلبنا في هذا الوقت منجحين مفلحين مبرورين غانمين ولا تجعلنا من

خداوندا بگردان ما را در این وقت فیروزی یافتگان رستگاران احسان کرده شدگان

القانطين ولا تخلنا من رحمتك ولا تحرمنا ما نؤمله من فضلك ولا تردنا

ناامیدان و خالی مگذار ما را از رحمت خود و ناامید مکن ما را از آنچه آرزو کنیم آنرا

خائبين ولا من بابك مطرودين ولا تجعلنا من رحمتك محرومين ولا لفضل ما نؤمله من

و نه از درگاه تو رانده شدگان و مگردان ما را از رحمت خود ناامید شدگان

عطاياك قانطين يا اجود الاجودين واكرم الاكرمين اليك اقبلنا موقنين

از عطاهای تو ناامیدان ای بخشنده ترین بخشندگان و بزرگوارترین بزرگواران بسوی تو رو کردیم

ولبيتك الحرام آمين قاصدين فاعنا على مناسكنا واكمل لنا حجنا واعف اللهم

و خانه محترم ترا اراده نمایندگان قصد کنندگان پس مدد کن ما را بر عبادات ما و کامل کن برای ما حج ما را

عنا وعافنا فقد مددنا اليك ايدينا وهي بذلة الاعتراف موسومة اللهم فاعطنا

از ما و عافیت بخش ما را پس بتحقیق دراز کردیم بسوی تو دستهای خود را

في هذه العشية ما سألناك واكفنا ما استكفيناك فلا كافي لنا سواك ولا رب لنا

در این شبانگاه آنچه درخواستیم از تو

غيرك نافذ فينا حكمك محيط بنا علمك عدل فينا قضاؤك اقض لنا

غير تو روان است درباره ما حكم تو فرا گرفته است ما را دانش تو عادل است درباره ما حكم تو مقدر كن براى ما

الخير واجعلنا من اهل الخير اللهم واوجب لنا بجودك عظيم الاجر وكريم

نيكى را و بگردان ما را از اهل نيكى خداوندا و واجب گردان براى ما به بخشش خود مزد بزرگ

الذخر ودوام اليسر واغفر لنا ذنوبنا اجمعين ولا تهلكنا مع الهالكين و

و ذخيره گرامى و آسانى پاينده و بيامرز براى ما گناهان ما را همه ما را و هلاك مكن ما را با هلاك شوندگان و

لا تصرف عنا رأفتك برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اجعلنا في هذا الوقت

مگردان از ما مهربانى خود به بخشش خود اى بخشنده ترين بخشندگان خداوندا بگردان ما را در اين وقت

ممن سألك فاعطيته وشكرك فزدته وتاب اليك فقبلته وتنصل

از آنكه درخواست از تو پس عطا كردى او را و سپاس كرد ترا پس افزون نمودى او را و رجوع كرد بسوى تو پس پذيرفتى او را

اليك من ذنوبه كلها فغفرتها له يا ذا الجلال والاكرام اللهم وفقنا

بسوى تو از گناهان خود همه آنها پس آمرزيدى آنها را براى او اى خداوند بزرگوارى و گرامى داشتن خداوندا توفيق ده ما را

وسددنا واعصمنا واقبل تضرعنا يا خير من سئل ويا ارحم من استرحم

و درست كن كار ما و نگاهدار ما را و بپذير زارى نمودن ما را اى بهترين كسى كه سؤال كرده شده و اى بخشنده ترين كسى كه طلب بخشش كرده شده

يا من لا يخفى عليه اغماض الجفون ولا لحظ العيون ولا ما استقر في

اى آنكه پنهان نيست بر او برهم نهادن پلكها و نه نگريستن بگوشه ديده‌ها و نه آنچه ثابت است در

المكنون ولا ما انطوت عليه مضمرات القلوب الا كل ذلك قد احصاه

امور پوشيده و نه آنچه در نورديده شده بر آن نهانيهاى دلها مگر همه آنها بحقيقت احاطه كرده آنرا

علمك ووسعه حلمك سبحانك وتعاليت عما يقول الظالمون علوا

دانش تو و فرا گرفته آنها را بردبارى تو پاكى تو و برترى تو از آنچه ميگويند ستمكاران برترى

كبيرا تسبح لك السموات السبع والارضون ومن فيهن وان من شيء الا يسبح

بغايت تنزيه ميكنند مر ترا آسمانهاى هفتگانه و زمين و آنكه در آنهاست و نيست هيچ چيز مگر آنكه تنزيه ميكند

بِمَجْدِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ

بسپاس تو مر تراست سپاس بزرگواری و بلندی عظمت ای خداوند بزرگوار و گرامی و احسان و بخشش

وَالْإِنْعَامِ وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ

و نعمت دادن و نعمتهای بزرگ و توئی بخشنده بزرگوار مهربان رحمت کننده

اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي وَآمِنْ

خداوندا فراخ کن بر من از روزی حلال خود و عافیت ده مرا در بدن من و دین من و ایمن دار

خَوْفِي وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي

ترس مرا و آزاد کن گردن مرا از آتش خداوندا مکر مکن با من و مستدرج مکن با من

وَلَا تَخْذُلْنِي وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ

و خوار مگذار مرا و دفع کن از من بدی بدکاران دیوان و آدمیان

پس سر و دیده خود را بسوی آسمان بلند کرده از دیده های مبارکش آب میریخت مانند مشک و گفت به صدای بلند

يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ

ای شنواترین شنوندگان و ای بیناترین نگرندگان و ای زودترین حساب کنندگان ای رحم کننده ترین

الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ

رحم کنندگان رحمت بفرست بر محمد و آل محمد سرداران با برکت و میخواهم از تو خداوندا حاجت خود را بسوی تو

الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي

آن حاجتی که اگر عطا کنی مرا آنها را ضرر نرساند مرا آنچه باز داری از من و اگر باز داری از من نفع نبخشد مرا آنچه بمن دهی

أَسْأَلُكَ فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

سوال میکنم از تو آزاد کردن گردن مرا از آتش نیست سزاوار پرستش مگر تو حال آنکه یگانه تو نیست شریکی برای تو

لَكَ الْمُلْكُ وَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

مر تراست پادشاهی و مر تراست سپاس و تو بر همه چیز توانائی ای پروردگار من ای پروردگار من

پس مکرر میگفت یا رب به صدای بلند شده بار کردند و روانه جانب مشعر الحرام شدند

و سید ابن طاوس رضی الله عنه بسند معتبر روایت کرده اند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که در روز عرفه چون زوال شمس شود نماز ظهر و عصر را بکن پس رو بقبله بنشین
علیه السلام که در روز عرفه چون زوال شمس شود نماز ظهر و عصر بکن پس رو
بحل و توف و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله
الا الله و صد مرتبه سوره قل هو الله احد و صد مرتبه سوره انا انزلناه بخوان پس این دعا را بخوان

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ

نیست سزاوار پرستش مگر خدای بردبار بزرگوار نیست سزاوار پرستش مگر خدای بلند مرتبه بزرگ پاک است خداوند پروردگار

السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَهُوَ رَبُّ

آسمانهای هفت گانه و پروردگار زمینهای هفت گانه و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست و او پروردگار

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ اَعْبُدُ وَاِيَّاكَ

عرش بزرگ است و سپاس مر خدای راکه پروردگار جهانیان است خداوندا ترا می پرستم و از تو

اَسْتَعِينُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُرِيدُ اَنْ اُثْنِيَ عَلَيْكَ فَمَا عَسٰى اَنْ اَبْلُغَ مِنْ مَدْحِكَ

یاری میجویم خداوندا بدرستیکه میخواهم آنکه ستایش کنم ترا و نزدیک نیست بهم بجزی از ستایش تو

مَعَ قِلَّةِ عَمَلِي وَقِصَرِ رَاْيِي وَاَنْتَ الْخَالِقُ وَاَنَا الْمَخْلُوقُ وَاَنْتَ الْمَالِكُ وَاَنَا

با کمی کردار خود و کوتاهی فکر خود و تویی آفریدگار و منم آفریده شده و تویی خداوند و منم

الْمَمْلُوكُ وَاَنْتَ الرَّبُّ وَاَنَا الْعَبْدُ وَاَنْتَ الْعَزِيزُ وَاَنَا الذَّلِيلُ وَاَنْتَ الْقَوِيُّ

مملوک و تویی پروردگار و منم بنده و تویی ارجمند و منم ذلیل و خوار و تویی توانا

وَاَنَا الضَّعِيفُ وَاَنْتَ الْغَنِيُّ وَاَنَا الْفَقِيرُ وَاَنْتَ الْمُعْطِي وَاَنَا السَّائِلُ

و منم ناتوان و تویی بی نیاز و منم نیازمند و تویی بخشنده و منم خواهنده

وَاَنْتَ الْغَفُورُ وَاَنَا الْخَاطِئُ وَاَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَاَنَا خَلْقٌ اَمُوتُ

و تویی آمرزگار و منم گناهکار و تویی زنده که نمی میری و منم آفریده که می میرم

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

خداوندا تویی خدا نیست معبودی جز تو پروردگار جهانیان و تویی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو

العزیز الحکیم وانت الله لا اله الا انت العلی العظیم وانت الله لا اله الا انت

غالب درست کردار و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو بلند مرتبه بزرگ و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو

الغفور الرحیم وانت الله لا اله الا انت مالک یوم الدین وانت الله لا اله الا

آمرزگار مهربان و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو صاحب روز جزا و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر

انت منک بدء الخلق والیک یعود وانت الله لا اله الا انت لم تزل ولا تزال

تو از تست نخستین آفرینش خلق و بسوی تو باز میگردد خلق و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو همیشه بودی و همیشه خواهی بود

وانت الله لا اله الا انت خالق الجنة والنار وانت الله لا اله الا انت خالق

و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو آفریننده بهشت و دوزخ و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو آفریننده

الخیر والشر وانت الله لا اله الا انت الواحد الاحد الفرد الصمد لم تلد ولم تولد

نیک و بد و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو یگانه یکتای تنهای بی نیاز زاینده نزاده و نزائیده شده

ولم یکن لک کفوا احد وانت الله لا اله الا انت عالم الغیب والشهادة الرحمن

و نیست مر ترا مانند هیچ کس و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو دانای نهان و آشکار بخشاینده

الرحیم وانت الله لا اله الا انت الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن

مهربان و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو پادشاهی پاکی از نقصها سالمی از عیبها امان دهنده نگهبان

العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون وانت الله لا اله الا انت الخالق

غالبی کار فرمائی بقهر و غلبه بزرگواری منزه است خدا از آنچه شریک میدانند و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو آفریننده

البارئ المصور لک الاسماء الحسنی یسبح لک ما فی السموات والارض

پدید آورنده نگارنده صورتها مر تراست نامهای نیک تنزیه میکند ترا آنچه در آسمانهاست و زمین و

انت العزیز الحکیم وانت الله لا اله الا انت الکبیر المتعال والکبریاء

توئی غالب درست کردار و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو بزرگواری بلند مرتبه و بزرگواری

رداؤک اللهم انک سابغ النعماء حسن البلاء جزیل العطاء مقسط القضاء

چادر تست خداوندا بدرستیکه تو کامل نعمتی نیکو انعامی بسیار بخشش عدالت کننده در حکم

بَاسِطُ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ نَفَّاعٌ بِالْخَيْرَاتِ كَاشِفُ الْكُرُبَاتِ رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ

گشاده دستها بخشایش بغایت سود بخشی به نیکیها زائل کننده غمها بلند گردانده مرتبها

مُنْزِلُ الْآيَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمٰوَاتٍ عَظِيمُ الْبَرَكَاتِ مُخْرِجٌ مِنْ فِي

فرو فرستنده آیات و نشانهای قدرتی از بالای هفت آسمان صاحب برکتها و فرا یا بزرگی بیرون آورنده از آنکه در

الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ مُبَدِّلُ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ وَجَاعِلُ الْحَسَنَاتِ

تاریکیهاست بسوی روشنائی بدل کننده گناهان به نیکیها و گرداننده نیکوئیها را

دَرَجَاتٍ اللّٰهُمَّ إِنَّكَ دَنَوْتَ فِي عُلُوِّكَ وَعَلَوْتَ فِي دُنُوِّكَ فَدَنَوْتَ

مرتبها خداوندا بدرستیکه تو نزدیک شدی در بلندی خود و بلند شدی در نزدیکی خود پس نزدیک شدی

فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ وَارْتَفَعْتَ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ تَرَى وَلَا تُرَى وَ

پس نیست نزدیک تر از تو چیزی و بنهایت بلند شدی پس نیست بالای تو هیچ چیزی می بینی و دیده نمی شوی و

أَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى لَكَ مَا فِي السَّمٰوَاتِ الْعُلَى

تو در دیدگاه بلندتری شکافنده دانه و هستهای خرما مر تراست آنچه در آسمانهای بلند است

وَلَكَ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى اللّٰهُمَّ إِنَّكَ غَافِرُ الذَّنْبِ شَدِيدُ

و مر تراست بزرگواری در آنجهان و اینجهان خداوندا بدرستیکه تو آمرزنده گناهی سخت

الْعِقَابِ ذُو الطَّوْلِ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ وَسِعَتْ رَحْمَتُكَ

عقوبتی خداوند انعامی نیست خدائی مگر تو بسوی تست بازگردیدن فرا گرفته رحمت تو

كُلَّ شَيْءٍ وَبَلَغَتْ حُجَّتُكَ وَلَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِكَ وَلَا تُخَيِّبُ

هر چیزی را و در رسید حجت تو و نیست باز پس دارنده مر حکم ترا و تو نا امید نمی سازی

سَائِلَكَ أَنْتَ الَّذِي لَا رَافِعَ لِمَا وَضَعْتَ وَلَا وَاضِعَ لِمَا رَفَعْتَ أَنْتَ

سوال کننده خود را توئی آنکه نیست بلند سازنده مر آنچه را که پست کنی و نیست پست کننده مر آنچه را که بلند کنی توئی

الَّذِي ثَبَّتَّ كُلَّ شَيْءٍ بِحِكْمَتِكَ وَأَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِعِلْمِكَ وَأَبْرَمْتَ

آنکه ثابت داشتی هر چیز را بحکمت و مصلحت خود و احاطه کردی هر چیز را بدانش خود و محکم نمودی

كُلُّ شَيْءٍ بِحُكْمِكَ وَلَا يَفُوتُكَ شَيْءٌ بِعِلْمِكَ وَلَا يَمْتَنِعُ عَنْكَ شَيْءٌ

هر چیزی را بحکم خود و فوت نشود از تو چیزی بدانش تو و ممتنع نشود از تو چیزی

أَنْتَ الَّذِي لَا يُعْجِزُكَ هَارِبُكَ وَلَا يَنْفَعُ صَرِيعُكَ وَلَا يَحْيَى قَتِيلُكَ أَنْتَ

توئی آنکه عاجز نسازد ترا گریزنده از تو و نفع نمیدهد افکندهٔ تو و زنده نگردد کشتهٔ تو

عَلَوْتَ فَقَهَرْتَ وَمَلَكْتَ فَقَدَرْتَ وَبَطَنْتَ فَخَبَرْتَ وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ

بلند شدی پس غلبه کردی و مالک شدی پس توانا شدی و دانا بباطن امور شدی پس خبردار شدی و بر هر چیزی

ظَهَرْتَ عَلِمْتَ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَتَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ

ظاهر شدی و دانستی خیانت دیده ها را و آنچه را که پنهان دارند سینه ها و میدانی آنچه را که بردارد هر

أُنْثَى وَمَا تَضَعُ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَكَ

زنی و آنچه میزاید و آنچه را کاهد رحمها از اعضا و آنچه بیفزاید بر اعضا و هر چیزی نزد تو

بِمِقْدَارٍ أَنْتَ الَّذِي لَا تَنْسَى مَنْ ذَكَرَكَ وَلَا تُضَيِّعُ مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ

باندازه است توئی آنکه فراموش نمیکنی آنرا که یاد کرده ترا و ضایع نمیکنی آنرا که توکل نموده بر تو

أَنْتَ الَّذِي لَا يَشْغَلُكَ مَا فِي جَوِّ أَرْضِكَ عَمَّا فِي جَوِّ سَمٰوَاتِكَ وَلَا يَشْغَلُكَ

توئی آنکه باز نمیدارد ترا آنچه در فضای زمین است از آنچه در فضای آسمان است و باز نمیدارد ترا

مَا فِي جَوِّ سَمٰوَاتِكَ عَمَّا فِي جَوِّ أَرْضِكَ أَنْتَ الَّذِي تَعَزَّزْتَ فِي مُلْكِكَ

آنچه در فضای آسمان است از آنچه در زمین است توئی آنکه بغایت عزیزی در پادشاهی خود

وَلَمْ يُشْرِكْكَ أَحَدٌ فِي جَبَرُوتِكَ أَنْتَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ مُلْكُكَ وَ

و شریک نیست ترا هیچکس در بزرگواری تو توئی آنکه برترست هر چیزی را پادشاهی تو و

مَلَكَ كُلَّ شَيْءٍ أَمْرُكَ أَنْتَ الَّذِي مَلَكْتَ الْمُلُوكَ بِقُدْرَتِكَ وَاسْتَعْبَدْتَ

مالک است هر چیزی را فرمان تو توئی آنکه مالک شدی پادشاهان را بتوانائی خود و بنده کردی

الْأَرْبَابَ بِعِزَّتِكَ وَأَنْتَ الَّذِي قَهَرْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِقُوَّتِكَ وَعَلَوْتَ كُلَّ شَيْءٍ

مهتران را بغلبهٔ خود و توئی آنکه مغلوب کردی هر چیزی را به توانائی خود و برتر شدی هر چیزی را

بفضلك انت الذي لا يستطاع كنه وصفك ولا منتهى لما عندك

به فضل خود توئی آنکه مقدور نیست رسیدن به پایان ستایش تو و نیست نهایتی مر آنچه نزد توست

انت الذي لا يصف الواصفون عظمتك ولا يستطيع المزائلون

توئی آنکه نمی ستایند ستایندگان بزرگی ترا و طاقت ندارند از جا بردارندگان

تحويلك انت شفاء لما في الصدور وهدى ورحمة للمؤمنين انت

گردانیدن ترا توئی شفا بخشنده مرضی را که در سینه هاست و راه نماینده و مهربان مر گروندگان را توئی

الذي لا يحفيك سائل ولا ينقصك نائل ولا يبلغ مدحك

آنکه نمی رنجاند ترا سؤال کننده و کم نمی کند خزانه ترا عطائی و نمی رسد ستایش ترا

مادح ولا قائل انت الكائن قبل كل شيء والمكون لكل شيء و

ستاینده و نه گوینده توئی موجود پیش از هر چیز و پدید آورنده هر چیز را و

الكائن بعد كل شيء انت الواحد الصمد الذي لم تلد ولم تولد و

موجود پس از هر چیز توئی یگانه پناه نیازمندان آنکه نزاده و نزائیده شده و

لم يكن لك كفوا احد ولم تتخذ صاحبة ولا ولدا السموات ومن

نیست مر ترا مانند هیچ کس و نگرفته هیچ زنی و نه فرزندی آسمانها و آنچه

فيهن لك والارضون ومن فيهن لك وما بينهن احصيت كل شيء

در آنهاست برای توست زمینها و آنکه در آنهاست مر توست و آنچه میان آنهاست شمردی تو هر چیز را

واحطت به علما وانت تزيد في الخلق ما تشاء وانت لا تسئل

و احاطه کردی به هر چیز از روی دانش و تو زیاده میکنی در آفرینش آنچه میخواهی و تو پرسیده نمی شوی

عما تفعل وهم يسئلون وانت الفعال لما تريد وانت القريب

از آنچه میکنی و آفریدگان پرسیده میشوند و توئی کننده مر آنچه را که اراده میکنی توئی نزدیک

وانت البعيد وانت السميع وانت البصير وانت الواحد وانت الماجد

توئی دور و توئی شنوا و توئی بینا و توئی یگانه و توئی بزرگوار

وَاَنْتَ الْوَاجِدُ وَاَنْتَ الْعَلِيمُ وَاَنْتَ الْحَكِيمُ وَاَنْتَ الْغَنِيُّ وَاَنْتَ الْكَرِيمُ

وتوئی توانگر و توئی دانا و توئی درست کردار و توئی بی نیاز و توئی بزرگوار

وَاَنْتَ الْبَارُّ وَاَنْتَ الرَّحِيمُ وَاَنْتَ الْقَادِرُ وَاَنْتَ الْقَاهِرُ لَكَ الْاَسْمَاءُ

و توئی نیکو کردار و توئی مهربان و توئی توانا و توئی غالب مر تراست نامهای

الْحُسْنٰى كُلُّهَا وَاَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا تَبْخَلُ وَاَنْتَ الْعَزِيزُ الَّذِي

نیک همه آنها و توئی بخشنده که بخل نمی کنی و توئی ارجمند که

لَا تَذِلُّ وَاَنْتَ مُمْتَنِعٌ لَا تُرَامُ يُسَبِّحُ لَكَ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ

خوار نمیگردی و توئی امتناع کننده که قصد کرده نمی شوی تنزیه میکند ترا آنچه در آسمانها و زمین است و تو

بِالْخَيْرِ اَجْوَدُ مِنْكَ بِالشَّرِّ اَنْتَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِيَ الْاَوَّلِينَ اَنْتَ تُجِيبُ

بنیکیها بخشنده تری از خود بگزندها و آزارهای تو پروردگار من پروردگار پدران پیشینیان من تو اجابت میکنی

الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاكَ اَنْتَ نَجَّيْتَ نُوحًا مِنَ الْغَرَقِ وَاَنْتَ غَفَرْتَ

درماندگان را هرگاه بخوانند ترا تو رهانیدی نوح را از غرق شدن و تو آمرزیدی

لِدَاوُدَ ذَنْبَهُ وَاَنْتَ نَفَّسْتَ عَنْ ذِي النُّونِ كَرْبَهُ وَاَنْتَ كَشَفْتَ

برای داود گناه او را و تو زائل کردی از خداوند ماهی اندوه را و تو گشودی

عَنْ اَيُّوبَ ضُرَّهُ وَاَنْتَ رَدَدْتَ مُوسٰى عَلٰى اُمِّهِ وَاَنْتَ صَرَفْتَ قُلُوبَ

از ایوب بدحالی او را و تو برگردانیدی موسی را بسوی مادرش و تو گردانیدی دلهای

السَّحَرَةِ اِلَيْكَ حَتّٰى قَالُوا اٰمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ وَاَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَةِ الصَّالِحِينَ

جادوگران را بسوی خود تا آنکه گفتند ایمان آوردیم به پروردگار جهانیان تو متولی و متکفل نعمت نیکوکارانی

لَا يُذْكَرُ مِنْكَ اِلَّا الْحَسَنُ الْجَمِيلُ وَمَا لَا يُذْكَرُ اَكْثَرُ لَكَ الْآلَاءُ

یاد کرده نمی شود از تو مگر خوب نیک و آنچه یاد کرده نمیشود بیشتر است مر تراست نعمتها

وَالنِّعَمُ وَاَنْتَ الْمُحْسِنُ الْمُجْمِلُ لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَكَ وَلَا الثَّنَاءُ عَلَيْكَ

و عطاهاست و توئی احسان کننده نیکوکردار نرسیده است ستایش تو و نه ثنای بر تو

ذی الحجة

أنت كما أثنيت على نفسك سبحانك وبحمدك تباركت أسماؤك وجلّ

تو چنانی که ستوده خود را آنچه میگفتم ترا و حال آنکه تسلیم سپاس تو پاک است نامهای تو و بزرگ است

ثناؤك ما أعظم شأنك وأجلّ مكانك وما أقربك من عبادك وألطفك

ستایش تو چه بزرگ است قدر تو و چه بزرگوار است جایگاه و مرتبه تو و چه نزدیکی تو به بندگان خود و چه مهربانی تو

بخلقك وأمنعك بقوّتك أنت أعزّ وأجلّ وأسمع وأبصر وأعلى وأكبر

بخلق خود و چه غالبی تو بتوانائی خود تو غالب تر و بزرگوارتر و شنواتر و بیناتر و بلندتر و بزرگتر

وأطهر وأشكر وأقدر وأعلم وأجبر وأكبر وأعظم وأقرب

و طاهرتر و جزا دهنده تر و تواناتر و داناتر و قهر کننده تر و بزرگتر و عظیم تر و نزدیکتر

وأملك وأوسع وأمنع وأعطى وأحكم وأفضل وأحمد من أن يُدرك

و مالک تر و فراگیرنده تر و بازدارنده تر و بخشنده تر و حکم کننده تر و درستکارتر و بهتر و ستوده تر از آنکه دریابد

العيان عظمتك أو يصف الواصفون صفتك أو يبلغوا غايتك

معاینه و مشاهده بزرگی ترا یا بستایند ستایندگان وصف ترا یا برسند بکنه ذات تو

اللهم أنت الله الذي لا إله إلا أنت أجلّ من ذُكر وأشكر من عُبد

خداوندا تو خدایی که نیست سزاوار پرستش مگر تو بزرگوارتر از آنکه یاد کرده شده و جزا دهنده تر از آنکه پرستیده شده

وأرأف من ملك وأجود من سئل وأوسع من أعطى تحلم بعد ما تعلم

و مهربان تر از هر که خداوندی نموده و بخشنده تر از آنکه سوال کرده شده و فراگیرنده تر از آنکه بخشش نموده و بردباری پس از علم

وتعفو وتغفر بعد ما تقدر لم تطع قطّ إلا بإذنك ولم تعص قطّ

و درگذری و می آمرزی پس از آنکه قدرت داری بر عقوبت اطاعت کرده نشده هرگز مگر باذن تو و معصیت کرده نشده هرگز

إلا بعلمك تطاع ربّنا فتشكر وتعصى ربّنا فتغفر اللهم أنت

مگر بتوانائی خود فرمان برده میشوی پروردگارا پس جزا میدهی و نافرمانی کرده میشوی پروردگارا پس می آمرزی خداوندا تو

أقرب حفيظ وأدنى شهيد حلت بين القلوب وأخذت بالنواصي

نزدیکتر نگهبانی و نزدیکتر حاضری حائل شدی میان دلها و فرا گرفتی پیشانیها را

وَأَحْصَيْتَ الْأَعْمَالَ وَعَلِمْتَ الْأَخْبَارَ وَبِيَدِكَ الْمَقَادِيرُ وَالْقُلُوبُ
وشمردی کردارها و دانستی نیکو کارها و بدست تست اندازه‌ها و دلها

إِلَيْكَ مُقْتَصِدَةٌ وَالسِّرُّ عِنْدَكَ عَلَانِيَةٌ وَالْمُهْتَدِي مَنْ هَدَيْتَ وَالْحَلَالُ
بسوی تو میل داده شده‌اند و پنهان نزد تو آشکار است و راه یابنده کسیست که راه نمودی او را و حلال

مَا أَحْلَلْتَ وَالْحَرَامُ مَا حَرَّمْتَ وَالدِّينُ مَا شَرَعْتَ وَالْأَمْرُ مَا قَضَيْتَ
چیزیست که حلال نمودی و حرام چیزیست که حرام کردی و دین چیزیست که تو وارد نمودی و امر چیزیست که فرمودی

تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ
حکم میکنی و حکم کرده نمی‌شود بر تو خداوندا توئی اول پس نیست پیش از تو هیچ چیز و توئی

الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْبَاطِنُ
آخر پس نیست پس از تو چیزی و توئی ظاهر پس نیست بالای تو چیزی و توئی پوشیده

فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اللَّهُمَّ بِيَدِكَ مَقَادِيرُ اللَّيْلِ
پس نیست نزدیک‌تر از تو چیزی و توئی غالب راست کردار خداوندا بدست تست اندازه‌های شب

وَالنَّهَارِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ النَّصْرِ وَالْخِذْلَانِ وَبِيَدِكَ
و روز و بدست تست اندازه‌های آفتاب و ماه و بدست تست اندازه‌های یاری و خوار کردن و بدست تست

مَقَادِيرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَبِيَدِكَ
اندازه‌های اینجهان و آنجهان و بدست تست اندازه‌های مرگ و زندگی و بدست تست

مَقَادِيرُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ
اندازه‌های نیک و بد رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بیامرز برای من هر گناهی را

أَذْنَبْتُهُ فِي ظُلَمِ اللَّيْلِ وَضَوْءِ النَّهَارِ عَمْداً أَوْ خَطَأً سِرّاً أَوْ عَلَانِيَةً إِنَّكَ
که کردم آنرا در تاریکیهای شب و روشنائی روز از روی دانستگی یا خطا در پنهان یا آشکار بدرستیکه تو

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
بر هر چیزی توانائی و آن بر تو سهل و آسان است و نیست قدرتی و نه توانائی

إلّا باللّه العليّ العظيم اللّهمّ إنّي أُثني عليك بأحسن ما أقدر عليه

مگر بتوفیق خدا بلند مرتبه بزرگ خداوندا بدرستیکه من ستایش میکنم ترا به نیکوترین ستایشی که قدرت دارم

وأشكرك بما مننت به عليّ وعلّمتني من شكرك اللّهمّ لك الحمد

وسپاس میکنم ترا با آنچه تو انعام کردی آن بر من و تعلیم کردی مرا از سپاس گذاردن خود خداوندا مر تراست سپاس

بمحامدك كلّها على نعمائك كلّها وعلى جميع خلقك حتّى ينتهي الحمد

به سپاسهای تو همه آنها بر نعمتهای تو همه آنها و بر همه آفریدهای تو تا آنکه رسد سپاس

لك إلى ما تحبّ ربّنا وترضى اللّهمّ لك الحمد عدد ما خلقت

تو بسوی آنچه دوست میداری پروردگارا و پسندی خداوندا مر تراست سپاس بشمار آنچه آفریدی

وعدد ما أردت وعدد ما ذرأت ولك الحمد عدد ما برأت

وبشمار آنچه خواستی وبشمار آنچه پیدا کردی و مر تراست حمد بشمار آنچه خلق کردی

ولك الحمد عدد ما أحصيت ولك الحمد عدد ما في السّموات والأرض

و مر تراست سپاس بشمار آنچه شمردی و مر تراست سپاس بشمار آنچه در آسمانها و زمینهاست

ولك الحمد ملأ الدّنيا والآخرة پس ده مرتبه بگوید لا إله إلّا اللّه وحده

و مر تراست سپاس بقدر پری اینجهان و آنجهان نیست سزاوار پرستش مگر خدا حال آنکه یگانه است

لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حيّ لا يموت

نیست شریکی برای او و مر او راست پادشاهی و مر او راست سپاس زنده میکند و میراند و او زنده است که نمیرد

بيده الخير وهو على كلّ شيء قدير و ده مرتبه بگوید أستغفر اللّه الّذي

بدست اوست نیکی و او بر همه چیز تواناست طلب آمرزش میکنم از خدائی که

لا إله إلّا هو الحيّ القيّوم وأتوب إليه پس بگوید یا اللّه یا اللّه ده مرتبه

نیست سزاوار پرستش مگر او زنده پاینده و بازگشت میکنم بسوی او ای خدا ای خدا

یا رحمن یا رحمن ده مرتبه یا رحیم یا رحیم ده مرتبه یا بدیع السّموات

ای بخشاینده ای بخشاینده ای مهربان ای مهربان ای پدید آورنده آسمانها

وَالأَرضِ ده مرتبه یا ذَا الجَلالِ وَالاِکرامِ ده مرتبه یا حَنّانُ یا مَنّانُ

و زمین — ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن — ای نهایت مهربان ای بسیار بخشنده

ده مرتبه یا حَیُّ یا قَیُّومُ ده مرتبه بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ ده مرتبه اَللّهُمَّ

ای زنده ای پایدار — بنام خدای بخشاینده مهربان — خداوندا

صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ده مرتبه پس بگوید اَللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ وَاِلَیکَ الحَمدُ

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد — خداوندا مر تراست سپاس و بسوی تست سپاس

وَمُنتَهَی الحَمدِ وَفِیُّ العَهدِ عَزیزُ الجُندِ قَدیمُ المَجدِ الحَمدُ لِلّهِ الَّذی

و نهایی سپاس ای وفا کننده پیمان خداوند لشکر غالب ... بزرگواری سپاس مر خدای را که

کانَ عَرشُهُ عَلَی الماءِ حینَ لا شَمسٌ تُضحی وَلا قَمَرٌ یَسری وَلا بَحرٌ یَجری

بود علم او بر آب هنگامیکه نبود آفتابی که روشنی بخشد و نه ماهی که حرکت کند و نه دریایی که روان گردد

وَلا رِیاحٌ تَذری وَلا سَماءٌ مَبنِیَّةٌ وَلا اَرضٌ مَدحِیَّةٌ وَلا لَیلٌ یَجری وَلا

و نه بادهایی که بهوا برد و نه آسمانی برافراشته شده و نه زمینی گسترده و نه شبی که بپوشاند و نه

نَهارٌ یُکِنُّ وَلا عَینٌ تَدمَعُ وَلا صَوتٌ یُسمَعُ وَلا جَبَلٌ مُرسًی وَلا سَحابٌ

روزی که نگاه دارد و نه چشمی که اشک ریزد و نه صدایی که شنیده شود و نه کوهی ثابت داشته شده و نه ابری

مُنشَأٌ وَلا اِنسٌ مَبرُوءٌ وَلا جِنٌّ مَذرُوءٌ وَلا مَلَکٌ کَریمٌ وَلا شَیطانٌ رَجیمٌ

برانگیخته شده و نه آدمی آفریده شده و نه دیوی خلق کرده شده و نه فرشته بزرگواری و نه شیطان رانده شده

وَلا ظِلٌّ مَمدُودٌ وَلا شَیءٌ مَعدُودٌ الحَمدُ لِلّهِ الَّذِی استَحمَدَ اِلی مَنِ استَحمَدَهُ

و نه سایه کشیده شده و نه چیزی شمرده شده سپاس مر خدای را که خواستار ستایش گردید بسوی آنکه ستایش کرده

مِن اَهلِ مَحامِدِهِ بِحَمدِهِ عَلی ما بَذَلَ مِن نَوافِلِهِ الَّذی

از اهل ستایشهای او تا آنکه ستایش کنند او را بر آنچه بخشش نمود از زیادتیهای خود ای خدایی که

فاقَ مَدحَ المادِحینَ مَآثِرُ مَحامِدِهِ وَعَلا وَصفَ الواصِفینَ

بالا شد از ستایش ستایش نمایندگان مکارم صفات او و در گذشت از ستایش ستایش کنندگان

هيبة جلاله هو اهل لكل حمد ومنتهى كل رغبة وقاضي كل حاجة
هيبت جلال او او سزاوار هر سپاسی ومنتهای هر خواهشی است وروا كننده هر حاجت

الواحد الذي لا بدأ له الملك الذي لا زوال له الرفيع الذي ليس فوقه
يگانه است كه نيست ابتدای برای او پادشاهی كه نيست زوالی او را با رفعتی كه نيست بالای او

ناظر ذو المغفرة والرحمة المحمود لبذل نواله المعبود لهيبة
نظر كننده خداوند آمرزش وبخشش ستوده شده بجهت بخشيدن عطای خود پرستيده شده بجهت هيبت

جلاله المذكور بحسن آلائه المنان بسعة فواضله المرغوب
جلال خود ویاد كرده شده به نيكوئی نعمتهای خود بسيار بخشنده بگشايش زيادتيهای خود رغبت كرده شده است

اليه في تمام المواهب من خزائنه العظيم الشان الكريم في
بسوی او در تمامی بخششها از خزانه های خود بزرگ مرتبه بزرگوار در

سلطانه العلي في مكانه المحسن في امتنانه الجواد في فواضله الحمد
سلطنت خود بلند در جايگاه خود نيكوئی كننده در انعام خود بخشنده در مزايای خود وسپاس

لله بارئ خلق المخلوقين بعلمه ومصور اجساد العباد بقدرته
از برای خدای پديد آورنده آفرينش آفريدگان بدانش خود وصورت بخشنده تنهای بندگان بتوانائی خود

ومخالف صور من خلق من خلقه ونافخ الارواح في خلقه بعلمه
وامتياز دهنده ميان صورتهای آنانكه آفريده از خلق خود ودمنده روحها در خلق خود بدانش خود

ومعلم من خلق من عباده اسمه ومدبر خلق السموات والارض
وآموزاننده آنانكه آفريده از بندگان خود نام خود را وتدبير كننده آفرينش آسمانها وزمين

بعظمته الذي وسع كل شيء خلق كرسيه وعلا بعظمته فوق
به بزرگی خود آنخدای كه فرا گرفته هر چيز را خلق كرسی او وبرتر شد به بزرگی خود بالای

الاعلين وقهر الملوك بجبروته الجبار الاعلى المعبود في سلطانه
هر برتری وغالب شد بر پادشاهان ابر بزرگواری خود كار فرمای قاهر بلند مرتبه پرستيده شده در سلطنت خود

الْمُتَسَلِّطِ بِقُوَّتِهِ الْمُتَعَالِي فِي دُنُوِّهِ الْمُتَدَانِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ فِي ارْتِفَاعِهِ الَّذِي

خداوندی که سلطنت بتوانائی خود دارد بلند و برتری در نزدیکی خود نزدیک بهر چیزی در بلندی خود آنخدائی

نَفَذَ بَصَرُهُ فِي خَلْقِهِ وَحَارَتِ الْأَبْصَارُ لِسُطُوعِ نُورِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَلِيمِ

که روان شد بینائی و علم او در خلق او و حیران گشته دیده ها بجهت روشنائی او سپاس مر خدای بردبار

الرَّشِيدِ الْقَوِيِّ الشَّدِيدِ الْمُبْدِئِ الْمُعِيدِ الْفَعَّالِ لِمَا يُرِيدُ الْحَمْدُ

براه نماینده توانا سخت عقاب پدید آورنده بخشش بازگرداننده هر آنچه که خواهد سپاس

لِلَّهِ مُنْزِلِ الْآيَاتِ وَكَاشِفِ الْكُرُبَاتِ وَمُؤْتِي السُّؤْلَاتِ الْحَمْدُ لِلَّهِ فِي

مر خدای را که فرو فرستنده آیات و معجزات و زائل کننده اندوهها و دهنده حاجتها سپاس خدای را در

كُلِّ مَكَانٍ وَفِي كُلِّ زَمَانٍ وَفِي كُلِّ أَوَانٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَنْسَى

هر جای و در هر زمانی و در هر وقتی سپاس مر خدای را که فراموش نکند

مَنْ ذَكَرَهُ وَلَا يُخَيِّبُ مَنْ دَعَاهُ وَلَا يُذِلُّ مَنْ وَالَاهُ الَّذِي يَجْزِي

کسی که یاد کند او را و نومید نکند کسی که بخواند او را و خوار نسازد کسی که دوست دارد او را آنخدائی که

بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا وَبِالصَّبْرِ نَجَاةً الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ

در مقابل نیکوئی نیکوئی را و در مقابل شکیبائی رستگاری سپاس مر خدای را که برای او است آنچه در آسمانها

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ الْحَمْدُ لِلَّهِ

و آنچه در زمین است و مراو راست سپاس در آنجهان او است درست کردار آگاه سپاس مر خدای را

فَاطِرِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى

آفریننده آسمانها و زمین گرداننده فرشتگان پیغامبران خداوندان بالهای دو دو

وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و سه سه و چهار چهار افزاید در آفرینش آنچه بخواهد بدرستیکه خدا بر هر چیز توانا است

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

پاکست خدا و سپاس خدا را و نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگتر است و ... و قدرتی و نیرو نیست

إلا بالله العلي العظيم وسبحان الله حين تمسون وحين تصبحون

مگر بتوفیق خدای بلند قدر بزرگ مرتبه و سبحان تنزیه خداست هنگامیکه شام کنید و هنگامیکه صبح کنید

وله الحمد في السموات والارض وعشيا وحين تظهرون وسبحان الله

و مر او راست سپاس در آسمانها و زمین و در آخر روز و هنگامیکه نیم روز رسید و سبحان تنزیه خدای راست

اناء الليل واطراف النهار وسبحان الله بالغدو والاصال وسبحان

در ساعتهای شب و طرفهای روز و سبحان تنزیه خداست در بامداد و شبانگاه و پاکست

ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله

پروردگار تو صاحب عزت از آنچه می‌ستایند کافران و درود بر فرستادگان و سپاس خدای

رب العالمين والحمد لله كما يحب ربنا وكما يرضى حمدا كثيرا

پروردگار جهانیان را و سپاس خدا را چنانکه دوست میدارد پروردگار ما و چنانچه می‌پسندد سپاس

طيبا وسبحان الله كلما سبح الله شيء وكما يحب الله ان يسبح

پاکیزه و تنزیه می‌کنم خدا را هر گاه تنزیه کند خدا را چیزی و چنانچه دوست میدارد خدا آنکه تنزیه کرده شود

والحمد لله كلما حمد الله شيء وكما يحب الله ان يحمد ولا اله

و سپاس مر خدا را هر گاه سپاس گذارد کند خدا را چیزی و چنانچه دوست میدارد خدا آنکه سپاس گذارده شود

الا الله كلما هلل الله شيء وكما يحب الله ان يهلل والله اكبر

مگر خدا هر گاه تهلیل کند خدا را چیزی و چنانکه دوست میدارد خدا آنکه تهلیل کرده شود و خدا بزرگتر است

كلما كبر الله شيء وكما يحب الله ان يكبر ولا حول ولا قوة الا بالله

هر گاه به بزرگی یاد کند خدا را چیزی و چنانچه دوست میدارد خدا آنکه تعظیم کرده شود و نیست قدرتی و نه توانائی مگر بتوفیق خدا

العلي العظيم سبحان من ... اللهم اني اسالك يا الله يا رحمن

بلند قدر بزرگ مرتبه ... خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو ای خدا ای بخشنده

بأسمائك الرضية المرضية المكنونة يا الله اللهم اني

بحرمت نامهای خوش آینده پسندیده پوشیده تو ای خدا خداوندا بدرستیکه من

سوال میکنیم از تو بحرمت نامهای تو که بزرگ و بزرگوار اند خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو

اَسْأَلُکَ بِاَسْمَائِکَ الْکَبِیْرَةِ الْکَبِیْرِیَّةِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْأَلُکَ بِاَسْمَائِکَ

که تمام و کامل و مشهور اند سوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو که ارجمند و غالب اند

الْعَزِیْزَةِ الْمَنِیْعَةِ وَاَسْأَلُکَ بِاَسْمَائِکَ التَّامَّةِ الْکَامِلَةِ الْمَشْهُوْرَةِ

ای خدا و سوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو که آنها پسندیده تست ای خدا و سوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو

یَا اَللّٰهُ وَاَسْأَلُکَ بِاَسْمَائِکَ الَّتِیْ هِیَ رِضَاکَ یَا اَللّٰهُ وَاَسْأَلُکَ بِاَسْمَائِکَ

که نمیگرداند آنها را غیر تو هیچکس ای خدا و سوال میکنم از تو از سوالهای تو بسوالی که عهد کردی

الَّتِیْ لَا یَرُدُّهَا دُوْنَکَ اَحَدٌ یَا اَللّٰهُ وَاَسْأَلُکَ مِنْ مَسَائِلِکَ بِمَا عَاهَدْتَ

بوفا کرده ترین عهدی ای خدا اینکه نا امید نسازی سوال کننده خود را ای خدا و سوال میکنم از تو بهمه

اَوْفَی الْعَهْدِ یَا اَللّٰهُ اَنْ لَا تُخَیِّبَ سَائِلَکَ یَا اَللّٰهُ وَاَسْأَلُکَ بِجُمْلَةِ

سوالهای تو سوالها که وفا میکند به بر داشتن و اجابت آنها چیزی غیر تو ای خدا و سوال میکنم از تو

مَسَائِلِکَ الَّتِیْ لَا یَفِیْ بِحَمْلِهَا شَیْءٌ غَیْرُکَ یَا اَللّٰهُ هفت مرتبه وَاَسْأَلُکَ

بحرمت هر نامی که لازم گردانیدی بخود و هر نامیکه آن بجهت تست و هر سوالی تا آنکه برسد بسوی تو آن

بِکُلِّ اسْمٍ اَوْجَبْتَهُ وَکُلِّ اسْمٍ هُوَ لَکَ وَکُلِّ مَسْئَلَةٍ حَتّٰی یَنْتَهِیَ اِلٰی

نامیکه عظیم تر است عظیم تر بزرگتر است بزرگتر بلند است بلند تر آن نامیکه استیلا دادی

اِسْمِکَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَکْبَرِ الْاَکْبَرِ الْعَلِیِّ الْاَعْلَی الَّذِی اسْتَوَیْتَ

بآن بر عرش خود و مستقل کردیدی بسبب آن بر کرسی خود و آن نام نیک

بِهٖ عَلٰی عَرْشِکَ وَاسْتَقْلَلْتَ بِهٖ عَلٰی کُرْسِیِّکَ وَهُوَ اسْمُکَ الْفَاضِلُ

کامل تست آن نامیکه زیادتی دادی آنرا بر همه نامهای خود ای بخشاینده و سوال میکنم

الْکَامِلُ الَّذِیْ فَضَّلْتَهٗ عَلٰی جَمِیْعِ اَسْمَائِکَ یَا رَحْمٰنُ هفت مرتبه وَاَسْأَلُکَ

بحرمت آنچه نمیدانم آنرا آن چیزیکه اگر دانستمی هر اینه سوال کردمی ترا بآن ای خدا و بهر نامیکه منفرد شدی تو بآن در علم

بِمَا لَا اَعْلَمُهٗ وَلَوْ عَلِمْتُهٗ لَسَئَلْتُکَ بِهٖ یَا اَللّٰهُ وَبِکُلِّ اسْمٍ اسْتَأْثَرْتَ بِهٖ فِیْ عِلْمِ

الغیب عندك یا رحمن یا رحیم ان تصلی علی محمد عبدك و رسولك

نهانی که نزد تست ای بخشاینده ای بخشاینده اگر رحمت بفرستی بر محمد بنده تو و فرستاده تو

و نبیك و امینك و حبیبك و صفوتك من خلقك و خاصتك من

و پیغمبر تو و امین تو و دوست تو و برگزیده تو از خلق تو و مخصوص تو از

بریتك و نجیك و نجیبك و حبیبك و صفیك و علی اهل بیت محمد

جمله خلق تو و همراز تو و اختیار کرده شده و دوست تو و بنده خالص تو و بر خاندان محمد

و ترحم علی محمد و اهل بیت محمد کافضل و اجمل و ازکی و اطهر و اعظم و اکثر

و ترحم کن بر محمد و اهل بیت محمد مانند افزونتر و نیکوتر و افزاینده تر و پاکتر و بزرگتر و بیشتر

و اتم ما صلیت علی احد من انبیائك و رسلك یا ذا الجلال و الاکرام

و تمام تر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از پیغمبران خود و فرستادگان خود ای خداوند بزرگواری و گرامی

اللهم صل علی محمد و آل محمد فی الاولین و صل علی محمد و آل محمد فی الآخرین

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد در زمره پیشینیان رحمت بفرست بر محمد و آل محمد در زمره پسینیان

و صل علی محمد و آل محمد فی الملأ الاعلی و صل علی محمد و آل محمد فی النبیین

و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد در زمره بزرگان محل برتر و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد در زمره پیغمبران

و المرسلین اللهم اعط محمدا صلواتك علیه و آله الوسیلة و الفضیلة

و فرستادگان خداوندا ببخش محمد را رحمتهای تو بر او و آل او وسیله را و زیادتی را

و الشرف و الدرجة الرفیعة اللهم اکرم مقامه و شرف بنیانه

و شرف را و مرتبه بلند را خداوندا گرامی دار جای اقامت او را و بلند کن اساس او را

و عظم نوره و برهانه و بیض وجهه و اعل کعبه و افلج حجته و اظهر

و بزرگ گردان روشنائی او را و حجت او را و سفید کن روی او را و بلند کن قدر او را و غالب کن حجت او را و آشکار کن

عذره و دعوته و تقبل شفاعته کما بلغ رسالاتك و تلا آیاتك

عذر او را و دعوت او را و بپذیر شفاعت او را چنانکه رسانید پیغامهای ترا و تلاوت نمود آیات ترا

هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعا متصدعا من خشیة الله و تلك الامثال

وَأَمَرَ بِطَاعَتِكَ وَائْتَمَرَ بِهَا وَنَهَى عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَانْتَهَى عَنْهَا فِي سِرِّهِ

و امر کرد بطاعت تو و بدان فرمان برد و نهی نمود از نافرمانی تو و باز ایستاد از آن در نهان

وَعَلَانِيَتِهِ وَجَاهَدَ حَقَّ الْجِهَادِ فِيكَ وَعَبَدَكَ مُخْلِصاً حَتَّى أَتَاهُ

و آشکار و کارزار نمود حق کارزار در راه تو و پرستید ترا خالص گردانیده تا آنکه رسید او را

الْيَقِينُ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِهِ اللَّهُمَّ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً

مرگ رحمتهای تو بر او و بر خاندان او خدایا برانگیز او را در مقام ستوده

يَغْبِطُهُ عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ

که رشک برند او را بران پیشینیان و پسینیان از پیغمبران و فرستادگان خداوندا

اسْتَعْمِلْنَا بِسُنَّتِهِ وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَابْعَثْنَا فِي شِيعَتِهِ وَاحْشُرْنَا فِي

بکار دار ما را بطریقه او و بمیران ما را بر دین او و برانگیز ما را در زمره پیروان او و زنده کن ما را در

زُمْرَتِهِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَتْبَعُهُ وَلَا تَحْجُبْنَا عَنْ رُؤْيَتِهِ وَلَا تَحْرِمْنَا مُرَافَقَتَهُ

گروه او و بگردان ما را از آنانکه پیروی کنند او را و در پرده مکن ما را از دیدن او و محروم مکن ما را از رفاقت او

حَتَّى تُسْكِنَنَا غُرَفَهُ وَتُخَلِّدَنَا فِي جِوَارِهِ رَبِّ إِنِّي أَحْبَبْتُهُ فَأَحِبَّنِي لِذَلِكَ

تا آنکه جا دهی ما را بغرفهای او و جاوید گردانی ما را در همسایگی او پروردگارا من دوست داشتم او را پس دوست بدار مرا

وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُ طَرْفَةَ عَيْنٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و جدائی میفکن میان من و میان او بقدر بر هم زدن چشم در این جهان و آن جهان خداوندا رحمت فرست بر محمد و

وَآلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً اللَّهُمَّ افْتَحْ لَهُمْ

آل محمد آنانکه برد خدا از ایشان ناپاکی را و پاک کرد ایشان را پاک کردنی خداوندا بگشا برای ایشان

فَتْحاً يَسِيراً وَانْصُرْهُمْ نَصْراً عَزِيزاً وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَاناً نَصِيراً

گشودن آسانی و یاری کن ایشان را یاری با عزت و غلبه و بگردان برای ایشان از نزد خود تسلطی یاری دهنده

اللَّهُمَّ مَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَاجْعَلْهُمْ أَئِمَّةً وَاجْعَلْهُمُ الْوَارِثِينَ اللَّهُمَّ

خداوندا جای ده ایشان را در زمین و بگردان ایشان را پیشوایان و بگردان ایشان را وارثان خداوندا

اردهم في عدوهم ما يأملون وارد عدوهم منهم ما يحذرون اللهم اجمع

بنا آن ايشان را و برسان ايشان آنچه آرزو كنند و بنما دشمنان ايشان را از ايشان چيزى را كه مى ترسند خداوندا جمع كن

بينهم على خير وعافية اللهم عجل الروح والفرج لآل محمد اللهم اجمع على

ميان ايشان بر نيكى و عافيت خداوندا زود گردان راحت و گشايش را براى آل محمد خداوندا جمع كن

الهدى امرهم واجعل قلوبهم على قلوب خيارهم واصلح ذات

بر هدايت كار ايشان را و بگردان دلهاى ايشان را بر دلهاى برگزيدگان ايشان و اصلاح آور حالى را

بينهم انك حميد مجيد اللهم اني اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد

كه در ميان ايشانست بدرستيكه تو ستوده بزرگوارى خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم از تو آنكه رحمت كنى بر محمد و آل محمد

وان تغفر لي ولوالدي وما ولدا واعتقهما من النار وارحمهما

و آنكه بيامرزى مرا و پدر و مادر مرا و آنرا كه زاييده اند ايشان و آزاد كن ايشان را از آتش دوزخ و رحم كن ايشان را

وارضهما عني واغفر لكل والد لي دخل في الاسلام ولاهلي وولدي

و خشنود ساز ايشان را از من و بيامرز هر يك از پدران مرا كه در آمده اند در اسلام و اهل مرا و فرزندان مرا

وجميع قراباتي انك على كل شيء قدير اللهم اجعلني وجميع ورثة ابي

و همه خويشان مرا بدرستيكه تو بر همه چيز توانائى خداوندا بگردان مرا و همه وارثان پدر مرا

واخواني فيك من اهلي ولايتك ومحبتك فانه لا يقدر على ذلك

و برادران مرا در راه تو از اهل ولايت خود و دوستى خود زيرا كه بتحقيق قدرت ندارد بر آن

غيرك يا ارحم الراحمين اللهم اوزعني ان اشكر نعمتك التي

غير تو اى بخشاينده خداوندا حريص كن مرا باينكه سپاس كنم ترا و شكر كنم نعمت ترا كه

انعمت علي وعلى والدي وان اعمل صالحا ترضاه واصلح لي في ذريتي

انعام كردى بر من و بر پدر و مادر من و آنكه بكنم كارى نيكو كه به پسندى آنرا و اصلاح كن براى من در فرزندان من

اني تبت اليك واني من المسلمين واجز والدي خير ما جزيت

بدرستيكه من رجوع نمودم بسوى تو و بدرستيكه من از گروه تسليم شدگانم و پاداش ده پدر و مادرم را بهترين پاداشى

عن ولده واجعل ثوابهما على جنات النعيم واغفر لنا ولاخواننا

از فرزندش وبگردان پاداش نیک ایشانرا از من بهشتها با نازو نعمت وبیامرز مرا و برادران

الذين سبقونا بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا

آنانکه پیشی گرفته اند مارا بایمان ومگردان در دلهای ما کینه برای آنانکه ایمان آورده اند ای پروردگار ما

انك رؤف رحيم واغفر لنا وللمؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم

بدرستیکه تو مهربان بخشنده وبیامرز مارا و مومنان را و زنان مومنه را زندگان از ایشان

والاموات اللهم اصلح ذات بينهم واجمع على الهدى امرهم

ومردگان را خداوندا باصلاح آور حالتی را که میان ایشانست وجمع کن بر هدایت کار ایشان

واجعلني واياهم على طاعتك ومحبتك اللهم والمم شعثهم

وبگردان مرا وایشانرا بر فرمان برداری خود و دوستی خود خداوندا فراهم آور پراکندگی ایشانرا

واحقن دماءهم وول امرهم خيارهم اهل الرأفة والرحمة والمعدلة

وباز دار ریختن خونهای ایشانرا ومتولی گردان کار ایشانرا نیکان ایشانرا صاحب مهربانی ورحمت وعدالت

عليهم انك على كل شيء قدير يا رب يا رب يا رب اللهم

بر ایشان بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا

بديع السموات والارض عالم الغيب والشهادة ذا الجلال

ای نو پدید آورنده آسمانها و زمین ای دانای پنهان و آشکار ای خداوند بزرگواری

والاكرام والجود والقوة والسلطان والجبروت والملكوت

وگرامی داشتن وبخشش وتوانائی وسلطنت وبزرگواری وپادشاهی

والكبرياء والعظمة والقدرة والمدحة والرهبة والرغبة والجود

وبزرگواری وبزرگی وتوانائی وسپاس وترس وخواهش وبخشش

والعلو والحجة والهدى والطاعة والعبادة والامر والخلق وكل شيء لك

وبلندی وحجت وراه نمائی وفرمان برداری وپرستش وفرمان دهی وآفرینش وهر چیز تراست

يا رب العالمين يا رب يا رب اسألك يا رب سؤال الضارعين

اى پروردگار جهانيان اى پروردگار من اى پروردگار من اى پروردگار من سؤال ميكنم از تو اى پروردگار من مانند سؤال زارى كنندگان

المتضرعين المساكين المستكينين الراغبين الراهبين الذين لا يجدون

مسكينان فروتنى نمايندگان خشوع كنندگان رغبت دارندگان ترسندگان آنانكه نمى رسند

سواك يا من يجيب المضطر ويكشف الضر ويجيب الداعي ويعطي

از غير تو اى كسيكه اجابت ميكند درمانده را و برطرف ميكند رنج را و اجابت ميكند دعا كننده را و مى بخشد

السائل اسألك يا رب سؤال من لم يجد لضعفه مقويا ولا لذنبه

سؤال كننده را درخواست ميكنم از تو اى پروردگار من مانند درخواست كسيكه نيافته است براى ناتوانى خود توانا كننده و نه براى گناه خود

غافرا ولا لفقره سادا غيرك اسألك سؤال من اشتدت فاقته

آمرزنده و نه براى حاجت خود سد كننده غير از تو سؤال ميكنم از تو مانند سؤال كسيكه سخت شده است فاقه او

وضعفت قوته وكثرت ذنوبه يا ذا الجلال والاكرام يا رب يا رب

و سست شده است توانائى او و بسيار شده است گناهان او اى خداوند بزرگوارى و گرامى داشتن اى پروردگار من اى پروردگار

يا رب اسألك يا رب مسئلة كل سائل ورغبة كل راغب تبلغ

اى پروردگار من سؤال ميكنم از تو اى پروردگار من مانند سؤال هر سؤال كننده و خواهش هر خواهش كننده ميرسد

اذا دعيت واجبت وبحق السائلين عليك وبحق صفوتك من عبادك

هرگاه خوانده ميشوى و اجابت ميكنى و بحق سؤال كنندگان بر تو و بحق برگزيدگان تو از بندگان تو

ومنتهى العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك ان لا تستدرجني

و بحق نهايت بزرگى از عرش تو و بحق نهايت بخشايش تو از كتاب تو آنكه مستدرج نكنى مرا

بخطيئتي ولا تجعل مصيبتي في ديني واذكرني يا رب برضاك و

بگناه من و نگردانى مصيبت مرا در دين من و ياد كن مرا اى پروردگار من بخشنودى خود

لا تنسني حين تنشر رحمتك واقبل علي بوجهك الكريم

و فراموش مكن مرا وقتيكه پراكنده كنى رحمت خود را و متوجه شو بسوى من بذات خود كه كريم است

يا الله يا الله يا رحمن يا رب يا الله يا لا اله يا ... السادات يا مالك الملك والملكوت ... مالك الملك يا من ...

... و در حديث صحيح منقول است از حضرت صادق عليه السلام ...

وامنن علي بكرامتك يا كريم العفو واستجب دعائي وارحم تضرعي

واحسان کن بر من بکرامت خود ای بزرگ بخشایش و بپذیر دعای مرا و رحم کن بزاری من

فاني بائس فقير خائف مستجير من عذابك لا اثق بعملي ولكني

پس بدرستیکه من محتاج فقیر ترسان پناه برنده از عذاب توام اعتماد ندارم بکردار خود ولکن

اثق برحمتك يا رب يا رب يا رب اللهم كن بي حفيا ولا تجعلني

اعتماد دارم ببخشایش تو ای پروردگار من خداوندا باش بمن مهربان و مگردان

بدعائك رب شقيا وامنن علي بعافيتك واعتق رقبتي من النار

بدعای خود ای پروردگار من بدبخت و احسان کن بمن بعافیت خود و آزاد کن گردن مرا از آتش دوزخ

فاني لا استغيث بغيرك واستجير بك فاجرني من كل هول و

پس بدرستیکه من استغاثه نمیکنم بغیر تو و پناه می برم بتو پس پناه ده مرا از هر ترسی و

مشقة وخوف وآمن خوفي وشجع جبني وقوّ ضعفي وسدّ فاقتي واصلح

رنجی و بیمی و ایمن گردان ترس مرا و دلیر کن بددلی مرا و قوت ده ناتوانی مرا و بند کن فاقه مرا و اصلاح کن

لي جميع اموري يا رب اعوذ بك من هول المطلع ومن شدة الموقف

برای من همه کارهای مرا ای پروردگار من پناه می برم بتو از هول رسانیدن عرصه قیامت

يوم الدين فانك تجير ولا يجار عليك يا رب يا رب اللهم

لا تعرض عني حين ادعوك ولا تصرف عني وجهك حين اسألك

فلا رب لي سواك واعطني مسئلتي وآمن خوفي يوم القاك اللهم

اني اعوذ بك فاعذني فاني ضعيف خائف مستجير بائس فقير

بدرستیکه من پناه می برم بتو پس پناه ده مرا پس بدرستیکه من ناتوان ترسان پناه برنده محتاج فقیرم

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ اكْشِفْ ضُرَّ مَا اسْتَعَذْتُكَ مِنْهُ وَأَلْبِسْنِي

ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا برطرف کن رنجی که پناه بردم بتو از آن و بپوشان لباس

رَحْمَتَكَ وَجَلِّلْنِي عَافِيَتَكَ وَآمِنِّي بِرَحْمَتِكَ فَإِنَّكَ تُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْكَ

رحمت خود و بپوشان مرا عافیت خود و در امان در آر مرا رحمت خود پس بدرستیکه تو پناه میدهی و پناه داده نمیشود بر تو

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَحْشَةِ الْقَبْرِ وَمِنْ خَلْوَتِهِ وَمِنْ ظُلْمَتِهِ وَضِيقِهِ

خداوندا بدرستیکه من پناه می آورم بتو از وحشت قبر و از تنهائی آن و از تاریکی آن و تنگی آن

وَعَذَابِهِ وَمِنْ هَوْلِ مَا أَتَخَوَّفُ بَعْدَهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

و عذاب آن و از ترسیدن آنچه می ترسم بعد از قبر ای پروردگار جهانیان ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ صَفْوَتِكَ

بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو اینکه رحمت کنی بر محمد و آل محمد و اهل بیت او که برگزیدگان تو

وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَنْ تَسْتَجِيبَ لِي دُعَائِي وَتُعْطِيَنِي سُؤْلِي وَأَكْفِنِي

و نیکوکاران تو اند از خلق تو و اینکه مستجاب گردانی از برای من دعای مرا و ببخشی مرا حاجتهای مرا و کفایت کن

أَمْرَ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ وَارْحَمْ فَاقَتِي وَاغْفِرْ ذُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَ

کار آخرت مرا و دنیای مرا و رحم کن فاقه من و بیامرز گناهان مرا آنچه گذشته از آن و

مَا تَأَخَّرَ وَآتِنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ

آنچه بعد از آن صادر شده و بده بمن در دنیا نیکوئی و در آخرت نیکوئی و نگاهدار مرا برحمت خود

عَذَابَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي صِلَةَ قَرَابَتِي وَحَجًّا مَقْبُولًا وَعَمَلًا صَالِحًا

از عذاب آتش دوزخ بار خدایا روزی کن بمن پیوند خویشی مرا و حجی که مقبول باشد و کردار نیک

مَبْرُورًا تَرْضَاهُ مِمَّنْ عَمِلَ بِهِ وَأَصِلُ إِلَى أَهْلِي وَوَلَدِي وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ

پذیرفته شده که راضی باشی بآن از کسیکه عمل کند بآن نیک گردان برای من اهل مرا و فرزندان او و سؤال میکنم از تو

لِي عَقِبًا صَالِحًا تُلْحِقُنِي مِنْ دُعَائِهِمْ رِضْوَانًا وَمَغْفِرَةً وَزِيَادَةً فِي كَرَامَتِكَ

از برای من فرزندان نیک که لاحق گردانی مرا از دعای ایشان خوشنودی خود و در آمرزش خود و افزودن در کرامت خود

اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ یَا رَبِّ یَا رَبِّ یَا رَبِّ

بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی و تو بخشنده ترین بخشندگانی ای پروردگار من ای پروردگار من

اَللّٰهُمَّ وَكُلَّمَا كَانَ فِی قَلْبِی مِنْ شَكٍّ اَوْ رِیبَةٍ اَوْ جُحُودٍ اَوْ قُنُوطٍ اَوْ فَرَحٍ

بارخدایا هرچه باشد در دل من از شک یا ریب یا انکار یا نا امیدی یا سرور

اَوْ مَرَحٍ اَوْ بَطَرٍ اَوْ بَذَخٍ اَوْ فَخْرٍ اَوْ خُیَلَاءَ اَوْ كِبْرٍ اَوْ خِفَّةٍ اَوْ رِیَاءٍ اَوْ سُمْعَةٍ

یا شادی بسیار یا شادی سخت یا طغیان یا نازش یا تکبر یا بد دلی یا ترس یا نمودن یا بگوش رسانیدن

اَوْ شِقَاقٍ اَوْ نِفَاقٍ اَوْ كُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ اَوْ عِصْیَانٍ اَوْ عَظَمَةٍ اَوْ شَیْءٍ مِمَّا

یا مخالفت یا بدبختی یا نفاق یا کفر یا فسق یا گناه یا نخوت یا چیزی از آنچه

لَا تُحِبُّ عَلَیْهِ اَوْلِیَاءَكَ فَاَسْاَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تَمْحُوَ

دوست نداری بران دوستان خود را پس سوال میکنم از تو بحق محمد و آل محمد اینکه محو کردانی

ذٰلِكَ مِنْ قَلْبِی وَاَنْ تُبَدِّلَنِی مَكَانَهُ اِیمَانًا وَعَدْلًا وَرِضًا بِقَضَائِكَ وَوَفَاءً

آنرا از دل من و اینکه بدل کنی بجای او ایمان را و عدل را و خوشنودی بقضای خود و وفا

بِعَهْدِكَ وَوَجَلًا مِنْكَ وَزُهْدًا فِی الدُّنْیَا وَرَغْبَةً فِیمَا عِنْدَكَ وَثِقَةً بِكَ

بعهد خود را و ترس را از خود و زهد در دنیا و خواهش در آنچه نزد تست و اعتماد بتو

وَطُمَاْنِینَةً اِلَیْكَ وَتَوْبَةً اِلَیْكَ نَصُوحًا یَا رَبِّ یَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ

و اطمینان بسوی تو و بازگشت بسوی تو بازگشتی خالص ای پروردگار من ای پروردگار من بارخدایا مر تراست حمد

كَمَا خَلَقْتَنِی وَلَمْ اَكُ شَیْئًا مَذْكُورًا فَاَعِنِّی عَلٰى اَهْوَالِ الدُّنْیَا وَبَوَائِقِ الدَّهْرِ

چنانچه آفریدی مرا و نبودم چیزی که مذکور شود پس یاری کن مرا بر ترسهای دنیا و حوادث روزگار

وَنَكَبَاتِ الزَّمَانِ وَكُرُبَاتِ الْآخِرَةِ وَمُصِیبَاتِ اللَّیَالِی وَالْاَیَّامِ وَاكْفِنِی

و نکبتهای زمانه و اندوههای آخرت و مصیبتهای شبها و روزها و کفایت کن مرا

شَرَّ مَا یَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِی الْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِی فِی قَدَرِكَ وَرَضِّنِی بِقَضَائِكَ

شر آنچه میکنند ستمکاران در زمین بارخدایا برکت ده مرا در مقدر کرده خود و راضی کن مرا بقضای خود

اللّهمّ افتح مسامع قلبي لذكرك وارزقني شكراً وتوفيقاً وعبادة وخشية
بار خدایا بگشا گوشهای دل مرا از جهت ذکر خود و روزی کن مرا شکر و توفیق و پرستش و ترس
يا ربّ العالمين يا ربّ يا ربّ يا ربّ اللّهمّ اطّلع إليّ اليوم اطّلاعة تدخلني
ای پروردگار جهانیان ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من بار خدایا نظر کن بسوی من امروز نظر کردنی که داخل کنی مرا
بها الجنّة اللّهمّ استجب دعائي واقبله منّي واجعله دعاءً جامعاً
بسبب آن در بهشت بار خدایا بپذیر دعای مرا و قبول کن آنرا از من و بگردان آنرا دعای جامع
يوافق بعضه بعضاً فإنّ كلّ شيء عندك بمقدار اللّهمّ واجعله من شأنك
که موافق باشد بعضی از آن با بعض پس بدرستیکه هر چیز نزد تو باندازه است بار خدایا و بگردان آنرا از شأن خود
فإنّك كلّ يوم في شأن اللّهمّ واكتبه لي في علّيّين في كتاب لا يُمحى ولا يُبدّل
پس بدرستیکه تو در هر روز در شأنی هستی بار خدایا و بنویس این دعا را برای من در علیین در کتابی که محو کرده نشود و بدل کرده نشود
بأن تقول قد غفرت لعبدي ما تقدّم من ذنبه وما تأخّر واستجبت له
بآنکه بگوئی که بتحقیق آمرزیدم مر بنده خود را آنچه پیش شده از گناه او و آنچه بعد از آن شده و پذیرفتم برای او
دعوته ووفّقته واصطفيته لنفسي وكرّمته وفضّلته وعصمته
دعای او را و توفیق دادم او را و برگزیدم او را برای نفس خود و گرامی داشتم او را و برتری دادم او را و نگاه داشتم او را
هديته وزكّيته وأصلحته واستخلصته وغفرت له وعفوت عنه
راه نمودم او را و پاک کردم او را و نیک کردم او را و خالص کردم او را و آمرزیدم او را و درگذشتم از او
آمين يا ربّ يا ربّ اللّهمّ إنّي أتوجّه إليك بنبيّك نبيّ الرحمة
قبول کن ای پروردگار من ای پروردگار من بار خدایا بدرستیکه من متوجه میشوم بسوی تو به پیغمبر تو که پیغمبر رحمت است
محمّد صلّى الله عليه وآله في خلاصي وخلاص والديّ وما ولدا وأهلي
محمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او در رهائی خودم و رهائی پدر و مادرم و آنچه زاده اند و اهل من
وولدي وجميع ذرّيّة أبي وإخواني فيك وجميع المؤمنين والمؤمنات
و فرزندان من و همه ذریت پدر من و برادران من در راه تو و همه مردان مؤمن و زنان مؤمنه

وكلّ والدٍ لي دخل في الاسلام من اهوال يوم القيمة ومن شرّ عذاب

و هر پدری من که در آمده است در دین اسلام از ترسهای روز قیامت و از شر عذاب

القبر ومن هموم الدنيا والآخرة واهوالها واسألك ان ترزقني خيرها

قبر و از اندوههای دنیا و آخرت و ترسهای آن و سؤال میکنم از تو اینکه روزی کنی مرا

وتصرف عني شرها وتثبّتني بالقول الثابت في الحيوة الدنيا وفي

و بگردانی از من شر آنرا و ثابت داری مرا بگفتاری که پایدار است در زندگانی دنیا و در

الآخرة انك رؤف رحيم وصلى الله على محمد وآله كثيراً وسلّم

آخرت بدرستیکه تو مهربان بخشنده و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل آن بسیار و سلام فرستد

وحسبنا الله ونعم الوكيل يا ربّ يا ربّ اللهمّ انّي

و کافیست ما را خدا و نیکو کسی است که کار باو گذارند ای پروردگار من ای پروردگار من خدایا بدرستیکه من

اسألك ان تصرف عني شرّ كلّ جبار عنيد وشيطان مريد وشرّ

سؤال میکنم از تو اینکه بگردانی از من شر هر ستمکار سرکش و شر شیطان سرکش و از شر

كلّ ضعيف من خلقك وشديد ومن شرّ السّامّة والهامّة واللامّة

هر ناتوانی از آفریدهای خود و شدید و از شر جانوران زهردار و گزنده

والخاصّة والعامّة ومن شرّ كلّ دابّة صغيرة او كبيرة بالليل

و خاص و عام و از شر هر رونده بر زمین خرد یا بزرگ بشب

والنهار ومن شرّ فسقة العرب والعجم ومن شرّ فسقة الجنّ والانس

و روز و از شر فاسقان عرب و عجم و از شر فاسقان پریان و مردم

انك على كلّ شيء قدير ولا حول ولا قوّة الا بالله العليّ العظيم وصلّى

بدرستیکه تو بر همه چیز توانایی و نیست توانایی و نه قوت بر طاعت مگر بخدای بلند بزرگ و رحمت فرستد

الله على خير مخلوقه عالي خير معبود اللهمّ ربّنا وآتنا في الدنيا حسنة

خدا بر بهترین مخلوق که خواند حق را بهترین معبود خدایا پروردگار ما بده ما را در دنیا نیکویی

١٣	٢	٣	١٦
٨	١١	١٠	٥
١٢	٧	٦	٩
١	١٤	١٥	۴

وفي الآخرة حسنة وقنا برحمتك عذاب النار يا رب يا رب

و در آخرت نیکوئی و نگاه دار ما را از رحمت خود از عذاب آتش ای پروردگار من ای پروردگار من

اللهم وما كان من خير او عمل صالح اسألك به واكون في رضوانك

بار خدایا آنچه شد از خیر یا عمل نیک و درخواست میکنم ترا بوسیله آن و می باشم در خوشنودی تو

وعافيتك وما صلح من ذلك من البر فامنن علي به واني اليك راغب

و عافیت تو و آنچه شایسته باشد از آن از نیکی پس منت گذار بر من بدان و بدرستیکه بسوی تو رغبت کننده ام

وبك مستجير اللهم ما استعفيتك منه وما استعفك منه وتوبي

و بتو پناه برنده ام بار خدایا آنچه طلب عفو کردم از تو از آن آنچه طلب عفو کردم ترا از آن

على به النار وسخطك فعافني منه وما عذت من المخازي يوم القيمة

بر من بسبب آن آتش از غضب خود و آنچه ما را از آن آنچه پناه بردم از رسوائیها در روز قیامت

وسوء المطلع الى ما في القبور فاعذني منه اللهم وما انت عليه

و بدی منظر بسوی آنچه در قبرهاست پس پناه ده مرا از آن بار خدایا و آنچه پشیمان شوم از آن

من فعلي له واجازى عليه يوم المعاد او ترانى في الدنيا على الحال

از کردن خود آن را و پاداش داده شوم بر آن روز بازگشت یا ببینی مرا در دنیا بر حالیکه

التي تورث سخطك فاسألك بوجهك الكريم ان تعظم عافيتي من جميع

باعث خشم تو شود پس سوال میکنم از تو بذات تو که کریم است اینکه بزرگ کنی عافیت مرا از همه

ذلك يا ولي العافية يا رب يا رب واسألك يا رب مع ذلك

این چیزها ای خداوند عافیت ای پروردگار من ای پروردگار من و سوال میکنم از تو ای پروردگار من با این

العافية من جهد البلاء وسوء القضاء وشماتة الاعداء وان تحملني ما

عافیت از مشقت بلا و بدی قضا و شاد شدن دشمنان و اینکه بار کنی مرا آنچه

لا طاقة لي به وان تسلط علي ظالما او تبتليني بما لا طاقة لي به وتنافسني

نیست طاقتی مرا بآن و اینکه مسلط کنی بر من ظالم را که گرفتار و مبتلا کند مرا بچیزیکه نیست مرا طاقت آن

فِي الحِسابِ يَوْمَ الحِسابِ مُناقَشَةٌ بِمَساوِي اَحْوَجَ ما اَكُونُ اِلى عَفْوِكَ
در حساب در روز حساب از روی مناقشه بدیهای من ...

وَتَجاوُزِكَ اَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الكَريمِ اَنْ تُعْظِمَ عافِيَتي في جَميعِ ذلِكَ يا وَلِيَّ
و درگذشتن تو سوال میکنم از تو بذات تو که بزرگست اینکه عظیم گردانی عافیت در همه چیزها ای خداوند

العافِيَةِ اَيْ مَنْ عَفى عَنِ السَّيِّئاتِ وَلَمْ يُجازِ بِها ارْحَمْ عَبْدَكَ يا رَبِّ يا رَبِّ
عافیت ای کسیکه درگذشت از بدیها و جزا نداد بان بنده خود را ای پروردگار من ای پروردگار من

يا رَبِّ يا اللهُ يا اللهُ يا اللهُ نَفْسي نَفْسي نَفْسي ارْحَمْ عَبْدَكَ يا سَيِّداهُ عَبْدُكَ
ای پروردگار من ای خدا ای خدا ای خدا نفس من نفس من نفس من رحم کن بنده خود را ای سرور من بنده تو

بَيْنَ يَدَيْكَ يا رَبّاهُ يا رَبّاهُ يا رَبّاهُ يا مُنْتَهى رَغْبَتاهُ يا مُجْرِيَ الدَّمِ في
در برابر تست ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای منتهای خواهش من ای جاری کننده خون در

عُرُوقِ عَبْدِكَ عَبْدُكَ يا سَيِّداهُ يا مالِكَ عَبْدِهِ يا سَيِّداهُ يا مالِكاهُ
رگهای من بنده توام بنده توام ای سرور ای مالک بنده خود ای سرور ای مالک

يا هُوَ رَبّاهُ لا حيلَةَ لي وَلا غِنى بي عَنْ نَفْسي وَلا اَسْتَطيعُ لَها ضَرّاً
ای کسیکه او پروردگار منست نیست چاره مرا و نه بی نیازیست مرا از نفس من و ندارم طاقت از برای آن ضرری

وَلا نَفْعاً وَلا اَجِدُ مَنْ اُصانِعُهُ تَقَطَّعَتْ اَسْبابُ الخَدائِعِ
نه فایده و نیست امید مرا و نمی یابم کسی را که رشوت دهم او را بریده شد سببهای فریبها

وَاضْمَحَلَّ عَنّي كُلُّ باطِلٍ اَفْرَدَني الدَّهْرُ اِلَيْكَ فَقُمْتُ هذَا المَقامَ اِلهي بِعِلْمِكَ
و ناپدید شد از من هر باطل تنها کرد مرا روزگار بسوی تو پس ایستادم درین مقام ای خدای من بعلم تو

فَكَيْفَ اَنْتَ صانِعٌ بي لَيْتَ شِعْري وَلا اَشْعُرُ كَيْفَ تَقُولُ لِدُعائي
پس چگونه تو عمل کننده بمن کاشکی میدانستم و نمیدانم چگونه میگوئی مر دعای مرا

اَتَقُولُ نَعَمْ اَمْ تَقُولُ لا فَاِنْ قُلْتَ لا فَيا وَيْلَتي يا وَيْلَتاهُ يا وَيْلَتاهُ
آیا میگوئی آری یا میگوئی نه پس اگر گوئی نه پس ای وای بر من ای وای بر من ای وای بر من

ء لا إله إلا هو العزيز الحكيم الذين يقولون ربنا إننا آمنا فاغفر لنا

سزاوار پرستش نیست خدایی بجز او که غالب درست کردار است آنانکه میگویند ای پروردگار ما بدرستیکه ایمان آوردیم پس بیامرز مر ما را

ذنوبنا وقنا عذاب النار الصابرين والصادقين والقانتين والمنفقين

گناهان ما و نگاهدار ما را از آتش دوزخ شکیبایی پیشگان راست گویان طاعت داران صدقه کنندگان

والمستغفرين بالأسحار شهد الله أنه لا إله إلا هو والملائكة وأولوا العلم

و آمرزش طلبان در سحرگاهان گواهی میدهد خدا بانکه اوست خدا نیست خدایی بجز او و فرشتگان و خداوندان علم

قائما بالقسط لا إله إلا هو العزيز الحكيم إن الدين عند الله الإسلام

حالیکه برپاست بعدالت نیست خدایی مگر او غالب صاحب حکمت بدرستیکه دین نزد خدا اسلام است

الله لا إله إلا هو ليجمعنكم إلى يوم القيامة لا ريب فيه ومن أصدق

خدا نیست خدایی بجز او هر اینه جمع میکند شما را بسوی روز قیامت نیست شکی در آن و کیست راست گوتر

من الله حديثا ذلكم الله ربكم لا إله إلا هو خالق كل شيء فاعبدوه

از خدا در سخن اینست خدا که پروردگار شماست نیست خدایی بجز او آفریننده هر چیز پس بپرستید او را

وهو على كل شيء وكيل اتبع ما أوحي إليك من ربك لا إله إلا هو

و آن خدا بر هر چیز وکیل است پیروی کن آنچه وحی کرده شده بسوی تو از پروردگار تو نیست خدایی بجز او

وأعرض عن المشركين قل يا أيها الناس إني رسول الله إليكم جميعا

و روی بگردان از مشرکان بگو ای مردمان بدرستیکه فرستاده خدا ام بسوی شما همه

الذي له ملك السماوات والأرض لا إله إلا هو يحيي ويميت فآمنوا بالله

آن کسیکه مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین نیست خدایی بجز او زنده میکند و میمیراند پس ایمان آرید بخدا

ورسوله النبي الأمي الذي يؤمن بالله وكلماته واتبعوه لعلكم

و رسول او پیغمبر ناخوانده آنکه ایمان آورد بخدا و کلمات او و پیروی کنید او را باشد که شما

تهتدون وما أمروا إلا ليعبدوا إلها واحدا لا إله إلا هو سبحانه

راه یابید و مامور نشدند مگر آنکه عبادت کنند خدای یگانه را که نیست خدایی بجز او منزه است او

عما يشركون لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص

از آنچه شریک میکردانند هر آینه بتحقیق آمد شما را رسولی از نفسهای شما سخت است بر او رنج و تعب شدید حریص

عليكم بالمؤمنين رؤف رحيم فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو

بر شما بمومنان مهربان بخشاینده است پس اگر اعراض کنند پس بگو که کافیست مرا خدای نیست خدای بجز او

عليه توكلت وهو رب العرش العظيم حتى اذا ادركه الغرق قال آمنت

بر او توکل کردم و او پروردگار عرش عظیم است تا وقتیکه دریافت فرعون را غرق گفت ایمان آوردم

انه لا اله الا الذي آمنت به بنوا اسرائيل وانا من المسلمين

بآنکه نیست خدایی مگر آنکه ایمان آورده اند باو بنی اسرائیل و من از جمله مسلمانانم پس اگر

فالم يستجيبوا لكم فاعلموا انما انزل بعلم الله وان لا اله الا هو فهل انتم

نپذیرند مر شما را پس بدانید آنچه فرستاده شده مقرون بعلم خداست و آنکه نیست خدایی مگر او پس آیا شما

مسلمون قل هو ربي لا اله الا هو عليه توكلت واليه متاب ان

مسلمانانید بگو او پروردگار منست نیست خدایی بجز او و بر او توکل کردم و بسوی اوست بازگشت من آنکه

انذروا انه لا اله الا انا فاتقون الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى

بترسانید که بدرستیکه نیست خدایی بجز من پس بترسید از من خدایی که نیست خدایی بجز او و مر او راست نامهای

فاستمع لما يوحى انني انا الله لا اله الا انا فاعبدني واقم الصلوة

پس بشنو مر چیزی را که وحی کرده میشود بدرستیکه منم خدا نیست خدایی بجز من پس عبادت کن مرا و برپا دار نماز را

لذكري انما الهكم الله الذي لا اله الا هو وسع كل شيء علما وما ارسلنا

برای ذکر من جز این نیست که خدای شما خداییست که نیست خدایی بجز او فرا گرفته است بهمه چیز را العلم و نه فرستادیم

من قبلك من رسول الا نوحي اليه انه لا اله الا انا فاعبدون

پیش از تو هیچ پیغمبری مگر آنکه وحی کردیم بسوی او که بدرستیکه نیست خدایی بجز من پس پرستید مرا

وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات

و یاد کن صاحب ماهی را وقتیکه رفت غضبناک پس گمان برد که ما تنگ نگیریم بر او پس ندا کرد در تاریکیها

واعولتاه يا عولتاه يا عولتاه يا شقوتاه يا شقوتاه يا شقوتاه يا ذلّاه

ای بیچارگی من ای بیچارگی من ای بیچارگی من ای بدبختی من ای بدبختی من ای بدبختی من ای خواری من

يا ذلّاه يا ذلّاه الى من والى عند من او كيف او بماذا او الى اىّ شىء

ای خواری من ای خواری من بسوی که و نزد که یا چگونه یا بکدام چیز یا بسوی چه چیز

ومن ارجوا ومن يعود علىّ ان رفضتنى يا واسع المغفرة وان قلت نعم

و که امید دارم یا کدام کس احسان کند بر من اگر ترک کنی مرا ای فراخ آمرزش و اگر گوئی آری

كما الظنّ بك فطوبى لى انا السعيد وطوبى لى انا المرحوم يا مترحّم

چنانکه گمان است بتو پس خوشا حال من منم نیکبخت پس خوشا حال من منم مرحوم ای رحم کننده

يا مترئف يا متعطّف يا متجبّر يا متملّك يا متسلّط لا عمل لى ارجو به

ای مهربان ای مهربان ای جبار ای مالک ای غالب نیست عملی مرا که امید دارم بان عمل

نجاح حاجتى ولا احد انفع لى منك يا من عرّفنى نفسه يا من اسكن [illegible]

برآمدن حاجت خود را و نیست کسی نفع رساننده تر مرا از تو ای کسیکه شناسانید مرا ذات خود را [illegible]

يا مدعوّ يا مسئول يا مطلوب اليه رفضت وصيّتك التى اوصيتنى

ای خوانده شده ای سوال کرده شده ای طلب کرده شده بسوی او ترک کردم وصیت ترا که وصیت کردی مرا

ولو اطعتك لكفيتنى ما قمت اليك فيه من قبل ان اقوم وانا مع

و اگر اطاعت میکردم ترا کفایت میکردی آنچه را ایستادم بسوی تو در ان پیش از ان که بایستم و من با وجود

معصيتى لك راج فلا تحل بينى وبين ما رجوته واردد يدى ملأى من

گناه خود مر ترا امید دارم پس حایل مشو میان من و میان آنچه امید دارم و برگردان دست مرا پر از

خيرك بحقك يا سيدى يا وليّى انا من قد عرفت شرّ شيئك وانت خير

خیر خود بحق خود ای سرور من ای یاور و مولای من منم کسی که بتحقیق شناختی بدتر بنده و تو بهتر

ربّ يا مخشىّ الانتقام يا ربّ يا ربّ يا ربّ يا الله يا الله يا الله يا محيط

پروردگاری ترسیده شده انتقام ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدا ای خدا ای خدا ای احاطه کننده

بِمَلَكُوتِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اَصْلِحْنِىْ لِدُنْيَاىَ وَاَصْلِحْنِىْ لِاٰخِرَتِىْ وَاَصْلِحْ

بملک آسمانها و زمین باصلاح آر مرا برای دنیای من باصلاح آر مرا برای آخرت و باصلاح آر مرا

لِاَهْلِىْ وَاَصْلِحْنِىْ لِوُلْدِىْ وَاَصْلِحْ لِىْ مَا خَوَّلْتَنِىْ يَا اِلٰهِىْ وَاَصْلِحْنِىْ مِنْ خَطَايَاىَ

برای اهل من باصلاح آر مرا برای فرزندان من باصلاح آر برای من آنچه عطا کردی ای خدای من و باصلاح آر مرا از خطاهای من

يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ تَفَضَّلْ عَلَىَّ بِرَحْمَتِكَ وَامْنُنْ عَلَىَّ بِاِجَابَتِكَ وَصَلِّ

ای بسیار رحمت ای بسیار نعمت تفضل کن بر من برحمت خود و احسان کن بر من باجابت خود و رحمت کن

اَللّٰهُمَّ عَلٰى مُحَمَّدٍ النَّبِىِّ وَاَهْلِهِ وَسَلِّمْ وَحُلْ بَيْنِىْ وَبَيْنَ مَا حُلْتَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ

بار خدایا بر محمد پیغمبر و اهل او و سلام فرست و حائل شو میان من و میان آنچه حائل شدی میان

اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْبَاطِلِ وَاٰتِنَا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِى الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً

اهل بیت محمد از باطل و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی

یا ارحم الراحمین پس بگوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ وَاِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَاحِدٌ لَا اِلٰهَ

ای بخشنده ترین بخشندگان بنام خدای بخشاینده مهربان و خدای شما خدائیست یکتا نیست خدائی

اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَىُّ الْقَيُّوْمُ لَا تَاْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ

مگر او که مهربان بخشاینده است خدائی که نیست خدائی بجز او زنده پاینده است نمی گیرد او را پینکی و نه خواب

لَهُ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى الْاَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِىْ يَشْفَعُ عِنْدَهُ اِلَّا بِاِذْنِهِ

مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است کیست آن کسی که شفاعت کند نزد خدا مگر باذن او

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيْطُوْنَ بِشَىْءٍ مِنْ عِلْمِهِ اِلَّا بِمَا شَاۤءَ وَسِعَ

میداند آنچه پیش روی آنهاست و آنچه پس آنها و احاطه نکنند بچیزی از علم او مگر بآنچه خواست فرا گرفته است

كُرْسِيُّهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَلَا يَؤُدُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِىُّ الْعَظِيْمُ

کرسی او آسمانها و زمین را و گران نمیکند خدا را نگاهداشتن آسمان و زمین و او بلند مرتبه بزرگ است

الۤمۤ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَىُّ الْقَيُّوْمُ هُوَ الَّذِىْ يُصَوِّرُكُمْ فِى الْاَرْحَامِ كَيْفَ

الف لام میم خدائی که نیست خدائی بجز او زنده پاینده است آنکسیکه صورت میکشد شما را در رحمها چنانکه

[illegible]

أن لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه

آنکه نیست خدائی بجز تو منزه هستی از نقصانها بدرستیکه من بودم از ستمکاران پس قبول کردیم دعای او و نجات دادیم او را

من الغم وكذلك ننجي المؤمنين فتعالى الله الملك الحق لا إله إلا هو

از غم و همچنین می رهانیم مومنان را پس برتر است خدای پادشاه ثابت نیست خدائی بجز او

رب العرش الكريم الله لا إله إلا هو رب العرش العظيم وهو الله

که پروردگار عرش بزرگست خدائیکه نیست خدائی بجز او پروردگار عرش بزرگ و اوست خدائی

لا إله إلا هو له الحمد في الأولى والآخرة وله الحكم وإليه ترجعون

که نیست خدائی بجز او مر او راست ستایش در دنیا و آخرت و مر او راست فرمان و بسوی او برگردانیده میشوید

يا أيها الناس اذكروا نعمة الله عليكم هل من خالق غير الله يرزقكم

ای مردمان یاد آورید نعمت خدا را بر شما آیا هست آفریننده غیر الله که روزی دهد شما را

من السماء والأرض لا إله إلا الله فأنى تؤفكون إنهم كانوا إذا قيل لهم

از آسمان و زمین نیست معبود بحق غیر از خدا پس بکجا برگردانیده میشوید بدرستیکه ایشان بودند که هرگاه گفته شد ایشان را

لا إله إلا الله يستكبرون ذلكم الله ربكم له الملك لا إله إلا هو فأنى

که نیست خدائی بحق غیر از خدا تکبر میکردند این است خدا پروردگار شما مر او راست پادشاهی نیست خدائی بجز او پس بکجا

تصرفون غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب ذي الطول

برگردانیده خواهید شد آمرزنده گناه و پذیرنده توبه سخت پاداش صاحب نیکی و فضل

لا إله إلا هو إليه المصير ذلكم الله ربكم خالق كل شيء لا إله إلا هو

نیست معبود بحق بجز او بسوی اوست بازگشت این است معبود پروردگار شما آفریننده هر چیز نیست خدائی بجز او

فأنى تؤفكون تبارك الله رب العالمين لا إله إلا هو يحيي ويميت ربكم

پس کجا برگردانیده خواهید شد بزرگست خدای پروردگار عالمیان نیست معبود بحق مگر او زنده میکند و میمیراند پروردگار شما

ورب آبائكم الأولين فاعلم أنه لا إله إلا الله واستغفر لذنبك

و پروردگار پدران شما که پیش از شما بودند پس بدانکه نیست معبود بحق بجز خدا و طلب آمرزش میکنم برای گناه خود

وللمؤمنين والمؤمنات والله يعلم متقلبكم ومثواكم لو انزلنا هذا

و برای مردان مؤمن و زنان مؤمنه و خدا میداند جای بازگشت شما و جای بودن شما اگر فرستادیم

القرآن على جبل لرأيته خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الامثال

قرآن را بر کوهی هر آینه میدیدی آن کوه را فروتنی کننده و پاره پاره شونده از بیم خدا و این مثلها اند

نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو عالم

که میزنیم آنها را برای مردم که شاید ایشان تفکر نمایند اوست خدای که نیست معبود حق مگر او داننده

الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الذي لا اله الا هو الملك القدوس

نهان و آشکار اوست مهربان بخشاینده اوست خدای که نیست معبود حق مگر او پادشاه پاک

السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو

سالم از عیبها امان دهنده حفظ کننده غالب صاحب جبروت صاحب کبر منزه است خدا از آنچه شریک میگردانند او

الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات

خدائی آفریننده پیدا کننده صورت بخش مر اوراست نامهای نیک تسبیح میکند مر او را آنچه در آسمانها

والارض وهو العزيز الحكيم الله لا اله الا هو وعلى الله فليتوكل المؤمنون

و زمین است و اوست غالب با حکمت خدا نیست خدای بجز او و بر خدا پس باید که توکل نمایند مؤمنان

رب المشرق والمغرب لا اله الا هو فاتخذه وكيلا پس هفت مرتبه بگو

پروردگار مشرق و مغرب نیست خدای بجز او پس بگیر او را وکیل و مددکار

وانه لكتاب عزيز لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل

و بدرستیکه قرآن کتابی عزیز است که نمی آید او را باطل از پیش او و نه از عقب و فرود آمده است

من حكيم حميد پس بگو آمنا بالله وما انزل الينا وما انزل الى ابراهيم

از جانب آنکه گفتارش درست کردار ایمان آوردیم بخدا و بآنچه فرستاده شد بسوی ما و بآنچه فرستاده شد بسوی ابراهیم

واسمعيل واسحق ويعقوب والاسباط وما اوتي موسى وعيسى وما اوتي

و اسمعیل و اسحق و یعقوب و فرزندزادها و بآنچه داده شد موسی و عیسی و بآنچه داده شدند

النبیون من ربهم لا نفرق بین احد منهم ونحن له مسلمون ربنا رب

انبیا از جانب پروردگار خود تفرقه نمیکنیم میان یکی از ایشان و ما او را فرمان برداریم پروردگار ما پروردگار

السموات والارض لن ندعو من دونه الها لقد قلنا اذا شططا الحمد

آسمانها و زمین ست هرگز نخواهیم خواند از غیر او خدایی هر آینه بتحقیق گفتیم آنگاه سخن بی‌راستی سپاس

لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله لقد جاءت

مر خدایی را که راه نمود ما را باین و نبودیم ما که راه بریم اگر نبود اینکه راه نمود ما را خدا هر آینه بتحقیق آمدند

رسل ربنا بالحق صلی الله علیهم اجمعین پس بگو السلام علیک یا رسول الله

فرستادهای پروردگار ما براستی درود فرستد خدا بر ایشان همه ایشان سلام بر تو باد ای فرستاده خدا

السلام علیک یا نبی الله السلام علیک یا خیرة الله من خلقه وامینه

سلام بر تو باد ای پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای برگزیده خدا از خلق او و امین خدا

علی وحیه السلام علیک یا مولای یا امیر المؤمنین السلام علیک

بر وحی او سلام بر تو باد ای مولای من ای امیر مؤمنان سلام بر تو باد

یا مولای انت حجة الله علی خلقه وامینه علی وحیه وباب علمه ووصی

ای آقای من تو حجت خدایی بر خلق او و امین خدایی بر وحی او و در دروازه علم او و وصی

نبیه والخلیفة من بعده فی امته لعن الله امة غصبتک حقک

پیغمبر او و جانشین پیغمبر بعد از او در امت او لعنت کند خدا گروهی را که غصب کردند حق ترا

وقعدت مقعدک انا بریء منهم ومن شیعتهم الیک السلام علیک

و نشستند بجای تو من بیزارم و دوری گزیدم از ایشان و از یاران ایشان بسوی تو سلام بر تو باد

یا فاطمة البتول السلام علیک یا زین نساء العالمین السلام علیک یا بنت

ای فاطمه بتول سلام بر تو باد ای زینت زنان عالمیان سلام بر تو باد ای دختر

رسول الله رب العالمین صلی الله علیک وعلیه السلام علیک یا ام السبطین

رسول خدا پروردگار عالمیان درود فرستد خدا بر تو و بر او سلام بر تو باد ای مادر سبطین پیغمبر

الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً غَصَبَتْكَ حَقَّكَ وَمَنَعَتْكَ مَا جَعَلَهُ

حسن و حسین لعنت خدا گروهی را که غصب کردند حق تو و منع کردند ترا از آنچه گردانیده بود

اللهُ لَكَ حَلَالًا اَنَا بَرِیءٌ اِلَی اللهِ وَاِلَیْكَ مِنْهُمْ وَمِنْ شِیعَتِهِمْ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا مَوْلَایَ یَا

خدا مر ترا حلال من بیزارم بسوی تو از ایشان و از یاران ایشان سلام بر تو باد ای آقای من ای

اَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ الزَّکِیَّ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا مَوْلَایَ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَبَایَعَتْ فِی

ابو محمد حسن پاک سلام بر تو باد ای آقای من لعنت خدا گروهی را که کشتند و بیعت کردند در

اَمْرِكَ وَشَایَعَتْ اَنَا بَرِیءٌ اِلَیْكَ مِنْهُمْ وَمِنْ شِیعَتِهِمْ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا مَوْلَایَ

کار تو و یاری هم کردند من بیزارم بسوی تو از آنها و از یاران آنها سلام بر تو باد ای مولای من

یَا اَبَا عَبْدِ اللهِ الْحُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْكَ وَعَلَی اَبِیكَ وَجَدِّكَ مُحَمَّدٍ

ای ابو عبدالله حسین پسر علی درودهای خدا بر تو باد و بر پدر تو و جد تو محمد

صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً اسْتَحَلَّتْ دَمَكَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ

رحمت فرستد خدا بر او و آل او لعنت خدا گروهی را که حلال دانستند خون ترا و لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا

وَاسْتَبَاحَتْ حَرِیمَكَ وَلَعَنَ اللهُ اَشْیَاعَهُمْ وَاَتْبَاعَهُمْ وَلَعَنَ اللهُ الْمُمَهِّدِینَ

و مباح دانستند حریم ترا و لعنت کند خدا یاران ایشان را و تابعان ایشان را و لعنت کند خدا تمهید کنندگان

لَهُمْ بِالتَّمْکِینِ مِنْ قِتَالِكُمْ اَنَا بَرِیءٌ اِلَی اللهِ وَاِلَیْكَ مِنْهُمْ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا مَوْلَایَ

مر ایشان را به توانائی دادن از کارزار شما من بیزارم و روگردانم بسوی خدا و بسوی تو از ایشان سلام بر تو باد ای مولای من

یَا اَبَا مُحَمَّدٍ عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا مَوْلَایَ یَا اَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ

ای ابو محمد علی پسر حسین سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو جعفر محمد پسر علی

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا مَوْلَایَ یَا اَبَا عَبْدِ اللهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ

سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو عبدالله جعفر پسر محمد سلام بر تو باد

یَا مَوْلَایَ یَا اَبَا الْحَسَنِ مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا مَوْلَایَ یَا اَبَا الْحَسَنِ

ای مولای من ای ابو الحسن موسی پسر جعفر سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو الحسن

علی بن موسی السلام علیک یا مولای یا ابا جعفر محمد بن علی السلام

علی پسر موسی ملقب برضا سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو جعفر محمد پسر علی سلام

علیک یا مولای یا ابا الحسن علی بن محمد السلام علیک یا مولای یا ابا محمد الحسن

بر تو باد ای مولای من ای ابو الحسن علی پسر محمد سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو محمد حسن

بن علی السلام علیک یا مولای یا ابا القاسم الحجة بن الحسن صاحب الزمان

پسر علی سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو قاسم حجت خدا پسر حسن صاحب زمان

صلی الله علیک وعلی عترتک الطاهرة الطیبة یا موالی کونوا شفعائی

رحمت فرستد خدا بر تو و بر عترت تو که پاک و پاکیزه اند ای آقایان من باشید شفیعان من

عند الله فی حط وزری وخطایای آمنت بالله وبما انزل الیکم واتوالی

نزد خدا در فرو ریختن گناهان من و خطاهای من و ایمان آوردم بخدا و بآنچه فرستاده شد بسوی شما

آخرکم بما اتوالی به اولکم وبرئت من الجبت والطاغوت واللات والعزی

باخر شما چنانکه پیروی میکنم بآن اول شما را و بیزار شدم از جبت و طاغوت و لات و عزی اینها

یا موالی انا سلم لمن سالمکم وحرب لمن حاربکم وعدو لمن عاداکم

ای آقایان من من صلح دارم با کسیکه صلح داشته باشد با شما و جنگم با کسیکه جنگ کند با شما و دشمنم با کسی که دشمنی کند با شما

وولی لمن والاکم الی یوم القیمة ولعن الله ظالمیکم وغاصبیکم ولعن الله

یارم مر کسی را که با شما یاری کند تا روز قیامت و لعنت کند خدا ستمکاران شما را و غصب کنندگان شما را و لعنت کند خدا

اشیاعهم واتباعهم واهل مذهبهم وابرأ الی الله والیکم منهم اللهم

دوستان ایشانرا و پیروان ایشانرا و اهل مذهب ایشانرا و بیزارم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان خداوندا

انی اشهدک وکفی بک شهیدا واشهد محمدا صلی الله علیه واله وعلیا

بدرستیکه گواه میگیرم ترا و کافیست که تو گواه باشی و گواه میگیرم محمد را رحمت فرستد خدا برا و و بر آل او و علی

والاوصیاء من ذریتهما والثمانیة حملة عرشک والاربعة الاملاک

و امامان را از ذریت و هشت فرشتگان حاملان عرش تو و چهار فرشتگان

خزنة علمك اني بريء من اعدائهم فصل على محمد وعلى اهل بيته الطيبين

خزانه داران علم تو برا اینکه من بیزارم از دشمنان ایشان پس محمد و بر اهل بیت او که پاک

الطاهرين الصلوة والسلام اللهم واقر عيني بصلوته وصلوة اهل بيته

و پاکیزه اند درود و رحمت خداوندا خنک کن چشم مرا به درود محمد و درود اهل بیت او

واجعل ما هديتني اليه من الحق والمعرفة بهم مستقرا لا مستودعا يا ارحم

و بگردان آنچه راه نمودی مرا بسوی آن از حق و شناسائی ایشان پایدار نه امانت بقرار بخشنده‌ترین

الراحمين اللهم وعرفني نفسك وعرفني رسلك وعرفني ملائكتك و

بخشندگان بار خدایا بشناسان مرا ذات خود را بشناسان مرا فرستادگان خود را بشناسان فرشتگان

عرفني ولاة امرك اللهم اني لا آخذ الا ما اعطيت ولا اوقى الا ما وقيت

بشناسان مرا والیان کار خود را بار خدایا بدرستیکه من نمیگیرم هر چیزی را که ببخشی و نگاهداشته نشوم مگر از آنچه نگاهداری

اللهم لا تخرجني منازل اوليائك ولا تزغ قلبي بعد اذ هديتني وهب لي

بار خدایا نا امید مگردان مرا از منزلهای اولیای خود و برمگردان دل مرا بعد از آنکه راه نمودی مرا و ببخش مرا

من لدنك رحمة انك انت الوهاب وهيئ لي من امري رشدا اللهم وعلمني

از نزد خود رحمتی بدرستیکه تو بسیار بخشنده و مهیا کن برای من از کار من راه راست بار خدایا بیاموز مرا

ناطق التنزيل وخلصني من المهالك اللهم وخلصني من الشيطان الرجيم

قران گویا و برهان مرا از هلاکها بار خدایا و برهان مرا از شیطان مردود

وحزبه ومن السلطان وجنده ومن الجبت وانصاره بحق محمد المحمود

و گروه او از پادشاه و لشکر او و از جبت و یاران او بحق محمد ستوده

وبعلي المقصود وبحق شبر وشبير وبحق تمام آل الحسنى صل على افضل

و بحق علی مقصد کرده شده و بحق حسن حسین و بحق تمام آل بسیار نیکو درود فرست بر

الصفوة انك على كل شيء قدير وانت بكل شيء محيط يا رب يا رب

برگزیدگان بدرستیکه تو بهمه چیز توانائی و تو بهمه چیز احاطه کننده ای پروردگار ای پروردگار

يا اللهُ يا اللهُ يا ربّاهُ يا ربّاهُ يا ربّاهُ يا سيّداهُ يا سيّداهُ يا سيّداهُ

ای خدا ای خدا ای خدا ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای آقای من ای آقای من ای آقای من

يا مولاهُ يا مولاهُ يا مولاهُ يا عمادَ من لا عمادَ له يا سندَ من لا سندَ له يا

ای مولای من ای مولای من ای مولای من ای ستون کسیکه نیست ستونی مر او را ای تکیه گاه کسیکه نیست تکیه گاهی مر او را ای

ذخرَ من لا ذخرَ له انتَ ربّي وانا عبدُك على عهدِك ووعدِك اللّهمّ

ذخیره کسیکه نیست ذخیره مر او را تو پروردگار منی و من بنده توام بر پیمان تو و وعده تو بار خدایا

اجعلهُ موقفاً محموداً ولا تجعلهُ آخرَ العهدِ منّا واشرِكنا في صالحِ دعاءِ

بگردان این مکان را جای ستوده و مگردان او را آخر عهد از ما و شریک گردان ما را در نیک دعای

من دعاكَ بمنى وعرفاتٍ ومزدلفةَ وعندَ قبرِ نبيّك عليه وآله السلام

کسیکه ترا دعا کند بمنی و عرفات و مزدلفه و نزد قبر پیغمبر تو بر او و آل او سلام باد

وعندَ زمزمَ والمقامِ اللّهمّ لكَ الحمدُ حيثُ دفعتَ اقدارنا عن شدّةِ الزنابير

و نزد زمزم و مقام ابراهیم بار خدایا مر تراست سپاس از حیثیت که بلند کردی شبهای ما را از سختی زنبورها

في الاوساطِ والخواتيمِ في الاعناقِ ولكَ الحمدُ حيثُ لم تجعلنا زنادقةً

در میانها و در گردنها و مر تراست سپاس از حیثیت که نگردانیدی ما را از زندیقان

مضلّين ولا مدّعيةً شاكّين مرتابين ولا معارضين ولا عن اهلِ بيتِ

گمراه کنندگان و نگردانیدی ما را از دعوی کنندگان شک آورنده ریب کننده نه معارضه کننده نه از آل

نبيّكَ صلّى الله عليه وآله منحرفين اللّهمّ كما بلّغتنا هذا اليومَ المبارك

پیغمبر خود که رحمت فرستد خدا بر او و آل او انحراف کنندگان بار خدایا چنانچه رسانیدی ما را این روز مبارک

من شهرِنا وسنتِنا هذهِ المباركةِ فبلّغنا آخرَها في عافيةٍ

از ماه ما و سال ما این سال مبارک پس برسان ما را آخر این سال در عافیت

وبلّغنا اعواماً كثيرةً برحمتِك يا ارحمَ الراحمين يا ربّ يا ربّ يا ربّ

و برسان ما را سالهای بسیار برحمت خود ای مهربان ترین مهربانان ای پروردگار من ای پروردگار من

يا الله يا الله يا الله يا ربّاه يا ربّاه يا ربّاه يا سيّداه يا سيّداه يا سيّداه

اى خدا اى خدا اى خدا اى پروردگار من اى پروردگار من اى پروردگار من اى سرور من اى سرور من اى سرور من

يا مولاه يا مولاه يا مولاه اللّهمّ وما قسمت لى فى هذه الساعة وفى هذا

اى مولاى من اى مولاى من اى مولاى من بار خدايا و آنچه قسمت كردى براى من در اين ساعت و در اين

اليوم وفى هذا الشهر وفى هذه السنة من خير او بركة او عافية او مغفرة

روز و در اين ماه و در اين سال از خير يا بركت يا عافيت يا آمرزش

او رافة او رحمة او عتق من النار او رزق واسع حلال طيّب او توبة

يا مهربانى يا بخشايش يا آزادى از آتش يا روزى فراخ حلال پاك يا توبه

نصوح فاجعل لنا فى ذلك اوفر النصيب واجزل الحظّ اللّهمّ وما انت

راست و درست پس بگردان براى ما در آن وافرتر بهره و بزرگتر نصيبى بار خدايا و آنچه فرود آرى

فى هذه الساعة وفى هذا اليوم وفى هذا الشهر وفى هذه السنة من حرق

در اين ساعت و در اين روز و در اين ماه و در اين سال از سوختن

او شرق او غرق او هدم او ردم او خسف او قذف او رجف او مسخ او

يا گلو گرفتن يا غرق شدن يا بر سر افتادن خانه يا افتادن ديوار يا بزمين فرو رفتن يا سنگ انداختن يا لرزه يا مسخ

صيحة او زلزلة او فتنة او صاعقة او بلاء او جنون او جذام او برص

بانگ زدن يا زلزله يا فتنه يا صاعقه يا بلا يا جنون يا خوره يا پيسى

او اكل سبع او ميتة سوء او جميع انواع البلاء فى الدنيا والآخرة

يا خوردن درنده يا مردن بد و همه اقسام بلا در دنيا و آخرت

فاصرفه عنّا كيف شئت وانّى شئت وعن جميع المؤمنين فى كلّ دار

پس بگردان آن را از ما هر قسم كه خواهى و هر جا كه خواهى و از همه مؤمنان در هر خانه

ومنزل فى شرق الارض وغربها عزّ جارك وجلّ ثناؤك ولا اله غيرك

و جايگاه در مشرق زمين و مغرب زمين عزيز است پناه برنده تو و بزرگ است ثناى تو و نيست خدايى غير تو

وحدك لا شريك لك فاطر السموات والارض عالم الغيب والشهادة

یگانه تو نیست شریکی مر ترا ای پیدا کننده آسمانها و زمین دانای پنهان و آشکار

رب كل شيء ومليكه اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد

پروردگار هر چیز و مالک آن شهادت میدهم که نیست خدائی بجز خدا یگانه نیست شریکی مر او را و گواهی میدهم

ان محمدا صلى الله عليه واله عبده ورسوله واشهد ان الجنة حق والنار

اینکه بدرستیکه محمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او بنده او و فرستاده اوست و گواهی میدهم بدرستیکه بهشت حق است و دوزخ

حق وان الساعة اتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور واشهد

حق است و بدرستیکه قیامت آینده است نیست شکی در قیامت و بدرستیکه خدا برمی انگیزد آنها را که در قبرها اند و گواهی میدهم

ان لا اله الا الله وحده لا شريك له عليها احيا وعليها اموت وعليها ابعث

که نیست معبود بحق مگر خدای یکتا که نیست انبازی مر او را بر این شهادت زنده ام و بر این میمیرم و بر این شهادت مبعوث میشوم

حيا ان شاء الله رضيت بالله ربا وبالاسلام دينا وبمحمد صلى الله عليه

زنده اگر خواهد خدا راضیم بخدا از جهت پروردگار و باسلام از جهت دین و به محمد رحمت فرستد خدا بر او

واله نبيا وبعلي وليا وبالقرآن كتابا وبالكعبة قبلة وبابراهيم عليه السلام

و آل او از جهت پیغمبری و بعلی از راه ولایت و بقرآن از راه کتاب و بکعبه از راه قبله و بابراهیم سلام

لنبينا ابا وبمحمد صلى الله عليه واله نبيا وبامير المؤمنين صلوات الله

مر نبی ما را از روی پدری و بمحمد درود فرستد خدا بر او و آل او از جهت پیغمبری و با امیر مومنان درودهای خدا

عليه للحق موضحا وللجنة والنار قاسما وبالاوصياء من ذريته

بر او باد برای حق روشن کننده و مر بهشت و دوزخ را قسمت کننده و باوصیا از اولاد او

ائمة وبالمؤمنين من شيعته اخوانا لا اشرك بالله شيئا ولا

از روی پیشوائی و بمومنان از یاران او از جهت برادران شریک نمیگردانم بخدا چیزی را و

اتخذ من دونه وليا ولا ادعى معه الها لا اله الا الله وحده

نمیگیرم از غیر خدا دوست و یاوری و ادعا نمی کنم با او خدای نیست معبود بحق مگر خدای یگانه

وبالله لهذا الاجم من عين ... عليك من جن او من انس ... اقسمت عليك ... بالذي اتخذ ابراهيم خليلا وكلم موسى تكليما وخلق عيسى من روح القدس ... هدأت وطفئت ... باذن الله

لا شريك له الهاً واحداً فرداً صمداً لم يتخذ صاحبة ولا ولداً اللهم

نيست شريكي مر او را خداي يكتا يگانه بي همتا كه نگرفته براي خود زني و نه فرزندي بار خدايا

إني أسألك بالعظيم من آلائك والقديم من نعمائك والمخزون

بدرستيكه من سوال ميكنم بنعمت بزرگ از نعمتهاي تو و بنعمت ديرين از نعمتهاي تو و بپنهان

من أسمائك وما وارت الحجب من بهائك ومعاقد العز من عرشك

از نامهاي تو و آنچه پوشيده است آنرا حجابها از بزرگي تو و عقده كاهها عزت از عرش تو

ومنتهى الرحمة من كتابك وبك وحدك لا شريك لك أن تصلي

و منتهاي بخشايش از كتاب تو و سوال ميكنم بتو تنهائي تو نيست شريكي مر ترا اينكه درود فرستي

على محمد وآل محمد وأن ترحم هذه النفس الجزوع وهذا البدن

بر محمد و آل محمد و اينكه رحم كني برين نفس بسيار زاري كننده و رحم كني برين تن

الهلوع الذي لا يطيق حر شمسك فكيف حر نارك إن تعاقبني

بسيار جزع كننده كه طاقت ندارد گرمي آفتاب ترا پس چگونه تاب مي آرد آتش ترا اگر عقاب كني مرا

لا يزيد في ملكك شيء وإن تعف عني لا ينقص من ملكك شيء

زياده نمي شود در ملك تو چيزي و اگر عفو كني از من كم نميشود از ملك تو چيزي

أنت يا رب بخلقك أرحم وبعبادك أعلم وبسلطانك أرأف

تو اي پروردگار من بخلق خود مهربانتري از ديگران به بندهاي خود داناتري و بسلطان خود مهربان

وبملكك أقدم وبعفوك أكرم وعلى عبادك أنعم

و بپادشاهي خود قديم تري و بعفو خود كريم تري و بر بندهاي خود نعمت دهنده تري

لا يزيد في ملكك طاعة المطيعين ولا ينقص منه معصية

نمي افزايد در پادشاهي تو فرمانبري مطيعان و كم نميكند از آن [illegible] گناه

العاصين فاعف عني يا أكرم الأكرمين ويا أرحم الراحمين

گناه كاران پس عفو كن از من اي كريم ترين كرم كنندگان و اي بخشنده ترين بخشندگان

أَلُوذُ بِعِزَّتِكَ وَأَسْتَظِلُّ بِفِنَائِكَ وَأَسْتَجِيرُ بِقُدْرَتِكَ وَأَسْتَغِيثُ

پناه میبرم بعزت تو وسایه میگیرم بساحت تو و پناه میگیرم بتوانائی تو واستغاثه می نمایم

بِرَحْمَتِكَ وَأَعْتَصِمُ بِحَبْلِكَ وَلَا أَثِقُ إِلَّا بِكَ وَلَا أَلْجَأُ إِلَّا إِلَيْكَ

برحمت تو و چنگ میزنم بریسمان تو و اعتماد نمیکنم مگر بر تو و پناه نمی برم مگر بسوی تو

يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ يَا كَاشِفَ الْبَلَاءِ وَيَا أَحَقَّ مَنْ تَجَاوَزَ وَعَفَا

ای بزرگ امید ای برطرف کننده رنج و ای سزاوارتر از هر که درگذرد و ببخشد

اللَّهُمَّ إِنَّ ظُلْمِي مُسْتَجِيرٌ بِعَفْوِكَ وَخَوْفِي مُسْتَجِيرٌ بِأَمَانِكَ وَفَقْرِي

بار خدایا بدرستیکه ظلم من پناه برنده است بعفو تو و بیم من پناه برنده است بامان تو و ناداری

مُسْتَجِيرٌ بِغِنَاكَ وَوَجْهِي الْبَالِي الْفَانِي مُسْتَجِيرٌ بِوَجْهِكَ الدَّائِمِ

پناه برنده است بتوانگری تو و روی کهنه فانی من پناه برنده است بذات پایدار

الْبَاقِي الَّذِي لَا يَفْنَى وَلَا يَزُولُ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ

باقی تو که فانی نمی شود و برطرف نمی شود ای کسیکه باز نمی دارد او را کاری از کاری

لَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا

مگردان مصیبت ما را در دین ما و مگردان دنیا را بزرگترین قصد ما

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِنَا

و مسلط مکن بر ما کسی اگر رحم نکند بر ما و رجوع کن بحلم خود بر جهل ما

وَبِإِحْسَانِكَ عَلَى إِسَاءَتِنَا وَبِقُوَّتِكَ عَلَى ضَعْفِنَا وَبِغِنَاكَ عَلَى

و باحسان خود بر بدی ما و بتوانائی خود بر ناتوانی ما و بتوانگری خود بر

فَقْرِنَا وَأَعِذْنَا مِنَ الْأَذَى وَالْقَذَى وَالضُّرِّ وَسُوءِ الْقَضَاءِ

ناداری ما و پناه ده ما را از آزار و از آنچه در چشم افتد و ضرر و بدی قضا

وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْمَالِ وَالدِّينِ وَالْأَهْلِ

و سرزنش دشمنان و بدی نظر در مال و دین و در مردم خانه

والولد وعند معاينة ملك الموت اللهم يا رب نشكو اليك

و نزد مشاهده فرشته موت بار خدایا ای پروردگار من شکایت میکنیم بسوی تو

غيبة نبينا عنا وقلة ناصرنا وكثرة عدونا وشدة الزمان

غایب شدن پیغمبر خود را از ما و کمی یاری دهنده خود را و بسیاری دشمن خود را و سختی زمانه را

علينا ووقوع الفتن بنا وتظاهر الخلق علينا اللهم صل على محمد

بر ما و واقع شدن فتنه ها با ما و باهم یاری کردن خلق بر ما بار خدایا رحمت بفرست بر محمد

وآل محمد وافرج ذلك بفرج منك تعجله ونصر تعزه وحق تظهره

و آل محمد و بگشا آن را بگشایشی از جانب خود که زود بیاری آن را و یاری که عزیز کنی آن را و حقیکه آشکار کنی آن را

اللهم وابعث بقائم آل محمد صلى الله عليه وآله للنصر لدينك

بار خدایا و برانگیز قائم آل محمد را رحمت فرستد خدا بر او و آل او برای یاری دادن دین تو

واظهار حجتك والقيام بامرك وتطهير ارضك من ارجاسها

و آشکار کردن حجت تو و قائم بودن بکار تو و پاک کردن زمین تو از پلیدیها

برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اني اعوذ بك ان اوالي لك عدوا

برحمت خود ای مهربان ترین مهربانان خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از اینکه دوستی کنم من از برای تو دشمنی را

او اعادي لك وليا او اسخط لك رضا او ارضى لك سخطا او اقول

یا دشمنی کنم کسی را که دوست تست یا غضب کنم مر آنچه خشنودی یا خوشنود شوم مر غضبی را یا بگویم

للحق هذا باطل او اقول للباطل هذا حق او اقول للذين كفروا هؤلاء

حق که این باطل است یا بگویم مر باطل را که این حق است یا بگویم مر آنان را که کافر شدند که این جماعت

اهدى من الذين آمنوا سبيلا اللهم صل على محمد وآله وآتنا في

راه برنده ترند از آنان که ایمان آورده اند براه راست بار خدایا رحمت بفرست بر محمد و آل او و بده ما را در

الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا برحمتك عذاب النار

دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاه دار ما را برحمت خود از عذاب دوزخ

مؤلف گوید که این جزوی است از دعای طولانی که از حضرت صادق علیه السلام منقول است و ادعیهٔ عرفه بسیار است و در کتاب بحار الانوار و رساله علیحده جمع کرده‌ام و اکثر خلق را آنچه مذکور شد درین رساله کافی است و سابقا مذکور شد که عمل استفتاح را نیز درین روز می‌توان کرد

فصل سوم در بیان اعمال ضروریهٔ شب عید قربان و روز عید و شش ایام تشریق است یعنی یازدهم و دوازدهم و سیزدهم بدانکه شب عید اضحی از جملهٔ چهار شبی است که احیای آنها سنت مؤکده است و منقول است که درین شب درهای آسمان بسته نمی‌شود برای آنکه صداهای دعای حاجیان بالا رود و صداهای ایشان در آسمان پیچیده است مانند صدای مگس عسل در میان کندو و حق تعالی حاجیان را ندا کند که منم پروردگار شما و شمائید بندگان من و حق مرا ادا کردید و بر من لازم است که دعای شما را مستجاب گردانم پس هر که مستحق آمرزش است همه گناهان او را می‌آمرزد و هر که سزاوار آن نیست گناهانش را کم می‌کنند پس هر که با ایشان در عبادت و دعا شریک شود در ثواب با ایشان شریک خواهد بود و غسل و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام درین شب سنت است و منقول است که هر که درین شب آنحضرت را زیارت کند گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده شود و اما اعمال روز عید غسل در آن سنت مؤکده است و بعضی واجب دانسته‌اند و بهتر آن است که پیش از نماز غسل کند و نماز عید بنا بر مشهور در زمان غیبت امام علیه السلام سنت مؤکده است و بگمان فقیر واجب است بشرائط مقرره و نمازش بهمان کیفیتی است که در عید فطر مذکور شد و دعای پیش از رفتن بنماز عید آنجا مذکور شد و دعاهای بسیار و بعد از آن وارد شده است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و بهترین دعاها بعد از نماز دعای چهل و ششم صحیفهٔ کامله است که اولش اینست اللّهمّ هذا یوم مبارک و اگر دعای چهل و هشتم را که اولش یا من یرحم من لا یرحمه العباد است نیز بخواند بهتر است زیرا که در بعضی از نسخ صحیفه استحباب خواندن آن دعا نیز وارد شده است و دعای ندبه که بهترین دعاهاست در این روز و سایر اعیاد سنت است خواندن چنانچه بعد ازین ان شاء الله تعالی در ضمن زیارات ذکر خواهد شد و درین عید سنت است که افطار بعد از نماز از گوشت قربانی بشود

واز جمله احکام این عید قربانی ست و آن سنت موکدست و بعضی از علما واجب
دانسته اند اگر قدرت بران داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که اضحیه واجب ست بر هر مسلمانی و فرمود که از برای خود البته بکن و از برای عیال خود
اگر خواهی بکن و اگر خواهی مکن و از ام سلمه زوجه حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که بحضرت عرض کرد که عید اضحی حاضر شود و من قیمت اضحیه ندارم آیا قرض کنم و ضحیه بکنم
حضرت فرمود که قرض کن که آن قرض را خدا ادا میکند و بهتر آنست که در روز عید بکشند
و در روز یازدهم و دوازدهم نیز می تواند کشت و اگر در منی باشد در روز سیزدهم نیز
می تواند کشت و بهتر آنست که در دهه ذی الحجه خریده باشد و مکروه است قربانی
کردن حیوانی که در خانه تربیت کرده باشد و می باید که شتر یا گاو یا گوسفند یا بز بوده باشد
و حیوانات دیگر را قربانی نمی توان کرد و اگر شتر باشد می باید که پنج سال تمام و ششم را داخل شده باشد
یا زیاده و اگر گاو یا بز باشد می باید یکسالش تمام شده باشد و داخل سال دوم
شده باشد و اگر دو سال تمام داشته باشد بهترست و اگر گوسفند باشد شش ماهه
کافی ست و اگر هفت ماهش تمام باشد بهترست و می باید نقصی در اعضایش
نبوده باشد و کور یک چشم یا هر دو چشم نبوده باشد و بسیار لنگ نباشد
که راه رفتن بران دشوار باشد و گوشش بریده نباشد و اگر شق شده باشد
و جدا نشده باشد باکی نیست و اگر شق نیز نباشد بهترست و باید که مغز
شاخش نشکسته باشد بهترست و بهتر آنست که بیمار و بسیار پیر نبوده باشد
و سنت ست که فربه باشد و باید که بسیار لاغر نباشد که پیه بر گرده اش
نباشد و باید که خصی نباشد یعنی خصیه اش را بریده باشند و مکروه ست اگر
خصیه اش را مالیده باشند و اگر بغیر خصی بهم نرسد خصی را قربانی می توان کرد
و سنت ست که اگر قربانی شتر یا گاو باشد ماده باشد و اگر گوسفند یا بز باشد نر
باشد و سنت ست که خود بکشد و اگر نتواند دست بر روی دست قصاب بگذارد و

رو بقبله کند و طریق کشتن آنست که اگر شتر باشد نحر کند یعنی حربه را مانند کارد یا نیزه
در گودال پائین گردنش فرو برد و اگر بعوض آن ذبح کند حرام میشود و واجبست
که رو بقبله بدارد آنرا و نام خدا ببرد و سنت است که آنرا ایستاده بدارد رو بقبله
و هر دو دستش را از سر تا بازانو بر پیش پائی بسته ببرد یکدیگر بپیچد و آنکه نحر میکند در
جانب راست شتر بایستد و حربه را در نحرش فرو برد و اگر گاو یا گوسفند یا
بز باشد باید که چهار رگ گردن ببرد یعنی حلقوم و دو رگ بزرگ که هر دو جانب
حلقوم است و رگی که در پشت حلقوم است که آب و علف از آن رگ بجوف آن
حیوان میرود و اگر اینها را نحر کند حرام میشوند و سنت است که دعا بخواند در
وقت کشتن چنانچه بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که چون قربانی را بخری روی آن بقبله کن و در وقت
نحر یا ذبح بگو

وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ
متوجه گردانیدم روی خود را بسوی کسیکه پیدا کرده است آسمانها و زمین را در حالتیکه مایلم بحق و مسلمانم و نیستم از مشرکان
إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ أُمِرْتُ
بدرستیکه نماز من و عبادتهای من و زندگی من و مرگ من از برای خداوند پروردگار عالمیانست نیست شریکی او را و باین مأمور شده‌ام
وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللّٰهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ پس نحر یا ذبح کند و بگو اللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي
و من از مسلمانانم بار خدایا این قربانی از تست و برای تست بنام خدا و خدا بزرگتر است خداوندا بپذیر از من
پس بگذارد تا بمیرد و سرش را جدا مکن و چون پوست بکند سنت است که یک حصه را خود و اهل خانه‌اش
بخورند و بهتر آنست که خود از آن افطار کند و یک حصه را برای همسایگان بهدیه بفرستند
و اگر پریشان باشند بهتر است و یک حصه را بفقرا و سؤال کنندگان بدهد و اگر اکثر را تصدق کند
بهتر باشد و سنت است که پوست و کله و جمیع اجزا را تصدق کند و بقصاب ندهد مگر آنکه قصاب از ایشان باشد
و بعضی از علما گفته‌اند که حدیث صحیح وارد شده است که بعد از سه روز گوشت قربانی را نگاه ندارند و در حدیث دیگر اگر خواهند

یافت نشود سنت است که قیمت و ثلثش را تصدق کند و اگر یک حیوان برای خود
و عیال بکشد کافیست و اگر یکی برای خود و یکی برای عیال بکشد بهتر است و اگر بعدد
عیال بکشد ثوابش بیشتر خواهد بود و از برای پدر و مادر و اولاد و خویشان که مرده باشند قربانی کردن
خوب است و اگر برای حضرت رسول و ائمه صلوات الله علیهم قربانی کند ظاهرا خوبست و منقول
است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم دو گوسفند قربانی کردند و در اول فرمودند که خداوندا
این از من و از هر که قربانی نکرده است از اهل بیت من و در دوم فرمودند که خداوندا
این از من و از هر که قربانی نکرده است از امت من و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
هر سال اول یک گوسفند قربانی میکرد و می فرمود خداوندا این از پیغمبر است پس گوسفند
دیگر از برای خود قربانی میفرمود و اگر جمعی قادر نباشند که قربانی جدا بکنند جائز است که بهم
شریک شوند تا هفت نفر بلکه هفتاد نفر حق تعالی فرموده است که خدا را یاد کنید در ایام معدودات
یعنی در روزی چند شمرده شده و در احادیث معتبره منقول است که مراد تکبیر گفتن است در
ایام تشریق پس هر که در منی باشد عقیب پانزده نماز بگوید که اولش ظهر روز عید است
و آخرش صبح روز سیزدهم و در سائر شهرها عقیب ده نماز که از ظهر روز عید است
تا صبح روز دوازدهم و مشهور استحباب است و بعضی واجب دانسته اند
و اولش بعد از هر نماز یک مرتبه است و اگر مکرر بگوید بهتر است و بعد از نماز نافله نیز اگر
بگوید خوب است و طریق تکبیر موافق حدیث صحیح این است

اللّٰه اکبر اللّٰه اکبر لا اله الا اللّٰه واللّٰه اکبر اللّٰه اکبر
خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است نیست معبودی بحق جز او و خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است
ولله الحمد اللّٰه اکبر علی ما هدانا اللّٰه اکبر
و مر خدا راست ستایش خدا بزرگتر است برانچه راه نمود ما را خدا بزرگتر است
علی ما رزقنا من بهیمة الانعام والحمد لله علی ما ابلانا
برانچه روزی داد ما را از چهارپایه چرنده و حمد مر خدا راست برانچه ازمایش نمود ما را

فصل چهارم در فضائل و اعمال شب و روز عید غدیر است روز عید غدیر بجد بهم این امت
و عظیم‌ترین اعیاد است و احادیث از طرق عامه و خاصه در فضیلت این روز و اعمال آن زیاده
از حد و احصا است و درین مقام بچند حدیث اکتفا می‌نماید بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه
السلام منقول است که چون روز قیامت شود چهار روز را بنزد عرش الهی برند با زینت تمام
مانند عروسی که بخانه داماد برند روز عید اضحی و روز عید فطر و روز جمعه و روز عید غدیر و روز عید
غدیر در میان آنها مانند ماه باشد در میان ستارگان و آن روزیست که حق تعالی ابراهیم
خلیل علی نبینا و علیه السلام را از آتش نجات داد و این روز را روزه داشت برای شکر
حق تعالی و آن روزیست که خدا دران روز کامل گردانید دین را با آنکه حضرت رسول صلی
الله علیه و آله و سلم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را نصب کرد بخلافت و فضیلت او را و وصی
بودن او را ظاهر گردانید بر مردم پس روزه داشت این روز را و این روز کامل شدن
دین است و روزی است که بینی شیطان بر خاک مالیده شده است و روزیست که اعمال
شیعیان و محبان آل محمد درین روز مقبول می‌شود و این روزیست که حق تعالی
عملهای مخالفان و سنیان را باطل میکرداند مانند ذره‌ها که در میان هوا پراکنده میشود و
این روزیست که خدای عز و جل امر میکند جبرئیل را که نصب کند کرسی کرامت خدا را
در برابر بیت المعمور و جبرئیل بران کرسی بالا میرود و ملائکه از جمیع آسمانها نزد او جمع میشوند و ثنا
می‌کنند بر محمد و آل محمد و استغفار می‌کنند برای شیعیان امیر المؤمنین و ائمه طاهرین صلوات
الله علیهم اجمعین و دوستان ایشان از فرزندان آدم و این روزیست که امر میکند
حق تعالی ملائکه نویسندگان اعمال را که قلم بردارند از محبان اهل بیت و شیعیان
ایشان تا سه روز از روز غدیر و ننویسند هیچ خطا و گناه ایشان را برای کرامت محمد و علی و
ائمه صلوات الله علیهم و این روزیست که خدا مخصوص محمد و آل محمد و شیعیان ایشان کرده است
و این روزیست که خدا زیاد میکرداند مال کسی را که عبادت خدا کند درین روز و توسعه دهد
روزی بر عیال خود و برادران مؤمن خود و او را آزاد میکرداند از آتش جهنم و این روز سنت

که خدا سعی شیعیان را شکر میکند یعنی مزد میدهد و گناه ایشان را می آمرزد و عمل ایشان را قبول میکند و این
روزیست که خدای تعالی غمهای شیعیان را زائل میگرداند و گناهان ایشان را کم میکند و روز بخشش
است و روز عطیه است و روز پهن کردن علم است و روز بشارتست و روز عید بزرگست و
روزیست که دعاها در آن مستجاب میگردد و روز موقف بزرگست و روز پوشیدن جامهای نیکو
و روز بخشیدن گناهان شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام است و روزیست که بسیار صلوات باید فرستاد
بر محمد و آل محمد و روز خشنودیست و روز عید اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و روز قبول
اعمالست و روز طلب کردن زیادتیست و روز استراحت مومنانست و روز سوداگری ایشانست و روز دوستی
کردن شیعیانست با یکدیگر و روز رسیدن برحمت خداست و روز ترک کبایر و گناهانست و روز عبادتست
و روز افطار فرمودن روزه داران است پس که روزه داری را درین روز افطار فرماید
چنانست که ده فیام را طعام کرده باشد و هر فیامی صد هزار کس است و روز تهنیت
و مبارکباد است پس مومن که دیگری را ملاقات کند چنین تهنیت بگوید که
الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیر المؤمنین والائمة علیهم السلام
یعنی حمد و سپاس خدای را سزاست که گردانید ما را از آنها که چنگ زده اند در ولایت و محبت
پادشاه مومنان و ائمه علیهم السلام این روز تبسم است در روی مومنان پس هر که تبسم کند
در روی برادر مومن خود در روز عید غدیر حق تعالی نظر کند در روز قیامت بسوی او برحمت
و برآورد هزار حاجت او را و بنا کند در بهشت از برای او قصری از مروارید سفید و روی او را
نورانی گرداند و این روز زینت است پس هر که زینت کند برای روز غدیر حق تعالی بیامرزد
از برای او هر گناهی که کرده است صغیره یا کبیره و بفرستد حق تعالی بسوی او ملکی چند را که بنویسند
برای او حسنات و بلند گردانند برای او درجات تا سال آینده مثل این روز پس اگر بمیرد شهید
مرده باشد و ثواب شهیدان نوشته باشد و اگر زنده باشد سعادتمند زندگانی کند و هر که طعامی
بدهد درین روز مومنی را چنان باشد که طعام داده باشد جمیع پیغمبران و صدیقان را و هر که
دیدن کند درین روز مومنی را او اجل کرده خدای تعالی در قبر او هفتاد نور و قبرش را

گشاده کرده اند و زیارت کنند او را در قبر او هر روز هفتاد هزار ملک بشارت دهند او را به بهشت

و در روز غدیر حق تعالی عرض کرد ولایت و امامت و محبت ما اهل بیت را بر اهل آسمانها سبقت گرفتند

پس پیشی گرفتند به اقرار به آن اهل آسمان هفتم پس زینت داد آن را به عرش پس بعد از ایشان سبقت گرفتند اهل آسمان

چهارم به اقرار به آن پس زینت داد آن را به بیت المعمور پس سبقت گرفتند به آن اهل آسمان اول پس

زینت بخشید به ستارگان پس حق تعالی عرض کرد ولایت ما را بر زمینها پس پیشی گرفت به اقرار به آن

مکه معظمه پس زینت داد آن را به کعبه پس پیشی گرفت مدینه طیبه پس زینت داد آن را به محمد مصطفی صلی الله علیه و آله

پس سبقت گرفت بسوی آن شهر کوفه پس زینت داد آن را به قبر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس عرض

کرد ولایت ما را بر کوهها پس اول کوهی که اقرار کرد سه کوه بود کوه عقیق و کوه فیروزه و کوه یاقوت و بدین

سبب این جوهرها در آنها بهترند پس کوههای دیگر سبقت گرفتند و به این سبب معدن طلا و نقره و سایر معدنها

گردیدند و هر یک که اقرار نکرد معدن هیچ چیز نگردید باز در روز غدیر عرض کرد ولایت ما را بر آبها هر

قبول کرد شیرین شد و هر چه قبول نکرد شور و تلخ شد پس عرض کرد ولایت ما را بر مرغان هر یک قبول کرد

سخن گو و خوش آواز گردید و هر که قبول نکرد لال و بد آواز گردید و مثل منافقان در قبول کردن ولایت

امیر المؤمنین علیه السلام در روز غدیر مانند مثل ملائکه است در قبول کردن سجده حضرت آدم علیه السلام و مثل آنها که قبول

ولایت آن حضرت نکردند در روز غدیر مثل شیطان است در قبول نکردن سجده آدم علیه السلام و در روز غدیر نازل شد این آیه

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا

یعنی امروز کامل گردانیدم برای شما دین شما را و تمام گردانیدم بر شما نعمت خود را و پسندیدم اسلام را برای

دین شما پس حضرت فرمود که نفرستاده است خدا پیغمبری را که آنکه وصی و خلیفه خود را در این روز نصب کرده

است و کلینی بسند معتبر روایت کرده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا مسلمانان را عیدی

غیر جمعه و اضحی و فطر هست فرمود عیدی هست که از همه عیدها بزرگتر است راوی گفت کدام عید است فرمود که آن

روزی که نصب کرد رسول صلی الله علیه و آله و سلم حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام را از برای خلافت و فرمود

که هر که من مولای اویم پس علی مولای او است و آن روز هجدهم ذی الحجه است راوی گفت

چه کار در آن باید کرد فرمود که باید روزه بدارید و عبادت کنید و صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله

یاد کنید و بر ایشان صلوات بفرستید و وصیت کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین
علیه السلام را که این روز را عید کرداند و هر پیغمبری وصی خود را وصیت میکرد که این
روز را عید کردانند و بروایت دیگر فرموده که روزه روز غدیر کفاره شصت سال
کناه است و بروایت دیگر منقول است که مفضل از حضرت صادق علیه السلام پرسید
کدام مسکنی مرا که روز غدیر را روزه بدارم فرمود آری و الله آری و الله بدرستیکه
که درین روز خدا توبه حضرت آدم علیه السلام را قبول کرد بشکر آن این روز را
روزه داشت و درین روز خدا حضرت ابراهیم را از آتش نجات داد و بشکر آن
این روز را روزه داشت و درین روز حضرت موسی هارون را وصی خود کردانید
و این روز را بشکر این نعمت روزه داشت و درین روز حضرت عیسی علیه السلام
وصیت وصی خود شمعون الصفا را ظاهر کردانید و این روز را بشکر حق سبحانه و تعالی
روزه داشت و درین روز حضرت رسول صلی الله علیه و اله و سلم حضرت امیر المؤمنین
علی علیه الصلوة و السلام را خلیفه و جانشین خود کردانید و فضیلت و وصایت
او را بر خلق ظاهر کردانید و این روز را بشکر این نعمتها روزه داشت و این روز روزه
داشتن است و روز عبادتست و روز طعام دادن است و روز نیکی کردن است
با برادران مومن و روزیست که خدا از مؤمنان خشنود میکردد و بینی شیطان بخاک
مالیده میشود و بسند معتبر از ابن ابی نصر منقول است که کفت روزی در خدمت حضرت
امام رضا علیه السلام بودم و جماعت بسیاری حاضر بودند پس فضیلت روز غدیر مذکور شد
و بعضی از حاضران انکار کردند حضرت فرمود که پدرم از پدرش روایت کرد که روز
غدیر در آسمان مشهورتر است از زمین بدرستیکه خدا را در فردوس اعلی قصری
هست که یک خشت آن از طلاست و یک خشت از نقره و در آن قصر صد
هزار قبه است از یاقوت سرخ و صد هزار خیمه است از یاقوت سبز و خاکش
مشک و عنبر است و در آن چهار نهر جاریست نهری از شراب و نهری از آب

ونهری از شیر و نهری از عسل و در دو را آن درختان است از انواع میوه ها و بران درختان
مرغان خوش الحان هستند بدنهای آنها از مروارید است و بالهای آنها از یاقوت و بانواع
نغمه ها خوانندگی می کنند و چون روز عید غدیر می شود در ان قصر حاضر می شوند جمیع
اهل آسمانها و تسبیح و تقدیس حق تعالی میکنند و آن مرغان پرواز میکنند و در میان
آن آب فرو میروند و بران مشک و عنبر می غلطند و چون ملائکه جمع شدند پرواز می کنند و
مشک و عنبر بر ایشان می افشانند و درین روز نثار حضرت فاطمه صلوات الله علیها را
که در شب زفاف آنحضرت سدرة المنتهی و درخت طوبی نثار کردند برای یکدیگر بهدیه
می فرستند و چون آخر این روز می شود ندا از جانب رب اعلی بایشان میرسد که بر
گردید بسوی درجه ها و مرتبه های خود پس بتحقیق که ایمن گردیدید از گناه و خطا
ولغزش تا مثل این روز از سال آینده برای کرامت محمد و علی صلوات الله علیهما پس
حضرت فرمود که ای پسر ابی نصر هر جا که باشی سعی کن که نزد قبر مطهر حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام حاضر شوی بدرستیکه خدای تعالی درین روز می آمرزد از هر مرد مؤمن
و زن مؤمنه گناه شصت ساله ایشان را و درین روز آزاد می کند از آتش جهنم دو
برابر آنچه آزاد کرده است در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر و یک درهم که درین روز
به برادران مؤمن بدهی برابر است با هزار درهم که در اوقات دیگر بدهی و احسان کن
درین روز به برادران مؤمن خود و شاد گردان هر مؤمن و زن مؤمنه را بخدا سوگند که اگر مردم
فضیلت این روز را بدانند چنانچه باید هر آینه هر روزه ده مرتبه ملائکه بایشان مصافحه کنند
و زیارت امیر المؤمنین علیه السلام درین روز فضیلت بسیار دارد و از نزدیک و دور
موافق روایت صفوان و غیر او اگر از دور زیارت کنند دو رکعت نماز زیارت بجا
آورند و در رکعت اول سوره انا انزلنا و در رکعت دوم سوره قل هو الله احد بخوانند پس بگویند بخوانند
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی وَلِیِّكَ وَاَخِیْ نَبِیِّكَ وَوَزِیْرِهٖ وَحَبِیْبِهٖ وَخَلِیْلِهٖ
بارخدایا درود و رحمت بفرست بر ولی خود و برادر پیغمبر خود و وزیر او و دوست او و دوست او

وَمَوْضِعِ سِرِّهِ وَخِيَرَتِهِ مِنْ أُسْرَتِهِ وَصِيِّهِ وَصَفْوَتِهِ وَخَالِصَتِهِ وَأَمِينِهِ وَوَلِيِّهِ

و محل راز او و برگزیده او از گروه او و وصی او و برگزیده او و مختار او و امین او و دوست او

وَأَشْرَفِ عِتْرَتِهِ الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَأَبِي ذُرِّيَّتِهِ وَبَابِ حِكْمَتِهِ وَالنَّاطِقِ

و بزرگترین خویشان او که ایمان آوردند باو و پدر اولاد او و دروازه حکمت او و گویا

بِحُجَّتِهِ وَالدَّاعِي إِلَى شَرِيعَتِهِ وَالْمَاضِي عَلَى سُنَّتِهِ وَخَلِيفَتِهِ عَلَى أُمَّتِهِ

بحجت او و خواننده بسوی شریعت او و رونده بر طریقه او و جانشین او بر امت او

سَيِّدِ الْمُسْلِمِينَ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ

سردار مسلمانان و امیر مؤمنان و پیشوای مؤمنان تابان اعضا و سفید پیشانی بهترین درودی

عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَأَصْفِيَائِكَ وَأَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ

بر یکی از خلق خود و برگزیدگان خود و جانشینان پیغمبران خود بار خدایا بدرستیکه من گواهی میدهم

أَنَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَنْ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا حُمِّلَ وَرَعَى مَا اسْتُحْفِظَ

بآنکه رسانید از پیغمبر تو آنچه را برداشته شد و رعایت کرد آنچه را نگهداشته شد

وَحَفِظَ مَا اسْتُودِعَ وَحَلَّلَ حَلَالَكَ وَحَرَّمَ حَرَامَكَ وَأَقَامَ أَحْكَامَكَ

و نگاهداشت آنچه امانت سپرده شد و حلال کرد حلال ترا و حرام کرد حرام ترا و برپا داشت حکمهای ترا

وَدَعَا إِلَى سَبِيلِكَ وَوَالَى أَوْلِيَاءَكَ وَعَادَى أَعْدَاءَكَ وَجَاهَدَ

و دعوت کرد بسوی راه تو و دوستی کرد دوستان ترا و دشمنی کرد دشمنان ترا و مجاهده کرد

النَّاكِثِينَ عَنْ سَبِيلِكَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ عَنْ أَمْرِكَ صَابِراً

با برگردندگان از راه تو و با بیدادکنندگان و برآیندگان از فرمان تو در حالت صبر

مُحْتَسِباً مُقْبِلاً غَيْرَ مُدْبِرٍ لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ حَتَّى بَلَغَ فِي ذَلِكَ

و احتساب روی آورنده نه پشت کرده نمی گرفت او را در راه خدا ملامت ملامت کننده تا آنکه رسید

الرِّضَا وَسَلَّمَ إِلَيْكَ الْقَضَاءَ وَعَبَدَكَ مُخْلِصاً وَنَصَحَ لَكَ مُجْتَهِداً

رضا را و سپرد بسوی تو قضا را و پرستش کرد ترا در حالت اخلاص بنده و از برای تو کوشش نمایند

حتى اتاه اليقين فقبضه اليك شهيدا سعيدا وليا تقيا رضيا زكيا

تا آنکه آمد او را مرگ پس گرفتی او را بسوی خود در حالیکه بود شهید سعادتمند و دوست پرهیزکار پسندیده پاک

هاديا مهديا اللهم صل على محمد وعليه افضل ما صليت على احد

راهنما راه یافته خدایا رحمت فرست بر محمد و بر او بهترین درودی که فرستادی بر یکی

من انبيائك واصفيائك يا رب العالمين

از پیغمبران خود و برگزیدگان خود ای پروردگار عالمیان

السلام عليك يا امير المؤمنين ورحمة الله وبركاته السلام عليك

سلام بر تو باد ای امیر مؤمنان و رحمت خدا و برکاتش سلام بر تو باد

يا امين الله في ارضه وحجته على عباده اشهد انك جاهدت

ای امانت دار خدا در زمین او و دلیل او بر بندگان او گواهی میدهم که براستی جهاد کردی

يا امير المؤمنين في الله حق جهاده وعملت بكتابه واتبعت سنن نبيه

ای امیر مؤمنان در راه خدا نهایت مجاهده او و عمل کردی بقرآن او و پیروی کردی طریقه پیغمبر

صلى الله عليه وآله حتى دعاك الله الى جواره فقبضك اليه باختياره

درود خدا بر او و آل او تا آنکه خواند ترا خدا بسوی جوار خود پس گرفت ترا بسوی خود باختیار خود

لك كريم ثوابه والزم اعدائك الحجة في قتلهم اياك مع ما لك من الحجج

برای تو ثواب بزرگ خود را و لازم گردانید بر دشمنان تو حجت در کشتن آنها ترا با آنچه برای تست از حجتهای

البالغة على جميع خلقه اللهم صل على محمد وآله واجعل نفسي مطمئنة

کامل بر تمام خلق او خدایا رحمت فرست بر محمد و آل او و بگردان نفس مرا آرمیده

بقدرك راضية بقضائك مولعة بذكرك ودعائك محبة لصفوة اوليائك

بتقدیر خود خوشنود شونده بقضای خود حریص بر ذکر خود و دعای خود دوست دارنده برای برگزیدگان دوستان خود

محبوبة في ارضك وسمائك صابرة عند نزول بلائك شاكرة لفواضل

دوست داشته شده در زمین و آسمان تو صبر کننده نزد فرود آمدن بلای تو شکر کننده برای عطاهای

نعمائك ذاكرةٌ لسوابغ آلائك مشتاقةٌ الى فرحة لقائك متزودةٌ التقوى ليوم
نعمتهای تو یاد آورنده برای نعمتهای کامل تو آرزومند بسوی خوشنودی ملاقات تو توشه گیرنده پرهیزکاری را برای روز
جزائك مستنّةٌ بسنن اوليائك مفارقةٌ لاخلاق اعدائك مشغولةٌ
جزای تو پیرو راه گیرنده براههای دوستان تو جدا شونده از خوهای دشمنان تو اعراض کننده
عن الدنيا بحمدك وثنائك اللهم ان قلوب المخبتين اليك والهةٌ وسبل
از دنیا بحمد تو و ثنای تو بار خدایا بدرستیکه دلهای فروتنی کنندگان بسوی تو شیفته اند و راههای
الراغبين اليك شارعةٌ واعلام القاصدين اليك واضحةٌ وافئدة العارفين
راغبان بسوی تو گشاده است و نشانهای قصد کنندگان بسوی تو روشن است و دلهای عارفان
منك فازعةٌ واصوات الداعين اليك صاعدةٌ وابواب الاجابة لهم مفتّحةٌ
از تو ترسانست و آوازهای خوانندگان بسوی تو بلند است و درهای قبول دعا برای ایشان گشاده است
ودعوة من ناجاك مستجابةٌ وتوبة من اناب اليك مقبولةٌ وعبرة من بكى
و دعای کسیکه مناجات کند ترا مستجاب است و توبه کسیکه بازگشت کند بسوی تو پذیرفته است و اشک کسیکه گریه کند
من خوفك مرحومةٌ والاغاثة لمن استغاث بك موجودةٌ والاعانة
از خوف تو رحم کرده شده است و فریاد رسی از برای کسیکه استغاثه کند بتو موجود است و یاری دادن
لمن استعان بك مبذولةٌ وعداتك لعبادك منجزةٌ وزلل من استقالك
مر کسی را که یاری جوید از تو بذل کرده شده است و وعده‌های تو مر بندگان را وفا کرده شده است و لغزشهای کسیکه طلب تجاوز نماید از تو
مقالةٌ واعمال العاملين لديك محفوظةٌ وارزاق الخلائق من لدنك نازلةٌ
تجاوز کرده شده است و عملهای عمل کنندگان نزد تو محفوظ است و روزیهای خلائق از نزد تو فرود آمده
وعوائد المزيد اليهم واصلةٌ وذنوب المستغفرين مغفورةٌ وحوائج
و منافع زیادتی بسوی خلائق واصل است و گناهان مغفرت طلبان آمرزیده است و حاجتهای
خلقك عندك مقضيةٌ وجوائز السائلين عندك موفّرةٌ
آفریدگان تو نزد تو برآورده شده است و جایزه‌های سوال کنندگان نزد تو بسیار است

وَعَوائِدَ الْمَزيدِ مُتَواتِرَةٌ وَمَوائِدَ الْمُسْتَطْعِمينَ مُعَدَّةٌ وَمَناهِلَ الظِّماءِ

و منافع زیادتی پی در پی آینده است و خوانهای طعام طلبان آماده است و آبشخور تشنگان

لَدَيْكَ مُتْرَعَةٌ اَللّٰهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعائي وَاقْبَلْ ثَنائي وَاجْمَعْ بَيْني وَبَيْنَ

نزد تو پر آب است بار خدایا پس بپذیر دعای مرا و قبول کن ثنای مرا و جمع کن میان من و میان

اَوْلِيائي وَاَحِبّائي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ

یاران من و دوستان من بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین

وَالْاَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّةِ الْحُسَيْنِ صَلَواتُ اللّٰهِ وَسَلامُهُ عَلَيْهِمْ

و امامان از نسل حسین درودهای خدا و رحمت او بر ایشان

اِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمائي وَمُنْتَهىٰ مُنايَ وَغايَةُ رَجائي في مُنْقَلَبي وَمَثْوايَ

که مالک من تو خداوند نعمتهای منی و نهایت آرزوهای منی و نهایت امید منی در جای بازگشت و جای اقامت من

و اگر بعد از نماز اول این زیارت را بعمل آورد و آخر آن دعا را بخواند شاید بهتر باشد و شب

غدیر نیز شب بسیار مبارک است و در شب نیز مناسب است که این زیارت را بعمل آورند

نمازی در این شب وارد شده است چون سندش معتبر نبود ایراد ننمودیم و اما فضیلت روزه

داشتن و تصدق کردن و افطار روزه دار نمودن درین روز درین ابواب احادیث

بسیار است از جمله آنها این روایت است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که روزه

روز عید غدیر برابر است با روزه عمر دنیا که اگر کسی بقدر تمام عمر دنیا عمر بیابد

و روزه بدارد روزه این روز برابر است با ثواب او و روزه اش برابر است نزد خدا

با صد حج و صد عمره و این عید بزرگ خدا است و خدا فرستاده است پیغمبری مگر

آنکه این روز را عید کرده است و حرمت آنرا دانسته است و نامش در آسمان روز عهد

معهود است و نامش در زمین روز میثاق مأخوذ و جمع مشهود است و هر که

درین روز مؤمنی را افطار فرماید ثواب کسی دارد که ده فیام را طعام دهد که هر فیامی

صد هزار کس است و ثواب کسی دارد که طعام دهد و آب دهد باین عدد که مذکور شد

از شیعیان و اوصیای ایشان و شهیدان و صالحان را در سال قحط و یک درهم که درین روز تصدق کنند برابر است با صد هزار درهم که در روزهای دیگر تصدق کنند پس فرمود که شاید که گمان کنی که خدا روزی خلق کرده است که حرمتش ازین روز بیشتر باشد نه و الله نه و الله نه و الله و در روایت دیگر فرمود که روزه اش برابر است با شصت ماه از ماههای حرام که روزه بدارند و فرمود که روز عید روز سرور و شادی است و بسند معتبر از فیاض بن محمد منقولست که گفت در روز عید غدیر در مرو در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام بودم و آن حضرت دران روز مخصوصان و خویشان و اصحاب خود را جمع کرده بود و ایشانرا نگاهداشته بود که در شب افطار کنند و بخانهای ایشان طعامها و زرها و خلعتها فرستاده حتی انگشتر و کفش نیز فرستاد و بایشان خلعتهای فاخره شفقت فرمود و ملازمان و خدمتکاران خود را جامه های نو بسیار نفیس پوشانیده بود و فضیلت این روز را برای ایشان نقل میفرمود و از جمله آنها گفت که در بعضی از سالهای خلافت حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام روز جمعه با روز عید غدیر در یک روز جمع شد پس بعد از پنج ساعت که از روز گذشت بر منبر بالا رفت و خطبه طولانی خواند و فضائل روز غدیر بسیار بیان فرمود و نامهای بسیار از برای این روز ذکر کرد پس فرمود که بعد از انقضای این مجمع برگردید بخانهای خود و توسع کنید بر عیال خود و احسان و نیکی کنید نسبت به برادران مؤمن خود و در خانه های خود برادران مؤمن را جمع کنید و نیکوئی کنید نسبت با ایشان و یکدیگر را تهنیت و مبارکباد بگوئید و نیکی و احسان کردن درین روز مال و عمر را زیاده می کند و مهربانی با یکدیگر کردن موجب مزید رحمت الهی است و تا توانید بخشش و احسان کنید با عیال خود و برادران مؤمن خود و اظهار شادی و خوشحالی کنید و هر که امید احسان از شما دارد در حق او تقصیر مکنید و ضعیفان و فقیران و غلامان و کنیزان خود را با خود برابر کنید بدرستیکه دادن یک درهم درین روز برابر است با دویست هزار درهم و حق تعالی زیاده نیز عطا می فرماید و روزه

این روز را حق تعالی سنت گردانیده ثواب‌ش را مانند ثواب کسی گردانیده که از اول دنیا تا آخر دنیا عبادت کند بآنکه روزها روزه بدارد و شب‌ها بعبادت باشد و کسیکه بر آورد حاجت برادر مومن را پیش از آنکه او اظهار کند و از روی رغبت و خواهش او نیکی کند چنان باشد که این روز را روزه داشته باشد و تمام شبش را عبادت کرده باشد و هر که در این شب مومنی را افطار فرماید چنان باشد که هزار هزار پیغمبر و صدیق و شهید را افطار فرموده باشد پس چگونه باشد ثواب کسیکه متکفل احوال چندین نفر از مردان مومن و زنان مومنه بشود و هر گاه چنین کند من ضامنم بر خدا که امان یابد از کافر شدن و فقیر شدن و اگر بمیرد در آن شب یا در آن روز یا بعد از آن تا عید غدیر آینده بدون آنکه گناه کبیره بسیار بکند البته آمرزیده است و هر که فرح کند در این روز برای برادران مومن خود من ضامنم بر خدا که او را زنده بدارد یا بمیرد از آن فرح زیاد از مستحق شود و از دوستی او بدارد و چون با یکدیگر ملاقات کنید مصافحه کنید و یکدیگر را تهنیت بگوئید و آنچه گفتم حاضران بغائبان بگویند و توانگران رعایت کنند فقیران را و اقویا دستگیری کنند ضعفا را حضرت رسول صلعم مرا بهمه اینها امر فرموده و بدانکه غسل در اول این روز سنت موکده است و اما کیفیت نماز روز عید غدیر نماز مشهور سنت که از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده اند که هر که در این روز نیم ساعت پیش از زوال شمس دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت سوره حمد یکمرتبه و قل هو الله احد و انا انزلنا و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون هر یک را ده مرتبه بخواند برابر باشد نزد حق تعالی با صد هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجت از حاجتهای دنیا و آخرت که از خداوند کریم سوال کند البته باسانی و عافیت بر آورده شود و چون برادر مومن را ملاقات کنی بگو که

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَکْرَمَنَا بِهٰذَا الْیَوْمِ وَجَعَلَنَا مِنَ الْمُوْفِیْنَ بِعَهْدِهِ الَّذِیْ عَهِدَهُ

سپاس خدای که گرامی داشت ما را باین روز و گردانید ما را از وفا کنندگان بعهد خود که عهد کرده بود

اِلَیْنَا وَمِیْثَاقِهِ الَّذِیْ وَاثَقَنَا بِهٖ مِنْ وِلَایَةِ وُلَاةِ اَمْرِهٖ وَالْقُوَّامِ بِقِسْطِهٖ

بسوی ما و پیمانی که محکم کرده است با ما آن از دوستی والیان امر او و قائمان بعدل او

وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْجَاحِدِينَ وَالْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ

و نگردانید مارا از منکران و تکذیب کنندگان بروز جزا

یعنی سپاس خدای را سزاست که ما را گرامی داشت باین روز و گردانید ما را از ایمان آورندگان و گردانید ما را از وفا کنندگان بعهد خود که عهد گرفته است بر ما و پیمانی که محکم گردانیده است با که ولایت والیان امر امامت است و آنها که حکم می کنند بعدالت در میان خلق و نگردانید ما را از انکار کنندگان و تکذیب کنندگان بروز جزا و فرمود که بعد از نماز این دعا بخواند

رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا

ای پروردگار ما بدرستیکه ما شنیدیم ندا کننده که ندا میکرد برای ایمان اینکه ایمان آورید به پروردگار خود پس ایمان آوردیم ای پروردگار ما بیامرز برای ما

ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ

گناهان ما را و دور کن از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با نیکان ای پروردگار ما و بده ما را آنچه وعده کرده ما را بر زبان پیغمبران خود

وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَكَفَى بِكَ

و رسوا مکن ما را در روز قیامت بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را بار خدایا بدرستیکه من گواه میگیرم ترا و کافی است

شَهِيدًا وَأُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ وَأَنْبِيَاءَكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكَّانَ سَمَاوَاتِكَ

گواه و گواه میگیرم فرشتگان ترا و پیغمبران ترا و بردارندگان عرش ترا و ساکنان آسمانهای ترا

وَأَرْضِكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَعْبُودُ فَلَا نَعْبُدُ سِوَاكَ فَتَعَالَيْتَ

و زمین های ترا باینکه بدرستیکه تو خدائی نیست خدائی بجز تو عبادت کرده شده پس پرستش نمیکنیم سوای ترا پس برتری

عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَشْهَدُ

از آنچه میگویند ستمکاران برتری بزرگ و گواهی میدهم باینکه محمد بنده تو و پیغمبر تست و گواهی میدهم

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدُكَ وَمَوْلَانَا رَبَّنَا سَمِعْنَا وَأَجَبْنَا وَصَدَّقْنَا الْمُنَادِيَ

باینکه امیر المؤمنین علی بنده تو و سرور ماست ای پروردگار ما شنیدیم و قبول کردیم و تصدیق کردیم ندا کننده

رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذْ نَادَى بِنِدَاءٍ عَنْكَ بِالَّذِي أَمَرْتَهُ أَنْ يُبَلِّغَ

یعنی پیغمبر ترا درود فرستد خدا براو و آل او وقتیکه ندا کرد بندای از جانب تو بآنچه امر کرده بود باو که برساند

ذی الحجه

ما أنزلت إليه من ولاية ولي أمرك وحذرته وأنذرته إن لم يبلغ ما

آنچه فرستادی بسوی او از مولی بودن ولی امر تو و حذر فرمودی او را و ترسانیدی او را از آنکه تبلیغ نکند

أمرته به أن تسخط عليه ولما بلغ رسالاتك عصمته من الناس فنادى

امر کردی او را بآن بانکه غضب کنی بر او و هرگاه تبلیغ کرد رسالتهای ترا نگاهداشتی او را از مردم پس ندا کرد

مبلغا عنك ألا من كنت مولاه فعلي مولاه ومن كنت وليه فعلي

در حالتیکه رساننده بود از تو آگاه باشید هر کس هستم من مولای او پس علی مولای او و هر کس هستم ولی او پس علی

وليه ومن كنت نبيه فعلي أميره ربنا قد أجبنا داعيك النذير المنذر محمدا عبدك

ولی اوست و هر کس هستم من پیغمبر او پس علی امیر او ای پروردگار ما بتحقیق اجابت کردیم دعوت کننده ترا بیم کننده یعنی

ورسولك إلى الهادي المهدي عبدك الذي أنعمت عليه وجعلته

و رسول تست بجانب راه نما راه یافته بنده تو آنچنان بنده که انعام کردی بر او و گردانیدی او را

مثلا لبني إسرائيل علي أمير المؤمنين ومولاهم ووليهم ربنا آمنا واتبعنا

مثل برای بنی اسرائیل علی امیر مومنان و مولای ایشان و ولی ایشان ای پروردگار ما ایمان آوردیم و پیروی کردیم

مولانا ولينا وهادينا وداعينا وداعي الأنام وصراطك المستقيم

مولای خود و ولی خود و رهنمای خود و دعوت کننده خود و دعوت کننده خلق را و راه راست ترا

وحجتك البيضاء وسبيلك الداعي إليك على بصيرة هو ومن اتبعه

و حجت روشن ترا و راه ترا که دعوت کننده است بجانب تو از روی بینائی او و هر که پیروی او نمود

وسبحان الله وتعالى عما يشركون وأشهد أنه الإمام الهادي

و منزه است خدا و برتر است از آنچه شریک او میگردانند و گواهی میدهم که اوست امام راهنما

الرشيد أمير المؤمنين الذي ذكرته في كتابك فقلت

راه برنده امیر مومنان آنکه ذکر کردی او را در کتاب خود و قول تو راست است

وإنه في أم الكتاب لدينا لعلي حكيم اللهم فإنا

و بدرستیکه تو گفتی و بدرستیکه او در لوح محفوظ نزد ما هر آینه بلند مرتبه صاحب حکمت است بار خدایا پس ما

[illegible]

نشهد بانه عبدك والهادي بعد نبيك النذير المنذر وصراطك
شهادت میدهیم اینکه علی بنده تست و رهنماست بعد پیغمبر تو که ترساننده و بیم دهنده است و راه

المستقيم وامير المؤمنين وقائد الغر المحجلين وحجتك البالغة ولسانك
راست تست و امیر مومنان و پیشوای سفید رویان و دست و پا سفیدان و حجت تو که رسیده است و زبان تو

المعبر عنك في خلقك وانه القائم بالقسط في بريتك وديان دينك
که تعبیر کننده است از تو در خلق تو و بدرستیکه اوست برپا بعدل در خلق تو و حاکم دین تو

وخازن علمك وامينك المأمون المأخوذ ميثاقه وميثاق رسولك
و خزانه دار علم تو و امین تو اعتماد کرده شده گرفته شده پیمان او و پیمان رسول تو

عليهما السلام من جميع خلقك وبريتك شاهدا بالاخلاص لك و
بر هر دو سلام باد از همه خلق تو و آفریده تو گواهی دهنده باخلاص برای تو

الوحدانية والربوبية بانك انت الله لا اله الا انت وان محمدا عبدك
به یکتائی و پروردگاری باینکه تو خدائی نیست معبودی بجز تو و اینکه محمد بنده تو

ورسولك وان عليا امير المؤمنين جعلته وليك والاقرار بولايته
و پیغمبر تست و اینکه علی امیر مومنانست گردانیدی او را ولی خود و گردانیدی اقرار بولایت او

تمام وحدانيتك وكمال دينك وتمام نعمتك على جميع خلقك وبريتك
تمام توحید خود و کمال دین خود و تمام نعمت خود بر تمام خلق خود و آفریده های خود

فقلت وقولك الحق اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي
پس گفتی و گفته تو راست است که امروز کامل گردانیدم برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت خود را

ورضيت لكم الاسلام دينا فلك الحمد بموالاته واتمام نعمتك علينا
و پسندیدم برای شما اسلام را دین پس مر تراست ستایش بدوستی او و تمام کردن نعمت خود بر ما

بالذي جددت لنا من عهدك وميثاقك وذكرتنا ذلك وجعلتنا
بآنچه تازه کردی برای ما از عهد خود و پیمان خود و بیاد دادی ما را آن عهد و گردانیدی

[illegible]

[illegible]

مِنْ اَهْلِ الْاِخْلاصِ وَالتَّصْدیقِ بِمیثاقِکَ وَمِنْ اَهْلِ الْوَفاءِ بِذلِکَ

از اهل اخلاص و گرویدن به پیمان خود و از اهل وفا بآن پیمان

وَلا تَجْعَلْنا مِنْ اَتْباعِ الْمُغَیِّرینَ وَالْمُبَدِّلینَ وَالْمُحَرِّفینَ وَالْمُبَتِّکینَ

و نگردانید ما را از تابعان تغییر دهندگان و بدل کنندگان و تحریف کنندگان و برندگان

اَذانَ الْاَنْعامِ وَالْمُغَیِّرینَ خَلْقَ اللهِ وَمِنَ الَّذینَ اسْتَحْوَذَ عَلَیْهِمُ الشَّیْطانُ

گوشهای چارپایان و تغییر دهندگان خلق خدا و از جماعت که غالب شد بر ایشان شیطان

فَاَنْساهُمْ ذِکْرَ اللهِ وَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبیلِ وَالصِّراطِ الْمُسْتَقیمِ اَللّهُمَّ

پس فراموش گردانید ایشانرا از ذکر خدا و باز داشت ایشانرا از راه حق و طریق راست بار خدایا

اِلْعَنِ الْجاحِدینَ وَالنّاکِثینَ وَالْمُغَیِّرینَ وَالْمُبَدِّلینَ وَالْمُکَذِّبینَ بِیَوْمِ الدّینِ

لعنت کن منکران را و عهد شکنان را و تغییر دهندگان را و بدل کنندگان را و تکذیب کنندگان روز جزا

مِنَ الْاَوَّلینَ وَالْآخِرینَ اَللّهُمَّ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلی اِنْعامِکَ عَلَیْنا بِالْهُدَی

از پیشینیان و پسینیان بار خدایا پس مر تراست ستایش بر نعمت دادن تو بر ما بهدایت

الَّذی هَدَیْتَنا بِهِ اِلی وُلاةِ اَمْرِکَ مِنْ بَعْدِ نَبِیِّکَ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ

که راهنمائی کردی ما را بآن بسوی والیان کار تو بعد از پیغمبر تو درود فرستد خدا بر او و آل او

الْاَئِمَّةِ الْهُداةِ الرّاشِدینَ وَاَعْلامِ الْهُدی وَمَنارِ الْقُلُوبِ وَالتَّقْوی

که امامان راه نمایان راه یابان نشانهای هدایت و جای روشنائی دلها و پرهیزکاری

وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقی وَکَمالِ دینِکَ وَتَمامِ نِعْمَتِکَ وَمَنْ بِهِمْ وَبِمُوالاتِهِمْ

و دست آویز محکم و کمال دین تو و تمام نعمت تو اند و کسانیکه بایشان و بدوستی ایشان

رَضیتَ لَنَا الْاِسْلامَ دیناً رَبَّنا فَلَکَ الْحَمْدُ آمَنّا وَصَدَّقْنا بِمَنِّکَ

پسندیدی برای ما اسلام را دین ای پروردگار ما پس تراست ستایش ایمان آوردیم و تصدیق نمودیم

عَلَیْنا بِالرَّسُولِ النَّذیرِ الْمُنْذِرِ وَوالَیْنا وَلِیَّهُمْ وَعادَیْنا عَدُوَّهُمْ

بر ما به پیغمبر بیم دهنده ترساننده و دوست داشتیم دوست ایشان را و دشمن داشتیم دشمن ایشان را

وبرئنا من الجاحدين والمكذبين بيوم الدين اللهم فجعلت ذلك

وبیزار شدیم از انکار کنندگان و تکذیب کنندگان بروز جزا بارخدایا پس [illegible]

ذلك من شأنك يا صادق الوعد يا من لا يخلف الميعاد يا من

این از شان تو ای راست وعده ای کسیکه خلف وعده نمینماید ای کسیکه او

كل يوم في شأن اذا اتممت علينا نعمتك بموالاة اوليائك المسؤول

هر روز در کاریست وقتیکه تمام کردی بر ما نعمت خود را بدوستی دوستان خود که سوال کرده [illegible]

عنهم عبادك فانك قلت ثم لتسئلن يومئذ عن النعيم وقلت

از آنها بندهای تو زیرا که تو گفتی که پس هر آینه سوال کرده میشوید در آن روز از نعمتها و گفتی

وقولك الحق وقفوهم انهم مسئولون ومننت علينا بشهادة الاخلاص

و گفته تو حق است که بایستانید ایشان را که هر آینه ایشان سوال کرده میشوند و منت نهادی بر ما بگواهی اخلاص

وبولاية اوليائك الهداة بعد النذير المنذر السراج المنير فاكملت

و بدوستی دوستان خود که راه نمایندگان اند بعد از ترساننده بیم دهنده چراغ روشن پس کامل کردی

لنا بهم الدين واتممت علينا النعمة [illegible] وجددت لنا عهدك وذكرتنا

برای ما بایشان دین خود را و تمام کردی بر ما نعمت [illegible] و تازه کردی برای ما عهد خود را و یاد دادی ما را

ميثاقك المأخوذ منا في ابتداء خلقك ايانا وجعلتنا من اهل الاجابة

پیمان خود را که گرفته شده از ما در ابتدای آفریدن تو ما را و گردانیدی ما را از قبول کنندگان

ولم تنسنا ذكرك فانك قلت واذ اخذ ربك من بني آدم من ظهورهم

و فراموش نگردانیدی ما را ذکر خود را پس بدرستیکه تو گفتی یاد کن وقتی که گرفت پروردگار تو از فرزندان آدم از پشتهای ایشان

ذريتهم واشهدهم على انفسهم الست بربكم قالوا بلى شهدنا

ذریه آنها را و گواه گردانید آنها را بر نفسهای آنها که آیا نیستم من پروردگار شما گفتند آری گواهی دادیم

بمنك ولطفك بانك انت الله لا اله الا انت ربنا ومحمد عبدك

باحسان تو و لطف تو پس بدرستیکه تویی تو خدایی که نیست معبودی بجز تو پروردگار ما و محمد بنده تو

وَرَسُولِكَ نَبِيِّنَا وَعَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْنَا
و فرستاده تو پیغمبر ماست و علی پیشوای مومنان بنده تو آنچنان بنده که احسان کردی بسبب او بر ما

وَجَعَلْتَهُ آيَةً لِنَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآيَتَكَ الْكُبْرَىٰ وَصِرَاطَكَ
و گردانیدی او را علامتی برای پیغمبر خود درود فرستد خدا بر او و آل او و گردانیدی او را علامت بزرگ خود و راه خود

الْمُسْتَقِيمَ وَالنَّبَأَ الْعَظِيمَ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَنْهُ مَسْؤُلُونَ
که راست است و خبر بزرگی که ایشان در آن اختلاف دارند و از آن سوال کرده میشوند

اللَّهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ أَنْعَمْتَ عَلَيْنَا بِالْهِدَايَةِ إِلَىٰ مَعْرِفَتِهِمْ
بار خدایا پس چنانچه بود از شان تو آنکه آسان کردی بر ما راه نمائی بسوی شناختن ایشان

فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُبَارِكَ لَنَا
پس باید که باشد از شان تو آنکه درود فرستی محمد و آل محمد و آنکه برکت دهی ما را

فِي يَوْمِنَا هَٰذَا الَّذِي أَكْرَمْتَنَا بِهِ وَذَكَّرْتَنَا فِيهِ عَهْدَكَ وَمِيثَاقَكَ
در روز ما که این روزیست آن روز که اکرام کردی ما را بآن و یاد دادی ما را در آن روز عهد خود و پیمان خود

وَأَكْمَلْتَ لَنَا دِينَنَا وَأَتْمَمْتَ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ وَجَعَلْتَنَا بِمَنِّكَ مِنْ أَهْلِ
و کامل گردانیدی برای ما دین ما را و تمام کردی بر ما نعمت خود را و گردانیدی ما را باحسان خود از اهل

الْإِجَابَةِ لَكَ وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ أَوْلِيَائِكَ الْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ
اجابت خود و بیزاری از دشمنان خود و از دشمنان دوستان خود که تکذیب میکنند بروز

الدِّينِ فَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ تَمَامَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْنَا وَأَنْ تَجْعَلَنَا مِنَ الْمُوقِنِينَ
جزا پس سوال می نمایم ای پروردگار من تمام کردن آنچه انعام کرده بآن بر ما و آنکه بگردانی ما را از اهل یقین

وَلَا تُلْحِقْنَا بِالْمُكَذِّبِينَ وَاجْعَلْ لَنَا قَدَمَ صِدْقٍ مَعَ الْمُتَّقِينَ وَاجْعَلْنَا مَعَ الْمُتَّقِينَ إِمَامًا
و ملحق مگردانی ما را بتکذیب کنندگان و بگردان برای ما پای راستی با پرهیزکاران و بگردان ما را با پرهیزکاران پیشوا

يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَةِ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ الْأَئِمَّةِ الصَّادِقِينَ
در روزیکه میخوانیم تمام آدمیان را به پیشوای ایشان و برانگیز ما را در گروه اهل بیت پیغمبر خود که امامان راستگویند

وَاجْعَلْنَا مِنَ الْبُرَآءِ مِنَ الَّذِينَ هُمْ دُعَاةٌ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ هُمْ مِنَ
و بگردان ما را از بیزار شدگان از کسانیکه ایشان دعوت کنند کانند بسوی آتش و روز قیامت ایشان
الْمَقْبُوحِينَ وَأَحْيِنَا عَلَى ذٰلِكَ مَا أَحْيَيْتَنَا وَاجْعَلْ لَنَا مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا
زشتانند و زنده دار ما را برین مادام که زنده داری ما را و بگردان ما را با رسول خود راه
وَاجْعَلْ لَنَا قَدَمَ صِدْقٍ فِي الْهِجْرَةِ إِلَيْهِمْ وَاجْعَلْ مَحْيَانَا خَيْرَ الْمَحْيَا وَ
و بگردان برای ما قدم راستی در مهاجرت بسوی ایشان بگردان زندگانی ما را بهتر زندگی و
مَمَاتَنَا خَيْرَ الْمَمَاتِ وَمُنْقَلَبَنَا خَيْرَ الْمُنْقَلَبِ عَلَى مُوَالَاةِ أَوْلِيَائِكَ وَمُعَادَاةِ
مرگ ما را بهتر مرگی و جای بازگشت ما را بهتر جای بازگشتی بر دوستی دوستان خود و دشمنی
أَعْدَائِكَ حَتَّى تَتَوَفَّانَا وَأَنْتَ عَنَّا رَاضٍ قَدْ أَوْجَبْتَ لَنَا جَنَّتَكَ
دشمنان خود تا اینکه بمیرانی ما را و تو از ما خوشنود باشی بتحقیق واجب کرده باشی برای ما بهشت خود را
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَالْمَثْوَى مِنْ جِوَارِكَ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ مِنْ
برحمت خود ای مهربان ترین مهربانان و جای اقامت را از همسایگی خود در جای بودن از
فَضْلِكَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا
فضل خود نرسد ما را در آنجا رنجی و نرسد ما را در آنجا ملالی ای پروردگار ما بیامرز ما را
ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا
گناهان ما را و دور کن از ما بدیهای ما و بمیران ما را با نیکان ای پروردگار ما و بده ما را آنچه وعده کردی ما را
عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ اللّٰهُمَّ احْشُرْنَا
بر زبان پیغمبران خود و رسوا مکن ما را در روز قیامت بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را خدایا محشور گردان ما را
مَعَ الْأَئِمَّةِ الْهُدَاةِ مِنْ آلِ رَسُولِكَ نُؤْمِنُ بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَشَاهِدِهِمْ
با امامان راه نمایان از آل پیغمبر خود ایمان آوریم به پنهان ایشان و آشکار ایشان و حاضر ایشان
وَغَائِبِهِمْ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِالَّذِي
و غائب ایشان بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحقیکه گردانیدی آنرا نزد ایشان و

فضلته به على العالمين جميعاً ان تبارك لنا في يومنا هذا الذي اكرمتنا

فضيلت داده اى ايشان را بسبب آن بر عالميان همه اينكه بركت دهى ما را در روز ما اين روزيكه گرامى كرده

فيه بالموافاة بعهدك الذي عهدته الينا و بالميثاق الذي واثقتنا به من

ما را درين روز بتمام كردن پيمان خود و پيمانى كه عهد كرده [illegible] بسوى ما و بپيمانيكه پيمان گرفته [illegible]

موالاة اوليائك و البراءة من اعدائك ان تتم علينا نعمتك و

دوستى دوستان خود و بيزارى از دشمنان خود اينكه تمام كنى بر ما نعمت خود را و

لا تجعله مستودعاً و اجعله مستقراً و لا تسلبناه ابداً و لا تجعله

مگردان آنرا امانت گذاشته شده و بگردان آنرا ثابت و مربا از ما هرگز و مگردان آنرا

مستعاراً و ارزقنا مرافقة وليك الهادي المهدي الى الهدى و

عاريت و روزى كن ما را همراهى دوست خود كه راه نما و راه يافته است بسوى راه راست

تحت لوائه و في زمرته شهداء صادقين على بصيرة من دينك انك

در زير علم او و در گروه او كه شهيدان راست گو باشند بر بينائى از دين خود بدرستيكه تو

على كل شيء قدير و اگر اين عمل بما و دشوار باشد باين روايت عمل كند كه شيخ مفيد

بر همه چيز قادرى عليه الرحمة و ديگران از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده اند

كه هر كه در روز عيد غدير دو ركعت نماز بكند هر وقت كه خواهد الا نزديك زوال [illegible]

كه در آن ساعت حضرت رسول صلى الله عليه و آله حضرت امير المؤمنين عليه السلام را

در غدير خم براى مردم بامامت و خلافت نصب كرده بهتر است يعنى بهر سوره كه خواهد و اگر در

ركعت اول انا انزلناه و در ركعت دوم قل هو الله احد بخواند چنانچه در روايت معتبر ديگر

وارد شده بهتر است پس بسجده رود و صد مرتبه شكراً لله بگويد و چون

سر از سجده بردارد اين دعا را بخواند

اللهم انى اسالك بان لك الحمد وحدك لا شريك لك

بار خدايا بدرستيكه من سوال ميكنم از تو باينكه مر تراست سپاس تنها نيست شريكى مر ترا

وَاَنَّكَ وَاحِدٌ اَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ وَلَمْ تَكُنْ لَكَ كُفُواً اَحَدٌ وَاَنَّ

وبانکه تو یگانه یکتائی پاکی نزائیدی و نزاده شده ای نیست مر ترا همتا کسی و بانکه

مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي

محمد بنده تو و فرستاده تست درودهای تو براو و آل او ای کسیکه او هر روز در

شَأْنٍ كَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ اَنْ تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ بِاَنْ جَعَلْتَنِي مِنْ اَهْلِ اِجَابَتِكَ

کاری است چنانچه بود از کار تو اینکه احسان کردی بر من بانکه گردانیدی تو مرا از اهل اجابت خود

وَاَهْلِ دِينِكَ وَاَهْلِ دَعْوَتِكَ وَوَفَّقْتَنِي لِذَلِكَ فِي مُبْتَدَءِ خَلْقِي تَفَضُّلاً

واهل دین خود واهل دعوت خود و توفیق دادی مرا برای این در آغاز آفرینش من از راه فضل

مِنْكَ وَكَرَماً وَجُوداً ثُمَّ اَرْدَفْتَ الْفَضْلَ فَضْلاً وَالْجُودَ جُوداً وَالْكَرَمَ كَرَماً

خود و از راه کرم و بخشش پس ردیف کردانیدی فضل را فضلی دیگر و بخشش را بخششی دیگر و کرم را کرمی دیگر

رَأْفَةً مِنْكَ وَرَحْمَةً اِلَى اَنْ جَدَّدْتَ ذَلِكَ الْعَهْدَ لِي تَجْدِيداً بَعْدَ تَجْدِيدِكَ

از جهت مهربانی خود و رحمت خود تا اینکه تازه کردی آن عهد را برای من تازه کردنی بعد تازه کردن تو

خَلْقِي وَكُنْتُ نَسْياً مَنْسِيّاً نَاسِياً سَاهِياً غَافِلاً فَاَتْمَمْتَ نِعْمَتَكَ بِاَنْ ذَكَّرْتَنِي

آفرینش مرا و بودم فراموش سرتاپا فراموشکار سهوکننده غفلت زده پس تمام کردی نعمت خود را بانکه بیاد آوردی مرا

ذَلِكَ وَمَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَهَدَيْتَنِي لَهُ فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ يَا اِلَهِي وَسَيِّدِي

آنرا و انعام کردی تو بآن بر من و راه نمودی مرا برای او پس باید که باشد از شان تو ای خدای من و سرور من

وَمَوْلَايَ اَنْ تُتِمَّ لِي ذَلِكَ وَلَا تَسْلُبْنِيهِ حَتَّى تَتَوَفَّانِي عَلَى ذَلِكَ وَاَنْتَ عَنِّي رَاضٍ

و مولای من اینکه تمام کنی برای من آنرا و نربائی از من آنرا تا بمیرانی مرا بر آن در حالیکه تو از من خوشنود باشی

فَاِنَّكَ اَحَقُّ الْمُنْعِمِينَ اَنْ تُتِمَّ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ اَللَّهُمَّ سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا وَاَجَبْنَا

پس بدرستیکه تو سزاوارترین نعمت دهندگانی بانکه تمام کنی نعمت خود را بر من بار خدایا شنیدیم و اطاعت کردیم و اجابت نمودیم

دَاعِيَكَ بِمَنِّكَ فَلَكَ الْحَمْدُ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَاِلَيْكَ الْمَصِيرُ آمَنَّا بِاللَّهِ

خواننده ترا باحسان تو پس مر تراست سپاس طلب آمرزش داریم ای پروردگار ما و بسوی تست بازگشت ایمان آوردیم بخدا

وَحدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَصَدَّقنا وَاَجَبنا

تنها نیست شریکی مر او را و برسول او محمد درود فرستد خدا برا و وآل او و تصدیق کردیم و قبول کردیم

داعِیَ اللهِ وَاتَّبَعنا الرَّسُولَ مُحَمَّداً فی مُوالاةِ مَولانا وَمَولَی المُؤمِنینَ اَمیرِ المُؤمِنینَ

خواننده خدا را و پیروی کردیم رسول را در دوستی سرور ما و سرور مومنان امیر اهل ایمان

عَلِیِّ بنِ اَبی طالِبٍ عَبدِ اللهِ وَاَخی رَسُولِهِ وَالصِّدّیقِ الاَکبَرِ وَالحُجَّةِ عَلی

علی پسر ابی طالب بندهٔ خدا و برادر رسول او و صدیق اکبر و حجت بر

بَرِیَّتِهِ المُؤَیِّدِ بِهِ نَبِیَّهُ وَدینَهُ الحَقَّ المُبینَ عَلَماً لِدینِ اللهِ وَخازِناً لِعِلمِهِ

خلق خدا تقویت یافته با و پیغمبر او و دین او راست روشن نشان مر دین خدا را و خزانه دار مر علم او را

وَعَیبَةِ غَیبِ اللهِ وَمَوضِعِ سِرِّ اللهِ وَاَمینِ اللهِ عَلی خَلقِهِ وَشاهِدِهِ وَعَلی

و جامه دان علم غیب خدا و جای راز پنهان خدا و امانت دار خدا بر خلق او و گواه او بر

بَرِیَّتِهِ اَللّٰهُمَّ رَبَّنا اِنَّنا سَمِعنا مُنادِیاً یُنادی لِلاِیمانِ اَن آمِنُوا بِرَبِّکُم

آفریدهای او بار خدایا پروردگار ما بدرستیکه ما شنیدیم ندا کننده را که میخواند برای ایمان که ایمان آرید بپروردگار خود

فَآمَنّا رَبَّنا فَاغفِر لَنا ذُنُوبَنا وَکَفِّر عَنّا سَیِّئاتِنا وَتَوَفَّنا مَعَ الاَبرارِ رَبَّنا وَ

پس ایمان آوردیم ای پروردگار ما پس بیامرز برای ما گناهان ما را و محو کن از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با نیکان ای پروردگار ما و

آتِنا ما وَعَدتَنا عَلی رُسُلِکَ وَلا تُخزِنا یَومَ القِیٰمَةِ اِنَّکَ لا تُخلِفُ المیعادَ

بده ما را آنچه وعده کرده ما را بواسطهٔ پیغمبران خود و رسوا مکن ما را در روز قیامت بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را

فَاِنّا یا رَبَّنا بِمَنِّکَ وَلُطفِکَ اَجَبنا داعِیَکَ وَاتَّبَعنَا الرَّسُولَ وَصَدَّقناهُ

پس بدرستیکه ای پروردگار ما باحسان تو و لطف تو قبول کردیم دعوت کننده ترا و پیروی کردیم رسول او را و تصدیق کردیم او را

وَصَدَّقنا مَولَی المُؤمِنینَ وَکَفَرنا بِالجِبتِ وَالطّاغُوتِ فَوَلِّنا ما تَوَلَّینا وَاحشُرنا

و تصدیق کردیم مولای مسلمانان را و انکار کردیم جبت و طاغوت را پس متوجه کن ما را بر آنچه رو کردیم و بر انگیز ما را

مَعَ اَئِمَّتِنا فَاِنّا بِهِم مُؤمِنُونَ مُوقِنُونَ وَلَهُم مُسَلِّمُونَ آمَنّا بِسِرِّهِم وَعَلانِیَتِهِم

با امامان ما پس بدرستیکه ما بایشان گرونده کانیم و یقین آورندهایم و مر ایشان را گردن نهاده کانیم ایمان آوردیم بنهان ایشان و آشکار ایشان

وشاهدهم وغائبهم وحيّهم وميّتهم ورضينا بهم ائمة وقادة وسادة

و حاضر ایشان و غائب ایشان زنده ایشان مرده ایشان و راضی شدیم بایشان که امامان و پیشوایان و سروران

وحسبنا بهم بيننا وبين الله دون خلقه لا نبتغي بهم بدلا ولا نتخذ من

و بسند است ما را ایشان میان ما و میان خدا نه خلق او طلب نمیکنیم بجای ایشان بدلی و نمیگیریم از

دونهم وليجة وبرئنا الى الله من كل من نصب لهم حربا من الجن والانس

غیر ایشان دوست خاصی و بری شدیم بسوی خدا از هر که بر پا کرد از برای ایشان جنگ از جن و انس

من الاولين والاخرين وكفرنا بالجبت والطاغوت والاوثان الاربعة

از پیشینیان و پسینیان و انکار کردیم جبت و طاغوت را و بتهای چهارگانه را

واشياعهم واتباعهم وكل من والاهم من الجن والانس من اول الدهر

و دوستان ایشان را و پیروان ایشان را و هر که دوستدار ایشان از جن و آدمیان از ابتدای

الى اخره اللهم انا نشهدك انا ندين بما دان به محمد وآل محمد صلى الله

تا آخر آن بار خدایا بدرستیکه گواه میگیریم ترا باینکه طاعت میکنیم بانچه طاعت کرد بآن محمد و آل محمد صلی الله

عليه وعليهم وقولنا ما قالوا وديننا ما دانوا به ما قالوا به قلنا وما دانوا

بر او و بر ایشان و سخن ما همانست که ایشان گفته اند و دین ما همانست که دین گرفتند ایشان

به دنّا وما انكروا انكرنا ومن والوا والينا ومن عادوا عادينا ومن

آن را ما نیز دین خود کردیم و آنچه انکار کردند انکار کردیم و کسی که دوست داشتند دوست داشتیم و کسی که دشمن داشتند دشمن داشتیم و کسی

لعنوا لعنا ومن تبرؤا منه تبرانا منه ومن ترحموا عليه ترحمنا عليه

که لعن کردند لعن کردیم او را و کسیکه بیزاری جستند ازو بیزاری جستیم ازو و هر که رحم کردند بر او ترحم کردیم بر او

امنا وسلمنا ورضينا واتبعنا موالينا صلوات الله عليهم اللهم فتمم

ایمان آوردیم و تسلیم کردیم و خوشنود شدیم و پیروی کردیم آقایان خود را رحمتهای خدا باد بر ایشان خدایا پس تمام کن

لنا ذلك ولا تسلبناه واجعله مستقرا ثابتا عندنا ولا تجعله مستعارا

برای ما این اعتقاد را و جدا مکن آن را از ما و بگردان آن را قرار و ثابت نزد ما و مگردان آن را عاریت گرفته شده

وَاَحْيِنَا مَا اَحْيَيْتَنَا عَلَيْهِ وَاَمِتْنَا اِذَا اَمَتَّنَا عَلَيْهِ اٰلُ مُحَمَّدٍ اَئِمَّتُنَا

و زنده دار ما را مادامیکه زنده داری ما را بر آن و بمیران ما را وقتیکه بمیرانی ما را بر آن آل محمد امامان

فَبِهِمْ نَأْتَمُّ وَاِيَّاهُمْ نُوَالِيْ وَعَدُوُّهُمْ عَدُوُّ اللّٰهِ نُعَادِيْ فَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ

پس بایشان اقتدا میکنیم و ایشان را دوست میداریم و دشمن آل محمد را که دشمن خدا است دشمن میداریم پس بگردان

فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِيْنَ فَاِنَّا بِذٰلِكَ رَاضُوْنَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

در دنیا و آخرت و بگردان ما را از مقربان پس بدرستیکه باین خوشنودیم ای مهربان ترین مهربانان

پس باز بسجده رو و صد مرتبه الحمد لله بگو و صد مرتبه شکرا لله بگو پس حضرت فرمود که هر که این عمل را بجا

آورد ثواب کسی نوشته باشد که در روز غدیر نزد حضرت رسول صلعم حاضر شده باشد با

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت امیر المومنین علیه السلام بر ولایت آنحضرت بیعت کرده باشد

و درجه او در بهشت با درجه راست گویان تصدیق کنندگان باشد که تصدیق خدا و حضرت

رسول ورا کرده‌اند از روی اخلاص کرده باشند سلمان و ابوذر و مقداد و عمار رضی الله عنهم و چنین باشد

باشد که شهید شده باشد با حضرت رسول و حضرت امیر المومنین حسن و حسین صلوات الله علیهم و باشد

کسی باشد که در زیر علم حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه در زیر خیمه آنحضرت بوده باشد از نجبا

و نقبای برگزیدگان صحابه آنحضرت ایضا شیخ مفید علیه الرحمه روایت کرده است که سنت است این دعا را در روز عید غدیر بخوا

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعَلِيٍّ وَلِيِّكَ وَالشَّاْنِ وَالْقَدْرِ الَّذِيْ

بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحق محمد پیغمبر تو و علی ولی تو و بحق شان و منزلتی که

خَصَصْتَهُمَا بِهِ دُوْنَ خَلْقِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَاَنْ تَبْدَاَ

مخصوص کرده‌ای محمد و علی را بآن غیر از خلق خود اینکه درود فرستی بر محمد و علی و اینکه ابتدا کنی

بِهِمَا فِيْ كُلِّ خَيْرٍ عَاجِلٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ الْاَئِمَّةِ الْقَادَةِ

به محمد و علی در هر خیری که زود تر باشد خداوندا درود بفرست بر محمد و آل محمد که امامان پیشوایند

وَالدُّعَاةِ السَّادَةِ وَالنُّجُوْمِ الزَّاهِرَةِ وَالْاَعْلَامِ الْبَاهِرَةِ وَسَاسَةِ الْعِبَادِ

و خوانندگان بحق سروران و ستارگان روشن و نشانهای درخشنده و امر و نهی کنندگان بندگان

وَاَرْكَانِ الْبِلادِ وَالنَّاقَةِ الْمُرْسَلَةِ وَالسَّفِينَةِ النَّاجِيَةِ الْجَارِيَةِ فِي اللُّجَجِ

وستونهای شهرها و ناقه فرستاده شده و کشتی نجات یابنده رونده در آبهای

الْغَامِرَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خُزَّانِ عِلْمِكَ وَاَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ

عظیم سیاه عمیق بار خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد خزانه داران علم تو و ستونهای توحید تو

وَدَعَائِمِ دِينِكَ وَمَعَادِنِ كَرَامَتِكَ وَصَفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَخِيَرَتِكَ

وستونهای دین تو و کانهای کرامت تو و برگزیدهای تو از خلق تو و اختیار کرده شده

مِنْ خَلْقِكَ الْاَتْقِيَاءِ الْاَنْقِيَاءِ النُّجَبَاءِ الْاَبْرَارِ وَالْبَابِ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ

از خلق تو و پرهیزکاران و برگزیدگان و نجیبان و نیکان و دری که امتحان کرده اند بآن مردم

مَنْ اَتَاهُ نَجَى وَمَنْ اَبَاهُ هَوَى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَهْلِ الذِّكْرِ الَّذِينَ

هر که آمد در ان رستگار شد و هر که ابا کرد از ان افتاد خداوندا درود بفرست بمحمد و آل محمد که اهل ذکر اند آنانکه

اَمَرْتَ بِمَسْئَلَتِهِمْ وَذَوِي الْقُرْبَى الَّذِينَ اَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَفَرَضْتَ حَقَّهُمْ

امر کردی بسوال ایشان و صاحبان قرابت آنانکه امر فرمودی بدوستی ایشان فرض کردی حق ایشان

وَجَعَلْتَ الْجَنَّةَ مَعَادَ مَنِ اقْتَصَّ آثَارَهُمْ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و گردانیدی بهشت را جای بازگشت کسیکه پیروی کرد روش ایشان را بار خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد

كَمَا اَمَرُوا بِطَاعَتِكَ وَنَهَوْا عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَدَلُّوا عِبَادَكَ عَلَى وَحْدَانِيَّتِكَ

چنانکه امر کردند ایشان بفرمانبری تو و منع کردند از نافرمانی تو و راه نمودند بندگان ترا به یگانگی تو

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَنَجِيبِكَ وَصَفْوَتِكَ وَاَمِينِكَ وَرَسُولِكَ

بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحق محمد پیغمبر تو و برگزیده تو و اختیار کرده تو و امانت دار تو و فرستاده تو

اِلَى خَلْقِكَ وَبِحَقِّ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَعْسُوبِ الدِّينِ وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ

بسوی خلق تو و بحق پیشوای مومنان و مهتر آنجهان و پیشوای نیکوکاران سفید دستان

الْوَصِيِّ الْوَفِيِّ وَالصِّدِّيقِ الْاَكْبَرِ وَالْفَارُوقِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ

جانشین و وفا کننده و درست گوی بزرگتر و جدا کننده میان حق و باطل

وَالشَّاهِدِ لَكَ وَالدَّالِّ عَلَيْكَ وَالصَّادِعِ بِأَمْرِكَ وَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِكَ

وگواه برای تو وراه نماینده بر تو وظاهر کننده فرمان ترا وجهاد کننده در راه تو

لَمْ تَأْخُذْهُ فِيكَ لَوْمَةُ لَائِمٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَنِي فِي

نگرفت اورا در حق تو سرزنش سرزنش کننده انکه درود فرستی بر محمد وال محمد وانکه بگردانی مرا در

هٰذَا الْيَوْمِ الَّذِي عَقَدْتَ فِيهِ لِوَلِيِّكَ الْعَهْدَ فِي أَعْنَاقِ خَلْقِكَ

این روز که بستی تو دران روز برای ولی خود عهدی در گردنهای خلق خود

وَأَكْمَلْتَ لَهُمُ الدِّينَ مِنَ الْعَارِفِينَ بِحُرْمَتِهِ وَالْمُقِرِّينَ بِفَضْلِهِ وَمِنْ عُتَقَائِكَ

وکامل گردانیدی برای ایشان دین را از شناسندگان بحرمت او واقرار کنندگان بفضیلت او واز ازاد کردهای خود

وَطُلَقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَلَا تُشْمِتْ بِي حَاسِدِي النِّعَمِ اللّٰهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَهُ عِيدَكَ

ورها کردهای خود واز اتش وشاد مکن بمن حاسدان نعمتها را بار خدایا پس چنانچه گردانیدی انرا عید

الْأَكْبَرَ وَسَمَّيْتَهُ فِي السَّمَاءِ يَوْمَ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ وَفِي الْأَرْضِ يَوْمَ الْمِيثَاقِ

بزرگ ونامیدی آنرا در اسمان روز عهد عهد کرده شده ودر زمین روز پیمان

الْمَأْخُوذِ وَالْجَمْعِ الْمَسْؤُولِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْرِرْ بِهِ عُيُونَنَا وَ

گرفته شده وجمع سوال کرده شده درود بفرست بر محمد وال محمد وخنک کن باو چشمهای مارا

اجْمَعْ بِهِ شَمْلَنَا وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَاجْعَلْنَا لِأَنْعُمِكَ مِنَ

فراهم آر باین پراکندگی مارا وگمراه مکن بس از انکه راه نمودی مارا وبگردان مارا برای نعمتهای خود

الشَّاكِرِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَرَّفَنَا فَضْلَ هٰذَا الْيَوْمِ وَبَصَّرَنَا

شکر کنندگان ای مهربان ترین مهربانی کنندگان حمد مر خدای که نشان داد مارا فضیلت این روز ونمود مارا

حُرْمَتَهُ وَكَرَّمَنَا بِهِ وَشَرَّفَنَا بِمَعْرِفَتِهِ وَهَدَانَا بِنُورِهِ يَا رَسُولَ اللّٰهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

حرمت این روز وگرامی کرد مارا باین روز وشرف داد مارا بشناختن او وراه نمود مارا بنور ان ای رسول خدا ای امیر مومنان

عَلَيْكُمَا وَعَلَى عِتْرَتِكُمَا وَعَلَى مُحِبِّيكُمَا مِنِّي أَفْضَلُ السَّلَامِ مَا بَقِيَ

بر شما باد وبر ذریت شما وبر دوستان شما از من بهترین سلام تا باقی است

اللیل والنهار وبکما اتوجه الی الله ربی وربکما فی نجاح طلبتی

شب وروز وبوسیله شما متوجه میشوم بسوی خدا که پروردگار من و پروردگار شماست در روا کردن حاجت

وقضاء حوائجی وتیسیر اموری اللهم انی اسألک بحق محمد و

و برآوردن حاجات خود و آسان کردن کارها ای خداوند بدرستیکه سؤال میکنم از تو بحق محمد و

آل محمد ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تلعن من جحد حق هذا

آل محمد اینکه درود بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه لعن کنی بر هر که انکار کرده حق این

الیوم وانکر حرمته فصد عن سبیلک لاطفاء نورک فابی الله الا

روز را و انکار کرده حرمت آنرا پس برگشت از راه تو بجهت فرو نشانیدن نور تو پس ابا کرد خدا

ان یتم نوره اللهم فرج عن اهل بیت محمد نبیک واکشف عنهم

اینکه تمام کند نور خود را بار خدایا گشایش بده از اهل بیت محمد پیغمبر خود و برطرف کن از ایشان

وبهم عن المؤمنین الکربات اللهم املأ الارض بهم عدلا کما

و بسبب ایشان از مؤمنان اندوهها را بار خدایا پر کن زمین را بسبب ایشان از عدل چنانچه

ملئت ظلما وجورا وانجز لهم ما وعدتهم انک لا تخلف المیعاد

پر کرده شده از ستم و جور و وفا کن مر ایشان را آنچه وعده کرده ایشان را بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را

و بعد از آن برو بسجده و صد مرتبه شکراً و صد مرتبه الحمد لله بگوید و صد مرتبه آنچه تواند بگوید

الحمد لله علی اکمال الدین واتمام النعمة ورضا الرب الکریم والحمد

سپاس خدا را بر کامل گردانیدن دین و تمام کردن نعمت و خوشنودی پروردگار کریم و سپاس

لله رب العالمین والصلوة علی خیر خلقه محمد وعترته الطاهرین

مر خدا را که پروردگار عالمیانست و درود بر بهترین خلق او محمد و ذریت او که پاک باشند

بهتر خواهد بود چنانچه سید بن باقی و کفعمی روایت کرده اند و شیخ مفید علیه الرحمة این دعا را

نقل کرده است فصل پنجم در فضیلت و اعمال روز مباهله است تا آخر ماه و در

تعیین روز مباهله میان علما اختلاف است مشهور اقوی آنست که روز بیست و چهارم است و

بیست و پنجم و بعضی بیست و هفتم و بعضی بیست و یکم نیز گفته اند و اگر در هر یک از اینها اعمال مستحبه را بعمل آورند بهتر است و انچه مشهور است بیست و چهارم است و سبب فضیلت در مباهله گفته است که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسولان فرستاد بسوی نصارای نجران که اعظم ترسایان عرب بودند و ایشان بکتب خود رجوع کردند و اوصاف حضرت رسالت پناه صلعم را در کتب جمیع انبیا مشاهده کردند حب دنیا بر اکثر علمای ایشان غالب شد و از ایمان بنا ورسیدند و هفتاد نفر از علما و عظمای خود را فرستادند که صفاتیکه در کتب سابقه برای حضرت رسالت دیده اند مشاهده نمایند بمدینه داخل شدند و صفات را موافق یافتند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله حجتهای شافی بر ایشان تمام کرد و باز بعضی از ایشان بسبب حب ریاست و اغراض باطله مضایقه کردند در ایمان آوردن و حق تعالی این آیه کریمه را فرستاد فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ یعنی پس هر که با تو مجادله کند در امر عیسی علیه السلام بعد از آنچه آمده است بسوی تو از علم و برهان و القا کردی بر ایشان و قبول نکردند پس بگو ای محمد بیائید بخوانیم پسران خود را و پسران شما را و زنان خود را و زنان شما را و جانهای خود را و جانهای شما را یعنی آنها را که بمنزله جان ما اند و آنها را که بمنزله جان شما اند پس تضرع کنیم و دعا کنیم پس بگردانیم لعنت و دوری از رحمت خدا را بر آنها که دروغ گویند از ما و شما پس حضرت رسول صلعم عبای دوش مبارک خود را گرفت و حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم را در زیر عبا داخل کرد و گفت پروردگارا هر پیغمبری را اهل بیتی بوده است که مخصوص ترین خلق بوده اند با او خداوندا اینها اهل بیت منند پس از ایشان برطرف کن شک گناه را و پاک کن ایشان را پاک کردنی پس جبرئیل نازل شد و این آیه کریمه را در شان ایشان آورد که إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

یعنی نیست جز اینکه اراده دارد حق تعالی که زائل کرداند از شما اهل بیت بدی و شک را و پاک
کرداند شما را از گناهان پاک کردانیدنی پس حضرت رسول علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام
را با خود بیرون برد از مدینه برای مباهله و چون نصاری حقیت آنحضرت را دانسته بودند و
بعد از ایستادن حضرت با آن بزرگواران در مقام مباهله آثار نزول عذاب در زمین و آسمان
ظاهر شد و عالم بزرگ ایشان گفت بخدا سوگند که من رویها می بینم که اگر دعا کنند که
کوهی از جا کنده شود کنده خواهد شد جرات نکردند بر مباهله و استدعای مسالمه و مصالحه کردند
و قبول کردند که هر سال جزیه بدهند و حضرت ایشان را نفرین نکرد و بامر الهی جزیه بر ایشان
قرار داد و حضرت فرمود که بخدا سوگند که هلاک و عذاب آویخته شد بر اهل نجران و اگر مباهله
میکردم هر آینه همه از ین جماعت میمون و خوک میشدند و این وادی بر ایشان آتش میشد
و سرایت بنجران میکرد و همه رسایان نجران می سوختند و پیش از آنکه سال تمام شود جمیع
نصاری میمردند و یک نصرانی بر روی زمین زنده نمی ماند و باین سبب چندین امر عالیان
ظاهر شد اول حقیت آنحضرت زیرا که اگر اعتماد بر حقیت خود نمیداشت خود را و عزیز
ترین اهل خود را در معرض مباهله بیرون نمی آورد و اگر انجماعت حقیت آنحضرت بر ایشان
ظاهر نشده بود مباهله میکردند و مذلت خواری جزیه را بر خود قرار نمیدادند دوم آنکه ظاهر
شد که آل عبا علیهم السلام بزرگوارترین خلق بودند که ایشان را آنحضرت در دعا با خود شریک
کردانید سوم آنکه ایشان عزیزترین خلق بودند نزد آنحضرت که برای اظهار حقیت خود
ایشان را در معرض نفرین بدر آورد زیرا که بسیار است که آدمی خود را به مهالک می افکند
اما اعزه عیال خود را راضی نمیشود که در معرض خطر در آورد چنانکه صاحب کشاف و غیر او از
متعصبان سنیان اعتراف نموده‌اند ... حسن و حسین علیهما السلام فرزند تحقیقی
آنحضرت اند و رتبه ایشان از سایر صحابه بیشتر بوده است نزد خدا و رسول [illegible]
پنجم آنکه حضرت فاطمه بهترین زنان بوده و از زوجات و سایر قرابات با آنحضرت اخص
و اقرب بوده و منزلت او نزد حق تعالی از همه بیشتر بوده ششم آنکه باتفاق عامه و خاصه

حضرت امیر المومنین علیه السلام در مباهله داخل بود و داخل ابنا و نسا نیست پس باید داخل
انفسنا باشد و حقیقت در اینجا مراد نمی تواند بود زیرا که اتحاد دو نفس محالست پس اراده
اختصاص آنحضرت بحضرت رسالت صلعم در کمالات و صفات مرتبه بود که بمنزله نفس آنحضرت
آنحضرت بود پس هر کمالیکه در حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود باید که در آنحضرت باشد بغیر پیغمبری
پس باید که افضل باشد از جمیع صحابه و جمیع پیغمبران بغیر آنحضرت و باید که مخصوص ترین خلق باشد
بآنحضرت و اعز خلق باشد نزد او و روایات مفصله این قصه شریفه و فوائد که از آن مستفاد میشود در
کتاب حیوة القلوب ذکر کرده ام و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و از جمله اموریکه در روز
بیست و چهارم واقع شده و موجب مزید فضل آن گردیده آنست که درین روز حضرت امیر المومنین
علیه السلام در رکوع نماز انگشتری خود را بسائل بخشید و این آیه کریمه نازل شده و امامت
آنحضرت بر اصحاب بصیرت هویدا گردید إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ
الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَوٰةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ
یعنی نیست ولی بامر شما و مالک اختیار شما مگر خدا و رسول او و آنها که ایمان آوردند و نماز را
برپا میدارند چنانچه باید بجا می آورند و زکوة میدهند در رکوع و این نص صریح است بر امامت
آنحضرت چنانچه در سایر کتب ذکر کرده ام و درین روز غسل سنت است و زیارت حضرت
امیر المومنین علیه السلام را درین روز ذکر کرده اند و خواندن زیارت جامعه مناسبست و روزه
این روز مستحب است و تاسی بمولای خود امیر المومنین علیه السلام کردن در تصدق بفقرا و ارباب
حاجات بآنچه مقدور و میسر باشد مطلوب است و اعمال این روز مبارک بسیار است عمل
اول شیخ طوسی رحمه الله از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که درین
روز پیش از زوال بنیم ساعت دو رکعت نماز بکند برای شکر نعمت مباهله و در هر رکعت
بعد از حمد هر یک از سوره قل هو الله احد و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون و سوره انا
انزلناه را ده مرتبه بخواند اگر این نماز را بعمل آورد نزد خدا برابر است با صد
هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجتی که دارد از حاجتهای دنیا و آخرت از حق تعالی

سؤال کند البته برآورده شود هرچند عظیم باشد انشاء الله تعالی و این نماز همان نماز است که در اعمال روز عید غدیر مذکور شد عمل دوم از اعمال این روز دعائیست که شیخ طوسی و سید ابن طاوس قدس الله روحهما بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند و آنحضرت از پدر بزرگوار خود امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمود که اگر بگویم مردم را که این دعا اسم اعظم حق تعالی هست هر آینه راست گفته ام اگر مردم بدانند که این دعا در اجابت چگونه تأثیری می نماید البته بهر نحو که مقدور باشد سعی نمایند و تحصیل آن هرچند که باید که قتال کنند و مرا هر حاجت که عارض میشود این دعا را میخوانم و بعد از آن حاجت خود را می طلبم و البته مستجاب میگردد و این دعائیست که در وقتی که آیه مباهله نازل شد جبرئیل از جانب خداوند جلیل بحضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد و این دعا را آورد و گفت برای مباهله بیرون رو و همراه خود علی بن ابیطالب علیه السلام را و سیدة نساء فاطمه زهرا و نور دو فرزند پسندیده خود حسن و حسین صلوات الله علیهم را با خود ببر و این دعا را بخوان با ترسایان مباهله کن بر ایشان نفرین کن پس حضرت جعفر صادق علیه السلام گفت که هرگاه این دعا را خواهید جهد و سعی کنید در دعا و تضرع و این دعا را شفیع خود گردانید در حاجتها و از کسیکه اهل نباشد از منافقان پنهان دارید و بایشان تعلیم منمائید که از علمهای مخزونست و هر کس قابل این نیست گرانمایه است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاهُ وَكُلُّ بَهَائِكَ بَهِيٌّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بار خدایا بدرستیکه من مطلبم از تو از نیکوئی تو بنیکوتر آن و هر نیکی تو نیک است بار خدایا بدرستیکه من مطلبم از تو

بِبَهَائِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِأَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلَالِكَ

بنیکی تو همه آن بار خدایا بدرستیکه من مطلبم از تو از بزرگی تو به بزرگتر آن و همه بزرگی تو

جَلِيلٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ

بزرگست بار خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو به بزرگی تو همه آن بار خدایا بدرستیکه من مطلبم از تو از خوبی تو بخوبتر

وَكُلُّ جَمَالِكَ جَمِيلٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا

و هر خوبی تو خوبست بار خدایا بدرستیکه من مطلبم از تو بخوبی تو همه آن بار خدایا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه

أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِأَعْظَمِهَا

امر کرده مرا پس قبول کن از من چنانچه وعده کرده مرا ای خدا بدرستیکه من مسئلت مینمایم از تو از بزرگی تو به بزرگترین آن

وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي

و هر بزرگی تو بزرگ است خداوندا بدرستیکه من مسئلت مینمایم از تو به بزرگی تو به همه آن بار خدایا بدرستیکه من

أَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ وَكُلُّ نُورِكَ نَيِّرٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ

مسئلت مینمایم از تو از نور تو بنورانی ترآن و هر نور تو روشن است خداوندا بدرستیکه من میخواهم از تو بنور تو به همه

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِهَا وَكُلُّ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بار خدایا بدرستیکه من مسئلت مینمایم از تو از بخشش تو بفراخ ترآن و هر بخشش تو وسیع است خداوندا بدرستیکه من مسئلت مینمایم

بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اللَّهُمَّ إِنِّي

ببخشش تو به همه آن خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه امر کرده مرا پس اجابت کن مرا چنانچه وعده کرده ای خدایا

أَسْأَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِأَكْمَلِهِ وَكُلُّ كَمَالِكَ كَامِلٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَمَالِكَ

مسئلت مینمایم از تو از کمال تو بکاملترآن هر کمال تو کامل است خداوندا بدرستیکه من مسئلت مینمایم از تو بکمال تو

كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِأَتَمِّهَا وَكُلُّ كَلِمَاتِكَ تَامَّةٌ اللَّهُمَّ

همه آن بار خدایا بدرستیکه من مسئلت مینمایم از تو از کلمات تو بتمام ترآن هر یک از کلمات تو تمام است خداوندا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَكْبَرِهَا وَكُلُّ

بدرستیکه من میخواهم از تو بکلمات تو بهمه آن خداوندا بدرستیکه من مسئلت مینمایم از تو از نامهای تو به بزرگترآن و هر

أَسْمَائِكَ كَبِيرَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا

نامهای تو بزرگ است بار خدایا بدرستیکه من مسئلت مینمایم از تو بنامهای تو به همه آنها خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه

أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِأَعَزِّهَا وَكُلُّ عِزَّتِكَ

امر کرده مرا پس قبول کن از من چنانچه وعده کرده مرا خداوندا بدرستیکه من مسئلت مینمایم از تو از عزت تو بعزیزترآن

عَزِيزَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ

عزیز است بار خدایا بدرستیکه من مسئلت مینمایم از تو بعزت تو به همه آن خداوندا بدرستیکه من میخواهم از تو از خواهش تو

بروان تر آن و هر خواهش تو روان است خداوندا بدرستیکه من سطلیم از تو بمشیت تو بهمه آن

بِأَمْضاها وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ ماضِيَةٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّها

بار خدایا بدرستیکه من سطلیم از توانائی تو بهمه توانائی که استیلا داری بسبب آن بر هر چیزی و هر توانائی تو

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ الَّتِي اسْتَطَلْتَ بِها عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ قُدْرَتِكَ

مستولیست بار خدایا بدرستیکه من سطلیم از تو بتوانائی تو بهمه آنها خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه حکم کرده

مُسْتَطِيلَةٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَما أَمَرْتَنِي

پس بپذیر برای من چنانکه وعده کرده مرا بار خدایا بدرستیکه من سطلیم از تو از دانش تو بروان ترین آن و هر دانش تو روا

فَاسْتَجِبْ لِي كَما وَعَدْتَنِي اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِأَنْفَذِهِ وَكُلُّ عِلْمِكَ نافِذٌ

خداوندا بدرستیکه من سطلیم از تو بعلم تو هر علمی بار خدایا بدرستیکه من سطلیم از تو از گفتار تو پسندیده ترین آن و هر

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِأَرْضاهُ وَكُلُّ

گفتار تو پسندیده است خداوندا بدرستیکه من سطلیم از تو بگفتار تو بهمه آن بار خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو از سؤالهای تو

قَوْلِكَ رَضِيٌّ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَسائِلِكَ

بدوست ترین آنها بسوی تو و هر یک از سؤالهای تو دوست داشته شده است خداوندا بدرستیکه من سطلیم از تو بسؤالهای تو بهمه

بِأَحَبِّها إِلَيْكَ وَكُلُّ مَسائِلِكَ حَبِيبَةٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَسائِلِكَ كُلِّها

بار خدایا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه امر کرده مرا پس بپذیر برای من چنانکه وعده کرده مرا بار خدایا بدرستیکه من سطلیم

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَما أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَما وَعَدْتَنِي اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

از بزرگی تو ببزرگترین آن و هر بزرگی تو بزرگ است خداوندا بدرستیکه من سطلیم از تو ببزرگی تو بهمه آن بار خدایا بدرستیکه من

مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ وَكُلُّ شَرَفِكَ شَرِيفٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي

سطلیم از تو از سلطنت تو بهمیشه ترین آن و هر سلطنتی از تو همیشه است خداوندا بدرستیکه من سطلیم از تو

أَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطانِكَ بِأَدْوَمِهِ وَكُلُّ سُلْطانِكَ دائِمٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بسلطنت تو بهمه آن بار خدایا بدرستیکه من سطلیم از تو از غلبه تو به بزرگترین آن و هر غلبه و بزرگیست بار خدایا بدرستیکه

بِسُلْطانِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ فاخِرٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي

أسألك بسلطانك كله اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني

سلطنت از تو بغلبه تو همه آن بار خدایا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کرده مرا پس مستجاب کن برای من چنانکه

اللهم إني أسألك من علائك بأعلاه وكل علائك عال اللهم إني

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از بلندی تو به بلندترین آن و هر بلندی تو بلند است خداوندا بدرستیکه من

أسألك بعلائك كله اللهم إني أسألك من آياتك بأعجبها وكل آياتك

سوال میکنم از تو به بلندی تو همه آن بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از نشانهای تو به عجب‌تران و هر نشانهای

عجيبة اللهم إني أسألك بآياتك كلها اللهم إني أسألك من منك

تو عجیب است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو به نشانهای تو همه آن بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از انعام تو

بأقدمه وكل منك قديم اللهم إني أسألك بمنك كله اللهم إني أدعوك

به دیرینه‌ترین آن و هر انعام از تو دیرینه است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بانعام تو همه آن بار خدایا بدرستیکه من میخوانم ترا

كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم إني أسألك بما أنت فيه من الشأن

چنانکه امر کرده مرا پس مستجاب کن برای من چنانکه وعده کرده بامن بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بآنچه تو در آنی از کارها

والجبروت اللهم إني أسألك بكل شأن وكل جبروت اللهم إني أسألك

و بزرگواری بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بهر کاری و هر بزرگواری که برای تست خداوندا و سوال میکنم ترا

بما تجيبني به حين أسألك يا الله لا إله إلا أنت أسألك ببهاء لا إله إلا أنت

بآنچه جواب میدهی مرا بآن هنگامیکه سوال میکنم ترا ای خدائی که نیست معبودی بجز تو سوال میکنم ترا بحق روشنی لا اله الا انت

يا لا إله إلا أنت أسألك بجلال لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أسألك بلا إله إلا

ای کسی که نیست خدائی بجز تو سوال میکنم ترا ببزرگی کلمه لا اله الا انت ای آنکه نیست خدائی بجز تو سوال میکنم ترا بکلمه توحید

أنت لا إله إلا أنت اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم

خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کرده مرا پس مستجاب کن برای من چنانکه وعده کرده بامن بار خدایا

إني أسألك من رزقك بأعمه وكل رزقك عام اللهم إني أسألك برزقك

بدرستیکه من سوال میکنم از تو از روزی تو بفراگیرنده‌ترین آن و هر روزی تو فراگیرنده است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بروزی تو

حضرت صادق علیه السلام ... امام محمد باقر علیه السلام منقول است ...

كله اللهم اني اسألك من عطائك باهنئه وكل عطائك هني

همه آن بار خدا بدرستیکه من سوال میکنم از تو ابخشش تو بگوارا تر آن و همه بخشش تو گوارا است

اللهم اني اسألك بعطائك كله اللهم اني اسألك من خيرك

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بخشش تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از خیر تو

باعجله وكل خيرك عاجل اللهم اني اسألك بخيرك كله اللهم

بشتابنده تر آن و همه خیر تو شتابنده است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بخیر تو همه آن خداوندا

اني اسألك من فضلك بافضله وكل فضلك فاضل اللهم اني

بدرستیکه من سوال میکنم ترا از احسان تو به بهتر آن و هر احسان تو بهتر است خداوندا بدرستیکه من

اسألك بفضلك كله اللهم اني ادعوك كما

سوال میکنم از تو احسان تو همه آن خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه

امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم صل على محمد

امر کرده مرا پس بپذیر برای من چنانکه وعده کرده بامن خداوندا درود بفرست بر محمد

وآل محمد وابعثني على الايمان بك والتصديق برسولك عليه وآله

و آل محمد و برانگیز مرا بر ایمان بتو و بر تصدیق به پیغمبر خود بر او و

السلام والولاية لعلي بن ابي طالب والبراءة من عدوه والائتمام

آل او سلام باد و برانگیز مرا بر دوستی علی ابن ابی طالب و بیزاری از دشمن او و باقتدا

بالائمة من آل محمد عليهم السلام فاني قد رضيت بذلك يا رب

با امامان از آل محمد بر ایشان سلام باد پس بدرستیکه من بتحقیق راضی شدم باین ای پروردگار من

اللهم صل على محمد عبدك ورسولك في الاولين وصل على محمد

خداوندا درود بفرست بر محمد بنده خود و پیغمبر خود در پیشینیان و درود بفرست بر محمد

وآل محمد في الآخرين وصل على محمد وآله في الملا الاعلى وصل على

و آل محمد در پسینیان و درود بفرست بر محمد و آل او در گروه برتر و درود بفرست

محمد وآل محمد في المرسلين اللهم اعط محمداً الوسيلة والشرف والفضيلة
محمد وآل محمد در فرستادگان بار خدایا بده محمد را وسیله و بزرگی و برتری

والدرجة الكبيرة اللهم صل على محمد وآل محمد وقنعني بما رزقتني وبارك
و درجه بزرگ بار خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد و قانع گردان مرا بانچه روزی کردی مرا و برکت ده

لي فيما اعطيتني واحفظني في غيبتي وفي كل غائب هو لي اللهم صل على محمد
مرا در آنچه بخشیدی مرا و نگاهدار مرا در غیبت من و در هر غایبی که آن از برای منست خداوندا درود فرست بر محمد

وآل محمد واسألك خير الخير رضوانك والجنة واعوذ بك من شر الشر
و آل محمد و سوال میکنم از تو بهتر بهتری که خوشنودی تست و بهشت و پناه میبرم بتو از بدتر بدتر

سخطك والنار اللهم صل على محمد وآل محمد واحفظني من كل
که غضب تست و آتش دوزخ بار خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد و نگاهدار مرا از هر

مصيبة ومن كل بلية ومن كل عقوبة ومن كل فتنة ومن كل بلاء ومن
مصیبتی و از هر بلائی و از هر پاداشی و از هر آزمایشی و از هر ناخوشی و از

كل شر ومن كل مكروه ومن كل مصيبة ومن كل آفة نزلت او تنزل من
هر بدی و از هر مکروهی و از هر مصیبتی و از هر آفتی که فرود آمده یا فرود آید از

السماء الى الارض في هذه الساعة وفي كل ساعة وفي هذه الليلة وفي هذا
آسمان بسوی زمین درین ساعت و در هر ساعتی و درین شب و درین

اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة اللهم صل على محمد وآل محمد واقسم لي من
روز و درین ماه و درین سال خداوندا درود بفرست بر محمد و آل محمد و بهره ده مرا از

كل سرور ومن كل بهجة ومن كل استقامة ومن كل فرج ومن كل
هر شادی و از هر خوشنودی و از هر پایداری و راستی و از هر گشایشی و از هر

عافية ومن كل سلامة ومن كل كرامة ومن كل رزق واسع حلال
عافیتی و از هر سلامتی و از هر کرامتی و از هر روزی فراخ حلال

طيب ومن كل نعمة ومن كل سعة نزلت او تنزل من السماء الى

پاک و از هر نعمتی و از هر گشایشی که فرود آمده یا فرود آید از آسمان بسوی

الارض في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي هذا

زمین و درین ساعت و درین شب و درین روز و درین

الشهر وفي هذه السنة اللهم ان كانت ذنوبي قد اخلقت وجهي عندك

ماه و درین سال بار خدایا اگر باشد گناهان من که کهنه کرده باشد روی مرا نزد تو

وحالت بيني وبينك وغيرت حالي عندك فاني اسألك بنور وجهك الذي

و حائل شده باشد میان ما میان تو و تغییر داده است حال مرا نزد تو پس بدرستیکه من سوال میکنم از تو بنور وجه تو که

لا يطفأ وبوجه محمد حبيبك المصطفى وبوجه وليك علي المرتضى وبحق

فرو نشانیده نشود و بروی محمد دوست تو که برگزیده است و بروی ولی تو علی مرتضی و بحق

اوليائك الذين انتجبتهم ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي ما مضى

دوستان تو آنانکه برگزیده آنها را اینکه درود دلفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی مرا آنچه گذشته است

من ذنوبي وان تعصمني فيما بقي من عمري واعوذ بك اللهم ان اعود في

از گناهان من و اینکه نگاهداری مرا در آنچه باقی مانده از عمر من و پناه می برم بتو بار خدایا از اینکه باز گردم در

شيء من معاصيك ابدا ما ابقيتني حتى تتوفاني وانا لك مطيع وانت عني

چیزی از گناهان تو همیشه تا دارم که نگاهداری مرا تا بمیرانی مرا و من مر ترا فرمان بردار باشم و تو از من

راض وان تختم لي عملي باحسنه وتجعل لي ثوابه الجنة وان تفعل بي

خشنود باشی و اینکه ختم کنی برای من کردار مرا به بهترین آن و بگردانی برای من ثواب آنرا بهشت و اینکه بکنی بمن

ما انت اهله يا اهل التقوى ويا اهل المغفرة صل على محمد وآل محمد

آنچه تو سزاوار آنی ای سزاوار پرهیزکاری و ای سزاوار آمرزیدن درود دلفرست بر محمد و آل محمد

وارحمني برحمتك يا ارحم الراحمين

و ببخشای مرا بخشایش خود ای بخشنده ترین بخشندگان

بعد از آن هر حاجت که داری از حق تعالی طلب کن که انشاء الله تعالی بر آورده است مؤلف گوید که خواندن این دعا در روز مباهله انسب است و شیخ طوسی علیه الرحمه نیز در این روز روایت کرده و از روایت مذکوره معلوم میشود که در همه وقت می توان خواند و در دعا اختلافی هست میان روایات و انچه در اینجا ذکر شده است موافق روایت شیخ است و روایت دیگر را با ترجمه در رساله دیگر ایراد نموده ام و شبیه باین دعا در سحرهای ماه مبارک رمضان و روزهای آن نیز وارد شده است با فضیلت بسیار و از عظیم ترین دعاهاست **عمل سوم** آنست که شیخ طوسی و دیگران رحمهم الله بسند معتبر از حضرت موسی ابن جعفر صلوات الله علیهما روایت کرده اند که روز مباهله روز بیست و چهارم ماه ذی الحجه است و درین روز انچه خواهی از نماز بکن و هر دو رکعت نماز که بکنی بعد از آن هفتاد مرتبه أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ بگو پس می ایستی و بموضع سجده خود نظر می کنی و این دعا را میخوانی و باید که با غسل باشی و بروایت دیگر فرمود که روز بیست و چهارم روز مباهله است باید که این روز را روزه بداری برای شکر حق تعالی برین نعمت عظمی و غسل کن و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و انچه توانی از بوی خوش خود را خوشبو کن و باید که با آرام دل و آرام تن باشی و اگر در یکی از مشاهد مشرفه باشی نزد آن ضریح مقدس حاضر شوی و الا بجای خلوتی بروی یا بر کوه بلندی بر آئی یا بصحرائی بروی و باید که از منزل خود بیرون رود و غسل کند و بهترین جامه های خود را بپوشد و چون بمحل دعا خواندن داخل شود دو رکعت نماز بکند با آداب و شرائط و بعد از سلام هفتاد مرتبه استغفار کند پس بایستد و بجانب آسمان نظر کند و این دعا را بخواند و بعد از آن فرمود که پس هر دعائیکه خواهی بکن باز دو رکعت نماز بکن و دعا بکن و دعا این است

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

سپاس مر خدا را که پروردگار عالمیان است سپاس مر خدا را که پدید کننده آسمانها و زمین است سپاس مر خدا را که

لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ

مر او راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است سپاس مر خدا را که آفرید آسمانها و زمین را

وجعل الظلمات والنور ثم الذين كفروا بربهم يعدلون الحمد لله الذي

و بيدا كرد تاريكيها را و روشنى را پس آنانكه كافر شدند به پروردگار خود شريك ميگردانند سپاس

هداني ما كنت به جاهلا ولولا تعريفه اياي كنت هالكا اذ قال

شناسانيد مرا آنچه بودم بآن نادان اگر نمى بود شناسانيدن خدا مرا هر اينه بودم هلاك شونده چونكه گفت

وقوله الحق قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى فبين لي

و سخن او راست است كه بگو اى محمد كه نميخواهم از شما بر پيغمبرى مزد مگر دوستى در باره خويشان پس ظاهر كرد

القرابة وقال سبحانه انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت

خويشى را و گفت خداى سبحانه جز اين نيست كه ميخواهد خدا تا ببرد از شما پليدى را اى اهل بيت

ويطهركم تطهيرا فبين لي اهل البيت بعد القرابة ثم قال تعالى

و پاك كند شما را پاك كردنى پس ظاهر ساخت براى من اهل بيت را پس از بيان قرابت پس گفت حق تعالى

مبينا عن الصادقين الذين امرنا بالكون معهم والرجوع اليهم بقوله

بيان كنان از راستگويان آنانكه امر كرد ما را به بودن با ايشان و رجوع بسوى ايشان بقول خود

سبحانه يا ايها الذين امنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين

سبحانه كه اى آنانكه ايمان آورده اند بترسيد از خدا و باشيد با راست گويان

فاوضح عنهم وابان عن صفتهم بقوله جل ثناؤه فقل تعالوا ندع

پس واضح كرد از ايشان و آشكار كرد از صفت ايشان بقول خود بزرگست ثناى او پس بگو اى محمد بيائيد بخوانيم

ابناءنا وابناءكم ونساءنا ونساءكم وانفسنا وانفسكم ثم نبتهل

پسران خود را و پسران شما را و زنان خود را و زنان شما را و نفسهاى خود را و نفسهاى شما را پس زارى كنيم

فنجعل لعنة الله على الكاذبين فلك الشكر يا رب ولك المن حيث

پس گردانيم لعنت خدا بر دروغگويان پس مر تراست شكر اى پروردگار من مر تراست منت از جهت

هديتني وارشدتني حتى لم يخف على الاهل والبيت والقرابة

كه راه نمودى مرا و دلالت براه راست كردى مرا تا پوشيده نماند بر من اهل خانه و قرابت پيغمبر خدا

فعرّفني نساءهم وأولادهم ورجالهم اللّهمّ إنّي أتقرّب إليك بذكر

پس بشناسانید مرا زنان ایشان را و فرزندان ایشان را و مردان ایشان را بار خدایا بدرستیکه من تقرب میجویم بسوی تو

المقام الذي لا يكون أعظم منه فضلاً للمؤمنين ولا أكثر رحمة

مقامی که نمی باشد بزرگتر از آن از روی فضل برای مومنان و نه بیشتر از آن از روی رحمت

لهم بتعريفك إيّاهم شأنه وإبانتك فضل أهله الذين بهم أدحضت

برای ایشان بشناسانیدن تو ایشان را رتبهٔ مقام او را و آشکار کردن تو فضیلت اهل آنرا آنانکه بسبب ایشان باطل

باطل أعدائك وثبّتّ بهم قواعد دينك ولولا هذا المقام المحمود

باطل دشمنان خود را و ثابت کردانیدی بایشان ستونهای دین خود را و اگر نمی بود این مقام ستوده شده

الذي أنقذتنا به ودللتنا على اتّباع المحقّين من أهل بيت نبيّك

که خلاص کردی ما را بآن و راه نمودی ما را به پیروی صاحبان حق از اهل بیت پیغمبر خود

الصادقين عنك الذين عصمتهم من لغو المقال ومدانس الأفعال

که راستگو باشند از جانب تو آنانکه نگاه داشتی ایشان را از بیهودهٔ گفتار و نجسهای کردار

لخصم أهل الإسلام وظهرت كلمة أهل الإلحاد وفعل أولي

هر آینه خصومت کرده شدندی اهل اسلام و ظاهر شدی سخن اهل الحاد و کردار صاحبان

العناد فلك الحمد ولك المنّ ولك الشكر على نعمائك وأياديك

دشمنی پس تراست سپاس و مر تراست منت و مر تراست شکر بر نعمتهای تو و عطاهای تو

اللّهمّ فصلّ على محمّد وآل محمّد الذين افترضت علينا طاعتهم

بار خدایا پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد آنانکه فرض کردی بر ما فرمانبرداری ایشان را

وعقدت في رقابنا ولايتهم وأكرمتنا بمعرفتهم وشرّفتنا

و بستی در گردنهای ما دوستی ایشان را و گرامی کردی ما را بشناختن ایشان و مشرف کردی ما را

باتّباع آثارهم وثبّتنا بالقول الثابت الذي عرّفوناه فأعنّا على

به پیروی نشانهای ایشان و ثابت کردی ما را بسخن پایدار ایشان که شناسانیدند ما را آن سخن را پس یاری کن

الاحد بما بصر و ناه و اجز محمداً عنا افضل الجزاء بما نصح لخلقک و

کرفتار بحرکه نمودند یا آنرا و جزا ده محمد را از جانب ما بهترین جزای بسبب آنچه نصیحت کرده خلق را

بذل وسعه فی ابلاغ رسالاتک و خطر بنفسه فی اقامة دینک

وصرف کرده استطاعت خود را در رسانیدن پیغامهای تو و در خطر انداخته جان خود را در برپا داشتن دین تو

و علی اخیه و وصیه و الهادی من بعده الی دینه و المقیم

و بر برادر او و وصی او و ره نمای از پس او بسوی دین او قائم دارنده

سنته علی امیر المؤمنین صلوات الله علیه و صل علی الائمة من

طریقه او که علی امیر مؤمنان درودهای خدا بر او و درود بر امامان از

ابنائه الصادقین الذین وصلت طاعتهم بطاعتک و ادخلنا بشفاعتهم

اولاد او که راستگویانند آنانکه پیوند کردی طاعت ایشان را بطاعت خود و داخل کن ما را بشفاعت ایشان

دار الکرامة یا ارحم الراحمین اللهم هؤلاء اصحاب الکساء و العباء

در خانه کرامت ای مهربان ترین مهربانان بار خدایا اینها که مذکور شدند صاحبان گلیم و عبا اند

یوم المباهلة اللهم اجعلهم شفعاءنا و اسألک بحق ذلک المقام

در روز مباهله خداوندا بگردان ایشان را شفاعت کننده ما و مطلبیم از تو بحق آن مقام

المحمود و الیوم المشهود ان تغفر لی و تتوب علی انک انت التواب

ستوده و روز حاضر شده اینکه بیامرزی مرا و بپذیری توبه مرا بدرستیکه توئی بسیار پذیرنده توبه

الرحیم اللهم انی اشهد ان ارواحهم و طینتهم واحدة و هی الشجرة

مهربان بار خدایا بدرستیکه من گواهی میدهم بآنکه ارواح ایشان و طینت ایشان یکی است و آن درختی است

التی طاب اصلها و فرعها و اغصانها و اوراقها اللهم ارحمنا

که پاک است بیخ آن و شاخ کلان آن و شاخهای کوچک آن و برگهای آن خدایا ببخشای ما را

بحقهم و اجرنا من مواقف الخزی فی الدنیا و الاخرة بولایتهم

بحق ایشان و پناه ده ما را از جاهای رسوائی در دنیا و آخرت بدوستی ایشان

وأوردنا موارد الامن من اهوال يوم القيمة بحبهم واقرارنا بفضلهم

وفرود آر ما را آبخورهای امن از ترسهای روز قیامت بدوستی ایشان وباقرار ما بزرگی ایشان

واتباعنا آثارهم واهتدائنا بهداهم واعتقادنا ما عرفوناه من توحيدك

وبپیروی ما اثرهای ایشان را وبراه یافتن ما برهنمائی ایشان وباعتقاد ما بآنچه شناسانیدند ایشان ما را از یگانگی تو

ووقفونا عليه من تعظيم شأنك وتقديس اسمائك وشكر آلائك

وواقف کردانیدند ما را بران از تعظیم شأن تو وپاک کردانیدن نامهای تو وسپاس نعمتهای تو

ونفي الصفات ان تحلك والعلم ان يحيط بك والوهم ان يقع عليك

ونفی صفتها از اینکه حلول نماید در تو ونفی علم از اینکه احاطه نماید بتو ونفی وهم از اینکه واقع شود بر تو

فانك اقمتهم حججا على خلقك ودلائل على توحيدك وهداة تنبه

پس بدرستیکه تو قائم کردانیدی ایشان را حجت بر خلق خود ودلیلها بر یگانگی خود وراه نمایان که آگاه می نمایند

على امرك وتهدي الى دينك وتوضح ما اشكل على عبادك و

بر امر تو وهدایت می نمایند بسوی دین تو وروشن می نمایند آنچه مشتبه شود بر بندهای تو

بابا للمعجزات التي يعجز عنها غيرك وبها تبين حجتك وتدعو الى

ودری از برای معجزات آنچنانکه عاجز می شود از آن غیر تو وبآن آشکار می شود حجت تو ومیخوانند بسوی

تعظيم السفير بينك وبين خلقك وانت المتفضل عليهم حيث

بزرگی سفیر میان تو ومیان خلق تو وتوئی احسان کننده بر ایشان از آنجا که

قربتهم من ملكوتك واختصصتهم بسرك واصطفيتهم لوحيك

نزدیک کردی ایشان را بپادشاهی خود وخاص کردانیدی ایشان را براز خود وبرگزیدی ایشان را برای وحی خود

واورثتهم غوامض تاويلك رحمة لخلقك ولطفا بعبادك و

ووارث کردی ایشان را تاویلهای پوشیده خود جهت مهربانی بر خلق خود ولطف بر بندهای خود

حنانا على بريتك وعلما بما تنطوي عليه ضمائر امنائك وما يكون

ومهربانی بر آفریدگان خود وجهت دانائی خود بآنچه محیط است بران ضمیرهای امینان تو وآنچه می باشد

مِنْ شَأنِ صَفْوَتِكَ وَطَهَّرْتَهُمْ فِي مَنْشَأِهِمْ وَمُبْتَدَئِهِمْ وَحَرَسْتَهُمْ

از شأنیت برگزیده‌های تو و پاک گردانیدی ایشان را در ابتدای پیدایش ... ایشان

مِنْ نَفْثِ نَافِثٍ إِلَيْهِمْ وَأَرَيْتَهُمْ بُرْهَاناً عَلَى مَنْ عَرَضَ بِسُوءٍ لَهُمْ فَاسْتَجَابُوا

از دمیدن دمنده بسوی ایشان و نمودی ایشان را حجتی بر آنکه متعرض شود به بدی با ایشان ... کردند

لِأَمْرِكَ وَشَغَلُوا أَنْفُسَهُمْ بِطَاعَتِكَ وَمَلَؤُوا أَجْزَاءَهُمْ مِنْ ذِكْرِكَ وَعَمَرُوا

فرمان ترا و مشغول کردند نفسهای خود را بفرمانبری تو و پر کردند اجزای خود را از ذکر تو و معمور کردند

قُلُوبَهُمْ بِتَعْظِيمِ أَمْرِكَ وَجَزَّؤُوا أَوْقَاتَهُمْ فِيمَا يُرْضِيكَ وَأَخْلَوْا دَخَائِلَهُمْ

دلهای خود را به بزرگ داشتن امر تو و قسمت کردند وقتهای خود را در چیزیکه ترا خوشنود کند و خالی کردند

مِنْ مَعَارِيضِ الْخَطَرَاتِ الشَّاغِلَةِ عَنْكَ فَجَعَلْتَ قُلُوبَهُمْ مَكَامِنَ

از معارضه‌ها و وسواسهای بازدارنده از تو پس گردانیدی دلهای ایشان را جاهای پوشیدگی

لِإِرَادَتِكَ وَعُقُولَهُمْ مَنَاصِبَ لِأَمْرِكَ وَنَهْيِكَ وَأَلْسِنَتَهُمْ تَرَاجِمَةً

اراده خود و گردانیدی عقلهای ایشان را جاهای اقامت امر خود و نهی خود و گردانیدی زبانهای ایشان را بیان کنندگان

لِسُنَّتِكَ ثُمَّ أَكْرَمْتَهُمْ بِنُورِكَ حَتَّى فَضَّلْتَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَهْلِ زَمَانِهِمْ وَ

از برای سنت خود پس اکرام کردی ایشان را بنور خود تا اینکه برتری دادی ایشان را از میان اهل زمان ایشان

الْأَقْرَبِينَ إِلَيْهِمْ فَخَصَصْتَهُمْ بِوَحْيِكَ وَأَنْزَلْتَ إِلَيْهِمْ كِتَابَكَ وَ

نزدیکان بسوی ایشان پس مخصوص گردانیدی ایشان را بوحی خود و فرستادی بسوی ایشان کتاب خود

أَمَرْتَنَا بِالتَّمَسُّكِ بِهِمْ وَالرَّدِّ إِلَيْهِمْ وَالْاِسْتِنْبَاطِ مِنْهُمْ اللَّهُمَّ فَإِنَّا

امر کردی ما را بچنگ زدن بایشان و رجوع کردن بسوی ایشان و فرا گرفتن از ایشان بار خدایا این است که

قَدْ تَمَسَّكْنَا بِكِتَابِكَ وَبِعِتْرَةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ الَّذِينَ أَقَمْتَهُمْ

بتحقیق چنگ زدیم بکتاب تو و بخویشان پیغمبر تو درودهای خدا باد بر ایشان آنکه قائم کردی ایشان را

لَنَا دَلِيلاً وَعَلَماً وَأَمَرْتَنَا بِاتِّبَاعِهِمْ اللَّهُمَّ فَإِنَّا قَدْ تَمَسَّكْنَا بِهِمْ

برای ما راه نماینده و نشان و امر کردی ما را به پیروی ایشان بار خدایا این است که بتحقیق چنگ زدیم به ایشان

فَارْزُقْنَا شَفَاعَتَهُمْ حِينَ يَقُولُ الْخَائِبُونَ فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ
پس روزی کن مارا شفاعت ایشان هنگامی که گویند نا امید شدگان پس نیست برای ما از شفاعت کنندگان و نه دوست
حَمِيمٍ وَاجْعَلْنَا مِنَ الصَّادِقِينَ الْمُصَدِّقِينَ لَهُمُ الْمُنْتَظِرِينَ لِأَيَّامِهِمُ النَّاظِرِينَ
خالص و بگردان مارا از راستگویان و تصدیق کنندگان مر ایشانرا آنانکه منتظرند مر ایام دولت ایشان را
إِلَى شَفَاعَتِهِمْ وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً
بجانب شفاعت ایشان و گمراه مگردان مارا بعد از آنکه راه نمودی مارا و ببخش مارا از جانب خود رحمتی
إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ
بدرستیکه توئی بسیار بخشنده مستجاب کن دعای ای پروردگار عالمیان خداوندا درود فرست بر محمد پیغمبر خود
وَعَلَى أَخِيهِ وَصِنْوِهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقِبْلَةِ الْعَارِفِينَ وَعَلَمِ الْمُهْتَدِينَ
و بر برادر او و خویش او امیر مومنان و پیشوای عارفان و نشان راه یافتگان
وَثَانِي الْخَمْسَةِ الْمَيَامِينِ الَّذِينَ فَخَرَ بِهِمُ الرُّوحُ الْأَمِينُ وَبَاهَلَ اللَّهُ بِهِمُ
و دوم پنجتن صاحب یمن آنانکه افتخار نموده بایشان جبرئیل امین و مباهله فرموده خدا با
الْمُبَاهِلِينَ فَقَالَ وَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا
پنج کس با مباهله کنندگان پس گفت خدا و او راست ترگویندگان پس کسیکه خصومت و جدل نماید با تو بعد از آنکه
جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ
آمد ترا از علم پس بگو که بیائید تا بخوانیم پسران خود را و پسران شمارا و زنان خود را و زنان شمارا
وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ ذَلِكَ الْإِمَامُ
و نزدیکان خود را و نزدیکان شمارا پس مباهله نمائیم پس بگردانیم لعنت خدا بر دروغگویان آن امامیکه
الْمَخْصُوصُ بِمُوَاخَاتِهِ يَوْمَ الْإِخَاءِ وَالْمُؤْثِرُ بِالْقُوتِ بَعْدَ ضُرِّ
مخصوص است به برادری آنحضرت روز برادر خواندگی و ایثار کننده غیر را بتوشه بعد ضرر
الطَّوَى وَمَنْ شَكَرَ اللَّهُ سَعْيَهُ فِي هَلْ أَتَى وَمَنْ شَهِدَ بِفَضْلِهِ مُعَادُوهُ
گرسنگی و کسیکه ستایش کرده حق کوشش او را در سوره هل اتی و کسیکه گواهی دادند به بزرگی او دشمنان او

وَاَقَرَّ بِمَناقِبِهِ جاحِدُهُ مَوْلَی الْاَنامِ وَمُکَسِّرِ الْاَصْنامِ وَمَنْ لَمْ یَاْخُذْهُ

واقرار کردند بخوبیهای او منکران او خداوند خلائق وشکننده بتان وکسیکه نگرفت اورا

فِی اللّٰهِ لَوْمَةُ لائِمٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ ما طَلَعَتْ شَمْسُ النَّهارِ وَاَوْرَقَتِ

در راه خدا سرزنش کننده درود فرستد خدا بر او و آل او ما دامیکه طلوع کند آفتاب روز و برگ بر آرند

الْاَشْجارُ وَعَلَی النُّجُومِ الْمُشْرِقاتِ مِنْ عِتْرَتِهِ وَالْحُجَجِ الْواضِحاتِ مِنْ ذُرِّیَّتِهِ

درختان و درود فرستد خدا بر ستارگان درخشان از فرزندان او و حجت های روشن از ذریات او

و این دعا بحسب سند و متن اصح ادعیه است و دیگر از ایام متبرکه روز بیست و پنجم است و مشهور آنست

که درین روز سوره کریمه هل اتی در شان حضرت امیر المومنین و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین

صلوات الله علیهم نازل شده بسبب آنکه حسن و حسین علیهما السلام بیمار شدند و حضرت رسول

صلی الله علیه و آله بعیادت ایشان رفت و امر فرمود که حضرت امیر و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام

نذر کردند که اگر خدا ایشان را عافیت دهد سه روز روزه بگیرند و چون خدا عافیت کرامت فرمود آن

چهار بزرگوار با فضه خادمه ایشان روزه گرفتند و نداشتند چیزی که بآن افطار نمایند پس حضرت

امیر المومنین علیه السلام قدری پشم از شمعون یهودی گرفت با سه صاع از جو که حضرت فاطمه صلوات

الله علیها سه روز ثلث آن پشم را بریسد و یک صاع از آن جو بمزد خود بردارد پس در روز اول حضرت

فاطمه علیها السلام قدر ثلث آن پشم را گرفت و رشت و بمزد آن صاعی از جو برداشت و آرد

کرد و پنج گرده نان پخت و چون حضرت امیر با حضرت رسول صلعم نماز شام کرد و بخانه برگشت حضرت فاطمه

علیها السلام پنج گرده نان را حاضر کرد خواستند افطار نمایند مسکینی بر در خانه ندا کرد که

السلام علیکم ای اهل بیت محمد من مسکینی ام از مساکین مسلمانان مرا طعام دهید تا خدا شما را

از مائده های بهشت طعام دهد پس حضرت امیر المومنین علیه السلام ابتدا کرد و فرمود که من نان خود را

بسائل دهم و سائر اهل بیت علیهم السلام با فضه با آنحضرت موافقت کردند و نانها را بسائل دادند

و بآب افطار کردند و روز دیگر را روزه داشتند و باز حضرت فاطمه علیها السلام بر رشتن

یک ثلث دیگر از پشم یک صاع دیگر را برداشت آرد کرد و نان پخت و چون خواستند افطار

كنند سائلی بر در خانه آمد و ندا كرد كه السلام عليكم ای اهل بيت محمد من يتيمی ام از اولاد مهاجرين
و پدرم در روز عقبه شهيد شده است مرا طعام دهيد تا خدا شما را از خانهای بهشت طعام دهد پس حضرت
امير مؤمنان اول نان جو را داد و بعد از آن فاطمه نيز داد و بعد از آن دو گوشواره عرش خدا و بعد از آن
فضه سعادتمند همگی نانهای جو را به يتيم دادند و با آب افطار نمودند و در روز سوم روزه داشتند و با
حضرت سيدة النساء در روز سوم بقيه پشم را رشت و بقيه جو را گرفت و در آسيا خرد كرد
و با پنج كرده نان پخت و چون حضرت امير كبير از نماز برگشت و حضرت فاطمه طعام را حاضر
ساخت كه افطار نمايند ناگاه اسيری از اسيران كافران ندا كرد كه السلام عليكم ای اهل بيت محمد
ما را اسير می كنيد و می بنديد و طعام نمی دهيد كه بخوريم پس نخوشبهای سابق همه گرده های نان را به سائل
دادند و با آب بحبت افطار نمودند چون صبح شد خداوند عالميان سوره كريمه هل اتی را در شان
ايشان فرستاد و در آن سوره اشاره باين قصه نموده كه يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا
كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا
إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا إِنَّا
نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا يعنی وفا می كنند بنذر و می ترسند از روزی كه
شر آن اكثر خلق را فرا گرفته است و می خورانند طعام را با خواهش و محبت آن يا از برای محض
محبت خدا به مسكين و يتيم و اسير و می گويند يعنی در دل خود و نيت ايشان اين است كه ما طعام نميدهيم
شما را مگر از برای رضای خدا نمی خواهيم از شما جزا و نه پاداشی را و نه شكر و ثنايی را ما می ترسيم از روز
قيامت كه در نهايت شدت و هول است و چون در روز چهارم كه بيست و پنجم ماه ذی الحجه
بود سوره هل اتی در مدح ايشان نازل شد حضرت رسول صلی الله عليه و اله و سلم بخانه اهل بيت
عليهم السلام آمد و ايشان را با آن شدت گرسنگی و آن حالت غريب مشاهده نمود و گريست
و فرمود اين چه حالتست كه در شما مشاهده می نمايم و امام حسن و امام حسين عليهما السلام را ديد
از نقاهت بيماری و گرسنگی مانند جوجه كه از تخم بيرون آيد می لرزند و حضرت فاطمه عليها السلام
در محراب عبادت ايستاده بود و از گرسنگی شكم مباركش به پشت چسبيده بود و چشمهايش فرو رفته بود

چون از نماز فارغ شد حق تعالی خوانی از بهشت برای فاطمه فرستاد که در آن کاسه بود و در کاسه ثرید گرم در آن میان بود که می جوشید بوی بهتر از بوی مشک از آن ساطع بود پس حضرت فاطمه علیها السلام آن خوان را نزد رسول صلی الله علیه و آله و سلم آورد حضرت فرمود ای فاطمه این را از کجا آوردی گفت از جانب خدا آمده است خدا هر که را خواهد روزی میدهد بی حساب حضرت فرمود الحمد لله که از دنیا نرفتم تا در اهل بیت خود شبیه مریم مادر عیسی دیدم پس از آن تناول فرمودند و تا هفت روز از آن میخوردند و آخر نمی شد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که آن کاسه نزد ماست و حضرت صاحب الامر آن را ظاهر خواهد کرد و طعام بهشت از آن تناول خواهد نمود و سنیان نیز این روایت را با نزول مائده بطرق بسیار نقل کرده اند و تفصیل این قصه را در سایر کتب ذکر کرده ام پس مناسبست که شیعیان اهل بیت علیهم السلام درین ایام تاسی نمایند بموالی خود در تصدق کردن بر مساکین و یتیمان و سعی نمایند در اطعام ایشان و از شیخ مفید علیه الرحمه نقل شده است که مستحب است که این روز را روزه بدارند بجهت شکر نعمت نزول سوره هل اتی در شأن آل عبا علیهم السلام و ایضاً مناسبست غسل و زیارت و زیارت ایشان علیهم السلام و زیارت جامعه خواندن درین روز مناسبست و چون بعضی از علما این روز را روز مباهله میدانند دعای مباهله را نیز درین روز خواندن خوبست و روز بیست و نهم بنا بر مشهور عمر علیه اللعنة را خنجر زدند و باین سبب نهایت برکت دارد و روز بیست و ششم مروان که آخر خلفای بنی امیه است بجهنم واصل شد و دولت ملعونه بنی امیه لعنهم الله برطرف شد پس درین روز شکر این نعمت را باید کرد و بعضی گفته اند که حضرت امام [illegible] علیه السلام درین روز متولد شده است و روز بیست و نهم بنا بر مشهور عمر ملعون باسفل درکات سقر منتقل شده است و باین سبب فضیلت عظیم دارد و در روز آخر ذی الحجة الحرام که آخر سال عربست روایت کرده اند که سنت است که دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و ده مرتبه سوره قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از سلام این دعا بخواند

اللّهُمَّ ما عَمِلْتُ في هذِهِ السَّنَةِ مِنْ عَمَلٍ نَهَيْتَني عَنْهُ وَلَمْ تَرْضَهُ وَنَسيتُهُ

خداوندا آنچه کردم در این سال از عملی که نهی کرده مرا از آن و راضی نیستی به آن و فراموش کردم

وَلَمْ تَنْسَهُ وَدَعَوْتَني اِلَى التَّوْبَةِ بَعْدَ اجْتِرائي عَلَيْكَ اَللّهُمَّ فَاِنّي

و تو فراموش نکردی آن را و خواندی مرا بسوی توبه پس از جرأت کردن من بر تو بار خدایا پس براستی که من

اَسْتَغْفِرُكَ مِنْهُ فَاغْفِرْ لي اَللّهُمَّ وَما عَمِلْتُ مِنْ عَمَلٍ يُقَرِّبُني اِلَيْكَ

طلب آمرزش میکنم از تو از آن پس بیامرز مرا بار خدایا و آنچه کردم از عملیکه نزدیک گرداند مرا بسوی تو

فَاقْبَلْهُ مِنّي وَلا تَقْطَعْ رَجائي مِنْكَ يا كَريمُ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ

پس قبول کن آن را از من و قطع مکن امید مرا از خود ای خداوند کریم ای بخشنده‌ترین بخشندگان

باب ششم

در اعمال ماه محرم است و در آن سه فصل است **فصل اول** در اعمال دهۀ اول محرم است از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم در روز اول محرم دو رکعت نماز میکردند و چون از نماز فارغ میشدند دست بدعا برمیداشتند و این دعا را سه مرتبه میخواندند

اَللّهُمَّ اَنْتَ الْاِلهُ الْقَديمُ وَهذِهِ سَنَةٌ جَديدَةٌ فَاَسْئَلُكَ فيهَا

خداوندا توئی خدای قدیم و این سال تو نو است پس درخواست میکنم از تو در این سال

الْعِصْمَةَ مِنَ الشَّيْطانِ وَالْقُوَّةَ عَلى هذِهِ النَّفْسِ الْاَمّارَةِ بِالسُّوءِ وَالْاِشْتِغالَ

نگاهداشتن از شیطان و غلبه و توانائی بر این نفس که بسیار امر کننده است به بدی و مشغول شدن

بِما يُقَرِّبُني اِلَيْكَ يا كَريمُ يا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ يا عِمادَ مَنْ لا عِمادَ لَهُ

بچیزیکه نزدیک کند مرا بسوی تو ای کریم ای خداوند بزرگی و اکرام ای ستون کسیکه نیست ستونی از برای او

يا ذَخيرَةَ مَنْ لا ذَخيرَةَ لَهُ يا حِرْزَ مَنْ لا حِرْزَ لَهُ يا غِياثَ مَنْ لا غِياثَ

ای ذخیره کسیکه نیست ذخیره مر او را ای پناه کسیکه نیست پناهی مر او را ای فریادرس کسیکه نیست فریادرسی

لَهُ يا سَنَدَ مَنْ لا سَنَدَ لَهُ يا كَنْزَ مَنْ لا كَنْزَ لَهُ يا حَسَنَ الْبَلاءِ يا عَظيمَ الرَّجاءِ

مر او را ای تکیه گاه کسیکه نیست تکیه گاهی مر او را ای گنج کسیکه نیست گنجی مر او را ای نیکو احسان ای بزرگ امید

يا عزّ الضعفاء يا منقذ الغرقى يا منجي الهلكى يا منعم يا مجمل يا مفضل

اى غالب كننده ضعيفان اى رهاننده غرق شدگان اى نجات دهنده هلاك شدگان اى نعمت دهنده اى نيكى كننده

يا محسن انت الذي سجد لك سواد الليل ونور النهار وضوء القمر

اى احسان كننده توئى آنكسيكه سجده كرد مرترا سياهى شب و روشنى روز و فروغ ماه

وشعاع الشمس ودوي الماء وحفيف الشجر يا الله لا شريك لك اللهم

و پرتو آفتاب و آواز جريان آب و آواز حركت درخت اى خدا نيست شريكى مرترا بار خدايا

اجعلنا خيرا مما يظنون واغفر لنا ما لا يعلمون ولا تؤاخذنا

بگردان ما را بهتر از آنچه گمان ميبرند و بيامرز ما را آنچه نميدانند و مواخذه مكن ما را

بما يقولون حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم

بآنچه ميگويند كافى است مرا خداى كه نيست معبودى بحق جز او بر او توكل نمودم و او پروردگار عرش بزرگ است

آمنا به كل من عند ربنا وما يذكر الا اولوا الالباب ربنا لا تزغ

ايمان آورديم ما باو و همه چيز از نزد پروردگار ما است و پند نمى پذيرند مگر خداوندان عقول اى پروردگار ما ميل مده

قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب

دلهاى ما بعد از آنكه راه نمودى تو ما را و ببخش ما را از جانب خود رحمتى بدرستيكه توئى بسيار بخشنده

و چون حضرت سيد الشهداء صلوات الله عليه در دهم اين ماه بسعادت شهادت فائز گرديد
و در اكثر اين دهه محزون و غمگين بودند و اخبار موحشه بايشان ميرسيد بايد كه شيعيان ايشان در جميع
اين ده روز بلوازم تعزيت آنحضرت قيام نمايند و محزون و اندوهناك باشند و اخبار و
احاديث كه مشتمل بر ذكر مصائب ايشان باشد بخوانند و بعضى از علما گفته اند كه ترك بعضى لذت
بكنند و از حضرت امام رضا ع منقول است كه ماه محرم ماهى بود كه كافران در اين ماه جنگ كردن
را حرام مى دانستند و منافقان اين امت درين ماه خون ما را حلال دانستند و هتك حرمت
ما كردند و زنان و فرزندان ما را اسير كردند و آتش در خيمه هاى ما زدند و اموال و اسباب
ما را غارت كردند و حرمت حضرت رسالت پناه صلعم را در باب ما رعايت نكردند

بدرستیکه مصیبت امام حسین علیه السلام جشمهای مارا مجروح گردانید و آب دیده های مارا جاری ساخت و عزیز مارا ذلیل کردانید و واقعهٔ کرب و بلا برای ما مهیا کرد تا روز قیامت پس باید که بر مصیبت آنحضرت گریه کنندگان بگریند بدرستیکه گریه بر آنحضرت گناهان بزرگ را بر طرف میکند پس فرمود که پدرم حضرت امام موسی علیه السلام چون ماه محرم داخل میشد کسی آنحضرت را خندان نمیدید و اثر حزن و اندوه بر آنحضرت ظاهر میشد در مجموع دهه اول ماه چون روز دهم میشد روز مصیبت و گریه و اندوه او می بود و می گفت امروز روز شهادت امام حسین علیه السلام و در حدیث دیگر فرمود که چون جدم حسین شهید شد آسمان خون و خاک سرخ بارید اگر بر آنحضرت آنقدر گریه کنی که آب دیده بر روی تو جاری گردد حق تعالی جمیع گناهان کوچک و بزرگ ترا بیامرزد پس فرمود که اگر خواهی که چون بمیری هیچ گناهی ترا نباشد زیارت کن امام حسین علیه السلام اگر خواهی که در غرفه های بهشت با حضرت رسول و آل او باشی لعنت کن قاتلان حسین علیه السلام را و اگر خواهی که ثواب شهیدان کربلا داشته باشی هر وقت که مصیبت آنحضرت را بیاد آوری بگوی

یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزا عظیما یعنی ای کاشکی می بودم

با ایشان پس بر ستیکه رستگاری می یافتم رستگاری بزرگ و اگر خواهی که در درجات عالیه بهشت با ما باشی از برای اندوه ما اندوهناک و از برای شادی ما شاد باش بدانکه روزه

روز اول ماه محرم مستحب است و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که در روز اول ماه محرم حضرت زکریا علی نبینا و علیه السلام دعا کرد و از خدا فرزند طلبید حقتعالی دعای او را مستجاب گردانید و حضرت یحیی را باو عطا کرد پس که این روز را روزه بدارد و دعا کند حقتعالی دعای او را مستجاب گرداند چنانکه دعای زکریا را مستجاب کرد و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که روز سوم محرم روزه مبارکیست و در این روز حضرت یوسف از چاه بیرون آمد هر که آن روز را روزه دارد حق تعالی کارهای صعب و را براو آسان گرداند و بهتر است که روز نهم و دهم را روزه ندارد زیرا که بنی امیه این دو روز را برای برکت و شماتت بر قتل آنحضرت روزه میداشتند و احادیث بسیار در فضیلت این دو روز روزه

آنها از حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسیده اند و از طریق اهل بیت علیهم السلام احادیث بسیار در مذمت
روزه این روز خصوصاً روزه روز عاشورا وارد شده است و ایضاً بنی امیه علیهم اللعنة
برای برکت آذوقه سال آینده روز عاشورا در خانه ذخیره میکردند لهذا از حضرت امام رضا
علیه السلام منقول است که هر که ترک کند سعی در حوائج خود در روز عاشورا و پی کاری نرود حق تعالی
حوائج دنیا و آخرت او را برآورد و هر که روز عاشورا روز مصیبت و اندوه و گریه او باشد
حق تعالی روز قیامت را روز فرح و سرور و شادی او گرداند و دیده اش در بهشت بما روشن
گردد و هر که روز عاشورا را روز برکت نامد و از برای منزل خود در آن روز چیزی ذخیره کند
خدا آن ذخیره را بر او مبارک نگرداند و در روز قیامت با یزید و عبید الله بن زیاد و عمر بن سعد علیهم اللعنة
محشور گردد و چنین باید که در روز عاشورا آدمی مشغول کاری از کارهای دنیا نگردد و مشغول گریه
و نوحه و مصیبت باشد و امر کند اهل خانه خود را که تعزیت آنحضرت را بدارند و مشغول ماتم
باشند چنانکه در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود می باشند و در آن روز امساک کند از خوردن
و آشامیدن بی آنکه قصد روزه کند و در آخر روز بعد از عصر افطار کند اگر چه بشربت آبی باشد
و روزه تمام ندارد مگر آنکه در خصوص آن روز روزه واجبی داشته باشد که نذر یا شبه آن
بر او واجب شده باشد که آن روز را باید روزه بگیرد و در آن روز آذوقه در خانه ذخیره
نکند و نخندد و مشغول لهو و لعب نگردد و هزار مرتبه بر قاتلان آنحضرت لعنت کند بگوید

اللّهمّ العن قتلة الحسین

بارخدایا لعنت کن بر کشندگان حسین ع

و در روایتی وارد شده است از حضرت صادق علیه السلام که هر که در روز عاشورا
هزار مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند خدا بنظر رحمت بسوی او کند و هر که را خدا بنظر
رحمت بسوی او کند هرگز او را عذاب نکند و در شب عاشورا نیز باید که احیا کند بگریه و ندبه
و حزن و سوگواری تأسی بحضرت امام حسین علیه السلام و اصحاب او که در آن شب در صحرای
کربلا در میان سی هزار نفر از کافران بی حیا تا صباح احیا کردند و بعبادت و توبه و استغاثه

شهادت میکردند فصل دوم در زیارت مشهور آنحضرت در روز عاشورا و فضیلت
زیارت آنحضرت در شب و روز عاشورا بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر که در شب عاشورا نزد قبر شریف آنحضرت باشد و آنحضرت را زیارت کند و در روز قیامت
محشور گردد در حالتی که بخون خود آلوده باشد و بهیئت شهدای کربلا در میان محشور گردد و هر که شب و روز عاشورا
زیارت کند آن حضرت را چنان باشد که در پیش روی آنحضرت شهید شده باشد و بسند
صحیح از آن حضرت منقولست که هر که حضرت امام حسین علیه السلام را در روز عاشورا زیارت
کند بهشت او را واجب گردد و اما زیارت مشهور شیخ طوسی و ابن قولویه و غیر ایشان رحمهم الله
علیهم روایت کرده اند از سیف بن عمیره و صالح بن عقبه هر دو و از محمد بن اسمعیل و علقمه بن محمد
حضرمی هر دو و از مالک جهنی که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هر که زیارت کند
حضرت امام حسین صلوات الله علیه را در روز دهم محرم یا نزد قبر آنحضرت گریان شود ملاقات
کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار هزار حج و دو هزار هزار عمره و دو هزار هزار جهاد
که هر یک را با رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام کرده باشد مالک گفت
فدای تو شوم چه ثوابست برای کسیکه در شهرهای دور باشد و ممکن نباشد او را رفتن بسوی
آنحضرت فرمود که چون روز عاشورا در آید بیرون رود بسوی صحرا یا بالا رود بر بام بلند
در خانه خود و اشاره کند بسوی آنحضرت بسلام و جهد کند در نفرین کردن بر قاتلان
آنحضرت و بعد از آن دو رکعت نماز بکند و بکند این کار را در اول روز پیش از پیشین پس
ندبه و نوحه و گریه کند بر حضرت امام حسین علیه السلام و امر کند هر که را در خانه او است
و اند تقیه نکند بگریه کردن بر آنحضرت و در خانه مصیبتی برپا دارد و باظهار جزع بر آنحضرت
و ملاقات کنند بعضی از ایشان بعضی را در خانه‌های خود و گریه کردن و تعزیه گویند بعضی از ایشان
بعضی را بمصیبت آنحضرت پس من ضامنم بر خدا که هرگاه این کارها را بکنند حقتعالی جمیع آن ثوابها
با ایشان عطا فرماید مالک گفت تو ضامنی و کفیلی از برای ایشان باین ثواب فرمود
بلی پرسید که چگونه یکدیگر را تعزیه گویند فرمود که میگویند

عَظَّمَ اللهُ اُجُورَنا بِمُصابِنا بِالحُسَینِ عَلَیهِ السَّلامُ وَجَعَلَنا وَاِیّاکُم مِنَ

عظیم کرداند خدا مزدهای ما را بسبب مصیبتهای ما که بسبب ماتم امام حسین است بر او باد سلام و بگرداند ما را و شما را از

الطّالِبینَ بِثارِهِ مَعَ وَلِیِّهِ الاِمامِ المَهدیِّ مِن آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیهِمُ السَّلامُ

طلب کنندکان خون او با دوست او امام مهدی از آل محمد بر ایشان باد سلام

و اگر توانی دران روز برای هیچ کار از خانه بیرون مرو که آن روز نحسی است که حاجت هیچ مومنی

دران روز برآورده نمی شود و اگر برآورده شود از برای او مبارک نیست و دران روز چیزی

ذخیره مکن از برای منزل خود چیزی که هر که درین روز از برای منزل خود چیزی

ذخیره کند از برای او مبارک نیست انچه ذخیره کرده است و اهلش که از برای ایشان ذخیره کرده است

مبارک نخواهد بود از برای او پس اگر چنین کند از برای او نوشته شود ثواب هزار هزار حج و هزار

هزار عمره و هزار هزار جهاد که همه را با رسول خدا صلی الله علیه و آله کرده باشد و از برای او خواهد بود

ثواب مصیبت هر پیغمبری و رسولی و وصی و صدیق و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد از وقتیکه خدا دنیا را

خلق کرده است تا روز قیامت علقمه بن محمد گفت که من گفتم بحضرت امام محمد باقر علیه السلام که تعلیم نما مرا

دعائی که بخوانم درین روز هرگاه که خواهم انحضرت را زیارت کنم از نزدیک و دعائی که هرگاه از شهرهای

دور خواهم که اشاره کنم و آن حضرت را زیارت کنم بخوانم فرمود که ای علقمه هرگاه بجا آوری آن

دو رکعت را بعد از آن که اشاره کرده باشی بجانب انحضرت بسلام و گفته باشی بعد

از اشاره و نماز آن قول را که مذکور خواهد شد پس بتحقیق که دعا کرده خواهی بود به دعائی که

ملائکه می خوانند در وقتیکه زیارت انحضرت می کنند و می نویسد خدا از برای تو بآن

زیارت هزار هزار حسنه و محو می کند از تو هزار هزار گناه و بلند می کند از برای تو در بهشت

هزار هزار درجه و خواهی بود از انها که شهید شده اند با حسین بن علی علیهما السلام تا آنکه

شریک شوی با ایشان در درجات ایشان و شناخته نشوی مگر از آنها که با انحضرت شهید شده اند

نوشته شود از برای تو ثواب هر پیغمبری و رسولی و ثواب زیارت هر که انحضرت را زیارت کرده

است از روزی که انحضرت شهید شده است می گوئی

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ

سلام بر تو باد ای ابا عبد الله سلام بر تو باد ای فرزند پیغمبر خدا سلام

عَلَيْكَ يَا بْنَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

بر تو باد ای پسر امیر مومنان و پسر سرور اوصیا سلام بر تو باد

يَا بْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ

ای پسر فاطمه زهرا سردار زنان عالمیان سلام بر تو باد ای خون طلب

اللهِ وَابْنَ ثارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْاَرْواحِ الَّتِي حَلَّتْ

خدا و پسر خون طلب و کشته که نگرفته شده عوض خون او ای اصحاب که نگرفته شده عوض خون اسلام

بِفِنائِكَ وَاَناخَتْ بِرَحْلِكَ عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلامُ اللهِ اَبَداً ما بَقِيتُ

اندر صحن خانه تو خوابانیدند شتران در منزل تو شما را از جانب من همگی را سلام خدا همیشه تا باقی هستم

وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ يا اَبا عَبْدِ اللهِ صَلَواتُ اللهِ وَسَلامُهُ عَلَيْكَ

و باقی شب و روز ای ابا عبد الله رحمت های خدا و سلام او بر تو باد

لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنا وَعَلى جَمِيعِ

تحقیق که بزرگ شد ماتم و بزرگ شد مصیبت بسبب تو بر ما و بر همه

اَهْلِ الْاِسْلامِ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمواتِ عَلى جَمِيعِ

اهل اسلام و بزرگ شد و عظیم شد مصیبت تو در آسمانها بر همه

اَهْلِ السَّمواتِ فَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً اَسَّسَتْ اَساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الْبَيْتِ

اهل آسمانها پس لعنت کند خدا گروهی را که نهادند بنیاد ستم و جور را بر شما اهل بیت

وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقامِكُمْ وَاَزالَتْكُمْ عَنْ مَراتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَكُمُ

و لعنت کند خدا گروهی را که دور کردند شما را از جای شما و انداختند شما را از مرتبه های شما که ترتیب داده بود

اللهُ فِيها وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَلَعَنَ اللهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ

خدا در آن مرتبه و لعنت کند خدا گروهی که شما را کشتند و لعنت کند خدا تمهید کنندگان ایشان را از قدرت دادن

مِنْ قِبَلِكُمْ وَبَرِئْتُ اِلَی اللهِ وَاِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ اَشْياعِهِمْ وَاَتْباعِهِمْ

از مقاتله شما و بیزار شدم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان و از یاران ایشان و پیروان ایشان

وَاَوْلِيائِهِمْ يا اَبا عَبْدِ اللهِ صَلَواتُ اللهِ وَسَلامُهُ عَلَيْكَ اِنّی سِلْمٌ

و دوستان ایشان ای ابا عبد الله رحمت خدا و سلام او بر تو باد من صلح کننده ام

لِمَنْ سالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ اِلی يَوْمِ الْقِيمَةِ وَلَعَنَ اللهُ آلَ زِيادٍ

هر کسی را که صلح کند با شما و جنگ کننده ام هر کسی که جنگ کند با شما تا روز قیامت و لعنت کند خدا آل زیاد

وَآلَ مَرْوانَ وَلَعَنَ اللهُ بَنی اُمَيَّةَ قاطِبَةً وَلَعَنَ اللهُ ابْنَ مَرْجانَةَ وَلَعَنَ

و آل مروان را و لعنت کند خدا بنی امیه را همه آنها را و لعنت کند خدا پسر مرجانه را و لعنت کند

اللهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَلَعَنَ اللهُ شِمْراً وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً اَسْرَجَتْ وَاَلْجَمَتْ

خدا عمر پسر سعد را و لعنت کند خدا شمر را و لعنت کند خدا گروهی را که زین کردند اسبان را و لگام کردند

وَتَنَقَّبَتْ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتالِكَ بِاَبی اَنْتَ وَاُمّی لَقَدْ عَظُمَ مُصابی بِكَ

و نقاب بستند و آماده شدند برای جنگ تو فدای تو باد پدر و مادر من بتحقیق بزرگ شد مصیبت بسبب تو

فَاَسْئَلُ اللهَ الَّذی اَكْرَمَ مَقامَكَ وَاَكْرَمَنی بِكَ اَنْ يَرْزُقَنی طَلَبَ

پس سؤال میکنم از خدائی که بزرگوار کرده است مقام ترا و گرامی کرده است مرا بتو اینکه روزی من کند طلب

ثارِكَ مَعَ اِمامٍ مَنْصُورٍ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّهُمَّ

خون تو با امام یاری داده شده از اهل بیت محمد درود فرستد خدا بر او و آل او خداوندا

اجْعَلْنی عِنْدَكَ وَجيهاً بِالْحُسَيْنِ فِی الدُّنْيا وَالْاخِرَةِ يا اَبا عَبْدِ اللهِ

بگردان مرا نزد خود خوش رو به برکت امام حسین علیه السلام در دنیا و آخرت ای ابا عبد الله

صَلَواتُ اللهِ وَسَلامُهُ عَلَيْكَ اِنّی اَتَقَرَّبُ اِلَی اللهِ وَاِلی رَسُولِهِ وَاِلی

رحمتهای خدا و سلام او بر تو بدرستیکه من نزدیکی میجویم بسوی خدا و بسوی رسولش و بسوی

اَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَاِلی فاطِمَةَ وَاِلَی الْحَسَنِ وَاِلَيْكَ بِمُوالاتِكَ وَبِالْبَراءَةِ

امیر مومنان و بسوی فاطمه و بسوی حسن و بسوی تو بدوست داشتن تو و بیزاری

ممّن قاتلكم ونصب لك الحرب وبالبراءة ممّن أسّس أساس الظلم

از کسانیکه کارزار کردند با تو و برپا کردند برای تو جنگ را و به بیزاری از کسانیکه بنیاد نهادند بنیاد ستم را

والجور عليكم وأبرأ إلى الله وإلى رسوله صلّى الله عليه وآله وسلّم

و ظلم را بر شما و بری میشوم بجانب خدا و بجانب پیغمبر او درود فرستد خدا بر او و آل او و سلام

ممّن أسّس أساس ذلك وبنى عليه بنيانه وجرى في ظلمه وجوره

از آنانکه بنیاد نهادند بنیاد این را و بنا کردند بران بنیاد آنرا و روان شدند در ظلم خود و ستم خود

عليكم وعلى أشياعكم برئت إلى الله وإليكم منهم وأتقرّب إلى الله ثمّ

بر شما و بر یاران شما بری شدم بسوی خدا و بسوی شما از آنها و نزدیکی میجویم بسوی خدا

إليكم بموالاتكم وموالاة وليّكم وبالبراءة من أعدائكم والناصبين

پس بسوی شما بدوستی شما و بدوستی دوست شما و به بیزاری از دشمنان شما و از برپا کنندگان

لكم الحرب وبالبراءة من أشياعهم وأتباعهم وأوليائهم

برای شما جنگ را و به بیزاری از یاران آنها و پیروان آنها و دوستان آنها

يا أبا عبد الله إنّي سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم ووليّ لمن

ای ابا عبد الله بدرستیکه من صلحم کسی را که با شما صلح کند و جنگ میکنم با کسیکه با شما جنگ کند و دوستم مر کسی

والاكم وعدوّ لمن عاداكم فأسأل الله الذي أكرمني بمعرفتكم

که با شما دوستی نماید و دشمنم مر کسی که با شما دشمنی نماید پس سوال میکنم از خدائیکه اکرام کرد با من بمعرفت شما

ومعرفة أوليائكم ورزقني البراءة من أعدائكم أن يجعلني معكم

و معرفت دوستان شما و روزی کرد مرا بیزاری از دشمنان شما اینکه بگرداند مرا با شما

في الدنيا والآخرة وأن يثبّت لي عندكم قدم صدق في الدنيا

درین جهان و آن جهان و اینکه ثابت دارد مرا نزد شما قدم راستی در دنیا

والآخرة وأسأله أن يبلّغني المقام المحمود الذي لكم عند الله

و آخرت و سوال میکنم از خدا اینکه برساند مرا در مقام ستوده که مر شما راست نزد خدا

وان يرزقني طلب ثاري مع امام هدى ظاهر ناطق بالحق منكم

و اینکه روزی کند مرا طلب خون شما با امام هدایت یافته آشکار گویا بحق که از شماست

واسأل الله بحقكم وبالشأن الذي لكم عنده ان يعطيني بمصابي بكم

و سوال میکنم از خدا بحق شما و بمنزلتی که شما راست نزد او اینکه بدهد مرا بمصیبت من بشما

افضل ما يعطى مصابا بمصيبته مصيبة ما اعظمها واعظم

بهتر از آنچه بدهد بمصیبت زده بمصیبت او وای مصیبتی که بسیار عظیم و بسیار بزرگست

رزيتها في الاسلام وفي جميع اهل السموات والارض اللهم اجعلني في

بلیه آنها در اسلام و در همه اهل آسمانها و زمین بار خدایا بگردان مرا در

مقامي هذا ممن تناله منك صلوات ورحمة ومغفرة اللهم اجعل

جای من که اینست از کسیکه میرسد او را از جانب تو درود و رحمت و آمرزش خداوندا بگردان

محياي محيا محمد وآل محمد ومماتي ممات محمد وآل محمد صلواتك وسلامك

زندگانی مرا زندگانی محمد و آل محمد و مردن مرا مردن محمد و آل محمد درودهای تو و سلام تو

عليهم اللهم ان هذا يوم تبركت به بنو امية وابن آكلة الاكباد

بر ایشان خداوندا بدرستیکه این روزیست که برکت جستند بآن بنی امیه و پسر جگر خوار

اللعين ابن اللعين على لسانك ولسان نبيك صلى الله عليه وآله في كل

لعنت کرده شده پسر لعنت کرده شده بزبان تو و زبان پیغمبر تو درود خدا بر او و آل او در هر

موطن وموقف وقف فيه نبيك صلواتك عليه وآله اللهم العن

وطن گاه و جای ایستادن که ایستاده شده در آن پیغمبر تو درودهای تو بر او باد و آل او خداوندا لعنت کن

ابا سفيان ومعاوية ابن ابي سفيان ويزيد بن معاوية وآل مروان

ابوسفیان و معاویه پسر ابوسفیان و یزید پسر معاویه را و خانواده مروان را

عليهم منك اللعنة ابد الابدين وهذا يوم فرحت به آل زياد وآل مروان

بر ایشان باد از جانب تو لعنت در جمیع روزگارها و این روزیست که شاد شدند بآن آل زیاد و آل مروان

عليهم اللعنة بقتلهم الحسين صلوات الله عليه اللهم فضاعف

بر ایشان باد لعنت خدا بسبب کشتن امام حسین درود خدا بر او باد خدایا پس بار کن

عليهم اللعن منك والعذاب الاليم اللهم اني اتقرب اليك في هذا اليوم

بر ایشان لعنت از نزد و عذاب دردناک را بار خدایا بدرستیکه من نزدیکی میجویم بسوی تو در این روز

وفي موقفي هذا وايام حيوتي بالبراءة منهم واللعنة عليهم وبالموالاة

و در جای ایستادن من که اینست و در روزهای زندگانی من به بیزاری از ایشان و لعنت بر ایشان و بدوستی

لنبيك وآل نبيك عليهم السلام پس صد مرتبه بگوئی اللهم العن اول ظالم

مر پیغمبر ترا و آل پیغمبر ترا که بر ایشان سلام باد بار خدایا لعنت کن اول ستمگر را

ظلم حق محمد وآل محمد وآخر تابع له على ذلك اللهم العن العصابة التي

که ستم کرد حق محمد و آل محمد را و لعنت کن آخر تابع او را بر این بار خدایا لعنت کن گروهی را

جاهدت الحسين صلواتك عليه وشايعت وبايعت وتابعت

که جنگ کردند با حسین درود های تو بر او و یاری کردند و بیعت کردند و پیروی کردند

على قتله اللهم العنهم جميعا پس صد مرتبه بگوئی السلام عليك يا ابا عبد الله

بر کشتن او بار خدایا لعنت کن ایشان را همه سلام بر تو باد ای ابو عبد الله

وعلى الارواح التي حلت بفنائك وانا خت برحلك عليك مني سلام

و بر جانهائیکه فرود آمده اند بدر خانه تو و خوابانیدند شتران را در منزل تو بر تو از من سلام

الله ابدا ما بقيت وبقي الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد مني

خدا همیشه تا وقتیکه باقی هستم و باقیست شب و روز و نگرداند خدا آخر عهد از جانب من

لزيارتك السلام على الحسين وعلى علي بن الحسين وعلى اولاد الحسين

مر زیارت ترا سلام باد بر حسین و بر علی زین العابدین بن الحسین و بر اولاد حسین

وعلى اصحاب الحسين پس بگوئی اللهم خص انت اول ظالم باللعن مني

و بر یاران حسین بار خدایا مخصوص گردان تو اول ظالم را به لعنت

وَابْدَأْ بِهِ أَوَّلاً ثُمَّ الثَّانِيَ ثُمَّ الثَّالِثَ ثُمَّ الرَّابِعَ اَللّٰهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ بْنَ مُعٰوِيَةَ

وآغاز کن بآن اول را پس دوم را پس سوم را پس چهارم را بارخدایا لعنت کن یزید پسر معاویه را

خَامِساً وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللّٰهِ بْنَ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْراً وَآلَ

که پنجم است ولعنت کن عبیداللّه پسر زیاد و پسر مرجانه را و عمر پسر سعد و شمر و آل

أَبِي سُفْيَانَ وَآلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

ابی سفیان و آل زیاد و آل مروان را تا روز قیامت

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلىٰ مُصَابِهِمْ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلىٰ عَظِيمِ

بارخدایا مر تراست سپاس مثل سپاس شکر کنندگان مر ترا بر مصیبت ایشان سپاس خدا را بر بزرگی

رَزِيَّتِي اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْوُرُودِ وَثَبِّتْ

مصیبت من خداوندا روزی کن مرا شفاعت امام حسین براو باد سلام روز ورود و بر حوض و ثابت دار

لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

برای من قدم راستی نزد خود با امام حسین و اولاد حسین و یاران حسین

الَّذِينَ بَذَلُوا مُهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

آنانکه صرف کردند جانهای خود را نزدیک امام حسین براو باد سلام

علقمه گفت حضرت امام باقر علیه السلام فرمود که اگر توانی هر روز آن حضرت را باین کیفیت زیارت کنی بکن که جمیع ثوابها از برای تو خواهد بود و روایت کرد محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره که گفت من با صفوان جمال و جماعتی از اصحاب خود رفتیم بسوی نجف بعد از آنکه حضرت صادق علیه السلام بیرون رفته بود بسوی حیره بمدینه پیش از این پس چون از زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فارغ شدیم صفوان رو خود را گردانید بسوی قبر حضرت امام حسین علیه السلام و گفت زیارت کنید امام حسین صلوات اللّه علیه را از این مکان از بالای سر امیر المؤمنین علیه السلام که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام چنین کرد و من در خدمت آنحضرت باین مکان تشریف آورده و همین قسم زیارت کردند و من همراه بودم

که علقمه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام برای روز عاشورا روایت کرده این دو رکعت
نماز کرد نزد سر حضرت امیر المومنین علیه السلام و وداع کرد بعد از نماز حضرت امیر المومنین
علیه السلام را و روبجانب قبر امام حسین علیه السلام کرد و آنحضرت را اشاره وداع کرد
و از جمله دعاهای که بعد از دو رکعت خواند این دعا بود

یا الله یا الله یا الله یا مجیب دعوة المضطرین یا کاشف کرب المکروبین
ای خدای خدای خدای مستجاب کنندهٔ دعای درماندگان ای برطرف کنندهٔ اندوه اندوه زدگان
یا غیاث المستغیثین و یا صریخ المستصرخین و یا من هو اقرب الیّ
ای فریادرس فریادکنندگان و ای چاره ساز نالندگان و ای کسیکه او نزدیکتر است بسوی من
من حبل الورید و یا من یحول بین المرء وقلبه و یا من هو بالمنظر
از رگ گردن و ای کسیکه حائل میشود میان مرد و دل او و ای کسیکه او به نظرگاه برتر
الاعلی و بالافق المبین و یا من هو الرحمن الرحیم علی العرش استوی
بلند است و بکرانهٔ آشکار است و ای کسیکه اوست بخشایندهٔ مهربان بر عرش مستولی شد
و یا من یعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور و یا من لا یخفی علیه
و ای کسیکه میداند خیانت چشمهای خائن را و آنچه را که پنهان میکند آن را سینه ها و ای کسیکه پوشیده نیست بر او
خافیة و یا من لا تشتبه علیه الاصوات و یا من لا تغلطه الحاجات
پوشیدگی و ای کسیکه مشتبه نیست بر او آوازها و ای کسیکه بغلط نمی اندازد او را حاجتها
و یا من لا یبرمه الحاح الملحین و یا مدرک کل فوت و یا جامع کل شمل
و ای کسیکه ابرام نمیکند او را مبالغه سؤال الحاح کنندگان و ای دریابندهٔ هر فوتی و ای فراهم آورندهٔ هر پراکنده
و یا باری النفوس بعد الموت یا من هو کل یوم فی شأن یا قاضی
و ای آفرینندهٔ جانهای بعد از مرگ ای کسیکه هر روزی در کاری است ای برآورندهٔ
الحاجات یا منفس الکربات یا معطی السؤلات یا ولی الرغبات
حاجتها ای گشایندهٔ اندوه ها ای بخشندهٔ حاجتها ای خداوند خواهشها

یا کافی المهمات یا من یکفی من کل شیء ولا یکفی منه شیء فی السموات
ای کفایت کننده مهمات ای کسیکه بس است از هر چیزی و بس نمی شود از وی چیزی در آسمانها
والارض اسألك بحق محمد وعلی وبحق فاطمة بنت نبیك وبحق الحسن
و زمین سوال میکنم از تو بحق محمد و علی و بحق فاطمه دختر پیغمبر تو و بحق حسن
والحسین وبحق التسعة من ولد الحسین علیهم السلام فانی بهم اتوجه
و حسین و بحق نه پیشوایان از فرزندان حسین بر ایشان رحمت خدا باد پس بدرستیکه من با ایشان
الیك فی مقامی هذا وبهم اتوسل وبهم اتشفع الیك وبحقهم اسألك
بسوی تو در مقام خود که اینست و با ایشان وسیله می جویم با ایشان شفاعت میجویم بسوی تو و بحق ایشان سوال میکنم از تو
واقسم واعزم علیك وبالشان الذی لهم عندك وبالقدر الذی لهم
و سوگند میخورم و قسم میدهم بر تو و بمرتبه که مر ایشان راست نزد تو و بقدری که مر ایشان راست
عندك وبالذی فضلتهم علی العالمین وباسمك الذی جعلته عندهم
نزد تو و بانچه فضیلت دادی ایشان را بر عالمیان و بنام تو که گردانیدی آن نام را نزد ایشان
وبه خصصتهم دون العالمین وبه ابنتهم وابنت فضلهم من
و بآن مخصوص گردانیدی ایشان را سوای عالمیان بآن نام آشکار کردی ایشان را و آشکار کردی فضیلت ایشان را از
فضل العالمین حتی فاق فضلهم فضل العالمین ان تصلی علی محمد وآل محمد
فضیلت عالمیان تا آنکه پیشی گرفت فضیلت ایشان بر فضل عالمیان اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد
ان تکشف عنی غمی وهمی وکربی وتکفینی المهم من اموری وتقضی عنی
اینکه بر داری از من اندوه مرا و ملال مرا و حزن مرا و کفایت کنی مرا آنچه در غم اندازنده باشد از کارهای
دینی وتجیرنی من الفقر وتجیرنی من الفاقة وتغنینی عن المسألة الی
قرض مرا و جبر نمائی مرا از ناداری و پناه دهی مرا از فاقه و بی نیاز کردانی مرا از سوال بسوی
المخلوقین وتکفینی هم من اخاف همه وعسر من اخاف عسره وحزونه
آفریدگان و کفایت کنی مرا اندوه کسیکه می ترسم از اندوه او و دشواری کسیکه می ترسم از دشواری او

مَنْ اَخَافُ [illegible] وَشَرَّ مَنْ اَخَافُ شَرَّهُ وَمَكْرَ مَنْ اَخَافُ مَكْرَهُ وَبَغْيَ

کسیکه می ترسم از هول او و بدی کسیکه می ترسم از بدی او و فریب کسیکه می ترسم از فریب او و ستم

مَنْ اَخَافُ بَغْيَهُ وَجَوْرَ مَنْ اَخَافُ جَوْرَهُ وَسُلْطَانَ مَنْ اَخَافُ سُلْطَانَهُ

کسیکه می ترسم از ستم او و جفای کسیکه می ترسم از جفای او و غلبه کسیکه می ترسم از غلبه او

وَكَيْدَ مَنْ اَخَافُ كَيْدَهُ وَمَقْدُرَةَ مَنْ اَخَافُ بَلَاءَ مَقْدُرَتِهِ عَلَيَّ وَتَرُدَّ

و مکر کسیکه می ترسم از مکر او و توانائی کسیکه می ترسم از بلای توانائی او بر من و برگردانی

عَنِّي كَيْدَ الْكَيَدَةِ وَمَكْرَ الْمَكَرَةِ اَللّٰهُمَّ مَنْ اَرَادَنِي بِسُوْءٍ فَارِدْهُ وَ

از من مکر مکر کنندگان و حیله حیله کنندگان بار خدایا کسیکه اراده کند مرا به بدی پس [illegible]

مَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَبَاْسَهُ وَاَمَانِيَّهُ

کسیکه مکر کند با من پس جزای مکر ده او را و برگردان از من مکر او را و حیله او را و سختی او را و آرزوهای او را

وَامْنَعْهُ عَنِّي كَيْفَ شِئْتَ وَاَنّٰى شِئْتَ اَللّٰهُمَّ اشْغَلْهُ عَنِّي بِفَقْرٍ

و باز دار او را از من بهر طور که خواهی و هر جا که خواهی بار خدایا مشغول گردان او را از من به فقر

لَا تَجْبُرُهُ وَبِبَلَاءٍ لَا تَسْتُرُهُ وَبِفَاقَةٍ لَا تَسُدُّهَا وَبِسُقْمٍ لَا تُعَافِيْهِ وَذُلٍّ

که [illegible] او را و به بلائیکه نپوشی آنرا و بفاقه که آنرا نبندی و به بیماری که شفا ندهی او را و خواری

لَا تُعِزُّهُ وَبِمَسْكَنَةٍ لَا تَجْبُرُهَا اَللّٰهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ نَصْبَ عَيْنَيْهِ وَاَدْخِلْ

که عزت ندهی او را و بدرویشی که تدارک نکنی آنرا بار خدایا بزن خواری را پیش دو چشم او و در آور

عَلَيْهِ الْفَقْرَ فِيْ مَنْزِلِهِ وَالْعِلَّةَ وَالسُّقْمَ فِيْ بَدَنِهِ حَتّٰى تَشْغَلَهُ عَنِّيْ بِشُغْلٍ

بر او فقر را در خانه او و رنج و بیماری را در بدن او تا آنکه باز کردی او را از من بشغل

شَاغِلٍ لَا فَرَاغَ لَهُ وَاَنْسِهِ ذِكْرِيْ كَمَا اَنْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ وَخُذْ عَنِّيْ بِسَمْعِهِ

مشغول کننده که فراغت نباشد برای او و فراموش گردان او را یاد مرا چنانچه فراموش گردانیدی او را یاد خود و بگیر از من گوش او را

وَبَصَرِهِ وَلِسَانِهِ وَيَدِهِ وَرِجْلِهِ وَقَلْبِهِ وَجَمِيْعِ جَوَارِحِهِ وَاَدْخِلْ عَلَيْهِ

و بینائی او را و زبان او را و دست او را و پای او را و دل او را و تمام اعضای او را و در آور بر او

فِي جَمِيعِ ذٰلِكَ السُّقْمَ وَلَا تَشْفِهِ حَتَّى تَجْعَلَ ذٰلِكَ لَهُ شُغْلًا شَاغِلًا بِهِ عَنِّي

در تمام اعضا بیماری و شفا مده او را تا بگردانی این بیماری برای او شغل بازدارنده او را از من

وَعَنْ ذِكْرِي وَاكْفِنِي يَا كَافِيَ مَا لَا يَكْفِي سِوَاكَ فَإِنَّكَ الْكَافِي

و از یاد من و کفایت کن ای کفایت کننده چیزی که کفایت نمیکند غیر تو پس بدرستیکه تو کفایت کننده

لَا كَافِيَ سِوَاكَ وَمُفَرِّجٌ لَا مُفَرِّجَ سِوَاكَ وَمُغِيثٌ لَا مُغِيثَ سِوَاكَ وَجَارٌ

نیست کفایت کننده غیر تو و گشاینده که نیست گشاینده بجز تو و فریادرسنده که نیست فریادرسنده غیر تو و پناه

لَا جَارَ سِوَاكَ خَابَ مَنْ كَانَ جَارُهُ سِوَاكَ وَمُغِيثُهُ سِوَاكَ وَمَفْزَعُهُ

که نیست پناه غیر تو زیان کار است کسیکه باشد پناه او سوای تو و فریادرس او غیر تو و زاری او

إِلَى سِوَاكَ وَمَهْرَبُهُ وَمَلْجَأُهُ إِلَى غَيْرِكَ وَمَنْجَاهُ مِنْ مَخْلُوقٍ غَيْرِكَ فَأَنْتَ

بسوی غیر تو و گریزگاه و پناه او بسوی غیر تو و خلاص او از آفریده غیر تو پس تو ای

ثِقَتِي وَرَجَائِي وَمَفْزَعِي وَمَهْرَبِي وَمَلْجَئِي وَمَنْجَايَ فَبِكَ أَسْتَفْتِحُ وَبِكَ

اعتماد من و امید من و پناه من و گریزگاه من و پناه من و خلاص من پس بتو گشایش میطلبم و بتو

أَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ وَأَتَوَسَّلُ وَأَتَشَفَّعُ فَأَسْأَلُكَ

رستگاری میجویم و به محمد و آل محمد روی آورم بسوی تو و وسیله میکنم و شفاعت میطلبم پس از تو

يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكَى وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ

ای خدا ای خدا ای خدا پس مر تراست حمد و مر تراست شکر و بسوی تست شکایت و توئی یاری خواسته شده

فَأَسْأَلُكَ يَا اللهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْشِفَ

پس سؤال میکنم ای خدا بحق محمد و آل محمد اینکه درود بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه زائل کنی

عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي فِي مَقَامِي هٰذَا كَمَا كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ

از من غم مرا و اندوه مرا و حزن مرا در مقام من که اینست چنانچه زائل کردی از پیغمبر خود حزن او را و غم او را

وَكَرْبَهُ وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ فَاكْشِفْ عَنِّي كَمَا كَشَفْتَ عَنْهُ وَفَرِّجْ عَنِّي

و شدت او را و دفع نمودی از او بیم دشمن او را پس زائل کن از من چنانچه زائل کردی از او و گشایش ده از من

كما روّحت عنه واكفني كما كفيته واصرف عنّي هول ما اخاف هوله

چنانچه گشودی از و وكفايت كن مرا چنانچه كفايت كردی او را و دور كن از من ترس چیزی كه می ترسم از ترس آن

ومؤنة ما اخاف مؤنته وهمّ ما اخاف همّه بلا مؤنة على نفسي من ذلك

ومشقت چیزیكه می ترسم مشقت آن را و اندوه چیزیكه می ترسم از اندوه آن بغیر مشقت بر ذات من از آن

واصرفني بقضاء حوائجي وكفاية ما اهمّني همّه من امر آخرتي

و بگردان مرا بر آوردن حاجتهای من و برطرف كردن چیزیكه اندوهگین كرده است مرا اندوه او از كار آخرت من

ودنياي يا امير المؤمنين ويا ابا عبد الله عليكما منّي سلام الله ابدا ما بقيت

و دنیای من ای امیر مومنان وای ابو عبدالله حسین بر شما باد از من سلام خدا همیشه مادامیكه باقی ام

وبقي الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد من زيارتكما ولا فرّق الله بيني

و باقی ماند شب و روز و نگرداند این را خدا آخر عهد از زیارت شما و جدائی نیفكند خدا میان من

وبينكما اللّهمّ احيني حيوة محمّد وذرّيّته وامتني مماتهم وتوفّني على ملّتهم

و میان شما خداوندا زنده دار مرا بر روش زندگی محمد و اولاد او و بمیران مرا مانند مردن ایشان بمیران مرا بر ملت ایشان

واحشرني في زمرتهم ولا تفرّق بيني وبينهم طرفة عين ابدا في الدنيا

و محشور گردان مرا در جماعت ایشان و جدائی میفكن میان من و میان ایشان یك چشم زدن كاهی در دنیا

والآخرة يا امير المؤمنين ويا ابا عبد الله صلوات الله عليكما اتيتكما زائرا

و آخرت ای امیر مومنان وای ابا عبدالله رحمتهای خدا بر شما آمدم نزد شما زیارت كننده

ومتوسّلا الى الله ربّي وربّكما ومتوجّها اليه بكما ومستشفعا بكما الى الله

و وسیله جوینده بسوی خدا پروردگار من و پروردگار شما و جالیكه رو آورم بسوی خدا بوسیله شما و شفاعت خواهنده بشما بسوی خدا

في حاجتي هذه فاشفعا لي فانّ لكما عند الله المقام المحمود والجاه الوجيه

در حاجت خود كه این است پس شفاعت كنید برای من پس بدرستیكه مر شما راست نزد خدا مرتبه ستوده و بزرگی خوب

والمنزل الرفيع والوسيلة انّي انقلب عنكما منتظرا لتنجّز الحاجة وقضائها

و منزلت بلند و وسیله بدرستیكه من بر میگردم از طرف شما انتظار كننده برای روا شدن حاجت و ادای آن

وَنَجَاحِهَا مِنَ اللهِ بِشَفَاعَتِكُمَا إِلَى اللهِ فِي ذٰلِكَ فَلَا أَخِيبُ وَلَا يَكُونُ

وبرآمدن آن از خدا بشفاعت شما بسوی خدا در این پس محروم نشوم و نشود

مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا خَائِبًا خَاسِرًا بَلْ يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا رَاجِحًا مُفْلِحًا

بازگشت من بازگشت محروم زیان کار بلکه شود بازگشت من بازگشت با مزیت و رستگاری

مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي وَتَشَفَّعَا لِي إِلَى اللهِ انْقَلَبْتُ عَلَى

و فیروز اجابت کرده شده به برآمدن جمیع حاجتهای من شفاعت کنید برای من بسوی خدا برگشتم بر

مَا شَاءَ اللهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ مُفَوِّضًا أَمْرِي إِلَى اللهِ مُلْجِئًا ظَهْرِي

آنچه میخواهد خدا و نیست بازگشت و نه توانائی مگر بخدا در حالتیکه گذارنده کار خود را بسوی خدا پناه دهنده پشت را

إِلَى اللهِ مُتَوَكِّلًا عَلَى اللهِ وَأَقُولُ حَسْبِيَ اللهُ وَكَفَى سَمِعَ اللهُ لِمَنْ دَعَا لَيْسَ

بسوی خدا توکل کننده بر خدا و میگویم کافی است مرا خدا و بس است میشنود خدا هر که بخواند او را نیست

لِي وَرَاءَ اللهِ وَوَرَاءَكُمْ يَا سَادَتِي مُنْتَهًى مَا شَاءَ رَبِّي كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ

مرا بجز خدا و جز شما ای سروران من منتهای آنچه خواسته پروردگار من شود و آنچه نخواهد

لَمْ يَكُنْ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ أَسْتَوْدِعُكُمَا اللهَ وَلَا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ

نمیشود و نیست گردیدن از گناهان و نه توانائی بر طاعت مگر بخدا امانت میسپارم شما را بخدا و نگرداند آنرا خدا آخر

الْعَهْدِ مِنِّي إِلَيْكُمَا انْصَرَفْتُ يَا سَيِّدِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا مَوْلَايَ وَأَنْتَ

از آخر عهد من بسوی شما برگشتم ای سرور من ای پادشاه مومنان ای آقای من و تو

يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ يَا سَيِّدِي وَسَلَامِي عَلَيْكُمَا مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

ای ابا عبدالله ای آقای من سلام من بر شما پیوسته است مادام که پیوسته شب و روز

وَاصِلٌ ذٰلِكَ إِلَيْكُمَا غَيْرُ مَحْجُوبٍ عَنْكُمَا سَلَامِي إِنْ شَاءَ اللهُ وَأَسْأَلُهُ

و رسنده است این سلام من بسوی شما ممنوع نیست از شما سلام من اگر خدا خواهد و سؤال میکنم او را

بِحَقِّكُمَا أَنْ يَشَاءَ ذٰلِكَ وَيَفْعَلَ فَإِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ انْقَلَبْتُ يَا سَيِّدَيَّ

بحق شما اینکه بخواهد این را و بکند پس بدرستیکه او ستوده بزرگ است برگشتم ای سروران من

عنکما تائبا حامدا لله شاکرا راجیا للاجابة غیر آیس ولا قانط آئبا

از طرف شما و در حالتی که حمد کنان خدا را و شکر کنان امیدوار قبول را غیر نومید غیر محروم برگرده

عائدا راجعا الی زیارتکما غیر راغب عنکما ولا من زیارتکما بل راجع

عود کننده رجوع نماینده بسوی زیارت شما نه روگرداننده از شما و نه از زیارت شما بلکه برگردم

عائد ان شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله یا سادتی رغبت الیکما

و عود می نمایم بسوی شما اگر خدا خواهد نیست گردیدن از گناهان و نه توانائی بر طاعات مگر بخدا ای سروران من

والی زیارتکما بعد ان زهد فیکما وفی زیارتکما اهل الدنیا

و بسوی زیارت شما بعد از آنکه ترک کرده بودند شما را و زیارت شما را اهل دنیا

فلا خیبنی الله مما رجوت وما املت فی زیارتکما انه قریب مجیب

پس نا امید نکند مرا خدا از آنچه امیدوارم و از آنچه آرزو دارم در زیارت شما بدرستیکه خدا نزدیک است

سیف بن عمیره گفت من بصفوان گفتم که علقمه که این زیارت را از امام محمد باقر علیه السلام از برای ما روایت کرد این دعا را نقل نکرد و صفوان گفت که من وارد شدم با سیدم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام باین مکان پس کرد مثل آنچه ما کردیم در زیارت و این دعا را خواند در هنگام وداع بعد از آنکه دو رکعت نماز را کرد و آن وداع را بجا آورد بعد از آن صفوان گفت که حضرت صادق علیه السلام بمن گفت که تعاهد نما این زیارت را و بخوان این دعا را و باین نحو زیارت بکن که من ضامنم بر خدا که هر که این زیارت را بکند و این دعا را بخواند از نزدیک یا دور اینکه زیارتش مقبول و سعیش مشکور شود و سلامش بآنحضرت برسد و محجوب نگردد و هر حاجت که از خدا طلبد بر آورده شود هر چند حاجتش بزرگ باشد ای صفوان این زیارت را باهمین ضامنی از پدرم شنیدم و پدرم از علی بن الحسین علیهما السلام باهمین ضامنی و او از امام حسین علیه السلام باهمین ضامنی و او از امام حسن علیه السلام باهمین ضامنی و او از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام باهمین ضامنی و امیر المؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله باهمین ضامنی و رسول خدا صلعم از جبرئیل

باهمین ضامنی و جبرئیل از خداوند عالمیان باهمین ضامنی بتحقیق که حق تعالی قسم بذات مقدس خود خورده

که هر که حضرت امام حسین علیه السلام را باین روش زیارت کند از نزدیک یا دور و این دعا

را بخواند زیارت او را قبول کنم و هر حاجت که بطلبد برآورم هر چند که بزرگ باشد و هر سوال که

بکند عطا کنم و از درگاه من ناامید برنگردد و او را برگردانم شاد و خوشحال به برآمدن حاجتش

و فائز شدن به بهشت و آزاد شدن از جهنم و از برای هر که شفاعت کند شفاعتش را قبول کنم مگر

کسیکه دشمن با اهل بیت باشد و گواه گرفت خدا برانچه گواه گرفته بود بران ملائکه ملکوت خود را پس

جبرئیل گفت یا رسول الله حق تعالی مرا بسوی تو فرستاده است برای بشارت و سرور و خوشحالی

تو و بشارت و شادی علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین و امامان از فرزندان تو تا روز

قیامت پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که ای صفوان هر گاه ترا حاجتی بسوی خدا بهم رسد

این زیارت را بکن هر جا که باشی و این دعا را بخوان و از پروردگار خود حاجت خود را بطلب

که البته برآورده می شود و حق تعالی خلف وعده خود نمی فرماید مولف گوید که چون عبارت

حدیث تشویش عظیمی وارد و قابل احتمال بسیار است اگر اول زیارت السلام علیک یا ابا عبد الله

تا و آل نبیک علیهم السلام بخواند و نماز زیارت را بکند و باز همان زیارت را اعاده کند

بهتر است و اگر بعد صد مرتبه لعنت بار دیگر نماز بکند و بعد صد مرتبه سلام بار دیگر نماز بکند و متصل بسجده

بعد از سجده نیز نماز بکند شاید بهمه احتمالات عمل کرده باشد و اگر اول یکی از زیارات بعیده بعمل

آورد و نماز بکند و بعد از آن این اعمال را بعمل آورد ظاهرا کافی باشد و اگر زیارت امیر المؤمنین

علیه السلام را باین زیارت ضم کند بهتر است خصوصا هر گاه این زیارت را از نزد ضریح

مقدس امیر المؤمنین علیه السلام بعمل آورد و چون در حدیث تجویز کردن این زیارت

در هر وقت وارد شده است اگر در غیر روز عاشورا بکند بجای اللهم ان هذا

یوم تبرکت به بنو امیة بگوید اللهم ان یوم قتل الحسین صلوات الله

علیه یوم تبرکت به بنو امیة

فصل سیوم

در سائر زیارات این روز است و از جمله آنها زیارتیست که بسند صحیح از عبدالله بن سنان

روایت کرده است که رفتیم بخدمت حضرت صادق علیه السلام در روز عاشورا و آنحضرت را شکسته
رنگ و اندوهناک یافتیم و آب از دیده های مبارکش مانند مروارید میریخت گفتیم یابن رسول الله سبب
گریه شما چیست خدا هرگز دیده های شما را گریان نکرداند حضرت فرمود که مگر غافلید نمیدانی که در مثل
این روز حضرت امام حسین علیه السلام شهید شده است گفتیم ای سید من چه میفرمائی در روزه این فرمود که
روزه بدار بی آنکه شب نیت روزه کنی و افطار مکن نه از روی شماتت و یکروز تمام روزه مگیر باید
افطار تو بعد از نماز عصر باشد بیکساعت بشربتی از آب زیرا که در این وقت جنگ برطرف شد از آل محمد
علیه السلام و در زمین سی نفر از اهل بیت و موالی ایشان افتاده بودند که صاحب مصیبت در اینها
حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود و اگر آنحضرت صلعم در دنیا می بود بایست آنحضرت را برای
ایشان تعزیت بگویند پس آنحضرت چندان گریست که ریش مبارکش از آب دیده اش تر شد پس
فرمود که بهتر کاری که در این روز بکنی آنست که جامه های پاکیزه بپوشی و بندها را بگشائی و آستینها را
تا ذراع فوق بالا کنی بروش مصیبت زدگان پس بیرون روی بسوی بیابان یا مکانی که کسی ترا نه بیند
یا خانهٔ خالی از برای تقیه از سنیان در وقت چاشت پس چهار رکعت نماز بجا آوری با خشوع و خضوع
و رکوع نیکو و بعد از هر دو رکعت سلام بگوئی و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون
بخوانی و در رکعت دوم سوره قل هو الله احد و در دو رکعت دیگر در رکعت اول بعد از حمد سوره
احزاب بخوانی و در رکعت دوم سوره اذا جاءک المنافقون و اگر اینها را ندانی هر سوره که توانی
بخوانی پس بگردانی روی خود را بجانب روضه مقدسه آنحضرت و بخاطر آوری شهادت آن امام
مظلوم و اولاد و اقارب و اصحاب آنجناب را و سلام کنی بر او و صلوات فرستی بر او و لعنت
کنی بر قاتلان ایشان و بروایت دیگر هزار مرتبه لعنت کنی بر قاتلان آنحضرت که بهر لعنتی هزار حسنه
برای تو نوشته میشود و هزار گناه از تو محو میشود و هزار درجه در بهشت از برای تو بلند میشود

و بهتر این است که هزار مرتبه بگوید

اللّهمّ العن قتلة الحسین و اصحابه

بار خدایا لعنت کن بر کشندگان حسین علیه السلام و کشندگان اصحابش

پس فرمود که بعد از آن از موضعی که ایستاده چند گام پیش رود و بگوید

إنا لله وإنا إليه راجعون رضاً بقضائه وتسليماً لأمره

بدرستیکه ما به خدائیم و بسوی خدا گردنده ایم جهت خوشنودی بقضای او و گردن نهادن امر او را

و اگر سه مرتبه چنین کند بهترست و فرمود که در جمیع این احوال باید که محزون و غمناک

و گریان باشی پس بجای خود برگردی و بگوئی

اللهم عذب الفجرة الذين شاقوا رسولك وحاربوا أولياءك

بار خدایا عذاب کن فاجران را که مخالفت کردند پیغمبر ترا و جنگ کردند دوستان ترا

وعبدوا غيرك واستحلوا محارمك والعن القادة والأتباع ومن

و پرستش کردند غیر ترا و حلال دانستند حرام کرده‌های ترا و لعنت کن پیشوایان را و تابعان ایشان را و هر

كان منهم فخب وأوضع معهم أو رضي بفعلهم لعناً كثيراً اللهم و

بوده از آنها پس شتافت و مرکب خود دوانید با آنها یا خوشنود شد بکردار آنها لعنتی بسیار خداوندا

عجل فرج آل محمد واجعل صلواتك عليه وعليهم واستنقذهم من أيدي

تعجیل کن در گشایش کار آل محمد و بگردان رحمتهای خود را بر او و بر ایشان و خلاص کن ایشان را از دستهای

المنافقين المضلين والكفرة الجاحدين وافتح لهم فتحاً يسيراً وأتح لهم

منافقان گمراه کننده و کافران انکار نماینده و فتح ده ایشان را فتح آسان و آماده گردان برای ایشان

روحاً وفرجاً قريباً واجعل لهم من لدنك على عدوك وعدوهم سلطاناً نصيراً

راحت و گشایش نزدیک و بگردان برای ایشان از جانب خود بر دشمن تو و دشمن ایشان غلبه یاری دهنده

پس دست بدعا بردارد و قصد کند دشمنان آل محمد صلوات الله عليهم أجمعين را و بگوید

اللهم إن كثيراً من الأمة ناصبت المستحفظين من الأئمة وكفرت

بار خدایا بدرستیکه بسیاری از امت دشمنی ورزیدند حفظ کنندگان از امامان و کافر شدند

بالكلمة وعكفت على القادة الظلمة وهجرت الكتاب والسنة وعدلت

به کلمه حق و رو آوردند بر پیشوایان ستمکاران و ترک کردند قرآن و سنت را و عدول کرد

عَنِ الْحَبْلَيْنِ الَّذَيْنِ اَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمَا وَالتَّمَسُّكِ بِهِمَا فَاَمَاتَتِ الْحَقَّ

از دو رشته که امر کردی به فرمانبرداری آن هر دو و چنگ زدن به هر دو و بمیرانیدند حق را

وَحَادَتْ عَنِ الْقَصْدِ وَمَالَاَتِ الْاَحْزَابَ وَحَرَّفَتِ الْكِتَابَ وَكَفَرَتْ

و عدول کردند از راه راست و یاری کردند گروهها را و تحریف کردند کتاب را و کافر شدند

بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهَا وَتَمَسَّكَتْ بِالْبَاطِلِ لَمَّا اعْتَرَضَهَا وَضَيَّعَتْ حَقَّكَ

بحق هرگاه آمد ایشان را و چنگ زدند بباطل هرگاه پیش آمد آنها را و ضائع کردند حق ترا

وَاَضَلَّتْ خَلْقَكَ وَقَتَلَتْ اَوْلَادَ نَبِيِّكَ وَخِيَرَةَ عِبَادِكَ وَحَمَلَةَ عِلْمِكَ

و گمراه کردند خلق ترا و کشتند فرزندان پیغمبر ترا و برگزیدهای بندهای ترا و بردارندهای علم ترا

وَوَرَثَةَ حِكْمَتِكَ وَوَحْيِكَ اَللّٰهُمَّ فَزَلْزِلْ اَقْدَامَ اَعْدَائِكَ وَاَعْدَاءِ

و میراثبران حکمت ترا و وحی ترا بار خدایا پس بلغزان پاهای دشمنان خود را و دشمنان

رَسُولِكَ وَاَهْلِ بَيْتِ رَسُولِكَ اَللّٰهُمَّ وَاَخْرِبْ دِيَارَهُمْ وَافْلُلْ سِلَاحَهُمْ

پیغمبر خود را و دشمنان اهل بیت پیغمبر خود را بار خدایا و خراب کن خانهای ایشان را و رخنه بینداز در سلاح ایشان

وَخَالِفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ وَفُتَّ فِي اَعْضَادِهِمْ وَاَوْهِنْ كَيْدَهُمْ وَاضْرِبْهُمْ

و مخالفت بینداز میان سخن ایشان و سست بکن بازوهای ایشان و سست کن مکر ایشان و بزن ایشان را

بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ وَارْمِهِمْ بِحَجَرِكَ الدَّامِغِ وَطُمَّهُمْ بِالْبَلَاءِ طَمًّا وَ

بشمشیر خود که برنده است و بزن ایشان را بسنگ خود که شکننده است و بپوشان ایشان را به بلا پوشانیدنی

قُمَّهُمْ بِالْعَذَابِ قَمًّا وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا نُكْرًا وَخُذْهُمْ بِالسِّنِينَ وَالْمَثُلَاتِ

بروب ایشان را بعذاب رفتنی و عذاب کن ایشان را بعذاب سخت و بگیر ایشان را به قحط سالها و عقوبتها

الَّتِي اَهْلَكْتَ بِهَا اَعْدَاءَكَ اِنَّكَ ذُو نِقْمَةٍ مِنَ الْمُجْرِمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنَّ سُنَّتَكَ

که هلاک کردی بآن دشمنان خود را بدرستیکه تو صاحب انتقامی از گناهکاران بار خدایا بدرستیکه طریقه تو

ضَائِعَةٌ وَاَحْكَامَكَ مُعَطَّلَةٌ وَعِتْرَةَ نَبِيِّكَ فِي الْاَرْضِ هَائِمَةٌ اَللّٰهُمَّ

ضائع است و حکمهای تو معطل است و فرزندان پیغمبر تو در زمین سرگردانند بار خدایا

فأعزّ الحقّ وأهله وأقمع الباطل وأهله ومنّ علينا بالنجاة واهدنا

پس غالب گردان حق را و اهل حق را و مقهور ساز باطل و اهل باطل را و منت نه بر من برستگاری و راه بنما ما را

الی الایمان وعجّل فرجنا وانظمه بفرج اولیائک واجعلهم لنا ودّاً

بجانب ایمان و زود کن گشایش ما را و پیوسته کن آن را بگشایش اولیای خود و بگردان ایشان را برای ما دوست

واجعلنا لهم وفداً اللهمّ واهلک من جعل یوم قتل ابن نبیّک وخیرتک

و بگردان ما را برای ایشان وارد شونده بار خدایا و هلاک کن کسی که گردانید روز کشته شدن پسر پیغمبر را و برگزیده ترا

عیداً واستهلّ به فرحاً ومرحاً وخذ آخرهم کما اخذت اوّلهم وضاعف

عید و آواز بر آورد بقتل او از روی شادی و خوشحالی و بگیر آخر جماعت را چنانچه گرفتی اول ایشان را و مضاعف کن

اللهمّ العذاب والتنکیل علی ظالمی اهل بیت نبیّک واهلک اشیاعهم

بار خدایا عذاب را و عقوبت را بر ستم کنندگان اهل بیت پیغمبر تو و هلاک گردان تابعان ایشان را

وقادتهم وابر حماتهم وجماعتهم اللهمّ وضاعف صلواتک ورحمتک

و پیشوایان ایشان را و هلاک کن حمایت کنندگان ایشان را و جماعت ایشان را بار خدایا و مضاعف کن درود خود و رحمت خود

وبرکاتک علی عترة نبیّک العترة الضائعة الخائفة المستذلّة

و برکتهای خود بر اولاد پیغمبر خود که اولاد تلف شده ترسان خوار کرده شده

بقیّة من الشجرة الطیّبة الزاکیة المبارکة واعل اللهمّ کلمتهم

باقی مانده از درخت پاک پاکیزه مبارک و بلند کن بار خدایا کلمه ایشان را

وافلج حجّتهم واکشف البلاء واللأواء وحنادس الاباطیل والعمی

و غلبه بده حجت ایشان را و برطرف کن بلا و سختی و تاریکیهای باطلها را و نابینائی را

عنهم وثبّت قلوب شیعتهم وحزبک علی طاعتک وولایتهم ونصرتهم

از ایشان و ثابت دار دلهای شیعیان ایشان را و گروه خود را بر طاعت خود و دوستی ایشان و یاری ایشان

وموالاتهم واعنهم وامنحهم الصبر علی الاذی فیک واجعل لهم

و دوستی ایشان و یاری ده ایشان را و بخش ایشان را صبر بر آزار کشیدن در راه تو و بگردان برای ایشان

أيّاماً مشهودةً وأوقاتاً محمودةً مسعودةً توسّلك فيها أجرهم وتوجب

روزهای مشهود و وقتهای ستوده شده با سعادت که نزدیک گردانی در آن وقتها کشایش ایشان را از خود و واجب گردانی

فيها تمكينهم ونصرهم كما ضمنت لأوليائك في كتابك المنزل فإنك

در آن وقتها دسترس ایشان و یاری ایشان را چنانچه ضامن شدی برای دوستان خود در کتاب خود که فرستاده شده است پس بدرستیکه تو

قلت وقولك الحقّ وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات

فرموده و قول تو راست است وعده کرد خدا آنانکه ایمان آوردند از شما و عمل کردند عملهای نیک که

ليستخلفنّهم في الأرض كما استخلف الذين من قبلهم وليمكّننّ

هر آئینه خلیفه گرداند ایشان را در زمین چنانچه خلیفه گردانید آنها را که پیش از ایشان بودند و هر آئینه تمکین دهد

لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدّلنّهم من بعد خوفهم أمناً يعبدونني

مر ایشان را دین ایشان که پسندیده است برای ایشان و هر آئینه تبدیل نماید ایشان را از پس ترس ایشان ایمنی که پرستند مرا

لا يشركون بي شيئاً اللّهمّ فاكشف غمّتهم يا من لا يملك كشف الضرّ إلّا هو

و شریک نکردانند بمن چیزی را بار خدایا برطرف کن غم ایشان را ای کسیکه مالک نیست برطرف کردن ضرر را مگر او

يا واحد يا أحد يا حيّ يا قيّوم وأنا يا إلهي عبدك الخائف منك والراجع

ای یگانه ای یکتا ای زنده ای پایدار و من ای خدای من بنده تو ام که ترسانم از تو و بازگشت کننده ام

إليك السائل لك المقبل عليك اللاجئ إلى فنائك العالم بأنّه لا ملجأ

بسوی تو سؤال کننده ام ترا و رو آورنده ام بر تو پناه برنده ام بسوی درگاه تو و دانا ام به اینکه نیست پناهی

منك إلّا إليك اللّهمّ فتقبّل دعائي واسمع يا إلهي علانيتي ونجواي واجعلني

از تو مگر بسوی تو بار خدایا پس قبول کن دعای مرا و بشنو ای خدای من سخن آشکار مرا و راز مرا و بگردان مرا

ممّن رضيت عمله وقبلت نسكه ونجّيته برحمتك إنّك أنت العزيز الكريم

از کسانیکه راضی شدی از عمل ایشان و پذیرفتی عبادت ایشان را و رهانیدی ایشان را برحمت خود بدرستیکه توئی غالب بزرگوار

اللّهمّ وصلّ أوّلاً وآخراً على محمّد وآل محمّد وبارك على محمّد وآل محمّد

بار خدایا درود بفرست در اول و آخر بر محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود

هرکه حکومت اختیار کند و عدالت نکند

وَارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ بِاَكْمَلِ وَاَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى

و به بخشا بر محمد و آل محمد بکامل تر و فاضل تر از آنچه درود و فرستادی و برکت دادی و رحم کردی بر

اَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَمَلَائِكَتِكَ وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ بِلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ

پیغمبران خود و فرستادگان خود و فرشتگان خود و بردارندگان عرش خود بحق کلمهٔ مبارکهٔ توحید بار خدایا

لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَاجْعَلْنِي

جدائی میفکن میان من و میان محمد و آل محمد درودهای تو باد بر او و بر ایشان و بگردان مرا

يَا مَوْلَايَ مِنْ شِيعَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَذُرِّيَّتِهِمُ

ای مولای من از یاران محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ذریت آنها

الطَّاهِرَةِ الْمُنْتَجَبَةِ وَهَبْ لِيَ التَّمَسُّكَ بِحَبْلِهِمْ وَالرِّضَا بِسَبِيلِهِمْ وَالْاَخْذَ

که پاک و برگزیده اند و ببخش مرا چنگ زدن بدوستی ایشان و خوشنودی براه ایشان و اختیار کردن

بِطَرِيقَتِهِمْ اِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ

بطریقهٔ ایشان بشیکه تو بخشندهٔ بزرگواری

پس بسجده برو و طرف روی

خود را بر خاک بگذار و بگو

يَا مَنْ يَحْكُمُ مَا يَشَاءُ وَيَفْعَلُ مَا يُرِيدُ اَنْتَ حَكَمْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ مَحْمُوداً مَشْكُوراً

ای کسیکه حکم میکند هر چه میخواهد و میکند هر چه میخواهد تو حکم کردی پس تراست سپاس ستوده و شکر کرده

فَعَجِّلْ يَا مَوْلَايَ فَرَجَهُمْ وَفَرَجَنَا بِهِمْ فَاِنَّكَ ضَمِنْتَ اِعْزَازَهُمْ بَعْدَ الذِّلَّةِ وَ

پس بزود ظاهر کن ای مولای من گشایش ایشان را و گشایش ما را بایشان پس بتحقیق تو ضامن شده عزیز کردن ایشان را

تَكْثِيرَهُمْ بَعْدَ الْقِلَّةِ وَاِظْهَارَهُمْ بَعْدَ الْخُمُولِ يَا اَصْدَقَ الصَّادِقِينَ وَ

بسیار کردن ایشان را بس از کمی و آشکار کردن ایشان را بعد از گمنامی ای راست گوترین راستگویان

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فَاَسْئَلُكَ يَا اِلٰهِي وَسَيِّدِي مُتَضَرِّعاً اِلَيْكَ بِجُودِكَ

ای مهربان ترین مهربانان پس سؤال میکنم از تو ای خدا و آقای من در حالتیکه زاری کننده ام بسوی تو بجود تو

وَكَرَمِكَ بَسْطَ اَمَلِي وَالتَّجَاوُزَ عَنِّي وَقَبُولَ قَلِيلِ عَمَلِي وَكَثِيرِهِ وَالزِّيَادَةَ

و کرم تو فراخی امید خود و در گذشتن از جرم خود و پذیرفتن کردار کم و بسیار خود و افزودنی

[illegible]

فِی اَیّامی وَتَبْلیغی ذٰلِکَ الْمَشْهَدَ وَاَنْ تَجْعَلَنی مِمَّنْ یُدْعی فَیُجیبُ اِلی طاعَتِهِمْ

در ایام خود و رسانیدن خود باین مشهد و انکه بکردانی مرا از کسانیکه دعوت کرده میشوند بس اجابت میکنند بسوی طاعت ایشان

وَمُوالاتِهِمْ وَنَصْرِهِمْ وَتُرِیَنی ذٰلِکَ قَریباً سَریعاً فی عافِیَةٍ اِنَّکَ عَلی کُلِّ

و دوستی ایشان و یاری ایشان و بنمائی مرا این امر را زود و بسرعت در عافیت بدرستیکه تو بر همه

شَیْءٍ قَدیرٌ پس سر خود را بسوی آسمان بلند کن بگو اَعُوذُ بِکَ اَنْ اَکُونَ مِنَ

چیز توانائی پناه می برم بتو از اینکه باشم از

الَّذینَ لا یَرْجُونَ اَیّامَکَ فَاَعِذْنی یا اِلٰهی بِرَحْمَتِکَ مِنْ ذٰلِکَ

آنجماعت که امید ندارند روزهای ترا پس پناه ده مرا ای خدای من بمهربانی خود از این

چون چنین کنی این عمل بهتر است از برای تو از حجهای بسیار و عمره های بسیار که با مال بسیار

و را انها صرف نمائی و بدن خود را در آنها در تعب افکنی و از اهل و عیال خود و فرزندان خود جدا

شوی و بدانکه کسیکه این نماز را در این روز بکند و این دعا را بخواند از روی اخلاص و این

عمل را بالیقین و تصدیق بجا آورد حقتعالی ده خصلت باو عطا کند که از جمله آنها اینست که او را

از هر و بهابد حفظ کند مانند غرق شدن و سوختن و در زیر عمارت ماندن و امثال اینها و بر او

دشمنی را مسلط نکرد و نگاه دارد او را از دیوانگی و خوره و پیسی در خود و فرزندانش تا چهار پشت

و شیطان او و دوستان و یاوران شیطان را مسلط نکرداند بر او و بر نسل او تا چهار پشت

زیارت دیگر زیارتیست که مشتمل است بر زیارت شهدا و متضمن تعزیت حضرت

رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم است و مناسب است که در این روز

خوانده شود و اگر در آخر روز خوانده شود شاید انسب باشد و زیارت اینست

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ

سلام بر تو باد ای وارث آدم برگزیده خدا سلام بر تو باد ای وارث

نُوحٍ نَبِیِّ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ اِبْراهیمَ خَلیلِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ

نوح نبی خدا سلام بر تو باد ای وارث ابراهیم دوست خدا سلام بر تو باد

[illegible]

یا وارث موسی کلیم الله السلام علیک یا وارث عیسی روح الله

ای وارث موسی هم سخن خدا سلام برتو باد ای وارث عیسی روح خدا

السلام علیک یا وارث محمد حبیب الله السلام علیک یا وارث علی

سلام برتو باد ای وارث محمد دوست خدا سلام برتو باد ای وارث علی

امیر المؤمنین السلام علیک یا وارث الحسن الشهید سبط رسول الله

امیر مومنان سلام برتو باد ای وارث حسن شهید فرزندزاده پیغمبر خدا

السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن البشیر النذیر وابن

سلام برتو باد ای پسر پیغمبر خدا سلام برتو باد ای پسر بشارت دهنده ترساننده و پسر

سید الوصیین السلام علیک یا ابن فاطمة سیدة نساء العالمین السلام

سردار اوصیا سلام برتو باد ای پسر فاطمه سرور زنان عالمیان سلام

علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا خیرة الله وابن خیرته السلام

برتو باد ای اباعبدالله سلام برتو باد ای برگزیده خدا و پسر برگزیده او سلام

علیک یا ثار الله وابن ثاره السلام علیک ایها الوتر الموتور السلام

برتو باد ای خون طلب خدا و پسر خون طلب او سلام برتو باد ای وتر موتور سلام

علیک ایها الامام الهادی الزکی وعلی ارواح حلت بفنائک

برتو باد ای امام رهنما پاک و بر ارواحی که فرود آمده است بگرد خانه تو

واقامت فی جوارک ووفدت مع زوارک السلام علیک منی ما بقیت

و جا گرفته اند در همسایگی تو و وارد شده اند با زیارت کنندگان تو سلام برتو باد از جانب من تا زنده باشم

وبقی اللیل والنهار فلقد عظمت بک الرزیة وجل المصاب فی المؤمنین

و باقیست شب و روز پس بتحقیق بزرگ شده است بسبب تو مصیبت عظیم شده است مصیبت در مؤمنان

والمسلمین وفی اهل السموات اجمعین وفی سکان الارضین

و در مسلمانان و در اهل آسمانها همه ایشان و در ساکنان زمین ها

فانّا لله وانّا الیه راجعون وصلوات الله وبرکاته وتحیّاته علیک وعلی

پس ما بدرستیکه مر خدا را ایم وبسوی او بازگشت ما را ودرودهای خدا وبرکتهای او وتحفه‌های او بر تو باد و بر

آبائک الطّیّبین المنتجبین وعلی ذرّیّاتهم الهداة المهدیّین السّلام علیک

پدران تو که پاکان وبرگزیدگانند وبر فرزندان ایشان که راه نمایان راه یافتگانند سلام بر تو باد

یا مولای وعلیهم وعلی روحک وعلی ارواحهم وعلی تربتک وعلی تربتهم

ای آقای من وبر ایشان وبر روح تو وبر ارواح ایشان وبر تربت تو وبر تربت ایشان

اللّهمّ لقّهم رحمة ورضواناً وروحاً وریحاناً السّلام علیک یا مولای

خداوندا ملاقات کن ایشان را رحمت وخوشنودی وراحت وبوی خوش سلام بر تو باد ای آقای من

یا ابا عبد الله یا ابن خاتم النّبیّین ویا ابن سیّد الوصیّین ویا ابن

ای اباعبدالله ای پسر آخر پیغمبران وای پسر سرور اوصیا وای پسر

سیّدة نساء العالمین السّلام علیک یا شهید یا ابن الشّهید یا اخا الشّهید

سرور زنان عالمیان سلام بر تو باد ای شهید ای پسر شهید ای برادر شهید

یا ابا الشّهداء اللّهمّ بلّغه عنّی فی هذه السّاعة وفی هذا الیوم وفی هذا

ای پدر شهیدان خداوندا برسان او را از جانب من در این ساعت ودر این روز ودر این

الوقت وفی کلّ وقت تحیّة کثیرة وسلاماً سلام الله علیک ورحمة

وقت ودر هر وقت درود بسیار وسلام بسیار سلام خدا بر تو باد ورحمت

الله وبرکاته یا ابن سیّد العالمین وعلی المستشهدین معک سلاماً

خدا وبرکتهای او ای پسر سرور عالمیان وبر آنها که دریافتند شهادت را با تو سلامی

متّصلاً ما اتّصل اللّیل والنّهار السّلام علی الحسین بن علیّ الشّهید

پیوسته مادامیکه پیوسته شود شب وروز سلام بر حسین پسر علی شهید

السّلام علی علیّ بن الحسین الشّهید السّلام علی عبّاس بن امیر المؤمنین

سلام بر علی پسر حسین شهید سلام بر عباس پسر پادشاه مؤمنان

الشهيد السلام على الشهداء من ولد امير المؤمنين السلام على

شهید سلام بر شهیدان از فرزندان امیر المؤمنین علیه السلام سلام بر

الشهداء من ولد الحسن السلام على الشهداء من ولد الحسين السلام

شهیدان از فرزندان امام حسن سلام بر شهیدان از اولاد حسین ع سلام

على الشهداء من ولد جعفر وعقيل السلام على كل مستشهد معهم من

بر شهیدان از اولاد جعفر و عقیل سلام بر هر که دریافته شهادت را با ایشان از

المؤمنين اللهم صل على محمد وآل محمد وبلغهم عني تحية كثيرة وسلاما

اهل ایمان بار خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد و برسان ایشان را تحیت بسیار و سلام

السلام عليك يا رسول الله احسن الله لك العزاء في ولدك الحسين السلام

سلام بر تو باد ای پیغمبر خدا نیکو کرداند خدا برای تو عزا را در حق فرزند حسین سلام

عليك يا فاطمة احسن الله لك العزاء في ولدك الحسين السلام عليك

بر تو باد ای فاطمه نیکو کرداند خدا برای تو عزا را در حق فرزند تو حسین سلام بر تو باد

يا امير المؤمنين احسن الله لك العزاء في ولدك الحسين السلام

ای امیر مومنان نیکو کرداند خدا مر ترا صبر را در حق فرزند تو حسین سلام

عليك يا ابا محمد الحسن احسن الله لك العزاء في اخيك الحسين يا مولاي

بر تو باد ای ابو محمد حسن نیکو کرداند خدا مر ترا صبر در حق برادر تو حسین ای آقای من

يا ابا عبد الله انا ضيف الله وضيفك وجار الله وجارك ولكل

ای ابو عبد الله من مهمان خدا و مهمان توام و پناه گیرنده خدا و پناه گیرنده توام و از برای هر

ضيف وجار قرى وقراي في هذا الوقت ان تسأل الله سبحانه وتعالى

مهمان و پناه گیرنده ضیافت و احسانی است و احسان و ضیافت من در این وقت آنست که بطلبی از خدای سبحانه تعالی

ان يرزقني فكاك رقبتي من النار انه سميع الدعاء قريب مجيب

اینکه روزی کند مرا رها کردن گردن من از آتش هر آینه خدا شنونده دعا و نزدیک و قبول کننده است

و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که در شب بیست و یکم ماه محرم زفاف حضرت فاطمه بحضرت
امیر المؤمنین علیهما السلام واقع شد باید که آن روز را برای شکر این نعمت عظمی شیعیان
روزه بدارند و شیخ طوسی علیه الرحمه گفته است که در روز هفدهم ماه محرم اصحاب
فیل بسبب خراب کردن کعبه آمده بودند برگشتند و عذاب بر ایشان نازل شد و در روز
بیست و پنجم این ماه حضرت امام زین العابدین علیه السلام بعالم اعلی رحلت نمودند باب هفتم
در اعمال ماه صفر است این ماه مشهور است بنحوست و دو وجهی تواند داشت اول آنکه موافق
قول علمای شیعه وفات حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم در این ماه واقع
شده است دوم آنکه در سه ماه متوالی که شهر حرام اند چون عرب قتال نمیکردند در این ماه
بشروع بقتال میکردند لهذا نحس شمرده اند و در احادیث شیعه ندیده ام چیزی که دلالت بر نحوست کند
و در روایت غیر معتبره عامه وارد شده است و سید ابن طاوس رضی الله عنه در بعضی از کتب
معتبره روایت کرده است که در روز سوم این ماه مستحب است که دو رکعت نماز بجا آورند و در رکعت
اول بعد از حمد سوره انا فتحنا بخوانند و در رکعت دوم سوره توحید و بعد از سلام صد مرتبه بگویند

اللهم صل علی محمد و آل محمد و صد مرتبه **اللهم العن**

بار خدایا درود و رحمت بر محمد و آل محمد — بار خدایا لعنت کن

آل ابی سفیان و صد مرتبه **استغفر الله ربی و اتوب الیه**

اولاد ابی سفیان را — طلب مغفرت میکنم از خدا و بازگشت میکنم بسوی او

و در روز بیستم این ماه مشهور است بروز اربعین یعنی روز چهلم شهادت حضرت سید الشهدا
صلوات الله علیه و در کتب معتبره از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده اند
که علامات مؤمن پنج چیز است نماز پنجاه و یک رکعت از فریضه و نافله و زیارت
اربعین و انگشتر در دست راست کردن و جبین را در سجده بر خاک گذاشتن و بلند گفتن بسم الله
الرحمن الرحیم و کیفیت زیارت بسند معتبر منقول است از صفوان جمال که گفت مولای من حضرت
صادق علیه السلام بمن گفت در زیارت اربعین که زیارت میکنی در هنگامیکه روز بلند شده باشد

السلام على ولي الله وحبيبه السلام على خليل الله ونجيبه السلام على

سلام باد بر ولی خدا و دوست او سلام باد بر دوست خدا و برگزیده او سلام باد بر

صفي الله وابن صفيه السلام على الحسين المظلوم الشهيد السلام على

برگزیده خدا و پسر برگزیده او سلام باد بر حسین ستم رسیده شهید سلام باد بر

اسير الكربات وقتيل العبرات اللهم اني اشهد انه وليك وابن

گرفتار اندوهها و کشته سرشکها بار خدایا بدرستیکه من گواهی میدهم باینکه او دوست تو و پسر

وليك وصفيك وابن صفيك الفائز بكرامتك اكرمته بالشهادة و

دوست تو و برگزیده تو و پسر برگزیده تو واصل بکرامت است گرامی کردی او را بشهادت و مخصوص کردی او را

بالسعادة واجتبيته بطيب الولادة وجعلته سيدا من السادة

بسعادت و برگزیدی او را بپاکی ولادت و گردانیدی او را سروری از سروران

وقائدا من القادة وذائدا من الذادة واعطيته مواريث الانبياء

و پیشوای از پیشوایان و راننده از رانندگان و بخشیدی او را میراث پیغمبران

وجعلته حجة على خلقك من الاوصياء فاعذر في الدعاء ومنح النصح

و گردانیدی او را حجت بر خلق خود از جمله وصیت کرده شدگان پس بیان نکرد در خواندن خلق عطا کرد نصیحت را

وبذل مهجته فيك ليستنقذ عبادك من الجهالة وحيرة الضلالة

و صرف کرد جان خود را در راه تو تا برهاند بنده های ترا از نادانی و حیرانی و گمراهی

وقد توازر عليه من غرته الدنيا وباع حظه بالارذل الادنى وشرى

بتحقیق شدت کرد بر او کسی که فریفته است او را دنیا و فروخته بهره خود را بچیزی زبون تر و کمتر و فروخته است

آخرته بالثمن الاوكس وتغطرس وتردى في هواه واسخطك واسخط

آخرت خود را ببهای بسیار ناقص و کم و تکبر نموده و افتاده در خواهش خود و در غضب آورد ترا و غضب آورد

نبيك واطاع من عبادك اهل الشقاق والنفاق وحملة الاوزار

پیغمبر ترا و اطاعت کرده از بنده های تو اهل مخالفت و نفاق را و بردارندگان گناهان را

المستوجبين النار فجاهدهم فيك صابراً محتسباً حتى سفك في طاعتك

که مستوجب آتش دوزخ اند پس مجاهده نمود با ایشان در راه تو صبرکنان اجرجویان تا ریخته شد در فرمان برداری تو

دمه واستبيح حريمه اللهم فالعنهم لعناً وبيلاً وعذبهم عذاباً اليماً السلام

خون او و مباح کرده شد حریم او بار خدایا لعنت کن ایشان را لعنتی سخت و عذاب کن ایشان را عذابی دردناک سلام

عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن سيد الاوصياء اشهد انك

بر تو ای پسر پیغمبر خدا سلام باد بر تو ای پسر سرور وصی شدگان گواهی میدهم بدرستیکه تو

امين الله وابن امينه عشت سعيداً ومضيت حميداً ومت فقيداً مظلوماً

امانت دار خدائی و پسر امانت دار اوئی زندگانی کردی در حالت نیکبختی و گذشتی در حالت ستودگی و مردی در حالتی که گم شده ستم کشیده

شهيداً واشهد ان الله منجز لك ما وعدك ومهلك من خذلك ومعذب

شهید و گواهی میدهم بدرستیکه خدا وفا کننده است برای تو آنچه وعده کرده است ترا و هلاک کننده است کسی که خوار کرده ترا و عذاب کننده

من قتلك واشهد انك وفيت بعهد الله وجاهدت في سبيل الله حتى اتاك

کسی که کشته ترا و گواهی میدهم بدرستیکه تو وفا کردی بعهد خدا و مجاهده نمودی در راه خدا تا آنکه آمد ترا

اليقين فلعن الله من قتلك ولعن الله من ظلمك ولعن الله امة سمعت

مرگ پس لعنت کند خدا کسی را که کشت ترا و لعنت کند خدا کسی را که ستم کرد بر تو و لعنت کند خدا گروهی را که شنیدند

بذلك فرضيت به اللهم اني اشهدك اني ولي لمن والاه وعدو لمن عاداه

این خبر پس خوشنود شدند بآن بار خدایا بدرستیکه من گواه میگیرم ترا بدرستیکه من دوستم کسی را که دوست دارد او را و دشمنم کسی را که دشمنی کرد با او

بابي انت وامي يا ابن رسول الله اشهد انك كنت نوراً في الاصلاب الشامخة

پدر و مادرم فدای تو باد ای پسر پیغمبر خدا گواهی میدهم بدرستیکه تو بودی نوری در پشتهای بلند

والارحام الطاهرة لم تنجسك الجاهلية بانجاسها ولم تلبسك المدلهمات

و رحمهای پاک ناپاک نکرد ترا نادانی بناپاکیهای خود و نپوشانید ترا تاریکیها

من ثيابها واشهد انك من دعائم الدين واركان المسلمين ومعقل المؤمنين

از جامه های خود و گواهی میدهم بدرستیکه تو از ستونهای دین و ستونهای مسلمین و جای پناه مؤمنین هستی

وَاَشْهَدُ اَنَّكَ الْاِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَاَشْهَدُ

اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوٰى وَاَعْلَامُ الْهُدٰى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقٰى

آنکه امامان از اولاد تو سخن پرهیزکاری و نشانهای هدایت و دست آویز محکم

وَالْحُجَّةُ عَلٰى اَهْلِ الدُّنْيَا وَاَشْهَدُ اَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِاِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ

وحجت بر اهل دنیا اند و گواهی میدهم بدرستیکه من بشما ایمان آورنده ام و بباز آمدن شما یقین دارنده ام

دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَاَمْرِي لِاَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَنُصْرَتِي

دین خود و خاتمه های عمل خود و دل من دل شما را تسلیم شده است و امر من امر شما را پیرو و نصرت من

لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّٰى يَاْذَنَ اللّٰهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ صَلَوَاتُ اللّٰهِ

برای شما مهیا کرده شده است تا اذن دهد خدا مر شما را پس با شما ام با شما ام نه با دشمن شما درود خدا

عَلَيْكُمْ وَعَلٰى اَرْوَاحِكُمْ وَاَجْسَادِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ

بر شما باد و بر جانهای شما و تنهای شما و حاضر شما و غائب شما و آشکار شما

وَبَاطِنِكُمْ اٰمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

و پنهان شما قبول کن ای پروردگار عالمیان

و دو رکعت نماز میکنی پس دعا کن هر چه خواهی ...

... زیارت ... امام ...

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضٰى

سلام بر تو باد ای پسر پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای پسر علی مرتضی

وَصِيِّ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

وصی رسول خدا سلام بر تو باد ای پسر فاطمه زهرا مهتر زنان عالمیان

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ الزَّكِيُّ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ فِي اَرْضِهِ

سلام بر تو باد ... امام حسن پاکیزه سلام بر تو باد ای حجت خدا در زمین او

وَشاهِدَةً عَلی خَلْقِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ الشَّهیدُ اَلسَّلامُ
و گواه او بر خلق او سلام بر تو باد ای ابو عبدالله شهید سلام

عَلَیْکَ یا مَوْلایَ وَابْنَ مَوْلایَ اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلوةَ وَآتَیْتَ
بر تو ای مولای من و ای پسر مولای من گواهی میدهم بدرستیکه تو برپا داشتی نماز را و دادی

الزَّکوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَجاهَدْتَ فی سَبیلِ اللهِ
زکوة را و امر کردی بکار خوب و نهی کردی از کار زشت و مجاهده نمودی در راه خدا

حَتّی اَتاکَ الْیَقینُ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ عَلی بَیِّنَةٍ مِنْ رَبِّکَ اَتَیْتُکَ
تا آمد ترا مرگ و گواهی میدهم بدرستیکه بر حجتی هستی از جانب پروردگار خود آمدم

یا مَوْلایَ زائِراً وافِداً راغِباً مُقِرّاً لَکَ بِالذُّنُوبِ هارِباً اِلَیْکَ
ای مولای من در حالتیکه زیارت کننده ام و وارد شونده ام خواهش نماینده ام اقرار کننده ام ترا بگناهان

مِنَ الْخَطایا لِتَشْفَعَ لی عِنْدَ رَبِّکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْکَ
از گناهان تا شفیع شوی از برای من نزد پروردگار خود ای پسر پیغمبر خدا درود فرستد خدا

حَیّاً وَمَیِّتاً فَاِنَّ لَکَ عِنْدَ اللهِ مَقاماً مَعْلُوماً وَشَفاعَةً مَقْبُولَةً
در حالت زندگی و مردگی پس بدرستیکه مر ترا نزد خدا مقامی است معلوم و شفاعتی است قبول کرده شده

لَعَنَ اللهُ مَنْ ظَلَمَکَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ حَرَمَکَ وَغَصَبَ حَقَّکَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ
و لعنت کند خدا کسی را که ستم کرد بتو و لعنت کند کسی را که محروم کرد ترا و غصب کرد حق ترا و

قَتَلَکَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ خَذَلَکَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ دَعاکَ فَلَمْ یُجِبْکَ وَ
کشته است ترا و لعنت کند خدا کسی را که یاری نکرد ترا و لعنت کند خدا کسی را که خواند ترا و اجابت نکرد ترا و

لَمْ یُعِنْکَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ مَنَعَکَ مِنْ حَرَمِ اللهِ وَحَرَمِ رَسُولِهِ وَحَرَمِ اَبیکَ
یاری نکرد ترا و لعنت کند خدا کسی را که مانع شد ترا از حرم خدا و حرم پیغمبر او و حرم پدرت

وَاَخیکَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ مَنَعَکَ مِنْ شُرْبِ ماءِ الْفُراتِ لَعْناً کَثیراً
و برادر تو و لعنت کند خدا کسی را که مانع شد ترا از آشامیدن آب فرات لعنت بسیار

يَتْبَعُ بَعْضُهَا بَعْضاً اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

که در پی می آید بعض آن بعض را بار خدایا ای پیدا کننده آسمانها و زمین دانای پنهان و آشکار

اَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا

تو حکم میکنی میان بنده های خود در آنچه بودند که در و اختلاف میکردند و عنقریب خواهند دانست آنانکه ستم کردند

اَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِ وَارْزُقْنِيهِ

که بکدام جا بازگشت میکردند بار خدایا مگردان اینوقت را آخرین عهد از زیارت او و روزی کن آنرا بمن

اَبَداً مَا بَقِيتُ وَحَيِيتُ يَا رَبِّ وَاِنْ مُتُّ فَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

همیشه مادام که باقیم و زنده ام ای پروردگار من و اگر بمیرم پس حشر کن مرا در گروه او ای بخشنده ترین بخشندگان

و اگر زیارت آخر روز عاشورا در این روز نیز بخوانند مناسب است و بدانکه مشهور آنست که سبب تأکید زیارت آنحضرت درین روز آنست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام با سایر اهل بیت درین روز بعد از مراجعت از شام وارد کربلای معلی شدند و سرهای مقدس شهدا را به بدنهای مطهر ایشان ملحق کردند و این بسیار بعید است از جهات بسیار که ذکر آنها موجب تطویل است و بعضی گفته اند که درین روز اهل بیت علیهم السلام وارد مدینهٔ طیبه شدند و این نیز بسیار بعید است و بعضی گفته اند که شاید امام زین العابدین علیه السلام با عجاز طی الارض مخفی بکربلا رفته باشند از شام و سرها به بدنها ملحق کرده باشند و این ممکن است و آثار دالّی درین باب بنظر نرسیده است بلکه بعضی از روایات منافاتی فی الجمله با این دارد و وجهی که از احادیث ظاهر می شود آنست اول کسیکه از صحابهٔ حضرت رسالت پناه صلعم بزیارت آنحضرت مشرف شد جابر بن عبد الله انصاری بود و او درین روز بکربلا رسید و آنحضرت را با شهدا زیارت کرد و چون جابر از اکابر صحابه بود و اساس این امر عظیم را گذاشت می تواند بود که سبب مزید فضل زیارت آنحضرت درین روز شده باشد و شاید وجوه دیگر داشته باشد که بر ما مخفی باشد چون فرموده اند که درین روز زیارت کنیم باید کرد و تفحص سبب آن ضرور نیست و مشهور میان علمای امامیه آنست که وفات حضرت سید انبیا صلعم در بیست و هشتم ماه صفر واقع شد و شیخ طوسی و جمعی ذکر گفته اند

که شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام نیز درین روز واقع شد پس قیام مراسم تعزیت این دو بزرگوار و زیارت ایشان از نزدیک و دور مناسبست بدانکه در میان عوام بلکه خواص نحوست چهارشنبه آخر ماه صفر شهرت دارد و در کتب معتبره عامه و خاصه چیزی که دلالت برین کند بنظر نرسیده و احادیث در نحوست مطلق چهارشنبه خصوصا چهارشنبه آخر ماه وارد شده است و چون اینماه بنابر اسبابیکه مذکور شد فی الجمله نحوستی دارد ممکن است که چهارشنبه آخر آن از سایر چهارشنبه ها نحوستش بیشتر باشد اگر در ان روز از قبیل احتراز از طیره استدفاع بلایا بصدقات و ادعیه و استعاذات که از ائمه صلوات الله علیهم وارد شده است بکنند و توکل نمایند بر جناب مقدس الهی که آن کفاره طیره است مناسبست و اگر بلای متوجه باشد باینها دفع می شود نه آنکه بروش جهال عجم متابعت مجوسان کنند و بلهو و لعب و سرور و سور و ساز و اعمال قبیحه مشغول شوند که موجب مزید استحکام قضاهای آسمانی و تقدیرات ربانی گردد

باب هشتم

فصل اول

در فضائل ایام و اعمال ماه ربیع الاول است و در آن دو فصل است فصل اول در فضیلت و اعمال روز اول است تا روز شانزدهم شیخ مفید و شیخ طوسی و دیگران رضی الله عنهم گفته اند که حضرت رسالت پناه صلعم در شب اول ماه ربیع الاول اراده هجرت نمود از مکه معظمه بسوی مدینه مشرفه و در ان شب بغار رفت و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام جان شریف خود را فدای جان مقدس حضرت رسول صلعم کرد و در جای آن حضرت خوابید و از شمشیرهای کین قبائل مشرکین پروا نکرد و فضل او بر جمیع است بلکه بر جمیع عالمیان یکسان ظاهر گردید حق تعالی با ملائکه سموات بآن حضرت مباهات نمود و این آیه کریمه

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللهِ

در شان او نازل شد چنانچه تفصیلش در حیات القلوب مذکور است و چون حق تعالی آن در جان مقدس پیغمبر را از کید کافران حفظ کرد گفته اند که روزش را که روز اول ماه ربیع الاول است مستحب است که برای شکر این نعمت عظمی روزه بدارند هر چند علما درین روز زیارت ذکر نکرده اند اما

زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در این روز مناسب است چنانکه مذکور شد و شیخ طوسی رحمه الله در مصباح گفته که در روز اول این ماه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بعالم بقا رحلت نمود و حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه بمنصب جلیل امامت فائز شد پس زیارت آن دو امام عالی مقام در این روز نیز مناسب است اما شیخ رحمه الله در تهذیب و کلینی و محمد بن جریر طبری و ابن خشاب و شیخ مفید رحمة الله علیهم و غیر ایشان گفته اند که وفات حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه در روز هشتم این ماه بود پس در آن روز زیارت آن دو امام علیهما السلام انسب است در آن روز هم این باید انگه میان علما خاصه عادت تاریخ قتل عمر بن الخطاب علیه اللعنة والعذاب اختلاف است و مشهور میان ایشان است که قتل آن ملعون در روز بیست و ششم ماه ذی الحجه واقع شده چنانچه سابقا اشاره بان شد و بعضی بیست و نهم گفته اند و مستند این دو قول نقل مورخان است و از کتب شیعیان معلوم میشود که چنانچه الحال میان عوام شیعه مشهور است که قتل او در نهم ربیع الاول واقع شده است سابقا بیان جمعی از محدثین نیز چنین اعتقاد بوده است سید بزرگوار علی بن طاوس در کتاب اقبال اشاره نموده بانکه ابن بابویه رحمه الله روایت از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که آن ملعون در روز نهم ربیع الاول بر کات اسفل جحیم متوجه شده است و از نقل بعضی میشود که شیخ مفید و جمعی نیز چنین اعتقاد داشته اند هر چند سید خود آن حدیث را تأویل نموده است و ایضا سید ذکر کرده است که جماعتی از شیعیان عجم این روز را بسبب قتل او عید میگیرند و خلف بزرگوار سید علی بن طاوس در کتاب زوائد الفوائد این مطلب را تقویت کرده است و روایت معتبره در این باب ایراد نموده است چنانچه گفته است که روایت کرده اند محمد بن العلا [illegible] یحیی بن محمد [illegible] بغداد [illegible]

[illegible]

حسن عسکری [illegible] علیه السلام [illegible]

[illegible] و احوال [illegible] اعمال

عیدیست و آن روز نهم ماه ربیع الاول بود گفتیم سبحان الله عیدهای مؤمنان چهارست
عید فطر و عید اضحی و عید غدیر و روز جمعه آن دختر گفت که احمد بن اسحق از حضرت امام علی
علیه السلام روایت میکند که امروز روز عیدیست و بهترین عیدهاست نزد اهل بیت رسالت
و شیعیان ایشان باو گفتیم حضرت طلب نما به نزد او آییم چون آن دختر او را خبر کرد بیرون آمد در حالتی
که بسته و عبای خود پیچیده بود و بوی مشک از و ساطع بود با او گفتیم که این چه حالت
که در تو مشاهده میکنیم گفت الحال از غسل عید فارغ شده ام گفتیم مگر امروز عیدیست گفت بلی
و ما را بخانه خود در آورد و بر روی کرسی نشانید گفت روزی با جمعی از برادران خود به نزد مولای خود
حضرت امام حسن عسکری علیه السلام رفتیم در سر من رای و مثل این روز که شما به نزد من آمده اید
چون بخدمت آن حضرت رسیدیم دیدیم که حضرت مجلس خود را آراسته و مجمره در
پیش خود گذاشته است و بدست مبارک خود عود در آن مجمره می انداز و مجلس خود را معطر
گردانیده است و بر غلامان و خدمتکاران خود جامه های فاخره پوشانیده است گفتیم یا ابن
رسول الله پدران و مادران ما فدای تو باد آیا از برای اهل بیت امروز فرحی تازه شده و آن
حضرت فرمود که امروز حرمتش ازین روز نزد اهل بیت عظیم تر نیست بدرستیکه خبر داد
پدرم علیه السلام که حذیفه بن الیمان در روز نهم ربیع الاول داخل شد بر جدم رسول خدا
گفت که دیدم حضرت امیر المؤمنین و حضرت امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهم اکبار
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله طعام تناول می نمودند و حضرت تبسم بر ایشان
می نمود و با امام حسن و امام حسین علیهما السلام میگفت که بخورید گوارا باد بر شما برکت
و سعادت این روز بدرستیکه این روزیست که حق تعالی هلاک میکند درین روز دشمن خود و دشمن
شما را و مستجاب میگرداند درین روز دعای مادر شما را بخورید که این روزیست که حق تعالی
قبول میکند اعمال شیعیان و محبان شما را درین روز بخورید که این روزیست که ظاهر میشود
راستی گفته خدا که میفرماید فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا یعنی اینست خانه های
ایشان که خالی گردیده است بسبب ستمهای ایشان بخورید که این روزیست که شکسته میشود

درین روز شوکت دشمن جدشما و یاری کننده دشمن جد شما و یاری کننده دشمن شما بخورید که این روز
که هلاک میشود درین روز فرعون اهل بیت من و ستم کننده بر ایشان و غصب کننده حق ایشان
بخورید که این روزیست که حق تعالی عملهای دشمنان شما را باطل و هبا میکرداند حذیفه گفت که من گفتم
یا رسول الله آیا در میان امت تو کسی خواهد بود که هتک این حرمتها نماید حضرت فرمود که ای حذیفه
بتی از منافقان بر ایشان سرکرده خواهد شد و دعوی ریاست در میان ایشان خواهد کرد و مردم را
بسوی خود دعوت خواهد نمود و تازیانه ظلم و ستم را بر دوش خود خواهد گرفت و مردم را از راه خدا
منع خواهد کرد و کتاب خدا را تحریف خواهد نمود و سنت مرا تغییر خواهد داد و میراث فرزند مرا متصرف
خواهد شد و خود را پیشوای مردم خواهد خواند و زیادتی بر وصی من علی ابن ابیطالب خواهد کرد و مالهای
خدا را به ناحق بر خود حلال خواهد کرد و در غیر طاعت خدا صرف خواهد کرد و مرا و برادر من و وزیر من
علی را به دروغ نسبت خواهد داد و دختر مرا از حق خود محروم خواهد کرد و اینست پس دختر من او را نفرین خواهد
کرد و حق تعالی نفرین او را درین روز مستجاب خواهد کرد حذیفه گفت یا رسول الله چرا دعا نمیکنی
که حق تعالی او را در حیات تو هلاک کند حضرت فرمود که ای حذیفه دوست نمیدارم که جرأت کنم بر
قضای خدا و از و طلب کنم تغییر امری را که در علم او گذشته است ولیکن از حق تعالی سوال کردم که
فضیلت دهد آن روز را که در آن روز او بجهنم میرود بر سایر روزها تا آنکه احترام آن سنتی گردد
در میان دوستان من و شیعیان اهل بیت من پس حق تعالی وحی کرد بسوی من که ای محمد
در علم سابق من گذشته است که در یابد ترا و اهل بیت ترا محنتها و بلاهای دنیا و ستمهای منافقان
غصب کنندگان از بندگان من آن منافقان که تو خیرخواهی ایشان کردی و با تو خیانت کردند
و تو با ایشان راستی کردی و ایشان با تو مکر کردند و تو با ایشان صاف بودی و ایشان دشمنی
ترا بدل گرفتند و تو ایشان را خشنود کردی و ایشان ترا تکذیب کردند و تو ایشان را برگزیدی
و ایشان ترا در بلیه گذاشتند و قسم یاد میکنم بحول و قوت و پادشاهی خود که البته بگشایم
بر روی کسیکه غصب کند حق علی را که وصی تست بعد از تو هزار در از پست ترین طبقات جهنم که آنرا
فیلوق می گویند و او را و اصحاب او را در قعر جهنم جا دهم که شیطان از مرتبه خود بر و مشرف شود

واو را لعنت کند و آن منافق را در روز قیامت عبرتی گردانم برای فرعونها که در زمانهای پیغمبران
دیگر بودند و برای سایر دشمنان دین و ایشان را و دوستان ایشان را بسوی جهنم برم با دیدهای
کبود و رو هاى ترش با نهايت مذلّت و خواری و پشیمانی ایشان ابد الآباد در عذاب خود بدارم
ای محمد نمیرسد علی بمنزلت تو مگر با آنچه میرسد باو از بلاها از فرعون او و غصب کننده حق او که جرات
میکند بر من و کلام مرا بدل میکند و شرک بمن می آورد و مردم را منع میکند از راه رضای من و گوساله
از برای امت تو برپا میکند که آن ابوبکر است و کافر میشود بمن و در عرش عظمت و جلال من بدرستیکه
من امر کرده ام ملائکه هفت آسمان خود را که برای شیعیان و محبان و من شما عید کنند آن روزی
را که آن ملعون کشته میشود و امر کردم ایشان را که کرسی کرامت مرا نصب کنند در برابر بیت المعمور و ثنا
گویند بر من و طلب آمرزش نمایند برای شیعیان و محبان شما از فرزندان آدم و امر کرده ام ملائکه نویسندگان
اعمال را که از این روز تا سه روز قلم از مردم بردارند و ننویسند گناهان ایشان را برای کرامت تو و وصی تو
ای محمد این روز را عیدی گردانیدم برای تو و اهل بیت تو و برای هر که تابع ایشان باشد از مومنان
و شیعیان ایشان و سوگند یاد میکنم بعزت و جلال خود و علو منزلت و مکان خود که عطا کنم
کسی را که عید کند این روز را از برای من ثواب آنها که بدور عرش احاطه کرده اند و قبول کنم شفاعت
او را در خویشان او و زیاده کنم مال او را اگر گشادگی دهد بر خود و بر عیال خود در این روز و در هر سال در این
روز هزار هزار کس از موالیان و شیعیان شما را از آتش جهنم آزاد گردانم و اعمال ایشان را قبول کنم
و گناهان ایشان را بیامرزم حذیفه گفت که پس برخاست حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
و بخانه ام سلمه رفت و من برگشتم و صاحب یقین بودم در کفر عمر و تا آنکه بعد از وفات رسول دیدم
که او چه فتنهها برانگیخت و کفر اصلی خود را اظهار کرد و از دین برگشت و دامان بیحیائی بر وقاحت
برای غصب امامت و خلافت بر زد و قرآن را تحریف کرد و آتش در خانه وحی و رسالت زد و
بدعتها در دین خدا پیدا کرد و ملت پیغمبر را تغییر داد و سنت آنحضرت را بدل کرد و شهادت حضرت
امیر المومنین را رد کرد و فاطمه دختر رسول خدا را بدروغ نسبت داد و فدک را غصب کرد و یهود
و نصاری و مجوس را از خود راضی کرد و نور دیده مصطفی را بخشم آورد و رعایت اهل بیت رسالت نکرد

وجمیع ستمهای رسول خدا را برطرف کرد و تدبیر کشتن امیرالمؤمنین علیه السلام کرد و جور و ستم
در میان مردم علانیه کرد و هر چه خدا حلال کرده بود حرام کرد و هر چه حرام کرده بود حلال
کرد و حکم کرد که از پوست شتر دنانیر و درهم بسازند و خرج کنند و به سینه و شکم فاطمه زهرا
علیها السلام زد و بر منبر حضرت رسالت صلعم بغصب جور بالا رفت و به حضرت امیرالمؤمنین
و با آنحضرت معارضه کرد و ورا آنحضرت را سفاهت نسبت داد حذیفه گفت که پس حق تعالی
دعای برگزیده خود و دختر پیغمبر خود را در حق آن منافق مستجاب گردانید و قتل او را بر دست کشنده
او رحمه الله جاری ساخت پس رفتیم بخدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که آنحضرت را تهنیت و مبارکباد
بگوییم بانکه آن منافق کشته شد و بعذاب حق تعالی واصل گردید چون حضرت مرا دید گفت
ای حذیفه آیا در خاطر داری آن روز را که آمدی نزد سید رسول و من و دو سبط او حسن و
حسین نزد او نشسته بودیم و با او طعام میخوردیم پس ترا دلالت کرد بر فضیلت این روز که تعظیم نمای
بعد رسول حضرت فرمود که بخدا سوگند که این روز روزیست که حق تعالی دیده آل رسول
روشن گردانید و من سی و دو نام میدانم حذیفه گفت که یا امیرالمؤمنین میخواهم که
آن نامها را از تو بشنوم حضرت فرمود که این روز روز استراحت است که مؤمنان از شر منافقان آسوده
میشوند و روز زایل شدن کرب و غم است و روز غدیر دوم است و روز تخفیف گناهان
شیعیان است و روز اختیار نیکوکاران است و روز بر داشتن قلم از شیعیان است و روز
بر هم شکستن بنای کفر عدو است و روز عافیت است و روز برکت است و روز طلب خون اهل بیت است
و روز عید بزرگ خدا است و روز مستجاب شدن دعاست و روز موقف اعظم است و روز وفا
بعهد است و روز شرط است و روز کندن جامه سیاه است و روز ندامت ظالم است
و روز شکسته شدن شوکت مخالفان است و روز نفی هموم است و روز فتح است و روز عرض
اعمال است و روز ظهور قدرت خداست و روز عفو گناهان شیعیان است و روز فرح شیعیان
است و روز توبه است و روز انابت است بسوی حق تعالی و روز زکوة کبری است و روز فطر دوم
است و روز اندوه اعدا است و روز کور شدن ابیات مخالفان است و روز شرف اهل بیت است

مومنانست و روز عید اهل بیت ست و روز ظفر یافتن بنی اسرائیل بر فرعونست و روز مقبول
شدن اعمال شیعیانست و روز پیش فرستادن تصدقاتست و روز زیادتی مثوباتست و روز
قتل منافق ست و روز وقت معلوم ست و روز سرور اهل بیت ست و روز شهود ست و روز
قهر بر دشمن ست و روز خراب شدن بنیان ضلالت ست و روزیست که ظالم انگشت بدندان
میگزد و روز تنبیه بود و روز شرف ست و روز خنک شدن دلهای مومنانست و روز
شهادتست و روز در گذشتن از گناه مومنان ست و روز تازگی بوستان اهل ایمانست
و روز شیرینی کام ایشانست و روز خوشی دلهای مومنانست و روز بر طرف شدن پادشاهی
منافقانست و روز توفیق اهل ایمانست و روز رهائی مومنانست از شر کافران و روز تظاهر
ست و روز مفاخرتست و روز قبول اعمالست و روز تبجیل و تعظیم ست و روز نحله و عطاست
و روز شکر حق تعالی ست و روز یاری مظلومانست و روز زیارت کردن مومنانست
و روز محبت کردن ایشانست و روز رسیدن رحمتهای الهی ست و روز پاک کردانیدن
اعمال ست و روز فاش کردن رازهاست و روز بر طرف شدن بدعتهاست و روز ترک
گناهان کبیره است و روز نداکردن بحق ست و روز عبادتست و روز موعظت و نصیحت
و روز انقیاد پیشوایان دین ست حذیفه گفت که پس از خدمت امیرالمومنین عم برخاستم و گفتم
اگر در دنیا هم از افعال خیر و آنچه امید ثواب ازان دارم مگر محبت این روز و دانستن فضیلت
این را بهره نبینم منتهای آرزوی من خواهد بود پس محمد و یحیی راویان حدیث گفتند که چون
این حدیث را از احمد بن اسحق شنیدیم هر یک برخاستیم و سر او را بوسیدیم و گفتیم حمد و شکر
کنیم خداوندی را که برگزید ترا از برای ما تا آنکه فضیلت این روز را بما رسانید پس بخانه ها
خود برگشتیم و این روز را عید کردیم صاحب کتاب زوائد الفوائد گفته است که این حدیث را بخط علی
بن محمد بن طی رحمه الله نوشتیم و در کتب دیگر که تتبع کردیم چنین روایت دیدیم موافق این
بدین روایت نمودیم و سزاوار است شیعیان را که این روز را تعظیم نمایند و اظهار سرور و شادی
در این روز بکنند و شیخ ابراهیم بن علی الکفعمی در مصباح گفته است که صاحب کتاب مسار الشیعه گفته است

که هرکه در روز نهم ماه ربیع الاول چیزی انفاق کند حق تعالی گناهان او را بیامرزد و مستحب است در این روز اطعام برادران مومن و خوشبو گردانیدن ایشان و توسعت دادن بر عیال خود و دیگران و پوشیدن جامه های نو و شکر و عبادت حق تعالی و این روز برطرف شدن غمهاست و روز روزه و تفقین نیست مولف گوید که از نقل این بزرگواران معلوم شد که بر فضیلت این روز و فتح این قضیه مبارک که در آن احادیث بسیار وارد شده است و در اعصار سابقه میان شیعه مشهور بوده است و بر خلافش روایتی بنظر این قاصر نرسیده است و اتفاق مورخان عامه با احادیث معتبره معارضه نمیکند و اگر کسی استبعاد کند که چنین واقعه عظیمی که سبب چندین جمعی گردد چون می تواند بود که مضبوط نماند جوابش آنست که این واقعه از واقعه وفات حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و شهادت حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه عظیم تر نیست و در هر یک از اینها خلاف میان خاصه و عامه است و در واقعه اول اتفاق دارند عامه بر خلاف آنچه مختار شیعه است و اگر گویند که باعث بر افترای ایشان در اینجا نیست جواب میگوییم که شبهه در هر دو جاست و باعث قوی در اینجا هست زیرا که ممکن است که برای رفع شماتت شیعیان اخفای آن نموده باشند و علی ای حال چون مدار علمای خاصه و عامه آنست که در مستحبات با حادیث ضعیفه متمسک میشوند بنا بر احادیث صحیحه که از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین وارد شده است که هرکه ثوابی از خدا باو برسد بر عملی و آنرا بجا آورد آن ثواب داده میشود و هر چند چنان نباشد که باو رسیده است پس اگر اعمال این روز را که نوعی از شادی وارد شده باشد و مخالفتی با آیات و اخبار نداشته باشد کسی بعمل آورد خوب خواهد بود و مستحق ثواب خواهد بود و بعضی میگویند که عمر ابن سعد علیه اللعنه در این روز بجهنم واصل شد اگر چنین باشد این شرافت نیز برای آن کافی است و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که در روز دهم این ماه حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله خدیجه کبری رضی الله عنها را تزویج نمود و مستحب است برای شکر این مواصلت عظیم البرکه شیعیان روزه بدارند و گفته است که در روز دوازدهم این ماه حضرت رسول صلی الله علیه و آله داخل مدینه طیبه شد و از شر دشمنان ایمن گردید و باین جهت روز مبارکی است و ایضا دولت بنی مروان که از بقیه بنی امیه و از دشمنان اهل بیت علیهم السلام بودند در این روز به نهایت رسید

و زایل کردیند و این نیز فضیلت دیگریست برای این روز و اکثر شیعیان ولادت با سعادت
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم درین روز میدانند و محمد بن یعقوب کلینی رحمة الله علیه از علمای
امامیه نیز در کتاب کافی چنین قائل شده است و بعضی از ارباب حساب موافق فحوای بعضی از روایات
این را ظاهر میدانند و اگرچه خلاف مشهور میان علمای امامیه است اما اگر روزه و غسل و زیارت
و سائر اعمال که در روز هفدهم مذکور خواهد شد درین روز بعمل آورند باحتیاط اقربست و سید ابن
طاوس رحمه الله از بعضی علمای عجم روایت کرده است که سنت است که در روز دوازدهم
این ماه دو رکعت نماز بجا آورد و در رکعت اول بعد از حمد سه مرتبه قل یا ایها الکافرون و در رکعت
دوم سه مرتبه قل هو الله احد بخواند و ایضا شیخ مفید و شیخ طوسی رضی الله عنهما روایت کرده اند که
یزید پلید علیه اللعنة در روز چهاردهم این ماه بدرک اسفل جهنم منتقل شده باید که شیعیان این روز
را بر خود مبارک دانند و شکر حق تعالی برای این نعمت عظمی ادا کنند و بعضی روزه این روز
راسنت دانسته اند **فصل دوم** در فضائل و اعمال روز هفدهم این ماه است و مشهور میان علمای شیعه
آنست که ولادت کثیر السعادت حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در روز جمعه هفدهم ماه ربیع الاول
واقع شد و در بعضی از روایات وارد شده است که عروج آنحضرت بآسمانها نیز در شب هفدهم
واقع شده است و شب و روزش هر دو مبارکست و در هر دو زیارت حضرت رسالت پناه
و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیهما مناسبست و علما ذکر کرده اند روزه آن روز فضیلت
بسیار دارد و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که این روز شریفیست و پیوسته فرقه محقه شیعه از
قدیم الایام الی الآن تعظیم آن میکرده اند و حق آن را می شناخته اند و روزه میداشته اند و از
ائمه هدی علیهم السلام روایت کرده اند که هر که این روز را روزه دارد ثواب روزه یکساله برای
او نوشته شود و مستحب است که تصدقات بارباب حاجات بدهند و مومنان و مومنات
را شاد کنند و بزیارت مشاهد مشرفه بروند خصوصا مرقد مطهر حضرت رسالت پناه صلی الله
علیه و آله و ضریح منور حضرت امیر المومنین علیه السلام و شیخ مفید و شیخ شهید و سید
ابن طاوس رضی الله عنهم گفته اند که چون در غیر مدینه طیبه خواهی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم

برای زیارت کنی غسل بکن و شبیه بقبر دربین روی خود و بسازی هم مبارک آنحضرت را

بران نبوی بیت دل خود را متوجه بحضرت گردان و بگو

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً

گواهی میدهم که نیست معبودی بحق مگر خدای یگانه که نیست شریکی مر او را و گواهی میدهم بدرستیکه محمد

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَنَّهُ سَیِّدُ الْاَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ وَاَنَّهُ سَیِّدُ الْاَنْبِیاءِ

بنده او است و فرستاده او است و بدرستیکه او سرور پیشینیان و پسینیان است و بدرستیکه او سرور پیغمبران

وَالْمُرْسَلِینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِ وَعَلیٰ اَهْلِ بَیْتِهِ الْاَئِمَّةِ الطَّیِّبِینَ الطّاهِرِینَ

و فرستاده شدگان است بار خدایا رحمت فرست بر او و بر اهل بیت او که امامان پاکان پاکیزگانند

پس بگوید اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خَلِیلَ اللّٰهِ

سلام باد بر تو ای پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای دوست خدا

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا نَبِیَّ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صَفِیَّ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ

سلام بر تو باد ای پیغمبر خدا سلام باد بر تو ای برگزیده خدا سلام باد بر تو

یا رَحْمَةَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خِیَرَةَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حَبِیبَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ

ای رحمت خدا سلام باد بر تو ای برگزیده خدا سلام باد بر تو ای دوست خدا سلام باد

عَلَیْکَ یا نَجِیبَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خاتَمَ النَّبِیِّینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا سَیِّدَ

بر تو ای نجیب خدا سلام باد بر تو ای آخر پیغمبران سلام باد بر تو ای سرور

الْمُرْسَلِینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا قائِماً بِالْقِسْطِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا فاتِحَ الْخَیْرِ اَلسَّلامُ

فرستادگان سلام باد بر تو ای قائم بعدل سلام باد بر تو ای گشاینده در خیر سلام باد

عَلَیْکَ یا مَعْدِنَ الْوَحْیِ وَالتَّنْزِیلِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مُبَلِّغاً عَنِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ

بر تو ای کان وحی و قرآن سلام باد بر تو ای تبلیغ نماینده احکام از جانب خدا سلام باد

عَلَیْکَ اَیُّهَا السِّراجُ الْمُنِیرُ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مُبَشِّرُ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا نَذِیرُ

بر تو ای چراغ روشن هدایت سلام باد بر تو ای بشارت دهنده بثواب سلام باد بر تو ای بیم دهنده

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُنْذِرُ السَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ اللّٰهِ الَّذِي يُسْتَضاءُ بِهِ

سلام باد بر تو ای ترساننده بعذاب سلام باد بر تو ای نور خدا نوری که روشنی کرفته میشود

السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطّاهِرِينَ الْهادِينَ الْمَهْدِيِّينَ

سلام باد بر تو و بر اهل بیت تو که پاکان پاکیزکان راه نمایان راه یافته شدکانند

السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلى جَدِّكَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَعَلى أَبِيكَ عَبْدِ اللّٰهِ السَّلامُ

سلام باد بر تو و بر جد تو عبد المطلب و بر پدر تو عبد الله سلام باد

عَلى أُمِّكَ آمِنَةَ بِنْتِ وَهْبٍ السَّلامُ عَلى عَمِّكَ حَمْزَةَ سَيِّدِ الشُّهَداءِ السَّلامُ

بر مادر تو آمنه دختر وهب سلام باد بر عموی تو حمزه سرور شهیدان سلام باد

عَلى عَمِّكَ وَكَفِيلِكَ أَبِي طالِبٍ السَّلامُ عَلَى ابْنِ عَمِّكَ جَعْفَرٍ الطَّيّارِ فِي

بر عم تو و کفیل تو ابو طالب سلام باد بر پسر عم تو جعفر که پرواز کننده است در

جِنانِ الْخُلْدِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدُ السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَحْمَدُ السَّلامُ عَلَيْكَ

باغهای بهشت سلام باد بر تو ای محمد سلام باد بر تو ای احمد سلام باد بر تو

يا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلَى الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَالسّابِقَ إِلى طاعَةِ رَبِّ الْعالَمِينَ وَ

ای حجة خدا بر پیشینیان و پسینیان و سبقت کیرنده در طاعت پروردکار عالمیان و

الْمُهَيْمِنَ عَلى رُسُلِهِ وَالْخاتَمَ لِأَنْبِيائِهِ وَالشّاهِدَ عَلى خَلْقِهِ وَالشَّفِيعَ إِلَيْهِ

کواه بر فرستادکان خدا و خاتم انبیا و شاهد بر خلق او و شفاعت کننده بسوی او

وَالْمَكِينَ لَدَيْهِ وَالْمُطاعَ فِي مَلَكُوتِهِ الْأَحْمَدَ مِنَ الْأَوْصافِ الْمُحَمَّدَ لِسائِرِ الْأَشْرافِ

و صاحب منزلت نزد او و اطاعت کرده شده در عالم غیب او ستوده از جهت صفتها ستایش کرده شده

الْكَرِيمَ عِنْدَ الرَّبِّ وَالْمُكَلَّمَ مِنْ وَراءِ الْحُجُبِ الْفائِزَ بِالسِّباقِ وَالْفائِتَ

کرامی نزد پروردکار و سخن کننده از عقب پرده رسنده بسبقت و فائت

عَنِ اللِّحاقِ تَسْلِيمَ عارِفٍ بِحَقِّكَ مُعْتَرِفٍ بِالتَّقْصِيرِ فِي قِيامِهِ بِواجِبِكَ

از لحوق سلام دادن کسیکه شناسای حق تست اعتراف نماینده بکوتاهی در قیام بحق تو

غير منكر ما انتهى اليه من فضلك موقن بالمزيدات من ربك مؤمن

غير منكر چيزرا كه رسيده است باو از فضل تو يقين كننده بافزونى عطايا از جانب پروردگار تو ايمان آرنده

بالكتاب المنزل عليك محلل حلالك محرم حرامك اشهد يا رسول الله

بكتابى كه فرستاده شده بر تو حلال كننده حلال ترا حرام دانند حرام ترا گواهى ميدهيم اى پيغمبر خدا

مع كل شاهد وانا احملها عن كل جاحد انك قد بلغت رسالات ربك

باهر گواهى دهنده و بر ميدارم آنرا از هر كوشش كننده بانيكه تو رسانيدى رسالتهاى پروردگار خود را

ونصحت لامتك وجاهدت في سبيل ربك وصدعت بامره واحتملت

نصيحت فرمودى مرامت خود را وجهاد كردى در راه خداى خود و آشكارا كردى فرمان او را و متحمل شدى

الاذى في جنبه ودعوت الى سبيله بالحكمة والموعظة الحسنة

اذيت را در مقابل آن وخواندى بسوى راه او بحكمت و وعظ نيكو

الجميلة وادّيت الحق الذى كان عليك وانك قد رؤفت بالمؤمنين

خوب وادا نمودى حقى را كه بود بر تو و بدرستيكه تو بخشش مهربانى كردى بمؤمنان

وغلظت على الكافرين وعبدت الله مخلصا حتى اتاك اليقين فبلغ

وسخت بودى بر كافران و پرستيدى خدا را در حالت اخلاص تا آمد ترا مرگ پس رسانيد

الله بك اشرف محل المكرمين واعلى منازل المقربين وارفع درجات

خدا ترا به بزرگتر مكان بزرگ كرده شدگان و بلندتر جاهاى مقربان و بالاتر مرتبه

المرسلين حيث لا يلحقك لاحق ولا يفوقك فائق ولا يسبقك سابق

فرستاده شدگان جائيكه لاحق نشود ترا لاحقى و برترى نشود ترا برترى و پيشى نگيرد ترا پيشى گيرنده

ولا يطمع في ادراكك طامع الحمد لله الذى استنقذنا بك من الهلكة

وطمع نميكند در دريافت مرتبه تو طمع كننده حمد خدا را كه نجات داد ما را بسبب تو از هلاكت

وهدانا بك من الضلالة ونورنا بك من الظلمة فجزاك الله يا رسول الله

وراه نمود ما را بسبب تو از گمراهى وروشن كرد ما را بسبب تو از تيرگى پس مزد دهد ترا خدا اى پيغمبر خدا

من مبعوث افضل ما جازى نبيا عن امته ورسولا عمن ارسل اليه بابى

از هر انگیخته شده بهتر از آنچه مزد داده پیغمبری را از امت او و فرستاده را از جانب کسیکه فرستاده شده بسوی او پدرم

انت وامى يا رسول الله زرتك عارفا بحقك مقرا بفضلك مستبصرا

فدای تو باد و مادرم ای پیغمبر خدا زیارت کردم ترا در حالتیکه شناسا هستم بحق تو و اقرار کننده ام به بزرگی تو و بینایم

بضلالة من خالفك وخالف اهل بيتك عارفا بالهدى الذى انت عليه

بگمراهی کسیکه مخالفت نمود ترا و مخالفت نمود اهل بیت ترا در حالتیکه شناسا هستم براه راستی که تو بر آن راهی

بابى انت وامى ونفسى واهلى ومالى وولدى انا اصلى عليك كما صلى الله

پدرم فدای تو باد و مادرم و نفس من و اهل من و مال من و فرزندان من من درود میفرستم بر تو چنانچه درود فرستاده خدا

عليك وصلى عليك ملائكته وانبياؤه ورسله صلوة متتابعة وافرة متواصلة

بر تو و درود فرستاده اند بر تو فرشتگان او و پیغمبران او و فرستادگان او درودی پی در پی بسیار بهم پیوسته

لا انقطاع لها ولا امد ولا اجل صلى الله عليك وعلى اهل بيتك الطيبين

نیست انقطاعی مر آنرا و نه نهایتی و نه مدتی درود فرستد خدا بر تو و بر اهل بیت تو که پاکان

الطاهرين كما انتم اهله اللهم اجعل جوامع صلواتك ونوامى

و پاکیزه گانند چنانچه شما سزاوار آن هستید بار خدایا بگردان رحمتهای کامله خود را و فزون شونده

بركاتك وفواضل خيراتك وشرائف تحياتك وتسليماتك وكراماتك

برکتهای خودرا و خیرهای فاضل خودرا و درودهای بزرگ خودرا و تسلیمات خودرا و کرامتهای خود را

ورحماتك وصلوات ملائكتك المقربين وانبيائك المرسلين وائمتك

و رحمتهای خود را و استغفار فرشتگان مقربین خود و پیغمبران مرسل خود را و امامان

المنتجبين وعبادك الصالحين واهل السموات والارضين ومن سبح

برگزیدگان خود را و بندهای صالح خود را و اهل آسمانها و زمینها را و هر که تسبیح کند

لك يا رب العالمين من الاولين والآخرين على محمد عبدك ورسولك

ترا ای پروردگار عالمیان از پیشینیان و پسینیان بر محمد بنده خود و فرستاده خود

وَشاهِدِكَ وَنَبِيِّكَ وَنَذِيرِكَ وَأَمِينِكَ وَمَكِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَنَجِيبِكَ وَحَبِيبِكَ

و گواه خود و پیغمبر خود و بیم دهنده خود و امانت دار خود و با منزلت در نزد خود و برگزیده خود و دوست خود

وَخَلِيلِكَ وَصَفِيِّكَ وَصَفْوَتِكَ وَخاصَّتِكَ وَخالِصَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَخَيْرِ

و خلیل خود و پسندیده خود و خالص خود و خاصه خود و دوستی خود و رحمت خود و بهتر

خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَخازِنِ الْمَغْفِرَةِ وَقائِدِ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ وَمُنْقِذِ

برگزیده‌های خود از خلق خود پیغمبر رحمت و خزانه دار آمرزش کشنده خیر و برکت رهاننده

الْعِبادِ مِنَ الْهَلَكَةِ بِإِذْنِكَ وَداعِيهِمْ إِلى دِينِكَ الْقَيِّمِ بِأَمْرِكَ أَوَّلِ النَّبِيِّينَ

بنده‌ها از هلاکت باذن تو و خواننده ایشان بسوی دین تو که پاینده است بامر تو اول پیغمبران

مِيثاقاً وَآخِرِهِمْ مَبْعَثاً الَّذِي غَمَسْتَهُ فِي بَحْرِ الْفَضِيلَةِ وَالْمَنْزِلَةِ الْجَلِيلَةِ وَالدَّرَجَةِ

از روی پیمان و آخر ایشان از روی بعثت آنکه فرو بردی او را در دریای فضیلت و منزلت بزرگ و پایه

الرَّفِيعَةِ وَالْمَرْتَبَةِ الْخَطِيرَةِ وَأَوْدَعْتَهُ الْأَصْلابَ الطّاهِرَةَ وَنَقَلْتَهُ مِنْها إِلَى

بلند و مرتبه بزرگ و امانت سپردی او را در پشتهای پاک و نقل فرمودی او را از آن پشتها به

الْأَرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ لُطْفاً مِنْكَ لَهُ وَتَحَنُّناً مِنْكَ عَلَيْهِ إِذْ وَكَّلْتَ لِصَوْنِهِ

زهدانهای پاک از راه لطف خود مر او را و از مهربانی خود بر او از آنجهت که موکل ساختی

وَحِراسَتِهِ وَحِفْظِهِ وَحِياطَتِهِ مِنْ قُدْرَتِكَ عَيْناً عاصِمَةً حَجَبْتَ بِها عَنْهُ مَدانِسَ

و نگهبانی او و محافظت و حراست او از قدرت خود چشم نگاهدارنده که باز داشتی آن را از چرکهای

الْعَهْرِ وَمَعائِبَ السِّفاحِ حَتّى رَفَعْتَ بِهِ نَواظِرَ الْعِبادِ وَأَحْيَيْتَ بِهِ مَيْتَ الْبِلادِ

زنا و عیبهای زنا تا آنکه بلند کردی به او چشمهای بنده‌ها و زنده کردی به او مرده شهرها

بِأَنْ كَشَفْتَ عَنْ نُورِ وِلادَتِهِ ظُلَمَ الْأَسْتارِ وَأَلْبَسْتَ حَرَمَكَ بِهِ حُلَلَ

باین که برطرف کردی از نور ولادت او تاریکیهای پرده‌ها را و پوشانیدی حرم خود را به او جامه‌های

الْأَنْوارِ اللّٰهُمَّ فَكَما خَصَصْتَهُ بِشَرَفِ هٰذِهِ الْمَرْتَبَةِ الْكَرِيمَةِ وَذُخْرِ هٰذِهِ

نورها بار خدایا پس چنانچه خاص گردانیدی به بزرگی این مرتبه بزرگ و ذخیره کردن

الْمَنْقَبَةِ الْعَظِيمَةِ صَلِّ عَلَيْهِ كَمَا وَفَى بِعَهْدِكَ وَبَلَّغَ رِسَالاتِكَ وَقَاتَلَ
این منقبت عظیم درود بفرست بر او چنانچه وفا کرد بعهد تو و رسانید رسالتهای ترا و مقاتله کرد

أَهْلَ الْجُحُودِ عَلَى تَوْحِيدِكَ وَقَطَعَ رَحِمَ الْكُفْرِ فِي إِعْزَازِ دِينِكَ وَلَبِسَ
با اهل انکار بر توحید تو و برید قرابت کفر را در عزیز کردن و غالب کردن دین تو

ثَوْبَ الْبَلْوَى فِي مُجَاهَدَةِ أَعْدَائِكَ وَأَوْجَبْتَ لَهُ بِكُلِّ أَذًى مَسَّهُ
جامه محنت را در جهاد کردن با دشمنان تو و واجب کردانیدی مر او را بهر رنجی که مساس کرد او

أَوْ كَيْدٍ أَحَسَّ بِهِ مِنَ الْفِئَةِ الَّتِي حَاوَلَتْ قَتْلَهُ فَضِيلَةً تَفُوقُ الْفَضَائِلَ
یا مکری که احساس کرد بآن از گروهی که قصد کردند کشتن او را فضیلتی که بالا باشد بر همه فضائل را

وَيَمْلِكُ بِهَا الْجَزِيلَ مِنْ نَوَالِكَ وَقَدْ أَسَرَّ الْحَسْرَةَ وَأَخْفَى الزَّفْرَةَ وَتَجَرَّعَ
و مالک شد بآن عطاهای بزرگ ترا و بتحقیق پنهان داشت حسرت را و مخفی داشت تنفس را و فرو برد

الْغُصَّةَ وَلَمْ يَتَخَطَّ مَا مَثَّلَ لَهُ وَحْيُكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ
غصه را و تجاوز نکرد چیزی را که ثابت کرد برای او وحی تو بار خدایا درود بفرست بر او و بر اهل بیت او

صَلَوةً تَرْضَاهَا لَهُمْ وَبَلِّغْهُمْ مِنَّا تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلاماً وَآتِنَا مِنْ لَدُنْكَ
درودی که بپسندی آنرا برای ایشان و برسان بایشان از جانب ما تحیت بسیار و سلام و بده ما را از نزد

فِي مُوَالاتِهِمْ فَضْلاً وَإِحْسَاناً وَرَحْمَةً وَغُفْرَاناً إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ
بسبب دوستی ایشان تفضل وجود و احسان مهربانی و آمرزش بدرستیکه تو خداوند جود بزرگی

پس چهار رکعت نماز زیارت بکن بدو سلام بهر سوره که خواهی و چون فارغ شوی تسبیح

حضرت فاطمه علیها السلام بخوان پس بگو

اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ
خداوندا بدرستیکه تو گفتی مر پیغمبر خود را که محمد است درود فرستد خدا بر او و بر آل او و اگر بدرستیکه ایشان

جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً
نزد تو آمدند پس طلب آمرزش نمودند از خدا و طلب آمرزش نماید از برای ایشان پیغمبر هر آینه یافتند خدا را بسیار

منقول است که امام جعفر صادق علیه السلام معصوم و منزه بودند و از حضرت منزه بودند خود از امثال اینها و امثال اینها را از برای تعلیم دیگران ... از برای ... که سلام کردن و طلب ... و وکنا ... می فرمودند ... از سلام کردن از زنان جوان ...

رحیما ولم احضر زمان رسولك علیه وآله السلام اللهم زرته راغبا

مهربان حاضر نبودم در زمان پیغمبر تو براو وآل او سلام باد خدایا زیارت کردم پیغمبر ترا از روی خواهش

تائبا من سیئ عملی ومستغفرا لك من ذنوبی ومقرا لك بها وانت اعلم بها

توبه کننده از بدی کردار خود وطلب آمرزش کننده از تو از گناهانم و اقرار نماینده مر ترا بگناهانم حال آنکه تو داناتری بآن

منی ومتوجها الیك بنبیك نبی الرحمة صلواتك علیه وآله فاجعلنی

از من ودر حالت توجه بسوی تو به پیغمبر تو پیغمبر بخشایش درودهای تو براو وآل او پس بگردان مرا

اللهم بمحمد واهل بیته عندك وجیها فی الدنیا والآخرة ومن المقربین

بار خدایا بحرمت محمد واهل بیت او نزد خود خوش رو در دنیا وآخرت واز جمله مقربان

یا محمد یا رسول الله بابی انت وامی یا نبی الله یا سید خلق الله انی

ای محمد ای پیغمبر خدا پدرم فدای تو باد ومادرم ای پیغمبر خدا ای سرور خلق خدا بدرستیکه

اتوجه بك الی الله ربك وربی لیغفر لی ذنوبی ویتقبل منی عملی ویقضی لی

توجه می نمایم بسبب تو بسوی خدا که پروردگار تو وپروردگار منست تا بیامرزد برای من گناهانم را وبپذیرد از من کردارم را و بر آورد برای

حوائجی فکن لی شفیعا عند ربك وربی فنعم المسئول المولی ونعم الشفیع

حاجتهای مرا پس باش برای من شفاعت کننده نزد پروردگار خود وپروردگار من پس نیکو سؤال کرده شده است آن صاحب اختیار ونیکو شفاعت کننده

انت یا محمد علیك وعلی اهل بیتك السلام اللهم واوجب لی منك المغفرة

توئی ای محمد بر تو وبر اهل بیت تو سلام باد بار خدایا واجب گردان برای من از جانب خود آمرزش

والرحمة والرزق الواسع الطیب النافع کما اوجبت لمن اتی نبیك

وبخشایش وروزی فراخ پاک سودمند چنانچه واجب کردی برای کسیکه آمد نزد پیغمبر تو

محمد صلواتك علیه وآله وهو حی فاقر له بذنوبه واستغفر له رسولك

محمد درود باد براو وبر آل او درحالیکه زنده بود پس اقرار کرد بگناهان خود وطلب آمرزش کرد برای او پیغمبر تو

علیه السلام فغفرت له برحمتك یا ارحم الراحمین اللهم وقد املتك و

براو باد سلام پس آمرزیدی او را برحمت خود ای مهربان ترین مهربانان بار خدایا وبتحقیق امیدوار شدم بتو و

رجوتك وقمت بين يديك ورغبت اليك عمن سواك وقد املت

امید کردم ترا و ایستادم در برابر تو و رغبت کردم بسوی تو در حالت باز آمدن از غیر تو و امیدوار شدم

جزيل ثوابك واني مقر غير منكر وتائب اليك مما اقترفت وعائذ بك

ثواب بزرگ ترا و بدرستیکه من اقرار کننده ام و منکر نیستم و توبه کننده بسوی تو از چیزیکه کسب کرده ام و پناه برنده ام بتو

في هذا المقام مما قدمت من الاعمال التي تقدمت الي فيها ونهيتني عنها

درین مقام از آنچه پیش ازین کردم از کردارها آنچنانکه تقدم کردی بسوی من در آن و منع کردی مرا از آن

واوعدت عليها العقاب واعوذ بكرم وجهك ان تقيمني مقام الخزي و

و وعید کردی بران بعقاب و پناه میبرم به بزرگواری ذات تو ازینکه ایستاده کنی مرا در مقام رسوائی [illegible]

الذل يوم تهتك فيه الاستار وتبدو فيه الاسرار والفضائح وترعد

مقام خواری روزیکه دریده شود در آن روز پرده ها و آشکار شود در آن روز رازها و فضیحتها و لرزان شود

فيه الفرائص يوم الحسرة والندامة يوم الآفكة يوم الآزفة يوم

در آن روز گوشت دوشها روز حسرت و پشیمانی روز بازگشت روز نزدیک روز

التغابن يوم الفصل يوم الجزاء يوما كان مقداره خمسين الف سنة

زیان کشیدن روز جدا کردن حق از باطل روز پاداش روزیکه هست مقدار آن پنجاه هزار سال

يوم النفخة يوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة يوم النشر يوم العرض

روز دمیدن صور روزیکه بلرزد زمین لرزنده پی آن میرسد از پی رسنده روز پراکندگی روز نمودن اعمال

يوم يقوم الناس لرب العالمين يوم يفر المرء من اخيه وامه وابيه

روزیکه می ایستند مردم برای پروردگار عالمیان روزیکه بگریزد مرد از برادر خود و مادر خود و پدر خود

وصاحبته وبنيه يوم تشقق الارض واكناف السماء يوم تاتي كل نفس

و زن خود و پسران خود روزیکه شکافته شود زمین و کناره های آسمان روزیکه بیاید هر نفسی

تجادل عن نفسها يوم يردون الى الله فينبئهم بما عملوا يوم لا يغني مولى

جدال کنان از جانب خود روزیکه برگردانیده شوند بسوی خدا پس خبر دهد ایشانرا بآنچه عمل کرده اند روزیکه بی نیاز نکند دوستی

عن مولى شيئا ولا هم ينصرون الا من رحم الله انه هو العزيز الرحيم

از دوستی چیزی را و نه ایشان یاری داده میشوند مگر کسیکه رحم کند او را خدا بدرستیکه او غالب مهربانست

يوم يردون الى عالم الغيب والشهادة يوم يردون الى الله مولاهم الحق

روزیکه برگردانیده میشوند بسوی دانای پنهان و آشکارا روزیکه برگردانیده میشوند بسوی خدا مولای

يوم يخرجون من الاجداث سراعا كانهم الى نصب يوفضون وكانهم

روزیکه بر می آیند از قبرها شتابان گویا ایشان بسوی علمی برپا کرده شده می شتابند و گویا ایشان

جراد منتشر مهطعين الى الداع الى الله يوم الواقعة يوم ترج الارض

ملخ پراکنده اند شتابنده بسوی طلب کننده بسوی خدا روز واقعه روزیکه جنبانیده شود زمین

رجا يوم تكون السماء كالمهل وتكون الجبال كالعهن ولا يسأل حميم

از جنبیدن سخت روزیکه میشود آسمان بمانند مس گداخته و می شوند کوهها بمانند پشم و نمی پرسد خویش

حميما يوم الشاهد والمشهود يوم تكون الملائكة صفا صفا اللهم

از حال خویشی روز حاضر و حاضر کرده شده روزیکه می شوند فرشتگان صف صف بار خدایا

ارحم موقفي في ذلك اليوم بموقفي في هذا اليوم ولا تخزني في ذلك

رحم کن ایستادن مرا در آن روز بایستادن من درین روز و رسوا مکن مرا در آن

الموقف بما جنيت على نفسي واجعل يا رب في ذلك اليوم مع اوليائك

جای ایستادن بانچه خطا کردم بر نفس خود و بگردان ای پروردگار من در آن روز با دوستان خود

منطلقي وفي زمرة محمد واهل بيته عليهم السلام محشري واجعل حوضه

راه رفتن مرا و در جماعت محمد و اهل بیت او بر ایشان باد سلام برانگیخته شدن مرا و بگردان حوض

موردي وفي الغر الكرام مصدري واعطني كتابي بيميني حتى افوز بحسناتي

او را جای آب خوردن من و در بزرگان کریمان جای بازگشت من بده نامه عمل مرا بدست راست من تا رستگار شوم بحسنات خود

وتبيض به وجهي وتيسر به حسابي وترجح به ميزاني وامضي مع الفائزين

و سفید کنی بآن روی مرا و آسان کنی بآن حساب مرا و سنگین کنی بآن ترازوی عمل مرا و بگذرم با رستگاران

من عبادك الصالحین الی رضوانك وجنانك اله العالمین اللهم

از بندههای نیکوکاران تو بسوی رضوان تو و بهشتهای تو ای خدای عالمیان بار خدایا

انی اعوذ بك من ان تفضحنی فی ذلك الیوم بین یدی الخلائق بجریرتی او

بدرستیکه من پناه میبرم بتو از آنکه رسوا کنی مرا در آن روز روبروی آفریدگان بجهت گناه من یا

ان القی الخزی والندامة بخطیئتی او ان تظهر فیه سیئاتی علی حسناتی

آنکه ببینم خواری و پشیمانی را بگناه خود یا آنکه ظاهر کردی در آن روز بدیهای مرا بر نیکیهای

وان تنوه بین الخلائق باسمی یا کریم یا کریم العفو العفو الستر الستر

و آنکه بلند کنی میان آفریدگان بنام من ای کریم ای کریم میخواهم بخشش ترا بخشش ترا میخواهم پوشش

اللهم واعوذ بك من ان یکون فی ذلك الیوم فی مواقف الاشرار

بار خدایا پناه میبرم بتو از آنکه باشد در آن روز در جاهای ایستادن بدان

موقفی او فی مقام الاشقیاء مقامی واذا میزت بین خلقك فسقت

جای ایستادن من یا در جای بدبختان جای من و چون جدا کنی میان آفریدگان [illegible]

کلا باعمالهم زمرا الی منازلهم فسقنی برحمتك فی عبادك الصالحین

هر یکی را بسبب عملهای ایشان گروه گروه بسوی جاهای نزول آنها پس [illegible]

وفی زمرة اولیائك المتقین الی جنانك یا رب العالمین

و در گروه دوستان خود که پرهیزکارانند بسوی بهشتها خود ای پروردگار عالمیان

السلام علیك یا رسول الله السلام علیك ایها البشیر النذیر السلام

سلام باد بر تو ای پیغمبر خدا سلام باد بر تو ای بشارت دهنده ترساننده سلام

علیك ایها السراج المنیر السلام علیك ایها السفیر بین الله وبین خلقه

بر تو ای چراغ روشن سلام باد بر تو ای برسالت آمده میان خدا و میان آفریدگان

اشهد یا رسول الله انك كنت نورا فی الاصلاب الشامخة والارحام المطهرة

گواهی میدهم ای پیغمبر خدا بدرستیکه تو بودی نوری در پشتهای بلند مرتبه و زهدانهای پاک

لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِاَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهِمَّاتِ ثِيَابِهَا وَاَشْهَدُ

نجس نگردانید ترا جاهلیت بپلیدیهای خود و نپوشانید ترا جاهلیت از تیره رختهای خود و گواهی میدهیم

يَا رَسُولَ اللّٰهِ اِنِّي مُؤْمِنٌ بِكَ وَبِالْاَئِمَّةِ مِنْ اَهْلِ بَيْتِكَ مُوقِنٌ بِجَمِيعِ مَا اَتَيْتَ

ای پیغمبر خدا بدرستیکه من بجان آورنده ام بتو و بامامان از اهل بیت تو و یقین دارنده ام همه آنچه آوردی

بِهِ رَاضٍ مُؤْمِنٌ وَاَشْهَدُ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ اَهْلِ بَيْتِكَ اَعْلَامُ الْهُدٰى وَ

از او راضی و ایمان آورنده ام و گواهی میدهم بدرستیکه امامان از اهل بیت تو نشانهای هدایت اند و

الْعُرْوَةُ الْوُثْقٰى وَالْحُجَّةُ عَلٰى اَهْلِ الدُّنْيَا اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ

دست آویزان محکم وحجت بر اهل دنیا اند بارخدایا مگردان این آخر عهد از زیارت

نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ السَّلَامُ وَاِنْ تَوَفَّيْتَنِي فَاِنِّي اَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلٰى مَا اَشْهَدُ

پیغمبر خود برا و و خانواده او سلام باد و اگر بمیرانی مرا پس بدرستیکه من گواهی میدهم در مردن خود بر آنچه گواهی میدهیم

عَلَيْهِ فِي حَيٰوتِي اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَاَنَّ

بران در زندگی خود اینکه بدرستیکه تو خدائی نیست معبود بحق بجز تو یگانه شریک نسازی مر ترا و بدرستیکه

مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ اَهْلِ بَيْتِهِ اَوْلِيَاؤُكَ وَ

محمد بنده تو و پیغمبر تست و بدرستیکه امامان از اهل بیت او دوستان تو اند و

اَنْصَارُكَ وَحُجَجُكَ عَلٰى خَلْقِكَ وَخُلَفَاؤُكَ فِي عِبَادِكَ وَاَعْلَامُكَ فِي

یاوران تو اند و حجتهای تو اند بر خلق تو و خلیفهای تو اند در بندهای تو و نشانهای تو اند در

بِلَادِكَ وَخُزَّانُ عِلْمِكَ وَحَفَظَةُ سِرِّكَ وَتَرَاجِمَةُ وَحْيِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

شهرهای تو و خازنان علم تو اند و حافظان راز تو اند و بیان کنندگان وحی تو اند خداوندا درود فرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْ رُوحَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ فِي سَاعَتِي هٰذِهِ وَفِي كُلِّ

بر محمد و آل محمد و برسان روح پیغمبر خود محمد و آل او را در ساعت من این ساعت و در هر

سَاعَةٍ تَحِيَّةً مِنِّي وَسَلَامًا وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ

ساعتی درود از جانب من و سلام و سلام بر تو باد ای پیغمبر خدا و رحمت خدا و برکتهای او

حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام منقول است که هر مؤمنی که از خانه بیرون رود بقصد دیدن [illegible]

لَا جَعَلَهُ اللّٰهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ

نگرداند آنرا خدا آخر سلام کردن من بر تو

مولف گوید که این زیارت اگرچه سندش بنظر فقیر نرسید لهذا در تحفة الزائر ایراد نکرده ام اما زیارت جامع کاملیست و در همه اوقات میتوان بجا آورد و اگر کسی نتواند زیارت مختصر که بعد ازین ان شاء الله تعالی مذکور خواهد شد بعمل آورد و علما ذکر کرده اند که زیارت حضرت امیر المومنین علیه السلام درین روز سنت است و خصوص این زیارت را درین روز ذکر کرده اند و از بعضی از روایات خصوص این روز معلوم میشود و بهترین زیارات است از جهت لفظ و معنی و بسند بسیار معتبر منقولست و در همه ایام و اوقات از نزدیک و دور میتوان کرد خصوصا درین روز چنانچه شیخ مفید و شیخ شهید و سید ابن طاوس رضی الله عنهم روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام زیارت کرد حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه را در مثل هجم ماه ربیع الاول باین زیارت و تعلیم فرمود زیارت را براوی ثقه عظیم الشان محمد بن مسلم ثقفی فرمود که چون بیائی بمشهد امیر المومنین علیه السلام غسل زیارت بکن و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بقدری بوی خوش ح ود را خوشبو کن و بر تو باد با آرام دل و آرام تن پس چون برسی بباب السلام یعنی درگاه روضه مقدسه که ضریح مقدس نمایان شود پس رو بقبله بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو و بگو

اَلسَّلَامُ عَلٰى رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلٰى خِيَرَةِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَى الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السِّرَاجِ

سلام باد بر پیغمبر خدا سلام باد بر برگزیدهٔ خدا سلام باد بر بشارت دهنده ترساننده چراغ

الْمُنِيرِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلٰى اَنْبِيَاءِ اللّٰهِ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادِ

روشن و رحمت خدا و برکتهای او سلام باد بر پیغمبران خدا که فرستاده شدند کا بندهای

اللّٰهِ الصَّالِحِينَ اَلسَّلَامُ عَلٰى مَلَائِكَةِ اللّٰهِ الْحَافِّينَ بِهٰذَا الْحَرَمِ وَ

خدا که نیکانند سلام باد بر فرشتگان خدا که احاطه کننده اند باین حرم و

بِهٰذَا الضَّرِيحِ اللَّائِذِينَ بِهِ پس نزدیک قبر برو بگو اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْاَوْصِيَاءِ

باین قبه و پناه برنده اند باین قبر سلام بر تو باد ای وصی وصیت کردگان

السَّلامُ عَلَيْكَ يا عِمادَ الاَتْقِياءِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ الاَوْلِياءِ السَّلامُ

سلام بر تو باد ای ستون پرهیزکاران سلام بر تو باد ای دوست دوستان سلام

عَلَيْكَ يا سَيِّدَ الشُّهَداءِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا آيَةَ اللهِ الْعُظْمى السَّلامُ عَلَيْكَ

بر تو باد ای سرور شهیدان سلام بر تو باد ای نشانه بزرگ خدا سلام بر تو باد

يا خامِسَ اَهْلِ الْعَباءِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا قائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ الاَتْقِياءِ السَّلامُ

ای پنجم اهل عبا سلام بر تو باد ای پیشوای روشنان دست و پیشانی پرهیزکاران سلام

عَلَيْكَ يا عِصْمَةَ الاَوْلِياءِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا زَيْنَ الْمُوَحِّدينَ النُّجَباءِ السَّلامُ

بر تو باد ای پناه اولیا سلام بر تو باد ای زینت اهل توحید که نجیبان اند سلام

عَلَيْكَ يا خالِصَ الاَخِلاّءِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا والِدَ الاَئِمَّةِ الاُمَناءِ السَّلامُ عَلَيْكَ

بر تو باد ای برگزیده دوستان سلام بر تو باد ای پدر امامان که امینانند سلام بر تو باد

يا صاحِبَ الْحَوْضِ وَحامِلَ اللِّواءِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا قَسيمَ الْجَنَّةِ وَلَظى السَّلامُ

ای صاحب حوض کوثر و بردارنده علم سلام بر تو باد ای قسمت کننده بهشت و دوزخ سلام

عَلَيْكَ يا مَنْ شُرِّفَتْ بِهِ مَكَّةُ وَمِنى السَّلامُ عَلَيْكَ يا بَحْرَ الْعُلُومِ وَكَهْفَ الْفُقَراءِ

بر تو باد ای کسیکه مشرف شد باو مکه و منا سلام بر تو باد ای دریای علوم و پناه فقیران

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ وُلِدَ فِي الْكَعْبَةِ وَزُوِّجَ فِي السَّماءِ بِسَيِّدَةِ النِّساءِ وَكانَ

سلام بر تو باد ای کسیکه زاده شده در کعبه و تزویج کرده شده در آسمان ببهترین زنان حال آنکه بوده

شُهُودُها الْمَلائِكَةَ السَّفَرَةَ الاَصْفِياءَ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مِصْباحَ الضِّياءِ

گواهان او فرشتگان نویسندگان برگزیدگان سلام باد بر تو ای چراغ روشنائی

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ خَصَّهُ النَّبِيُّ بِجَزيلِ الْحِباءِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ باتَ عَلى فِراشِ

سلام باد بر تو ای کسیکه خاص گردانید او را پیغمبر ببخشش بزرگ سلام باد بر تو ای کسیکه شب گذرانید بر بستر

خاتَمِ الاَنْبِياءِ وَوَقاهُ بِنَفْسِهِ شَرَّ الاَعْداءِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ رُدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ

خاتم پیغمبران نگاهداشت پیغمبر را بجان خود از شر دشمنان سلام باد بر تو ای کسیکه برگردانیده شد برای او آفتاب

فسامي شمعون الصفا السلام عليك يا من انجى الله سفينة نوح باسمه

پس برشد از شمعون الصفا سلام باد بر تو ای کسیکه نجات داد خدا کشتی نوح را بنام او

واسم اخيه حيث التطم الماء حولها وطمى السلام عليك يا من تاب الله به

و نام برادر او جائی که بر هم خورد آب گرد کشتی و بلند شد سلام باد بر تو ای کسیکه قبول توبه کرد خدا

وباخيه على آدم اذ غوى السلام عليك يا فلك النجاة الذي من ركبه

و برادر او بر آدم چون از راه صلاح دور رفت سلام باد بر تو ای کشتی رستگاری آنکه هر که سوار شد بر آن

نجا ومن تاخر عنه هوى السلام عليك يا من خاطب الثعبان وذئب

نجات یافت و هر که خود را پس داشت هلاک شد سلام باد بر تو ای کسیکه خطاب کرد اژدها و گرگ

الفلا السلام عليك يا امير المؤمنين ورحمة الله وبركاته السلام

بیابان را سلام باد بر تو ای امیر مومنان و رحمت خدا و برکتهای او سلام

عليك يا حجة الله على من كفر واناب السلام عليك يا امام

بر تو باد ای حجت خدا بر کسیکه کافر شد و برگشت سلام باد بر تو ای پیشوای

ذوي الالباب السلام عليك يا معدن الحكمة وفصل الخطاب السلام

صاحبان خرد سلام باد بر تو ای کان حکمت و خطاب مفصل سلام

عليك يا من عنده علم الكتاب السلام عليك يا ميزان الحساب السلام

بر تو باد ای کسیکه نزد اوست علم قرآن سلام باد بر تو ای میزان روز حساب سلام

عليك يا فاصل الحكم الناطق بالصواب السلام عليك ايها المتصدق

بر تو باد ای جدا کننده حکم گویا به صواب سلام بر تو باد ای تصدق کننده

بالخاتم في المحراب السلام عليك يا من كفى الله المؤمنين القتال به

انگشتر در محراب سلام بر تو باد ای کسیکه کفایت کرد خدا از مومنان جنگ را باو

يوم الاحزاب السلام عليك يا من اخلص لله الوحدانية واناب

در روز احزاب سلام بر تو باد ای کسیکه خالص کرد یگانگی برای خدا و بسوی او بازگشت

اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا قاتِلَ خَیْبَرَ وَقالِعَ الْبابِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مَنْ دَعاهُ

سلام باد بر تو ای کشنده مشرکان خیبر و کننده در سلام بر تو باد ای کسیکه طلب کرد او را

خَیْرُ الْاَنامِ لِلْمَبیتِ عَلی فِراشِهِ فَاَسْلَمَ نَفْسَهُ لِلْمَنِیَّةِ وَاَجابَ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ

بهترین خلق برای خوابیدن بر فرش خواب خود پس سپرد نفس خود را بمرگ و قبول کرد سلام بر تو باد

یا مَنْ لَهُ طُوبی وَحُسْنُ مَآبٍ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا وَلِیَّ

ای کسیکه مر او راست خوشی و نیکوئی بازگشت و رحمت خدا و برکتهای او سلام باد بر تو ای متولی

عِصْمَةِ الدّینِ وَیا سَیِّدَ السّاداتِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا صاحِبَ الْمُعْجِزاتِ

نگهبانی دین وای سرور سروران سلام باد بر تو ای صاحب معجزه ها

اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مَنْ نَزَلَتْ فی فَضْلِهِ سُورَةُ الْعادِیاتِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ

سلام باد بر تو ای کسیکه نازل شد در فضیلت او سوره والعادیات سلام باد بر تو

یا مَنْ کُتِبَ اِسْمُهُ فِی السَّماءِ عَلَی السُّرادِقاتِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مُظْهِرَ

ای کسیکه نوشته شده است اسم او در آسمان بر سراپرده ها سلام بر تو باد ای ظاهر کننده

الْعَجائِبِ وَالْآیاتِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا اَمیرَ الْغَزَواتِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ

عجائب و آیات سلام بر تو باد ای سرور جنگها سلام بر تو باد

یا مُخْبِراً بِما غَبَرَ وَبِما هُوَ آتٍ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مُخاطِبَ ذِئْبِ الْفَلَواتِ

ای خبر دهنده بآنچه گذشت و بآنچه آینده است سلام باد بر تو ای خطاب کننده گرگ بیابانها

اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا خاتَمَ الْحَصی وَمُبَیِّنَ الْمُشْکِلاتِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ

سلام باد بر تو ای مهر کننده سنگریزه و بیان کننده مشکلها سلام بر تو باد

یا مَنْ عَجِبَتْ مِنْ حَمَلاتِهِ فِی الْوَغا مَلائِکَةُ السَّماواتِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مَنْ

ای کسیکه بعجب آمده است از حمله های او در روز جنگ فرشتگان آسمانها سلام بر تو باد ای کسیکه

ناجَی الرَّسُولَ فَقَدَّمَ بَیْنَ یَدَیْ نَجْواهُ الصَّدَقاتِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا

راز گفت با پیغمبر پس مقدم کرد پیش از خود صدقه ها را سلام بر تو باد ای

والد الائمة البررة السادات ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا تالي
پدر امامان نیکان و سروران بوده ورحمت خدا و برکتهای او سلام بر تو باد ای پیرو پیغمبر
المبعوث السلام عليك يا وارث علم خير موروث ورحمة الله وبركاته
برانگیخته شده سلام بر تو باد ای وارث علم بهترین میراث برده شدگان ورحمت خدا و برکتهای او
السلام عليك يا امام المتقين السلام عليك يا غياث المكروبين السلام
سلام بر تو باد ای پیشوای پرهیزکاران سلام بر تو باد ای فریادرس اندوه زدگان سلام باد
عليك يا عصمة المؤمنين السلام عليك يا مظهر البراهين السلام عليك
بر تو ای پناه مومنان سلام باد بر تو ای ظاهر کننده حجتها سلام بر تو باد
يا طه وياسين السلام عليك يا حبل الله المتين السلام عليك يا من تصدق
ای طاها و یاسین سلام بر تو باد ای رسن خدا که محکم است سلام بر تو باد ای کسیکه صدقه داد
في صلوته بخاتمه على المسكين السلام عليك يا قالع الصخرة عن فم
در نماز خود بانگشتر خود بر درویش سلام بر تو باد ای برکننده سنگ از دهن
القليب ومظهر الماء المعين السلام عليك يا عين الله الناظرة ويده
چاه وظاهر کننده آب شیرین سلام بر تو باد ای چشم خدا که بیننده است ودست او
الباسطة ولسانه المعبر عنه في بريته اجمعين السلام عليك يا وارث
که کشاده است و زبان او که تعبیر کننده احکام است از او در خلق او همه خلق سلام بر تو باد ای وارث
علم النبيين ومستودع علم الاولين والآخرين وصاحب لواء الحمد وساقي
علم پیغمبران و جای امانت علم پیشینیان و پسینیان و صاحب نشان حمد و آب دهنده
اوليائه من حوض خاتم النبيين السلام عليك يا يعسوب الدين وقائد
دوستان خود از حوض تتمه پیغمبران سلام باد بر تو ای پادشاه دین و پیشوای
الغر المحجلين ووالد الائمة المرضيين ورحمة الله وبركاته السلام على
بینا پیشانیهای روشنان و دست و پا سفیدان و پدر امامان پسندیدگان ورحمت خدا و برکتهای او سلام باد بر

السلام على اسم الله الرضي ووجهه المضيء وجنبه القوي وصراطه السوي السلام

نام خدا که پسندیده است و روی خدا که تابنده است و پهلوی خدا که توانا است و راه خدا که راست است سلام

على الامام التقي المخلص الصفي السلام على الكوكب الدري السلام على

بر امام پرهیزکار اخلاص مند برگزیده سلام بر ستاره تابنده سلام بر

الامام ابي الحسن علي ورحمة الله وبركاته السلام على ائمة الهدى و

امام ابو الحسن علی و رحمت خدا و برکتهای او و سلام بر امام هدایت و

مصباح الدجى وعلم التقى ومنار الهدى وذي النهى وكهف الورى والعروة

چراغ تاریکی و علم پرهیزکاری و مناره هدایت و صاحب دانائی و پناه خلائق و دست آویز

الوثقى والحجة على اهل الدنيا ورحمة الله وبركاته السلام على نور الانوار

محکم و حجت بر اهل دنیا و رحمت خدا و برکتهای او و سلام باد بر نور نورها

وحجة الجبار ووالد الائمة الاطهار وقسيم الجنة والنار المخبر عن الآثار

و حجت خدای بزرگ و پدر امامان پاک و قسمت کننده بهشت و دوزخ خبر دهنده از آثار

المدمر على الكفار مستنقذ الشيعة المخلصين من عظيم الاوزار السلام

هلاک کننده کفار رهاننده شیعیان اخلاص مند از گناهان بزرگ سلام باد

على المخصوص بالطاهرة التقية ابنة المختار المولود في البيت ذي الاستار

بر کسیکه خاص کرده شده بزن پاکیزه پرهیزکار دختر پیغمبر مختار زائیده شده در خانه صاحب پرده

المزوج في السماء بالبرة الطاهرة الرضية المرضية ابنة الاطهار ورحمة الله

تزویج کرده شده در آسمانها بزن نیک پاک پسندیده و دختر پاکان رحمت خدا

وبركاته السلام على النبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون وعليه يعرضون

و برکتهای او و سلام باد بر خبر بزرگ آنچنان خبر که ایشان در آن اختلاف دارند و بر او عرض کرده

وعنه يسئلون السلام على نور الله الانور وضيائه الازهر ورحمة الله

و از وی سوال کرده میشوند سلام بر نور خدا که روشن است و روشنی او که تابنده است و رحمت خدا

وبركاته السلام عليك يا ولي الله وحجته وخالصة الله وخاصته أشهد

و برکتهای او سلام بر تو باد ای دوست خدا و حجت او و اختیار کرده خدا و برگزیده او گواهی میدهم

يا ولي الله لقد جاهدت في سبيل الله حق جهاده واتبعت منهاج رسول الله

ای دوست خدا هر آینه بتحقیق جهاد کردی در راه خدا حق جهاد او و پیروی کردی راه پیغمبر خدا را

صلى الله عليه وآله وحللت حلال الله وحرمت حرام الله وشرعت أحكامه

درود فرستد خدا بر او و آل او و حلال کردی حلال خدا را و حرام کردی حرام خدا را و ظاهر کردی

وأقمت الصلوة وآتيت الزكوة وأمرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وجاهدت

و بر پا داشتی نماز را و دادی زکوة را و امر کردی بکار نیکو و باز داشتی از کار زشت و جهاد کردی

في سبيل الله صابرا ناصحا مجتهدا محتسبا عند الله عظيم الأجر حتى أتاك

در راه خدا صبر کننده پند دهنده کوشش کننده امید ثواب دارنده نزد خدا مزد بزرگ را تا آمد

اليقين فلعن الله من دفعك عن حقك وأزالك عن مقامك ولعن

مرگ پس لعنت کند خدا کسی را که باز داشت ترا از حق تو و زائل کرد ترا از مکان تو و لعنت کند

الله من بلغه ذلك فرضي به أشهد الله وملائكته وأنبيائه ورسله

خدا کسی را که رسید او را این خبر پس راضی شد باین گواه میگیرم خدا را و فرشتگان او و پیغمبران او

أني ولي لمن والاك وعدو لمن عاداك السلام عليك ورحمة الله وبركاته

باینکه من دوستم مر کسی که دوست دارد ترا و دشمنم مر کسی که دشمن دارد ترا سلام بر تو باد و رحمت خدا و برکتهای او

[illegible] وابصر بحيان وقربونين أشهد أنك تسمع كلامي وتشهد مقامي و

گواهی میدهم بدرستیکه تو می‌شنوی سخن مرا و می‌بینی جای مرا

أشهد لك يا ولي الله بالبلاغ والأداء يا مولاي يا حجة الله يا أمين الله

گواهی میدهم برای تو ای دوست خدا برسانیدن حکم خدا را و ادا کردن ای آقای من ای حجت خدا ای امین خدا

يا ولي الله إن بيني وبين الله عز وجل ذنوبا قد أثقلت ظهري ومنعتني

ای دوست خدا بدرستیکه میان من و میان خدای عز و جل گناهی چند است که بتحقیق سنگین کرده است پشت مرا

مِنَ الرُّقَادِ وَذِكْرُهَا يُقَلْقِلُ أَحْشَائِي وَقَدْ هَرَبْتُ إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِلَيْكَ

از خواب و یاد آن گناهان مضطرب میکند حشای مرا و بتحقیق گریختم بسوی خدای عزیز و بزرگ و بسوی تو

فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكَ عَلَى سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طَاعَتَكَ بِطَاعَتِهِ

پس بحق کسیکه امانت دار کرده است ترا بر راز های خود و گردانید ترا راعی کار خلق خود و قرین طاعت ترا بطاعت خود

وَمُوَالاتَكَ بِمُوَالاتِهِ كُنْ لِي إِلَى اللهِ شَفِيعاً وَمِنَ النَّارِ مُجِيراً وَعَلَى الدَّهْرِ

و دوستی ترا بدوستی خود باش برای من بسوی خدا شفاعت کننده و از آتش پناه دهنده و بر روزگار

ظَهِيراً

پس بدرستیکه من بسوی تو بخود را پیشیبان پشتیبان

يَا وَلِيَّ اللهِ يَا حُجَّةَ اللهِ يَا بَابَ حِطَّةِ اللهِ

ای ولی خدا ای حجت خدا ای دروازه منزل خدا

وَلِيُّكَ وَزَائِرُكَ وَاللَّائِذُ بِقَبْرِكَ وَالنَّازِلُ بِفِنَائِكَ وَالْمُنِيخُ رَحْلَهُ فِي

دوست تو و زیارت کننده تو و پناه آورنده بقبر تو و فرود آینده بفضای خانه تو و فرود آورنده بار خود را در

جِوَارِكَ يَسْأَلُكَ أَنْ تَشْفَعَ لَهُ إِلَى اللهِ فِي قَضَاءِ حَاجَتِهِ وَنُجْحِ طَلِبَتِهِ فِي

جوار تو سوال میکند از تو اینکه شفاعت کنی برای او بسوی خدا در قضای حاجت او و روا کردن مطالب او در

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللهِ الْجَاهَ الْعَظِيمَ وَالشَّفَاعَةَ الْمَقْبُولَةَ فَاجْعَلْنِي يَا مَوْلَايَ

دنیا و آخرت پس بدرستیکه مر ترا نزد خدا قدر و منزلت بزرگست و شفاعت پذیرفته شده است پس گردان مرا ای مولای من

مِنْ هَمِّكَ وَأَدْخِلْنِي فِي حِزْبِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ضَجِيعَيْكَ آدَمَ وَنُوحٍ

از کسانیکه فکر آنها پشت در او مراد کرده خود و سلام بر تو باد و بر دو همخواب تو که آدم و نوح اند

وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَلَدَيْكَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ

و سلام باد بر تو و بر دو پسر تو حسن و حسین و بر امامان پاک

مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

از اولاد تو و رحمت خدا و برکتهای او

پس از آن بتضرع و خشوع هر حاجت که داری از حق تعالی طلب نما مولف گوید که هر که از دور زیارت کند در هذا الحرم و
بهذا الضریح قصد ضریح حضرت امیر المؤمنین علیه السلام میکند و زیارتها و دعاها متصل بیکدیگر نزدیک فهمیدن

بوسید می باشد یعنی عوض آنها در کار نیک صرف میکند یعمل آمرزیدن طاوس رحمة الله علیه که مستحبست دو رکعت بگذارد در هر رکعت

بعد از سوره فاتحه ده مرتبه انا انزلناه و ده مرتبه قل هو الله احد بخواند و چون سلام بگوید بجای نماز خود بنشیند این دعا بخواند

اَنْتَ حَیٌّ لَا یَمُوْتُ وَ خَالِقٌ لَا یُغْلَبُ وَ بَدِیْعٌ لَا یَنْفَدُ وَ قَرِیْبٌ لَا یَبْعُدُ وَ

تو زنده که نمی میری و آفریننده که مغلوب نمیشوی و اولی که انقطاع نداری و نزدیکی که دور نمی شوی و

قَادِرٌ لَا یُضَادُّ وَ غَافِرٌ لَا یَظْلِمُ وَ صَمَدٌ لَا یَطْعَمُ وَ قَیُّوْمٌ لَا یَنَامُ وَ عَالِمٌ لَا یُعَلَّمُ

توانائی که خصومت کرده نمیشوی آمرزنده که ستم نمیکنی و بی نیازی که چیزی نمیخوری پاینده که نمیخوابی و داننده که تعلیم کرده نمیشوی

وَ قَوِیٌّ لَا یَضْعُفُ وَ عَظِیْمٌ لَا یُوْصَفُ وَ وَفِیٌّ لَا یُخْلِفُ وَ غَنِیٌّ لَا یَفْتَقِرُ

و زورمندی که سست کرده نمیشوی و بزرگ هستی که وصف کرده نمیشوی و وفا کننده که خلاف وعده نمی کنی توانگری که محتاج نمیشوی

وَ حَلِیْمٌ لَا یَجُوْرُ وَ مَنِیْعٌ لَا یُقْهَرُ وَ مَعْرُوْفٌ لَا یُنْکَرُ وَ وَکِیْلٌ لَا یَخِیْبُ وَ غَالِبٌ

و حلیمی که ستم نمیکنی و صاحب عزتی که مغلوب نمیشوی و شناخته شده که انکار کرده نمیشوی و وکیل که نومید نمیشوی و غالبی که

لَا یُغْلَبُ وَ فَرْدٌ لَا یَسْتَشِیْرُ وَ وَهَّابٌ لَا یَمَلُّ وَ سَرِیْعٌ لَا یَذْهَلُ وَ جَوَادٌ

غلبه کرده نمیشوی و یگانه هستی که مشورت نمیکنی و بسیار بخشنده که تنگ نمیشوی و شتابنده که فراموش نمیکنی و بخشنده که

لَا یَبْخَلُ وَ عَزِیْزٌ لَا یُذَلُّ وَ حَافِظٌ لَا یَغْفُلُ وَ قَائِمٌ لَا یَزُوْلُ وَ مُحْتَجِبٌ لَا یُرٰی

بخل نمیورزی و ارجمند هستی که خوار نمیشوی یاد کننده که غافل نمیشوی و پاینده که برطرف نمیشوی و در پرده شونده که دیده نمیشوی

وَ دَائِمٌ لَا یَفْنٰی وَ بَاقٍ لَا یَبْلٰی وَ وَاحِدٌ لَا یَشْتَبِهُ وَ مُقْتَدِرٌ لَا یُنَازَعُ اَللّٰهُمَّ

و پایداری که فانی نمیشوی و پاینده که کهنه نمیشوی و یگانه که مشتبه نمیشوی و توانائی که نزاع کرده نمی شوی بار خدایا

اِنِّیْ اَسْاَلُکَ بِعِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ وَ قُدْرَتِکَ عَلَی الْخَلْقِ اَجْمَعِیْنَ اَنْ تُحْیِیَنِیْ

بدرستیکه من سوال میکنم از تو بعلم غیبی که نزد تست و توانائی تو بر خلائق همه آنها که زنده داری مرا

مَا عَلِمْتَ الْحَیٰوةَ خَیْرًا لِّیْ وَ اَنْ تَتَوَفَّانِیْ اِذَا کَانَتِ الْوَفَاةُ خَیْرًا لِّیْ وَ اَسْاَلُکَ

تا وقتیکه دانی زندگی را بهتر از برای من و بمیرانی مرا وقتیکه باشد مرگ بهتر از برای من و سوال میکنم از تو

الْخَشْیَةَ فِی الْغَیْبِ وَ الشَّهَادَةِ وَ اَسْاَلُکَ اللّٰهُمَّ کَلِمَةَ الْحَقِّ فِی الْغَضَبِ

ترس را در پنهان و آشکارا و سوال میکنم از تو بار خدایا سخن حق را در حالت خشم

صادق علیه السلام منقولست که نظر ... [illegible]

والرضا واسألك نعيماً لا ينفد واسألك الرضا بعد القضاء واسألك

وخوشنودی وسوال میکنم از تو نعمتی را که منقطع نمی‌شود وسوال میکنم از تو رضا شدن را بعد از قضا وسوال میکنم

برد العيش بعد الموت واسألك لذة النظر الى وجهك الكريم آمين

خنکی عیش بعد از مرگ وسوال میکنم از تو لذت نظر بسوی رحمت تو که گرامی است قبول کن

رب العالمين اللهم اني اسألك بمنك الكريم وفضلك العظيم ان

ای پروردگار عالمیان خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو باحسان تو که بزرگست و فضل تو که عظیم است

تغفر لي وترحمني يا لطيف الطف بي في كل ما تحب وترضى اللهم اني

بیامرزی مرا و ببخشایی مرا ای لطف کننده لطف کن بحال من در هر چه که دوست میداری و می‌پسندی خداوندا

اسألك فعل الخيرات وترك المنكرات وحب المساكين ومخالطة

سوال میکنم از تو کردن کارهای نیک را و ترک کردن کارهای زشت را و دوستی مسکینان را و آمیزش

الصالحين وان تغفر لي وترحمني واذا اردت بقوم فتنة فتوفني غير مفتون

صالحان را و آنکه بیامرزی مرا و ببخشایی مرا و هرگاه خواهی بگروهی آشوبی پس بگیر مرا بی آشوب

واسألك حبك وحب من يحبك وحب كل عمل يقربني الى حبك

وسوال میکنم از تو دوستی تو و دوستی کسی را که دوست میدارد ترا و دوستی هر کردار که نزدیک کند مرا بدوستی تو

اللهم بحق محمد صلى الله عليه واله حبيبك وبحق ابراهيم خليلك

بار خدایا بحق محمد درود فرستد خدا برو و آل او حبیب تو و بحق ابراهیم دوست تو

وصفيك وبحق موسى كليمك وبحق عيسى روحك واسألك بصحف ابراهيم

و برگزیده تو و بحق موسی هم سخن تو و بحق عیسی روح تو و سوال میکنم از تو بصحیفه‌های ابراهیم

وتوراة موسى وانجيل عيسى وزبور داود وفرقان محمد صلى الله عليه واله

و توریت موسی و انجیل عیسی و زبور داود و قرآن محمد درود فرستد خدا برو و آل او

واسألك بكل وحي اوحيته وبحق كل قضاء قضيته وبكل سائل اعطيته

وسوال میکنم از تو بهر پیغامی که پیغام کردی و بحق هر حکمی که قرار دادی و بحق هر سائلی که بخشیدی او را

[illegible]

وَاَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ اَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ وَاَسْأَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الَّتِي اسْتَقَلَّ بِهَا

وسوال میکنم از تو بهرنامیکه فرو آوردی آنرا در کتاب خود وسوال میکنم ترا بنامهای تو که قرار گرفت بآن نامها

عَرْشُكَ وَاَسْأَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الَّتِي وَضَعْتَهَا عَلَى النَّارِ فَاسْتَنَارَتْ وَاَسْأَلُكَ

عرش تو وسوال میکنم ترا بنامهای تو که گذاشتی آنها را بر آتش پس روشن شد وسوال میکنم ترا

بِاَسْمَائِكَ الَّتِي وَضَعْتَهَا عَلَى اللَّيْلِ فَاَظْلَمَ وَاَسْأَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الَّتِي وَضَعْتَهَا عَلَى

بنامهای تو که نهادی آنرا بر شب پس تاریک شد وسوال میکنم ترا بنامهای تو آن نامهائی که گذاشتی آنها را

النَّهَارِ فَاَضَاءَ وَاَسْأَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الَّتِي وَضَعْتَهَا عَلَى الْاَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَ

روز پس روشن شد وسوال میکنم بنامهای تو که گذاشتی آنها را بر زمین پس قرار گرفت و

اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْاَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي مَلَاَ اَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ وَاَسْأَلُكَ

سوال میکنم از تو بنام تو که یگانه و بی نیاز است آن نامیکه پر کرده است ستونهای هر چیز را وسوال میکنم از تو

بِاسْمِكَ الطُّهْرِ الطَّاهِرِ الْمُبَارَكِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ

نام تو که پاک پاکیزه مبارک زنده پایدارست نیست معبودی جز او بخشنده مهربان

وَاَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاَسْمَائِكَ

وسوال میکنم از تو بجایهای بستن عزت از عرش تو و بجای رسیدن رحمت از کتاب تو و بنامهای تو

الْعِظَامِ وَجَدِّكَ الْاَعْلَى وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ اَنْ تَرْزُقَنَا حِفْظَ الْقُرْآنِ

که بزرگ اند و عظمت تو که بلند مرتبه است وسخنهای تو که تام اند اینکه روزی کنی ما را حفظ قرآن

وَالْعَمَلَ بِهِ وَالطَّاعَةَ لَكَ وَالْعَمَلَ الصَّالِحَ وَاَنْ تُثَبِّتَ ذٰلِكَ فِي اَسْمَاعِنَا

و عمل کردن بآن و فرمان بردار برای تو و کردار نیک و اینکه ثابت داری آنرا در گوشهای ما

وَاَبْصَارِنَا وَاَنْ تَخْلِطَ ذٰلِكَ بِلَحْمِي وَدَمِي وَمُخِّي وَشَحْمِي وَاَنْ تَسْتَعْمِلَ بِذٰلِكَ

و چشمهای ما و اینکه بیامیزی آنرا بگوشت من و خون من و مغز من و پیه من و اینکه استعمال کنی بآن

بَدَنِي وَقُوَّتِي فَاِنَّهُ لَا يُقَوِّي عَلَى ذٰلِكَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

تن مرا و قوت مرا پس بدرستیکه شان این است که توانا نیست برین کار مگر تو که یگانه تو نیست شریکی مر ترا

يَا اللهُ الْوَاحِدُ الرَّبُّ الْقَدِيرُ يَا اللهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ يَا اللهُ الْبَاعِثُ

ای خدای یگانه پروردگار توانا ای خدای آفریننده پیدا کننده صورت دهنده ای خدای برانگیزنده

الْوَارِثُ يَا اللهُ الْفَتَّاحُ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ يَا اللهُ الْمَلِكُ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ

وارث ای خدای بسیار گشاینده غالب دانا ای خدا پادشاه توانا صاحب اقتدار

اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ

بیامرز مرا و به بخشا مرا بدرستیکه تو بخشنده ترین بخشندگانی بارخدایا تو گفتی و حال آنکه گفته تو راست است

ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ فَأَسْأَلُكَ يَا اللهُ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ آدَمُ صَلَّى اللهُ

که بخوانید مرا استجاب میکنم شما را پس میخوانم ترا ای خدا بنام تو آن نام که خواند ترا بآن نام آدم درود فرستد خدا

عَلَيْهِ فَأَوْجَبْتَ لَهُ الْجَنَّةَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ شِيثُ بْنُ آدَمَ

بر او پس واجب گردانیدی برای او بهشت را میخوانم ترا بنام تو که خواند ترا بآن نام شیث پسر آدم

فَجَعَلْتَهُ وَصِيَّ أَبِيهِ بَعْدَهُ أَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَاءَنَا وَأَنْ تَرْزُقَنَا إِنْفَاذَ كُلِّ وَصِيَّةٍ

پس گردانیدی او را وصی پدر او بعد از او اینکه مستجاب گردانی دعای ما را و اینکه روزی کنی ما را جاری کردن هر وصیتی

لِأَحَدٍ عِنْدَنَا وَأَنْ تُقَدِّمَ وَصِيَّتَنَا أَمَامَنَا وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ

که یکی را نزد ما باشد و اینکه پیش کنی وصیت ما را پیش ما و سوال می نمایم ترا بنامیکه خواند ترا

بِهِ إِدْرِيسُ فَرَفَعْتَهُ مَكَاناً عَلِيّاً أَنْ تَرْفَعَنَا إِلَى أَحَبِّ الْبِقَاعِ إِلَيْكَ وَتَمُنَّ

بآن نام ادریس پس بالا بردی او را بمکانی بلند اینکه بلند گردانی ما را بسوی دوست ترین بقعه ها بسوی تو و منت نهی

عَلَيْنَا بِمَرْضَاتِكَ وَتُدْخِلَنَا الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

بر ما و احسان کنی بر ما بخشنودی خود و در آوری ما را در بهشت برحمت خود و سوال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا بآن نام

نُوحٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْغَرَقِ وَأَهْلَكْتَ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ أَنْ تُنَجِّيَنَا مِمَّا نَخَافُ فِيهِ

نوح ع پس نجات دادی او را از غرق و هلاک کردی گروه ستمکاران را اینکه نجات دهی ما را از آنچه ما در آن میترسیم

مِنَ الْبَلَاءِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ هُودٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَنَجَّيْتَهُ

از فتنه و سوال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا بآن نام هود بر او سلام باد پس نجات دادی او را

مِنَ الرَّوْحِ الْعَظِيمِ أَنْ تُنَجِّيَنَا مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَعَذَابِهِمَا وَأَسْأَلُكَ

از باد عظیم اینکه نجات دهی ما را از بلای دنیا و آخرت و عذاب دنیا و آخرت و سوال میکنم ترا

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ صَالِحٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ أَنْ تُنَجِّيَنَا مِنْ خِزْيِ

بنام تو آنچنان نامی که دعا کرد با آن صالح پس نجات دادی ورا از خواری آن روز اینکه نجات دهی مرا از خواری

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَعَذَابِهِمَا وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ لُوطٌ فَنَجَّيْتَهُ

دنیا و آخرت و عذاب دنیا و آخرت و سوال میکنم ترا بنام تو آن نامیکه خواند ترا بآن نام لوط پس نجات دادی اورا

مِنَ الْمُؤْتَفِكَةِ وَالْمَطَرِ السَّوْءِ أَنْ تُنَجِّيَنَا مِنْ مَخَازِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَسْأَلُكَ

از شهر زیر و زبر شده و باران بد اینکه نجات دهی ما را از خواریهای دنیا و آخرت و سوال می کنم ترا

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ شُعَيْبٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الظُّلَّةِ أَنْ تُنَجِّيَنَا

بنام تو آنچنان نامیکه خواند ترا بآن نام شعیب پس نجات دادی ورا از عذاب روز ظله اینکه نجات دهی مرا

مِنَ الْعَذَابِ إِلَى رَوْحِكَ وَرَحْمَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

از عذاب بسوی روزی خود و رحمت خود و سوال میکنم از تو بنام تو آنچنان نامیکه خواند ترا بآن نام

إِبْرَاهِيمُ فَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْداً وَسَلَاماً أَنْ تُخَلِّصَنَا كَمَا خَلَّصْتَهُ وَأَنْ

ابراهیم پس گردانیدی آتش را براو سرد و سلامت اینکه برهانی ما را چنانچه رهانیدی اورا و اینکه

تَجْعَلَ مَا نَحْنُ فِيهِ بَرْداً وَسَلَاماً كَمَا جَعَلْتَهَا عَلَيْهِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

بگردانی چیزیرا که ما در ویئیم سرد و سلامت چنانچه گردانیدی آتش را برابراهیم و سوال میکنم از تو بنام تو آنچنان نامیکه خواند ترا

إِسْمَاعِيلُ عِنْدَ الْعَطَشِ فَأَخْرَجْتَ مِنْ زَمْزَمَ الْمَاءَ الرَّوِيَّ أَنْ تَجْعَلَ مَخْرَجَنَا

اسمعیل نزد تشنگی و برآوردی از چاه زمزم آب سیراب کننده اینکه بگردانی برامدن ما را

إِلَى خَيْرٍ وَأَنْ تَرْزُقَنَا الْمَالَ الْوَاسِعَ بِرَحْمَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

بسوی خیر و اینکه روزی دهی ما را مال فراخ برحمت خود و سوال میکنم از تو بنام تو آنچنان نامیکه خواند ترا بآن نام

يَعْقُوبُ فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ بَصَرَهُ وَوَلَدَهُ وَقُرَّةَ عَيْنِهِ أَنْ تُخَلِّصَنَا وَتَجْمَعَ

یعقوب پس برگردانیدی براو بینائی چشم اورا و فرزند اورا و روشنی چشم اورا اینکه رهانی ما را و جمع کنی

[illegible]

بيننا وبين أولادنا وأهالينا وأسألك باسمك الذي دعاك به يوسف فأخرجته

ميان ما وميان فرزندان ما وخويشان ما وسوال ميكنم از تو بنام تو آنچنان نامى كه خواندند ترا بان نام يوسف پس بيرون آوردى او را

من السجن أن تخرجنا من السجن وتملكنا نعمتك التي أنعمت بها علينا وأسألك

از زندان اينكه بيرون آورى ما را از زندان ومالك كردانى ما را نعمت خود آنچنان نعمتى كه انعام كردى بان

باسمك الذي دعاك به الأسباط فتبت عليهم وجعلتهم أنبياء أن تتوب

بنام تو آنچنان نامى كه خواندند ترا بان نام پسرهاى يعقوب پس قبول كردى توبه ايشانرا وكردانيدى ايشانرا پيغمبران اينكه توبه

علينا وترزقنا طاعتك وعبادتك والخلاص مما نحن فيه وأسألك

ما را قبول كنى وروزى كنى ما را طاعت خود وعبادت خود ورستكارى از آنچه ما در آن هستيم وسوال ميكنم از تو

باسمك الذي دعاك به أيوب إذ حل به البلاء فقال ربي مسني الضر وأنت

بنام تو آن نامى كه خواندند ترا بان نام ايوب وقتيكه نازل شد به او رنج پس گفت اى پروردگار من بدرستيكه رسيد مرا رنج وتو

أرحم الراحمين فاستجبت له وكشفت عنه ضره ورددت عليه أهله

مهربان ترين مهربانانى پس مستجاب كردى او را وبرطرف كردى رنج او را ورد كردى بر او مردم او را

ومثلهم معهم رحمة منك وذكرى للعابدين اللهم إني أقول كما قال

ومانند ايشانرا با ايشان از روى مهربانى از جانب خود وبياد آورى براى عبادت كنندگان خداوندا بدرستيكه من ميگويم چنانچه گفت

رب إني مسني الضر وأنت أرحم الراحمين فاستجب لنا وارحمنا وخلصنا

كه اى پروردگار من بدرستيكه رسيده مرا رنج وتو مهربان ترين مهربانانى پس مستجاب كن براى ما ورحم كن ما را و[illegible]

ورد علينا أهلنا ومالنا ومثلهم معهم رحمة منك واجعلنا من

وباز گردان بر ما اهل ما را ومال ما را ومانند ايشانرا با ايشان از روى مهربانى خود وبگردان ما را از

العابدين لك وأسألك باسمك الذي دعاك به موسى وهرون فقلت عز

عبادت كنندگان براى خود وسوال ميكنم از تو بنام تو آن نامى كه خواندند ترا بان نام موسى وهارون پس گفتى عزيز

من قائل قد أجيبت دعوتكما أن تستجيب دعاءنا وتنجينا كما أنجيتهما

گوينده كان كه بتحقيق اجابت كرده شده دعاى شما اينكه استجابت كنى دعاى ما را ونجات دهى ما را چنانچه نجات دادى ايشانرا

[illegible]

وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ دَاوُدُ فَغَفَرْتَ ذَنْبَهُ وَتُبْتَ عَلَيْهِ

وسؤال میکنم از تو بنام آن نامی که خواند ترا بآن نام داود پس آمرزیدی گناه او را و توبه او را قبول کردی

اَنْ تَغْفِرَ ذَنْبِي وَتَتُوبَ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ

اینکه بیامرزی گناه مرا و قبول توبه من نمائی بدرستیکه توئی بسیار توبه پذیرنده مهربان وسؤال میکنم از تو

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ سُلَيْمَانُ فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ مُلْكَهُ وَاَمْكَنْتَهُ مِنْ عَدُوِّهِ

آن نامی که خواند ترا بآن سلیمان پس رد کردی براو پادشاهی او را و قدرت دادی او را بر دشمن او

وَسَخَّرْتَ لَهُ الْجِنَّ وَالْاِنْسَ وَالطَّيْرَ اَنْ تُخَلِّصَنَا مِنْ عَدُوِّنَا وَتَرُدَّ عَلَيْنَا

و مسخر کردی برای او پریان و آدمیان و مرغان اینکه برهانی ما را از دشمن ما و رد کنی بر ما

نِعْمَتَكَ وَتَسْتَخْرِجَ لَنَا مِنْ اَيْدِيهِمْ حَقَّنَا وَتُخَلِّصَنَا مِنْهُمْ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

نعمت خود را و بیرون آری برای ما از دستهای ایشان حق ما را و رهائی دهی ما را از ایشان بدرستیکه تو بر همه چیز

قَدِيرٌ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ

توانائی وسؤال میکنم از تو بنام آن نامی که خواند ترا بآن نام آن کسیکه نزد او بود علمی از کتاب

عَلَى عَرْشِ مَلِكَةِ سَبَا اَنْ يُحْمَلَ اِلَيْهِ فَاِذَا هُوَ مُسْتَقِرٌّ عِنْدَهُ اَنْ تَحْمِلَنَا مِنْ

بر تخت ملکه سبا اینکه برداشته شود بسوی او پس ناگاه آن تخت قرار گیرنده بود نزد او اینکه برداری ما را از

عَامِنَا هَذَا اِلَى بَيْتِكَ الْحَرَامِ حُجَّاجاً وَزُوَّاراً لِقَبْرِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ

سال ما که این است بسوی خانه خود که صاحب حرمت است حج کنندگان و زیارت کنندگان مر قبر پیغمبر ترا بر او و آل او سلام

وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يُونُسُ بْنُ مَتَّى فِي الظُّلُمَاتِ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا

وسؤال میکنم از تو بنام تو آن نامی که خواند ترا بآن نام یونس پسر متی در تاریکیها اینکه نیست معبودی بحق جز

اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّيْتَهُ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ

تو تنزیه میکنم ترا بدرستیکه من بودم از ستمکاران پس اجابت کردی او را و رهانیدی او را از شکم ماهی

مِنَ الْغَمِّ وَقُلْتَ عَزَّتْ مِنْ قَائِلٍ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ فَنَشْهَدُ اَنَّا مُؤْمِنُونَ

از غم و گفتی تو عزیز گوینده و همچنین نجات میدهیم مؤمنان را پس گواهی میدهیم که ما مؤمنانیم

وَنَقُولُ كَمَا قَالَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّی كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ فَاسْتَجِبْ لِی

ومیگوییم چنانچه گفت یونس که نیست معبودی بحق بجز تو تنزیه میکنیم ترا بدرستیکه من بودم از ستمکاران پس اجابت کن مرا

وَنَجِّنِی مِنْ غَمِّ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ كَمَا ضَمِنْتَ اَنْ تُنَجِّیَ الْمُؤْمِنِینَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

ونجات ده مرا از غم دنیا و آخرت چنانچه ضامن شدی این که نجات دهی مومنان را وسوال میکنم از تو بنام تو

الَّذِی دَعَاكَ بِهٖ زَكَرِیَّا وَقَالَ رَبِّ لَا تَذَرْنِی فَرْدًا وَاَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِینَ

آن نامیکه خواند ترا بآن نام زکریا و گفت که ای پروردگار من مگذار مرا تنها و حال آنکه تو بهترین وارثانی

فَاسْتَجَبْتَ لَهٗ وَوَهَبْتَ لَهٗ یَحْیٰی وَاَصْلَحْتَ لَهٗ زَوْجَهٗ وَجَعَلْتَهُمْ یُسَارِعُونَ

پس مستجاب کردی برای او و بخشیدی مر او را یحیی باصلاح آوردی برای او زوج او را و گردانیدی ایشانرا که سرعت کننده بودند

فِی الْخَیْرَاتِ وَیَدْعُونَكَ رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَكَ خَاشِعِینَ فَاِنِّی اَقُولُ

در خیرها و میخواندند ترا از روی خواهش و ترس و بودند مر ترا زاری کنندگان پس بدرستیکه من میگویم

كَمَا قَالَ رَبِّ لَا تَذَرْنِی فَرْدًا وَاَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِینَ فَاسْتَجِبْ لِی وَاَصْلِحْ لِی شَاْنِی

چنانکه گفت او ای پروردگار من مگذار مرا تنها و حال آنکه تو بهترین وارثانی پس اجابت کن برای من و نیکو کن برای من حال مرا

وَجَمِیعَ مَا اَنْعَمْتَ بِهٖ عَلَیَّ وَخَلِّصْنِی مِمَّا اَنَا فِیهِ وَهَبْ لِی كَرَامَةَ الدُّنْیَا وَ

و همه چیزها را که انعام کردی بآن بر من و رها کن مرا از آنچه من در آنم و ببخش مرا بزرگی دنیا و

الْاٰخِرَةِ وَاَوْلَادًا صَالِحِینَ یَرِثُونِی وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ یَدْعُوكَ رَهَبًا وَرَغَبًا

آخرت و فرزندان نیکوکاران که میراث برند از من بگردان ما را از آن کسان که میخوانند ترا در حالت ترس و رغبت

وَمِنَ الْخَاشِعِینَ الْمُطِیعِینَ لَكَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِی دَعَاكَ بِهٖ یَحْیٰی

و از زاری کنندگان اطاعت کنندگان مر ترا و سوال میکنم از تو بنام تو آن نامیکه خواند ترا بآن نام یحیی

فَجَعَلْتَهٗ یَرِدُ الْقِیٰمَةَ وَلَمْ یَعْمَلْ مَعْصِیَةً وَلَمْ یَهُمَّ بِهَا اَنْ تَعْصِمَنِی مِنَ اقْتِرَافِ الْمَعَاصِی

پس گردانیدی او را معصوم که وارد شود قیامت و حال آنکه کرده باشد گناهی و قصد کرده باشد بگناه اینکه نگهداری مرا از کسب گناهان

حَتّٰی نَلْقَاكَ طَاهِرِینَ لَیْسَ لَكَ قِبَلَنَا مَعْصِیَةٌ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِی

تا ملاقات کنیم ترا در حالت پاکیزگی نباشد ترا جانب ما گناهی و سوال میکنم از تو بنام تو آن نامی که

دعتك به مريم نطق ولدها بحجتها ان توفقنا وتخلصنا بحجتنا عندك

خواند ترا بآن نام مريم پس ناطق شد فرزندا و بحجت او اينكه توفيق بدهى ما را و برهانى ما را بحجت ما نزد تو

وعند كل ملمة حتى تظهر حجتنا على ظالمينا واسألك باسمك الذى

ونزد هر حادثه نازله تا ظاهر كنى حجت ما را بر ستمكاران ما و سوال ميكنم از تو بنام تو آن نام كه

دعاك به عيسى بن مريم فاحيا به الموتى وابرأ الاكمه والابرص

خواند ترا بآن نام عيسى پسر مريم پس زنده كرد بآن نام مرده را و شفا داد كور ما در زاد را و صاحب برص را

ان تخلصنا وتبرأنا من كل سوء وآفة والم وتحيينا حيوة طيبة فى الدنيا

اينكه خلاص كنى ما را و پاك سازى ما را از هر بدى و آفتى و رنجى و زنده دارى ما را بزندگانى پاك در دنيا

والاخرة وان ترزقنا العافية فى ابداننا واسألك باسمك الذى دعاك

و آخرت و اينكه روزى دهى ما را عافيت در بدنهاى ما و سوال ميكنم از تو بنام تو آن نام كه خواند ترا

به الحواريون فاعنتهم حتى بلغوا عن عيسى ما امرهم به وصرفت عنهم

بآن نام حواريون پس يارى كردى ايشانرا تا رسيدند از عيسى آنچه فرموده بود ايشانرا و برگردانيدى از ايشان

كيد الجبارين وتوليتهم ان تخلصنا وتجعلنا من الدعاة الى

مكر جباران را و متولى كار ايشان شدى اينكه خلاص كنى ما را و بگردانى ما را از دعوت كنندگان بسوى

طاعتك واسألك باسمك الذى دعاك به جرجيس فرفعت عنه الم

طاعت خود و سوال ميكنم از تو بنام تو آن نام كه خواند ترا بآن نام جرجيس پس بر طرف كردى از او رنج

العذاب ان ترفع عنا الم العذاب فى الدنيا والاخرة وان لا تبتلينا

عذاب را اينكه بر طرف كنى از ما رنج عذاب را در دنيا و آخرت و اينكه مبتلا نسازى ما را

ان ابتليتنا فصبرنا والعافية احب الينا واسألك باسمك الذى دعاك

اگر مبتلا سازى پس صبر ده ما را و عافيت دوست تر است بسوى ما از ابتلا و سوال ميكنم از تو بنام تو آن نام كه خواند ترا

به الخضر حتى ابقيته ان تفرج عنا وتنصرنا على من ظلمنا وتردنا

بآن نام خضر تا باقى داشتى او را اينكه بگشائى از ما و يارى دهى ما را بر هر كه ستم كند ما را و برگردانى ما را

[illegible]

إلى مأمنك وأسألك باسمك الذي دعاك به حبيبك محمد صلى الله عليه

بسوی پناه خود و سوال میکنم از تو بنام تو آن نامی که خواند ترا بآن نام دوست تو محمد درود فرستد خدا بر او

وآله فجعلته سيد المرسلين وأيدته بعلي سيد الوصيين أن تصلي عليهما

و آل او پس گردانیدی او را سرور پیغمبران و تقویت بخشیدی او را بعلی سرور اوصیا اینکه درود بفرستی بر محمد و علی

وعلى ذريتهما الطاهرين وأن تقيلني في هذا اليوم عثرتي وتغفر لي

و بر فرزندان ایشان که پاکان اند و اینکه درگذری در این روز از لغزشهای من و بیامرزی مرا

ما سلف من ذنوبي وخطاياي ولا تصرفني من مقامي هذا إلا بسعي

آنچه گذشته است از گناهان من و خطاهای من و برنگردانی مرا از جای من که این است مگر بسعی

مشكور وذنب مغفور وعمل مقبول ورحمة ومغفرة ونعيم موصول

شکر کرده شده و گناه آمرزیده شده و کردار پسندیده و بخشش و آمرزش و نعمتی پیوسته شده

بنعيم الآخرة برحمتك يا حنان يا منان يا ذا الجلال والإكرام إنك

بنعمت آخرت برحمت خود ای بسیار مهربان ای بسیار نعمت بخشنده ای خداوند بزرگی و گرامی … تو

على كل شيء قدير ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم

بر همه چیز توانائی و نیست قوت و توانائی بر کاری مگر بخدای بلند قدر بزرگ مرتبه

باب نهم در اعمال ماه ربیع الثانی و جمادی الاولی و جمادی الثانیه است و در آن سه فصل

فصل اول در اعمال ربیع الثانی سید بن طاووس رحمه الله روایت کرده است که … این ماه …

اللهم أنت الله كل شيء وخالق كل حي ورب كل شيء أسألك بالعروة

بار خدایا تو معبود هر چیزی و آفریننده هر زنده و پروردگار هر چیزی سوال میکنم از تو بدست آویز

الوثقى والغاية والمنتهى وبما خالفت به ما بين الأنوار والظلمات

محکم و منتهای … و بچیزی که مخالفت افکندی میان روشنیها و تاریکیها

والجنة والنار والدنيا والآخرة وبأعظم أسمائك في اللوح المحفوظ

و بهشت و دوزخ و دنیا و آخرت و به بزرگترین نامهای تو در لوح محفوظ

[illegible]

وأتمّ أسمائك في التوراة سبلاً وأظهر أسمائك في الزبور عزّاً وأجلّ أسمائك

وتمام ترین نامهای تو در توریة از روی بزرگی و ظاهر ترین نامهای تو در زبور از روی عزت و بزرگ ترین نامهای تو

في الإنجيل قدراً وأرفع أسمائك في القرآن ذكراً وأعظم أسمائك في

در انجیل از روی قدر و بلند ترین نامهای تو در قرآن از روی ذکر و بزرگ ترین نامهای تو در

الكتب المنزلة وأفضلها وأسرّ أسمائك في نفسك الذي ليس كمثله شيء

کتابهای فرستاده شده و افضل آنها و پنهان ترین نامهای تو در نفس تو که نیست مانند او چیزی

وأسألك بعزّتك وقدرتك وبالعرش العظيم وما حمل وبالكرسي

و سؤال میکنم بعزت تو و قدرت تو و بعرش بزرگ و آنچه بر داشته است و بکرسی

الكريم وما وسع أن تصلّي على محمد وآل محمد وتنجح لي من عندك فرجك

گرامی و آنچه وسعت دارد اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و مقدر کنی برای من از نزد خود گشایش

القريب العظيم الأعظم اللهمّ إني أسألك بإحسانك القديم الأقدم وتابع

نزدیک بزرگ بزرگتر بار خدایا تمام کن بر من احسان خود را که قدیم و قدیم تر است و پی در پی

معروفك الدائم الأدوم والعشي بعزّ جلالك الكريم الأكرم

بسوی من احسان خود را که دائم و دائم تر است و بر پا دار مرا بعزت بزرگی خود که گرامی و گرامی تر است

وإلهكم إله واحد لا إله إلا هو الرحمن الرحيم الله لا إله إلا هو

و خدای شما خدای یگانه است نیست معبودی بحق مگر او بخشاینده و مهربان خدائی که نیست معبودی بحق مگر او

الحيّ القيّوم لا تأخذه سنة ولا نوم الم الله لا إله إلا هو الحيّ القيّوم

که زنده و پاینده است نمیگیرد او را غنودن و نه خواب الم الله نیست معبودی بحق مگر او که زنده و پاینده است

هو الذي يصوّركم في الأرحام كيف يشاء لا إله إلا هو العزيز الحكيم

آن کسیکه صورت میدهد شما را در رحم مادر چنانکه میخواهد نیست معبودی بحق مگر او که غالب و صاحب حکمت است

شهد الله أنه لا إله إلا هو والملائكة وأولوا العلم قائماً بالقسط

شهادت داد خدا براینکه نیست معبودی بحق مگر او و گواهی دادند فرشتگان و خداوندان علم در حالتیکه قائم است بعدل

هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ ذَلِكُمُ
او که غالب صاحب حکمت خدا نیست معبودی مگر او جمع میکند شما را در روز قیامت نیست شکی در ان همانست

اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ
خدا پروردگار شما نیست معبود بحق مگر او آفریننده هر چیز پس عبادت کنید او را و او بر هر چیز نگهبانست

اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ
پیروی کن آنچه وحی کرده شده است بسوی تو از پروردگار تو نیست معبود بحق مگر او و رو بگردان از مشرکان

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
بگو ای محمد که ای مردمان بدرستیکه من فرستاده خدایم بسوی شما همه آن خدا آنکه مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي
نیست معبود بحق مگر او زنده میکند و می میراند پس ایمان بیارید بخدا و رسول او که پیغمبر نانویسنده است آنکه

يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا
ایمان می آرد بخدا و کلمهای او و پیروی کنید او را که شاید شما راه یابید و مامور نشده اند مگر اینرا که پرستند

إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ
خدای یگانه را نیست معبود بحق مگر او پاکست او از آنچه شریک میکنند مشرکان پس اگر بگردانند پس بگو

حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ
کفایت میکند مرا خدا نیست معبود بحق مگر او بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است

حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنَتْ بِهِ
تا وقتیکه دریافت فرعون را غرق گفت ایمان آوردم که نیست خدا جز او آنکه ایمان آورده اند باو

بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ
بنی اسرائیل و من نیز از مسلمانان هستم بگو او پروردگار من نیست معبود بحق مگر او بر او توکل کردم

وَإِلَيْهِ مَتَابِ يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ
و بسوی اوست بازگشت من میفرستد فرشتگان را بروح از امر خود بر هر که خواهد از بندهای خود

اَنْ اَنْذِرُوا اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاتَّقُوْنِ وَاِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَاِنَّهُ يَعْلَمُ

اینکه بیم دهید بندگان را بدرستیکه نیست معبود بحق بغیر از من پس بترسید مرا و اگر آشکارا و بلند بگوئی پس بدرستیکه خدا میداند

السِّرَّ وَاَخْفٰى اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى وَاَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ

راز و پنهان تر از آن را خدا نیست معبود بحق مگر او مر او راست نامهای نیک و من اختیار کردم ترا پس بشنو

لِمَا يُوْحٰى اِنَّنِیْ اَنَا اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاعْبُدْنِیْ وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ لِذِكْرِیْ اِنَّمَا

چیزی را که وحی کرده میشود بدرستیکه منم خدا نیست معبود بحق جز من پس عبادت کن مرا و بر پا دار نماز را برای یاد من نیست

اِلٰهُكُمُ اللّٰهُ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَیْءٍ عِلْمًا وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ

خدای شما مگر خدا اینکه نیست معبود بحق بجز او فرا گرفته است همه چیز را از روی علم و نفرستادیم پیش از تو

مِنْ رَسُوْلٍ اِلَّا نُوْحِیْ اِلَيْهِ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاعْبُدُوْنِ وَذَا النُّوْنِ اِذْ

پیغمبری را مگر آنکه وحی میکردیم بسوی او اینکه نیست معبود بحق بجز من پس پرستید مرا و یاد کن صاحب ماهی که یونس است

ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادٰى فِی الظُّلُمَاتِ اَنْ

وقتیکه رفت غضبناک پس گمان برد این را که تنگ نمیگیریم بر وی پس ندا کرد در تاریکیها این را که

لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّیْ كُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِيْنَ فَتَعَالَى اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ

نیست معبود بحق بجز تو تنزیه میکنم ترا بدرستیکه من بودم از ستمکاران پس بلند است خدای پادشاه راست

لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيْمِ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ

نیست معبود بحق بجز او که پروردگار عرش بزرگست نیست معبود بحق بجز او که پروردگار عرش بزرگست

وَهُوَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِی الْاُوْلٰى وَالْاٰخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ

و اوست خدا اینکه نیست معبود بحق بجز او و مر او راست ستایش در آغاز یعنی دنیا و انجام یعنی عقبی و مر او راست حکم

وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ كُلُّ شَیْءٍ هَالِكٌ اِلَّا

و بسوی او برگردانیده میشوید و مخوان با خدا خدای دیگر را نیست معبودی بجز او همه چیزها نابود شونده است مگر

وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ يَا اَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوْا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ

ذات خدا و مر او راست حکم و بسوی او برگردانیده میشوید ای گروه مردمان یاد کنید نعمت خدا را بر شما

[illegible]

هل من خالق غير الله يرزقكم من السماء والارض لا اله الا هو فانى

آیا هست هیچ آفریننده غیر از خدا که روزی دهد شما را از آسمان و زمین نیست معبودی بحق بجز او پس کجا

تؤفكون ذلكم الله ربكم له الملك لا اله الا هو فانى تصرفون غافر الذنب

برگردانیده میشوید این است خدا پروردگار شما مر او راست پادشاهی نیست معبودی بحق بجز او پس کجا برگردانیده میشوید آمرزنده گناه

وقابل التوب شديد العقاب ذى الطول لا اله الا هو اليه المصير ذلكم

و پذیرنده توبه سخت عقوبت صاحب بزرگی و نفع نیست معبودی بحق بجز او بسوی اوست بازگشت این

الله ربكم خالق كل شيء لا اله الا هو فانى تؤفكون ذلكم الله ربكم فتبارك

خدا پروردگار شما آفریننده هر چیز نیست معبودی بحق بجز او پس کجا برگردانیده میشوید این است خدا پروردگار شما پس بزرگ است

الله رب العالمين هو الحى لا اله الا هو فادعوه مخلصين له الدين

خدای پروردگار عالمیان اوست زنده نیست معبودی بحق بجز او پس بخوانید او را خالص کنندگان برای او دین

الحمد لله رب العالمين رب السموات والارض وما بينهما ان كنتم

حمد مر خدا را که پروردگار عالمیان است پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست اگر هستید

موقنين لا اله الا هو يحيى ويميت ربكم ورب آبائكم الاولين فانى لهم

صاحب یقین نیست معبودی بحق بجز او زنده میکند و میمیراند پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شما

اذ جاءتهم ذكريهم فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبك وللمؤمنين

هرگاه بیاید ایشان را [illegible] پس بدان که نیست معبودی بحق بجز خدا و طلب آمرزش کن برای گناه خود و برای مؤمنین

والمؤمنات هو الله الذى لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن

و زنان مؤمنه اوست خدائی که نیست معبودی بحق بجز او که داناست بنهانست و آشکار اوست بخشاینده

الرحيم هو الله الذى لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن

مهربان اوست خدائی که نیست معبودی بحق بجز او پادشاه پاک سالم امان دهنده

المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون الله لا اله الا هو

ایمن سازنده نگاهبان صاحب عظمت [illegible] بزرگوار منزه است خدا از آنچه شریک میکنند [illegible]

[illegible]

وعلى الله فليتوكل المؤمنون اللهم اني اسألك عفواً ليس بعده

و بر خدا باید که توکل نمایند مومنان بار خدایا من سوال میکنم از تو عفوی را که نباشد بعد از آن

عقوبة ورضاً ليس بعده سخط وعافية ليس بعدها بلاء وسعادة

عقابی و خشنودی را که نباشد بعد از آن خشمی و عافیتی که نباشد بعد از آن رنجی و نیک بختی

ليس بعدها شقاء وهدى لا يكون بعده ضلالة وايماناً لا يداخله

که نباشد بعد از آن بدبختی و هدایتی که نباشد بعد از آن گمراهی و ایمانی که در نیاید او را

كفر وقلباً لا يداخله فتنة اللهم اني اسألك السعة في القبر والحجة

کفر و دلی که در نیاید او را از آن فتنه بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو فراخی در قبر و حجت

البالغة والقول الثابت وان تنزل علي الامان والفرح والسرور

رسا و قول پایدار و اینکه نازل گردانی بر من امان و گشایش را و شادی را

ونضرة النعيم اللهم صل على محمد وال محمد وعرفني بركة هذا

و تازگی نعمتم را بار خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد و بشناسان مرا برکت این

الشهر ويمنه وارزقني خيره واصرف عني شره واجعلني فيه من

ماه و میمنت آنرا و روزی کن مرا خیر او را و دفع کن از من بدی او را و بگردان مرا در این ماه از

الفائزين برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم انت وهاب الخير فهب لي

رستگاران برحمت خود ای مهربانترین مهربانان بار خدایا تو بسیار بخشنده خیری پس ببخش مرا

شوقاً الى لقائك واشفاقاً من عذابك وحياءً منك وتوقيراً واجلالاً

خواهشی بسوی ملاقات خود و ترسیدن از عذاب خود و شرم از خود و توقیر و بزرگ داشتن

حتى يوجل من ذلك قلبي ويقشعر منه جلدي ويتجافى له جنبي

تا آنکه ترسد از این دل من و بلرزد از آن پوست من و برخیزد از بستر پهلوی من

وتدمع منه عيني ولا اخلو من ذكرك في ليلي ونهاري يا ارحم

و اشک بریزد از آن چشم من و خالی نشوم از یاد تو در شب خود و روز خود ای مهربانترین

فصل دوم در فضیلت ذکر حضرت رسول صلی الله علیه وآله وائمه علیهم السلام در مجالس و مباحثه علوم ایشان نمودن و احادیث فضائل ایشان را یاد کردن

الرحمين اللهم اني اثني عليك وما عسى ان تبلغ مدحي وثنائي

مهربانان بارخدایا بدرستیکه من ثنا میکنم بر تو ونیست قریب اینکه برسد مدح کردن من وستایش من

مع قلة عملي وقصر رأيي وانت الخالق وانا المخلوق وانت المالك

با کمی کردار من وکوتاهی بینش من تو آفریننده ومن آفریده شده ام و تو مالکی

وانا المملوك وانت الرب وانا العبد وانت العزيز وانا الذليل

ومن مملوکم و تو پروردگاری ومن بنده ام وتو عزیزی ومن خوارم

وانت القوي وانا الضعيف وانت الغني وانا الفقير وانت المعطي

و تو توانائی ومن ناتوانم و تو بی نیازی ومن محتاجم و تو بخشنده

وانا السائل وانت الحي الذي لا يموت وانا خلق اموت فاغفر لي

ومن طلب کننده ام وتو زنده که نمی میرد ومن آفریده ام که می میرم پس بیامرز مرا

وارحمني واعطني سؤلي في دنياي وآخرتي وتجاوز عني وعن جميع

وببخشای مرا وبده مسئولات مرا در دنیای من وآخرت من ودرگذر از من واز همه

المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم و

مردان مومن وزنان مومنه ومردان مسلم وزنان مسلمه زندگان از ایشان و

الاموات اللهم صل على محمد عبدك ورسولك ونبيك وصفيك

مردگان بارخدایا درود بفرست بر محمد بنده خود وپیغمبر خود ونبی خود وبرگزیده خود

وخيرتك من خلقك اللهم ارفع درجته وكرم مقامه واجزل ثوابه

ومختار خود از خلق خود بارخدایا بلند کن درجه او را وبزرگ گردان جای او را وعظیم گردان ثواب او را

وافلج حجته واظهر عذره وعظم نوره وادم كرامته والحق به امته

وظاهر گردان حجت او را وآشکار گردان عذر او را وعظیم کن نور او را وپایدار کن بزرگی او را وملحق کن باو امت او را

وذريته واقرر بذلك عينه اللهم اجعل محمدا اكرم النبيين تبعا

وفرزندان او را وروشن کن چشم او را بارخدایا بگردان محمد را گرامی ترین پیغمبران از راه تابعان

وَاَعْظَمَهُمْ مَنْزِلَةً وَاَشْرَفَهُمْ كَرَامَةً وَاَعْلاَهُمْ دَرَجَةً وَاَفْسَحَهُمْ فِي

و بزرگترین آنها از روی منزلت و شریفترین آنها از روی کرامت و بلندترین آنها از روی درجه و گشاده‌ترین آنها در

الْجَنَّةِ مَنْزِلاً اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مُحَمَّداً دَرَجَةَ الْوَسِيلَةِ وَشَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَعَظِّمْ

بهشت از روی خانه بارخدایا برسان محمد را بدرجه وسیله و بزرگ کن بنیاد او را و عظیم کن

نُورَهُ وَبُرْهَانَهُ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي اُمَّتِهِ وَتَقَبَّلْ صَلٰوةَ اُمَّتِهِ عَلَيْهِ

نور او را و برهان او را و قبول کن شفاعت او را در حق امت او و قبول کن درود امت او را بر او

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ كَمَا بَلَّغَ رِسَالاَتِكَ وَتَلاَ آيَاتِكَ وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ وَجَاهَدَ

بارخدایا درود بفرست بر محمد چنانکه تبلیغ کرد رسالتهای ترا و خواند آیتهای ترا و نصیحت کرد بندگان ترا و جهاد کرد

فِي سَبِيلِكَ حَتّٰى اَتَاهُ الْيَقِينُ اَللّٰهُمَّ زِدْ مُحَمَّداً مَعَ كُلِّ شَرَفٍ شَرَفاً وَمَعَ كُلِّ

در راه تو تا آمد او را مرگ بارخدایا زیاده کن محمد را با هر بزرگی بزرگی و با هر

فَضْلٍ فَضْلاً وَمَعَ كُلِّ كَرَامَةٍ كَرَامَةً وَمَعَ كُلِّ سَعَادَةٍ سَعَادَةً حَتّٰى

فضیلتی فضیلتی و با هر بزرگی بزرگی و با هر نیک بختی نیک بختی تا آنکه

تَجْعَلَ مُحَمَّداً فِي الشَّرَفِ الْاَعْلٰى مِنَ الدَّرَجَاتِ الْعُلٰى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

بگردانی محمد را در مرتبه بلند از مرتبه‌های بلند بارخدایا درود بفرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَهِّلْ لِي مَحَبَّتِي وَبَلِّغْنِي اُمْنِيَّتِي وَوَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي

و آل محمد و آسان کن برای من محبت مرا و برسان مرا بآرزوی من و وسعت بده بر من در روزی

وَاقْضِ عَنِّي دَيْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي وَيَسِّرْ لِي اِرَادَتِي

و برطرف کن از من وام و بگشای از من غم و اندوه و حزن مرا و آسان کن برای من اراده مرا

وَاَوْصِلْنِي اِلٰى بُغْيَتِي سَرِيعاً عَاجِلاً يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و برسان مرا بسوی حاجت من بزودی و بشتاب ای مهربانترین مهربانان

و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است در روز دهم ماه ربیع الآخر سال دویست و سی و دو از هجرت نبوی صلعم حضرت امام حسن عسکری متولد شده است و روز شریف بسیار مبارکیست و مستحب است که شکر

فصل دوم

در اعمال ماه جمادی الاولی ست سید ابن طاوس رضی الله عنه از بعضی کتب معتبره نقل کرده که در روز اول این ماه مستحب ست که این دعا را بخوانند

اللهم انت الله وانت الرحمن الرحيم وانت الملك القدوس وانت السلام

بار خدایا توئی خدا و توئی بخشاینده مهربان و توئی پادشاه بسیار پاک و توئی سالم از نقص

المؤمن وانت المهيمن وانت العزيز وانت الجبار وانت المتكبر وانت

امان دهنده و توئی این سازنده و توئی غالب و توئی بسیار جبر کننده و توئی صاحب بزرگی و تو

الخالق وانت البارئ وانت المصور وانت العزيز الحكيم وانت الاول

آفریننده و توئی پیدا کننده و توئی صورت دهنده و توئی غالب صاحب حکمت و توئی آغاز همه

والآخر والظاهر والباطن لك الاسماء الحسنى اسئلك يا رب بحق

و انجام همه آشکار همه و پنهان همه مر تراست نامهای نیکو سوال میکنم از تو ای پروردگار من بحق

هذه الاسماء وبحق اسمائك كلها ان تصلي على محمد وعلى آل محمد و

این نامها و بحق نامهای تو همه آن اینکه درود بفرستی بر محمد و بر آل محمد و

آتنا اللهم في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة واختم لنا بالسعادة

بده ما را بار خدایا در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و ختم کن ما را به نیک بختی

والشهادة في سبيلك وعرفنا بركة شهرنا هذا ويمنه وارزقنا خيره و

و شهید شدن در راه تو و بشناسان ما را برکت ماه ما که این ماه است و یمنش و روزی کن ما را خیرش را

اصرف عنا شره واجعلنا فيه من الفائزين وقنا برحمتك عذاب النار يا ارحم

برگردان از ما شرش را و بگردان ما را در آن از رستگاران نگاه دار ما را برحمت خود از عذاب آتش ای رحم کننده ترین

الراحمين انك على كل شيء قدير پس این آیات بخوانند الحمد لله رب العالمين

مهربانان بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی — حمد مر خدا را که پروردگار عالمیان

الحمد لله الذی خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور ثم
حمد مر خدای را که آفرید آسمانها و زمین و پیدا کرد تاریکیها و روشنی را پس
الذین کفروا بربهم یعدلون هو الذی خلقکم من طین ثم قضی
آنانکه کافر شدند به پروردگار خود برابر میکنند دیگری را اوست آنکه آفرید شما را از گل آنگاه تقدیر کرد
اجلا واجل مسمی عنده ثم انتم تمترون وهو الله فی السموات وفی
اجل را و اجل معین نزد اوست آنگاه شما شک می آورید اوست خدا در آسمانها و در
الارض یعلم سرکم وجهرکم ویعلم ما تکسبون الحمد لله الذی
زمین میداند نهان شما و آشکار شما و میداند آنچه کسب میکنید شما حمد مر خدا را که
انزل علی عبده الکتاب ولم یجعل له عوجا قیما لینذر باسا شدیدا من
فرو فرستاد بر بنده خود قرآن را و نکرد اندر آن هیچ کجی در حالت راستی تا بیم دهد عذابی سخت را از
لدنه الحمد لله الذی له ما فی السموات وما فی الارض وله الحمد فی
جانب او حمد مر خدای را که مر اوراست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است مر او راست حمد در
الآخرة وهو الحکیم الخبیر الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل
آخرت و اوست صاحب حکمت آگاه حمد مر خدای را که پیدا کننده آسمانها و زمین است گرداننده
الملائکة رسلا اولی اجنحة مثنی وثلاث ورباع یزید فی الخلق ما یشاء
فرشتگان فرستادگان صاحب بالها دو دو و سه سه و چهار چهار افزاید در خلق آنچه خواهد
ان الله علی کل شیء قدیر ما یفتح الله للناس من رحمة فلا ممسک
بدرستیکه خدا بر همه چیز تواناست آنچه می گشاید خدای مر مردم را از بخشایش پس نیست گیرنده
لها وما یمسک فلا مرسل له من بعده وهو العزیز الحکیم الحمد لله
مر آنرا و آنچه ببندد پس نیست فرستنده مر آنرا از پس آن و اوست غالب با حکمت حمد مر خدا را
الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله
که راه نمود ما را به این و نبودیم ما که راه یابیم اگر نه بودی آنکه راه می نمود ما را خدا

لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ

هر آئینه بتحقیق آمدند فرستادگان پروردگار ما براستی حمد مر خدا را که بخشید مرا بر پیری

اِسْمَاعِيلَ وَاِسْحَاقَ اِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بَلْ اَكْثَرُهُمْ

اسمعیل و اسحاق را بدرستیکه پروردگار من هر آئینه شنوای دعاست حمد مر خدا را بل اکثر ایشان

لَا يَعْلَمُونَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

نمیدانند حمد مر خدا را که نجات داد ما را از گروه ستمکاران حمد مر خدا را که

فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ

که زیادتی فضل داد ما را بر بسیار از بنده های خود که مؤمنانند حمد خدا را بزودی خواهد نمود شما را آیات خود را

فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَذْهَبَ عَنَّا

پس خواهید شناخت شما آنرا و نیست پروردگار تو غافل از آنچه میکنید حمد مر خدا را که برد از ما

الْحَزَنَ اِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ

اندوه را بدرستیکه پروردگار ما آمرزنده صاحب سپاس است حمد مر خدا را که راست کرد ما را وعده خود

وَاَوْرَثَنَا الْاَرْضَ نَتَبَوَّاُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ اَجْرُ الْعَامِلِينَ

و میراث داد ما را زمین جا میگیریم از بهشت هر جا خواهیم پس نیکوست مزد عمل کنندگان

وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

و می بینی فرشتگان را طواف کنندگان از گرد عرش تسبیح میکنند بحمد پروردگار خود

وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَلِلّٰهِ الْحَمْدُ رَبِّ

و حکم کرده شده میان ایشان براستی و گفته شد حمد مر خدا را که پروردگار عالمیانست پس خدا راست حمد که پروردگار

السَّمٰوَاتِ وَرَبِّ الْاَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمٰوَاتِ

آسمانها و پروردگار زمین و پروردگار عالمیانست و مر او راست بزرگی در آسمان

وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ

و زمین و اوست غالب صاحب حکمت حمد مر خدا را که اختیار نکرد فرزند را و نداشته

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا

مر او را شریک در پادشاهی و نشد مر او را یاری دهنده از خواری و تکبیر بگو او را تکبیر گفتنی

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَتَدَارَكْنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي

بارخدایا بیامرز مرا آنچه گذشته از گناهان من و دریاب مرا در آنچه باقی مانده از عمر من

وَقَوِّ ضَعْفِي لِلَّذِي خَلَقْتَنِي لَهُ وَحَبِّبْ إِلَيَّ الْإِيمَانَ وَزَيِّنْهُ فِي قَلْبِي

و قوت بده ناتوانی مرا برای چیزی که آفریده مرا برای آن و دوست گردان بسوی من ایمان را و زینت ده آن را در دل من

وَقَدْ دَعَوْتُكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اللَّهُمَّ أَصْبَحْتُ

و بتحقیق دعا کردم ترا چنانچه فرمودی مرا پس استجابت کن برای من چنانچه وعده کردی مرا بارخدایا صبح کردم

لَكَ عَبْدًا لَا أَسْتَطِيعُ دَفْعَ مَا أَكْرَهُ وَلَا أَمْلِكُ مَا أَرْجُو وَأَصْبَحْتُ

حالیکه برای تو بنده ام توانائی ندارم دفع چیزی را که ناخوش دارم و مالک نیستم چیزی را که امید دارم و صبح کردم

مُرْتَهِنًا بِعَمَلِي فَلَا فَقِيرَ أَفْقَرُ مِنِّي إِلَيْكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَسْتَعْمِلَنِي

گرو کرده شده بکردار خود پس نیست محتاجی حاجتمندتر از من بسوی تو ای پروردگار عالمیان سوال میکنم از تو اینکه بکار واداری مرا

عَمَلَ مَنِ اسْتَيْقَنَ حُضُورَ أَجَلِهِ لَا بَلْ عَمَلَ مَنْ قَدَّمَ مَاتَ وَرَأَى عَمَلَهُ

بچو کار کسیکه یقین دارد حاضر شدن اجل خود را نه بلکه بچو کار کسیکه بتحقیق مرد پس دید کار خود را

وَنَظَرَ إِلَى ثَوَابِ عَمَلِهِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ هَذَا مَكَانُ الْعَائِذِ

و نظر کرد بسوی ثواب عمل خود بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی بارخدایا این جای کسی است که پناه برنده است

بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِذِ بِعَفْوِكَ مِنْ غَضَبِكَ

برحمت تو از عذاب تو و این مکان کسی است که پناه برنده است به بخشش تو از غضب تو

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ دَعَاكَ فَأَجَبْتَهُ وَسَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَأَمَرَكَ فَهَدَيْتَهُ

بارخدایا بگردان مرا از آنهائیکه خواندند ترا پس اجابت کردی آنها را و سوال کردند ترا پس بخشیدی آنها را و امر کردند ترا پس هدایت نمودی آنها را

وَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ فَكَفَيْتَهُ وَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فَأَدْنَيْتَهُ وَافْتَقَرَ إِلَيْكَ فَأَغْنَيْتَهُ

و توکل کردند بر تو پس کفایت کردی آنها را و نزدیکی خواستند بسوی تو پس نزدیک کردی آنها را و محتاج شدند بسوی تو پس غنی کردی آنها را

واستغفرك فغفرت له ورضيت عنه وارضيته ونقلته الى

و طلب آمرزش کرد از تو پس آمرزیدی آنها را و راضی شدی از آنها و راضی کردی آنها را و آوردی

مرضاتك واستعملته بطاعتك ولذلك فرغته ابداً ما احييته

خشنودی خود و بکار داشتی آنها را بطاعت خود و از برای همین فارغ کردی آنها را همیشه تا زنده داشتی

فتب عليّ يا رب واعطني سؤلي ولا تحرمني شيئاً مما سالتك واكفني

پس توبه قبول کن ای پروردگار من و بده مرا سؤال مرا و ناامید مکن مرا از چیزی که سؤال کردم

شرّ ما يعمل الظالمون في الارض واستغفر الله الذي لا اله الا

شر آنچه میکنند ظالمان در زمین و طلب آمرزش میکنم از خدائی که نیست معبودی بحق

هو الذي لا يغفر الذنوب الا هو اللهم صلّ على محمد وعلى آل

او آن کسیکه نمی آمرزد گناهان را کسی بجز او بار خدایا درود فرست بر محمد و بر آل

محمد واعنّي على الدنيا وارزقني خيرها وكرّه اليّ الكفر والفسوق

محمد و یاری کن مرا بر کار دنیا و روزی کن مرا خیر آن را و ناخوش گردان بسوی من کفر و فسوق

والعصيان واجعلني من الراشدين اللهم قوّني لعبادتك

و گناه را و بگردان مرا از راه یافتگان بار خدایا قوت بده مرا برای عبادت خود

واستعملني في طاعتك وبلّغني الذي ارجو من رحمتك يا

و بکار دار مرا در طاعت خود و برسان مرا آنچه امید آن دارم از رحمت تو ای

ارحم الراحمين اللهم اني اسالك الريّ يوم الظماء والنجاة يوم

مهربان ترین مهربانان بار خدایا بدرستیکه سوال میکنم از تو سیرابی را در روز تشنگی و رستگاری را در روز

الفزع الاكبر والفوز يوم الحساب والامن يوم الخوف واسالك

ترس بزرگتر و فیروزی یافتن در روز حساب و امن بودن در روز ترس و سوال میکنم از تو

النظر الى وجهك الكريم والخلود في جنتك في دار المقامة من

نظر را بسوی روی تو که بزرگوار است و همیشه بودن در بهشت تو در جای اقامت از

فضلك والسجود يوم يكشف عن ساق والظل يوم لا ظل الا ظلك

فضل تو و سجده کردن را روزیکه برهنه کرده شود از ساق و سایه را روزیکه سایه نیست بجز سایه تو

ومرافقة انبيائك ورسلك واوليائك اللهم اغفر لي ما قدمت

و همراهی پیغمبران تو و فرستادگان تو و دوستان تو بار خدایا بیامرز مرا آنچه پیش کردم

من ذنوبي وما اخرت وما اسررت وما اعلنت وما اسرفت

از گناهان خود و آنچه آخر کردم و آنچه پنهان داشتم و آنچه آشکار کردم و آنچه اسراف کردم

على نفسي وما انت اعلم به مني وارزقني التقى والهدى والعفاف

بر نفس خود و آنچه تو داناتری بآن از من و روزی کن مرا پرهیزکاری و راه یافتن و نگاهداشتن خود را

والغنى ووفقني للعمل بما تحب وترضى اللهم اصلح لي ديني الذي

و توانگری و توفیق ده مرا برای عمل کردن بچیزیکه دوست میداری و خوشنود میشوی بار خدایا اصلاح کن برای من دین مرا آنچنان

هو عصمة امري واصلح لي دنياي التي فيها معاشي واصلح

آن حفظ امر من است و نیکو کن برای من دنیا مرا که در آن معاش من است و نیکو کن

لي آخرتي التي اليها منقلبي واجعل الحيوة زيادة لي في

برای من آخرت مرا آنچنان آخرتیکه بسوی آن بازگشت من است و بگردان زندگانی را زیاده برای من در

كل خير واجعل الموت راحة لي من كل سوء اللهم اني

هر خیر و بگردان موت را آسایش برای من از هر بدی بار خدایا بدرستیکه

اسألك يا رب الارباب ويا سيد السادات ويا مالك الملوك

سؤال میکنم از تو ای پروردگار پروردگاران و ای سرور سروران و ای مالک پادشاهان

ان ترحمني وتستجيب لي وتصلحني فانه لا يصلح من صلح من عبادك

اینکه رحم کنی بر من و مستجاب کنی برای من و نیکو کنی مرا پس بدرستیکه شأن این است که نیکو نمیکند کسی را که نیکو است از بندگان تو

الا انت فانك انت ثقتي ورجائي ومولاي وملجاي

بجز تو پس بدرستیکه تو پروردگار منی و معتمد منی و امید منی و یاور منی و پناه منی

وَلَا رَاحِمَ لِي غَيْرُكَ وَلَا مُغِيثَ لِي سِوَاكَ وَلَا مَالِكَ سِوَاكَ وَلَا مُجِيبَ

ونیست مهربانی مرا غیر تو ونه فریادرسی مرا غیر از تو ونه مالکی سوای تو ونه اجابت کننده

إِلَّا أَنْتَ أَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ الْخَاطِئُ الَّذِي

غیر از تو من بندهٔ تو و پسر غلام تو و پسر کنیز تو خطاکاری که

وَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ وَأَنْتَ الْعَالِمُ بِحَالِي وَحَاجَتِي وَكَثْرَةِ ذُنُوبِي

فراخ است برای او بخشش تو و تو نی دانا بحال من و احتیاج من و بسیاری گناهان من

وَالْمُطَّلِعُ عَلَى أُمُورِي كُلِّهَا فَأَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَغْفِرَ لِي

و آگاه بر کارهای من همه آن پس سؤال میکنم از تو ای آنکه نیست معبود بحق بجز تو اینکه بیامرزی برای من

مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِي وَمَا تَأَخَّرَ اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ

آنچه پیش گذشته از گناه من و آنچه متأخر است بارخدایا مگذار برای من گناهی مگر آنکه بیامرزی آن را

وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا حَاجَةً هِيَ لَكَ رِضًا إِلَّا قَضَيْتَهَا وَلَا عَيْبًا

ونه اندوهی مگر آنکه بگشائی آن را ونه حاجتی که آن مر ترا خشنودی است مگر آنکه رواکردانی آن را ونه عیبی

إِلَّا أَصْلَحْتَهُ اللَّهُمَّ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

مگر آنکه اصلاح کنی آن را بارخدایا و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی

وَقِنِي عَذَابَ النَّارِ اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَبَوَائِقِ الدُّهُورِ

ونگاهدار مرا از عذاب آتش بارخدایا یاری کن مرا بر ترسندهای دنیا و فتنهٔ روزگاران

وَمُصِيبَاتِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ اللَّهُمَّ وَاحْرُسْنِي مِنْ شَرِّ مَا يَعْمَلُ

ومصیبتهای شبها و روزها بارخدایا در پناه دار مرا از شر آنچه میکنند

الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي

ستمکاران در زمین پس بدرستیکه نیست قوت ونه توانائی مگر بتو بارخدایا بدرستیکه من

أَسْأَلُكَ إِيمَانًا ثَابِتًا وَعَمَلًا مُتَقَبَّلًا وَدُعَاءً مُسْتَجَابًا وَيَقِينًا صَادِقًا

سؤال میکنم از تو ایمان پایدار و کردار پذیرفته و دعای مستجاب و یقین صادق را

وقولاً طيباً وقلباً شاكراً وبدناً صابراً ولساناً ذاكراً اللهم انزع

وسخن پاک را و دل شکرگذار را و تن شکیبا را و زبان ذکرکننده بارخدایا برکن

حب الدنيا ومعاصيها وذكرها وشهوتها من قلبي اللهم انك

دوستی دنیا و گناهان آنرا و یاد آنرا و خواهش آنرا از دل من بارخدایا بدرستیکه تو

بكرمك تشكر اليسير من عملي فاعف لي الكثير من ذنوبي وكن

بکرم خود راضی میشوی باندکی از عمل من پس عفو کن مرا بسیاری از گناهان من و باش

لي ولياً ونصيراً وصنيعاً وحافظاً اللهم هب لي قلباً اشد رهبة

برای من دوست و یاری دهنده و بازوارنده و حفظ کننده بارخدایا بخش مرا دلی که باشد سخت ترسنده

لك من قلبي ولساناً ادوم لك ذكراً من لساني وجسماً اقوى

مر ترا از دل من و زبانی که مداومت کننده باشد مر ترا در ذکر از زبان من و تنی که توانا باشد

على طاعتك وعبادتك من جسمي اللهم اني اعوذ بك من زوال

بر طاعت تو و پرستش تو از تن من بارخدایا بدرستیکه من پناه میبرم از زائل شدن

نعمتك ومن فجاءة نقمتك ومن تحول عافيتك ومن حلول

نعمت تو و از ناگاه در رسیدن غضب تو و از گردیدن عافیت تو و از درآمدن

غضبك واعوذ بك من جهد البلاء ودرك الشقاء ومن

خشم تو و پناه میبرم بتو از کوشش بلا و دریافت شقاوت و از

شماتة الاعداء وسوء القضاء في الدنيا والآخرة اللهم اني

سرزنش دشمنان و بدی قضا در دنیا و آخرت بارخدایا بدرستیکه من

اسألك باسمك الكريم وعرشك العظيم وملكك القديم يا واهب

سوال میکنم از تو بنام تو که سزاوار کرم است و عرش تو که بزرگ است و بادشاهی تو که دیرینه است ای بسیار بخشنده

العطايا ويا مطلق الاسارى ويا فكاك الرقاب ويا كاشف العذاب

عطاها و ای رها کننده اسیران و ای بسیار جدا کننده گردنها و ای برطرف کننده عذاب

أَسْأَلُكَ أَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا غَانِمًا وَأَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ

سؤال میکنم از تو آنکه بیرون بری مرا از دنیا بسلامتی با غنیمت و آنکه درآوری مرا در بهشت

بِرَحْمَتِكَ آمِنًا وَأَنْ تَجْعَلَ أَوَّلَ شَهْرِي هٰذَا صَلَاحًا وَأَوْسَطَهُ

برحمت خود با ایمنی و آنکه بگردانی اول ماه مرا که این ماه است صلاحی و میان آنرا

فَلَاحًا وَآخِرَهُ نَجَاحًا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ

فیروزی و آخر آنرا رستگاری بدرستیکه توئی بسیار داننده پنهانها

مؤلف گوید که کلینی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت فاطمه صلوات الله علیها هفتاد و پنج روز بعد از حضرت رسالت صلعم زنده بود و بنابر مشهور وفات حضرت رسول در بیست و هشتم ماه صفر بود باید که وفات حضرت فاطمه در سیزدهم یا چهاردهم یا پانزدهم ماه جمادی الاولی باشد پس زیارت آنحضرت درین ایام مناسبست خصوصا در روز چهاردهم که ظاهر است و شیخ مفید علیه الرحمه گفته که در شب نیمه این ماه حضرت امام زین العابدین علیه السلام متولد شده است و روزش شریفیست و مستحب است که روزه بدارند و اعمال خیر از عبادات و تصدق را بجا آورند و شیخ طوسی گفته است که فتح بصره برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز درین روز میسر شد مؤلف گوید که زیارت حضرت امام علیه السلام درین روز مناسبست و اگر زیارت جامعه درین شب یا روز بخوانند چنانچه مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی بهتر است

فصل سوم در اعمال ماه جمادی الثانیه سید ابن طاوس رضی الله عنه روایت کرده که درین ماه هر روز که خواهد سنت است که چهار رکعت نماز بکند یعنی بدو سلام در رکعت اول بعد از سوره فاتحه یکمرتبه آیة الکرسی بخواند و بیست و پنج مرتبه انا انزلناه و در رکعت دوم یکمرتبه الهیکم التکاثر و بیست و پنج مرتبه قل هو الله احد و در رکعت سوم یکمرتبه قل یا ایها الکافرون و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ برب الفلق و در رکعت چهارم یکمرتبه اذا جاء نصر الله و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ برب الناس و بعد از سلام هفتاد مرتبه بگوید

سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ و هفتاد مرتبه

تنزیه میکنم خدا را و سپاس مر خدا راست و نیست معبودی بحق بجز خدا و خدا بزرگتر است

جمادی الثانیه

اللهم صل علی محمد و آل محمد پس سه مرتبه بگوید اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات

خداوندا درود بفرست بر محمد و آل محمد — بار خدایا بیامرز مردان مومن و زنان مومنه را

پس سر بسجده بگذارد و سه مرتبه بگوید

یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام یا الله یا رحمن یا رحیم یا ارحم الراحمین

ای زنده ای پاینده ای صاحب بزرگی و گرامی کردن ای خدا ای مهربان ای بخشاینده ای مهربان ترین مهربانان

پس هر حاجت که دارد از حق تعالی طلب نماید هر که چنین کند خدا خویش را و مالش را و زنان و فرزندانش را و دین و دنیایش را حفظ کند و اگر در این سال بمیرد بر شهادت بمیرد یعنی ثواب شهیدان داشته باشد و شیخ بزرگوار محمد بن جریر طبری در کتاب دلائل الامامه بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که ولادت با سعادت حضرت فاطمه صلوات الله علیها در بیستم ماه جمادی الثانیه واقع شده و شهادت آنحضرت در سوم این ماه نیز واقع شده و شیخ طوسی و سید ابن طاوس و دیگران نیز ذکر کرده‌اند اگرچه وفات منافی روایتی است که سابقا ذکر کردیم اما چون مشهور است و روایت معتبر دارد باید که در روز سوم مراسم تعزیت آنحضرت قیام نمایند و زیارت آنحضرت بکنند و لعن بر ستمکاران آنحضرت و غاصبان حق او بکنند خصوصا ابوبکر و عمر و قنفذ غلام عمر و در روز بیستم آنحضرت را زیارت کنند چنانچه شیخ مفید گفته است و اظهار سرور و خوشحالی بکنند و روزه بدارند و تصدقات و اعمال خیر بکنند و زیارت آنحضرت بدو طریق وارد شده است اول آنکه سید ابن طاوس روایت کرده است که هر که آنحضرت را زیارت بکند باین زیارت که بگوید

السلام علیک یا سیدة نساء العالمین السلام علیک یا والدة

سلام بر تو باد ای بهترین زنان عالمیان سلام بر تو باد ای مادر

الحجج علی الناس اجمعین السلام علیک ایتها المظلومة الممنوعة

حجتها بر مردم همه — سلام بر تو باد ای ستم رسیده منع کرده شده

حقها پس بگوید اللهم صل علی امتک و ابنة نبیک و زوجة وصی نبیک

از حق خود — بار خدایا درود فرست بر کنیز خود و دختر پیغمبر خود و زن وصی پیغمبر خود

صلوة تزلفها فوق زلفی عبادك المكرمين من اهل السموات واهل الارضين

درودی که منزلت دهد اورا بالاتر از منزلت بندهای تو که گرامی کرده شده اند از اهل آسمانها و اهل زمینها

پس طلب آمرزش کند از خدای تعالی خدا گناهان او را بیامرزد و او را داخل بهشت گرداند و این زیارت مختصر

و همه وقت میتوان کرد و هم زیارت مبسوطیست که علما ذکر کرده اند در کتب زیارات [illegible] و آن زیارت اینست

السلام عليك يا بنت رسول الله السلام عليك يا بنت نبي الله

سلام بر تو باد ای دختر پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای دختر پیغمبر خدا

السلام عليك يا بنت حبيب الله السلام عليك يا بنت خليل الله

سلام بر تو باد ای دختر دوست خدا سلام بر تو باد ای دختر دوست خدا

السلام عليك يا بنت صفي الله السلام عليك يا بنت امين الله

سلام بر تو باد ای دختر برگزیده خدا سلام بر تو باد ای دختر امانت دار خدا

السلام عليك يا بنت خير خلق الله السلام عليك يا بنت افضل

سلام بر تو باد ای دختر بهترین خلق خدا سلام بر تو باد ای دختر بهتر

انبياء الله السلام عليك يا بنت خير البرية السلام عليك يا سيدة

پیغمبران خدا سلام بر تو باد ای دختر بهترین خلق سلام بر تو باد ای سرور

نساء العالمين من الاولين والآخرين السلام عليك يا زوجة ولي الله

زنان عالمیان از پیشینیان و پسینیان سلام بر تو باد ای زن ولی خدا

وخير خلقه بعد رسول الله السلام عليك يا ام الحسن والحسين

و بهترین خلق او بعد از رسول خدا سلام بر تو باد ای مادر حسن ع و حسین ع

سيدي شباب اهل الجنة السلام عليك يا ام المؤمنين

دو سرور جوانان بهشت سلام بر تو باد ای مادر مؤمنان

السلام عليك ايتها الصديقة الشهيدة السلام عليك ايتها

سلام بر تو باد ای صدیقه شهیده سلام بر تو باد ای

الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الصَّادِقَةُ الرَّشِيدَةُ اَلسَّلامُ

پسندیده خدا و کسیکه خدا از او راضیست سلام بر تو باد ای راستگو راه یاب سلام

عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْحَوْرَاءُ الْاِنْسِيَّةُ

بر تو باد ای صاحب عقل پاک سلام بر تو باد ای حور آدمیان

اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ

سلام بر تو باد ای پاک پاکیزه سلام بر تو باد ای محدثه

الْعَلِيمَةُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْمَعْصُومَةُ الْمَظْلُومَةُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ

دانا سلام بر تو باد ای صاحب عصمت ستمدیده سلام بر تو باد

اَيَّتُهَا الطَّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمَغْصُوبَةُ

ای پاک پاک کرده شده سلام بر تو باد ای قهر کرده شده غصب کرده شده

اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْغَرَّاءُ الزَّهْرَاءُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يَا فَاطِمَةُ بِنْتَ مُحَمَّدٍ

سلام بر تو باد ای نورانی تابنده روی سلام بر تو باد ای فاطمه دختر محمد

رَسُولِ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْكِ يَا مَوْلاتِي وَابْنَةَ

پیغمبر خدا و رحمت خدا و برکتهای او درود فرستد خدا بر تو ای مالکه من و دختر

مَوْلايَ وَعَلَى رُوحِكِ وَبَدَنِكِ وَاَشْهَدُ اَنَّكِ مَضَيْتِ عَلَى بَيِّنَةٍ

آقای من و بر روح تو و بدن تو و گواهی میدهم براینکه گذشتی از دنیا به برهان

مِنْ رَبِّكِ وَاَنَّ مَنْ سَرَّكِ فَقَدْ سَرَّ اللهَ وَمَنْ جَفَاكِ فَقَدْ جَفَا

از جانب پروردگار خود و براینکه هرکه ترا شاد کرد پس تحقیق شاد کرد خدا را و هرکه جفا کرد بر تو پس تحقیق جفا کرده

رَسُولَ اللهِ وَمَنْ آذَاكِ فَقَدْ آذَى رَسُولَ اللهِ وَمَنْ وَصَلَكِ

پیغمبر خدا و هرکه ایذا بتو رساند پس تحقیق ایذا کرد پیغمبر خدا را و هرکه پیوست بتو

فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللهِ وَمَنْ قَطَعَكِ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللهِ لِاَنَّكِ

پس تحقیق پیوست به پیغمبر خدا و هرکه برید از تو پس تحقیق برید از پیغمبر خدا از جهت آنکه تو

بَضعَةٌ مِنهُ ورُوحُهُ الَّتي بَينَ جَنبَيهِ كَما قالَ عَلَيهِ أفضَلُ الصَّلوةِ

پارهٔ از رسول خدا و روح او آن روحی که میان دو پهلوی اوست چنانچه گفت آنحضرت بر او بهتر درود

وأكمَلُ السَّلامِ أُشهِدُ اللهَ ومَلائِكَتَهُ أنّي وَليٌّ لِمَن والاكِ وعَدُوٌّ

و کامل تر سلام که گواه میگیرم خدا و فرشتگان او را بر اینکه من دوستم مر کسی که دوست دارد ترا و دشمنم

لِمَن عاداكِ وحَربٌ لِمَن حارَبَكِ أنا يا مَولاتي بِكِ وبِأبيكِ وبَعلِكِ

مر کسی را که دشمنی کند با تو و جنگم با کسی که محاربه کند با تو من ای مالکه من بتو و بپدر تو و شوهر تو

والأئِمَّةِ مِن وُلدِكِ مُوقِنٌ وبِوِلايَتِهِم مُؤمِنٌ ولِطاعَتِهِم مُلتَزِمٌ أشهَدُ

و با امامان از فرزندان تو یقین دارنده‌ام و بولای ایشان ایمان دارنده‌ام و طاعت ایشان را لازم گیرنده‌ام گواهی میدهم

أنَّ الدّينَ دينُهُم والحُكمَ حُكمُهُم وهُم قَد بَلَّغوا عَنِ اللهِ عَزَّ

بر اینکه دین دین ایشانست و فرمان فرمان ایشانست و ایشان بتحقیق تبلیغ کردند از جانب خدا که عزیز

وجَلَّ ودَعَوا إلى سَبيلِ اللهِ بِالحِكمَةِ والمَوعِظَةِ الحَسَنَةِ لا تَأخُذُهُم

و بزرگست و خواندند بسوی راه خدا بحکمت و پند نیک نمیگیرد ایشان را

فِي اللهِ لَومَةُ لائِمٍ وصَلَواتُ اللهِ عَلَيكِ وعَلى أبيكِ وبَعلِكِ

در راه خدا سرزنش سرزنش کننده و درود خدا بر تو باد و بر پدر تو و شوهر تو

وذُرِّيَّتِكِ الأئِمَّةِ الطّاهِرينَ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِهِ وصَلِّ

و فرزندان تو که امامان پاکانند بار خدایا درود بفرست بر محمد و اهل بیت او و درود بفرست

عَلَى البَتولِ الطّاهِرَةِ الصِّدّيقَةِ المَعصومَةِ التَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ الرَّضِيَّةِ الزَّكِيَّةِ

بر بتول پاک بسیار صدق نگاهداشته شده از خطا پرهیزکار پاک پسندیده

الرَّشيدَةِ المَظلومَةِ المَقهورَةِ المَغصوبَةِ حَقُّها المَمنوعَةِ إرثُها

راه یافته ستم رسیده قهر کرده شده حق گرفته شده حق او باز داشته شده میراث

المَكسورَةِ ضِلعُها المَظلومِ بَعلُها المَقتولِ وَلَدُها فاطِمَةَ بِنتِ رَسولِكَ

شکسته پهلوی او ستم رسیده شوهر او کشته شده فرزند او فاطمه دختر پیغمبر تو

وَبَضْعَةِ لَحْمِهِ وَصَمِيمِ قَلْبِهِ وَفِلْذَةِ كَبِدِهِ وَالنُّخْبَةِ مِنْكَ لَهُ وَالتُّحْفَةِ

و پاره گوشت او و خالص دل او و پاره جگر او و برگزیده از جانب تو برای او و تحفه

خَصَصْتَ بِهَا وَصِيَّهُ وَحَبِيبَةِ الْمُصْطَفَى وَقَرِينَةِ الْمُرْتَضَى وَسَيِّدَةِ

که خالص گردانیدی بآن وصی او را و دوست او را که برگزیده است و قرین او را که پسندیده است و بزرگ

النِّسَاءِ وَمُبَشِّرَةِ الْأَوْلِيَاءِ وَحَلِيفَةِ الْوَرَعِ وَالزُّهْدِ وَتُفَّاحَةِ

زنان و بشارت دهنده دوستان هم عهد پارسائی و زاهدی و سیب

الْفِرْدَوْسِ وَالْخُلْدِ الَّتِي شَرَّفْتَ مَوْلِدَهَا بِنِسَاءِ الْجَنَّةِ وَسَلَلْتَ

بهشت و جنت آنکه شرف دادی مولد او را بزنان بهشت و بر آوردی

مِنْهَا أَنْوَارَ الْأَئِمَّةِ وَأَرْخَيْتَ دُونَهَا حِجَابَ النُّبُوَّةِ اللَّهُمَّ صَلِّ

از و نورهای امامان را و افکندی نزد او پرده نبوت را بار خدایا درود بفرست

عَلَيْهَا صَلَاةً تَزِيدُ فِي مَحَلِّهَا عِنْدَكَ وَشَرَفِهَا لَدَيْكَ وَمَنْزِلَتِهَا

بر او درودی که بیفزاید در منزلت او نزد تو و بزرگی او پیش تو و قدر او

مِنْ رِضَاكَ وَبَلِّغْهَا مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا وَآتِنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي حُبِّهَا

از رضای تو و برسان او را از جانب ما تحیت و سلام و بده ما را از نزد خود در دوستی او

فَضْلًا وَإِحْسَانًا وَرَحْمَةً وَغُفْرَانًا إِنَّكَ ذُو الْعَفْوِ الْكَرِيمِ

زیادتی و عطا و نیکی و بخشایش و آمرزش بدرستیکه تو صاحب بخشش بزرگی

وسید ابن طاوس علیه الرحمه گفته است که پس نماز زیارت بکن و اگر توانی نماز آنحضرت را بجا آور و آن دو رکعت است و در هر رکعت بعد از فاتحه شصت مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و اگر نتوانی دو رکعت بکن و در رکعت اول بعد از فاتحه یک مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و در رکعت دوم یک مرتبه قل یا ایها الکافرون بخوان و بعد از نماز تسبیح آنحضرت را بگو و این دعا بخوان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَبِأَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ

بار خدایا بدرستیکه من متوجه میشوم بسوی تو بوسیله پیغمبر ما محمد و بوسیله اهل بیت او درود تو بر ایشان باد

وَاَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ عَلَيْهِمُ الَّذِي لَا يَعْلَمُ كُنْهَهُ سِوَاكَ وَاَسْأَلُكَ

وسوال میکنم از تو بحق بزرگ تو که بر ایشان داری آنچنان حقی که کسی نمیداند کنه آن را سوای تو وسوال میکنم از تو

بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عِنْدَكَ عَظِيمٌ وَبِاَسْمَائِكَ الْحُسْنَى الَّتِي اَمَرْتَنِي اَنْ

بحق کسیکه حق او نزد تو بزرگ است و بنامهای نیکوی تو که آن نامها که فرمودی مرا که

اَدْعُوكَ بِهَا وَاَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الَّذِي اَمَرْتَ بِهِ اِبْرَاهِيمَ

بخوانم ترا بآن نامها و سوال میکنم ترا بنام بزرگ تو که امر کردی بآن نام ابراهیم

اَنْ يَدْعُوَ بِهِ الطَّيْرَ فَاَجَابَتْهُ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي قُلْتَ لِلنَّارِ

که بخواند بآن نام مرغان را پس اجابت کردند مرغان و بآن نام بزرگ تو که گفتی آتش را

كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى اِبْرَاهِيمَ فَكَانَتْ بَرْدًا وَبِاَحَبِّ الْاَسْمَاءِ اِلَيْكَ

که باش سرد و سلامت بر ابراهیم پس سرد شد آتش و سوال میکنم بدوست ترین نامها بسوی تو

وَاَشْرَفِهَا وَاَعْظَمِهَا لَدَيْكَ وَاَسْرَعِهَا اِجَابَةً وَاَنْجَحِهَا طَلِبَةً وَبِمَا اَنْتَ

و بزرگترین آنها و عظیم ترین آنها نزد تو و زودتر آنها از روی اجابت و برآرنده ترین آنها از روی حاجت و بآنچه تو

اَهْلُهُ وَمُسْتَحِقُّهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ وَاَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ وَاَرْغَبُ اِلَيْكَ

سزاوار آنی و مستحق آنی و لایق آنی و وسیله میکنم بسوی تو و رغبت میکنم بسوی تو

وَاَتَضَرَّعُ وَاُلِحُّ عَلَيْكَ وَاَسْأَلُكَ بِكُتُبِكَ الَّتِي اَنْزَلْتَهَا عَلَى اَنْبِيَائِكَ

و زاری میکنم و الحاح میکنم بر تو و سوال میکنم از تو بکتابهای تو آن کتابها که فرو فرستادی بر پیغمبران

وَرُسُلِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ مِنَ التَّوْرَاةِ وَالْاِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ

و فرستادگان تو درود تو باد بر ایشان از تورات و انجیل و زبور و فرقان

الْعَظِيمِ فَاِنَّ فِيهَا اسْمَكَ الْاَعْظَمَ وَبِمَا فِيهَا مِنْ اَسْمَائِكَ الْعُظْمَى اَنْ تُصَلِّيَ

بزرگ پس بدرستیکه در این کتابها نام تو که اعظم است و بآنچه در این کتابهاست از نامهای بزرگ تو که رحمت کنی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُفَرِّجَ عَنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَشِيعَتِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ وَعَنِّي

بر محمد و آل محمد و اینکه بگشائی از آل محمد و شیعیان و یاران ایشان و دوستان ایشان

وَتَفْتَحَ اَبْوابَ السَّمآءِ لِدُعائی وَتَرْفَعَهُ فی عِلِّیّینَ وَتَاْذَنَ لی فی هذَا الْیَوْمِ

و بگشائی درهای آسمان بجهت دعای من و بلند کنی آن دعا را در علیین اذن دهی در این روز

وَفی هذِهِ السّاعَةِ بِفَرَجی وَاِعْطائی اَمَلی وَسُؤْلی فِی الدُّنْیا وَالْاٰخِرَةِ

و در این ساعت بگشایش من و بخشیدن من امید مرا و سوال مرا در دنیا و آخرت

یا مَنْ لا یَعْلَمُ اَحَدٌ کَیْفَ هُوَ وَقُدْرَتَهُ اِلّا هُوَ یا مَنْ سَدَّ الْهَوآءَ

ای کسیکه نمیداند احدی که چگونه است او و قدرت او را مگر او ای کسیکه بست هوا را

بِالسَّمآءِ وَکَبَسَ الْاَرْضَ عَلَی الْمآءِ وَاخْتارَ لِنَفْسِهِ اَحْسَنَ الْاَسْمآءِ یا

باسمان و انباشت زمین را بر آب و اختیار کرد برای ذات خود نیکوترین نامها را ای

مَنْ سَمّی نَفْسَهُ بِالْاِسْمِ الَّذی یُقْضی بِهِ حاجَةُ مَنْ یَدْعُوهُ اَسْاَلُکَ بِحَقِّ

کسیکه نامید ذات خود را بنامیکه روا میشود بان نام حاجت کسیکه بخواند او را سوال میکنم از تو بحق

ذٰلِکَ الْاِسْمِ فَلا شَفیعَ اَقْوی لی مِنْهُ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ

آن نام پس نیست شفاعت کننده قوی تر برای من از آن نام آنکه درود فرستی بر محمد و آل محمد

تَقْضِیَ لی حَوائِجی وَتُسْمِعَ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَعَلِیِّ

آنکه روا کردانی برای من حاجتهای مرا و بشنوانی با محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی

بْنِ الْحُسَیْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِیِّ بْنِ

پسر حسین و محمد پسر علی و جعفر پسر محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر

مُوسی وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَعَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ وَالْحُجَّةِ الْمُنْتَظَرِ لِاِذْنِکَ

موسی و محمد پسر علی و علی پسر محمد و حسن پسر علی و حجت بسیار انتظار کشنده مر اذن

صَلَواتُکَ وَسَلامُکَ وَرَحْمَتُکَ وَبَرَکاتُکَ عَلَیْهِمْ صَوْتی لِیَشْفَعُوا

درودهای تو و سلام تو و رحمت تو و برکتهای تو بر ایشان باد آواز مرا تا شفاعت کنند

لی اِلَیْکَ وَتُشَفِّعَهُمْ فِیَّ وَلا تَرُدَّنی خائِباً بِحَقِّ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ

برای من بسوی تو و شفیع کردانی ایشان را در حق من و بر نگردانی مرا نا امید بحق نیست معبودی بجز تو

پس حاجتهای خود را طلب کن که برآورده است باب سیم در اعمال هر ماه است بدانکه در رؤیت ماه نو خواه در شب اول و خواه دوم و خواه سوم مستحب است که دعاهای منقول را بخوانند و بهترین آنها دعای صحیفهٔ کامله است که دعای چهل و سوم است و هفت مرتبه سورهٔ حمد خواندن برای دفع درد چشم منقولست و اندک پنیر خوردن گفته اند مستحب است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نیکو لقمه است پنیر و دهان را شیرین و خوشبو میکرداند و اشتهای طعام می آورد و باعث هضم طعام میشود و هرکه در اول ماه بخورد حاجات او رد نمی شود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه در شب اول ماه دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از سورهٔ فاتحه سورهٔ انعام بخواند و از حقتعالی سوال کند که او را از هر ترسی و دردی ایمن گرداند نه بیند در آن ماه امری که مکروه او باشد و از حضرت امام محمد نقی علیه السلام منقولست که چون ماه تازه در آید در روز اول ماه دو رکعت نماز بکن در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوان و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخوان و تصدقی بکن و چون چنین کنی سلامتی آن ماه را از حق تعالی خریده و در روایت دیگر وارد است که مستحب است که بعد ازین دو رکعت این دعا بخوانند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللّٰهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ

و نیست هیچ جنبنده در زمین مگر بر خداست روزی او و میداند قرارگاه او را و

مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللّٰهُ

جای امانت او را همه در لوح محفوظ است بنام خدای بخشاینده مهربان و اگر مساس کند ترا خدا

بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ

برنجی و آسیبی پس نیست برطرف کننده آنرا غیر او و اگر اراده کند ترا بخیر پس نیست رد کننده مر نیکی او را میرساند

بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

آنرا هرکه خواهد از بندهای خود و او ست آمرزنده مهربان بنام خدای بخشاینده مهربان

سَیَجْعَلُ اللهُ بَعْدَ عُسْرٍ یُسْرًا مَا شَاءَ اللهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ حَسْبُنَا اللهُ وَ

زود و میگرداند خدا بعد از دشواری آسانی آنچه خواهد خدا نیست توانایی مگر بخدا کافی ست ما را خدا و

نِعْمَ الْوَکِیلُ وَ اُفَوِّضُ اَمْرِی اِلَی اللهِ اِنَّ اللهَ بَصِیرٌ بِالْعِبَادِ لَا اِلٰهَ اِلَّا

نیکو کسی ست که کار با و گذارند و میگذارم کار خود را بسوی خدا بدرستیکه خدا بیناست به بندگان نیست معبودی مگر

اَنْتَ سُبْحَانَکَ اِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ رَبِّ اِنِّی لِمَا اَنْزَلْتَ اِلَیَّ مِنْ

تو تنزیه میکنم ترا بدرستیکه من هستم از ستمکاران بار خدایا بدرستیکه من مر آنچه فرستادی بسوی من از

خَیْرٍ فَقِیرٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِی فَرْدًا وَ اَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِینَ

خیر محتاجم ای پروردگار من مگذار مرا تنها و تو بهترین وارثانی

و بدانکه از جملهٔ سنتهای موکده که حضرت رسول صلعم بران مواظبت می نمود تا از دنیا رفت روزه سه روز هر ماه ست و آن موافق مشهور پنجشنبهٔ اول ماه و پنجشنبهٔ آخر ماه و چهارشنبهٔ اول از دهه میان ماه ست و در بعضی از روایات عکس این نیز وارد شده ست یعنی چهارشنبهٔ اول و چهارشنبهٔ آخر و پنجشنبهٔ اول از دهه میان اول اشهر بهتر ست و سنن آنحضرت تا آخر باب در فضیلت و تاکید آنحضرت نماز سنت را در هر شب و روز دو برابر نماز واجب مقرر فرموده هشت رکعت نافله پیش از نماز ظهر و هشت رکعت پیش از نماز عصر و چهار رکعت بعد از نماز شام و دو رکعت وتر بعد از نماز خفتن و چون نشسته کرده می شود برابر یک رکعت ست و یازده رکعت نماز شب و دو رکعت پیش نماز صبح و اینها تمام فریضه اند و در ثواب و تاکید مثل آنند و باشد قرض اگر ترک کند سنت ست که قضا کند و از برای ترک آن کفاره یک مد از گندم یا جو برای نافلهٔ هر یک برای نافلهٔ شب مقرر کرده اند و همچنین روزه سنت و برابر روزه واجب ست که تمام ماه شعبان سنت و در روزه ماه دیگر در هر ماه سه روز و اگر فوت شود سنت ست که قضا کند و اگر در تابستان دشوار باشد سنت ست که در زمستان قضا کند و اگر دشوار باشد بدل هر روز یک درم بدهد که بحساب زر ده دانگی سه شاهی و سه پول باشد و بحساب زرهای ناقص این زمان از چهار غازبیگی ست یا یک مد گندم که بحساب وسط صد درم قدیم اصفهان باشد اگر صد درم ...

احوط است و ورسم دادن بهتر است و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
حضرت رسول صلعم ابتدا روزه بسیار گرفت که مردم گمان کردند که هرگز افطار
نخواهد کرد و چندانی افطار کرد که گمان کردند که دیگر روزه سنت نخواهد گرفت پس روزه حضرت
داود علی نبینا و علیه السلام را گرفت که یکروز روزه میداشت و یک روز افطار میفرمود پس در
آخر عمر اکتفا نمود بسه روزه در هر ماه بنحویکه گذشت تا آنکه بر امت آسان باشد متابعت
آنحضرت و فرمود که این روزه ثوابش برابر است با روزه تمام سال و وسواس را
از سینه برطرف میکند راوی پرسید که کدام روزه هاست فرمود که پنجشنبه اول و چهارشنبه اول
دهه دوم و پنجشنبه آخر پرسید که چرا این روزه ها را روزه میدارند فرمود برای آنکه عذاب بر امتهای
سابق در این روزها نازل می شده است پس امر کرده است در این روزها روزه بدارند برای
رفع عذاب و در روایت دیگر فرمود که پنجشنبه از برای این روزه میدارند که اعمال بندگان را در این روز
بر خدا عرض میکنند و چهارشنبه میان از برای این روزه میدارند که آتش جهنم در روز چهارشنبه
خلق شده است و روزه سپر آتش جهنم است و در روایت دیگر هر عذابی که بر امتهای گذشته نازل شد
است در چهارشنبه میان ماه نازل شده است اگر در دهه اول دو پنجشنبه بوده باشد پنجشنبه اول را
گرفتن بهتر است و اگر میسر نشود پنجشنبه دوم را بگیرند و اگر در دهه آخر دو پنجشنبه بوده باشد موافق
مشهور پنجشنبه دوم افضل است چنانکه در حدیث صحیح وارد شده است و در روایت دیگر وارد
شده است که پنجشنبه اول افضل است و بعضی حمل کرده اند بر توسعه یا محتمل باشد که پنجشنبه دوم اول ماه
دیگر باشد و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسیکه در هر ماه این سه روز را
روزه بگیرد باید که با کسی مجادله نکند و سفاهت و تندخوئی و بخردی نکند و سبا در پیش نماید بسوگند
خوردن بخدا و اگر کسی با او سفاهت و بخردی کند درگذرد و سعادت ... و اگر در این ایام
روزه باشد بخانه برادر مومن برود و او تکلیف کند افطار کردن بهتر است از روزه سنت
بهفتاد برابر یا نود برابر چنانچه در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست و در حدیث
صحیح دیگر فرموده که هرکه داخل شود بر برادر خود و روزه سنت داشته باشد و افطار کند و اظهار نکند که من روزه بودم

که برا دوست کذارد حق تعالی ثواب روزه یک سال برای او نویسد اگر این سه روز را در اول یا میان
ماه یا آخر ماه بعمل آورد خوبست و فی الجمله متابعت سنت کرده است و ثواب روزه سال در
بیابد حقتعالی فرموده است که من جاء بالحسنة فله عشر امثالها یعنی هر که حسنه بدرگاه خدا بیاورد برای
او هست ده برابر آن و این مضمون در احادیث بسیار وارد شده است اما بهتر آنست که بنحوی
باشد که اول مذکور شد و از جمله روزه‌های سنت هر ماه روزه ایام البیض است یعنی سیزدهم
و چهاردهم و پانزدهم و احادیث در فضیلت این سه روز از طرق عامه و خاصه منقولست در بعضی
از روایات وارد شده است که چون حضرت آدم علیه السلام مرتکب آن [illegible] شد و از بهشت
او را بزمین فرستادند بدنش سیاه بود تا بعد از قبول توبه خط سیاهی از سر تا پای او مانده بود چون
ملائکه این حالت را در او دیدند خروش برآوردند و گریستند و استغاثه کردند بدرگاه حقتعالی پس وحی باو
آمد که امروز را روزه بدار آن روز سیزدهم ماه بود چون روزه داشت ثلث آن سیاهی
برطرف شد پس روز چهاردهم ندا رسید که امروز را نیز روزه بدار چون روزه داشت ثلث
دیگر برطرف شد پس روز پانزدهم باز ندا رسید از آسمان چون روزه داشت تمام سیاهی
برطرف شد پس باز ندا رسید از آسمان که ای آدم روزه این سه روز را برای تو و فرزندان تو
مقرر کردم هر که در هر ماه این سه روز را روزه بدارد چنان باشد که در تمام عمر خود روزه داشته
باشد و ابن بابویه گفته است که روزه پنجشنبه و چهارشنبه بدل از ایام البیض مقرر شده است
و منافات ندارد که هر دو سنت باشد و در پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه میان بهتر باشد اما
اکثر احادیث ایام البیض از طرق عامه است و ابن طاوس از حضرت رسول صلی الله علیه وآله
روایت کرده است که جبرئیل بر من نازل شد و گفت که بگو بعلی علیه السلام که روزه بدارد از هر ماه سه روز تا
برای تو نوشته شود بروزه روز اول ده هزار سال و بروزه روز دوم سی هزار سال و بروزه
روز سوم صد هزار سال حضرت امیر علیه السلام گفت یا رسول الله این ثواب مخصوص من است
یا برای همه کس هست حضرت فرمود که هر که از شیعیان تو این روزها را روزه بدارد این ثواب
برای او خواهد بود گفت کدام روزها است از ماه فرمود که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم

روزهای مرغوب در روزه روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه است برای کسیکه حاجتی داشته باشد
چنانچه در ربیع الاسابیع در ضمن نمازهای حاجت ذکر کرده‌ام و مشهور میان علماست که
هر پنجشنبه و جمعه را روزه گرفتن سنت است مگر آنکه موافق یکی از ایام محرمه یا مکروهه واقع شود و
بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسیکه اراده عمل خیری داشته باشد مانند
تصدق کردن و روزه داشتن و مثل اینها باید که در روز جمعه بعمل آورد زیرا که ثواب عمل در روز
جمعه مضاعف است و ابن جنید گفته که مستحب نیست در روز جمعه تنها روزه گرفتن مگر آنکه ملحق سازد
با آن یک روز پیش یا یک روز بعد را جایز است و گفته است استحباب روزه روز دوشنبه و پنجشنبه منسوخ
است و روزه روز شنبه نهی از آن وارد شده است مؤلف گوید که اکثر آنچه ابن جنید گفته خلاف
مشهور میان علماست و شیخ طوسی علیه الرحمه در مصباح گفته است که ترغیب در روزه روز جمعه
وارد شده است و بهتر آنست که آنرا تنها روزه ندارد مگر آنکه یک روز پیش روزه بدارد و گمان حقیر
آنست که نهی از تنها گرفتن روزه روز جمعه محمول بر تقیه است زیرا که سنیان این حدیث را
از ابوهریره علیه اللعنة نقل کرده‌اند و بعضی از علما نهی از روزه روز جمعه را [illegible]
کراهت آن در صورتیست که آدمی ضعیف گرداند از فرائض و نوافل و دعاهای روز جمعه و این حمل
بد نیست و اما روز دوشنبه چنانچه احادیث در نهی از روزه آن واقع شده است و بهتر ترک است خصوصاً اگر
بقصد برکت روز دوشنبه باشد مگر آنکه با روز متبرکی از روزهای ماه موافق شود مثل عید مبعث و مولد
و امثال اینها و نهی از روز شنبه بنظر فقیر نرسیده اما فضیلتی هم در روزه آن بخاطر ندارم مگر آنکه
شیخ مفید روایت کرده است که هرکه در یکی از ماههای حرام یعنی رجب و ذی القعده و ذی الحجه و محرم
پنجشنبه و جمعه و شنبه را روزه بدارد حقتعالی برای او ثواب عبادت نهصد سال بنویسد

باب یازدهم

در بیان زیارت حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم است بغیر آنچه سابق مذکور شد
بدانکه زیارت حضرت رسول خدا و ائمه هدی در همه اوقات از نزدیک و دور مستحب و موکد
بعد از غسل باشد افضل است خصوصاً در شب و روز جمعه و سایر ایام و لیالی متبرکه و در کتاب تحفة الزائر

به تفصیل ذکر کرده ام و درین مقام بذکر چند زیارت بعیده زیارت جامع و دعائیکه به صلوات و سلام فرستادن بر ایشان اکتفا می نمائیم اما زیارت حضرت رسالت پناه صلعم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که خدا را ملکی چند هست که سیر میکنند در زمین و هر که از امت من بر من سلامی میفرستد بمن میرسانند و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که ملکی از ملائکه از خدا سؤال نمود که هر چه بندگان خدا گویند او بشنود و حقتعالی باو عطا کرد پس آن ملک ایستاده است تا روز قیامت و هر که از مومنان بگوید صلی الله علی محمد و آله و سلم البته آن ملک میگوید علیک یعنی بر تو باد و سلامی پس آن ملک میگوید یا رسول الله فلان شخص سلام رسانیده است بتو پس حضرت پیغمبر میفرماید علیه السلام یعنی بر او باد نیز سلام و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلعم فرمود که هر که در هر جای زمین بر من سلام کند بمن میرسد هر که نزد قبر من بر من سلام کند من میشنوم و بسند حسن از حضرمی منقولست که حضرت صادق علیه السلام مرا امر فرمود که در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار نماز کنم با توانم و فرمود که همیشه میسر نمی شود که باین مکان شریف بیائی و فرمود که نزد قبر رسول صلعم میروی گفتم بلی فرمود که بدرستیکه سلامی که از نزدیک میگوئی آنحضرت می شنود و اگر دور باشی سلامت بآنحضرت میرسد و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که نزد قبر پیغمبر صلوات و سلام کنید بر رسول خدا هر چند صلوات مومنان در هر جا که بفرستند بآنحضرت میرسد و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که صلوات بفرستید بر محمد صلعم در پهلوی قبر آنحضرت هر چند صلوات مومنان در هر جا که بفرستند بآنحضرت میرسد و این حدیث احتمال نماز هدیه دارد که در نزدیک قبر نماز کنند و توابش را هدیه روح مقدس آنحضرت کنند و احادیث صلوات و سلام بر آن حضرت و زیارت آنحضرت در شهرهای دور بسیار است و بسند صحیح منقولست که ابن ابی نصر بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد که بعد از نماز چگونه صلوات و سلام بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله باید فرستاد فرمود که می گوئی

السلام علیک یا رسول الله و رحمة الله و برکاته السلام علیک

سلام باد بر تو ای پیغمبر خدا و رحمت خدا و برکتهای او و سلام بر تو باد

یا محمد بن عبد الله السلام علیک یا خیرة الله السلام علیک یا حبیب الله

ای محمد بن عبد الله سلام بر تو باد ای برگزیده خدا سلام بر تو باد ای دوست خدا

السلام علیک یا صفوة الله السلام علیک یا امین الله اشهد انک

سلام بر تو باد ای برگزیده خدا سلام بر تو باد ای امانت دار خدا گواهی میدهم بدرستیکه تو

رسول الله واشهد انک محمد بن عبد الله واشهد انک قد نصحت لامتک

پیغمبر خدائی و گواهی میدهم بدرستیکه محمد پسر عبد الله هستی و گواهی میدهم بدرستیکه نصیحت کردی امت خود را

وجاهدت فی سبیل ربک وعبدته حتی اتاک الیقین فجزاک الله

و جهاد کردی در راه پروردگار خود و پرستیدی او را تا آمد ترا مرگ پس جزا دهد ترا خدا

یا رسول الله افضل ما جزی نبیا عن امته اللهم صل علی محمد

ای پیغمبر خدا بهتر از جزائی که جزا داده پیغمبری را از امت او بار خدایا درود بفرست بر محمد

وآل محمد افضل ما صلیت علی ابراهیم وآل ابراهیم انک حمید مجید

و آل محمد بهتر از درودیکه فرستادی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده بزرگی

و در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که خواهد زیارت کند قبر حضرت رسول صلی الله علیه وآله و قبر حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و قبرهای حجتهای خدا صلوات الله علیهم اجمعین را و در شهر خود باشد پس غسل کند در روز جمعه و جامه پاکیزه بپوشد و بیرون رود بصحرا پس چهار رکعت نماز بگذارد و هر سوره که میسر شود بخواند پس رو بقبله بگوید

السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته السلام علیک

سلام بر تو ای پیغمبر و رحمت خدا و برکتهای او و سلام بر تو باد

ایها النبی المرسل والوصی المرتضی والسیدة الزهراء والسبطان

ای پیغمبر فرستاده شده و وصی پسندیده و فاطمه زهرا و دو نبیره

المنتجبان والاولاد الاعلام والامناء المنتجبین جئت انقطاعا

برگزیده و فرزندان نشانهای هدایت و امینان برگزیدگان آمدم در حالتیکه بریدم از غیر ایشان

إِلَيْكُمْ وَإِلَى آبَائِكُمْ وَوُلْدِكُمُ الْخَلَفِ عَلَى بَرَكَةِ الْحَقِّ فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ

بسوی شما و بسوی پدران شما و فرزندان شما از بازمانده رشید بر برکت حق پس دل من شما را اطاعت کرده است

وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللهُ لِدِينِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ

و یاری من مر شما را مهیا کرده شده است تا حکم کند خدا برای دین خود پس با شماییم با شماییم نه با دشمن شما

إِنِّي لَمِنَ الْقَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ مُقِرٌّ بِرَجْعَتِكُمْ لَا أُنْكِرُ لِلَّهِ قُدْرَةً وَلَا أَزْعُمُ

بدرستیکه من هر آینه از اقرار کنندگان بفضل شماییم اقرار کننده بباز گشت شماییم انکار نمی نمایم مر خدا را قدرتی و گمان نمی برم

إِلَّا مَا شَاءَ اللهُ سُبْحَانَ اللهِ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ يُسَبِّحُ اللهَ بِأَسْمَائِهِ جَمِيعُ

مگر آنچه خواهد خدا تنزیه میکنم مر خدا را که خداوند پادشاهی عالم سفلی عالم علوی است تسبیح میکنند خدا را بنامهای او همه

خَلْقِهِ وَالسَّلَامُ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

آفریدگان او و سلام بر روحهای شما و بدنهای شما و سلام بر شما و رحمت خدا و برکتهای او

در روایت دیگر وارد شده است که این زیارت را بر بام خانه خود بکن و زیارت حضرت فاطمه

علیها السلام سابقا مذکور شد و اما زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بسند معتبر

سدیر صراف منقولست که گفت که حضرت صادق علیه السلام بمن گفت که چه باک است

از ینکه زیارت کنی قبر امام حسین علیه السلام را در هر هفته پنجشنبه یا در هر روز یکمرتبه گفتم فدای

تو شوم میان من و میان آنحضرت فرسخهای بسیار است فرمود که بالا میروی بر بام خانه خود

پس ملتفت میشوی بجانب راست و چپ خود پس سر خود را بسوی آسمان بلند میکنی پس رو

بجانب قبر آنحضرت می گردانی و می گوئی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ

سلام بر تو باد ای ابو عبد الله سلام بر تو باد ای پسر رسول خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

سلام بر تو باد و رحمت خدا و برکتهای او

تا نوشته شود برای تو ثواب حجی و عمره سدیر گفت که بسیار است که من در روزی زیاده از

بیست مرتبه چنین زیارت میکنم و بسند صحیح از آنحضرت منقولست که نا حیه اش بعید و خانه اش دور باشد از بالای بلندی و بر بام خانه خود دو رکعت نماز بگذارد و اشاره کند بسوی قبرهای ما که آن سلام بما میرسد و در حدیث معتبر منقولست از سلیمان بن عیسی که گفت بپدرم عرض کرد بخدمت حضرت صادق علیه السلام که چگونه ترا زیارت کنم هر گاه قادر بر آمدن بخدمت تو نباشم فرمود که ای عیسی هر گاه قادر بر آمدن نباشی چون روز جمعه شود غسل کن یا وضو بساز و بالای بام خانه خود رو و دو رکعت نماز بکن و متوجه شو بسوی من بدرستیکه هر که مرا زیارت کند در حیات من چنانست که مرا زیارت کرده است بعد از موت من و کسیکه مرا زیارت کند بعد از من چنانست که مرا زیارت کرده باشد در حیات مولف گوید که این حدیث دلالت میکند بر آنکه در زمانها حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه را در همه موضع زیارت توان کرد و اگر در سامره کند در وقت زیارت بهتر است و بعضی از زیارات مخصوصه آنحضرت مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و در حدیث دیگر مرویست که حضرت صادق علیه السلام بسدیر فرمود که بسیار زیارت میکنی قبر حسین بن علی علیه السلام گفت از بسیاری شغل میسر نمیشود فرمود که میخواهی ترا چیزی تعلیم نمایم که هر گاه بکنی از برای تو ثواب زیارت آنحضرت نوشته شود گفتم بلی فدای تو شوم فرمود که غسل بکن در خانه خود و بالای بام خانه خود رو و اشاره کن بجانب آنحضرت بسلام کردن تا نوشته شود برای تو ثواب زیارت و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حنان ابن سدیر رفت بخدمت حضرت صادق علیه السلام نزد آنحضرت جماعتی از اصحاب بودند پس فرمود که ای حنان زیارت حضرت امام حسین علیه السلام میکنی هر ماه یکمرتبه گفت نه فرمود که هر دو ماه یکمرتبه گفت نه فرمود هر سال یکمرتبه گفت نه فرمود چه بسیار جفا کار شده اید با آقای خود گفت ای پسر رسول الله مانع من کمی توشه و دوری مسافت است فرمود که میخواهی که شما را دلالت کنم بر زیارتیکه مقبول باشد هر چند دور باشید گفت چگونه زیارت کنم ای پسر رسول الله فرمود که غسل کن در روز جمعه یا هر روز که خواهی و بپوش پاکترین جامه های خود را و بالا رو بر بلندترین بامهای خانه خود و یا برو بصحرا ای رو بجانب قبر کن و بگو

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلايَ وَابْنَ مَوْلايَ وَسَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي السَّلامُ

سلام بر تو باد ای آقای من و پسر آقای من و سرور من و پسر سرور من سلام

السلام عليك يا شهيد ابن الشهيد يا قتيل بن القتيل يا مولاي عليك

سلام بر تو باد ای شهید پسر شهید ای کشته شده پسر کشته شده ای آقای من بر تو باد

ورحمة الله وبركاته انا ازورك يا ابن رسول الله بقلبي ولساني وجوارحي

و رحمت خدا و برکتهای او من زیارت کننده توام ای پسر پیغمبر خدا بدل خود و زبان خود و اعضای خود

وان لم ازرك بنفسي والمشاهدة لقبتك فعليك السلام يا وارث

و اگر چه زیارت نکردم ترا بنفس خود و معاینه کردن قبه روضه ترا پس بر تو سلام ای وارث

آدم صفوة الله ووارث نوح نبي الله ووارث ابراهيم خليل الله

آدم برگزیده خدا و وارث نوح پیغمبر خدا و وارث ابراهیم دوست خدا

ووارث موسى كليم الله ووارث عيسى روح الله وكلمته ووارث

و وارث موسی هم سخن خدا و وارث عیسی روح خدا و سخن خدا و وارث

محمد حبيب الله ونبيه ورسوله ووارث علي امير المؤمنين ووصي

محمد دوست خدا و پیغمبر او و فرستاده او و وارث علی سردار مومنان و وصی

رسول الله وخليفته ووارث الحسن بن علي ووصي امير المؤمنين

پیغمبر خدا و جانشین او و وارث حسن پسر علی و وصی سرور مومنان

لعن الله قاتليك وجدد عليهم العذاب في هذه الساعة وفي كل

لعنت خدا کشندگان ترا و تازه نماید برایشان عذاب را در این ساعت و در هر

ساعة انا يا سيدي متقرب الى الله جل وعز والى جدك رسول الله و

ساعت من ای سرور من تقرب جوینده ام بسوی خدا که بزرگست و غالب و بسوی جد تو که پیغمبر خداست و

الى ابيك امير المؤمنين والى اخيك الحسن واليك يا مولاي عليك

بسوی پدر تو که امیر مومنانست و بسوی برادر تو حسن و بسوی تو ای آقای من بر تو باد

سلام الله ورحمته وبركاته بزيارتي لك بقلبي ولساني وجميع جوارحي

سلام خدا و رحمت او و برکتهای او بزیارت خود مر ترا بدل و زبان خودم و تمام اعضای خودم

فَكُنْ يَا سَيِّدِي شَفِيعِي لِقَبُولِ ذَلِكَ مِنِّي وَأَنَا بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ

پس باش ای سرور من شفاعت کننده من بجهت قبول این زیارت از من و من بیزارم از دشمنان تو

وَاللَّعْنَةِ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللهِ وَإِلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ فَعَلَيْكَ

و لعنت کردن ایشان را و بر ایشان تقرب میجویم بسوی خدا و بسوی شما همه پس بر تو باد

صَلَوَاتُ اللهِ وَرِضْوَانُهُ وَرَحْمَتُهُ

درودهای خدا و خوشنودی او و رحمت او

پس اندکی میگردی بجانب جپ خود و رو میکردانی بسوی قبر علی بن الحسین علیه السلام که نزد پای پدر خود مدفونست و سلام میکنی باینمثل این سلام پس عامی کنی و می طلبی حاجتهای دنیا و آخرت خود را پس چهار رکعت نماز میگذاری که نماز زیارت هشت رکعت است یا شش رکعت یا چهار رکعت یا دو رکعت و بهترین هشت رکعت است پس میکنی بجانب قبر امام علیه السلام و میگوئی

أَنَا مُوَدِّعُكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي

من وداع کننده توام ای آقای من و پسر آقای من سرور من و پسر سرور من

وَمُوَدِّعُكَ يَا سَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُوَدِّعُكُمْ

و وداع کننده توام ای سرور من و پسر سرور من ای علی پسر حسین و وداع کننده شمایم

يَا سَادَتِي يَا مَعْشَرَ الشُّهَدَاءِ فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ وَرِضْوَانُهُ

ای سروران من ای جماعت شهیدان پس بر شما باد سلام خدا و رحمت و برکتهای او و خوشنودی او

مؤلف گوید که چون عبارت این حدیث تشویش و اضطرابی دارد و چند احتمال دارد بهتر آنست که همین زیارت را با وداع چنانچه نزد قبر شریف میخوانند و مقابله نیز میکنند و بخوانند تا آنکه بهمه احتمالات عمل کرده باشد و در زیارت علی بن الحسین بجای یا وارث در همه جا ابن الوارث بخوانند یا از وارث قصد وراثت امامت و خلافت نکنند زیرا که آنحضرت امام نبوده است بدانکه این حدیث دلالت میکند بر آنکه از دور که زیارت کنند نماز زیارت را بعد از زیارت باید بکنند و احادیث بعین دلالت کند بر آنکه ببین باید کرد و ظاهر است که مخیر باشد و اگر این زیارت را کنند

بهمین نحو که وارد شده است بکنند و ازین احادیث معلوم شد که غسل از برای زیارت بعید سنت است
و از بعضی مفهوم میشود که بی غسل نیز می توان کرد و از بعضی عمومات مستفاد میشود که بهر جایی
میتوان کرد چنانکه اکثر علما گفته اند و اگر در بام خانه یا در صحرا واقع سازد احوط و اولیست و در حدیث
معتبر از حسین ابن ثویر منقولست که بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که من بسیار است که
امام حسین علیه السلام را زیارت نمیکنم از دور چگونه زیارت کنم فرمود که سه مرتبه بگو صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ
که سلام تو بآنحضرت میرسد از نزدیک و دور و شیخ طوسی علیه الرحمه ذکر کرده است که زیارت
میتوان کرد ائمه صلوات الله علیهم را از نزدیک و دور چنانچه از نزدیک ایشان را زیارت
میکنند اما در جائیکه اَتَيْتُكَ زَائِراً باشد نگوید بلکه بگوید
قَصَدْتُكَ بِقَلْبِي زَائِراً اِذْ عَجَزْتُ عَنْ حُضُورِ مَشْهَدِكَ وَجَّهْتُ اِلَيْكَ
قصد کردم ترا بدل خود و حالت زیارت ازجهت که عاجز شدم از حاضر شدن قبر تو و متوجه شدم بسوی تو
سَلَامِي لِعِلْمِي اَنَّهُ يُبَلِّغُكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ جَلَّ وَعَزَّ
سلام خود را از جهت علم من بآنکه آن میرسد بتو درود فرستد خدا بر تو پس شفاعت کن مرا نزد پروردگار خود که بزرگست
و دعا کن آنچه خواهی و بعضی از اکابر علما روایت کرده اند از ابو الحسن فارسی که گفت من بسیار زیارت
حضرت امام حسین علیه السلام می رفتم پس چندی بسبب پیری و کمی مال توفیق زیارت آنحضرت را
نیافتم پس شبی حضرت رسول را در خواب دیدم که حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهما السلام
در خدمت آنحضرت بودند چون من نزدیک ایشان رسیدم حضرت امام حسین علیه السلام
گفت یا رسول الله این مرا بسیار زیارت میکرد و اکنون ترک کرده است حضرت رسول
متوجه من گردید و فرمود که آیا ترک زیارت مثل حسین ع می توان کرد گفتم یا رسول الله قلت مال
و پیری مرا مانع ادراک این سعادت گردیده است حضرت فرمود که هر شب بر بام خانه خود برو و بجانب
شهادت بسوی قبر آنحضرت اشاره بکن و بگو
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ وَاَبِيكَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى اُمِّكَ وَاَخِيكَ
سلام بر تو باد و بر جد تو و پدر تو سلام بر تو باد و بر مادر تو و برادر تو

السلام عليك وعلى الائمة من بنيك السلام عليك يا صاحب

سلام بر تو باد و بر امامان از پسران تو سلام بر تو باد ای صاحب

الدمعة الساكبة السلام عليك يا صاحب المصيبة الراتبة لقد اصبح

اشک ریزنده سلام بر تو باد ای صاحب مصیبت سخت هر آینه بتحقیق گردید

كتاب الله فيك مهجورا ورسول الله فيك موتورا السلام عليك ورحمة الله

کتاب خدا درباره تو متروک و پیغمبر خدا در حق تو خون ناگرفته مانده سلام بر تو باد و رحمت خدا

وبركاته السلام على انصار الله وخلفائه السلام على امناء الله واحبائه

و برکتهای او سلام باد بر یاوران خدا و خلفای او و سلام باد بر امینان خدا و دوستان او

السلام على محال معرفة الله ومعادن حكمة الله وحفظة سر الله وحملة كتاب الله

سلام باد بر جاهای شناخت خدا و کانهای حکمت خدا و نگاه دارندگان راز خدا و بردارندگان کتاب خدا

واوصياء نبي الله وذرية رسول الله صلى الله عليه واله ورحمة الله وبركاته

و وصیت کرده‌های پیغمبر خدا و اولاد پیغمبر خدا و فرستاده خدا بر او و آل او و رحمت خدا و برکتهای او

پس حاجت که خواهی از خدا سؤال کن پس که چنین کنی زیارت تو از نزدیک و دور مقبول است
و اما زیارت سائر ائمه از نزدیک و دور بهترین آنها زیارت جامعه است که ابن بابویه و دیگران
بسند معتبر روایت کرده‌اند که شخصی از حضرت امام علی نقی علیه السلام سؤال نمود که القا فرما بمن
تعلیم نما سخنی بلیغ کاملی که زیارت کنم هرگاه زیارت کنم یکی از شما را فرمود که چون بدرگاه رسیدی بایست بگو

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا صلى الله

گواهی میدهم بآنکه نیست معبودی بجز خدا تنها نیست شریکی مر او را و گواهی میدهم بآنکه هر آینه محمد صلی الله

عليه واله عبده ورسوله

بر او و آل او بنده او و فرستاده اوست

و باید که غسل داشته باشی پس چون داخل شوی و قبر را ببینی بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو پس اندکی راه برو بآرامی و وقار
و گامها نزدیک یکدیگر بگذار پس بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو پس نزدیک قبر برو و چهل مرتبه الله اکبر بگو که صد تکبیر تمام شود

السلام عليكم يا اهل بيت النبوة وموضع الرسالة ومختلف الملائكة

سلام باد بر شما ای اهل خانه نبوت و جایگاه رسالت و محل آمدن فرشتگان

ومهبط الوحي ومعدن الرحمة وخزان العلم ومنتهى الحلم واصول الكرم

و جای فرود آمدن وحی و مکان رحمت و خزانه داران علم و نهایت بردباری و اصلهای کرم

وقادة الامم واولياء النعم وعناصر الابرار ودعائم الاخيار وساسة

و پیشروان امتها و کارگزاران نعمتها و بنیادهای نیکوکاران و ستونهای نیکان و

العباد واركان البلاد وابواب الايمان وامناء الرحمن وسلالة

بندگان و رکنهای شهرها و درهای ایمان و معتمدان خداوند رحمن و فرزندهای

النبيين وصفوة المرسلين وعترة خيرة رب العالمين ورحمة الله وبركاته

پیغمبران و برگزیدگان فرستادگان و خویشان برگزیدگان پروردگار عالمیان و رحمت خدا و برکاتش

السلام على ائمة الهدى ومصابيح الدجى واعلام التقى وذوي النهى

سلام بر پیشوایان هدایت و چراغهای تاریکی و نشانهای پرهیزکاری و خداوند عقلها

واولي الحجى وكهف الورى وورثة الانبياء والمثل الاعلى والدعوة

و صاحبان خرد و پناه خلق و وارثان پیغمبران و مثل برتر و دعوت

الحسنى وحجج الله على اهل الدنيا والآخرة والاولى ورحمة الله وبركاته

نیکوتر و حجتهای خدا بر اهل دنیا و اهل سرای آخرت و اولی و رحمت خدا و برکاتش

السلام على محال معرفة الله ومساكن بركة الله ومعادن حكمة الله

سلام بر مکانهای شناخت خدا و منزلهای برکت خدا و کانهای حکمت خدا

وحفظة سر الله وحملة كتاب الله واوصياء نبي الله وذرية رسول الله

و نگهبانان راز خدا و حاملان کتاب خدا و اوصیای پیغمبر خدا و فرزندان رسول خدا

صلى الله عليه وآله ورحمة الله وبركاته السلام على الدعاة الى الله

درود فرستد خدا بر او و آل او و رحمت خدا و برکتهای او و سلام بر دعوت کنندگان بسوی خدا

وَالْاَدِلّاءِ عَلى مَرْضاتِ اللهِ وَالْمُسْتَقِرّينَ فى اَمْرِ اللهِ وَالتّامّينَ فى مَحَبَّةِ
و دلالت نمایندگان بر خشنودی خدا و طلب افزایش کنندگان در امر خدا و کاملان در دوستی

اللهِ وَالْمُخْلِصينَ فى تَوْحيدِ اللهِ وَالْمُظْهِرينَ لِاَمْرِ اللهِ وَنَهْيِهِ وَعِبادِهِ
خدا و خالص گردانندگان جهت در اعتقاد یگانه پرستی خدا و آشکار کنندگان امر خدا و نهی او و بندگان او

الْمُكْرَمينَ الَّذينَ لا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِاَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ
که گرامی داشته شدگانند آنانکه سبقت نمی‌گیرند بر خدا در سخن و ایشان بامر او عمل می‌نمایند و رحمت خدا و برکتهای او

اَلسَّلامُ عَلَى الْاَئِمَّةِ الدُّعاةِ وَالْقادَةِ الْهُداةِ وَالسّادَةِ الْوُلاةِ
سلام بر پیشوایان دعوت کنندگان پیشروان راه نمایندگان و سروران سالاران

وَالذّادَةِ الْحُماةِ وَاَهْلِ الذِّكْرِ وَاُولِى الْاَمْرِ وَبَقِيَّةِ اللهِ وَخِيَرَتِهِ وَحِزْبِهِ
و دفع کنندگان حضرت و حمایت نمایندگان اهل ذکر و صاحبان امر و باقی‌ماندگان حجت خدا و برگزیدگان خدا و گروه او

وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ وَحُجَّتِهِ وَصِراطِهِ وَنُورِهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَشْهَدُ اَنْ
و ظرف علم او و حجت او و راه او و نور او و رحمت خدا و برکتهای او و گواهی میدهم که

لا اِلهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ كَما شَهِدَ اللهُ لِنَفْسِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ مَلائِكَتُهُ
نیست معبود بحق مگر خدا حال آنکه یگانه است نیست شریکی مر او را همچنانکه گواهی داد خدا از برای خود و گواهی دادند

وَاُولُو الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ لا اِلهَ اِلّا هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ
و صاحبان علم از خلق او نیست معبودی بجز او که عزیز و حکیم است و گواهی میدهم باینکه حضرت محمد بنده

الْمُنْتَجَبُ وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضى اَرْسَلَهُ بِالْهُدى وَدينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدّينِ
برگزیده او و رسول پسندیده اوست فرستاد او را برهنمائی و دین ثابت تا غالب گرداند او را بر دین

كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَاَشْهَدُ اَنَّكُمُ الْاَئِمَّةُ الرّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ
همه و اگرچه ناخوش دارند مشرکان و گواهی میدهم که شمائید پیشوایان راه یافتگان هدایت کرده شدگان

الْمَعْصُومُونَ الْمُكَرَّمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ
نگاهداشته شدگان از خطا و تعظیم کرده شدگان مقربان پرهیزکاران راستگویان برگزیدگان

المطيعون لله القوامون بامره العاملون بارادته الفائزون بكرامته

اطاعت کنندگان مر خدا را بر پا دارندگان بامر او و عمل نمایندگان باراده او رسندگان بنوازش او

اصطفاكم بعلمه وارتضاكم لغيبه واختاركم لسره واجتباكم بقدرته

برگزید شما را برای علم خود و پسندید شما را از برای غیب خود و اختیار کرد شما را برای راز خود و انتخاب نمود شما را بقدرت خود

واعزكم بهداه وخصكم ببرهانه وانتجبكم لنوره وايدكم بروحه ورضيكم

و عزیز نمود شما را به هدایت خود و مخصوص کرد شما را به حجت خود و برگزید شما را برای نور خود و نصرت کرد شما را بروح خود و پسندید شما را

خلفاء في ارضه وحججا على بريته وانصارا لدينه وحفظة لسره وخزنة لعلمه

جانشینان در زمین خود و حجتها بر آفریدگان خود و یاری کنندگان از برای دین خود و نگهبانان برای راز خود و خزینه داران علم خود

ومستودعا لحكمته وتراجمة لوحيه واركانا لتوحيده وشهداء على

و محل ودیعه حکمت خود و بیان کنندگان وحی خود و ستونهای برای یگانه پرستی خود و گواهان بر

خلقه واعلاما لعباده ومنارا في بلاده وادلاء على صراطه عصمكم الله

خلق خود و نشانهای برای بندگان خود و علامات نمایان در شهرهای خود و دلالت نمایندگان بر راه خود نگاه داشت شما را خدا

من الزلل وآمنكم من الفتن وطهركم من الدنس واذهب عنكم الرجس و

از لغزش و ایمن گردانید شما را از فتنه‌ها و پاک گردانید شما را از آلایش و دور گردانید از شما پلیدی را

طهركم تطهيرا فعظمتم جلاله واكبرتم شانه ومجدتم كرمه وادمتم

پاک گردانید شما را پاک گردانیدنی پس تعظیم نمودید بزرگی او را و بزرگ شمردید شأن او را و بعظمت یاد کردید کرم او را و مداومت کردید

ذكره ووكدتم ميثاقه واحكمتم عقد طاعته ونصحتم له في السر والعلانية

یاد او را و استوار ساختید پیمان او را و محکم نمودید عقد فرمانبرداری او را و خالص نمودید از برای او در نهان و آشکار

ودعوتم الى سبيله بالحكمة والموعظة الحسنة وبذلتم انفسكم في مرضاته

و خواندید مردم را بسوی راه او بحکمت و موعظه نیکو و دادید جانهای خود را در راه خوشنودی او

وصبرتم على ما اصابكم في جنبه واقمتم الصلوة وآتيتم الزكوة وامرتم

و شکیبائی کردید بر آنچه رسید شما را در جنب او و برپا داشتید نماز را و دادید زکوة را و امر نمودید

بالمعروف ونهيتم عن المنكر وجاهدتم في الله حق جهاده حتى اعلنتم
بانچه پسندیده است ونهی فرمودید از انچه ناپسندیده است وجهاد کردید در راه خدا چنانچه حق

دعوته وبينتم فرائضه واقمتم حدوده ونشرتم شرائع احكامه وسننتم
دعوت او را وبیان نمودید واجبات او را وبرپا داشتید حدود او را وپهن کردید احکام شریعتهای او را وجاری

سنته وصرتم في ذلك منه الى الرضا وسلمتم له القضاء وصدقتم
طریقه او را وگردیده اید در این باب بر رضای او وتسلیم نمودید از برای او قضای او را وتصدیق نمودید

من رسله من مضى فالراغب عنكم مارق واللازم لكم لاحق والمقصر
از پیغمبران او هر که گذشته است پس رغبت کننده از شما بیرون رونده است از دین وملازم شما ملحق

في حقكم زاهق والحق معكم وفيكم ومنكم واليكم وانتم اهله ومعدنه
در حق شما ناچیز شونده وحق با شما ودرمیان شما واز جانب شما وبسوی شماست وشما اهل آن ومعدن آن

وميراث النبوة عندكم واياب الخلق اليكم وحسابهم عليكم
ومیراث پیغمبری نزد شماست وبازگشت خلق بسوی شماست وحساب خلق بر شماست

وفصل الخطاب عندكم وآيات الله لديكم وعزائمه فيكم ونوره
وخطاب فصل نزد شماست وآیتهای خدا نزد شماست وعزیمتهای خدا درمیان شماست ونور او

وبرهانه عندكم وامره اليكم من والاكم فقد والى الله ومن عاداكم
وحجت او نزد شماست وامر او بسوی شماست هر که دوستی کند با شما پس بتحقیق دوستی کرده خدا را

فقد عادى الله ومن احبكم فقد احب الله ومن ابغضكم فقد
پس بتحقیق دشمنی کرده با خدا وهر که دوست دارد شما را پس بتحقیق دوست داشته خدا را وهر که دشمن دارد

ابغض الله ومن اعتصم بكم فقد اعتصم بالله انتم السبيل الاعظم
دشمن داشته خدا را وهر که اعتصام نماید بشما پس بتحقیق اعتصام نموده بخدا شمائید راه عظیم تر

والصراط الاقوم وشهداء دار الفناء وشفعاء دار البقاء والرحمة
وشمائید راه راست تر وگواهان خانه فانی وشفیعان سرای پاینده عقبی ورحمت

الموصولة والآية المخزونة والامانة المحفوظة والباب المبتلى به

همه پیوسته و نشانه بزرگی در خزانه نهاده شده و امانت حفظ کرده شده و درکه امتحان کرده شده اند آن

الناس من اتاكم فقد نجى ومن لم يأتكم فقد هلك الى الله تدعون

مردمان هر که بیاید بسوی شما پس بتحقیق نجات یافت هر که نیاید بسوی شما پس بتحقیق هلاک شد بسوی خدا میخوانید

وعليه تدلون وبه تؤمنون وله تسلمون وبامره تعملون والى سبيله

و برو دلالت میکنید و باو میگروید و مراورا اطاعت میکنید و بامر او عمل میکنید و بسوی راه او

ترشدون وبقوله تحكمون سعد والله من والاكم وهلك من عاداكم

راه مینمائید و بگفته او حکم میکنید نیک بخت شد قسم بخدا هر که دوستی نمود با شما و هلاک شد هر که دشمنی نمود

وخاب من جحدكم وضل من فارقكم وفاز من تمسك بكم وامن من لجأ

و ناامید شد هر که انکار کرد شما را و گمراه شد هر که مفارقت نمود از شما رستگار شد هر که چنگ زد بشما و ایمن شد هر که پناه

اليكم وسلم من صدقكم وهدي من اعتصم بكم من اتبعكم فالجنة ماواه

آورد بشما و سالم ماند هر که تصدیق نمود شما را و راه یافته شد هر که چنگ زد بشما هر که متابعت نماید شما را پس بهشت جای او است

ومن خالفكم فالنار مثواه ومن جحدكم كافر ومن حاربكم مشرك

و هر که مخالفت نمود شما را پس آتش قرارگاه است و هر که انکار کند شما را کافر است و هر که جنگ کند با شما مشرک است

ومن رد عليكم في اسفل درك من الجحيم اشهد ان هذا سابق لكم

و هر که رد کند بر شما در پست ترین طبقه است از جهنم گواهی میدهم بتحقیق اینکه این در رتبه پیش است برای شما

فيما مضى وجار لكم فيما بقي وان ارواحكم ونوركم وطينتكم

در آنچه گذشته و جاری است از برای شما در آنچه باقی مانده بتحقیق که ارواح شما و نور شما و طینت شما

واحدة طابت وطهرت بعضها من بعض خلقكم الله انوارا فجعلكم

یکی است پاکیزه است و پاک است بعضی از شما از بعض دیگر آفرید شما را خدا نورها پس گردانید شما را

بعرشه محدقين حتى من علينا بكم فجعلكم في بيوت اذن الله

بعرش خود احاطه کنندگان تا آنکه منت گذاشت بر ما بشما پس قرار داد شما را در خانه‌هائی که

أن يرفع ويذكر فيها اسمه وجعل صلواتنا عليكم وما خصّنا به من

که برافراشته شود و یاد کرده شود در آنها نام او و گردانید درودهای ما را بر شما و آنچه اختصاص داد ما را

ولايتكم طيباً لخلقنا وطهارة لأنفسنا وتزكية لنا وكفارة لذنوبنا

دوستی شما باعث نیکوئی آفرینش ما و پاکی از برای نفسهای ما و افزایش از برای ما و کفاره از برای گناهان ما

فكنّا عنده مسلّمين بفضلكم ومعروفين بتصديقنا إيّاكم فبلغ الله

پس بودیم نزد او گردن نهندگان بفضل شما و شناخته شدگان بتصدیق ما شما را پس رسانید خدا

بكم أشرف محلّ المكرّمين وأعلى منازل المقرّبين وأرفع درجات

شما را بهترین جایگاه نوازش یافتگان و برترین منزلهای مقربان و بلندترین درجه‌های

المرسلين حيث لا يلحقه لاحق ولا يفوقه فائق ولا يسبقه سابق

رسولان جائیکه ملحق نشود بآن ملحق شونده و برتر از آن نشود برتر شونده و سبقت نگیرد بر آن سبقت گیرنده

ولا يطمع في إدراكه طامع حتّى لا يبقى ملك مقرّب ولا نبيّ مرسل

و طمع نکند در یافتن آن طمع کننده تا آنکه باقی نماند فرشته مقربی و نه پیغمبر مرسلی

ولا صدّيق ولا شهيد ولا عالم ولا جاهل ولا دنيّ ولا فاضل ولا

و نه صدیقی و نه شهیدی و نه دانائی و نه نادانی و نه پست مرتبه و نه صاحب فضلی و نه

مؤمن صالح ولا فاجر طالح ولا جبّار عنيد ولا شيطان مريد ولا خلق

مؤمن صالحی و نه گناهکار نابکاری و نه گردن کشی عناد پیشه و نه شیطان سرکشی و نه خلقی

فيما بين ذلك شهيد إلّا عرّفهم جلالة أمركم وعظم خطركم وكبر شأنكم

در میان آنچه مذکور شد حاضر شده مگر آنکه شناسانید خدا ایشان را بزرگی کار شما و بلندی مرتبه شما و بزرگی شأن شما

وتمام نوركم وصدق مقاعدكم وثبات مقامكم وشرف محلّكم

و تمام نور شما و خوبی جایگاه شما و ثابت بودن مقام شما و ارجمندی جایگاه شما

ومنزلتكم عنده وكرامتكم عليه وخاصّتكم لديه وقرب منزلتكم منه

منزلت شما نزد خود و گرامی بودن شما بر خود و خصوصیت شما نزد خود و نزدیکی منزلت شما از خود

بأبي أنتم وأمي وأهلي ومالي وأسرتي أشهد الله وأشهدكم أني

فدای شما باد پدر من و مادر من و اهل من و مال من و خویشان من گواه میگیرم خدا را و گواه میگیرم شما را اینکه

مؤمن بكم وبما آمنتم به كافر بعدوكم وبما كفرتم به مستبصر

ایمان آورنده‌ام بشما و بآنچه ایمان آورید شما بآن و کافرم به دشمن شما و بآنچه اعتقاد ندارید شما بآن بینا ام

بشأنكم وبضلالة من خالفكم موال لكم ولأوليائكم مبغض لأعدائكم

بحال شما و بگمراهی هر که مخالفت نمود با شما دوستی کننده‌ام با شما و با دوستان شما و دشمنم با دشمنان شما

ومعاد لهم سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم محقق لما حققتم

و عداوت کننده‌ام با ایشان صلحم با هر که صلح کرد با شما و جنگم با هر که جنگ کرد با شما تصدیق نماینده‌ام بآنچه شما

مبطل لما أبطلتم مطيع لكم عارف بحقكم مقر بفضلكم محتمل لعلمكم

باطل کننده‌ام آنچه را باطل کردید اطاعت کننده‌ام شما را شناسا ام بحق شما اقرار کننده‌ام بفضل شما بردارنده‌ام علم شما را

محتجب بذمتكم معترف بكم مؤمن بإيابكم مصدق برجعتكم منتظر

پناه گیرنده‌ام بامان شما اعتراف نماینده‌ام بشما ایمان آورنده‌ام به برگشت شما تصدیق نماینده‌ام برجعت شما

لأمركم مرتقب لدولتكم آخذ بقولكم عامل بأمركم مستجير بكم

امر شما را چشم براه‌ام دولت شما را گیرنده‌ام بفرموده شما عمل کننده‌ام بامر شما پناه جوینده‌ام بشما

زائر لكم عائذ بكم لائذ بقبوركم مستشفع إلى الله عز وجل بكم

زیارت کننده‌ام شما را پناه آورنده‌ام بشما پناه گیرنده‌ام بقبرهای شما شفیع آورنده‌ام بسوی خدای عز و جل شما را

ومتقرب بكم إليه ومقدمكم أمام طلبتي وحوائجي وإرادتي في

و تقرب جویم بوسیله شما بسوی خدا و پیش دارنده‌ام شما را در پیش مطالب و حاجتها و اراده خود در

كل أحوالي وأموري مؤمن بسركم وعلانيتكم وشاهدكم وغائبكم

همه احوال خود و کارها ایمان آورنده‌ام به نهان و آشکار شما و بحاضر شما و غائب شما

وظاهركم وباطنكم وأولكم وآخركم ومفوض في ذلك كله إليكم ومسلم

و ظاهر شما و باطن و اول شما و آخر شما و تفویض کننده‌ام در همه اینها بشما و تسلیم

فيه معكم وقلبي لكم مسلم ورأيي لكم تبع ونصرتي لكم معدة حتى يحيي الله

و در این آن باشم و دل من شما را تسلیم کننده است و رای من شما را پیرو است و یاری من شما را مهیاست تا آنکه زنده گرداند

تعالى دينه بكم ويردكم في أيامه ويظهركم لعدله ويمكنكم

خدا دین خود را بشما و باز گرداند شما را در روزگار خود و ظاهر سازد شما را از برای عدل خود و متمکن سازد شما را

في أرضه فمعكم معكم لا مع عدوكم آمنت بكم وتوليت آخركم

در زمین خود پس با شمایم با شمایم نه با دشمن شما ایمان آوردم بشما و دوست داشتم آخر شما را

بما توليت به أولكم وبرئت إلى الله عز وجل من أعدائكم ومن الجبت

بآن نحو که دوست داشتم اول شما را و بیزارم بسوی خدای عز و جل از دشمنان شما و از جبت

والطاغوت والشياطين وحزبهم الظالمين لكم والجاحدين لحقكم

و طاغوت و شیاطین و گروه ایشان که ستمکارانند در حق شما و انکار کنندگان حق شما

والمارقين من ولايتكم والغاصبين لإرثكم والشاكين فيكم

و از آنهایی که بیرون رفته اند از ولایت شما و غصب کنندگان میراث شما و شک نمایندگان در حق شما

والمنحرفين عنكم ومن كل وليجة دونكم وكل مطاع سواكم ومن

و برگشتگان از شما و از هر دوست غیر شما و هر اطاعت کرده شده غیر شما و از

الأئمة الذين يدعون إلى النار فثبتني الله أبدا ما حييت على

پیشوایانی که میخوانند مردم را بسوی آتش پس ثابت قدم بدارد مرا خدای تعالی همیشه مادام که زنده باشم

موالاتكم ومحبتكم ودينكم ووفقني لطاعتكم ورزقني شفاعتكم

بر دوستی شما و محبت شما و دین شما و توفیق دهد مرا خدای تعالی از برای اطاعت شما و روزی گرداند شفاعت شما را

وجعلني من خيار مواليكم التابعين لما دعوتم إليه وجعلني

و بگرداند مرا از نیکان دوستان که پیروی کنند آنچه را خواندید بسوی آن و بگرداند مرا

ممن يقتص آثاركم ويسلك سبيلكم ويهتدي بهداكم ويحشر في زمرتكم

که پیروی نماید آثار شما را و میروند براه شما و راه یابند براهنمایی شما و محشور میشوند

فی امرکم ویکرّ فی رجعتکم ویملک فی دولتکم ویشرف فی عافیتکم

در گروه شما و بازگشت می نماید در رجعت شما و پادشاه داده میشود در زمان دولت شما و بزرگ کرده میشود در عافیت شما

ویمکّن فی ایامکم وتقرّ عینه غدا برؤیتکم بابی انتم وامی ونفسی و

و تمکین داده میشود در ایام پادشاهی شما و خنک میشود چشم او فردا بدیدن شما پدرم فدای شما و مادرم و جانم

اهلی ومالی من اراد الله بدأ بکم ومن وحّده قبل عنکم ومن قصده

اهل من و مال من کسی که اراده کند خدا را ابتدا کند بشما و هر که یگانگی پرستد او را قبول کند از شما و هر که قصد او نماید

توجّه بکم موالیّ لا احصی ثناءکم ولا ابلغ من المدح کنهکم ومن

رو آورد بشما ای آقایان من نمی توانم شمرد ثنای شما و نمی توانم رسید بمدح کردن کنه شما و از

الوصف قدرکم وانتم نور الاخیار وهداة الابرار وحجج

وصف نمودن قدر شما و شمائید نور نیکان و راه نمایان نیکوکاران و حجتهای

الجبار بکم فتح الله وبکم یختم وبکم ینزّل الغیث وبکم یمسک

خداوند با عظمت بشما ابتدا نمود خدا و بشما ختم می نماید و بشما فرو فرستد باران را و بشما نگاه دارد

السماء ان تقع علی الارض الا باذنه وبکم ینفّس الهمّ وبکم یکشف الضرّ

آسمان را از اینکه بیفتد بر زمین مگر برخصت او و بشما زائل میکند غم را و بشما برطرف میکند بدحالی

وعندکم ما نزلت به رسله وهبطت به ملائکته والی جدّکم بعث الروح الامین

و نزد شماست آنچه فرود آوردند او رسولان خدا و فرود آمدند بآن فرشتگان او و بسوی جد شما فرستاده شد روح الامین

واگر زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

باشد بجای والی جدکم بعث الروح الامین بگو

والی اخیک بعث الروح الامین پس بگو آتاکم الله ما لم یؤت احدا

و بسوی برادر تو فرستاده شده روح الامین داده است بشما خدا آنچه نداده است بهیچکس

من العالمین طأطأ کل شریف لشرفکم وبخع کل متکبر لطاعتکم

از عالمیان سر بزیر کرده هر بزرگی برای بزرگی شما و فروتنی کرده هر متکبری از برای فرمانبرداری شما

حضرت امام موسی علیه السلام ... نقل است ... حضرت امام حسین ... زینب ... نیک ... باشند ... بنی ...

... شمرده و آداب ... از برای ... امام علی نقی علیه السلام ... حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ... بجای ... حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... امام حسن ... امام حسین علیهما السلام ...

وَخَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ وَاَشْرَقَتِ الْاَرْضُ بِنُورِكُمْ

و فروتنی نمود هر سرکشی از برای فضیلت شما و خوار شده هر چیز از برای شما و روشن شده زمین بنور شما

وَفَازَ الْفَائِزُونَ بِوِلَايَتِكُمْ بِكُمْ يُسْلَكُ اِلَى الرِّضْوَانِ وَعَلَى مَنْ جَحَدَ

و فیروزی یافتند فیروزی یابندگان بمحبت شما بسبب شما راه برده میشود بسوی خشنودی خدا و بر کسیکه انکار نمود

وِلَايَتَكُمْ غَضَبُ الرَّحْمٰنِ بِاَبِي اَنْتُمْ وَاُمِّي وَنَفْسِي وَاَهْلِي وَمَالِي ذِكْرُكُمْ

با امامت شما غضب خداست پدرم فدای تو باد و مادرم و جانم و اهلم و مالم ذکر شما

فِي الذَّاكِرِينَ وَاَسْمَاؤُكُمْ فِي الْاَسْمَاءِ وَاَجْسَادُكُمْ فِي الْاَجْسَادِ وَاَرْوَاحُكُمْ

در میان یادکنندگان و نامهای شما در میان نامها و کالبدهای شما در میان کالبدها و روحهای شما

فِي الْاَرْوَاحِ وَاَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ وَآثَارُكُمْ فِي الْآثَارِ وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ

در میان روحها و نفسهای شما در میان نفسها و آثار شما در میان اثرها و قبرهای شما در میان قبرها

فَمَا اَحْلَى اَسْمَاءَكُمْ وَاَكْرَمَ اَنْفُسَكُمْ وَاَعْظَمَ شَأْنَكُمْ وَاَجَلَّ خَطَرَكُمْ وَاَوْفَى

پس چه شیرین است نامهای شما و چه گرامی است نفسهای شما و چه بزرگ است شان شما و چه بزرگ است قدر شما و چه وفا کرده شده

عَهْدَكُمْ وَاَصْدَقَ وَعْدَكُمْ كَلَامُكُمْ نُورٌ وَاَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَوَصِيَّتُكُمُ

پیمان شما و چه راست است وعده شما سخن شما نور است و فرمان شما رستگاریست و وصیت شما

التَّقْوَى وَفِعْلُكُمُ الْخَيْرُ وَعَادَتُكُمُ الْاِحْسَانُ وَسَجِيَّتُكُمُ الْكَرَمُ وَشَأْنُكُمُ

پرهیزکاریست و کار شما خیر است و عادت شما نیکوئی است و طبیعت شما کرم است و امر شما

الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَتْمٌ وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ

حق و راستی و [illegible] و گفتار شما محکم است و واجب و رای شما دانش و بردباری و [illegible] است

اِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ اَوَّلَهُ وَاَصْلَهُ وَفَرْعَهُ وَمَعْدِنَهُ وَمَأْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ

اگر ذکر شود خیری شما اول آن و اصل آن و فرع آن و معدن آن و [illegible]

بِاَبِي اَنْتُمْ وَاُمِّي وَنَفْسِي كَيْفَ اَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ وَاُحْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ

فدای شما مادر و پدرم و جانم چگونه وصف کنم خوبی ثنای شما و [illegible] نعمت نیکوی شما

وَبِكُمْ اَخْرَجَنَا اللّٰهُ مِنَ الذُّلِّ وَفَرَّجَ عَنّا غَمَراتِ الْكُرُوبِ وَاَنْقَذَنا بِكُمْ

و حال آنکه بسبب شما بیرون آورد ما را خدای تعالی از خواری و گشود از ما سختیهای اندوه را و رهانید ما را بسبب شما

مِنْ شَفا جُرُفِ الْهَلَكاتِ وَمِنَ النّارِ بِاَبى اَنْتُمْ وَاُمّى وَنَفْسى بِمُوالاتِكُمْ

از کنار گودال مهلکه ها و از آتش پدرم فدای شما باد و مادرم و جانم بدوستی شما

عَلَّمَنَا اللّٰهُ مَعالِمَ دينِنا وَاَصْلَحَ ما كانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيانا وَبِمُوالاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ

تعلیم نمود خدای تعالی معالم دین ما را و اصلاح نمود آنچه را که فاسد شده بود از دنیای ما و بدوستی شما تمام شد کلمه دین

وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ وَائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ وَبِمُوالاتِكُمْ تُقْبَلُ الطّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ

و عظیم شد نعمت و به الفت بدل شد جدائی و بدوستی شما مقبول میشود طاعت فرض شده

وَلَكُمُ الْمَوَدَّةُ الْواجِبَةُ وَالدَّرَجاتُ الرَّفيعَةُ وَالْمَقامُ الْمَحْمُودُ وَالْمَكانُ

و از برای شماست دوستی و محبتی که واجب است و مرتبه های بلند و مقام ستوده و آن مقامی

الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْجاهُ الْعَظيمُ وَالشَّأْنُ الْكَبيرُ وَالشَّفاعَةُ

که معلوم است نزد خدا غالب و بزرگ و منزلت عظیم و شان بزرگ و شفاعت

الْمَقْبُولَةُ رَبَّنا آمَنّا بِما اَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدينَ

پذیرفته ای پروردگار ما ایمان آوردیم بآنچه فرو فرستادی و پیروی کردیم پیغمبر را پس بنویس ما را در زمره گواهی دهندگان

رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ

ای پروردگار ما میل مده دلهای ما را بعد از آنکه هدایت کردی ما را و ببخش ما را از جانب خود رحمتی بدرستیکه تو

الْوَهّابُ سُبْحانَ رَبِّنا اِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً يا وَلِىَّ اللّٰهِ اِنَّ بَيْنى

بسیار بخشنده ای پاک و منزه است پروردگار ما بدرستیکه هست وعده پروردگار ما هر آینه بجا آورده شده ای ولی خدا بدرستیکه میان من

وَبَيْنَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوباً لا يَأْتى عَلَيْها اِلّا رِضاكُمْ فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكُمْ

و میان خدای عز و جل گناهانی است که محو نمیکند آنها را مگر خوشنودی شما پس بحق آنکه امین گردانید شما را

عَلى سِرِّهِ وَاسْتَرْعاكُمْ اَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طاعَتَكُمْ بِطاعَتِهِ لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ

بر راز خود و بشما سپرد کار خلق خود را و پیوسته گردانید طاعت شما را بطاعت خود که اینکه طلب بخشش نمائید از خدا بخشایش

ذنوبي وكنتم شفعائي فاني لكم مطيع من اطاعكم فقد اطاع الله و
گناهان مرا و بوديد شفيعان من پس بتحقيق من مر شما را فرمانبردارم هر كه اطاعت كند شما را پس بتحقيق اطاعت نموده خدا را
من عصاكم فقد عصى الله ومن احبكم فقد احب الله ومن ابغضكم
هر كه نافرمانی كند شما را پس بتحقيق نافرمانی كرده خدا را و هر كه دوست دارد شما را پس بتحقيق دوست داشته خدا را و هر كه دشمن دارد
فقد ابغض الله اللهم اني لو وجدت شفعاء اقرب اليك من
پس بتحقيق كه دشمن داشته خدا را بار خدايا بدرستيكه من اگر مي يافتم شفاعت كنندگانی كه نزديكتر باشند بسوی تو از
محمد واهل بيته الاخيار الائمة الابرار لجعلتهم شفعائي فبحقهم
محمد و اهل بيت او كه نيكانند و پيشوايان نيكوكاران هر آينه می گردانيدم ايشان را شفيعان خود پس بحق
الذي اوجبت لهم عليك اسئلك ان تدخلني في جملة العارفين
آن حقی كه واجب ساختی از برای ايشان بر خود سؤال ميكنم آنكه داخل سازی مرا در جمله شناسندگان
بهم وبحقهم وفي زمرة المرحومين بشفاعتهم انك ارحم الراحمين
ايشان و بحق ايشان و در زمره رحمت كرده شدگان بوسيله شفاعت ايشان بدرستيكه تو بخشاينده ترين بخشايندگانی
وصلى الله على محمد واله الطاهرين وسلم تسليما وحسبنا الله ونعم الوكيل
و درود فرستد خدا بر محمد و آل او كه پاكانند و سلام فرستد سلام فرستادنی و كافيست ما را خدا و نيكو وكيلی است

مؤلف گويد كه اين زيارت كامل ترين زيارات از برای نزديك و دور چون مسطور در عهد و پيمان زيارت بعيد است زيارت وداع را نقل نكرديم چون اين زيارت مشتمل است بر تجلی اجمع جهات كه در شأن ائمه عليهم السلام وارد شده است اگر در هر جمعه بلكه هر روز اين زيارت را بخوانند و تدبر و تفكر در معانی آن كنند موفق بخير بسيار خواهند شد و والد مرحوم عليه الرحمه مفصلا شرح نموده برای كمال معرفت ايشان بسيار نافع خواهد بود و از اركان ايمان شناسائی ايشان است عليهم السلام زيارت حضرت صاحب الامر صلوات الله عليه بطريق بسيار منقول شده در كتاب تحفة الزائر ذكر كرده ام و زيارت مختصری تجديد عهد و ولايت حضرت او مي باشد كه امام خود را ياد نمايند و از كافت بآن حضرت و سيد ابن طاوس عليه الرحمه ذكر كرده است كه مستحب است كه هر روز بعد از نماز صبح حضرت صاحب الامر را زيارت كنند

اللهم بلغ مولای صاحب الزمان صلوات الله علیه عن جمیع المؤمنین

خداوندا برسان آقای من صاحب زمان را درودهای خدا بر او باد از همه مردان مؤمن

والمؤمنات فی مشارق الارض ومغاربها وبرها وبحرها وسهلها وجبلها

و زنان مؤمنه که در مشرقهای زمین و مغربهای آن و بیابان آن و دریای آن و زمین هموار آن و کوه آن

حیهم ومیتهم وعن والدی وولدی وعنی من الصلوات والتحیات زنة

زنده ایشان و مرده ایشان از جانب پدر و مادر من و فرزندان من و از من از درودها و دعاها بوزن

عرش الله ومداد کلماته ومنتهی رضاه وعدد ما احصاه کتابه

عرش خدا و مداد کلمه های او و نهایت خشنودی او و شمار چیزیکه احاطه کرده بر آن کتاب او

واحاط به علمه اللهم انی اجدد له فی هذا الیوم وفی کل یوم عهدا

و احاطه نموده بآن علم او بار خدایا بدرستیکه تازه میکنم برای صاحب الزمان در این روز و در هر روز پیمانی

وعقدا وبیعة له فی رقبتی اللهم کما شرفتنی بهذا التشریف وفضلتنی

و قراری و بیعتی مر آنحضرت را در گردن خود بار خدایا چنانچه مشرف کردی مرا باین بزرگی و زیادتی دادی مرا

بهذه الفضیلة وخصصتنی بهذه النعمة فصل علی مولای وسیدی

باین فضیلت و خاص کردی مرا باین نعمت پس درود و رحمت بر آقای و سید من

صاحب الزمان واجعلنی من انصاره واشیاعه والذابین عنه واجعلنی

صاحب زمان و بگردان مرا از یاوران و مطیعان و دفع کنندگان از او و بگردان مرا

من المستشهدین بین یدیه طائعا غیر مکره فی الصف الذی نعت اهله

از شهادت یافتگان در برابر او بطوع و رغبت بدون اکراه در صفیکه تعریف کردی اهل آنرا

فی کتابک فقلت صفا کانهم بنیان مرصوص علی طاعتک وطاعة رسولک

در کتاب خود پس گفتی صفی که گویا ایشان بنای بهم پیوسته محکم اند بر طاعت تو و طاعت پیغمبر تو

وآله علیهم السلام اللهم هذه بیعة له فی عنقی الی یوم القیمة

و آل او بر ایشان سلام باد بار خدایا این بیعتی مر صاحب الزمان را در گردن من است تا روز قیامت

وبسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آنحضرت بمیرد خدا او را از قبرش بیرون آورد که در خدمت آنحضرت باشد و حق تعالی بهر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند و آن عهد اینست

اللهم رب النور العظيم ورب الكرسي الرفيع ورب البحر المسجور ومنزل

بارخدایا پروردگار نور بزرگ و پروردگار کرسی بلند و پروردگار دریای پر کرده و فرستنده

التورية والانجيل والزبور ورب الظل والحرور ومنزل القرآن العظيم

توریت و انجیل و زبور و پروردگار سایه و آفتاب و فرستنده قرآن بزرگ

ورب الملائكة المقربين والانبياء والمرسلين اللهم اني اسألك

و پروردگار فرشتگان مقرب و پروردگار پیغمبران و فرستادگان بارخدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو

بوجهك الكريم وبنور وجهك المنير وملكك القديم يا حي يا قيوم

از توجه تو که بزرگ است و بنور روی تو که روشن است و پادشاهی تو که دیرین است ای زنده ای پایدار

اسألك باسمك الذي اشرقت به السموات والارضون وباسمك الذي

سؤال میکنم از تو بنام تو آنچنان نامیکه تابان شده است بآن آسمانها و زمین ها و بنام تو آنچنان نامیکه

يصلح به الاولون والآخرون يا حيا قبل كل حي ويا حيا بعد كل حي يا حي

شایسته میشوند بآن پیشینیان و پسینیان ای زنده پیش از هر زنده و ای زنده بعد از هر زنده ای زنده

حين لا حي يا محيي الموتى ومميت الاحياء يا حي لا اله الا انت اللهم بلغ

هنگامیکه هیچ زنده نماند ای زنده کننده مردگان و میراننده زندگان ای زنده که نیست معبودی بجز تو بارخدایا برسان

مولانا الامام الهادي المهدي القائم بامرك صلوات الله عليه وعلى

آقای ما امام راهنمای راه یافته بپا دارنده بحکم تو درودهای خدا بر او باد و بر

آبائه الطاهرين عن جميع المؤمنين والمؤمنات في مشارق الارض

پدران او که پاکانند از جانب همه مردان مؤمن و زنان مؤمنه در مشرقهای زمین

ومغاربها سهلها وجبلها وبرها وبحرها وعني وعن والدي من الصلوات

و مغربهای آن هموار آن و کوه آن و بیابان آن و دریای آن و از جانب من و از جانب پدر و مادر من از درودها

والتحیات زنة عرش الله ومداد کلماته وما احصاه علمه ولحاظ کتابه

درعاها بوزن عرش خدا و درازی سخنان او و آنچه احاطه کرده آن را علم او و ... کتاب او

اللهم انی اجدد له فی صبیحة یومی هذا وما عشت من ایامی عهدا وعقدا

بار خدایا بدرستیکه من تازه میکنم مر آنحضرت را در صبح روز خود که این روز است و آنچه زنده باشم از روزهای خود عهد را و اقراری را

وبیعة له فی عنقی لا احول عنها ولا ازول ابدا اللهم اجعلنی من انصاره

و بیعتی را که مر او راست در گردن من برنگردم از آن و زائل نشوم هرگز بار خدایا بگردان مرا از یاران او

واعوانه والذابین عنه والمسارعین الیه فی قضاء حوائجه والممتثلین

و یاری دهندگان او و دفع کنندگان از او و شتابندگان بسوی او در برآوردن حاجتهای او و فرمانبرداران

لاوامره والمحامین عنه والسابقین الی ارادته والمستشهدین بین یدیه

امرهای او و حمایت کنندگان او و سبقت کنندگان بسوی اراده او و شهادت یافتگان روبروی او

اللهم ان حال بینی وبینه الموت الذی جعلته علی عبادک حتما فاخرجنی

بار خدایا اگر حائل شود میان من و میان او مرگی که گردانیدی آن را بر بندهای خود واجب پس بیرون آر مرا

من قبری مؤتزرا کفنی شاهرا سیفی مجردا قناتی ملبیا دعوة الداعی

از قبر من در حالتی که پوشیده باشم کفن خود را و برآورده باشم شمشیر خود را برهنه کرده باشم نیزه خود را لبیک گوینده باشم دعوت خواننده را

فی الحاضر والبادی اللهم ارنی الطلعة الرشیدة والغرة الحمیدة واکحل

در ساکن شهر و بادیه بار خدایا بنما مرا صورت نیکو و پیشانی نورانی ستوده و سرمه کش

ناظری بنظرة منی الیه وعجل فرجه وسهل مخرجه واوسع منهجه

چشم مرا بنظری از من بسوی او و زود کن گشایش کار او را و سهل کن برآمدن او را و وسیع کن راه او را

واسلک بی محجته وانفذ امره واشدد ازره واعمر اللهم به بلادک

و ببر مرا بطریق و جاده او و جاری کن امر او را و قوی کن پشت او را و آباد گردان بار خدایا بسبب او شهرهای خود را

واحی به عبادک فانک قلت وقولک الحق ظهر الفساد فی البر والبحر

و زنده گردان باو بندهای خود را پس بدرستیکه تو گفتی و گفته تو حق است که ظاهر شد فساد در بیابان و دریا

بما کسبت ایدی الناس فاظهر اللهم لنا ولیک وابن بنت نبیک

بانچه کسب کرده است دستهای مردم پس ظاهر گردان بار خدایا برای ما ولی خود را و پسر دختر پیغمبر خود

المسمی باسم رسولک حتی لا یظفر بشیء من الباطل الا مزقه ویحق الحق

که نامیده شده است بنام رسول تو تا ظفر نیابد بچیزی از باطل مگر پاره کند آنرا و درست گرداند حق را

ویحققه واجعله اللهم مفزعا للمظلوم من عبادک وناصرا لمن لا یجد

و تحقیق آن نماید و بگردان او را بار خدایا پناه برای ستمرسیده از بندهای خود و یاری دهنده برای کسیکه نیابد

له ناصرا غیرک ومجددا لما عطل من احکام کتابک ومشیدا لما ورد

برای خود یاوری غیر از تو و تازه کننده مر چیزی را که معطل مانده از احکام کتاب تو و محکم کننده مر چیزیرا که وارد شده

من اعلام دینک وسنن نبیک صلی الله علیه وآله واجعله اللهم ممن حصنته

از نشانهای دین تو و طریقه های پیغمبر تو درود فرستد خدا بر او و آل و بگردان او را بار خدایا از آنهائیکه

من بأس المعتدین وسر نبیک محمدا صلی الله علیه وآله برؤیته ومن تبعه

از ترس تجاوز کنندگان شاد گردان پیغمبر خود را محمد که درود فرستد خدا بر او و بر آل او بدیدن او و کسیکه پیروی کرد

علی دعوته وارحم استکانتنا بعده اللهم اکشف هذه الغمة عن الامة بحضوره

بر دعوت او و رحم کن بر فروتنی ما بعد او بار خدایا بگشا این غم را از امت بحاضر شدن او

وعجل لنا ظهوره انهم یرونه بعیدا ونریه قریبا برحمتک یا ارحم الراحمین

و تعجیل کن برای ما آشکار شدن او بدرستیکه منافقان می بینند او را دور و می بینیم ما نزدیک برحمت تو ای مهربانترین مهربانان

پس سه مرتبه دست بران است خود میزنی و در هر مرتبه میگوی

العجل یا مولای یا صاحب الزمان

زود و شتاب ای آقای من ای صاحب زمان

و اما دعائی به که مشتمل است بر عقاید حقه و تاسف بر غیبت حضرت قائم صلوات الله علیه

بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که این دعا را در جمیع عید

بخوانند یعنی روز جمعه و روز عید فطر و روز عید قربان و روز عید غدیر

ربنا لمنقلبون ... سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون

وحملنا فی البر والبحر ورزقنا من الطیبات وفضلنا علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین

هذا وما کنا له مقرنین ... سبحان الله

الحمد لله الذی لا اله الا هو وله الحمد رب العالمین وصلی الله علی محمد

حمد مر خدا را که نیست معبودی بحق مگر او و مر او راست حمد که پروردگار عالمیان است و درود فرستد خدا بر محمد

نبیه و آله وسلم تسلیما اللهم لک الحمد علی ما جری به قضاؤک فی اولیائک

پیغمبر خود و آل او و سلام فرستد سلام فرستادنی خدایا مر تراست حمد بر چیزی که جاری شده به آن حکم تو در دوستان تو

الذین استخلصتهم لنفسک و دینک اذ اخترت لهم جزیل ما عندک من

آنانکه خالص کردانیدی ایشان را برای نفس خود و دین خود چون اختیار کردی برای ایشان بسیاری آنچه نزد تو است از

النعیم المقیم الذی لا زوال له و لا اضمحلال له بعد ان شرطت علیهم

نعیم پایدار که نیست زوالی مر او را و نه کم شدنی مر او را بعد از آنکه شرط کردی بر ایشان

الزهد فی درجات هذه الدنیا الدنیة و زخرفها و زبرجها فشرطوا لک

ترک رغبت در درجه‌های این دنیای پست مرتبه و زینت آن و آرایش آن پس شرط کردند برای تو

ذلک و علمت منهم الوفاء به فقبلتهم و قربتهم و قدمت لهم الذکر

این زهد را و دانستی از ایشان وفا کردن به آن پس قبول کردی ایشان را و مقرب کردانیدی ایشان را و پیش داشتی برای ایشان ذکر

العلی و الثناء الجلی و اهبطت علیهم ملائکتک و کرمتهم بوحیک

بلند و ثنای آشکار و فرو فرستادی بر ایشان فرشتگان خود را و گرامی کردی ایشان را به وحی خود

و رفدتهم بعلمک و جعلتهم الذرائع الیک و الوسیلة الی رضوانک فبعض

و عطا کردی ایشان را علم خود و کردانیدی ایشان را وسیله‌ها بسوی خود و وسیله بسوی خشنودی خود پس بعضی را

اسکنته جنتک الی ان اخرجته منها و بعض حملته فی فلکک و نجیته

ساکن کردانیدی او را در بهشت خود تا آنکه بیرون آوردی او را از بهشت و بعضی را بار کردی در کشتی خود و نجات دادی او را

و من آمن معه من الهلکة برحمتک و بعض اتخذته لنفسک خلیلا

و کسی را که ایمان آورده بود با او از هلاکت به رحمت خود و بعضی را اختیار کردی او را برای نفس خود دوست

و سألک لسان صدق فی الآخرین فاجبته و جعلت ذلک علیا و بعض کلمته

و طلب کرد خلیل از تو زبان راستی در پسینان پس قبول کردی آن را و کردانیدی آن را بلند و بعضی سخن کردی

مِن شَجَرَةٍ تَكليماً وَجَعَلتَ لَهُ مِن اَخيهِ رِدءاً وَوَزيراً وَبَعضٌ اَولَدتَهُ مِن غَيرِ

از درخت سخن کردی و گردانیدی برای او از برادرش یار و وزیر و بعضی زائیدی او را از غیر

اَبٍ وَآتَيتَهُ البَيِّناتِ وَاَيَّدتَهُ بِرُوحِ القُدُسِ وَكُلٌّ شَرَعتَ لَهُ شَريعَةً

پدر و دادی او را حجتها و قوت بخشیدی او را بروح القدس یعنی جبرئیل و برای هر یکی

وَنَهَجتَ لَهُ مِنهاجاً وَتَخَيَّرتَ لَهُ اَوصِياءَ مُستَحفِظاً بَعدَ مُستَحفِظٍ مِن مُدَّةٍ

و مقرر کردی برای او راهی و اختیار کردی برای او وصیان نگاهبانی بعد نگاهبانی از مدتی

اِلى مُدَّةٍ اِقامَةً لِدينِكَ وَحُجَّةً عَلى عِبادِكَ وَلِئَلّا يَزُولَ الحَقُّ عَن مَقَرِّهِ

تا مدتی از جهت قائم داشتن مر دین ترا و حجت بر بندهای تو و تا اینکه زائل نگردد حق از قرارگاه خود

وَيَغلِبَ الباطِلُ عَلى اَهلِهِ وَلا يَقُولَ اَحَدٌ لَولا اَرسَلتَ اِلَينا رَسُولاً مُنذِراً

و غلبه ننماید باطل بر اهل خود و نگوید کسی که چرا نفرستادی بسوی ما پیغمبری را بیم دهنده

وَاَقَمتَ لَنا عَلَماً هادِياً فَنَتَّبِعَ آياتِكَ مِن قَبلِ اَن نَذِلَّ وَنَخزى اِلى اَنِ انتَهَيتَ

و چرا برپا نکردی برای ما علمی راهنما پس پیروی میکردیم آیات ترا پیش از آنکه خوار گردیم و رسوا شویم تا آنکه رسانیدی

بِالاَمرِ اِلى حَبيبِكَ وَنَجيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ فَكانَ كَمَا انتَجَبتَهُ سَيِّدَ مَن

کار را بسوی دوست خود و برگزیده خود محمد درود فرستد خدا بر او و آل او پس بود چنانچه برگزیدی او را سرور

خَلَقتَهُ وَصَفوَةَ مَنِ اصطَفَيتَهُ وَاَفضَلَ مَنِ اجتَبَيتَهُ وَاَكرَمَ مَنِ اعتَمَدتَهُ

آفریدی او را و برگزیده هر که برگزیدی او را و برتر از هر که اختیار کردی او را و بزرگتر هر که اعتماد کردی او را

قَدَّمتَهُ عَلى اَنبِيائِكَ وَبَعَثتَهُ اِلَى الثَّقَلَينِ مِن عِبادِكَ وَاَوطَأتَهُ مَشارِقَكَ

مقدم کردی بر پیغمبران خود و برانگیختی او را بسوی جن و انس از بندههای خود و سپردی مشرقها

وَمَغارِبَكَ وَسَخَّرتَ لَهُ البُراقَ وَعَرَجتَ بِرُوحِهِ اِلى سَمائِكَ وَاَودَعتَهُ

و مغربهای خود و مسخر گردانیدی برای او براق را و بالا بردی روح او را بسوی آسمان خود و سپردی او را

عِلمَ ما كانَ وَما يَكُونُ اِلَى انقِضاءِ خَلقِكَ ثُمَّ نَصَرتَهُ بِالرُّعبِ وَحَفَفتَهُ

علم آنچه شده است و آنچه خواهد شد تا آخر شدن آفرینش تو انگاه یاری کردی او را بهیبت و فرا گرفتی او را

بجبرئيل وميكائيل والمسوّمين من ملائكتك ووعدته ان تظهر دينه على

بجبرئیل و میکائیل و علامت داران از فرشتگان خود و وعده فرمودی او را که قوی کنی دین او را بر

الدين كله ولو كره المشركون وذلك بعد ان بوّأته مبوّأ صدق من اهله

بیها همه آن اگرچه ناخوش دارند مشرکان و آن بعد از آن بود که جای دادی او را جایگاه صدق از اهل او

وجعلت له ولهم اول بيت وضع للناس للذي ببكة مباركا وهدى للعالمين

و گردانیدی برای او و برای ایشان اول خانه که بنا کرده شده برای مردم هر آینه خانه‌ای است که در مکه برکت داده شده و هدایت است برای عالمیان

فيه آيات بينات مقام ابراهيم ومن دخله كان آمنا وقلت انما يريد

و در آن نشانه‌ها علامتهای آشکار است جای ابراهیم و هر که در آید در وی است ایمن و گفتی جز این نیست که خواهد

الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا ثم جعلت

خدا که برطرف کند از شما پلیدی را ای اهل بیت و پاک گرداند شما را پاک کردنی و گردانیدی

اجر محمد صلواتك عليه وآله مودتهم في كتابك فقلت قل لا اسئلكم

مزد محمد درود تو باد بر او و بر آل او دوستی ایشان در کتاب خود پس گفتی که بگو نمی‌طلبم از شما

عليه اجرا الا المودة في القربى وقلت ما اسئلكم عليه من اجر الا من

بر آن مزدی را مگر دوستی در خویشاوندان و گفتی نمی‌طلبم از شما بر او هیچ مزدی مگر آنکه

شاء ان يتخذ الى ربه سبيلا فكانوا هم السبيل اليك والمسلك

خواهد که بگیرد بسوی پروردگار خود راهی پس هستند ایشان راه بسوی تو و راه

الى رضوانك فلما انقضت ايامه اقام وليه علي بن ابي طالب صلواتك

بسوی خشنودی تو پس چون گذشت ایام او بر پا داشت ولی خود علی ابن ابیطالب را درود تو

عليهما وآلهما هاديا اذ كان هو المنذر ولكل قوم هاد فقال

بر هر دو باد و آل ایشان در حالیکه هدایت کننده است از جهت آنکه بود او بیم دهنده و مر گروهی را راه نماینده پس گفت

والملأ امامه من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد

در حالیکه جماعت پیش او بودند که هر که هستم من مولای او پس علی مولای اوست بار خدایا دوست دار کسی را که دوست دارد علی را و دشمن دار

من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله وقال من کنت انا نبیه

هر که دشمن باشد او را و یاری کن کسی را که یاری کند او را و خوار کن کسی را که خوار کند او را و گفت کسی که هستم من پیغمبر او

فعلی امیره وقال انا وعلی من شجرة واحدة وسائر الناس من اشجار

پس علی امیر او و گفت من و علی از یک درخت ایم و باقی مردم از درختهای

شتی واحله محل هرون من موسی فقال له انت منی بمنزلة هرون من

مختلف و جای داد او را جای هارون از موسی پس گفت مر او را که تو از من بمنزله هارونی از

موسی الا انه لا نبی بعدی وزوجه ابنته سیدة نساء العالمین واحل

موسی مگر اینکه نیست پیغمبر بعد از من و تزویج کرد او را دختر خود که سید زنان عالمیانست حلال کرد

له من مسجده ما حل له وسد الابواب الا بابه ثم اودعه علمه وحکمته

برای او از مسجد خود آنچه حلال بود مر او را و بست درهای مسجد را مگر در او را پس سپرد علم خود و حکمت خود را

فقال انا مدینة العلم وعلی بابها فمن اراد الحکمة فلیأتها من بابها

پس گفت که من شهر علمم و علی دروازه آن شهر است پس کسیکه خواهد حکمت را پس باید بیاید از در آن

ثم قال له انت اخی ووصیی ووارثی لحمک من لحمی ودمک من دمی

آنگاه گفت مر او را که تو برادر منی و وصی و وارث منی گوشت تو از گوشت منست و خون تو از خون منست

وسلمک سلمی وحربک حربی والایمان مخالط لحمک ودمک کما خالط

و صلح تو صلح منست و جنگ تو جنگ منست و ایمان آمیخته است بگوشت تو و خون تو چنانچه آمیخته

لحمی ودمی وانت غدا علی الحوض خلیفتی وانت تقضی دینی وتنجز عداتی

گوشت مرا و خون مرا و تو فردا بر سر حوض خلیفه منی و تو ادا میکنی قرض مرا و وفا میکنی وعدهای مرا

شیعتک علی منابر من نور مبیضة وجوههم حولی فی الجنة وهم جیرانی ولولا

شیعیان تو بر منبرها از نورند سفید است رویهای ایشان در گرد من در بهشت و ایشان همسایگان منند و اگر نبودی

انت یا علی لم یعرف المؤمنون بعدی وکان بعده هدی من الضلاله

تو ای علی شناخته نمی شدند مومنان بعد از من و بود علی بعد پیغمبر راه نما از گمراهی

ونوراً من العمى وحبل الله المتين وصراطه المستقيم لا يسبق بقرابة في رحم
و نوری از نابینایی و ریسمان خدا که محکم است و راه او که راست است سبقت گرفته نمی شود به نزدیکی در رحم

ولا بسابقة في دين ولا يلحق في منقبة من مناقبه يحذو حذو الرسول
و نه به پیشی در دین و ملحق کرده نمی شود در منقبتی از منقبتهای او پیروی می کند عقب پیغمبر

صلى الله عليهما وآلهما ويقاتل على التأويل ولا تأخذه في الله لومة لائم
درود فرستد خدا بر ایشان و آل ایشان و مقاتله می نماید بر تأویل و نمی گیرد او را در راه خدا سرزنش سرزنش کننده

قد وتر فيه صناديد العرب وقتل أبطالهم وناوش ذؤبانهم فأودع
به تحقیق که ریخت در راه خدا خون بزرگان عرب و کشت دلیران ایشان را و جنگ کرد با گرگان ایشان

قلوبهم أحقاداً بدرية وخيبرية وحنينية وغيرهن فأضبت على عداوته
در دلهای ایشان کینه های بدر و خیبر و حنین و غیر آنها پس فراهم آمدند بر دشمنی او

وأكبت على منابذته حتى قتل الناكثين والقاسطين والمارقين ولما قضى
و اقبال نمودند بر جنگ کردن با او تا آنکه کشت عهدشکنان را که اهل جمل اند و ستمکاران را که اهل شام اند و خوارج را

نحبه وقتله أشقى الآخرين يتبع أشقى الأولين لم يمتثل أمر الرسول صلى الله
مدت عمر خود را و کشت او را بدبخت ترین پسینیان تابع بدبخت ترین پیشینیان اطاعت کرده نشد فرمان پیغمبر رحمت خدا

عليه وآله في الهادين بعد الهادين والأمة مصرة على مقته مجتمعة على
بر او و بر آل او در راه نمایان بعد از راه نمایان است بجد بودند بر دشمنی او و فراهم آمده بودند

قطيعة رحمه وإقصاء ولده إلا القليل ممن وفى لرعاية الحق فيهم
قطع رحم او و دور کردن فرزندان او مگر کمی از آن کسان که وفا کردند مر رعایت حق او

فقتل من قتل وسبي من سبي وأقصي من أقصي وجرى القضاء لهم
پس کشته شد هر که کشته شد و اسیر شد هر که اسیر شد و دور کرده شد هر که دور کرده شد و جاری شد قضا برایشان

بما يرجى له حسن المثوبة إذ كانت الأرض لله يورثها من يشاء من
به چیزی که امید داشته می شود برای آن نیکی ثواب چونکه باشد زمین مر خدا را وارث می کند آن را هر که خواهد از

عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَسُبْحَانَ رَبِّنَا اِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولاً وَ

بنده های خود و خوشی آخرت مر پرهیزکاران است منزه و تسبیح مر پروردگار را بدرستیکه وعده پروردگار ما البته کرده شده و

لَنْ يُخْلِفَ اللّٰهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَعَلَى الْاَطَائِبِ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ

خلاف نمیکند خدا وعده خود را و اوست صاحب حکمت پس بر پسندیدگان پاکان از اهل بیت محمد و علی

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمَا فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ وَاِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ وَلِمِثْلِهِمْ فَلْتُذْرَفِ

رحمت کند خدا بر هر دو پس باید که بگریند گریه کنندگان و ایشان را پس باید که گریه زاری کنند زاری کنندگان و برای مانند

الدُّمُوعُ وَلْيَصْرُخِ الصَّارِخُونَ وَيَضِجَّ الضَّاجُّونَ وَيَعِجَّ الْعَاجُّونَ اَيْنَ الْحَسَنُ اَيْنَ الْحُسَيْنُ

ایشان باید ریخته شود اشکها و باید فریاد کنند فریاد کنندگان و ناله کنند ناله کنندگان و آه برآرند زاری کنندگان کجاست حسن کجاست حسین

اَيْنَ اَبْنَاءُ الْحُسَيْنِ صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ وَصَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ اَيْنَ السَّبِيلُ

و کجاست پسران حسین ع نیکوکار پس نیکوکار و راست گو بعد از راستگو و کجاست راه

بَعْدَ السَّبِيلِ اَيْنَ الْخِيَرَةُ بَعْدَ الْخِيَرَةِ اَيْنَ الشُّمُوسُ الطَّالِعَةُ اَيْنَ الْاَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ

بعد از راه و کجاست برگزیده بعد از برگزیده و کجایند آفتابهای درخشان کجایند ماه های تابان

اَيْنَ الْاَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ اَيْنَ اَعْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ اَيْنَ بَقِيَّةُ اللّٰهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ

کجایند ستاره های فروزان کجایند نشانه های دین و بنیادهای علم کجاست باقی گذاشته خدا که نباشد خالی از

الْعِتْرَةِ الطَّاهِرَةِ اَيْنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظَّلَمَةِ اَيْنَ الْمُنْتَظَرُ لِاِقَامَةِ الْاَمْتِ

ذریت پاک کجاست آماده شده برای بریدن بنیاد ستمکاران کجاست انتظار کشیده شده برای راست کردن سستی

وَالْعِوَجِ اَيْنَ الْمُرْتَجَى لِاِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ اَيْنَ الْمُدَّخَرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ

و بلندی کجاست امید داشته شده برای برطرف کردن ستم و زیادتی کجاست ذخیره کرده شده برای تازه کردن واجبها

وَالسُّنَنِ اَيْنَ الْمُتَخَيَّرُ لِاِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ اَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِاِحْيَاءِ

و سنتها کجاست اختیار کرده شده برای برگردانیدن ملت و شریعت کجاست آرزو کرده شده برای زنده کردن

الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ اَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَاَهْلِهِ اَيْنَ قَاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ

کتاب و حدود آن کجاست زنده کننده علامتهای دین و اهل آن کجاست شکننده شوکت تجاوز کنندگان

أَيْنَ هَادِمُ أَبْنِيَةِ الشِّرْكِ وَالنِّفَاقِ أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ

کجاست ویران کننده بنیادهای شرک و نفاق کجاست هلاک کننده اهل فسق و معصیت

وَالطُّغْيَانِ أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْغَيِّ وَالشِّقَاقِ أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ

و سرکشی کجاست بُرنده شاخهای گمراهی و مخالفت کجاست محوکننده اثرهای میل

وَالْأَهْوَاءِ أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْافْتِرَاءِ أَيْنَ مُبِيدُ الْعُتَاةِ وَ

و خواهشها کجاست قطع کننده ریسمانهای دروغ و افترا کجاست هلاک کننده سرکشان

الْمَرَدَةِ أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ أَيْنَ مُعِزُّ

سرتابان کجاست براندازنده اهل دشمنی و گمراه کردن و از دین در گذشتن کجاست عزیز کننده

الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ أَيْنَ جَامِعُ الْكَلِمِ عَلَى التَّقْوَى أَيْنَ بَابُ اللّٰهِ

دوستان خوار کننده دشمنان کجاست جمع کننده پرهیزکاران کجاست دروازه خدا

الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى أَيْنَ وَجْهُ اللّٰهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ أَيْنَ السَّبَبُ

که از آن در آمده میشود کجاست روی خدا که بسوی او متوجه میشوند اولیا کجاست سبب

الْمُتَّصِلُ بَيْنَ أَهْلِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرُ رَايَةِ الْهُدَى

پیوسته میان اهل زمین و آسمانها کجاست صاحب یوم فتح و برافرازنده علم هدایت

أَيْنَ مُؤَلِّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا أَيْنَ الطَّالِبُ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ

کجاست جمع نماینده پراکندگی شایستگی و خوشنودی کجاست طلب کننده خونهای پیغمبران و پسران

الْأَنْبِيَاءِ أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ أَيْنَ الْمَنْصُورُ عَلَى مَنِ اعْتَدَى

پیغمبران کجاست طلب کننده خون کشتگان کربلا کجاست کسیکه یاری کرده شده بر کسیکه ستم کرده

عَلَيْهِ وَافْتَرَى أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ

براو و افترا کرد کجاست مضطریکه اجابت کرده میشود هرگاه بخواند کجاست سر گروه خلایق

ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَابْنُ

صاحب نیکی و پرهیزکاری و کجاست پسر پیغمبر برگزیده و پسر علی پسندیده و پسر

خديجة الغراء وابن فاطمة الزهراء الكبرى بابي انت وامي ونفسي لك
خدیجه صاحب شرف و پسر فاطمه زهرا بزرگ مرتبه فدای تو شود پدر من و مادر من جان من
الوقاء والحمى يا ابن السادة المقربين يا ابن النجباء الاكرمين يا ابن الهداة
حفظ و حمایت ای پسر سروران مقربین ای پسر برگزیدگان بزرگواران ای پسر راهنمایان
المهتدين يا ابن الخيرة المهذبين يا ابن الغطارفة الانجبين يا ابن
راه یافتگان ای پسر برگزیدگان نیکو اخلاق ای پسر سروران بسیار برگزیده ای پسر
الخضارمة المنتجبين يا ابن القماقمة الاكرمين يا ابن الاطائب
نیکان برگزیدگان ای پسر مهتران بسیار گرامی گان ای پسر پاکان برگزیده گان
المطهرين يا ابن البدور المنيرة يا ابن السرج المضيئة يا ابن الشهب
پاک کرده شدگان ای پسر ماههای روشن ای پسر چراغهای روشن ای پسر شهابهای
الثاقبة يا ابن الانجم الزاهرة يا ابن السبل الواضحة يا ابن الاعلام
درخشنده ای پسر ستارگان روشن ای پسر راههای روشن ای پسر علمهای
اللائحة يا ابن العلوم الكاملة يا ابن السنن المشهورة يا ابن المعالم
نمایان ای پسر علمهای کامل ای پسر سنتهای مشهوره ای پسر نشانهای
المأثورة يا ابن المعجزات الموجودة يا ابن الدلائل المشهودة يا ابن الصراط
راه نشانه دار ای پسر معجزه محقق ای پسر دلیلها دیده شده ای پسر کسیکه او راه
المستقيم يا ابن النبأ العظيم يا ابن من هو في ام الكتاب لدى الله علي
راست است بحجت حقیقت ای پسر خبر بزرگ ای پسر کسیکه او در لوح محفوظ نزد خدا بلند مرتبه
حكيم يا ابن الآيات والبينات يا ابن الدلائل الظاهرات يا ابن البراهين
صاحب حکمت است ای پسر آیتها و روشنها ای پسر دلیلها آشکارا ای پسر برهانهای
الواضحات الباهرات يا ابن الحجج البالغات يا ابن النعم السابغات يا ابن طه
روشن غالب ای پسر حجتهای رسا ای پسر نعمتهای کامل ای پسر طه

والمحكمات يا ابن يس والذاريات يا ابن الطور والعاديات يا ابن من

محکمات ای پسر یسین و ذاریات ای پسر طور و عادیات ای پسر کسیکه

دنى فتدلى فكان قاب قوسين او ادنى دنوا واقترابا من العلي الاعلى

نزدیک شد پس آویخت پس بود بقدر دو گوشه کمان یا نزدیکتر از آن و قرب نزدیکی از خدای برتر

ليت شعري اين استقرت بك النوى بل اي ارض تقلك والثرى

کاش میدانستم که کجا قرار گرفت ترا نقل مکان بلکه کدام زمین برمیدارد ترا یا کدام خاک

ابرضوى ام غيرها ام ذي طوى عزيز علي ان ارى الخلق ولا ترى

آیا بکوه رضوی یا سوای آن یا ذی طوی سخت است بر من اینکه می بینم خلق را و دیده نمی شوی

ولا اسمع لك حسيسا ولا نجوى عزيز علي ان لا تحيط بي دونك

و نمی شنوم مر ترا آواز نرمی و نه رازی سخت است بر من اینکه فرا گیرد مرا بدون تو

البلوى ولا ينالك مني ضجيج ولا شكوى بنفسي انت من مغيب لم يخل منا

رنجی و نه رسد بتو از من فریادی و نه شکایتی بجان من تو غائب گردیده شدی که نیست خالی از ما بجان من

انت من نازح ما نزح عنا بنفسي انت امنية شائق تمنى من مؤمن ومؤمنة

تو آن غائبی که دور شدی از ما بنفس من تو آرزوی هستی آنکه آرزو کند از مرد مومن و زن مومنه

ذكرا فحنا بنفسي انت من عقيد عز لا يسامى بنفسي انت من اثيل مجد ولا يجارى

که یاد کردند [illegible] بنفس من تو هم پیمان عزی که برابر کرده نمی شود بنفس من تو [illegible] که برابری کرده نمیشود

بنفسي انت من تلاد نعم لا تضاهى بنفسي انت من نصيف شرف لا يساوى الى متى احار

بنفس من تو [illegible] نعمتها که مشابه کرده نمی شود بنفس من تو همتای بزرگی که برابر کرده نمیشود تا کی حیران باشم

فيك يا مولاي والى متى واي خطاب اصف فيك واي نجوى عزيز علي ان

در باب تو ای آقای من و تا کجا و کدام خطاب وصف کنم در حق تو و کدام راز سخت است بر من اینکه

اجاب دونك واناغى عزيز علي ان ابكيك ويخذلك الورى عزيز

جواب داده شوم بدون تو و سخن آرم [illegible] سخت است بر من اینکه گریه کنم ترا و فرو گذارند ترا مردم

على ان نجري عليك دموعنا ماجرى هل من معين فاطيل معه العويل

والبكاء هل من جزوع فاساعد جزعه اذا خلا هل قذيت عين فتسعدها

عيني على القذى هل اليك يا ابن احمد سبيل فتلقى هل اتصل يومنا

چشم من بر خاشاک آیا بسوی تو ای پسر احمد راهی است

منك بغده فنحظى متى نرد مناهلك الروية فنروى متى ننتقع من

عذب مائك فقد طال الصدى متى نغاديك ونراوحك فنقر عيوننا

متى ترانا ونراك وقد نشرت لواء النصر ترى اترانا نحف بك وانت

تأم الملأ وقد ملأت الارض عدلا واذقت اعداءك هوانا وعقابا

وابرت العتاة وجحدة الحق وقطعت دابر المتكبرين واجتثثت اصول

الظالمين ونحن نقول الحمد لله رب العالمين اللهم انت كشاف الكرب

والبلوى واليك استعدي فعندك العدوى وانت رب الاخرة

والاولى فاغث يا غياث المستغيثين عبيدك المبتلى واره سيده

بِشَدِيدِ الْقُوَى وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى وَبَرِّدْ غَلِيلَهُ يَا مَنْ

ای سخت توانا وزائل کردان از بندهٔ خود بسبب آن سرّ اندوه و سوزش را و سرد کن سوزش تشنگی او را ای آنکه

عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى وَيَا مَنْ إِلَيْهِ الرُّجْعَى وَالْمُنْتَهَى اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عَبِيدُكَ

بر عرش غالب شده وای کسیکه بسوی اوست بازگشت وانتها بارخدایا وما بندهٔ تو ئیم

التَّائِقُونَ إِلَى وَلِيِّكَ الْمُذَكِّرِ بِكَ وَبِنَبِيِّكَ خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذاً وَأَقَمْتَهُ

مشتاقانیم بسوی دوست تو که یاد دهنده است ترا و پیغمبر ترا آفریدی تو او را برای ما پناه و مرجع و برپا کردی او را

لَنَا قِوَاماً وَمَعَاذاً وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَاماً فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَاماً وَزِدْنَا

برای ما پایداری و پناهی وگردانیدی او را برای مؤمنان از ما پیشوا پس برسان او را از ما درود و سلام وبیفزای ما را

بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَاماً وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرّاً وَمُقَاماً وَأَتْمِمْ نِعْمَتَكَ

باین ای پروردگار ما عزت واکرام وبگردان قرارگاه او را برای ما جای قرار و جای اقامت وتمام کن نعمت خود را

بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَامَنَا حَتَّى تُورِدَنَا جِنَانَكَ وَمُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ

بمقدم داشتن خود او را پیش تا برسانی ما را بهشتهای خود و برفاقت شهیدان از

خُلَصَائِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ وَصَلِّ عَلَى جَدِّهِ مُحَمَّدٍ

خالصان خود بارخدایا درود بفرست بر حجت خود و ولی امر خود و درود بفرست بر جد او محمد

رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ وَصَلِّ عَلَى أَبِيهِ السَّيِّدِ الْقَسْوَرِ وَحَامِلِ اللِّوَاءِ

پیغمبر خود سرور بزرگتر و درود بفرست بر پدر او سرور شیر صولت و بردارندهٔ علم

فِي الْمَحْشَرِ وَسَاقِي أَوْلِيَائِهِ مِنْ نَهْرِ الْكَوْثَرِ وَالْأَمِيرِ عَلَى سَائِرِ الْبَشَرِ

در محشر و آب دهندهٔ دوستان خود از نهر کوثر و امیر بر همه آدمیان

الَّذِي مَنْ آمَنَ بِهِ فَقَدْ ظَفِرَ وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ فَقَدْ خَطَرَ وَكَفَرَ صَلَّى اللَّهُ

آنکه هر که ایمان آورد باو پس بتحقیق ظفر یافته و هر که ایمان نیاورد باو پس بتحقیق خطر نمود و کافر شد درود فرستد خدا

عَلَيْهِ وَعَلَى أَخِيهِ وَعَلَى نَجْلِهِمَا الْمَيَامِينِ الْغُرَرِ مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَمَا أَضَاءَ قَمَرٌ

بر او و بر برادر او و بر اولاد هردو که صاحبان میمنت و شرافت اند تا زمانیکه طلوع کند آفتاب و تا زمانیکه بتابد ماه

وعلى الحلّة الصدّيقة الكبرى فاطمة الزهراء بنت محمّد المصطفى وعلى

و بر جده او بسیار صدق و بزرگ فاطمه زهرا دختر محمد مصطفی و بر

من اصطفيت من آبائه البررة وعليه افضل واكمل واتمّ وادوم واكثر

هر که برگزیدی از پدران او که نیکان بودند و بر او بهتر و کامل‌تر و تمام‌تر و دائم‌تر و بیشتر

واوفر ما صلّيت على احد من اصفيائك وخيرتك من خلقك وصلّ عليه

و فراوان‌تر آنچه رحمت فرستادی بر یکی از برگزیدگان خود و آنکه اختیار کرده‌ای از خلق خود و درود فرست

صلاة لا غاية لعددها ولا نهاية لمددها ولا نفاد لامدها اللهمّ واقم به

درودی که نهایت نباشد مر شمار او را و آخر نباشد مر مدد او را و آخر شدن نباشد مر منتهای او را بار خدایا و برپا دار بسبب او

الحقّ وادحض به الباطل وادلل به اولياءك واذلل به اعداءك

حق را و زائل گردان بسبب او باطل را و راه نمای دوستان خود را و خوار گردان بسبب او دشمنان خود را

وصل اللهمّ بيننا وبينه وصلة تؤدّي الى مرافقة سلفه واجعلنا

و وصل کن بار خدایا میان ما و میان او پیوستگی که برساند بسوی همراهی آنانکه پیش از او گذشته‌اند و بگردان ما را

ممّن يأخذ بحجزتهم ويمكث في ظلّهم واعنّا على تأدية حقوقه اليه

از آنکه بگیرند بحجزه و امان ایشان و باشد در سایه ایشان و یاری کن ما را در ادا کردن حقهای او بسوی او

والاجتهاد في طاعته والاجتناب عن معصيته وامنن علينا برضاه

و سعی کردن در طاعت او و پرهیز کردن از نافرمانی او و احسان کن بر ما به رضای او

وهب لنا رأفته ورحمته ودعاءه وخيره ما ننال به سعة من رحمتك

و ببخش ما را مهربانی او و رحمت او و دعای او و خیر او که دریابیم بآن وسعتی از رحمت تو

وفوزاً عندك واجعل صلواتنا به مقبولة وذنوبنا به مغفورة

و رستگاری نزد تو و بگردان نماز ما را بسبب او مقبول کرده و گناهان ما را بسبب او آمرزیده شده

ودعاءنا به مستجاباً واجعل ارزاقنا به مبسوطة وهمومنا به مكفيّة

و دعای ما را مستجاب و بگردان روزیهای ما را بسبب او گشاده و اندوههای ما را بسبب او کفایت کرده شده

وَحَوائِجَنا بِهِ مَقْضِيَّةً وَاَقْبِلْ اِلَيْنا بِوَجْهِكَ الْكَريمِ وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنا اِلَيْكَ

و حاجتهای ما را با و بر آورده شده متوجه شو بسوی ما بروی خود که کریم ست و قبول کن تقرب ما را بسوی خود

وَانْظُرْ اِلَيْنا نَظْرَةً رَحيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكَرامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لا تَصْرِفْها

و نگاه کن بسوی ما نگاه مهربانی که بکمال رسانیم بان نزدیکی گرامی بودن را نزد تو انگاه مگردان

عَنّا بِجُودِكَ وَاسْقِنا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَاْسِهِ

از ما نظر را بجشش خود و آب ده ما را از حوض جدا و درود فرستد خدا برا و و آل او بجام او

وَبِيَدِهِ رَيّاً رَوِيّاً هَنيئاً سائِغاً لا ظَمَاءَ بَعْدَهُ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ

و دست او سیراب سیر کوارا آسان که تشنگی نباشد بعد از ان ای مهربان ترین مهربانان

و اما طریق صلوات فرستادن برایشان شیخ طوسی رحمه الله بسند معتبر روایت کرده است که

عبد الله بن محمد گفت که من سوال کردم از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که املا نماید بر

من کیفیت صلوة فرستادن بحضرت رسول صلعم و اوصیای آنحضرت صلوات الله علیهم اجمعین را با خود

حاضر کرده بودم کاغذ بزرگی را پس بمن املا فرمود بی آنکه از کتابی املا کند باین نحو

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما حَمَلَ وَحْيَكَ وَبَلَّغَ رِسالاتِكَ وَصَلِّ عَلى

بار خدایا رحمت کن بر محمد و آل محمد چنانچه بر داشت وحی ترا و رسانید رسالت ترا و رحمت کن

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما اَحَلَّ حَلالَكَ وَحَرَّمَ حَرامَكَ وَعَلَّمَ كِتابَكَ وَصَلِّ عَلى

محمد و آل محمد چنانچه حلال گردانید حلال ترا و حرام گردانید حرام ترا و تعلیم کرد کتاب ترا و رحمت کن

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما اَقامَ الصَّلوةَ وَآتَى الزَّكوةَ وَدَعا اِلى دينِكَ

محمد و آل محمد چنانچه بر پا داشت نماز را و ادا کرد زکوة را و خواند بسوی دین تو

وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما صَدَّقَ بِوَعْدِكَ وَاَشْفَقَ مِنْ وَعيدِكَ

و رحمت کن بر محمد و آل محمد چنانچه تصدیق نمود بوعده ثواب تو و ترسید از وعده عذاب تو

وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما غَفَرْتَ بِهِ الذُّنُوبَ وَسَتَرْتَ بِهِ الْعُيُوبَ

و رحمت کن بر محمد و آل محمد چنانچه آمرزیدی باو گناهان را و پوشیدی باو عیبها را

وَفَرَّجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا دَفَعْتَ بِهِ الشَّقَاءَ

وگشایش دادی باو اندوهها را ورحمت کن بر محمد وآل محمد چنانچه دفع کردی باو بدبختی را

وَكَشَفْتَ بِهِ الْغَمَّاءَ وَأَجَبْتَ بِهِ الدُّعَاءَ وَنَجَّيْتَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ وَصَلِّ عَلَى

وبرطرف کردی باو غمها را مستجاب کردی دعا را ونجات دادی باو از بلا ورحمت کن بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ وَأَحْيَيْتَ بِهِ الْبِلَادَ وَقَصَمْتَ بِهِ الْجَبَابِرَةَ

محمد وآل محمد چنانچه رحم کردی باو بندها را وزنده کردی باو شهرها را وشکستی باو جباران را

وَأَهْلَكْتَ بِهِ الْفَرَاعِنَةَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَضْعَفْتَ بِهِ

وهلاک گردانیدی باو فرعون صفتان را ورحمت کن بر محمد وآل محمد چنانچه مضاعف گردانیدی باو

الْأَمْوَالَ وَأَحْرَزْتَ بِهِ مِنَ الْأَهْوَالِ وَكَسَرْتَ بِهِ الْأَصْنَامَ وَرَحِمْتَ بِهِ

مالها را ورهانیدی باو از هولهای قیامت وشکستی باو بتان را ومهربان شدی باو

الْأَنَامَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ الْأَدْيَانِ وَأَعْزَزْتَ بِهِ

برخلق ورحمت کن بر محمد وآل محمد چنانچه برانگیختی او را به بهترین دینها واعزاز فرمودی باو

الْإِيمَانَ وَتَبَّرْتَ بِهِ الْأَوْثَانَ وَعَظَّمْتَ بِهِ الْبَيْتَ الْحَرَامَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

ایمان را وهلاک کردی باو بتان را وبزرگی دادی باو کعبه را ورحمت کن بر محمد

وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ وَسَلِّمْ تَسْلِيماً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

واهل بیت او که پاکان برگزیدگانند وسلام بفرست سلام فرستادنی بارخدایا درود بفرست بر امیر مؤمنان

عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَخِي نَبِيِّكَ وَوَلِيِّهِ وَوَصِيِّهِ وَوَزِيرِهِ وَمُسْتَوْدَعِ عِلْمِهِ

علی بن ابی طالب که برادر پیغمبر تست ودوست او ووصی اوست ووزیر اوست ومحل امانت علم او

وَمَوْضِعِ سِرِّهِ وَبَابِ حِكْمَتِهِ وَالنَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَالدَّاعِي إِلَى شَرِيعَتِهِ وَخَلِيفَتِهِ

وجای راز اوست ودر دروازه حکمت اوست وگویا بحجت اوست وخواننده بسوی شرع اوست وجانشین

فِي أُمَّتِهِ وَمُفَرِّجِ الْكُرَبِ عَنْ وَجْهِهِ قَاصِمِ الْكَفَرَةِ وَمُرْغِمِ الْفَجَرَةِ الَّذِي جَعَلْتَهُ

در امت اوست وگشاینده اندوه از روی اوست شکننده کافران وبینی بخاک مالنده فاجران آنکه گردانیدی او را

مِن نبیّك بمنزلة هارون من موسی اللهم وال من والاه وعاد من عاداه

نسبت بپیغمبر خود بجای هارون نسبت بموسی بارخدایا دوست دار هر که او را دوست دارد و دشمن باش هر که او را دشمن دارد

وانصر من نصره واخذل من خذله والعن من نصب له من الاولین

و یاری ده هر که او را یاری کند و ترک یاری کن هر که ترک یاری او کند و لعن کن کسی که دشمنی نماید مر او را از پیشینیان

والآخرین وصلّ علیه افضل ما صلّیت علی احد من اوصیاء انبیائك

و پسینیان و صلوات بفرست بر او بهتر از آنچه درود فرستادی بر یکی از وصیت یافتگان پیغمبران خود

یا رب العالمین اللهم صلّ علی الصدّیقة فاطمة الزکیّة حبیبة حبیبك

ای پروردگار عالمیان بارخدایا درود بفرست بر بسیار صدق فاطمه پاک دوست دوست تو

ونبیّك وامّ احبّائك واصفیائك التی انتجبتها وفضّلتها واخترتها علی

و پیغمبر تو و مادر دوستان و برگزیدگان تو آنکه برگزیدی او را و بزرگی بخشیدی او را و اختیار کردی او را

نساء العالمین اللهم کن الطالب لها ممن ظلمها واستخفّ بحقها و

زنان عالمیان بارخدایا باش طلب کننده حق او را از کسانیکه ستم کردند و سبک شمردند حق او را

کن الثائر اللهم بدم اولادها اللهم وکما جعلتها امّ الائمة الهدی

و باش طلب خون بارخدایا بخون فرزندان او بارخدایا و چنانچه گردانیدی او را مادر امامان هدایت

وحلیلة صاحب اللواء والکریمة عند الملأ الاعلی فصلّ علیها وعلی امّها

و زوجه صاحب علم که علی است و گرامی نزد فرشتگان عالم بالا پس درود بفرست بر او و بر مادرش

صلوة تکرم بها وجه ابیها محمد صلی الله علیه وآله وتقرّ بها اعین ذریّتها

درودی که گرامی داری بآن روی پدر او محمد رحمت کند خدا بر او و آل او و روشن گردانی بآن چشم فرزندان او

وابلغهم عنّی فی هذه الساعة افضل التحیّة والسلام اللهم صلّ علی الحسن

و برسان ایشان را از جانب من در این ساعت بهتر درود و سلام بارخدایا رحمت کن بر حسن

والحسین عبدیك وولیّیك وابنی رسولك وسبطی الرحمة وسیّدی

و حسین دو بنده خود و دو دوست خود و دو پسر پیغمبر خود و دو نبیره رحمت و دو آقای

شباب اهل الجنة افضل ما صليت على احد من اولاد النبيين

جوانان اهل بهشت بهتر از آنچه رحمت كردى بر يكى از فرزندان پيغمبران

والمرسلين اللهم صل على الحسن ابن سيد النبيين ووصى امير المؤمنين

و فرستادگان بار خدايا رحمت كن بر حسن پسر سيد پيغمبران و وصيت كرده شده امير مؤمنان

السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن سيد الوصيين

سلام باد بر تو اى پسر پيغمبر خدا سلام بر تو باد اى پسر سيد اوصيا

اشهد انك يا ابن امير المؤمنين امين الله وابن امينه عشت مظلوما

گواهى ميدهم بدرستيكه تو اى پسر امير مؤمنان امانت دار خدا و پسر امانت دار او زندگانى كردى در حال مظلومى

ومضيت شهيدا واشهد انك الامام الزكى الهادى المهدى اللهم

و در گذشتى در حال شهادت و گواهى ميدهم بدرستيكه تو امام پاك راه نماى هدايت يافته شده بار خدايا

صل عليه وبلغ روحه وجسده عنى فى هذه الساعة افضل التحية

درود بفرست بر او و برسان روح او را و تن او را از من در اين ساعت بهترين تحيت

والسلام اللهم صل على الحسين بن على المظلوم الشهيد قتيل الكفرة

و سلام بار خدايا رحمت كن بر حسين ابن على ستم رسيده شهيد مقتول كافران

وطريح الفجرة والسلام عليك يا ابا عبد الله السلام عليك يا ابن رسول الله

و انداخته فاجران و سلام باد بر تو اى ابو عبد الله سلام باد بر تو اى پسر پيغمبر خدا

السلام عليك يا ابن امير المؤمنين اشهد موقنا انك امين الله وابن امينه

سلام باد بر تو اى پسر امير مؤمنان گواهى ميدهم در حال يقين بدرستيكه تو امانت دار خدا و پسر امانت دار او

قتلت مظلوما ومضيت شهيدا واشهد ان الله تعالى الطالب بثارك

كشته شده در حال ستم رسيدگى و رفتى شهيد و گواهى ميدهم بدرستيكه خداى بزرگ طلب كننده خون تست

ومنجز ما وعدك من النصر والتاييد فى هلاك عدوك واظهار دعوتك

و وفا كننده است با آنچه وعده كرده ترا از يارى و قوت بخشى در هلاك دشمن تو و آشكار كردن دعوت تو

واشهد انك وفيت بعهد الله وجاهدت في سبيل الله وعبدت الله
وگواهی میدهم بدرستیکه تو وفا کردی بعهد خدا وجهاد کردی در راه خدا و پرستیدی خدا را

مخلصا حتى اتاك اليقين لعن الله امة قتلتك ولعن الله امة خذلتك
در حالت خالص تا آمد ترا مرگ لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا و لعنت کند خدا گروهی را که ترک یاری کردند

ولعن الله امة البت عليك وابرأ الى الله تعالى ممن كذبك واستخف بحقك
و لعنت کند خدا گروهی را که ... و بیزاری میجویم بسوی خدا از کسی که تکذیب کرد ترا و سبک شمرد حق ترا

واستحل دمك بابي انت وامي يا ابا عبد الله لعن الله قاتلك ولعن الله
و حلال دانست خون ترا فدای تو باد پدر من و مادر من ای ابا عبد الله لعنت کند خدا کشنده ترا و لعنت کند خدا

خاذلك ولعن الله من سمع واعيتك فلم يجبك ولم ينصرك ولعن الله
فروگذارنده ترا و لعنت کند خدا کسی را که شنید فریاد ترا پس جواب نکرد ترا و یاری نکرد ترا و لعنت کند خدا

من سبى نساءك وانا الى الله منهم بريء وممن والاهم ومالاهم و
کسی را که اسیر کرد زنان ترا و من بسوی خدا از آنها بیزارم و از آنها که دوست داشتند آنها را و همراهی کردند

اعانهم عليه اشهد انك والائمة من ولدك كلمة التقوى وباب
یاری کرد ایشان را بر او گواهی میدهم بدرستیکه تو و امامان از فرزندان تو سخن پرهیزکاری اند و دروازه

الهدى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد اني بكم مؤمن
هدایت و دستاویز محکم و حجت بر اهل دنیا و گواهی میدهم بدرستیکه بشما ایمان دارم

وبإيابكم موقن لكم تابع بذات نفسي وشرائع ديني وخواتيم عملي و
و برجعت شما یقین دارم و مر شما را پیروی کننده ام بذات نفس خود و بشریعتهای دین خود و بخاتمه‌های کردار خود و

منقلبي في دنياي وآخرتي اللهم صل على علي بن الحسين سيد العابدين
جای بازگشت خود در دنیای خود و آخرت خود بار خدایا رحمت کن بر علی بن الحسین آقای عبادت کنندگان

الذي استخلصته لنفسك وجعلت منه ائمة الهدى الذين يهدون
آن کسیکه خالص گردانیدی او را برای خود و بگردانیدی از او پیشوایان هدایت آنانکه هدایت میکنند

بالحق وبه يعدل اخترته لنفسك وطهرته من الرجس واصطفيته

براستی و براستی داوری میکند اختیار کردی او را برای نفس خود و پاک گردانیدی او را از پلیدی و برگزیدی او را

وجعلته هاديا مهديا اللهم فصل عليه افضل ما صليت على احد من

و گردانیدی او را راه نماینده راه یافته شده بار خدایا پس رحمت کن بر او بهتر از آنچه رحمت کردی بر یکی

ذرية انبيائك حتى تبلغ به ما تقر به عينه في الدنيا والاخرة انك

فرزندان پیغمبران خود تا برسانی او را بچیزی که روشن گردانی آن چشم او را در دنیا و آخرت بدرستیکه تو

عزيز حكيم اللهم صل على محمد بن علي باقر العلم وامام الهدى وقائد

غالب حکیمی بار خدایا رحمت کن بر محمد پسر علی باقر علم و امام راهنما و پیشوای

اهل التقوى والمنتجب من عبادك اللهم كما جعلته علما لعبادك

پرهیزکاران و برگزیده از بنده های تو بار خدایا و چنانچه گردانیدی او را نشان هدایت بنده های خود

ومنارا لبلادك ومستودعا لحكمتك ومترجما لوحيك وامرت

و منار برای شهرهای خود و جای امانت برای حکمت خود و ترجمه کننده برای وحی خود و امر کردی خلق را

بطاعته وحذرت من معصيته فصل عليه يا رب افضل ما صليت

برای فرمان بردن او و ترسانیدی مردم را از معصیت او پس رحمت کن بر او ای پروردگار بهتر از آنچه رحمت کردی

على احد من ذرية انبيائك واصفيائك ورسلك وامنائك يا رب العالمين

بر یکی از نسل پیغمبران خود و برگزیدگان خود و فرستادگان خود و امینان خود ای پروردگار عالمیان

اللهم صل على جعفر بن محمد الصادق خازن العلم الداعي اليك بالحق النور

بار خدایا رحمت کن بر جعفر پسر محمد ملقب بصادق خزانه دار علم دعوت کننده بسوی تو براستی نور

المبين اللهم وكما جعلته معدن كلامك ووحيك وخازن علمك

آشکار خدایا چنانچه گردانیدی او را کان سخن خود و وحی خود و خزانه دار علم خود

ولسان توحيدك وولي امرك ومستحفظ دينك فصل عليه افضل ما

و زبان توحید خود و کارپرداز امر خود و نگاه دارنده دین خود پس رحمت کن بر او بهتر از آنچه

صليت على احد من اصفيائك وحججك انك حميد مجيد اللهم صل على الامين

ی بر یکی از برگزیدهای خود و حجتهای خود بدرستیکه تو ستوده بزرگی بار خدایا رحمت کن بر امانتدار

المؤمن موسى بن جعفر البر الوفي الطاهر الزكي النور المبين المجتهد

مؤمن موسی پسر جعفر نیکوکار وفادار پاک پاکیزه بیان کننده جهد کننده

المحتسب الصابر على الاذى فيك اللهم وكما بلغ عن آبائه ما استودع

احتساب کننده صبر کننده بر آزار در راه تو بار خدایا و چنانچه رسانید از پدران خود آنچه امانت سپرده بود

من امرك ونهيك وحمل على المحجة وكابد اهل العزة والشدة فيما كان

از امر تو و نهی تو و بر کماشت بر راه راست و سختی کشید از اهل غلبه و شدت در آنچه بود

يلقى من جهال قومه رب فصل عليه افضل واكمل ما صليت على احد

میرسید از بی خردان کروه او ای پروردگار من پس رحمت کن بر او زیاده تر و کامل تر آنچه رحمت کردی بر یکی

ممن اطاعك ونصح لعبادك انك غفور رحيم اللهم صل على علي بن موسى

از آنها که اطاعت کردند ترا و نصیحت کردند مر بندهای ترا بدرستیکه تو آمرزنده مهربانی بار خدایا رحمت کن بر علی پسر موسی

الذي ارتضيته ورضيت به من شئت من خلقك اللهم وكما جعلته

آنکه پسندیدی او را و راضی گردانیدی باو هرکه را خواستی از خلق خود خداوندا چنانچه گردانیدی او را

حجة على خلقك وقائما بامرك وناصرا لدينك وشاهدا على عبادك

حجت بر خلق خود و قائم بامر خود و یاری کننده برای دین خود و گواه بر بندهای خود

وكما نصح لهم في السر والعلانية ودعا الى سبيلك بالحكمة والموعظة

و چنانچه نصیحت کرد مر ایشان را در پنهان و آشکار و خواند بسوی راه تو بحکمت و پند

الحسنة فصل عليه افضل ما صليت على احد من اوليائك وخيرتك

نیک پس رحمت کن بر او بهتر از آنچه رحمت کردی بر یکی از دوستان خود و برگزیدگان خود

من خلقك انك جواد كريم اللهم صل على محمد بن علي بن موسى علم التقى

از خلق خود بدرستیکه تو صاحب جود و صاحب کرمی بار خدایا رحمت کن بر محمد پسر علی پسر موسی نشانه پرهیزکاری

سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير

وَنُورِ الْهُدَىٰ وَمَعْدِنِ الْوَفَاءِ وَفَرْعِ الْأَزْكِيَاءِ وَخَلِيفَةِ الْأَوْصِيَاءِ وَأَمِينِكَ

و روشنی هدایت و کان وفا و شاخ پاکان و جانشین وصیت شدگان [illegible]

عَلَىٰ وَحْيِكَ اللَّهُمَّ وَكَمَا هَدَيْتَ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَاسْتَنْقَذْتَ بِهِ مِنَ الْحَيْرَةِ

بر وحی تو بارخدایا چنانچه هدایت کردی باو از گمراهی و رهانیدی باو از حیرانی

وَأَرْشَدْتَ بِهِ مَنِ اهْتَدَىٰ وَزَكَّيْتَ بِهِ مَنْ تَزَكَّىٰ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا

و راه نمودی باو کسی را که راه یافت و پاک گردانیدی باو کسی را که پاک [illegible]

صَلَّيْتَ عَلَىٰ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَبَقِيَّةِ أَصْفِيَائِكَ إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

رحمت کردی بر یکی از دوستان خود و باقی برگزیدگان خود بدرستیکه تو غالب صاحب حکمتی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَصِيِّ الْأَوْصِيَاءِ وَإِمَامِ الْأَتْقِيَاءِ وَخَلَفِ أَئِمَّةِ

بارخدایا رحمت کن بر علی پسر محمد وصیت کرده شده وصیت کرده شدگان و پیشوای پرهیزکاران جانشین [illegible]

الدِّينِ وَالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَهُ نُورًا يَسْتَضِيءُ بِهِ

دین و حجت خدا بر آفریدگان همه بارخدایا چنانچه گردانیدی او را نوری که روشنی طلبند باو

الْمُؤْمِنُونَ فَبَشَّرَ بِالْجَزِيلِ مِنْ ثَوَابِكَ وَأَنْذَرَ بِالْأَلِيمِ مِنْ عِقَابِكَ وَحَذَّرَ

مومنان پس بشارت داده به بزرگی از ثواب تو و بیم فرمود بالم رساننده از عقوبت تو و ترسانید

بَأْسَكَ وَذَكَّرَ بِآيَاتِكَ وَأَحَلَّ حَلَالَكَ وَحَرَّمَ حَرَامَكَ وَبَيَّنَ شَرَائِعَكَ وَ

از عذاب تو و یاد داده آیات ترا و حلال کرده حلال ترا و حرام کرده حرام ترا و آشکار نمود شریعتهای ترا

فَرَائِضَكَ وَحَضَّ عَلَىٰ عِبَادَتِكَ وَأَمَرَ بِطَاعَتِكَ وَنَهَىٰ عَنْ مَعْصِيَتِكَ

فریضه‌های ترا و تحریض کرده بر پرستش تو و امر کرده بطاعت تو و نهی کرده از گناه تو

فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَذُرِّيَّةِ أَنْبِيَائِكَ يَا إِلٰهَ

پس رحمت کن بر او بهتر از آنچه رحمت کردی بر یکی از دوستان خود و فرزندان پیغمبران ای خدای

الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَرِّ التَّقِيِّ الصَّادِقِ الْوَفِيِّ النُّورِ الْمُضِيءِ خَازِنِ عِلْمِكَ

عالمیان بارخدایا رحمت کن بر حسن پسر علی نیکوکار پرهیزکار راستگو با وفا [illegible] خازن علم تو

[illegible]

والمذكر بتوحيدك وولي امرك وخلف ائمة الدين الهداة الراشدين

و رساننده به یکانکی تو و متولی امر تو و جانشین امامان دین راه نمایان راه یابان

والحجة على اهل الدنيا فصل عليه يا رب افضل ما صليت على احد

و حجت خدا بر اهل دنیا پس رحمت کن بر او ای پروردگار من بهتر آنچه رحمت کردی بر یکی

من اصفيائك وحججك واولاد رسلك يا اله العالمين اللهم صل على

از برگزیدگان خود و حجتهای خود و فرزندان پیغمبران خود ای خدای عالمیان بار خدایا رحمت کن

وليك وابن اوليائك الذين فرضت طاعتهم واوجبت حقهم و

دوست خود و پسر دوستان خود آنانکه فرض کردی طاعت ایشان را و واجب کردی حق ایشان را

اذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا اللهم انصره وانتصر به

بردی از ایشان پلیدی را و پاک کردی ایشان را پاک کردنی بار خدایا یاری کن او را [illegible]

لدينك وانصر به اولياءك واولياءه وشيعته وانصاره و

[illegible] دوستان خود را و دوستان او را و یاوران او را

اجعلنا منهم اللهم اعذه من شر كل باغ وطاغ ومن شر جميع خلقك واحفظه

بگردان ما را از ایشان بار خدایا پناه ده او را از شر ستم کننده و طغیان نماینده و از شر همه خلق خود و نگاهدار او را

من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله واحرسه وامنعه

از پیش روی او و از پس او و از جانب راست او و از جانب چپ او [illegible]

من ان يوصل اليه بسوء واحفظ فيه رسولك وآل رسولك واظهر به

[illegible] و حفظ کن در او پیغمبر خود را و آل پیغمبر خود را و آشکار کن

العدل وايده بالنصر وانصر ناصريه واخذل خاذليه واقصم به جبابرة

عدل را و تقویت ده او را [illegible] یاری کنندگان او را و ترک یاری کن ترک کنندگان او را [illegible]

الكفر واقتل به الكفار والمنافقين وجميع الملحدين حيث كانوا

[illegible] و بکش با او کافران و منافقان را و تمام ملحدان را هر جا باشند

[illegible]

مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَامْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ

از مشرقهای زمین و مغربهای زمین و صحرای آن و دریاهای آن و پر کن باو زمین را

عَدْلًا وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ

از عدل و آشکار کن باو دین پیغمبر خود را بر او و بر آل او سلام باد و بگردان مرا بار خدایا از

أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا يَأْمُلُونَ

یاران او و یاری دهندگان او و پیروان او و یاری دهندگان او و بنما بمن در حق آل محمد آنچه آرزو میدارند

وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ

و در دشمنان ایشان آنچه از آن حذر میکنند ای خدای حق مستجاب کن

باب دوازدهم

در بیان نمازهای واجب که مخصوص روزی یا ماهی نیست و نمازهای سنت که مخصوص بوقتی نیست و اعمالی که بغیر ماههای عربی تعلق دارد و در آن هشت فصل است **فصل اول** در بیان نماز آیات است بدانکه این نماز واجب است نزد کسوف آفتاب و خسوف ماه خواه کل بگیرد و خواه بعض و زلزله که زمین بلرزد و مشهور آنست که هر آیتی که از جانب آسمان حادث می شود که موجب خوف غالب خلق گردد این نماز واجب میشود مانند بادهای سیاه یا سرخ یا زرد که بر خلاف عادت باشد خواه رنگین باشد خواه نباشد و صاعقه‌های عظیم و رعدهای بسیار شدید و تاریک شدن هوا و امثال اینها و این قول اقوی است و کیفیت این نماز آنست که قصد کند که نماز آفتاب گرفتن یا ماه گرفتن یا زلزله یا آیات دیگر میکنم واجب از جهت آنکه واجب است از برای رضای خدای تعالی پس الله اکبر بگوید و حمد و یک سوره بخواند پس رکوع کند و تسبیح رکوع بجا آورد و ... الله اکبر بگوید و حمد و سوره بخواند پس رکوع کند تا آنکه پنج رکوع بعمل آورد و از رکوع پنجم که سر بردارد سمع الله لمن حمده بگوید و بعد از آن بسجود رود و دو سجده بجا آورد پس برخیزد و یک رکعت دیگر بجا آورد بدستور رکعت اول و در سر برداشتن از رکوع دهم بجای تکبیر سمع الله لمن حمده بگوید و اگر در هر رکوعی بعد از حمد بعضی از سوره را بخواند و برکوع رود و بعد از سر برداشتن باقی سوره را

بخواند اعاده حمد نمی کند و اگر سوره کم پنج آیت باشد تفریق کند بر رکوعها بیک حمد که در رکوع اول خوانده
بسم الله را یکند و همچنین در رکعت دوم بیک حمد و سوره همچنین که تفریق کند اکتفا می تواند کرد و بهتر
آنست که بطریق اول بکند و بده حمد و ده سوره بجا آورد و اگر وقت تنگ باشد و اول وقت نماز کسوف
و خسوف ابتدای گرفتن است و آخر وقت بقول مشهور ابتدای منجلی شدن است و اظهر نزد فقیر و جمعی از
محققین آنست که تا تمام منجلی نشود وقتش باقیست و نماز زلزله و آیات که وقتش وفا بنماز نکند موافق مشهور
تمام عمر او است و اگر کسی ترک کرده نماز مذکور را با حدوث یکی از اسباب مذکوره مشهور میان علما آنست
که قضا میکند آن نماز را مطلقا و بعضی گفته اند بر ناسی که فراموش کرده باشد قضا نیست مادام که تمام
فرص نگرفته باشد و عمل بمشهور احوط است و اگر مطلع نشود تا وقت بدر رود مشهور میان علما آنست
که قضای کسوفین بر او واجب نیست مگر آنکه تمام قرص گرفته باشد و جمعی گفته اند واجب است قضا مطلقا و
قول اول اقوی است و ثانی احوط است و مستحب است که این نماز را بجماعت کنند و طول بدهند بقدر زمان
کسوف و خسوف و هرگاه از نماز فارغ شود و انجلا نشده باشد اشهر و اقوی آنست که اعاده نماز مستحب است
و بعضی واجب دانسته اند و مستحب است خواندن سوره های طولانی با وسعت وقت و برابر ساختن
رکوع و سجود با قرائت و مستحب است قنوت خواندن پیش از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم

و اگر در ایام زلزله این آیت را بخوانند مناسب است

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا

بدرستیکه خدا نگاه میدارد آسمانها و زمین را از اینکه زائل شوند و اگر زائل شوند نگاه نمیدارد ایشانرا

مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

هیچکس بعد از او بدرستیکه او هست بردبار آمرزنده

و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هرکه در وقت خواب بخواند این آیت را خانه بر سرش خراب
نشود

فصل دوم

در بیان نماز استسقاست یعنی نماز طلب باران در وقتیکه باران کم
آید و آب چشمها و چشمه ها کم شود و کیفیت این نماز مثل نماز عید است که سابقا مذکور شد و بجماعت باید کرد
و در قنوتها طلب رحمت و استغفار از گناهان و طلب باران باید کرد و در قنوتها بهترین دعاها که نوشته شده

صحیفهٔ کامله است و اکثر گفته‌اند که وقتش میان طلوع آفتاب است تا زوال و باید که امام مردم را که سه روز روزه بدارند و روز سوم ایشان را بیرون برد و بهتر آنست که روز دوشنبه به صحرا بیرون روند پای برهنه با سکینه و وقار و مؤذنان عصا بدست گرفته پیش امام بروند و چون امام از نماز فارغ شود بر منبر بالا رود و ردا بگرداند یعنی آنچه بر جانب راست است به جانب چپ بگرداند و آنچه جانب چپ است بجانب راست و رو بقبله کند و با آواز بلند صد مرتبه الله اکبر بگوید و رو بجانب راست بکند و صد مرتبه سبحان الله بگوید پس بجانب چپ کند و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید پس رو بمردم کند و صد مرتبه الحمد لله بگوید و گفته‌اند که مردم نیز با او موافقت کنند با آواز بلند پس دو خطبه بخواند و مبالغه کند در استغفار و دعا و طلب رحمت و خطبه‌ای که منقول است بهتر است و در بعضی روایات است که اگر دو سه بار بعد از خطبه باز بخواند خوب باشد فصل سوم در بیان نماز جعفر رسول صلی الله علیه و آله است سید ابن طاوس بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که از آنحضرت سوال کردند از نماز جعفر طیار حضرت فرمود که چرا غافلی از نماز حضرت رسول صلی الله علیه و آله شاید حضرت رسول نماز جعفر نکرده باشد و شاید جعفر نماز آنحضرت را کرده باشد راوی گفت که آن نماز را تعلیم کن من حضرت فرمود که دو رکعت نماز میکنی در هر رکعت یکمرتبه فاتحه و یازده مرتبه سورهٔ انا انزلناه می‌خوانی در رکوع بعد از سر برداشتن و در سجدهٔ اول و سر برداشتن و سجدهٔ دوم و سر برداشتن یک یازده مرتبه سوره قدر را میخوانی پس تشهد میخوانی و سلام میگوئی و چون فارغ شوی میان تو و خدا گناهی نمی‌ماند مگر آنکه آمرزیده شده و هر حاجت که طلبی روا شود بعد از آن این دعا بخوان

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ إِلٰهًا وَاحِدًا

نیست معبودی بحق مگر خداوند پروردگار ما و پروردگار پدران ما که گذشته‌اند نیست معبودی بحق مگر خدا خداوند یگانه

وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ

و ما او را گردن نهنده‌ایم نیست معبودی بحق مگر خدا پرستش نمی‌کنیم مگر او را در حالتیکه خالص گرداننده‌ایم دین را

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ

اگرچه ناخوش دارند مشرکان نیست خدایی بجز خدا در حالتیکه یگانه است یگانه است یگانه است وفا کرد

نَصَرَ عَبْدَهُ وَاَعَزَّ جُنْدَهُ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ

یاری نموده بنده خود را و عالب کردانید لشکر خود را و کریزانید طایفه‌ها را تنهائی پس اوراست پادشاهی و مر او راست حمد

وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ نُورُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَنْ

و او بر همه چیز تواناست بارخدایا تو نور آسمانها و زمین هستی و هرکه

فِیهِنَّ فَلَکَ الْحَمْدُ وَاَنْتَ قَیَّامُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَنْ فِیهِنَّ فَلَکَ

در آنهاست پس او راست حمد و توئی برپا دارنده آسمانها و زمین و هرکه در آنهاست پس تراست

الْحَمْدُ وَاَنْتَ الْحَقُّ وَوَعْدُکَ الْحَقُّ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ وَاِنْجَازُکَ الْحَقُّ وَالْجَنَّةُ

ستایش توحقی و وعده تو حق ست وگفته تو حق ست و وفای وعده تو حق ست و بهشت

حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ اَللّٰهُمَّ لَکَ اَسْلَمْتُ وَبِکَ اٰمَنْتُ وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ وَبِکَ

حق ست و دوزخ حق ست بارخدایا مر ترا گردن نهادم و بتو ایمان آوردم و بر تو توکل کردم و بتو

خَاصَمْتُ وَاِلَیْکَ حَاکَمْتُ یَارَبِّ یَارَبِّ یَارَبِّ اغْفِرْ لِی مَا قَدَّمْتُ وَمَا

مخاصمه کردم و بسوی تو محاکمه کردم ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من بیامرز مرا آنچه پیش کردم

اَخَّرْتُ وَاَسْرَرْتُ وَاَعْلَنْتُ اَنْتَ اِلٰهِی لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ

بعد کردم و آنچه پنهان کردم و آنچه آشکار کردم توئی خدای من نیست معبودی بجز تو رحمت کن بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِی وَارْحَمْنِی وَتُبْ عَلَیَّ اِنَّکَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ

محمد و بیامرز مرا و رحم کن بر من و توبه مرا بپذیر بدرستیکه توئی توبه بسیار پذیرنده مهربان

مؤلف گوید که این نماز از نمازهای مشهور ست و عامه و خاصه در کتب خود روایت کرده‌اند

و بعضی این نماز را از نمازهای روز جمعه شمرده‌اند و از روایت اختصاص معلوم نمی‌شود و ظاهر در

سائر ایام توان کرد **فصل چهارم** در بیان نماز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ست ابن بابویه

و عیاشی و شیخ و دیگران رضی الله عنهم بسندهای صحیح و حسن و معتبر بسیار از حضرت صادق

علیه السلام روایت کرده‌اند که هر که چهار رکعت نماز بگذارد و بعد از حمد و سلام در هر رکعت

پنجاه مرتبه قل هو الله احد بخواند چون فارغ گردد میان او و حق تعالی گناهی نماند مگر آنکه آمرزیده شود و

و شیخ از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که چهار رکعت نماز حضرت امیر المومنین علیه السلام را بجا آورد از گناهان بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده بود و حاجتهای او برآورده شود و در هر رکعت سوره حمد و پنجاه مرتبه سوره توحید بخواند

وچون فارغ شود این دعا بخواند که تسبیح آنحضرت است

سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ سُبْحَانَ مَنْ

منزه است کسیکه پاک نمی شود نشانهای او منزه است کسیکه کم نمی شود خزانهای او منزه است کسیکه

لَا اضْمِحْلَالَ لِفَخْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا انْقِطَاعَ

نیست کم شدن مر فخر او را منزه است کسیکه منقطع نمی شود آنچه نزد اوست منزه است کسیکه انقطاعی ندارد

لِمُدَّتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يُشَارِكُ أَحَدًا فِي أَمْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ

مدت او منزه است کسیکه شریک نمی کند هیچیک را در کار خود منزه است کسیکه نیست معبودی بحق غیر او

پس این دعا بخواند يَا مَنْ عَفَا عَنِ السَّيِّئَاتِ وَلَمْ يُجَازِ بِهَا ارْحَمْ عَبْدَكَ يَا اللَّهُ

ای کسیکه عفو کرد از بدیها و سزا نداد ایشان رحم کن بر بنده خود ای خدا

يَا اللَّهُ نَفْسِي نَفْسِي أَنَا عَبْدُكَ يَا سَيِّدَاهُ أَنَا عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ يَا رَبَّاهُ

ای خدا نفس مرا نفس مرا من بنده توام ای آقای من من بنده توام در برابر تو ای پروردگار من

بِكَ إِلَهِي بِكَيْنُونَتِكَ يَا أَمَلَاهُ يَا رَحْمَانَاهُ يَا غِيَاثَاهُ عَبْدُكَ عَبْدُكَ

بتو ای معبود من بوجود تو ای امید من ای بخشاینده من ای فریادرس من بنده تو بنده تو

لَا حِيلَةَ لَهُ يَا مُنْتَهَى رَغْبَتَاهُ يَا مُجْرِيَ الدَّمِ فِي عُرُوقِ عَبْدِكَ يَا سَيِّدَاهُ

نیست چاره مر او را ای نهایت خواهش من ای روان کننده خون در رگهای من بنده تو ام ای آقای من

يَا مَالِكَاهُ أَيَا هُوَ أَيَا هُوَ أَيَا هُوَ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ عَبْدُكَ عَبْدُكَ

ای مالک من ای آنکه اوست ای آنکه اوست ای آنکه اوست ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من

لَا حِيلَةَ لِي وَلَا غِنَى بِي عَنْ نَفْسِي وَلَا أَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا أَجِدُ

نیست چاره مرا و نیست بی نیازی مرا از نفس من و استطاعت ندارم برای نفس خود ضرری را و نه نفعی را و نمی یابم

مَنْ اَصَابِعِهِ تَقَطَّعَتْ اَسْبَابُ الْخَدَائِعِ عَنِّی وَاضْمَحَلَّ کُلُّ مَظْنُونٍ عَنِّی

لنی که شوق و هم او را قطع شده است سببهای مکرها و فریبها از من و گداخته شده است هر گمان برده شده از من

اَفْرَدَنِی الدَّهْرُ اِلَیْکَ فَقُمْتُ بَیْنَ یَدَیْکَ هٰذَا الْمَقَامَ یَا اِلٰهِی بِعِلْمِکَ هٰذَا

تنها کرده است مرا روزگار بسوی تو پس ایستادم در برابر تو در این جا ای خدای من بدانستن تو این

کَانَ کُلُّهُ فَکَیْفَ اَنْتَ صَانِعٌ بِی وَلَیْتَ شِعْرِی کَیْفَ تَقُولُ لِدُعَائِی اَتَقُولُ

شد همه آن پس چگونه تو ای کنی بمن کاش من میدانستم که چگونه میگوئی مر دعای مرا آیا میگوئی

نَعَمْ اَمْ تَقُولُ لَا فَاِنْ قُلْتَ لَا فَیَا وَیْلِی یَا وَیْلِی یَا وَیْلِی یَا عَوْلِی یَا عَوْلِی

آری یا میگوئی نه پس اگر بگوئی نه پس ای وای من ای وای من ای وای من ای نوحه من ای نوحه من

یَا عَوْلِی یَا شِقْوَتِی یَا شِقْوَتِی یَا شِقْوَتِی یَا ذُلِّی یَا ذُلِّی یَا ذُلِّی اِلٰی مَنْ وَ مِمَّنْ

ای نوحه من ای بدبختی من ای بدبختی من ای بدبختی من ای خواری من ای خواری من ای خواری من بسوی که و از که

اَوْ عِنْدَ مَنْ اَوْ کَیْفَ اَوْ مَاذَا اَوْ اِلٰی اَیِّ شَیْءٍ اَلْجَاُ وَمَنْ اَرْجُو وَمَنْ یَجُودُ

یا نزد که یا چگونه یا چه چیز یا بسوی کدام چیز پناه برم و بکه امید وار می باشم و یا که بخشد

عَلَیَّ بِفَضْلِهِ حِیْنَ تَرْفُضُنِی یَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ وَاِنْ قُلْتَ نَعَمْ کَمَا هُوَ الظَّنُّ

بر من بفضل خود هنگامیکه ترک کنی مرا ای گشاده آمرزش و اگر گوئی آری چنانچه آن گمان

بِکَ وَالرَّجَاءُ لَکَ فَطُوبٰی لِی اَنَا السَّعِیدُ وَاَنَا الْمَسْعُودُ فَطُوبٰی لِی وَاَنَا

بتو هست و امید از تو هست پس خوشحال من من نیک بخت خواهم بود و من سعادتمند خواهم بود پس خوشحال من و منم

الْمَرْحُومُ یَا مُتَرَحِّمُ یَا مُتَرَئِّفُ یَا مُتَعَطِّفُ یَا مُتَجَبِّرُ یَا مُتَمَلِّکُ یَا مُقْسِطُ لَا عَمَلَ

مهربانی کرده شده ای رحم کننده ای مهربان ای مهربانی کننده ای صاحب عظمت ای مالک شونده ای عدالت کننده نیست عملی

لِی مَعَ نَجَاحِ حَاجَتِی اَسْاَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی جَعَلْتَهُ فِی مَکْنُونِ غَیْبِکَ

مرا با روای حاجت من سوال میکنم از تو بنام تو آن نامیکه گردانیدی آن را در پنهان شده غیب خود

وَاسْتَقَرَّ عِنْدَکَ فَلَا یَخْرُجُ مِنْکَ اِلٰی شَیْءٍ سِوَاکَ اَللّٰهُمَّ بِهِ وَبِکَ وَبِکَ وَبِهِ

و قرار گرفت نزد تو پس بر نمی آید از تو بسوی چیزی که غیر تست بار خدایا بحق آن نام و بحق تو و بحق تو و بحق آن نام

فانه اجل و اشرف اسمائك لا شیء لی غیر هذا و لا احد اعود علی منك

پس بدرستیکه بزرگترین و شریفترین نامهاست نیست چیزی مرا غیر این نام و نیست کسی نافع تر از تو بر من

یا کینون یا مکون یا من عرفنی نفسه یا من امرنی بطاعته یا من نهانی عن

ای صاحب وجود و ایجاد کننده ای کسیکه شناسانید نفس خود را بمن ای کسیکه امر کرد مرا باطاعت خود ای کسیکه منع کرد مرا

معصیته و یا مدعو و یا مسئول یا مطلوبا الیه رفضت وصیتك التی

گناه خود ای خوانده شده ای سؤال کرده شده ای طلب کرده شده بسوی او ترک کردم وصیت ترا آنکه

اوصیتنی بها و لم اطعك و لو اطعتك فیما امرتنی لکفیتنی ما قمت الیك فیه

وصیت کرده بودی مرا بآن و اطاعت نکردم ترا و اگر اطاعت میکردم ترا در آنچه فرموده بودی البته کفایت میکردی آنچه را برخاستم بسوی تو در آن

و انا مع معصیتی لك راج فلا تحل بینی و بین ما رجوت یا مترحما لی اعذنی

و من با وجود گناه خود ترا امیدوارم پس حائل مشو میان من و میان آنچه امید دارم ای مهربان بر من پناه ده مرا

من بین یدی و من خلفی و من فوقی و من تحتی و من کل جهات الاحاطة

از برابر من و از عقب من و از بالای من و از پائین من و از جمیع طرفهای احاطه

بی اللهم بمحمد سیدی و بعلی ولیی و بالائمة الراشدین علیهم السلام

من بار خدایا بحق محمد آقای من و بحق علی یاری دهنده من و بحرمت امامان من که راه یابندگانند علیهم السلام

اجعل علینا صلواتك و رأفتك و رحمتك و اوسع علینا من رزقك

بگردان بر ما رحمتهای خود را و مهربانی خود را و رحمت خود را و فراخ کن بر ما از روزی خود

و اقض عنا الدین و جمیع حوائجنا یا الله یا الله یا الله انك علی کل شیء قدیر

و برطرف کن از ما قرض ما را و همه حاجات ما را ای خدا ای خدا ای خدا بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی

پس حضرت فرمود که هر که این نماز بکند و این دعا بخواند هیچ گناهی بر او نماند مگر آنکه آمرزیده شود

فصل پنجم در بیان فضیلت و کیفیت نماز حضرت فاطمه صلوات الله علیها

است سید ابن طاوس علیه الرحمه بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود که مادرم حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت نماز میکرد که جبرئیل علیه السلام

علیه السلام تعلیم او کرده و در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه سوره قدر و در رکعت دوم صد مرتبه سوره
توحید میخواند و چون سلام می گفت این دعا را می خواند

سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِيمِ
منزه است صاحب عزت بلند بلند قدر منزه است صاحب بزرگی متکبر بزرگ

سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمَالَ
منزه است صاحب پادشاهی فخر کننده تنزیه مر کسی را که پوشید حسن و جمال را

سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا
تنزیه مر کسی را که متلبس شد بنور و وقار تنزیه مر کسی را که می بیند نشان رفتار مور در سنگ صاف

سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ
تنزیه مر کسی را که می بیند بر آمدن مرغ را در هوا تنزیه مر کسیکه او چنین است و نیست چنین غیر او
و سید گفته است که در روایت دیگر وارد شده است که بعد این نماز تسبیح مشهور حضرت
فاطمه علیها السلام را که بعد هر نماز خوانده میشود بخوانند و بعد از آن صد مرتبه صلوات بر محمد
و آل محمد بفرستند و شیخ رحمه الله در مصباح این نماز را مرسل روایت کرده است و گفته است که
چون سلام بگوید تسبیح فاطمه علیها السلام را بخواند بعد از آن این دعا را بخواند یعنی دعائیکه پیش گذشت و گفته
است که سزاوار است برای کسیکه این نماز را بکند و از آن فارغ شود زانوها و ذراعهای خود را برهنه کند و به سجده رود
و جمیع مساجد سبعه را بخاک بچسباند که جامه در میان مانع نباشد و دعا کند و حاجت خود را از حقتعالی طلب نماید

يَا مَنْ لَيْسَ غَيْرَهُ رَبٌّ يُدْعَى يَا مَنْ لَيْسَ فَوْقَهُ إِلَهٌ يُخْشَى يَا مَنْ لَيْسَ
ای کسیکه نیست بغیر او پروردگار که خوانده شود ای کسیکه نیست بالاتر از و خدائی که ترسیده شود ای کسیکه

دُونَهُ مَلِكٌ يُتَّقَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُؤْتَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ
سوای او پادشاهی که ترسیده شود ای کسیکه نیست او را وزیری که نزد او آمده شود ای کسیکه نیست او را دربانی

يُرْشَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ بَوَّابٌ يُغْشَى يَا مَنْ لَا يَزْدَادُ عَلَى كَثْرَةِ السُّؤَالِ
که رشوت داده شود ای کسیکه نیست مر او را دربانی که پوشیده شود ای کسیکه زیاده نمیکند بر بسیاری سؤال

صادق علیه السلام منقولست میوه‌ها ایشان را طرف شده و درخت خاک بر بیخ ریزند و اول آب بریزند و بعد از آن ثم در میوه‌ها هم ... بعد از آن آب سبز ... می کارید اول خاک بریزد ... درخت

چنان است که مومنی را درخت تشنگی آب داده باشد و فرمود که حق تعالی این درختی از خلق نکرده است مگر آنکه میوه داشت که می‌خورند از برای غذا و فرزند ... میوه نصف درختان ... [illegible]

الا کرماً وجوداً وعلی کثرة الذنوب الا عفواً وصفحاً صل علی محمد

مگر کرم و بخشش را و بر بسیاری گناهان مگر بخشایش و درگذشتن را و درود بفرست بر محمد

وآل محمد وافعل بی کذا وکذا

وآل محمد و بکن بمن چنین و چنین

پس بجای وافعل بی کذا حاجتهای خود را یاد کند **فصل ششم** در بیان فضیلت و کیفیت و احکام نماز جعفر طیار است بدانکه این نماز از جمله متواترات است و عامه و خاصه سندهای بسیار روایت کرده‌اند و مخالفان نیز این نماز را مستحب میدانند مگر نادری از ایشان اما اکثر ایشان باعتبار عداوت باطنی که با حضرت امیرالمومنین علیه السلام و اقارب آنحضرت دارند این نماز را بعباس عم پیغمبر صلعم نسبت داده‌اند و بعد از نوافل شبانه روزی بحسب صحت سند و کثرت ثواب نمازی باین نماز نمیرسد و بسند معتبر از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که چون جعفر طیار برادر حضرت امیرالمومنین از هجرت حبشه مراجعت نمود در روزی آمد که فتح خیبر بر دست حضرت امیرالمومنین علیه السلام شده بود و حضرت رسول صلعم بقدر یک تیر پرتاب باستقبال او شتافت چون جعفر نظرش بر جمال عدیم المثال آنحضرت افتاد مشتاقانه بجانب آنحضرت دوید حضرت او را در بر گرفت و دست در گردن او در آورد و ساعتی با او سخن گفت پس بر ناقه عضبا سوار شد و جعفر را ردیف خود ساخت و چون ناقه براه افتاد فرمود که ای جعفر ای برادر میخواهی بخشش کنم نسبت بتو میخواهی عطیه زانهای دهم میخواهی ترا برگزینم مردمان گمان کردند که مال جزیلی از غنایم خیبر باو عطا خواهد فرمود جعفر گفت بلی پدر و مادرم فدای تو باد پس حضرت نماز تسبیح را باو تعلیم فرمود حضرت صادق علیه السلام فرمود که صفتش این است که آن چهار رکعت است بدو تشهد و بدو سلام و در رکعت اول بعد از حمد سوره اذا زلزلت میخواند و در رکعت دوم سوره والعادیات و در رکعت سوم سوره اذا جاء نصر الله و در رکعت چهارم قل هو الله احد و در هر رکعت بعد از فراغ از قرائت پانزده مرتبه بگوید

[illegible]

سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ

تنزیه مر خدای را و حمد مر خدای را که نیست معبودی مگر خدا و خدا بزرگتر است

و در رکوع همچنین تسبیحات را ده مرتبه میگوید و چون سر از رکوع بردارد ده مرتبه و در سجده اولی ده مرتبه و بعد از سر برداشتن ده مرتبه و در سجده دوم ده مرتبه و بعد از سر برداشتن پیش از آنکه برخیزد ده مرتبه و در هر چهار رکعت چنین میکند که مجموع سی صد مرتبه میشود و هزار و دویست مرتبه تسبیح بوده باشد و بروایت معتبر دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که اگر هر روز بکنی بهتر است از برای تو از دنیا و آنچه در آن هست و اگر هر دو روز یکبار بکنی گناهانی که در میان دو نماز کرده آمرزیده میشود و اگر در هر جمعه بکنی یا در هر ماهی یک مرتبه یا در سالی یک مرتبه بکنی گناهانی که در میان دو نماز کرده آمرزیده شود و بروایت معتبره دیگر اگر بقدر کف دریاها و بعدد ریگ بیابانها گناه بر تو باشد خدا بیامرزد و اگر از جنگ گریخته باشی که بدترین گناهان است خدا ترا بیامرزد و بروایت دیگر اگر توانی هر روز بکن و اگر نتوانی هفته یکبار و اگر نتوانی ماهی یکبار و اگر نتوانی سالی یکبار و اگر نتوانی در تمام عمر خود یکبار بکن تا خدا گناهان کبیره و صغیره و تازه و کهنه و عمد و خطای ترا بیامرزد و اما دعاها که درین نماز مستحب است کلینی بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که در سجده آخر نماز جعفر چون از تسبیحات فارغ شوی بگو

سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ

منزه است کسیکه پوشیده عزت و تمکین را منزه است کسیکه رو آورد به بزرگواری و گرامی گشت بآن

سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ

پاک است کسیکه سزاوار نیست تنزیه مگر او را پاک است کسیکه احاطه کرد هر چیز را علم او

سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْأَمْرِ اللّٰهُمَّ إِنِّي

پاک است خداوند منت و نعمتها پاک است خداوند قدرت و فرمان بار خدایا بدرستیکه من

أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَاسْمِكَ

سؤال میکنم بحرمت جاهای بستن عزت از عرش تو و نهایت رحمت از کتاب تو و بنام تو

الاعظم وكلماتك التامة التي تمت صدقاً وعدلاً صل على محمد واهل بيته

که بزرگترست و سبحان تو که تمام اند آن کلماتی که تمام شده اند براستی و عدل درود و رحمت بفرست بر محمد و اهل بیت او

پس حاجت خود را ذکر کند شیخ در مصباح این دعا را روایت کرده است با این زیادتی

سبحان ذي القدرة والكرم سبحان ذي العزة والفضل سبحان ذي

پاک است خداوند قدرت و بزرگواری پاک است خداوند غلبه و احسان پاک است خداوند

القوة والطول اللهم اني اسألك

توانائی و طاقت بار خدایا بدرستیکه سؤال میکنم

تا آخر دعا و الصا شیخ و سید از مفضل بن عمر روایت کرده اند که گفت دیدم روزی حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام نماز جعفر را بجا آورد پس این دعا خواند یا رب یا رب بقدر یک

نفس کوتاه کند یا ربّاه یا ربّاه بقدر یک نفس یا ربّ یا ربّ بقدر یک نفس ربّ

ربّ بقدر یک نفس یا الله یا الله بقدر یک نفس یا حیّ یا حیّ بقدر یک

نفس یا رحیم یا رحیم هفت مرتبه یا ارحم الراحمین هفت مرتبه پس این دعا خواند

اللهم اني افتتح القول بحمدك وانطق بالثناء عليك وامجدك ولا غاية

بار خدایا بدرستیکه من ابتدا میکنم سخن را بستایش تو و گویا میشوم بستایش کردن تو و بزرگی یاد میکنم ترا و نهایت نیست

لمدحك واثني عليك ومن يبلغ غاية ثنائك وامد مجدك واني

برای مدح ترا و ثنا میگویم بر تو و که میرسد بنهایت ثنای تو و انتهای بزرگی تو و کجاست

لخليقتك كنه معرفة مجدك واي زمن لم يكن ممدوحاً بفضلك موصوفاً

مر آفریده ترا کنه شناسائی بزرگی تو و کدام روزگار بود که نبود ستوده شده بفضل خود و صفت کرده شده

بمجدك عواداً على المذنبين بحلمك تخلف سكان ارضك عن طاعتك

ببزرگی خود و بسیار رجوع کننده بر گناهکاران به بردباری خود تخلف نمودند ساکنان زمین تو از فرمانبرداری تو

فكنت عليهم عطوفاً بجودك جواداً بفضلك عواداً بكرمك

پس بودی بر ایشان مهربان بجشش خود و بخشش کننده بفضل خود و بسیار نفع رساننده بفضل خود

يا لا اله الا انت المنان ذو الجلال والاكرام

اى آنكه نيست خدا مگر تو بسيار نعمت دهنده خداوند بزرگى و بخشش كردن

پس حضرت فرمود اى مفضل هرگاه ترا حاجت ضرورى رو باشد نماز جعفر را بكن و ابتدا دعا بخوان حوايج خود را از خدا طلب كن بر او روا شود ان شاء الله تعالى و دعائيكه بعد از نماز جعفر از شيخ و سيد ابن طاوس رحمة الله عليهما

سبحان من لبس العز و تردى به سبحان من تعطف بالمجد و تكرم به

تنزيه ميكنم آنكه پوشيد عزت و ردا گرفت بآن تنزيه ميكنم كسى كه رداى خود ساخت بزرگى و بزرگ قدر شد بآن

سبحان من لا ينبغى التسبيح الا له جل جلاله سبحان من احصى كل شىء

پاكست كسيكه سزاوار نيست تسبيح كردن مگر براى او بزرگست بزرگى او منزه است كسيكه شمار آورد همه چيز را

بعلمه و خلقه بقدرته سبحان ذى المن والنعم سبحان ذى القدرة

بدانش خود و بيافريد آنرا بقدرت خود تنزيه ميكنم كسى را كه صاحب احسان و نعمتهاست تنزيه ميكنم كسى كه صاحب توانائى

والكرم اللهم انى اسألك بمعاقد العز من عرشك و منتهى الرحمة

و كرامست خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم از تو بجاهاى بستن عزت از عرش تو و بانتهاى رحمت

من كتابك و باسمك الاعظم و كلماتك التامات التى تمت صدقا

از كتاب تو و بنام تو كه بزرگتر است و سخنان تو كه تمام اند آن سخنان كه تمام شده اند از روى راستى

و عدلا ان تصلى على محمد و آل محمد الطيبين الطاهرين و ان تجمع لى خير

و عدالت اينكه درود بفرستى بر محمد و آل محمد كه پاكان و پاكيزگانند و اينكه جمع كنى براى من خير

الدنيا والآخرة بعد عمر طويل اللهم انت الحى القيوم العلى العظيم

دنيا و آخرت بعد عمر دراز بار خدايا تو زنده و پاينده و بلند مرتبه بزرگوار

الخالق الرازق المحيى المميت المبدئ البديع لك الكرم و لك المجد

آفريننده روزى دهنده زنده كننده ميراننده پيدا كننده حاصل كننده مر تراست كرم و مر تراست بزرگى

و لك المن و لك الجود و لك الامر وحدك لا شريك لك يا واحد يا احد

و مر تراست احسان مر تراست بخشش و مر تراست فرمان در حاليكه تنهائى نيست شريكى مر ترا اى تنها اى يگانه

يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً احد يا اهل التقوى ويا اهل

اى آنكه باو محتاج اند اى كسيكه نزائيده و زائيده نشده و نيست مراو را همتائى هيچ يكى اى سزاوار پرهيزكارى و اى سزاوار

المغفرة يا ارحم الراحمين يا عفوّ يا غفور يا ودود يا شكور انت ابرّ بى

آمرزش اى مهربان ترين مهربانان اى عفوكننده اى آمرزگار اى دوست اى جزا دهنده تو نيكوكارترى بمن

من ابى وامى وارحم بى من نفسى ومن الناس اجمعين يا كريم يا جواد اللهم

از پدر من ومادر من ومهربان ترى بمن از نفس من واز مردم همه اى صاحب كرم اى بخشنده بار خدايا

انى صليت هذه الصلوة ابتغاء مرضاتك وطلب نائلك ومعروفك

بدرستيكه من نماز كذاردم اين نماز را از جهت خشنودى تو وطلب احسان تو وعطاى تو

ورجاء رفدك وجائزتك وعظيم عفوك ورضوانك وقديم غفرانك

واميد دارى عطاى تو بخشش تو وعفو بزرگ تو وخشنودى تو وآمرزش ديرينه تو

اللهم فصل على محمد وآل محمد وارفعها فى عليين وتقبلها منى واجعل

خداوندا پس درود بفرست بر محمد وآل محمد وبلند كن اين نماز را در عليين وقبول كن از من وبگردان

نائلك ومعروفك ورجاء ما ارجو منك فكاك رقبتى من النار والفوز

عطاى خود واحسان خود واميد چيزيرا كه اميد وارم از تو جدا كردن من از آتش وظفر يافتن

بالجنة وما جمعت من انواع النعيم ومن حسن الحور العين واجعل

به بهشت وانچه فراهم آوردى از انواع نعمت واز حسن سياه چشمان فراخ چشم وبگردان

جائزتى منك العتق من النار وغفران ذنوبى وذنوب والدىّ

عطا مرا از جانب خود آزادى از آتش وآمرزش گناهان من وگناهان پدر ومادر من

وما ولدا وجميع اخوانى واخواتى المؤمنين والمؤمنات والمسلمين

وانچه از انها ولادت يافت وهمه برادران من وخواهران من مردان مؤمن وزنان مؤمنه ومردان مسلم

والمسلمات الاحياء منهم والاموات وان تستجيب دعائى وترحم

وزنان مسلمه زندگان ايشان ومردگان وانكه مستجاب گردانى دعاى مرا ورحم كنى

من خلقك وخيرتك من بريتك محمد نبيك وعترته وسادته عليه وعليهم السلام وصل عليه وعليهم واكفنى مرهون اليوم وضره وارزقنى خيره ويمنه وبركاته واقض لى فى منصرفى بحسن العافية وبلوغ المحبة والظفر بالامنية وكفاية الطاغية الغوية

انك على كل شئ قدير

ليس كمثله شئ وهو السميع البصير

صرختي وندائي ولا تردني خائبا خاسرا واقلبني منجحا مفلحا مرحوما مستجابا

بر فریاد من و بانگ من و رد مکن مرا نا امید زیان کار و بگردان مرا بمطلب رسیده رستگار رحم کرده شده پذیرفته شده

دعائي مغفورا لي يا ارحم الراحمين يا عظيم يا عظيم يا عظيم قد عظم الذنب

دعای من آمرزیده شده برای من ای مهربان ترین مهربانان ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ بتحقیق عظیم شده است گناه

من عبدك فليحسن العفو منك يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط

از بنده تو پس باید که نیکو شود عفو از جانب تو ای نیکو درگذشتن ای فراخ آمرزش ای گشاینده

اليدين بالرحمة يا نفاحا بالخيرات يا معطي المسئولات يا فكاك الرقاب

هر دو دست برحمت ای بسیار عطا دهنده بنیکوئیها ای بخشنده سوالها ای بسیار جدا کننده جسدها

من النار صل على محمد وآل محمد وفك رقبتي من النار واعطني سؤلي

از آتش درود بفرست بر محمد و آل محمد و جدا کن تن مرا از آتش و بخش مرا حاجتهای مرا

واستجب دعائي وارحم صرختي وتضرعي وندائي واقض لي حوائجي كلها

و بپذیر دعای مرا و رحم کن بر آواز من و زاری من و بانگ من و رواکن برای من حاجتهای مرا

للدنياي وآخرتي وديني ما ذكرت منها وما لم اذكر واجعل لي في ذلك

برای دنیای من و آخرت من و دین من آنچه ذکر کردم از آن و آنچه ذکر نکردم و بگردان برای من در این

الخيرة ولا تردني خائبا خاسرا واقلبني مفلحا منجحا مستجابا لي دعائي مغفورا

بهتر را و مگردان مرا نا امید زیان کار و بگردان مرا رستگار رسیده بمطلب اجابت کرده شده برای من دعای من آمرزیده شده

لي مرحوما يا ارحم الراحمين يا محمد يا ابا القاسم يا رسول الله يا امير المؤمنين

برای من بخشیده شده ای مهربان ترین مهربانان ای محمد ای ابو القاسم ای پیغمبر خدا ای امیر مومنان

انا عبدكما ومولاكما غير مستنكف ولا مستكبر بل خاضع ذليل

من بنده شما و غلام شما هستم درحالیکه عار ندارم و نه بزرگی می نمایم بلکه زاری کننده خوار

عبد معترف متمسك بحبلكما معتصم من ذنوبي بولايتكما اتقرب الى الله بكما

بنده اقرار کننده چنگ زننده بریسمان محبت شمایم پناه برنده از گناهان خود بدوستی شما نزدیکی میجویم بسوی خدا تعالی بشما

وَاَتَوَسَّلُ اِلَی اللهِ بِکُمَا وَاُقَدِّمُکُمَا بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی اِلَی اللهِ جَلَّ وَعَزَّ
و متوسل میشوم بسوی خدا بشما و تقدیم می نمایم شما را پیش روی حاجتهای خود بسوی خدا که بزرگ و عزیز است
فَاشْفَعَا لِی فِی فَکَاکِ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ وَغُفْرَانِ ذُنُوبِی وَاِجَابَةِ دُعَائِی
پس شفیع شوید مرا در رهانیدن تن من از آتش و آمرزیدن گناهان من و قبول کردن دعای من
اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَقَبَّلْ دُعَائِی وَاغْفِرْ لِی یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ
بار خدایا درود فرست بر محمد و آل او و قبول کن دعای مرا و بیامرز مرا ای مهربانترین مهربانان

و اما احکام این نماز پس در آن چند مقصد بیان می نمایم اول آنکه مشهور میان علما و اقوی آنست که نماز جعفر را بجای نوافل شبانه روزی میتوان کرد که بهر دو حساب شود و همچنین بنیت قضای نافله میتوان کرد و احادیث در این مضامین وارد شده است و بعضی تجویز کرده اند که نماز فریضه را ادا و قضا بکیفیت نماز جعفر بکنند و خالی از قوتی نیست و لیکن احوط ترک است دوم در روایات وارد شده است اکثر علما گفته اند که کسیکه ضرورتی و تعجیلی داشته باشد میتواند نماز جعفر را بدون تسبیحات بجا آورد و تسبیحات را در راه بخواند سوم حدیث صحیح وارد شده است که کسیکه دو رکعت نماز جعفر را بکند و او را امر ضروری رو دهد میتواند باقی آن را که دو رکعت دیگر است در وقت دیگر بکند و اگر بدون عذر چنین بکند و همه را اتمام کند بهتر است چهارم در روایت معتبری از حضرت قائم علیه السلام وارد شده است که کسیکه تسبیحات نماز جعفر را در موضعی فراموش کند هر وقت که بخاطرش آید بخواند و از علما کسی متعرض این حکم نشده است و اگر باین روایت عمل کند ظاهرا بد نباشد پنجم خلافست در تعیین سوره ها که مستحب است در این نماز خوانده شود و مشهور آنست که در رکعت اول اذا زلزلت و در دوم و العادیات و در سوم اذا جاء نصر الله و در چهارم قل هو الله احد بخوانند و ابن بابویه و بعضی در رکعت اول و العادیات و در دوم اذا زلزلت گفته اند و در روایتی در رکعت اول اذا زلزلت و در دوم اذا جاء و در سوم انا انزلناه و در چهارم توحید وارد شده است و در روایت صحیحی وارد شده است که در هر رکعت قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد بخواند و در روایتی وارد شده است

که هر سوره که خواهد بخوانند و ابن بابویه گفته است که همه را با سوره توحید می توان کرد و ظاهر همه
خوبست اگر چه اول و سوم افضل است ششم مشهور آنست که تسبیحات بعد از سجده دوم رکعت اول و سوم
نشسته میخوانند و بعضی گفته اند بعد از برخاستن به رکعت دیگر پیش از قرائت میخوانند و عمل بمشهور اولی
هفتم بعضی گفته اند که چهار رکعت را بیک سلام میکنند و مشهور و اقوی دو سلام است چنانچه گذشت
هشتم مشهور میان علما آنست که تسبیحات این نماز که پیش از رکوع خوانند بعد از قرائت می باید خواند
و ابن بابویه بلفظ بعضی از روایات قائل شده است که مخیر است میان آنکه پیش از قرائه بخوانند یا
بعد از قرائت و عمل بمشهور اقوی و اولیست فصل هفتم در بیان فضیلت اعمال نوروز است بدانکه
میان علما در تعیین روز نوروز اختلاف بسیار است بعضی گفته اند دهم ایار است از ماههای
رومی و بعضی گفته اند نهم شباط است و مشهور آنست که اول انتقال شمس است ببرج حمل
چنانچه در این ازمنه معمولست و این مطالب در کتاب بحار الانوار بسط عظیمی داده ام و این رساله
ذکر دلایل آنها ندارد و بگمان فقیر همین روز که در این ازمنه مشهور است اقرب بصواب و احوط
است بحساب و اگر بنای اعمال را بر این بگذارند ظاهرا بد نیست و اما فضائل و اعمال این روز
باسانید معتبره از معلی بن خنیس که از خواص اصحاب حضرت صادق علیه السلام بوده است منقول است
که گفت در روز نوروز بخدمت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم فرمود که آیا می شناسی این روز را
گفتم فدای تو شوم این روزیست که عجم آنرا تعظیم می کنند و در این روز تحفه ها و هدیه ها
برای یکدیگر میفرستند حضرت فرمود که سوگند یاد میکنم بحق پروردگار خانه کعبه که در مکه معظمه
است که این تعظیم کردن نیست مگر برای امر قدیمی که تفسیر میکنم آنرا برای تو تا بفهمی گفتم ای سید من
و آقای من دانستن این را ببرکت شما محبوبتر است نزد من از آنکه مردگان من زنده شوند
و دشمنان من بمیرند حضرت فرمود که ای معلی بدرستیکه روز نوروز روزیست که حق سبحانه
و تعالی در این روز پیمان بندگان را گرفت از ارواح ایشان در روز الست که او را یگانه
بپرستند و برای او شریکی قرار ندهند و در بندگی و پرستیدن هیچ چیز را شریک او نگردانند
و ایمان بیاورند به پیغمبران و رسولان و حجتهای او بر خلق و امامان و پیشوایان دین ائمه معصومین

صلوات الله علیهم اجمعین و این اول روزی است که در آن آفتاب طلوع کرده است و بادهای
آبستن کننده درختان وزیده است و گلها و شکوفه‌های زمین آفریده شده است و در این روز
کشتی حضرت نوح علی نبینا علیه السلم بعد از طوفان بر کوه جودی قرار گرفته است و این روزیست
که حق تعالی حیات بخشید چندین هزار کس را که از مرگ گریختند یعنی از طاعون و بیک ناگه خداوند همه
را میرانید پس از مدتها که استخوان شده بودند پیغمبری از پیغمبران خدا بر آن استخوانها گذشت و از
پروردگار خود سوال کرد که باو بنماید که چگونه این استخوانهای پوسیده را زنده میکرداند پس حق تعالی
وحی فرستاد بسوی او که آب بپاشد بر این استخوانهای ایشان در همان جاهای خود که هستند پس
چنین کرد و همه بقدرت الهی زنده شدند و این اول سال فرس قدیم است و باین سبب سنت شد که در این
روز آب بر یکدیگر بریزند یا آب بر خود بریزند و غسل کنند و حق تعالی در قرآن مجید اشاره باین قصه
نموده است در آنجا که فرموده

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ

آیا ندیدی بسوی آنانکه برآمدند از خانه‌های خود و ایشان هزاران بودند از جهت حذر از مرگ

فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ

پس گفت ایشان را خدا بمیرید پس آن گاه زنده گردانید

مفسران گفته‌اند که آن پیغمبر حضرت حزقیل علیه السلام بوده و حضرت فرموده که ایشان سی هزار کس بودند
و فرموده که در این روز جبرئیل علیه السلم بر حضرت رسول وحی نازل شده است یعنی روز نوروز
موافق روز مبعث بوده که بیست و هفتم ماه مبارک رجب است و فرموده که این روزیست که حضرت
رسول بتهای کفار قریش را در مکه شکست چنانچه حضرت ابرهیم علیه السلام نیز در این روز بتهای
کافران را شکست و اول اشاره است بآنکه سنی و شیعه روایت کرده‌اند بطریق بسیار که شبی
رسالتپناه صلی الله علیه و آله حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را با خود بمسجد الحرام آورد و حضرت
امیر را امر کرد که بر دوش آنحضرت بالا رفت و بتهای کافران را بزیر آورد و شکست پس مراد
این است که در شب این روز بوده و فرموده که در این روز حضرت رسول امر کرد اصحاب را

ملّه بیعت کنند با امیر المؤمنین و اقرار کنند که او پادشاه مؤمنان است یعنی روز عید غدیر این روز
بوده یا آن روز که سرکرده های اصحاب را گفت بروید و بر علی سلام کنید و بگویید السلام
علیک یا امیر المؤمنین این روز بوده فرمود که درین روز حضرت رسول حضرت امیر را فرستاد تا او
جنیان که از ایشان بیعت از برای او بگیرد و فرمود که درین روز حق خلافت با امیر المؤمنین
علیه السلام برگشت و بار دیگر بعد از کشته شدن عثمان علیه اللعن با آنحضرت بیعت کردند و درین روز
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام با خارجیان نهروان جنگ کرد و بر ایشان ظفر یافت و سرکرده
ایشان که ذو الثدیه می گفتند کشته شد و درین روز قائم آل محمد صلوات الله علیه و سلامه ظاهر خواهد شد
و درین روز امامان دیگر بدنیا رجعت خواهند کرد و درین روز قائم ما ظفر خواهد یافت بر دجال
و در کناسه که محله ایست از محلات کوفه او را بردار خواهد کشید و هیچ روز نوروزی نیست مگر آنکه
ما انتظار فرج می کشیم زیرا که آن از روزهای ما و روزهای شیعیان ماست آن روز را عجمان حفظ کردند
و حرمت آن را رعایت کردند و شما عربان آن را ضایع کردید پس حضرت فرمود بمعلی که چون روز نوروز
شود غسل کن و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و به بهترین خوشبوهای خود را خوشبو گردان
و در آن روز روزه بدار پس چون از نماز پیشین و پسین و نافله های فارغ شوی چهار رکعت نماز
بگذار یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سوره انا انزلناه
بخوان و در رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت سوم بعد
از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد و در رکعت چهارم بعد از حمد سوره

قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس

بخوان و بعد از نماز سجده شکر برو و این دعا را بخوان

اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد الاوصیاء المرضیّین و علی جمیع انبیائک
بار خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد وصیت کرده شدگان پسندیدگان و بر همه پیغمبران خود
و رسلك بافضل صلواتك وبارك عليهم بافضل بركاتك وصلّ على
و فرستادگان خود به بهترین درودهای خود و برکت ده بر ایشان به بهترین برکتهای خود و درود بفرست

فصل هفتم

أَرْوَاحِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ لَنَا فِي

روحهای ایشان و بدنهای ایشان ای خدا برکت ده بر محمد و آل محمد و برکت ده ما را در

يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي فَضَّلْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَعَظَّمْتَ خَطَرَهُ اللَّهُمَّ

روز ما که این است آن روز که فضیلت دادی او را و بزرگ گردانیده او را و بزرگ کردی قدر او را خداوندا

بَارِكْ لِي فِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَشْكُرَ أَحَدًا غَيْرَكَ وَوَسِّعْ عَلَيَّ

برکت ده مرا در آنچه انعام کردی آن بر من تا شکر نکنم هیچکس را غیر از تو و فراخ کن بر من

فِي رِزْقِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ مَا غَابَ عَنِّي فَلَا يَغِيبَنَّ عَنِّي

روزی مرا ای خداوند بزرگی و گرامی داشتن بار خدایا آنچه ناپیدا شود از من پس بدی که ناپید نشود از من

عَوْنُكَ وَحِفْظُكَ وَمَا فَقَدْتُ مِنْ شَيْءٍ فَلَا تُفْقِدْنِي عَوْنَكَ عَلَيْهِ

یاری تو و حفظ تو و آنچه گم کردی از چیزی پس نابود مکن از من یاری خود را بر آن

حَتَّى لَا أَتَكَلَّفَ مَا لَا أَحْتَاجُ إِلَيْهِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

تا آنکه رنج نکشم در چیزی که احتیاج ندارم بسوی آن ای خداوند بزرگی و گرامی داشتن

چون چنین کنی گناهان پنجاه ساله تو آمرزیده شود و بسیار بگو یا ذا الجلال والاکرام و در عیدیت

مشهور روایت کرده اند که در وقت تحویل این دعا بسیار بخوانند یعنی سیصد و شصت و شش مرتبه گفته اند

يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ و بروایت دیگر

ای گرداننده سال و حالها بگردان حال ما را بسوی بهترین حال

يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ

ای بدل کننده دلها و چشمها ای تدبیر کننده شب و روز ای گرداننده سال

وَالْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ

و حالها بگردان حال ما را بسوی بهترین حال

و ایضا بعضی روایت کرده اند که این دعا را نیز در

روز نوروز بعدد ایام سال بخوانند

اللهم هذه سنة جديدة وانت ملك قديم اسالك خيرها وخير
بار خدایا این سال نوست و تو پادشاه دیرینه‌ای می‌طلبم از تو خیر این سال و خیر
ما فيها واعوذ بك من شرها وشر ما فيها واستكفيك
آنچه در آنست و پناه میبرم از تو از شر این سال و شر آنچه در آنست و طلب میکنم از تو که کفایت کنی
مؤنتها وشغلها يا ذا الجلال والاكرام
رنج آنرا و شغل آنرا ای خداوند بزرگی و گرامی داشتن

اگر چه نهی وارد شده است از دعای دل را خواندن هر چند نمازش کرده شود چون سند معتبر دارد بهتر است

فصل هشتم در بیان آب باران نیسان رومی ست سید جلیل علی بن طاوس رحمة الله علیه روایت کرده است که روزی جمعی از صحابه نشسته بودند حضرت رسالت پناه صلعم داخل شد و بر ایشان سلام کرد و ایشان جواب سلام گفتند پس حضرت فرمود که میخواهید تعلیم نمایم شما را دوائی که جبرئیل علیه السلام مرا تعلیم کرده است که محتاج بدوای اطبا نبوده باشید پس حضرت امیر المؤمنین ع و سلمان فارسی رضی الله عنه و دیگران سوال نمودند که آن دوا چیست حضرت رسول بحضرت امیر المؤمنین ع خطاب نمود و فرمود که در ماه نیسان رومی آب باران بگیر و سوره فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل یا ایها الکافرون هر یک را هفتاد مرتبه بخوانی و بروایت دیگر سوره انا انزلناه فی لیلة القدر را نیز هفتاد مرتبه بخوانی و هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه لا اله الا الله و هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد میفرستی و هفت روز صبح و شام از آن آب می‌آشامی بحق آن خداوندی که مرا براستی بر خلق مبعوث گردانیده است سوگند یاد میکنم که جبرئیل علیه السلام گفت که حقتعالی برطرف میکند از کسیکه این آب را بیاشامد هر دردی را که در بدنش باشد و عافیت بخشد او را و بیرون کند دردها را از بدن او و از رگها و استخوانهای او و اگر در لوح محفوظ دردی برای او مقدر شده باشد محو نماید و بحق پروردگاری که مرا بحق فرستاده اگر فرزند نداشته باشد و فرزند خواهد و آب نیسان را بنیت بیاشامد او را فرزند روزی گردد و از زن عقیم

و فرزند نیاورد و ازین آب باین نیت بیاشامد فرزند از و بوجود آید و اگر مرد و زن هر دو پسر خواهند یا دختر و ازین آب بیاشامند مقصود ایشان بعمل آید چنانچه حق تعالی میفرماید یهب لمن یشاء

اِناثاً و یهب لمن یشاء الذکور او یزوجهم ذکراناً و اناثاً و یجعل من یشاء عقیماً

یعنی می بخشد حق تعالی هر که را خواهد دختران و می بخشد هر که را خواهد پسران یا جفت میکرداند برای ایشان پسران و دختران را یعنی هر دو را بایشان عطا میکند و هر که را میخواهد عقیم و بی فرزند میکرداند پس حضرت فرمود که اگر کسی درد سر داشته باشد و ازین آب بیاشامد صداع او زایل گردد بقدرت الهی و اگر درد چشم داشته باشد و در چشمهای خود قطره از این آب بچکاند و بیاشامد و چشمهای خود را ازین آب بشوید باذن خدای تعالی شفا یابد و آشامیدن این آب دندانها را محکم گرداند و دهان را خوشبو گرداند و لعاب بن دندان را کم کند و بلغم را کم کند و تخمه و امتلاء بسبب خوردن طعام و آشامیدن آب بهم رساند و از بادهای قولنج و غیر آن متاذی نگردد و درد پشت و درد شکم بهم رساند و از زکام آزار نکشد و درد دندان بهم رساند و درد معده و کرم معده را زایل گرداند و محتاج بحجامت نگردد و از مرض بواسیر و خارش بدن و آبله و دیوانگی و خوره و پیسی و رعاف و قی نجات یابد و کور و لال و کر و زمین گیر نشود و آب سیاه بر دیده اش نزول نکند و درد و دیگر موجب افطار روزه و نقصان نماز او باشد او را عارض نگردد و از وسوسه جنیان و شیاطین متاذی نگردد پس حضرت رسالت پناه صلعم فرمود که جبرئیل گفت که هر که ازین آب بیاشامد و بجمیع دردهائی که مردم می باشد مبتلا باشد موجب شفا از جمیع آنها گردد پس جبرئیل گفت بحق خداوندی که ترا براستی فرستاد که هر که این آیات را بدین آب بخواند حق تعالی دلش را مملو گرداند از نور روشنی و الهام خود را بر دل او وارد سازد و حکمت را بر زبان او جاری گرداند و پر کند دل او را از فهم و بینائی و باو عطا کند از کرامتها آنچه باحدی از عالمیان عطا نکرده باشد و هزار مغفرت و هزار رحمت بروی برسد و غش و خیانت و غیبت و حسد و بغی و کبر و بخل و حرص و غضب را از دل او بر دارد و از عداوت و دشمنی مردم و بدگوئی ایشان نجات یابد و موجب شفای جمیع امراض او گردد مؤلف گوید این روایت مشهور بعید است

و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است

که چون کسی بسفری برون رود بگوید اللهم انت الصاحب فی السفر

پسر عم علیه السلام منتهی میشود و باین سبب سند ضعیف است و فقیر بخط شیخ شهید علیه الرحمه دیدم که این روایت را از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده بود و باین خواص و سورها اما آیات و اذکار را باین روش روایت کرده است که میخوانی بر آب باران نیسان فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و سبح اسم ربک الاعلی الذی و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد هر یک هفتاد مرتبه و میگوئی هفتاد مرتبه لا اله الا الله و هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد و هفتاد مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و در خواص آن مذکور است که اگر کسی در زندان باشد و از آن آب بیاشامد از حبس نجات یابد و سردی بر طبع او غالب نگردد و اکثر آن خواص که مذکور شد درین روایت نیز مذکور است و آب باران مطلقا مبارک است و منفعت بسیار دارد خواه در نیسان بیارد خواه در غیر آن چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که بیاشامید از آب آسمان که پاک کننده بدن شماست و دردها را دفع میکند چنانچه حق تعالی می فرماید

وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ

یعنی می فرستد حق تعالی بر شما از آسمان آبی برای آنکه پاک گرداند شما را بآن و ببرد از شما وسوسه شیطان را و دلهای شما را محکم گرداند و ثابت گرداند بآن قدمهای شما را و در عمل نیسان بهتر آنست که اگر جمعی خوانند هر یک مجموع آن سوره ها را و اذکار را هفتاد مرتبه بخوانند و از برای آنها که می خوانند فائده اش عظیم تر و ثوابش بیشتر است و درین سالها بعد از بیست و سه روز که از نوروز بگذرد تقریبا داخل نیسان ماه رومی می شود و ماه نیسان سی روز است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در هفتم حزیران البته حجامت بکن و اگر میسر نشود در چهاردهم بکن و اول حزیران تقریبا هشتاد و چهارم نوروز است و آن نیز سی روز است و حزیران ماه نحسی است چنانچه در حدیث معتبر منقول است که در خدمت حضرت صادق علیه السلام ماه حزیران مذکور شد حضرت فرمود که ماهی است که حضرت موسی علیه السلام در این ماه نفرین کرد بر بنی اسرائیل

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ

و در یک شب دیگر در سیصد هزار کس ایشان مردند و بسند معتبر از آنحضرت منقولست
که حق تعالی اجلها را در ماه حزیران نزدیک می گرداند یعنی موت در آن بسیار می باشد و از آنکه
ماههای رومی بنابر حرکت آفتابست و عدد آنها دوازده است باین ترتیب تشرین الاول
تشرین الاخر کانون الاول کانون الاخر شباط اذار نیسان ایار
حزیران تموز آب ایلول و چهار ماه را سی می گیرند که آنها تشرین الاخر و نیسان و
حزیران و ایلول اند و در هفت دیگر غیر شباط را سی و یک می گیرند و شباط را در سه سال
بیست و هشت میگیرند و در سال چهارم که سال کبیسه ایشانست بیست و نه و ... سال ایشان
سیصد و شصت و پنج روز و ربعیست و تشرین اول که اول سال ایشانست در این سالها موافق
نوزده درجه میزان است و تفصیلش در کتاب بحار الانوار مذکور است و چون این ماهها در احادیث
مذکور شده است مجملی را اینجا ایراد نمودیم **باب سیزدهم** در بیان احکام اموات است و در آن
پنج فصل است **فصل اول** در بیان آداب احکام حال احتضار و برداشتن میت است
باید که چون بیمار آثار موت ظاهر شود و متوجه احوال خود گردد و از گناهان خود توبه کند و بر
گذشته ها نادم و پشیمان گردد و عازم گردد که اگر زنده بماند مرتکب معصیت الهی نگردد و سعی
کند حقوق خدا و خلق بجهت ... ناشده اند بدیگران نگذارد و ... بثلث مال وصیت
کند که بجهت ... ایشان ... الفضل برادران
مؤمن ... و هر که ... ایشان
... ایشان را ... عفو کنند و اگر غائب باشند ... باید که ایشان را ...
... ایشان ... مهربان ... اطفال خود را بعد از ... مستحب مؤکد
الهی ... و ... کفن خود را حاضر سازد و شهادتین
و اقرار بائمه علیهم السلام و ادعیه که ... سنت است که بر کفن نوشته
شود ... بر کفن ... نشد باشند ... امر
سنت که کفن ... باشد چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که

کفنش با او باشد و در خانه اش او را از عذاب فلان نویسند و هر که نظر بر آن کفن افتد
برای او حسنه نوشته شود و باید که در آن وقت امیدوار رحمت حقتعالی و شفاعت حضرت
رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیه و علیهم بوده باشد و بسند معتبر از حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در وقت مرگ وصیت نیکو نکند علامت کمی عقل و نقص مروت
و مردی اوست گفتند یا رسول الله صلی الله علیه و آله چگونه وصیت کند فرمود که چون
نزدیک وفات او شود و مردم نزد او جمع شوند بگوید

اللّهم فاطر السموات والارض عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم
خداوندا ای آفریننده آسمانها و زمین و داننده نهان و آشکارا بخشاینده مهربان
انی اعهد الیک انی اشهد ان لا اله الا انت وحدک لا شریک
بدرستیکه من عهد میکنم بسوی تو بدرستیکه من گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر تو در حالتیکه یگانه‌ای نیست شریکی
لک وان محمدا صلی الله علیه واله عبدک ورسولک وان الساعة
مر ترا و بدرستیکه محمد درود فرستد خدا بر او و آل او بنده تو است و رسول تو است و بدرستیکه قیامت
آتیة لا ریب فیها وانک تبعث من فی القبور وان الحساب حق
آینده است نیست شکی در آن و بدرستیکه تو مبعوث میکنی هر که را در قبرهاست و بدرستیکه حساب حق است
وان الجنة حق وما وعد الله فیها من النعیم من المأکل والمشارب و
و بدرستیکه بهشت حق است و آنچه وعده کرده خدا در آن از نعمت از خوردن و آشامیدن
النکاح حق وان النار حق وان الایمان حق وان الدین کما وصفت
و نکاح حق است و بدرستیکه آتش حق است و بدرستیکه ایمان حق است و بدرستیکه دین چنانست که وصف کردی
وان الاسلام کما شرعت وان القول کما قلت وان القرآن کما انزلت و
و بدرستیکه اسلام چنانست که قرار داده و بدرستیکه قول چنانست که گفته و بدرستیکه قرآن چنانست که فرستادی و
انک انت الله الحق المبین وانی اعهد الیک فی دار الدنیا انی رضیت بک
بدرستیکه توئی خدای حق آشکار و بدرستیکه من عهد میکنم بسوی تو در خانه دنیا بدرستیکه من راضی شدم

رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِيناً وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا وَبِعَلِيٍّ إِمَاماً

از روی پروردگار و باسلام از روی دین و به محمد درود فرستد خدا بر او و اولاد او از روی پیغمبر بودن و علی

وَبِالْقُرْآنِ كِتَاباً وَأَنَّ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَئِمَّتِي اللَّهُمَّ

و بقرآن از راه کتاب و بدرستیکه خانواده پیغمبر تو بر او و آل او و بر ایشان باد سلام پیشوایان من اند خداوندا

أَنْتَ ثِقَتِي عِنْدَ شِدَّتِي وَرَجَائِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَعُدَّتِي عِنْدَ الْأُمُورِ

تو اعتماد منی نزد سختی من و امید منی نزد سختی من و سامان منی نزد امور ی

الَّتِي تَنْزِلُ بِي وَأَنْتَ وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي وَإِلٰهِي وَإِلٰهُ آبَائِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

که فرود آید بمن و تو یاور و مددکار منی در نعمت من و خدای منی و خدای پدران منی درود فرست بر محمد

وَآلِهِ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً وَآنِسْ فِي قَبْرِي وَحْشَتِي

و آل او و وامگذار مرا بسوی نفس خود بیک چشم برهم زدن همیشه مونس باش در قبر من وحشت مرا

وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْداً يَوْمَ أَلْقَاكَ مَنْشُوراً

و بگردان برای من نزد خود عهدی روزی که ملاقات کنم باز شده

پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که این عهد و پیمان میت ست با خدا در زیرکه میخواهد وصیت کند و وصیت لازم و واجب ست بر هر مسلمانی و صحیفه اعتقادات خود را چنانچه در کتاب حلیة المتقین ذکر کرده ام درست کند و بهر گواهان برسانند تا در میان کفن او گذارند

و چون آثار احتضار ظاهر شود این دعا را مکرر بخواند

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الْكَثِيرَ مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَاقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ

خداوندا بیامرز مرا بسیار از نافرمانی تو و قبول کن از من اندک از بندگی تو

تا جان کندن بر او آسان گردد و باید که اولاد و خویشان بر دوران مومن بدین حالت او تنها نگذارند و نزد او دعا و قرآن بخوانند و تلقین و اعتقادات نزد او بخوانند و اعتقاد بتوحید خدا و صفات کمالیه الهی و رسالت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امامت ائمه هدی و اعتقاد بمعاد و بهشت و دوزخ و سوال قبر و سایر اعتقادات حق را مکرر بر او تلقین کنند که بگوید

آن را اگر توانند خواند نزد او بخوانند و دعاء عدیله را بر او بخوانند و اگر عربی ندانند مضمونش را بر او
القا کنند که در این وقت شیطان بر او دست نیابد که او را از دین برگرداند و باید کلمه طیبه
لا اله الا الله بسیار بگویند و مکرر تلقین او کنند زیرا که در حدیث معتبر وارد است که هر که آخر
سخن او لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام مرویست که تلقین کنید مردگان خود را لا اله الا الله بدرستی که گناهان را
در هم می شکند پس مؤمن است در حال حیات و نزد مردن و نزد مبعوث گردیدن و هر که
در هنگام مردن این کلمه طیبه را بگوید داخل بهشت گردد و احوط آنست که در این حال پای او را
جانب قبله کرده اند تا ملائکه رحمت باو رو آورند و در این وقت حائض و جنب نزد او نباید که ملائکه از
ایشان نفرت می کنند و اگر بغیر ایشان کسی نباشد جائز است که برای ضرورت پرستاری
او نمایند و چون نزدیک شود که جانش برآید بیرون روند و در احادیث معتبره وارد شده است
که اگر جان کندن بر او دشوار شود او را ببرند بآن جائی که همیشه نماز میکرده است یا بجانماز
او را ببرند بجای نمازی که بر آن نماز میکرده است زیرا که اگر امید شفا هست شفا می یابد و الا
جانش بآسانی بر می آید و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که زنهار در حال احتضار
دست بر او مگذارید و اگر دست و پا را حرکت دهد مانع مشوید چنانچه جاهلان میکنند و نزد او
قرآن بخوانید و یاد خدا بکنید و صلوات بر حضرت رسول و آل او بفرستید و در حدیث دیگر
منقولست که فرزندی از حضرت صادق علیه السلام در احتضار بود و حضرت امام محمد باقر
علیه السلام بر کنار خانه نشسته بودند هر که نزدیک او میرفت منع میکردند و می فرمودند که دست بر او
مگذارید که او در این حالت در نهایت ناتوانی است هر که دست بر او می گذارد خیال آنست که
او را کشته است و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هرگاه
کسی را در وقت جان کندن بیابید کلمات فرج را تلقین او کنید و کلمات فرج این است
لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله
نیست خدائی مگر خدای بردبار بزرگوار نیست خدائی مگر خدای بلند بزرگ منزه است خدا

رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن و

پروردگار آسمانهای هفت گانه و پروردگار زمینهای هفت گانه و آنچه در آنهاست و

ما بینهن ورب العرش العظیم والحمد لله رب العالمین

آنچه میانه آنهاست و پروردگار عرش بزرگ و سپاس خدا را پروردگار عالمها ست

و در حدیث دیگر منقولست که چون این کلمات را تلقین شخصی می کردند حضرت امیر المؤمنین میفرمودند

که برو که دیگر بر تو باکی نیست و حضرت رسول این کلمات را تلقین شخصی کردند و چون ادا نمود

حضرت فرمود که الحمد لله که خدا او را از آتش جهنم نجات داد و از حضرت صادق علیه السلام

منقولست که هیچکس نیست مگر آنکه شیطان در وقت مردن جمعی از شیاطین را موکل میکرداند بر

او که او را بشک اندازند در دین خود تا جانش مفارقت کند و اگر مومن کامل باشد نمی توانند

او را از دست بدر کنند پس در آنحال تلقین ایشان بکنید کلمات فرج را و شهادتین و توحید خدا

و اقرار بحضرت رسالت و ائمه طاهرین علیهم السلام یکیک را بخصوص نام و اینسخن گفتن باید که بتلقین

سنتست که برآسانی جان کندن این دعا را تلقین او کنند

یا من یقبل الیسیر ویعفو عن الکثیر اقبل منی الیسیر واعف عنی

ای آنکسیکه قبول میکند اندک را و در میگذرد از بسیار قبول کن از من اندک را و در گذر از من

الکثیر انک انت العفو الغفور الرحیم و بروایت دیگر انک انت العفو

بسیار را بدرستیکه تویی آمرزنده مهربان · بدرستیکه تو عفو کننده آمرزنده

و چون روح او مفارقت کند سنتست که دهانش را بر هم گذارند و چانه اش را به بندند

و چشمهایش را بهم آورند و دستهایش را به پهلوهایش بکشند و او را بجا در سفیدی یا جامه بپوشانند

و قرآن نزد او بخوانند و پیش بر دارند مگر بقدر جمع شدن مومنان اگر شتابی در موت او

نباشد و اگر مشتبه باشد تا یقین نشود مرگش بر ندارند و از حضرت صادق علیه السلام

منقولست که سزاوار آنست که برادران مومن او خبر کنند بردن او را بجنازه او حاضر

گردند و بر او نماز کنند و از برای او استغفار کنند و میت ایشان همه ... و در حدیث

مستحسن است حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون مومن را بقبر میبرند ندا میکنند که اول
عطائی که ترا دادیم بهشت است و اول عطائی که دادیم آنها را که با جنازه تو آمده اند آمرزش گناهانست
و در حدیث دیگر فرموده که اول تحفه که بمومن میرسد در قبر آنست که می آمرزند هر کس را که
همراه جنازه او بوده است و در حدیث دیگر فرمود که هر که همراهی جنازه مومنی بکند تا او را دفن کنند
حق تعالی در قیامت هفتاد ملک را برای او بگمارد که همراهی او نمایند و استغفار برای او کنند از قبر
تا موقف حساب و فرمود که هر که یک طرف جنازه را بگیرد بیست و پنج گناه کبیره او آمرزیده شود
و اگر چهار طرف را بگیرد از گناهان بیرون آید و باید که جنازه را چهار کس بردارند و بهتر آنست
که برای کسیکه تشییع جنازه کند اول دست راست میت را که جانب چپ جنازه است بدوش راست
خود بردارد پس پای راست میت را بدوش راست خود بردارد پس از پشت جنازه بگردد پای
چپ میت را که در جانب راست جنازه است بدوش چپ خود بردارد پس دست چپ میت را
که در جانب راست جنازه است بدوش چپ بردارد و چون خواهد که بار دیگر تربیع نماید
کند از پیش جنازه بگردد و ملک از جانب پشت جنازه بگردد و باز بهمان روش تربیع بجا
آورد و اکثر علما بر عکس گفته اند که اول ابتدا بدست راست جنازه می کنند پس بپای راست
پس بپای چپ پس بدست چپ و اول موافق احادیث معتبره اولیست و اگر بهر دو را
بعمل آورند بهتر است و افضل آنست که عقب جنازه یا پهلوهای آن راه روند و پیش جنازه رفتن
و ظاهر اکثر احادیث آنست که اگر جنازه مومن باشد پیش آن راه رفتن خوبست و
جنازه خلاف مذهب خوب نیست زیرا که ملائکه او را استقبال بعذاب می کنند با جنازه
سواره رفتن مکروه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که جنازه را ببیند این بگوید

الله اکبر هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله اللهم زدنا

خدا بزرگتر است این است آنچه وعده کرده ما را خدا و رسول او و راست گفته خدا و رسول او خداوندا بیفزا ما را

ایمانا و تسلیما الحمد لله الذی تعزز بالقدرة و قهر العباد بالموت

ایمان و تسلیم سپاس مر خدا را که عزیز است بقدرت و غالب است بندگان را بمرگ

هیچ ملکی در آسمان نماند مگر آنکه گریه کند از برای ترحم بر او و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون بر نعش جنازه این دعا بخوانند

بسم الله وبالله اللهم صل علی محمد وآل محمد واغفر للمؤمنین والمؤمنات

بنام خدا و بیاری خدا خداوندا درود بفرست بر محمد و اولاد محمد و بیامرز مردان مومن و زنان مومنه را

و منقولست که حضرت امام زین العابدین هرگاه جنازه را میدید میگفت

الحمد لله الذی لم یجعلنی من السواد المخترم

سپاس مر خدا را که نگردانید مرا از گروه هالکان

و زنان را تشییع جنازه سنت نیست و بعضی گفته اند که جنازه را سوار شده بردن مکروه است و مجمره بردن با جنازه کراهت دارد و در روز چراغ بردن خوب نیست و اسراف است و در شب خوب است و مکروه است کسی را که بجنازه حاضر شود خندیدن و حرف باطل گفتن

فصل دوم در غسل دادن میت

بدانکه احکام میت از غسل دادن و کفن کردن و نماز کردن و دفن کردن و احکام مس همه واجب کفائی است یعنی بر همه واجب است اگر یکی بکند از همه ساقط میشود و اگر همه ترک کنند همه معاقب می شوند و مشهور میان علما آنست که ولایت این معنی تعلق بوارث میت دارد و ولی رخصت او دیگری متوجه اینها نمی تواند شد و مردان در زنها اولی اند از زنان و شوهر اولی است از دیگران و احوط آنست که بی ضرورت خود غسل ندهد و غسل و نماز و سایر احکام میت واجب است برای شیعه اثنا عشری و در سنی و سایر فرقه مخالفان خلاف است و ظاهر او واجب نباشد مگر در حال تقیه و شهیدی که در جهاد با امام کشته شده باشد و در معرکه مرده باشد او را غسل نمی دهند و کفن نمی کنند بلکه نماز میکنند با جامه ای که پوشیده است دفن می کنند و بعضی گفته اند که در جهاد حقی که کشته شود چنین است و تمام از حوالی نیست و مشهور میان اصحاب آنست که هرگاه از میت عضوی یافته شود که در آن استخوان باشد می شویند و کفن می کنند و دفن میکنند و بعضی کفن را در این حالت واجب دانسته اند و اگر عضوی باشد که دل در آن باشد نماز هم می باید کرد و احوط آنست که اگر سینه را تنها بیابند با جنین کنند و همچنین اگر جمیع استخوانهای

میت را بیابند و عضوی که بی استخوان باشد مشهور آنست که در لته‌ای بپیچند و دفن میکنند و بعضی
لته پیچیدن واجب ندانسته اند و بچه که در شکم ساقط شود هرگاه چهار ماه یا زیاده داشته باشد غسل میدهند
و کفن و دفن می کنند و بر او نماز نیست و بعضی گفته اند که بسه جامه کفن میکنند و حنوط می کنند و هرگاه
چهار ماه نداشته باشد مشهور آنست که در لته می پیچند و دفن میکنند و در روایت در لته پیچیدن مذکور
نیست و بعضی تمام شدن خلقت طفل را اعتبار کرده اند در غسل و کفن نه چهار ماه و این احوط است
و اگر عضوی استخوان داری از زنده بریده باشند احوط آنست که غسل و کفن و دفن بکنند اگرچه
اظهر عدم وجوب است و اگر طفلی در شکم مادر مرده باشد و مادر زنده باشد اگر توانند درست بیرون
می آورند و الا پاره پاره میکنند و بیرون می آورند و اگر مادر بمیرد و طفل زنده باشد شکم مادر را
می شکافند از جانب چپ و طفل را بیرون می آورند و بهتر آنست که شکمش را بدوزند و دفن کنند و واجب
است که مرد را مرد غسل دهد و زن را زن الا چند موضع اول زن و شوهر که بقول اشهر و اقوی هر یک
دیگری را غسل می توانند داد و احوط آنست که از زیر جامه غسل دهد و نظر بعورت نکند و بهتر آنست که
بدون ضرورت غسل ندهند خصوصا مرد زن را دوم جائز است که آقا کنیز خود را غسل دهد هرگاه زن
شوئی و در عدت کسی نبوده باشد و در غسل دادن کنیز آقا را خلاف است سوم جائز است که غسل دهد مرد
اجنبی دختر سه ساله را برهنه و زن اجنبیه پسر سه ساله را برهنه و بعضی پنج ساله نیز تجویز کرده اند چهارم هرگاه مردی فوت
شود و مردی نباشد که او را غسل دهد و زن محرم او را غسل میتواند داد از زیر جامه پنجم چنین است هرگاه زن
فوت شده باشد ظاهر او در حال اختیار نیز محارم یکدیگر را غسل می توانند داد اما احوط آنست که تا ممکن باشد
زنان را زن و مردان را مرد غسل دهد و اما کیفیت غسل بهتر آنست که پیش از غسل کفن را مهیا کند و اول
حبره را بعد از ان ستر سری بعد از ان پیراهن را پهن کند و نصف بالای پیراهن را بر گرداند و لنگ را و بعد از ان
ران پیچ را بجای خود پهن کند پس متوجه غسل شود و اگر میسر باشد که میت را در وقت غسل بر روی تختی یا تخته بخوابانند بهتر است
و مستحب است که در وقت غسل پای میت بسوی قبله باشد بطریق حال احتضار و بعضی واجب دانسته اند و در
سائر احوال باید چنین باشد مگر در حال نماز و حال دفن و باید که رختهایش را بکند و اگر خواهد با پیراهن غسل دهد و اگر خواهد
لنگ به ... کند و پیراهن را بکند و بر هر تقدیر واجب است که در وقت غسل دادن عورت میت را بپوشانند و مشهور است

که واجب است که اول ازاله نجاست از بدن میت بکنند و سنت است که برای حرمت میت پیراهن او را از
پا بیرون بکنند و اگر تنگ باشد با اذن ورثه بشکافند و سنت است که در زیر سقفی یا خیمه غسل بدهند که رو به
آسمان نباشد و سنت است که در زیر پا نشیند غسل دهنده یکی آب ریزد و دیگری بگرداند میت را و مستحب است
که انگشتان میت را نرم کند و اگر دشوار باشد و خوف شکستن باشد دست بردارد و واجب است
که میت را سه غسل بدهند اول به آب سدر بعد از آن به آب کافور بعد از آن به آب خالص و سنت است که اول
دستهای میت را تا نصف ذراع سه مرتبه بشوید بنابر بعضی از روایات پس عورت میت را بشوید و احوط آنست
که چون خواهد عورت را بشوید لته بر دست به بندد که دستش به عورت نرسد و اگر به دست چپ بشوید
بهتر است و سنت است که اول عورت میت را به کف سدر و اشنان سه مرتبه بشوید و آب بسیار بریزد
تا خوب پاک شود پس دست بالای شکمش بگذارد و به نرمی هموار بر پایین بکشد که اگر فضله باشد بیرون آید
و اگر چیزی بیرون آید باز مخرج را بشوید و اگر زن حامله باشد و خوف افتادن بچه باشد دست بر
شکمش نکشد و علما گفته اند که سنت است که سر و ریش او را پیش از غسل به کف سدر بشوید و سنت است که
دستهای خود را تا مرفق بشوید یعنی آن کسی که دست بر میت بگذارد پس وضو دهد میت را و بعضی
وضوی زندگان به آب خالص و بعضی واجب دانسته اند و نیت کند و وضو میدهم این میت را
قربةً الی الله پس رو و دستهایش را بشوید و سر و پاهایش را مسح کند پس ابتدا کند به غسل و احوط
آنست که آب ریزنده و گرداننده اگر دو کس باشند هر دو نیت کنند و بهتر آنست که نیت هر سه
غسل را در اول بکنند و از برای غسل کافور و قراح نیز نیت جدا بکنند پس اول نیت میکنند که
این میت را غسل میدهم به آب سدر و کافور و قراح از جهت آنکه واجب است از برای رضای
خدا قربةً الی الله پس میت را به آب سدر میشوید و احوط آنست که اول بجانب سر آب
بریزد و بعد از آن بجانب راست و سنت است که سر او و هر دو جانب را سه مرتبه بشوید پس میت را بر
پهلوی چپ بخواباند و جانب راست را بشوید و سنت است که سه مرتبه بشوید و هر عضوی
که میریزد قطع نکند تا باز برساند و آنکه میت را میگرداند در هنگام آب ریختن سنت است بر پشت و
شکم بمالد و هموار کند که آب خوب برسد بهتر است و سنت است ... [illegible] ... چنان که

که آب بزیر آنکه وعورت وران وسائر عضا خوب جاری شود پس میت را برگردانند و بپهلوی دست بخوابانند و پهلوی چپ را بهمان طریق که مذکور شد سه مرتبه بشویند و آب سدر که مشهور آنست که حد ندارد و بعضی گفته‌اند که باید بقدر یک سدر باشد و بعضی یک رطل و بعضی یک رطل و نیم گفته‌اند که نزدیک به بیست و پنج درم و زیاده بوده باشد و گویا این تا و تنها برای شستن فرج و سائر عضا بیش از غسل بوده باشد و احوط آنست که در آب غسل آن‌قدر داخل نکنند که مضاف شود و آب را آب نگویند و در بعضی از روایات و در شستن هر جانب شستن نصف سر نیز وارد شده است شاید بد نباشد اگرچه خلاف مشهور است پس میت را به پشت بخوابانند و ظرفها را آب کنند که از سدر آنها بطرف شود و اندک کافور را ریزه می‌کنند و داخل آب می‌کنند و غسل دهنده دستهای خود را تا مرفق بشوید و بهتر آنست که دستهای میت را نیز با نصف ذراع سه مرتبه با آب کافور بشوید و فرج را نیز سه مرتبه بشوید بهمان نحو که گفته شد با دستمال و دست بپیچد و دست بر شکم میت بکشد بهموار و بهتر آنست که دستمالی بر شکم می‌کشند سر میت را بلند کند که فضلات از آنها بیرون آید و دیگر احتیاطاً آب ریزنده و گرداننده هر دو نیت کنند که این میت را غسل میدهیم با آب کافور از برای آنکه واجب است از برای رضای خدا پس سر را بشویند و سنت است که سه مرتبه بشویند و در هر مرتبه ابتدا از جانب راست سر بکنند و گرداننده بهموار و سستی بمالد پس جانب راست را سه مرتبه و جانب چپ را سه مرتبه بنحوی که در غسل سدر مذکور شد بشویند پس میت را بر پشت بخواباند و باز دست خود را تا مرفق بشوید و ظرفها را خوب بشوید که اثری از سدر و کافور در آنها نماند و اگر ظرف دیگر برای آب قراح مهیا کند بهتر است و احوط آنست که آب غسل قراح را از ظرفی که آب سدر و کافور در آن ریخته شده است بر ندارند و آب از ابری بردارند که اینها مطلقاً در آن داخل نشده باشد پس دستهای میت را با نصف ذراع سه مرتبه با آب خالص بشویند استحباباً و فرج میت را نیز با آب خالص سه مرتبه بشویند و اگر در این وقت نیز بار دیگر میت را وضو دهند شاید بهتر باشد پس احتیاطاً نیت کنند که غسل میدهیم این میت را با آب قراح از جهت آنکه واجب است قربة الی الله پس سر را سه مرتبه و جانب راست را سه مرتبه و جانب چپ را سه مرتبه بشویند که یکمرتبه واجب است و دو مرتبه سنت و بهتر آنست که گرداننده بجدار او وقت آب ریختن دست بکشد

بر بدن میت و پیش از این غسل و در اثنای این غسل دست بر شکم میت بکشند و چون از هر سه غسل فارغ شود اگر خوف خروج نجاسات بوده باشد قدری از پنبه در دبرش داخل کنند و همچنین در دهان و بینی قدری از پنبه داخل کنند اگر خوف بیرون آمدن خون یا نجاستی بوده باشد پس سنت است که بدنش را بجامه خشک کنند و بعد از آن او را بر توی جامه های کفن بگذارند و سنت است که هر مرتبه که میت را از جائی بجائی کرده اند این دعا بخوانند

اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا بَدَنُ عَبْدِكَ الْمُؤْمِنِ وَقَدْ اَخْرَجْتَ رُوحَهُ مِنْهُ وَفَرَّقْتَ

خداوندا بدرستیکه این بدن بنده مؤمن تست و بتحقیق بیرون کردی روح او را از آن بدن و تفرقه انداختی

بَيْنَهُمَا فَعَفْوَكَ عَفْوَكَ و اگر زن باشد بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا بَدَنُ اَمَتِكَ الْمُؤْمِنَةِ

میان آنها پس میطلبیم عفو ترا عفو ترا — خداوندا بدرستیکه این بدن کنیز مؤمنه تست

و اگر رو بقبله بگوید بهتر است و در سایر احوال غسل مکرر بگوید

رَبِّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ

ای پروردگار من میطلبیم عفو ترا عفو ترا

تا خدا او را بیامرزد و سنت است که هر چه از عیوب میت بر او ظاهر شود بکسی نقل نکند تا حق تعالی گناهان او را بیامرزد چنانکه از ما در متولد شده و مستحب است که غسل دهنده از جانب راست بایستد و گودالی برابر قبله بکنند و تخته سر آن بلند باشد که آب غسل در آن گودال رود و مکروه است که آب غسل بجائی که در آن بول و غایط کنند بریزند و اگر جائی باشد که نجاست خانه در آن ریزند مضایقه ندارد و مکروه است میت را بآب گرم غسل دادن مگر در حال ضرورت و مکروه است که ناخن میت را از میان پاهای خود بگیرد و ایضا مکروه است که ناخن میت را بگیرد و یا موی او را بگیرد و یا شانه کنند و اگر بگیرد با ناخن و موی یا موئی در اثنای غسل جدا شود باید که در میان کفن بگذارد و با میت دفن کنند و در حدیث منقول است که زندانی از حضرت امام محمد باقر پرسید و شد و حضرت امام صادق علیه السلام داوند و فرمودند که با آن خون تو … قبر … که … هم … مرتبه بآب قراح غسل دهند و احوط آنست که سه مرتبه غسل دهند و اگر بیش از آن هم … احوط آنست که … او را

غسل دهند و اگر آب بهم نرسد یا میت را غسل نتوان داد که خوف آن باشد که بدن میت از هم بپاشد
تیمم دهند او را ظاهر آنست که یک تیمم کافی است و سه تیمم احوط است و بهتر آنست که تیمم را چنین بدهد که نیت کند
که تیمم میدهم این میت را بدل از غسلهای سه‌گانه کافور و قراح از جهت آنکه واجب است از برای
رضای خدا و تیمم دیگر را قصد کند که تیمم میدهم این میت را بدل از غسل کافور احتیاطاً قربة الی الله و همچنین
قراح را و چون نیت کند دست خود را بر خاک زند و بر پیشانی میت کشد و دیگر بر پشت دست راست
میت و بعد از آن بر پشت دست چپ و اگر بدو ضرب تیمم بدهد یکی برای رو و یکی برای دستها
خوب است و اگر میت محرم باشد او را غسل کافور ندهند و حنوط نکنند

فصل سوم

در کفن کردن میت است واجب است که میت را سه کفن کنند و اکثر علما گفته‌اند که اول آنها لنگ است که از ناف
تا بعضی از ساق را بپوشد و بعضی گفته‌اند که سنت است که سینه را بپوشاند و بعضی گفته‌اند که سینه
را بپوشاند و تا پا برسد دوم پیراهن است و سوم سرتاسری که جمیع بدن را بپوشاند و بعضی از علما
گفته‌اند که پیراهن است و دو سرتاسری و جایز است که بجای پیراهن یک سرتاسری دیگر
بکنند که مجموع سه سرتاسری باشد و این قول اظهر است و احادیث معتبره بر این دلالت دارد
و احوط آنست که با اینها لنگ نیز بکنند و با ضرورت یک سرتاسری کافی است و باید که کفن حریر
محض نبوده باشد و احوط آنست که کفن زنان نیز حریر محض نبوده باشد احوط آنست که کفن از پوست
نبوده باشد و بهتر آنست که از مو و پشم نیز نبوده باشد و مستحب است که از پنبه سفید بوده باشد
و سنت است که سرتاسری بالا از جمله دو سرتاسری حبره باشد و آن جامه بوده که از یمن
می‌آوردند و الحال معلوم نیست و دور نیست که اگر بجای آن قطنی سفید بکنند بد نباشد و علما
گفته‌اند که سنت است که اول جانب چپ لفافه را بر جانب راست میت اندازند و
بعد از آن جانب راست لفافه را بر جانب چپ میت و بهتر آنست که چنین کنند اگر چه
سندش بنظر نرسیده و سنت آنست که خرقه طولی که عرضش یک شبر و نیم طولش قریب سه
ذراع و نیم باشد بذراع دست زیاده کنند برای ران پیچ یا آنکه سه ذراع الیتین که
در میت ببندند و پنبه بسیار بر دبر و فرج میت بگذارند و اگر زن باشد پنبه بیشتر بگذارند

و اگر بر پنبه قدری کافور بپاشند شاید بد نباشد و سر دیگر خرقه را از میان پاها بدر آورند و از زیر
بخیه که بر کمرش بسته اند بجانب او رند و محکم ببندند که فرج را و پنبه که گذاشته اند فرا گیرد و پاها را
بهم آورند و رانها را با یکدیگر با آن خرقه سخت ببندند تا زانوها و هر جا که منتهی شود سرش را در آنچه
پیچیده اند فرو برند و سنت است که عمامه از برای میت بسازند که بر دور سرش بگردانند و موافق مشهور
بر زیر حنک بگردانند و سرهای عمامه را از هر دو طرف بدر آورند و بر سینه میت بیندازند جانب چپ را جانب
راست و راست را بر جانب چپ بدل عمامه مرد از برای زن مقنعه زیاد کنند و پارچه بر سینه
زن ببندند که پستانهای او بگیرد و بر پشتش گره زنند و مکروه است که کفن از کتان باشد یا پیراهنی
که تازه کنند پیش از شستن و شسته باشد اما اگر میت را در پیراهن خودش کفن کنند در کار نیست بریدن آستین
و باشتن پاکی نیست اما تکمه ها و بند یالش را ببرند و سنت است که میت را کفن کنند در
پیراهنی که در آن نماز کرده است و اگر در پیراهن بعضی از علما و صلحا نیز کفن کنند شاید بد نباشد
و مستحب است که در جامه که در آن احرام بسته است در حج یا عمره کفن کنند و مستحب است که کفن خوب و پاکیزه
و مناسب میت باشد چنانچه در حدیث وارد شده است که نیکو کنید کفنهای مردگان
خود را که زینت ایشان است و با آن کفنها در قیامت مبعوث میشوند و سنت است که در قیمت
کفن مضایقه و مصری نکنند و کفن از مال بسیار حلال بی شبهه باشد و سنت است موافق
مشهور که بر کفن شهادتین و اقرار با ائمه معصومین ع بنویسند و دعای جوشن کبیر و غیر آن در بعضی
روایات وارد شده است و سنت است که به تربت حضرت امام حسین ع بنویسند و علما
گفته اند که سنت است که کفن را بر ریسمانی که از دوش بیرون آورند بدوزند و به آب دهان تر نکنند
و سنت است که در وقتیکه غسل دهنده خواهد که میت را کفن کند بسته بالیش تا دوش تا مرفق
بشوید و بعد از آن شروع کند در کفن کردن و واجب است حنوط کردن میت را با آنکه بر هفت
موضع سجده او یعنی پیشانی و کف دستها و زانوها و انگشتان مهین پاها کافور بمالند
اگر چه اندکی باشد بهتر آنست که سر بینی را نیز بمالند و بر سینه اش بریزند و اگر و...
پائین گردن و بندهای پا و بندهای دست و مرفقها و زیر بغلها و پیچ ران و بند انگشتها

و سائر بندها را بالذات حنوط است و بهتر آنست که کافور حنوط و کافور خام حبه دانه باشد و مقدار اقلش
بقدر یک اشرفی باشد که چهار دانگ و نیم مثقال است و بهتر از این آنست که یک مثقال باشد و بهتر
از این آنست که سیزده درم و ثلثی بوده باشد موافق حنوط حضرت رسول صلی الله علیه و آله که تقریباً
هفت مثقال صیرفی بوده باشد و بهتر آنست که کافور غسل از این مقدار ها نباشد و سنت موکده
سنت که دو جریده تازه با میت بگذارند و در اخبار بسیار وارد شده است که با این بها
میت را عذاب نمی کنند و بهتر آنست که چوب درخت خرما بوده باشد و اگر یافت نشود چوب
درخت سدر و اگر یافت نشود چوب درخت بید و اگر یافت نشود چوب درخت انار و اگر هم
نشود هر چوب تری خوب است و باید که تر باشد و تازه از درخت بریده شده و خشک
هر چند از درخت خرما باشد اما کهنه بریده شده فایده نمی کند و باید که هر یک بقدر شبر
بوده باشد یا یک ذراع و بعضی گفته اند که بقدر استخوان ذراع که از یک شبر
بیشتر است و ظاهر اهمه خوب است و بعضی گفته اند که پنبه برانها به پیچند تا رطوبت شان بیشتر
باند و یکی را از جانب راست بگذارند و سرش را بچنبر گردن گذارند و ملصق ببدن سازند و
دیگری را از جانب چپ و میان پیراهن و سترپاسری بگذارند و سرش را نیز بچنبر گردن گذارند و بعضی
گفته اند که سنت است که بر جریدتین شهادتین بنویسند به تربت شریف و اگر تقیه باشد و جریده
نتوان بر کفن گذاشت در میان قبر بیندازند و اگر بعد از پر کردن قبر بخاطر شان آید
در میان قبر فرو برند و بدانکه کفن واجب میت از اصل مال اوست مقدم بر دین و وصیت و میراث
و اگر چیزی نداشته باشد رخت های او را تطهیر کنند و با آنها کفن کنند و اگر آنهم نباشد
برهنه دفن کنند و بعضی گفته اند که از زکوة واجب کفن میت می توان کرد و خالی
از قوتی نیست و سنت موکده است که مومنان او را کفن کنند چنانچه در حدیث معتبر از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که کفن کند مومنی را چنانست که ضامن جامهای او
شده باشد تا روز قیامت و هر که بکند از برای مومنی قبری چنانست که او را در خانه موافق
نیکو جا داده باشد تا روز قیامت و کفن زن بر شوهر واجب است هر چند زن مالدار باشد و همچنین کفن بنده.

بر صاحبش واجب است و اگر از میت نجاستی بیرون آید بدن او را بشویند و اگر کفن آلوده شده باشد تا در قبر نگذاشته اند آن را می شویند و اگر بقبر برده باشند مشهور آنست که آن موضع را مقراض میکنند و کفن را از یکدیگر می گذارند تا بدن میت پوشیده شود و بعضی گفته اند که اگر ممکن بوده باشد شستن در اندرون قبر با لگن و آفتابه ببرند و بشویند بهتر است خصوصا هرگاه بدن میت نجس شده باشد و تطهیر آن لازم باشد کفن را نیز تا آن عنوان بشویند و این احوط است و جمعی گفته اند که مکروه است کفن را با آهن بریدن و گفته اند از مشایخ چنین شنیده ایم و در حال کفن نیز سنت است که پاهایش بجانب قبله باشد مثل تکیه و در غیر جهاد یا امام کشته شده باشد جراحتهای بدنش را ازاله می کنند و غسل میدهند و اگر سر جدا باشد در غسل اول سر را می شویند و آخر بدن را و بعضی گفته اند که اگر خون بند نشود گل رست می ریزند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست در حکم چنین کسی که اول خون را می شویند و آب بر وی می ریزند در غسل و دست بر بدنش نمی مالند و جراحتهایش پنبه و کافور میگذارند و محکم می بندند و همچنین اگر گردنش بریده شده باشد و جدا نشده باشد کافوری باشد بر موضع جراحت و پنبه بر آن میگذارند و بخرقه می بندند که خون بیرون نیاید و اگر سر از بدن جدا شده باشد در غسل اول سر را می شویند و بعد از آن بدن را و پنبه بر بالای گردن میگذارند و بعد از آن سر را بر روی گردن میگذارند و در میان کفن می پیچند و در هنگام دفن سر را با بدن میگیرند و در لحد میگذارند و رویش را بجانب قبله میگردانند

فصل چهارم در نماز میت است و این نماز واجب است بر همه مسلمانان که علم بفوت شخصی هم رسانند و اگر یکی از ایشان بجا آورد از دیگران ساقط می شود و واجب است نماز بر هر شیعه اثناعشری که بالغ باشد بخلاف و اشهر و اقوی آنست که بر طفلی که شش سالش تمام شده باشد نماز واجب است و ظاهر المقصد قربت آنکه اگر او کمتر از شش ماهه را اگر زنده متولد شده باشد بعضی سنت دانسته اند و بعضی بدعت و احوط نماز نکردن است و جایز نیست نماز کردن بر کفار و خوارج و ناصبیان که عداوت اهل بیت داشته باشند و غالیان که ائمه علیهم السلام را خدا دانند یا گویند که خدا در ایشان حلول کرده است و بر مرتد و استغفار

که جدا از جسم میسر انند و در غیر ایشان از مخالفان خلاف است و ظاهر امخیرست میان آنکه
نماز نکنند یا بکنند و چهار تکبیر بگویند و در تکبیر چهارم نفرین و لعنت بر او بکنند و در موضع تقیه کن نباید کرد و اولی
ترین مردم بنماز میت وارث اوست بنابر مشهور و بعضی گفته اند که بی رخصت ایشان نماز جماعت
نمی توان کرد و بانفراد می توان کرد و احوط آنست که تا توانند از ایشان رخصت گرفتن بی رخصت
نکنند و شوهر از همه خویشان اولی است نسبت بزن و مردان اولی اند از زنان و وارث اگر
خود قابلیت پیش نمازی نداشته باشد هر که را اعتقاد داشته باشد و بهتر داند مقدم دارد
و جائز است که زن پیش نمازی زنان بکند و با ماموان در یک صف بایستد و مرد باید که
پیش بایستد اگر چه ماموم یک نفر باشد و اگر زنان با مردان جمع شوند زنان در عقب مردان
بایستند و اگر حائض باشد سنت است که در صف جدا بایستد و واجب است که نماز گذارنده رو بقبله
بایستد و سر جنازه بجانب راست او باشد اگر امام باشد و در ماموم در کار نیست و احوط
در منفرد آن است که از برابر جنازه بیرون نباشد و واجب است که میت را بر پشت بخوابانند
و در این نماز طهارت از حدث شرط نیست و جنب و حائض مع تیمم و بی وضو این نماز می توانند کرد
و احوط آنست که سایر شروط نماز یومیه را درین نماز رعایت کنند از پوشانیدن عورت
و نجس نبودن جامه و بدن و حریر نبودن جامه و غیر اینها اگر چه اظهر آنست که هیچ یک در کار نیست
مگر چیزی چند که حرام باشد و ازاله آنها منافی افعال نماز باشد مانند طلا و حریر برای مردان
و جامه غصبی و سنت است که با وضو باشد و اگر آب بهم نرسد یا مانعی داشته باشد یا وقت
تنگ باشد سنت است که تیمم کند و ظاهر بعضی اخبار آنست که بدون عذر نیز تیمم سنت است
و می باید که از جنازه بسیار دور نباشد مگر آنکه در نماز جماعت باشد و صفها در میان باشد
و نماز بر میت نمی توان کرد تا او را غسل و کفن بکنند اگر ممکن باشد و اگر کفن نداشته باشد او را
بقبر بگذارند و عورتش را بپوشانند و نماز کنند و سنت است که پیش نماز برابر میان مرد بایستد
و سینه زن بنابر مشهور و سنت است که کفش را بکنند و اگر موزه در پا داشته باشند در کار نیست
کندن و اگر پا برهنه باشد بهتر است و واجب است که نیت کند و بهتر آنست که چنین نیت کند

اللهم اهلها الينا خيرا وحببنا الى اهلها وحبب صالحي اهلها الينا وكان اذا اتي بالباكورة من الثمار قال اللهم كما اريتنا اولها فارنا آخرها

که نماز بر این میت حاضر میکنیم از برای آنکه واجب است قربة الی الله و پنج تکبیر بگوید و سنت است که در هر تکبیر دستها را بر دارد تا محاذی گوشها یعنی در غیر تکبیر اول سنت می دانند دست برداشتن را و اول آن واجب است و در وجوب دعا در میان تکبیرها خلاف است و احوط وجوب است و ظاهر این است که هر دعای مجزی باشد و مشهور آنست که بعد از تکبیر اول بگوید

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّٰهِ و بعد از دوم اَللّٰهُمَّ صَلِّ

گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر خدا بحق و گواهی میدهم آنکه محمد فرستاده خدا است خداوندا رحمت کن

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ و بعد از سوم اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ و بعد از چهارم

بر محمد و آل محمد خداوندا بیامرز مردان مومن را و زنان مومنه را

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِهٰذَا الْمَيِّتِ و تکبیر پنجم را بگوید و فارغ شود و مجزی است و موافق مشهور

خداوندا بیامرز این مرده را بهتر آنست که چنین کند و بعد از نیت بگوید

اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا

خدا بزرگتر است گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر خدا بحق در حالتیکه یگانه است نیست شریکی مر او را و گواهی میدهم

عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ اَرْسَلَهٗ بِالْحَقِّ بَشِيْرًا وَنَذِيْرًا بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ پس بگوید

بنده او و فرستاده او است فرستاده است او را براستی بشارت دهنده و ترساننده در پیش قیامت

اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

خدا بزرگتر است خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد

وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَاٰلَ مُحَمَّدٍ كَاَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلٰى

و رحم کن بر محمد و آل محمد مانند بهتر از آنچه رحمت فرستادی و برکت دادی و رحم نمودی بر

اِبْرٰهِيْمَ وَاٰلِ اِبْرٰهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَجِيْدٌ وَصَلِّ عَلٰى جَمِيْعِ الْاَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِيْنَ پس بگوید

ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده بزرگواری و رحمت بفرست بر همه پیغمبران و مرسلان

اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ

خدا بزرگتر است خداوندا بیامرز مردان مومن و زنان مومنه و مردان مسلمان و زنان مسلمه

الاحیاء منهم والاموات تابع بیننا وبینهم بالخیرات انک مجیب

زنده‌های ایشان و مرده‌ها متابعت بینداز میان ما و میان ایشان بنیکیها بدرستیکه تو اجابت کننده

الدعوات انک علی کل شیء قدیر پس بگوید الله اکبر اللهم ان هذا عبدک

دعاهائی بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی خدا بزرگترست خداوندا بدرستیکه این بنده تست

وابن عبدک وابن امتک نزل بک وانت خیر منزول به اللهم انا لا نعلم

و پسر بنده تست و پسر کنیز تست فرود آمد نزد تو و تو بهترین فرود شدگانی خداوندا بدرستیکه ما نمیدانیم

منه الا خیرا وانت اعلم به منا اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه وان کان

از و مگر نیکی و تو داناتری باو از ما خداوندا اگر هست نیکوکار پس زیاد کن در احسان او و اگر هست

مسیئا فتجاوز عنه واغفر له اللهم اجعله عندک فی اعلی علیین واخلف

گناهکار پس درگذر از و و بیامرز او را خداوندا بگردان او را نزد خود در بلندترین جاها و خلیفه باش

علی اهله فی الغابرین وارحمه برحمتک یا ارحم الراحمین پس بگوید الله اکبر و

بر اهل او در باقی ماندگان و رحم کن بر او برحمت خود ای بخشنده ترین بخشندگان خدا بزرگترست

می شود و اگر زن باشد می گوید اللهم ان هذه امتک وابنة عبدک وابنة امتک

خداوندا بدرستیکه این کنیز تست و دختر بنده تست و دختر کنیز تست

نزلت بک وانت خیر منزول به اللهم انا لا نعلم منها الا خیرا وانت اعلم

فرود آمده است بتو و تو بهترین فرود شدگانی خداوندا بدرستیکه ما نمیدانیم از و مگر نیکی و تو داناتری

بها منا اللهم ان کانت محسنة فزد فی احسانها وان کانت مسیئة

باو از ما خداوندا اگر هست احسان کننده پس زیاد کن در احسان او و اگر هست گناهکار

فتجاوز عنها واغفر لها اللهم اجعلها عندک فی اعلی علیین واخلف

پس درگذر از و و بیامرز او را خداوندا بگردان او را نزد خود در بلندترین جاها و خلیفه باش

علی اهلها فی الغابرین وارحمها برحمتک یا ارحم الراحمین

بر اهل او در باقی ماندگان و رحم کن او را برحمت خود ای بخشنده ترین بخشندگان

واگر بعد از چهار تکبیر این دعا بخواند خوب است

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمداً عبده ورسوله

گواهی میدهم اینکه نیست معبودی بحق مگر خدای یگانه در حالیکه نیست شریکی از او و گواهی میدهم بدرستیکه محمد بنده او و پیغمبر او

اللهم صل علی محمد وآل محمد واغفر للمؤمنین والمؤمنات اللهم ان هذا

خداوندا درود بفرست بر محمد و اولاد محمد و بیامرز مردان مؤمن را و زنان مؤمنه را خداوندا بدرستیکه این

المسجّی قدامنا عبدک وابن عبدک وقد قبضت روحه الیک وقد احتاج

جنازه پوشیده که در پیش ما است بنده تست و پسر بنده تست و بتحقیق گرفتی روح او را بسوی خود و بتحقیق محتاج

الی رحمتک وانت غنی عن عذابه اللهم انا لا نعلم منه الا خیراً

بسوی رحمت تو و تو بی نیازی از عذاب او خداوندا بدرستیکه ما نمی دانیم از ظاهر او مگر نیکی

وانت اعلم بسریرته اللهم ان کان محسناً فزد فی احسانه وان کان

و تو داناتری به پنهان او خداوندا اگر هست نیکوکار پس زیاده کن در احسان او و اگر

مسیئاً فتجاوز عن سیئاته

گنه کار است پس درگذر از گناهان او

واگر زن باشد بگوید

اللهم ان هذه المسجّاة قدامنا امتک وابنة عبدک وقد قبضت روحها

خداوندا بدرستیکه این جنازه پوشیده در پیش روی ما است کنیز تست و دختر بنده تست و بتحقیق گرفتی روح او را

الیک وقد احتاجت الی رحمتک وانت غنی عن عذابها اللهم انا لا نعلم

بسوی خود و بتحقیق محتاج است بسوی رحمت تو و تو بی نیازی از عذاب او خداوندا ما نمی دانیم

منها الا خیراً وانت اعلم بسریرتها اللهم ان کانت محسنة فزد

از ظاهر او مگر نیکی و تو داناتری بباطن او خداوندا اگر هست نیکوکار پس زیاده کن

فی احسانها وان کانت مسیئة فتجاوز عن سیئاتها

در نیکی او و اگر هست گنه کار پس درگذر از گناهان او

بلکه موافق جمع بین الاحادیث بهتر است واگر بعد از هر تکبیر این دعا را بخواند
نیز خوب است

أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمداً عبده ورسوله

گواهی میدهم اینکه نیست معبودی مگر خداوند در حالتیکه یگانه است نیست شریکی او را و گواهی هم میدهم بدرستیکه محمد بنده او و پیغمبر او

اللهم صل على محمد وآل محمد وعلى الأئمة الهداة واغفر لنا ولإخواننا

خداوندا درود بفرست بر محمد و اولاد محمد و بر امامان راهنما و بیامرز ما را و برادران ما را

الذين سبقونا بالإيمان ولا تجعل في قلوبنا غلاً للذين آمنوا ربنا إنك

که سبقت کردند ما را بایمان و مگردان در دلهای ما کینه برای آنانکه ایمان آوردند پروردگارا بدرستیکه تو

رؤوف رحيم اللهم اغفر لأحيائنا وأمواتنا من المؤمنين والمؤمنات وألف

آمرزنده مهربانی خداوندا بیامرز زنده های ما را و مرده های ما را از مردان مؤمن و زنان مؤمنه و الفت ده

قلوبنا على قلوب أخيارنا واهدنا لما اختلف فيه من الحق بإذنك إنك تهدي

دلهای ما را بر دلهای بهتران ما و راه نما ما را بسوی چیزیکه اختلاف کرده شده در آن از حق باذن تو بدرستیکه تو هدایت میکنی

من تشاء إلى صراط مستقيم اللهم عبدك ابن عبدك ابن أمتك أنت أعلم به

کسی را که میخواهی بسوی راه راست خداوندا بنده تو پسر بنده تو پسر کنیز تو و تو داناتری باو

افتقر إلى رحمتك واستغنيت عنه اللهم فتجاوز عن سيئاته وزد في حسناته

محتاج است بسوی رحمت تو و بی نیازی تو از او خداوندا پس بگذر از گناهان او و افزون کن در نیکیهای او

واغفر له وارحمه ونور له في قبره ولقنه حجته وألحقه بنبيه صلى الله عليه

و بیامرز او را و رحم کن او را و نور بخش او را در قبر او و بیاد ده او را حجت او را و او را لاحق کن به پیغمبر او صلی الله علیه

وآله ولا تحرمنا أجره ولا تفتنا بعده

و آل او و محروم مگردان ما را از اجر او و میازما ما را بعد او

واگر زن باشد از اول این دعا بخواند تا

الی صراط مستقیم

و بعد از آن میگوید اللّهمّ امتك ابنة عبدك ابنة امتك انت اعلم بها

خداوندا کنیز تو دختر بنده تو دختر کنیز تو تو بهتر دانائی باو

افتقرت الی رحمتك واستغنیت عنها اللّهمّ فتجاوز عن سیئاتها وزد

و محتاج است بسوی رحمت تو و تو بی نیازی از و خداوندا پس درگذر از گناهان او و زیاد کن

فی حسناتها واغفر لها وارحمها ونوّر لها فی قبرها ولقّنها حجّتها

در نیکیهای او و بیامرز او را و رحم کن او را و نور بخش مر او را در قبرش و تلقین کن او را حجت او

والحقها بنبیّها صلّی الله علیه واله ولا تحرمنا اجرها ولا تفتنّا بعدها

و ملحق کن او را به پیغمبر او درود فرستد خدا بر او و اولاد او و محروم مکن ما را از اجر او و مفتون مکن ما را بعد او

و [illegible] وارد شده است که بعد از فارغ شدن از نماز بگوید

ربّنا آتنا فی الدّنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النّار

ای پروردگار ما عطا کن در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش

و اگر سنی مخالف مذهب نماز کنند بهتر است بعد از تکبیر چهارم بلکه بعد از هر تکبیر

او را لعنت و نفرین کنند و بهتر این است که چنین بگوید

اللّهمّ اخز عبدك فی عبادك وبلادك اللّهمّ اصله حرّ نارك

خداوندا رسوا کن بنده خود را در بندگان خود و شهرهای خود خداوندا او را داخل گردان آتش

اللّهمّ اذقه اشدّ عذابك فانّه کان یوالی اعدائك ویعادی اولیائك

خداوندا بچشان او را سخت ترین عذاب خود پس بتحقیق که او دوست میداشت دشمنان ترا و دشمن میداشت دوستان ترا

ویبغض اهل بیت نبیّك صلّی الله علیه واله

و دشمن میداشت اهل بیت پیغمبر ترا رحمت خدا بر او و آل او

و اگر مستضعف باشد که ضعیف العقل باشد و تمیز میان حق و باطل نکند [illegible]

[illegible] اهل بیت علیهم السلام

و دشمن باشد با دشمنان ایشان نباشد [illegible]

اللهم اغفر للذین تابوا واتبعوا سبیلک وقهم عذاب الجحیم

خداوندا بیامرز جماعتی را که توبه کردند و پیروی کردند راه ترا و نگاه دار ایشان را از عذاب دوزخ

و اگر مذهب میت معلوم نباشد بگوید

اللهم ان هذه النفس انت احییتها و انت امتها اللهم ولها ما تولت واحشرها مع من احبت

خداوندا بدرستیکه این نفس تو زنده کردی آنرا و تو میرانیدی او را خداوندا متوجه کن او را بانچه متوجه بوده و محشور گردان او را باکسیکه دوست میداشت

و اگر میت طفل و نابالغ باشد بگوید

اللهم اجعله لابویه ولنا سلفا وفرطا واجرا

خداوندا بگردان او را برای پدر و مادرش و برای ما پیشرو و پیش رسنده و مزد

و مشهور در همه آنست که دعاهای تکبیر اول را میخواند بنحویکه گذشت و این دعا را بعد از تکبیر چهارم میخواند و بر سنی اگر نماز کند تکبیر پنجم را نمیگوید و سنت است که بر جای خود بایستد تا جنازه را بردارند خصوصا پیش نماز و نماز جنازه را در مسجد میتوان کرد و مشهور آنست که اگر در مسجد نکنند بهتر است و بر یک جنازه دو مرتبه نماز کردن خلاف سنت است در جواز آن و رخصت است که کسیکه نماز نکرده باشد تواند کرد و کسیکه در اثنای نماز برسد بقصد جماعت ملحق میشود و دعاها که خود پیش را می باید خواند میخواند و چون پیش نماز فارغ شود بقیه را با دعاهای مختصر بخواند اگرچه جنازه را بردارند و اگر دور شود یا که دو تکبیر را بی دعا پی در پی بگوید و اگر میتی را بی نماز دفن کرده باشند احوط آنست که بر قبر او نماز کنند هر چند بدن گسسته باشد و همه وقت نماز جنازه میتوان کرد مگر آنکه وقت حاضره تنگ باشد که حاضره را مقدم میدارد و بهتر آنست که با وسعت وقت نیز اول حاضره را مقدم دارد مگر آنکه خوف فوت نماز جنازه بوده باشد یا خوف ضائع شدن میت

فصل پنجم در آداب دفن میت و آداب آن

سنت است که تا میت را در قبر بگذارند ننشینند و واجب است کفایة دفن کردن میت

و قدر واجب آنست که میت را در گوی پنهان کنند بحیثیتی که بوی بد او از مردم مستور گردد و نیز
و جسد او از درندگان ایمن باشد و خوابانیدن او بر جانب راست رو بقبله واجب است بقول
مشهور و بعضی مستحب دانسته اند و مستحب است کندن قبر بقدر قامتی یا تا چنبر گردن و سنت است
کندن لحد از طرف قبله و مستحب است که آنقدر فراخ باشد که کسی در آن تواند نشست و اگر
زمین سست باشد و لحد نتوان کند بعضی گفته اند که مانند لحد بسازند و اگر نتوانند قبر را شق کنند
با آنکه از میان قبر بقدر جسد میت فرو برند آنقدر که توان نشست و دو طرف را بسته باشند که
خشت بر روی آن توان گذاشت که خاک بر میت ریخته نشود و احوط آنست که در مانند سرداب و
تابوت و صندوق نگذارند و شخصی که در دریا بمیرد اگر ممکن باشد بخشکی برسانند و الا در مانند خم گذارند
و سرش را به بندند و بدریا اندازند اگر ممکن باشد و الا او را سنگین کنند و رو بقبله در آب
اندازند و چون جنازه بنزدیک قبر رسد سنت است که او را نزد پای قبر بگذارند اگر مرد باشد
و اگر زن باشد برابر قبله بگذارند و مشهور آنست که زمانی میگذارند و سه مرتبه او را نقل میکنند
و مرتبه چهارم او را بقبر می برند و آنچه در روایات معتبره وارد شده است آنست که چون
میت را نزدیک قبر رسانی او را ناگاه در قبر مبر و کار را بر او سنگین مکن و پائین تر از قبر بدو
ذراع یا سه ذراع بگذار و ساعتی صبر کن تا تهیه خود را بگیرد برای سؤال قبر زیرا که قبر را هولهای
عظیم است و ... حق خدا او را پناه دهد از اهوال قبر و سنت است که سر میت را
پیش کنند و از پیش پای قبر سرازیر بقبر فرو برند و جمعی از علما گفته اند که زن را از جانب
قبله میگیرند و بعرض قبر می برند و سرازیر نمی کنند چنانچه در بعضی از روایات وارد شده است
و سنت است که شخصی که بقبر میرود که میت را بقبر گذارد بندهای قبا را بگشاید و بالاپوش و ردا
را بیندازد و سر و پایش برهنه باشد و جائز است یک کس برود یا زیاده خواه طاق باشد
و خواه جفت و اکثر علما گفته اند که مکروه است که اگر میت مرد باشد خویش او او را بقبر برد و آنچه
از احادیث ظاهر میشود آنست که پدر را مکروه است که در قبر فرزند داخل شود و فرزند و سایر
اقارب را باکی نیست و اگر میت زن بوده باشد احوط آنست که محرم او را بقبر برد

واکر محرم نبوده باشد زن صالحه برد واکر زن نبوده باشد مرد صالح برد و در رفتن و
بیرون آمدن سنت است که از پیش پای قبر باشد سنت است که چون میت را نزدیک قبر بگذارد بگوید

اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ نَزَلَ بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهٖ

خداوندا بنده تو پسر بنده تو و پسر کنیز تو فرود آمد بتو و تو بهتر از کسانیکه فرود آمده شود باو

و چون میت را بردارد که بقبر برد بگوید

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ اَللّٰهُمَّ اِلٰى

بنام خدا و بیاری خدا و بر مذهب رسول خدا درود فرستد خدا بر او و آل او خداوندا بسوی

رَحْمَتِكَ لَا اِلٰى عَذَابِكَ اَللّٰهُمَّ اَفْسِحْ لَهٗ فِي قَبْرِهٖ وَلَقِّنْهُ حُجَّتَهٗ وَثَبِّتْهُ بِالْقَوْلِ

رحمت تو نه بسوی عذاب تو خداوندا فراخی کن برای او در قبر او و بیاد ده او را حجت او و ثابت کذار او را بقول

الثَّابِتِ وَقِنَا وَاِيَّاهُ عَذَابَ الْقَبْرِ

ثابت و نگاهدار ما را و او را از عذاب قبر

و چون در قبر بگذارد سنت است که بندهای کفن را بگشاید و روی میت را باز کند و طرف
راست روی او را بر زمین برساند و اگر زیر سر او را از خاک بلند تر کند بد نیست و خشتی بر پشت
بگذارد که بر پشت نیفتد و سنت است که مهری از تربت حضرت امام حسین در برابر روی
او بگذارد و اگر تربت آنحضرت در کفن نیز بگذارد بهتر است و بگوید

اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

پس سوره فاتحه و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی
بخواند و اگر حاضران هم بخوانند بهتر است پس بگوید

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَفِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ

بنام خدا و بیاری خدا و در راه خدا و بر مذهب رسول خدا درود فرستد خدا بر او و اولاد او

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ افْسِحْ فِي قَبْرِهٖ وَاَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهٖ

خداوندا درود بفرست بر محمد و اولاد محمد خداوندا فراخی کن او را در قبر او و لاحق کن او را به پیغمبر او

صلى الله عليه وآله اللهم ان كان محسنا فزد في احسانه وان كان

درود بفرستد خدا براو و اولاد او خداوندا اگر هست نیکوکار پس زیاده کن در احسان او و اگر هست

مسيئا فاغفر له وارحمه وتجاوز عنه و پس بگوید اللهم جاف الارض

گنه کار پس بیامرز او را و ترحم کن او را و در گذر از او خداوندا دور دار زمین را

عن جنبيه وصاعد عمله ولقه منك رضوانا پس بگوید اللهم عبدك

از دو پهلوی او و بالا ببر عمل او را و بنما او را از خود خوشنودی خداوندا بنده تو

وابن عبدك وابن امتك نزل بك وانت خير منزول به اللهم افسح

و پسر بنده تو و پسر کنیز تو فرود آمده بتو و تو بهترین کسانیکه فرود آیند باو خداوندا گشاده کن

له في قبره واقه بحجته والحقه بنبيه وقه شر منكر ونكير الصائرين

برای او در گور او و بنما او را حجت او را و برسان او را به پیغمبر او و نگاه دار او را از شر منکر و نکیر

بسم الله وفي سبيل الله وعلى ملة رسول الله صلى الله عليه وآله

بنام خدا و در راه خدا و بر مذهب رسول خدا درود بفرستد خدا براو و اولاد

اللهم عبدك ابن عبدك نزل بك وانت خير منزول به اللهم

خداوندا بنده تو پسر بنده تو فرود آمده بتو و تو بهترین کسانیکه فرود آیند باو خداوندا

افسح له في قبره والحقه بنبيه اللهم انا لا نعلم منه الا خيرا وانت

گشاده کن برای او در گورش و برسانش به پیغمبرش خداوندا بدرستیکه ما نمیدانیم از او مگر نیکوئی و تو

اعلم به منا و بروایت دیگر بگو اللهم يا رب عبدك ابن عبدك نزل بك

داناتری باو از ما خداوندا ای پروردگار بنده تو پسر بنده تو فرود آمده بتو

وانت خير منزول به اللهم ان كان محسنا فزد في احسانه وان كان مسيئا

و تو بهترین کسانیکه فرود آیند باو خداوندا اگر باشد نیکوکار پس بیفزا در نیکوئی او و اگر باشد گناه کار

فتجاوز عنه والحقه بنبيه محمد صلى الله عليه وآله وصالح شيعته

پس در گذر از او و برسان او را به پیغمبر او که محمد است درود بفرستد خدا براو و آل او و نیکوکاران شیعه او

واهدنا وایّاه الی صراط مستقیم اللهمّ عفوک عفوک [illegible]

و راه نما ما را و او را بسوی راه راست خداوندا می خواهم عفو تو عفو تو

اللهمّ هذا عبدک فلان و بجای فلان نام او را بگوید وابن عبدک قد نزل

خداوندا این بنده تو فلان و پسر بنده تو بود فرود آمد

بک وانت خیر منزول به فقیراً الی رحمتک اللهمّ ولا نعلم

بتو و تو بهترین فرود آمده شده که بتحقیق نیازمند شده بسوی رحمت تو خداوندا و نمیدانیم ما

منه الّا خیراً وانت اعلم بسریرته ونحن الشهداء بعلانیته اللهمّ جاف

از وی مگر نیکوئی و تو داناتری به نهانی او و مائیم گواهان آشکارای او خداوندا دور کن

الارض عن جنبیه ولقّنه حجّته واجعل هذا الیوم خیر یوم اتی علیه

زمین را از دو پهلوی او و بیاموز او را حجت او را و بگردان این روز را بهترین روزی که گذشت بر او

واجعل هذا القبر خیر بیت نزل فیه وصیّره الی خیر ممّا کان فیه ووسّع

و بگردان این گور را بهترین خانه که فرود آمده در وی و بگردان او را بسوی بهتر از آنچه بود در آن و فراخ

له فی مدخله وآنس وحشته واغفر ذنبه ولا تحرمنا اجره ولا تضلّنا بعده

[illegible]

اسمع افهم اسمع افهم اسمع افهم یا فلان بن فلان هل انت علی

بشنو بفهم بشنو بفهم ای فلان پسر فلان آیا تو هستی

العهد الذی فارقتنا علیه من شهادة ان لا اله الّا الله وحده لا شریک

عهدی که مفارقت کردی ما را بر آن از شهادت اینکه نیست خدای مگر خدای یگانه نیست شریک

له وانّ محمّداً صلّی الله علیه وآله عبده ورسوله وسیّد النبیّین وخاتم

مر او را و بدرستیکه محمد فرستاده خدا است بنده او و پیغمبر او سید پیغمبران و آخر

الْمُرْسَلِينَ وَاَنَّ عَلِيّاً اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَاِمَامٌ افْتَرَضَ اللّٰهُ

فرستاده شدگان و بدرستیکه علی امیر مومنان است و سرور اوصیا و امامیکه واجب کرده است خدا

طَاعَتَهُ عَلَى الْعَالَمِينَ وَاَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدَ بْنَ

طاعت او را بر عالمیان و بدرستیکه حسن و حسین و علی پسر حسین و محمد پسر

عَلِيٍّ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ

علی و جعفر پسر محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی و محمد پسر علی

وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالْقَائِمَ الْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتُ

و علی پسر محمد و حسن پسر علی و حجت مهدی درودهای

اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَئِمَّةُ الْمُؤْمِنِينَ وَحُجَجُ اللّٰهِ عَلَى الْخَلْقِ اَجْمَعِينَ وَاَئِمَّتُكَ

خدا بر ایشان پیشوایان مومنان و حجتهای خدا بر خلق همه و پیشوایان تو

اَئِمَّةُ هُدًى اَبْرَارٌ يَا فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ اِذَا اَتَاكَ الْمَلَكَانِ الْمُقَرَّبَانِ رَسُولَيْنِ

پیشوایان هدایت نیکان ای فلان پسر فلان هرگاه بیایند ترا دو فرشتکان و مقرب درگاه دو فرستاده

مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَسَئَلَاكَ عَنْ رَبِّكَ وَعَنْ نَبِيِّكَ

از نزد خدا که بزرگ است و بلند و سوال کنند ترا از پروردگار تو و از پیغمبر تو

وَعَنْ دِينِكَ وَعَنْ كِتَابِكَ وَعَنْ قِبْلَتِكَ وَعَنْ اَئِمَّتِكَ فَلَا تَخَفْ

و از دین تو و از کتاب تو و از قبله تو و از امامان تو. پس مترس

وَقُلْ فِي جَوَابِهِمَا اللّٰهُ جَلَّ جَلَالُهُ رَبِّي وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ

و بگو در جواب ایشان خدا که بزرگست بزرگواری او پروردگار منست محمد درود فرستد خدا بر او

اٰلِهِ نَبِيِّي وَالْاِسْلَامُ دِينِي وَالْقُرْاٰنُ كِتَابِي وَالْكَعْبَةُ قِبْلَتِي وَ

و اولاد او پیغمبر من است و اسلام دین منست و قرآن کتاب من است و کعبه قبله من است و

اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ اَبِي طَالِبٍ اِمَامِي وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُجْتَبَى

امیر المومنین علی پسر ابو طالب امام من است و حسن پسر علی برگزیده

اِمامی و الحسین بن علی الشهید بکربلا امامی و علی زین العابدین

امام من است و حسین پسر علی شهید در کربلا امام من است و علی زینت عابدان

امامی و محمد بن علی باقر علم النبیین امامی و جعفر الصادق امامی

امام من است و محمد پسر علی باقر علم پیغامبران امام من است و جعفر صادق امام من است

و موسی الکاظم امامی و علی الرضا امامی و محمد الجواد امامی

و موسی کاظم امام من است و علی بن موسی الرضا امام من است و امام محمد تقی امام من است

و علی الهادی امامی و الحسن العسکری امامی و الحجة المنتظر امامی

و علی نقی راهنما امام من است و حسن عسکری امام من است و حجت خدا انتظار برده شده امام من است

هؤلاء صلوات الله علیهم اجمعین ائمتی و سادتی و قادتی و شفعائی

این جماعت درودهای خدا برایشان همه پیشوایان من اند و سروران من و پیشوایان من و شفاعت کنندگان من

بهم اتولی و من اعدائهم اتبرأ فی الدنیا و الآخرة ثم اعلم

با ایشان تولی مینمایم و از دشمنان ایشان بیزاری میجویم در دنیا و آخرت بعد از آن بدان

یا فلان بن فلان ان الله تبارک و تعالی نعم الرب و ان محمدا صلی الله علیه

ای فلان پسر فلان بدرستیکه خدای بلند و بلند خوب پروردگاری است و بدرستیکه محمد درود فرستد خدا بر او

و آله نعم الرسول و ان امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و اولاده

و اولاد او خوب رسولی است و بدرستیکه امیر المؤمنین علی پسر ابو طالب و اولاد او

الائمة الاحد عشر نعم الائمة و ان ما جاء به محمد صلی الله علیه

امامان یازده گانه خوب ائمه اند و بدرستیکه آنچه آورده است آن را محمد درود فرستد خدا بر او

و آله حق و ان الموت حق و سؤال منکر و نکیر فی القبر حق

و اولاد او حق است و بدرستیکه مرگ حق است و سوال منکر و نکیر در قبر حق است

و البعث حق و النشور حق و الصراط حق و المیزان حق و تطایر

و بعث حق است و زندگی بعد مرگ حق است و پل صراط حق است و میزان حق است و پریدن

الكتب حق والجنة حق والنار حق وان الساعة آتية لا ريب

کتابها حق ست وبهشت حق ست و دوزخ حق ست و بدرستیکه قیامت آینده هست بی شک

فيها وان الله يبعث من في القبور پس بگوید افهمت يا فلان

دران وبدرستیکه خدا مبعوث میکند کسیکه در قبرست آیا فهمیدی ای فلان

که میت در جواب بگوید فهمیدم ثبتك الله بالقول الثابت هداك الله الى صراط

ثابت دارد ترا خدا بقول ثابت هدایت کند ترا خدا بسوی راه

مستقيم عرف الله بينك وبين اوليائك في مستقر من رحمته پس بگوید

است شناسا کند خدا میان تو و میان دوستان تو در قرارگاهی از رحمت خود

اللهم جاف الارض عن جنبيه واصعد بروحه اليك ولقه

خداوندا دور گردان زمین را از دو پهلوی او و بالا ببر روح او را بسوی خود و بنما او را

منك برهانا اللهم عفوك عفوك پس خشت بر لحد بگذارد و آنچه بجهة نیز

از نزد خود برهانی خداوندا میخواهم عفو ترا عفو ترا خوب ست خشت خام بهترست

و اگر خشت عریض باشد بهترست بگذارد و بر رخنه خشتها خشت دیگر بگذارد و با گل رخنه ها را

بگیرد و اگر خشتها کوچک باشد بگذارد بر سر لحد و رخنها را محکم کند

اللهم صل وحدته وآنس وحشته وآمن روعته واسكن

خداوندا وصل کن تنهایی او را و مونس شو وحشت او را و ایمن کن خوف او را و آرام ده

اليه من رحمتك رحمة تغنيه بها عن رحمة من سواك

بسوی او از رحمت خود رحمتی که بی نیاز گردانی او را بآن از رحمت غیر خود

فانما رحمتك للظالمين ... يستغني

پس بدرستیکه رحمت تو برای ستمکاران است ... بی نیاز شود

بها عن رحمة من سواك واحشره مع من كان يتولاه

بآن از رحمت آنکه سوای تست و محشور کن او را با کسیکه همیشه دوست میداشت او را

و مکروه ست فرش قبر بچوب و تخته کردن یا میت را با تابوت گذاشتن مگر آنکه زمین آب

بر آرد یا نم بسیار داشته باشد و چون از دفن یا خاک ریختن فارغ شوند آنچه بگوید

اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُوْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ اَللّٰهُمَّ ارْفَعْ دَرَجَتَهٗ

بدرستیکه ما بندهٔ خدائیم و بدرستیکه بسوی او رجوع کنندگانیم و سپاس خدای را که پروردگار عالمیانست خداوندا بلند گردان درجهٔ او را

فِیْ اَعْلٰی عِلِّیِّیْنَ وَاخْلُفْ عَلٰی عَقِبِهٖ فِی الْغَابِرِیْنَ وَعِنْدَكَ نَحْتَسِبُهٗ یَا رَبَّ الْعَالَمِیْنَ

در مرتبهٔ بلند علیین و خلیفه باش بر عقب او در باقیماندگان و نزد تو حساب میکنیم اجر او را ای پروردگار عالمیان

پس سنت ست که حاضران بپشت کف خاک در قبر بریزند و اگر انگشتان دست گشاده ریزند

و بریزند نیز خوبست و سنت ست که سه مرتبه بریزند و در وقت ریختن بگویند

اَللّٰهُمَّ اِیْمَانًا بِكَ وَتَصْدِیْقًا بِكِتَابِكَ هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ

خداوندا از راه ایمان بتو و تصدیق به کتاب تو چیزیست که وعده کرده است ما را خدا

وَرَسُوْلُهٗ وَصَدَقَ اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ وَمَا زَادَنَا اِلَّا اِیْمَانًا وَتَسْلِیْمًا

و پیغمبر او و راست گفت خدا و رسول او و نیفزود ما را مگر ایمان و قبول کردن

و در حدیث ست که هر که چنین کند و اینها بجا آورد حق تعالی بعدد هر ذرهٔ از خاک حسنه از برای او بنویسد و مکروه ست که خویشان میت خاک بر قبر بریزند که موجب قساوت قلب ست و دوری

از رحمت الهی و سنت ست که بغیر خاک قبر میت نریزند که ما بیست بر میت و سنت ست

که قبر را بقدر چهار انگشت بلند کنند و بعضی چهار انگشت گشاده و بعضی هم آورده گفته اند ظاهر

هر دو خوب باشد و در بیست که یک شبر نیز مجوز باشد و مستحب ست که قبر را چهار گوشه کنند

و در پیش هموار کنند و خرپشته نکنند بنحویکه سنیان می کنند و بعد از آن آب بر قبر بریزند

و در خبر ست که تا تری در قبر هست میت را عذاب نمی کنند و سنت ست که آب ریزنده

بقبله بایستد و ابتدا از پیش سر کند و بر یک جانب قبر بریزد تا به پیش پا و بگرداند بجانب

دیگر و بریزد تا به پیش سر و بعد از آن بمیان قبر بریزد و سنت ست که آب قطع نکند و متصل بریزد

تا تمام شود و مستحب ست که بعد از آب ریختن دست بر قبر گذارند در حالیکه انگشتان ایشان گشاده باشند

و قوت کنند تا اثر انگشتان ایشان در گل بماند و در لحد باشند و از بعضی روایات مفهوم
میشود که نزدیک سر او بنشینند و این دعا بخوانند

اللهم جاف الارض عن جنبیه واصعد الیک روحه ولقه منک

خداوندا دور گردان زمین را از دو پهلوی او و بالا بر بسوی خود روح او را و ملاقات ده او را از جانب خود

رضوانا واسکن قبره من رحمتک ما تغنیه بها عن رحمة من سواک

خوشنودی و ساکن کن در قبر او از رحمت خود چیزی را که بی نیاز کند او را از رحمت کسی که سوای تست و هفت مرتبه انا انزلناه بخواند و اگر میت زن باشد در جمیع دعاها که گذشت ضمیر مونث بیاورد و سنت است که ولی میت یعنی اقرب خویشان او بعد از آنکه مردم برگردند نزد سر میت بنشیند و بآواز بلند آن تلقین که گذشت بار دیگر بکند و اگر دیگری را نایب کند نیز خوب است و در اخبار وارد شده است که چون این تلقین را بکنند منکر نکیر میگویند بیا برویم که تلقین حجتش کردند احتیاج به پرسیدن نیست پس میگردند و سوال نمی کنند و مکروه است عمارت بر قبر زدن و بر سر قبر بسیار ماندن و روی مالیدن بر قبر بغیر قبور ائمه و انبیا و بعضی گفته اند که قبور علما و صلحا نیز این حکم دارد و مکروه است تازه کردن قبر بعد از مندرس شدن و در خبر است که حق تعالی دوست میدارد دلهای شکسته و قبرهای مندرس شده را و مکروه است در حال اختیار دو میت را در یک قبر گذاشتن و میت را از بلدی که در آنجا مرده است بشهرهای دیگر بردن مگر بمشاهد مشرفه ائمه معصومین علیهم السلام و بعضی استثنا کرده اند نقل بمقبره علما و صلحا و شهدا را نیز و مکروه است بر روی قبر نشستن و راه رفتن بلکه بواسطه زیارت قبور که ضرور شود و مشهور آنست که جایز نیست شکافتن قبور اگرچه مدتی گذشته باشد مگر آنکه در قبر مال صاحب قیمت افتاده باشد دیگر آنکه در زمین غصبی دفن کرده باشند یا در کفن غصبی کفن کرده باشند دیگر آنکه او را بی غسل و کفن در خاک کرده باشند و از هم نپاشیده باشد و مشهور آنست که جایز نیست نقل مردگان بعد از دفن و بعضی استثنا کرده اند نقل بمشاهد مشرفه حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین و مشهور آنست که غیر از پیغمبر گریبان چاک کردن و جامه

دریدن برای غیر پدر و برادر و برایشان جائز است بلکه از بعضی اخبار ظاهر میشود که مستحب باشد خصوصاً بر پدر و بعضی تجویز کرده اند زنان را مطلقا و احوط ترک است و جائز نیست خراشیدن رو و کندن و بریدن مو و احوط آنست که طبانچه بر رو و زانو و غیر آن نزنند و بعضی از علما موافق روایتی قائل شده اند که زنیکه موی سر خود را در مصیبتی ببرد واجب است که کفاره بدهد چنانچه در خاتمه مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی و بعضی گفته اند که گناه دارد و کفاره بر او نیست و در غیر که سنت باشد و احوط دادن کفاره است و بعضی تراشیدن مو را نیز الحاق کرده اند به بریدن در وجوب کفاره و هم چنین اکثر علما قائل شده اند که واجب است کفاره بر زنی که موی سر را بکند در مصیبت یا روی خود را بخراشد که خون بر آید و بر مردی که در مرگ فرزند خود یا زن خود جامه چاک کند و کفاره همین ان شاء الله تعالی مذکور خواهد شد و بعضی واجب ندانسته اند و احوط عمل بمشهور است و لازم است اصحاب مصیبت را که صبر کنند بلکه بقضای الهی راضی باشند و بدانند که حق تعالی صابران را اجر بی حساب کرامت میفرماید و باید که صاحب مصیبت بسیار بگوید

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

هر آئینه ما منقادیم خدا را و هر آئینه بسوی اوست بازگشت ما را

تا ثوابهای گذشته او آمرزیده شود و هر گاه که آن مصیبت بخاطرش آید این کلمه را بگوید تا گناهان او آمرزیده شود و بسند معتبر منقولست که هر که مصیبتی را بخاطر آورد اگر چه بعد از مدتی باشد و بگوید

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ أْجُرْنِي

بدرستیکه ما برای خدائیم و بدرستیکه ما بسوی او رجوع کنندگانیم و سپاس خدای پروردگار عالمیان خداوندا مزد ده مرا

عَلَىٰ مُصِيبَتِي وَاخْلُفْ عَلَيَّ أَفْضَلَ مِنْهَا

بر مصیبت من و خلیفه باش بر من بهتر از آن

ثواب همان مصیبت بار دیگر باو داده شود و سنت است که دیگران تعزیت ایشان بکنند و ایشان را تحریص بر شکیبائی کنند پیش از دفن و بعد از دفن و مبالغه در بعد از دفن بیشتر است و اقل تعزیت آنست که هر چند صاحب عزا ایشان را ببیند و منقولست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم که هر که

صبر فرمایند و بنا کنی را در صحرای محشر که همه کس بینند خدا او را حله نیکوی از حله‌های بهشت بپوشاند که موجب سرور او گردد و هر که مصیبت زده را صبر فرماید حق تعالی او را ثواب آن صاحب مصیبت بدهد و کرامت فرماید بی آنکه از اجر او چیزی کم شود و فرمود که ثواب تعزیت صبر برین بهشت و مستحب است که صاحب مصیبت تغییر وضع خود بکنند تا او را بشناسند جایز است گریه و ندبه کردن که نیکیهای میت را بشمارند و نوحه کردن بحق جایز است که دروغ نگویند و چیزها بدان برای میت اظهار نکنند و بهتر آنست که نوحه کرنیا و زند و مستحب است که تا سه روز دیگران خصوصا همسایگان برای صاحب مصیبت طعام بفرستند و زیاده از سه روز ماتم نگیرند مگر زن که چهار ماه و ده روز برای شوهر ماتم بگیرد با آنکه جامه‌های رنگین نپوشد و زینت نکند و سنت موکد است زیارت قبور مومنان خصوصا خویشان چون داخل قبرستان شود بگوید

السلام على اهل الديار من المؤمنين والمسلمين انتم لنا فرط ونحن

سلام بر صاحبان دیار از مومنان و مسلمانان شما برای ما پیش روانید و ما

ان شاء الله بكم لاحقون و در روایت دیگر السلام على اهل الديار من

اگر خواهد خدا بشما لاحق شونده‌ایم سلام بر شما ای اهل دیار

المسلمين والمؤمنين رحم الله المستقدمين منا والمستاخرين وانا

از مسلمانان و مومنان بخشد خدا پیشینیان را از ما و پسینیان را و بدرستیکه

ان شاء الله بكم لاحقون و در روایت دیگر السلام عليكم يا اهل الديار من

اگر خواهد خدا بشما لاحق شونده‌ایم سلام باد بر شما ای اهل دیار از

قوم مؤمنين ورحمة الله وبركاته انتم لنا سلف ونحن لكم تبع رحم الله

گروه مومنان و رحمت خدا و برکتهای او شما برای ما پیش روندگانید و ما شما را پیرواییم بخشد خدا

المستقدمين منكم والمستاخرين وانا لله وانا اليه راجعون

پیشینیان را از شما و پسینیان و بدرستیکه ما برای خداییم و بدرستیکه ما بسوی او رجوع کننده‌ایم

و در احادیث بسیار وارد شده است که هر که نزد قبر برادر مومن خود هفت مرتبه انا انزلناه بخواند

از ترس بزرگ روز قیامت ایمن کردد و بروایت دیگر خدا او را و صاحب قبر را بیامرزد
و سنت است که در وقت خواندن دست بر قبر گذارد و رو بقبله باشد و سنت است که این دعا بخواند
اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جُنُوبِهِمْ وَصَاعِدْ اِلَيْكَ اَرْوَاحَهُمْ وَلَقِّهِمْ
خداوندا دور کردان زمین را از پهلوهای ایشان و بلند کن بسوی خود ارواح ایشان را و ملاقات کردان ایشان را
مِنْكَ رِضْوَانًا وَاَسْكِنْ اِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تَصِلُ بِهِ وَحْدَتَهُمْ وَتُونِسُ
از جانب خود بخوشنودی و ساکن کردان بسوی ایشان از رحمت خود چیزی که بآن وصل کنی تنهائی ایشان را و رفع کنی
بِهِ وَحْشَتَهُمْ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و بروایت معتبر دیگر این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ
بآن وحشت ایشان را بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی — خداوندا رحم کن
غُرْبَتَهُ وَصِلْ وَحْدَتَهُ وَاٰنِسْ بِهِ وَحْشَتَهُ وَاٰمِنْ رَوْعَتَهُ وَاَسْكِنْ اِلَيْهِ مِنْ
غریبی او را و وصل کن تنهائی او را و آرام کن بآن ترسیدگی او را و ایمن کن ترس او را و ساکن کن بسوی او از
رَحْمَتِكَ مَا يَسْتَغْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَاَلْحِقْهُ بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ
رحمت خود آنچه بی نیاز شود بآن از رحمت شخصی که سوای تست و برسان او را بشخصی که دوست میداشت
و بروایت دیگر مستحب است که نزد قبر سوره حمد و معوذتین و قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک را سه مرتبه
بخواند و سوره انا انزلناه را هفت مرتبه و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که
در قبرستان بگذرد و سوره قل هو الله احد را یازده مرتبه بخواند و ثوابش را بمردگان قبرستان
ببخشد بعدد آن مردگان اجر و ثواب یابد و بروایت دیگر هر که آیة الکرسی بخواند و ثوابش را
هدیه اهل قبور کند حق تعالی بعدد هر حرفی ملکی خلق کند که تسبیح کند برای او تا روز قیامت و در عصر
روز پنجشنبه و جمعه زیارت قبور مستحب است و در احادیث معتبره وارد شده است که بر هر که
مصیبتی وارد شود مصیبت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله را بیاد آورد که صعب ترین
مصیبتهاست و در اخبار بسیار وارد شده است که هر که در وقت مصیبت دست بر ران خود زند
ثواب او حبط میشود و نباید که شیون و فریاد کند و واویلا و واثکلاه بگوید و در حدیث معتبر منقولست
که هر که یک فرزند از و برود و صبر کند بهتر است برای او از آنکه هفتاد فرزند از و بماند که همه بعد از او بمانند

فصل پنجم در بیان بعضی از آداب و سنن و فوائد نافعه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بسا است که بعضی از شیعیان ما در افتتاح بعضی از کارها فراموش میکنند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم را پس حق تعالی ایشان را امتحان می نماید به بلائی تا متنبه شوند و یاد او کنند و شکر الهی او بجا آورند و ...

و در راه خدا جهاد کند و منقول است که هر که را دوست میدارد بهترین فرزندان او را میگیرد
و منقول است که ثواب مومن از مردن فرزندش بهشت است خواه صبر کند و خواه نکند
و بسند معتبر منقول است که حضرت صادق در مصیبت این دعا میخواندند

الحمد لله الذی لم یجعل مصیبتی فی دینی والحمد لله الذی لو شاء جعل
سپاس مر خدا را که نگردانید مصیبت مرا در دین من و سپاس خدا را که اگر میخواست میگردانید
مصیبتی اعظم مما کانت والحمد لله علی الامر الذی شاء ان یکون فکان
مصیبت مرا بزرگتر از آنچه هست سپاس مر خدا را بر امری که میخواهد آنکه بشود پس شد

و باید که مردگان را فراموش نکنند زیرا که دست ایشان از اعمال خیر کوتاه گردیده و امید ایشان
بفرزندان و خویشان و برادران مومن است و احسان ایشان را چشم براه اند خصوصا دعا
کردن در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه و در مشاهد مشرفه و پدر و مادر را زیاده از دیگران
باید دعا کرد و اعمال خیر برای ایشان بعمل آورد که در خبر است که بسا فرزندی که در حال حیات
پدر و مادر عاق ایشان باشد و بعد از فوت ایشان نیکوکار گردد بسبب اعمال خیری که از برای
ایشان بعمل آورد و بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر نیکوکار باشد و بعد از فوت ایشان
عاق گردد بسبب آنکه اعمال خیر برای ایشان بعمل نیاورد و عمده خیرات برای پدر و مادر و سایر
خویشان آنست که قرض ایشان را ادا کنند و ایشان را از حقوق خدا و خلق بری گردانند و حج و سایر
عبادتی که از ایشان فوت شده باشد سعی کنند که بجا آورند یا به تبرع بعمل آورند و در حدیث صحیح
منقول است که حضرت صادق علیه السلام در هر شب برای فرزند خود و در هر روز برای
پدر و مادر خود دو رکعت نماز میکردند در رکعت اول انا انزلناه و در رکعت دوم
انا اعطینا میخواندند و بسند صحیح منقول است از حضرت صادق علیه السلام که بسا باشد
کسی در تنگی و شدتی باشد و حق تعالی آنرا وسعت دهد و تنگی را از او بردارد پس باو بگویند
که این فرج که ترا داده اند بسبب نمازی است که فلان برادر مومن برای تو کرد
راوی پرسید که میت را در دو رکعت نماز شریک میتوان کرد فرمود بلی فرمود

که میت شاد می شود و فرح می یابد بدعا و استغفاری که برای او کنند چنانچه زنده شاد می شود و
بهدیه که برای او برند و فرمود که بر میت داخل میشود در قبرش نماز و روزه و حج و تصدق و
سائر عملهای خیر و دعا و ثواب آن اعمال برای کسی که کرده و برای مرده هر دو نوشته می شود و در
حدیث دیگر فرمود که هر که از مسلمانان برای میتی عمل صالحی بکند خدا ثواب او را مضاعف
میگرداند و میت باین عمل منتفع میگردد و در روایتی وارد شده است که هر گاه شخصی بنیت
میتی تصدق بکند حقتعالی جبرئیل را امر فرماید که با هفتاد هزار ملک نزد قبر او میروند
و هر یکی طبقی در دست دارند از نعمتهای الهی و هر یک باو میگویند السلام علیک ای دوست
خدا این هدیه فلان مومن است برای تو پس قبر او روشن میشود و حق تعالی هزار شهر در
بهشت باو کرامت میفرماید و هزار حوری باو تزویج می نماید و هزار حله باو می پوشاند و
هزار حاجت او را روا میگرداند و در حدیث معتبر منقول است که شش چیز بمومن میرسد بعد از
وفات اول فرزندی که از جهت او استغفار کند دوم مصحفی یا کتابی از کتب علمی که از او
بماند و مردم بعد از او بخوانند سوم درختی که بکارد و مردم از آن نفع یابند چهارم آبی
که جاری سازد پنجم چاهی که حفر نماید که خلق خدا منتفع گردند ششم سنتی است که مردم بآن
عمل نمایند از ارشاد و هدایت خلق یا تصنیف کتب و مانند آن **باب چهاردهم** در بیان
احکام زکوة و خمس و اعتکاف است و در آن سه فصل است **فصل اول** در زکوة آیات
و احادیث بر وجوب آن و عقاب ترک کنندگان آن بسیار است از آن جمله حقتعالی می فرماید

وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي
سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ
فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ
لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ

یعنی آن کسانیکه جمع میکنند طلا و نقره را و حقوق الهی را نمیدهند و در راه الهی صرف نمی نمایند پس بشارت ده ایشان را بعذابی دردناک در آن روز که سرخ کنند این طلا و نقره را در آتش جهنم و داغ کنند با آنها پیشانیها و پهلوها و پشتهای ایشان را و بایشان گویند این مالهائی که از برای خود جمع کرده بودید الحال بچشید عذاب آنها را و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که ندهد قیراطی از زکوة را که لازمست پس نه مؤمن است و نه مسلمان و در وقت مردن استغاثه میکنند که مرا برگردانید بدنیا تا زکوة را بدهم چنانچه حق تعالی فرموده است

حَتّٰى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ

یعنی تا وقتیکه بیاید یکی از ایشان را مرگ گوید پروردگارا برگردانید مرا بدنیا شاید عمل شایسته بکنم در آن مالی که بعد از خود گذاشتم و از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرین علیهم السلام بطرق صحیحه منقولست که کسیکه طلا و نقره داشته باشد و زکوة آن را ندهد حق تعالی او را در روز قیامت حبس خواهد نمود در زمینی [illegible] که [illegible] و مسلط سازد بر او ماری را که [illegible] و در عقب او [illegible] و او از وی گریزد تا چون [illegible] که از آن خلاصی ندارد دست خود را بدهان او بدهد پس بدندان بگزد او را مانند شتر نری که [illegible] دندان [illegible] پس طوق کرده در گردن او و این است معنی قول حق تعالی

سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

یعنی زود باشد طوق کرده شوند در گردن ایشان چیزی را که بخل ورزیده اند در دنیا بآن در راه خدا [illegible] و در روز قیامت و هر کس شتر یا گاو یا گوسفند داشته باشد و زکوة آن را ندهد حق تعالی حبس کند او را در صحرائی [illegible] و پامال کنند او را هر حیوانی [illegible] بسمهای خود و بگزند او را بدندانهای خود [illegible] و هر کس نخل یا زراعت داشته باشد یا باغ خرما و انگور داشته باشد و زکوة آنها را ندهد [illegible] قطعه از زمین تا طبقه هفتم

طوق کرده در گردن او اندازند و آن همه آتش گردد تا روز قیامت و بروایت معتبر دیگر هر که زکوة مالش را ندهد حق تعالی آن مال را اژدهائی کرداند در گردن او که دائم گوشتش را بخورد و گوشتش را بدندان کند تا از حساب خلائق فارغ شوند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام فرموده که هیچ مالی در صحرا و دریا تلف نشود مگر به نه دادن زکوة و حق تعالی می فرماید

مَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ

یعنی مثل جماعتی که صرف می نمایند مالهای خود را در راه خدا از زکوة و خمس و جهاد و حج و غیرها مانند دانه ایست که برویاند از آن هفت خوشه و در هر خوشه صد دانه بوده باشد که مجموع هفتصد برابر میشود و حق تعالی مضاعف میکرداند با ضعاف این برای هر که خواهد و آیات و اخبار درین باب بسیار است و آنچه مذکور شد برای کسیکه ایمان بفرموده خدا و رسول صلی الله علیه و آله داشته باشد کافی است و اما اجناسی که در آنها زکوة واجب میشود نه جنس است **اول** طلا هرگاه مقدار بیست اشرفی باشد و سکه داشته باشد و یکسال بماند که بدل نکنند و تغیر ندهند مقدار چهل و یک آن زکوة می باید داد و بعد از آن هر چهار اشرفی که زیاده می شود بعد از سال چهل و یک می باید داد **دوم** نقره است هرگاه برسد که تخمیناً دوازده هزار و ششصد دینار عجمی باشد موافق زر رائج و سکه داشته باشد یکسال بحال خود بماند بعد از سال چهل و یک می باید داد و همچنین هر چند چهل درهم زیاده شود که دوازده هزار و پانصد و بیست دینار باشد چهل یک آنرا می باید داد **سوم** شتر است و نصاب آن دوازده است **اول** پنج شتر است و در آن یک گوسفند است **دوم** ده شتر است و در آن دو گوسفند است **سوم** پانزده شتر است و در آن سه گوسفند است **چهارم** بیست شتر است و در آن چهار گوسفند است **پنجم** بیست و پنج شتر است و در آن پنج گوسفند است و گوسفندیکه میدهند باید هفت ماه یا بیشتر داشته باشد و کمتر نباشد اگر بز دهند یکساله یا در دو باشد **ششم** بیست و شش شتر است و در آن یک شتر است باید که ماده و یکساله یا در دو باشد و اگر نداشته باشد شتر نر دو ساله یا در سه بدهند **هفتم** سی و شش شتر است باید که

بوید که من مباح ... پسر ... درمی

تا ده دو ساله یا در سه **هشتم** چهل و شش است باید شتر ماده سه ساله یا در چهار بدهند **نهم** شصت و یک است و باید شتر ماده چهار ساله یا در پنج بدهند **دهم** هفتاد و شش است و باید دو شتر ماده دو ساله یا در سه بدهند **یازدهم** نود و یک است باید دو شتر ماده سه ساله یا در چهار بدهند **دوازدهم** صد و بیست و یک است و هرچه زیاده شود در هر پنجاه یک شتر ماده سه ساله میدهد و در هر چهل شتر یک شتر ماده دو ساله میدهد **چهارم** گاو است در هر سی گاو یک گوساله ماده یا نر یک ساله یا در دو میدهد و در هر چهل گاو یک گاو ماده دو ساله یا در سه میدهد پنجم گوسفند است و در چهل گوسفند یک گوسفند واجب است و در صد و بیست و یک گوسفند دو گوسفند است و در دویست و یک گوسفند سه گوسفند واجب است و در سیصد و یک گوسفند احوط آنست که چهار گوسفند بدهد و چون به چهارصد برسد هرچه زیاده شود از هر صد گوسفند یک گوسفند میدهد و در زکوة هر یک از شتر و گاو و گوسفند شرط است که در علف مباح چریده باشند در تمام سال پس اگر علف مملوک خورده باشند زکوة واجب نیست و اگر بعضی از سال چریده باشند و بعضی علف ملک خورده باشند احوط آنست که اگر چریدنش بیشتر باشد زکوة بدهند و بچه ها تا شیر میخورند حساب نمی باید کرد بنابر مشهور و احتیاط در آن است که از روزی که متولد میشوند حساب کنند و در طلا و نقره و حیوانات شرط است که سال بر ایشان بگذرد و سال زکوة یازده ماه است چون ماه دوازدهم داخل میشود زکوة واجب می شود و در گاو و شتر شرط است که کارکن نباشد پس اگر بار کشند یا خیش کنند زکوة واجب نیست و گوسفند و بز را برهم حساب میکنند و گاو و گاومیش را برهم حساب میکنند و شتر نر و ماده و لوک را برهم حساب میکنند **ششم و هفتم و هشتم و نهم** گندم و جو و خرما و مویز است و شرط است که هر یک به نصاب برسند و نصاب پنج وسق است و [illegible] درم است سنگ تبریز و انگور [illegible] صد و [illegible] من باشد احوط انست که زکوة بدهند و شرط است این غلات [illegible] جدا نصاب رسیده باشند اگر گندم و جو را جداگانه [illegible]

کفش ... در وقت جماع ... ازین مباشد لال بودن فرزند و فرمود که ... بگذارید ... بیرون ... شیطان در آن جا ... و فرمود که ... کسی بخواند ...

بر مساجر واجب است واگر مزارعت بکیرد به نصف یا ثلث یا ربع یا ده چهار مثلا زکوة حصه مالک
بر مالک واجب است و زکوة حصه عامل بر عامل اگر حصه هر یک بتنهائی به نصاب رسیده باشد
پس اگر زراعت و باغ آب باران یا آب روان یا آب قنات یا آب ریشه خورده باشد
ده یک میدهند و اگر آب دست یا گاو یا شتر یا چرخاب خورده باشد بیست و یک میدهند
و اگر از هر دو خورده باشد بیشتر اعتبار دارد و اگر هر دو مساوی باشد یازده یک میدهند
و احوط و اقوی آنست که بغیر از خراج پادشاه چیزی از خرج زراعت را بدر نکنند در دادن
زکوة و چون اکثر علما بر آنند که تعلق زکوة بانگور در وقت غوره شدن است پس احوط آنست
که اول ارباب خبرت را بیاورد که تخمین کنند میوه باغ را که چه مقدار است و با خود مقرر سازد که از آن
نسبت زکوة خواهم داد تا آنچه خورد از غوره و انگور حلال باشد با آنکه آنچه بردارد و بکشد بحساب
یا آنچه بردارد عشر غوره را بدهد و همچنین گندم و جو وقتیکه دانه به بندد و بعضی از علما گفته‌اند که زکوة
واجب است در حبوبات مانند برنج و ماش و نخود و عدس و امثال اینها هر گاه به نصاب جو
و گندم برسد بهمان شرائط و مقداری که گذشت و مشهور آنست که زکوة در اینها سنت است
و در مادیان که در علف بیابان چرا کنند و سال بر و بگذرد زکوة سنت است پس اگر پدر و مادرش
عربی باشند در سالی دو اشرفی چهار دانگ و نیم میدهد و اگر یابو باشند که یکی از پدر و مادرش عربی نبود
نباشند یک اشرفی میدهد و در زکوة تجارت جمعی بوجوب قائل شده‌اند و مشهور آنست که سنت است
و آن مالی است که مالک شود آنرا بعنوان معاوضه و در وقت مالک شدن قصد اکتساب و تجارت بآن
داشته باشد و می باید که قیمت آن بیکی از نصاب طلا و نقره برسد و در تمام سال نصاب باقی باشد و در
تمام سال از مایه کم نشود که با مایه یا بیشتر بخرند و اگر چند سال بگذرد که مایه در کمی باشد سنت است که زکوة
یکسال را بدهد و اگر مایه باقی باشد هر سال جدا یک را میدهد و اگر معاوضه کند در اثنای سال بقصد
تجارت خلاف است و احوط آنست که باز بدهد و سنت است که در وقت درو کردن اگر فقیر حاضر
باشد هر فقیر را دسته گندم بدهد هر قدر در دستش در آید و در وقت چیدن خرما و انگور یک مشت بدهد و در زکوة
حساب نکنند و بعضی واجب دانسته‌اند و احوط آنست که ترک نکنند اما مستحق زکوة پس هشت طائفه‌اند

اول و دوم فقرا و مساکین و ایشان کسانی اند که قوت سال ایشان خود و عیال خود نداشته باشند
و فقرا در کسی باشند که معاش خود و عیال خود بآن توانند گذرانید و احوط آنست که صالح باشند
و گدا و سائل بکف نباشند سوم کسی است که امام علیه السلام نصب میکند برای گرفتن زکوة
و حصه باو میدهد و درین زمان آن نمی باشد غالباً و هم چنین چهارم که مؤلفة قلوبهم اند درین زمان
نمی باشند غالباً پنجم صرف کردن در آزادی بندگان است مثل آنکه آقای غلام خود را مکاتب کرده باشد
که مالی بدهد و آزاد شود و او عاجز باشد از دادن آن اگر برآقا زکوة واجب شده باشد که قدری
از زکوة را بمال کتابت او حساب کند والا دیگران از زکوة حصه باو بدهند که بآقا بدهد و آزاد شود
یا غلامی که از دست آقا در تعب و شدت باشد از مال زکوة بخرند و آزاد کنند ششم قرضداران اند که قرض
کرده باشند و در معصیت صرف نکرده باشند و ادای قرض ایشان می توان داد هفتم فی سبیل الله است
یعنی صرف در راههای خدا مانند جهاد فی سبیل الله و یاری حاجیان و زائران ائمه معصومین علیهم السلام
و بنای مساجد و پلها و امثال اینها و بعضی گفته اند که مخصوص جهاد است و در زمانیکه جهاد حق باشد و
این احوط است هشتم ابن السبیل است و آن کسی است که بغربت افتاده باشد و خرج رفتن بجای خود
نداشته باشد بقدر آنکه باو میدهند که بخانه خود برسد اگر سفرش معصیت نباشد و باید کسیکه باو زکوة
میدهند غیر مؤلفه شیعه اثنا عشری باشد و احوط آنست که اجتناب از گناهان کبیره کند خصوصاً
شراب خوردن و دیگر شرط است که واجب النفقه او نباشد مثل پدر و مادر و جد و جده هر چند
بالا روند و فرزندان و فرزند زادگان هر چند پائین روند و زن و بنده و بهتر آنست که زکوة را به
خویشان پریشان بدهند غیر آنها که مذکور شدند اگر شرائط را داشته باشند و غیر سید زکوة
بسید نمی تواند داد و غیر سید احوط آنست که بشریف ندهد و بهتر آنست که زکوة به مجتهد و مؤمن
یا عالمی که مصارف زکوة را داند که بمصرف برساند فصل دوم در خمس است بدانکه خمس در
هفت چیز واجب میشود اول غنیمتی که از کافران در جنگ بگیرند خواه در جنگ گاه باشد خواه
بیرون دوم معادن است مانند طلا و نقره و مس و سرب و یاقوت و زبرجد و سرمه و عنبر و قیر و نفط
و کبریت بعد از آنکه خرج بیرون آوردن را بر دارند و پنج یک آنرا باید داد و مشهور آنست که نصاب ندارد

و بعضی گفته اند نصابش یک دینارست تا به یکدینار نرسد خمس واجب نمیشود و بعضی بیست دینار گفته اند یعنی بیست اشرفی که نصاب اول طلاست و اکثر متاخرین باین قائل شده اند و خالی از قوتی نیست و اگر چند کس شریک باشند باید که حصهٔ هر یک جدا بنصاب برسد سوم گنج است یعنی مالیکه در زمین پنهان کرده باشند پس اگر گنج را در بلاد کفار بیابند که در انجا مسلمانی نباشد هر چند سکهٔ اسلام داشته باشد یا در دار الاسلام بیابند و سکهٔ اسلام نداشته باشد و به بیست دینار یعنی بیست اشرفی برسد اگر طلا باشد خمس آنرا بدهد و باقی از وست اگر نقره باشد بدویست درهم برسد که تومان زر دوازده هزار و ششصد دینار است و اگر غیر طلا و نقره باشد قیمت آن بیکی ازین دو مقدار برسد و اگر سکهٔ اسلام داشته باشد یا علامتی که دلالت کند بر آنکه از مسلمانی بوده است مشهور میان علما آنست که حکم لقطه دارد می باید که یکسال تعریف کند اگر صاحبش پیدا شود بصاحب بدهد و الا مخیرست میان مالک شدن تصدق کردن و بامانت نگاهداشتن و اگر در صورت اول صاحبش پیدا شود و راضی نباشد عوض بدهد و ظاهر اخبار آنست که اگر از روی زمین یافته است لقطه است و اگر در زیر زمین بوده است گنج است خواه اثر اسلام داشته باشد و خواه نداشته باشد و جمعی باین قائل شده اند و خالی از قوتی نیست و اگر گنج را در زمین خود بیابد که از پدران با ورسیده باشد از وست اگر خمس آنرا بدهد احوط است و اگر زمین را خریده باشد تعریف میکند ببایع شرکت و اگر نشانی بدهند که ظن صدق ایشان حاصل شود بایشان میدهد علی المشهور و الا از وست و بازا حوط آنست که خمس آنرا بدهد و همچنین اگر حیوانی بخرد چون شتر و گاو و در شکم او چیزی بیابد تعریف میکند ببایع و اگر نشان ندهد از وست و احوط اخراج خمس است و اگر در شکم ماهی چیزی بیابد خمس میدهد احتیاطا و باقی از وست و بآن ملحق کرده اند حیوانات شکاری را مانند آهو اگر محتمل باشد که در خانهٔ مالک سابق خورده باشد احوط آنست که تعریف او بکند چهارم چیزیست که بغوص از دریا بیرون آورند مانند مروارید و مرجان و نصاب در آن معتبرست و مشهور آنست که نصابش یک دینارست یعنی یک اشرفی تمام و زن و بعضی بیست دینار گفته اند و اگر چند مرتبه در آورد همه را نصاب با هم حساب میکند هر چند در یک غوص در آورده باشد علی الاحوط و اگر چند کس شریک باشند حصهٔ هر یک میباید بنصاب برسد و عنبر را اگر از دریا بغوص آورند حکم

مروارید دارد و اگر از روی آب یا ساحل بردارند مشهور آنست که حکم معدن دارد و احوط آنست
که بهر حال خمس آن را بدهند و رعایت نصاب در آن نکنند **پنجم** فاضل مؤنت سالیانه است
از ارباح تجارتها و زراعتها و جمیع کسبها و مشهور آنست که در میراث و بخشش و هدیه خمس نمی باشد
و خرج سالیانه را که بیرون کنند قدر وسط مناسب حال آن شخص را اعتبار کرده اند پس اگر اسراف
کرده باشد خمس آنچه اسراف کرده است بیرون میکند و اگر بر خود تنگ گرفته باشد آن را هم بیرون
میکند علی المشهور و احوط آنست که از هر چه زیاده آمده باشد بدهد بلکه نهایت احتیاط آنست که
هر چه حاصل شود و خرج بکند و زیادتی را روز بروز خمس بدهد و اگر در اثنای سال اخراجات ضرور
واقع شود مثل خرج کدخدائی و حج بیت الله و زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت
ائمه معصومین علیهم السلام و امثال اینها همه را بقدر وسط بیرون میکند و همچنین تعدیات و زیادتیها
ظلمه میکنند جمیع را بیرون میکند و خمس بقیه را میدهد و ابو الصلاح رح قائل شده است
که در میراث و هبه و هدیه نیز خمس واجب است و در حدیث صحیح وارد شده است که اگر از شخصی
جایزه عظیمی باو برسد یا میراثی از جائیکه گمان نداشته باشد باو برسد یا مالی از دشمنان دین
باو برسد خمس می باید داد و عمل باین روایت احوط است **ششم** زمینی است که یهود یا
نصرانیان و مجوسان از مسلمانی بخرند خمس آن زمین را یا خمس قیمت آن را بارضای ذمی میگیرند
و اگر خانه یا باغ بخرند مشهور میان علما آنست که خمس زمین آنها را میگیرند و اکثر قدمای علما متعرض
این نوع خمس نشده اند **هفتم** مال حلالی است که مخلوط شده باشد بحرام و صاحب آن را
ندانند و مقدار حرام را ندانند خمس آن را میدهند بفقرای سادات و غیر ایشان و بعضی آن را مخصوص
سادات میدانند و بعضی گفته اند بسادات نمی توان داد و ظاهرا هر دو توان داد و اگر بسادات
بدهند بهتر است و اگر مقدار حرام را داند و صاحبش را نیز داند آن مقدار را واجب است
که بصاحبش بدهد و اگر صاحب داند و مقدار را نداند با صاحب باید که صلح کند و بعضی گفته اند
که در این صورت خمس را بصاحب بدهد و بعضی گفته اند مقداری را که علم دارد بصاحب میدهد
و باقی را با صاحب صلح میکند احتیاطا و این احوط است و اگر مقدار را داند و صاحب را نداند

سعی میکند تا صاحب را بهم رساند و اگر بهم نرسد از برای او تصدق میکند و اینصورت و صورت
اول مسمی است برد مظالم و اگر خمس را بدهد یا تصدق کند کل را یا بعض را و بعد از آن صاحب پیدا شود
خلاف است آیا باید باز بصاحب بدهد یا نه و احوط آنست که بدهد و اما مستحق خمس مشهور میان علما
آنست که شش حصه میشود چنانچه ظاهر آیت کریمه است حصه خدا و حصه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ذوی
القربی که نصف خمس است بعد از حضرت رسول خدا از امام زمان علیه السلام است و نصف دیگر سه
حصه میشود که به یتیمان سادات و مسکینان سادات و ابنای سبیل سادات میدهند و مراد از سید موافق
مشهور کسی است که منسوب باشد از جانب پدر به عبد المطلب و تفسیر مسکین و ابن السبیل در زکوة گذشت
و در یتیم احوط آنست که پریشان باشد و ابن السبیل را آنقدر میدهند که بشهر خود برود و از احادیث معتبره ظاهر
میشود که در زمان حضور امام علیه السلام جمیع خمس را بخدمت آنحضرت می برده اند و حضرت نصف را خود میگرفتند
و نصف را بآن سه فرقه سادات میداده اند که مذکور شدند و بهر یک بقدر کفایت ایشان در یک
سال میداده اند و آنچه زیاده می آمده خود بر میداشتند و اگر وفا نمیکرد از حصه خود تتمه را میداده اند و ایشان
بمنزله عیال امام علیه السلام بوده اند و در زمان غیبت احوط آنست که حصه سادات را بعالم عادل امامی
بدهند که بسادات برساند بقدر احتیاج ایشان و اما نصف دیگر خمس که حصه آنحضرت است در زمان
غیبت خلاف است و مشهور آنست که بعالم عادل باید داد که بر سبیل تتمه به نیابت آنحضرت بسادات
بدهد و اگر چیزی زیاده آید حفظ کند و بعد از آن خود بعالم دیگر بدهد که اگر سید پریشانی بیاید باو بدهد و الا از
برای آنحضرت ضبط کند و این فرض درین زمانها بسیار نادر است زیرا که سادات پریشان بسیارند و خمس
دهندگان کم اند و جمعی گفته اند که در زمان غیبت ائمه علیهم السلام این حصه را بر شیعیان حلال کرده اند و این
سخن بیوجه است زیرا که از حضرت صاحب الامر علیه السلام روایت صریحی نرسیده است که بر شیعیان حلال
کرده باشند بلکه خلافش ظاهر است زیرا که در زمان غیبت صغری که هفتاد سال و کسری بود نایبان آنحضرت
ابو عثمان عمری و پسرش ابو محمد و حسین بن روح و علی بن محمد سمری رضی الله عنهم حصه آنحضرت را بلکه تمام
خمس را از شیعیان میگرفتند و بفرموده حضرت بمردم میداده اند و ظاهر آنست که درین زمان نیز نایب
عام آنحضرت که علمای ربانی و محدثان و حاملان علوم ایشانند باید که بگیرند و بسادات که عیال آنحضرت اند

برسانند و الا باید سادات که اشرف خلق اند یا از گرسنگی بمیرند یا سائل بکف شوند و از همه کس
ذلیل تر شوند زیرا که زکوة و صدقات واجبه بر ایشان حرام است و خمس العوض آن برای ایشان قرار داده
اند و بسبب اختلافی که در میان علما بهم رسیده است و بعضی از علمای عصر که اعتبار اجرات داده اند
بر منع خمس باعث این شده است که اکثر سادات به تعب و فاقه مبتلا اند حقوق ایشان و اجداد ایشان
در ذمه اغنیا می ماند و بر تقدیری که امام بر ایشان حرام کرده باشد و زمانها که تقیه و خوف و تعدیات از
خلفای جور بر ایشان مرتفع شده و حلال کرده باشد ایشان چگونه بر خود دشوار میکنند که عیال
و خویشان و اقارب امام خود را در فقر و اضطرار ببینند و بر ایشان رحم نکنند و باز در قیامت
امید شفاعت از ایشان داشته باشند و حال آنکه فرموده اند که بدترین احوال مردم در روز قیامت
وقتی خواهد بود که صاحبان خمس برخیزند و بگویند بده کار خمس خود را میخواهیم و حضرت صادق
علیه السلام فرمود که من یک درهم خمس را از شما میگیرم و حال آنکه مال من از همه اهل مدینه بیشتر است
و میگیرم بگرا از برای آنکه شما پاک شوید از گناه و از حقوق ما و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود
که هر که احسانی با یکی از اولاد من بکند من مکافات میدهم او را در روز قیامت اکثر علما را
که اگر صاحب مال خود حصه امام علیه السلام را با سادات بدهد بری الذمه نمی شود بلکه آنکه و بعضی از اعلام
محدثین ... بیان ... این حکم وارد اند فصل سوم در بیان فضیلت و کیفیت
اعتکاف اعتکاف ایستادن است در مسجد جامع جهت عبادت و آن سنت مؤکده است و مقتضای
آیات و اخبار بسیار خصوصا در دهه آخر ماه مبارک رمضان چنانچه سید المرسلین صلی الله علیه
و آله همیشه در دهه آخر ماه مبارک رمضان اعتکاف می نمودند مگر یک سال که در آن جنگ بدر واقع
شد و در سال دیگر بعد از آن بیست روز اعتکاف داشتند ده روز قضای سال گذشته
و ده روز ادا و از آنحضرت منقولست که اعتکاف دهه آخر ماه مبارک رمضان برابر است
با دو حج و دو عمره و اعتکاف بنذر و شبه آن مانند عهد و قسم و اجاره و امثال آن ... و بغیر واجب
نمی شود و اگر بعد از واجب شده باشد نذر کرده باشد احوط آنست که پسر بزرگ قضا کند
و بعضی گفته اند که ... شروع کردن واجب نمی شود و بعضی گفته اند روز سوم واجب میشود

بیست و هشتم و نهم و دوازدهم و یازدهم و هر چه بالا رود باین نسبت و بعضی گفته اند مطلقا واجب
نمی شود تا آن اسباب وجوب بعمل نیاید و این محل قولیست و احوط آنست که در اول شبها [illegible]
تجدید نیت بکند بقصد قربت و مستحب است که معتکف شرط کند بیرون رود که اگر او را
مانعی عارض شود بیرون تواند رفت از اعتکاف و ظاهر جمعی آنست که جایز است اشتراط
رجوع باختیار بی تقیید بعارض و مانع و بعضی درین مضایقه کرده اند و ظاهرا عارض و مانع
اعم از عذر ضروری است و محل این شرط در اعتکاف سنت نزد نیت اعتکاف است و
[illegible] جماعتی از اصحاب ذکر کرده اند که محل آن در اعتکاف واجب بنذر نزد گفتن صیغه
نذر است و خالی از اشکالی نیست و فایده شرط آنست که نزد عارض یا مطلقا اگر خواهد رجوع تواند کرد
اگر چه در روز سوم باشد و فایده دیگر آنکه اگر با شرط رجوع کند قضا برو او واجب نیست اما
مکان اعتکاف جمعی از اصحاب گفته اند که در غیر مسجد مکه و مدینه و مسجد کوفه و مسجد بصره اعتکاف
نمی باشد و بعضی بجای مسجد بصره مسجد مداین گفته اند و بعضی هر دو را گفته اند و خلاف درین
باب بسیار است و مستند این ربطها که یا معلوم نیست و مسجد بصره درین اوقات بیابان واقعست
و اعتکاف در آن مشکل است و گفته اند مراد از مسجد مکه و مدینه آن قدر است که در زمان حضرت
رسول صلی الله علیه وآله وسلم مسجد بوده نه آنچه بعد از آن حضرت الحاق کرده اند و ظاهرا در هر مسجد
جامع اعتکاف توان کرد و مراد از مسجد جامع مسجد بزرگیست در بلد که در آنجا نماز با جماعت
کنند و مخصوص محله نباشد و از اکثر محلات شهر بآنجا برای اقامت جمعه یا جماعت حاضر
شوند و مستعد باشند مثل مسجد جامع عباسی و مسجد جامع قدیم در صفهان و سائر آنها مثل مسجد
آقا نور و مسجد عباس آباد محل تامل [illegible] و احوط آنست که اگر در مکه و مدینه و کوفه نباشند در غیر
آن مساجد مخصوصه در جمع [illegible] و دیگر احوط آنست که در مسجد کبیر بلد که مشهور بجامع باشد
بجا آورند و اگر مسجد [illegible] کبیر شهر باشد [illegible] است و نهایت احتیاط آنست که قصد کنند
که اعتکاف [illegible] مسجد اگر [illegible] باشد بعنوان اعتکاف معتبر فیها و الا در مسجد
عبادت [illegible] شرط است و در اعتکاف لبث سه روز

یا بیشتر و مشهور آنست که دو شب میان داخل اند و بعضی گفته اند شب اول نیز داخل است و احوط آنست که نزدیک بغروب آفتاب نیت اعتکاف بکند تا شام روز سوم و اگر تا صبح روز چهارم قصد کند نهایت احتیاط است و شرط است در اعتکاف که معتکف روزه باشد خواه روزه واجب خواه سنت و در سنت باید برخصت کسانی باشد که رخصت ایشان در روزه سنت شرط است مانند شوهر زن را و مالک بنده را و احوط آنست که فرزند بی رخصت پدر و مادر اعتکاف سنت نکند و مهمان بی رخصت مهماندار و بر عکس واقع نسازد و نیت در اعتکاف شرط است و ظاهر از قصد قربت کا[فی] است و واجب است که بیرون نرود از مسجدی که در آن اعتکاف میکند بدون ضرورت مانند نماز جمعه اگر در غیر آن مسجد کنند یا عیادت بیمار مومن یا حاضر شدن در جنازه مومن یا قضای حاجت مومن یا برای حاجات ضروری خود مانند بیت الخلا رفتن و غسل جنابت اگر محتلم شده باشد و در غسل جمعه بنا بر قول باستحباب آن و سایر اغسال مستحبه اگر در مسجد نتوان کرد اشکالی هست و مشهور آنست که نمی توان کرد و همچنین جایز است بیرون رفتن از برای تحصیل آب و نان و سایر ضروریات اگر کسی نداشته باشد که برای او تحصیل نماید و همچنین جایز است بیرون رفتن از جهت گواهی دادن و گواه شدن اگر دیگری نباشد و نتوان در مسجد بجا آوردن و چون بدر رود در جائی ننشیند تا برگردد بمسجد و بهتر آن است که در زیر سقف راه نرود تا ممکن باشد و از راههای نزدیکتر بمطلب برود و به بیت الخلای نزدیکتر برود اگر ممکن باشد و توقف بسیار زیاده از ضرورت واقع نسازد و چون وقت نماز شود نماز را در جای دیگر غیر آن مسجد که محل اعتکاف است نکند مگر در مکه معظمه که در همه جا می تواند کرد و اگر وقت تنگ شود در جای دیگر میتواند کرد و اگر سهوا از مسجد بیرون رود اعتکاف باطل نمی شود مگر آنکه زمان بسیار بکشد که او را معتکف نگویند و همچنین اگر جبرا او را بیرون برند و احوط آنست که جزو بدن را نیز از مسجد بیرون نکند و بعضی منع کرده اند از رفتن بر بام مسجد و ظاهر اگر داخل مسجد باشد [illegible] ندارد و بدانکه حرام است بر معتکف جماع کردن با زنان در روز و شب و همچنین حرام است بوسیدن بشهوت و دست بر بدن او مالیدن بشهوت و احوط اجتناب است از بوی خوش اگر [illegible] نباشد و حرام است

طلب منی کردن اگرچه بگفتگو باشد هرگاه عادتش آن باشد که از و منی آید بسبب آن و احوط
آنست که لعبت دست بر ذکر نمالد و حرام است بوی خوش کردن و گل بوئیدن هر گلی که باشد
علی المشهور و باید که جدل و نزاع با کسی نکند و احوط آنست که مباحثه علمی نیز نکند مگر بقدر اظهار حق و خرید و فروش
نکند مگر برای ضروریات خود و عیال خود و احوط آنست که وکیلی از برای خود قرار دهد که اینها
را بکند و احوط آنست که مطلقا معاملات خود را واقع نسازد و عقد نکاح را و جمیع اینها که در اعتکاف
حرام است در روزها و شبها همه حرام است مگر خوردن و آشامیدن که در شب جائز
است نه در روز و هرچه روزه را باطل میسازد اعتکاف را نیز باطل می کند اگر در روز
بفعل آید و در شب افطار می تواند کرد و مفطرات غیر جماع و استمنا را واقع میتواند ساخت
و اولی اجتناب است از غیر اکل و شرب اگر کسی جماع کند اعتکاف او باطل می شود و کفاره
میدهد اگر اعتکاف واجب باشد و در روز اول و دوم اعتکاف سنت خلافست و احوط آنست
که کفاره بدهد اگرچه جماع در شب واقع شود و احوط آنست که هرچه روزه را باطل میکند اگر اینها را
در روز واقع سازد کفاره بدهد احتیاطا و کفاره بنده آزاد کردن است اگر تواند و الا دو ماه
پی در پی روزه گرفتن و الا شصت مسکین را طعام دادن و بعضی گفته اند مخیر است میان اینها
و اول احوط است بلکه اظهر پس اگر جماع در شب واقع شود یک کفاره میدهد و اگر در روز ماه
مبارک واقع شود دو کفاره میدهد یکی امر تبه و دیگری مخیره و بعضی گفته اند که اگر در روز غیر ماه
رمضان واقع شود باز دو کفاره میدهد و آن بیوجه است و بیع و شرا و سائر محرمات
غیر از جماع سبب بطلان اعتکاف نمیشود و کفاره باینها واجب نمیشود و در بطلان باستمنا و
کفاره بسبب آن خلافست و احوط اتمام است و کفاره اگر در شب واقع شود و اگر در روز
واقع شود استمنا باطل میکند اعتکاف را البته و کفاره میدهد احتیاطا و احکام اعتکاف
بسیار است و بآنچه ضرور بود اکتفا کردیم **خاتمه** در بیان کفارات است بدانکه کفاره
بر دو نوع است **اول** کفارات احرام حج و عمره و آنها را در رساله حج بیان کرده ام **دوم**
سائر کفارات و آنها بسیار است بعضی متفق علیه و بعضی مختلف فیه و بعضی واجب و بعضی سنت

و بعضی بترتیب و بعضی بتخییر و همه را باید که بر سبیل اجمال برای طالبان ادراک سعادت و محصلان منجیات عقوبات آخرت بیان می نماید اول کفاره افطار روزه ماه مبارک رمضان است و آن واجب میشود بخوردن و آشامیدن چیزی که خوردن و آشامیدن آن متعارف باشد اتفاقا و در غیر متعارف خلاف است و اشهر و اقوی وجوب است و جماع کردن در قبل زن اتفاقا و در دبر زن علی الاقوی و باقی ماندن بجنابت عمدا تا طلوع صبح علی الاحوط و بخوابیدن با جنابت بی نیت غسل تا صبح علی الاحوط و بخوابیدن بعد از بیدار شدن یکبار یا زیاده تا صبح علی الاحوط و رسانیدن غبار غلیظ بحلق بنا بر قول جمعی بطلب منی کردن و دست بازی کردن یا مکرر نظر کردن بزنی تا منی بیاید علی الاحوط و قی کردن عمدا بنا بر قول بعضی و حقنه کردن بمایعات عمل کردن بنا بر قول بعضی و بدروغ بستن بر خدا و حضرت رسول و ائمه هدی علیه علیهم السلام بنا بر قول بعضی و بسر فرو بردن عمدا در آب بنا بر قول بعضی هرگاه یکی از این امور را بعمل آرد عمدا و مسئله داند کفاره باید داد و در بعضی اجماعا و در بعضی احتیاطا و اگر از روی سهو باشد کفاره ندارد و اگر مسئله نداند در کفاره خلاف است و احوط کفاره است و اگر افطار بحلال باشد کفاره یک بنده آزاد کردن یا دو ماه پیاپی روزه گرفتن یا شصت مسکین را طعام دادن است و بعضی به ترتیب قائل شده اند یعنی اگر قادر باشد به بنده آزاد کردن آن مقدم است و الا دو ماه روزه گرفتن و اگر از این نیز عاجز باشد شصت مسکین را طعام بدهد و قول اول اقوی و ثانی احوط است و اگر افطار بحرام کرده باشد مانند شراب و [illegible] گوشت خوک و مال مغصوب و [illegible] و زنا و لواط بعضی از علما قائل شده اند که هر سه کفاره بر او واجب می شود و بعضی مانند افطار بحلال میدانند و اول احوط است دوم هرگاه در قضای روزه ماه رمضان بعد از زوال افطار کند مشهور آنست که کفاره واجب است و بعضی سنت میدانند و اشهر و اقوی آنست که کفاره [illegible] طعام دادن ده مسکین است و اگر عاجز شود سه روز روزه بگیرد و بعضی مخیر میان این دو [illegible] میدانند سوم کفاره [illegible] و بعضی کفاره افطار ماه رمضان لازم میدانند و بعضی کفاره ظهار است که [illegible]

... علىّ كظهر امّى يعنى تو بر من مانند پشت مادر منى يا خواهر منى يا ساير محارم على
... اشهر اگر اين را بگويد در وقتيكه زن حائض نباشد و در ان طهر با او جماع نكرده باشد و در
... دو عادل بگويد پس اگر خواهد جماع كند بايد كفاره بدهد و اگر بدون كفاره جماع كند دو كفاره
... لازم ميشود بنا بر قول مشهور و كفاره يك بنده آزاد كردن ست و اگر عاجز شود
... دو ماه پى در پى روزه گرفتن و با عجز شصت مسكين را اطعام كردن ست چهارم كفاره
... ايلاست يعنى قسم بخورد كه زوجه دائمه خود را چهار ماه يا زياده وطى نكند و زن او را به نزد
... حاكم شرع ببرد و حاكم حكم كند كه او را طلاق بگويد يا وطى كند و اختيار وطى نمايد بايد كه
... كفاره بدهد و كفاره اش كفاره قسم ست كه بعد از اين مذكور خواهد شد انشاء الله تعالى
پنجم كفاره مخالفت قسم ست بانكه قسم خورد باسماى مقدسه خدا بكردن فعلى كه تركش رجحان
نداشته باشد و يا نكردن فعلى كه فعلش رجحان نداشته باشد و مخالفت آن قسم نمايد كفاره اش
آنست كه يك بنده آزاد كند يا ده مسكين را جامه بپوشاند يا ده مسكين را اطعام كند و اگر از سه
عاجز باشد سه روز پى در پى روزه بدارد ششم كفاره مخالفت نذر ست بانكه نذر كند فعل امرى را
كه راجح باشد يا ترك امرى را كه مرجوح باشد و مخالفت نمايد كفاره اش بعضى گفته اند مانند
كفاره قسم ست و بعضى گفته اند مانند كفاره افطار ماه مبارك رمضان ست يك بنده آزاد
كردن يا دو ماه پى در پى روزه گرفتن يا شصت مسكين را اطعام دادن و بعضى گفته اند كه اگر
نذر تعلق بروزه داشته باشد كفاره اش كفاره افطار ماه مبارك رمضانست و اگر تعلق بغير
روزه داشته باشد كفاره اش كفاره قسم ست و اين قول خالى از قوتى نيست و احوط كفاره
ماه مبارك رمضانست مطلقا هفتم كفاره عهد ست كه با خدا عهد كرده باشد كه امر راجحى
يا غير مرجوحى را بعمل آورد يا ترك كند امر غير راجحى يا امر مرجوحى را و مخالف آن عهد نمايد
كفاره اش مانند كفاره نذر خلافست و احوط آنست كه در نذر مذكور ... هشتم
... قسم خوردن بعنوان بيزارى از خدا و حضرت رسول و حضرت ائمه معصومين عليهم السلام
... ... قسمى خلاف نيست و ليكن در وجوب كفاره چنين قسمى يا كردن خلاف

بعضی گفته اند کفاره آنکس کفاره ظهار است اول بنده آزاد کردن و با عجز از آن دو ماه روزه

داشتن و با عجز از آن شصت مسکین را اطعام کردن و اگر عاجز شود ده مسکین را اطعام یا کسوت دهد

و اگر عاجز شود سه روز متوالی روزه بدارد و بعضی گفته اند کفاره آنکس کفاره نذر است آن

ابن بابویه گفته است که سه روز را روزه بدارد و ده مسکین را اطعام بدهد و بعضی گفته اند که

گناه کرده است و کفاره ندارد و در حدیث صحیح وارد شده است که صفار بحضرت امام حسن عسکری

نوشت که شخصی سوگند یاد کرد به بیزاری از خدا و حضرت رسول و مخالفت کرد توبه و کفاره او

چیست حضرت فرمودند که ده مسکین را اطعام دهد هر مسکینی را یک مد و طلب آمرزش میکند و بعضی

از علما باین مضمون قائل شده اند و خالی از قوتی نیست و ایضا خلاف کرده اند که این کفاره

برای اصل سوگند خوردن است یا برای مخالفت سوگند کردن و باید که چنین سوگند یاد نکند و اگر بکند

مخالفت سوگند عمل بقول اول بکند اگرچه ظاهر است که عمل بروایت مجزی است نهم بعضی از علما

قائل شده اند که زنی که در مصیبت موی سر خود را ببرد کفاره افطار ماه مبارک رمضان بدهد

بترتیب بر قول بعضی و بتخییر بر قول بعضی و بعضی گفته اند گناه دارد و کفاره ندارد و در روایتی

وارد شده است که کفاره افطار ماه مبارک رمضان لازم است و احوط عمل بروایت است

و بعضی تراشیدن موی را نیز الحاق کرده اند به بریدن در وجوب کفاره دهم هرگاه زنی

در مصیبت موی سر خود را بکند یا روی خود را بخراشد یا مردی جامه خود را در مرگ فرزند خود

یا زوجه خود چاک کند کفاره قسم لازم میشود بنا بر قول بعضی و روایتی بر این مضمون وارد شده است

و احوط است هر چند وجوبش ثابت نیست یازدهم مردی که زن دائمه یا متعه یا کنیز خود را

در ایام حیض جماع کند در قبل بعضی کفاره واجب دانسته اند و بعضی سنت و مشهور میان علما

آنست که اگر در اول حیض باشد یک اشرفی تصدق میکند و در وسط حیض نیم اشرفی و در آخر

حیض ثلث اشرفی و احوط عدم ترک کفاره است دوازدهم کسیکه بخوابد و نماز خفتن نکرده

باشد تا نصف شب بگذرد بعضی گفته اند که واجب است که آن روز را روزه بدارد و مشهور استحباب است

و بعضی عامد و ناسی را نیز ملحق کرده اند و مشهور آنست که بر تقدیر وجوب ...

کرده است کفاره ندارد و بعضی لازم دانسته اند کفاره ماه مبارک رمضان و این قول
ضعیف است و احوط آنست که یک روزه قضا بگیرد سیزدهم کفاره قتل عمد است که دانسته
کسی را بکشد یا کاری که غالبا کشنده باشد نسبت بکسی واقع سازد و او کشته شود و قصد کشتن
نداشته باشد کفاره اش آنست که بنده آزاد کند و دو ماه متوالی روزه بدارد و شصت مسکین
اطعام دهد چهاردهم کفاره قتل خطاست که کسی را بنادانی بکشد یا آنکه قصد قتل
نداشته باشد و کاری کند که غالبا کشنده نباشد و او کشته شود مانند آنکه طفلی را برای
تادیب بزند و او بمیرد یا تیری بسوی آهوی بیندازد و بشخصی خورد و کشته شود یا در راه کشتی بخورد
و او بیفتد و بمیرد و اگر خود مباشر قتل نباشد و کاری کند که از آن سبب قتل شود مثل آنکه چاهی در راهی
بکند و کسی در آن چاه بیفتد و بمیرد و یا سنگی بر سر راهی بگذارد و باعث قتل کسی شود مشهور آنست
که کفاره لازم نمی شود هر چند دیت لازم شود و کفاره بنده آزاد کردن است و بعد از عاجز بودن
از آن دو ماه متوالی روزه داشتن و بعد از عجز از آن شصت مسکین اطعام دادن پانزدهم
اگر کسی زنی را در عدت دیگری تزویج کند می باید از آن زن مفارقت کند و بقول بعضی از علما
پنج صاع آرد تصدق میکند و احوط آنست که اگر زن دیگری را عقد کند نیز این کفاره
را بدهد یا بخیر هم تصدق کند شانزدهم کسی که مملوک خود را زیاده از حد شرعی بزند بعضی از
علما گفته اند موافق بعضی از روایات که واجب است که آن مملوک را بکفاره آن عمل
آزاد کند و این احوط است و اگر او را بکشد بعد کفاره جمع بدهد و اگر بخطا بکشد کفاره
قتل خطا بدهد و واجب است که قیمت آن غلام را تصدق کند بنابر مشهور هفدهم کسی که روزه
ماه مبارک رمضان را افطار کند بسبب بیماری اگر تا ماه دیگر رمضان بیمار باشد مشهور
آنست که قضا ساقط می شود و برای هر روز یک مد یا دو مد طعام میدهد علی الخلاف
... قضا میکند و این چند کسی گفته است احتیاطا هر دو را میکند و اگر مابین
دو رمضان از مرض برطرف شود و قادر بر روزه باشد و بدون عذری تاخیر کند تا آنکه
... آنست که بعد از ماه رمضان هم قضا میکند و هم برای

هر روز یک یا دو مد طعام بدهد و بعضی کفاره را واجب دانسته‌اند و بعضی گفته‌اند کفاره در صورتی

که عزم بر قضا نداشته باشد اگر عازم بر قضا باشد و بعد از تنگ شدن وقت بیماری یا عذر

دیگر عارض شود قضا باید کرد و کفاره نیست و قول اول قوی‌تر است و بحد هم نوادر کفاره

است از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کفارهٔ عمل سلطان قضای حاجت مومنان است

و کفارهٔ غیبت آنست که برای آن شخص که او را غیبت کرده است استغفار کند و کفارهٔ مجلس آنست

که چون از مجلس برخیزد بگوید

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ

منزه است پروردگار تو خداوند غلبه از آنچه وصف میکنند و سلام باد بر پیغمبران

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و سپاس خداوندی که پروردگار عالمیانست

و کفارهٔ خنده آنست که بگوید اَللّٰهُمَّ لَا تَمْقُتْنِي یعنی خدایا مرا دشمن مدار و کفارهٔ

غضب ... در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که هر کس به دیگری بگوید لا اب

لك و لا ام لك یعنی ترا پدر مباد و ترا مادر مباد باید چیزی تصدق کند و کسیکه بگوید بحق

یا بجان پدرم کفارهٔ این آنست که بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ و خلاف است در این نوع

از قسم مثل بجان خود یا بجان تو یا بحق پدرم بعضی حرام دانسته‌اند و اشهر کراهت است

و احوط ترک است و اما احکام کفارات مذکوره پس در چند فصل بیان می‌شود اول

هرگاه بنده باید آزاد کرد در کفارهٔ قتل می‌باید آن بنده مومن باشد و در باقی کفارات

خلاف است و احوط رعایت ایمانست و در کفارهٔ قتل احوط آنست که بالغ باشد

مرد و زن بالغ و نابالغ مجزی است باید که آن بنده کور و صاحب خوره و زمین گیر نباشد

و مولی جنایتی با او نرسانیده باشد که موجب عتق او باشد و بعضی گفته‌اند

زنا شده و لد الزنا نباشد و مشهور اجزاست و احوط ترک است و غلام مکاتب ...

که آزاد می‌توان کرد تا قسط مکاتبش هم نرسد و بعضی شرط کرده‌اند

بنده ... که در قطع حیات او باشد دوم در کفاره مرتبه تا از بنده آزاد کردن عاجز نشود
بروزه منتقل نمیشود و هر جا که روزه دو ماه باشد می باید متوالی بگیرد و توالی به یکماه و یک روز
که متصل بگیرد بعمل می آید باین معنی که اگر بعد از آن بدون عذر افطار کند باید از سر بگیرد و ... القرآن
جایز است بی عذری یا حرام است اول اظهر است و ثانی احوط است و اگر پیش از یکماه و یک روز
بی عذر افطار کند از سر بگیرد و اگر بعذری باشد مانند حیض و نفاس و بیهوشی و دیوانگی و بیماری
... روزی بعد از زوال عذر بنا میگذارد و تمام میکند و همچنین اگر مجبور شود در افطار
روزی بنا بر اقوی و هر جا که کفاره دو ماه متوالی باشد اگر کفاره دهنده بنده باشد یکماه پی در پی
بگیرد علی الاقوی سوم هر جا که اطعام لازم شود مشهور آنست که بهر یک آنقدر طعام بخورانند
که سیر شوند و بهتر آنست که نان خورشی با نان ضم کنند مانند خرما یا گوشت یا سرکه و بعضی گفته اند
می باید چاشت و شام هر دو بهر مسکین بخورانند آنقدر که سیر شود و احوط این است اگرچه اظهر آنست
یک وقت اکتفا توان نمود و اگر خواهد طعام را بمسکین میتوان داد و در مقدار آن خلاف است
بعضی یک مد گفته اند و بعضی دو مد و احوط دو مد است و بهتر آنست که با آن نان خورشی نیز بدهد چنانچه
بعضی واجب دانسته اند و در طعام دادن کوچک و بزرگ تفاوت نمیکند و احوط آنست که حصه
اطفال را بولی شرعی ایشان بدهد و اگر طعام خوراند ظاهرا صغیر و کبیر را با هم ضم توان کرد و اگر دو
طفل را بجای یک مرد حساب کند احوط است و در یک کفاره دو حصه را به یک مسکین نمی توان داد مگر آنکه
مستحق یافت نشود و احوط آنست که تا ممکن باشد بغیر مؤمن ندهد و بهر ایشان بسیار پریشان
... بهر که مسکینی را و صادق باشد و مد چهار یک صاع است و صاع یک من تبریزی و چهار
مثقال و ربعی است بنابر مشهور و چون در احادیث اختلافی در تحدید صاع و مد هست احوط آنست
که ... دو مد نیم من شاه تقریبا بدهد چهارم در جایی که کسوت باید داد در زن پیراهن و مقنعه
... و در مرد بعضی یک جامه مانند پیراهن اکتفا کرده اند و بعضی دو جامه لازم دانسته
و بهتر آنست که پیراهن و قبا بدهد یا ... و بالاپوش و بهتر آنست که نو باشند و جامه طفل را اعتبار
نیست ... ولی را ... از عتق رقبه عاجز نشود و شروع کند در روزه و بعد از آن

قادر شود بر بنده آزاد کردن و نه او را میسر نیست و بهتر آنست که ترک کند ...
آزاد کند خصوصاً هرگاه کمتر از یک ماه و یک روز روزه داشته باشد و جمعی از اصحاب قائل
شده اند که هرگاه بر کسی دو ماه متوالی روزه واجب شود و عاجز شود از گرفتن آن هیجده روز
روزه میدارد و اگر نتواند برای هر روزی مدی از طعام میدهد و اگر نتواند استغفار میکند
و اشهر و اقوی آنست که از هر کفاره که عاجز شود استغفار بدل آن میشود و ... کفاره ظهار که
بعضی گفته اند که تا کفاره ندهد وطی زن او حلال نمیشود هر چند عاجز باشد و اگر بعد از عجز و استغفار
بر کفاره قدرت بهم رساند احوط آنست که باز کفاره را بعمل بیاورد و چون اکثر مردم جاهل
اند بکفارات و احکام آنها و بر ایشان لازم میشود و نمیدانند و مشغول الذمه بحقوق الهی
میمانند قدری از احکام آنها در این رساله کثیر الفائده ایراد نمود و ملتمس از برادران ایمانی
آنست که هر که از این رساله منتفع گردد در حالت حیات یا بعد از وفات این شکسته بال
رحمت و مغفرت این مستحق دعا را یاد کنند

خُتِمَ بفضل الله سبحانه وتأییده فی شهر الله
المعظم شهر رمضان من سنة سبع ومائة والف من الهجرة
المقدسة علی ید مؤلفه الراجی رحمة الله الکریم المنان
فی قریة اصبهان صینت عن طوارق الحدثان مع وفور
الاشتغال واختلال الاحوال وتوزع البال الحمد لله اولاً و
آخراً والصلوة علی سید المرسلین محمد
وآله الاطهرین الاقدسین
ولعنة الله علی
اعدائهم
اجمعین

CALL No. ٢٩٤٤، ٤ ف ز ١١ ـــ ACC. NO. ٤٩١٨

AUTHOR باقر محمد

TITLE زاد المعاد

MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over-due.